

نور فاطمہ زہرا
سلام اللہ علیہا



کتابخانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانستیهای مهدوی ۲

نویسنده:

علی غزالی اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۵۳	دانستنیهای مهدوی ۲
۵۳	مشخصات کتاب
۵۳	مهدویت
۵۳	فطرت و مهدویت
۵۳	مهدویت
۵۳	مهدویت شخصیه
۵۴	آخر الزمان
۵۴	آخر الزمان
۵۵	آینده جهان و نظریه پردازان
۵۸	غرب و مهدویت
۵۹	هالیوود و مهدویت
۶۱	آرماگدون
۶۲	غرب و آخر الزمان
۶۳	مردان آخر الزمان
۶۴	هالیوود و آخر الزمان
۶۵	ادعای مهدویت
۶۵	متمهدی
۶۵	ادعای مهدویت
۶۶	استکبار جهانی و مهدویت
۶۶	هزاره گرایی
۶۷	استکبار جهانی و مهدی باوری
۶۷	آسیب شناسی تربیتی و مهدویت

۶۷	انحصار گرایی و کسرت گرایی
۶۸	خرافه پردازی و راز زدایی
۶۸	کمال گرایی
۶۸	مرید بروی و تکروی
۶۸	حصار بندی و حصار شکنی
۶۹	قشری گری و عقل گرایی
۶۹	گسست و دنباله روی
۶۹	آسیب شناسی تربیتی مهدویت
۷۰	اعتقاد به منجی
۷۱	امام مهدی و کتب اسلامی
۷۱	تورات و بشارت موعود
۷۳	پیشگویی
۷۳	پیشگویی های نوسترآداموس
۷۵	پیشگویی ولادت حضرت
۷۵	پیشگویی های واقع شده
۷۷	پیشگویی های کتاب مقدس
۷۹	مهدویت در ادیان و مکاتب
۷۹	اهل کتاب
۸۰	هوشع نبی
۸۰	یهود و نصاری و مهدویت
۸۰	یوئیل نبی
۸۰	اهل کتاب
۸۱	تخریب مسجد الاقصی
۸۲	تورات و بشارت موعود

۸۲	حجی نبی
۸۲	تورات و بشارت موعود
۸۳	مهدویت در زرتشت
۸۳	گات ها
۸۴	زند
۸۴	منجی اعظم
۸۴	زرتشت و بشارت موعود
۸۵	مهدی باوری در ادیان
۸۶	انتظار و صهیونیسم
۸۶	عهدعتیق
۸۶	مهدویت در مسیحیت
۸۶	مسیح دروغین
۸۷	هزاره گرایی
۸۷	انجیل و بشارت موعود
۸۹	صهیونیسم مسیحی
۹۲	مسیحیت سیاسی آمریکا
۹۳	مسیحیت یهودی
۹۵	انتظار در مسیحیت
۹۶	بنی آصفر
۹۶	مسیحیت صهیونیستی
۹۷	هندو
۹۷	هندوها و بشارت موعود
۹۸	اوپانیشاد
۹۸	دادتگ

۹۸	پاتیکل
۹۸	شا کمونی
۹۸	مهدویت در اسلام
۹۹	از دیدگاه شیعه
۹۹	لطف وجود حضرت
۹۹	مهدویت از دیدگاه شیعه
۹۹	امامیه
۱۰۰	امامیه ودوازده امام
۱۰۰	امامیه و شیعه و مهدی
۱۰۱	اعتقاد به مهدی (ع)
۱۰۲	اهل سنت و مهدی
۱۰۲	اهل سنت و مهدی
۱۰۳	راویان احادیث مهدی از اهل سنت
۱۰۳	راویان احادیث مهدی از صحابه
۱۰۳	صاح
۱۰۴	مهدویت و فرقه های انحرافی
۱۰۴	فرقه گرایی
۱۰۴	قرامطه
۱۰۴	محمد بن بشیر
۱۰۴	مرجئه
۱۰۵	مغیریه
۱۰۵	ناووسیه
۱۰۵	واقفه
۱۰۵	احمدیه

۱۰۶	ادعای ارتباط با حضرت
۱۰۶	بابیه
۱۰۷	بتریه
۱۰۸	بهائیت و بنیان گذار بهائیت
۱۱۰	بهائیت و بهائیه
۱۱۳	جارودیه
۱۱۴	دروزی
۱۱۴	سبائیه
۱۱۴	عزاقریه
۱۱۴	فطحیه
۱۱۴	کیسانیه
۱۱۵	محمدیه
۱۱۵	مسلمیه
۱۱۵	ممطوره
۱۱۵	نمیریه
۱۱۶	واقفیه
۱۱۶	اخباریه
۱۱۷	اسماعیلیه
۱۱۷	باقریه
۱۱۷	بشریه
۱۱۷	جعفریه
۱۱۸	زیدیه
۱۱۸	سردابیه
۱۱۹	عسکریه

۱۱۹	مهدی های جعلی
۱۱۹	محمد حنفیه
۱۲۰	مهدی بن محمد
۱۲۰	مهدی عباسی
۱۲۰	ابو اسحاق ابو عبیده ثقفی
۱۲۱	عباس فاطمی
۱۲۱	مدعیان مهدویت
۱۲۲	مهدی سودانی
۱۲۲	ابن حوشب
۱۲۲	سنوسی
۱۲۲	امام مهدی
۱۲۲	دعای حضرت برای شیعیان
۱۲۳	اثبات وجود امام مهدی
۱۲۴	اقامتگاه حضرت
۱۲۴	ناشناخته بودن حضرت
۱۲۴	بیت الحمد
۱۲۴	جزیره خضراء
۱۲۶	مثلث برمودا
۱۲۷	ناجی النجار
۱۲۷	صافیه و جزیره خضراء
۱۲۷	طلوم
۱۲۷	عناطیس و جزیره خضراء
۱۲۷	پروژه بولیمود
۱۲۸	کرعه

۱۲۸	ذی طوی
۱۲۸	خلوت حضرت
۱۲۹	اماکن زیارتی
۱۲۹	مسجد کوفه
۱۳۱	مقام امام زمان
۱۳۱	مکان های دعا برای حضرت
۱۳۱	جمکران
۱۳۲	سرداب سامرا
۱۳۳	امام مهدی در قرآن
۱۳۳	سوره فتح
۱۳۳	سوره فجر
۱۳۳	سوره قدر
۱۳۴	قرآن و بشارت موعود
۱۳۵	سوره ملک
۱۳۶	سوره مائده
۱۳۷	سوره الرحمن
۱۳۷	مسیحات
۱۳۷	مهدی در قرآن
۱۳۸	سوره تکاثر
۱۳۸	سوره شمس
۱۳۹	سوره های صف و زمر
۱۳۹	نور الرب
۱۳۹	جوار الکنس
۱۳۹	سوره ه کهف

غیب	۱۴۰
ولی عصر	۱۴۰
اوصاف و القاب	۱۴۰
ماء معین	۱۴۰
مامور	۱۴۱
ابن الحسین	۱۴۱
ابو القاسم	۱۴۲
ابو صالح	۱۴۲
ابو ابراهیم	۱۴۲
ابو الحسن	۱۴۲
ابوجعفر	۱۴۲
ابو محمد	۱۴۲
احسان	۱۴۲
احمد	۱۴۲
أذن سامعه	۱۴۳
ابو عبدالله	۱۴۳
امام زمان	۱۴۳
امان زمین	۱۴۴
امیر الامرہ	۱۴۴
ایدی	۱۴۴
بئر معطله	۱۴۴
باب الله	۱۴۴
باسط	۱۴۵
برهان الله	۱۴۵

بقیة الانبیاء	۱۴۵
بقیة الله	۱۴۵
بلد الامین	۱۴۶
پسر انسان	۱۴۶
تالی	۱۴۷
تایید	۱۴۷
تمام	۱۴۷
ثائر	۱۴۷
جابر	۱۴۷
جعفر	۱۴۷
جنب الله	۱۴۷
چراغ مخفی	۱۴۸
حامد	۱۴۸
حجاب	۱۴۸
حجت	۱۴۸
حجة الله	۱۴۸
حجت پنهان	۱۴۹
انگشتی حضرت	۱۴۹
حق	۱۴۹
حمد	۱۴۹
خاتم الائمه	۱۴۹
خاتم الاوصیاء	۱۴۹
خازن	۱۵۰
خلف صالح	۱۵۰

۱۵۰		خليفة الاتقياء
۱۵۰		خليفة الله
۱۵۱		خليل
۱۵۱		دابة الارض
۱۵۳		داعى
۱۵۳		رَب الارض
۱۵۳		رجل
۱۵۳		ساعة
۱۵۳		سبيل
۱۵۴		سدرۃ المنتهى
۱۵۴		سلطان مامول
۱۵۴		سنا
۱۵۴		سيد
۱۵۴		شرید
۱۵۴		شيخ الاوصياء
۱۵۴		صاحب الزمان
۱۵۵		صاحب العصر
۱۵۵		صاحب الدار
۱۵۵		صاحب الدولة الزهراء
۱۵۵		صاحب الرجعة
۱۵۵		صاحب السيف
۱۵۵		صاحب الغيبة
۱۵۶		صاحب الناحيه
۱۵۶		صاحب سرداب

صاحب كرة البيضاء	۱۵۶
صالح	۱۵۶
صبح فسفر	۱۵۶
صدق	۱۵۷
صراط	۱۵۷
طالب	۱۵۷
طالب التراث	۱۵۷
عاقبة الدار	۱۵۷
عالم	۱۵۷
عدل	۱۵۷
عزة	۱۵۷
علم منصوب	۱۵۷
عين	۱۵۸
غایب	۱۵۸
غاية القصوى	۱۵۸
غاية الطالبین	۱۵۸
غریم	۱۵۸
غلام	۱۵۸
غوٹ	۱۵۸
غوٹ الفقرا	۱۵۹
غیب	۱۵۹
المضطر	۱۵۹
اولین دادگاه پس از ظهور	۱۶۰
استضعاف	۱۶۰

۱۶۰	انگشتر سلیمان
۱۶۱	فتح
۱۶۱	فجر
۱۶۱	فرَج الاعظم
۱۶۱	فرَج المؤمنین
۱۶۱	فقیه
۱۶۲	قائم الزمان
۱۶۲	قابض
۱۶۲	قاتل الکفره
۱۶۲	قطب
۱۶۲	قوه
۱۶۲	قیامت
۱۶۲	قیم الزمان
۱۶۳	کار
۱۶۳	کاشف الغطاء
۱۶۳	کمال
۱۶۳	مؤمل
۱۶۳	مامول
۱۶۳	مبدا الآیات
۱۶۳	مبلی السرائر
۱۶۴	مجازی بالاعمال
۱۶۴	محسن
۱۶۴	مخبر بما یعلن
۱۶۴	مدبر

۱۶۴	مصبح الشدید الضیاء
۱۶۴	مظهر الفضایح
۱۶۴	مفرج اعظم
۱۶۴	مفضل
۱۶۴	مقتصر
۱۶۵	مقدرة
۱۶۵	منان
۱۶۵	منجى
۱۶۵	منعم
۱۶۵	مهدى
۱۶۶	مهدى موعود
۱۶۷	استضعاف
۱۶۷	نا قور
۱۶۷	ناحيه مقدسه
۱۶۷	ناطق
۱۶۸	موتور
۱۶۸	نجم
۱۶۸	نعمت باطن
۱۶۹	نفس
۱۶۹	نهار
۱۶۹	نور آل محمد
۱۶۹	نور الاتقياء
۱۶۹	نور الاصفیاء
۱۷۰	نية الصابرين

۱۷۰	هادی
۱۷۰	واقیذ
۱۷۰	وتر
۱۷۰	وجه
۱۷۰	ولی الله
۱۷۰	ولی عصر
۱۷۱	ید الباسطه
۱۷۱	يعسوب الدين
۱۷۱	یمین
۱۷۱	اوقات مربوط به امام زمان
۱۷۱	اوقات مخصوص حضرت
۱۷۱	اوقات و حالات دعا برای حضرت
۱۷۲	جمعه
۱۷۲	ساعت مخصوص حضرت
۱۷۲	شب جمعه
۱۷۳	عرض اعمال
۱۷۳	امام مهدی در روایات
۱۷۴	امام مهدی در نهج البلاغه
۱۷۵	پدر حضرت
۱۷۵	پدر حضرت
۱۷۵	القاب پدر حضرت
۱۷۵	اشاره
۱۷۵	نماز بر پیکر پدر
۱۷۵	تداوم امامت

۱۷۶	اموال و دارایی حضرت
۱۷۶	داستانها
۱۷۶	دعاها
۱۷۶	نافله
۱۷۷	نماز حاجت
۱۷۷	آثار دعای فرج
۱۷۸	دعا برای سلامتی حضرت
۱۷۹	اوقات و حالات دعا برای حضرت
۱۷۹	دعای افتتاح
۱۸۰	دعای سمات
۱۸۰	دعای عبرات
۱۸۰	دعای غریق
۱۸۰	دعای فرج
۱۸۱	دعای ندبه
۱۸۱	سندهای ندبه
۱۸۲	کتابنامه دعای ندبه
۱۸۲	نماز تسبیح
۱۸۲	دعای حضرت برای شیعیان
۱۸۳	نماز اما م زمان
۱۸۳	نماز هدیه به حضرت
۱۸۳	ادعیه امام زمان (ع)
۱۸۶	تسبیح حضرت
۱۸۶	دعا برای امام زمان (ع)
۱۸۶	دعای صلوات

۱۸۶	دعای عهد
۱۸۷	دعای غیبت
۱۸۷	دعای غیبت
۱۸۷	عرفات
۱۸۸	ازدواج حضرت
۱۸۹	زیارت
۱۸۹	زیارت آل یاسین
۱۸۹	زیارت امام زمان (ع)
۱۸۹	زیارت جامعه
۱۹۰	زیارت عاشورا
۱۹۰	زیارت مادر حضرت
۱۹۰	زیارت ناحیه مقدسه
۱۹۰	سلام بر حضرت
۱۹۱	سخنان
۱۹۱	آثار حضرت
۱۹۲	توقيع
۱۹۳	توقيع اسحاق بن يعقوب
۱۹۳	خماهن
۱۹۳	خطبه های حضرت
۱۹۴	عطسه
۱۹۵	شخصیت
۱۹۵	ویژگی های حضرت
۱۹۵	شباهت
۱۹۶	امامت

۱۹۶	نور حضرت
۱۹۷	استخلاف
۱۹۷	معرفت امام
۱۹۸	دانش حضرت
۱۹۸	ولی نعمت
۱۹۹	اثبات امامت حضرت
۱۹۹	مرگ جاهلیت
۱۹۹	ختم وصایت
۲۰۰	حق واسطه نعمت
۲۰۰	حق بقا در دنیا
۲۰۰	حق عالم بر متعلم
۲۰۰	وجود هستی
۲۰۰	حق قرابت و خویشاوندی پیامبر (ص)
۲۰۰	حق پدر بر فرزند
۲۰۰	حق امام بر رعیت
۲۰۱	شهادت
۲۰۱	مامنا الا مقتول
۲۰۱	خاک سپاری حضرت
۲۰۱	هفت تکبیر
۲۰۱	مرگ حضرت
۲۰۲	شیعه و مهدی
۲۰۳	طول عمر حضرت
۲۰۳	طول عمر حضرت
۲۰۴	حبابه و البیه

۲۰۵	کتب
۲۰۵	الغیبة
۲۰۵	الفصول العشر فی الغیبة
۲۰۶	عَبَقْرِی الحِسان
۲۰۶	فوائد الشمسیه
۲۰۶	کتابنامه دعای ندبه
۲۰۷	کشف الغمه
۲۰۷	کمال الدین و تمام النعمه
۲۰۷	المحجه فیما نزل فی القائم الحجه
۲۰۸	مصحف فاطمه (س)
۲۰۸	مَمَّهَدون للمهدی
۲۰۸	نور الابصار
۲۰۸	اثبات الوصیه
۲۰۹	اربعینیات درباره حضرت
۲۱۰	اعلام الوری
۲۱۰	المهدی
۲۱۱	باسک
۲۱۱	پاتیکل
۲۱۱	تذکره
۲۱۱	جامعه
۲۱۱	دادتگ
۲۱۱	ریگ ودا
۲۱۱	زند
۲۱۲	شرعۃ التسمیه

۲۱۲	حسن بن محبوب
۲۱۲	فرائد السمطين
۲۱۲	کتاب های غيبت
۲۱۴	کتابنامه رجعت
۲۱۶	کفاية الاثر
۲۱۷	مجالس المؤمنين
۲۱۷	مصحف اميرالمؤمنين (ع)
۲۱۷	مقنع
۲۱۸	نجم الثاقب
۲۱۸	ينابيع الموده
۲۱۸	اذاعة
۲۱۸	ارشاد
۲۱۸	ايعان الشيعة
۲۱۹	اوپانيشاد
۲۱۹	برهان
۲۱۹	تاديب
۲۱۹	جا ماسب نامه
۲۱۹	جفر
۲۲۰	ديد
۲۲۰	زبور
۲۲۱	شا کمونی
۲۲۱	مادر
۲۲۱	مادر حضرت
۲۲۱	رؤياي نرجس

۲۲۱	سرگذشت نرجس
۲۲۴	شمعون
۲۲۴	خبط
۲۲۴	سوسن
۲۲۴	صیقل
۲۲۴	ریحانه
۲۲۵	حدیثه
۲۲۵	بانوی کنیزان
۲۲۵	متفرقه
۲۲۵	لوح فاطمه
۲۲۵	کاسرغینه
۲۲۵	کف دست
۲۲۶	مثالث الهی
۲۲۶	محمد و علی و حسن
۲۲۶	مردی از قم
۲۲۷	مقبوله عمر بن حنظله
۲۲۷	ملا حم
۲۲۷	موالی خاصه
۲۲۸	یوفولوژی
۲۲۸	سرمه در چشم
۲۲۸	شمشیرهای آسمانی
۲۲۸	صندل
۲۲۸	مقدس مآب
۲۲۹	فلان

۲۲۹	کبرییت احمر
۲۲۹	گل نرگس
۲۲۹	محاضیر
۲۲۹	مروانی
۲۳۰	معراج
۲۳۰	ملعون ملعون
۲۳۰	نمک در طعام
۲۳۰	چهل اربعین
۲۳۱	سنت جدید
۲۳۱	شهاب ثاقب
۲۳۱	طا غوت
۲۳۱	سوار بر ابر
۲۳۱	معجزات
۲۳۱	شاهدین معجزات
۲۳۲	طی الارض
۲۳۲	معجزات حضرت مهدی (ع)
۲۳۴	إنا انزلنا
۲۳۴	مهدی و بهشت
۲۳۴	سرور اهل بهشت
۲۳۴	شفاعت حضرت
۲۳۴	نامها
۲۳۴	لوح فاطمه
۲۳۵	کنیه حضرت
۲۳۵	منصور

۲۳۵	اصل
۲۳۵	پرویز
۲۳۵	عبدالله
۲۳۵	غیب
۲۳۶	حاشر
۲۳۶	بهرام
۲۳۶	جعفر
۲۳۶	عصر
۲۳۶	برهان الله
۲۳۶	خجسته
۲۳۶	خسرو
۲۳۷	زند افریس
۲۳۷	شماطیل
۲۳۷	صمصام الاکبر
۲۳۷	کلمه الحق
۲۳۷	لسان الصدق
۲۳۷	مهمید آخر
۲۳۷	اسم حضرت
۲۳۷	اسم اصلی حضرت
۲۳۸	اوقیدمو
۲۳۸	بنده یزدان
۲۳۹	خدا شناس
۲۳۹	راهنما
۲۳۹	سروش ایزد

۲۳۹	شیلو
۲۳۹	دشمنان
۲۳۹	شیطان
۲۴۰	خزیمه
۲۴۰	شیصبانی
۲۴۰	قبیله کلب
۲۴۰	رفتار امام با دشمنان
۲۴۱	بغوطه
۲۴۱	راحت طلبان
۲۴۱	کاسرغینه
۲۴۱	منزلت
۲۴۱	آس
۲۴۲	ذو القرنین
۲۴۲	خورشید پشت ابر
۲۴۳	الیاس (ع)
۲۴۳	انگشتر سلیمان
۲۴۳	نسب
۲۴۳	نسب حضرت
۲۴۴	خطبه امام سجاد (ع)
۲۴۴	ولادت
۲۴۴	قابله حضرت
۲۴۴	ولادت حضرت
۲۴۶	اسماعیل بن علی
۲۴۶	پیشگویی ولادت حضرت

۲۴۷	خبر ولادت حضرت
۲۴۷	عبدالله بن عباس علوی
۲۴۷	علی بن عاصم کوفی
۲۴۸	عمر الاهوازی
۲۴۸	نیمه شعبان
۲۴۸	اسماعیل بن موسی بن جعفر
۲۴۸	حکیمه
۲۴۸	چهل روزگی حضرت
۲۴۹	غانم
۲۴۹	ظریف
۲۴۹	علی بن مطهر
۲۴۹	حسن بن حسین عسکری
۲۵۰	حسین بن الحسن العلوی
۲۵۰	اسماعیل بن موسی بن جعفر
۲۵۰	شعر
۲۵۰	شعر مهدوی
۲۵۰	قصیده ابن عرندس
۲۵۰	گل نرگس
۲۵۱	شعر مهدوی
۲۵۱	گات ها
۲۵۱	اشخاص و افراد
۲۵۲	ابن بابویه
۲۵۲	أبدال
۲۵۳	اوقید مو

۲۵۳	انوری
۲۵۳	ابراهیم ابن محمد همدانی
۲۵۳	ابراهیم بن ادريس
۲۵۳	ابراهیم بن مهزیاراهوازی
۲۵۴	أَبَقَع
۲۵۴	ابن ابی العزاقر
۲۵۴	ابن ابی زینب
۲۵۴	ابن انباری
۲۵۴	ابن جنید
۲۵۵	ابن حسام
۲۵۵	ابن حوشب
۲۵۵	ابن شاذان
۲۵۵	ابن متیلی
۲۵۶	ابن مغازلی
۲۵۶	ابن یمین
۲۵۶	ابوالادیان
۲۵۶	ابوالعنابس
۲۵۶	ابو حامد عمران بن مفلس
۲۵۷	ابوسهل نوبختی
۲۵۷	ابو عبدالله بزوفری
۲۵۷	ابو علی حجدر
۲۵۷	ابوغالب
۲۵۸	اولین مدعی نیابت
۲۵۸	ابو محمد حسین بن ابراهیم

۲۵۸	 ابو ها شم جعفری
۲۵۹	 ابوالدنیا
۲۵۹	 ابوالقاسم حسن بن احمد
۲۵۹	 ابوبکر بغدادی
۲۵۹	 ابودلف کاتب
۲۶۰	 احبشیه
۲۶۰	 احمد الکاتب
۲۶۰	 احمد امین مصری
۲۶۰	 احمد بن اسحاق اشعری
۲۶۱	 احمد بن عبدالله هاشمی
۲۶۲	 احمد بن محمد زجرجی
۲۶۲	 احمد بن هلال
۲۶۲	 احمد بن ابراهیم
۲۶۲	 اخنس
۲۶۲	 اسحاق احمر
۲۶۳	 اسحاق بن اسماعیل
۲۶۳	 اسحاق بن یعقوب
۲۶۳	 اسکافی
۲۶۴	 اسماعیل بن علی
۲۶۴	 اسماعیل بن جعفر الصادق
۲۶۴	 اسماعیل بن موسی بن جعفر
۲۶۴	 اشعیا
۲۶۴	 اصهب
۲۶۵	 آل اعین

۲۶۵	ام ایمن
۲۶۵	ام خالد
۲۶۶	ام محمد
۲۶۶	اهلی شیرازی
۲۶۶	اوتاد
۲۶۷	بابا فغانی شیرازی
۲۶۷	باقطانی
۲۶۷	بحرالعلوم
۲۶۸	بُشرین سلیمان
۲۶۸	بکمینابدو
۲۶۸	بنی قنطوره
۲۶۹	بنی هاشم
۲۶۹	تمنجا
۲۶۹	جبرئیل
۲۷۰	جبیر بن خابور
۲۷۰	جده
۲۷۰	جعفر کذاب
۲۷۱	جویای تبریزی
۲۷۲	حاجز بن یزید
۲۷۲	حارث بن حارث
۲۷۲	حافظ شیرازی
۲۷۳	حابه و البیه
۲۷۴	حجی نبی
۲۷۴	حذیفه بن یمان

۲۷۴	حزقیال نبی
۲۷۴	حزین لاهیجی
۲۷۵	حسن بن حسین عسکری
۲۷۵	حسن بن قاسم بن علا
۲۷۵	حسن بن مثله
۲۷۵	حسن بن محبوب
۲۷۵	حسن خالص
۲۷۵	حسین بن روح
۲۷۶	حسین بن الحسن العلوی
۲۷۶	حکیمه
۲۷۷	حلاج
۲۷۷	حمیری قمی
۲۷۸	خاقانی
۲۷۸	خزیمه
۲۷۸	خضر (ع)
۲۷۹	خبط
۲۷۹	خنس
۲۷۹	خواجوی کرمانی
۲۷۹	دانیال
۲۸۰	دجال
۲۸۱	دعبل خزاعی
۲۸۱	ذوالسویقتین
۲۸۱	ذوالقرنین
۲۸۲	رونی

۲۸۲	رشیق
۲۸۳	روح القدس
۲۸۴	زبیده
۲۸۴	زکریا
۲۸۴	زندیق
۲۸۴	زیات
۲۸۵	سطیح کاهن
۲۸۵	سفیانی
۲۸۶	سلار
۲۸۶	سلمان فارسی
۲۸۷	سمان
۲۸۷	سمری
۲۸۷	سمیه
۲۸۷	سنایی
۲۸۸	سنوسی
۲۸۸	سید بن طاووس
۲۸۸	سید خراسانی
۲۸۹	سید شمس الدین
۲۸۹	سید حسنی
۲۸۹	سید هاشمی
۲۹۰	سیما
۲۹۰	شروسی
۲۹۰	شرعی
۲۹۱	شعیب بن صالح

۲۹۱	شَلَمَعَانِي
۲۹۲	شمعون
۲۹۲	شیطان
۲۹۳	شیصبانی
۲۹۳	صَفَنِيَا
۲۹۳	صیاح
۲۹۴	صیانه ماشطه
۲۹۴	طالب آملی
۲۹۴	طوسی
۲۹۶	ظریف
۲۹۶	عَمَرِي
۲۹۶	عاموس نبی
۲۹۶	عبدالله بن صالح
۲۹۶	عبدالله بن عباس علوی
۲۹۶	عبدالله بن شریک
۲۹۷	عثمان بن سعید
۲۹۸	عقید
۲۹۸	علامه حلی
۲۹۸	علی بن ابراهیم بن مهزیار
۲۹۹	علی بن بلال
۲۹۹	علی بن زیاد
۲۹۹	علی بن عاصم کوفی
۲۹۹	علی بن فاضل مازندرانی
۳۰۰	علی بن محمد سمري

۳۰۱	علی بن مطهر
۳۰۱	علی بن مهزیار
۳۰۲	عمانی
۳۰۲	عمر الاهوازی
۳۰۲	عمر بن زید
۳۰۲	غمری
۳۰۳	عنصری بلخی
۳۰۳	عوف سلمی
۳۰۳	عیسی (ع)
۳۰۳	عیسی بن مهدی جواهری
۳۰۴	غانم
۳۰۴	فضل بن یحیی
۳۰۵	فضلی بن شاذان
۳۰۵	فلان
۳۰۵	فیض کاشانی
۳۰۵	قادیانی
۳۰۶	قاسم انوار
۳۰۶	قاسم بن علاء
۳۰۶	قاسم بن علی
۳۰۷	قاهر بالله
۳۰۷	قطران تبریزی
۳۰۷	قنواء
۳۰۷	کافور
۳۰۸	کافور بن ابراهیم

۳۰۸	کافی
۳۰۸	کامل بن ابراهیم
۳۰۹	کامل سلیمان
۳۰۹	کسروی
۳۰۹	کلینی
۳۰۹	کنیزآذری
۳۱۰	مؤمن آل فرعون
۳۱۰	خروج یاجوج و ماجوج
۳۱۰	ماریه
۳۱۰	مالک اشتر
۳۱۱	مجلسی
۳۱۱	محمد بن ابراهیم بن مهزیار
۳۱۱	محمد بن احمد قطان
۳۱۱	محمد بن ادريس
۳۱۱	محمد بن ایوب بن نوح
۳۱۱	محمد بن بشیر
۳۱۲	محمد بن جعفر اسدی
۳۱۲	محمد بن حسن صیرفی
۳۱۲	محمد بن شاذان بن نعیم
۳۱۲	محمد بن عبدالله محض
۳۱۳	محمد بن عثمان
۳۱۳	محمد بن علی بن بلال
۳۱۴	محمد بن فضل موصلی
۳۱۴	محمد بن نصیر نمیری

۳۱۵	محمد بن نفیس
۳۱۵	محمد حنفیه
۳۱۶	خواب مخزومی
۳۱۶	مستنصر
۳۱۶	مسیح
۳۱۶	مفید
۳۱۷	مقداد
۳۱۷	مقدس اردبیلی
۳۱۸	میلخاء
۳۱۹	ناجی النجار
۳۱۹	نسیم
۳۱۹	نظامی گنجوی
۳۱۹	نعمانی
۳۲۰	نوستر آداموس
۳۲۰	یوشع نبی
۳۲۱	واعظ قزوینی
۳۲۱	یشوعا
۳۲۱	یعقوب بن منقوش
۳۲۱	یعقوب بن یوسف
۳۲۱	یوشع بن نون
۳۲۲	یوئیل نبی
۳۲۲	خروج یمنی
۳۲۲	یمانی
۳۲۳	غیبت

۳۲۳	آثار وجودی امام در عصر غیبت
۳۲۳	فایده امام غایب
۳۲۳	غیبت شانیه
۳۲۴	غیبت
۳۲۵	فترت
۳۲۶	کتاب های غیبت
۳۲۷	ادعای ارتباط با حضرت
۳۲۸	انواع غیبت
۳۲۸	دو غیبت
۳۲۸	غیبت صغری
۳۲۸	معتضد بالله
۳۲۸	مقتدر بالله
۳۲۹	مکتفی بالله
۳۲۹	معتمد بالله
۳۲۹	غیبت صغری
۳۳۲	دوران حیرت
۳۳۲	قاهر بالله
۳۳۲	جعفر کذاب
۳۳۳	زنان در غیبت صغری
۳۳۴	خلفای دوران غیبت صغری
۳۳۴	خلفای عباسی
۳۳۵	نیابت
۳۳۵	وکالت
۳۳۶	وظایف نواب خاص

نیابت عامه	۳۳۶
اهداف نیابت	۳۳۶
راه اثبات نیابت	۳۳۷
ابو دلف کاتب	۳۳۷
احمد بن هلال	۳۳۷
اولین مدعی نیابت	۳۳۸
باقطانی	۳۳۸
محمد بن علی بن بلال	۳۳۸
شَلَمْعَانِي	۳۳۹
باب	۳۴۰
توقيع	۳۴۰
توقیعی ابتدایی	۳۴۱
حمیری قمی	۳۴۱
نواب اربعه	۳۴۲
ناثر نجوم	۳۴۲
حسین بن روح	۳۴۲
علی بن محمد سمري	۳۴۳
عثمان بن سعید	۳۴۴
ابو ها شم جعفری	۳۴۵
اشاره	۳۴۵
محمد بن جعفر اسدی	۳۴۵
حسن بن قاسم بن علا	۳۴۶
محمد بن احمد قطان	۳۴۶
محمد بن ابراهیم بن مهزیار	۳۴۶

۳۴۶	غیبت کبری
۳۴۶	فقیهان
۳۴۶	مردان آخر الزمان
۳۴۷	حکومت اسلامی در غیبت کبری
۳۴۸	سهم امام
۳۴۸	قَتَاد
۳۴۸	اقامتگاه حضرت
۳۴۹	حج و مهدی
۳۵۰	عمانی
۳۵۰	بابیه
۳۵۱	حلاج
۳۵۲	پیشگویی غیبت
۳۵۳	حکمت غیبت
۳۵۳	فایده غیبت
۳۵۳	آزمون غیبت
۳۵۴	دین داری در عصر غیبت
۳۵۴	شاخص های دینداری
۳۵۴	دین داری در عصر غیبت
۳۵۵	زمینه سازی غیبت
۳۵۵	علت غیبت
۳۵۵	فلسفه غیبت
۳۵۶	علت غیبت
۳۵۶	ترس حضرت
۳۵۶	انتظار

۳۵۶	فلسفه انتظار
۳۵۷	آسیب شناسی انتظار
۳۵۷	ادعای ارتباط با حضرت
۳۵۷	نا امیدی از ظهور
۳۵۸	شواذال محمد
۳۵۸	انتظار فرج
۳۵۸	آثار انتظار
۳۵۸	انتظار و بهداشت روان
۳۵۸	آثار انتظار
۳۵۹	انتظار
۳۶۰	انتظار و ادیان
۳۶۰	انتظار در مسیحیت
۳۶۱	انتظار و صهیونیسم
۳۶۱	حقیقت انتظار
۳۶۲	افضل الاعمال
۳۶۲	زمینه سازان ظهور
۳۶۳	منتظران
۳۶۳	منتظر
۳۶۳	انبیاء وائمه منتظر بودند
۳۶۳	تکریم ائمه از حضرت
۳۶۴	تکریم پیامبر از حضرت
۳۶۴	عرض اعمال
۳۶۴	منتظران حقیقی
۳۶۵	دشواری انتظار

۳۶۵	منزلت منتظران
۳۶۵	کبرییت احمر
۳۶۵	فضیلت انتظار
۳۶۶	متشحت
۳۶۶	مجالس حضرت
۳۶۶	ویژگیها و تکالیف
۳۶۶	شکر امام
۳۶۶	مجالس حضرت
۳۶۷	محبت حضرت
۳۶۸	محبوب کردن حضرت
۳۶۸	مراسته
۳۶۸	مراقبه
۳۶۹	منتظر
۳۶۹	نماز هدیه به حضرت
۳۷۰	وظایف منتظران
۳۷۱	یادکرد حضرت
۳۷۱	یاری کردن حضرت
۳۷۲	استغائه به حضرت مهدی
۳۷۲	فرزندان مهدوی
۳۷۳	عجله کنندگان
۳۷۳	تقیه
۳۷۴	تکریم اماکن منسوب به حضرت
۳۷۴	دست بر سرگذاردن
۳۷۴	توسل به حضرت

۳۷۵	حج کردن به نیابت حضرت
۳۷۵	خدمت به حضرت
۳۷۵	دعا برای فرج
۳۷۷	دعا برای سلامتی حضرت
۳۷۷	رقعه حاجت
۳۷۸	سلام بر حضرت
۳۷۸	شکر امام
۳۷۹	شوق دیدار
۳۷۹	صبربرغیبت
۳۷۹	صدقه
۳۸۰	صله با حضرت
۳۸۱	صلوات
۳۸۱	عرض حاجت به حضرت
۳۸۱	عریضه نویسی
۳۸۲	عریضه نویسی
۳۸۳	ظهور
۳۸۳	تقویم زمان ظهور
۳۸۳	ذی حجه
۳۸۳	ربیع
۳۸۳	رمضان
۳۸۴	رمضان
۳۸۴	ذی قعدة
۳۸۴	رجب
۳۸۵	شعبان

۳۸۶	صَفَر
۳۸۶	آثار ظهور
۳۸۶	آثار ظهور
۳۸۷	شادمانی جهان از ظهور
۳۸۷	زمینه سازان ظهور
۳۸۷	مَمَّهَدُونِ لِلْمَهْدِي
۳۸۷	زمینه سازان ظهور
۳۸۸	ظهور نزد ادیان و مذاهب
۳۸۸	زرتشت و بشارت موعود
۳۸۹	عاموس نبی
۳۸۹	تورات و بشارت موعود
۳۹۱	ظهور
۳۹۱	یاران
۳۹۱	یاوران حضرت
۳۹۲	جن
۳۹۲	آزمون یاران حضرت
۳۹۲	اصحاب کهف
۳۹۳	انصار حضرت
۳۹۳	پیروان ادیان
۳۹۴	اسراء
۳۹۴	امت امت
۳۹۴	شیعه در عصر ظهور
۳۹۴	یوشع بن نون
۳۹۵	الیاس (ع)

۳۹۵	اوتاد
۳۹۵	جوانان
۳۹۶	سلاح یاران حضرت
۳۹۶	شهادت در رکاب حضرت
۳۹۶	اصحاب حضرت
۳۹۶	محل ظهور حضرت
۳۹۷	اشخاص
۳۹۷	جبرئیل
۳۹۷	سفیانی
۳۹۸	خضر (ع)
۳۹۹	جبیر بن خابور
۳۹۹	عیسی (ع)
۴۰۰	پیشگویی ها
۴۰۰	منجم یهودی
۴۰۰	پیشگویی های نوستر آداموس
۴۰۲	سطیح کاهن
۴۰۳	پیشگویی های واقع شده
۴۰۴	سیمای دوران ظهور
۴۰۶	قیام
۴۰۶	هدف قیام
۴۰۶	ایام الله
۴۰۷	حارث بن حارث
۴۰۷	سیف
۴۰۷	اولین دادگاه پس از ظهور

۴۰۷	پرچم پیش از قیام
۴۰۸	روز قیام
۴۰۸	شعار پرچم قیام
۴۰۸	نشانه های ظهور
۴۰۸	نشانه ها در طبیعت
۴۰۸	گرسنگی
۴۰۹	ابرسخت
۴۰۹	باران های فراوان
۴۰۹	صورتی در خورشید
۴۱۰	ملخ سرخ
۴۱۰	سرخي آسمان
۴۱۰	صورتی در ماه
۴۱۰	مکانها
۴۱۰	ارمینیه
۴۱۱	اوضاع اجتماعی
۴۱۱	فقیهان
۴۱۱	کساد
۴۱۱	مفاسد آخرالزمان
۴۱۴	آتش و دود
۴۱۴	امر به منکر
۴۱۴	تردید در حضرت
۴۱۴	حج در آخر الزمان
۴۱۵	دین فروشی
۴۱۵	رشوه

۴۱۵	زنان آخر الزمان
۴۱۶	قطعی رحم
۴۱۶	معنویت پیش از ظهور
۴۱۶	فراگیر شدن ظلم
۴۱۷	انکار حضرت
۴۱۸	ترس
۴۱۸	ربا
۴۱۸	زمامداران آخر الزمان
۴۱۹	عاق والدین
۴۱۹	هرج و مرج
۴۱۹	زمانی بیاید
۴۲۰	نشانه ها
۴۲۰	ذو السویقتین
۴۲۰	خَسَف
۴۲۰	جا موس
۴۲۱	یک سوم
۴۲۱	ملا حم
۴۲۱	کشف هیکل
۴۲۱	ستاره دنباله دار
۴۲۲	جذام
۴۲۲	بوا سیر
۴۲۲	نشانه های نزدیک ظهور
۴۲۳	گرسنگی
۴۲۳	قذف

۴۲۴	علائم غیر حتمی
۴۲۴	صیحه آسمانی
۴۲۵	صورتی در خورشید
۴۲۵	سید حسنی
۴۲۵	خسف بیداء
۴۲۶	خروج یاجوج و ماجوج
۴۲۶	خروج دجال
۴۲۷	صورتی در ماه
۴۲۷	صدای زمینی
۴۲۷	سید خراسانی
۴۲۸	خروج یمنی
۴۲۸	خروج سفیانی
۴۳۰	دابة الارض
۴۳۱	دانشمندان آخر الزمان
۴۳۲	اشخاص
۴۳۲	ابقع
۴۳۲	سید خراسانی
۴۳۳	دجال
۴۳۴	خروج دجال
۴۳۵	اصهب
۴۳۵	اخنس
۴۳۵	خروج یمنی
۴۳۶	سید حسنی
۴۳۶	خروج سفیانی

۴۳۸	علائم حتمی
۴۳۸	خسف بیداء
۴۳۸	خروج یمنی
۴۳۹	یمانی
۴۳۹	صیحه آسمانی
۴۴۰	نشانه های حتمی ظهور
۴۴۰	خروج سفیانی
۴۴۱	وقت ظهور
۴۴۲	بداء
۴۴۳	جمعه
۴۴۴	عا شورا
۴۴۴	توقیت
۴۴۴	سال فرد
۴۴۵	الر
۴۴۵	امر ناگهانی
۴۴۵	ذی حجه
۴۴۶	ربیع
۴۴۶	رمضان
۴۴۶	شوال
۴۴۶	صَفَر
۴۴۷	شعبان
۴۴۷	رجب
۴۴۸	ذی قعدة
۴۴۸	بعد از ظهور

۴۴۸	کمالات در عصر ظهور
۴۴۸	کمالات در عصر ظهور
۴۴۸	مدینه فاضله مهدی
۴۴۹	مرگ حضرت
۴۴۹	ما منا الا مقتول
۴۴۹	هفت تکبیر
۴۵۰	مرگ حضرت
۴۵۱	خاک سپاری حضرت
۴۵۱	اعلام ظهور
۴۵۱	اولین دادگاه پس از ظهور
۴۵۱	موتور
۴۵۱	اولین دادگاه پس از ظهور
۴۵۱	منتقم
۴۵۲	ناصبی ها
۴۵۳	حکومت
۴۵۳	تخریب مساجد
۴۵۳	عدالت مهدی (ع)
۴۵۴	شیوه حکومت حضرت
۴۵۴	بازرگانی در عصر ظهور
۴۵۴	بی نیازی در عصر ظهور
۴۵۵	دام پروری در عصر ظهور
۴۵۵	رفاه در عصر ظهور
۴۵۶	برکت در عصر ظهور
۴۵۶	کارگزاران حکومت مهدی (ع)

۴۵۷	مرکز حکومت حضرت
۴۵۷	عقل
۴۵۷	کشاورزی در عصر ظهور
۴۵۸	زنان در دوران ظهور
۴۵۹	مرکز بیت المال در عصر ظهور
۴۵۹	مرکز قضاوت حضرت
۴۵۹	جزیه
۴۶۰	مرکز قضاوت حضرت
۴۶۰	داوری حضرت
۴۶۰	مدت حکومت حضرت
۴۶۱	پایان حکومت حضرت
۴۶۱	کتاب جدید
۴۶۲	جهانی سازی حضرت
۴۶۳	بهداشت در عصر ظهور
۴۶۳	امنیت پس از ظهور
۴۶۴	تالیف قلوب
۴۶۴	اقلیت ها در حکومت حضرت
۴۶۵	دانش در عصر ظهور
۴۶۵	شیعه در عصر ظهور
۴۶۶	قیامت
۴۶۶	ایام الله
۴۶۶	چهل روز قبل از قیامت
۴۶۶	بوا سیر
۴۶۶	اشتراط الساعه

۴۶۷	دابة الارض
۴۶۹	مخالفان حضرت
۴۶۹	مقدس مآب
۴۶۹	منافقان
۴۷۰	مخالفان حضرت
۴۷۰	نام روز ظهور
۴۷۰	يوم الفتح
۴۷۱	يوم الخلاص
۴۷۱	اولین برنامه حضرت
۴۷۱	پایان تاریخ
۴۷۱	رجعت
۴۷۱	اولین رجعت کننده
۴۷۲	رجعت
۴۷۲	رجعت پیامبران
۴۷۳	رجعت امامان
۴۷۳	رجعت در ادعیه و زیارات
۴۷۴	رجعت در روایات
۴۷۵	رجعت در قرآن
۴۷۵	رجعت و اندیشمندان
۴۷۶	رجعت در امت های پیشین
۴۷۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

دانشتیهای مهدوی ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸ عنوان و نام پدید آور: دانشتیهای مهدوی ۲ / واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان / علی غزالی اصفهانی مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

مهدویت

فطرت و مهدویت

از دیدگاه مذاهب و ادیان، عقیده به ظهور حضرت مهدی (ع) مسأله ای کاملاً فطری و طبیعی است که با سرشت آدمی آمیخته شده، و عمری به درازای عمر آفرینش انسان دارد فطرت، همان الهام و درک درونی، خواست طبیعی و تمایل باطنی انسان است که نیاز به دلیل ندارد و هرانسانی بدون دلیل و برهان آن را می پذیرد و به آن ایمان دارد وجود تشنگی و گرسنگی در نهاد آدمی، یک امر فطری و طبیعی است و نیاز به دلیل ندارد، پس اگر تشنه می شویم و احساس گرسنگی می کنیم و علاقه به آب و غذا داریم، دلیل بر آن است که آب و غذایی وجود دارد که دستگاه آفرینش، تشنگی و گرسنگی و میل به آن را در وجود بشر قرار داده است. اگر انسان ها در انتظار ظهور مصلح بزرگ جهانی به سر می برند و شبانه روز انتظارش را می کشند، دلیل بر آن است که چنان نقطه ارجی در تکامل جامعه انسانی امکان پذیر است. حقیقت مهدویت، در واقع منتهی شدن سیر جوامع بشری به سوی جامعه واحد، سعادت عمومی، تعاون و همکاری، امنیت و رفاه همگانی، حکومت حق و عدل و خلافت شایستگان و مؤمنان به رهبری موعود پیامبران و ادیان است و این همان چیزی است که مطلوب هر فطرت پاک و خواست طبیعی هر انسان سالم و وجدان بیدار است. به همین جهت است که هم ادیان و مذاهب مختلف و هم دین مبین اسلام به این میل باطنی و خواسته درونی - ایجاد آرمان شهر حقیقی به دست منجی - توجه خاصی مبذول داشته و ظهور رهبری الهی و منجی آسمانی را در پایان جهان به پیروان خود وعده داده اند (۱). ۱. ظهور مهدی از، دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۵۲.

مهدویت

مصدر جعلی مهدی، به معنای مهدی بودن است. در اصطلاح، اعتقاد به ظهور مهدی (ع) را گویند که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است. این موضوع در اسلام به قدری مسلم است که درباره آن کتاب هایی تألیف شده است که تاریخ نگارش بعضی از سالها پیش از تولد حضرت مهدی (ع) بوده. مانند کتاب المشیخه که یکصد سال قبل از غیبت کبری نوشته شده و اخبار مربوط به غیبت حضرت مهدی (ع) در آن آمده است. همچنین برخی از اصحاب و شاگردان ائمه (ع) درباره حضرت و قیام او کتاب نوشته اند. مانند: - ابراهیم بن صالح انماطی از یاران امام باقر (ع). - حسن بن محمد بن سماعه، از اصحاب امام موسی بن جعفر (ع). - محمد بن حسن بن جمهور از اصحاب حضرت رضا (ع). - علی بن مهزیار، از یاران حضرت جواد (ع). روفضل بن شاذان نیشابوری، از شاگردان امام رضا، امام جواد و امام هادی (ع).

مهدویت شخصیبه

در باب مهدویت، عقیده مذهب شیعه این است که مهدویت خاصه صحیح و مقبول است و به تعبیر دیگر آن چه مورد پذیرش است مهدویت شخصیه است، نه مهدویت نوعیه. لکن بعضی از صوفیه و عرفا قائل به مهدویت نوعیه بوده یا هستند. به این معنا که عقیده دارند در هر عصری و دوره ای باید یک مهدی وجود داشته باشد که ویژگی ها و خواص مهدویت و هادویت را داشته باشد و می گویند هیچ عصری خالی از یک مهدی هادی نیست و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است و چه خصائصی را داراست. این عقیده بعضی صوفیه و عرفا است که البته از نظر ما نامفهوم بلکه مردود است. عقیده مبرهن و مستدل مذهب شیعه آن است که مهدویت، مهدویت شخصیه است. یعنی یک فرد است که مهدی این امت است و موعود امت ها و ملت ها است و ابعاد و ویژگی های او مشخص است. خانواده اش، پدر و مادرش، محل ولادت و غائب شدن و نشانه های ظهورش و حتی خصوصیات جسمی او و دریک کلام همه ابعاد مربوط به او اعلام شده است و با این مشخصات و ویژگی های ذکر شده، ما فقط یک مهدی را قبول داریم. آری یک فرد به عنوان مهدی است که واجد و جامع تمامی این خصائص و ویژگی ها و نشانه ها است. (۱) ۱. نشریه موعود شمار ۱۰۰ و ۱۱۰ ص ۴۸.

آخر الزمان

آخر الزمان

آخرالزمان اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا، به معنای آخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت. در فرهنگ اسلامی، آخر الزمان، هم دوران نبوت پیامبر اکرم (ص)، تا وقوع قیامت را شامل می شود و هم دوران غیبت و ظهور مهدی موعود (ع) را در دوران معاصر، عده ای از مفسران و متفکران مسلمان از قبیل: مرحوم علامه طباطبایی، استاد شهید مرتضی مطهری، سید قطب، محمد رشید رضا، شهید سید محمدباقر صدر و... با اتکا به آیاتی از قرآن کریم اعراف: ۱۳۸، انبیاء: ۱۰۵، صافات: ۱۷۱ و ۱۷۲ استخلاف انسان در زمین، فرمانروا شدن نیکوکاران زمین وراثت صالحان و پیروزی حق بر باطل را به رقم جولان دائمی باطل، به عنوان سرنوشت آینده بشر مطرح کرده اند و آیات و روایات مربوط به تحولات آخر الزمان را بیانگر نوعی فلسفه تاریخ می دانند و به اعتقاد ایشان، عصر آخر الزمان عبارت است از دوران شکوفایی تکامل اجتماعی و طبیعی نوع انسان. چنین آینده ای امری است محتوم که مسلمانان باید انتظار آن را داشته باشند و نباید منفعل و دلسرد به حوادث واقعه بنگرند، بلکه با حالتی پر نشاط و خواهان صلاح جامعه انسانی و آگاه از تحقق اهداف تاریخی انتظار، باید سرشار از امید، آمادگی و کوشش درخور این انتظار مقدس باشند. در چارچوب این برداشت، آخر الزمان قطعه معینی از تاریخ نوع انسان است که او باید در آن، حرکت تکاملی تدریجی خود را تا تحقق وعده الهی ادامه دهد. در حالی که در کتب علماء متقدم همچون "کمال الدین" رحمه الله الغیبه شیخ طوسی رحمه الله چنین تفسیری از تاریخ نبوده و تحولات آخر الزمان امری است غیر عادی که در آخرین بخش از زندگی نوع انسان واقع می گردد و به تحولات قبلی جامعه انسانی مربوط نمی شود. شناخت آخر الزمان یا فرجام شناسی (Eschetologie) در ادیان یهود، مسیحیت و زرتشتی نیز حائز اهمیت است. نگاهی به دردها و آلام بشر اندیشمند امروز و قربت او در زوال فطرت پاک آدمی، چنین می نمایاند که در میان همه خواسته های ضد و نقیضش، امروز یکی هست که همه در آن مشترکند همه اقوام و ملل یکصدا خواهان آزادی اند. (۱) در احادیث بسیاری آمده است که حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان ظاهر می شود. پیامبر اکرم (ص) بر فراز منبر فرمود: مهدی از عترت و اهل بیت من است. او در آخرالزمان ظهور می کند. (۲) و نیز فرمود: مژده باد شما را به ظهور مهدی که او در آخرالزمان به هنگام سختی روزگار و فتنه و اختلاف و عدم امنیت می آید و خداوند به وسیله او زمین را پر از قسط و عدل می نماید. (۳) امام باقر (ع) نیز می فرماید: دولت ما آخرین دولت هاست....

(۴) پیامبر (ص) دست‌ها را بهسوی آسمان برافراشت و گفت: خداوند! برادرانم را به من بنمایان. یکی از اصحاب گفت: مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه، شما یاران من هستید. برادران من کسانی هستند که در آخرالزمان می‌آیند و به من ندیده ایمان می‌آورند. خداوند آن‌ها را پیش از آن که از صلب پدران به رحم مادران درآیند، با نام خود و پدران‌شان به من معرفی نموده است که استقامت هر یک از آن‌ها در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک، و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است. آن‌ها مشعل‌های هدایت هستند که خداوند آن‌ها را از فتنه‌های تیره و تاریک نجات می‌بخشد. (۵) درباره فتن و حوادث آخرالزمان، احادیث بی‌شماری از حضرت ختمی مرتبت و حضرات ائمه (ع) در کتب حدیث به ثبت رسیده است. مجموعه‌هایی از آن احادیث، به صورت کتب مستقلی به نام ملاحم، الغیبه و دیگر نام‌ها نگاشته شده است. روایات معصومین (ع) نشان می‌دهد: ۱. با سپری شدن این دوران، بساط زندگی دنیوی برچیده و مرحله‌ای جدید در نظام آفرینش آغاز می‌شود. ۲. آخرالزمان خود به دو مرحله کاملاً متفاوت تقسیم می‌شود: دوران نخست که در آن انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی می‌رسد. دوران بعد، عصر تحقق وعده‌های الهی به پیامبران و اولیای خدا است و با قیام مصلح جهانی آغاز می‌شود. کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً از سوی همه فرقه‌های بزرگ اسلامی پذیرفته شده است، ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور مهدی (ع) و نیز هویت او اختلاف نظر وجود دارد. ۱. نشریه موعود شماره ۱۱ و ۱۰ ص ۵۴. ۲. غیبه طوسی ص ۱۱۱ بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۷۴. ۳. منتخب‌الآثر ص ۱۷۱. ۴. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۳۲ اثبات الهداء ج ۳ ص ۵۱. ۵. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۴. ۶. منتخب‌الآثر ص ۵۱۵ الزام‌الناصب ص ۱۳۷.

آینده جهان و نظریه پردازان

امروزه در اثر تحولاتی که در آخرین دهه قرن بیستم رخ داده است، خصوصاً فروپاشی شوروی و پایان رسمی جنگ سرد، اندیشه حکومت جهانی به محور پیش‌بینی نویسندگان معاصر عمدتاً آمریکاییان درباره آینده جهان تبدیل شده است. دیدگاه مشترک نویسندگان غربی، توسعه خطی تحولات و رسیدن حتمی به حکومت جهانی دموکراسی لیبرال است. لذا "مسئولیت" رهبران عرب برای رسیدن به آن موقعیت و بی‌فایده بودن مقاومت مردم و رهبران غیرغربی در برابر این سیر محتوم وقایع جهان را متذکر می‌شوند. اما هر یک از آن‌ها برای مقصود خویش راهی جداگانه را برگزیده‌اند. به تعدادی از این نظریات یا پیش‌بینی‌ها، بدون نقد آن، اشاره می‌کنیم. الف) فرانسیس فوکویاما: معاون ژاپنی الاصل بخش برنامه ریزی سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا- تابستان ۱۹۸۹ با پردازشی نو از اندیشه هگل درباره آخرالزمان، چنین می‌اندیشد که جریان حقیقی تاریخ، در سال ۱۸۰۶ کمال معنوی پیدا کرده است و پس از ظهور و شکست محتوم فاشیسم و مارکسیسم، سرانجام به سیطره دموکراسی لیبرال می‌انجامد و به کمال مادی هم دست می‌یابد. او تنها الترناتیو جایگزین واقعی و معتبر لیبرالیسم را فاشیسم و کمونیسم می‌داند که فروپاشیده‌اند، ولی معتقد نیست که دیگر هیچ اندیشه‌ای وجود ندارد. بلکه به نظر او در پایان تاریخ برخی جوامع به صورت جوامع لیبرال موفق در آمده و بقیه هم از ادعای خود مبنی بر ارایه اشکال و الگوهای متفاوت و برتر درباره ساماندهی انسانی چشم می‌پوشند. در واقع لیبرالیسم از آن رو بر جهان مسلط می‌شود که در برابرش، ایدئولوژی بسیج‌کننده‌ای برای رویارویی با آن وجود ندارد. این به منزله نقطه پایان تحول ایدئولوژیکی بشریت و جهانی شدن دموکراسی غربی به عنوان شکل نهایی حکومت با لوازم آن یعنی شیوه زندگی سرمایه‌داری و میل دستیابی به جامعه مصرفی که به لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی منجر می‌شود است. او این رکود برخورد و تکاپوی اندیشه‌ها را پایان تاریخ می‌نامد دورانی که در آن شور و شوق‌ها از بین رفته و سده‌های ملالت باری در پیش خواهد بود. او درباره جهان سوم معتقد است که هنوز در تاریخ فرو رفته است، و آن را تحقیر می‌کند و می‌گوید که جهان سوم در تحول ایدئولوژیکی جهان نقشی ندارد. از نظر او تعارض شمال و جنوب به جای شرق و غرب بیداری جهان اسلام، رشد ملی

گرایی، شکست سیاست های توسعه، گسترش تروریسم، بحران سیستم پولی بین المللی، بی ثباتی بازارهای جهانی، قدرتمند شدن متزاید هند و برزیل، همگی فرعی بوده و تناقض بنیادین با لیبرالیسم ندارند. بلکه میراث مشترک ایدئولوژیکی بشریت اهمیت دارد. این میراث مشترک، همان لیبرالیسم اقتصادی و سیاسی است. ب) مارشال مک لوهان نیز همین نظر را با دیدگاه دیگری بیان می کند. دیدگاه او مبتنی بر انقلاب در عملیات با اطلاعات است که جهان کنونی را به یک دهکده تبدیل کرده است و حتی ارتباطات در جهان فعلی از ارتباط افراد یک دهکده سریع تر و راحت تر شده است. در همه دنیا یک دریای واحد اطلاعاتی هست که سرچشمه و منبع آن غرب است. این تحول در اطلاعات سبب تماس نزدیک فرهنگهای بومی غیر غربی با فرهنگ غربی دموکراسی لیبرال شده است و در این تماس طبعاً فرهنگ قوی و غالب، فرهنگهای دیگر را جذب و هضم می کند و تفکر لیبرالیسم در سراسر جهان رواج می یابد. فرهنگها یک کاسه می شوند و عناصر کلیدی ساختار اجتماعی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و غیره همه به سوی یکسان شدن پیشرفته و نهایتاً مقتضی ایجاد یک حکومت جهانی که فرهنگ و ساختار اجتماعی دهکده جهانی هویت آن را تعیین می کند، خواهد بود. با این مقدمات ضرورتاً حکومت واحد جهانی با فرهنگ دموکراسی لیبرال تشکیل می شود. ج) آلون تافلر دیدگاهی دارد که نه مبنای فلسفی دارد و نه روش جامعه شناختی استدلال و برهان نهایی ارایه نمی دهد بلکه همواره از یک نقطه شروع کرده و با ارایه مثال و نمونه به نقطه دیگری عزیمت می کند. او مشکل آینده جهان را بر اساس نوع قدرت و تقسیم آن ترسیم می کند و قدرت را مهم ترین یا تنها عامل موثر سیاسی جهان و ساختار اجتماعی بشر می داند. او معتقد است که سه گونه تمدن در جهان وجود دارد که هر یک نظام خاصی برای تولید ثروت دارد: تمدن کشاورزی موج اول تمدن صنعتی موج دوم تمدن علمی و اطلاعاتی موج سوم که راه آینده جهان در نتیجه برخورد آن ها با هم ایجاد و مشخص خواهد شد. در این تمدن ها اگر چه عناصری از مذهب، فرهنگ و قومیت وجود دارند، ولی این پیوندها توسط نیروهای صنعتی ضعیف شده اند، لذا در تمدن موج سوم تأثیر این عناصر بسیار اندک و در تمدن کشاورزی در بالاترین حد است. او هر یک از این تمدن ها را- چون جوامعی با مذاهب، فرهنگها و قومیت های متفاوتی را در بر می گیرد- یک ابر تمدن می نامد که با مفهوم رایج تمدن چندان سازگار نیست. به نظر تافلر جنگ به شیوه موج سوم، جنگی با ابزار و تسلیحات هوشمندانه الکترو- لیزری است، که دقت بسیار و آسیب پذیری کم دارد و جنگی بهداشتی و پاکیزه است. (۱ د) پال کندی از استادان مشهور انگلیسی دانشگاه های آمریکا، نظراتی واقع بینانه تر دارد. البته نظریات وی جنبه پیش بینی ندارد، بلکه بررسی مشکلات واقعی است که به ترتیب ایالات متحده آمریکا، غرب و بالاخره تمام انسان ها با آن مواجه هستند و خواهند بود. بنابراین می توانیم نظریات او را در دو قسمت بیان کنیم: ۱. افول نسبی ایالات متحده آمریکا: که به تعبیر وی به عارضه گستردگی بیش از اندازه امپراتوری دچار شده است. یعنی مجموع منافع و تکالیف جهانی آن، امروزه بسیار بزرگتر از قدرت آن برای دفاع همزمان از همه آن هاست. و همچنین با امکان نابودی هسته ای که ماهیت سیاست قدرتمندانه بین المللی را کاملاً دگرگون کرده است. به نظر وی به دلیل امکان نابودی کامل طرفین در یک جنگ تمام عیار هسته ای، آن ها به گسترش نیروهای سنتی خود که هزینه بسیار بیشتری دارد، رو آورده اند. مجموع این خصوصیات سبب شده است که اگر روزی کشورهای مهم در گیر جنگ غیر هسته ای شوند، وضعیت استراتژیکی ایالات متحده آمریکا سبب شود مثل اسپانیایی امپراتوری یا بریتانیای دور آن ادوارد هفتم، مخاطراتی عظیم متوجه منافع این کشور در خارج از آن شود و این کشور هم به تنهایی قادر به دفاع همزمان از آن ها نخواهد بود و ترک هر یک از آن ها هم خطرات بزرگ دیگری دارد.

۲. مشکلات آینده جهان خصوصاً جهان غرب: پاول کندی برخی از مسایل را که مشکلاتی مشترک البته از وجوه مختلف در انتهای قرن بیستم برای بشر می آفریند، بررسی می کند: انفجار جمعیت، انقلاب بیولوژی و نتیجه بیکاری، فقر و نگرانی میلیون ها کشاورز، پشرفت ارتباطات و... و نتایج این مشکلات و راهای مبارزه با آن با تقویت آن را نیز بررسی می کند. روی هم رفته کار پاول کندی عمدتاً بررسی واقعیت است نه پیش بینی آینده البته نویسندگان دیگری هم در این مورد نظراتی دارند. مثلاً دکتر

احمد سیف معتقد است که دموکراسی های غربی از جهان سوم دشمنانی دیو هیبت و اهریمنی نشان می دهند از نظر رقابت ایدئولوژیک، از نظر احتمال مهاجرت گسترده جنوب به شمال، و از نظر تهدید نظامی و غیره تا خود موفق شوند به حالت بربریت برگردند. هـ) ساموئل هانتین گتون استاد دانشگاه هاروارد آمریکا که نظریه معروف برخورد رویاروی تمدن ها را پرداخته است، خلاصه اندیشه وی از این قرار است: ۱. نقطه اصلی برخورد در جهان آینده نه ایدئولوژیکی است و نه اقتصادی، بلکه فرهنگی است و بین تمدن ها صورت می گیرد ۲. حتی ممکن است در درون یک تمدن نزاع ها و برخوردهای هم پدید آید ولی سرنوشت جهان را برخورد تمدن ها تعیین خواهد کرد. ۳. تمدن، بزرگترین واحد عرصه بین الملل است و در جهان کنونی هفت یا هشت تمدن بزرگ وجود دارد: تمدن غربی، تمدن کنفوسیوسی، تمدن ژاپنی، تمدن اسلامی، تمدن هندو، تمدن اسلاوی- ارتدوکس، تمدن آمریکای لاتین و احتمالاً تمدن آفریقایی. این تمدن ها وجوه اختلاف اساسی دارند: تاریخ، زبان، فرهنگ، سنت، و از همه مهم تر مذهب البته اختلاف لزوماً به معنی درگیری و درگیری مترادف باخشونت نیست. هر چند اقلب، طولانی ترین و خشونت آمیزترین برخوردها بین تمدن ها بوده است ۴. جهان در حال کونش و واکنش، بین ملت های وابسته به تمدن های مختلف در حال افزایش، و در نتیجه هوشیاری تمدنی و آگاهی به وجوه اختلاف بین تمدن ها و وجوه اشتراک در درون هر تمدن در حال شدت یافتن است خود آگاهی تمدنی ۵. مذهب و فرهنگ، هویت واقعی افراد را تشکیل می دهد و حل مسایل مربوط به آن از حل مسایل اقتصادی و سیاسی دشوارتر است و تمایزات مربوط به آن واقعی و غیر قابل تعویض یا معامله است. ۶. تمدن های کنفوسیوسی و اسلامی در حال ارتباط و همکاری با هم در برابر تمدن غرب برای برخورد با منافع، ارزش ها و قدرت آن هستند. موضوعات همکاری و ارتباط این دو با هم، سلاح های هسته ای شیمیایی و بیولوژیکی، موشک های بالستیک و ابزار پیشرفته پرتاب آن ها، قابلیت های راهبری و اطلاعاتی و دیگر امکانات الکترونیکی در این زمینه است و غرب می کوشد در قالب کنترل تسلیحات با آن مقابله کند. این امر احتمالاً موجب درگیری بین غرب و چند کشور اسلام می- کنفوسیوسی در آینده بسیار نزدیک خواهد شد. در انتها وی به غرب اندرزهایی از قبیل همکاری و وحدت بیشتر کشورهای غربی با هم، افزایش قدرت خود و سازش با تمدن های دیگر و ادامه رابطه با روسیه و ژاپن، استفاده از تعارض های درون تمدن های دیگر و حمایت از گروه های غربگرا در تمدن های دیگر و درک عمیق تر از ارزش ها و باورهای تمدن های دیگر و شناخت عناصر مشترک بین تمدن غربی و سایر تمدن ها و نیز تقویت نهادهای بین المللی تحت سلطه اش می نماید. ۷. از نظر هانتین گتون جهان معاصر پس از جنگ سرد دو خصیصه دارد: ۱. در گذشته یک نظام بین المللی چند قطبی پس از شکست ناپلئون مبتنی بر چارچوب غرب و اروپا وجود داشت، اکنون برای اولین بار در تاریخ، سیاست های جهانی هم چند قطبی است و هم چند تمدنی هر یک یا چند قدرت بزرگ متعلق به یک تمدن هستند ۲. در جهان چند قطبی- چند تمدنی، بی تردید غرب همچنان به صورت فائده خواهد ماند، ولی قدرت و جذابیت تمدن های دیگر در حال افزایش و عکس العمل بر ضد غرب هم در حال شکل گیری است. ولی در دراز مدت قدرت غرب نسبت به دیگر تمدن ها در حال کاهش است. ۸. مهم ترین منابع بی ثباتی در جهان معاصر عبارتند از: الف: در جهان چند ملیتی- چند تمدنی، بروز درگیری های قومی و قبیله ای در درون کشورها و جوامع امری کاملاً بدیهی است. ب: پویایی موجود در جهان اسلام در زمینه تجدید حیات اسلام که بنیادگرایی اسلامی صرفاً بخش کوچکی از آن است. احیای اسلام و واکنشی است به مشکلات ناشی از نوسازی و تحول اجتماعی، افزایش جمعیت، شهری شدن مردم و از خود بیگانگی گسستن از سنت های بومی و نیز واکنشی است علیه قدرت غرب ج: تحولات ژرف جاری در آسیای شرقی که پویاترین منطقه اقتصادی جهان است و چرخش قدرت از غرب به سمت کشورهای آسیایی بسیار بدیهی است و چین بازیگر اصلی در سیاست و در آینده این کشور پس از رشد اقتصادی سریع گستاخ تر و توسعه طلب تر و مهاجم تر و امپریالیست تر خواهد شد. ۹. هانتین گتون جریان های دموکراسی شدن در جهان معاصر و آخرین مراحل آن و تغییر ساختارهای حکومتی مختلف در نقاط متفاوت جهان و همچنین تغییرات نهادها و سازمان

های تشکیل دهنده هر یک و میزان سازگاری آیین کنفوسیوس و اسلام با دموکراسی را بررسی می کند و رهنمودهایی را نیز برای دموکرات شدن ذکر می کند و علل میزان پیشرفت دموکراسی در جوامع را مورد تحقیق قرار می دهد. و اما از دیدگاه قرآن؛ قرآن کریم درباره سرانجام بشر، دیدگاهی خوش بینانه دارد و در آن پایان دنیا، پایانی روشن و سعادت آمیز دانسته شده است. عبودیت الهی در سطوح گوناگون فردی و اجتماعی آن، براساس برنامه ریزی خداوند و در چارچوب اصل اختیار واقع شده و غالب انسان ها از آن بهره مند می شوند. آیات ناظر به آینده جهان، بر عنصر خوش بینی در جریان کلی نظام طبیعت و طرد عنصر بدبینی درباره، پایان کار بشر تأکید ورزیده، به نوعی فلسفه تاریخ بر اساس سیرعمودی و تکاملی آن اشاره دارد. از نگاه اسلام، دین با پشت سر گذاشتن مراحل مختلف، در کامل ترین شکل خود به بشر عرضه شده است و تمام نبوت ها و شرایع پیشین، مقدمه شریعت ختمیه اند. در مجموع می توان نتیجه گرفت که دوره اسلامی، همان دوره آخرالزمان است که تحقق کامل دیدگاه مثبت اسلام، درباره پایان تاریخ، در عصر ظهور امام مهدی (ع) به وقوع خواهد پیوست. آیه ۵۵ سوره نور وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. دلالت بر پایانی خوش برای جهان دارد. ۱. نشریه موعود شماره ۱۰ ص ۷۶

غرب و مهدویت

امروز به وضوح تلاش های ضد دینی دولت های غربی که به طرفداری از اومانیزم و انسان مداری که مأمور طرد و نفی تفکر خداگرایی و دین باوری در جوامع غربی است، به بن بست رسیده و نسل رنسانس بی دین غرب که در چندین قرن پیش شکل گرفته است رو به انقراض است و ونسان مذهبی در غرب فراگیر می شود. امروزه نشانه های بی شماری از رنسانس مذهبی در غرب دیده می شود که برخی از این گرایش ها را در بین فرقه های مسیحی می توان مشاهده کرد این نشانه های رنسانس مذهبی در غرب تنها در گرایش به کلیسا و دعا نیایش خلاصه نمی شود، بلکه به دلیل رشد روز افزون و آگاهانه آن، واکنش در برابرانانت به مقدسات را نیز نتیجه می دهد و سردمداران و حامیان اندیشه های ضد دینی را که دولت های غربی در راس آن قرار دارند، در موضع ضعف می افکند نمونه های این بیداری را در اعتراض به نمایش فیلم های توهین آمیزی چون آخرین وسوسه های مسیح و... می توان دید (۱) از طرف دیگر امروزه هزاران گروه از فرقه های مذهبی بر این عقیده اند که هزاره بعدی، زمان ظهور منجی آخرالزمان است. تد دانیلز اهل فیلادلفیا که دکترای خود را از دانشگاه پنسیلوانیا اخذ کرده و تحصیل کرده هاروارد است می گوید: در پی یک نظر خواهی انجام شده از سوی هفته نامه یواس. نیوز این نکته روشن شده است که، ۶۱ درصد از آمریکایی ها بازگشت دوباره مسیح (ع) را به زمین باور دارند و ۵۹ درصد آنها به آخرالزمان معتقدند و حتی ۱۲ درصد آن ها آخرالزمان را برای چند سال آینده پیش بینی می کنند. اگر چه از جهت فلسفی بین گروه ها و فرقه های گوناگون، اختلافاتی وجود دارد، اما دانیلز یک دور نمای اصلی را در همه آن ها یکسان می انگارد و آن همان طرز فکری است که بر اساس آن ها این اعتقاد وجود دارد که زمین به حالت اولیه اش باز می گردد و عدالت و یکرنگی بر همه جا حاکم می شود. آن روز دیگر از بدبختی و جنگ خبری نیست این اندیشه همواره با ظهور قهرمانی که همه امور را مرتب می سازد همراه است. اما قبل از رسیدن به این نقطه، باید جهان مصائبی چون طوفان های عظیم، فوران آتشفشان ها، سقوط شهاب سنگها و حتی اپیدمی هایی چون ایدز را پشت سر بگذارد. از جمله دیگر گروه های فعال در این رنسانس مذهبی گروه وفاداران به عهد، هستند که به گفت بیل مک کارتنی مؤسس این گروه، نباید انتظار نجات آمریکا را از سیاستمداران آنان داشت آنان نجات آمریکا را از خدا می خواهند و می گویند برانیم تا تحت تأثیر اراده خداوند جامعه خود را طبق نمونه دینی خود دوباره بسازیم. در این رنسانس مذهبی آن آیین و دینی که بیش از همه راهگشا و تغییر دهنده بوده و جبهه اهل مبارزه با الحاد را تشکیل داده اسلام است. در دنیای سرگشته امروز و

در میان عطش روز افزون نیاز به مذهب و معنویت، این اسلام است که در همه ابعاد پاسخگوی نیازهای فطری و اصیل بشری است و راه روشن و هموار اتصال به مبدأ وجود را فرا راه بشریت امروز قرار می دهد. روزی برنارد شاو (فیلسوف برجسته انگلیسی صریحا به زنده بودن دین اسلام اعتراف کرده و اعلام نمود: من همیشه نسبت به دین محمد، به واسطه خاصیت زنده بودن شگفت آورش نهایت احترام را داشته ام به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد. من چنین پیش بینی می کنم و اکنون هم آثار آن پدیدار شده است، که ایمان محمد مورد قبول اروپای فردا می باشد (۲). وقتی برنارد شاو پیش بینی می کرد که آیین اسلام جهانگیر می شود و مورد قبول مردم اروپا قرار می گیرد و تنها اسلام است که می تواند مشکلات جهان را حل کند، همه به اظهاراتش می خندیدند و بدون تحقیق و بی اعتنای از کنار آن می گذشتند. اما امروز حقیقت سخنان برنارد شاو و سایر متفکران آزاد اندیش برای مردم غرب آشکار گشته و گرایش روز افزون مردم به جهان اسلام، نشانه بارزی است برای صحت پیش بینی های او. امروزه کسانی که در آمریکا و اروپا به اسلام می گروند، همان حقایقی را در می یابند که متفکران غربی آن را از ویژگی های بزرگ اسلام و عامل نجات بشریت و پناهگاه امن معنوی برای انسان های سرگشته غربی معرفی می کنند یک تازه مسلمان شده آمریکایی می گوید: این آیین قادر است فشارهای جامعه بی بنیاد و مصرفی آمریکا را که متوجه افراد است، برطرف کند. اسلام نه تنها یک دین بلکه یک شیوه درست زندگی نیز می باشد یک آمریکایی آفریقایی تبار نیز که تازه به اسلام گرویده است، اسلام را یک دین جهانی می داند که میان ابنا بشر از لحاظ رنگ و پوست و نژاد فرقی قائل نیست. با آنکه مردم غرب شیفته اسلام شده اند و به طور روز افزون به این آیین حیات بخش می پیوندند، دولت مردان و سیاستمداران غربی که تعالیم مقدس اسلام را با منافع نامشروع و قدرت طلبی های خود در تضاد می بینند، با تبلیغات گسترده و مسموم خود سعی در ایجاد مانع و جلوگیری از استقبال مردم غرب از تعالیم اسلام دارند امروزه طرفداران نهضت جهانی اسلام، باید بیش از هر زمان دیگر خود را مسئول پاسخگویی به نیازهای معنوی مردم غرب بدانند و با سازماندهی و گسترش تبلیغات همه جانبه خود، از آثار سوء دستگاه های تبلیغی غرب بکاهند و جلوه های نورانی فرهنگ و معارف اسلامی را به بهترین وجه به روح های تشنه حقیقت عرضه بدارند (۳). ۱. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳/۵/۷۳ ص ۱۰۱. ۲. روزنامه جمهوری اسلامی ۲۴/۵/۷۳ ص ۱۱. ۳. نشریه موعود شماره ۷ ص ۶۴.

هالیوود و مهدویت

جهان امروز جهان تصویر است و عمده ترین مصداق این تصویر سینماست. پستمن در کتاب زندگی در عیش، مردن در خوشی سه دوره را برای انتقال معلومات ذکر می کند. دوره اول دوره انتقال معلومات به وسیله زبان بود پدر می گفت، فرزند حفظ می کرد. دوره دوم دوره مکتوب بود و کتاب، حافظ و حامل معنا برای نسل بعدی شد. ایشان سومین دوره را دوره تصویر می داند که تصویر سینمایی و تلویزیونی جای در موج قبلی نداشته است. واقعیت قضیه این است که ما در عصر تصویر و عصر سینما زندگی می کنیم و عنوانی که تحت عنوان دنیای اطلاعات و انفجار اطلاعات داریم، عصاره اش تصویر است یعنی این اطلاعات جذاب ترین، مؤثرترین، کارآمدترین و ماندگارترین شیوه ابراز آن تصویر است. ما در شبانه روز بین ۷۸ تا ۷۹ درصد اطلاعات دریافتی روزانه را از چشمانمان به دست می آوریم و بقیه حواس، درصد بعدی را به خود اختصاص می دهند. طبق تحقیقاتی که طی ۱۵، ۱۰ سال گذشته صورت گرفته، انسان با نیمکره راست مغزش با اطلاعات برخورد شهودی می کند یعنی در آن جا ماندگار است و بزرگترین و عمیق ترین تأثیرات را روی شخصیت انسان می گذارد مجموعه این قضایا تصویر را کارآمدترین عامل نه تنها برای انتقال معلومات، بلکه تأثیرگذاری روی شخصیت و روان افراد قرار می دهد. این مقدمه به نحوی بیانگر جایگاه تصویر و سینماست غرب در ذات تکنولوژیکی خودش تفوق طلب است فرانسیس بیکن در ابتدای رنسانس گفته که هدف نهایی علم، قدرت است.

در چنین فضایی، غرب برای اعمال این قدرت و کسب مطامع بیشتر، از تصویر بهترین استفاده را می کند هالیوود به عنوان مرکز فیلمسازی آمریکا در سال ۷۰ فیلم تولید می کند و سالانه ۱۵,۱۶ میلیارد دلار سود خالص دارد و نزدیک به ۷۸ درصد سینماها و تلویزیون های جهان از آن تغذیه می شوند. الان مهم ترین کاری که می کنند این است که مبانی نظری خودشان را که محصول ایده ها و اهداف شان است به زبان تصویر ترجمه کنند. بزرگترین ویژگی غرب، ترجمه معنا به تصویر است. چون روانشناسی مدرن بیانگر این است که تأثیری که تصویر دارد هیچ کلامی ندارد و بحثی در روان مناسی داریم که هر تصویر معادل هزار کلمه است. کار دیگر تصویر و سینما توأم در گیر کردن احساسات و ادراک است. سخنورها ادراک را مخاطب قرار می دهند و فیلم های بی محتوا، احساس را و فیلم های هدفمند، ادراک و احساس را با هم. در چنین قلمرویی احساس، جذابیت را، ادراک، معنا پذیری را و جمع آن ها سینما را می سازد. در حقیقت واقعیت های جهانی و هالیوود و فرهنگ سازی آن بیانگر این است که غرب از سینما حداکثر استفاده را می برد، چون برایش استفاده دارد، لذا جایگاه ویژه ای هم دارد. آمریکایی ها فیلمی ساخته اند به اسم روز استقلال این فیلم از لحاظ جلوه های ویژه بسیار بالاست و خیلی هم در آمریکا مطرح شد و در جهان هم روی آن خیلی تبلیغ شد پیام آن این بود که آمریکا و نظام فرهنگی حاکم بر غرب تنها سیستمی است که جهان را از خطراتی که وجود دارد حفظ می کند و این پیام را در اکثر فیلم ها ترویج و تبلیغ می کنند. در فیلم پیشگویی های نوستر آداموس این آمریکاست که مقابل مسلمان ها می ایستد یا مثلاً بازی کامپیوتری خیلی مشهور یا مهدی که اسم اصلی اش **persian gulf inferno** جهنم خلیج فارس است، خلیج فارس را مرکز حرکت های تروریستی جهان جلوه می دهد. ما در بعد روانشناسی می گوئیم این بازی افراد را نسبت به امام زمان و لفظ یا مهدی شرطی می کند، ولی وقتی باطن قضیه را نگاه می کنید می بینید پیام دیگری هم دارد و آن این است که وقتی خلیج فارس مرکز حرکت های تروریستی جهان می شود، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس توجیه می شود. غرب یکی از کارهایش این است که قبل از اینکه به عملیات گسترده دست بزند، از طریق رسانه ها کار خودش را توجیه می کند در سال ۲۰۰۰ فیلمی داشتیم در هالیوود با عنوان ماتریکس **matrix**. این فیلم فروش و استقبال غیر منتظره ای داشت. در این فیلم هویت انسان آینده که به ماشین تبدیل شده، زیر سؤال می رود. اما نجاتی که برای فرار از این بحران ذکر می شود شهری است به اسم **zoin** صهیون یعنی شما در این فیلم پنج، شش بار کلمه صهیون را می شنوید با اصطلاح لاتین آن و با چهره شهر منجی. یعنی تصویری که ارائه می شود این است که فقط یکجاست که در آن جا می توانید نجات پیدا کنید، چه در قلمرو ماده و چه معنا و آن صهیون است. با توجه به مطرح بودن بحث آینده جهان در صحبت های اندیشمندان مختلف غربی نظیر هانتینگتون و فوکویاما و مسأله آرمادگدون **armagddon** یا نبرد آخرالزمان، دیدگاه غرب نسبت به مسأله آخرالزمان مهم است. اگر به تاریخ سینما مراجعه کنید از تقریباً ۱۹۶۴، ۱۹۶۵ سینما وارد مرحله جدیدی می شود که این مرحله توجیه کننده افزایش قدرت تسلیحاتی شرق و غرب است، یعنی از آن موقع فیلم ها می روند سراغ بشقاب پرنده ها و موجودات فضایی مثل فیلم های جنگ ستارگان **jour locus** که از همان موقع شروع شد. بعد کشف شد که شرق و غرب که این فیلم ها را می سازند، تعمد دارند. اگر انسان نسبت به یک قدرت فضایی بسیار قدرتمند ترسانده می شد، تلاش در جهت افزایش قدرت تسلیحاتی شرق و غرب توجیه می شود و توجیه هم شد. واقعیت این است که بحث آینده گرایی در غرب خیلی جدی است و به عبارتی جدی تر از فضای ما و علتش هم این است که ما با مسأله انتظار در بعد مذهبی و دینی خودمان روبرو می شویم و حضرت امام زمان (ع) در قلمرو دینی ما حضور دارد. اما در غرب، بحث آینده نگری در تمامی ابعاد فوق العاده جدی است؟ به همین دلیل متفکران بخش مهمی از افکارشان را صرف این می کنند، چون قلمرو علمی غرب بالا است. غربی ها متوجه شدند که ما در اعتقادات اسلامی یک منجی داریم که زمانی ظهور می کند و لذا سعی کردند که از این موضوع برای رسیدن به اهداف سلطه جویانه خود استفاده کنند. مستر همفر در کتاب خاطراتش ذکر می کند که چطور ما محمد علی باب را انداختیم در این فضا و گفتیم تو بابی و امام زمانی به نحوی نشان می دهد که غرب

نسبت به تأثیر و اوج حضور این اندیشه در تمدن اسلامی شناخت پیدا کرده است. قبل از انقلاب اسلامی و فیلم نوستر آداموس هم غربی ها فعالیت هایی انجام داده بودند منتهی مسأله مهدویت پس از پیروزی انقلاب ایران برای این ها مطرح شد. این فیلم مربوط به سال های ۸۰ و ۸۱ میلادی است. این فیلم را اورسون ول که فوق العاده معتبر بود در جهان سینما - و بنا به اعتبارش او را مفسر اشعار نوستر آداموس کردند ساخته بود. مسأله امام زمان (ع)، برای این ها مهم است. بعد بازی کامپیوتری یامهدی ساخته شد، مقالات مختلفی نوشته شد، فیلم های مختلفی ساخته شد، منتهی از دهه نود سبک کار را عوض کردند. دیدند اگر بیايند امام زمان شیعیان را نفی کنند به نحو دیگری اثباتش کرده اند. چون در جهان این اتفاق وجود دارد که اگر چیزی را غرب نفی کند، حتماً یک ارزشی دارد. لذا در دهه ۹۰ در فیلم هایی مثل صهیون آرماگدون یک بعد اثباتی برای آن طرف مطرح شد به جای بعد تخریبی این طرف. در سال ۹۷ گاسپار وان برگر next war جنگ بعدی را نوشت و بخشی از آن را اختصاص داد به اینکه در سال ۹۹ شخصی در ایران به قدرت می رسد، به اسم "محمد منتظری" که اسم اصلی امام زمان (ع) است. منتظری هم، از انتظار گرفته شده و هیچ ارتباطی با شهید محمد منتظری حزب جمهوری اسلامی ندارد در فیلم نوستر آداموس هم می گوید مردی که نام آخرین پیامبر را با خود دارد، دوشنبه را برای تعطیل برخواهد گزید. می گوید ایشان به قدرت می رسد و دانشمندان ناراضی هسته ای شوروی را فرا می خواند و می گوید من به شما دلار می دهم، اسلحه بسازید، این ها یک اسلحه می سازند به اسم ذوالفقار که کره زمین را متلاشی می کند الان غرب روی تخریب مفهوم مهدویت در جهان کار می کند از یک طرف دارد مهدویت تخیلی خودش را ترویج می دهد، ماتریکس می سازد zion را الان در استرالیا همزمان قسمت دوم و سوم ماتریکس را می سازند و حتما استعاره های صهیونیستی و مهدویت در آن نقش دارد (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۲۵ و ۲۶ برگرفته از گفت و گو با دکتر حسن بلخاری

آرماگدون

کلمه Armageddon هر مجدون واژه ای است اصلاً یونانی که بنا به تعریف واژه نامه های آمریکایی همچون فرهنگ وبستر به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. همچنین این واژه نام شهری است در منطقه عمومی شام که بنا به آن چه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، جنگی عظیم در آن جا رخ می دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می یابد. به عبارتی نبرد مذکور، مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره زمین به آن بستگی دارد. حادثه شریف ظهور، حادثه ای بزرگ است و قدرت های بزرگ جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ می دهد جهت داده و نقشه های نظامی خود را به شکلی سامان داد که آمادگی های لازم برای این حادثه در آن ملحوظ باشند. این در حالی است که مؤسسات دینی و رسانه های این دولت ها نیز، مردم خود را برای پیشباز این حادثه آماده می سازند. این مؤسسات دینی به همراه رسانه های دیداری و شنیداری این دولت ها، از سال های دهه هشتاد میلادی مردم خود را به ایمان جمعی به وقوع حادثه ای بزرگ در سرزمین شام که به نبردی هسته ای خواهد انجامید توجه داده اند. این مؤسسات پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرا می خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه اصلی آن از میلیون ها نظامی تشکیل یافته، از عراق حرکت می کند و پس از گذشتن از رود فرات که در آن زمان به خشکی گراییده است به سوی قدس رهسپار می شود. اما نیروهای مؤمن به مسیح، راه این لشکر را سد کرده و همگی در آرماگدون با یکدیگر برخورد خواهند کرد و در این مکان است که درگیری اتفاق خواهد افتاد. صخره ها ذوب می شوند... دیوارها بر زمین فرو می فرومی قلتند... پوست تن انسان ها در حالی که ایستاده اند ذوب شده و ملیونها نفر از بین می روند. وهسته ای است. سپس مسیح برای بار دوم از جایگاه بلند خود بر زمین فرود می آید و پس از چندی زمام رهبری جهان را در دست گرفته و صلح جهانی را برقرار می کند. او دولت صلح را بر زمین

نو وزیر آسمانی تازه بنا می کند و این مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می سازد . . یک بررسی انجام گرفته از سوی مؤسسه تلسن که در اکتبر سال ۹۸۵ م . به نشر رسیده است نشان می دهد که در حال حاضر ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار واقعه آرماگدون گوش خوابانده اند و این در حالی است که ذکر مؤسسات دینی و ایستگاه های رادیو تلویزیونی که به این مهم پرداخته اند در این مجال میسر نیست . مؤسسات دینی آمریکایی این نکته را روشن ساخته اند که سپاهی که از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد ، بنا به پیشگویی حرقیال فصل ۳۸ و ۳۹ از نظامیانی از عراق ، ایران ، لیبی ، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می شوند . مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می سازد . . و این واقعه ای بسیار نزدیک است ، به تبلیغ این دیدگاه پرداخته اند . آرماگدونی که این عده از آن سخن می گویند ، همان حادثه عظیمی است که پیش از ظهور مهدی (ع) رخ خواهد داد ، همان حادثه بزرگی که ائمه ما (ع) ، نام قرقیسیا را بر آن اطلاق کرده اند . ائمه ما ، از این نکته خبر داده اند که میلیون ها نظامی از آمریکا ، اروپا ، روسیه ، ترکیه ، مصر و دول مغرب عربی به اضافه سربازانی از سرزمین شام شامل کشورهای سوریه اردن ، لبنان ، فلسطین و اسرائیل همگی در ناحیه ای در این محدوده تحت عنوان قرقیسیا با یکدیگر برخورد کرده و پس از حصول درگیری ، این سفیانی است که همگی را چونان کشتاری درو شده درهم می کوبد و از صحنه نبرد پیروز بیرون می آید . در صحیحیه میسر از امام باقر (ع) نقل است که فرمود : ای میسر از این جا تا قرقیسیا چقدر راه است عرض کردم : همین نزدیکی ها در ساحل فرات قرار دارد . سپس فرمودند : اما در این ناحیه واقعه ای اتفاق خواهد افتاد که از زمانی که خداوند متعال آسمان ها و زمین را آفریده بی سابقه بوده ، چنانکه تا وقتی آسمان ها و زمین برپا هستند هم ، واقعه ای همچون آن اتفاق نخواهد افتاد . . سفره ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر می شوند . (۱) امثال این روایات از امام صادق (ع) و سایر ائمه نقل شده است . به هر حال مؤسسات دینی انجیلی آمریکا و اروپا آن چه را روانشناسان گفته اند در قضیه بازگشت دوباره مسیح به زمین پس از حادثه آرماگدون ، به کار بسته و به این گفته قائل اند که بی گمان امکان تحقق هر نوع پیشگویی در وهله نخست به ایمان مردم به آن و به پافشاری شان بر ضرورت به کرسی نشستن آن و همچنین به شمار نفرات آن ها و شمار نفرات کسانی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیشگویی را بر عهده دارند . ۱ . کافی ج ۶ ص ۲۹۵ غیبه نعمانی ص ۲۶۷ .

غرب و آخر الزمان

امروزه یکی از مباحثی که در دنیای غرب و مسیحیت توجه بسیاری را به خود جلب نموده ، توجه به یکی از مباحث مسیحیت است که در رابطه با آخر الزمان و آمدن مسیح (ع) گفتگو می کند و موجب گشته تا کتب و فیلم های خاصی در زمینه مباحث آخر الزمان ، علایم آخر الزمان ، مکاشفات مختلف ، چگونگی حفظ خود از گزند حوادث و وقایع و غیره ساخته و منتشر شوند . یکی از انتشاراتی که اخیرا در این زمینه به ویژه در زمینه تولید فیلم های ویدیویی ، فعالیت وسیعی را آغاز کرده انتشارات آرماگدون است که خود را با عنوان بزرگترین کتابفروشی در زمینه کتب مربوط به نبوت ، مکاشفات و انجیل معرفی نموده است . جستجوی کامپیوتری در شبکه اینترنت ، فهرستی از کتب و فیلم های ویدیویی تهیه شده در این زمینه را معرفی می نماید که نمونه هایی از این کسب و نوارهای ویدیویی را معرفی می نمایم : ادر مورد بازگشت مسیح (ع) فیلم ویدیویی به روایت (ادوند پا ردوم) : موضوع این نوار ویدیویی در رابطه با به پایان رسیدن هزاره دوم میلادی و نگرشتن دقیق بشر به آینده مشکوک قرن بیست و یکم است . عده ای از مردم ، پایان هزاره دوم را به عنوان سرآغاز جدیدی تصور می نمایند . کتاب آسمانی مسیحیان می گوید : مسیح زمانی می آید که شما انتظار آمدن او را ندارید ، و این چنین است که شمارش معکوس آغاز شده است و سؤالی که به ذهن وارد می شود این است که ما در چه زمانی از تاریخ واقع شده ایم؟ هشدار دو دقیقه ای زمین : این نوار ویدیویی مهیج و جنجالی شما را به کشف

این مطلب می‌رساند که چرا متخصصان و کارشناسان امور دینی و مکاشفات در غرب معتقدند که هشدار دو دقیقه‌ای زمین به گوش می‌رسد در این نوار شما می‌توانید نگاهی دقیق به روزگاران آشفته‌ای داشته باشید که ما در آن بسر می‌بریم و ضمناً به شواهدی دست یابید که توضیح دهنده این مطلب است که ما در واپسین روز زندگی می‌کنیم. این نوار ویدیویی بر اساس کتاب جان ویلر تهیه شده و روایت‌کننده آن نیز کاریل ماتریسیانا می‌باشد. آخر الزمان دوران سختی: این نوار ویدیویی در سه کاست تهیه شده و با این که به شیوه‌ای حرت‌ای تهیه شده است، اما از آن جاکه دربرگیرنده اطلاعات کمی و کیفی خاصی است که به حیات و بقای روحی و جسمی بشر در خلال دوران آشوب و اضطراب آخر الزمان می‌پردازد، بسیار حیرت‌آور است. اولین بخش از این نوار ویدیویی به بحثی جامع در رابطه با دوران قبل از آشوب و اضطراب پرداخته و این مطلب را خاطر نشان می‌سازد که بشر برای رسیدن به آشوب و اضطراب به دنیا نیامده است. اما دچار آشوب و اضطراب شده و خوشی خود را از دست داده است. در این فیلم دیک آیزورت انسان را در زمینه این که چگونه خود را از گزند حوادث دور ساخته و حفظ نماید و یا اینکه چگونه غذا تهیه نموده، محصولات خود را به بار آورد و خود را برای شرایط سخت آماده سازد، راهنمایی می‌کند. در بخش دوم و سوم این نوار به افراد آموخته می‌شود که چگونه وسایل و لوازمی را که به طور روزمره دور می‌اندازند، می‌توانند به عنوان ابزاری مفید مورد استفاده قرار دهند و همچنین به شما آموخته می‌شود که چگونه اجاق خورشیدی و ابزار دیگری بسازید و آب به راحتی پیدا نمایید. دلایل شگفت‌انگیز آیا خدا به راستی وجود دارد: این نوار ویدیویی نواری مستند است که شواهدی جدید و شگفت‌انگیز را که موجب اثبات خدا شده است، ارائه می‌دهد. تهیه‌کنندگان این فیلم (نظیر) پاول لالوند گرانت جفری، دیو بریس، دیو مانت و چووک میسار معتقدند که با دیدن این فیلم می‌توانید خود و دوستان نجات نیافته خود را به فلاح و رستگاری برسانید. مکاشفه: این فیلم نشان می‌دهد که در دوزخ خشونت، حيله و نیرنگ (و در دنیای شهوانی امروز، مردان و زنان با ایمانی وجود دارند که همه چیز را به نام خدا و با استعانت از او می‌خواهند و آنان اهل مقاومت و بردباری و پایداری هستند. مدت این نوار ویدیویی ۹۷ دقیقه است (۱). ۱. نشر مرعود شماره ۱۶، ص ۶۶.

مردان آخر الزمان

در روایات برای مردانی که در آخر الزمان دچار آسیب شده‌اند، نشانه‌هایی ذکر شده است. معمولاً اسلام توقعش از مرد این است که حس غیرت دینی و مهابت الهی داشته باشد. روایات حاکی است که در سیمای مبارک خود امام زمان (ع) هم مهابت الهی وجود دارد. یعنی در چهره مبارک امام زمان (ع) در عین ملاحظت و شیرینی، نوعی مهابت و ترس الهی هم وجود دارد و ترکیبی از ملاحظت و مهابت در آن دیده می‌شود. اما در آخر الزمان بنابر آن چه از روایات به دست می‌آید، اگر شما در بین بیست مرد کمتر یا بیشتر، چهره‌هایی را مورد ارزیابی و شناسایی قرار دهید، نمی‌توانید کسی را پیدا کنید که در چهره اش هیبت و مهابت الهی و آثار ترس از خداوند وجود داشته باشد. اهل معصیت خیلی راحت در برابرشان مرتکب معصیت می‌شوند و آن‌ها هم هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند روایت دوم درباره نشانه‌ها و خصلت‌های منفی مردان آخر الزمان می‌فرماید یطیع الرجل زوجته و یعصى والديه مردان دوره آخر الزمان از اطاعت و احترام والدین دوری می‌کنند، در عین حال یک گرایش و اطاعت و پیروی صد درصد از همسران خود در رفتارشان دیده می‌شود. باز روایت دیگر می‌فرماید: یكون الرجل همه بطنه و قبلته زوجته و دینه دراهمه: مردانی وجود دارند که تمام همت و عزم شان برای پرکردن شکم‌های شان است و اصلاً به فکر معیشت دیگران نیستند. همسران شان قبله آن‌ها می‌باشند قبلته زوجته گویا این زن‌ها خدای مردان خود شده‌اند و برای آن‌ها اطاعت از همسر، اطاعت از خدا به حساب می‌آید و دین آن‌ها هم پولشان می‌گردد حتی برای آن‌ها مقدس‌ترین و مهم‌ترین مسئله پول و ثروت روایت دیگری از این حکایت می‌کند که مردان از مرد بودن خودشان خسته می‌شوند: لعن الله المخشین من الرجال تعبیر روایت

این است که این‌ها از صفات مردانه خود خسته شده و سعی می‌کنند که گرایش‌ها، تمایلات و حالت‌های زنانه را در خودشان نمایان کنند. این گرایش‌ها ممکن است در حرف زدن، آرایش و آراستگی، طرز پوشش و یا تفکر باشد. در نقطه مقابل هم حتی روایتی داریم که والمترجالات من النساء زنانی هم پیدا می‌شوند که این‌ها می‌خواهند خصوصیات مردان را در خودشان ایجاد کنند و مثل مردان شوند. روایت دیگری می‌فرماید: يتسمن الرجال للرجال والنساء للنساء و یا یا يتمشط الرجل كما يتمشط المرأة لزوجها اما یکی از آفت‌هایی که در دوره آخر الزمان برای مردان به وجود می‌آید این است که به جای آراستگی دست به آرایش می‌زنند. آراستگی با آرایش امر بسیار متفاوتی است. یا در روایت دیگر می‌فرماید که: بعضی از مردها در دوره آخر الزمان خود را برای دیگران آرایش می‌کنند، همانند نوعروسی که برای داماد آرایش می‌کند آفت خطرناک‌تر، این که در آخر الزمان يتنافس في الرجل يغار عليه من الرجال یعنی در آخر الزمان باندهایی به وجود می‌آیند که طرفدار همجنس بازی هستند و در این راستا مردان، هوسرانی‌های خودشان را به یکدیگر اختصاص می‌دهند. روایت می‌فرماید که يتنافس في الرجل یعنی ممکن است با هم رقابت داشته باشند و بعد می‌فرماید يغار عليه من الرجال یعنی ممکن است دو مرد بر سر مرد دیگری یا فرد دیگری، با هم غیرت و حسادت داشته باشند و هر یک رقیب دیگری برای رسیدن آن فرد باشد (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۳۲ ص ۳۱.

هالیوود و آخر الزمان

هالیوود در واقع یک نام استعاری و نمادین است که برای مدیریت امپراتوری تصویری غرب انتخاب شده، والا-یک شرکت توریستی است در حومه شهر لوس آنجلس آمریکا. منظور از هالیوود، نظام مدیریتی حاکم بر پروژه‌های تصویری آمریکا به نحو اخص و مغرب زمین به نحو اعم است. در حقیقت اتاق فکری است که تعیین می‌کند، کدام سوژه و کدام مفهوم، دستمایه کار تصویری قرار بگیرد. رویکرد هالیوود به بحث آخر الزمان، مثل دیگر رویکردهایش ناظر به فکر، برنامه ریزی و اندیشه قبلی است هالیوود صرفاً از این جهت که آخر الزمان سوره ناب، بدیع، جذاب و تماشاگر پسندی است سراغ آخر الزمان نرفته است، بلکه مقاصد کاملاً جدی و نهفته‌ای در این رویکرد وجود داشته است اصولاً آخر الزمان و پایان دنیا و باور این پدیده، مبنی بر یک کهن الگوی مشترک بشری است که در ضمیر ناخود آگاه ابنای بشر نهادینه شده است چگونه می‌توانیم بپذیریم که این دنیا، همین طور پیش برود و به پایان نرسد و اصولاً ضمیر ناخود آگاه ما این را نمی‌پذیرد که دنیا بدون پایان باشد. به همین دلیل برای این پایان، دوست داریم که تصویر ارائه کنیم. قرائت‌های مختلفی را در حوزه هنر، ادبیات و کسب دینی، نسبت به آخر الزمان برای ما ترسیم کرده‌اند و در اساطیر ملل متعدد هم، نقاط مشترکی که می‌توانیم بیابیم، چند تا بیشتر نیست یکی از آن‌چند تا، آغاز آفرینش و پایان عمر دنیا است. قصه‌ای که تقریباً در اکثر قریب به اتفاق اساطیر ملل یافت می‌شود و همین نشان می‌دهد که ما ناگزیریم به آخر الزمان به عنوان یک سوره مستتر در ضمیر ناخود آگاه جمعی بشر بپردازیم خصوصاً که اگر برای مخاطب، بار محتوایی و معنایی و سیاسی هم داشته باشد و هالیوود در واقع، با این رویکرد به سراغ آخر الزمان رفته است. چون اولاً پدیده‌ای جذاب است آن‌چه که نیامده و پیشگویی می‌شود، همیشه برای انسان جذاب است، دیگر این که روایت‌های متعدد و متفاوتی نسبت به این یک پدیده می‌توانست اتخاذ کند و این تعدد روایت ما باعث می‌شد، آن افکاری که اتاق فکر هالیوود تولید کرده بود، خیلی راحت و از طرق مختلف به مخاطب منتقل شود به نوعی موضوع آخر الزمان، این پتانسیل را داشت که دستمایه اتاق فکر هالیوود قرار بگیرد و در جهت تزویج غیر مستقیم مفاهیمی که به گونه‌ای صهیونیسم بین المللی پی جوی آن بود، به کار رود از همان آغاز، یهودیان به دلیل نفوذی که در هالیوود داشتند، توانستند بسیاری از آموزه‌های توراتی را به فیلم‌های هالیوودی تشری دهند اصولاً نگاه آخر الزمانی در هالیوود، انواعی دارد که در نگره دینی، عمده‌تاً توراتی است البته در آثار هالیوود، عامدانه، رویکرد توراتی

نسبت به آخرالزمان به کار می رود. اگر چه شباهت هایی هم بین آخرالزمان تورات و انجیل هست ولی انگار قرار بوده است، قرائت یهودی در نگره دینی هالیوود رعایت شود. همچنین نگاه به شیطان، نگاه به فرشته ها، نگاه به بهشت و دوزخ در سینمای هالیوود، باز به گونه ای توراتی است حال آن که اصولاً وقتی هالیوود به سمت قرائت و روایت دینی می رود، عمدتاً از تورات تأثیر می پذیرد و اما اهداف غرب از طرح سینما، آن چه اراده کند القا می کند و بیننده هم این تأثیر را می پذیرد و قبول می کند (مگر بینندگان خیلی خاص (بدیهی است که غرب از این ظرفیت استفاده می کند خصوصاً در شرایطی که تمام لوازم این صنعت را در اختیار داشته باشد. طبیعتاً اهدافی که نظام استکباری غرب دنبال می کند، در سینمای او نیز منعکس می شود. فرهنگ غرب در ذات خود، کاملاً - مهاجم و سلطه گر است و سینما هم در همین راستا تعریف می شود و اهداف هالیوود چندان از غایات نظام غرب دور نیستند. ما در فیلم های هالیوودی، انواع آخرالزمان را شاهد هستیم آخرالزمان تکنولوژیک، آخرالزمان طبیعی، آخرالزمان متافیزیکی، آخرالزمان اسطوره ای و... مثلاً آخرالزمان اسطوره ای، آخرالزمانی است که در آن، موجوداتی و مفاهیمی از اعماق افسانه و از آن سوی تاریخ، از دنیای افسانه ها و اساطیر ملل سر بر می آورند و در شرایط کنونی، خطر ساز می شوند و تقابل آن هاست که وقایع آخرالزمانی را ایجاد می کند. در نگاه هالیوودی، اسلام به صورت یک خطر ماقبل تاریخی، یک خطر قدیم و باستانی از دیان تخم های هیولاهای باستانی در یک فضای مرموز و مدهوش متولد می شود. آزاد می شود و به صورت یک موجود مهاجم بیگانه در می آید و نهایتاً نسل بشر را نابود می سازد. این موجود بیگانه، حتی خودش هم خطرناک است و اگر خودش را بریزی، با نیروی مخرب نهفته در خون خود، همه چیز را نابود می کند. این مسأله ما را یاد چه می اندازد؟ در اسلام، حتی خون هم می تواند بر شمشیر غلبه کند و به گونه ای بر رقیب لطمه بزند. فرهنگ شهادت و استشهاد، همیشه کابوس دنیای غرب بوده است. خط شیر فیلم های هالیوودی، از پیچیده گویی به سمت صراحت است. فیلم معروف مردی که فردا را دید که بازیگر معروف سینما اورسن ولز تک گویی و پلاتوهای آن را اجرا کرده بر مبنای پیشگویی های نوستر آداموس خط آخرالزمانی مسلمانان را گوشزد می کند و به نوعی شخصیت آخرالزمان منجی مسلمانان را به عنوان دجال غرب نشان می دهد و این که، این همان آنتی کرایست معروف است که می آید و دنیا را با خطر مواجه می کند. به تدریج از دهه نود به این سو، فیلم ها، صراحت لهجه پیشه کردند و مسلمین را جناح باطل آخرالزمان و رهبر آنان را آنتی کرایست نشان دادند (۱). نشریه موعود شماره ۳۷ ص ۱۲ برگرفته از گفت و گو با مجید شاه حسینی.

ادعای مهدویت

متمهدی

به کسی گویند که ادعای مهدویت و مهدی بودن کند. این قبیل افراد در طول تاریخ، کم نبوده اند.

ادعای مهدویت

در طول تاریخ اسلام افراد بسیاری ادعای مهدویت کرده اند و شاید شماره مدعیان مهدویت در اسلام کمتر از مسیحیت نباشد. در این باره دارمس ته ترخاورشناس فرانسوی، هنگام بحث درباره ظهور و قیام محمد احمد متمهدی سودانی، چهار ماه قبل از مرگ نابهنگام متمهدی، ضمن اعتراف به اصالت عقیده منجی بزرگ می گوید: ... در این دنیا به ویژه در جهان اسلام، تاریخ با چنان وضع غریبی تکرار می شود که اگر سرگذشت متمهدی های گذشته را برای شما نقل کند، مثل این است که تاریخ ماضی و حال و آینده مهدی امروزی را بیان کرده باشند متمهدی امروزی، در نوع خود نمونه نخستین نیست که ظهور کرده است و مسلماً آخرین

نفر هم نخواهد بود. مدعیان مهدویت بسیار بوده اند و بعد از او نیز خواهند بود. تاریخچه نفوذ این مردمان و نوید دادن، و کامیابی آنان و نویندی که ناچار در آخر کار رخ می دهد مکرر در عالم اسلام رخ نشان داده و بعد از این هم مکرراً هویدا خواهد شد. ظهور مهدی را از نخستین ایام پیدایش اسلام انتظار داشته اند و تا زمانی که یک نفر مسلمان باقی باشد، مهدی ها ظهور خواهند کرد. (۱) ابن خلدون ۸۰۸-۷۳۲ هـ ق با توجه به زمینه تب مهدی پرستی و گرم بودن بازار مهدویت در عصر خود، در شش قرن پیش می نویسد: این است که غالباً بسیاری از کم خردان، ریاکارانه، برای تبلیغ و دعوت بدان جایگاه می شتابند و خیالات پوچ و احمقانه ای در سر می پرورند که به منظور خویش نائل آیند و دعوت خود را به کمال رسانند، در حالی که بیشتر آنان جان خود را در این راه از دست داده و به قتل رسیده اند (۲) چون در عصر ابن خلدون نظر به شرایط خاصی که در جهان اسلام پیش آمده و تب مهدی پرستی بالا گرفته بود، افراد فرصت طلب برای پیشبرد اهداف خود از عنوان مهدی موعود استفاده میکردند، لذا ابن خلدون به خاطر سوء استفاده از این حقیقت، به خود عقیده نیز، بی اعتقاد شده و در صحت احادیث شبهه کرده است. تا هنگامی که مهدی موعود قیام نکرده است، همواره اشتیاق به برترین رهبر و منجی بزرگ، قلب توده ها را مالا مال خواهد کرد و تا این اشتیاق هم دامنگیر توده هاست، همواره مدعیان دروغین، ایفای نقشی چنین بزرگ نیز خواهند کرد، نهایت هر روز به شکلی و در میان هر قومی به اسمی. ۱. مهدی دارمس ته تر، ترجمه محسن جهانسوز، ص ۳. ۲. مقدمه ابن خلدون ج ۱ ص ۶۴۱ ترجمه گنابادی.

استکبار جهانی و مهدویت

هزاره گرایی

هزاره گرایی (millennialism) میراث قدیم ادیان است که امروزه در جوامع مسیحی رواج یافته و در آینده نزدیک، شاهد آثار و نتایج آن خواهیم بود. این آرمان در یهودیت بسیار اوج گرفت و در مسیحیت - به ویژه در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی - به نهایت اوج خود رسید. اکنون هزاره گرایی در جهان مسیحیت بیداد می کند و شور و التهاب این آرمان در آن جوامع بدان پایه است که پژوهشگران علوم اجتماعی و رسانه های جمعی گاهی از آن به عنوان سندرم ۲۰۰۰ و جنون هزاره ای یاد می کنند. این آرمان خاص مسیحیت نیست و نشانه هایی از آن در اسلام و ادیان دیگر وجود دارد. دائرة المعارف بین المللی علوم اجتماعی در مدخل (millennialism) می نویسد: واژه لاتیینی millenniumism، و معادل یونانی آن chilies در لغت به معنای یک دوره هزار ساله است. سنت هزاره بر ادبیات مکاشفه ای یهود و کتاب مکاشفه یوحنا استوار است. بر اساس آن سنت، مسیح پس از اینکه بار دیگر به شکل یک جنگاور آشکار می شود، بر ابلیس پیروز خواهد گردید و او را در بند خواهد کرد. آنگاه ملکوت خدا را پدید خواهد آورد و شخصاً به مدت ۱۰۰۰ سال حکم خواهد راند. قدیسانی که در ایمان ثابت مانده و جان بر سر آن نهاده اند، از خاک برمی خیزند و در پادشاهی او به کهانت می پردازند. در پایان این دوره، شیطان تا چندی آزاد خواهد ماند و سرانجام کشته خواهد شد. آنگاه رستاخیز همه مردگان، واپسین داوری و آخرین رستگاری فرا خواهد رسید. هزاره گرایی تا اندازه ای به پیشگویی های مربوط به آینده جهان ارتباط دارد و در جستجوی پاسخی برای سرنوشت انسان و جهان است. واما هزاره مسیحی: کتاب مکاشفه یوحنا از اعداد و ارقام سخن گفته است و دو عدد بسیار معروف در آن یافت می شود: ۱۰۰۰ و ۶۶۶. به گفته آن کتاب، حضرت عیسی (ع) شیطان را در بند می کند و مدت هزار سال با قدیسان خود و شهیدان آغاز مسیحیت که تعدادشان بسیار است، سلطنت می نماید. آن گاه شیطان اندکی آزاد می شود شیطان برای جنگ با نیکان و تسخیر شهر قدس لشکرگرانی را فراهم می کند، ولی وی و سپاهش به اراده خدا نابود می شوند. این مسأله روشن بعداً تفسیرهای مختلفی گرفت.

مثلاً گروهی گفتند سلطنت هزار ساله حضرت عیسی مسیح (ع)، به بهشت مربوط می شود زیرا شیطان به آن جا راهی ندارد. درباره تقدم و تأخر این رویدادها نیز گرایش های گوناگونی پدید آمد که مکتب های پیش هزاره پس هزاره و نفی هزاره از آن جمله است. هزاره گرایی همراه انتظار موعود، از یهودیت به مسیحیت سرایت کرد و به علت ناتمام ماندن رسالت حضرت عیسی مسیح (ع) در مسیحیت ادامه یافت. (۱) ۱. نشریه موعود ش ۱۹ ص ۱۴

استکبار جهانی و مهدی باوری

نظام سلطه جهانی وجهه استکبار برای استمرار بخشیدن به نفوذ و تسلط و حفظ منافع نامشروع خود، با دقت فراوان، امکانات و نقاط قوت جهان اسلام را زیر نظر دارد تا آن ها را به دقت شناسایی کرده و نابود سازد. یکی از این نقاط قوت، اندیشه رهایی بخش "مهدی باوری" است که در خط مشی مبارزاتی امت مسلمان از جایگاه استراتژیکی برخوردار است. از این رو استکبار جهانی، سناریوهای متعددی را جهت تضعیف و نابودی این اندیشه مقدس طراحی کرده و متناوباً به اجرا گذاشته است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم: ۱. دخالت مستقیم و حمایت از پروسه شخصیت پردازی و مهدی تراشی: حمایت خائنانه استعمارگران وجهه استکبار از مدعیان مهدولت مانند مهدی الصومال در آفریقا، سید علی محمد باب، حسینعلی بهاء وسید محمد نوربخش در ایران، میرزا غلام احمد قادیانی در پاکستان، سید محمد جونپوری در هند و محمد بن عبدالله القحطانی در حجاز، به خوبی روشنگر اهداف شوم و پلید آنان است ۲. تخریب پایه های فکری مهدی باوری از طریق ژست های علمی و به ظاهر شرق شناسی: نظام سلطه زیر نقاب شرق شناسی، سربازان صلیبی خود مانند فان فلوتن، گلدزیهر یهودی، ولهوسن پروکیلن و دونالد سن را با نام مستشرق، راهی کشورهای اسلامی کرد تا شاید از طریق شبهه سازی و تردید افکنی، اذهان افراد غیر متخصص و غیر آشنا با مبانی دقیق اسلامی را مشوب سازند که متأسفانه در این باب به توفیقاتی هم نایل شدند و اسلام گرایانی چون (احمد امین) و محمد رشید رضا را به این دام کشیدند ۳. پرورش و حمایت از خودباختگان سرسپرده داخلی: کوتاه فکرانی چون احمد کسروی، شریعت سنگلجی، سلمان رشدی و احمد الکاتب طعمه های خوبی بودند که استکبار جهانی آنان را به راحتی یا اعطای مدال های نویسنده آزاد اندیشه، متفکر منصف و پژوهنده روشنفکر به دام خود بکشند و به آنان گوشزد کنند که هر لقب و عنوان در برابر یک ضربه به اصول و باورها یا دهن کجی به مفاخر و ارزش ها، نصیب شان خواهد شد ۴. انتشار تبلیغات مسموم رسانه ای: مانند ساخت سریالی به نام نوسترا داموس که به مدت سه ماه متوالی از شبکه تلویزیونی آمریکا پخش شد و هدف از آن به تصویر کشیدن چهره ای خشن و گرفتار جنون قدرت از مهدی موعود (نستجیر بالله) و تحریک عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن بود. تحریف اندیشه ناب مهدویت از طریق ارایه مقالات به ظاهر تحقیقی در کتب معتبر (۱) ۱. در انتظار ققنوس ص ۳۰۹.

آسیب شناسی تربیتی و مهدویت

انحصار گرایی و کسرت گرایی

انحصار گرایی و کسرت گرایی: انحصار گرایی یعنی اعتقاد به حکومت عدل مهدی (ع)، موجب تحریم هر حکومتی - حتی عدل - پیش از آن گردد، که متأسفانه این دیدگاه عملاً در میان برخی از معتقدان به مهدویت آشکار شده است، و این که هر حکومتی قبل از حکومت مهدی (ع) طاغوت است، فهمی آسیب زا از مهدویت است، چون پیامد عملی چنین فهمی، عدم تلاش برای برقراری حکومت عادلانه پیش از ظهور است و حاصل عملی آن، تمکین نسبت به هر گونه حکومت جور پیشه خواهد بود. در مقابل، کثرتگرایی نیز قطب دوم آسیب است. کثرتگرایی به مفهوم برابر دانستن طریقه های مختلف می تواند به این نتیجه منجر

شود که هر وضع موجودی، شروع تلقی شود و بالاخره کثرت‌گرایی به تجویز هر حکومتی ختم خواهد شد. (۱) ۱. برترین‌های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۳۳.

خرافه پردازی و راز زدایی

خرافه پردازی و راز زدایی: خرافه پردازی یعنی حقایق ماورای طبیعی دین، دست خوش عوام زدگی گردد و بستر مناسبی برای خرافه پردازی فراهم آید وعده ای داعیه رؤیت حضرت در خواب و بیداری کنند هر چند امکان این امر، در اصل منتفی نیست. راز زدایی هم یعنی امور، مانند اموری طبیعی نگریسته شوند ورد پای هر امر ماورای طبیعی در آن‌ها محو گردد مانند ابن خلدون که معتقد است مراد از ظهور مهدی (ع)، پیدایش حکومتی مبتنی بر اتحاد قبایل سادات اطراف مدینه و حجاز است.

کمال گرایی

کمال گرایی (غیر واقع گرا) و سهل انگاری: این که کمال گرایی چگونه در عرصه تربیت مهدوی آشکار می گردد، زمینه این امر آن است که مهدی (ع) عهده دار رسالتی سترگ است و این رسالت، جز با یارانی نستوه به انجام نمی رسد. در نظر بودن چنین غایت بلندی در مسأله مهدویت، زمینه ساز آسیب تربیتی کمال گرایی می گردد. مریبان، بدون توجه به وسع فهمی و عملی افراد، آنان را از همان ابتدا به فتح این قله عظیم می خوانند، لذا فرد از همان آغاز از مقصد و مقصود اعراض می کند. در نقطه مقابل کمال گرایی، سهل انگاری است یعنی جایی برای مهدویت، در ذهن و ضمیر فرد فراهم نمی آید و سهل انگاری نسبت به مهدویت در تربیت دینی، به منزله از دست نهادن این تأثیر عظیم تحول بخش در شخصیت افراد است.

مرید بروی و تکروی

مرید بروی و تکروی: مرید بروی صورت تحریف شده امامت است، یعنی افراد، امامان را چنان بستانند که گویی آنان، منشأ اولیه حق و حقیقت اند محب غال افراطی گری آنان در این است که امام را از حد خویش فراتر می برند و او را به مقام الوهی برمی کشند، در حالی که حضرت، کارگزار و فرمانبر خداست. قطب دوم آسیب، تکروی است "یعنی نفی امامت یا تعمیم امامت. در حالت تکروی، فرد تربیت شونده در حد خود محدود می شود و از بهره جستن از نمونه ها و الگوهای برجسته باز می ماند

حصار بندی و حصار شکنی

حصار بندی و حصار شکنی از آسیب های تربیتی مهدویت است. برخی معتقدند پیروان حق، باید بریده و برکنار از پیروان باطل، انتظار بکشند تا لحظه وقوع واقعه فرا رسد. در این تصور، دوران غیبت به مثابه اتاق انتظار است که باید در آن، به دور از اهل باطل نشست و منتظر بود تا صاحب امر بیاید و کار را یکسره کند. تنها تلاش افراد در این جا برای دور نگاه داشتن و مصون داشتن خود و دیگران، از اهل باطل است. این آسیب از کج فهمی نسبت به مهدویت نشأت گرفته است چون اگر مهدویت، ناظر به قلبه نهایی حق بر باطل است، باید این قلبه را در پرتو قانون کلی چالش میان حق و باطل فهم کرد. در چالش با باطل است که حق قالب می گردد. حصار شکنی هم از آسیب هاست. در حصار شکنی هر مرزی را بر می دارند و بی مرزی را حاکم می کنند. نمونه این بی مرزی و التقاط در عرصه مهدویت، آن است که کسانی معتقد شوند، مهدی (ع) اسم خاصی برای فرد معینی نیست، بلکه نمادی کلی برای اشاره به چیرگی نهایی حق و عدالت بر باطل و بیدادگری است و مصداق این نماد می تواند هر کسی باشد.

قشری گری و عقل گرایی

قشری گری و عقل گرایی: قشری گری در دین، مانع فهم عمق معارف دینی می گردد و از این رو، بستری برای رشد کج فهمی و انحراف و بدعت است مانند خوارچ که در زمان حضرت علی (ع) حاضر نشدند بر ورقهای کاغذین قرآن تعرض کنند. در دوران غیبت هم، قشری بودن افراد، آنان را به تعبیرهای نادرست از احکام دینی خواهد کشاند چنان که هنگام ظهور حضرت، سخنان او و احکام دینی که او مطرح می سازد، در نظر مردم، جدید و ناشناخته است. از سوی دیگر، عقلگرایی نیز یکی دیگر از ورطه های لغزش است یعنی این که انسان در عرصه دین، همه چیز را پس از اثبات قطعی عقل بپذیرد. چنین تصویری نه با واقعیت عقل هماهنگ است و نه با تربیت دینی.

گسست و دنباله روی

گسست و دنباله روی: هنگامی که مباحث و مطالب مربوط به مهدویت، به زبانی مهجور مطرح گردد یا با مسائل و مباحثی که نسل جدید با آن ها درگیر است ارتباط نیابد، گسست رخ می دهد. در نقطه مقابل، قطب آسیب زای دیگر، دنباله روی نسل پیشین نسبت به نسل جدید است که می تواند در عرصه مهدویت به دو شکل آشکار شود: اول سخن نگفتن از آن، به سبب این که به ذائقه نسل جدید، خوش نمی آید، دوم فروکاستن مهدویت به شکل های رایج حکومت، مانند دموکراسی. هیچ یک از دو روش مطلوب نیست. پس کسانی که مسأله مهدویت را در جریان تربیت دینی مطرح می کنند، باید هم تناسب و هماهنگی آن را با ذهن و زبان نسل جدید بازشناسی کنند و هم مراقب باشند که آن را به امیال و آرای رایج آنان فرو نكاهند.

آسیب شناسی تربیتی مهدویت

مهدویت تنها مسأله ای اعتقاد نیست، بلکه بعد تربیتی نیز دارد. هنگامی که ما مشخص می کنیم بر اساس متون روایی، اعتقاد به وجود و ظهور مهدی (ع) ضروری است، مجموعه دانشی را برای افراد فراهم نموده ایم. امّا هنگامی که این مجموعه، به همراه خود، تحولات هیجانی، عاطفی و عملی معینی را ایجاد می کند که ضمن آن، افراد می کوشند خود را برای یآوری امام مهدی (ع) مهیا سازند، چهره تربیتی مهدویت آشکار می گردد. وقتی به جنبه تربیتی مهدویت واقف شدیم، باید آسیب شناسی تربیتی مهدویت را مورد تأمل قرار دهیم: ۱. حصار بندی و حصار شکنی از آسیب های تربیتی مهدویت است. برخی معتقدند پیروان حق، باید بریده و برکنار از پیروان باطل، انتظار بکشند تا لحظه وقوع واقعه فرا رسد. در این تصور، دوران غیبت به مثابه افاق انتظار است که باید در آن، به دور از اهل باطل نشست و منتظر بود تا صاحب امر بیاید و کار را یکسره کند. تنها تلاش افراد در این جا برای دور نگاه داشتن و مصون داشتن خود و دیگران، از اهل باطل است. این آسیب از کج فهمی نسبت به مهدویت نشأت گرفته است چون اگر مهدویت، ناظر به قلبه نهایی حق بر باطل است، باید این قلبه را در پرتو قانون کلی چالش میان حق و باطل فهم کرد. در چالش با باطل است که حق قالب می گردد. حصار شکنی هم از آسیب هاست. در حصار شکنی هر مرزی را بر می دارند و بی مرزی را حاکم می کنند. نمونه این بی مرزی و التقاط در عرصه مهدویت، آن است که کسانی معتقد شوند، مهدی (ع) اسم خاصی برای فرد معینی نیست، بلکه نمادی کلی برای اشاره به چیرگی نهایی حق و عدالت بر باطل و بیدادگری است و مصداق این نماد می تواند هر کسی باشد. ۲- کمال گرایی (غیر واقع گرا) و سهل انگاری: این که کمال گرایی چگونه در عرصه تربیت مهدوی آشکار می گردد، زمینه این امر آن است که مهدی (ع) عهده دار رسالتی سترگ است و این رسالت، جز با یارانی نستوه به انجام نمی رسد. در نظر بودن چنین غایت بلندی در مسأله مهدویت، زمینه ساز آسیب تربیتی کمال گرایی می گردد. مریان،

بدون توجه به وسع فهمی و عملی افراد، آنان را از همان ابتدا به فتح این قله عظیم می خوانند، لذا فرد از همان آغاز از مقصد و مقصود اعراض می کند. در نقطه مقابل کمال گرایی، سهل انگاری است یعنی جایی برای مهدویت، در ذهن و ضمیر فرد فراهم نمی آید و سهل انگاری نسبت به مهدویت در تربیت دینی، به منزله از دست نهادن این تأثیر عظیم تحول بخش در شخصیت افراد است. ۳. گسست و دنباله روی: هنگامی که مباحث و مطالب مربوط به مهدویت، به زبانی مهجور مطرح گردد یا با مسائل و مباحثی که نسل جدید با آن ها درگیر است ارتباط نیابد، گسست رخ می دهد. در نقطه مقابل، قطب آسیب زای دیگر، دنباله روی نسل پیشین نسبت به نسل جدید است که می تواند در عرصه مهدویت به دو شکل آشکار شود: اول سخن نگفتن از آن، به سبب این که به ذائقه نسل جدید، خوش نمی آید، دوم فروکاستن مهدویت به شکل های رایج حکومت، مانند دموکراسی. هیچ یک از دو روش مطلوب نیست. پس کسانی که مسأله مهدویت را در جریان تربیت دینی مطرح می کنند، باید هم تناسب و هماهنگی آن را با ذهن و زبان نسل جدید بازشناسی کنند و هم مراقب باشند که آن را به امیال و آرای رایج آنان فرو نگاهند. ۴. مرید بروری و تکروی: مرید پروری صورت تحریف شده امامت است، یعنی افراد، امامان را چنان بستانند که گویی آنان، منشأ اولیه حق و حقیقت اند محب غالی افراطی گری آنان در این است که امام را از حد خویش فراتر می برند و او را به مقام الوهی برمی کشند، در حالی که حضرت، کارگزار و فرمانبر خداست. قطب دوم آسیب، تکروی است یعنی نفی امامت یا تعمیم امامت. در حالت تکروی، فرد تربیت شونده در حد خود محدود می شود و از بهره جستن از نمونه ها و الگوهای برجسته باز می ماند. ۵. قشری گری و عقل گرایی: قشری گری در دین، مانع فهم عمق معارف دینی می گردد و از این رو، بستری برای رشد کج فهمی و انحراف و بدعت است مانند خوارج که در زمان حضرت علی (ع) حاضر نشدند بر ورقه های کاغذین قرآن تعرض کنند. در دوران غیبت هم، قشری بودن افراد، آنان را به تعبیرهای نادرست از احکام دینی خواهد کشاند چنان که هنگام ظهور حضرت، سخنان او و احکام دینی که او مطرح می سازد، در نظر مردم، جدید و ناشناخته است. از سوی دیگر، عقلگرایی نیز یکی دیگر از ورطه های لغزش است یعنی این که انسان در عرصه دین، همه چیز را پس از اثبات قطعی عقل بپذیرد. چنین تصویری نه با واقعیت عقل هماهنگ است و نه با تربیت دینی. ۶- خرافه پردازی و راز زدایی: خرافه پردازی یعنی حقایق ماورای طبیعی دین، دست خوش عوام زدگی گردد و بستر مناسبی برای خرافه پردازی فراهم آید و عده ای داعیه رؤیت حضرت در خواب و بیداری کنند هر چند امکان این امر، در اصل منتفی نیست. راز زدایی هم یعنی امور، مانند اموری طبیعی نگریسته شوند و رد پای هر امر ماورای طبیعی در آن ها محو گردد مانند ابن خلدون که معتقد است مراد از ظهور مهدی (ع)، پیدایش حکومتی مبتنی بر اتحاد قبایل سادات اطراف مدینه و حجاز است. ۷- انحصار گرایی و کسرت گرایی: انحصار گرایی یعنی اعتقاد به حکومت عدل مهدی (ع)، موجب تحریم هر حکومتی- حتی عدل- پیش از آن گردد، که متأسفانه این دیدگاه عملاً در میان برخی از معتقدان به مهدویت آشکار شده است، و این که هر حکومتی قبل از حکومت مهدی (ع) طاغوت است، فهمی آسیب زا از مهدویت است، چون پیامد عملی چنین فهمی، عدم تلاش برای برقراری حکومت عادلانه پیش از ظهور است و حاصل عملی آن، تمکین نسبت به هر گونه حکومت جور پیشه خواهد بود. در مقابل، کثرتگرایی نیز قطب دوم آسیب است. کثرتگرایی به مفهوم برابر دانستن طریقه های مختلف می تواند به این نتیجه منجر شود که هر وضع موجودی، شروع تلقی شود و بالاخره کثرتگرایی به تجویز هر حکومتی ختم خواهد شد. ۱ (۱). برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۳۳.

اعتقاد به منجی

عقیده به منجی بزرگ، یک عقیده عمومی و مشترک است و اختصاص به یک قوم و ملت و دین ندارد. ادیان و مذاهب گوناگون که در جهان حکومت می کنند، عموماً ظهور او را خبر داده اند، اگر چه در اسم او اختلاف دارند. انتظار فرج و اعتقاد به موعود

یک اشتیاق و میل باطنی است، اسلام و ادیان دیگر نیز با وعده ظهور منجی بزرگ این خواسته و شوق درونی را بی پاسخ نگذاشته و این خواسته نیز مانند دیگر خواسته ها در شرایط گوناگون، کم و زیاد و شدت و ضعف پیدا می کند. آشفته گی اوضاع و نا امنی حاصل از آن فشار و تبعیض و ستم در جامعه، عقیده به ظهور منجی بزرگ را تشدید می نماید. آن چنان این شوق دیرینه و انتظار در لحظات فشار و اختناق، تبدیل به التهاب سوزان و نیاز شدید می شود، و خرمن اشتیاق توده ها را برای ظهور واپسین منجی و مهدی موعود شعله ور می سازد که افراد فرصت طلب، از پریشانی توده ها سوء استفاده کرده و به دروغ ادعای مهدویت می نمایند. لذا در هر زمانی که فشارها و محرومیت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و غیر آن بالا می رود، جاذبه و وسوسه رهبری نیز افراد بسیاری را به خود مشغول می دارد و چه بسا افرادی که جان خویش را بر سر این سودا می نهند. البته این شرایط ممکن است باعث بالا رفتن تب منجی پرستی در جامعه بشود و افرادی هم از این فرصت سوء استفاده کرده، ادعای مهدویت بنمایند، ولی این موضوع هرگز به اصالت این عقیده لطمه نمی زند. پس اصالت مسأله مهدی و جهانی بودن آن روشن می شود و معلوم می گردد که این عقیده اختصاص به مسلمانان ندارد، بلکه پیروان همه ادیان در انتظار چنین مصلح جهانی به سر می برند. این اعتقاد و اشتیاق در میان یهود و نصاری، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این دو ملت، مدعیان شگفتی را پدید آورده است و افراد بسیاری خود را به دروغ، مسیح موعود معرفی کرده اند، چنان که قاموس کتاب مقدس درباره مدعیان دروغین مسیح موعود می نویسد: ۲۴ نفر مسیحیان دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهر گشته که مشهور و معروف ترین آن ها برکوبه است که در اوائل قرن ثانی می زیست و آن دجال معروف ادعا می نمود که رأس و رئیس و پادشاه قوم یهود است... و در قرن دوازدهم حدود ده نفر مسیحیان دروغگو ظاهر گردیده، جمعی را به خود گروانیده. این مطلب اسباب فتنه و جنگ شده، جمع کثیری نیز در آن معرکه طعمه شمشیر گردیدند. (۱) علامه طباطبایی (ع) می نویسد: بشر از روزی که روی زمین سکنی گزیده، نوشته در آرزوی یک زندگی اجتماعی مقرون به سعادت می باشد و به امید رسیدن چنین روزی قدم برمی دارد و اگر این خواسته تحقق خارجی نداشت، هرگز چنین آرزو و امیدی در نهاد وی نقش نمی بست چنان چه اگر غذایی نبود، گرسنگی نبود، اگر آبی نبود، تشنگی تحقق نمی یافت و... از این روی، به حکم ضرورت آینده جهان روزی را در بر خواهد داشت که آن روز جامعه بشری پراز عدل و داد شده و با صلح و صفا زندگی خواهند کرد و افراد انسانی غرق فضیلت و کمال می شوند. و البته استقرار چنین وضعی به دست خود انسان خواهد بود و رهبر چنین جامعه ای، منجی جهان بشری و به لسان روایات مهدی خواهد بود. (۲) بنابراین، اعتقاد به مهدی تنها یک باور اسلامی نیست و رنگ خاص دینی ندارد، بلکه عنوانی است برای خواسته ها و آرزوهای همه انسان ها با کیش ها و مذاهب گوناگون. ۱. قاموس کتاب مقدس چاپ بیروت ص ۲۰۸. شیعه در اسلام علامه طباطبایی ص ۲۲۰.

امام مهدی و کتب اسلامی

تورات و بشارت موعود

در کتاب تورات که از کتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آن ها است، بشارت زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخرالزمان آمده است. در زبور حضرت داود (ع) که تحت عنوان مزامیر در لابلای کتب "عهد عتیق" آمده، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) به بیان های گوناگون داده شده است و در ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید، موجود است. (۱) و جالب این که مطالبی که قرآن کریم درباره ظهور حضرت مهدی (ع) از زبور نقل کرده است عیناً در زبور فعلی موجود و از دستبرد تحریف و تفسیر مصون مانده

است. قرآن کریم چنین می فرماید: ولقد كتبنا في الزبور من بعده الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون (۲) ما علاوه بر ذکر تورات در زبور نوشتیم که در آینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد. مقصود از ذکر در آیه شریفه، تورات موسی (ع) است که زبور داود (ع) پیرو شریعت تورات بوده است. در زبور آمده است: ... زیرا که شریران منقطع می شوند. اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد (۳). اسم او ابداً بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت، بلکه اسم ذوالجلال او ابداً مبارک باد و تمامی زمین از جلالش پر شود، دعای داوود پسر یسی تمام شد. (۴) در کتاب اشعای نبی که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارات فراوانی درباره ظهور حضرت آمده است: ونهالی از تنه یسی (۵) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت ... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، به راستی حکم خواهد نمود ... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت ... (۶) منظور از نهالی که از تنه یسی خواهد روید ممکن است یکی از چهار نفر: حضرات داود، سلیمان، عیسی و مهدی (ع) و باشند ولی دقت و بررسی کامل آیات مذکور نشان می دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیستند، بلکه همه آن بشارات ها ویژه قائم آل محمد (ع) است، زیرا حضرت داود و سلیمان فرزندان پسر یسی، و حضرت عیسی (ع) نواده دختری وی، و مهدی (ع) نیز از جانب مادرش، جناب نرجس خاتون - که دختر یسوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی (ع) بوده، و نسب شریفش به (ع) شمعون صفا، وصی حضرت عیسی (ع) می رسد نواده دختری یسی می باشد. (۷) در کتاب یوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، چنین آمده است: آن گاه جمیع امت ها را جمع کرده، به وادی یهوشافاظ (۸) فرود خواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل را محاکمه خواهم نمود. زیرا که ایشان را در میان امت ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده اند و بر قوم من قرعه انداخته و پسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند (۹) در کتاب عاموس نبی (۱۰) و هوشع نبی (۱۱) نیز از نزول حضرت عیسی (ع) و داوری آن حضرت سخن به میان آمده است. در کتاب "زکریای نبی بشارات ظهور مهدی (ع) چنین آمده است: اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میان تقسیم خواهد شد. و جمیع امت ها را به ضد اورشلیم برای جنگ فراهم خواهد کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود ... و خداوند بیرون آمده با آن قوم ها مقاتله خواهد کرد چنان که در روز جنگ مقاتله نمود ... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود ... و یهوه خدا بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود ... (۱۲) لازم به یادآوری است که در کتب عهدین تورات و انجیل کلمه خداوند بیشتر در مورد حضرت عیسی (ع) به کار می رود. در کتاب حزقیال نبی نیز در مورد حضرت مهدی (ع) و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید خبرهایی آمده است: ... و اما توای پسر انسان خداوند یهوه چنین می فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آید. قربانی عظیمی که بر کوه های اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید. و خداوند یهوه می گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان امت ها قرار خواهم داد و جمیع امت ها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود ... (۱۳) باید توجه داشت که منظور از پسر انسان مانند کلمه مسیح، حضرت عیسی (ع) نیست بلکه مراد از آن، حضرت مهدی (ع) است، زیرا در انجیل بیش از هشتاد بار کلمه پسر انسان آمده است که تنها در سی مورد آن حضرت مسیح (ع) اراده شده است (۱۴) در کتاب حجی نبی نیز بشارات ظهور آمده است: یهوه صباوت چنین می گوید: یک دفعه دیگر آسمان ها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت و تمامی امت ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت ها خواهد آمد ... این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت ... (۱۵) که در آن به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره شده است. در کتاب "صفینای نبی" همچنین آمده است: ... خداوند می گوید: برای من منتظر

باشید ، تا روزی که به جهت غارت برخیزم ، زیرا که قصد من این است که امت ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم ، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد ... (۱۶) نیز در کتاب دانیال نبی آمده که : ... امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است ، خواهد برخاست ... بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد ... (۱۷) ۱ . آخرین امید ، داود الهامی ص ۱۹۳ . ۲ . سوره انبیاء ، آیه ۱۰۵ . ۳ . عهد عتیق ، کتاب مزامیر مزمو ۳۷ . ۴ . همان ، مزمو ۷۲ . ۵ . یسی به معنای قوی ، پدر حضرت داود و نوه " راعوت " است ، و به طوری مشهور بود که داود را پسر یسی می نامیدند در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بوده است . قاموس کتاب مقدس . ۶ . تورات ، کتاب اشعای نبی ، باب ۱۱ . ۷ . ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ، ص ۸۳۱۲ . نام صحرای است در نزدیکی بیت المقدس که اکنون وادی قدرون نامیده می شود . لغت نامه دهخدا ص ۱۷۷ . ۹ . تورات ، کتاب یوئیل نبی ، ص ۱۳۲۷ باب ۳ بندهای ۲ و ۳ . ۱۰ . تورات ، کتاب عاموس نبی ، ص ۱۳۳۳ باب ۴ بندهای ۱۲ و ۱۳ . ۱۱ . تورات ، کتاب هوشع نبی ص ۱۳۱۴ باب ۵ بندهای ۱۴ و ۱۵ . ۱۲ . تورات کتاب زکریای نبی ص ۱۳۸۲ باب ۱۴ ، بندهای ۱-۱۳۱۰ . تورات کتاب حزقیال نبی ص ۱۲۶۵ باب ۳۹ ، بند ۱۷-۲۳ . ۱۴ . قاموس کتاب مقدس ، ماده پسر خواهر ص ۲۱۹ . ۱۵ . کتاب مقدس کتاب حجی نبی ص ۱۳۶۷ باب ۲ بندهای ۶-۹ . ۱۶ . کتاب مقدس کتاب صفیای نبی ص ۱۳۶۳ باب ۳ ، بندهای ۵-۱۷۹ . کتاب مقدس کتاب دانیال نبی ص ۱۳۰۹ ، باب ۱۲ بندهای ۱-۱۲ .

پیشگویی

پیشگویی های نوستر آداموس

برسی پیشگویی های نوستر آداموس درباره جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران : شاهزاده عرب ، مریخ ، خورشید ، ناهید ، شیر ، حکومت کلیسا را از طریق دریا از پای در خواهد آورد ، از جانب ایران پرشیا بیش از یک میلیون پرهیزگار به بیزانس و مصر ، به سوی شمال هجوم خواهند آورد (۱) از کشور عربی خوشبخت در منطقه غنی و ثروتمند اعراب شخصی قدرتمند و مسلط بر شریعت حضرت محمد (ص) زاده خواهد شد ، اسپانیا را به درد سر انداخته و بر گرانادا غرناطه مستولی می شود . از طریق دریا بر مردم نیکوزیا ظفر خواهد یافت . (۲) مرد مشرقی از محل استقرار خویش خارج خواهد شد ، برای دیدار فرانسه از کوه آپونین خواهد گذشت ، از فراز آسمان ، از برف ها ، دریاها و کوه ها گذر خواهد کرد و همگان را با عصایش مضروب خواهد کرد ... (۳) ادبیات رمزآلود ، واژه ای است که به بهترین نحو می تواند عمق معانی شعرواره های نوستر آداموس را بیان کند چرا که طبق نظر اغلب مفسران معروف نوستر آداموس یعنی اریکاچیتهام ، گی بو حک رژان شارل ، دو فن برون ، حداقل وقایع ذیل را می توان بدون هیچ شک و تردیدی از میان شعرواره های رمزآلود نوستر آداموس برشمرد : آتش سوزی بزرگ لندن در سال ۱۶۶۶ م اعدام چارلز اول ، روی کار آمدن حکومت مذهبی کرامول در انگلستان ، وقوع انقلاب فرانسه ، انقلاب روسیه ، رویارویی استالین و تروتسکی پس از مرگ لنین ، اضمحلال رژیم شوروی ، اعدام لویی شانزدهم و ماری آنتوانت ، به قدرت رسیدن ناپلئون و انتخاب لقب امپراتور توسط وی ، به قدرت رسیدن هیتلر و رژیم نازی ، به قدرت رسیدن موسولینی در ایتالیا و ژنرال فرانکو در اسپانیا ، ترور کندی ، سقوط شاه ایران و وقوع انقلاب اسلامی در ایران ، رهبری امام خمینی (ره) از فرانسه- او دقیقاً عنوان می کند که رهبر ایران از فرانسه باعث سقوط شاه ایران می شود- وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و آتشی که در برج های دوقلوی شهر جدید نیویورک ایجاد می شود و بسیاری از حوادث تاریخی دیگر از سال های ۱۵۵۵ میلادی به بعد که حدود ۴۵۰ سال را در بر می گیرد . دو محاصره ، در گرمایی سوزان ، انجام می گیرد . آن مرد ، از فشار تشنگی ، به خاطر دوفنجان مملو از آب ، کشته می شود .

دژ نظامی، مملو می شود، و یک آرمان‌گرای کهنسال امام خمینی ره، نشانه های نیرا سرزمین ایران، را به اهالی ژنو سازمان ملل متحد نشان خواهد داد. (۴) رهبر پاریس، اسپانیای بزرگ را اشغال می کند، کشتی های جنگی در برابر مسلمانان محمدی ها که از پارتیا ناحیه ای در ایران و مدیا ناحیه ای در ایران برخاسته اند، می ایستند آن مرد، سیکلادا روپا را تاراج می کند، و آنگاه انتظاری بزرگ در بندر یونان حکم فرما می شود. در مجموع نوستر آداموس به این موضوع به صراحت اشاره می کند که ایران پارت، نیرا، پرشیا، مدیا با کمک مسلمانان سراسر جهان، از جمله کشورهای عربی و مخصوصاً سوریه، عربستان سعودی و لیبی حکومت مقتدری را تشکیل می دهند و پس از جنگی مذهبی که هسته آن از لبنان شروع می شود و عمدتاً بر علیه اسرائیل است، جهان را به تسخیر خود در می آورند و سپس جنگی جهانی و عظیم رخ خواهد داد و جهان نابود خواهد شد (۵) در هنگامه دمیدن خورشید، آتش بزرگ، دیده خواهد شد صدا و روشنائی، در امتداد شمال، ادامه خواهد یافت. در میانه کره خاک، مرگ و آوای مرگ، کشیده خواهد شد مرگ از درون سلاح ما، آتش و خشک سالی آنان را به انتظار خواهند نشاند. درخاتمه، این سرزمین به واسطه جنگ جهانی سوم نابود و نامسکون خواهد شد. (۶) سرزمین مسکونی، از سکنه خالی خواهد شد برای به دست آوردن سرزمین ها، جدال و اختلاف شدیدی در می گیرد، قلمرو ما به مردانی سپرده خواهد شد که از غرور و سربلندی تهی خواهند بود. سپس، برای برادران بزرگ، نفاق و مرگ پیش خواهد آمد. و چنین برمی آید که ایران، جهان را ابتدا از طریق حمله به ترکیه و مقدونیه به تصرف خود در خواهد آورد: شب در آسمان، مشعلی رو به خاموشی، دیده خواهد شد. در مرکز رن، جنگ و خشک سالی به بار می آید، کمک خیلی دیر می رسد. پرشیا ایران حمله آورده و ما گدوینا و در جای دیگر می گوید: مقدونیه را به محاصره در می آورد (۷) توای فرانسه اگر از آب های لیگوریا گذر کنی خود را، در میانه دریا و جزایر در محاصره خواهی یافت. و پیروان محمد، در برابر تو خواهند ایستاد. و همچنین توای دریای آدریاتیک استخوان خزان و اسبان را خواهی جوید. (۸) و باز می گوید: آن مرد، با سلاح ها و آتش درختان، در نزدیکی دریای سیاه از پرشیا برای تسخیر تراپوزان خواهد آمد. فاروس و میتیلن به لرزه در خواهد آمد خورشید، دریای آدریاتیک را که مملو از اجساد اعراب است روشن خواهد کرد (۹) و سپس نوستر آداموس، عواقب جنگ اتمی و نابودی تدریجی جهان به واسطه جنگ جهانی سوم را شرح می دهد: کسوفی در پیش خواهد بود که از زمان آفرینش گیتی تا زمان مرگ و مصائب حضرت مسیح واز آن زمان تا به امروز مرکز رخ نداده است و جهان چنین ظلمتی به خود ندیده است... (۱۰) که در این مورد آیات مربوط به قیامت در سوره قیامت به ذهن انسان تداعی می شود: فاذا برق البصر و خسف القمر و جمع الشمس والقمر يقول الانسان يومئذ اين المفر. هنگامی که بینایی خیره می گردد، و ماه فرو می رود، و خورشید و ماه گرد هم آیند، آن روز انسان می گوید: به کجا فرار کنم مرد و الا مقامی از تبار عرب به زودی پیش خواهد تاخت. از سوی اهالی بیزانس به او خیانت خواهد شد. از شهر قدیمی رودس به پیشواز او خواهند آمد، از جانب هانگری مجارستان متحمل آزار بسیار خواهد شد. (۱۱) در حوالی دریای آدریاتیک بر اثر توفانی عظیم، کشتی غرق می شود و زمین به لرزه در آید و به سوی آسمان پرتاب می شود و دوباره فرومی افتد در مصر جنبش پیروان محمد افزایش می یابد و پیکانی به آن سوی مرزها، فرستاده می شود تا خبر را اعلان کند... شهرها آلوده و کثیف گشته، باعث اعتراض و شرمساری زیادی خواهد شد، و تاریکی و جهل فقط با درخشش نور ازین می رود و با تغییراتی حکومتی جهل و ظلمت پایان خواهد یافت... رهبری اصلی مشرق زمین با شورش های زیادی روبرو خواهد شد، که اکثراً از طرف شمالی ها و غربی ها مغلوب شده است، که عده ای کشته و برخی مورد آزار قرا گرفته اند و بقیه در حال گریزند و فرزندانشان که از زنان متعددی هستند، زندانی شده اند (۱۲) م. پ. ادوارد در کتاب خود در باب پیشگویی های نوستر آداموس نقل می کند که سانتوری هشتم، قطعه مربوط به وقوع جنگ جهانی سوم است:... جنگ و خونریزی برای مرتبه سوم حتمی است آتش به حدی است که دریاها به جوش می آید واز دولت ما فقط دو دولت واز جهان فقط نیمی باقی می ماند... (۱۳) شاهزاده لیبیای که نماینده حکومت ایران است در غرب به قدرت خواهد رسید، یک فرانسوی

از اعراب به شدت مکدر خواهد شد، دانشمند ادیب، ادبا خود را با اوضاع وفق خواهند داد، زبان عرب بر فرانسه پیش می گیرد... (۱۴) در نزدیکی سوربن جهت حمله به مجارستان، قهرمانی ازاهاالی برودها سیاه پوستان به آنان هشدار خواهد داد. رهبر بیزانس، سالون از اسلاوینا، آنان را به شریعت محمد در خواهد آورد. همچنین نوستر آداموس چنین می سراید که: امپراتوری مقدس به آلمان خواهد آمد پیروان اسماعیل جایگاه بی مانع خواهند یافت. آدم های نادان همچنان خواستار کارمانی شریعت کهنه هستند. تمامی حمایت کنندگان محمد سراسر گیتی را خواهند پوشاند... (۱۵) بنابراین، نوستر آداموس در اغلب سانتوری ها از جمله سانتوری نسبت به فتح جهان به وسیله شریعت حضرت محمد (ص) به غرب و تمدن غربی هشدار می دهد و به جهانیان اعلام می کند که روزی مسلمانان به رهبری ایران و تمدن ایرانی بر جهان مسلط خواهند شد که این بی شک در پیوند با گسترش و جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران است (۱۶) ۱. سانتوری قطعه ۵/۵۵. ۲. قطعه ۲۹/۲. ۳. سانتوری ۴ قطعه ۵۹. ۴. سانتوری ۴ ص ۶۳/۳. ۵. سانتوری ۲ قطعه ۶۹۱. ۶. سانتوری ۲ قطعه ۷۹۵. ۷. سانتوری ۲ قطعه ۸۹۶. ۸. سانتوری ۳ قطعه ۲۳. ۹. قطعه ۲۷/۵. ۱۰. سانتوری ۵ قطعه ۴۷. ۱۱. سانتوری ۲ قطعه ۸۶. ۱۲. نوستر آداموس نامه به فرزند ص ۲۷۴. ۱۳. سانتوری ۳ قطعه ۲۷. ۱۴. سانتوری ۱۰ قطعه ۶۲. ۱۵. سانتوری ۱۰ قطعه ۳۱. ۱۶. نشریه موعود، شماره ۳۷ ص ۲۷.

پیشگویی ولادت حضرت

پیامبر اکرم (ص) وائمه معصومین (ع) نسبت به ولادت حضرت مهدی (ع) پیشگویی کرده بودند. عبدالرحمن بن سمره می گوید: به پیامبر اکرم (ص) عرض کردم: ای رسول خدا مرا به طریق نجات هدایت کن. فرمود: هنگامی که اختلاف خواسته ها و تفرقه آرا پیش آمد، بر تو باد رجوع به علی بن ابی طالب که او امام امت من و خلیفه من بر آنان بعد از من است... از اوست دو امام امت من... و نه فرزند حسین، که نهم آنان، قائم امت من است که زمین را از عدل و داد پر می کند، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱) جابر بن عبدالله انصاری در روایتی از صحیفه ای خبر داده است که در دست حضرت فاطمه (ع) مشاهده نموده و در آن نام های دوازده امام (ع) همراه نام مادرانشان یاد آور شده و آخرین نام، قائم آل محمد (ع) بوده است. (۲) امام حسین (ع) فرمود: قائم این امت، نهمین فرزند از اولاد من است، و او است صاحب غیبت، و کسی که میراثش در حالی که زنده است، تقسیم می شود. (۳) و اما روایاتی که در مورد حضرت مهدی (ع)، غیبت ظهور، علامات ظهور و حوادث پس از ظهور. از طریق دو امام باقر و صادق (ع) نقل شده است به مراتب، بیشتر از روایات رسیده از سایر معصومین (ع) است. ویژگی این روایات آن است که علاوه بر بیان اصل مسأله به بیان بعضی از خصوصیات نیز پرداخته اند. جابر جعفی از امام باقر (ع) نقل نموده که فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن زمان امامشان غایب خواهد شد. پس خوشا به حال کسانی که ثابت بر امر ما باشند (۴) روایت های نیز از حضرت علی (۵) امام حسن مجتبی (۶) امام سجاد (۷) و امام صادق (۸) اما م کاظم، (۹) امام رضا (۱۰) و امام جواد (۱۱) (ع) در پیشگویی ولادت حضرت مهدی (ع) آمده است. ۱. کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۷. ۲. غیبت طوسی ص ۹۲، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۵. ۳. کمال الدین ج ۱، ص ۴۰۳۱۵. کمال الدین ج ۱، ص ۳۳۰. ۵. همان، ص ۳۰۳. ۶. همان، ص ۳۱۵. ۷. همان، ص ۳۱۹. ۸. همان، ص ۳۳۳. ۹. غیبه نعمانی، ص ۱۰۰. ۱۰. کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۲. ۱۱. همان ص ۳۷۷.

پیشگویی های واقع شده

برخی از حوادثی که احادیث، پیشاپیش از رخ دادن آن ها پیش از ظهور خبر داده اند و وقوعشان در کتب تاریخی پس از گذشت سال ها به ثبت رسیده. پیشگویی های مطابق واقع ایشان از این قرار است: پیشگویی اول و دوم: انحراف و فساد بنی عباس و پیامبر

(ص) و ائمه (ع) درباره ویژگی های حکومت بنی عباس از جهت منحرف شدن آن ها به سمت فساد و خروج شان از مسیر حق خبر داده اند . به خوبی می دانیم که دولت بنی عباس چه بر سر ائمه (ع) و دیگر فرزندان رسول اکرم (ص) در طول تاریخ آوردند و چه آوارگی ها ، تعقیب ها و دستگیر شدن ها و ستم هایی را از آن ها چشیدند که مشهورتر از آن است که این روزما بخواهیم آن را به نگارش در آوریم . امام باقر (ع) طی حدیثی می فرماید : ... سپس بنی عباس به سلطنت می رسند و همواره در عیش و نشاط حکومت و وفور خوشی ها خواهند بود ، تا اینکه در میان آن ها اختلاف می افتد و پس از آن که دچار اختلاف شدند حکومت را از کف می دهند . (۱) لازم است به یاد داشته باشیم امام باقر (ع) پس از زوال سلسله بنی امیه به شهادت رسیدند و ۱۸ سال بعد حکومت عباسیان بر مسلمانان مسلط شدند . (۲) پیشگویی سوم : اختلاف اهل مشرق و مغرب در ادامه حدیثی که از امام باقر (ع) نقل کردیم حضرت فرمودند : و اهل مشرق و مغرب دچار اختلاف می شوند . (۳) که نمونه های بسیاری برای این اختلاف در طول تاریخ می توان یافت : مانند اختلاف اهل مشرق و مغرب برای تعیین مرزهای کشورهای اسلامی که این مسأله سابقه طولانی در میان مسلمانان دارد به طوری که بر مشرق عباسیان حکومت می کردند . و بر مغرب یا همه اندلس اسلامی حکمرانان اموی . یا اینکه در شمال آفریقا غرب دولت فاطمیون را تأسیس کردند . در هر دو حالت غرب از خلافت مشرق که در دست عباسیان بود ، جدا شده بودند . شاید هم منظور چیزی است که در عصر کنونی از زمان جنگ جهانی دوم تا الان- شاهدش هستیم که دو دولت بزرگ وجود داشته اند به طوری که یکی مدعی زعامت جمهوری ها در مشرق است و دیگری خود را فرمانروای غرب می شمرد . به هر حال اختلاف را به هر کدام از این معانی یا معانی دیگر بگیریم این اختلاف میان شرق و غرب از جمله نشانه های ظهور است و همواره شاهدش بوده ایم . این سه پیشگویی اتفاق افتاده در تاریخ آن هم پس از بیان آن حضرت (ع) و نقل محدثین در منابع شان ، خود بهترین دلیل بر صدق صدور آن از معصوم (ع) است . پیشگویی چهارم : انحراف جامعه اسلامی پیامبر اکرم (ص) بارها از انحراف در رهبری اسلامی جامعه پس از خویش خبر داده اند که از آن جمله این روایت است که ابن عباس نقل کرده که حضرت ضمن صحبت های شان از معراج ، این مطالب را از جمله علایم ظهور برشمرده اند : کافران ، فرمانروای مردم می شوند و فاجران ستمکاران سرپرست ، و ظالمان هم آنان را یاری می کنند و فاسقان هم مشارران آن ها می شوند . در چنین زمانی سه خسف فرو رفتن پیش می آید : در مشرق ، مغرب و جریره العرب ، بصره را هم یکی از نوادگان تو که زنگی ها از او پیروی می کنند خراب می کند . (۴) و در حدیث دیگری چنین می فرمایند : ... و پس از من ، رهبرانی خواهند آمد که به هدایت من هدایت نگردند از طریق من که هدایت است پیروی نمی کنند و به سنت من هم رفتار نمی کنند ، از میان آن ها مردانی قیام خواهند کرد که قلب های شان قلب شیطان است در کالبد انسان این همان مسأله ای است که پس از رسول اکرم اسلام (ص) رخ داد و حکومت بر اساس مصلحت ها و یا به طور موروثی دست به دست شد . پیشگویی پنجم : شورش صاحب زنج ، جریان صاحب الزنج و قومش در تاریخ از این قرار ثبت شده است که وی شخصی بود که در سال ۲۵۵ ق مصادف با میلاد حضرت مهدی (ع) قیام کرد . نامش علی بن محمد بود و علی رقم اینکه از حیث عقاید و تفکرات با اهل بیت (ع) اختلاف داشت ، گمان می کرد که از علویان است . طی مدت ۱۵ سال در جامعه چنان فسادی به راه انداخته بود که نهایتاً در سال ۲۷۰ ق دستش را به قتل عام مردم آلوده کرد . علاوه بر انتساب خویش به علویان عمده مطلبی که در شورش خود روی آن تکیه می کرد این بود به طور اساسی به کارگران و طبقه زحمتکش جامعه ، خصوصاً بندگان و غلامان تحت سرپرستی دیگران نظر داشت و از این جهت بود که به وی صاحب الزنج یا سرور بندگان لقب داده بودند . فساد زیادی در جامعه به پا کرد و دولت عباسی را به شدت به زحمت انداخت و ساکنان بصره و بسیاری دیگر از شهرها را با قتل و غارت و سرگردانی مردم تحت فشار قرار داد . این واقعه تاریخی هم خود دلیل بزرگی برای صدق حدیث و گوینده آن می باشد . ۴ . تاریخ الغیبه الکبری ص ۵۹ . پیشگویی ششم : ظهور علم در شهر قم ، از جمله این احادیث ، این مورد است که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند : کوفه از حضور مؤمنین خالی خواهد شد و علم

از آن رخت برمی بندد ، همانند ماری که به سوراخ لانه خویش خزیده باشد . سپس در شهری که به آن قم می گویند نمایان می شود و آن جا معدن علم و فضل می گردد ، به طوری که هیچ مستضعفی از لحاظ دینی روی زمین باقی نمی ماند حتی عروسان حجله نشین که این جریان نزدیک ظهور قائم (ع) می باشد . (۵) این موضوع در دهه گذشته پیش آمده است و عظمت امامان (ع) را زمانی متوجه می شویم که بدانیم امام از ظهور علم دینی در قم در حالتی خبر می دهند که حتی موقعیت مکانی این شهر در زمان ایشان هنوز ناشناخته بود و ساکنان آن هم بت پرست و آتش پرست بودند و پس از گذشت قریب ۱۲۰۰ سال مرکز مطالعات و شهر علم شیعه گشت . ۱ . نشریه موعود ، شماره ۳۷ ص ۲۷ . ۲۰ . غیبه نعمانی ص ۱۷۵ . ۳ . همان . ۵ . منتخب الاثر ص ۴۴۳ یوم الخلاص ص ۴۸۰ .

پیشگویی های کتاب مقدس

در سال های اخیر ، جهان مسیحیت شاهد بروز و ظهور موجی فزاینده از توجه به پیشگویی ها کتاب مقدس درباره آخر الزمان بوده است . موجی که در آستانه سال ۲۰۰۰م و پایان هزاره دوم میلادی به اوج خود رسید . در این سال ها در نشریات غربی و پایگاه های اینترنتی مقالات فراوانی منتشر شده که در آن ها پیشگویی های کتاب مقدس با رویدادهای عصر حاضر تطبیق داده شده و از حوادث مختلف سیاسی اجتماعی و زیست محیطی که در سال های اخیر در جهان رخ داد . یا در حال رخ دادن است ، به عنوان نشانه های آخر الزمان با بایان دنیا یاد شده است . با اذعان به این مطلب که برخی از این مقالات با اهداف تبلیغی و تبشیری مسیحیان در جهان هماهنگی و همسویی دارد و با نگاهی که امروز در میان مسیحیان درباره حوادث آخر الزمان وجود دارد . خلاصه یکی از این مقالات را می آوریم (۱) در خلال اعصار و قرون شماری از معلمان روحانی و غیبگویان ، بصیرت خاصی نسبت به آینده دریافت کرده اند . یکی از عمیق ترین این بصیرت ها نسبت به آن چه اتفاق خواهد افتاد ۲۰۰۰ سال پیش ، در دامنه کوهی خارج از اورشلیم اعطا شد . گروه کوچکی از حقیقت جویان در گرد معلمشان ، عیسای ناصری ، جمع شده بودند . سؤالی که از او پرسیدند ، جوابی را در پی داشت که سال ها و قرن ها ، تا این زمان که ما در آن زندگی می کنیم ، ادامه دارد : و همانطور که او عیسی (ع) بر فراز کوه زیتون ها نشست ، حواریون به سوی او آمدند ، گفتند : به ما بگو نشانه های آمدن تو و پایان دنیا چه خواهد بود؟ عیسی (ع) با شماری از مشخصات جوابشان ، را داد تا مراقب باشند . عبارت پایان دنیا که در این جا به کار رفته به معنای پایان عمر کره زمین نیست ، بلکه منظور پایان سلطه غیر انسانی بشر بر روی زمین است . اگر چه بسیاری از نشانه هایی که او داد ، قرن ها گریبانگیر دنیا بوده اما جالب توجه آن است که شدت و کثرت این نشانه ها اکنون افزایش یافته است : ۱ . افزایش جنگها : از جنگ ها خواهید شنید و شایعات جنگ ها زیرا ملتی علیه ملتی بر خواهد خاست ، و مملکتی علیه مملکت دیگر . هیچ مقطعی از تاریخ مانند قرن بیستم ، شاهد افزایش تعداد جنگ ها نبوده است . طبق برآورد صلیب سرخ جهانی ، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در جنگ هایی که از آغاز این قرن به وقوع پیوسته است جان خود را از دست داده اند . از جنگ جهانی دوم تاکنون ، بیش از ۱۵۰ جنگ عمده و صدها شورش مسلحانه و انقلاب رخ داده است . از پایان جنگ جهانی دوم ، ارقام کشته ها در نزاع های مسلحانه ، بیش از ۲۳ میلیون نفر است . طبق گزارش واشنگتن پست : جنگ های قرن بیستم ، جنگ های تمام عیاری علیه جنگجویان و غیر نظامیان بوده است . . . در حالی که در قیاس با آن ، جنگ های وحشیانه قرون پیشین مانند جنگ های خیابانی بوده است . ۳ . گسترش خشکسالی : و نیز خشکسالی خواهد بود . اواخر سال ۱۹۹۶ ، بانک جهانی گزارش کرد که روزانه بیش از ۸۰۰ میلیون نفر گرسنه در جهان به سر می برند و بیش از ۵۰۰ میلیون کودک ، غذای کافی برای رشد روانی و جسمانی دریافت نمی کنند . معاون بانک جهانی می گوید : روزانه حدود ۴۰ هزار نفر در جهان ، بر اثر گرسنگی می میرند که غالباً در مناطق روستایی رخ می دهد . ۴ . شیوع بیماری های مهلک : و نیز بیماری های مهلک خواهد بود . کمتر از ۲۰ سال پیش ، حرفه پزشکی مدعی بود که بر بسیاری از بیماری های

باکتریایی و ویروسی فائق آمده است، اما امروزه مواردی از بیماری های عفونی بیداد کرده است. خبرگزاری آسوشیتد پرس گزارش می دهد: ظهور انواع باکتری هایی که نمی توان با آنتی بیوتیک های فعلی آن ها را از بین برد، می تواند خود تبدیل به تهدیدی علیه سلامت عمومی و بدتر از بیماری ایدز شود. بیماری هایی که اخیراً گمان می رفت بر آن ها فائق آمده باشند، رفته رفتار مهارناشدنی می شوند... دانشمندان انتظار چیزی کمتر از یک فاجعه پزشکی ندارند. UNAIDS برنامه مشترک سازمان ملل علیه ویروس ایدز، در گزارش پایان سال خود در دسامبر ۱۹۹۶، عنوان کرد که در آن سال، ۱/۳ میلیون مورد جدید از آلودگی به ویروس اچ. آی. وی. در تمام دنیا رخ داده است. در سال ۱۹۹۶، یک و نیم میلیون نفر از بیماری ایدز مردند که مجموع کسانی که تا کنون در ارتباط با این بیماری مرده اند به ۴/۶ میلیون نفر می رسد. بر اساس همین نوشتار، افزون بر ۲۳ میلیون نفر مبتلا به ویروس اچ. آی. وی یا بیماری ایدز، اکنون در تمام دنیا زندگی می کنند این آمار وارقام به خوبی می رساند که از سال ۱۹۸۱ که این بیماری برای اولین شناسایی شد تا کنون بالغ بر ۳۰ میلیون نفر به آن مبتلا شده اند. سازمان بهداشت جهانی می گوید: در تمام دنیا روزانه بیش از ۶۰۰ نفر به این بیماری مبتلا می شوند و این سرایت روز به روز بدتر می شود. ۴. فراوانی زمین لرزه: در جاهای متعدد زمین لرزه خواهد بود. سالنمای جهانی به ما می گوید که بین سال های ۱۰۰۰ و ۱۸۰۰ میلادی، تنها ۲۱ زمین لرزه عمده وجود داشت. اما بین سال های ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ تعداد آن ۱۸ واقعه بود. بین سال های ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰، ۳۳ زمین لرزه بزرگ به وقوع پیوست تقریباً به اندازه: آن چه در طی ۱۸۵۰ سال گذشته رخ داده است بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۱، ۹۳ زمین لرزه بزرگ اتفاق افتاد تقریباً سه برابر تعداد آن در نیم قرن گذشته، و ۱/۳ میلیون نفر از مردم را در سراسر جهان به کام مرگ فرستاد. بسیاری از دانشمندان هشدار می دهند که ما در حال حاضر به دوره ای از بلایای زمین لرزه ای وارد می شویم. ۵. گسترش خشونت: یکی دیگر از شرایطی که به گفته عیسی (ع) درست در زمان پیش از بازگشتش رواج خواهد داشت، خشونت وحشیانه است: همانطور که در ایام دوره نوح بوده در زمان آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. در ایام دوره نوح زمین در برابر خداوند فاسد و پر از خشونت بود، روزنامه های امروز پر از تیرهای از ماجراهای غم انگیزی از خشونت های بی رحمانه است. امروزه میزان آدم کش و خود کشی و قتل در آمریکا، تقریباً به اندازه مجموع کشته شدگان آمریکایی در طول جنگ ویتنام است. تنها در ۳۰ سال گذشته، خود کشی و قتل جان بیش از یک میلیون و دویست هزار آمریکایی یعنی بیش از تمام مردانی را که در کل جنگ های تاریخ آمریکا کشته شده اند، گرفته است. ۶. ابلاغ مژده انجیل: سرانجام وقتی به گوش همه مردم جهان رسید و همه از آن باخبر شدند. آن گاه دنیا به آخر خواهد رسید بر خلاف رشد غم انگیز جنگها، خشکسالی، طاعون و زمین لرزه هایی که به گفته عیسی، آغاز غم ها است، ابلاغ موعظه انجیل به تمام ملت ها، نشانه ای ویژه برای زمانی است که دنیا حقیقتاً به پایان خود برسد. هیچ گاه در طول تاریخ مانند الان انجیل در سراسر دنیا و برای کل ملت ها خوانده نشده بود اگر چه مستقیماً به وسیله مبلغان مسیحیت انجام نمی گیرد، اما با وسایل ارتباط جمعی نوین از قبیل: رادیو، تلویزیون و ارتباطات راه دور انجام می گیرد. طبق سالنامه جهان مسیحیت، پیام انجیل هم اکنون برای چهار میلیارد نفر یعنی عملاً برای تمام کشورها موعظه شده است. آنگاه پایان فرا خواهد رسید. ۷. افزایش مسافرت ها: بسیاری به جلو و عقب خواهند دوید حوالی ۵۳۴ بیش از میلاد مسیح خداوند به پیامبرش دانیال گفت: در آخر زمان بسیاری به جلو و عقب خواهند دوید و دانش زیاد خواهد شد. عبارات بسیاری به جلو و عقب می دوند، به لحاظ لغوی یعنی: به سرعت در اطراف در تکاپو هستند یا به قول لیونینگ بایبل: مسافرت ها افزایش خواهد یافت. در نظر بگیرد وسایل حمل و نقل مردم هزاران سال بود که تغییر اساسی نکرده بود، با این نگرش اهمیت این پیشگویی آشکار می شود. امروزه می توانند ظرف ۲۳ ساعت دور دنیا را طی کنند فضا پیما قادر است در ۸۰ دقیقه کره زمین را دور بزند تعداد مردمی که امروزه اقدام به سفر می کنند، بی سابقه است. به گفته متخصصان اقتصادی، مسافرت و گردشگری، امروزه بزرگترین و پرنرزی ترین صنعت در دنیا است. ۸. فزونی دانش: دانش زیاد خواهد شد افزایش دانش در سال های اخیر، تقریباً خارج از تصور ماست

واژه بار سنگین اطلاعات برای نسل ما وضع شده است. هم اکنون روزانه، معادل بیش از ۳۰۰ میلیون صفحه از اطلاعات، به شبکه اینترنت فرستاده می شود. هم اکنون هشتاد درصد از کل دانشمندان بشریت، در قید حیات هستند و در هر دقیقه ۲۰۰۰ صفحه به علوم بشر اضافه می کنند. حدوداً نیمی از دانش پزشکی، هر ده سال یک بار منسوخ شده از دور خارج می شود. فناوری رایانه، انفجار دانشی را که در زیر بار آن قرار داریم ترسیم می کند. در سال ۱۹۴۸، ترانزیستور یا واحد ساختمانی اصلی رایانه ها، در آزمایشگاه های بل ابداع شد. در سال ۲۰۰۰، هر تراشه پردازشگر، شامل میلیارد ترانزیستور خواهد بود. ۹. ظهور ضد مسیح: ضد مسیح می آید نشانه با اهمیت و پایانی آخر زمان که چندین فصل انجیل به آن اختصاص یافته است، ظهور حکومت واحد جهانی به سرکردگی یک مستبد اهریمنی، موسوم به ضد مسیح یا جانور است. به گفته کتاب مکاشفه، تمام دنیا، شیطان را در قالب این رهبر حیوان منش جهانی پرستش خواهد کرد. به گفته انجیل، پیمان یا موافقت نامه صلح ابتکارآمیزی به مدت هفت سال، نقشی محوری در ادعای ضد مسیح در رهبری جهان دارد. این توافقنامه، بحران خاورمیانه را موقتاً با صلحی میان اسرائیل و کشورهای عرب همسایه، حل خواهد کرد. کوه موریاه در اورشلیم بیت المقدس که زمانی معبد یهودیان در آن قرار داشت و همانجا که قبه الصخره مسلمانان هم اکنون وجود دارد، نقطه کانونی خواهد بود. سه سال و نیم پس از وضع پیمان، ضد مسیح آن را لغو خواهد کرد. آنگاه بیت المقدس را پایتخت بین المللی خود خواهد نمود و غیر از پرستش خود و تصویر عرفانی اش، تمام ادیان را ممنوع خواهد کرد. این تصویر به طریقی نیرو می گیرد تا هم صحبت کند و هم سبب کشته شدن کسانی شود که از پرستش او سرباز می زنند. عیسی گفت این هنگام، زمان غیبت بزرگ است، آن چنان که از زمان پیدایش جهان وجود نداشته است. ۱۰. پیدایش نشانه جانور: و موجب می شود تا همگان نشانی بر روی دست راست یا روی پیشانی شان دریافت دارند، به طوری که هیچ کس نمی تواند بخرد یا بفروشد مگر کسی که نشان یا نام جانور، یا شماره اسم او را داشته باشد... شماره او ۶۶۶ است. این پیشگویی مطلبی را توصیف می کند که تا پیش از این هیچ گاه امکان پذیر نبود. دو هزار سال پیش، یوحنا ی حواری، ماهی گیری ساده، پیشگویی کرد که روزگاری، نظام اقتصادی جهانی ای ظهور خواهد کرد که هر کس در لوای آن مجبور است شماره ای دریافت کند و بدون آن قادر به خرید و فروش نخواهد بود. تنها از زمان پیدایش رایانه ها و بانکداری الکترونیکی، چنین اتفاقی، امکان رخ دادن داشته است. ۱۱. ظهور ثانوی مسیح، بلافاصله پس از مصیبت بزرگ... آن ها پسرانسان را خواهند دید که در میان ابرهای آسمان، با قدرت و شکوهی خیره کننده می آید و او برگزیدگان خود را گرد هم خواهد آورد. تیره ترین ساعت دنیا به ناگاه با طلوع سپیده دم روز روشنی که عیسی مسیح باز می گردد، پایان می یابد. تمام کسانی که به او تعلق دارند، به طور معجزه آسایی به بدن های مافوق طبیعی تبدیل شده، از آزار دهندگان ضد مسیح خود، رهایی می یابند و به تماشایی ترین جشن پیروزی ای که تا به حال برگزار شده است، به شام ازدواج بره در بهشت، انتقال خواهند یافت در آن زمان خشم خوفناک خداوند بر ضد مسیح و پیروان اهریمنی او خواهد افتاد و منجر به بازگشت عیسی به زمین می شود تا امپراتوری واحد جهانی آن ها را در مواجهه ای بهت انگیز، موسوم به نبرد آرماگدون، شکستی تمام عیار داده، نابود سازد این چنین، حکمرانی بی رحمانه انسان بر روی زمین، پایان می پذیرد و عیسی و نیروهای مافوق بشری، دنیا را در اختیار گرفته و با عشق بر آن سلطنت و حکومت خواهند کرد. بدین ترتیب دوره ای موسوم به هزاره، یا هزار سال صلح و فراوانی و بهشت، برای همگان آغاز خواهد شد. ۱. نشریه موعود، شماره ۳۷ ص ۳۲.

مهدویت در ادیان و مکاتب

اهل کتاب

هوشع نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود درباره بازگشت حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور خبر داده است. (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی، ص ۳۲۷.

یهود و نصاری و مهدویت

مسترهاکس نویسنده آمریکایی کتاب قاموس کتاب مقدس درباره شیوع اعتقاد به ظهور، و انتظار پیدایش منجی بزرگ جهانی در میان قوم یهود چنین می نویسد: عبرانیان منتظر قدوم مبارک مسیح، نسل به نسل بودند و وعده آن وجود مبارک مکرراً در زبور و کتب انبیا، علی الخصوص در کتاب اشعیا داده شده است. تا وقتی که یحیای تعمید دهنده آمده، به قدوم مبارک وی بشارت داد، لیکن یهود آن نبوات (پیش گویی ها) را نفهمیده و به خود می اندیشیده که مسیح (سلطان زمان) خواهد شد و ایشان را از دست جورپیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد (۱) نویسنده کتاب قاموس کتاب مقدس در کتاب خود از یهودیان، زبان به شکایت می گشاید که دعوت عیسای مسیح را پس از آن همه اشتیاق و انتظار، سرانجام نپذیرفتند و او را مسیح واقعی پنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان خواهد بود و منجی واپسین و مژده اش را کتاب مقدس شان داده بود و سال ها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه شماری می کردند، مطابق نیافتند. از این رو، با او به دشمنی برخاستند، حتی وی را جنایتکار به هفت اسرائیل، و تعالیمش را ضد آرمان اساسی کتب مقدس عهد عتیق (تورات و ملحقات آن) دانستند، ناچار به محاکمه اش فرا خواندند و به اعدام محکومش کردند، و همچنین با احساس غبنی جانکاه مجدداً به انتظار مسیح موعود و رهایی بخش از رنج و ستم نشستند. مسیحیان، با این که حضرت عیسی (ع) را مسیح موعود یهودیان می دانستند، چون نسبت به پیروی او احساس نا تمامی کردند، یکباره امیدشان از زمان حال برکنده شد، حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار مسیح و بازگشت او از آسمان، در پایان جهان نشستند. در کتاب قاموس کتاب مقدس آمده است: کلمه پسر انسان هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن (عهد جدید) به کار رفته است که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی (ع) قابل تطبیق است و پنجاه مورد آن از مصلح و نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد (۲) ۱. قاموس کتاب مقدس ص ۸۰۶. ۲. او خواهد آمد علی اکبر مهدی پور، ص ۳۳.

یوئیل نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع)، نزول حضرت عیسی (ع) و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز را آورده است (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۳۲۷.

اهل کتاب

از روایات فهمیده می شود که ستیز و رویارویی حضرت مهدی (ع) با اهل کتاب، همیشه یکسان نبوده، بلکه در مواردی با دریافت جریه، به آنان اجازه می دهد به دین خودشان برجای بمانند و با گروهی به بحث و مناظره می پردازد و آنان را با این روش، به اسلام دعوت می کند و ممکن است بگویم در آغاز قیام، با آنان به بحث می پردازد، و با کسانی که حق را پنهان سازند، می

جنگد . (۱) شهر بن حوشب می گوید : حجاج به من گفت : در قرآن آیه ای است که مرا خسته کرده است و معنای آن را نمی فهمم . گفتم : کدام آیه گفت : آن جا که خداوند می فرماید : *وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ* (۲) هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آن که قبل از مرگش ایمان می آورد . و مکرر اتفاق افتاده است که فردی نصرانی یا یهودی را پیش من می آورند و گردنش را می زنم و آن گاه به لب مایش خیره می شوم ، ولی حرکتی نمی کند تا این که نفس او قطع می شود . شهر بن حوشب می گوید : به او گفتم : معنای آیه ، این نیست که تو پنداشتی بلکه مراد این است که وقتی پیش از قیامت عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و به حضرت قائم (ع) اقتدا کند ، در آن هنگام هیچ یهودی و نصرانی نمی ماند ، مگر آن که پیش از مرگ به او ایمان می آورد . حجاج پرسید : این تفسیر را از کجا فرا گرفته ای و چه کسی آن را به تو آموخته است گفتم : این تفسیر را امام باقر (ع) فرمود . حجاج گفت : از چشمه ای زلال به دست آورده ای . (۳) عبدالله بن بکیر از امام کاظم (ع) درباره تفسیر آیه *وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا* ، (۴) سؤال کرد . امام فرمود : این آیه درباره قائم (ع) فرود آمده است . هنگامی که علیه یهود ، نصارا ، صائبیان ، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می نماید . هر کس پذیرفت ، دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و بر طبق آن چه فرد مسلمان ، مأمور به انجام آن است ، رفتار نماید و هر کس مسلمان نشود گردنش را می زند تا آن که در شرق و غرب جهان ، یک کافر بر جای نمی ماند . عبدالله پرسید : قربانت گردم ، در روی زمین مردم بسیاری هستند؟ چگونه حضرت می تواند همه آنان را مسلمان کند یا گردن بزند؟ امام کاظم (ع) فرمود : وقتی خداوند چیزی را اراده کند ، چیز اندک را بسیار و بسیار را اندک می گرداند . (۵) ۱ . چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طوسی ص ۴۳ . ۲ . سوره نساء ۱۵۹ . ۳ . بحارالانوار ج ۱۴ ، ص ۳۴۹ . تفسیر قمی ص ۴۶۱ . احقاق الحق ج ۱۳ ، ص ۳۳۲ . ۴ . سوره آل عمران ۸۴ . ۵ . نورالثقلین ، ج ۱ ص ۳۶۲ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۴۰ . اثبات لهداء ج ۳ ، ص ۵۴۹ .

تخریب مسجد الاقصی

یک جریان مسیحی صهیونیستی در آمریکا شکل گرفته که اعتقاد دارد ویرانی مسجد الاقصی و ساخت معبد سوم سلیمان به جای این مسجد ، شرط ظهور حضرت مسیح (ع) است و بدون ساخت معبد سوم ، مسیح هرگز ظهور نمی کند . این جریان ، به ویژه گروه های تندرو صهیونیست وابسته به آن ، اعتقاد دارند که خرابه های معبد نخست و دوم سلیمان در زیر مسجد الاقصی است و برای ساخت مجدد این معبد ، راهی جز ویرانی مسجد الاقصی وجود ندارد . با توجه به همین اعتقاد پیروان این جریان صهیونیستی مبالغه هنگفتی را در سازمان های افراطی صهیونیستی مانند عطیرات کوهانیم قرار می دهند که یهودی کردن قدس و تخریب مسجد الاقصی هدف اعلام شده آن ها است . چهره های بارز این جریان در مصاحبه های مختلف با رسانه های ارتباط جمعی رژیم صهیونیستی می گویند که هیچ رئیس جمهوری در آمریکا جرأت آن را ندارد که به اسرائیل کمک نکند زیرا در غیر این صورت سرنگون خواهد شد . در چارچوب اعتقادات و تلاش های این جریان صهیونیستی روز ۲۱ مهرماه سال ۱۳۸۲ مراسمی قدس با حضور سه هزار نفر از طرفداران جدی رژیم صهیونیستی که به سرزمین های اشغالی آمده بودند ، برگزار شد . ۹ آوریل شارون نخست وزیر رژیم صهیونیستی خطاب به شرکت کنندگان در این مراسم گفت : کشمکش کنونی اسرائیل با فلسطینیان ریشه در مخالفت جهان عرب با حقوق یهودیان دارد و جهان عرب نمی خواهد با ملت یهود آشتی کند . وی همچنین در این مراسم برای تحریک احساسات اعضای این جریان افراطی ادعا کرد : اسرائیل ظرف سه سال گذشته شاهد جنگ تحمیلی فلسطینیان بوده است ، اما این کشمکش صد سال پیش آغاز شد . هدف از سفر این سه هزار آمریکایی به سرزمین های اشغالی آن بوده که از کابینه شارون بخواهند از قدس دست نکشد و شارون نیز به آنان گفته است که قدس برای همیشه مرکز یکپارچه اسرائیل باقی خواهد ماند

۱ (۱) . نشریه موعود ، شماره ۴۰ ص ۳۲ .

تورات و بشارت موعود

حجی نبی

از انبیای پیرو تورات است که در کتاب خود ، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) را داده است . ۱ (۱) . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ، ص ۳۳۴ .

تورات و بشارت موعود

در کتاب تورات که از کتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آن ها است ، بشارت زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخرالزمان آمده است . در زبور حضرت داود (ع) که تحت عنوان مزامیر در لابلای کتب عهد عتیق آمده ، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) به بیان های گوناگون داده شده است و در ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه ، اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت ونویدی از پیروزی صالحان بر شریران وتشکیل حکومت واحد جهانی وتبديل اديان ومذاهب مختلف به يک دين محکم و آيين جاويد ، موجود است . ۱ (۱) و جالب اين که مطالبی که قرآن کریم درباره ظهور حضرت مهدی (ع) از زبور نقل کرده است ، عیناً در زبور فعلی موجود و از دستبرد تحریف وتفسیر مصون مانده است . قرآن کریم چنین می فرماید : ولقد کتبنا فی الزبور من بعده الذکر ان الارض یرثها عبادي الصالحون (۲) ما علاوه بر ذکر تورات در زبور نوشتیم که در آینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد . مقصود از ذکر در آیه شریفه ، تورات موسی (ع) است که زبور داود (ع) پیرو شریعت تورات بوده است . در زبور آمده است : ... زیرا که شریران منقطع می شوند . اما متوکلاان به خداوند وارث زمین خواهند شد (۳) . اسم او ابدأ بماند ، اسمش مثل آفتاب باقی بماند ، در او مردمان برکت خواهند یافت وتمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت ، بلکه اسم ذوالجلال او ابدأ مبارک باد وتمامی زمین از جلالش پر شود ، دعای داوود پسری تمام شد . (۴) در کتاب اشعیای نبی که یکی از پیامبران پیرو تورات است ، بشارت فراوانی درباره ظهور حضرت آمده است : ونهایی از تنه یسی (۵) بیرون آمده ، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت وروح خداوند بر او قرار خواهد گرفت ... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد وبه جهت مظلومان زمین ، به راستی حکم خواهد نمود ... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود وکمر بند میانش امانت ... (۶) منظور از نهالی که از تنه یسی خواهد رویید ممکن است یکی از چهار نفر : حضرات داود ، سلیمان ، عیسی و مهدی (ع) و باشند ولی دقت و بررسی کامل آیات مذکور نشان می دهد که منظور از این نهال ، هیچ یک از آن پیامبران نیستند ، بلکه همه آن بشارت ها ویژه قائم آل محمد (ع) است ، زیرا حضرت داود وسلیمان فرزندان پسری یسی ، وحضرت عیسی (ع) نواده دختری وی ، و مهدی (ع) نیز از جانب مادرش ، جناب نرجس خاتون- که دختر یشوعا ، پسر قیصر ، پادشاه روم و از نسل حضرت داود ، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی (ع) بوده ، ونسب شریفش به (ع) شمعون صفا ، وصی حضرت عیسی (ع) می رسد- نواده دختری یسی می باشد . (۷) در کتاب یوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است ، چنین آمده است : آن گاه جمیع امت ها را جمع کرده ، به وادی یهوشافاظ (۸) فرود خواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود ومیراث خویش ، اسرائیل را محاکمه خواهم نمود . زیرا که ایشان را در میان امت ها پراکنده ساخته وزمین مرا تقسیم نموده اند وبر قوم من قرعه انداخته وپسری در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند (۹) در کتاب عاموس نبی (۱۰) وهوشع نبی (۱۱) نیز از نزول حضرت عیسی (ع) وداوری آن حضرت سخن به میان آمده است و در کتاب " زکریای نبی "

بشارت ظهور مهدی (ع) چنین آمده است: اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میان تقسیم خواهد شد و جمیع امت‌ها را به ضد اورشلیم برای جنگ فراهم خواهد کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود و خداوند بیرون آمده با آن قوم‌ها مقاتله خواهد کرد چنان که در روز جنگ مقاتله نمود... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود... و یهوه خدا بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود... (۱۲) لازم به یاد آوری است که در کتب عهدین تورات و انجیل کلمه "خداوند بیشتر در مورد حضرت عیسی (ع) به کار می‌رود. در کتاب "حزقیال نبی نیز در مورد حضرت مهدی (ع) و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید خبرهایی آمده است:.. و اما تو ای پسر انسان خداوند یهوه چنین می‌فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می‌نمایم فراهم آید و قربانی عظیمی که بر کوه‌های اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید. و خداوند یهوه می‌گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان اُمت‌ها قرار خواهم داد و جمیع امت‌ها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود (۱۳) باید توجه داشت که منظور از "پسر انسان مانند کلمه مسیح، حضرت عیسی (ع) نیست؟ بلکه مراد از آن، حضرت مهدی (ع) است، زیرا در انجیل بیش از هشتاد بار کلمه پسر انسان "آمده است که تنها در سی مورد آن حضرت مسیح (ع) اراده شده است. (۱۴) در کتاب حجی نبی نیز بشارت ظهور آمده است: یهوه ۱. آخرین امید، داود الهامی ص ۱۹۳. ۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. ۳. عهد عتیق، کتاب مزامیر مزمور ۳۷. ۴. همان، مزمور ۷۲. ۵. یسی به معنای قوی، پدر حضرت داود و نوه "راعوت" است، و به طوری مشهور بود که داود را پسر "یسی" می‌نامیدند در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بوده است. قاموس کتاب مقدس. ۶. تورات، کتاب اشعاینبی، باب ۱۱. ۷. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی، ص ۱۲۳. ۸. نام صحرای است در نزدیکی بیت المقدس که اکنون وادی "قدرون" نامیده می‌شود و لغت نامه دهخدا ص ۱۷۷. ۹. تورات، کتاب یوئیل نبی، ص ۳۲۷. ۱۰. تورات، کتاب عاموس نبی، ص ۱۳۳۳. ۱۱. تورات، کتاب هوشع نبی ص ۱۳۱۴. ۱۲. تورات کتاب زکریای نبی ص ۱۳۸۲. ۱۳. تورات، کتاب حزقیال نبی ص ۲۶۵. ۱۴. تورات، کتاب مقدس، ماده "پسر خواهر" ص ۱۹۲. صباویوت چنین می‌گوید: یک دفعه دیگر آسمان‌ها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت و تمامی امت‌ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت‌ها خواهد آمد و این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت.. (۱۵) که در آن به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره شده است. در کتاب "صفیای نبی" همچنین آمده است...: "خداوند می‌گوید: برای من منتظر باشید، تا روزی که به جهت غارت برخیزم، زیرا که قصد من این است که اُمت‌ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد... (۱۶) نیز در کتاب دانیال نبی "آمده که". ۱۷. ۱۸. امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، خواهد برخاست... بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد... (۱۷) ۱۹. کتاب مقدس کتاب حجی نبی ص ۱۳۶۷. ۲۰. بندهای ۶-۹. ۱۶. کتاب مقدس کتاب صفیای نبی ص ۱۳۶۳. ۲۱. بندهای ۵-۹. ۱۷. کتاب مقدس کتاب دانیال نبی ص ۱۳۰۹، باب ۱۲ بندهای ۱-۱۲.

مهدویت در زرتشت

کات‌ها

کهنه ترین و مقدس ترین قسمت اوستا است که در میان یسنا جای داده شده است. آن ها عبارتند از سرود و نظم و شعر، و هر فرد از اشعار گات ها را گاس گویند. کلیه گات ها ۱۷ فصل است و شامل ۲۳۸ قطعه و ۸۹۶ بیت می باشد. (۱) در آن نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) و سیطره جهانی او آمده است (۲) گات های اوستا شامل پنج قسمت است و به منزله پنج کتاب اسفار تورات است که یهودیان آن ها را از خود موسی دانسته و احترام خاصی برای آنها منظور دارند: اهنود، اشنود، سپنتمد، وهوخستر، وهشتند است (۳) ۱. معارف و معاریف ج ۸ ص ۶۲۵. ۲. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۱۸. ۳. معارف و معاریف ج ۸ ص ۶۲۵.

زند

از کتاب های مذهبی زرتشتیان است که در آن به بشارت منجی اشاره شده است. در این کتاب درباره انقراض اشرار و وراثت صالحان پس از شکستن شوکت جباران، سخن به میان آمده است (۱) ۱. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی ۱۵.

منجی اعظم

در کتب مقدسی که در میان زردشتیان و مندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آورندگان آن ها از نظرشان به عنوان پیامبر شناخته می شوند، تصریحات بسیاری به منجی اعظم شده است که او کسی جز حضرت مهدی (ع) نیست (۱) ۱. آخرین امید، داود الهامی، ص ۱۹۵.

زرتشت و بشارت موعود

در منابع زرتشتیان تصریحات بسیاری به ظهور حضرت مهدی (ع) شده است که قسمتی از آن ها را در این جا می آوریم: در کتاب زند که از کتب مقدسه زرتشتیان است، درباره انقراض اشرار و وراثت صلحا می گوید: لشکر اهریمنان با ایزدان، دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند، چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد. آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست (۱) در بخش گات ها که یکی از بخش های چهارگانه اوستاست، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) و سیطره جهانی آن حضرت آمده است: ... و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد، پس آنگاه ای مزدا کشور را بهمین در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دست های راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند ... کی ای مزدا بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد، با آموزش های افزایش بخش پر خرد رهاندگان، کیانند آنانی که بهمین به یاری شان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیدم ای اهورا بهمین را نماینده توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادار اهور مزدا، تفسیر کرده اند (۲) جا مناسب در کتاب معروف خود جاماسب نامه می گوید: پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه های مکه پیدا شود، و شتر سوار شود و قوم او شتر سواران خواهند بود، و با بندگان خود چیز خورد، و به روش بندگان نشیند، و او را سایه نباشد و از پشت سر، مثل پیش رو ببیند. دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل گرداند همه کتاب ها را ... و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان وشاه زنان نام دارد، کسی پادشاه شود

در دنیا به حکم یزدان، که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد و دولت او تا به قیامت متصل باشد و بعد از پادشاهی او، دنیا تمام شود... همه جهان را یک دین کند و دین گبری و زرتشتی نماند، و پیغمبران خدا و حکیمان و پری زادان و دیوان و مرغان و همه اصناف جانوران و ابرها و بادها و مردان سفیدرویان در خدمت او باشند... (۳) در زند و هومن یسن از ظهور شخصیت فوق العاده ای بنام سوشیانس، - نجات دهنده بزرگ - خبر داده و درباره نشانه های ظهور وی چنین می گوید. نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند، و به همه دنیا پیام می فرستند... سوشیانس دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و همگفتار و همکردار گرداند. (۴) لازم به یاد آوری است که اعتقاد به ظهور سوشیانس در میان ملت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتی در موقع شکست های جنگی و فراز و نشیب های زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و ناامیدی نجات می دادند. (۵) ۱. بشارت عهدین ص ۲۳۷. ۲. بشارت عهدین استدراکات، پس از مقدمه چاپ دوم ص ۱۰ و ۱۱. ۳. لمعات النور، ج ۱ ص ۲۳-۲۵. ۴. او خواهد آمد علی اکبر مهدی پور، ص ۱۰۸ و ۱۲۱ و ۱۲۲. ۵. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی ص ۳۵۵.

مهدی باوری در ادیان

ایده ظهور منجی بزرگ که با خروج خود، عدل و قسط، گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان، به ارمغان خواهد آورد و به ستم و تجاوز ظالمان در پهنه کره خاکی پایان خواهد بخشید و دولت کریمه عدل پرور و دادگستری را بنیان خواهد نهاد، عقیده ای است که پیروان ادیان سه گانه ابراهیمی و بخش چشم گیری از سایر ملل بدان ایمان داشته و دارند. یهودیان مانند مسیحیان - که به بازگشت عیسی (ع) معتقدند - به ظهور یک منجی می اندیشند و همان گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت بهرام شاه اند، نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود تئودور موعود هستند و هندوها نیز به خروج ویشنو دل بسته اند و مجوسی ها به زنده بودن هوشیدراعتقاد راسخ دارند و بودایی ها منتظر باز آمدن بودا و اسپانیایی ها مترقب بزرگ خود رودریک اند و اقوام مغول هم رهبر خود چنگیز را منجی بزرگ می شمارند. هم چنین ایده ظهور منجی در مصر باستان هم رواج داشته است، همان گونه که در متون کهن چینی نیز دیده شده است. (۱) در کنار این حقایق تکان دهنده، تصریحات قابل توجهی از نوابغ مغرب زمین و اندیشمندان آن دیار می یابیم، مبنی بر این که جهان در انتظار مصلح کبری است که سر رشته امور را به دست خواهد گرفت و جامعه بشری را زیر یک پرچم و به دنبال یک هدف، گرد هم خواهد آورد. مانند فیلسوف شهیر انگلیسی برتراند راسل که می گوید: دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه یک پرچم و یک شعار متحد سازد. متفکر دیگر، پروفسور آلبرت انیشتاین، این گونه اظهار می کند: فرا رسیدن آن روزی که در جای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند همه اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید. در این میان، سخن فیلسوف نامدار انگلیسی برنارد شار شایان توجه است. وی در کتاب خود بشر و ابرمرد به ظهور یک مصلح بشارت می دهد. در این زمینه، استاد بزرگ عباس محمود العقاد می نویسد: به نظر ما ابرمرد مورد نظر شار، صرفاً یک فرضیه و امری ناشدنی نیست و فراخوانی بشر به سوی چنین مصلحی توسط شار از حقیقتی ثابت و واقعیتی اصیل ریشه گرفته است. علی رغم وجود مذاهب مختلف اسلامی و تفاوت های مهدی در روایات ۷۱۷ عقیدتی ناشی از آن، همه مسلمانان طبق بشارت رسول اکرم (ص) به ظهور امام مهدی (ع) در آخر الزمان اعتقاد راسخ دارند. بسیاری از علمای اهل سنت، از قرن سوم هجری تا امروز بدین معنا تصریح کرده اند. اساساً میان مسلمانان دیگر پیروان ادیان و ملل مختلف، در اصل اعتقاد به ظهور یک منجی در آخر الزمان هیچ گونه اختلافی نیست، هر

چند در مصداق آن میان مسلمانان و دیگران اختلافاتی وجود دارد، لیکن تمامی امت اسلامی بر این باورند که اسم مبارک وی محمد و لقب او مهدی است. (۲) ۱. المهدیه فی الاسلام سعد محمد حسن ص ۴۳. ۲. درانتظار ققنوس، مهدی عزیزاده، ص ۴۷.

انتظار و صهیونیسم

در عصر ما که یهودیان صهیونیست خود بر پای خاسته وبا اشغال فلسطین درصدد برآمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است و یهودیان در انتظار مسیحا لحظه شماری می کنند. حدود صد سال پیش متفکران یهود گفتند قوم ما این همه سال در انتظار مسیحا خواری ها را بر خود هموار کرد، ولی از وی خبری نیامد. دیگر انتظارمان به سر آمد و کاسه صبرمان لبریز شد. جا دارد که خود برای پایان دادن به وضع موجود برخیزیم. آنان مکتب صهیونیسم را تأسیس کردند و گفتند باید خودمان فلسطین را بگیریم. عموم یهودیان می گفتند این کار درست نیست، زیرا طبق باورهای دینی، تنها مسیحا می تواند به چنین کاری اقدام کند. صهیونیست ها گفتند ما برای قیام مسیحا پایگاهی در فلسطین درست می کنیم. قانع نمودن قومی که قرن ها در خیالات واهی به سر برده بود، کاری مشکل بود. اما آنان با صبر و حوصله فراوان، برای این کار تبلیغ کردند و مهاجرانی را به فلسطین بردند و پنجاه سال پیش دولت غاصب اسرائیل را در اراضی اشغالی بنیاد نهادند. البته هنوز هم اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحای می دانند و پیوسته با آن مخالفت کرده، می گویند باید به سنت انتظار ادامه داد. سرانجام، سواد اعظم یهودیت صهیونیسم را از جان و دل پذیرفتند و آن را رهگشای عصر مسیحا دانستند. از این رو، صهیونیست های غاصب فلسطین، علاوه بر دعاها و مسیحایی موسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم غاصب پنجم ماه ایار عبری پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می کنند: اراده خداوند ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا، گوش ما را نوازش دهد. (۱) ۱. نشریه موعود، شماره ۱۱.

عهد عتیق

در کتاب های عهد عتیق هم نوید حضرت مهدی (ع) آمده است. در کتب اشعیا نبی فصل ۱ و ۴۵ (زکریا نبی) فصل ۱۴ (صفیاء نبی) فصل ۳ سلیمان نبی فصل ۲ (حجی نبی فصل ۲) (اول سموئیل) فصل ۲ (دوم سموئیل) فصل ۱۲ و ۲۳ (و حزقیل نبی) فصل ۱ (۱) بشارت منجی و نوید ظهور حضرت مهدی (ع) ذکر شده است. ۱. روزگار رهایی ج ۲، ص ۱۰۱۴.

مهدویت در مسیحیت

مسیح دروغین

اعتقاد به ظهور منجی بزرگ جهانی و اشتیاق به ظهور رهبری آسمانی، در میان یهود و نصاری، آن چنان اصیل و ریشه دار است که در طول تاریخ این در هفت، مدعیان شگفتی را پدید آورده و افراد بسیاری پیدا شده اند که خود را به دروغ مسیح موعود معرفی کرده اند. به طوری که صاحب کتاب قاموس کتاب مقدس درباره شماره مدعیان دروغین مسیح موعود می نویسد: بیست و چهار نفر مسیح های دروغگو در میان بنی اسرائیل ظاهر گشتند که مشهورترین و معروف ترین آن ها برکوبه است که در اوایل قرن ثانی می زیست و آن دجال معروف ادعا می کرد که رأس و پادشاه قوم یهود است... آخرین مسیح های دروغگو "مردخای

"است. او شخصی آلمانی بود که در سال ۱۶۸۲ میلادی ظهور کرده، اسباب شدت گرفتن فتنه و فساد گشت و چون آتش فتنه بالا گرفت، فراری گردیده و معدوم الاثر شد. اما متأسفانه اطلاع "مسترهاکس" مؤلف آن کتاب درباره شماره مدعیان مسیحایی و همچنین درباره آخرین کسی که به عنوان مسیح موعود قیام کرده است، نارسا است. شماره این مدعیان، به مراتب بیشتر از آن است و قیام "مردخای" آلمانی در قرن هفدهم، واپسین قیامی نیست که تاریخ مسیحیت آن را به یاد می آورد. تنها طی دو قرن هیجدهم و نوزدهم در انگلستان، بیش از شش تن، به نام مسیح موعود (ع) ظهور کرده اند و اغتشاش هایی را هم دامن زده اند، و پاره ای از آن ها به کیفر رسیده اند. (۱) البته به موازات دین مسیح، در دین یهود نیز، مسیح های دروغین متعددی ظهور کرده اند. از جمله یکی از مسیح های یهودی "داود آل روی" از یهودیان ایران است. او در اواسط قرن دوازدهم در میان یهودیان ایران، مدعی شد که مسیح موعود است. (۲) ۱. دیباچه ای بر رهبری ص ۹۵. ۲. همان ص ۱۰۱.

هزاره گرایی

هزاره گرایی (millennialism) میراث قدیم ادیان است که امروزه در جوامع مسیحی رواج یافته و در آینده نزدیک، شاهد آثار و نتایج آن خواهیم بود. این آرمان در یهودیت بسیار اوج گرفت و در مسیحیت - به ویژه در حدود سال ۱۰۰۰ میلادی - به نهایت اوج خود رسید. اکنون هزاره گرایی در جهان مسیحیت بیداد می کند و شور و التهاب این آرمان در آن جوامع بدان پایه است که پژوهشگران علوم اجتماعی و رسانه های جمعی گاهی از آن به عنوان سندرم ۲۰۰۰ و جنون هزاره ای یاد می کنند. این آرمان خاص مسیحیت نیست و نشانه هایی از آن در اسلام و ادیان دیگر وجود دارد. دائرة المعارف بین المللی علوم اجتماعی در مدخل (millennialism) می نویسد: واژه لاتینی millennialism، و معادل یونانی آن chilias در لغت به معنای یک دوره هزار ساله است. سنت هزاره بر ادبیات مکاشفه ای یهود و کتاب مکاشفه یوحنا استوار است. بر اساس آن سنت، مسیح پس از اینکه بار دیگر به شکل یک جنگاور آشکار می شود، بر ابلیس پیروز خواهد گردید و او را در بند خواهد کرد. آنگاه ملکوت خدا را پدید خواهد آورد و شخصاً به مدت ۱۰۰۰ سال حکم خواهد راند. قدیسانی که در ایمان ثابت مانده و جان بر سر آن نهاده اند، از خاک برمی خیزند و در پادشاهی او به کهنات می پردازند. در پایان این دوره، شیطان تا چندی آزاد خواهد ماند و سرانجام کشته خواهد شد. آنگاه رستاخیز همه مردگان، واپسین داوری و آخرین رستگاری فرا خواهد رسید. هزاره گرایی تا اندازه ای به پیشگویی های مربوط به آینده جهان ارتباط دارد و در جستجوی پاسخی برای سرنوشت انسان و جهان است. واما هزاره مسیحی: کتاب مکاشفه یوحنا از اعداد و ارقام سخن گفته است و دو عدد بسیار معروف در آن یافت می شود: ۱۰۰۰ و ۶۶۶. به گفته آن کتاب، حضرت عیسی (ع) شیطان را در بند می کند و مدت هزار سال با قدیسان خود و شهیدان آغاز مسیحیت که تعدادشان بسیار است، سلطنت می نماید. آن گاه شیطان اندکی آزاد می شود شیطان برای جنگ با نیکان و تسخیر شهر قدس لشکرگرانی را فراهم می کند، ولی وی و سپاهش به اراده خدا نابود می شوند. این مسأله روشن بعداً تفسیرهای مختلفی گرفت. مثلاً گروهی گفتند سلطنت هزار ساله حضرت عیسی مسیح (ع)، به بهشت مربوط می شود زیرا شیطان به آن جا راهی ندارد. درباره تقدم و تأخر این رویدادها نیز گرایش های گوناگونی پدید آمد که مکتب های "پیش هزاره"، "پس هزاره" و "نفی هزاره" از آن جمله است. هزاره گرایی همراه انتظار موعود، از یهودیت به مسیحیت سرایت کرد و به علت ناتمام ماندن رسالت حضرت عیسی مسیح (ع) در مسیحیت ادامه یافت. (۱) ۱. نشریه موعود ش ۱۹ ص ۱۴

انجیل و بشارت موعود

بر اساس بشارات فراوانی که در کتاب انجیل آمده است، حضرت مسیح (ع) به دنبال قیام حضرت قائم (ع) در فلسطین آشکار خواهد شد و به یاری آن حضرت خواهد شتافت و پشت سر حضرتش نماز خواهد گزارد، تا یهودیان و مسیحیان و پیروان وی تکلیف خویش را بدانند و به اسلام بگروند و حامی حضرت مهدی (ع) گردند. از این رو، در آخرین روزهای زندگی - و شاید در طول دوران حیات - به یاران و شاگردان خود، توصیه ها و سفارش های بسیاری درباره بازگشت خود به زمین نموده و آنان را در انتظار گذارده و امر به بیداری و آمادگی فرموده است. ما برای نمونه متن برخی از آن بشارات را که در انجیل آمده است می آوریم: انجیل متی: عیسی در جواب ایشان گفت: زنهار کسی شما را گمراه نکند. آن رو که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من مسیح هستم و بسیاری را گمراه خواهند کرد. و جنگ ها و اخبار جنگها را خواهید شنید. زنهار مضطرب مشوید، زیرا که وقوع این همه لازم است لیکن انتها هنوز نیست، زیرا قومی با قومی و مملکتی با مملکتی تفاوت خواهند نمود و قحطی ها و وباها و زلزله ها در جای ها پدید آید. و فوراً پس از مصیبت آن امام، آفتاب تاریک گردد و ماه نور خود را ندهد و ستارگان از آسمان فرو ریزند، و وقوت های افلاک متزلزل گردد. آن گاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد، و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان با قوت و جلال عظیم آید... (۱) انجیل مرقس: ... از آن روز و ساعت، غیر از پدر، هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید، زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود. مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده، هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس بیدار باشید زیرا نمی دانید که در چه وقت صاحب خانه می آید. در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. اما آن چه به شما می گویم به همه می گویم، بیدار باشید. (۲) انجیل لوقا: کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را فروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند، تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند. پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید (۳) انجیل یوحنا: و بدر قدرت بخشیده است که داوری هم بکند، زیرا که پسر انسان است و از این تعجب مکنید، زیرا ساعتی می آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می باشند آواز او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات، و هر که اعمال بد کرد به جهت قیامت داوری. (۴) مکاشفه یوحنا: و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پای هایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است. و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد برمی آورد. و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک از دهای بزرگ آتش گون که او را هفت سر و ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر، و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آن ها را بر زمین ریخت و از دها پیش آن زن - که می زاید - بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد. پس پسر نرینه را زاید که همه امت های زمین را به عصای آهنین حکم رانی خواهد کرد و فرزندش به نزد خدا و تخت او رבוده شد... (۵) با اندکی تأمل آمد در آیات مذکور این نتیجه به دست می آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه یاد شده، بزرگترین مولود جهان انسانیت، حضرت مهدی (ع) است که در زمان نامعلومی از پشت پرده غیبت با شمشیر ظاهر شده و با عصای آهنین بر بشریت حکومت می کند (۶) رساله پولس به رومیان: پولس، رساله های متعددی داشته است، که در رساله اش به رومیان می نویسد: زیرا یقین می دانم که در دهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد، هیچ است... و آن که برای حکمرانی امت ها مبعوث شود، امید امت ما بر وی خواهد بود. (۷) کتاب اعمال رسولان: و چون دین را گفت، وقتی که ایشان همی نگریستند بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. و چون به سوی آسمان چشم دوخته می بودند، هنگامی که او می رفت ناگاه دو مرد سفید پوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: ای مردان جلیل چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد باز خواهد آمد، به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید. (۸) ۱. کتاب مقدس، انجیل متی ص ۴۱ باب

۲۴. ۲. کتاب مقدس ، انجیل مرقس ، ص ۷۷ باب ۱۳. ۳. کتاب مقدس انجیل لوقا ، ص ۱۱۶ ، باب ۱۲. ۴. کتاب مقدس ، انجیل یوحنا ، ص ۱۵۲ ، باب ۵. ۵. کتاب مقدس ، مکاشفه یوحنا ص ۴۰۸ ، باب ۱۲. ۶. بشارت عهدین ص ۲۶۵-۲۶۷. ۷. رساله پولس رسول به رومیان ، ص ۲۵۲ و ۲۶۱ باب ۸ و ۵. ۸. کتاب مقدس اعمال رسولان ص ۱۸۷ باب ۱.

صهیونیسم مسیحی

صهیونیسم مسیحی واژه ای است که برای شاخه افراطی پروتستان های آمریکایی به کار می رود. این گروه به جهت حمایت از اسرائیل ، بدین نام مشهور شده اند. واما مسیحیت به سه شاخه کاملاً جدا و مخالف یکدیگر یعنی کلیسای کاتولیک روم ، ارتدکس و پروتستان تقسیم شده است. این سه کلیسا در اعتقادات دینی و مراسم عبادی کاملاً از یکدیگر جدایند و مانند سه دین مختلف عمل می کنند و حتی انجیل کلیسای پروتستان با انجیل کلیسای کاتولیک تفاوت زیادی دارد. یکی از ویژگی های کلیسای پروتستان رابطه بسیار نزدیک آن ها با دولت های اروپایایی می باشد و این دولت ما برای ترویج مسیحیت پروتستان از مبلغان خود در کشورهای جهان سوم حمایت های گسترده مالی ، تبلیغاتی و سیاسی می کنند به عنوان مثال در انگلیس ، دولت و کلیسای پروتستان از هم جدا نیست و ملکه انگلیس در رأس دولت و کلیسا قرار دارد. در یک قرن گذشته جریان جدیدی که در بین پروتستان ها فوق العاده قدرتمند شده است ، مکتب نو ظهور مبلغان انجیل می باشد. قبل از جنگ جهانی دوم این مکتب نو ظهور به بنیادگرایی معروف و شعار آن ها بازگشت به انجیل و تغییر جامعه با تحول فرهنگی بود و هدف آن ها به وجود آوردن حکومت در آمریکا بر مبنای بنیادهای انجیل می باشد. بعد از جنگ جهانی دوم ، بنیادگرایان آمریکایی خود را مبلغان انجیل معرفی کردند و با استفاده گسترده از وسایل ارتباطات جمعی توانستند در جامعه آمریکا نفوذ فراوانی به دست آورند و اکنون این جریان قدرتمندترین و فعال ترین تشکیلات دینی در آمریکا محسوب می شود و در مراکز سیاسی این کشور نفوذ زیادی دارند. اصول و مبانی جریان مبلغان انجیل در آمریکا و انگلیس ، حمایت همه جانبه عقیدتی و سیاسی از صهیونیسم می باشد و آن ها اعتقاد دارند که پیروان کلیسای پروتستان برای ظهور دوباره مسیح باید چند خواسته مسیح را که در تفاسیر انجیل در قرن بیستم به عنوان پیشگویی های انجیل بیان شده ، عملی نمایند. این جریان نو ظهور در پروتستانیسم با عنوان خواسته های مسیح شهرت دارد. پیروان این مکتب خود را از مبلغان انجیل می دانند و اعتقاد دارند پیروان این مکتب ، مسیحیان دوباره تولد یافته می باشند که فقط اینان اهل نجات خواهند بود و دیگران هلاک خواهند شد. از ویژگی های ممتاز پیروان این مکتب اعتقاد راسخ و تعصب خاص به صهیونیسم می باشد و تعصب این مسیحیان به صهیونیسم بیش از صهیونیست های یهودی مقیم اسرائیل و آمریکا می باشد. مطابق اعتقادات مکتب فوق به وسیله پروتستان ما حوادثی باید به وقوع بپیوندد تا مسیح دوباره ظهور نماید و پیروان این مکتب وظیفه دینی دارند برای تسریع در عملی شدن این حوادث کوشش نمایند. حوادثی که توسط آن ها باید عملی شوند ، عبارتند از : ۱. یهودیان از سراسر جهان باید به فلسطین آورده شوند و کشور اسرائیل در گستره ای از رودخانه نیل تا رودخانه فرات به وجود آید و یهودیانی که به اسرائیل مهاجرت نمایند ، اهل نجات خواهند بود. ۲. یهودیان باید دو مسجد اقصی و صخره در بیت المقدس را منهدم کنند و به جای این دو مسجد مقدس مسلمانان ، معبد بزرگ را بنا نمایند از سال ۱۹۶۷ تا به حال دو مسجد اقصی و صخره در بیت المقدس بیش از صد بار مورد حمله یهودیان و مسیحیان صهیونیست قرار گرفته است. ۳. روزی که یهودیان مسجد اقصی و مسجد صخره در بیت المقدس را منهدم کنند ، جنگ نهایی مقدس (آرماگدون) به رهبری آمریکا و انگلیس آغاز شده ، در این جنگ جهانی تمام جهان نابود خواهد شد. ۴. روزی که جنگ آرماگدون آغاز شود ، تمامی مسیحیان پیرو اعتقادات عملی نمودن خواسته های مسیح که مسیحیان دوباره تولد یافته می باشند ، مسیح را خواهند دید و توسط یک سفینه عظیم از دنیا به بهشت منتقل می شوند از آن جا همراه با مسیح ، نظاره گر نابودی جهان و عذاب سخت در این جنگ مقدس خواهند بود. ۵. در جنگ آرماگدون زمانی

که ضد مسیح) دجال (در حال دستیابی به پیروزی است ، مسیح همراه مسیحیان درباره تولد یافته در جهان ظهور خواهد کرد و ضد مسیح را در پایان این جنگ مقدس شکست می دهد و حکومت جهانی خود را به مرکزیت بیت المقدس برپا خواهد ساخت و معبدی که به جای مسجد اقصی و صخره در بیت المقدس که توسط مسیحیان و یهودیان قبل از آغاز جنگ آرماگدون ساخته شده- محل حکومت جهانی مسیح خواهد بود . ۶ . دولت صهیونیستی اسرائیل با کمک آمریکا و انگلیس ، مسجد اقصی و مسجد صخره در بیت المقدس را نابود خواهد کرد و معبد بزرگ به دست آنان در این مکان ساخته خواهد شد و این رسالت مقدس به عهده آن ها می باشد . ۷ . این حادثه پس از سال ۲۰۰۰ میلادی حتماً اتفاق خواهد افتاد . ۸ . قبل از آغاز جنگ آرماگدون ، رعب و وحشت جامعه آمریکا و اروپا را فرا خواهد گرفت . ۹ . قبل از ظهور دوباره مسیح ، صلح در جهان هیچ معنی ندارد و مسیحیان برای تسریع در ظهور مسیح باید مقدمات جنگ آرماگدون و نابودی جهان را فراهم نمایند رهبران مذهبی فرقه های پروتستان در ایالات متحده و انگلیس که به این مکتب نوظهور خواسته های مسیح اعتقاد دارند ، در دهه ۱۹۹۰م اعتقادات یاد شده را به شدت در جامعه آمریکا و اروپا تبلیغ کرده اند و در ۱۰ سال گذشته در آمریکا در این زمینه ده ها کتاب منتشر شده و فیلم های گوناگونی به نمایش درآمده اند . کشیش آمریکایی به نام هال لیندسی کتابی با عنوان در پیشگویی های انجیل جای آمریکا کجاست را تألیف کرده که یکی از پرفروشترین کتاب های سال ۲۰۰۱ در آمریکا به شمار آمده است . در این کتاب نقش دولت واشنگتن در جنگ آرماگدون بیان شده است نویسنده در این کتاب اثبات نموده است که دولت آمریکا جنگ آرماگدون را رهبری خواهد کرد و مخالفان مسیح در سراسر جهان را که قبل از آغاز این جنگ باعث ایجاد رعب و وحشت در جهان شده اند ، شکست خواهد داد . در این جنگ مقدس ، دولت انگلیس همکار آمریکا خواهد بود . دولت آمریکا در اوج جنگ سرد ، موشک های هسته ای قاره پیمای خود را شمشیرهای جنگ مقدس نامیده بود . پیروان این مکتب در یک دهه گذشته تبلیغ کرده اند که عملیات طوفان صحرا علیه عراق در سال ۱۹۹۱ فراهم کردن مقدمه برای جنگ آرماگدون بوده است . مسیحیان صهیونیست از فرقه پروتستان ها در آمریکا و انگلیس اعتقاد دارند که مسیح همیشه در امور خاورمیانه به سود دولت اسرائیل مداخله نموده است و اعلام می دارند که خواست دولت اسرائیل در حقیقت خواست مسیح می باشد و مذاکرات صلح در خاورمیانه بیهوده است و تأسیس کشور اسرائیل بزرگ از رودخانه نیل تا رودخانه فرات ، خواست مسیح می باشد که به زودی عملی خواهد شد . صهیونیست های یهودی هم مطابق اعتقاد به مجموعه قوانین دینی خود تلمود به مکتب خواسته های خدا اعتقاد دارند و مطابق این اعتقاد ، آن ها برنامه ای را اجرا می نمایند که با کمک دولت های آمریکا و انگلیس و دیگر کشورهای غربی بتوانند دو مسجد مقدس اقصی و صخره در بیت المقدس را تخریب کرده ، کشور اسرائیل بزرگ را با نابودی کامل کشورهای اسلامی به وجود آورند به همین منظور میان صهیونیست های یهودی و صهیونیست های مسیحی از فرقه پروتستان ها اتحاد و هماهنگی کامل وجود دارد و مسیحیان پیرو اعتقاد خواسته های خدا را همواره اظهار می دارند ، هر عملی که از سوی دولت اسرائیل انجام می شود در حقیقت از سوی مسیح طراحی شده است و باید توسط مسیحیان سراسر جهان مورد حمایت قرار گیرد به لطف حمایت همه جانبه جهان مسیحی غرب از دولت تل آویو ، اکنون ذخایر عظیم موشک های هسته ای و انواع و اقسام تسلیحات شیمیایی و میکروبی در اسرائیل وجود دارد و در واقع ، رژیم صهیونیستی را به یک انبار مهمات و پادگان نظامی جهان مسیحی ایالات متحده آمریکا و غرب تبدیل کرده اند . البته هدف استراتژیک جهان مسیحی غرب این است که کشورهای اسلامی را در زمینه های اقتصادی و نظامی برای همیشه ضعیف نگاه دارند . یک نویسنده آمریکایی در سال ۱۹۹۷ کتابی با عنوان خیانت به بیت المقدس را تألیف نمود که در آن هر نوع مذاکره صلح با فلسطینیان را خیانت به تعلیمات انجیل و خواسته های مسیح می داند و این مطلب را به خوانندگان القا می نماید که مسیح با آغاز هزاره سوم و قبل از سال ۲۰۰۷ م ظهور خواهد کرد و اسرائیل بزرگ را از نیل تا فرات به وجود خواهد آورد . در این کتاب ها تبلیغ می گردد که برای تعجیل ظهور مسیح ، مسیحیان باید کشور بابل را - که عراق کنونی می باشد - نابود کنند و رودخانه فرات باید

کاملاً خشک گردد گفتنی است که آن ها جنگ آرماگدون را "جنگ فرات" نیز می نامند. رهبران دینی صهیونیسم مسیحی تبلیغات گسترده ای در این باره انجام داده اند. در یک نظرسنجی که توسط خبرگزاری آسوشیتدپرس در سال ۱۹۹۷ انجام شد، اعلام گردید ۲۵ درصد جمعیت آمریکا اعتقاد راسخ دارند که با آغاز هزاره سوم، جنگ جهانی آرماگدون در محل فلسطین آغاز خواهد شد و این جنگ تا مدت هفت سال ادامه خواهد داشت. در اثر این جنگ دنیا نابود می شود و در پایان این جنگ هفت ساله که آن ها آن را "مصیبت بزرگ برای کلیسا و مسیحیان" می دانند، مسیح همراه مسیحیان دوباره تولد یافته ظهور خواهد کرد و دجال را شکست می دهد و حکومت جهانی خود را با مرکزیت بیت المقدس تشکیل خواهد داد. به همین منظور آن ها معبد بزرگ را که موجب جنگ آرماگدون می شود معبد مصیبت بزرگ می نامند مطابق اعتقادات صهیونیسم مسیحی، غیر از معتقدان به خواسته های مسیح، تمامی مردم جهان، چه مسیحی و چه غیر مسیحی، به دست دجال کشته خواهند شد. ارتش صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ بخش شرقی بیت المقدس را تصرف کرد و مسجد اقصی و مسجد صخره به دست صهیونیست های یهودی اشغال گردید بعد از آن، رژیم تل آویو همواره اعلام کرد که بیت المقدس پایتخت ابدی اسرائیل است. به همین منظور صهیونیست ها ۸۷ درصد بخش شرقی بیت المقدس را تصرف کرده اند و مردم فلسطین حق ندارند در بخش شرقی این شهر، خانه سازی کنند و حتی خانه های فلسطینی ها در این بخش شهر مرتب تخریب می گردد و یهودیان در آن جا ساکن می شوند صهیونیست ها زیر محوطه مسجد اقصی و مسجد صخره را کاملاً حفاری کرده اند. صهیونیست های مسیحی و یهودی مقیم فلسطین اشغالی و آمریکا اعلام نموده اند که آن ها سقف و ستون های معبد بزرگ را آماده کرده اند و می توانند در کوتاه ترین مدت معبد بزرگ را در جای مسجد اقصی و مسجد صخره احداث نمایند. آن ها نقشه معبد بزرگ را در روی جلد کتاب هایی که در این موضوع نوشته شده است چاپ کرده اند. رهبران صهیونیسم مسیحی و یهودی خود اعلام کرده اند مطابق تفسیر مکاشفه یوحنا در انجیل، صهیونیسم رسالت الهی دارند و برای تأسیس دولت اسرائیل بزرگ حق دارند علاوه بر سلب مالکیت فلسطینیان، حتی نسل کشی فلسطینیان و اعراب را انجام دهند رهبران دینی پروتستان، مبلغان انجیل را از مسیحی کردن یهودیان منع می کنند، چرا که مطابق اعتقادات آنان یهودیان از سراسر جهان باید به فلسطین مهاجرت نمایند و اسرائیل بزرگ را تشکیل دهند و اقدام به ساخت معبد بزرگ نمایند بیشتر مطلق یهودیان در جنگ آرماگدون توسط ضد مسیح کشته خواهند شد و تعداد اندکی که زنده خواهند ماند، با ظهور حضرت مسیح به وی ایمان خواهند آورد. تروریسم مقدس و مبلغان جنگجوی انجیل مکتب صهیونیسم مسیحی در کشورهای پروتستان مخصوصاً در ایالات متحده آمریکا و انگلیس توسط مبلغان انجیل در سطح گسترده ترویج می شود. نویسنده معروف آمریکایی به نام گریس هالسل در دو کتاب معروف خود برنامه های مبلغان جنگجوی انجیل، مقیم آمریکا را به خوبی افشا کرده بود. نویسنده در این دو کتاب با عنوان پیشگوی سیاست و مبلغان جنگجوی انجیل در بستر جنگ هسته ای برنامه های مشترک دولت های آمریکا، انگلستان و اسرائیل با همکاری مبلغان انجیل را برای به وجود آوردن اسرائیل بزرگ تشریح می کند. هالسل که از کارمندان برجسته دفتر ریاست جمهوری آمریکا بود اتحاد محرمانه بین مبلغان انجیل در آمریکا و انگلیس با اسرائیل را آشکار می نماید. تأثیر تبلیغات گسترده دستگاه های ارتباط جمعی آمریکا که کاملاً تحت کنترل صهیونیست ها می باشند، مردم آمریکا را به زود باورترین مردم جهان تبدیل کرده و حادثه ۱۱ سپتامبر هم کینه و نفرت مردم آمریکا و جهان غرب را به خاطر تبلیغات هدایت شده، علیه اعراب و مسلمانان برانگیخته است. صهیونیست ها و طرفداران آن ها که سال ها یک سلسله برنامه های دینی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی خود را تبلیغ می کردند، با حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بهترین فرصت را به دست آوردند تا برنامه های شان را با سرعت بیشتری به مردم آمریکا و اروپا بقبولانند و در حال حاضر می کوشند برنامه های خود را عملی نمایند. در دوران جنگ سرد، آمریکا اتحاد جماهیر شوروی سابق را امپراتوری شر معرفی می کرد و بعد از جنگ سرد، دستگاه های ارتباط جمعی آمریکا ترس از مسلمانان را تبلیغ کردند و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، این تبلیغات علیه اسلام و مسلمانان جهان در دنیای غرب به اوج

خود رسیده است. گروه های مسیحی پیرو اعتقاد خواسته های مسیح در آمریکا ۱۰۰ میلیون پیرو دارند و آن ها در هر دو حزب بزرگ آمریکا یعنی جمهوری خواه و دموکرات صاحب نفوذ می باشند و همراه صهیونیست های یهودی، دولت واشنگتن را کاملاً در اختیار دارند. آمریکا و دیگر کشورهای پروتستان و ۱۵۰۰ فرقه مسیحی حامل این اعتقاد در سطح جهان، برای جنگ آرماگدون تبلیغات گسترده انجام می دهند و برای تسریع در ظهور مسیح کوشش می نمایند، وضعیتی را پیش آورند که سراسر جهان نابود شود. نویسندگان غربی این اعتقادات را به عنوان تروریسم مقدس معرفی می کنند. این گروه های مسلح مسیحی در آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر از سوی اف بی ای متهم شده اند که در پخش (سیاه زخم که یک اسلحه بیولوژیک می باشد در آمریکا نقش داشته اند. سیاست دولت آمریکا نیز بر نبرد تمدن ها استوار است و آن ها خود را کدخدای دهکده جهانی اعلام کرده اند و به بهانه مبارزه با تروریسم می کوشند سلطه خود را بر سراسر جهان گسترش دهند. ولی آمریکا در حال فروپاشی از داخل می باشد و ریشه حوادث ۱۱ سپتامبر در داخل خود آمریکا وجود دارد. گروه های صهیونیست مسیحی و یهودی در داخل آمریکا روز به روز قدرتمندتر می شوند و اکنون در واقع، دولت و مردم ایالات متحده آمریکا در دست این گروه ها گروگان می باشند (۱) ۱. برگرفته از سایت W W W . Mouood . Org

مسیحیت سیاسی آمریکا

به قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا در ۲۵ سال آخر قرن بیستم، با حوادثی جهانی همراه گردید که شامل احیای اصولگرایی در سه دین آسمانی اسلام، یهودیت و مسیحیت بود. اما می توان ویژگی های خاصی برای جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا در نظر گرفت که عبارتند از: ۱. مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا جنبشی پس لائیک "بود که در جامعه ای پس لائیک ظهور کرد. جامعه ای که لامذهبی را از دو قرن پیش می شناخته و از یک قرن قبل در تمام زمینه های اجتماعی، چه در فضای قانونی و سیاسی و چه در سایر فضاها، با آن آشنا بوده و در آن ریشه دوانده بود. برعکس جوامع اسلامی که وقتی پدیده لامذهبی در این جوامع ظهور کرد، فقط نخبگان غریزه آن را در بر می گرفت. یک مسلمان وظایف فردی و اصطلاحات قرآنی را می خواند، آن ها را می شناسد یا به راحتی آن ها را به یاد می آورد و در آن مسیر گام بر می دارد، چون مرجع کنونی و حال حاضر مذهبی آن است، در حالی که یک آمریکایی چون لامذهبی بر او تأثیر گذاشته است، نیاز به این دارد که وظایف فردی و اصطلاحات کتاب مقدس را دوباره از نو بخواند و فراگیرد و سرانجام این که احیای مذهبی در آمریکا غسل تعمید دوباره از پایین تأثیر بر جامعه (ع) یا از بالا تلاش جهت تغییر نظام بود. ۲. جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا برعکس جوامع اسلامی در جامعه ای دموکراتیک زاده شد، به همین دلیل مقید و محدود به فرهنگ و آداب و رسوم دموکراتیک است. به همین دلیل به خشونت و زور روی نمی آورد، مگر به وسیله گروه های بی اهمیت و خرده پا، همچنین در معرض قلع و قمع و سرکوب به سان جوامع اسلامی قرار نمی گیرد، مگر در موارد خاصی مانند خودکشی. همچنین به قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و اصولگرا در آمریکا در جامعه ای دموکراتیک، آن را به سوی مبارزات سیاسی به عنوان قدرت رأی دهنده مولر و حاکمیت بر شوراهای مدارس و شهرها در بسیاری از ایالت ها سوق داد و باعث شد تا نمایندگان در کنگره و میان استانداران ایالت ها داشته باشد. غیر از آن، راست مسیحی، در چارچوب سعی و تلاش خویش جهت تعمید از بالا اقدام به ارائه کاندیدای خویش جهت حضور در انتخابات اولیه حزب جمهوری خواه در سال ۱۹۸۸ نمود و او کسی نبود جز پاپ رابرتسون. این تلاش در کاندیداتوری اولیه جهت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ به وسیله معرفی گری پویر که در جنگ انتخاب کاندیداهای حزب جمهوری خواه پیروز شده بود، تکرار شد. ۳. جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا، در جامعه ای پسا مدرنیسم و پسا صنعتی ظهور نمود به همین دلیل توانایی خارق العاده ای داشت که از زبان و تکنولوژی بسیار پیشرفته برای نشر رسالت خویش

استفاده کند. این مسئله در ابداع کلیساهای تلویزیونی و استفاده از "اینترنت" و "پست الکترونیک" جهت تأسیس شبکه های ارتباطی با یاران و پیروان خویش و حتی مردم عادی، طی حملات انتخابی یا جمع آوری کمک ها با فشار بر اداره ریاست جمهوری و کنگره نمود پیدا می کند. ۴. در جامعه سرمایه داری که بر اساس اصول آزادی و رقابت استوار است، نشو و نما یافت. به همین دلیل ملاحظه می کنیم، بر اساس منطق "بازار" فعالیت می کند. به اندازه ای که می توان گفت به خاطر نبود "دین رسمی برای دولت" و یا کلیسای ملی، بازار آمریکایی دین وجود دارد که در آن شبکه های مذهبی تلویزیونی کلیساهای مرئی یا تصویری و دانشگاه های الهیات و سازمان های بشارت دهنده و دستگاه های چاپ کاغذی و الکترونیکی مسیحی با هم در رقابت هستند. ۵. جنبش مسیحیت سیاسی و اصولگری آمریکا بسان جنبش اسلامی شرایط اجتماعی را به مبارزه فرا می خواند. جنبش اسلامی به مبارزه با بدبختی و فقر مادی و اجتماعی می پردازد. در حالی که نوع آمریکایی آن به مبارزه یا بدبختی های اجتماعی در جامعه ای مادی و آزاد، با وعده، به درمان اجتماعی از خدای واعظان تلویزیونی و دانشگاه های الهیات و درمان های سحرآمیز و التزام به قوانین خشک اخلاقی می پردازد. قوانینی که سقط جنین را منع و هم جنس بازی را تحریم کرده و روابط جنسی را محدود به ازدواج می کند و کود کانی بر اساس اصول اخلاقی مسیحیت تربیت می کند و آن ها را از ارتکاب خلاف موارد فوق یا "پورنوگرافی" بر حذر می دارد. بی شک هرکس که به سیاست داخلی و سیاست خارجی آمریکا توجه دارد، می بایست بداند که مسیحیت آمریکایی از زمان پای گذاشتن مهاجران پروتستانی پورتانی اولیه بر سواحل آمریکا، صبغه ای یهودی یافت و با اولین بیداری و آگاهی بزرگ مذهبی در قرن نوزدهم تبدیل به مسیحیتی یهودی شد و از آن تاریخ، مسیحیت صهیونیسم از آن نشأت گرفت و نشو و نما یافت. (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۴۰ ص ۱۹ مقدمه کتاب المسیح الیهودی و نهایی العالم نوشته رضا هلال، ترجمه قیس زعفرانی.

مسیحیت یهودی

مذهبی شدن و یهودی شدن آمریکا با شکل گیری و نشو و نماي آن ارتباط پیدا می کند. مهاجران اولیه آمریکا را اورشلیم جدید یا کنعان جدید تلقی کردند و خود را به عبرانی های قدیم تشبیه نمودند، که از ظلم و ستم فرعون جیمز اول پادشاه انگلیس فرار کردند و از سرزمین مصر انگلیس به جست و جوی سرزمین موعود جدید گریختند. به این ترتیب، تعقیب و بیرون راندن سرخپوستان توسط مهاجران پروتستان در دنیای جدید آمریکا بسان تعقیب و بیرون راندن عبرانی های قدیم توسط کنعانی ها در فلسطین بود. بدین ترتیب، شهرک نشینان از پندها و سفارشات حکایات سفر خروج چراغی فرا راه خود در تدوین قانون اساسی آمریکا ساختند. بنابراین بندگی در مصر، بیرون رانده شدن، سرگردانی، وارد شدن به سرزمین موعود، قتل عام ساکنان آن و... تاریخ پیشین و آینده ای برای ملت جدید برگزیده خداوند در سرزمین جدید موعود شد. تبدیل دنیای جدید به اسرائیل جدید، هدف اصلی طرح شهرک نشینان پروتستانی پورتانی اولیه بود. آن ها همیشه در انگلستان خواب تطبیق و اجرای شرت تورات را می دیدند و هنگامی که به آمریکا آمدند، رویای دولتی را در سر پروراندند که دستورات و فرمان های خداوند بر آن حکومت کند، حتی مورخی چون جان فیسک می گوید: همین که می بینی تاریخی در آمریکا ساخته می شود، ملاحظه می کنی که آن، تاریخی آمریکایی-یهودی است. یهودی شدن مسیحیت آمریکایی در اصل به آن چیزی باز می گردد که ما آن را مسیحیت یهودی نامیدیم و با ظهور قدیس پولس دومین بنیانگذار مسیحیت پس از یسوع روی از دیده ها نهان کرد، اما طی دوره اصلاح گرایی و انقلاب در اروپا ظاهر شد و رشد نمود و نقش مهمی پس از باز پس گرفتن اسپانیا توسط مسیحیان-که در آن زمان در دست یهودیان به آیین مسیحیت در آمده یا یهودیان مارانو بود-بازی کرد. با شروع قرن شانزدهم، تأثیرات مسیحیت یهود منجر به انتشار ایده هزاره گردید و تفسیرهای جدید و نوینی از سفر دانیال در عهد قدیم (و رؤیای یوحنا) در عهد جدید شد و بدین ترتیب

یهودیان در نقشه خداوند جهت پایان تاریخ، که شامل بازگشت یهود به فلسطین، آن هم قبل از آمدن مسیح می شد، جایگاه مهمی پیدا، کردند. اما حرکت بزرگ مسیحیت یهود با جنبش اطلاع طلبانه پروتستان ها در قرن شانزدهم ارتباط پیدا می کند، به طوری که پروتستان ها اعتبار و آبروی یهودیان را به آن ها بازگرداندند و عهد قدیم یهودیان بالاترین منبع اعتقادی پروتستان ها شد. با انقلاب پورتانی ها در قرن هفده، یهودی شدن مسیحیت به ارج خود رسید. پورتانی ها در گرامی داشت عهد قدیم، سنگ تمام گذاشتند و از دولت بریتانیا خواستند، قوانین تورات را به عنوان قانون اساسی کشور اعلام کند و آداب و رسوم یهودیت را جایگزین مسیحیت نمودند و حتی پا را از این هم فراتر نهاده برخی از آن ها نماز و کتاب مقدس را به زبان عبری می خواندند. هنگامی که مهاجران پورتانی اولیه به دنیای جدید آمریکا رسیدند، اسطوره های هفت برگزیده، سرزمین موعود و سرزمین اسرائیل چراغ راه و راهنمای ایشان بود. آن ها نماز را به زبان عبری می خواندند و بر فرزندان خویش نام هایی از داستان های تورات می گذاشتند و اولین کتابی که در آمریکا چاپ کردند، کتاب مزامیر داوود سرودهای مذهبی داوود بود. به این ترتیب، مسیحیتی که با دومین گروه از مهاجران وارد آمریکا شد، مسیحیتی یهودی بود به عبارت دیگر "مسیح" یسوع ناصری که در راس دین مسیحیت قرار دارد، تبدیل به مسیحی یهودی یا یکی از پیامبران بی شمار قوم یهود شد. با تأثیرپذیری از مسیحیت یهودی و با آغاز قرن هجدهم، اعتقاد به برانگیختگی یهود در فلسطین تبدیل به یکی از اصول لاهوتی مهم در پرتستان های آمریکایی شد به طوری که اعتقاد به مسیح منتظر و عصر هزاره خوشبختی جایگاه مهم و بارزی در اعتقادات این مسیحیان پیدا کرد. با ورود آمریکا به دوره رشد و بیداری بزرگ مذهبی در دهه ۴۰ قرن نوزدهم، مسیحیت صهیونیسم از مسیحیت یهود، زاده شد و با هدف قرار دادن فرهنگ و سیاست آمریکا آن ها را ملزم به فریضه برپایی اسرائیل برانگیختگی یهود و حمایت از آن ما، به عنوان فریضه ای الهی و فرهنگی و در نهایت سیاسی کرد. به این ترتیب صهیونیسم آمریکایی دهه ها پیشتر، گوی سبقت را از صهیونیسم هرتزلی در زمینه برپایی اسرائیل ربود و این یکی از دلایل تفسیرکننده حمایت آمریکا از برپایی اسرائیل در سال ۱۹۴۸ و سپس پشتیبانی آمریکا از اسرائیل است. این حمایت و جانبداری، الهی و فرهنگی است که در جان و روح و سیاست آمریکایی ها، سال ها قبل از ظهور صهیونیسم یهودی و لابی یهودی- که هر روز بیش از پیش بر قدرت و نفوذ آن افزوده می شود، بی آن که به احساسات مسیحیان صهیونیست آمریکایی توجه کند- نفوذ کرده است. بنابرین برای بحث و گفتگو پیرامون مذهبی شدن و یهودی شدن آمریکا می بایست، بر جنبش احیای مذهبی در آمریکا که در بیست و پنج سال آخر قرن بیستم به وقوع پیوست تمرکز نمود و به آن توجه کرد. از سال ۱۹۷۶ ایالات متحده آمریکا شاهد به قدرت رسیدن مسیحیت اصولگرا بود که اصطلاحاً راست مسیحی یا مسیحیان راستگرا نامیده می شدند. این مسئله باعث شد تا هزاران نفر از جوانان آمریکایی به مسیحیان دوباره زاده شده تبدیل شوند و نظرسنجی مؤسسه گالوپ آشکار ساخت که پنج و یک سوم آمریکایی ها غسل تعمید را دوباره انجام دادند. مسیحیان دوباره زاده شده و- پیروان کلیساهای افراطی و تندرو افزایش یافت و شبکه های تلویزیونی مذهبی یا کلیساهای تلویزیونی تأسیس شدند. این موج به کاخ سفید نیز کشیده شد، به گونه ای که رئیس جمهور وقت آمریکا کارتر اعلام کرد مسیحی دوباره زاده شده است. به قدرت رسیدن مسیحیت سیاسی و اصولگرا یا به قدرت رسیدن مسیحیت صهیونیسم، به ویژه پس از پیروزی اسرائیل در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ و اشغال قدس توسط آن، ارتباط پیدا می کند و این مسئله ای است که مسیحیت صهیونیستی آمریکا آن را تأکیدی بر درستی و راستی پیشگویی های تورات و مقدمه نزدیک بودن ظهور مسیح تلقی کرد. به این ترتیب مسیحیت صهیونیسم دارای سازمان های مخصوص به خود شد که وسایل گروه های فشار "لابی" را به خدمت گرفت تا بر افکار عمومی و کنگره آمریکا با هدف تاید بر مشروع بودن دولت اسرائیل و حمایت اقتصادی و نظامی و سیاسی از آن به عنوان فریضه ای الهی و اخلاقی- آمریکایی و یهودی کردن قدس به عنوان شهری که مسیح پس از ظهورش از آن جا بر جهان حکومت می کند، تأثیر بگذارد. قدرت یافتن جناح راست مسیحی در دهه هشتاد و نودم ادامه یافت، تا این که رای دهندگان به آن در انتخابات ریاست جمهوری

وکنگره تبدیل به قدرت مولر و با نفوذی شدند. این جناح ۲۵ درصد آراء را در ایالات متحده آمریکا به خود اختصاص می دهد. حدود ده برابر آراء یهود، در راه سلطه بر میدان و عرصه سیاسی آمریکا، جناح راست مسیحی با جناح راست سیاسی در حزب جمهوری خواه متحد شد تا حزبی را تشکیل دهند که به " حزب الله " معروف شد. این مسئله با افزایش نقش راستگرایان مسیحی که شامل کاتولیک های آمریکایی و پروتستان ها می شد، همراه می شد و باعث شد تا یهودیت مسیحی ویژگی و صفتی جدایی ناپذیر، لاهوتی، اخلاقی و فرهنگی برای آمریکا شود، به اندازه ای که هرکس در توصیف آمریکا صفت یهودیت را به مسیحیت اضافه نمی کرد، زبانش قطع می شد. این موضوعی بود که طی و پس از انتخابات ریاست جمهوری و نمایندگان در سال ۱۹۹۲ به وقوع پیوست و آمریکای یهودی-مسیحی شاهد به قدرت رسیدن بوش بود. با وجود اینکه در دوره ریاست جمهوری "بوش" شاهد سقوط اتحاد جماهیر شوروی سابق و پیروزی آمریکا در جنگ خلیج فارس بودیم. دهه نود شاهد تثبیت و تحکیم سازمان های اصولگرای مسیحی تحت نام ها و عنوان های مختلف " ائتلاف مسیحیان"، " احیای اصولگرایی"، " مجلس مطالعات خانواده"، " تمرکز بر خانواده"، " ائتلاف ارزش های سنتی" و..... بود هم چنین گروه ها و جمعیت های زور و خشونت ظاهر شدند و برای تخریب و از بین بردن سیستم اجتماعی و سیاسی و تأسیس دوباره آن بر اساس تعالیم و اصول کتاب مقدس، روی به قتل و کشتار و خونریزی آوردند تا زمینه بازگشت و ظهور مسیح را فراهم آورند. سیستم های مسیحیت سیاسی و اصولگرا فقط به آماده ساختن جامعه آمریکا برای بازگشت مسیح اکتفا نکردند، بلکه رسالت آن ها، رسالت جهانی و صلیبی بود و نقش آن فقط به سیاست داخلی محدود نمی شد، بلکه در سیاست خارجی آمریکا نیز دارای نقش مهم و مؤثری شدند چرا که پشت سر حملات ایالات متحده علیه سازمان ملل و بدهی های صندوق بین المللی پول و صندوق جمعیت سازمان ملل قرار داشتند، همانگونه که پشت سر تصویب قانون تحریم سرنگونی مذاهب نیز بودند. به این ترتیب آماده ساختن جهان برای پایان تاریخ و دومین ظهور مسیح، در چارچوب مسیحیت سیاسی و اصولگرای آمریکا قرار می گرفت. (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۴۰ ص ۱۶ مقدمه کتاب المسیح اليهودی و نهاییه العالم نوشته رضا هلال ترجمه قیس زعفرانی

انتظار در مسیحیت

حضرت عیسی (ع) از میان مردم رفت. گروهی از یاران وی گفتند: درست است که او درگذشت و به خاک سپرده شد، ولی در روز سوم از قبر خود برخاسته و به آسمان رفته است و دوباره برای پادشاهی بر روی زمین برخواید گشت. همچنین گفتند: حضرت عیسی برای این کشته شد که فدای گناهان مردم شود و مدعی شدند که پیامبران پیشین درد ورنج و تصلیب وی را پیشگویی کرده بودند. از نظر مسیحیان، حضرت عیسی (ع) شهید نشد، بلکه قربانی گناهان مردم گردید. تا جایی که تاریخ نشان می دهد، این باور زیربنای مسیحیت بوده است و مسیحیان در تبلیغات خود این مسأله را بسیار مطرح می کنند. پس از صعود حضرت عیسی (ع) مسیحیان یقین داشتند که او به زودی می آید، زیرا از حضرت عیسی (ع) نقل می شد که دوباره خود گفته است: پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود، و در آن وقت هرکس را موافق اعمالش جزا خواهد داد. شوق ظهور عیسی مسیح (ع) مردم بر اثر علاقه شدید به بازگشت حضرت عیسی (ع) دچار توهمات شدند و تاریخ هایی را برای این رویداد پیشگویی کردند. این پیشگویی ها، مانند پیشگویی های مشابه آن در ادیان دیگر، غلط از آب در آمد و در نتیجه، رهبران دینی مردم را از این کار برحذر داشتند. فرقه های منتظر ظهور متعددی پدید آمد که پایه آن ما را بر این توهمات گذاشته بودند. مثلاً فردی به نام ویلیام میلر اعلام کرد حضرت عیسی (ع) در سال ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۴م بازخواهد گشت. پیشگویی وی تحقق نیافت و خود او متعهد شد که دیگر پیشگویی نکند. فرقه ادوینیست های روز هفتم که بر اثر پیشگویی های این شخص پدید آمد، تا عصر ما باقی است. گروهی از آناباپتیست ها در قرن شانزدهم، برای آماده کردن زمینه سلطنت هزار ساله حضرت عیسی (ع) برخاستند و برخی

از شهرها را برای مدتی در اختیار گرفتند ، ولی شورش آنان بی رحمانه سرکوب شد . ایروینگیان برای سرعت بخشیدن به ظهور آن حضرت ، دوازه حواری تعیین کردند ، ولی از این ابتکار طرفی نیستند . گروهی از آنان به نام نوایروینگیان برای آن حواریون جانشینانی تعیین کردند و به این حرکت ادامه دادند . گواهان یهوه برای پذیرایی از حضرت عیسی (ع) و انبیای پیشین در امریکا آپارتمان تهیه کردند . مورمون ها ، کریستاد لفین ها و برخی از فرقه های عجیب و غریب دیگر مسیحیت ، برای شتاب دادن به ظهور حضرت عیسی (ع) به کارهایی از این قبیل دست زدند . (۱) ۱ . نشریه موعود شماره ۱۱ ص ۱۸ .

بنی آصر

به معنی زرد پوستان ، تعبیری است که عرب ها به رومیان- غربی ها- داده اند . آن چه از سوره مبارکه روم ، آیات ۳۱ و ۳۲ و سوره مبارکه کهف آیات ۱۲ و ۲۱ و غیر آن درباره شرک رومی ها نسبت به خداوند متعال و احزاب و پیروان آن ها استفاده می شود ، این است که مراد از آنان ملت ها و احزاب مدعی پیروی از حضرت مسیح (ع) می باشند . (۱) ۱ . عصر ظهور ، کورانی ص ۵۴ .

مسیحیت صهیونیستی

مسیحیت صهیونیستی جریانی فرهنگی ، سیاسی است که با تکیه بر آموزه های توراتی ، تمایلات سیاسی صهیونیستی و امکانات نظامی آمریکا سعی در کسب سلطه کامل بر جغرافیای فرهنگی و خاکی مسلمین از نیل تا فرات دارد . این جریان موضوع زمینه سازی ظهور مقدس را بهانه حضور در خاور میانه ، حمایت از اسرائیل ، تسلط بر عراق و ... ساخته است . این جریان ظهور حضرت عیسی (ع) را مشروط به تشکیل اسرائیل بزرگ ، انهدام بیت المقدس ، بنای هیکل سلیمان و بالاخره واقعه آرماگدون می شناسند و حذف عوامل تحقق این استراتژی ، مقابله با مسلمین و روحیه جهادی شیعیان ، سلطه کامل بر ایران اسلامی و قتل عام مخالفان سلطه صهیونیسم بر سرزمین های اسلامی را مقدمه لازم به شمار می آورد . رسانه های غربی ، به ویژه سینمای هالیوود طی سه دهه اخیر ، سعی در القاء آموزه های آخر الزمانی توراتی از طریق فیلم های سینمایی و بازی های کامپیوتری و ... به مردم غرب و زمینه سازی ذهنی برای آن ها داشته و چهره منفور ، غیر واقعی و ظالمانه ای از مسلمین ، جهادگران مسلمان شیعی و فرهنگ والایی ارائه کرده اند . همچنین سازندگان این فیلم ها سعی در ایجاد انفعال و تأثیر پذیری در روحیه جوانان مسلمان داشته و تلاش می کنند آموزه های مذهبی و دینی آن ها به ویژه باور مهدوی و موعودی را خرافه ، اساطیری و موهوم جلوه دهند . غرب در دهه های آخر قرن بیستم به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دریافت که ایده مهدوی و فرهنگ ولایی اصیل که توسط شیعیان مطرح می شود ، از استعداد بالقوه و شگرفی برای تهدید فرهنگ و تمدن الحادی و سیاست استکباری غرب برخوردار است و به عنوان طرحی جایگزین فرهنگ لیبرالیستی می تواند جاذب عموم مردم سرخورده امروز شود از این رو مخدوش ساختن چهره این فرهنگ ، القاء این معنا که آینده از آن فرهنگ لیبرالیستی است و بیهوده جلوه دادن هرگونه تلاش برای تغییر وضع موجود ، در دستور کار گردانندگان نظام سلطه در بخش های فرهنگی و سیاسی غربی قرار گرفته است . متمسک شدن به موضوع قریب الوقوع بودن ظهور حضرت مسیح (ع) برای محتوم جلوه دادن سلطه یهودیت و مسیحیت بر کل جهان در هیأت حکومت جهانی ، حکایت از طرح زیرکانه و سلطه جویانه دارد که عدم بازشناسی صبغه فرهنگی و سیاسی آن ، و همچنین مخفی ماندن زوایای این امر برای مخاطبان مسلمان ، موجب بروز انحراف فرهنگی جوانان و تأثیر پذیری آن ها از آموزه های منحرف غرب مسیحی و یهودی خواهد شد . غرب دریافته است که ایده مهدویت به صورت اصیل چنان که نزد شیعیان است می تواند کیان فرهنگی و مدنی غرب را با چالش جدی و بنیان کن روبرو کند . چنانکه در یک قرن گذشته انگلستان با فرقه سازی در میان مسلمین بهائیت ، بابیت ، شیخیه و .

.. سعی در ایجاد تفرقه و انحراف میان شیعیان و پیروان سایر مذاهب کرده است. کنفرانس دهه هشتاد تل آویو و حضور جمعی از شیعه شناسان در آن کنفرانس، روح حرکت های اصلاح طلبانه مسلمین را برای غرب و یهودیت صهیونیستی آشکار ساخت. در آن نشست اعلام شد که نهضت سرخ عامل ورا و باور سبز مهدوی در عامل مهم و تعیین کننده در حرکت های اصلاح طلبانه شیعیان است. مقابله با حاق فرهنگ اصلاح طلبانه فرهنگ ولایی شیعه (و عوامل مبلغ آن) کانون مبلغان ایرانی آن مهم ترین استراتژی غرب برای حفظ نظام سلطه خود در سرزمین های شرق اسلامی و سایر بلاد است. طی چهارصد سال اخیر غرب تمامیت ولایت مهر و دوستی (و ولایت) حکمرانی و خلافت را به خود معطوف ساخته و هر جریانی جز آن را سرکوب کرده است. غرب دریافته که توجه، مهرورزی، دوستی و توسل مستضعفان به حجت حی خداوند و آمادگی پذیرش ولایت و ظهور حضرتش به معنی به صدا در آمدن زنگ مرگ تمام عیار فرهنگ و تمدن استکباری است. به زعم آنان ارائه چهره ای ناپسند از موعود مقدس و معرفی مسلمین و شیعیان به عنوان وحشت آفرینان تروریست، می تواند راه خلاصی از بن بست بحران فراگیر قرن جدید باشد. مسیحیت صهیونیستی با توسل و تمسک به این حيله و با استفاده از همه قوا سعی در حفظ قدرت غرب و استمرار حاکمیتش بر سرتاسر جهان دارد. به طوری که از اولین سال های پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد ورود فیلم هایی چون نوستر آداموس و صدها فیلم دیگر از این دست بودیم که سعی در مخدوش ساختن چهره مقدس منجی آخرالزمان و موعود مسلمانان کرده است. بازشناسی این جریان محرف، نقد و رد عملکرد تبلیغاتی، سیاسی و نظامی آن در جهان و به ویژه سرزمین های اسلامی، مقدمه ای است برای مصونیت بخشیدن به جوانان، بیداری گردانندگان و حاکمان سرزمین های اسلامی و متذکر شدن محققان و مبلغان برای نقد و مقابله جدی فرهنگی با این خطر بزرگ. (۱) ۱. نشریه موعود، شماره ۴۱، ص ۳.

هندو

هندوها و بشارت موعود

در کتاب های مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده و آورندگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شناخته می شوند، تصریحات بسیاری به وجود مقدس مهدی موعود (ع) و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آن ها را می آوریم: در کتاب اوپانیشاد که یکی از کتب معتبره و از منابع هندوها به شمار می رود، بشارت ظهور مهدی موعود (ع) چنین آمده است: این مظهر ویشنومظهر دهم در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد، ظاهر می شود و شیران را هلاک می سازد... در کتاب "باسک" که از کتب مقدسه آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر (ع) چنین آمده است: دور دنیا تمام می شود. پادشاه عادل در آخرالزمان، که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آن چه در دریا و زمین ها و کوه ها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان ها و زمین و آن چه باشد خبر می دهد و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید. در کتاب "پاتیکل" نیز که از کتب مقدسه هندویان است، بشارت ظهور حضرت چنین آمده است: چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد، و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی "ناموس آخرالزمان" و دیگری صدیق اکبر. "یعنی وصی بزرگتر وی که پشن نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه "راهنما" است. به حق پادشاه شود و خلیفه "رام" باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد... در این بشارت، مقصود از "ناموس آخرالزمان" پیامبر اسلام است. پشن نام هندی حضرت علی (ع) است. "صاحب ملک تازه"، حضرت ولی عصر (ع) است و راهنما نام مبارک حضرت مهدی (ع) است و کله "رام" به لغت سانسکریتی، نام اقدس حضرت احدیت است. در کتاب وشن جوک نیز بشارت به ظهور حضرت آمده

است: آخر دنیا به کسی برمی گردد که خدا را دوست می دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او خجسته و فرخنده باشد. در کتاب دید که از کتب مقدسه هندیان است آمده که: پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود درآورد... در کتاب "دادتگ" نیز آمده است: بعد از آن که مسلمانی به هم رسد، در آخرالزمان، و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و... برطرف شود و دنیا مملو از ظلم و ستم شود... دست حق به درآید و جانشین آخر ممتا (۱) ظهور کند و شرق و مغرب عالم را بگیرد... و در کتاب "ریگ و دا" آمده است که: ویشنو در میان مردم ظاهر می گردد... او از همه کس قوی تر است... در یک دست ویشنو نجات دهنده شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و در دست دیگرش انگشتی درخشنده دارد، هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید. "در کتاب "شاکمونی" نیز که از کتب مقدسه هندیان است آمده: "پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان گشن" بزرگوار تمام شود، و او کسی باشد که برکوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند، و بر ابرها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند... دین خدا یک دین شود و زنده گردد و نام او "ایستاده" باشد و خداشناس باشد. گشن در لغت هندی نام پیامبر (ص) است و حضرت مهدی (ع) به نام ایستاده و خداشناس می خوانند (۲) ۱. در زبان هندی به معنی محمد، است. ۲. ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۱۶ ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی ص ۳۰۲.

اوپانیساد

از کتب معتبره و از منابع هندوه است که در آن، بشارت ظهور مهدی موعود (ع) آمده است. (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۲۷۳.

دادتگ

از کتب مقدسه برهمنیان هند است که در آن به ظهور مهدی (ع) بشارت داده شده است. (۱) ۱. ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۱۸.

باتیکل

از کتب مقدسه هندیان است و صاحب آن از اعظم کفره هند است و به گمان پیروانش، صاحب کتاب آسمانی است. در آن کتاب بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی (ع) آمده است. (۱) ۱. ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۱۶.

شا کمونی

از کتب مقدسه هندیان است و به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است و در آن کتاب، به ظهور آخرین حجت خدا بشارت داد است (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی ص ۳۰۲.

مهدویت در اسلام

از دیدگاه شیعه

لطف وجود حضرت

قاعده لطف از قواعد کلامی است که متکلمان به آن، بر وجود ولزوم معصوم استدلال می کنند. و این بدان معنی است که خداوند، زمینه نزدیکی انسان به طاعت و دوری او را از معصیت، فراهم می کند، اما نه به گونه ای که به حد اجبار برسد. شیخ مفید در پاسخ از این پرسش که دلیل بر وجود امام زمان (ع) چیست؟ به قاعده لطف استناد می کند و می نویسد: وجود امام معصوم و حجت حق، در هر زمان لازم و این وجود معصوم، لطف است و لطف، همیشه بر خدا لازم است (۱) خواجه نصیرالدین طوسی در اول بحث امامت تجرید الاعتقاد، (ص ۲۲۲) می نویسد: نزد عقلا، معلوم است که انحصار لطف الهی در تعیین امام است. وجود امام لطف الهی و تصرف او در مسائل اجتماعی، لطفی دیگر و غیبت امام، مربوط به ما می شود (۲) پس وجود امام (ع) لطف است سید مرتضی در رساله غیبت می گوید: وجود حضرت در پرده غیب نیز لطف است زیرا شیعیان با اعتقاد به وجود حضرت... در ارتکاب کار زشت، هراسی از حضرت دارند (۳) وجود امام، لطف است و تصرف او در امور، لطف دیگر، خداوند به ایجاد امام، به لطف خود جامه عمل پوشاند و فردی را که برای اداره جامعه لازم است آفرید و حجت را بر مردم تمام کرد، تا اگر شایسته بودند، از وجودش بهره ببرند و بسط ید امام، لطف دیگری است که به کوشش ما مربوط می شود. تقویت قدرت امام در مواردی، در توان ماست. بنابراین، ما مکلف به آن هستیم و قدرت نداشتن امام را باید از چشم خود بینیم (۴) ۱. مصنفات شیخ مفید ج ۱، چاپ کنگره هزاره شیخ مفید ۲۰. چشم به راه مهدی پاورقی ص ۸۰. ۳. رسائل الشریف المرتضی ج ۲ ص ۲۹۹، به نقل از چشم براه مهدی ص ۴۸۰. غیبه طوسی، ص ۱۱

مهدویت از دیدگاه شیعه

شیعه معتقد است که مهدی، فاطمی است. یعنی از فرزندان آن بانوی بزرگوار است و پسر امام حسن عسکری (ع) و دوازدهمین امام و وصی و جانشین پیامبر است. شیعه برخلاف سایر فرق اسلامی معتقد است که زمین هیچگاه خالی از حجت نخواهد بود، (۱) لذا یکی از امتیازاتش از سایر فرق، اعتقاد به مهدی موعود (ع) با نام و نشان است. شیعه درباره وجود حضرت مهدی (ع) و ظهور او در آخرالزمان، کتاب های بسیاری تألیف کرده و مقالات و رساله های بسیاری نوشته است. این نوشتن عمدتاً از زمان امام حسن عسکری (ع) شروع شده و تا عصر حاضر ادامه یافته است. برخی از کتاب های شیعه که درباره حضرت مهدی (ع) نوشته شده چه مستقلاً و چه فصلی از کتاب عبارتند از: اصول کافی از کلینی، کمال الدین از صدوق، ارشاد از شیخ مفید، الوجیزه فی الغیبه از سید مرتضی علم الهدی، غیبه از شیخ طوسی، غیبه نعمانی از محمد بن ابراهیم نعمانی، الملاحم والفتن از سید بن طاووس، اعلام الوری از امین الاسلام طبرسی، المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه از سید هاشم بحرانی، بحار الانوار علامه محمد باقر مجلسی، اثبات الهدی از شیخ حر عاملی، نجم الثاقب از میرزا حسین نوری، منتخب الاثر از آیه الله صافی و ده ها کتاب دیگر. ۱. کافی ج ۱ کتاب الحجّه.

امامیه

عنوانی است برای عموم فرقه هایی که به نص روشن، علی بن ابی طالب (ع) را جانشین پیغمبر اسلام (ص) می دانند و معتقدند که امامت در فرزندان علی (ع) باقی است و دنیا هرگز از امام خالی نیست و منتظرند که یکی از علویان در آخر الزمان ظهور کند

دولیا را پر از عدل و داد نماید . در مقابل آنان ، اهل سنت هستند . امامیه در مقاطع مختلف تاریخ به فرقه های متعدد منشعب شده اند : فرقه ای امامت را پس از امام حسین (ع) به محمد حنفیه ختم می دانند و او را امام مهدی می خوانند و آنان کیسانیه اند . فرقه ای پس از امام علی بن الحسین (ع) ، به امامت زید ، فرزند آن حضرت قائلند و آن ها را زیدیه گویند . گروهی امام پس از حضرت جعفر بن محمد (ع) را ، اسماعیل فرزند آن حضرت می دانند ، و آن ها را اسماعیلیه می شناسند . جمعی امام موسی بن جعفر (ع) را آخرین امام می دانند و آنان واقفه اند . امامیه اثنی عشریه ، شیعه جعفری مذهب که از علی بن ابی طالب (ع) تا حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری را امام واجب الطاعه می دانند ، اکثریت امامیه را تشکیل می دهند . این گروه تنها گروهی بودند که بر صفحه تاریخ تشیع باقی ماند و این نشانگر آن است که اقدامات صورت گرفته و مقدماتی برای غیبت ، به اندازه ای حساب شده بود که توانست شیعه را از گرفتاری های شک و تردید پس از رحلت امام عسکری (ع) نجات دهد . نمایندگان ویژه حضرت با حرکت های سنجیده و رهبریت مدبرانه خود ، اوضاع نابسامان اجتماع شیعه را سامان بخشیده و مردم را از سرگردانی نجات دادند و اختلافات و انشعابات را به تدریج از بین بردند . شیخ مفید تأیید می کند که از آن فرقه های چهارده گانه ، تنها امامیه باقی مانده است . به نوشته وی این گروه ، بزرگترین فرقه شیعه از نظر جمعیت ، علماء ، متکلمان ، نظار ، صالحان ، عابدان ، فقیهان ، محدثان ، ادیبان و شاعران هستند . آنان ابروی شیعه امامیه ، سرپرستان اجتماع و در دین ، مورد اعتماد شیعیان می باشند (۱) ۱ .

الفصول المختاره ، ص ۲۶۱ حیات مرکزی سیاسی امامان شیعه ج ۲ ، ص ۲۲۰ .

امامیه و دوازده امام

به عقیده اکثریت شیعه ، پس از حضرت رسول (ص) ، دوازده امام یکی پس از دیگری جانشین آن حضرت بودند و آنان عبارتند از : ۱ . علی بن ابی طالب ، ملقب به مرتضی و امیرالمؤمنین . ۲ . حسن بن علی ، ملقب به مجتبی ۳ . حسین بن علی ، ملقب به سید الشهداء ۴ . علی بن الحسین ، ملقب به زین العابدین و سجاد ۵ . محمد بن علی ، ملقب به باقر یا باقرالعلوم ۶ . جعفر بن محمد ، ملقب به صادق ۷ . موسی بن جعفر ، ملقب به کاظم ۸ . علی بن موسی ، ملقب به رضا ۹ . محمد بن علی ، ملقب به تقی و جواد ۱۰ . علی بن محمد ، ملقب به نقی و هادی ۱۱ . حسن بن علی ، ملقب به عسکری ۱۲ . محمد بن حسن ، ملقب به مهدی ، مهدی موعود ، امام زمان ، امام عصر ، صاحب الزمان و صاحب العصر (ع) دوازده امامی

امامیه و شیعه و مهدی

از نظر شیعه ، مسأله مهدویت و نوید ظهور مهدی موعود (ع) ، یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام به شمار می رود و به اندازه ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت ، در ردیف وقوع قیامت ، و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم (ص) می باشد . از نظر شیعه ، مهدویت یک مسأله کهن و ریشه دار است و سابقه آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام و دوران رشد شخص نبی اکرم (ص) برمی گردد . به اعتقاد شیعه ، علاوه بر آیات متعددی که در قرآن کریم وارد شده و پیشوایان دینی آن ها را به وجود مقدس مهدی موعود تفسیر کرده اند ، صدها حدیث معتبر و متواتر از حضرت رسول اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت صادر شده که در آن ها صفات ، خصوصیات و جزئیات زندگی آن منتظر موعود و این که پس از تولد دو بار غیبت خواهد داشت و پس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد و با تشکیل حوادث واحد جهانی ، جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود ، بیان شده است . شیعیان بر اساس روایات عقیده دارند که مهدی موعود (ع) ، سری از اسرار حق و آخرین برگزیده الهی است که پس از تولد از نظرها غایب شده و پس از مدت زمانی طولانی ظهور می نماید و او حجه الله ، خلیفه الله و بقیه الله است . مهدی موعود

(ع) از نسل پاک پیامبر خدا (ص) و از علی و زهرا (ع) و نهمین نفر از فرزندان امام حسین و فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) است. شیعیان دوازده امامی عقیده دارند که حضرت مهدی (ع)، همنام و هم کنیه پیامبر (ص) و هم اکنون زنده است و هنگامی که خداوند اجازه ظهورش دهد قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید. شیعیان طبق وعده های انبیای سلف (ع) و نویدهای کتب مذهبی، و وعده های صریح قرآن کریم عقیده دارند که: آن گاه که اخلاق و معنویت از میان بشر رخت ببرند و ظلم و ستم فراگیر شود و اسباب ظهور مهیا گردد، حضرت مهدی (ع) به فرمان حق قیام می کند. با آمدنش هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند. مرزهای جغرافیایی میان کشورها برداشته می شود، مظاهر شرک و کفر و بی عدالتی از بین می روند، عدالت اجتماعی تأمین می گردد، هر حقی به صاحب حق می رسد و در سراسر جهان، تنها یک نظام حکومت می کند و آن نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است. (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۶۸

اعتقاد به مهدی (ع)

ما معتقدیم که سرانجام، اداره امور جهان در قبضه با کفایت صالح ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و او جهان را از تاریکی، فقر، جهل و ظلم رهایی می بخشد، و حکومت واحد جهانی را براساس مساوات و عدالت استوار می سازد. علی رقم اتفاق نظر دراصل مصلح و منجی، لیکن در مصداق و تطبیق آن اختلاف دارند. روایات نقل شده در باره حضرت مهدی (ع) و بحث از نواب خاص آن حضرت که در طول هفتاد سال، واسطه میان شیعیان و حضرت بوده اند این اعتقاد را از محدوده ذهن به دنیای واقعیات می آورد. یعنی او یک حقیقت فرضی و خیالی نیست بلکه یک موجود واقعی است. بنابراین موضوع مهدی، نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه پیشگویی است که باید درانتظار مصداقش ماند. بلکه واقعیت استوار و فرد مشخصی است که در میان ما زندگی می کند، ما را می بیند و ما نیز او را می بینیم و دراندوه و شادی همامان شریک است. احادیث و نیز تاریخ غیبت صغری، این باور را در جان ما زنده می کند که مصداق آن مصلح و مهدی منتظر، کسی جز "محمد" امام دوازدهم شیعیان و پسر امام حسن عسکری (ع) نیست که وجودش به تجربه تاریخی ثابت شده است. آیت الله محمد باقر صدر رحمه الله می نویسد: اعتقاد به مهدی (ع) به عنوان یک قائل منتظر که جهان را به یک صورت برتر متحول می سازد، از اخبار پیامبر اکرم (ص) عموماً و از احادیث ائمه اهل البیت (ع) خصوصاً سرچشمه گرفته است، و در نصوص بسیاری مورد تأیید و تاکید واقع شده، به طوری که اصلاً مطلب قابل تردید نیست. در مجموع اخبار و احادیثی که در مورد امامت مهدی (ع) و غیبت و ظهور و اصلاح آینده جهان و خصوصیات شخصی او از طریق سنی و شیعه وارد شده است، تمام آن ها نزدیک به شش هزار حدیث است و در مورد هیچ یک از موضوعات مسلم و غیر قابل تردید اسلامی، این اندازه حدیث و روایت وارد نشده است. (۱) گذشته از قطعی بودن موضوع مهدی موعود (ع) از دیدگاه مدارک متقن اسلامی، اختصاص داشت شخصیت والا به امام دوازدهم شیعه، و پسر امام حسن عسکری (ع)، دلایل محکم و روشنی دارد که تمام آن دلایل را ممکن است در دو دلیل خلاصه کنیم: ۱. دلیل اسلامی: مهدی (ع) در صدها روایتی که از پیغمبر اکرم (ص) و از ائمه (ع) نقل شده، متمثل است. روایاتی که مهدی (ع) را به اهل بیت (ع)، نواده فاطمه (ع)، ذریه حسین (ع)، و فرزند نهم آن حضرت نسبت داده است، و نیز آن سلسله از احادیثی که دلالت می کنند که جانشینان پیامبر (ص) دوازده نفرند، تمام این احادیث، آن فکر و عقیده عمومی مهدی (ع) را محدود می کنند و آن موضوع فکری کلی را در امام دوازدهم ائمه (ع) مشخص می سازند این حدیث نبوی شریف به این مضمون که امامان پس از من یا خلفاء بعد از من، دوازده نفرند با عبارات مختلف در بیش از دویست و هفتاد روایت از رسول اکرم (ص) نقل شده، که در حدیث سنی و شیعه مانند: صحیح بخاری، صحیح مسلم، صحیح ترمذی و سنن ابن داود و مسند احمد حنبل و مستدرک الصحیحین حاکم

نیشابوری نقل شده است. در حالی که بخاری در زمان امام جواد و امام هادی و امام عسکری (ع) می زیسته و کتاب صحیح بخاری را در آن زمان نوشته است که هنوز امامان به دوازده نرسیده بود. این خود دلالت می کند که این حدیث پیش از آن که فکر و عقیده دوازده امامی در مغزها تکمیل شود، از رسول اکرم (ص) صادر شده است و جای تردید در این احادیث باقی نمی ماند. ایمان و عقیده شیعه دوازده امامی که می گوید: جانشینان پیامبر (ص) از علی (ع) شروع شده و به مهدی (ع) ختم می شود، قابل تطبیق با احادیث شریف نبویست. ۲. دلیل علمی: دلیل علمی آن، تجربه ای است که شیعیان در طی هفتاد سال دوران غیبت صغری آموختند. از واقعه مسلم تاریخ مهدی (ع) در دوران غیبت صغری، این نتیجه گرفته می شود که آن حضرت، بزرگ حقیقتی بود که ملت شیعه مدت هفتاد سال در تحت رهبری مستقیم وی زندگی کرده اند و با نمایندگان ویژه وی سر و کار داشته اند، و در طول این هفتاد سال، کوچک ترین حادثه و جریانی پیش نیامد که باور و اعتقاد در آنان را نسبت به وجود و حقیقت امام شان متزلزل کند. نکته قابل توجه دیگر این است که تمام نامه هایی که به وسیله یکایک این چهار نفر از امام (ع) به دست مردم می رسید، همه یک خط داشت و از نظر روش انشاء یکسان بود بنابراین، در پس پرده، یک حقیقت ثابت و محقق و یک موجود اصل وجود داشته است. محال است یک چنین جریانی دروغ باشد و در طی این هفتاد سال برای مردمی که آن را به عنوان یک حقیقت ثابت پذیرفته اند کشف نشود بلکه اطمینان و باور آنان به این حقیقت ثابت، بیشتر و شدیدتر می گردد. پس نتیجه می گیریم که تحلیل غیبت صغری امام (ع) می تواند به صورت یک دلیل علمی، واقعیت و ثبوت و وجود امام مهدی (ع) و ولادت و زندگی و غیبت او را ثابت کند. (۲) ۱. بحث حول المهدی محمد باقر صدر ۶۳-۷۲. بحث حول المهدی محمد باقر صدر ص ۶۳-۷۲.

اهل سنت و مهدی

اهل سنت و مهدی

برخی تصور می کنند که اعتقاد به مهدی منتظر (ع) ویژه شیعیان است در حالی که اصل این عقیده از نظر اهل سنت، با شیعه همسان بوده و بین این دو فرقه از حیث بشارت های پیامبر (ع) راجع به ظهور آن حضرت و مأموریت جهانی وی و درباره شخصیت برجسته و نفوس آن بزرگوار و حتی نشانه های ظهور و ویژگی های انقلاب او، تفاوتی وجود ندارد. تنها تفاوتی که وجود دارد این است که اغلب دانشمندان اهل سنت می گویند: حضرت هنوز متولد نشده و غایب نیست، بلکه به زودی متولد خواهد شد و به آن چه پیامبر (ع) بشارت داده جامه عمل می پوشاند و عده کمی از آنان در مورد ولادت و غیبت او، با شیعه هم عقیده اند. (۱) آن چه از مجموع منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت استفاده می شود این است که مسأله ظهور حضرت مهدی (ع) مورد اتفاق و اجماع مسلمین است. مؤلف کتاب الإمام المهدی (ع) استاد علی محمد علی دخیل، اسامی ۲۰۵ نفر از بزرگان اهل سنت را در کتاب خود آورده، به این ترتیب که تعداد سی نفر از آن ها مستقلاً درباره حضرت مهدی (ع) کتاب نوشته اند و سی و یک نفر دیگر فصلی را در کتاب های خود به روایات حضرت مهدی (ع) اختصاص داده اند و ۱۴۴ نفرشان به تناسب های مختلف، روایات حضرت مهدی (ع) را در کتاب های خود آورده اند. (۲) حتی این اعتقاد در معروف ترین و معتبرترین کتب روایی اهل سنت، یعنی صحاح سته (۳) آمده است. این محدثان نامی اهل سنت، روایات مربوط به حضرت مهدی (ع) را از: عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ثوبان، جابر بن عبدالله انصاری، جابر بن سمره، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، انس بن مالک، ابو سعید خدری، أم سلمه و غیر این ها نقل کرده اند. (۴) ۱. عصر ظهور، علی کورانی، ص ۳۹۱. ۲. آخرین امید، داود الهامی ص ۲۲۳. ۳. صحاح سته عبارتند از: صحیح بخاری صحیح مسلم، سنن ابن داود، سنن ترمذی، سنن نسایی، و سنن ابن ماجه. ۴. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی، ص ۷۱.

راویان احادیث مهدی از اهل سنت

حافظان (۱) روایات و صاحبان کتب صحیح و سنن اهل تسنن، احادیث حضرت مهدی (ع) را در کتاب های خود ذکر کرده اند که برخی از آن ها را می آوریم: ابو داود در کتاب سنن، ترمذی در کتاب جامع، ابن ماجه در کتاب سنن، نسائی در کتاب الکبری، احمد بن حنبل در کتاب مسند ابن حیان در کتاب صحیح، حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین، ابوبکر بن ابی شیبه در کتاب المصنف، نعیم بن حماد در کتاب الفتن، ابو نعیم اصفهانی در کتاب المهدی و نیز در کتاب الحلیه، طبرانی در کتاب های الکبیر الاوسط والصغیر دارقطنی در کتاب الافراد، البارودی در کتاب معرفه الصحابه، ابو یعلی الموصلی در کتاب المسند، البزاز در کتاب المسند، حارث بن ابی اسامه در کتاب المسند، خطیب در کتاب های تلخیص المتشابه والمتفق والمفترق، ابن عساکر در کتاب تاریخ خود، ابن منده در کتاب تاریخ اصبهان، ابوالحسن الحریری در کتاب الاول من الحرییات، تمام الزاری در کتاب فوائد، ابن جریر در کتاب تهذیب الآثار ابوبکر المقرئ در کتاب معجم، ابو عمر والدانی در کتاب سنن ابو اعثم الکوفی در کتاب فتن، الدیلمی در کتاب مسند الفردوس، ابوبکر الاشکاف در کتاب فوائد الاخبار ابوالحسن بن المناوی در کتاب الملاحم، البیهقی در کتاب دلائل النبوه، ابو عمرو المقرئ در کتاب سنن، ابن الجوزی در کتاب تاریخ خود، یحیی الحمانی در کتاب مسند، رویانی در کتاب مسند و ابن سعد در کتاب الطبقات. بسیاری از علمای اهل سنت، احادیث حضرت مهدی (ع) را متواتر دانسته اند یا تواتر آن ها را از دیگران نقل کرده و بدان اعتراض ننموده اند. (۲) ۱. حافظ کسی است که می بایست بر سنن رسول اکرم (ص) اطلاع داشته و موارد اتفاق و اختلاف آن را بداند و به احوال راویان و طبقات مشایخ حدیث کاملاً اطلاع داشته باشد. بعضی گفته اند حافظ کسی است که صد هزار حدیث با سند آن از حفظ داشته باشد. علم الحدیث شانه چنی، ص ۲۱۳. آخرین امید، داود الهامی ص ۲۳۲.

راویان احادیث مهدی از صحابه

مسأله مهدویت و ظهور حضرت مهدی (ع) در قرون گذشته، میان تمام مسلمانان مطرح بوده است و صحابه بزرگ رسول خدا (ص) و تابعین، و سپس تابعین تابعین و سایر طبقات روات، از آن زمان تا امروز، روایات مربوط به آن حضرت را با تمام مشخصات، اوصاف و نشانه ها روایت کرده و علماء و محدثان بزرگ اسلامی نیز آن ها را در کتاب های خود گردآوری نموده اند. حتی برخی از آنان در این خصوص کتاب های مستقلی تألیف کرده اند. در این جا تعدادی از نام های راویان احادیث مهدوی را از میان صحابه یاد آور می شویم: ابو امامه باهلی، ابو ایوب انصاری، ابو سعید خدری، ابو سلیمان چوپان رسول اکرم (ص) ابو الطفیل، ابو هریره، ام حبیبه همسر رسول خدا (ص) (ام سلمه) همسر رسول خدا (ص) (انس بن مالک، ثوبان) غلام پیامبر (ص) جابر بن سمره، جابر بن عبدالله انصاری، حذیفه بن یمان، سلمان فارسی، شهر بن حوشب، طلحه بن عبدالله، عائشه همسر پیامبر (ص) عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن حارث بن حمزه، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، عبدالله بن مسعود، عثمان بن عفان، علی بن ابی طالب (ع)، علی هلالی، عمار بن یاسر، عمران بن حصین، عوف بن مالک، قره بن ایاس، مجمع بن جاریه انصاری، قیس بن جابر. (۱) ۱. آخرین امید داود الهامی ص ۲۳۰.

صحاح

"صحاح سته" نام شش کتاب حدیث اهل سنت و جماعت است که فقها و اصحاب حدیث بر آن ها اعتماد دارند و آن ها عبارتند از: الجامع الصحیح تألیف محمد بن اسماعیل بخاری م ۲۵۶هـ، صحیح تألیف ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری م ۲۶۱هـ سنن

تألیف ابن ماجه م ۲۷۳هـ، جامع تألیف ترمذی م ۲۷۹هـ، سنن تألیف ابی داود م ۳۰۳هـ، سنن تألیف نسائی م ۳۰۳هـ. متقی هندی متوفی ۹۷۵ می نویسد: علمای مذاهب چهارگانه شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی، در صحت احادیث مهدی (ع) اتفاق نظر دارند و معتقدند که واجب است تمام مسلمانان بر این موضوع ایمان بیاورند. (۱) ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۸.

مهدویت و فرقه های انحرافی

فرقه گرایی

پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) در آغاز، اکثر شیعیان نسبت به امام بعدی دچار شک و تردید شدند و حتی بعضی از عقایدشان برگشتند. چون آغاز غیبت امام و عدم حضور مستقیم فیزیکی وی در میان شیعیان بود. علت شدت بحران در آن زمان، این بود که امام حسن عسکری (ع) به خاطر شرایط خاص زمانی، توانست جانشین خود را برای عموم آشکارا منصوب نماید. طبق نوشته شیخ مفید در ارشاد، حتی به بخش عظیمی از پیروان خویش معرفی نکرد (۱) به هر حال به خاطر عدم معرفی رسمی و آشکار جانشین امام حسن عسکری (ع) و جاه طلبی شخصی برادر امام حسن عسکری (ع)، یعنی جعفر کذاب، انشعاب در زمان رحلت امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هجری قمری به اوج خود رسید. مسعودی در مروج الذهب بیست فرقه ذکر می کند (۲) سعد قمی در المقالات والفرق پانزده گروه ذکر می کند (۳) نوبختی در فرق الشیعه (۴) و شیخ مفید در الفصول المختاره (۵) از چهارده فرقه نام می برند. با این فرق که نوبختی در مقام توضیح، سیزده فرقه را بیان می کند ولی مفید، چهاردهمین فرقه را نیز بیان کرده است. شهرستانی در "ملل و نحل" از یازده گروه نام می برد (۶) مشهور در میان علماء این است که پس از امام حسن عسکری (ع) امامیه به چهارده فرقه تقسیم شدند. ۱. ارشاد مفید، ص ۳۴۵. ۲. مروج الذهب، ج ۴ ص ۱۱۲. ۳. اشعری قمی سعد بن عبدالله المقالات والفرق ص ۱۰۲. ۴. فرق الشیعه نوبختی ص ۱۰۵. ۵. الفصول المختاره ص ۲۵۸. ۶. ملل و نحل شهرستانی ص ۱۳۰.

قرامطه

فرقه ای از غلاة شیعه شش امامی، اسماعیلیه هستند که به سببیه نیز نامیده شده اند. آنان می گویند: محمد بن اسماعیل، امام هفتم و صاحب الزمان است و معتقد به قیام به سیف و قتل و حرق مخالفان خود از سایر مذاهب اسلامی بودند. زیارت قبور و بوسیدن سنگ کعبه و اعتقاد به ظواهر، در مذهب آنان حرام بود و در احکام شریعت، قائل به تأویل بودند (۱). رئیس قرامطه، ابوطاهر قرمطی بود. قرامطه حجرالاسود را از جاکنده و به بحرین- مسکن خود- بردند و بیست و دو سال نزد خود نگاه داشتند (۲) ۱. معارف و معاریف ج ۸ ص ۲۷۱. مهدی موعود پاورقی ص ۶۱۶.

محمد بن بشیر

از اهالی کوفه، از موالی بنی اسد و از اصحاب امام کاظم (ع) بود. وی از غلاة و مبتدعین بود و مدعی بود که پس از امام موسی بن جعفر (ع)، خود امام است و می گفت: امام کاظم (ع) زنده است و او همان امام قائم است. پیروانی داشت و در شعبده و اعمال خارق العاده، مهارت داشت (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۹ ص ۱۶۱.

مرجئه

به معنای تأخیر افکننده ، نام فرقه ای از فرق اسلامی است که در پایان نیمه اول قرن اول هجری پدید آمد . آنان گروهی از خوارج اند که مرتکب گناه کبیره را مخلد در دوزخ نمی دانستند ، بلکه کار او را به خدا وا می گذاشتند . اکثریت مرجئه ، امامت را برای غیر قریشی جائز نمی دانستند ، ولی بعضی آنان می گفتند : هر کس احکام قرآن و سنت رسول (ص) را بر پا دارد ، می تواند امام باشد . مکتب اعتقادی مرجئه ، برای امویان که از ارتکاب معاصی بزرگ ، پرهیزی نداشتند پناهگاه خوبی بود بدین جهت امویان از مرجئه پشتیبانی می کردند (۱) مرجئه جزو سپاه سفیانی هستند که به سپاه حضرت مهدی (ع) هجوم می برند (۲) . ۱ . معارف و معاریف ج ۹ ص ۲۶۸ . ۲ . بحارالانوار ج ۵۲ ، ص ۳۴۳ .

مغیریه

فرقه ای از غلات شیعه و پیرومغیره بن صعید عجل می باشند . آنان " عبد الله بن حسن " را پس از امام باقر (ع) امام دانند و او را مهدی منتظر می خوانند و می گویند او نمرده است و روزی ظهور خواهد کرد . هنگامی که امام صادق (ع) خبر یافت که بزیر یکی از سران مغیریه به قتل رسیده ، گفت : الحمد لله ابن مغیریان را جز قتل ، چاره ای نباشد ، زیرا آنان تا ابد توبه نمی کنند . (۱) ۱ . معارف و معاریف ج ۹ ، ص ۵۱۹ .

ناووسیه

فرقه ای از غلاة ، اتباع ، عجلان یا عبدالله بن ناووس بصری هستند که امام جعفر صادق (ع) را امام زنده غایب و مهدی منتظر و قائم آل محمد (ع) می دانند . (۱) یکی از ناووسیه به نام عنبسه بن مصعب ، حدیثی از امام صادق (ع) جعل نمود که ایشان فرمود : اگر کسی به شما خبر داد که وی مرا غسل داده و کفن کرده و دفن نموده ، سخنش را باور مکنید (۲) طبق روایتی که از حضرت علی و امام باقر (ع) نقل شده ، اینان از یاران حضرت مهدی (ع) از سرزمین مصر هستند . (۳) و در روایتی از امام صادق (۴) رسیده است که نجبا از سرزمین کوفه هستند . (۵) با توجه به معنای نجبا که جمع نجیب و به معنای افراد پاک سرشت و خوش نفس و جوانمرد است به ویژگی دیگری از یاران حضرت مهدی (ع) پی می بریم . تعداد نجبا را هفتاد نفر آورده اند و گفته اند گاهی می شود که بیشتر از این باشند (۶) امام صادق (ع) فرمود : آنان که در امر دین به بحث و جدال نشستند ، تباه گشتند و آن ها که به حقایق دین تسلیم شدند ، اهل نجات خواهند بود ، همانا تسلیم شدگان نجبا باشد ۱ . معارف و معاریف ج ۱۰ ص ۶۳ . ۲ . بحارالانوار ج ۳۷ ص ۹ . ۳ . بحارالانوار ، ج ۵۲ ص ۳۳۴ . ۴ . همان . ۵ . نجم الثاقب باب نهم . ۶ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ .

واقفه

فرقه ای از شیعه هستند که امام موسی بن جعفر (ع) را آخرین امام می دانند و می گویند او زنده و مهدی منتظر است . این فرقه علاوه بر عقیده غلطی که در امر امامت داشتند ، عقاید خرافی دیگری از قبیل تناسخ و وحدت وجود و غلو داشتند (۱) ۱ . معارف و معاریف ج ۱۰ ص ۲۹۹ .

احمدیه

یکی از فرق مبتدعه است که میرزا غلام احمد قادیانی آن را بنیان نهاد . وی دعوی نمود که مهدی موعود و مظهر رجعت ، مسیح است . سپس در روز چهارم مارس ۱۸۸۹م ادعا کرد که وحی بر او نازل شده و پیامبر است . چون مردی عالم وزباندان بود ، جمعی

از مردم قادیان به او گرویدند و با او بیعت کردند. پیروان این مذهب تازه را قادیانی یا میرزائی و به طوری که خودشان می نویسند احمدی نام نهادند. بعدها این فرقه، دو گروه شدند که مجموع پیروان مذهب احمدی از دو گروه، از یک میلیون متجاوز است که بیشتر در پنجاب و بمبئی و افغانستان و عربستان و ایران و مصر سکونت دارند. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۱ ص ۶۰۷.

ادعای ارتباط با حضرت

درباره ارتباط با امام زمان (ع)، کتاب هایی نوشته شده که در این اواخر، رواج فوق العاده ای یافته است. این کتاب ها مشحون از حکایات و داستان ها و مطالبی است که برخی از آن ها به یقین، نادرست و برخاسته از تصورات و خیال بافی های نویسندگان آن هاست و در برخی شمه ای از حقیقت وجود دارد. نقل این داستان ها و حکایت ها، باعث می شود که یک عقیده درست و صحیح، به ناصواب هایی آمیخته گردد و عقائد خرافی و ناصحیح و غیر مستند در میان مردم رواج یابد. وقتی که آقا و خانمی به راحتی و آسانی اهل مکاشفه شوند و آن را در کتاب خود بنویسند، چرا دیگران به چنین مقامی نرسند. زمانی که مدعی مکاشفه، پا را فراتر نهد و در بیداری، حضرت رسول (ص) و برخی از معصومین (ع) را ببیند چرا دیگران از این نعمت محروم باشند رواج این گونه کتاب ها باعث شده که در برخی از مناطق، شاهد اتفاقات عوام فریبانه و خرافی باشیم: کسی در منطقه ای مدعی می شود که قطره ای از خون سر امام حسین (ع) ریخته و سر مبارک حضرت را دیده است. چوپانی مدعی می شود که غلام شاه چراغ است و از وی دستورهایی دریافت کرده است. خانمی که از دست شوهرش فرار کرده، به مسجد روستایی می رود و مدعی می شود که مسجد، نظر کرده است و مریض هایی که به این مسجد بیایند شفا می یابند. در مواردی، دختر یا زنی نظر کرده می شود و حاجت مردم را برآورده می کند. (۱) یا سید مهدی شیوخی م ۱۲۷۸ هـ. ق در کتاب بوارق الحقایق که شرح سفرهای اوست ادعا می کند: در طوس، مهدی (ع) را دیده و ایشان آیات و اورادی را در دهان وی، فوت کرده است. در این دیدار، امام زمان، چند کلمه به فارسی، با لهجه افغانی گفته، او مطلب را فهمید. اما زمانی که او چند واژه به فارسی می گوید، حضرت متوجه مقصود وی نمی شود، از این روی برای آن حضرت توضیح می دهد. (۲) پیامد ناگوار این کتاب ها و عقاید برگرفته از حکایت و خواب، فضایی را به وجود می آورد که اهل تعقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می کند و زمینه انحراف های فکری را فراهم می آورد و در نتیجه، مخالفان تشیع، امکان رشد و گسترش می یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام زدگان به نام تشیع ثبت می شود و به دیگران انتقال می یابد و یک عقیده ای که در اصل آن، تمام فرق اسلامی توافق دارند، به گونه ای مطرح می شود که فرسنگها با اسلام فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیشه وران اسلامی تنگ می کند. ۱. چشم به راه مهدی ص ۳۵. ۲. همان، ص ۱۰۲.

بایه

بنیانگذار فرقه بایه سید علی محمد شیرازی است. از آن جا که او در ابتدای دعوتش مدعی بابت امام دوازدهم شیعه بود و خود را طریق ارتباط با امام زمان می دانست، ملقب به باب گردید و پیروانش "بایه" نامیده شدند. سید علی محمد در سال ۱۲۳۵ ق. در شیراز به دنیا آمد. در کودکی به مکتب شیخ عابد رفت و خواندن و نوشتن آموخت. شیخ عابد از شاگردان شیخ احمد احسائی بنیانگذار شیخیه و شاگردش سید کاظم رشتی بود و لذا سید علی محمد از همان دوران با شیخیه آشنا شد، به طوری که چون سید علی محمد در سن حدود نوزده سالگی به کربلا رفت در درس سید کاظم رشتی حاضر شد. در همین درس بود که با مسائل عرفانی و تفسیر و تأویل آیات و احادیث و مسائل فقهی به روش شیخیه آشنا گردید. قبل از رفتن به کربلا، مدتی در بوشهر اقامت کرد و در آنجا به ریاضت کشی پرداخت. نقل شده است که در هوای گرم بوشهر بر بام خانه رو به خورشید اورادی می خواند. پس از درگذشت سید کاظم رشتی تا مریدان و شاگردان وی جانشینی برای او می جستند که مصداق "شیعه کامل یا رکن رابع"

شیخیه باشد میان چند تن از شاگردان رقابت افتاد وسید علی محمد نیز در این رقابت شرکت کرد ، بلکه پای از جانشینی سید رشتی فراتر نهاد و خود را باب امام دوازدهم شیعیان یا " ذکر " او ، یعنی واسطه میان امام و مردم شمرد . هجده تن از شاگردان سید کاظم رشتی که همگی شیخی مذهب بودند از او پیروی کردند . علی محمد در آغاز امر بخش هایی از قرآن را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود تأویل کرد و تصریح کرد که از سوی امام زمان (ع) ، مأمور به ارشاد مردم است . سپس مسافرت هایی به مکه و بوشهر کرد و دعوت خود را آشکارا تبلیغ نمود . یارانش نیز در نقاط دیگر به تبلیغ ادعاهای علی محمد پرداختند . پس از مدتی که گروه هایی به او گرویدند ، ادعای خود را تغییر داد و از مهدویت سخن گفت و خود را مهدی موعود معرفی کرد و پس از آن ادعای نبوت و رسالت خویش را مطرح کرد و مدعی شد که دین اسلام فسخ شده و خداوند دین جدیدی همراه با کتاب آسمانی تازه به نام بیان بر او نازل کرده است . علی محمد در کتاب " بیان " ، خود را برتر از همه پیامبران دانسته و خود را مظهر نفس پروردگار پنداشته است . در زمانی که علی محمد هنوز از ادعای بابت امام زمان (ع) فراتر نرفته بود ، به دستور والی فارس در سال ۱۲۶۱ ق دستگیر و به شیراز فرستاده شد و پس از آنکه در مناظره با علمای شیعه شکست خورد ، اظهار ندامت کرد و در حضور مردم گفت : لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند . لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند پس از این واقعه شش ماه در خانه پدری خود تحت نظر بود و از آنجا به اصفهان و سپس به قلعه ماکو تبعید شد . در همین قلعه با مریدانش مکاتبه داشت و از اینکه می شنید آنان در کار تبلیغ دعاوی او می کوشند به شوق افتاد و کتاب " بیان " را در همان قلعه نوشت . دولت محمد شاه قاجار برای آنکه پیوند او را با مریدانش قطع کند در سال ۱۲۶۴ ق ، وی را از قلعه ماکو به قلعه چهریق در نزدیکی ارومیه منتقل کرد . پس از چندی او را به تبریز بردند و در حضور چند تن از علما محاکمه شد . علی محمد در آن مجلس آشکارا از مهدویت خود سخن گفت و " بابت امام زمان " را که پیش از آن ادعا کرده بود به بابت علم خداوند تأویل کرد . علی محمد در مجالس علما نتوانست ادعای خود را اثبات کند و چون از او درباره برخی مسائل دینی پرسیدند ، از پاسخ فرو ماند و جملات ساده عربی را غلط خواند . در نتیجه وی را چوب زده تنبیه نمودند و او از دعاوی خویش تبری جست و توبه نامه نوشت . اما این توبه نیز مانند توبه قبلی او واقعی نبود ، از این رو پس از مدتی ادعای پیامبری کرد . پس از مرگ محمد شاه قاجار در سال ۱۲۶۴ ق . مریدان علی محمد ، آشوب هایی در کشور پدید آوردند و در مناطقی به قتل و غارت مردم پرداختند . در این زمان میرزا تقی خان امیرکبیر صدر اعظم ناصرالدین شاه تصمیم به قتل علی محمد و فرو نشاندن فتنه بابیه گرفت . برای این کار از علما فتوا خواست . برخی علما به دلیل دعاوی مختلف و متضاد او و رفتار جنون آمیزش شبهه خبط دماغ را مطرح و از صدور حکم اعدام او خودداری کردند . اما برخی دیگر علی محمد را مردی دروغگو و ریاست طلب می شمردند و از این رو حکم به قتل او دادند . علی محمد همراه یکی از سرانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز تیرباران شد . همان طور که گذشت ، سید علی محمد آراء و عقاید متناقضی ابراز داشته است . از کتاب " بیان " که آن را کتاب آسمانی خویش می دانست ، برمی آید که خود را برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار می دانسته و عقیده داشت که با ظهور آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن ، به پا شده است . علی محمد خود را مبشر ظهور بعدی شمرده و او را من یظهره الله کسی که خدا او را آشکار می کند خوانده است و در ایمان پیروانش بدو تاکید فراوان کرد . از نسبت به کسانی که آیین او را نپذیرفتند خشونت بسیاری را سفارش کرده است . وی از جمله وظایف فرمانروای بابی را این می داند که نباید جز بابی ها کسی را بر روی زمین باقی بگذارد . باز دستور می دهد غیر از کتاب های با بیان ، همه کتاب های دیگر باید محو و نابود شوند و پیروانش نباید جز کتاب بیان و کتاب های دیگر با بیان ، کتاب دیگری را بیاموزند (۱) ۱ . نشریه موعود ، ش ۲۲ ، ص ۸۰ .

بتریه

یکی از فرقه های زیدیه از پیروان کثیر النوی می باشند . آنان عقاید مشابهی با سلیمانیه ، یکی دیگر از فرقه های زیدیه دارند . در

اسلام و کفر عثمان توقف و تردید دارند . در مسائل اعتقادی ، مشرب اعتزال و در فروع فقهی بیشتر پیرو ابو حنیفه هستند . گروهی از آنان نیز پیرو شافعی یا مذهب شیعه می باشند . (۱) امیرالمؤمنین (ع) درباره فرقه بتریه می فرماید : هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ، به سوی کوفه رهسپار می شود . در آن جا تعداد ده هزار نفر که آنان را بتریه می نامند ، در حالی که سلاح بر دوش گرفته اند ، جلوحضرت رامی گیرند و می گویند از همان جا که آمده ای ، بازگرد زیرا ما به فرزندان فاطمه نیازی نداریم . حضرت شمشیر می کشد و همگی آنان را از دم تیغ می گذارند . (۲) امام باقر (ع) نیز می فرماید : ... حضرت مهدی (ع) به سوی کوفه رهسپار می شود . در آن جا شانزده هزار نفر از بتریه ، مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی های آنان از عبادت زیاد ، پینه بسته ، چهره های شان در اثر شب زنده داری زرد شده و نفاق سراپای شان را پوشانده است . آنان یک صدا فریاد برمی آورند : ای فرزند فاطمه (ع) از همان راه که آمده ای بازگرد ، زیرا به تو نیازی نداریم . حضرت در پشت شهر نجف ، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه رامی کشد . (۳) گفته شده ، بدین سبب آن ها را بتریه گویند که یکی از سران آن ها مغیره بن سعد بوده و او ملقب به ابتر بود . (۴) ۱ . ملل و نحل ج ۶ ص ۱۶۱ . ۲ . ارشاد مفید ص ۳۳۴ اعلام الوری ص ۴۳۱ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۲۸ . ۳ . غیبه طوسی ص ۲۸۳ بحارالانوار ج ۲ ، ص ۵۹۸ اثبات الهداء ، ج ۳ ، ص ۵۱۳ . ۴ . معارف و معاریف ج ۳ ص ۵۹ .

بهایت و بنیان گذار بهائیت

در سال ۱۸۳۴ میلادی ، جاسوسی از روس به ایران آمد و به منظور مبارزه با اسلام و مسلمانان ، نقشه پلید و شیطانی استعمارگران را نیز به همراه داشت و متأسفانه این عنصر خیانت کار توانست در سیاست آن روز ایران ، نقش کینه توزانه و ویرانگری را بازی کند . پس از مدتی به عراق آمد و با اینکه نامش کنیاز دالگورکی بود ، خود را شیخ عیسی لئکرانی معرفی کرد و به لباس روحانیت درآمد و در درس سید کاظم رشتی که از علمای کربلا- بود شرکت کرد و در همان جا با مردی- که نامش علی محمد و شاگرد سید رشتی بود و به مصرف حشیش عادت داشت- ملاقات کرد و با شگردهای خاصی توانست با او طرح دوستی و رفاقت بریزد و اعتماد متقابل پدید آورد . در یکی از شب ها که علی محمد طبق برنامه و عادت خویش مشغول حشیش کشیدن بود ، جاسوس روسی با استفاده از فرصت او را مخاطب ساخت و با همه خضوع و احترام و تواضع به او گفت : ای صاحب الزمان به من محبت کن ... تو بی هیچ تردیدی صاحب الزمانی " . علی محمد " با اینکه در اوج کیف و نشئه تخدیر حشیش بود و به خاطر آن تا حدودی مشاعر خویش را از دست داده بود ، خطاب جاسوس را رد کرد و کوشید تا این نسبت دروغین را نپذیرد و از خود دفاع کند ، اما جاسوس روسی سخت اصرار کرد که : نه همین است که من می گویم . و شیوه تکرار و تلقین را به کار گرفت و مرتب به او اصرار کرد که او حضرت مهدی (ع) است . هرگاه " علی محمد " به مصرف حشیش می پرداخت ، جاسوس روسی نیز فرصت را برای تلقین و تکرار آن دروغ رسوا ، غنیمت می شمرد و سؤال های ساده ای از او می کرد و او نیز جواب های سست و آبکی سر هم می کرد و جاسوس بازیگر ، شروع به تحسین و تشویق او می کرد و خود را در برابر پاسخ های آبکی و سست او شگفت زده و مسحور نشان می داد . روزی جاسوس نابکار ، یک بطری عرق از بغداد برای علی محمد خرید و با شگردی خاص به او تقدیم کرد و هنگامی که آن را به او خوراند و مست شد ، تلقین و اصرار خویش را به اوج رسانید که علی محمد همان امام مهدی است و از او تقاضا کرد که گفتار صادقانه و خالصانه جاسوس روسی را بپذیرد . او نیز تصدیق کرد و پذیرفت که چنین است اما از ترس ، جرأت اظهار آن را نداشت و بدان تصریح نمی کرد . در گام دوم ، جاسوس او را به اظهار آن دروغ رسوا تشجیع کرد و وعده ثروت هنگفتی به او داد ... سرانجام علی محمد از کربلا- به بصره و از آن جا به بوشهر آمد و ادعا کرد که : نائب خاص امام مهدی (ع) است ، اما جاسوس روسی به این اندازه رضایت نداد و به او اصرار ورزید که : تو ، خود امام عصر هستی ، نه نایب

خاص او . جاسوس پس از ورود علی محمد به ایران ، در کربلا به صورت گسترده ای پخش کرد که : علی محمد ، صاحب الزمان است و در بوشهر ظهور کرده است . او مردم را بر اثر پخش این دروغ رسوا ، دو دسته ساخت . بیشتر مردم بوشهر کسانی که علی محمد را عنصری حشیشی و شرابخوار ، می شناختند به این شایعات که به وسیله جاسوسان استعمار مرتب دامن زده می شد می خندیدند . اما برخی ساده لوحان و ابلهان نا آگاه نیز می گفتند : نکنند درست است ... و تصدیق می کردند . جاسوس روسی ، پس از افشاندن بذر اختلاف و جنایت و انجام این شگردهای شیطانی ، به عنوان سفیر روس به تهران رفت و با قدرت و امکانات و میدان عمل آماده ای با بهره وری از فرصت ، جدی تر از گذشته به ادامه عملیات ابلسی خویش همت گماشت . در تهران از دوستان خویش ، جاسوسان جدیدی تربیت کرد و با امکانات گسترده خویش ، وجدان و عقیده آنان را خرید و آنان خود را در اختیار او و در گرو اشاره و دستور او قرار دادند که از جمله آنان حسین علی ، معروف به بهاء ، را میرزا یحیی معروف به صبح ازل بودند که این دو برادر ، نقش ویرانگری بر ضد اسلام و جامعه اسلامی و در اجرای نقشه این جاسوس پلید استعمار داشتند . علی محمد دو ماه در بوشهر ماند و از آن جا راهی شیراز گردید و از روستایی که عبور کرد ، خود را نایب خاص امام عصر (ع) جا زد ، اما هنگامی که به شیراز رسید ، ادعا کرد که : صاحب الزمان است و برخی فرومایه هایی که به مبدأ و معادی پایبند نیستند به دورش حلقه زدند . هنگامی که علمای شیراز از ورود آن شیطان رانده شده آگاه شدند ، برخی از افراد آگاه و مورد اعتماد خویش را برای تحقیق از واقعیت جریان ، به محفل " علی محمد " فرستادند و آنان توانستند با اظهار مهر و دوستی و تعظیم به او ، اعتماد وی را جلب کنند و پس از آن مراحل بود که علی محمد عقاید سخیف و خرافات و بافته های رسوای خویش را برای آنان آشکار ساخت و به صراحت خود را امام مهدی (ع) جا زد و آنان نیز بافته های آن عنصر منحرف و گمراه را به علمای شیراز انتقال دادند . این جا بود که علمای شیراز بر ضد او پیا خاستند و بستگان و خاندانش نیز بر او شوریدند و او را از منزل بیرون راندند و دستگیر و به محکمه سپردند . پس از محاکمه ای سریع ، او را به زندان و شلاق محکوم ساختند و پس از مدتی آزاد گردید و از شیراز به اصفهان رفت . جاسوس روس با ورود علی محمد به اصفهان نامه ای به استاندار آن جا نوشت و از او خواست که آن عنصر پلید را احترام نماید و امنیت او را تضمین کند ، اما در همان روزها استاندار از دنیا رفت و امام ساختگی و دروغین ، دستگیر و تحت نظر به تهران فرستاده شد . جاسوس روسی ، به دوستان و همکارانش دستور داد که در میان مردم سر و صدا و بلوا برانگیزند که : هان ای مردم چه نشسته اید که امام مهدی دستگیر شد ... حکومت وقت ، علی محمد را به وسیله مأموران خویش به قزوین گسیل داشت و از آن جا به تبریز و ماکوفرستاد ، اما جاسوس روس و دوستانش به هیاهو و تاخت و تاز خویش ادامه دادند و خبر دستگیری علی محمد را در شهرها پخش کردند و برخی فرومایگانی را که جاسوس استعمار ، با ثروت و امکانات ، آماده ساخته بودند با فریاد و هیاهو بر ضد حکومت وقت به شورش وادار کردند . سرانجام شاه ، علی محمد را احضار کرد و دستور محاکمه او را با حضور علما و فقها صادر کرد . دادگاه تشکیل شد و بحث و گفتگو در نهایت به توبه " علی محمد " به دست علما منجر شد و او از گناه خویش طلب مغفرت کرد . جاسوس روس ، از روند کار هراسان شد و ترسید که نقشه شیطانی اش فاش گردد . به همین جهت برای مخفی ساختن توطئه پلید روس ، راه را برای نابودی امام دروغین هموار ساخت و برای کشته شدن او از هیچ کاری فروگذار نکرد . درست در همین روزها بود که شاه کشته شد و ناصرالدین شاه که به قدرت رسید ، دستور به دار او یخته شدن علی محمد را صادر کرد و او اعدام گردید . پس از اعدام شدن علی محمد حسین علی بهاء و همکارانش چیزی نمانده بود که به کیفر جنایات خویش برسند ، اما تلاش سفارت روس و کارمندان آن برای نجات آن ها ، کار خویش را کرد و آنان به دستور جاسوس روس و مساعدت همه جانبه سفارت روس به بغداد شتافتند و در آن جا بر اساس آموزشهای آن جاسوس ، حسین علی مأموریت یافت که به نفع برادر خویش یحیی وارد عمل شود و ادعا کند که او همان کسی است که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد و امکانات گسترده و ثروت هنگفتی نیز در اختیار او برای تعقیب این دروغ رسوا قرار داد و او نیز دعوت خویش را آغاز کرد و به نشر این مرام ساختگی

پرداخت. در همان شرایط بود که حکومت "عثمانی" این گروه فاسد را از بغداد به ترکیه و از آن جا به ادرنه (۱) تبعید ساخت، اما آموزش های این مسلک منحط، همچنان در سفارت روس در تهران تنظیم و به حسین علی بها ارسال می گردید و او نیز آن ها را در میان پیروان خویش، نشر و تبلیغ می کرد. سرانجام کار به اختلاف میان حسین علی بهاء و برادرش یحیی کشید. یحیی به قبرس رفت و در آن جا ازدواج کرد و خود را صبح ازل نامید. اما حسین علی و پیروانش از ترکیه به عکا، در فلسطین تبعید شدند و تلاش ارتجاعی خویش را برای نشر این مرام استعماری و خرافی در ایران و فلسطین از طریق بذل و بخشش های هنگفت ادامه دادند. حسین علی برای خویش، لقب بها را برگزید و به همین جهت است که پیروان او را بهایی می نامند. روشن است که مرام بهایی هیچ ربطی به اسلام و اصول و فروع آن ندارد و بهائیان نیز مسلمان نیستند و خود را پیرو دین دیگری به نام بهائیت می شمارند. به هر حال این حزب سیاسی- که لباس دین را بر تن کرد- در برخی از کشورهای اسلامی و غربی نفوذ کرد و امریکا و روسیه هر دو در ترویج آن بر ضد اسلام و مسلمانان، هماهنگ شدند. به همین جهت است که در هر کشوری که آمریکا حضور و نفوذ بیشتری داشته باشد، بهائیان بدانجا روی می آورند و هنگامی که نفوذ آمریکا در یکی از کشورهای اسلامی فروکش کرد و متزلزل گردید، مرام بهائیت نیز نفوذ خود را در آن جا از دست می دهد. (۲) ۱. ولایتی از ولایات عثمانیه ترکیه جدید. ۲. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی، ص ۵۷۳.

بهائیت و بهائیه

فرقه بهائیه، فرقه ای منشعب از فرقه بابیه است. بنیانگذار آیین بهائیت، میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله است و این آیین نیز نام خود را از همین لقب برگرفته است. پدرش از منشیان عهد محمد شاه قاجار و مورد توجه قائم مقام فراهانی بود و بعد از قتل قائم مقام فراهانی از مناصب خود برکنار شد و به شهر نور رفت. میرزا حسینعلی در ۱۲۳۳ در تهران به دنیا آمد و آموزش های مقدماتی ادب فارسی و عربی را زیر نظر پدر و معلمان و مربیان گذراند. پس از ادعای بابت توسط سید علی محمد شیرازی در شمار نخستین گروندگان به باب در آمد و از فعالترین افراد بابی شد و به ترویج بابیگری به ویژه در نور و مازندران پرداخت برخی از برادرانش از جمله برادر کوچکترش میرزا یحیی معروف به صبح ازل نیز بر اثر تبلیغ او به این مرام پیوست. پس از اعدام علی محمد باب به دستور امیرکبیر، میرزا یحیی ادعای جانشینی باب را کرد. ظاهراً یحیی، نامه هایی برای علی محمد باب نوشت و فعالیت های پیروان باب را توضیح داد. علی محمد باب در پاسخ به این نامه ها وصیت نامه ای برای یحیی فرستاد و او را وصی و جانشین خود اعلام کرد. برخی گفته اند این نامه ها توسط میرزا حسینعلی و به امضای میرزا یحیی بوده است حسینعلی این کار و نیز معرفی یحیی به عنوان جانشینی باب را برای محفوظ ماندن خود از تعرض مردم انجام داده است و علی محمد در پاسخ به نامه ها میرزا یحیی را وصی خود ندانسته بلکه به او توصیه کرده که در سایه برادر بزرگتر خویش حسینعلی قرار گیرد. در هر حال پس از باب، عموم بابیه به جانشینی میرزا یحیی معروف به صبح ازل معتقد شدند و چون در آن زمان یحیی بیش از نوزده سال نداشت، میرزا حسینعلی زمام کارها را در دست گرفت. امیرکبیر برای فرو نشاندن فتنه بابیان از میرزا حسینعلی خواست تا ایران را به قصد کربلا ترک کند و او در شعبان ۱۲۶۷ به کربلا رفت، اما چند ماه بعد، پس از برکناری و قتل امیرکبیر در ربیع الاول ۱۲۶۸ و صدارت یافتن میرزا آقا خان نوری، به دعوت و توصیه شخص اخیر به تهران بازگشت. در همین سال تیراندازی بابیان به ناصرالدین شاه پیش آمد و بار دیگر به دستگیری و اعدام بابی ها انجامید، و چون شواهدی برای نقش حسینعلی در طراحی این سوء قصد وجود داشت، او را دستگیر کردند. اما حسینعلی به سفارت روس پناه برد و شخص سفیر از او حمایت کرد. سرانجام با توافق دولت ایران و سفیر روس، میرزا حسینعلی به بغداد منتقل شد و بدین ترتیب بهاءالله با حمایت دولت روس از مرگ نجات یافت. او پس از رسیدن به بغداد نامه ای به سفیر روس نگاشت و از وی و دولت روس برای این حمایت قدردانی کرد. در بغداد کنسول دولت انگلستان و نیز نماینده

دولت فرانسه با بهاء الله ملاقات و حمایت دولت های خویش را به او ابلاغ کردند و حتی تابعیت انگلستان و فرانسه را نیز پیشنهاد نمودند. والی بغداد نیز با حسینعلی و بابیان با احترام رفتار کرد و حتی برای ایشان مقرری نیز تعیین شد. میرزا یحیی که عموم بابیان او را جانشین بلا منازع باب می دانستند، با لباس درویشی مخفیانه به بغداد رفت و چهار ماه زودتر از بهاء الله به بغداد رسید. در این هنگام بغداد و کربلا- و نجف مرکز اصلی فعالیت های بابیان شد و روز به روز بر جمعیت ایشان افزوده می شد. در این زمان برخی از بابیان ادعای مقام من یظهره اللهی را ساز کردند. می دانیم که علی محمد باب به ظهور فرد دیگری پس از خود بشارت داده بود و او را من یظهره الله نامیده بود و از بابیان خواسته بود به او ایمان بیاورند. البته از تعبیرات وی برمی آید که زمان تقریبی ظهور فرد بعدی را دو هزار سال بعد می دانسته است. به ویژه آنکه ظهور آن موعود را به منزله فسخ کتاب بیان خویش می دانسته است. اما شماری از سران بابیه به این موضوع اهمیت ندادند و خود را من یظهره الله یا "موعود بیان" دانستند. گفته شده که فقط در بغداد بیست و پنج نفر این مقام را ادعا کردند که بیشتر این مدعیان با طراحی حسینعلی و همکاری یحیی یا کشته شدند یا از ادعای خود دست برداشتند. آدمکشی هایی که در میان بابیان رواج داشت و همچنین دزدیدن اموال زائران اماکن مقدسه در عراق و نیز منازعات میان بابیان و مسلمانان باعث شکایت مردم عراق و به ویژه زائران ایرانی گردید و دولت ایران از دولت عثمانی خواست بابی ها را از بغداد و عراق اخراج کند. بدین ترتیب در اوایل سال ۱۲۸۰ ق فرقه بابیه از بغداد به استانبول و بعد از چهار ماه به ادرنه منتقل شدند. در این زمان میرزا حسینعلی مقام من یظهره اللهی را برای خود ادعا کرد و از همین جا نزاع وجدایی و افتراق در میان بابیان آغاز شد. بابی هایی که ادعای او را نپذیرفتند و بر جانشینی میرزا یحیی صبح ازل باقی ماندند، ازلی نام گرفتند و پذیرندگان ادعای میرزا حسینعلی بهاء الله "بهای" خوانده شدند. میرزا حسینعلی با ارسال نوشته های خود به اطراف و اکناف، رسماً بابیان را به پذیرش آیین جدید فرا خواند و دیری نگذشت که بیشتر آنان به آیین جدید ایمان آوردند. منازعات ازلیه و بهائیه در ادرنه شدت گرفت و اهانت و تهمت و افترا و کشتار رواج یافت و هر یک از دو طرف بسیاری از اسرار یکدیگر را بازگفتند. بهاء الله در کتابی به نام "بدیع"، وصایت و جانشینی صبح ازل را انکار کرد و به افشاگری اعمال و رفتار او و ناسزا گویی به او و پیر وانش پرداخت. در برابر، عزیه خواهر آن دو در کتاب تنبیه النائمین کارهای بهاء الله را افشا کرد و یک بار نیز او را به مباحله فراخواند. نقل شده است که در این میان صبح ازل برادرش بهاء الله را مسموم کرد و بر اثر همین مسمومیت بهاء الله تا پایان عمر به ریشه دست مبتلا بود. سرانجام حکومت عثمانی برای پایان دادن به این درگیری ها بهاء الله و پیروانش را به عکا در فلسطین و صبح ازل را به قبرس تبعید کرد، اما دشمنی میان دو گروه ادامه یافت. بهاء الله مدت نه سال در قلعه ای در عکا تحت نظر بود و پانزده سال بقیه عمر خویش را نیز در همان شهر گذراند و در هفتاد و پنج سالگی در ۱۳۰۸ ق در شهر حيفا از دنیا رفت. میرزا حسینعلی پس از اعلام من یظهره اللهی خویش، به فرستادن نامه الواح برای سلاطین و رهبران دینی و سیاسی جهان اقدام کرد و ادعاهای گوناگون خود را مطرح ساخت. بارزترین مقام ادعایی او ربوبیت و الوهیت بود. او خود را خدای خدایان، آفریدگار جهان، کسی که لم یلد ولم یولد است، خدای تنهای زندانی، معبود حقیقی، رب ما یری و ما لا- یری نامید. پیروانش نیز پس از مرگ او همین ادعاها را درباره اش ترویج کردند، و در نتیجه پیروانش نیز خدایی او را باور کردند و قبر او را قبله خویش گرفتند. گذشته از ادعای ربوبیت، او شریعت جدید آورد و کتاب اقدس را نگاشت که بهائیان آن را ناسخ جمیع صحائف و مرجع تمام احکام و اوامر و نوامی می شمارند. بابی هایی که از قبول ادعای او امتناع کردند، یکی از انتقاداتشان همین شریعت آوری او بود، از این رو که به اعتقاد آنان، نسخ کتاب بیان نمی توانست در فاصله بسیار کوتاه روی دهد. به ویژه آنکه احکام بیان و "اقدس" هیچ مشابهتی با یکدیگر ندارند اساس بابیت، از بین بردن همه کتاب های غیر بابی و قتل عام مخالفان بود، در حالی که اساس بهائیت، رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل بود. با این حال میرزا حسینعلی در برخی جاها منکر نسخ بیان شد. مهمترین برهان او بر حقانیت ادعایش، مانند سید باب، سرعت نگارش و زیبایی خط بود. نقل عمده که در هر شبانه روز یک جلد کتاب می نوشت. بسیاری از

این نوشته‌ها بعدها به دستور میرزا حسینعلی نابود شد. نوشته‌های باقیمانده او نیز مملو از اغلاط املائی، انشایی، نحوی و غیر آن بود. مهمترین کتاب بهاء الله ایقان بود که در اثبات قائمیت سید علی محمد باب در آخرین سال‌های اقامت در بغداد نگاشت. اغلاط فراوان و نیز اظهار خضوع بهاء الله نسبت به برادرش صبح ازل در این کتاب ثبت شد که از همان سال‌های پایانی زندگی میرزا حسینعلی پیوسته در معرض تصحیح و تجدید نظر قرار گیرد. و اما بهائیه پس از بهاء الله: پس از مرگ میرزا حسینعلی، پسر ارشد او عباس افندی (۱۲۶۰-۱۳۴۰ ق). ملقب به عبدالبهاء جانشین وی گردید. البته میان او و برادرش محمدعلی بر سر جانشینی پدر مناقشاتی رخ داد که منشأ آن صدور لوح عهدی از موی میرزا حسینعلی بود که در آن جانشین خود را عباس افندی و بعد از او محمدعلی افندی معین کرده بود. در ابتدای کار اکثر بهائیان از محمدعلی پیروی کردند، اما در نهایت عباس افندی غالب شد. عبدالبهاء ادعایی جز پیروی از پدر و نشر تعالیم او نداشت و به منظور جلب رضایت مقامات عثمانی، رسماً و با التزام تمام، در مراسم دینی از جمله نماز جمعه شرکت می‌کرد و به بهائیان نیز سفارش کرده بود که در آن دیار به کلی از سخن گفتن درباره آیین جدید پرهیزید. در اواخر جنگ جهانی اول، در شرایطی که عثمانی‌ها درگیر جنگ با انگلیسی‌ها بودند و آرتور جیمز بالفور، وزیر خارجه انگلیس در صفر ۱۳۳۶ نوآمبر ۱۹۱۷ اعلامیه مشهور خود مبنی بر تشکیل وطن ملی یهود در فلسطین را صادر کرده بود، مسائلی روی داد که جمال پاشا، فرمانده کل قوای عثمانی، عزم قطعی بر اعدام عبدالبهاء، و هدم مراکز بهائی در عکا و حيفا گرفت. برخی مورخان، منشأ این تصمیم را روابط پنهان عبدالبهاء با قشون انگلیس که تازه در فلسطین مستقر شده بود، می‌دانند. لرد بالفور بلافاصله به سالار سپاه انگلیس در فلسطین دستور داد تا با تمام قوا در حفظ عبدالبهاء و بهائیان بکوشد. پس از تسلط سپاه انگلیس بر حيفا، عبدالبهاء برای امپراتور انگلیس، ژرژ پنجم، دعا کرد و از اینکه سرپرده عدل در سراسر سرزمین فلسطین گسترده شده به درگاه خدا شکر گزارد. پس از استقرار انگلیس در فلسطین، عبدالبهاء از دولت انگلیس نشان شهبواری نایت هود دریافت کرد و به عنوان سر ملقب گردید. عبدالبهاء در سال ۱۳۴۰ ق. درگذشت و در حيفا به خاک سپرده شد. در مراسم خاکسپاری او نمایندگان از دولت انگلیس حضور داشتند و چرچیل، وزیر مستعمرات بریتانیا، با ارسال پیامی مراتب تسلیت پادشاه انگلیس را به جامعه بهائی ابلاغ کرد. از مهمترین رویدادهای زندگی عبدالبهاء، سفر او به اروپا و آمریکا بود. این سفر نقطه عطفی در ماهیت آیین بهائی محسوب می‌گردد. پیش از این مرحله، آیین بهائی بیشتر به عنوان یک انشعاب از اسلام یا تشیع و یا شاخه‌ای از متصوفه شناخته می‌شد و رهبران بهائیه برای اثبات حقانیت خود از قرآن و حدیث به جستجوی دلیل می‌پرداختند و این دلایل را برای حقانیت خویش به مسلمانان و به ویژه شیعیان ارائه می‌کردند. مهمترین متن احکام آنان نیز از حیث صورت با متون فقهی اسلامی تشابه داشت. اما فاصله گرفتن رهبران بهائی از ایران و مهاجرت به استانبول و بغداد و فلسطین و در نهایت ارتباط با غرب، عملاً سمت و سوی این آیین را تغییر داد و آن را از صورت آشنای دین‌های شناخته شده، به ویژه اسلام دور کرد. عبدالبهاء در سفرهای خود تعالیم باب و بهاء را با آن چه در قرن نوزدهم در غرب، خصوصاً تحت عناوین روشنگری و مدرنیسم و اومانیزم متداول بود، آشتی داد. البته باید توجه داشت که خود بهاء الله نیز در مدت اقامتش در بغداد با برخی از غریزده‌های عصر قاجار مثل میرزا ملکم خان، که به بغداد رفته بودند آشنا شد. همچنین در مدت اقامتش در استانبول با میرزا فتحعلی آخوندزاده که سفری به آن دیار کرده بود آشنا گردید. افکار این روشنفکران غربزده در تحولات فکری میرزا حسینعلی بی تأثیر نبود. نمونه‌ای از متأثر شدن عبدالبهاء از فرهنگ غربی، مسأله وحدت زبان و خط بود که یکی از تعالیم دوازده گانه او بود. این تعلیم برگرفته از پیشنهاد زبان اختراعی اسپرانتواست که در اوایل قرن بیستم طرفدارانی یافته بود، ولی به زودی غیر عملی بودن آن آشکار شد و در بوته فراموشی افتاد. موارد دیگر تعالیم دوازده گانه عبارت است از: ترک تقلید تحری حقیقت، تطابق دین با علم و عقل، وحدت اساس ادیان و بیت العدل، وحدت عالم انسانی، ترک تعصبات، الفت و محبت میان افراد بشر، تعدیل معیشت عمومی، تساوی حقوق زنان و مردان، تعلیم و تربیت اجباری، صلح عمومی و تحریم جنگ. عبدالبهاء این تعالیم را از ابتکارات پدرش قلمداد می‌کرد و معتقد

بود پیش از او چنین تعالیمی وجود نداشت. این اصول دوازده گانه متأثر از تفکر ماسونی و نظریه پردازان مشرب فراماسونریهای انگلیسی است. ماسونیت با نشر این تعالیم سعی در استحاله تمامی فرهنگ های مذهبی در تفکر و فرهنگ غربی داشت، چنان که پیامد نشر این تفکرمانیسم و لیبرالیسم مذهب همه روشنفکران گردید و مبشر جهانی شد که با تبلیغ فرهنگ جهانی سعی در مستولی ساختن فرهنگ و تمدن مغرب زمین بر تمامی سرزمین های غیر غربی داشت. پس از عبدالبهاء، شوقی افندی ملقب به شوقی ربانی فرزند ارشد دختر عبدالبهاء، بنا به وصیت عبدالبهاء جانشین وی گردید. این جانشینی نیز با منازعات همراه بود زیرا بر طبق وصیت بهاء الله پس از عبدالبهاء باید برادرش محمد علی افندی به ریاست بهائیه می رسید، اما عبدالبهاء او را کنار زد و شوقی افندی را به جانشینی او نصب کرد و مقرر نمود که ریاست بهائیان پس از شوقی در فرزندان ذکور او ادامه یابد. برخی از بهائیان ریاست شوقی را نپذیرفتند و شوقی به رسم معهود اسلاف خود به بدگویی و ناسزا نسبت به مخالفان پرداخت. شوقی بر خلاف نیای خود تحصیلات رسمی داشت و در دانشگاه آمریکایی بیروت و سپس در اکسفورد تحصیل کرده بود. نقش اساسی او در تاریخ بهائیه، توسعه تشکیلات اداری و جهانی این آیین بود و این فرایند به ویژه در دهه شصت میلادی در اروپا و آمریکا سرعت بیشتری گرفت و ساختمان معبد های قاره ای بهائی موسوم به مشرق الاذکار به اتمام رسید. تشکیلات بهائیان که شوقی افندی به آن "نظم اداری امر الله" نام داد، زیر نظر مرکز اداری و روحانی بهائیان واقع در شهر حیفا در کشور اسرائیل که به "بیت العدل اعظم الهی" موسوم است، اداره می گردد. در زمان حیات شوقی افندی حکومت اسرائیل در فلسطین اشغالی تأسیس شد و شوقی از تأسیس این دولت حمایت کرد و مراتب دوشمی بهائیان را نسبت به کشور اسرائیل به رئیس جمهور اسرائیل ابلاغ کرد. بنا بر تصریح عبدالبهاء پس از وی بیست و چهارتن از فرزندان ذکورش، نسل بعد از نسل با لقب ولی امر الله باید رهبری بهائیان را بر عهده می گرفتند و هر یک باید جانشین خود را تعیین می کرد. اما شوقی افندی عقیم بود و طبعاً پس از وفاتش دوران دیگری از دو دستگی و انشعاب و سرگشتگی در میان بهائیان ظاهر شد. ولی سرانجام همسر شوقی افندی، روحیه ماکسول و تعدادی از گروه ۲۷ نفری منتخب شوقی ملقب به ایادیان امر الله اکثریت بهائیان را به خود جلب و مخالفان خویش را طرد و بیت العدل را در ۱۹۶۳ تأسیس کردند. از گروه ایادیان امر الله در زمان حاضر سه نفر یعنی روحیه ماکسول و دو تن دیگر در قید حیات اند و با کمک افراد منتخب بیت العدل که به مشاورین قاره ای معروف اند، رهبری اکثر بهائیان را بر عهده دارند. به موازات رهبری روحیه ماکسول، چارلز میس ریمی نیز مدعی جانشینی شوقی افندی را کرد و گروه "بهائیان ارتدکس" را پدید آورد که امروزه در آمریکا، هندوستان و استرالیا و چند کشور دیگر پراکنده اند. عده ای دیگر از بهائیان به رهبری جوانی از بهائیان خراسان، به نام جمشید معانی که خود را سماء الله می خواند، گروه دیگری از بهائیان را تشکیل دادند که در اندونزی، هند، پاکستان، و آمریکا پراکنده اند. (۱) (۱). درنگارش این مقاله، از کتاب دانشنامه جهان اسلام، ج ۱ ص ۱۶-۱۹، ص ۷۳۳-۷۴۳ استفاده شد به نقل از نشریه موعود ش ۲۲

جارودیه

پیروان ابی الجارود زیاد بن منذر می باشند و مذهب شان این است که امامت پس از پیغمبر (ص)، خاص علی بن ابی طالب (ع) است و صحابه که او را رها نموده، دیگری را به خلافت برگزیدند، کافر شدند. و امام حسن و امام حسین (ع) را پس از امیرالمؤمنین (ع)، امام می دانند ولی پس از آن دو، همه فرزندان این دو امام را در امامت یکسان می شمارند و هر یک از آن ها که دارای علم و شجاعت بود و قیام به سیف نمود، وی امام است (۱) این فرقه درباره امام مهدی منتظر (ع) اختلاف دارند. گروهی از این ها گفتند: وی محمد بن عبدالله بن حسن می باشد که در مدینه در حکومت منصور به قتل رسید و گروهی دیگر گفتند: وی محمد بن قاسم بن علی بن الحسن است که در طالقان خروج کرد و در زندان معتصم از دنیا رفت. گروه سوم گفتند: او یحیی بن عمر می باشد که از نواده های زید بن علی است که در کوفه خروج کرد و در حکومت مستعین بالله کشته شد (۱)

(۲). ۱. معارف و معاریف ج ۴، ص ۴۵. ۲. بحارالانوار ج ۳۷، ص ۲۹.

دروزی

فرقه ای از باطنیه اند که عقایدی پنهانی دارند و آن ها در جبال لبنان و حوران و اطراف حلب سکونت دارند. مذهب دروز، در قرن یازدهم میلادی و پنجم هجری در مصر، زمان الحاکم بامر الله، خلیفه فاطمی توسط مردی به نام محمد بن اسماعیل درزی (ع) پدید آمد. از معتقدات آن ها این است که خدایی جز "حاکم بامر الله" نیست. او نمرده و روزی ظهور می کند و آن هنگامی است که یاجوج و مأجوج آشکار گردند و حاکم، کنار رکن یمانی بایستد و شمشیر زرین خویش را به دست حمزه دهد و به فرمان او شیطان را بکشد. سپس کعبه را ویران سازد و مسلمانان و نصاری را نابود کند و زمین را تا ابد مالک شود (۱). اعتقاد دارند، اما موعودی با ویژگی هایی که ذکر کردیم ۱. معارف و معاریف ج ۵، ص ۳۸۶.

سبائیه

نام فرقه ای است که گمان می کردند حضرت علی (ع) همان مهدی موعود و نجات بخش آینده است آنان پیروان عبدالله بن سباء هستند. عبدالله به نبوت والوهیت حضرت علی (ع) هم معتقد بوده است (۱). فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بید گلی ص ۱۲۲.

عزاقریه

پیروان ابن ابی العزاقر ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی هستند. وی از کسانی است که به مخالفت با "حسین بن روح" برخاست و مذهب جدیدی به نام عزاقریه "یا شلمغانیه" تأسیس کرد. مهم ترین عقاید آنان آن است که در باب قائم آل محمد می گویند، همان ابلیسی است که در قرآن اشاره شده فسجد الملائکه کلهم اجمعون الا ابلیس، و چون سجده نکرد و گفت لا قعدون لهم صراطک المستقیم از این جا معلوم می شود که در موقع امر به سجود، او قائم بوده و بعد نشسته است، و در این که شیعه می گوید که قائم قیام خواهد کرد، این ابلیس است که در موقع امر به سجده، قائم بوده و از سجده ابا نموده است (۱). معارف و معاریف ج ۷، ص ۳۵۳.

فطحیه

فرقه ای است که اعتقاد به امامت عبدالله افطح دارند و او را مهدی موعود می دانند. عبدالله افطح فرزند امام جعفر صادق (ع) بود. چون سر یا دو پای وی پهن بود، از این رو او را افطح و پیروانش را افطحیه یا فطحیه می نامند (۱). مهدی موعود علی دوانی ص ۴۳۱.

کیسانیه

نام فرقه ای است که در نیمه دوم قرن اول هجری در میان شیعیان پیدا شد و در حدود یک قرن ادامه یافت و سپس به طور خفی منقرض گردید. این گروه به امامت جناب محمد حنفیه معتقد بودند و او را پس از امیر مؤمنان، امام حسن و امام حسین (ع)، چهارمین امام می پنداشتند. وی دقیقاً بر قیام برادرانش واقف بود و هرگز به ناحق دعوی امامت نکرد. پس از ارتحال محمد حنفیه، فرقه کیسانیه به فرقه های مختلف منشعب شدند: ۱. سراجیه اصحاب "حسان بن سراج" هستند که معتقدند، محمد حنفیه وفات

نکرده و درکوه رضوی مدفون است ولی روزی رجعت کرده و جهان را پر از عدل و داد می کند . ۲ . کرنیه اصحاب " ابن کرب " هستند که معتقدند محمد حنفیه زنده است و درکوه رضوی اقامت دارد . او ظهور می کند و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد ، آن چنان که پر از جور و ستم شده است . البته در بیشتر منابع آن ها را " کربیه " یا " کربیه " یاد کرده اند . ۳ . هاشمیه اصحاب ابو هاشم عبدالله هستند که پس از محمد حنفیه به امامت پسرش عبدالله معتقد شدند . هاشمیه نیز پس از فوت ابو هاشم به گروهک های مختلفی چون : مختاریه ، حارثیه ، رونديه ، بیانیه و غیر آن ها منشعب شدند . (۱) اکثریت قاطع کیسانیها معتقدند که " محمد حنفیه " نمرده است ، بلکه درکوه رضوی مخفی شده ، پس از یک دوران استتار سرانجام ظهور کرده ، جهان را پر از عدل و داد می کند . آن ها معتقدند که " محمد حنفیه " همان مهدی موعود است و از مکه معظمه ظهور خواهد کرد . (۲) آن ها می گویند : هر روز بامدادان و شامگاهان ، اشرانی به خدمت محمد حنفیه می آیند و ایشان از شیر و گوشت آن ها استفاده می کند . (۳) در مورد نامگذاری این فرقه به " کیسانیه " نظرهای مختلفی است : ۱ . کیسان ، لقب مختار بنیانگذار این فرقه بوده است . ۲ . کیسان ، نام رئیس شرطه پلیس مختار بود . ۳ . کیسان ، نام یکی از غلامان امیر مؤمنان (ع) بود که مختار را به خونخواهی امام حسین (ع) تشویق نمود . در میان اقوال ، قول دوم را معتبر دانسته اند . (۴) درباره کیسانیه و رد اعتقادات آن ها ، بزرگانی از قدمای علماء ، چون : شیخ صدوق در کمال الدین ، شیخ مفید در العیون والمحاسن ، سید مرتضی علم الهدی در الفصول المختاره ، شیخ طوسی در الغیبه و ده ها تن از شخصیت های برجسته جهان تشیع ، در طول قرون به تفصیل سخن گفته اند . (۵) ۱ . کمال الدین ج ۲ ص ۴۲۰ . ۲ . المقالات والفرق ص ۲۶ . ۳ . فرق الشیعہ ص ۲۹ . ۴ . با دعای ندبه در پگاه جمعه علی اکبر مهدی پور ص ۹۳ . ۵ . همان .

محمدیه

از غلات شیعه و منتظر رجعت محمد بن عبدالله بن حسن بن امام حسن هستند . این فرقه می گفتند که امام محمد باقر (ع) جانشینی خود را به ابو منصور وا گذاشته و این مقام ، پس از ابو منصور به آل علی برمی گردد و انتظار رجعت محمد بن عبدالله بن حسن را به عنوان قائم می کشیدند و از فروع مغیره بودند (۱) ۱ . خاندان نوبختی ، ص ۲۶۳ معارف و معاریف ، ج ۹ ص ۲۱۵ .

مسلمیه

از مذاهبی است که به وسیله اصحاب ابی مسلم ، صاحب الدعوه معروف ، در خراسان پدید آمد . مسلمیه ، ابو مسلم را امام می دانند و می گویند او زنده است . آنان- مانند کیسانیه ، نسبت به محمد حنفیه- اعتقاد دارند که او روزی معلوم ، بیرون می آید . (۱) ۱ . معارف و معاریف ، ج ۹ ص ۳۷۷ .

ممنطوره

نام فرقه ای است که معتقد بودند ، امام کاظم (ع) همان مهدی موعود است و اخبار مربوط به او از زمان رسول اکرم (ص) به بعد در همه جا شایع بوده است (۱) ۱ . آخرین امید داود الهامی ص ۵۹ .

نمیریه

این فرقه منسوب به محمد بن نصیر نمیری است . محمد بن نصیر نمیری یکی از مدعیان دروغین نیابت در دوران نایب دوم بوده است . نمیریه فرقه ای از قائلین به امامت امام هادی (ع) در زمان حیات او بودند و بعد منحرف شدند و قائل به نبوت محمد بن

نصیر نمیری شدند و ادعا کردند که محمد بن نصیر را امام هادی (ع) مبعوث کرده است (۱) گاهی فرقه منسوب به او را نصیریّه نیز می گویند. ابن نصیر با- حمایت بنو فرات وادرشده بود تا ادعای خود را در میان امامیه نشر دهد و چون دو نفر ایشان در این امر شرکت داشتند، فرقه ایشان به نصیریّه الفراتیه معروف شد. (۲) ۱. فرق الشیعہ ص ۱۰۲. ۲. آخرین امید، داود الهامی ص ۱۲۵.

واقفیه

فرقه ای بودند که رحلت امام حسن عسکری (ع) را نپذیرفته و اظهار کرده اند که آن امام زنده است. اینان امام یازدهم را همان "مهدی" می دانستند (۱) ۱. زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده ص ۸۱.

اخباریه

فرقه ای از علمای شیعه امامیه هستند که عمدتاً اخبار اهل بیت (ع) را مأخذ عقاید و احکام دین می دانند و به دیگر مدارک، در صورتی استناد می کنند که به احادیث تأیید شده باشد. در مقابل این فرقه، اصولیون و پیروان مکتب اجتهاد می باشند که احکام را از کتب و سنت و اجماع و عقل استنباط می کنند و بر این باورند که اخبار، به تنهایی نمی تواند جامع احکام و جوابگوی همه نیازهای جامعه در عصر و زمان باشد. پیش از امام دوازدهم (ع) ۲۶۰هـ. ق وظایف شرعی شیعه از سوی حضرات ائمه (ع)، به صورت شفاهی یا کتبی، مستقیماً یا توسط یاران و شاگردان ابلاغ می گردید و مشکلی در این زمینه وجود نداشت. گذشت زمان و پدید آمدن مسائل جدید که در عهد ائمه (ع)، محل ابتلاء نبوده، و از سویی جعل احادیث کاذبه توسط غرض ورزان، گروهی از فقهای شیعه را بر این داشت که از کتاب و سنت، به ضمیمه عقل و اجماع، قواعد کلیه ای تنظیم کنند و این مشکل را حل و این کمبود را تأمین کنند. از این رو، این ها را مجتهد یا اهل اجتهاد خواندند و چون امتیاز آن به اصول- یعنی قواعد کلیه فقهیه- بود به اصولی نیز موسوم گشتند. مؤسس مکتب اخباریه، میرزا محمد امین بن محمد شریف استرآبادی بود. کمال فضل و فتوای استرآبادی سبب شد که تألیفات او در بین فقهای شیعه مرغوب افتد و مشرب اخباریه مورد توجه آنان قرار گیرد. در قرن یازدهم و دوازدهم هجری، این طریقت در بلاد شیعه، مخصوصاً عراق عرب و سواحل خلیج فارس و ایران توسعه یافت و فاصله بین تشیع و تسنن عمیق تر گشت. علمای اخباری مشرب، مجموعه های بزرگی از اخبار اهل بیت (ع) را ثبت و تدوین نمودند که اهم آن ها کتاب الوافی تصنیف ملا- محسن فیض کاشانی و کتاب وسائل الشیعه الی احکام الشریعه از شیخ حر عاملی بود که مؤلف این دو کتاب، اخباری بودند و کتاب مبسوط بحار الانوار تألیف علامه مجلسی که مشرب معتدل اخباری داشت. مکتب اخباری، بعد از میرزا محمد تقریباً منقرض شد و کربلا- و کاظمین که مرکز آن جماعت بود، به دست علمای اصولی افتاد. در عهد قاجاریه با پیشرفت و رواج علوم مثبتة عقلی، دوران قبول بی چون و چرای منقولات سپری شده بود و مراجع شیعه در عراق و ایران، ناگزیر بودند برای حفظ محور جامعه خود، احادیث را با دلایل عقلی تطبیق یا تأویل و توجیه کنند و گرنه طرح نمایند تا بتوانند اعتقاد مردم را از انحراف مصون دارند و با استفاده از اجتهاد و حکم عقل، و صدور احکام ثانویه، تشیع را پویا و قابل انطباق با هر عصر و زمان سازند. شاید مهم ترین علت خصومت مجتهدان با اخباریان که منجر به انقراض ایشان شد- آن بود که وساطت مجتهد را بین امام غائب (ع) و شیعیان، و وجوب تقلید عوام را از مجتهد و نیابت مرجع تقلید را از امام غائب (ع) انکار می کردند. این یک واقعیت است که شیعیان همواره احساس می کنند به وجود رهبری روحانی نیاز دارند که با حضور عینی خود، خلاء غیبت امام (ع) را جبران کند و با استناد به عقل و استفاده از مدارک شرع، بتواند سیستم قانونی و شرعی شیعه را قابل انعطاف و با نیازهای های روز متناسب سازد. مکتب اخباری، این نیاز اجتماعی را بر نمی آورد، از این رو محکوم به انقراض گشت. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۱، ص ۶۱۷.

اسماعیلیه

همان اسماعیلیان، سبعیه، هفت امامی‌ها، باطنیان وفدائیان هستند. فرقه‌ای از شیعه هستند که سلسله‌ای را به اسماعیل - فرزند بزرگتر امام جعفر صادق (ع) - ختم می‌کنند و اسماعیل را امام هفتم می‌دانند. اسماعیل، پنج سال پیش از وفات پدر، در مدینه سال ۱۴۵ هـ درگذشت و در بقیع دفن شد. با این که گروهی شاهد مرگ او بودند، طرفداران او ادعا کردند که وی تا پنج سال پس از فوت پدر زندگی کرد و او را در بازار بصره مشاهده کردند و آن‌جا، مردی مفلوج را با مس دست شفا داد. آنان در اسلام حضرت رسول (ص) را ناطق، حضرت علی (ع) را اساس، امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام باقر و امام صادق (ع) و پس از ایشان اسماعیل را ائمه هفتگانه دانسته‌اند. محمد بن اسماعیل را قائم و خلفای فاطمی را جزو امامان دور قائم می‌دانند و می‌گویند هر امام را دوازده حجت باشد و هر یک از حجت‌ها در منطقه مخصوص از روی زمین، مأموریت دعوت و سرپرستی شیعه را به عهده دارند. اسماعیلیه علم و اعتقاد را غایت وجود بشر می‌دانند و به بهشت و دوزخ جسمانی قائل نیستند و بهشت را، نفس انسان کامل و دوزخ را نفس انسان جاهل و دور از خدا تأویل می‌کنند. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۲ ص ۲۱۲.

باقریه

گروهی از شیعیان‌اند که معتقد به رجعت امام محمد باقر (ع) بودند. آنان رشته امامت را از حضرت علی بن ابی طالب (ع) به نواده او امام باقر (ع) کشانیده و او را مهدی منتظر می‌دانستند. از نظر آنان جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا به او فرموده است: همانا تو او را خواهی دید و چون او را دیدی سلام مرا به وی برسان. باقریه می‌گویند: از آن جایی که جابر مأمور رسانیدن سلام از طرف جدش به وی بود، پس آن حضرت مهدی منتظر است. (۱) ۱. فرهنگ فرق اسلامی محمد جواد مشکور ص ۹۶.

بشیره

فرقه‌ای از غلاة شیعه و شاخه‌ای از فرقه واقفیه - شیعیان هفت امامی - و مفوضه هستند مهم‌ترین عقیده بشیره که عامل ظهور، استقلال و تمایز آن‌ها از دیگر فرق اسلامی نیز هست، عقیده آنها در باب امامت است. آنان سلسله امامان را به امام موسی بن جعفر (ع) پایان یافته می‌دانند و معتقدند: امام در زندان هارون الرشید زندانی نگردیده و در آنجا نمرده است، بلکه زنده و غایب است، و روزی باز می‌گردد. بشیره، آشکارا زندانی شدن امام موسی بن جعفر (ع) و شهادت آن حضرت را در زندان هارون انکار می‌کنند این فرقه معتقدند که حضرت موسی بن جعفر (ع) قائم است و مهدی و سرانجام برای رهبری مردم و گستراندن عدل بر جهان باز می‌گردد و رجعت می‌کند (۱) ۱. معارف و معاریف، ج ۳، ص ۱۹۰.

جعفریه

فرقه‌ای بودند که به امامت جعفر بن علی الهادی (ع) اعتقاد داشته و با ندیدن فرزندی از امام یازدهم، جعفر را که از طرف امامیه، ملقب به کذاب بود، پذیرفتند. اینان خود نظرات متفاوتی داشتند. (۱) این فرقه در چگونگی انتقال امامت از امام هادی (ع) به جعفر، برادر امام حسن عسکری (ع)، دچار اختلاف شدند و به چهار فرقه منشعب گردیدند: ۱. عده‌ای گفتند امام عسکری (ع) به شهادت رسید و پسری به جای نگذاشت، تا امامت را عهده دار شود بنابراین تنها برادرش جعفر امام خواهد بود. این فرقه همچون فطحیه صحت حدیثی که می‌گویند: امامت پس از امام حسن و امام حسین (ع) به دو برادر نمی‌رسد را پذیرفته بودند،

ولی کاربرد آن را هنگامی می دانستند که امام عسکری (ع) آشکارا از خود پسری به جای گذاشته باشد؛ چون امام عسکری (ع) بی آنکه آشکارا جانشینی معرفی کند از دنیا رفت، پس برادرش جعفر امام منصوب می باشد. ۲. دومین فرقه وانمود می کردند که امام یازدهم (ع) خود جعفر را بر اساس اصل بداء به جانشینی معرفی کرده است. به این معنی که خداوند امامت را به امام عسکری (ع) سپرده بود؛ ولی پس از آن این حقیقت را روشن کرد که امامت نباید به نسل امام عسکری (ع) برسد. رهبر این گروه یکی از کلامیون کوفی، معروف به "علی بن طحی" یا "طلحی فزاز" بود؛ که مردم را به جانبداری از امامت جعفر تحریر می کرد. ۳. عده ای نیز معتقد شدند که امامت جعفر از جانب پدرش تعیین شده بود و امامت امام عسکری (ع) را فاقد اعتبار دانسته اند. این فرقه در زمان حیات امام عسکری (ع) وجود داشته اند و بعد از شهادت امام عسکری (ع) اقتدار بیشتری پیدا کردند. "علی بن احمد بشار رهبر این فرقه بود. ۴. گروه چهارم، معروف به نفیسیه معتقد بودند امام دهم (ع) پسر بزرگش محمد را وصی خود تعیین کرده است. چون محمد در زمان حیات پدر در گذشت، با دستور پدر، جعفر جانشین او شد و علم سری، سلاح های مورد نیاز جامعه و وصایت را به غلام جوان و مورد اعتماد خویش به نام نفیس، سپرد و به او سفارش کرد که آنان را پس از مرگ پدر به جعفر بدهد. جعفر خود مدعی شد که امامت از جانب برادرش به او رسیده است. (۲) ۱. زندگانی نواب خاص امام زمان (ع)، علی غفارزاده، ص ۸۱. ۲. مجله انتظار، ش ۱۰، ص ۱۷۹.

زیدیه

پیروان زید، فرزند امام سجاد (ع) هستند که وی را مهدی موعود می دانستند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که: مهدی (ع) از فرزندان حسین (ع) است. او با شمشیر قیام می کند و مادرش، بهترین کنیزان خواهد بود. (۱) هنگامی که زید فرزند امام سجاد (ع) بر ضد دستگاه پلید امویان قیام کرد، پیروان او ادعا کردند که او همان مهدی موعود است، چرا که اولاً از نسل حسین (ع) است، ثانیاً شهادت مندان قیام کرده و ثالثاً از سوی مادر، فرزند اسیر است. اما آنان از یاد بردند که پیامبر (ص) در انبوه روایات در نوید از مهدی (ع) فرمود: امامان پس از من دوازده نفرند، نه نفر آنان از نسل فرزندان حسین خواهند بود و نهمین آنان قائم آل محمد (ع) است. (۲) و جناب "زید" نهمین امام از نسل پاک حسین (ع) نبود تا مهدی موعود باشد. اما پیروان انقلابی زید، به خاطر جلب توجه توده ها و تسخیر عواطف و احساسات مذهبی و به انگیزه های نفسانی خویش، به این ادعای دروغین دست یازیدند و سرانجام مذهب زیدیها به وجود آمد. پیروان مذهب "زیدیه" بیشتر در یمن هستند و متأسفانه از مذهب شیعه و راه و رسم اهل بیت (ع) جدا شده و در فقه و اصول و فروع، از مذاهب دیگری پیروی می کنند. زیدی ها، در برابر امامان معصوم (ع) مواضع ناپسندی دارند که شایسته است آنان به اصل و نسب و اصالت خویش بازگردند و در مذهب شان به راه و رسم و مذهب خاندان پاک تمسک جویند همان مذهبی که در آغاز راه بر آن بودند. (۳) ۱. غیبه نعمانی، ص ۲۲۸. ۲. بحار الانوار ج ۳۶ ص ۲۹۲. امام مهدی آغاز ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۵۶۹.

سردابیه

فرقه ای از غلات دوازده امامی اند که منتظر خروج مهدی (ع) بودند و در ری می زیستند. آنان هر بامداد جمعه، اسبی زین و لگام شده به سردابی برده سه بار می گفتند: یا امام بسم الله محل این سرداب را در حله و بغداد نیز ذکر کرده اند که خود برداشتی از سرداب سامرا است. مخالفان امامیه، عقیده غلات مذکور را به همه دوازده امامیان تعمیم داده اند اما در کتاب های امامیه از این موضوع اثری نیست.

عسکریه

فرقه عسکریه معتقد به مهدویت امام حسن عسکری (ع) شدند. به این معنی که او قائم مهدی است و نمرده و اکنون در حالت غیبت به سر می برد و بعداً ظاهر خواهد شد تا جهان را از عدل و داد پر کند. البته از این گروه های مدعی، جز در کتاب های پیشینیان اثری نیست. أبو غانم می گوید: از امام حسن عسکری (ع) شنیدم که فرمودند: در سال ۲۶۰هـ. شیعیان من دچار جدایی و افتراق خواهند شد. موسی بن جعفر بن رهب بغدادی می گوید: شنیدم امام عسکری (ع) می فرمود: گویا می بینم که پس از من دوباره جانشینم دچار اختلاف شده اید. بدانید که برای فرزندم غیبتی است که در آن مردم دچار تردید می شوند مگر آن کسی که خدا او را حفظ نماید. این فرقه در کیفیت قائم بودن امام عسکری (ع) به سه گروه منشعب شدند: ۱. این ها پنداشته بودند که امام عسکری (ع) از دنیا نرفته، بلکه غایب شده است، با تمسک به روایت زیر ادعای خود را به ظاهر اثبات می کردند: هیچ امامی تا آشکارا پسر خود را به جانشینی معرفی نکند، از دنیا نمی رود زیرا زمین نمی تواند بدون حجت باشد. این ها مدعی بودند که امام نمرده، بلکه غایب شده است. این نخستین غیبت اوست و پس از آن دوباره قیام خواهد کرد و غیبت دوم بعد از آن آغاز می شود. این گروه به نوعی در مورد امام عسکری (ع) متوقف شدند ۲. این گروه معتقد بودند که حضرت عسکری (ع) رحلت کرده، ولی دوباره به زندگی باز می گردد و او مهدی قائم است. این ها بر اساس روایتی از امام صادق (ع) که فرمود: مهدی قائم بدین خاطر قائم نامیده می شود که پس از رحلتش قیام خواهد کرد، گفتند: پس تردیدی نیست که او قائم است و پس از مرگ دوباره زنده می شود. اینان نظریات خود را با اندرز امام علی (ع) به کمال تأیید می کنند که حضرت فرمودند: خداوند ا حتماً تو زمین را بدون قائم یا حجتی آشکار یا پنهان، که از سوی تو می آید، رها نخواهی ساخت زیرا حجت ها و علامات هرگز بی اعتنا نمی شود. از این رو بر این مبنا نتیجه گیری می کردند که امام عسکری (ع) غایب و پنهان است، ولی وی قیام خواهد کرد ۳. انشعاب سوم واقفه، لا ادریه بودند. آن ها فکر می کردند حضرت رحلت کرده، ولی مطمئن نبودند جانشین امام چه کسی است پسرش یا برادرش. بنابراین، در عسکری (ع) متوقف شدند تا موضوع برای این ها روشن شود. به نظر می رسد که هواداران امام عسکری (ع) در اماکنی دور از شهر سامرا زندگی می کردند، که چنین ادعایی داشتند و لحظه رحلت حضرت حضور نداشتند. در مجموع این فرقه و انشعابات آن منقرض شده اند و اکنون وجود خارجی ندارند. ۱. مجله انتظار ش ۱۰ ص ۱۸۰.

مهدی های جعلی

محمد حنفیه

نخستین کسی است که در اسلام، مهدی موعود نامیده شد. محمد حنفیه فرزند برومند امیر مؤمنان علی (ع) و مورد توجه خاص آن حضرت بود. شهرتش به حنفیه از این جهت است که مادرش خوله از قبیله بنی حنیفه بود. امیر مؤمنان (ع) او را آزاد کرد، سپس به حبالة نکاح (۱) خود در آورد. حضرت علی (ع) به این فرزند ارزشمند علاقه ای وافر داشت و درباره او سخنان تحسین آمیزی فرموده از جمله تعبیر مشهور آن حضرت است که فرمود، محمد ها اجازه نمی دهند که به خدا نافرمانی شود. راوی پرسید: محمد ها کیانند؟ فرمود: محمد بن جعفر، محمد بن ابی بکر، محمد بن ابی حذیفه و محمد بن امیر المؤمنین. (۲) در جنگ جمل محمد حنفیه موقعیت بسیار ممتازی داشت. پرچم پیروزی در دست او بود، با شجاعت و صلابت کم نظیری، دشمن را به عقب راند، صف ها را شکست و امتحان نیکویی داد. در همین جنگ بود که از محمد حنفیه پرسیدند: چگونه است که در شرایط سخت و هولناک، پدرت ترا در کام خطر می اندازد و هرگز برادرانت حسن و حسین را در این مواقع به میدان نمی فرستد محمد حنفیه با تعبیر بسیار ظریفی بیان داشت: حسن و حسین، دیدگان پر فروغ پدر هستند و من بازوی پر زور او می باشم. پدرم با

دست خود از دیدگانش محافظت می کند . (۳) روی این بیان ، تردید نمی ماند در این که محمد حنفیه دقیقاً بر تمام برادرانش واقف بود و کسی نبود که به ناحق ، دعوی امامت کند . پس از شهادت امام حسین (ع) گروهی به امامت او گرویدند و بیش از همه " مختار " بر محوریت او تکیه می کرد و از مردم به نام او بیعت می گرفت . ولی محمد حنفیه از کار او راضی نبود و هرگز بر این کار صحنه نگذاشت . هنگامی که " ابو خالد کابلی " از جناب محمد حنفیه پرسید : آیا امام واجب الطاعه شما هستید به صراحت تمام فرمود : امام بر من ، بر تو و بر همه مسلمانان علی بن الحسین است . (۴) آن گاه برای این که امر امامت بر همگان روشن شود ، با حضرت علی بن الحسین به گفت و گو نشست . حجرالاسود را حکم قرار دادند ، حجرالاسود به امامت حضرت سجاد (ع) شهادت داد ، او نیز تسلیم شد . (۵) متانت در گفتار ، اعتدال در رفتار و سلوک در کردار ، به ضمیمه دانش سرشار ، عقل پربار و دیگر محاسن اخلاقی ، موجب شد که دل ها از محبت او پر شود و همگان حسن اعتقاد به او داشته باشند و همین موجب شد که مختار خود را به او منتسب کند ، تا بتواند دلها را به سنوی خود جلب کند . ولی هنگامی که او از دسیسه مختار آگاه شد ، از وی تبری جست . جناب محمد حنفیه در محرم سال ۸۱ ق در ۶۵ سالگی و در مدینه طیبه دیده از جهان فرو بست و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد . در مورد درگذشت او چند قول است : مدینه ، طائف ، ایله بین مکه و مدینه و قولی هم می گوید : درگذشت او در رضوی و دفن در بقیع است . فرقه کیسانیه ، به امامت او معتقد بودند و او را پس از امیرمؤمنان ، امام حسن و امام حسین (ع) ، چهارمین امام می پنداشتند . اکثریت قاطع کیسانیه معتقدند که او نمرده است ؟ بلکه در کوه رضوی مخفی شده و پس از یک دوران استتار ، سرانجام ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد می کند . آن ها معتقدند که محمد حنفیه همان مهدی موعود است و از مکه ظهور خواهد کرد (۶) ۱ . غیبه طوس ص ۳۹۸ فرق الشیعه ص ۱۰۳ . ۲ . فرق الشیعه ، ص ۱۰۲ . ۳ . وفیات الاعیان ابن خلکان ، ج ۴ ص ۱۷۲ . ۴ . مناقب آل ابی طالب ، ابن شهر آشوب ، ج ۴ ص ۱۲۱ . ۵ . کافی ، ج ۱ ص ۳۸۴ غیبه طوسی ، ص ۱۸ . ۶ . با دعای ندبه در پگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ص ۸۳

مهدی بن محمد

"عید الله ، مهدی بن محمد " از مدعیان مهدویت بود . وی از نوادگان امام صادق (ع) و بنیان گذار سلسله فاطمی در مصر و مغرب عربی بود . (۱) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص ۵۷۸ .

مهدی عباسی

از مدعیان مهدویت است . پدرش منصور دوانیقی ، ادعا کرد که وی همان مهدی موعود است ، با این که این عنصر فریب کار پیش از این ادعا ، به " محمد بن عبدالله محض " به عنوان مهدی نجات بخش ، دست بیعت فشرده بود و او را مهدی نجات بخش می دانست (۱) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۵۷۱ .

ابو اسحاق ابو عبیده ثقفی

یکی از مدعیان مهدویت بود که به نام خونخواهی حسین (ع) به کمک ابراهیم بن اشتر قیام نمود و محمد حنفیه را که چهارمین فرزند حضرت علی (ع) بود در قبه زمزم ، که محبس ابن زبیر بوده ، نجات داده و پس از او مدعی مهدویت شد و محمد حنفیه را امام می دانست . چندین مسلک پس از فوت محمد حنفیه پدیدار گشت تا اینکه در سال ۶۷ به دست مصعب بن زبیر کشته شد . شهرستانی در ملل و نحل نوشته که او کیسانی مذهب بوده ، پس از آن زبیری و سپس شیعه گردید (۱) ۱ . محمد بهشتی ، ۵۴ .

عباس فاطمی

در سده هفتم هجری در مغرب عربی پدیدار شد و به دروغ، ادعای مهدویت کرد (۱) ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی، ص ۵۷۸.

مدعیان مهدویت

از جمله مسائلی که ثابت می‌کند موضوع مهدویت و ظهور یک مصلح غیبی از مسائل مسلمی بوده که مسلمانان بدان اعتراف داشته‌اند، ادعای عده‌ای است که در طول تاریخ خود را به عنوان مهدی موعود معرفی کرده‌اند. اسامی برخی مدعیان مهدویت در طول تاریخ از این قرار است: ابوالاسحاق ابو عبیده ثقفی، کیخسرو، ابوالحسن زید بن علی، ابوالعباس سفاح، ابو مسلم امین آل محمد، معروف به ابو مسلم خر.....، ابن مقفع، ابو محمد عبدالله مهدی، حاکم بامر الله، ابو عبدالله مغربی، مهدی سودانی، عباس الزیفی، الرجل الجبلی، توزری، الرجل الطرابلسی، السید محمد الجونیوری الهندی، سید محمد مشهدی، موسی کردی، ابوالکرم دارانی، شیخ علایی، عبدالله عجفی، بنگالی، محمد بن احمد سودانی، شیخ سعید یمانی، السید محمد بن علی بن احمد الادریسی، الشیخ شمس الدین محمد الفریانی بن احمد المغربی، الشیخ المغربی، الرجل المصری، محمد بن عبدالله، محمد قرمانی، غلام احمد قادیانی، میرزا طاهر مشهور به حکاک، شیخ مهدی قزوینی، سید محمد گجراتی هندی، سید محمد همدانی، سید ولی الله اصفهانی، میرزا حسن همدانی، غلامرضا شاه معروف به مرکب ساز، سید علی شاه هندی، هاشم شاه نوربخش، شیخ عبدالقدیر بخارایی، میرزا بلخی، ملا عرشی کاشانی، سید علی موسوی، میرزا مشتاق علی شیرازی، بایزید ترکمانی، سید علی محمد باب، میرزا یحیی ازل، حسین علی عبد البهاء و یوسف خواجه کاشغری. (۱) کسانی که در تاریخ به مدعیان مهدویت شهرت یافته‌اند به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم‌اند: ۱. کسانی که دیگران روی انگیزه‌های خاصی، آنان را مهدی موعود خواندند. مانند: محمد حنفیه، زید، محمد بن عبدالله محض. ۲. کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت خواهی، چنین ادعای دروغین نمودند مانند: مهدی عباسی. ۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره بیدادگران، به چنین دجال‌گری و فریب، دست یازیدند و خود را مهدی موعود معرفی کردند مانند: علی محمد باب (۲) مدعیان نیابت در عصر غیبت صغری افرادی پیدا شدند که به دروغ، مدعی سفارت و نیابت خاص امام بودند و در اموال متعلق به امام تصرفات بی‌مورد نموده و در مسائل فقهی و اعتقادی، سخنان گمراه‌کننده بر زبان می‌راندند. از این رو نواب خاص با رهنمود امام به مقابله با آنان بر می‌خواستند و گاه در طرد و لعن آنان از ناحیه حضرت، توقیع صادر می‌شد. شروع تفکر ادعای دروغین نیابت، به دوران نایب دوم- محمد بن عثمان- برمی‌گردد. کسانی که در این دوران به دروغ ادعای نیابت امام را داشتند، عبارتند از: ابو محمد حسن شریعی، محمد بن نصیر نمیری، احمد بن هلال عبرتایی، ابو طاهر محمد بن علی بن بلال، ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان معروف به ابوبکر بغدادی، اسحاق احمر، باقطنی، حسین بن منصور حلاج. البته شلمغانی در زمان نایب سوم و ابودلف کاتب، پس از وفات نایب چهارم نیز ادعای نیابت نموده‌اند. (۳) از دیگر کسانی که ادعای نیابت خاصه کرده‌اند: محمد بن سعد، شاعر کوفی متوفی مال ۵۴۰، احمد بن حسین رازی متوفی سال ۶۷۰، حسین بن علی اصفهانی متوفی سال ۸۵۳، علی بن محمد سجستانی متوفی سال ۸۶۰، سید محمد هندی متوفی سال ۹۸۷، شیخ محمد مشهدی متوفی سال ۱۰۹۰، سید علی مشهدی، شیخ محمد فاسی مغربی متوفی سال ۱۰۹۵ و میرزا محمد هروی. (۴) با تعمق در روایات و حوادث دوران، علت انحراف مدعیان نیابت را می‌توان چنین برشمرد: ۱. حرص و آز در تأمین منافع نامشروع شخصی، ۲. طمع به اموال و امکاناتی که انبوه دوستداران امام عصر به آن‌ها داده بودند تا به وسیله آنان به آن حضرت برسد، ۳. جاه طلبی و دوستی ریاست و عشق به شهرت و قدرت، تا از ورای آن‌ها به جامعه، فرماندهی و ریاست کنند. ۴. و بالاخره پیروی از هوای نفس که انسان را از حق و فضیلت باز می‌دارد. سرانجام کارشان به جایی رسید که

نفرین و لعنت حضرت مهدی شامل آنان گردید و نگون بخت شدند . ۱ . ادیان و مهدویت ، محمد بهشتی ، ص ۵۴ . ۲ . امام مهدی از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزینی ص ۵۳۶ . ۳ . زندگانی نواب خاص امام زمان عج ، غفار زاده ص ۱۷۹ . ۴ . ادیان و مهدویت ، محمد بهشتی ، ص ۶۴ .

مهدی سودانی

محمد احمد مهدی سودانی به دروغ خود را مهدی موعود معرفی کرد . او پیش از این ادعا ، مرتب به مردم ستمدیده سودان ، بشارت آمدن حضرت مهدی (ع) را برای نجات آنان از فشار فقر و بیداد و مالیات سنگین دولت وقت می داد . بدین گونه نام حضرت را در نقاط حساس سر زبان ها افکند و پس از آن هنگامی که از او پرسیدند : امام مهدی (ع) کی خواهد آمد ، نکند خودت باشی ؟ پاسخ داد : آری من همان مهدی نجات بخش هستم . آن گاه اندیشه های پوچ خویش را در میان مردم پراکند و خبر او به خرطوم و اطراف آن رسید و قبیله های صحرا گرد به امامت او ایمان آوردند . وی با انگلیسی ها پیکار کرد و پیروز شد و پس از پیروزی ، بر اثر تب شدید در سال ۱۳۰۸ هجری مرد . (۱) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص ۵۷۹ .

ابن حوشب

ابوالقاسم رستم بن حسین بن فرج بن حوشب بن زاذان نجار کوفی ملقب به منصور الیمن از داعیان اسماعیلی سده سوم هجری بود . وی از مدعیان مهدویت بود و لقب منصور به داعیه او دلالت دارد چون در سرزمین یمن ، مهدی را منصور می خوانند . وی اصلاً ایرانی و از اهالی کوفه و نخست ، شیعه دوازده امامی بود ولی پس از رحلت امام عسکری (ع) به اسماعیلیه گروید . وی در ۲۷۰ ق از قادسیه به یمن آمد و مانند عباسیان ، بی ذکر نامی خاص به الرضا من آل محمد دعوت کرد . نخست دژ استواری در کوه لاهه برآورد و پس از آن که سپاهی بر خود فراز آورد و کارش بالا گرفت ، دست به تسخیر شهرهای عمده یمن از جمله صنعا زد و داعیانی از سوی خود به سراسر نواحی یمن و بحرین و یمن و هند و مصر و مغرب فرستاد . ابو عبدالله شیعی ، داعی فاطمیان در شمال افریقا ، پیش از عزیمت به این سرزمین ، چند گاهی در یمن ، پیش " ابن حوشب " به سر برد و در مجالس او حاضر شد ، دقایق و رموز دعوت را از او بیاموخت . در ۳۰۲ یا ۳۰۳ امام زیدی یمن ، دمت ابن حوشب و عمالش را از یمن کوتاه کردند (۱) ۱ . معارف معارف ج ۱ ص ۲۵۴ .

سنوسی

محمد بن علی بن محمد سنوسی از مدعیان مهدویت است . وی در الجزایر و حدود سال های ۱۲۱۱ هجری به دنیا آمد . مذهبی دروغین تأسیس کرد و در لیبی سکونت گزید و پسرش نیز پس از او جانشین پدر شد (۱) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص ۵۷۹ .

امام مهدی

دعای حضرت برای شیعیان

با استناد به فرموده حضرت که لا ناسین لذرکم ، ایشان هیچگاه از یاد شیعیان و دعا برای آنان غافل نیست . از ابن طاووس نقل

شده که سحر در سرداب مقدس ، از حضرت مهدی (ع) شنید که حضرتش درباره شیعیان چنین دعا می فرمود " : اللهم إن شيعتنا من شعاع انوارنا و بقية طينتنا و قد ذنوبا كثيرة اتكالا على حبا وولایتنا فان كانت ذنوبهم بيتك و بينهم فاصفح عنهم فقد رضينا و ما كان منها فيما بينهم ، فاصلح بينهم وقاص بها عن خمسنا وادخلهم الجنة ورحمهم عن النار ولا بينهم ولا تجعل بينهم وبين اعدائنا في سخطك (۱) دعای حضرت مهدی (ع) در مفاتیح الجنان آمده است : کفعمی در مصباح فرموده این دعاء حضرت مهدی (ع) است : اللهم ارزقنا توقيع الطاعة و بعد المعصية و صدق النية ، در مهج ذکر شده که این دعاء حضرت حجت است " : إلهی بحق من ناجاك و بحق من دعاك فی البر والبحر (۲) . دعای سمات-سمات ۱ . بحارالانوار ج ۵۳ ص ۳۰۲ به نقل از نجم الثاقب ، باب هفتم ، حکایت نوزدهم . ۰۲ مفاتیح باب اول فصل هفتم .

اثبات وجود امام مهدی

چگونه می شود اثبات کرد که مهدی واقعاً در تاریخ وجود داشته است شاید شرایط خاص روحی- روانی این باور را در ذهن مردم جا انداخته باشد این اصل که مهدی رهبر موعود و منجی عالم بشریت است به صورت عام در احادیث نبوی ، و به صورت خاص در روایات ائمه اهل بیت (ع) آمده است . در این روایات مسأله به گونه ای مورد تاکید قرار گرفته که جای هیچ گونه شکی باقی نمی گذارد و چهارصد حدیث فقط از طریق اهل سنت شمارش شده که به ضمیمه روایات شیعه به بیش از شش هزار روایت می رسد و چنین آماری بسیار بالاست . در مورد خیلی از مسائل بدیهی اسلام که مسلمانان به آن معتقدند ، این همه روایت وارد نشده است . اما تجسم این اندیشه در وجود امام دوازدهم (ع) هم دلایل کافی دارد که کاملاً اقناع کننده است . این دلایل را می توان در دو دلیل نقلی و علمی ، خلاصه کرد : دلیل نقلی ، وجود امام موعود را اثبات می کند و دلیل علمی ، ثابت می کند که مهدی (ع) یک اسطوره و یک فرضیه نیست ، بلکه حقیقتی است که وجود او در تاریخ لمس شده است . اما دلیل نقلی صدها روایت و حدیث از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) رسیده است که می گوید مهدی موعود دارای این خصوصیات است : از اهل بیت است ، از فرزندان فاطمه است ، از نسل حسین و نهمین فرزند آن حضرت است . و روایاتی که می گوید جانشینان پیامبر (ص) دوازده نفر می باشند . این روایات ، مهدی موعود را در شخص امام دوازدهم ، منحصر و معین می کند و با اینکه ائمه (ع) برای حفظ آن حضرت از ترور و قتل سعی داشتند مسأله در سطح عمومی مطرح نشود ، در عین حال روایات زیادی در این زمینه وارد شده است . البته زیادی روایت به تنهایی نمی تواند مقبولیت آن را برساند ، بلکه در این جا قرینه و گواه خاصی وجود دارد که دلیل بر صحت این روایات است . در حدیث شریف نبوی ، سخن از امامان ، جانشینان ، امیران و سخن از دوازده تن آمده است . متن احادیث مختلف است در بعضی دوازده امام و در بعضی دوازده خلیفه و در بعضی دیگر دوازده امیر ، ذکر شده است . بعضی از مؤلفان ، این احادیث را بیش از دویست و هفتاد شمارش کرده اند که همگی از کتابهای معتبر شیعه و سنی از قبیل صحیح بخاری ، صحیح مسلم ، سنن ترمذی ، سنن ابوداود ، مسند احمد و مستدرک حاکم نقل شده است . اما دلیل علمی : دلیل علمی تجربه است ، تجربه ای که مدت زمان هفتاد سال گروهی از مردم با آن زندگی کردند یعنی " غیبت صغری " . " غیبت صغری بر گزار شد تا مردم به تدریج با غیبت خو بگیرند و خود را بر اساس آن بسازند . امام از دیده ها پنهان بود ولی از طریق وکیلان و یاران مورد وثوق (نواب اربعه) با مردم ارتباط داشت . در این مدت ، چهار تن از پاکترین و باتقواترین مؤمنان ، نیابت و جانشینی آن حضرت را بر عهده داشتند و در مدت هفتاد سال واسطه میان او و مردم بوده اند و هیچ کسی در هیچ زمینه ای خطایی از آنان ندیده و شنیده است . آیا تصور می کنید امکان داشته باشد یک دروغ ، هفتاد سال دوام بیاورد و چهار نفر با هماهنگی کامل و یکصدا ، یک نقش را بازی کنند آنان با رفتار صمیمانه خود چنان در مردم ایجاد اطمینان کرده بودند که همه به گفتار و کردار آنان ایمان داشتند . آیا می شود این چهار تن به گونه ای نقش بازی کنند که هیچ کس به حقیقت پی نبرد در حالی که این افراد هیچ رابطه خاصی با هم

نداشته اند تا بگوییم در این قضیه تبانی کرده بودند . از قدیم گفته اند : طناب دروغ ، کوتاه است . امکان ندارد یک دروغ بتواند بدین شکل دوام بیاورد و در تمام این مدت وبا همه بده و بستان ها و روابط مختلف موضوع کشف نگردد و همه به درستی آن ایمان داشته باشند . بدینسان در می یابیم که پدیده غیبت صغری می تواند به عنوان یک آزموده علمی ، دلیل بر واقعیت خارجی یک موضوع باشد و آن وجود ، زندگی و سپس غیبت حضرت مهدی (ع) است . آن حضرت پس از غیبت صغری ، خود اعلان کرده است که در پرده غیبت کبری خواهد رفت و از نظرها پنهان خواهد گشت و هیچ کسی او را نخواهد دید . (۱) . نشریه موعود شماره ۱۴ ص ۸۰ (مقاله شهید سید محمد باقر صدر) .

اقامتگاه حضرت

ناشناخته بودن حضرت

بخشی از روایات تصریح دارند که حضرت در میان مردم است و آنان را می بیند و می شناسد ، ولی مردم آن حضرت را نمی شناسند و به طور مطلق نفی رؤیت می کنند . امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) نقل می کند : " اگر زمین ، یک ساعت از حجت خالی باشد ، ساکنان خود را فرو خواهد برد . حجت ، مردم را می شناسد ، لیکن مردم او را نمی شناسد ، همان گونه که یوسف ، مردم را می شناخت و آنان او را نمی شناختند (۱) امام صادق (ع) نیز درباره آن حضرت می فرماید : " چگونه این امت انکار می کند که خداوند با حجت خود ، آن گونه عمل می کند که با یوسف انجام داد و صاحب شما مظلومی است که از حقش بازداشته شده . صاحب حکومت ، در میان مردم رفت و آمد می کند ، در بازارهای آنان گام می نهد و در منزل های آنان قدم می گذارد ، ولی او را نمی شناسند ، تا زمانی که خداوند به او اجازه دهد که خود را به آنان بشناساند؟ آن گونه که به یوسف اجازه داد که در پاسخ برادرش که پرسید : آیا تو یوسفی بگویی : بله من یوسفم (۲) از این روایات استفاده می شود که امام زمان (ع) همراه با مردم و در کوچه و بازار است ، مانند یوسف که برادرانشان او را نمی شناختند ، ولی او آنان را می شناخت سخن مردم را می شنود و بر آنان سلام می کند . در مراکز آنان حاضر می گردد از این روی ، در بحث امام زمان (ع) سخن از روح مجرد و حضور غیر فیزیکی نیست حضرت مانند دیگران در مجامع حضور می یابد ، ولی افراد او را نمی شناسند . (۳) . غیبه نعمانی ، ص ۱۴ . ۲ . غیبه نعمانی ، ص ۱۶۴ چشم به راه مهدی ص ۶۳

بیت الحمد

بر طبق فرمایش امام صادق (ع) ، برای صاحب الزمان ، خانه ای است که به آن " بیت الحمد " گفته می شود . در آن خانه چراغی است که از روز ولادت آن حضرت روشن است . این چراغ خاموش نمی شود تا روزی که با شمشیر قیام کند . (۱) احتمال می رود منظور یک معنای کنایی باشد که با ولادت آخرین حجت الهی ، به چراغ هدایت بشر با فروغی هر چه بیشتر به پرتو افشانی پرداخته و زمین را از نور وجود خود اکند ساخته است . این واژه در منابع اهل سنت نیز آمده است ، اما به معنای خانه ای است که در بهشت ساخته می شود . (۲) . ۱ . غیبه نعمانی ص ۲۶۱ . ۲ . مسند احمد ، ج ۵۴ ص ۴۱۵ .

جزیره خضراء

داستان جزیره خضراء حکایت از آن می کند که : زین الدین علی بن فاضل مازندرانی ، در سال ۶۹۰ هجری به اقیانوس اطلس سفر کرده و از سرزمین بربر ، سه روز با کشتی در دل اقیانوس رفته ، تا به جزایر روافض جزیره های شیعیان رسیده است . در آن جا

اطلاع یافته که جزیره ای به نام "جزیره خضراء وجود دارد که فرزندان حضرت ولی عصر (ع) در آن زندگی می کنند . چهل روز در آن جا اقامت کرده و سرانجام پس از چهل روز ، هفت کشتی مواد غذایی از جزیره خضراء به این جزیره آمده است . ناخدای کشتی اورا با نام و نام پدر صدا کرده و گفته مشخصات تو را به من گفته اند و اجازه دادند که تو را به جزیره خضراء ببرم . او را به جزیره خضراء برد ه اند . پس از ۱۶ روز دریانوردی ، سرانجام به آب های سفید رسیده اند . ناخدا توضیح داده که این آب ها ، چون جزیره را احاطه کرده است ، کشتی دشمنان هرگز نمی تواند از آن بگذرد و به برکت حضرت ولی عصر (ع) در آن آب ما فرق می شود . آن ها به جزیره خضراء رسیده ، جمعیت انبوهی را با بهترین لباس و وضع مشاهده کرده ، شهری بسیار آباد با درختان سرسبز و انواع میوه ها و بازارهای بسیار و ساختمان های مجلل از سنگهای شفاف و خام دیده است . شخصی به نام سید شمس الدین " که او را نوه پنجم حضرت ولی عصر (ع) معرفی می کنند ، متصدی تعلیم ، تربیت و اداره آن جاست و او نائب خاص حضرت در آن جریره است و مستقیماً از امام فرمان می گیرد . وی حضرت را نمی بیند ، بلکه صبح هر جمعه ، نامه ای به خط امام (ع) در نقطه معینی گذاشته می شود و در آن ، اوامر آن حضرت و آن چه مورد نیاز "سید شمس الدین (ع) تا هفته آینده خواهد بود ، مندرج می باشد . علی بن فاضل ، هیجده روز در آن جزیره اقامت نموده و از محضر جناب سید شمس الدین "خوشه ها چیده ، و پس از هیجده روز ، به او دستور رسیده که به وطن خود باز گردد " . علی بن فاضل ، آن چه را که از محضر جناب سید شمس الدین " استفاده کرده ، در کتابی به نام "الفوائد الشمسیه " گرد آورده و مشروح تشرف خود را به چند نفر از علمای بزرگ عصر خود بازگو کرده است . فضل بن یحیی طیبی " نویسنده قرن هفتم ، در سال ۹۹۹ هجری ، مشروح داستان را از زبان شخص "علی بن فاضل " در حله شنیده و آن را در کتابی به نام الجزیره الخضراء " گرد آورده است . این داستان به طور کامل در کتاب بحار الانوار ج ۵۲ ، صفحات ۱۵۹ تا ۱۷۴ آمده است . علاوه بر علی بن فاضل ، ابن انباری " نیز داستان جزیره خضراء را نقل کرده است که در کتاب بحار الانوار ج ۵۳ ، صفحات ۲۱۳ تا ۲۲۱ آمده است . در دو داستان علی بن فاضل مازندرانی و ابن انباری نقاط مشترک بسیاری به چشم می خورد . و اما داستان جزیره خضراء از هفتصد سال پیش به این طرف ، در برخی از کتاب ها راه یافته است و از همان زمان تاکنون ، دو دیدگاه درباره آن مطرح بوده است : یکی ، دیدگاه افرادی که این داستان را پذیرفته اند و دیگری ، دیدگاهی است که این داستان را ساختگی و افسانه می دانند . به تازگی دو ادعای جدید نیز بر آن ها اضافه شده است . آن دو ادعا این است که : ۱ . بر اساس بعضی نشانه ها ، احتمالاً جزیره خضراء ، همان منطقه مثلث برمودا است . ۲ . بشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جریره خضراء امام زمان (ع) و فرزندان او است . این دو ادعا را ناجی نجار " در کتاب خود آورده است تقریباً همه عالمان شیعی ، روایت جریره خضراء را ساختگی می دانند و این ساختگی بودن را در دو جهت می توان دید : یکی زنجیره حدیث و راویان ، دیگری محتوای آن . وقتی اصل جزیره خضراء ، یک افسانه و داستان ساختگی شد ، دو ادعای دیگر (جریره خضراء همان مثلث برمودا است و بشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جریره خضراء است) همه باطل و خیالی می شود . ادله کسانی که جزیره خضراء را پذیرفته اند این است که علمای بسیاری از قبیل شهید اول ، محقق کرکی ، علامه مجلسی ، مقدس اردبیلی ، شیخ حر عاملی ، وحید بهبهانی ، بحر العلوم ، قاضی نورالله شوشتری ، میرزا عبدالله اصفهانی ، میرزای نوری و این داستان را در کتاب خود آورده ، یا به آن استناد کرده اند . و اما ادله کسانی که این داستان را افسانه می دانند ، این است که : داستان از جهت سند و متن صحیح نیست ، تناقضاتی در داستان است که راه حلی برای آن ها نیست ، در آن سخن از تحریف قرآن آمده است . روایاتی که داد بر وجود فرزند برای حضرت است قابل اعتماد نیست و بسیاری مطالب دیگر که در جای خود به طور کامل بحث شده است . آیت الله ابراهیم امینی در کتاب داد گستر جهان می نویسد : داستان جزیره خضراء شبیه افسانه و رمان است زیرا : اولاً سند معتبر و قابل اعتمادی ندارد داستان از یک کتاب خطی ناشناخته ، نقل شده و مرحوم مجلسی هم درباره اش می نویسد : چون من داستان را در کتاب های معتبر نیافتم ، باب جداگانه ای را به آن اختصاص دادم ثانیاً در متن داستان تناقضاتی دیده می شود ثالثاً در آن به

تحریر قرآن تصریح شده که قابل قبول نیست و مورد انکار شدید علمای اسلام است. رابعاً موضوع اباحه خمس در این داستان مطرح شده و مورد تأیید قرار گرفته که آن هم از نظر فقها مردود است. علاوه بر آیت الله امینی، آیات عظام، علامه شیخ محمدتقی شوشتری، علامه حسن زاده آملی، محمدباقر بهبودی، شیخ آغا بزرگ تهرانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و... نیز داستان جریره خضراء را خیالی می دانند (۱) مطالبی را نیز که ناجی نجار^۱ در خصوص مثلث برمودا و نیز بشقاب پرنده ها گفته اند مستند به نوشته های دقیق علمی و تحقیقی نیست، بلکه بیش تر آن ها بر اساس خبرهایی است که رادیو لندن و یا روزنامه و مجله ها- خصوصاً روزنامه جمهوریت عراق گزارش کرده اند. (۲) علاقمندان برای مطالعه داستان جریره خضراء، و دیدگاه های موافقان و مخالفان، می توانند به کتاب "جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت" نوشته ابوالفضل طریقه دار، مراجعه کنند. ۱. جزیره الخضراء افسانه یا واقعیت ابوالفضل طریقه دار ص ۲۱۱. ۲. همان، ص ۱۳.

مثلث برمودا

ناجی نجار^۲ در کتاب خود می نویسد: مثلث برمودا در غربی ترین نقطه اقیانوس اطلس، در دهانه دریای کارائیب و در مسیر جریان آبی "گلف استریم" قرار گرفته است. این منطقه را می توانیم به صورت مثلثی فرض کنیم که رأس مثلث در جزایر برمودا و قاعده آن در جزایر پورتوریکو و شبه جزیره فلوریدا قرار بگیرد. سرگردانی دانشمندان در مورد رویدادهای مثلث برمودا، تنها به حوادث اسرارآمیزی که کشتی ها و هواپیماها را در کام خود فرو می برد، منحصر نیست. بلکه حوادث دیگری نیز در این منطقه روی می دهد که شگفتی آن کمتر از حوادث کشتی ها و هواپیماها نمی باشد، که تاکنون بیش از هزار نفر از خلبانان و ملوانان و دیگر مسافران دریایی و هوایی، به هنگام عبور از این منطقه اسرارآمیز جان خود را از دست داده اند. از حوادث شگفت انگیز مثلث برمودا، این است که مسافران به هنگام نزدیک شدن به این منطقه، یک مرتبه متوجه می شوند که ساعت های آن ها دچار اختلال شده، و عقربه ها موازنه خود را از دست داده اند. خلبان ها و ملوان ها نیز متوجه می شوند که همه بی سیم ها و دیگر وسایل ارتباطی از کار افتاد اند. دانشمندان تصریح کرده اند که آن چه در این منطقه از اقیانوس اطلس می گذرد، در هاله ای از ابهام پوشیده است و کسی نتوانسته توجیه علمی آن را پیدا کند. حوادثی که در ۱۵۰ سال اخیر در برمودا روی داده و دانشمندان را دچار سردرگمی کرده است، بسیار جالب و در عین حال پیچیده است. سرگذشت کشتی (ماری سیلست، "سرگذشت اتلانتا" ناو جنگی انگلستان، سرگذشت پنج هواپیمای ناپدید شده آمریکایی، سرگذشت ۲۴۰ کشتی اکتشافی، سرگذشت جت های سوخت رسان، سرگذشت ناو جنگی اوچکرافت (، حوادث سال ۱۹۷۵ و ۱۹۷، از حوادث برمودا است. بیش از یکصد حادثه مهم هوایی- دریایی در سی سال گذشته در آمار رسمی کشورها ثبت شده است که از ناپدید شدن بیش از یک صد هواپیما و کشتی در این منطقه اسرارآمیز حکایت می کند. همه این حوادث به صورت مرموزی در مثلث برمودا و در منطقه ای بین جریره های برمودا و جزیره های پاناما به وقوع پیوسته است و سرنخی از این حوادث به دست پژوهشگران نیفتاده است. رویدادهای مثلث برمودا به عنوان یک سلسله حوادث پیچیده فضایی، به دانشمندان متخصص این فن عرضه شد که شاید بتوانند راه حلی برای تکرار نشدن این حوادث پیدا کنند. زیرا این حوادث یکی از زیان بارترین حوادث دریایی و هوایی است که از این رهگذر به زندگی هزاران خلبان، ملوان، خدمه و مسافر خاتمه داده شده و صدها کشتی، هواپیما، زیردریایی، ناوگان و ناوشکن در این حوادث ناپدید شده اند. نتیجه پژوهش هزاران پژوهشگر این شد که تعدادی فرضیه یا تئوری غیرقابل اعتماد که احیاناً با یکدیگر نیز تضاد داشتند، عرضه شد که این تئوری ها هرگز مشکلی را حل نکرد. برخی از پژوهشگران میان حوادث مثلث برمودا و بشقاب های پرنده، ارتباطی قائل شده اند. بعضی دیگر شکل مثلث را در پدید آمدن این حوادث، مولر دانسته اند. برخی دیگر این حوادث را مربوط به اشعه هایی می دانند که از شهر خیالی "اطلنطید" برمی خیزد و موجب بروز این حوادث می شود. و برخی دیگر، آن ها را معلولاً هرم

هایی می دانند که چون اهرام مصر در زیر آب وجود دارد و موجب این رویدادها می شوند. برخی ادعا کرده اند، مثلث برمودا همان جزیره خضراء است.

ناجی النجار

روحانی ای است اهل کاظمین عراق و از شاگردان شهید آیت الله محمد باقر صدر و از وکلای ناحیه مقدسه مرحوم آیت الله خویی (۱)۰ وی کتابی را با عنوان "الجزیره الخضراء وقضیه مثلث برمودا" نوشته که آن را آقای علی اکبر مهدی پور، با عنوان "جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا" ترجمه کرده است. ناجی النجار در کتاب خود، علاوه بر ذکر داستان جزیره خضراء، دو ادعا کرده است: ۱. بر اساس بعضی نشانه ها، احتمالاً جزیره خضرائی که علی بن فاضل مازندرانی حدود هفتصد سال پیش به آن سفر کرده است، همان منطقه وحشتناک مثلث برمودا، واقع در اقیانوس اطلس است. که امروزه روزنامه ها و مجله ها از آن سخن می گویند. بشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جزیره خضراء (امام زمان (ع) و یاران و فرزندان او است. و اما در جای خود درباره جزیره خضراء، مثلث برمودا و واقعی یا ساختگی بودن این داستان، بحث کرده ایم. ۱۰. جزیره خضراء، افسانه؟ یا واقعیت طریقه دار پاورقی ص ۹.

صافیه و جزیره خضراء

بر طبق روایت "ابن انباری" در داستان جزیره خضراء، نام شهری است که ابراهیم، فرزند امام زمان (ع) حاکم آن است (۱)۰. نجم الثاقب، ص ۲۲۲.

طلوم

بر طبق روایت "ابن انباری" در داستان جزیره خضراء، نام شهری است که عبدالرحمن، فرزند امام زمان (ع) حاکم آن است. (۱) در بعضی نسخه ها "طلوم" آمده است ۱۰. نجم الثاقب ص ۲۲۲.

عناطیس و جزیره خضراء

بر طبق روایت ابن انباری "در داستان جزیره خضراء، نام شهری است که هاشم، فرزند امام زمان (ع) حاکم آن است. (۱)۰. نجم الثاقب، ص ۲۲۲.

پروژه بولیمود

داستان تأسیس پروژه بولیمود "را مجله بارالیلی چاپ بلغارستان تحت عنوان افسانه های مثلث برمودا چنین می نویسد: دو کشور آمریکا و شوروی تصمیم گرفتند که تلاش های خود را در راه حل مشکلات مثلث برمودا هماهنگ کنند و با تشریک مساعی و سرمایه گذاری مشترک، نیروهای مادی و معنوی خود را یک جا بسیج کنند تا شاید این مشکل گشوده شود. در نخستین روزهای تأسیس این پروژه مشترک، نخستین اکیپ پژوهشی با کشتی ویکتور بوغایف از بندر "هالیفاکس کندی به سوی جزایر برمودا به راه افتادند. در این پروژه قرار است چهار کشتی شوروی و پنج کشتی آمریکا تشریک مساعی کنند. این پژوهش علمی تا پایان سال ۱۹۷۸ ادامه خواهد داشت. این برنامه جزء یک پروژه گسترده ای است که پروژه بولیمود "نامیده شده و است آن بر مبنای مطالعات صدها دانشمند از ده ها کشور جهان در مورد حوادث "مثلث برمودا" پی ریزی شده، و مم اکنون از طرف دو دولت آمریکا و

شوروی در دست اجرا می باشد. در این پروژه علمی در مورد مسائل زیر بحث و تحقیق خواهد شد. رویدادهای اقیانوسی، گرداب های دریایی، امواج دریایی، جاذبه و مغناطیس، حوادث جوی، چاه های هوایی و دیگر مسائل هوایی-دریایی. مجله بلغاری می افزاید: نظیر این همکاری پیش تر میان آمریکا، کانادا و انگلستان در پروژه ماگنیت برای مطالعه مغناطیس استثنایی در مثلث برمودا عملی بود. سپس توضیح می دهد که کشتی "ویکمور بوغایف" که به مدرن ترین دستگاه های الکترونیکی مجهز است یک سال تمام در یکی از زاویه های مثلث برمودا مستقر خواهد شد که تمام حرکت ها و فعل و انفعال های منطقه را زیر نظر بگیرد و دیگر کشتی ها به پژوهش در پیرامون مسایل دیگر خواهند پرداخت.

کرعه

نام روستایی از یمن است (۱) مرحوم مجلسی در تذکره الائمه- از کتب اهل سنت- نقل می کند که حضرت مهدی (ع) در غیبت کبری، در "کرعه" اقامت می کند (۲) در حدیثی از حضرت رسول (ص) نیز آمده که حضرت مهدی (ع) از روستایی به نام کرعه "ظهور خواهد کرد". (۳) ۱. معارف و معاریف ج ۸ ص ۴۸۶. عبقری الحسان ج ۲ ص ۱۳۴. ۳. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۰

ذی طوی

طوی، در لغت به معنای پیچیدن و درنوردیدن است. (۱) ذی طوی "نام منطقه ای است در یک فرسخی مکه که داخل حرم قرار دارد (۲) و طبق برخی روایات، حضرت مهدی (ع) در آن جا زندگی می کند و از همان جا نیز همراه یارانش قیام خواهد کرد. در برخی روایات، محل ظهور و خروج آن حضرت و مرکز تجمع یاران و دوستان وی نیز، همین منطقه یاد شده است (۳) در روایتی آمده است که: "هنگام ظهور امام قائم (ع) آن حضرت قبل از آن که کنار کعبه برود و صدای خود را بلند کرده ربه جهانیان برساند، در این مکان در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می کند، تا این که آن ها می آیند و به آن حضرت می پیوندند... در دعای ندبه هم می خوانیم: لیت شجره این استقرت بک النوی، بل ای ارض تقلک او ثری. ۰ ابرضوی اوغیرها ام ذی طوی. (۴) ای کاش می دانستم که کجا دل ها به ظهور، آرام و قرار خواهد یافت، در کدامین سرزمین اقامت داری؟ در سرزمین رضوی یا غیر آن، یا در دیار ذی طوی مسکن کرده ای؟ ذی طوی، بین "حجون و فح" قرار دارد کسی که در مسجد تنعیم احرام بسته به سوی مسجد الحرام عزیمت می کند، پس از عبور از منطقه فح "وارد ذی طوی می شود، آن گاه از طرف قبرستان حضرت ابوطالب (۵) وارد مکه معظمه می شود. رسول اکرم (ص) در حجه الوداع، شب چهارم ذی حجه الحرام را در آن جا بیتوته کردند. نماز صبح را در آن جا ادا نمودند، آن گاه غسل کرده، از بخش سنگلاخ "ذی طوی" که مشرف بر حجون است، وارد مکه معظمه شدند (۶) امام صادق (ع) می فرماید: "گویی قائم را با چشم خود می بینم که با پای برهنه در ذی طوی سر پا ایستاده، همانند حضرت موسی (ع) نگران و منتظر است که به مقام ابراهیم بیاید و دعوت خود را اعلام نماید (۷) ۱. معجم مقاییس اللغة ج ۳ ص ۴۳۰. مجمع البحرين، ج ۱ ص ۲۷۹. ۳. غیة نعمانی؟ ص ۱۸۲. ۴۰. بحار الانوار، ج ۲ ص ۵۲. ۳۰۴. ۵. مفاتیح الجنان دعای ندبه. ۶. با دعای ندبه در پگاه جمعه مهدی پور ص ۱۰۰. ۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۵

خلوت حضرت

در روایتی از امام صادق (ع)، محل خلوت حضرت مهدی (ع) تپه های سفید و نورانی نجف اشرف ذکر شده است. (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۱

اماکن زیارتی

مسجد کوفه

از مساجد معروف و مهمی که همواره مورد توجه مسلمانان بوده، مسجد شریف کوفه است. آن چه که سبب توجه بیشتر شیعیان به این مکان مقدس شده است؟ عنایت خاصی است که حضرت مهدی (ع) به این مسجد دارند بسیاری از سعادتمندان در این مکان پربرکت، توفیق زیارت امام (ع) را پیدا کرده اند افزون بر این براساس روایات زیادی از جمله روایات معروف "مفضل بعد از ظهور آن حضرت، کوفه مرکز حکومت و مسجد جامع آن، مرکز قضاوت و اجرای عدالت خواهد شد. در روایتی که مفضل از امام صادق (ع) نقل می کند، درباره جایگاه مسجد کوفه در عصر ظهور چنین آمده است: به امام صادق (ع) عرض کردم: سرور من محل استقرار حضرت مهدی (ع) و مکان تجمع مؤمنان پس از ظهور کجا خواهد بود حضرت در جواب فرمودند: پایتخت آن حضرت کوفه و مرکز قضاوتش مسجد جامع خواهد بود... (۱) برطبق روایتی دیگر از علی (ع)، امام زمان (ع) در مسجد کوفه نماز را اقامه می کنند. ابن نباته می گوید: روزی در مسجد کوفه گرد حضرت امیرالمؤمنین (ع) جمع شده بودیم که آن حضرت فرمودند: ای اهل کوفه این مسجد شما یکی از آن چهار مسجدی است که خداوند تبارک و تعالی آن را برای اهلش اختیار نموده است... زمانی پیش می آید که این مسجد محل اقامه نماز فرزندم مهدی (ع) و همه مؤمنان خواهد شد (۲). این روایت را روایت دیگری از امام باقر (ع) تکمیل می کند براساس روایت نقل شده از آن حضرت وقتی امام مهدی (ع) وارد کوفه می شوند با استقبال گرم مردم روبرو می گردند؟ همه به حکم حضرت گردن می نهند و آنگاه وارد مسجد شده برای مردم خطبه می خوانند و نقل است که تجمع مردم به قدری زیاد خواهد بود که وقتی از شوق دیدار امامشان بی اختیار گریه می کنند، سخنان حضرت به گوش کسانی که دورتر از منبر هستند نخواهد رسید، لذا در هفته دوم بعد از ورود امام (ع) به کوفه، مردم خطاب به حضرت مهدی (ع) می گویند: ای پسر رسول خدا نماز در پشت سر شما خواندن همانند نماز خواندن در پشت رسول خدا (ص) است، در حالی که این مسجد گنجایش این همه جمعیت ندارد منظور مردم آن است که حضرت تدبیری بیندیشند تا همه مردم توفیق حضور در نماز جماعت و جمعه را داشته باشند. امام (ع) در پاسخ می فرمایند: مسجدی برای شما خواهم ساخت که گنجایش همه مردم را داشته باشد، در ادامه روایت آمده است: طرح مسجد بزرگی را که دارای هزار در است و همه مردم را در خود جای می دهد ارائه می دهند (۳) نکته دیگری که در مورد مسجد کوفه در روایات به چشم می خورد این است که آن حضرت مسجد کوفه را برای اصلاح قبله آن بازسازی خواهند کرد. علی (ع) در این زمینه می فرمایند: گویی هم اکنون به شیعیان در مسجد کوفه می نگریم که خیمه ها برپا کرده اند و قرآن را آن گونه که نازل شده است برای مردم آموزش می دهند. قائم ما چون قیام کند آن مسجد را خراب و قبله آن را اصلاح خواهند نمود (۴) و اما تاریخچه و مشخصات مسجد کوفه: به نوشته کتاب های تاریخ، وقتی شهر کوفه اولین بار در سال ۱۷ق. به دستور عمر بن خطاب و توسط سعد بن وقاص، فرمانده لشکر اسلام، به عنوان اردوگاه سربازان اسلام بنا گشت؟ سعد وقاص در مرکز این پایگاه نظامی در فضایی کوچک به شکل چهارگوش مسجدی بدون سقف را از چوب و نی تأسیس کرد که البته بعدها برای در امان ماندن آن از خطر آتش سوزی، اطراف آن را با دیوارهای گلی محصور کردند و سال ها بعد همین مسجد را زیاد بن ابی سفیان حاکم معاویه به سبک ساختمان سازی مرسوم در بین ساسانیان تجدید بنا کرد (۵) ولی از مضمون روایات چنین برمی آید که سابقه این مسجد بسیار قدیمی تر از آن است که در اسناد تاریخی ذکر شده است. به عنوان مثال از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که آن حضرت فرمودند شبی که مرا سیر دادند تا مسجد اقصی در جریان معراج از مسجد کوفه گذشتیم؟ سوار براق بودم. به محلی رسیدیم که جبرئیل گفت: یا محمد در این جا پیاده شو و نماز بخوان وقتی در آن جا نماز به جای آوردم از جبرئیل پرسیدم: این جا کجاست؟ جبرئیل گفت: این جا کوفان (کوفه) است و این

محل هم مسجد آن جاست . من تاکنون بیست مرتبه دیده ام که این جا خراب شده و دوباره تجدید بناگشته است و فاصله بین هر خرابی و آبادی آن پانصد سال بوده است (۶) . بنابر مضمون روایتی دیگر ، روزی امام صادق (ع) به نزدیکی های مسجد کوفه رسیدند و از مرکب خود پیاده شدند؟ وقتی علت پیاده شدنشان را سؤال کردند آن حضرت فرمودند : محدوده مسجد کوفه آخر سراجین نام محلی در نزدیکی مسجد است که این حد را حضرت آدم (ع) برای مسجد مشخص کرده است و من نمی پسندم که سواره وارد این محدود بشوم در ادامه روایت آمده است که راوی می پرسد : اگر محدوده مسجد کوفه آن است که می فرمایید ، پس چه چیز باعث تغییر آن شده است حضرت در پاسخ می فرمایند : اولاً امری که سبب تغییر آن شد توفان نوح بود . بعدها هم اصحاب کسری و سپس نعمان بن منذر و بعد هم زیاد بن ابی سفیان تغییراتی در آن ایجاد کردند . بر این اساس معلوم می شود که این مسجد شریف از زمان آدم ابو البشر به عنوان محلی برای عبادت خداوند تبارک و تعالی مطرح بوده است؟ منتهی در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحولاتی شده و در زمان های مختلف در تجدید بناها حدود محوطه مسجد تغییر پیدا کرده است . در جنوب غربی مسجد به فاصله ۸۵ متر ، خانه کوچک و محقری وجود دارد و مشهور است که آن جا خانه علی (ع) بوده است که قبر میثم تمار در نزدیک آن خانه قرار دارد . در بین این خانه و مسجد ، قصر دار الخلافه واقع شده است که در ضلع جنوب غربی مسجد می توان به دار الخلافه وارد شد . ضمناً قبر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه در دو مکان نزدیک به هم ، چسبیده به دیوار ضلع شرقی مسجد است که از طریق یک در بزرگ که در دیوار گذاشته شده است می توان به حرم آن دو بزرگوار داخل شد البته در شمالی هم به این در آرامگاه راه دارد و قبر مختار ثقفی به آرامگاه مسلم بن عقیل نزدیک تر است . در دور تا دور محوطه این مسجد ، هفتاد و شش حجره (غرفه) وجود دارد . در مجموع درهای ورود و خروج به مسجد چهار تاست . باب السده که معروف به باب امیرالمؤمنین (ع) است؟ ۲ . باب الکنده که در طرف غربی مسجد است؟ ۳ باب الانماط " که محاذی قبله است؟ ، ۴ . باب الفیل یا الثعبان . در این مسجد مکان های مقدس و محراب های زیادی وجود دارد که هر یک از آن ها را مقام می نامند . از جمله آن هاست : مقام حضرت ابراهیم خلیل (ع) ، مقام حضرت خضر (ع) ، مقام حضرت زین العابدین (ع) (مقام نوح (ع) یا باب الفرج ، مقام امیرالمؤمنین (ع) ، مقام جبرئیل ، دکه قضاء محل قضاوت امیرالمؤمنی (ع) (دکه حضرت صادق (ع) (محراب امیرالمؤمنین (ع) که محراب حضرت زکریا هم گفته می شود ، بیت الطشت ، مقام بیعت النبی (ع) (دکه المعراج محلی که پیامبر اکرم (ص) در شب معراج در آن مقام نماز به جای آوردند و برای مسجد کوفه در روایات حضرات معصومین (ع) فضایل زیادی بیان شده است : امام باقر (ع) می فرمایند : اگر مردم به فضیلتی که مسجد کوفه دارد واقف بودند؟ از راه های بسیار دور به آن جا سفر می کردند . یک نماز واجب خواندن در آن جا مساوی با به جای آوردن یک حج ، و یک نماز مستحبی خواندن در آن جا معادل با انجام دادن عمره است (۷) علی (ع) نیز در این باره می فرمایند : خواندن نماز نافله در این مسجد معادل انجام عمره در کنار پیامبر اکرم (ص) و خواندن نماز واجب در آن جا مساوی انجام دادن حج با رسول اکرم (ص) است . در این مسجد هزار پیغمبر و هزار وصی پیغمبر نماز خوانده اند (۸) امام صادق (ع) به یکی از اصحاب که اهل کوفه بود فرمودند : آیا تمام نمازهای را در مسجد کوفه می خوانی؟ وی عرض کرد : خیر . حضرت فرمودند : من اگر در آن جا حاضر باشم امیدوارم که هیچ نمازی از من در آن مسجد فوت نشود . سپس حضرت اضافه کردند : آیا فضیلت نماز در این مسجد را می دانی راوی می گوید : گفتم : خیر . حضرت فرمودند : هیچ بنده صالح و پیامبری نبوده است ، مگر آنکه در مسجد کوفه نماز خوانده است؟ حتی رسول خدا (ص) وقتی به معراج می رفتند جبرئیل (ع) به ایشان عرض کرد : آیا می دانی حالا در کجا هستی؟ حضرت رسول (ص) فرمودند : خیر . جبرئیل گفت : حالا- در مقابل مسجد کوفه قرار گرفته اید . پیامبر (ص) به جبرئیل فرمود : از خداوند متعال اجازه بخواه تا پائین رفته در آن نماز بخوانیم . وقتی خداوند متعال اجازه دادند . حضرت در آن جا دو رکعت نماز به جای آوردند . سپس امام صادق (ع) فرمودند : یک نماز واجب در آن برابر با هزار نماز و یک نماز نافله در آن مساوی با پانصد نماز در اماکن دیگر است . قبله

این مسجد، باغی از باغ‌های بهشت و دست راست و چپ آن نیز از بستان‌های بهشت است. در آن مسجد نشستن، عبادت محسوب می‌شود. اگر مردم فضیلت آن را می‌دانستند، با چهار دست و پا همچون طفل خود را به آن جا می‌رساندند تا از برکات آن بهره‌مند شوند (۹). محمد بن سنان می‌گوید: از امام رضا (ع) شنیدم که فرمودند: یک نماز فرادا در مسجد کوفه خواندن، با فضیلت تر از هفتاد نمازی است که به طور جماعت در جاهای دیگر خوانده شود (۱۰). ۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۰۱۱. بحارالانوار، ج ۹۷، صص ۳۸۹-۳۹۰. بحارالانوار؟ ج ۵۲، ص ۳۳۰. ۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴. ۵. جهت اطلاع بیشتر به تاریخ طبری ج ۱، ص ۲۴۸ و معجم البلدان ج ۴، ص ۳۲۳ به بعد مراجعه شود. ۶. من لا یحضره الفقیه ج ۱، ص ۱۵۰. ۷. المزار الکبیر ص ۱۲۲. ۸. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۴۰۰. ۹. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۹۱. ۱۰. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۳۹.

مقام امام زمان

مکانی است که یا شخصی در آن جا به محضر حضرت مشرف شده یا از آن حضرت، معجزه‌ای در آن جا ظاهر شده است. مانند: مسجد الحرام، وادی السلام، سرداب سامرا، مسجد سهله و حله، مسجد کوفه، مسجد جمکران و... (۱). برخی به اماکنی که به نحوی به آن حضرت منسوب و مربوط است نیز گویند. مانند: مشاهد مشرفه ائمه معصومین و انبیاء و اوصیاء (ع) و قبور اولیاء الله و مؤمنین. بزرگداشت آن چه به حضرت منسوب و مربوط است، یکی از وظایف مؤمنان است. بزرگداشت این اماکن به شیوه‌های مختلفی ممکن است: زینت دادن، آباد کردن، فرش گستراندن، پاکیزه و خوشبو نمودن، بوسیدن، چراغ روشن کردن، رفت و آمد کردن، پای برهنه وارد شدن، با حالت وقار و آرامش وارد شدن، مشغول شدن به اذکار و دعا و قرائت قرآن، پرهیز از نجس کردن یا کثیف نمودن آن تطهیر آن‌ها در صورت نجس شدن، جارو کردن، پرهیز از مزاح و بیهوده‌گویی، پرهیز از جدال، حفظ و نگهداری آن‌ها (۲) و... محدث نوری در کتاب جنۃ الماوی "حکایت کرده که گوید: در بعضی از نوشته‌ها به نقل از خط شیخ زین العابدین علی بن الحسن بن محمد خازن حائری- شاگرد شیخ شهید- دیدم که: ابن ابی جواد نعمانی به حضور مولایمان حضرت مهدی (ع) مشرف شد و به آن حضرت عرضه داشت: برای شما در شهر نعمانیه یک مقام و در شهر حله یک مقام است. شما در کدامیک از آن‌ها تشریف می‌آورید حضرت فرمودند: در نعمانیه شب سه شنبه و روز سه شنبه و روز جمعه و شب جمعه را در حله می‌باشم، ولی اهل حله نسبت به مقام من تادب نمی‌کنند. هرکس که با ادب به مقام من داخل شود و بر من و بر امامان (ع) سلام کند، و بر من و ایشان دوازده بار درود فرستد، سپس دو رکعت نماز با دو سوره به جای آورد و به وسیله آن‌ها با خداوند مناجات کند، خداوند آن چه را از او بخواهد، به وی می‌دهد (۳). ۱. نجم الثاقب باب هفتم. ۲. راه وصال حسین مطلق ص ۱۹۱. ۳. مکیال المکارم ج ۲، ص ۴۷۴ ترجمه قزوینی.

مکان‌های دعا برای حضرت

همان گونه که دعا برای تعجیل فرج حضرت در زمان‌های مخصوصی تاکید شده، هم چنین در مکان‌های معینی موکد است؟ یا از جهت تاسی جستن و اقتدا کردن به آن حضرت و یا به خاطر روایت شدن آن از امامان بزرگوار، و یا از روی اعتبارات عقلی که نزد اهل فهم مقبول است. از جمله آن اماکن مسجد الحرام، عرفات، سرداب، مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه، مسجد جمکران، حرم حضرت سید الشهداء (ع)، حرم امام رضا (ع)، حرم عسکریین (ع)، حرم هرکدام از امامان (ع) (۱). ۱. مکیال المکارم ج ۲، ص ۸۳ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی.

جمکران

نام روستایی است در پنج کیلومتری جنوب قم، که مسجد جمکران به جهت همجواری با این روستا بدین نام مشهور شده است. جمکران، روستایی است کوچک با مردمانی متدین در حاشیه کوه دو برادران که از رودخانه قم مشروب می شود. باغات انار و انجیر دارد و اهالی آن به کشاورزی و کرباس بافی گذاران می کنند. (۱) ۱. فرهنگ جغرافیای ایران ج ۱

سرداب سامرا

سرداب مقدس، زیرزمینی است در سامرا، کنار مزار امام هادی و امام عسکری (ع) آن سرداب محل زندگی و عبادت امام هادی و امام حسن عسکری و حضرت مهدی (ع) بوده و تمام دیدارها با حضرت مهدی (ع) در زمان پدرش در همین منزل و سرداب انجام می گرفته است. خانه امام عسکری (ع) همانند دیگر خانه های عراق، شامل غرفه ای برای مردان، غرفه ای برای زنان و سرداب بوده که سرداب نیز شامل غرفه هایی برای مردان و زنان بوده است و در تابستان از شدت گرما به این سرداب پناه می برده اند. مقدس شمردن آن سرداب از سوی شیعیان موجب شد که دشمنان اهل بیت، شیعیان را متهم کنند بر اینکه آن ها می گویند امام زمان در این سرداب مخفی شده است اما شیعیان از چنین اعتقادی منزّه هستند. شیعیان سرداب را به این دلیل مقدس می شمارند که محل زندگی و نیایش سه امام معصوم، همچنین محل زندگی حضرت حکیمه خاتون و نرجس خاتون بوده است. و اما موقعیت کنونی سرداب سامرا: امروزه هر کس از هر نقطه شهر سامرا به مرکز شهر نگاه کند، دو گنبد با شکوه می بیند که یکی از آن ها باکاشی های طلایی براق و دیگری باکاشی های رنگی زیبائی پوشیده شده است. هر یک از این گنبدها به ساختمان مستطیلی تعلق دارند. گنبد بزرگ طلایی بر بالای ضریح مطهر که مرقد های مقدس امام دهم (ع) و امام یازدهم (ع) در آن جای دارد، قرار گرفته است. ولی گنبدهای کوچک بر بالای ساختمان مسجد جامع شهر ساخته شده است. ساختمان حرم مطهر به شکل مستطیل و ساختمان مسجد جامع به صورت مستطیل از ساختمان حرم، ولی متصل به صحن حرم است و سرداب غیبت درست در زیر ساختمان مسجد قرار گرفته و در طول تاریخ بارها در بنا و بخش های مختلف آن تعمیرات و تغییراتی انجام شده است. سرداب غیبت از جمله سرداب های عمیقی است که در زیر یک لایه سنگی حفر شده و در کل دارای سه قسمت عمده است: یک غرفه شش ضلعی، یک غرفه مستطیل کوچک و یک غرفه به شکل مستطیل بزرگ. توضیح بیشتر آنکه غرفه مستطیل بزرگ در میان مردم به مصلاهی مردان و غرفه مستطیل شکل کوچک به مصلاهی بانوان، معروف است. این بخش ها با دو راهرو بلند و طولانی به یکدیگر مربوط می شوند یعنی یک راهرو طولانی مصلاهی مردان و مصلاهی زنان را به هم وصل می کند و یک راهرو طولانی دیگر بین مصلاهی مردان و غرفه شش ضلعی وجود دارد. همچنین این بخش های سه گانه هر یک از طریق روزنه ای کوچک و طولانی که از قسمت های فوقانی دیوار آغاز شده، تا پایین ترین حد دیوار بیرونی مسجد جامع امتداد می یابد و نور و هوا دریافت می کند. پلکانی که راه ورود و خروج سرداب است و به غرفه شش ضلعی منتهی می شود دارای بیست پله است. ورودی این پلکان و سرداب در داخل ساختمان مسجد و بر دیواری قرار گرفته که ورودی نمازخانه نیز در آن واقع است. طول مصلاهی مردان پنج متر و هشتاد سانتیمتر و عرض آن سه متر و پنجاه سانتیمتر است. در ضمن طول مصلاهی زنان چهار متر و شصت سانتی متر و عرض آن سه متر است. طول راهرویی که مصلاهی مردان و زنان را به هم مربوط می سازد، چهار متر است. طول روزنه ای که نور غرفه شش ضلعی را تأمین می کند، حدود شش متر و طول روزنه ای که نور مصلاهی زنان را تأمین می کند، چهار متر و پنجاه سانتیمتر است. در انتهای غرفه مستطیل شکل یعنی انتهای همان مصلاهی مردان، یک در چوبی که معروف به باب غیبت است وجود دارد. در پشت این در اتاق کوچکی قرار دارد که طول آن یک متر و پنجاه سانتیمتر است. این اتاق به نام محل غیبت شهرت پیدا کرده است که در حقیقت بخش مکمل غرفه مستطیل شکل بزرگ محسوب می شود و در جلوی آن حفاظ مشبکی است که آن را از بقیه غرفه جدا می کند. چاه معروف به چاه غیبت هم در گوشه ای از همین اتاق قرار دارد. اشاره به این نکته نیز خالی از فایده نیست که این

سرداب در جهت غربی صحن عسکری (ع) به سمت شمال واقع شده و در طول تاریخ اصلاحات و تعمیرات زیادی در آن انجام گرفته است. همیشه در موقع تعمیر و ترمیم بارگاه عسکرین (ع) در ساختمان سرداب نیز تغییرات و اصلاحاتی به عمل آمده است به عنوان مثال در زمان های گذشته از داخل بارگاه عسکرین (ع) از کنار مرقد حضرت نرجس خاتون به سرداب می رفتند و این وضع به همین صورت تا سال ۱۲۰۲ق ادامه داشت و در این سال احمد خان دنبلی برای سرداب، راهی جداگانه از طرف شمال باز کرد و راه سرداب از طرف روضه عسکرین (ع) را مسدود نمود و صحن سرداب را جداگانه ساخت که تقریباً از یک فضای بزرگی به طول ۶۰ متر و عرض ۲۰ متر برخوردار است. بنابراین اگر در کتاب هایی چون مزار شهید اول، اعمال و دعا های مربوط به زیارت این همه امام در یک مکان ذکر شده است علت آن است که در زمان سابق راه سرداب نیز از پشت حرم عسکرین (ع) در یک ساختمان بوده است، لذا پس از زیارت عسکرین (ع) بلافاصله زیارت امام زمان (ع) و سپس زیارت حضرت نرجس خاتون ذکر شده است. در هر حال این سرداب در طول تاریخ به اندازه ای مورد توجه مردم بوده است که در آن آثار ارزشمندی از منتکاری و کاشی کاری و سایر هنرهای معماری به کار رفته است. از جمله این اشیاء در چوبی نفیسی است که از دوران خلافت عباسیان به جای مانده است و از ویژگی های هنری و تاریخی ارزشمندی برخوردار است. (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۳۷ ص ۵۱

امام مهدی در قرآن

سوره فتح

از القاب حضرت و به معنای پیروزی است. روایت است که در آیه شریفه اذا جاء نصر الله والفتح، (۱) مراد از فتح، قائم (ع) است. در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است: آیه مبارکه نصر من الله وفتح وقرب (۲) اشاره دارد به فتح حضرت قائم (ع) (۳) ۱ سوره نصر ۲۰۱. سوره صف ۳۱۳. نجم الثاقب، باب دوم.

سوره فجر

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است. روایت است از امام صادق (ع) که در تفسیر آیه والفجر فرمود: مراد از فجر، قائم (ع) است. و نیز در روایت دیگری درباره سوره قدر فرمود: حتی مطلع الافجر (۱) یعنی: تا آن که قائم (ع) برخیزد و ظاهر شود (۲) ۱. سوره قدر ۲۵. نجم الثاقب باب دوم.

سوره قدر

شب قدر، شب امام زمان (ع) است و ملائکه و روح بر آن حضرت نازل شده، تقدیر امور را در اختیار او می گذارند. پیشوایان معصوم (ع) در تفسیر سوره قدر فرموده اند: فرشتگان در این شب، مقدرات یک سال را نزد ولی مطلق زمان آورده، بر او عرضه و تسلیم می کنند. (۱) در چنین شبی که به حضرت مهدی (ع) تعلق دارد، یاد جد بزرگوارش در دل ها زنده می شود، چرا که یکی از اعمال مستحبی شب قدر، زیارت امام حسین (ع) است. (۲) هنگامی که درد زایمان نرجس خاتون شروع شد، امام عسکری (ع) به حکیمه خاتون فرمود: عمه جان سوره "انا انزلناه" را بر او بخوان. حکیمه می گوید: من مشغول خواندن این سوره شدم، و می شنیدم که طفل داخل رحم نرجس نیز، همان گونه که من می خوانم، می خواند. در حال تعجب بودم که امام عسکری (ع) با صدای بلند فرمود: عمه جان از امر خدا تعجب مکن که خداوند، زبان ما را در کودکی به حکمت باز کرده و در بزرگی، حجت خود در زمین قرار می دهد. (۳) در روایات آمده است که در شب قدر، دعا برای حضرت را باید بر دعا برای

نصاری نیز به جهت اقتدای حضرت عیسی (ع) به حضرت صاحب الامر (ع) در نماز، به آن حضرت ایمان می آورند و یهود نیز به حضرت مهدی (ع) می گروند . ۰ . سوره انفال - آیه ۳۹: "وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة . . . ؟ با کافران بجنگید تا فتنة ای باقی نماند . امام محمد باقر (ع) فرمود: "تأویل این آیه هنوز نیامده است . . . و این در زمان قیام قائم ما خواهد بود (۷) . سوره توبه - آیه ۳۳: وهو الذی ارسل رسوله بالهدی . . . (۸) او خداوندی است که پیامبرش را با هدایت و دینی حق فرستاد تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند ، اگر چه مشرکان ناخشنود باشند . امام باقر (ع) فرمود: "این آیه مبارکه به هنگام خروج مهدی آل محمد (ع) تحقق می یابد (۹) . سوره هود - آیه ۸۶ بقیت الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین ، ؟ یکتا بازمانده خدا برای شما بهتر است ، اگر مؤمن هستید . امام باقر (ع) در تأویل این آیه شریفه می فرماید: "هنگامی که مهدی ظاهر شود . . . اولین سخنی که بر زبان مبارکش جاری می شود این آیه شریفه است (۱۰) . سوره ابراهیم - آیه ۵: ولقد ارسلنا موسی بایاتنا ان اخرج قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بایام الله . . . ؟ همانا ما موسی را با آیات خود فرستادیم ، که قوم خود را از تاریکی ها به سوی نور بیرون بیاور ، و روزهای خدا "ایام الله را به آن ها یاد آوری کن از امام باقر (ع) روایت است که فرمودند: روزهای خداوند سه روز است: روز قیام قائم (ع) ، روز رجعت و روز قیامت (۱۱) . سوره حجر - آیه ۳۶-۳۸: قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون ، قال فانک من المنتظرین الی یوم الوقت المغلوم ، ، امام رضا (ع) فرمود: "وقت معلوم ، روز قیام قائم ماست . (۱۲) . سوره اسراء - آیه ۳۳ ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا . . . ، امام باقر (ع) فرمود: "حسین (ع) مظلوم کشته شد و ما اولیاء وارث خون او هستیم ، وقائم ما به خون خواهی حسین (ع) قیام خواهد کرد (۱۳) امام صادق (ع) نیز فرمود: منصور ، قائم آل محمد (ع) است و چون ظهور نماید ، اقدام به خون خواهی حسین (ع) می کند . (۱۴) . سوره مریم - آیه ۷۵: حتی اذا راوا ما یوعدون اما العذاب واما الساعة ، ؟ . . . یعنی: تا وقتی آن چه به آنان وعده داده می شود: یا عذاب یا قیامت را ببینند ۰ امام صادق (ع) فرمودند: منظور از ساعه ، قیام قائم است . (۱۵) . سوره قصص - آیه ۵: ونرید ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض . . . ، و ما اراده کرده ایم بر آنان که در روی زمین به ضعف کشیده شده اند ، منت نهاده آن ها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم ۰ امام باقر و امام صادق (ع) فرمودند: این آیه مبارکه مخصوص صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر می شود . ۰۰ (۱۶) . سوره سجده - آیه ۲۹: قل یوم الفتح لا ینفع الذین کفروا ایمانهم . . . ؟ بگو ای پیامبر روز پیروزی ، دیگر ایمان آوردن برای کافران سودی ندارد . امام جعفر صادق (ع) فرمود: یوم الفتح ، روزی است که دنیا به دست قائم (ع) فتح می شود . . . (۱۷) . سوره فتح - آیه ۲۸: لیظهره علی الدین کله و کفی بالله شهیدا ، امام صادق (ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمودند: این آیه در حق قائم اهل محمد (ع) نازل شده است (۱۸ . . . ") ناگفته نماند ، آیاتی که به وجود مقدس (مهدی موعود (ع) و ظهور مبارک آن حضرت تأویل شده است فراوان است . کسانی که طالب تفصیل بیشتری هستند می توانند به کتاب های بحار الانوار ج ۵۱ ، " الزام الناصب " ، " موعود قرآن و کتب تفاسیر مراجعه فرمایند ۱۰ . سیمای امام زمان (ع) در آینه قرآن علی اکبر مهدی پور . ۲ . بحار الانوار ، ج ۵۱ ، ص ۵۲ . ۳ . تفسیر نورالثقلین ، ج ۱ ص ۲۰ ؟ الزام الناصب ج ۱ ص ۱۷۹ . ۴ . ینابیع الموده ج ۳ ص ۲۳۵ . ۵ . المحجّه ص ۱۵۰ اثبات الهداء ج ۳ ص ۵۴۹ . ۶ . تفسیر درالمنثور ، ج ۲ ص ۴۲۷ . ۷ . تفسیر مجمع البیان ج ۴ ، ص ۸۳۴ . ۸ . نیز در سوره فتح ، آیه ۲۸ و سوره صف ، آیه ۹ آمده است . ۹ . تفسیر مجمع البیان ج ۵ ص ۳۸ . ۱۰ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۲ . ۱۱ . ینابیع الموده ج ۳ ص ۲۴۲ . ۱۲ . منتخب الاثر ، ص ۲۲۰ و کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۳۷۱ . ۱۳ . المحجّه ص ۱۲۸ . ۱۴ . کامل الزیارات ، ص ۶۳ . ۱۵ . کافی ج ۱ ص ۴۳۱ ؟ بحار الانوار ، ج ۵۱ ص ۶۳ . ۱۶ . تفسیر برهان ج ۳ ص ۲۲۰ . ۱۷ . منتخب الاثر ص ۴۷۰ المحجّه ص ۱۷۴ . ۱۸ . بحار الانوار ؟ ج ۵۱ ، ص ۵۰ المحجّه ص ۲۰۸

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای آب روان در زمین است (۱). در قرآن آمده است: قل ارايتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن ياتيکم بماء معين (۲) بگو اگر آب های سرزمین شما فرو رفت، چه کسی برای شما آب روان می آورد؟ از امام رضا (ع) درباره این آیه سؤال شد، حضرت فرمودند: "ماؤکم یعنی ابوابکم" که مراد از آن امامان هستند که هر کدام ابواب الهی بین او و خلق اویند (۳). اگر هر کدام از این درهای رحمت الهی بسته شود، سرچشمه حیات معنوی انسان بسته می شود. امام محمد باقر (ع) نیز در تأویل آیه محل بحث می فرماید: آیین آیه درباره امام قائم (ع) نازل شده است. می گوید: اگر امامتان از شما غایب گردد و ندانید کجاست چه کسی برای شما امام می فرستد که اخبار زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیاورد. سپس فرمود: سوگند به خدا، تأویل این آیه نیامده و سرانجام خواهد آمد (۴) در روایتی است که عمار از پیامبر اکرم (ص) سؤال کرد که مهدی کیست؟ حضرت فرمودند: ای عمار خداوند تبارک و تعالی با من پیمان بسته که از صلب حسین، نه امام بیرون آورد، و نهمین آن ها از مردم پنهان می شود. سپس همین آیه را تلاوت کردند و فرمودند: غیبتی طولانی دارد، به گونه ای که گروهی از عقیده شان بر می گردند و گروه دیگر ثابت قدم می مانند. پس وقتی آخر الزمان شود، خروج کند و دنیا را پر از قسط و عدل می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است. بنابر این ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است و باطن آیه مربوط به امام علم و عدالت جهان گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی (۵) اما وجه تشبیه آب به امامان معصوم این است که همان طور که آب رحمت الهی و مایه حیات مادی انسان ها است و بدون آب نمی توان زندگی کرد، امامان معصوم نیز رحمت خداوند و وسیله ای برای وجود حیات روحانی انسان ها و سلامت جامعه اند. به همین جهت در حدیثی است که ابو حمزه از امام صادق (ع) سؤال کرد: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: اگر زمین بدون امام باشد، آن را فرو می برد (۶) آب وسیله ای برای زدودن پلیدی های درونی و شرک و جهل و گناه اند. آب با فرو رفتن در زمین در آن ذخیره می شود تا با برنامه ریزی دقیق موجودات زنده از آن بهره مند شوند. حضرت مهدی (ع)، نیز با غیبت خود ذخیره ای برای جهانیان است تا با ظهور خود در موقع مناسب، دنیا با بهره گیری از وجودشان، راه تکامل و معنویت را پیش بگیرد و مردم به سعادت برسند. البته باید توجه داشت که آب پنهان در زمین، بدون تلاش و تحمل رنج و زحمت به دست نمی آید. هرگاه انسان احساس تشنگی کند و در زمین، آبی برای آشامیدن نیابد، برای رسیدن به آب های زیرزمینی به حفر چاه و قنات می پردازد. ظهور حضرت مهدی (ع) نیز زمانی تحقق می یابد که مردم مشتاق عدالت شوند و با تلاش خود مقدمات آن را فراهم کنند. در این میان فقط مؤمنان واقعی هستند که فقدان وجود آن حضرت را احساس می کنند و تشنه وصال اویند. همچنان که امام رضا (ع) می فرماید: چه بسیارند مؤمنان اندوهگین و بسیار تشنه که هنگام فقدان آن آب روان غمناک هستند (۷). ۱. نجم الثاقب باب دوم. ۲. سوره ملک ۳۳۰. بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۰۰. ۴. تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۳۸۷. ۵. تفسیر نمونه ج ۲۴ ص ۳۶۰. ۶. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹. ۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۹

سوره مائده

سفره آراسته به طعام را گویند. در روایت است که وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور می کند، زیورهای بیت المقدس، تابوت سکینه، مائده بنی اسرائیل و را بیرون می آورد. همچنین یک قفیز (۱) از "من" که برای بنی اسرائیل فرود آمده بود بیرون می آورد، در حالی که از شیر سفیدتر است (۲) هنگامی که یاران خاص عیسی (ع) گفتند: ای عیسی بن مریم آیا خدای تو می تواند، خوانی را از آسمان بر ما فرود آورد، عیسی (ع) گفت: از خدا بترسید و پس از آن همه آیات و بینات، بهانه نگیرید. اگر به راستی ایمان آورده اید؟ گفتند: می خواهیم از آن بخوریم و دلاهای مان یک جهت شود و بدانیم که تو در دعوی رسالت به ما راست گفتی و بر آن گواه باشیم. عیسی (ع) گفت: بار پروردگارا سفره ای را از آسمان فرو فرست که ما را و مردمان پس از ما

را، عید بود و از سوی تو نشانی باشد و تو بهترین روزی دهندگانی خداوند فرمود: من آن را به شما خواهم فرستاد، ولی پس از آن، اگر کسی کافر گشت وی را عذابی کنم که هیچ کس را آن چنان عذاب نکرده باشم (۳) دانشمندان در این مائده اختلاف کرده اند که آیا فرود آمده یا نه "حسن" و مجاهد گفته اند که نازل نشد و حواریون، پس از آن که آن شرط سخت و سنگین را مترتب بر آن دانستند، از خواسته خود دست برداشتند، ولی صحیح آن است که مائده نازل شد اول به دلیل این که خداوند فرمود: "انی منزلها" و وعده خدا تخلف ناپذیر است، دوم به دلیل دیگر اخبار مستفیضه که از پیامبر (ص) و تابعین در این باره آمده است. در کیفیت آن نیز اختلاف است. از عمار یاسر از حضرت رسول (ص) آمده که آن مائده، نان و گوشت بوده است. ابن عباس گفته: حضرت عیسی (ع) به آنان گفت: سی روز روزه بدارید، آن گاه هر چه از خدا بخواهید شما را می دهد. آنان روزه را به انجام رساندند و ملائکه، هفت گرده نان و هفت ماهی آوردند و همه مردم از آن خوردند تا سیر شدند. این قول از امام باقر (ع) نیز نقل است. قتاده گفته است که: هر صبح و شام، آن مائده بر یاران عیسی (ع) نازل می شد (۴). قفیر واحد وزن و معادل ۹۰ رطل عراقی است ۲. الزام الناصب، ج ۲ ص ۲۹۹. ۳. سوره مائده، ۱۱۲. ۴. معارف و معاریف ج ۹ ص ۳. سوره الرحمن دو باغ سبز و سیراب که از فرط سبزی به سیاهی می زند. آیه ای است از سوره مبارکه الرحمن. یونس بن ظبیان می گوید: از امام صادق تأویل این آیه را پرسیدم. فرمود: "باغ مای درخت خرما در عصر ظهور مهدی، یا قبل از ظهور آن حضرت بین مکه و مدینه به هم گسسته می شوند." (۱) ۱. امام مهدی از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۲۸۲

سوره الرحمن

دو باغ سبز و سیراب که از فرط سبزی به سیاهی می زند. آیه ای است از سوره مبارکه الرحمن. یونس بن ظبیان می گوید: از امام صادق تأویل این آیه را پرسیدم. فرمود: "باغ مای درخت خرما در عصر ظهور مهدی، یا قبل از ظهور آن حضرت بین مکه و مدینه به هم گسسته می شوند." (۱) ۱. امام مهدی از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۲۸۲

مسیحات

عنوان دسته ای از سوره های قرآن کریم است که با تسبیح خداوند آغاز می شود. این سوره ها عبارتند از: بنی اسرائیل، حدید، صف، حشر، جمعه، تغابن و اعلی امام باقر (ع) در باب فضیلت این سوره ها فرمود: هر کس همه مسیحات را پیش از آن که بخوابد، تلاوت نماید، نمی میرد تا حضرت مهدی (ع) را درک کند و چنان چه مرد، در پناه و همسایگی رسول خدا (ص) خواهد بود (۱) ۱. ثواب الاعمال ص ۱۴۸.

مهدی در قرآن

خداوند در قرآن کریم، در آیات متعددی وعده تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، بسط دین اسلام، غلبه آن بر همه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت و پیروزی حزب الله را داده است. در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده همه محققان امامیه، کتب مستقلی درباره مهدی در قرآن نگاشته اند که از جمله آن ها کتاب المحجۀ فی منزل القائم فی الحجۀ تألیف محدث و مفسر خبیر سید هاشم توبلی بحرانی است. مؤلف در این کتاب، یکصد و بیست آیه از آیات قرآن کریم را به استناد احادیث وارده، بر امام مهدی (ع) تطبیق کرده است. همچنین سید صادق شیرازی، در کتاب "المهدی فی القرآن" یکصد و ده آیه از آیات قرآن را به استناد احادیث فریقین، به امام مهدی (ع) تطبیق کرده است. نیز علی اکبر مهدی پور در کتاب سیمای امام زمان در آینه قرآن، یکصد و چهل آیه از آیات شریفه قرآن کریم را به استناد احادیث فریقین، بر امام مهدی (ع) تطبیق کرده

است. علی دوانی نیز در کتاب "مهدی موعود" که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار چاب سنگی است، در باب پنجم، شصت و یک آیه از قرآن را که در روایات اهل بیت (ع) تأویل به ظهور امام زمان (ع) شده، آورده است. در نویدهای قرآن کریم، چهار رکن اساسی برای کارنامه قیام مصلح جهانی بیان شده است: ۱. حکومت واحد جهانی بر اساس توحید، به رهبری موعود قرآن، تشکیل خواهد شد و اداره آن به دست مردم صالح و با ایمان واگذار خواهد گردید، ۲. برنامه های عالی اسلامی و نظام کامل حکومت "الله" در سرتا سر جهان، بدون کم و کاست، اجرا می شود و همه احکام الهی به خود جامه عمل خواهد پوشید، ۳. بیم و هراس توده مردم از بین خواهد رفت و آرامش و امنیت کامل در سراسر گیتی برقرار خواهد گردید. همگان خدای یکتا را پرستش خواهند کرد و هرگونه شرک و بت پرستی ریشه کن خواهد شد. (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۱۹۷.

سوره تکاثر

وقتی از امام هفتم تفسیر آیه "و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه"، (۱) را پرسیدند، فرمود: نعمت ظاهر، امام ظاهر و نعمت باطن، امام غائب است. پرسیده شد: آیا در میان شما کسی هست که غائب شود، فرمود آری، او کسی است که شخصاً از دیدگان غائب می گردد، ولی یادش از دل های مؤمنان نمی رود. او دوازدهمین ما ائمه است، خداوند هر مشکلی را برای او آسان می کند و هرگردن کشی را به وسیله او سرکوب می نماید. ("... ۲) علاوه بر این که وجود حضرت، نعمت است، آن چه از نعمت ها که بندگان در آن غوطه ورنند از نعمت های ظاهری و باطنی همه به برکت وجود شریف حضرت حجت (ع) است. امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ثم لتسئلن یوم عن النعم، (۳) می فرماید: نعیم ما هستیم (۴) وجود امام، عظیم ترین نعمت های الهی است، زیرا که اصل سایر نعمت های ظاهری و باطنی است و از این جا است که در روایات آمده که همه مردم روز قیامت درباره نعیم مورد سؤال قرار می گیرند. البته نعمت های آن حضرت در زمان ظهورش نیز ویژگی خاصی دارد. (۵) چنان که اخباری در این باره وارد شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: امت من در زمان مهدی به نعمتی متنعم خواهند شد که هیچ گاه به مثل آن متنعم نگشته اند. آسمان باران رحمتش را بر آن ها می بارد و زمین هیچ گیاهی را رها نمی کند، مگر این که آن را برآورد (۶) حضرت امیر (ع) در تفسیر آیه مبارکه: الم تر الذین بدلوا نعمه الله کفراً (۷) آیا ندیدی آنان را که نعمت الهی را به کفر بدل ساختند، فرمود: ما آن نعمت هستیم که خداوند بر بندگان عنايت کرده و به سبب ما رستگار می گردند آنان که روز قیامت رستگار می شوند (۸) پس خود حضرت مهدی (ع) نعمت است و از آن جا که شکر نعمت واجب است، شیعیان باید شکر نعمت حضرت را چنین به جا بیاورند: ۱۰ شناخت قلبی و معرفت این نعمت والای الهی ۲. بیان کردن فضایل و نشر دلایل آن بزرگوار ۳. صدقه دادن برای سلامتی وجود آن حضرت ۴. تقرب جستن به آستانه او با انجام دادن کارهایی که مورد پسند و مایه نزدیک شدن به درگاهش است ۵. اهتمام به دعاها و خالصانه برای تعجیل فرج آن حضرت (۹) ۱. سوره لقمان ۲۰. ۲. مهدی موعود علی دوانی ص ۱۹۹. ۳. سوره تکاثر ۴. تفسیر برهان ج ۴ ص ۵۵۳. ۵. مکیال المکارم، ج ۱ ص ۲۹۲. ۶. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۸۳. سوره ابراهیم ۲۸. اصول کافی ج ۱ ص ۲۱۷. ۹. مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۶۳.

سوره شمس

از القاب حضرت و به معنی روز است. شیخ فرات بن ابراهیم در تفسیر خود روایت کرده از امام باقر (ع) که فرمود: حارث اعور عرض کرد به امام حسین (ع) که: یابن رسول الله افدای تو شوم مرا از قول خداوند "والشمس و ضحیها" (۱) خبر ده. فرمود: "وای بر تو ای حارث این محمد، رسول خدا است." گفتیم: "فدایت شوم معنای قول خداوند والقمر اذا تلیها، (۲) چیست؟"

فرمود: "این امیرالمؤمنین، علی ابن ابی طالب (ع) است که در پی محمّد (ص) آمده". باز گفتیم: "قول خداوند والنهار اذا جلیها (۳) چیست؟ گفت: این قائم آل محمد (ع) است که زمین را از عدل و داد پر می کند و نیز در تفسیر علی بن ابراهیم روایت شده از امام باقر (ع) که فرمود: در آیه شریفه "والنهار اذا تجلی" (۴) نهار "آن قائم از ما اهل بیت است که هرگاه بر خیزد، بر دولت باطل غلبه می کند" ۱۰۰۰. سوره شمس ۲۱. سوره شمس ۳۰۲. سوره شمس ۴۰۳. سوره لیل، ۲۰.

سوره های صف و زمر

از القاب حضرت مهدی (ع) است در روایات آمده است که در آیه شریفه، والله متم نوره (۱) یعنی به ولایت قائم (ع) و به ظهور آن حضرت، و در آیه واشرقت الارض به نور ربها (۲) مراد، روشن شدن زمین به نور آن حضرت است. در یکی از زیارات جامعه نیز در اوصاف آن حضرت می خوانیم: نور الانوار الذی تشرق به الارض عما قليل روایت شده از جابر بن عبدالله انصاری که گفت: در مسجد کوفه داخل شدم، در حالی که امیرالمؤمنین (ع) با انگشتان مبارک خود می نوشت و تبسم می فرمود. گفتیم: "یا امیرالمؤمنین (ع) چه چیز شما را به خنده آورده است؟" فرمود: "عجب دارم از آن که این آیه را می خواند، ولی به حق، به آن معرفت ندارد." گفتیم: کدام آیه فرمود: الله نور السموات و الارض، تا آخر مثل نوره کمشکوه"،؟ مشکوه "محمد (ص) است" فیها مصباح، منم مصباح زجاجة الزجاجة "حسن و حسین (ع) هستند. کانهاکوکب دری "علی بن الحسین (ع) و "یوقد من شجرة مباركة" محمد بن علی (ع) است. زیتونه، جعفر بن محمد (ع) است. لا شرقیه "موسی بن جعفر (ع) است. ولا-غریبه "علی بن موسی الرضا (ع) است. یکاد زیتها یضء، محمد بن علی (ع) است. لو لم تمسسه نار "علی بن محمد (ع) است "نور علی نور" حسن بن علی (ع) است. و "یهدی الله لنوره من یشاء" قائم مهدی (ع) است (۳) در پاره ای از اخبار معراج آمده است که نور آن حضرت، در عالم اظله میان انوار ائمه (ع) مانند ستاره ای درخشان بود در بین سایر کواکب (۴) ۱ سوره صف ۸. ۲ سوره زمر ۶۹. ۳ نجم الثاقب باب دوم ۴. همان

نور الرب

به حضرت مهدی (ع) اطلاق می شود. قرآن می گوید: واشرقت الارض بنور ربها. حدیث می فرماید: نور الرب، حضرت حجت (ع) است و تحقق این آیه، در وقت ظهور حضرت است. نیز در ذیل آیه مبارکه یهدی الله لنوره من یشاء، معصوم می فرماید: نوره مراد امام زمان (ع) است. بنابراین وقتی هر دو آیه درباره حضرت حجت (ع) است، یعنی در عصر ظهور حضرت، "اشرق الارض نور ربها" همه باید از این نور استفاده کنند، اما در عصر غیبت این گونه نیست، بلکه "یهدی الله لنوره من یشاء"، بعضی از نور حضرت استفاده می کنند و بایدکاری کرد که رمز من یشایی پیدا شود (۱) (۱). برگرفته از کلام آیت الله وحید خراسانی که در پایان کتاب "پیام امام زمان، آمده است.

جوار الكنس

یعنی ستاره های سیاه که در برابر شعاع آفتاب پنهان می شوند. روایت است از امام باقر (ع) در تفسیر دو آیه شریفه: فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس که فرمود: مراد از آن، امامی است که غایب شود در سنه ۲۶۰ و سپس ظاهر شود مانند شهاب درخشان در شب تاریک. (۱) (۱). نجم الثاقب باب دوم.

سوره ه کف

در باب فضیلت این سوره روایاتی آمده است . پیامبر اکرم (ص) فرمود : هر کس سوره کهف را بخواند تا هشت روز از هر گونه فتنه ای محفوظ می ماند ، و اگر دجال در آن هشت روز خروج کند ، خداوند او را از فتنه دجال مصون می گرداند . (۱) و در حدیث دیگری از آن حضرت آمده که : هر کس ده آیه از سوره کهف را از حفظ بخواند ، فتنه دجال به او ضرری نخواهد رساند و هر که تمام سوره را بخواند ، داخل بهشت می شود (۲) و در خبر دیگری از آن حضرت آمده که فرمود : شما را دلالت نکنم بر سوره ای که هنگام نزولش هفتاد هزار فرشته آن را مشایعت کردند که عظمت آن ها بین آسمان و زمین را پر کرده بود گفتند : چرا؟ فرمود : سوره اصحاب کهف هر کس روز جمعه آن را بخواند ، خداوند تا جمعه دیگر به اضافه سه روز او را می آمرزد ، و نوری بخشیده می شود که تا آسمان می رسد و از فتنه دجال محفوظ خواهد ماند (۳) . مجمع البیان ، ج ۶ ، ص ۴۴۷ . همان . ۲ . همان . ۳ . همان

غیب

از نام های حضرت مهدی است که در قرآن ذکر شده است . روایت شده است از حضرت صادق (ع) که فرمودند : در آیه شریفه ، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (۱) متقین شیعیان علی بن ابی طالب (ع) هستند ، و اما غیب ، او غایب است و شاهد بر این ، قول خداوند تبارک و تعالی است که فرمود " : می گویند چرا فرو فرستاده نشده برای او آیتی از پروردگارش پس بگو نیست غیب ، مگر خدای را . پس منتظر باشید (۲) به درستی که من با شما از منتظرانم (۳) یعنی بر آمدن آن غیب از آیات خداوندی است . در تفسیر آیه شریفه الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ، آمده است که غیب سه روز است : روز رجعت ، روز قیامت و روز قیام قائم (ع) (۴) . ۱ . سوره بقره ۲ و ۳ . سوره یونس ۲۰ . ۳ . نجم الثاقب ، باب دوم . ۴ . الزام الناصب " ج ۲ ؟ ص ۳۴۰ .

ولی عصر

از القاب حضرت مهدی (ع) است . به حضرت ، ولی عصر گفته اند چون ولایت دارد بر " عصر " و زمان ، و مقدم است بر زمان . پس حضرت بر خود زمان نیز امام است و نه فقط اثرپذیر نیست ، که تاثیر در زمان می کند . در بعضی روایات آمده که منظور از عصر در سوره والعصر " عصر ظهور مهدی (ع) است که در آن عصر ، حق بر باطل به طور کامل غلبه می کند . (۱) . ۱ . تفسیر المیزان

اوصاف و القاب

ماء معین

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای آب روان در زمین است (۱) در قرآن آمده است : قل ارايتم ان اصبح مأوكم غورا فمن ياتيكم بماء معين (۲) بگو اگر آب های سرزمین شما فرو رفت ، چه کسی برای شما آب روان می آورد؟ از امام رضا (ع) درباره این آیه سؤال شد ، حضرت فرمودند " : مأوكم یعنی ابوابكم " که مراد از آن امامان هستند که هر کدام ابواب الهی بین او و خلق اویند (۳) اگر هر کدام از این درهای رحمت الهی بسته شود ، سرچشمه حیات معنوی انسان بسته می شود . امام محمد باقر (ع) نیز در تأویل آیه محل بحث می فرماید : آیین آیه درباره امام قائم (ع) نازل شده است . می گوید : اگر امامتان از شما غایب گردد و ندانید کجاست چه کسی برای شما امام می فرستد که اخبار زمین و آسمان و حلال و حرام خدا را برای شما بیاورد سپس فرمود : سوگند به خدا ، تأویل این آیه نیامده و سرانجام خواهد آمد (۴) در روایتی است که عمار از پیامبر اکرم (ص) سؤال کرد که

مهدی کیست؟ حضرت فرمودند: ای عمارا خداوند تبارک و تعالی با من پیمان بسته که از صلب حسین، نه امام بیرون آورد، و نهمین آن ها از مردم پنهان می شود سپس همین آیه را تلاوت کردند و فرمودند: غیبتی طولانی دارد، به گونه ای که گروهی از عقیده شان بر می گردند و گروه دیگر ثابت قدم می مانند. پس وقتی آخر الزمان شود، خروج کند و دنیا را پر از قسط و عدل می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده است. بنابر این ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است و باطن آیه مربوط به امام علم و عدالت جهان گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی (۵) اما وجه تشبیه آب به امامان معصوم این است که همان طور که آب رحمت الهی و مایه حیات مادی انسان ها است و بدون آب نمی توان زندگی کرد، امامان معصوم نیز رحمت خداوند و وسیله ای برای وجود حیات روحانی انسان ها و سلامت جامعه اند. به همین جهت در حدیثی است که ابو حمزه از امام صادق (ع) سؤال کرد: آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟ حضرت فرمود: اگر زمین بدون امام باشد، آن را فرو می برد (۶) آب وسیله ای برای زدودن پلیدی های درونی و شرک و جهل و گناه اند. آب با فرو رفتن در زمین در آن ذخیره می شود تا با برنامه ریزی دقیق موجودات زنده از آن بهره مند شوند. حضرت مهدی (ع)، نیز با غیبت خود ذخیره ای برای جهانیان است تا با ظهور خود در موقع مناسب، دنیا با بهره گیری از وجودشان، راه تکامل و معنویت را پیش بگیرد و مردم به سعادت برسند. البته باید توجه داشت که آب پنهان در زمین، بدون تلاش و تحمل رنج و زحمت به دست نمی آید. هرگاه انسان احساس تشنگی کند و در زمین، آبی برای آشامیدن نیابد، برای رسیدن به آب های زیرزمینی به حفر چاه و قنات می پردازد. ظهور حضرت مهدی (ع) نیز زمانی تحقق می یابد که مردم مشتاق عدالت شوند و با تلاش خود مقدمات آن را فراهم کنند. در این میان فقط مؤمنان واقعی هستند که فقدان وجود آن حضرت را احساس می کنند و تشنه وصال اویند. همچنان که امام رضا (ع) می فرماید: چه بسیارند مؤمنان اندوهگین و بسیار تشنه که هنگام فقدان آن آب روان غمناک هستند (۷) ۱. نجم الثاقب باب دوم ۲. سوره ملک ۳۳۰. بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۰۰۴. تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۳۸۷. ۵. تفسیر نمونه ج ۲۴ ص ۶۳۶۰. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹. ۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۹

مأمور

از القاب آن حضرت است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

ابن الحسین

احادیث بسیاری در باب نسب امام مهدی (ع) وارد شده که مشخص می گردد ایشان قطعاً از نسل امام حسین (ع) و نهمین فرزند وی است. شیعه معتقد است که حضرت مهدی (ع) متولد شده، نامش محمد است، فرزند امام حسن عسکری (ع) و نهمین فرزند از نسل امام حسین (ع) است. سلمان فارسی گفت: بر نبی اکرم (ص) داخل شدم و حسین را بر ران رسول خدا یافتم، در حالی که حضرت چشمان و دهان او را می بوسید، می فرمود: تو سرور، پسر سرور، و امام، پسر امامی، تو پدر امامانی، تو حجت و پدر نه حجت خدایی که از نسل تو هستند و نهمین نفر آن ها، قائم خواهد بود. (۱) ابو بصیر از امام باقر (ع) روایت می کند که: نه امام پس از حسین بن علی (ع) وجود دارند که نهمین آن ها قائم شان خواهد بود (۲). رسول اکرم (ص) در آخرین روزهای زندگی، با دست مبارک به شانه امام حسین (ع) زد و خطاب به حضرت زهرا (ع) فرمود: مهدی امت از نسل اوست. دنیا سپری نمی شود، جز این که مردی از اولاد حسین (ع) به پا خیزد و جهان را پر از عدل کند، چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد (۳) و در حالی که با دست مبارکشان به سوی امام حسن و امام حسین (ع) اشاره می کرد، فرمود: مهدی امت از آن هاست. (۴) نظر به این که مادر امام باقر (ع)، دختر امام حسن مجتبی (ع) است، از این رهگذر امامان بعدی حسنی و حسینی

هستند و حضرت مهدی (ع) نوه پسر امام حسین و نوه دختری امام حسن مجتبی (ع) است. (۵) ۱. کمال لدین ج ۱ ص ۲۶۲
 الخصال ج ۲ ص ۴۷۵. ۲. کافی ج ۱ ص ۵۳۳. ۳. منتخب الاثر ص ۹۹ الزام الناصب ص ۵۲ عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۱۳۰. ۴.
 بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۸. ۵. روزگارهای ج ۱ ص ۷۳.

ابو القاسم

کنیه حضرت مهدی (ع) است. روایت است از رسول خدا (ص) که فرمودند: مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. در تاریخ ابن خشاب، روایت است از امام صادق (ع) که فرمود: خلف صالح، از فرزندان من است، اوست مهدی، اسم او محمد است. کنیه او ابوالقاسم. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

ابو صالح

کنیه معروف حضرت مهدی (ع) است. در میان عرب ها، بلدی و بادیه نشین و پیوسته در توسلات و استغاثات خود، آن حضرت را به این اسم می خوانند و شاعران و ادیبان در قصاید و مدایح خود ذکر می کنند. از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: هرگاه گم شدی در راه نداکن یا بگو: یا صالح (ع) یا ابا صالح (ع) ارشدنا الى الطريق رحمکم الله و آورده اند که صالح، اسم جنی است که سیر می کند در بلاد به جهت ارشاد گم شده و حبس کردن حیوان فرار کرده؟ چنانچه در خصال از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است (۱) بسیاری از منتظران، با جمله یا ابا صالح المهدی از حضرت مدد می گیرند. ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۷۲.

ابو ابراهیم

کنیه حضرت مهدی (ع) است (۱) ۱- نجم الثاقب باب دوم

ابو الحسن

کنیه حضرت مهدی (ع) است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

ابو جعفر

روایت شده که کنیه حضرت مهدی (ع) است. (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم.

ابو محمد

کنیه حضرت مهدی (ع) است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

احسان

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

احمد

از اسامی حضرت مهدی (ع) است. شیخ صدوق در کمال الدین روایت کرده از امیرالمؤمنین (ع) که فرمود: بیرون می آید مردی از فرزندان من در آخر الزمان... برای او دو اسم است، اسمی مخفی و اسمی ظاهر، اما اسمی که مخفی است، احمد است...! درغیت شیخ طوسی روایت شده از حذیفه که گفت: شنیدم رسول خدا (ص) را که ذکر کرد مهدی را پس فرمود: بیعت می کنند با او میان رکن و مقام. اسم او احمد است و عبدالله و مهدی. در تاریخ ابن خشاب و غیره روایت است که آن جناب، صاحب دو اسم است و ظاهراً مراد، دو اسم مبارک رسول خدا (ص) باشد. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

أذن سامعه

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است ۰ (۱) ۱. نجم الثاقب باب دؤم.

ابو عبدالله

کنیه حضرت مهدی (ع) است. گنجی شافعی در کتاب البیان "در احوال صاحب الزمان (ع) روایت کرده از حذیفه از رسول خدا (ص) که فرمود: اگر نماند از دنیا مگر یک روز، هر آینه برمی انگیزاند خداوند، مردی را که اسم او اسم من است و خلق او خلق من، کنیه او ابو عبدالله است و بیاید که آن جناب، مکنی است به کنیه جمیع اجداد طاهرین خود (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

امام زمان

امام به معنای پیشوا و مقتدا است و در اصطلاح امامیه، پیشوای معصوم و منصوب از طرف خدا است که مقام ریاست عامه را دارا می باشد. "امام زمان"، متخذ از کلمه صاحب الزمان است که در ادعیه و زیارات آمده است. در زیارتی که هر روز بعد از نماز صبح، حضرت ولی عصر (ع) به آن زیارت می شود آمده است: اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه... حضرت آیت الله وحید خراسانی درباره کلمه "امام زمان" چنین می گوید: اگر درباره اضافه شدن کلمه "صاحب و امام" به زمان اندیشه کنید و در این که آن حضرت، جلوی زمان و پیش از زمان است و زمان، پشت سر اوست فکر کنید، تمام کمال معرفت را نسبت به حضرت مهدی (ع) پیدا می کنید. زیرا اصلاً هیچ تعبیری اَدَقّ از این تعبیر نیست و این تعبیر، فقط نسبت به حضرت حجت (ع) و در خصوص آن حضرت است. اگر کسی عمق این مطلب را بفهمد، خواهد دانست که چرا امام زمان (ع) پیر نمی شود. آن حضرت هم مقدم بر زمانیات است و هم مقدم بر زمان، و امامت زمان ممکن نیست مگر آن که به سر حد تجردی برسد که بتواند تمام زمان را امامت کند و آن چه همه فحول بشر را گیج کرده این است که او به مرحله تجردی است که تمام زمان را امامت می کند و در عین حال، متجسد است و اجتماع این تجسد با آن تروح، و آن تروح با این تجسد، از خصوصیات حضرت حجت (ع) است. امام است برای زمان. این مطلب که برای بعضی کوتاه فکرات مشکل شده که چگونه است همه پیر می شوند و آن بزرگوار پیر نمی شود و چطور مرور زمان بر او اثری نمی گذارد، که "ان الشمس والقمر یبلیان کل جدید" حل می شود. زیرا وقتی شمس و قمر به آن جا می رسد خاموش می شود. مقام آن حضرت مقامی است که به مجرد رسیدن شمس و قمری که بیلان کل جدید به آن مقام این دو خاموش می شوند. او شمس و قمر را کهنه می کند، اما شمس و قمر او را پیر و فرسوده نمی سازد. این امامت در مرحله فعلیت، بالنسبه به زمان، نه تنها اهل زمان، از مختصات حضرت حجت (ع) است و جز او برای احدی در عالم چنین مقامی نیست، لذا آن حضرت ملقب است به صاحب الزمان، پس وجود او مسیطر بر زمان است. (۱) ۱. برگرفته از گفتاری که در پایان کتاب "پیام امام زمان" نوشته سید جمال الدین حجازی از حضرت آیت الله وحید خراسانی آمده است.

در نامه مبارک امام مهدی (ع) به اسحاق بن یعقوب "آمده است که...": "إني أمان لأهل الأرض، كما أن النجوم أمان لأهل السماء" (۱) من مایه آرامش و امنیت زمینیان هستم، همان گونه که ستارگان آسمان، باعث امنیت آسمانیان هستند. این تعبیر در سخنان پیامبر گرامی اسلام (ص) (۲)، امام سجاد (۳)، امام باقر (۴)، امام صادق (۵) و امام رضا (ع) (۶) نیز آمده است. پیامبر (ص) فرمود: "ستارگان، پناهگاه و مایه امنیت اهل آسمان ها هستند و خاندان من، مایه امنیت برای امت من." (۷) ۱. کمال الدین، ج ۲ ص ۴۸۵ غیبه طوسی، ص ۱۷۷ حتجاج طبرسی ج ۲ ص ۴۷۱. ۲. بحار الانوار، ج ۲۷ ص ۳۰۹. ۳. کمال الدین، ج ۱ ص ۲۰۷. ۴. همان ص ۲۰۶. ۵. همان ج ۲ ص ۲۰۵. ۶. همان ص ۷۰۲. ۷. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۳۰۹

امیر الامر

امیرالمؤمنین (ع)، حضرت مهدی (ع)، را به این لقب می خواندند. فضل بن شاذان در کتاب "غیبت" روایت کرده از امام صادق (ع)، که فرمودند...: "بیرون می آید دخال و مبالغه می کند در اغوا و اضلال، پس ظاهر می شود امیر امره و قاتل کفره و سلطان مأمول که متحیر است در غیبت او عقول و او نهم از فرزندان تو است ای حسین، که ظاهر می شود بین رکنین و غلبه می کند بر ثقلین (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم.

ایدی

از القاب حضرت شمرده شده است و ظاهراً مراد از "ایدی" که جمع ید است، به معنی نعمت باشد. (۱) استعمال کلمه "ید" به معنای نعمت، در زبان عربی بسیار است. ۱. خصال صدوق ص ۱۰۸ تفسیر صانی ج ۴ ص ۲۲۵.

بئر معطله

از القاب حضرت مهدی (ع) است. امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه (... و بئر معطله... (۱) فرمود: این مثلی است جاری شده برای آل محمد (ع)، بئر معطله، چاهی است که از او آب کشیده نمی شود و منظور امامی است که غایب شده (۲) ۱. سوره حج، ۴۵. ۲. نجم الثاقب، باب دوم.

باب الله

یکی از القاب حضرت مهدی (ع) "باب الله" است. در زیارت آل یاسین می خوانیم: "السلام علیک یا یاب الله و دیان دینه". امام صادق (ع) می فرمایند: "جانشینان پیامبر، همان ابواب خدایند، درهایی که از طریق آنها می توان به حق رسید. اگر آنها نبودند، خداوند ساخته نمی شد." (۱) امام باقر (ع) نیز فرمود: "نحن حجة الله و باب الله (۲) در دعای ندبه هم نسبت به امام زمان (ع) می خوانیم: "این باب الله الذی منه یوتی؟" کجاست آن باب الهی که از طریق او می توان به خدا رسید. باب الله یعنی چه؟ همان گونه که باب و در وسیله ارتباط است که هر کسی بخواهد به طور صحیح وارد خانه ای شود، باید از در وارد گردد، این خاندان هم باب هستند و هر کسی می خواهد به خدا برسد و بهره ای از کمالات ربانی ببرد، باید از طریق این خاندان قدم بردارد. امروز در عالم هستی، خدا یک باب دارد و آن وجود مقدس حضرت ولی عصر (ع) است که هر کس می خواهد به آن جا که باید برسد، باید از این در وارد شود. از آغاز عالم، همه انبیای الهی و اوصیای گرامی آنها، باب الله بودند. در هر عصری و

زمانی خدا دري گشود وبابی برای هدایت و وصول خلق باز نمود تا این که سرانجام ، مقام باب الهی به آن وجود مقدس رسید . هر چند ، عصر غیبت است ، اما باب الله برای اهل الله مفتوح است . (۳) ۱ . تفسیر برهان ، ج ۱ ص ۱۹ . ۲ . همان ۳ . نشریه موعود ، شماره ۱۷ ، ص ۸۴ .

باسط

در هدایه و مناقب ، از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است . به معنی فراخ کننده و گسترنده است و فیض آن حضرت چنان که خود فرمودند مانند آفتاب به همه جا رسیده و هر موجودی از آن بهره ور است و در ایام حضور و ظهور ، عدلش چنان منبسط و عام شود که گرگ و گوسفند با هم محشور شوند . (۱) نجم الثاقب ، باب دوم .

برهان الله

اسم حضرت مهدی (ع) در کتاب انکلیون است (۱) ۱ . نجم الثاقب ، باب دوم .

بقیه الانبیاء

از القاب حضرت مهدی (ع) است . روایت شده از حکیمه خاتون که می فرماید : وقتی امام مهدی (ع) به دنیا آمد ، آن جناب را به نزد برادرش حسن بن علی (ع) آوردم ، پس با دست شریف ، روی پر نور او را مسح کرد و فرمود : سخن بگو ای حجه الله و بقیه الانبیاء و نور الاصفیاء (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم

بقیه الله

یکی از القاب معروف حضرت مهدی (ع) است . بقیه الله یعنی بقیه و بازمانده خلفای خدا در زمین از انبیا و اوصیا یا کسانی که خدا به وسیله آن ها بندگان را باقی می دارد و مورد رحمت قرار می دهد . و اما ارتباط و اختصاص این لقب شریف به آن وجود مقدس هر چند از بعضی احادیث استفاده می شود که این لقب بر همه خاندان رسالت (ع) اطلاق می شود و همه آن ها بقیه الله هستند . در زیارت جامعه به همه آن ذوات مقدس به این عنوان عرض سلام داریم : السلام على الأئمة الدعاء والقادة الهداة والسادة الولاة وأهل الذكر وأولی الأمر وبقیه الله وخیره (۱) علاوه بر این جهت کلی ، در قسمتی از روایات این لقب شریف به خصوص به بعضی از ائمه (ع) نسبت داده شده است و خود را به عنوان بقیه الله معرفی نموده اند . از جمله وقتی حضرت باقر (ع) از مسافرت پر ماجرای شام - که به الزام خلیفه مروانی صورت گرفته بود - مراجعت می نمودند ، نزدیک مدین که رسیدند مردم ، به دنبال سم پاشی های دستگاه خلافت ، دروازه ها را بسته مانع از ورود آن حضرت و همراهان به شهر شدند . حتی از فروختن آذوقه به آنان هم خودداری نمودند . امام (ع) بالای کوهی که مشرف به شهر بود رفته و با صدای بلند فریاد برآوردند : ای اهل شهری که ساکنانش ستم پیشه اند من بقیه الله هستم . خداوند می فرماید : بقیه الله برای شما بهتر است اگر مؤمن باشید (۲) همچنین نجمه مادر گرامی حضرت رضا (ع) گوید : چون فرزندم به دنیا آمد ، پسر را در پارچه سفیدی پیچیده به دست پدر دادم . در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفتند و کامش را با آب فرات برداشته به من برگرداند و فرمودند : بگیر او را . بدرستی که او بقیه الله عزوجل است در زمین (۳) با همه آن چه آوردیم ، در بسیاری از احادیث این لقب شریف به خصوص به حضرت صاحب الامر (ع) اطلاق شده و آن وجود مقدس خود را به این عنوان معرفی نموده و سایر بقیه الله ها حضرتش را به این نام نامیده اند . به حدی این لقب با آن سرور ارتباط نموده که به صورت لقب اختصاصی حضرتش درآمده است به طوری که تا بقیه الله گفته می شود جز آن بقیه الله

منتظر به نظر نمی آید . شاید سر مطلب این باشد که این بقیه الله ، بقیه تمام بقیه الله هاست و پس از او دیگر بقیه اللهی نیست . هر کدام از حجج الهیه که از آغاز عالم آمدند ، گرچه بقیه الله بودند و خدا آن ها ... برای هدایت خلق باقی و بجا گذارده بود ، بعد از هر یک دیگری می آمد و اگر بقیه اللهی از دنیا می رفت ، بقیه اللهی دیگر به جا می ماند و این رشته باقی بود . ولی آن وجود مقدس ، بقیه ای است که پس از او دیگر بقیه ای نیست آخرین بقیه الله است . با آمدن او دیگر بقیه ای باقی نمانده است که بیاید . در حدیث مفصلی از امیرالمؤمنین (ع) که متضمن سؤالات یکی از منکران نسبت به عده ای از آیات قرآن است این جمله یافت می شود که سائل پرسید : می یابم که قرآن می گوید : بقیه الله بهتر است برای شما . این بقیه چیست و کیست ؟ (۴) امیرالمؤمنین (ع) فرمود : آنان اولیای خدا بقیه الله اند . مقصود مهدی (ع) است که در هنگام پایان پذیری این مهلت خواهد آمد و زمین را از عدل و داد پر می کند آنگونه که از ظلم و جور مملو گشته است از آیات و نشانه های او غیبت است و پنهانی آنگاه که طغیان گسترش گیرد و انتقام فرا رسد (۵) از حضرت صادق (ع) سؤال شد : آیا می شود به قائم آل محمد به عنوان امیرالمؤمنین سلام کرد ؟ فرمود : نه . این اسمی است که خدا امیرالمؤمنین علی (ع) را به آن نامیده و قبل و بعد از او جز کافر به این نام نامیده نشود . (۶) راوی حدیث عرضه داشت : فدای شما شوم پس به حضرتش چگونه باید سلام کرد ؟ فرمود : باید گفت " : السلام علیک یا بقیه الله " آنگاه آیه شریفه را تلاوت فرمود : ، بَقِیتُ اللّٰهَ خَیْرَ لَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ ، (۷) همچنین خود آن وجود مقدس در سنین طفولیت خود را به این لقب معرفی نموده است . آنگاه که جناب احمد بن اسحاق شرفیاب محضر امام یازدهم (ع) گردید و از حضرتش جویای خلیفه و جانشین پس از آن حضرت شد ، امام (ع) از جا برخاسته به اندرون رفتند وقتی بیرون آمدند ، نور دیده شان ، مهدی آل محمد (ع) که در سن سه سالگی بود و چهره اش چون ماه تمام و بدر کامل می درخشید - بر دوش شریفشان بود . فرمودند : ای احمد بن اسحاق ، اگر نه این بود که در نزد خدا و حجج او کرامتی داری ، این پسر را به تو نشان نمی دادم حدیث به این جا می رسد که جناب احمد عرضه داشت : آقای من ، آیا می شود آیت و علامتی مشاهده کنم که دلم آرام گیرد و گواه امامت نور دیده تابان باشد تا این جمله را احمد بن اسحاق گفت ، ناگهان حجت سه ساله پروردگار ، لب به سخن باز نمود و به زبان عربی فصیح فرمود : اَنَا بَقِیَّةُ اللّٰهِ فِی اَرْضِهِ وَالْمَنْتَقِمُ مِنْ اَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ اَثَرًا بَعْدَ عَیْنِ یَا اَحْمَدُ بَنِی اِسْحَاقَ مِنْ بَقِیَّةِ اللّٰهِ هَسْتُمْ دَرِ زَمِیْنِ خُدا وَانْتَقَامُ گِیرِنْدَه از دِشْمَنان او پس بعد از این که به سرچشمه رسیدی نشانه مجو (۸) ۱ . عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۲۷۳ . ۲ . اصول کافی ج ۱ ص ۴۷۱ - ۴۷۲ . ۳ . عیون اخبار الرضا ، ج ۱ ص ۲۰ . ۴ . بحار الانوار ج ۹ ص ۱۰۶ . ۵ . همان ص ۱۱۹ . ۶ . اصول کافی ج ۱ ص ۴۱۱ - ۷۴۱۲ . ۷ . کمال الدین ص ۳۸۴ . ۸ . نشریه موعود شماره ۲۱ ص ۵۴۶ . ۹ . نجم الثاقب باب سوم

بلد الامین

یعنی قلعه محکم خداوند که کسی را به وی تسلطی نیست . میرزا محمد رضا مدرس در جنات الخلود آن را از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

پسر انسان

کلمه پسر انسان ، هشتاد بار در انجیل و ملحقات آن عهد جدید تکرار شده که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی قابل تطبیق است . پنجاه مورد دیگر ، از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد . عیسی نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او ، جز خدا کسی اطلاع ندارد و او کسی جز حضرت مهدی (ع) نیست . (۱) ۱ . قاموس کتاب مقدس مسترهاکس آمریکای ، ماده پسر خواهر ، ص ۲۱۹ .

در مناقب از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است (۱) ۱. نجم الثاقب ، باب دوم

تایید

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنی نیرو و قوت دادن است . در " کمال الدین " روایت شده از امیرالمؤمنین (ع) که بعد از ذکر شمایل و نام های آن جناب ، فرمود : می گذارد دست خود را بر سرهای عباد ، و مؤمنی نمی ماند مگر آن که دلش سخت تر از پاره آهن می شود و خداوند به آن مؤمن ، قوت و نیروی چهل مرد می دهد (۱) ۱. نجم الثاقب ، باب دوم .

تمام

از القاب حضرت حجت (ع) شمرده شده و معنی آن واضح است ، زیرا آن حضرت در صفات حمیده و کمال و افعال و شرافت نسب ، شوکت ، حشمت ، سلطنت ، قدرت و رأفت ، تام و تمام است . احتمال دارد که مراد از تمام ، متمم باشد ، زیرا به آن حضرت ، خلافت و ریاست الهیه در زمین تمام می شود (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم .

ثائر

از القاب حضرت شمرده شده و به معنی کینه خواه است که آرام نمی گیرد تا قصاص نماید . به آن حضرت ثائر گویند چون خواهد آمد تا مطالبه خون جد بزرگوارش بلکه خون جمیع اصفیا را بکند . در دعای ندبه است که این الطالب بذحول الانبیاء این الطالب بدم المقتول بکریلا (۱) ۱. نجم الثاقب ، باب دوم .

جابر

به معنای درست کننده و شکسته بند ، از لقب های خاص حضرت مهدی (ع) است که فرجش ، گشایش همه کارها و جبران کننده دل های شکسته و خرسندی همه قلوب پژمرده است . (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم .

جعفر

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است . شیخ صدوق در کمال الدین روایت کرده از حمزه بن الفتح که گفت : مولودی ، برای ابی محمد (ع) زاده شد که امر فرمود به کتمان او . حسن بن منذر از او پرسید که : اسم او چیست؟ ، گفت : نامیده شده محمد و کنیه گذاشته شد به جعفر . ظاهرا مراد ، کنیه معروفه نباشد ، بلکه مقصود آن است که تصریح به اسم آن جناب نمی کنند ، بلکه تعبیر می کنند از او به کنایه به جعفر ، از ترس عمویش جعفر ، که شیعیان چون با یکدیگر سخن می گویند ، بگویند : دیدیم جعفر را و یا او امام است یا از او توقع رسید و مانند این ها تا تابعان جعفر نفهمند ، مقصود کیست . در غیبت نعمانی نیز دو خبر از امام محمد باقر (ع) است که در آن جعفر (ع) از القاب حضرت شمرده شده که کنیه گذاشته شد به عمری خود یا از او کنایه کنید به عمویش (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم .

از القاب حضرت حجت (ع) شمرده شده و در تفسیر آیه شریفه یا حسرتی علی ما فرطت فی جنب الله (۱) رسیده که امام (ع) جنب الله است. (۲) ۱. سوره زمر ۵۶. ۲. نجم الثاقب، باب دوم.

چراغ مخفی

تعبیری است که امام جواد (ع) درباره حضرت مهدی (ع) به کار برده است. حضرتش می فرماید: "هنگامی که پسر من علی امام هادی (ع) از دنیا برود، چراغی بعد از او آشکار شود و چراغ بعد از او مخفی گردد. وای به حال کسی که در حق او شک و تردید به خود راه دهد... (۱). منظور از چراغ آشکار در این حدیث، امام حسن عسکری (ع) است ۱. بحارالانوار ج ۵ ص ۱۵۷.

حامد

در کتاب هدایه از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است. (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم.

حجاب

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده و در زیارت آن جناب است: السلام علی حجاب الله الازلای القدیم (۱) حجاب یعنی حائل و واسطه. چون حضرت، واسطه فیض حق است، حجاب نامیده شده است. ۱. نجم الثاقب باب سوم.

حجت

در لغت به معنای دلیل، برهان راهنما است (۱) از القاب مشهور حضرت است که در بسیاری از ادعیه و روایات آمده است. با آن که در این لقب، سائر ائمه (ع) شریکند و همه از جانب خداوند بر خلق حجت اند، لکن این لقب چنان اختصاص به آن حضرت دارد که در روایات، هر جا بی قرینه ذکر شود، مراد حضرت مهدی (ع) است. از امام علی النقی (ع) پرسیده شد که چگونه جانشین بعد از جانشین شما را یاد کنیم؟ حضرت فرمود بگویید حجة آل محمد علیهم السلام (۲) در آیات متعددی از قرآن کریم کلمه "حجت" به کار رفته است مانند: رسلا مبشرین و منذرین لئلا یکون علی الله حجة بعد الرسلو کان الله عزیزا حکیم (۳) و یا آیه قل فله الحجة البالغة فلو شاء لهداکم اجمعین (۴) در روایات نیز "حجت" جایگاه خاصی دارد، تا آن جا که مرحوم کلینی در الکافی، بخشی با عنوان "کتاب الحجة" آورده که در آن با بیان ده ها روایت، ابعاد مختلف این موضوع روشن گردیده است. حضرت علی (ع) در بیان ضرورت وجود حجت های الهی می فرماید: لا تخلوا الارض من قائم لله بحجة... (۵) زمین، از کسی که حجت خداست خالی نمی ماند. امام هادی (ع) نیز می فرماید: ان الارض لا تخلو من حجة و انا و الله ذلک الحجة (۶) زمین هرگز از حجت خالی نمی ماند و به خدا قسم من آن حجت هستم. در دعاهایی که از ائمه علیهم السلام وارد شده نیز به دفعات به واژه حجت بر می خوریم: اللهم عرفنی حجتک، فانک ان لم تعرفنی حجتک، ضللت عن دینی حال که با جایگاه حجت در معارف شیعی آشنا شدیم، باید به وظایف خود در قبال حضرت مهدی (ع) به عنوان "حجت حی خداوند" بیشتر بیندیشیم. (۷) ۱. لسان العرب ج ۳، ص ۵۳. ۲. نجم الثاقب، باب دوم. ۳. سوره نساء ۱۶۵. ۴. سوره انعام، ۱۴۹. ۵. نهج البلاغه، کمات قصار، ص ۱۴۷. ۶. کافی، ج ۱، ص ۱۷۹. ۷. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۲.

حجة الله

از القاب حضرت مهدی (ع) ذکر شده و به معنی غلبه یا سلطنت خدا بر خلائق است. و این سلطنت به واسطه آن حضرت به ظهور

خواهد رسید. نقش انگشتر آن حضرت انا حجه الله است و به روایتی انا حجه الله و خالصته و به همین مهر، روی زمین حکومت می کند. (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم ۰

حجت پنهان

در روایات آمده است که زمین هرگز خالی از حجت نخواهد بود و حجت، یا ظاهر و یا پنهان خواهد بود (۱) همین عبارت از امیر مؤمنان، امام باقر و امام صادق (ع) نیز وارد شده است. (۲) امیر مؤمنان (ع) فرمود: بار خدایا همواره باید حجتی در روی زمین باشد که بندگان را به سوی دین تو رهنمون شود... حجت تو، یا ظاهر خواهد بود که اطاعت نخواهد شد، و یا از دیده ما غائب بوده که انتظارش را خواهند کشید. (۳) حضرت ولی عصر (ع) نیز در نامه ای که به سفیر اول خود برای او و شیعه در توضیح امر خدا و ثبات قدم به حق مرقوم فرموده اند چنین می فرماید: مگر نمی دانند که زمین هرگز خالی از حجت نخواهد بود؟ یا ظاهر و آشکار، و یا غائب و پنهان (۴) بر طبق این احادیث، منظور از حجت پنهان، امام غائب و حضرت ولی عصر (ع) است. ۱۰. منتخب الاثر، ص ۲۷۰؛ غیبه نعمانی، ص ۷ غیبه طوسی، ص ۱۳۲؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۲. ۲. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۷۲. ۳. غیبه نعمانی، ص ۶۸. ۴. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱.

انگشتری حضرت

نقش نگین انگشتری حضرت مهدی (ع) انا حجه الله است و به روایتی انا حجه الله و خاصته می باشد که به همین مهر، روی زمین حکومت می کند (۱) به نقل کفعمی، عبارت انگشتری حضرت، انا حجه الله و خاصته " است. (۲) ۱. نجم الثاقب باب دوم ۲. اعیان الشیعه ج ۲ ص ۴۴.

حق

از القاب حضرت شمرده شده است. امام باقر (ع) فرمود: تعبیر به صیغه ماضی در آیه شریفه قل جاء الحق...، به جهت تاکید وقوع آن است آن چنان که گویی واقع شده است ۰ در زیارت حضرت هم هست که "السلام علی الحق الجدید". (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

حمد

در کتاب هدایه از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است. (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم.

خاتم الأئمه

از القاب حضرت شمرده شده است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

خاتم الاوصیاء

از القاب مشهور حضرت است و آن حضرت خود را به همین لقب شناساند. خادم حضرت عسکری (ع) گفت: داخل شدم بر حضرت صاحب الزمان (ع) پس به من فرمود: ای طریف سندان سرخ برای من بیاور "آن را برای حضرت آوردم. فرمود: مرا می شناسی؟" گفتم: آری. فرمود: من کیستم گفتم: تو مولای من و پسر مولای منی فرمود: این را از تو سؤال نکردم گفتم: فدای

توشوم، بیان کن برای من آن چه را اراده کردی. فرمود: "منم خاتم الاولیاء به سبب من، خداوند بلا- از اهل من و شیعیان من برمی دارد (۱) خاتم به معنای چیزی است که به وسیله آن، پایان داده می شود و نیز به معنی چیزی آمده است که با آن، اوراق و مانند آن را مهر می کنند در اقرب الموارد" و قاموس کلمه خاتم- به کسرتاء و فتح آن- به معنی انگشتر، آخر قوم، عاقبت شیء و غیره آمده است. در مجمع البحرین می گوید: خاتم النبیین "یعنی آخرین پیامبران که پس از وی پیغمبری نخواهد بود. این که به حضرت مهدی (ع) خاتم الاوصیاء و خاتم الائمه گویند به این جهت است که او آخرین نفر از سلسله امامان است و پس از او امامی نخواهد بود. ۱. نجم الثاقب باب دوم.

خازن

از القاب حضرت شمرده شده است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

خلف صالح

خلف و خَلَف صالح از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است. روایت شده از امام رضا (ع) که فرمود: خلف صالح از فرزندان ابی محمد، حسن بن علی است و اوست صاحب الزمان و اوست مهدی نیز روایت کرده از حضرت صادق (ع) که خلف صالح از فرزندان من است. اوست مهدی اسم او محمد است و کنیه او ابوالقاسم خروج می کند در آخر الزمان و مراد از خلف، جانشین است و آن حضرت، خلف جمیع انبیاء و اوصیای گذشته است و جمیع علوم و صفات و حالات و خصایص آن ها را دارد و موارث الهیه، که از آن ها به یکدیگر می رسد و همه آن ها، در آن حضرت و در نزد او جمع بود. (۱) در حدیث لوح معروف که جابر در نزد صدیقه طاهره (ع) دید بعد از ذکر عسکری (ع) آمده است که: آن گاه کامل می کنم این را به پسر خلف او که رحمت است برای جمیع عالمیان بر اوست کمال صفوت آدم و رفعت ادیس و سکینه نوح و حلم ابراهیم و شدت موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب. (۲) در حدیثی که امام صادق (ع) از حضرت مهدی (ع) به عنوان خلف صالح یاد کرده است. ممکن است کسی خیال کند که امام صادق (ع) فرزند بلا فصل خود را قصد کرده است ولی روایات صریح وارده از آن حضرت و امامان پیشین، آن را توضیح می دهد که منظور نواده ششم آن بزرگوار است. ۱. مروج الذهب، ج ۴ ص ۵ شیعه در اسلام علامه طباطبائی، ص ۲۶. ۲. منتخب الاثر ص ۲۱۴. روزگارهایی ج ۱ ص ۹۶.

خلیفه الاتقیاء

از القاب حضرت شمرده شده است. روایت شده از حکیمه خاتون که می گوید: پس از تولد حضرت آن جناب را آوردم به نزد برادرم حسن بن علی (ع) پس با دست شریفش، روی پر نور او را مسح کرد و فرمود: سخن بگو ای حجه الله، بقیه انبیاء خاتم اوصیاء، صاحب کره بیضاء، مصباح از دریای عمیق شدید الضیاء، سخن گوی ای خلیفه اتقیاء، نور اوصیاء... (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم.

خلیفه الله

از القاب حضرت شمرده شده و به معنی جانشین خداوند است. در زیارت آل یاسین می خوانیم: "السلام علیک یا خلیفه الله و ناصر حقه. پیامبر اسلام (ص) فرمود: خروج می کند مهدی و بر سر او، ابری است و در آن منادی ای ندا می کند این مهدی، خلیفه الله است او را پیروی کنید و از خلیفه بر معانی متعددی آمده است، از جمله: به معنای کسی است که در کاری به جای دیگری

قرار گیرد و وظیفه او را انجام دهد به معنای امام راستین و پیشوای الایبی است که برتر از او نیست، ۳. به معنای بزرگترین فرمانروا و پرشکوه ترین زمامدار است. حضرت مهدی (ع) در فرازی از نخستین سخنرانی خود پس از ظهور می فرماید: "انا بقیة الله و خلیفته" به راستی حضرت مهدی (ع)، همان خلیفه باقی مانده ای است که قرآن شریف نیز به او اشاره دارد که: إنی جاعل فی الأرض خلیفه (۱) امام مهدی (ع) خلیفه خدا به مفهوم حقیقی و جامع کلمه است و همه معانی واره خلیفه را داراست. خداوند او را جانشین پیامبر (ص) قرار داده و او برگزیده خداست، نه منتخب مردم. خداوند او را به خلافت انتخاب نموده و از او خواسته است که برای هدایت انسان ها به دین صحیح و سالم آسمانی و اداره امور بلاد و عباد را صلاح بشریت و فراهم آوردن تمامی وسایل و امکانات نیکی و نیک بختی بشر، قیام کند و جهان را سرشار از امکانات و وسایل مادی و معنوی برای سعادت بشریت سازد. ۱. سوره بقره، ۳۰

خلیل

از القاب آن حضرت شمرده شده است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

دابة الارض

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده و خروج آن از علائم آخر الزمان است. امیر المومنین (ع) فرمود: آگاه باشید قسم به خداوند که دابة الارض انسان است (۱) این واژه، متخذ از آیه و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة من الارض (۲) می باشد. این آیه و سه آیه بعد از آن از واقعه هولناکی که در آینده به وقوع می پیوندد خبر می دهند. معنی ظاهر آیه این است: هنگامی که مردم مستوجب عذاب شدند و دوران مهلت پایان پذیرفت جانوری جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم که با آن ها سخن می گوید که مردم به آیات ما یقین نمی آورند مشهور میان شراح حدیث و اغلب مفسران، این است که دابة الارض از علامات قیامت است، یا نخستین علامت است که کوه صفا مشق می شود در اخبار شیعه، مکرر آمده که دابة الارض از نشانه های قیامت است و امیر المومنین علی (ع) است در بیشتر کتب حدیث اهل سنت آمده که دابة الارض، همان صاحب عصا و میسم آلت شانگذار است منظور از عصا عصای حضرت موسی (ع) است که در دست آن حضرت خواهد بود میسم به معنای چیزی است که به وسیله آن بر پیشانی چارپایان داغ می زنند و نشان دار می کنند، چنان که در آخرت، امیر مؤمنان قسیم الجنة و النار هستند، در رجعت نیز دوست و دشمن را از یکدیگر جدا می کنند و بر روی بینی دشمنان مهر باطله می زنند. (۳) در حدیثی آمده که در روز سوم ورود حضرت مهدی (ع) به بیت المقدس، دابة الارض خارج می شود (۴) از نظر روایات اهل بیت عصمت و طهارت هیچ تردیدی نیست که منظور از دابة الارض رجعت وجود مقدس حضرت علی بن ابی طالب (ع) می باشد که احادیث فراوانی در این زمینه به دست ما رسیده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم: امام باقر (ع) از حضرت علی نقل می کنند که فرمود: من تقسیم کننده بهشت و دوزخم، کسی وارد آن ها نمی شود جز بر اساس تقسیم من. من فاروق اکبر من پیشوای آیندگانم. من گراشگر گذشتگانم. جز رسول اکرم (ص) کسی بر من پیشی نمی گیرد. او و من در یک صراط مستقیم، جز اینکه این صراط به نام اوست. به من شش فضیلت داده شد: ۱. علم منایا و بلایا و وصایا به من داده شد. ۲۰. سخن فصل جدا کننده حق و باطل به من عطا شد. ۳. من صاحب رجعت ها هستم. ۴. فرمانروائی کل به من عطا شده. ۵۰. من صاحب عصا و میسم هستم. ۶۰. من دابة الارض هستم که با مردم سخن خواهم گفت (۵) امام صادق (ع) می فرماید: روزی رسول اکرم (ع) وارد مسجد شدند و مشاهده کردند که امیر مؤمنان (ع) شن های مسجد را زیر سرش بالش کرده و خوابیده است. با پای مبارک شان او را حرکت دادند و فرمودند: ای دابة الارض برخیز یکی از اصحاب گفت: ای رسول گرامی آیا ما همدیگر را با این نام بخوانیم فرمود: نه،

به خدا سوگند که این نام به او اختصاص دارد. او همان دابۀ الارض است که خدای تبارک و تعالی در کتابش فرموده: "چون سخن بر آن ها فرود آید جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم و برای مردم سخن می گوید که مردم به آیات ما باور نمی کردند. سپس خطاب به علی (ع) فرمود ای علی چون آخر الزمان فرا رسد خداوند تو را در زیباترین صورتی ظاهر می سازد و در دست تو میسمی آهنی هست که دشمنانت را با آن علامت می گذاری (۶) (رسول اکرم (ص) در وصف "دابۀ الارض فرمود: "تیز پائی به او نمی رسد، فرارکننده ای از او فوت نمی شود. مؤمن را نشان مؤمن، و کافر را نشان کافر می زند. عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان با اوست. (۷) امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که در شب معراج گفته شد: "ای محمد! علی اول است، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است علی آخر است، زیرا او آخرین امامی است که روحش را قبض می کنم. او همان دابۀ است که با مردم سخن می گوید (۸) رسول اکرم (ع) در ضمن حدیث مفصلی می فرماید که دابۀ الارض "سه بار ظاهر می شود و هر سه را بیان می فرماید. (۹) از محضر امیر مؤمنان در مورد "دابۀ الارض" پرسیدند، فرمود به خدا سوگند، آن جنبنده ای نیست که دم داشته باشد، بلکه جنبنده ای است که ریش دارد (۱۰) امیر مؤمنان در ضمن خطبه مفصلی که در مورد "دجال" ایراد فرموده است، بعد از شرح کشته شدن دجال می فرماید "پس از آن طامه کبری است اصحاب پرسیدند: "طامه کبری چیست؟ فرمود "خروج دابۀ الارض است که در نزدیکی صفا ظاهر می شود. انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست... هنگامی که سرش را بلند می کند همه کسانی که در میان مشرق و مغرب هستند به قدرت الهی او را می بینند. و آن پس از طلوع خورشید از مغرب است که در آن هنگام در توبه بسته می شود. از بررسی روایات اهل سنت استفاده می شود که از نظر آن ها نیز، روایات بسیار مشابه روایات شیعه است، جز این که به رجعت و به نام مقدس حضرت علی (ع) تصریح نکرده اند، ولی غالب نشانه ها یکی است. اینک فهرست نشانه ها یکی که در احادیث اهل سنت در مورد "دابۀ الارض" آمده است: ۱. برای دابۀ الارض سه خروج است (۱۱) اولین نشانه، طلوع خورشید از مغرب است و خروج دابۀ الارض (۱۲) خروج دابۀ الارض از مسجد الحرام است. (۱۳) خروج دابۀ الارض از نزدیکی صفا است. (۱۴) انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست (۱۵) سه بار بانگ برمی آورد و همه مردم مشرق و مغرب آن را می شنوند (۱۶) چون دابۀ الارض خارج شد در توبه بسته می شود. (۱۷) دابۀ الارض مؤمن و کافر را نشان می گذارد که برای همه شناخته می شوند. (۱۸) طلوع خورشید از مغرب ملازم خروج دابۀ الارض است، هر کدام از آن دو جلوتر واقع شود، آن دیگری به دنبال آن واقع می شود. خروج دابۀ الارض یکی از اشراط ساعۀ دهگانه ای است که بیش از قیامت بدون تردید تحقق خواهند یافت. از بررسی احادیث، به این نتیجه می رسیم که روایات اهل سنت در مورد "دابۀ الارض" (ع) دقیقاً با روایات شیعه منطبق است. جز این که تصریح نکرده اند که منظور از آن مولای متقیان امیر مؤمنان (ع) می باشد. (۱۹) ۱. نجم الثاقب باب دوم. ۲. سوره نمل ۸۲. ۳. معارف و معاریف ج ۵ ص ۳۱۵. ۴. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۲۷. ۵. تفسیر برهان ج ۳، ص ۲۰۹ نور الثقلین ج ۴، ص ۹۷ تفسیر صافی ج ۴، ص ۷۵. ۶. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۴۳ تفسیر قمی ص ۴۷۹ تفسیر صافی ج ۴، ص ۶۷۴ نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۸ تفسیر برهان ج ۳، ص ۲۰۹. ۷. بحار الانوار ج ۶ ص ۳۰۰ جمع البیان، ج ۷ ص ۲۳۴ نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۸ تفسیر صافی ج ۴ ص ۷۵. ۸. بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۸ و بصائر الدرجات، ص ۱۵۰. ۹. نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۹ مجمع البیان، ج ۷، ص ۲۳۴ و بحار الانوار [ج ۶، ص ۳۰۰. ۱۰. تفسیر تبیان، ج ۸، ص ۱۱۹ و نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۸. ۱۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴؛ تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۵ و کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۷. ۱۲. تفسیر کشاف ج ۳ ص ۳۷۴ عقد الدرر ۳۱۳ و تفسیر الدر المنثور، ج ۵ ص ۱۱۶. ۱۳. عقد الدرر، ص ۳۱۳ و سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۵۳. ۱۴. مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۸۴؛ عقد الدرر، ص ۳۱۴ و کشاف، ج ۳ ص ۳۸۴. ۱۵. الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۱۵؛ عقد الدرر، ص ۳۱۵ و کشاف، ج ۳، ص ۳۸۴. ۱۶. کشاف، ج ۵، ص ۳۸۴؛ الدر المنثور، ج ۵ ص ۱۱۶؛ عقد الدرر، ص ۳۱۶ و سنن

ترمذی، ج ۵، ص ۳۴۰. ۱۷. عقد الدرر، ص ۳۱۵ و الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۱۷. ۱۸. كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۵۸؛ صحیح مسلم، ج ۱ ص ۱۳۸ و عقد الدرر، ۳۲۲. ۱۹. رجعت محمد خادمی شیرازی، ص ۶۵.

داعی

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است. به معنای دعوت کننده است و آن حضرت، بندگان را از جانب خداوند به سوی خداوند دعوت میکند و حضرت، دعوت خود را به آن جا می رساند که دینی مگر دین جد بزرگوارش در دنیا نباشد (۱) انجم الثاقب باب دوم.

رَبّ الارض

یکی از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است. در تفسیر آیه شریفه، و اشرف الارض بنور ربها (۱) امام صادق (ع) فرمودند: مربی زمین، امام زمان است و به نور حضرت مهدی (ع)، مردم از نور آفتاب و ماه مستغنی می شوند. (۲) ۱. سوره زمر ۷۹. ۲. نجم الثاقب باب دوم.

رجل

از القاب رمزی حضرت مهدی (ع) شمرده شده است که شیعیان، آن حضرت را به این اسم می خوانند (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

ساعه

از القاب حضرت شمرده شده است. امام صادق (ع) ساعه در آیات شریفه یَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مَرْسِيهَا (۱) وَ عِنْدَ عِلْمِ السَّاعَةِ (۲) وَ هَلْ يَنْظُرُونَ السَّاعَةَ (۳) و... مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ إِلَّا إِنْ الذِّينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۴) را به حضرت مهدی (ع) تأویل کرده اند. سؤال کردند: معنی یمارون چیست؟ فرمود: "مجادله می کنند و می گویند کسی متولد شد و چه کسی او را دیده و کجاست و چه وقت ظاهر می شود؟ همه این ها به سبب عجله کردن در امر الهی و شک در قضا و دخالت در قدرت خداست و جوه مشابیه آن حضرت با ساعه قیامت بسیار است، از آن جمله اند: ناگهانی اتفاق می افتند، در بسیاری علامات شریکند، مؤمن از کافر شناخته می شود، جباران هلاک می شوند، خداوند برای آنها وقت معین در نزد انبیاء و ملائک قرار نداده است و همه پیامبران به آمدن آنها خبر داده اند. امام حسن مجتبی (ع) از رسول خدا (ص) پرسید: "قائم ما اهل بیت کی خروج می کند؟ حضرت فرمود ای حسن جز این نیست که مثل او، مثل روز قیامت ساعه است که خداوند علم آن را بر اهل امت مان و زمین پنهان داشته است و نمی آید مگر ناگاه و بی خبر (۵) سال فرد در روایات است که حضرت مهدی (ع) در یکی از سال های فرد ظهور می کند؟ سال هایی چون یک، سه، پنج، هفت یا نه (۶). ۱. سوره اعراف ۱۸۷ ۲. سوره زخرف ۳۸۵ سوره زخرف ۶۶. ۴. سوره شوری ۱۷ و ۱۸. ۵. نجم الثاقب باب دوم ۶. کشف الغمه ج ۳ ص ۵۳۴ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۵

سبیل

از القاب حضرت شمرده شده است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

سدره المنتهی

از القاب حضرت شمرده شده است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

سلطان مأمول

یکی از القاب حضرت شمرده شده است . امام صادق (ع) فرمودند : بعد از ذکر جمله ای از فتن و حروب و آشوب ها ، دجال بیرون می آید و در گمراهی مردم بسیار می کوشد . پس ظاهر می شود امیر آمره و قاتل کفره و سلطان مأمول که عقول در غیبت او متحیر است . امام جعفر صادق (ع) فرمودند : و کسی است که خداوند تعالی ، اطاعت او را پس از انبیاء و مرسلین ، بر جمیع آدمیان و جنیان واجب کرده است . او سلطانی است پس از سلطانی ، تا آن که منتهی شود به سلطان دوازدهم . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

سنا

از القاب حضرت شمرده شده است (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

سید

از القاب حضرت شمرده شده است . کنیزکی که علی خیزرانی او را به امام حسن عسکری (ع) هدیه کرده بود گفت " : چون سید حضرت مهدی (ع) متولد شد ، از او نوری ساطع بود که تا آسمان می رسید ، مرغان سفیدی فرود آمدند و بال خود را بر سر و رو و سایر بدن حضرت مالیدند و آن گاه پرواز کردند . جریان را به امام حسن (ع) خبر دادیم ، خندید و فرمود : آن ها ملائکه آسمان بودند ، نازل شدند که به او متبرک شوند . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

شرید

از القاب حضرت و به معنی رانده شده است . یعنی رانده شده از خلائق ، چون حضرتش را نشناختند ، قدر نعمت وجودش را ندانستند ، ذریه طاهره اش را کشتند و حتی ادله بر اصل نبودن و نفی تولدش اقامه کردند . آن حضرت به ابراهیم بن علی مهزیار فرمود : پدرم به من وصیت نمود که در زمین منزل نگیرم مگر جایی که از همه جا مخفی تر و دورتر باشد ، به جهت پنهان کردن امر خود و محکم کردن محل خود از حيله دشمنان و گمراهان . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

شیخ الاوصیاء

به حضرت قائم (ع) نسبت می دهند به جهت عمر طولانی اش و به حضرت نوح شیخ الانبیاء گفته اند چون دو هزار و پانصد سال عمر کرد (۱) ۱ . مکمال المکارم ج ۱ ، ص ۱۹۹

صاحب الزمان

از القاب مشهور حضرت است و در ادعیه و زیارات و احادیث مختلف آمده است . در زیارتی که هر روز بعد از نماز صبح ، حضرت مهدی (ع) به آن زیارت می شود آمده است " : اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات اله علیه . . . در احادیث فراوانی که از اهل

بیت (ع) رسیده نیز عنوان صاحب الزمان به حضرت مهدی (ع) اطلاق شده است. امام صادق (ع) فرمودند: ان الغیبه ستقع بالسادس من ولدی و هو الثانی عشر من الائمة الهداء عد رسول الله (ص) اولهم امیر المومنین علی بن ابی طالب و آخرهم القائم بالحق بقیه الله فی ارضه و صاحب الزمان یعنی: زود است که ششمین فرزند من غایب شود و او دوازدهمین امام هدایتگر بعد از رسول خدا (ص) است که نخستین ایشان، امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) است و آخر آن ها قائم به حق بقیه خدا در زمین و صاحب زمان است (۱) از طریق عامه نیز روایات بسیاری نقل شده که در آن ها حضرت، با لقب صاحب الزمان نام برده شده است. از جمله قندوزی حنفی در جزء دوم کتاب ینایع الموده صفحه ۵۱۳، حدیثی را به واسطه عبدالله بن مسکان از حضرت باقر و حضرت صادق و حضرت کاظم (ع) نقل کرده که قسمت آخر حدیث چنین است . . . حتی ینتهی الی صاحب الزمان المهدی (ع). نخستین کتابی که از طرف علمای اهل سنت در حق حضرت مهدی (ع) نگارش یافته، کتاب صاحب الزمان است که آن را ابو العنبر کوفی نوشته است. (۲) ۱. کمال الدین باب ۳۳، ص ۳۴۲ روزگار رهایی ج ۱ ص ۱۵

صاحب العصر

از القاب حضرت است و در شهرت مثل صاحب الزمان است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

صاحب الدار

از القاب خاصه آن حضرت است. حضرت در جایی فرموده است: انا صاحب الدار (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

صاحب الدولة الزهراء

از القاب حضرت شمرده شده است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

صاحب الرجعة

از القاب حضرت (ع) شمرده شده است (۱) شاید بدین جهت گفته اند که حضرت سنت پیامبر اسلام (ص) را بازگرداننده و احیاء می کند و شاید هم به جهت این است که رجعت، پس از قیام او صورت می گیرد و الله العالم. ۱. نجم الثاقب باب دوم.

صاحب السیف

در بعضی روایات از حضرت مهدی (ع) به صاحب السیف تعبیر شده است (۱) در شباهت های حضرت مهدی (ع) به انبیاء، شباهت حضرت را به پیامبر (ص)، قیام با شمشیر ذکر کرده اند (۲) شخصی به نام ابو خدیجه از امام صادق (ع) راجع به امام قائم (ع) پرسید، فرمود: همه ما قائم به امر خداییم. یکی پس از دیگری، تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید و چون صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آن چه بوده می آورد. (۳) یعنی پدران من مأمور به تقیه و صبر بودند ولی او مأمور به جهاد و برانداختن ستم است ۱۰. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۴ و ۳۵۵. ۲. همان ج ۵۱ ص ۲۱۸. ۳. اصول کافی، ج ۱ ص ۵۳۶.

صاحب الغیبه

یکی از القاب معروف حضرت است. زیاد بن صلت گفت: شنیدم امام رضا (ع) فرمود: قائم، مهدی، پسر پسر من، حسن است؟ جسمش دیده نمی شود و اسمش را احدی نمی برد مگر پس از غیبت او. . . گفتم: "ای سید ما اگر بگوییم صاحب الغیبه و صاحب

الزمان چه؟ فرمود: همه این ها مطلقاً جایز است، اما من شما را از تصریح به اسم مخفی او نهی می کنم تا دشمنان او را نشناسند. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

صاحب الناحیه

از القاب حضرت است و بر امام حسن و امام هادی (ع) نیز اطلاق می شود. آورده اند که ناحیه هر مکانی است که صاحب الامر (ع) در غیبت صغری در آن جا بوده (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

صاحب سرداب

گروهی آغاز غیبت امام زمان (ع) را از زمانی می دانند که مأموران خلیفه به منزل حضرت در سامرا، هجوم آوردند تا وی را دستگیر کنند و حضرت در آن هنگام، در سرداب رفت و همان جا، از دیده ها پنهان شد و تاکنون در آن جا بدون آب و غذا زندگی می کند و روزی از آن جا ظهور خواهد کرد. این داستان چنان شهرت یافته که حضرت را "صاحب سرداب" لقب داده اند. در پاسخ این سخنان باید گفت: در منابع شیعی، هیچ نامی از سرداب نیست نویسندگان اهل سنت در نوشته های خود بر این نظر اسرار می ورزند و متأسفانه این مسأله دستاویز حمله نا آگاهانه برخی از آنان به تشیع گردیده است (۱) پنداشته اند که شیعیان در میانه سرداب، امام خود را می جویند و ظهورش را از آن نقطه انتظار می کشند؟ از این روی، تهمت هایی به شیعه زده اند و زحمت مراجعه به منابع شیعی را در این زمینه به خود نداده اند. البته منشأ خرده گیری های نا آگاهانه برخی به شیعه، در این زمینه آن است که شیعیان به بخشی از حرم عسکرین در سامرا، یعنی سرداب "احترام و توجه خاصی دارند و آن را زیارت می کنند و این نه به خاطر آن است که امام زمان (ع) در این جا مسکن گزیده است و زندگی می کند، بلکه از آن جهت است که زمانی مرکز عبادت و سکونت چند تن از امامان راستین تشیع بوده است. پس داستان غیبت حضرت مهدی (ع) در سرداب سامرا و زندگی کردن حضرت در آن مکان، بهتان و دروغی بیش نیست و هیچ یک از بزرگان شیعه، چنین باوری نداشته و ندارند. (۲). ۱. منتخب الاثر ص ۳۷۲. ۲. چشم به راه مهدی ص ۳۳۹.

صاحب کره البیضاء

از القاب حضرت است. حکیمه خاتون می گوید: پس از تولد مهدی (ع) آن جناب را آوردم نزد برادرم، حسن بن علی (ع) پس با دست شریف خود روی پر نور او را مسح کرد و فرمود: سخن بگو ای حجه الله، بقیه انبیاء خاتم اوصیاء، صاحب کره بیضاء و... (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

صالح

از القاب حضرت گفته اند. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

صبح فسفر

از القاب خاصه حضرت شمرده شده و به معنای صبح روشن است. احتمال داده اند که آن را از آیه شریفه والصبح إذا سافر (۱) استنباط کرده اند و مناسبت آن به حضرت این است که حضرت نیز چون صبح صادق، روشن و هویدا است. ۱. نجم الثاقب باب دوم

صدق

از القاب خاصه حضرت محسوب کرده اند . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

صراط

از القاب حضرت به شمار می آید . البته در کتاب وسنت اطلاق آن بر هر امامی بسیار شده وشاهدی برای اختصاص به حضرت به نظر نرسیده است . (۱) ۱ . نجم الثاقب ، باب دوم .

طالب

از القاب حضرت مهدی (ع) است وبه معنای جوینده و خواهان است . در دعای ندبه می خوانیم : این الطالب به دم المقتول بکربلا کجاست جوینده خون شهید کربلا

طالب التراث

از القاب حضرت شمرده شده و به معنای طلب کننده میراث ها است . امام صادق (ع) فرمود : صاحب الامر از مدینه به سوی مکه با میراث رسول خدا (ص) بیرون می آید . راوی پرسید : میراث رسول خدا چیست؟ حضرت فرمود " : شمشیر رسول خدا ، زره او ، عمامه آن حضرت ، عصای ایشان ، اسلحه وزین اسب آن حضرت . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

عاقبة الدار

از القاب حضرت مهدی (ع) است (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم

عالم

از القاب حضرت شمرده شده است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

عدل

از القاب حضرت حجت (ع) گفته اند . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم

عزّه

ازالقاب حضرت مهدی (ع) است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

علم منصوب

به معنای پرچم افراشت و نشانه بر پا داشته شده است . تعبیری است که در زیارت آل یاسین نسبت به حضرت مهدی (ع) داده شده السلام عیك ایها العلم المنسوب (۱) خداوند در قرآن می فرماید : وعلامات و بالنجوم هم یهتدون (۲) و علامت هایی قرار داد

و به وسیله ستاره ، هدایت می شوند . امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمودند : مائیم آن علامت ها و منظور از ستاره رسول خدا (ص) می باشد (۳) پیامبر اکرم (ص) فرمود : خداوند ستارگان را مایه ایمنی اهل آسمان قرار داد و خاندان مرا مایه ایمان اهل زمین (۴) مرحوم علامه مجلسی می فرماید : منافاتی ندارد که ظواهر آیات مقصود باشد چون همان طوری که برای اهل زمین ، کوه ها و نهرها و ستاره ها علامت هایی است که به وسیله آن ها ، مردم به راه های ظاهری خود رهنمون می گردند ، همچنین وجود پیامبر (ص) و امامان (ع) و نیز علماء برای اهل زمین ، مانند کوه های استوار و افراشته است که توسط آنان ، زمین پایدار می ماند و ایشان سرچشمه های علوم و معارف اند که زندگی معنوی مردم به وجود ایشان وابسته است . کمال الدین ج ۲ ص ۲۰۶۵۳ .

مفاتیح الجنان زیارت آل یاسین ۳ . سوره نحل ۱۷ . ۴ . مجمع البیان ج ۶ ص ۳۵۴

عین

از القاب حضرت شمرده شده و در زیارت آن حضرت است عین الله البته اطلاق آن بر همه ائمه (ع) شایع است . (۱) . ۱ . نجم الثاقب باب دوم

غایب

از القاب شایع آن حضرت و به معنای پنهان است . (۱) . ۱ . نجم الثاقب باب دوم

غایه القصوی

از القاب آن حضرت شمرده شده است (۱) . ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۷ .

غایه الطالبین

از القاب آن حضرت شمرده شده است (۱) . ۱ . نجم الثاقب باب دوم

غریم

علمای رجال تصریح کرده اند که از القاب خاصه آن حضرت است . غریم هم به معنای طلبکار است و هم بدهکار ، ولی در این جا به معنای اول از روی تقیه بوده است هر گاه شیعیان می خواستند مالی را نزد آن حضرت یا وکلایش بفرستند یا وصیت کنند ، حضرت را می خواندند و ایشان از بیشتر صاحبان کشاورزی ، تجارت و صنعت طلبکار بود . شیخ مفید می گوید : این رمزی بود که شیعه در قدیم ، آن را میان خود می شناختند و خطاب کردن غریم به آن حضرت ، برای تقیه بوده است (۱) . ۱ . نجم الثاقب باب دوم

غلام

این لقب حضرت در زبان راویان و اصحاب ، بسیار تکرار شده است . (۱) . ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

غوث

از القاب خاصه آن حضرت و به معنای پناه و پناهگاه است (۱) در توسل جستن به ائمه (ع) جهت حوائج دنیا و آخرت گفته اند :

هرگاه شمشیر به محل ذبح تو رسید کنایه از کثرت گرفتاری و بی پناهی به حضرت حجت (ع) استغاثه کن؟ به درستی که تو را درمی یابد و او غیاث المستغیثین است. بگو: یا صاحب الزمان انا مستغیث بک اغثنی یا صاحب الزمان ادرکنی (۱) (۱). انساب سمعانی، ج ۴ ص ۳۱۵. ۲. نجم الثاقب، باب دوم ۳. نجم الثاقب، باب دوم

غوث الفقرا

از القاب آن حضرت و به معنی پناه بیچارگان است (۱) (۱). نجم الثاقب باب نهم

غیب

از نام های حضرت مهدی است که در قرآن ذکر شده است. روایت شده است از حضرت صادق (ع) که فرمودند: در آیه شریفه ، هُدَىٰ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَوْمَنُونَ بِالْغَيْبِ ، (۱) متقین شیعیان علی بن ابی طالب (ع) هستند ، واما غیب او غایب است و شاهد بر این ، قول خداوند تبارک و تعالی است که فرمود: می گویند چرا فرو فرستاده نشده برای او آیتی از پروردگارش پس بگو نیست غیب مگر خدای را پس منتظر باشید به درستی که من با شما از منتظرانم (۲) یعنی بر آمدن آن غیب از آیات خداوندی است (۳) در تفسیر آیه شریفه الذين یؤمنون بالغیب آمده است که غیب سه روز است: روز رجعت ، روز قیامت و روز قیام قائم (ع) (۴) (۱). سوره بقره ۲ و ۳. سوره یونس ۲۰. ۳. نجم الثاقب باب دوم ۴. الزام النا ص ۲ ج ۲ ص ۳۴۰.

المضطر

امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض إله مع الله قلیلا ما یذکرون . یست که درمانده را زمانی که او را بخواند اجابت کند ، و گرفتاری را برطرف سازد و شما را جانشینان این زمین قرار دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می گیرید خداوند متعال در آیین آیه و در آیه قبل وبعد آن ، پرسش هایی درباره بعضی واقعیات های جهان هستی مطرح کرده تا بدین وسیله از مردم اعتراف بگیرد که کسی نمی تواند در این کارها همراه با خدا باشد و شریک او معرفی شود . در آیه ۲ سؤال درباره این است که وقتی انسان همچون غریقی در امواج دریا قوطه ور است و هیچ پناهگاهی ندارد و از تمام اسباب قطع امید کرده است در این حالت چه کسی است که اگر انسان او را صدا زند و از او یاری طلبد ، جوابش می دهد و او را از گرفتاری نجات می دهد آیا غیر از خدایی که خالق همه چیز و رازق همه مردم است و همه امور از مبدأ و معاد تحت قدرت اوست ، کسی شایسته عبودیت است این آیا از راه رجوع به فطرت ، ما را به خدایی رهنمون می سازد که انسان های درمانده و مضطر در صورتی که او را بخوانند و از او یاری طلبند ، اجابت کرده و از گرفتاری می رهاوند . واما اضطراب حالتی درونی است و زمانی به وجود می آید که انسان هیچ وسیله و پناهگاهی برای حل مشکل خود ندارد و دستش از همه راه های طبیعی کوتاه شده است در این حالت درونش او را به یک وسیله معنوی راهنمایی می کند و به وسیله آن امید نجات پیدا می کند . دل انسان در حالت اضطراب به گونه ای به خداوند متصل می شود و آدمی با تمامی وجودش خدا را می بیند و صدایش می زند . از ویژگی های انسان این است که هنگام گرفتاری به یاد خدا می آفتد و در همه حال او را صدا می زند گرچه ممکن است بعد از رفع مشکل دوباره خدا را فراموش کند . و اذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما کشفنا عنه ضره مر کان لم یدعنا الی ضره (۲) گامی که به انسان ناراحتی برسد ، ما را در حالی که به پهلو خوابیده یا نشسته و یا ایستاده است می خواند . اما هنگامی که ناراحتی او را برطرف کردیم چنان می رود مثل اینکه هرگز ما را برای حل مشکلی که به او رسیده ، نخوانده است . از آیه محل بحث استفاده می شود که برای اجابت دعا تحقق دو شرط لازم است : ۱. انسان به حد اضطراب و درماندگی برسد ۲. انسان از تمام اسباب مادی نا امید شود و با

تمام وجود فقط خدا را بخواند. إذا دعاه در این حالت انسان ارتباط قوی و محکمی با خدا پیدا می کند و خداوند نیز دعای او را مستجاب می کند و گرفتاری را از او برطرف می کند و یکشف السوء پس اگر در جامعه ای ظلم و ستم فراگیر شود، مردمی که به ضعف کشیده شده اند یار و یاورى نداشته باشند تا آن ما را از این رنج و بلا نجات دهد، و تلاش و کوشش آن ما برای تغییر اوضاع اثر نداشته باشد در این حالت اگر مردم با قطع همه واسطه ها، ارتباط کامل با خداوند پیدا کنند، آن وعده الهی که همان تحقق خلافت در زمین برای مؤمنان صالح و مستضعفان روی زمین است محقق خواهد شد. این بخش از آیه که می فرماید: "و يجعلکم خلفاء الارض" بیانگر خواسته مهمی است که مردم باید طالب آن باشند، و همین جمله قرینه ای است که یکی از مصادیق "سوء چیره شدن ظالمان بر مستضعفانی است که پناهگاهی جز خدا ندارند. و لذا اگر در این حال مستضعفان، با اخلاص تمام خدا را بخوانند وعده الهی محقق می شود و آن ها وارث زمین می گردند. از مصادیق بارز این آیه مردمی هستند که با تحمل همه سختی ها و گرفتاری ها، زمینه حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) را فراهم می کنند. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است که: سیکون من بعدی خلفاء، ومن بعد الخلفاء أمراء ومن بعد الأمراء ملوک ومن بعد الملوک جابرۃ ثم یخرج رجل من اهل بیتی یملأ الارض عدلاً کما ملئت جوراً (۲) بعد از من خلفایی می آیند، و پس از آن امیرانی می آیند، و بعد از آن پادشاهانی می آیند، و پس از آن جبارانی می آیند، سپس مردی از خاندان من قیام می کند و زمین را پر از عدل می کند همان طور که از ظلم پر شده بود. روایت دیگری از امام صادق (ع) نیز چنین آمده است: به خدا سوگند گویا من به سوی قائم می نگرم در حالی که پشتش را به حجر الاسود زده و خدا را به حق خود می خواند... سپس فرمود: به خدا سوگند مضطر در کتاب خدا، در آیه امن یجیب المضطر.. اوست. (۳) آری، انتظار فرج وقتی از حالت دعاهاایی که فقط بر زبان جاری است خارج شود و ممه به مرحله ای برسند که واقعاً منتظر قیام مهدی (ع) باشند و خود را برای آن روز آماده کنند و با تمام وجود از خداوند درخواست فرج کنند، دعای آن ها به اجابت می رسد (۴) ۱- سوره انعام ۶۲. ۲- سوره یونس ۱۲. ۳- کنزل العمال ج ۱۴ ص ۲۶۵. ۴- تفسیر نورالثقلین ج ۴ ص ۹۴.

اولین دادگاه پس از ظهور

برطبق برخی روایات، نخستین دادگاهی که در دولت حقه حضرت مهدی (ع) تشکیل می شود برای بررسی خون به ناحق ریخته شده محسن حضرت فاطمه (ع) است. (۱) ۱. روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۷۰

استضعاف

به معنای ناتوان شمردن و حقیر داشتن است. خداوند در قرآن کریم وعده داده که می خواهیم بر تحقیر شدگان در زمین منت نهاده و ایشان را به پیشوایی برسانیم و وارث پیشینیان شان کنیم. (۱) بسیاری گفته اند تحقق این وعده الهی، در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) خواهد بود. ۱. سوره قصص ۵.

انگشتر سلیمان

انگشتر سلیمان از موارث انبیاست که نزد حضرت مهدی (ع) است. سلطنت جهانی حضرت سلیمان (ع) و سیطره آن حضرت بر تمام موجودات روی زمین، تنها یک رمز داشت و آن در همان انگشتر نهفته بود. آن انگشتر با تمام ویژگی هایی که دارد هم اکنون در دست حضرت صاحب الزمان می باشد. (۱) امام باقر (ع) می فرماید: نخستین کاری که قائم (ع) در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی و انگشتر سلیمان در آن است. (۲) و نیز می فرماید: در بیت المقدس، تابوت سکینه، انگشتر سلیمان والواحی را که بر موسی نازل شده، بیرون می آورد. (۳) امام صادق (ع) نیز می

فرماید: عصای موسی و انگشتر سلیمان در دست او خواهد بود (۴) در فرهنگ معین آمده است: انگشتری سلیمان (ع) همان انگشتر و مهر حضرت سلیمان است که گویند اسم اعظم الهی بر آن نقش بسته بود و سلطنت وی بر انس و جن، وابسته آن بود دیوی به شکل حضرت سلیمان (ع) آن انگشتری را به دست آورد و چندی سلطنت کرد تا بار دیگر، انگشتری به دست حضرت سلیمان افتاد و سلطنت خود را باز یافت. نام های دیگر آن خاتم جم خاتم جمشید انگشتری جم " انگشتری جمشید است. (۵) در روایتی آمده که حضرت سلیمان، هنگامی که آن انگشتر را با خود برمی داشت خداوند پرنده و باد و فرشتگان را مسخر او می ساخت. (۶) و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که امام حسین (ع) وقتی به دنیا باز می گردد حضرت مهدی (ع) انگشتر سلیمان را به همراه زمام امور جامعه به او می سپارد و او کسی است که قائم (ع) را پس از یک زندگی طولانی و پر برکت که از دنیا می رود غسل می دهد و به خاک می سپارد (۷) در پاره ای روایات، سخن از منبر سلیمان هم به میان آمده است که حضرت مهدی (ع) آن را هم بیرون می آورد (۸) ۱. جهان بعد از ظهور ص ۵۵ به نقل از ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۴۲۶. ۲. روزگار رهایی ج ۱، ص ۴۵۵. ۳. همان. ۴. همان ص ۴۵۷. ۵. فرهنگ فارسی معین ج ۵، ص ۱۹۰. ۶. بحار الانوار ج ۶۳ ص ۱۹۴. ۷. همان ج ۵۳، ص ۸۱۰۳. ۸. الزام الناصب ج ۲ ص ۲۹۹. ۹. فارس الحجاز به معنای سوار سرزمین حجاز و کنایه از ظهور حضرت مهدی (ع) از سرزمین مکه است. لقبی است که به امام زمان (ع) می دهند و حضرت را با یافارس الحجاز می خوانند البته ما این لقب را در نجم الثاقب ندیدیم.

فتح

از القاب حضرت و به معنای پیروزی است. روایت است که در آیه شریفه از جاء نصر الله والفتح (۱) مراد از فتح، قائم (ع) است. در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است: آیه مبارکه نصر من الله وفتح وقریب (۲) اشاره دارد به فتح حضرت قائم (ع) (۳) ۱ سوره نصر ۲۰۱ سوره صف ۳۱۳ نجم الثاقب باب دوم.

فجر

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است. روایت است از امام صادق (ع) که در تفسیر آیه والفجر فرمود: مراد از فجر، قائم (ع) است. و نیز در روایت دیگری درباره سوره قدر فرمود: حتی مطلع الافجر (۱) یعنی: تا آن که قائم (ع) برخیزد و ظاهر شود (۲) ۱. سوره قدر ۲. نجم الثاقب باب دوم.

فرج الاعظم

از القاب آن حضرت و به معنای گشایشگر بزرگ است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

فرج المؤمنین

از القاب حضرت مهدی (ع) است. در هنگام ولادت آن حضرت، حکیمه خاتون به نرجس خاتون گفت: خداوند امشب به تو غلامی می بخشد که سید است در دنیا و آخرت، و فرج مؤمنان است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

فقیه

از القاب حضرت حجت (ع) است. شیخ طوسی در تهذیب در باب حد حرم امام حسین (ع) از محمد عبدالله حمیری روایت کرد

که گفت: نوشتم به فقیه و سؤال کردم از او که آیا جایز است که مرد تسبیح بفرستد به خاک قبر امام حسین (ع) و آیا در او فضلی است؟ پس جواب داد و من آن توقیع را خواندم و از آن نسخه کردم: تسبیح بفرست به آن و مراد از فقیه در این جا یقیناً حضرت مهدی (ع) است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

قائم الزمان

از القاب حضرت شمرده شده است. در کمال الدین روایت است: از دی در مسجد الحرام خدمت آن جناب رسید حضرت، سنگی را برای او طلا کرد و در حق او دعا نمود و فرمود: مرا می شناسی؟ گفت: نه فرمود: منم مهدی منم قائم الزمان (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

قابض

از القاب آن حضرت شمرده شده است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

قاتل الکفره

یکی از القاب امام زمان (ع) است. امام صادق (ع) فرمودند: ... بیرون می آید دجال و مبالغه می کند در اغوا و اخلال، پس ظاهر می شود امیر امره و قاتل کفره و سلطان مأمول، که متحیر است در غیبت او عقول. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

قطب

القاب مشهور حضرت مهدی (ع) است در نزد عرفا و صوفیه. شیخ ابراهیم کفعمی در حاشیه جنه الواقیه در دعای ام داوود می فرماید: گفته شده که زمین خالی نیست از قطب و چهار اوتاد و چهل ابدال و هفتاد نجیب و سیصد و شصت صالح پس قطب، مهدی است ۰۰۰ و همه با دایره قطب همراهند. (۱) در اصطلاح تصوف، قطب کسی است که منظور نظر خداوند است در همه زمان ها و طلسم اعظم به او داده شده است. او تنها انسان کاملی است که به نظر صوفیان، احاطه اش به جمیع آدمیان محقق است و همه مقامات و حالات تصوف را می داند. او عقل عالم امکان است و تصرف وی در عقول، برای صوفیان مسلم است. (۲) ۱. نجم الثاقب، باب نهم. ۲. فرهنگ معین ج ۲، ص ۲۶۹۰.

قوه

از القاب حضرت حجت (ع) شمرده شده است (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم.

قیامت

از القاب حضرت مهدی (ع) است. مشابَهت حضرت با قیامت از جهات بسیاری است که از جمله آن ها: هر دو ناگهانی می رسند، علامات مشترک دارند مثل خسف و مسخ و ظهور آتش و ۰۰۰، مؤمن و کافر به سبب هر دو جدا می شوند، خداوند برای آن ها وقت قرار نداده است و ۰۰۰ (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

قیم الزمان

از القاب امام زمان (ع) است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم

کار

به معنی رجوع کننده است . در هدایه و مناقب ، از القاب حضرت شمرده شده ظاهر آن است که حضرت از عالم غیبت و استتار برمی گردد و جمعی از مردگان را برمی گرداند (۱) ۱ . نجم الثاقب ، باب دوم .

کاشف الغطاء

در هدایه و مناقب ، از القاب حضرت شمرده شده است (۱) ۱ نجم الثاقب باب دوم

کمال

از القاب حضرت مهدی (ع) است (۱) در روایات آمده است که علم و عقل در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) به کمال می رسد (۲) ۱ . نجم الثاقب باب دوم ۲ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۲۶ .

مؤمل

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای این است که خلاق آرزوی او را دارند امام حسن عسکری (ع) فرمود " : آن هنگام که حجت (ع) به دنیا آمد دشمنان گمان کردند که ایشان را می کشند تا نسلش را قطع کنند ، پس چگونه دیدند قدرت خداوند را؟ که نامید او را مؤمل (۱) البته در دعای ندبه اشاره به این مضمون شده : بنفسی انت من امنیه شایق یتمنی من مؤمن ومؤمنه ذکرنا فحنا ۱ . نجم الثاقب ، باب دوم .

مامول

یعنی امید داشته شده کسی که آرزوی او را دارند و آن چه یا آنکه مایه امید باشد (۱) امام صادق (ع) بعد از ذکر بسیاری علامات ، فرمود : آن گاه قائم مأمول و اما ، مجهول برمی خیزد در زیارات مأثوره آن حضرت است : السلام علیک ایها الامام المأمول (۲) مامول که پیش تر از القاب حضرت شمرده شده ، به همین معناست ۱۰ . معارف و معاریف ج ۹ ص ۵۲ . نجم الثاقب باب دوم

مبدأ الآیات

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای " ظاهرکننده آیات خداوند " یا محل بروز و ظهور آیات الهیه است . چون از آن روز که بساط خلافت در زمین گسترده شد و انبیاء و رسل با آیات بینات و معجزات ، برای هدایت خلق آمدند و مأمور ارشاد شدند ، خداوند برای احدی ، چنین تکریم نفرمود و با احدی آن مقدار آیات نفرستاد که برای مهدی (ع) فرستاده و روانه خواهد کرد . بسیاری از آیات الهی ، برای آمدن آن حضرت ظاهر می شود که یک دهم آن ، برای آمدن هیچ حجتی ظاهر نشده است (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم

مبلی السرائر

از القاب حضرت و به معنای آشکارکننده رازها است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم

مجازی بالاعمال

از القاب حضرت مهدی (ع) است (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

محسن

از القاب حضرت مهدی (ع) و از اسماء حسنی است که خداوند تعالی آن حضرت را مظهر اعظم آن قرار داده . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

مخبرِ مایعلن

از القاب حضرت شمرده شده و به معنای خبر دهنده به آن چه آشکار می شود است (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

مدبر

از القاب آن حضرت شمرده شده است .

مصباح الشدید الضیاء

به معنای چراغ نورانی و از القاب حضرت است . (۱) ۱ . نجم الثاقب ، باب دوم .

مظهر الفضایح

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای جلوه گاه رسوایی ها است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

مفرج اعظم

به معنای گشایشگر بزرگ و از القاب حضرت است . امام رضا (ع) فرموده است : هرگاه عالم شما غایب شد ، پس فرج اعظم را منتظر باشید . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

مفضل

از القاب حضرت مهدی (ع) و از اسماء حسنی است که خداوند تعالی آن حضرت را مظهر اعظم آن قرار داده . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

مقتصر

به معنای اکتفا کننده و از القاب حضرت مهدی (ع) است . شاید منظور این باشد که حضرت مهدی (ع) برخلاف همه انبیاء و اوصیاء گذشته ، که به خاطر حفظ و بقای دین با منافقین مدارا می کردند ، ایشان تنها به انصار و بندگان صالح اکتفا خواهد فرمود

و رشته الفت و موانست با کفار و منافقین ، در آخرالزمان گسسته خواهد شد . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

مقدرة

به معنای توانایی و از القاب آن حضرت است . حضرت را مقدره گویند چون از کثرت بروز و ظهور عجایب ، قدرت های الهی در نزد آن حضرت ، به حدی رسیده که گویا عین قدرت شده است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

منان

از القاب حضرت مهدی (ع) و از اسماء حسنی است (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

منجی

به معنای نجات دهنده و لقبی است که به حضرت مهدی (ع) می دهند اما در کتاب نجم الثاقب که ۱۸۲ اسم و لقب از حضرت ذکر شده نیامده است .

منعم

از القاب حضرت مهدی (ع) و از اسماء حسنی است که خداوند تعالی آن حضرت را مظهر اعظم آن قرار داده . (۱) من لم يجعل الله له شبيها یعنی کسی که احدی شبیه و نظیر او نیست و از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است . در هدایه این لقب حضرت ، چنین آمده است من لم يجعل الله له سميا که البته به شبیهها تفسیر کرده است . از ویژگی هایی که برای حضرت نقل شده معلوم می شود ، هیچکس شبیه آن حضرت نیست و به رتبه عزت و جلالش نرسیده و نخواهد رسید (۲) ۱ . نجم الثاقب باب دوم ۲ . نجم الثاقب باب دوم .

مهدی

از مشهورترین لقب های امام زمان (ع) است . درباره علت نامیده شدن آن حضرت با این لقب ، روایت های مختلفی ذکر شده است . حضرت امام محمد باقر (ع) می فرمایند : هنگامی که مهدی ماقیام کند ، ثروت ها را به طور مساوی تقسیم و در جامعه به عدالت و دادگری رفتار می کند . هرکسی از او اطاعت کند از خداوند اطاعت کرده است و هرکسی او را نافرمانی کند از خدا نافرمانی کرده است . و آن حضرت را مهدی نامیده اند چون به امور پنهان و نهانی هدایت می گردد . (۱) درباره امور نهانی که آن حضرت به آن ها هدایت می شود و یا هدایت می کند ، با توجه به تعابیر روایات نظرات چندی بیان شده است . از آن جاکه در دوره غیبت مخصوصاً دوران غیبت کبری در اثر پیدا شدن تبلیغات ضد دینی و تفسیرها و برداشت های نامناسب از احکام دین و نفوذ خرافات و اندیشه های غلط غیر دینی به اصول و تعالیم اصیل اعتقادی ، مردم دین اصلی و حتی قرآن اصلی را فراموش خواهند کرد ، آن حضرت پس از ظهور ، قرآن اصیل و احکام واقعی اسلام را از لابلای آن همه تحریفات و تفسیرهای نادرست بیرون خواهند کشید ، به گونه ای که حتی مردم گمان خواهند کرد که ایشان یک دین و آیین جدیدی را مطرح می کنند . به این مناسبت آن حضرت را مهدی می گویند . پیامبر اکرم (ص) در این باره می فرمایند : دوازدهمین فرزندم به گونه ای غایب خواهد شد که اصلاً دیده نخواهد شد و در این دوره غیبت ، وقایع سختی رخ خواهد داد . در نتیجه طولانی شدن این دوره ، زمانی خواهد آمد که از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسم و خطی اثری باقی نخواهد ماند . در آن موقع خداوند متعال به وی اجازه خواهد داد

تا قیام کند. آنگاه به وسیله او اسلام را تقویت و تجدید خواهد کرد. (۲) بر طبق این دیدگاه چون حضرت مهدی (ع) مردم را به حقایق پنهان شده دینی راهنمایی خواهند کرد او را مهدی می‌گویند. دیدگاه دیگر این است که قائم آل محمد (ع) را از این رو مهدی می‌گویند که مردم را به اموری که بر آن‌ها پوشیده است راهنمایی خواهد کرد. وی پس از ظهور، جهت ارشاد پیروان ادیان دیگر کتاب‌های آسمانی تحریف نشده، آن‌ها را به آنان نشان خواهد داد و از این طریق آنان را با دین اصیل خودشان آشنا خواهد ساخت و بر اساس همان احکام تحریف نشده آیین خودشان، با آنان رفتار خواهد کرد. در روایتی می‌خوانیم: از جمله کارهای حضرت امام زمان (ع) پس از ظهور این است که تورات اصلی و انجیل اصلی و سایر کتاب‌های انبیای گذشته را از یک مخفیگاه خارج خواهد ساخت (۳) دیدگاه دیگر این است که آن حضرت پس از ظهور، مردم را در تمام زمینه‌هایی که به بیراهه رفته‌اند ارشاد خواهند کرد تا به شیوه‌های درست دستیابند چون انحرافات دوران غیبت تنها در احکام دینی نیست، چراکه در اثر جهل و نا آگاهی در عرصه‌های سیاسی، علمی و صنعتی نیز مردم دچار اشتباهات زیادی می‌شوند. طرفداران این برداشت نیز به برخی از روایات که مشتمل بر تعبیر خاصی هستند، تمسک می‌جویند. به عنوان مثال از امام صادق (ع) روایت شده است که فرموده‌اند: آن حضرت را مهدی می‌گویند چون مردم را به اموری که گم کرده‌اند، هدایت می‌کند (۴) این تعبیر شامل انحراف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز می‌شود. نتیجه آن که می‌توان گفت: چون امام زمان (ع) به برکت علم بی‌نظیری که دارد، مردم را در تمام عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی و علمی و دینی به راه صحیح هدایت خواهد کرد و آن‌ها را از تمام گمراهی‌ها نجات خواهد داد، به این مناسبت آن حضرت را مهدی می‌گویند. البته در برخی روایات نیز به این نکته اشاره شده است که یکی از چیزهای مخفی که حضرت مهدی (ع) مردم را به آن هدایت خواهند کرد، ذخایر زیرزمینی و معادن است که شاید این لقب به این قبیل از عملکردهای حضرت مهدی (ع) نیز دلالت داشته باشد. (۵) و اما واژه مهدی، اسم مصدر هدایت است و به معنی کسی است که به وسیله خدا هدایت شده باشد، و به همین معنی، برخی از پیامبران و بزرگان را بدون آن که مهدی موعود و منتظر پندارند، مهدی خوانده‌اند. حسان بن ثابت در قصیده خود، واژه مهدی را برای پیامبر (ص) به کار برده است. این واژه در حدیثی از پیامبر (ص) به همین معنی درباره حضرت امیر (ع) به کار رفته است. (۶) سنی‌ها اغلب، آن را برای چهار خلیفه بعد از پیامبر (ص) که آنان را خلفاء الراشدون المهدیون می‌گویند، به کار می‌برند. (۷) شیعیان کوفه، عنوان مهدی را در مفهوم راه یافته و هدایت شده آن، درباره امام سجاد (ع) به کار برده‌اند. به این معنی، همه امامان عنوان مهدی داشته‌اند، با این مفهوم که وظیفه‌شان هدایت مردم به سوی دین خداوند بوده است و کلنا نهدی الی دین الله به همین جهت در کتب مربوط به زیارات، تمام امامان الثمّة الراشدون المهدیون اطلاق شده است. در روایتی از امام حسین (ع) نقل شده است که فرمود: ما دوازده مهدی داریم اول آن‌ها امیرالمؤمنین (ع) و آخر آن‌ها نهمین فرزند من است... (۸) ولی واژه مهدی در مفهوم نجات بخش آن، عنوان خاص امامدوازهم شیعه است که در آخر الزمان ظهور می‌کند و در اصطلاح شرع، اطلاق مهدی به این مفهوم، به هیچ کس جز امام غائب صحیح نیست و حتی اطلاق آن به سایر امامان نیز درست نمی‌باشد. (۹) ۱۰ اثبات الهداء ج ۷ ص ۱۱۰ و ۱۶۹. ۲. منتخب الاثر ص ۹۸. ۳. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۹. ۴. اثبات الهداء ج ۷ ص ۱۱۰. ۵. نشریه موعود ش ۲۸ ص ۶۶۷. ۶. آخرین امید داود الهامی ص ۲۰۷. ۷. سنن ابی‌ماجه ج ۱، ص ۱۶. ۸. من لا یحضره الفقیه ج ۲، ص ۳۷۱. ۹. التذهیب طوس ج ۶ ص ۱۱۴. ۱۰. آخرین امید داود الهامی ص ۲۱۰.

مهدی موعود

موعود از القاب مشهور و رایج حضرت مهدی (ع) است. استاد علی دوانی، جلد سیزدهم بحار الانوار چاپ سنگی را در کتابی با همین عنوان، ترجمه کرده است که امروزه بسیار مورد استفاده علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. در شهر مقدس قم نیز بنیاد فرهنگی با

همین نام ، در زمینه مهدی پژوهی فعالیت می کند . نخستین کسی که در اسلام به او لقب مهدی موعود را دادند ، محمد حنفیه بود . موعود مهدی و نشانه های پیامبران حضرت زین العابدین (ع) فرمود : در قائم ما نشانه هایی از هفت پیامبر وجود دارد : نشانه ای از پدر ما آدم ، نشانه ای از حضرت نوح ، نشانه ای از حضرت ابراهیم ، نشانه ای از حضرت موسی ، نشانه ای از حضرت عیسی ، نشانه ای از حضرت ایوب (ع) و نشانه ای از حضرت محمد (ص) اما نشانه اش از حضرت آدم و نوح ، طول عمر است . نشانه اش از حضرت ابراهیم ، ولادت پنهانی و کناره گیری از مردمان است . نشانه اش از حضرت موسی ، استمرار ترس و غیبت است . نشانه اش از حضرت عیسی ، اختلاف مردم در حق اوست . نشانه اش از حضرت ایوب ، فرج بعد از شدت و گشایش پس از گرفتاری است و اما نشانه اش از حضرت محمد (ص) خروج او با شمشیر است . (۱) ۱- کمال الدین ج ۱ ، ص ۴۳۸ منتخب الاثر ص ۳۰۰ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۱۷ .

استضعاف

به معنای ناتوان شمردن و حقیر داشتن است . خداوند در قرآن کریم وعده داده که می خواهیم بر تحقیر شدگان در زمین منت نهاده و ایشان را به پیشوایی برسانیم و وارث پیشینیان شان کنیم . (۱) بسیاری گفته اند تحقق این وعده الهی ، در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) خواهد بود . ۱ . سوره قصص ۵ .

نا قور

از القاب حضرت مهدی (ع) و به معنای صور است مانند شاخ و مثل آن که در او می دمند . امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ، فاذا نقر فی الناقور (۱) فرمود : هرگاه خداوند اظهار امرش را اراده کرد ، در دلش می افکند آن گاه ظاهر می شود و خروج می کند به امر خداوند (۲) ۱ - سوره مدثر ۲۸ - نجم الثاقب باب دوم

ناحیه مقدسه

ناحیه در لغت به معنی جهت ، جانب ، کرانه و گوشه زمین است ، و ناحیه مقدسه از القاب حضرت مهدی (ع) است . (۱) این تعبیر احترام آمیز ، کنایه از جایگاه مخفی حضرت ولی عصر (ع) و یا کنایه از شخص آن حضرت بوده که این اسم رمز ، بین شیعیان در زمان غیبت صغری رواج داشته است (۲) شیخ طوسی فرموده است : شیعیان در زمان غیبت نخستین ، از آن حضرت و از غیبت او به عنوان ناحیه مقدسه تعبیر می کردند و این رمزی بود که شیعیان آن را می شناختند و امام را به یکدیگر معرفی می نمودند (۳) محدث نوری هم به نقل از جنات الخلود آورده است : در ایام تقیه ، گاهی آن حضرت را به این لقب می خواندند (۴) ۱ - نجم الثاقب باب دوم ۲ - مجمع البحرين ج ۱ ، ص ۳۴۱۰ - کشف الغمه ج ۳ ص ۴۳۰۹ - نجم الثاقب باب دوم

ناطق

از القاب حضرت مهدی (ع) است حضرت ، ناطق است چون آباء طاهرینش ، به علت نبودن اشخاص مورد اطمینان و جاملان اسرار الهی ، مهر خاموشی بر لب زده بودند ، اما حضرتش بیان کننده و ناطق همه علوم خواهد بود . روایت شده که رسول خدا (ص) اسامی ائمه را برای مسلمانان ذکر نمود تا این که فرمود : پس حسن بن علی ، صامت امین عسکری و سپس پسر او ، حجه الله ابن الحسن المهدی الناطق القائم بحق الله . (۱) در زیارت عاشورا نیز می خوانیم : و ان یرزقنی طلب ثاری مع امام هدی طاهر ناطق بالحق منکم (۲) که در این فراز ، یکی از القاب حضرت ، ناطق آمده است . ۱ . نجم الثاقب باب دوم ۲ . مفاتیح الجنان باب سوم

به معنای کسی است که یکی از نزدیکانش کشته شده و انتقام او را نگرفته باشد و از القاب حضرت مهدی (ع) است. در روایات متعددی، حضرت به لقب موتور ذکر شده است موتور (۱) به والد، منظور کسی است که پدرش کشته شده و خونخواهی او نشده است علامه مجلسی فرموده که مراد به والد، یا حضرت عسکری (ع) یا امام حسین (ع) و یا جنس والد که شامل همه ائمه (ع) می شود است. امام صادق (ع) نیز فرمود: قائم موتور و خشمناک خروج می کند در حالی که پیراهن خونین رسول خدا (ص) که در جنگ احد بر تن داشت، بر بدن آن حضرت است. (۲) در برخی روایات موتور بایه دارد. در زیارت عاشورا می خوانیم: السلام علیک یا ثار الله ابن ثاره والوتر الموتور (۳) یعنی درود بر تو ای کسی که خداوند از خون پاک تو و پدرت که به ناحق ریختند انتقام می گیرد و از ستم وارد بر تو داد خواهی می کند ۱. الرائد ج ۲ ص ۲۸۱۶۸. نجم الثاقب باب دوم ۳. مفاتیح الجنان باب سوم

نجم

از القاب آن حضرت است که در قرآن نیز آمده است. در سوره نحل می خوانیم و بالنجم هم یهتدون (۱) و شب هنگام به وسیله ستارگان هدایت می شوند. امام باقر (ع) در تفسیر این آیه شریفه فرمود: ستاره، ما هستیم (۲) ۱. سوره نحل ۱۶. ۲. نجم الثاقب باب دوم.

نعمت باطن

وقتی از امام هفتم تفسیر آیه و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه (۱) را پرسیدند، فرمود: نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطن، امام غائب است. پرسیده شد: آیا در میان شما کسی هست که عائب شود، فرمود آری، او کسی است که شخصاً از دیدگان غائب می گردد، ولی یادش از دل های مؤمنان نمی رود. او دوازدهمین ما ائمه است، خداوند هر مشکلی را برای او آسان می کند و هر گردن کشی را به وسیله او سرکوب می نماید... (۲) علاوه بر این که وجود حضرت، نعمت است، آن چه از نعمت ها که بندگان در آن غوطه ورنند از نعمت های ظاهری و باطنی همه به برکت وجود شریف حضرت حجت (ع) است. امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ثم لتسئلن یوم عن النعم (۱) می فرماید: نعیم ما هستیم (۳) وجود امام عظیم ترین نعمت های الهی است، زیرا که اصل سایر نعمت های ظاهری و باطنی است و از این جا است که در روایات آمده که همه مردم روز قیامت درباره نعیم مورد سؤال قرار می گیرند. البته نعمت های آن حضرت در زمان ظهورش نیز ویژگی خاصی دارد. (۴) چنان که اخباری در این باره وارد شده است پیامبر اکرم (ص) فرمود: امت من در زمان مهدی به نعمتی متنعم خواهند شد که هیچ گاه به مثل آن متنعم نگشته اند. آسمان باران رحمتش را بر آن ها می بارد و زمین هیچ گیاهی را رها نمی کند، مگر این که آن را برآورد (۵) حضرت امیر (ع) در تفسیر آیه مبارکه: الم تر الذین بدلوا نعمه الله کفراً (۶) آیا ندیدی آنان را که نعمت الهی را به کفر بدل ساختند، فرمود: ما آن نعمت هستیم که خداوند بر بندگان عناية کرده و به سبب ما رستگار می گردند آنان که روز قیامت رستگار می شوند (۷) پس خود حضرت مهدی (ع) نعمت است و از آن جا که شکر نعمت واجب است، شیعیان باید شکر نعمت حضرت را چنین به جا بیاورند: ۰۱ شناخت قلبی و معرفت این نعمت والای الهی ۰۲ بیان کردن فضایل و نشر دلایل آن بزرگوار ۰۳ صدقه دادن برای سلامتی وجود آن حضرت ۰۴ تقرب جستن به آستانه او با انجام دادن کارهایی که مورد پسند و مایه نزدیک شدن به درگاهش است ۰۵ اهتمام به دعاها و خالصانه برای تعجیل فرج آن حضرت (۸) ۱. سوره لقمان ۲۰. مهدی موعود علی دوانی

ص ۱۹۹. ۳. سوره تکاثر ۴۸. تفسیر برهان ج ۴ ص ۵۰۳. مکیال المکارم، ج ۱ ص ۲۹۲. ۶. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۸۳. سوره ابراهیم ۸۲۸. اصول کافی ج ۱ ص ۲۱۷. مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۶۳

نفس

از القاب حضرت مهدی (ع) است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

نهار

از القاب حضرت و به معنی روز است. شیخ فرات بن ابراهیم در تفسیر خود روایت کرده از امام باقر (ع) که فرمود: حارث اعور عرض کرد به امام حسین (ع) که: یابن رسول الله فدای تو شوم مرا از قول خداوند والشمس و ضحیها (۱) خبر ده فرمود: وای بر تو ای حارث این محمد رسول خدا است. گفتم: فدایت شوم معنای قول خداوند والقمر اذا تلیها (۲) چیست؟ فرمود: این امیرالمؤمنین، علی ابن ابی طالب (ع) است که در پی محمّد (ص) آمده. باز گفتم: قول خداوند والنهار اذا جلیها (۳) چیست؟ گفت: این قائم آل محمد (ع) است که زمین را از عدل و داد پر می کند و نیز در تفسیر علی بن ابراهیم روایت شده از امام باقر (ع) که فرمود: در آیه شریفه والنهار اذا تجلی (۴) نهار آن قائم از ما اهل بیت است که هرگاه بر خیزد، بر دولت باطل غلبه می کند. ۱. سوره شمس ۲۱. سوره شمس ۳۲. سوره شمس ۴۳. سوره لیل ۲

نور آل محمد

از القاب حضرت مهدی (ع) است در روایات آمده است که در آیه شریفه والله متم نوره (۱) یعنی به ولایت قائم (ع) و به ظهور آن حضرت، و در آیه واشرق الارض به نور ربها (۲) مراد روشن شدن زمین به نور آن حضرت است. در یکی از زیارات جامعه نیز در اوصاف آن حضرت می خوانیم: نور الانوار الذی تشرق به الارض عما قلیل روایت شده از جابر بن عبدالله انصاری که گفت: در مسجد کوفه داخل شدم، در حالی که امیرالمؤمنین (ع) با انگشتان مبارک خود می نوشت و تبسم می فرمود. گفتم: یا امیرالمؤمنین (ع) چه چیز شما را به خنده آورده است؟ فرمود: عجب دارم از آن که این آیه را می خواند ولی بهحق، به آن معرفت ندارد. گفتم: کدام آیه فرمود: الله نور السموات والارض، تا آخر مثل نوره کمشکوۃ مشکوۃ محمد (ص) است فیها مصباح، منم مصباح زجاجة الزجاجۃ حسن و حسین (ع) هستند. کانهاکوکب دری علی بن الحسین (ع) و یوقد من شجرة مبارکه محمد بن علی (ع) است. زیتونه، جعفر بن محمد (ع) است. لا- شرقیه موسی بن جعفر (ع) است. ولا- غریبه علی بن موسی الرضا (ع) است. یکاد زیتها یضئ محمد بن علی (ع) است. لو لم تمسسه نار علی بن محمد (ع) است نور علی نور حسن بن علی (ع) است. و یهدی الله لنوره من یشاء قائم مهدی (ع) است (۳) در پاره ای از اخبار معراج آمده است که نور آن حضرت، در عالم اظله میان انوار ائمه (ع) مانند ستاره ای درخشان بود در بین سایر کواکب (۴) ۱. سوره صف ۲۸. سوره زمر ۶۹. ۳. نجم الثاقب باب دوم ۴. همان

نور الاتقیاء

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

نور الاصفیاء

از القاب حضرت مهدی (ع) است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

نیة الصابرين

از القاب حضرت شمرده شده است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

هادی

از القاب حضرت مهدی (ع) است. در تاریخ جهضمی در باب القاب ائمه (ع) آمده است که القاب قائم (ع) هادی مهدی است. در اخبار و ادعیه و زیارات، حضرت به این لقب، فراوان ذکر شده است. مهدی یعنی هدایت شده و هادی یعنی هدایت کننده، و تفسیر هر یک به دیگری جایز است. از امام صادق (ع) از معنای مهدی پرسیدند، فرمود: آن که مردم را هدایت می کند یعنی مهدی کسی است که مقام هدایت یافتنش به جایی رسیده که می تواند از جانب خداوند در مقام هدایت کردن برآید. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

واقید

به معنای غایب شونده به مدت طولانی و از القاب حضرت است در کتب سماویه. در تاریخ عالم آرا آمده است که اسم حضرت در تورات واقید ما است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

وتر

به معنای "تنها" و فرد از القاب حضرت مهدی (ع) است. بدین جهت گفته اند، چون حضرت در کمال و فضایل، منفرد است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

وجه

از القاب آن حضرت است و در زیارت حضرت می خوانیم: السلام علی وجه الله المتقلب بین اظهر عباده (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

ولی الله

از القاب حضرت شمرده شده و در روایات، حضرت به این لقب، مکرر ذکر شده است خداوند در شب معراج فرمود: او یعنی قائم (ع) ولی من است. و نیز رسول خدا (ص) فرمود: چون وقت خروج او برسد، شمشیری غلاف کرده دارد که او را ندا می کند: برخیز، ای ولی الله و بکش دشمنان خدا را در روایت دیگری است که علم آن حضرت نیز، به همین لقب، وی را ندا می کند. (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

ولی عصر

از القاب حضرت مهدی (ع) است. به حضرت، ولی عصر گفته اند چون ولایت دارد بر "عصر" و زمان و مقدم است بر زمان. پس حضرت بر خود زمان نیز امام است و نه فقط اثرپذیر نیست، که تاثیر در زمان می کند. در بعضی روایات آمده که منظور از

عصر در سوره والعصر عصر ظهور مهدی (ع) است که در آن عصر، حق بر باطل به طور کامل غلبه می کند. (۱) ۱. تفسیر المیزان

ید الباسطه

از القاب حضرت و به معنای دستی است که رحمت و لطف را بر بندگان می گستراند روزی را زیاد می کند و بلا را دفع می نماید (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

يعسوب الدين

لقب حضرت قائم (ع) و يعسوب در لغت به معنای ملکه کندوی عسل است رسول خدا (ص) در حدیثی می فرماید امت مهدی به آن حضرت پناه می برند، چنان که زنبورهای عسل به ملکه خود (۱) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: مردم پیوسته در نقصانند، تا آنکه نام خداوند برده نمی شود. هرگاه چنین شد، يعسوب دین و اتباعش ثابت می ماند پس خداوند، گروهی را از اطراف زمین مانند ابرهای پاییز جمع می کند که عدد آن ها به عدد اهل بدر است در نهج البلاغه آمده است: فاذا كان ذلك ضرب يعسوب الدين بذنبه فيجتمعون اليه كانه يجتمع قزع الخريف سيد رضى فرموده است: يعسوب الدين، آن سيد عظیم است که در آن روز، مالک امور مردم است، و قزع، پاره ابری است که در او آب نیست (۲) ۱. ملا-حم ابن طاووس ص ۷۰ احقاق الحق ج ۱۳ ص ۱۵۴ ظ ۲. نجم الثاقب باب دوم.

یمین

از القاب حضرت صاحب الامر (ع) است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم.

اوقات مربوط به امام زمان

اوقات مخصوص حضرت

پاره ای از اوقات و زمان ها، اختصاص به امام عصر (ع) دارد که از آن جمله است: شب قدر، روز جمعه، روز عاشورا، عصر دوشنبه، عصر پنجشنبه، شب و روز نیمه شعبان، روز نوروز، و از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب آن در هر روز. (۱) ۱. نجم الثاقب باب یازدهم

اوقات و حالات دعا برای حضرت

در آیات و روایات، اوقات و حالات متعددی جهت دعا برای حضرت صاحب الزمان (ع) وارد شده است که از آن جمله است: بعد از هر نماز واجب، بعد از هر دو رکعت از نماز شب، در قنوت نمازها، در حال سجده، در سجده شکر، هر صبح و شام، آخرین ساعت از هر روز، روز پنجشنبه، شب و روز جمعه، روز نوروز، روز عرفه، عید فطر، عید قربان، روز دحو الارض، روز عاشورا، شب و روز نیمه شعبان، تمام ماه رمضان، بعد از ذکر مصیبت سیدالشهدا (ع)، بعد از زیارت امام زمان (ع)، پس از گریستن از ترس خداوند، پس از تجدید هر نعمت و زوال هر محنت، هنگام وارد شدن غم و اندوه، در سختی ها و گرفتاری ها، پس از نماز تسبیح نماز جعفر بن ابیطالب پیش از دعا برای خود و خانواده خود، عید غدیر، چهل روز مداومت به دعا برای فرج، ماه محرم و.

.. (۱) ۱. مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۸ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

جمعه

به سکون میم به معنی هفته و به ضم میم ، نام یکی از روزهای هفته است . (۱) روز جمعه از چند جهت اختصاص به امام زمان دارد . یکی آن که ولادت حضرت در آن روز بوده است . دیگر آن که ظهور آن جناب در روز جمعه خواهد بود . (۲) انتظار فرج در آن روز بیشتر از روزهای دیگر است ، بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آن را به عنوان یکی از اعیاد چهارگانه ، به جهت آن است که در روز زمین را از لوث شرک و کفر و از وجود ملدین و کافرین پاک می فرماید . راوی می گوید خدمت امام علی النقی (ع) رسیدم و گفتم : ای سید من حدیثی از رسول خدا (ص) روایت شده که معنای آن را نمی فهمم فرمود : چیست ؟ گفتم لا تعادوا الایام فتعادیکم یعنی با روزها دشمنی نکنید که آن ها با شما دشمنی خواهند ، کرد حضرت فرمود مراد از ایام ما هستیم مادامی که آسمان ها و زمین بپاست شنبه اسم رسول خدا (ص) است و یکشنبه امیر المؤمنین (ع) و دوشنبه حسن و حسین (ع) و سه شنبه علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد (ع) و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی (ع) و منم و پنجشنبه فرزندانم حسن (ع) و جمعه فرزند فرزندانم است و به سوی او اهل حق جمع می شوند (۲) سفیانی نیز در روز جمعه خروج می کند (۳) در فضیلت روز جمعه پیامبر (ص) فرمودند روز جمعه بهترین روزهاست و نزد خداوند از روز عید قربان و عید فطر ارجمندتر است (۴) همچنین امام باقر (ع) فرمودند خوبی و بدی در روز جمعه دو چندان می شود (۵) امام صادق (ع) نیز در روز جمعه عملی را برتر از صلوات بر محمد و آل محمد نمی داند . (۶) پیامبر (ص) فرمود : خداوند در روز جمعه ، ششصد هزار نفر را از آتش آزاد می سازد که همه مستحق دوزخ بوده اند (۷) اولین کسی که جمعه را جمعه نامید کعب ابن لوی بن غالب یکی از اجداد پیامبر (ص) بود . پیش از آن این روز را عروبه می گفتند . (۸) ۱ . معارف و معاریف ج ۴ ص ۱۹۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۷۹ . ۳ . مفاتیح الجنان اعمال روز جمعه ۴ . مفاتیح باب اول فصل پنجم ۵ . بشاره الاسلام ص ۱۹۲ ۶ . بحار الانوار ج ۸۹ ص ۳۶۷ . ثواب الاعمال ص ۱۷۲ . ۸ . خصال ص ۳۹۴

ساعت مخصوص حضرت

سید جلیل ابن طاووس در کتاب امان الاخطار فرموده که هر ساعتی از روز ، مختص به یکی از ائمه (ع) است که برای آن دو دعا است . ساعت اولی ، برای حضرت علی (ع) تا ساعت دوازدهم که برای مولای ما مهدی (ع) است مستحب است انسان دعای مخصوص آن ساعات را بخواند . و اما در دعای مختص به امام عصر (ع) که باید در ساعت دوازدهم روز خوانده شود ، مطلع آن چنین است ۱ . یا من توحید نفسه عن خلقه یا من غنی عن خلقه بصنعه یا من عرف نفسه خلقه بلطفه ۲ اللهم یا خالق السقف المرفوع والمهاد الموضع ورازق العاصی والمطیع الذی لیس من دونه ولی ولا شفیع (۱) ۱ . نجم الثاقب باب یازدهم .

شب جمعه

روایات ، قدر و منزلتی خاص برای این شب قائلند . تاکید و اهتمام دعا برای امام عصر (ع) در شب جمعه به چند جهت است : ۱ . اختصاص داشتن روز جمعه به آن حضرت ، پس شایسته است که در شب آن ، برای آن حضرت دعا شود ۲ . شب جمعه ، شب عرضه شدن اعمال به حضرت است . ۳ . در بعضی از کتب معتبر شیعه امامیه روایت آمده که از جمله اعمال شب جمعه ، آن است که صد بار گفته شود : اللهم صل علی محمد و آل محمد وعجل فرجه و اهلك عدوهم من الجن والانس من الاولین و آخرین (۱) ۴ . مرحوم محدث نوری در کتاب نجم الثاقب ، نقل کرده که خواندن دعای ندبه در شب جمعه مستحب است . ۵ . روایاتی که

امر کرده به دعا برای مؤمنین و مؤمنات در شب جمعه و آن حضرت از همه مؤمنین سزاوارتر است . (۲) ۰۱ بحارالانوار ج ۸۹ ص ۲۸۹ . ۰۲ مکیال المکارم ج ۲ ص ۵۵ ترجمه قزوینی

عرض اعمال

بر اساس روایات ، اعمال شیعیان در روزهای دوشنبه و پنج شنبه بر امام زمان (ع) عرف می شود . در این صورت لازم است انسان ، مراقب باشد عملی را مرتکب نشود که حین عرضه اعمال ، باعث شرمندگی او نزد امام (ع) شود و آن وجود مقدس را برنجاند . از امام مهدی (ع) روایت شده که : اعمال امت در هر دوشنبه و پنج شنبه بر پیغمبر (ص) عرضه می شود ، پس به آن آگاه می گردد . همچنین بر ائمه (ع) عرضه می شود و به آن علم پیدا می کنند . (۱) روایات در باب عرضه اعمال به حضرات ائمه (ع) به حد تواتر است ، ولی مضامین آن ها از نظر کیفیت و وقت عرضه متفاوت است : هر بامداد ، هر پنج شنبه و دو شنبه ، هر پنج شنبه ، اول هر ماه و به روایتی نیمه شعبان ، همه اعمال دوران سال بر حضرات معصومین (ع) عرضه می گردد (۲) عبدالله بن ابان زیات می گوید : به حضرت رضا (ع) عرض کردم که برای من و خاندانم دعایی بکنید . حضرت فرمودند : مگر من دعا نمی کنم به خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شبی بر من عرضه می شود ، لذا در هر مورد که مناسب باشد دعا کنم . عبدالله می گوید : از این حرف امام تعجب کردم . امام (ع) وقتی متوجه تعجب من شدند ، فرمودند : آیا کتاب خداوند را نمی خوانی ، آن جا که می فرماید : *وقل اعملوا فیسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون* (۳) و نیز نقل شده که روزی امام صادق (ع) خطاب به مردی که در مجلس آن حضرت حضور داشتند ، فرمودند : چرا رسول خدا (ص) را از خود می رنجانید؟ شخصی از حضرت سؤال کرد : یا بن رسول الله (ص) ما چگونه رسول خدا را ناراحت می کنیم؟ حضرت فرمودند : مگر نمی دانی که اعمال شما بر رسول خدا (ص) عرضه می شود ، پس اگر معصیتی در اعمال شما مشاهده نماید ، باعث ناراحتی خاطر او خواهد شد . پس با اعمال بدتان پیامبر اکرم (ص) را ناراحت نکنید ، بلکه سعی کنید با اعمال خوبتان او را مسرور سازید (۴) ۱ . نجم الثاقب باب یازدهم ۲۰ . معارف و معاریف ج ۷ ، ص ۳۳۷ . ۳ . سوره توبه ۱۰۵ منبع حدیث کافی ج ۱ کتاب الحجۃ . ۴ . نشریه موعود شماره ۱۸ ، ص ۷۲ .

امام مهدی در روایات

و صفات و جزئیات زندگی آن مصلح جهانی ، از پیامبر و سایر پیشوایان معصوم (ع) وارد شده است و علمای شیعه و سنی آن ها را در منابع معتبر خود آورده اند ، بیرون از شمار است . از این رو فقط فهرست قسمتی از آن ها را می آوریم : ۴۸ حدیث در مورد این که حضرت مهدی (ع) نامش ، نام مبارک پیامبر (ص) و کنیه اش ، کنیه شریف پیامبر (ص) است نقل شده ، ۱۳۶ حدیث درباره این که حضرت مهدی (ع) دوازدهمین امام و آخرین پیشوا است آمده ، ۲۱۴ حدیث در مورد این که حضرتش دهمین فرزند امیرمؤمنان علی (ع) است وارد شد ۱۹۲ حدیث در مورد این که آن حضرت از فرزندان حضرت فاطمه (ع) است ذکر شده ، ۳۰۸ حدیث در مورد این که وی ، نهمین فرزند امام حسین (ع) است بیان شد ، ۱۸۵ حدیث در مورد این که او ، هشتمین فرزند امام سجاد است نقل شده ، ۱۰۳ حدیث در مورد این که او هفتمین فرزند امام باقر (ع) است آمده ، ۲۰۲ حدیث در مورد این که او ، ششمین فرزند امام صادق (ع) است وارد شده ، ۱۹۹ حدیث در مورد این که او ، پنجمین فرزند حضرت موسی بن جعفر (ع) است بیان شده ، ۹۵ حدیث در مورد این که او ، چهارمین فرزند علی بن موسی الرضا (ع) است آمده ، ۹۰ حدیث در مورد این که او ، سومین فرزند جوادالائمه (ع) است نقل شد . ۹۰ حدیث در مورد اینکه او ، دومین فرزند امام هادی (ع) است آمده ، ۲۹۳ حدیث در مورد این که او فرزند بلافضل امام عسکری (ع) است نقل شده ، ۲۹۳ حدیث در باب ولادت با سعادت حضرتش آمده است ، ۱۴ حدیث درباره این که آن حضرت ، پنهانی متولد شده است بیان شده ، ۳۱۸ حدیث راجع به این که عمر شریفش بسیار طولانی

خواهد شد نقل شده است ، ۹۱ حدیث در مورد این که مدت زیادی از انظار غایب و پنهان خواهد بود آمده است ، ۱۰ حدیث در مورد این که غیبت حضرتش به دو غیبت صغری و کبری تقسیم می گردد ذکر شده است ، ۱۵ حدیث در مورد این که آیین وی ، همان آیین مبین اسلام و کتابش قرآن است آمده ، ۴۷ حدیث در مورد این که وی جهانیان را به دین مبین اسلام دعوت می نماید و در تمامی روی زمین حکومت واحد جهانی بر اساس قانون اسلام تشکیل می دهد نقل شده ، ۱۲۳ حدیث درباره برقراری عدالت اجتماعی در جهان توسط وی آمده است ، ۱۹ حدیث در مورد این که وی زمین را از شرک و کفر پاک می نماید آمده است ، ۷ حدیث در مورد این که ایمان و امنیت واقعی در حکومت عادلانه اش حکمفرما خواهد گردید آمده است ، ۱۲ حدیث در مورد این که اسلام ، شرق و غرب جهان را فرا خواهد گرفت نقل شده است ، ۷ حدیث در مورد این که بشر پیرو یک آیین خواهد گردید و همه در تحت لوای اسلام در خواهند آمد ، نقل شده است ، ۷ حدیث در مورد این که با شمشیر قیام خواهد کرد ذکر شده است ، ۵ حدیث در مورد این که در دوران حکومت عدالت پیشه او ، جهان آباد خواهد گردید و عقول مردمان کامل تر خواهد شد ، نقل شده است ، ۲۳ حدیث در مورد این که معجزات و امتیازات پیامبران در او جمع است و به دست توانای حضرتش ظاهر می گردد ، نقل شده است ، ۷ حدیث در مورد این که وقت ظهورش بر احدی از آحاد مردم معلوم نیست و هر کس وقت تعیین می کند دروغگوست آمده است ، ۲۵ حدیث در مورد این که اصحاب خاص آن حضرت ۳۱۳ نفرند و از اطراف و اکناف عالم به سرعت به اندازه ، یک چشم بر هم زدن نزدش جمع می شوند نقل شده است ، ۲۹ حدیث در مورد این که حضرت عیسی (ع) در نماز به وی اقتدا می نماید ، بیان شده است ، ۲۷ حدیث در مورد این که منادی آسمانی حضرتش را به نام و نشان به جهانیان معرفی می کن آمده است ، و بالاخره ۶۵۷ حدیث در مورد این که برای ظهور مبارک آن حضرت علایم و نشانه هایی خواهد بود که پیش از ظهور مبارکش به وقوع خواهد پیوست ، آمده است . (۱) ۱ . منتخب الاثر فصل دوم در ضمن ۴۹ باب .

امام مهدی در نهج البلاغه

مسأله مهدویت در نهج البلاغه از دو نظر قابل بررسی است . یکی از دیدگاه ملاحم و پیشگویی های امام (ع) و دیگری مربوط به آینده جهان است . و اما خطبه هایی که حضرت در آن ها به مهدویت اشاره کرده اند : خطبه ۱۰۰ ، ۱۳۸ ، ۱۵۰ ، ۱۸۲ ، ۱۸۷ ، ۱۹۵ و حکمت ۴۷ و ۲۵۹ در نهج البلاغه امیر مؤمنان (ع) درباره حضرت مهدی (ع) سخنانی آمده است . برای نمونه درباره سیرت حضرت ولی عصر (ع) در خطبه شیوایی چنین آمده : جامه حکمت به تن کرده ، و آن را با جمیع آداب و شرایطش ، از توجه و شناخت و اتصال با او و گسستن از غیر او ، فراگرفته است . پس حکمت نزد آن حضرت گمشده اوست که در جست و جوی آن کوشا است و آرزوی اوست که به برآورده شدنش دل بسته است . هنگامی که فتنه ها روی آورده اسلام غریب شود ، او در گوشه ای عزلت می گزیند و غربت اختیار می نماید . رنج ها را به جان می خرد و از عزلتگاه خود بیرون نمی آید . او یگانه بازمانده از حجت های پروردگار و واپسین جانشین از تبار پیامبران است . (۱) ابن ابی الحدید و دیگران تصریح کرده اند که این خطبه در حق قائم آل محمد (ع) می باشد (۲) و در خطبه شقشقیه در همین رابطه می فرماید : قسم به پروردگاری که دانه راشکافت و انسان را آفرید ، اگر نبود انبوه حاضران و قیام حجت با وجود یار و یاور ، و نبود آن پیمانی که خداوند از دانایان امت گرفته است که در برابر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمکش صبر نکنند ، هر آینه زمام و ریسمان شتر خلافت را برکوهان آن می انداختم . . . (۳) امیرالمؤمنین (ع) در این خطبه یکی از علل پذیرش بیعت را پس از ۲۵ سال فترت ، اجتماع انبوه مردم و زمینه سازی برای حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) و قیام قائم آل محمد به هنگام فراهم شدن اصحاب و یاران آن حضرت می شمارد . از جمله مطالبی که در نهج البلاغه درباره حضرت مهدی (ع) آمده است می توان چنین اشاره کرد : - خالی نبودن زمین از حجت های الهی خطبه ۱ - امام زمان ، جانشین پیامبران الهی خطبه ۱۸۲۰ - غیبت طولانی حضرت خطبه ۱۸۲ . - ظهور امام زمان بعد از

انتظاری طولانی خطبه ۱۵۰ - کامل شدن نعمت ها و برآورده شدن آرزوها در عصر ظهور حکمت ۲۰۹ - الهی شدن خواسته های بشر در زمان ظهور خطبه ۱۰۰۰ - محوری شدن قرآن در عصر ظهور خطبه ۱۳۸ - حاکمیت عدل اسلامی در عصر ظهور خطبه ۱۳۸ - احیای مجدد قرآن و سنت پیامبر (ص) در عصر ظهور همان ۱ . نهج البلاغه عده ج ۲ ص ۱۰۸ شرح باب الحديد ج ۲ ص ۴۳۵ . ۲ . شرح ابن ابی الحديد ج ۴ ص ۳۳۶ . نهج البلاغه عده ج ۱ ص ۳۶ .

پدر حضرت

پدر حضرت

حسن بن علی بن محمد بن علی ، ملقب به عسکری ، یازدهمین امام از ائمه معصوم (ع) ، پدر حضرت مهدی (ع) دوازدهمین امام بوده است . در روز هشتم یا چهارم یا دهم ربیع الثانی سال ۲۳۱ یا ۲۳۲ هـ ق در مدینه متولد و در روز هشتم یا اول ربیع الاول سال ۲۶۰ هـ ق در سامرا وفات یافت . دوران امامت این امام ، شش سال بوده و در مدت عمر بیست و هشت یا بیست و نه سال خویش ، منشأ برکات و فیوضات بسیاری بوده است . آن حضرت در دوران حکومت معتمد عباسی از دنیا رفت و در کنار قبر پدرش در سامرا مدفون گشت . حضرت عسکری (ع) ، جز امام مهدی (ع) فرزندی نداشته است . (۱) ۱ . معارف و معاریف ج ۴ ص ۵۱۴

القاب پدر حضرت

اشاره

حسن خالص از القاب ناشناخته حضرت عسکری (ع) است . شیراوی شافعی از علمای اهل سنت درباره ولادت حضرت مهدی (ع) در کتاب خویش می نویسد : امام یازدهم ، حسن خالص است که به لقب عسکری معروف است و او را شرافت همین بس که امام مهدی (ع) از فرزندان گرانمایه اوست (۱) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ۰ سید محمد کاظم قزوینی ص ۱۶۸ .

نماز بر پیکر پدر

امام حسن (ع) در آستانه ارتحال قرار گرفت . چند روزی کسالت شدید پیدا کرد . خلیفه از این امر آگاه شد . به دستور وی ، گروهی از سران دولت و جمعی از پزشکان ، به منزل امام یازدهم (ع) رفتند ، تا ضمن مداوای حضرت و کسب وجهه عمومی ، اوضاع و شرایط رازیر نظر بگیرند و رفت و آمدها را به کنترل در بیاورند و اگر صحنه مشکوکی در رابطه با جانشینی و امامت پس از وی دیدند ، آن را گزارش کنند . (۱) تا این که هشتم ربیع الثانی سال ۲۶۰ هـ ق امام حسن عسکری (ع) در شهر سامرا ، چشم از جهان فرو بست . ابوالادیان می گوید : هنگامی که به خانه امام حسن (ع) رسیدیم ، وی را در حالی دیدیم که کفن شده بود . برادرش جعفر جلو افتاد تا بر جنازه امام نماز بخواند . هنوز تکبیر را نگفته بود که کودکی جلو آمد ، لباس جعفر را گرفت و او را از جنازه کنار زد و فرمود : ای عمو کنار بایست که من از تو برای نماز گذاردن بر پدرم شایسته ترم . (۲) جعفر نیز در حالی که رنگ از چهره اش پریده بود کنار رفت . ۰۱ بحار الانوار ج ۵۰ ص ۳۲۸ . ۲ . کمال الدین ص ۴۷۵ .

تداوم امامت

این اندیشه که پس از حضرت امام حسن عسکری (ع) چه کسی زمام امور شیعیان را بر عهده خواهد گرفت ، ذهن و دل بسیاری از یاران آن حضرت را به خود مشغول داشته بود و از این رو آن ها تلاش می کردند در فرصت های نادری که توفیق زیارت حضرتش

را می یافتند به نوعی پرسش درونی خود را با امامشان مطرح کنند. از جمله در یکی از روزها که عثمان بن سعید عمری یار ویاور باوفای حضرت عسکری (ع) نیز در مجلس آن حضرت حضور داشت، یکی از یاران ایشان پرسید: شما درباره این حدیث که از پدران بزرگوارتان نقل شده چه می گوئید: زمین تا روز قیامت از حجت خدا بر بندگان تهی نمی ماند. وهرکس که بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است آن حضرت در پاسخ فرمود: آری این سخن همانند روز حق است. باز پرسید: ای پسر رسول خدا، پس چه کسی پس از شما امام و حجت خواهد بود؟ حضرت فرمود: پس از من، پسر محمد، امام و حجت خواهد بود. هرکسی بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. آگاه باشید که او را غیبتی است که در آن نادانان به گمراهی می افتند و اهل باطل هلاک می گردند. هرکس که در این دوران برای ظهور تعیین وقت کند، دروغ می گوید. سپس با سپری شدن دوران غیبت او ظهور می کند. گویا پرچم های سفیدی را که در نجف کوفه بر بالای سرش در اهتزاز است می بینیم. (۱) با انتصاب حضرت مهدی (ع) به عنوان دوازدهمین امام شیعیان، شجره طویه امامت، برگ و باری تازه یافت. (۲) ۱. کمال الدین ج ۲ ص ۲۴۰۹. نشریه موعود شماره ۲۰ ص ۵۱

اموال و دارایی حضرت

زمینی که مسلمانان به زور شمشیر از کفار گرفته و به قلمرو حکومت خویش در آورده باشند گویند. چنین زمینی ملک امام و متعلق به عموم مسلمین است و در عصر حضور جز به اذن امام نمی توان در آن تصرف کرد. ولی در عصر غیبت، محل خلاف است که آیا مسلمانان، آن را مالک می شوند و قابل نقل است، یا به گونه اباحه در آن تصرف می کنند و نقل و انتقال، به تبع آثار متصرف خواهد بود. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۹ ص ۵۵۲

داستانها

خواب مخزومی (مخزومی، مردی از قبیله مخزوم است.) در حدیثی از امام صادق (ع) که از اجتماع یاران حضرت مهدی (ع) سخن می گوید آمده است: وقتی حضرت با یارانش در مکه گرد می آیند، در کوچه های مکه به راه می افتند، تا برای خود محل اقامتی پیدا کنند. مردم مکه افراد ناشناسی را در میان خود می بینند و می گویند: تا به امروز آن ها را در این شهر ندیده ایم به ناگاه مرد مخزومی وارد می شود و می گوید: من خوابی دیده ام که بسیار پریشان و نگران هستم. مردم می گویند: بیا بر نزد فلان ثقفی برویم چون به پیش او می روند، مرد مخزونی چنین می گوید ابری را دیدم که از اعماق آسمان ظاهر شد و به تدریج پایین آمد تا به نزدیکی کعبه رسید و آنگاه دور کعبه طواف نمود در این ابر، ملخ های فراوانی با بال های سبز بود که تا مدتی بس دراز دور خانه خدا طواف می کردند. آنگاه به چپ و راست پراکنده شدند، به هیچ آبادی نمی رسیدند جز این که به خاکستر می نشاندند. به هیچ قلعه ای نمی رسیدند جز این که ویران می کردند. سپس از خواب بیدار شدم و چون بید لرزیدم و تاکنون هم در ترس و وحشت هستم. مرد ثقفی می گوید: امشب لشکری از لشکریهای الهی بر شهر شما وارد شده، که شما را یارای مقاومت در برابر آنها نیست. مردم مکه از شنیدن این حرف پریشان می شوند و می گویند چیز عجیبی به وجود آمده است. در بامداد چنین شبی بیعت مبارک انجام می پذیرد و مردم مکه نیز بیعت کرده و به سپاه حق ملحق می شوند و خواب مخزومی و تعبیر ثقفی تحقق می یابد (۱) ۱. روزگار رهایی ج ۱ ص ۴۳۳

دعاها

نافله

نماز نافله نماز سنت است که واجب نیست و آن دو قسم است: مبتدئه، مرتبه. مبتدئه نافله ای است که وقت معینی نداشته باشد که نماز در هر حال مطلوب و مقرب به خداست. مرتبه نوافل شب و روز است که ۳۴ رکعت است. مرحوم محدث نوری، حکایت سید رشتی را چنین نقل می کند که حضرت مهدی (ع) به سید دستور خواندن نافله، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می دهد و پس از آن می فرماید: شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، نافله (۱) برخی می گویند مراد امام (ع) از نافله، نافله شب است. ۱. نجم الثاقب باب سوم

نماز حاجت

از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان (ع) روایت شده که: هر کس حاجتی دارد باید بعد از نیمه شب جمعه، غسل کند و به مصلاهی خود برود و دو رکعت نماز بگذارد. در هر رکعت سوره حمد را بخواند و به ایاک نعبد و ایاک نستعین که رسید صد مرتبه آن را تکرار کند. سپس حمد و سوره را کامل بخواند و رکوع و سجود بجا بیاورد. در رکوع، سبحان ربی العظیم و بحمده و در دو سجده سبحان ربی الاعلی و بحمده را هفت مرتبه بگوید. همانا خداوند، حاجت او را برآورده می کند، هرگونه حاجتی که باشد مگر آن که حاجت او در قطع کردن صله رحم باشد. (۱) ۱. نجم الثاقب باب هفتم.

آثار دعای فرج

روایات مختلفی به بیان آثار، فوائد و ویژگی هایی که بر دعا کردن برای تعجیل فرج مترتب است، پرداخته است که به پاره ای از آن ها اشاره می کنیم: ۱. فرمایش حضرت ولی عصر (ع): بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که فرج شما در آن است. ۲. این دعا سبب زیاد شدن نعمت ها است. ۳. اظهار محبت قلبی است. ۴. نشانه انتظار است. ۵. زنده کردن امر ائمه اطهار (ع) است. ۶. مایه ناراحتی شیطان لعین است. ۷. نجات یافتن از فتنه های آخر الزمان است. ۸. اداء قسمتی از حقوق آن حضرت است که اداء حق هر صاحب حقی، واجب ترین امور است. ۹. تعظیم خداوند و دین خداوند است. ۱۰. حضرت صاحب الزمان (ع) در حق او دعا می کند. ۱۱. شفاعت آن حضرت در قیامت شامل حال او می شود. ۱۲. شفاعت پیغمبر (ص) ان شاء الله شامل حالش می شود. ۱۳. این دعا امتثال امر الهی و طلب فضل و عنایت او است. ۱۴. مایه استجابت دعا می شود. ۱۵. اداء اجر رسالت است. ۱۶. مایه دفع بلا است. ۱۷. سبب وسعت روزی است ان شاء الله. ۱۸. باعث آمرزش گناهان می شود. ۱۹. سبب تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می شود ان شاء الله. ۲۰. سبب رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت می شود ان شاء الله. ۲۱. از برادران پیغمبر (ص) خواهد بود. ۲۲. فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان (ع) زودتر واقع می شود. ۲۳. پیروی از پیغمبر و امامان (ع) خواهد بود. ۲۴. وفای به عهد و پیمان خداوندی است. ۲۵. آثار نیکی به والدین برای دعا کننده حاصل می گردد. ۲۶. فضیلت رعایت و اداء امانت برایش حاصل می شود. ۲۷. زیاد شدن اشراق نور امام (ع) در دل او است. ۲۸. سبب طولانی شدن عمر است ان شاء الله. ۲۹. تعاون و همکاری در کارهای نیک و تقوی است. ۳۰. رسیدن به نصرت و یاری خداوند و پیروزی بر دشمنان به کمک خداوند است. ۳۱. سبب هدایت به نور قرآن مجید است. ۳۲. نزد اصحاب اعراف معروف می گردد. ۳۳. به ثواب طلب علم نائل می شود ان شاء الله. ۳۴. از عقوبت های اخروی ان شاء الله در امان می ماند. ۳۵. هنگام مرگ به او مژده می رسد و با او به نرمی رفتار می شود. ۳۶. این دعا اجابت دعوت خدا و رسول (ص) است. ۳۷. با امیرالمؤمنین (ع) و در درجه آن حضرت خواهد بود. ۳۸. محبوب ترین افراد نزد خداوند خواهد بود. ۳۹. عزیزترین و گرامی ترین افراد نزد پیغمبر (ص) می شود. ۴۰. ان شاء الله از اهل بهشت خواهد شد. ۴۱. دعای پیغمبر (ص) شامل حالش می گردد. ۴۲. کردارهای بد او به کردارهای نیک مبدل می شود. ۴۳. خداوند متعال در عبادت، او را تأیید می فرماید. ۴۴. ان شاء الله با این دعا عقوبت از اهل

زمین دور می شود . ۴۵ . ثواب کمک به مظلوم را دارد . ۴۶ . ثواب احترام به بزرگتر و تواضع نسبت به او را دارد . ۴۷ . پاداش خونخواهی حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) را دارد . ۴۸ . شایستگی دریافت احادیث ائمه اطهار (ع) را می یابد . ۴۹ . نور او برای دیگران نیز روز قیامت درخشان می گردد . ۵۰ . هفتاد هزار نفر از گنهکاران را شفاعت می کند . ۵۱ . دعای امیرالمؤمنین (ع) در روز قیامت ، شاملش می گردد . ۵۲ . بی حساب داخل بهشت می شود . ۵۳ . از تشنگی روز قیامت در امان می ماند . ۵۴ . در بهشت جاودان است . ۵۵ . مایه خراش روی ابلیس و مجروح شدن دل او است . ۵۶ . روز قیامت هدیه های ویژه ای دریافت می دارد . ۵۷ . خداوند عزوجل از خدمتگزاران بهشت نصیبت می فرماید . ۵۸ . در سایه گسترده خداوند قرار گرفته و رحمت بر او نازل می شود مادامی که مشغول آن دعا باشد . ۵۹ . پاداش نصیحت مؤمن را دارد . ۶۰ . مجلسی که در آن برای حضرت قائم عجل الله فرجه دعا شود ، محل حضور فرشتگان می گردد . ۶۱ . دعا کننده مورد مباحثات خداوند می شود . ۶۲ . فرشتگان برای او طلب آمرزش می کنند . ۶۳ . از نیکان مردم پس از ائمه اطهار (ع) می شود . ۶۴ . این دعا اطاعت از اولی الامر است که خداوند اطاعت شان را واجب ساخته است . ۶۵ . مایه خرسندی خداوند عزوجل می شود . ۶۶ . مایه خشنودی پیغمبر (ص) می گردد . ۶۷ . این دعا خوشایندترین اعمال نزد خداوند است . ۶۸ . از کسانی خواهد بود که خداوند در بهشت به او حکومت می دهد ، ان شاء الله . ۶۹ . حساب او آسان می شود . ۷۰ . این دعا در عالم برزخ و قیامت مونس مهربانی خواهد بود . ۷۱ . این عمل بهترین اعمال است . ۷۲ . باعث دوری قصه ها می شود . ۷۳ . دعای هنگام غیبت بهتر از دعای هنگام ظهور امام (ع) است . ۷۴ . فرشتگان درباره اش دعا می کنند . ۷۵ . دعای حضرت سیدالسادین (ع) که نکات و فوائد متعددی دارد شامل حالش می شود . ۷۶ . این دعا تمسک به ثقلین کتاب و عترت است . ۷۷ . چنگ زدن به ریسمان الهی است . ۷۸ . سبب کامل شدن ایمان است . ۷۹ . همانند ثواب همه بندگان به او می رسد . ۸۰ . تعظیم شعائر خداوند است . ۸۱ . این دعا ثواب کسی که با پیغمبر (ص) شهید شده را دارد . ۸۲ . ثواب کسی که زیر پرچم حضرت قائم (ع) شهید شده را دارد . ۸۳ . ثواب احسان به مولای ما حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه را دارد . ۸۴ . در این دعا ، ثواب گرامی داشتن عالم هست . ۸۵ . پاداش گرامی داشتن شخص کریم را دارد . ۸۶ . در میان گروه ائمه اطهار (ع) محشور می شود . ۸۷ . درجات او در بهشت بالا می رود . ۸۸ . از بدی حساب در روز قیامت در امان می ماند . ۸۹ . به بالاترین درجات شهدای روز قیامت نائل می شود . ۹۰ . ورستگاری به سبب شفاعت فاطمه زهرا (ع) را در پی دارد . (۱) ۱ . مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۵۱ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

دعا برای سلامتی حضرت

یکی از وظایف منتظران ، دعا کردن برای سلامتی حضرت مهدی (ع) است . دعا کردن برای سلامتی حضرت آثار و برکات فراوانی دارد که عبارتند از : دعا نشانگر علاقه و محبت مسلمانان به ایشان است اگر چه دوستی تمام ائمه معصومین (ع) بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است ، در عین حال دعا کردن در حق امام زمان (ع) موجب ازدیاد محبت آن حضرت در دل و در نتیجه موجب تقویت ایمان می گردد . ۲ . دعا اظهار تجدید عهد و پیمان با آن حضرت است و محتوای پیمان با آن حضرت را دین داری ، شریعت محوری و تصمیم قلبی بر اطاعت امر امام (ع) و یاری رساندن او با نثار جان و مال تشکیل می دهد . تجدید بیعت با آن حضرت (ع) کاری است که بعد از هر نماز از نمازهای پنجگانه یا در هر روز و یا در هر جمعه انجام آن مستحب است . هر روز بعد از نماز صبح ، دعاهایی که مربوط به وجود مبارک امام عصر (ع) است خوانده شود ، بسیار مفید و مؤثر خواهد بود . دعای شریف اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین . . . و نیز " دعای عهد " شاهی برای این سخن است . ۳ . دعا سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد . یاد امام زمان (ع) توجه به ارزش های دین و اصول اخلاقی را در دل ها زنده می کند و غفلت از یاد امام ، یکی از دلایل عمده پرمردگی و سستی ارزش های الهی و انسانی در جوامع اسلامی

است . ۴ . کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است ، مسلماً آرزودن آن حضرت برایش سخت است در نتیجه دعا برای سلامتی آن حضرت ، انسان را به انجام کارهایی وامی دارد که موجب خشنودی آن حضرت و در نتیجه سبب رسیدن به مقام رضوان الهی می گردد . ۵ . دعا بسیار موثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می شود . ۶ . دعا موجب قرب الهی است . امام مهدی (ع) در خصوص زیارت آل یس می فرمایند : هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند وبه ما توجه کنید ، این زیارت را که از جانب خداوند انشا شده است ، بخوانید . این زیارت که از جهات مختلف محتوایی عمیق دارد بسیار مورد تاکید و سفارش قرار گرفته است این زیارت از ابتدا تا انتها ، دعا برای سلامتی ، تندرستی و بهروزی امام زمان (ع) است در دعای بعد از این زیارت نیز معانی بلندی نهفته است مانند : خدایا او امام زمان (ع) را از شر هر متجاوز و سرکشی و از شر همه خلق خود پناه ده و او را از حوادث یومیه ، از پیش رو و از پشت سر و از طرف چپ ، حفظ و نگه داری کن و از این که آسیب و گزند به او برسد ، جلوگیری کن و در خصوص او ، رسولت و خاندان رسولت را حفظ نما و به دست مبارکش عدل و داد را پدیدار نما اللهم اعذه من شر کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقک و احفظه من بین یدیه و من خلقه و عن یمنه و عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء و احفظ فیه رسولک و آل رسولک و اظهر به العدل . . . نیز دعا کردن برای سلامتی و فرج آن حضرت ، اطاعت از امر خداوند و نیز اهل بیت پیامبر اکرم (ص) است و هر که خدا و رسولش را اطاعت کند و خداترس و پرهیزکار باشد ، چنین کسی به فوز و سعادت خواهد رسید (۱) آخرین نکته این است که هر چند طبق وعده الهی حضرت زنده و باقی هستند ، تا زمانی که پرچم توحید و عدل را در همه جهان به اهتزاز در آورند ، ولی بالاخره بشر هستند و در معرض آفات جسمانی و بلاهای طبیعی و ممکن است مریض شوند و دچار کسالت گردند و از این نظر دعای ها برای سلامتی حضرت و حفظ ایشان از این آفات و حوادث ، بدون شک در سلامتی وجود آن عزیز عالم وجود و آخرین در صدف امامت و ولایت ، مؤثر و مفید است و بهترین ادعیه برای سلامتی حضرت ، دعای معروف اللهم کن لولیک الفرج . . . است . ۱ . نور ۵۲ .

اوقات و حالات دعا برای حضرت

در آیات و روایات ، اوقات و حالات متعددی جهت دعا برای حضرت صاحب الزمان (ع) وارد شده است که از آن جمله است : بعد از هر نماز واجب ، بعد از هر دو رکعت از نماز شب ، در قنوت نمازها ، در حال سجده ، در سجده شکر ، هر صبح و شام ، آخرین ساعت از هر روز ، روز پنجشنبه ، شب و روز جمعه ، روز نوروز ، روز عرفه ، عید فطر ، عید قربان ، روز دحو الارض ، روز عاشورا ، شب و روز نیمه شعبان ، تمام ماه رمضان ، بعد از ذکر مصیبت سیدالشهدا (ع) ، بعد از زیارت امام زمان (ع) ، پس از گریستن از ترس خداوند ، پس از تجدید هر نعمت و زوال هر محنت ، هنگام وارد شدن غم و اندوه ، در سختی ها و گرفتاری ها ، پس از نماز تسبیح نماز جعفر بن ابیطالب ، پیش از دعا برای خود و خانواده خود ، عید غدیر ، چهل روز مداومت به دعا برای فرج ، ماه محرم و . . . (۱) ۱ . مکیال المکارم ج ۲ ، ص ۱۸ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

دعای افتتاح

دعایی است که حضرت مهدی (ع) آن را به محمد بن عثمان دومین نائب خاص تعلیم داده و او منتشر نموده است . علامه مجلسی در زاد المعاد می آورد : امام زمان (ع) آن را برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند . فرشتگان می شنوند و برای خواننده آن استغفار می کنند . در این دعای شریف به ویژگی های حکومت حضرت به عنوان دولت کریمه اشاراتی شده است . (۱) ۱ . سیره چهارده معصوم محمدی اشتهاردی ، پاورقی ص ۹۷۴ .

دعای سمات

جمع سَمَه به معنی علامت ها و نشانه ها است . دعایی است معروف که علامه مجلسی در سلسله سند آن ، نام محمد بن عثمان عمری ، یکی از نواب خاص حضرت حجت (ع) را ذکر کرده است (۱) نیز در مصباح شیخ طوسی و جمال الاسبوع سید بن طاووس ، به سندهای معتبر ، این دعا از محمد بن عثمان عمری است و از حضرت امام محمدباقر و امام جعفر صادق (ع) روایت شده است . دعای شبور هم نامیده می شود و خواندن آن در ساعات آخر روز جمعه مستحب است . مطلع آن چنین است : اللهم انی اسئلك باسمك العظيم الاعظم ... (۲) ۱ . معارف و معاریف ج ۶ ص ۳۲۷ . ۲ . مفاتیح الجنان باب اول .

دعای عبرات

دعایی است که از امام صادق (ع) روایت شده است . آورده اند که امام زمان (ع) جهت خلاص شدن شخصی ، از دست گروهی ظالم ، خواندن این دعا را سفارش کرده است . مطلع آن چنین است : اللهم انی اسئلك یا راحم الدرات ویا کاشف الکربات ، انت الذی تشفع سحائب المحن ... (۱) ۱ . نجم الثاقب ، باب هفتم .

دعای غریق

از ادعیه ای است که خواندن آن در دوران غیبت حضرت مهدی (ع) سفارش شده است . امام صادق (ع) فرمودند : به زودی امر مشتهبی غیبت طولانی به شما می رسد ، پس بدون نشانه ای که دیده شود و بدون امام هدایت کننده می مانید . از آن نجات نمی یابد ، مگر کسی که دعای غریق را بخواند . راوی می گوید : دعای غریق چگونه است ، حضرت فرمودند : می گویی : یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک (۱) ۱ . کمال الدین ص ۳۵۱ .

دعای فرج

دعایی است که برای طلب ظهور حضرت مهدی (ع) خوانده می شود . چندین دعا به دعای فرج معروف است ، اول : دعای یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یواخذ بالجریرة ولم یهتلك الستر یا عظیم المن یا کریم الصفح یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین الرحمۃ یا منتهی کل نجوی ویا غایه کل شکوی یا عون کل مستعین یا مبتداء بالنعم قبل استحقاقها یا رباه ده مرتبه یا غایه رباه ده مرتبه اسئلك بحق هذه الاسماء بحق محمد وآله الطاهرين الا ما کشف کربی و نفسک همی و خرجت غمی واصلحت حالی دوم : امیرالمؤمنین علی (ع) برای حاجتی نزد حضرت رسول (ص) شکایت کرد و پیامبر به ایشان این دعا را توصیه کرد : یا عماد من لاعتماد له ویا سند من لا- سند له ویا ذخر من لا ذخر له ویا حرز من لا حرز له ، یا فخر من لا فخر له ویا رکن من لا رکن له یا عظیم الرجاء یا عزّ الضعفاء یا منقذ الغرقى یا منجی الهلکی یا محسن یا مجمل یا منعم یا مفضل اسئل الله الذی لا اله الا انت الذی سجد لک سواد اللیل وضوء النهار وشعاع الشمس ونور القمر ودوی الماء وخفیف الشجر یا الله یا رحمن یا ذا الجلال والاكرام . و امیرالمؤمنین (ع) این دعا را دعای فرج نامید . سوم : مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید و از گرفتاری خویش شکایت کرد . آن حضرت برای فرج او خواندن این دعا را سفارش کرد : الهی طموح الامال قد حاجت الا ، لیدیک و معاکف الهمم قد تعطلت الا الیک و مذاهب العقول ... چهارم : اللهم یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعلا لما یرید اسئلك بنور وجهک الذی ملأ اركان عرشک وبقدرتک التی قدرت بها علی جمیع خلقک و برحمتک التی وسعت کل شی لا اله الا ، انت یا مبدی یا معید لا اله الا ، انت یا اله البشر یا عظیم الخطر منك الطلب والیک الهرب وقع بالفرج یا مغیث اغثنی . پنجم : اللهم انی اسئلك یا الله یا الله یا من

علا- فقهر یا من بطن فخر (۱) ششم : کفعمی در بلد الامین فرموده ، این دعاء حضرت مهدی (ع) است که آن را به شخصی که محبوس بود ، تعلیم فرمود و آن فرد خلاص شد : إلهی عظم البلاء و برح الخفاء وانكشف الغطاء (۲) هفتم : برخی دعای اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه . (۳) را دعای فرج نامیده اند . ۱ . نجم الثاقب ، باب هفتم حکایت سی ام ۲ . مفاتیح الجنان باب اول ۳ . مصباح المتهجد ص ۶۳۰ بلد الامین ، ص ۲۰۳ .

دعای ندبه

دعایی است جامع و پر سوز که از دیرباز مورد توجه شیعیان و منتظران حقیقی حضرت ولی عصر (ع) بوده است . این دعا در حقیقت ، بیانگر تاریخ فشرده ای از حضور حجت ها و اولیای الهی بر پهنه خاک است . سلسله ای که از حضرت آدم (ع) آغاز ، و تا آخرین حجت خدا ، حضرت مهدی (ع) ادامه می یابد . دعای ندبه را امام جعفر صادق (ع) به دوستان و شیعیانش تعلیم داده و به آن ها امر فرموده که این دعا را در اعیاد چهار گانه فطر ، قربان ، غدیر و جمعه بخوانند و به ما امر فرموده که در عصر غیبت با این دعا ، با پیشوای خود راز دل بگوئیم و تجدید میثاق کنیم . برخی معترضان به دعای ندبه می گویند : هنگامی که امام صادق (ع) دعای ندبه را انشا فرموده ، بیش از یک قرن به تولد حضرت ولی عصر (ع) مانده بود ، پس چگونه ممکن است ، انسان نسبت به انسانی که بعد از یک قرن به دنیا می آید ، گریه و زاری کند و در فراقش اشک بریزد؟ پاسخ این است که : این معنی درباره افراد معمولی متصور است ، اما اگر فرد مورد نظر گل سرسبد جهان خلقت باشد و همه پیامبران الهی ، نوید او را به پیروان خود داده باشند و به امت خود از غیبت طولانی و انتظار او گفت و گو کرده باشند ، بسیار منطقی است که افراد درد آشنا در انتظار آمدنش ثانیه شماری کنند و از طول غیبتش گریه ها سر دهند . (۱) گروهی از اصحاب به محضر امام صادق (ع) شرفیاب شده و حضرتش را دیدند که روی خاک ها نشسته ، همانند مادر داغ دیده ، سیل اشک ، روان کرده و ناله های جانسوز سر می دهد . هنگامی که از علت آن جويا شده بودند فرمودند که برای طولانی شدن غیبت حضرت قائم (ع) و پریشانی مؤمنان در دوران غیبت اشک می ریزند . (۲) بسیاری از امامان (ع) در قنوت نماز خود ، از غیبت ولی به پیشگاه خداوند شکایت می کردند و می فرمودند : اللهم إنا نشکوا إلیک فقد نبیا و غیبة و لینا از جمله آنان ، امام علی ، امام جواد ، امام هادی ، امام حسن عسکری و امام باقر است (۳) عاشقان و منتظران مولا ، دعای ندبه را هر صبح جمعه زمزمه می کنند . متن کامل این دعای ارزشمند در مفاتیح الجنان آمده است . علاوه بر دعای ندبه ، یکی از زیارتنامه های سرداب مقدس نیز ندبه نامیده می شود و آن زیارت ، مشهور به زیارت آل یاسین است (۴) ۱ . با دعای ندبه در پگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ، ۲۰۳۰ . کمال الدین ، ج ۲ ص ۳۵۳ . با دعای ندبه در پگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ص ۳۴ . همان ص ۱۶۷ .

سندهای ندبه

معارف والا ومعانی روشن که با اسلوبی بدیع ، شیوا و منطقی و عباراتی بلند و فصیح در این دعای شریف آمده ، ما را از ارائه هر گونه سند و منبع بی نیاز می کند ، که چنین حقایق تابناک و دقایق درخشان ، هرگز از هیچ منبعی ، جز سرچشمه زلال ولایت صادر نشود . ولی برای یقین بیشتر و نورانیت دل های مشتاقان ، برخی منابع محکم دعای ندبه را می آوریم : نخستین فرد موثق و مورد اعتمادی که دعای شریف ندبه را در اثر مکتوب خود از امام صادق (ع) روایت کرده ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری است . وی از استادان شیخ مفید است و شیخ مفید به فراوانی از او روایت کرده است حاج آقا بزرگ تهرانی می نویسد : وثاقت او ، از نقل فراوان شیخ مفید از او ، و طلب مغفرت بر او آشکار می باشد . (۱) دومین فرد مورد اعتماد و استنادی که دعای ندبه را در کتاب خود آورده ، محمد بن علی بن ابی قره است که در کتاب الدعاء آن را از کتاب بزوفری نقل کرده است . علامه مجلسی نیز می نویسد : و

اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه و تأسف بر غیبت حضرت قائم (ع) به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است (۲) علامه مجلسی در همین فراز کوتاه به نکات ارزشمندی اشاره فرموده: دعای ندبه از نظر محتوا مشتمل بر عقاید حقه است، مأثور است و از معصوم رسیده است. از نظر سند معتبر است و سند آن به امام صادق (ع) می رسد. (۳) علمای بسیاری چون حاج شیخ عباس قمی، سید محسن امین، شیخ محمدباقر فقیه ایمانی، میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی، میرزا حسین نوری، صدر الاسلام همدانی، سید محمد طباطبایی یزدی، سید حیدر کاظمی، سید ابن طاووس، و ابن مشهدی، دعای ندبه را در کتاب های ارزشمند خود نقل کرده اند که این نیز می تواند دلیلی بر مستند بودن آن باشد. در حدود سی سال پیش، کتابچه بی سر و تهی به نام بررسی دعای ندبه از نویسنده ناشناخته ای با نام مستعار علی احمد موسوی در تهران منتشر گردید، که در سند آن ابراز تشکیک کرده، و به مطالب آن ناجوانمردانه تاخته بود. از این روی، عالمان متعهد و مرزبانان درد آشنا، خود را موظف دیدند که این تهاجم ناجوانمردانه را بی پاسخ نگذارند، لذا آثار ارزشمندی در دفاع از سند، متن و دیگر ابعاد مربوط به دعای ندبه، به رشته تحریر درآوردند و اعتراض های پوچ و بی محتوای او را پاسخ گفتند. (۴) کتاب وزین با دعای ندبه در پگاه جمعه نقد و بررسی اشکالات سندی و محتوایی دعای ندبه است که توسط جناب آقای علی اکبر مهدی پور تدوین شده و مطالب ارزشمندی دارد. ۱. الذریعه ج ۱ ص ۱۹۴. ۲. زاد المعاد ص ۴۸۶. با دعای ندبه در پگاه جمعه مهدی پور ص ۶۳. ۴. همان ص ۱۶۶.

کتابنامه دعای ندبه

گروهی از دانشمندان درد آشنا و نویسندگان متعهد، به دفاع از حریم دعای ندبه پرداخته و در پاسخ به اشکال ها و اعتراض های بی اساس، پیرامون این دعای با صلابت، آثار ارزشمند را به تحریر در آورده اند که عناوین برخی از آن ها را می آوریم: (انوارالولایه، آیت اله صافی گلپایگانی) (به عشق مهدی، محمد شائق قمی) (پاسخ ها به گفته ها، سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی) (تحقیق درباره دعای ندبه، رضا استادی) (ترجمه دعای ندبه، مولی رفیع گیلانی) (ترجمه وسیله القربه، علی بن علیرضا خوئی) (جمال حضور در آئینه غیبت، سید حسین خادیمان) (درس هایی از ولایت، شیخ محمد باقر صدیقی) (دعای ندبه بر اساس قدیمی ترین نسخه ها، دکتر باقر قربانی زرین) (سخنان نخبه، علی عطایی اصفهانی) (شرح دعای ندبه، محمد باقر شریعت پناه) (شفاء للامه، محمد جعفر شاملی) (فروغ ولایت و دعای ندبه، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی) (کشف الکربه فی شرح دعاء الندبه، سید جلال الدین محدث ارموی) (مدارک دعای شریف ندبه، جعفر صبوری قمی) (معالم القربه فی شرح دعاء الندبه، سید جمال الدین محدث ارموی) (النخبه فی شرح دعاء الندبه، سید محمود مرعشی) (ندبه و نشاط، احمد زمریان) (نصره المؤمنین، عبدالرضا ابراهیمی) (نوید بامداد پیروزی، سید مصطفی طباطبایی) (وظایف الشیعه، شیخ عباس علی ادیب اصفهانی) (هدیه مهدویه، صالحی کرمانی) (۱) و... ۱. با دعای ندبه در پگاه جمعه، علی اکبر مهدی پور، ص ۱۹۳.

نماز تسبیح

نماز جعفر بن ابی طالب است. یکی از اوقاتی که دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی (ع) در آن تاکید شده، پس از نماز تسبیح است، به ویژه اگر آن را در روز جمعه به جای آورند. (۱) ۱. مکیال المکارم ج ۲ ص ۷۸ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

دعای حضرت برای شیعیان

با استناد به فرموده حضرت که لا ناسین لذكرکم، ایشان هیچگاه از یاد شیعیان و دعا برای آنان غافل نیست. از ابن طاووس نقل شده که سحر در سرداب مقدس، از حضرت مهدی (ع) شنید که حضرتش درباره شیعیان چنین دعا می فرمود: اللهم إن شیعتنا

من شعاع انوارنا و بقیه طینتنا و قد ذنوبا کثیره اتکالا علی حنا و ولایتنا فان کانت ذنوبهم بیتک و بینهم فاصفح عنهم فقد رضینا و ماکان منها فیما بینهم ، فاصلح بینهم و قاص بها عن خمسنا و ادخلهم الجنة و زحزحهم عن النار ولا بینهم ولا تجعل بینهم و بین اعدائنا فی سخطک (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳۰۲ به نقل از نجم الثاقب باب هفتم حکایت نوزدهم

نماز امام زمان

نماز حضرت صاحب الزمان (ع) دو رکعت است . در هر رکعت سوره حمد را تا ایاک نعبد و ایاک نستعین ، می خوانی و چون به این آیه رسیدی آن را صد مرتبه می گویی و در مرتبه آخر ، سوره را تمام می کنی . سپس قل هو الله را یک بار می خوانی و چون از نماز فارغ شدی این دعا را می خونی . اللهم عظم البلاء و برح الخفاء و انکشف الغطاء تا آخر .

نماز هدیه به حضرت

در توسل به حضرت رسول (ص) و ائمه معصومین (ع) به وسیله نماز و هدیه کردن نماز خود به آنان ، ایام هفته را به هر امامی تقسیم کرده اند . برای روز جمعه ، هشت رکعت ذکر کرده اند چهار رکعت برای رسول خدا (ص) و چهار رکعت برای حضرت حجت (ع) . در روایتی آمده است : کسی که ثواب نماز خود را چه فریضه ، چه نافله برای رسول خدا و امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او هدیه کند ، خداوند ثواب نمازش را دو برابر می کند و هنگام جدایی روح از بدنش ، او را به خاطر چنین هدیه ای بشارت می دهند . بهتر آن است که در این نمازها ، تسبیح رکوع و سجود را سه مرتبه بگوید و پس از آن بگوید : و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و بعد از هر دو رکعت بگوید : اللهم انت السلام و منك السلام و الیک يعود السلام حینا ربنا منك بالسلام اللهم ان هذه الركعات هدیة منی الی فلان بن فلان و نام آن حجت را ببرد که هدیه برای اوست صل علی محمد و آل محمد و بلغه ایاها و اعطنی افضل املی و رجائی فیک و فی رسولک صلواتک علیه و آله و فیه . آن گاه دعا کند ، هر چه را که خواست . (۱) نجم الثاقب باب هفتم .

ادعیه امام زمان (ع)

دعاها و زیارت های مربوط به ساحت مقدس امام زمان (ع) بخش مهمی از فرهنگ شیعه را به خود اختصاص داده است . این گستردگی منشأیی جز این ندارد که آن حضرت ، خاتم اوصیا و امید امت هاست و با امامتی که تاکنون دوازده قرن از آن می گذرد ، نمونه ای در انبیا و امامان گذشته است . جمع آوری و تدوین ادعیه و زیارات مربوط به آن حضرت به صورت های مختلفی تاکنون انجام شده و دایره وسیعی دارد . لازم به تذکر است که دعا برای وجود شریف امام زمان (ع) در دعاهای مخصوص به حضرت محدود نمی شود بلکه در زیارات ائمه و اعمال شب و روز جمعه و حتی در دعاهای نماز و غیره نیز به چشم می خورد . بخش اول : برداشتی از ادعیه و زیارات مربوط به امام زمان (ع) که بیانگر محتوای آن هاست و آن چه ما بر زبان جاری می کنیم و باید به معنای آن توجه کنیم ، بخش نخست این نوشتار است که به طور خلاصه و فهرست وار تقدیم می شود : دعاهایی که در مورد ظهور حضرت است : ۱ . تعجیل فرج و ظهور حضرت : این مضمون بیش از مضامین دیگر در ادعیه و زیارات آمده است . در دعاها و زیارت های مربوط به امام زمان (ع) ، آن چه بیش از همه به چشم می خورد دعا برای تعجیل فرج و مقرر گشتن امر ظهور حضرت از جانب خداوند به عبارت های مختلف است . دعا برای تعجیل فرج گاهی به صورت تصریح و گاهی به صورت کنایه است مانند : عزت مؤمنان و ذلت جباران ، منافقان ، کفار ، معاندان ، دشمنان ، سلاطین ، رقیبان حضرت و آنان که سعی در خاموش نمودن نور حضرت و از یاد بردن ذکر او دارند . ۲ . دعا برای سلامتی حضرت : در دعا برای سلامتی امام زمان (ع) نیز گاهی تصریح به

سلامتی و حفظ حضرت شده و گاهی به صورت های دیگر آمده است از نمونه این دعاها دفع حسد و شر حيله گران و ظالمان و جباران از حضرت است . سلام هایی که به حضرت داده شده بسیار زیاد است و همه حاوی مضامین بالا از عقاید شیعه ، در مورد آن حضرت وصفات و خصائص و دیگر جوانب او است . این سلام ها همه به منزله دعا برای سلامتی حضرت بوده و نیز ادای احترام و عرض ادب خدمت اوست . در این سلام ها اشاره شده که تحتی از جانب خود انسان و نیز درخواست از خداوند است که سلام جمیع مؤمنین و مؤمنات از شرق و غرب عالم را به او برساند . صلوات هایی که در ادعیه و زیارات نسبت به حضرت آمده به عبارات مختلف است و اکثراً همواره با صلوات بر پیامبر (ص) و دیگر معصومین (ع) آمده است . دعاهایی که در ارتباط غیر مستقیم با حضرت است ۱ . دعا هایی برای دوستان و یاوران و خدام آن حضرت : دعا برای دوستان و یاوران و زائرین حضرت نیز در ادعیه و زیارات به چشم می خورد مضامینی از قبیل کمک خواستن از خداوند و یاری حق تعالی برای آن ها و دعا برای اینکه خداوند آن ها را دوست بدارد . ۲ . دعا های شخصی که در رابطه با حضرت برای خود دعا می نماییم : در ادعیه و زیارات مضامینی آمده که دعا برای خود انسان در رابطه با امام زمان (ع) است . از نمونه های آن موارد زیر است : از اعوان و انصار و یاران و ملازمان و محافظان و تابعین و دوستان و خونخواهان و خالصان و پیشروان در ادای اوامر حضرت و راضی و تسلیم بودن نسبت به آن حضرت ، از منتظران ظهور و فرج حضرت بودن ، محشور گشتن در زمره آن حضرت و زیر پرچم حضرت ، در قیامت از یاران حضرت بودن ، توفیق ادای حقوق آن حضرت ، درک ظهور و زمان پس از ظهور حضرت و بازگشت و زنده شدن در صورت مرگ قبل از ظهور . ۳ . دعا علیه دشمنان حضرت : در ادعیه و زیارات دعا علیه دشمنان و خوار کنندگان حضرت نیز آمده است . مضامینی از قبیل خوار شدن خوار کنندگان خاذلین حضرت ، دعا علیه انواع دشمنان حضرت ، دعا برای اینکه خداوند دشمنانش را دشمن بدارد . در ادعیه و زیارات مربوط به حضرت مضامین دیگری نیز آمده که به آن ها اشاره می شود : ۱ . شکوای دل با خداوند و امام زمان (ع) از دشواری های زمانه و طولانی شدن غیبت و استغاثه به آن ها ، که اکثراً با مضامین بالا و به صورت خطابی است ، و گاهی کلماتی از قبیل الغوث وادرکنی والعجل آمده است . ۲ . بیان فضائل و خصائص مظلومیت اهل بیت (ع) و به خصوص امام زمان (ع) . ۳ . شهادت به اعتقادات درباره حضرت از قبیل طول عمر حضرت ، رجعت و عدل جهانی که به دست او تحقق می یابد . تجدید بیعت و اعلام آمادگی برای جانفشانی و اطاعت از اوامر آن حضرت . بخش دوم بر شمردن دعاها و زیارات مربوط به امام عصر (ع) ۱ . دعای ندبه : دعای ندبه از اعمال سرداب مقدس امام زمان (ع) و نیز از اعمال عید فطر و روز جمعه است ، و خواندن آن در همه اوقات مناسب است . این دعا گرچه مربوط به امام زمان (ع) است ، ولی می توان گفت یک دور عقاید تشیع در آن آمده است . در این دعا ابتدا توحید و سپس نبوت انبیاء (ع) و پیامبر و بعد مسأله ولایت امیرالمؤمنین (ع) و فتنه های پس از پیامبر (ص) آمده و پس از اشاره ای به ائمه (ع) موضوع امام زمان (ع) آورده شده و درباره غیبت و دیگر جوانب مربوط به آن حضرت در قالب شکوای دل خطاب به حضرت آمده است و در آخر هم دعا هایی بسیار مختصر و جامع آمده است . (۱) ۲ . دعای عهد : دعای عهد ابتدا خداوند را به اسامی و صفات می خواند و بعد صلوات بر امام زمان (ع) است . سپس دعا هایی در مورد آن حضرت و فرج او و نیز حضور ما در زمان حضرت و دیدار روی حضرت دارد (۲) ۳ . زیارت آل یاسین : این زیارت توقیعی است که از ناحیه مقدس امام عصر (ع) صادر گشته و حضرت می فرماید : هرگاه خواستید به ما توجه پیدا کنید همانگونه که خداوند فرمود بگوئید : سلام علی آل یاسین . . . این زیارت بسیار معتبر و پر محتوی است و می توان گفت : خلاصه ای از عقیده هر شیعه در زمان غیبت است و آن چه یک شیعه باید در زمان غیبت بداند در آن آمده است . در این زیارت ابتدا سلام های متعددی با مضامین بالا ، خطاب به امام زمان (ع) آمده و سپس حضرت را برای عقاید قلبی خود از اقرار به ائمه (ع) و دیگر عقاید شیعه شاهد می گیرد . در دعای بعد از زیارت آل یاسین هم پس از صلوات بر پیامبر (ص) دعا هایی در مورد دعا کننده دارد و بعد صلوات بر حضرت حجت (ع) با القاب مخصوص است و بعد دعا هایی در مورد حفظ و فرج و تأیید و ظهور حضرت و درباره شیعیان آمده است (۳) ۴

زیارت در حرم سامرا: زیارتی است که شهید در مزار خود و نیز ابن مشهدی در المزار الکبیر آورده اند: هنگامی که از زیارت دو امام در سامرا فارغ شدی بر در حرم امام زمان (ع) بایست و بگو: السلام علیک یا خلیفه الله... این زیارت ابتدا سلام های متعددی با مضامینی بسیار سنگین دارد که حاوی فضائل و خصایص حضرت و پاره ای از اعتقادات شیعه است و بعد شهادت به جوانب مختلف حضرت و مطالبی در مورد ظهور و بعد از ظهور خطاب به آن حضرت است و در آخر صلوات بر پیامبر (ص) و آل آن حضرت و دعا برای تعجیل فرج به چند شکل و برای یاری خداوند به وسیله حضرت و احیای دین توسط حضرت و ایجاد امنیت توسط حضرت و برپایی عدل و برطرف شدن ظلم توسط حضرت است و به صلوات ختم می شود. (۴) ۵. زیارت امام زمان (ع) در سرداب مقدس زیارتی است که شهید در مزار و ابن مشهدی در المزار الکبیر آورده اند که هنگام داخل شدن در سرداب خوانده می شود و بعد از زیارت دوازده رکعت نماز دارد و بعد دعای الهی عظم البلاء... خوانده می شود. این زیارت هم سلام هایی بسیار جامع و کامل دارد که غیر از معصوم (ع) دیگری نمی تواند آن کلمات را بیان فرماید و در آخر حضرت را بر عقاید قلبی خود شاهد می گیرد و دعایی کوتاه در آخر دارد، و پس از آن نماز و صلواتی با عباراتی سنگین برای حضرت آمده است. (۵) ۶. صلوات بر امام زمان: صلواتی است شامل درود بر آن حضرت و دعا برای ظهور او به عبارت های مختلف و همچنین دعا برای بعد از ظهور حضرت است که همان کارها و برنامه های حضرت است. (۶) ۷. زیارت حضرت پس از نماز صبح: زیارتی است که هر روز پس از نماز صبح خوانده می شود. در این زیارت از خدا طلب صلوات بر حضرت از سوی جمیع مؤمنین می نماید و همچنین تجدید بیعت با حضرت و دعا برای خود که از یاران حضرت و اطرافیان و نگهبانان و شهیدان در رکاب حضرت باشیم. (۷) ۸. دعا در زمان غیبت: دعایی است که در زمان غیبت خوانده می شود و به گفته شهید و ابن مشهدی از ناحیه خود حضرت وارد شده و این دعا بعد از اعمال سرداب نیز خوانده می شود. در این دعا ابتدا شکایت به خداوند از زمان غیبت آمده و پس از صلوات، دعا برای فرج و استغاثه به پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و بعد استغاثه به امام زمان (ع) است. (۸) ۹. زیارت امام زمان (ع) در روز جمعه: زیارتی است که در روز جمعه که روز ظهور امام زمان (ع) خواهد بود وارد شده است. در این زیارت ابتدا سلام هایی است متعدد که همه حاوی صفات و خصایص و فضایل حضرت و گاهی حاوی دعا برای فرج و دیگر جوانب حضرت است و سپس ذکر صلوات آمده و دعا برای خود که از منتظران و یاران و شهیدان و دوستان حضرت باشیم. بعد از آن خطاب به حضرت درد دل و شکوایی دارد. (۹) ۱۰. دعا برای حضرت در شب نیمه شعبان: دعایی است که در شب نیمه شعبان خوانده می شود. در این دعا خداوند را به حق مولود نیمه شعبان قسم می دهد و القاب و فضایل حضرت و بعد صلوات بر حضرت آمده و دعا برای حضور در ظهور حضرت و از یاران آن حضرت بودن و در آخر صلوات بر ایشان و لعن بر دشمنان ایشان ذکر شده است (۱۰) ۱۱. دعا برای امام زمان (ع) در روز جمعه این دعا در اصل صلواتی است که در اعمال روز جمعه وارد شده است. ابتدا صلوات هایی بر پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و ائمه (ع) و بعد صلواتی بر همه معصومین (ع) است. سپس صلوات بر امام زمان (ع) است و بعد دعا برای طول عمر حضرت و حفظ حضرت از انواع شرور و دعا برای رعیت و شیعیان حضرت به انواع مختلف و در آخر صلواتی بر پنج تن (ع) و امام زمان (ع) آمده است (۱۱) ۱۲. دعا برای امام زمان در سرداب مقدس: این دعا از امام رضا (ع) نقل شده و در اعمال سرداب مقدس آمده است. ابتدا دعا برای سلامتی حضرت با القاب خاص آمده و حفظ از شرور و تأیید آن حضرت از جانب خداوند و دعا برای فرج و ظهور حضرت و انواع دعا علیه دشمنان امام زمان (ع) و اقرار به صفات حضرت و دعا برای خود نسبت به حضرت و نیز دعاهایی کلی برای خود انسان و در آخر صلوات بر ائمه (ع) و اقرار به فضایل و خصایص اهل بیت (ع) آمده است. (۱۲) ۳. ۱. دعای برای امام زمان در زمان غیبت: دعایی که ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری، اولین نایب از نواب اربعه در غیبت صغری خوانده و ابو علی محمد بن همام شنیده و او را امر نموده که این دعا را بخواند، وسید بن طاووس نیز فرموده که ما این دعا را از فضل خدا می دانیم. در ابتدای این دعا جمله اللهم عرفنی نفسک... آمده و سپس پیامبر (ص) و ائمه (ع) شهادت داده و بعد

دعا برای سلامتی امام زمان (ع) و دعا برای طول عمر حضرت است و در همه این ها معارف والایی درباره آن حضرت آورده است . سپس دعا برای خودمان از قییل یقین و حالت انتظار و تسلیم در مقابل حضرت و از یاران حضرت بودن آمده است . بعد از آن دعا برای فرج و لعن بر دشمنان حضرت و دعا برای بعد از ظهور حضرت و صلوات بر ائمه (ع) و سپس شکایت از زمان ، و دعا علیه دشمنان حضرت و نیز تحقق یافتن تمام خوبی ها توسط حضرت آمده است (۱۳) امید است این مختصر ، انیس دل هایی باشد که در عصر غیبت ، انیسی جز مولای شان برای دل خود ندارند و با آن چه به عنوان خطاب با حضرت ولی عصر (ع) بر زبان می آورند ، از اعماق وجود آن محبوب دل ها را دعا کنند و از دور و نزدیک سلامش نمایند و بر او درود فرستند . (۱۴) ۱ . بحار الانوار ج ۱۰۲ ، ص ۱۱۱ . همان ، ج ۵۳ ص ۹۵ . ۳ . احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۳۱۶ . ۴ . بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۶-۱۱۸ . ۵ . همان ، ج ۱۰۲ ص ۱۰۱-۱۰۹ . همان ، ج ۱۰۲ ص ۱۰۲ . ۷ . همان ، ج ۱۰۲ ص ۱۱۰ . ۸ . همان ، ج ۱۰۲ ص ۱۱۹ . ۹ . همان ، ج ۱۰۲ ص ۲۱۵ . ۱۰ . اقبال سید بن طاووس ، ص ۷۰۵-۷۰۶ مفاتیح الجنان ص ۵۹-۶۰ . ۱۱ . غیبه طوس ص ۱۷۷ . ۱۲ . بحار الانوار ج ۹۵ ، ص ۳۳۰ . ۱۳ . کمال الدین ج ۲ ص ۱۹۰ . ۱۴ . نشریه موعود ش ۲۱ ، ص ۷۶ .

تسبیح حضرت

ایام ماه را نسبت به هر امامی تقسیم کرده اند . در آن ایام ، تسبیحی مخصوص آن حجتی است که آن روز را به ایشان منسوب کرده اند . تسبیح حضرت مهدی (ع) از روز هیجدهم ماه است تا آخر ماه و این گونه است : سبحان الله عدد خلقه ، سبحان الله رضا نفسه ، سبحان الله مداد کلماته ، سبحان الله زنة عرشه والحمد لله مثل ذلك (۱) ۱ . نجم الثاقب باب هفتم

دعا برای امام زمان (ع)

یونس بن عبدالرحمان روایت کرده که امام رضا (ع) فرمودند : حضرت صاحب الامر را این گونه دعا کنید : اللهم ادفع عن ولیک و خلیفتک و حجتک علی خلقک . . . (۱) دعا برای تعجیل ظهور آن حضرت ، عین یقین و ایمان و تسلیم در مقابل خداوند متعال است . این دعا در واقع ، اظهار این حقیقت است که ظهور مهدی (ع) و فراهم آمدن اسباب قیام او تنها در دست خداوند است . البته دعای ندبه ، دعای عهد ، دعای فرج و بسیاری از ادعیه دیگر ، دعا برای حضرت ، سلامتی و ظهور اوست . یکی از ادعیه معروف برای آن حضرت ، دعای اللهم کن لویک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و . . . (۲) است که خواندن آن سفارش شده است . ۱ . بحار الانوار ج ۹۵ ص ۳۳۰ مصباح التهجد ص ۴۰۹ مفاتیح الجنان باب سوم بعد از دعای ندبه و عهد . ۲ . مصباح التهجد ص ۶۳۰ بلد الامین ص ۲۰۳

دعای صلوات

دعایی است که در کتاب غیبت طوسی از حضرت صاحب الامر (ع) روایت شده است . مطلع آن چنین است : اللهم صل علی محمد سید المرسلین و خاتم النبیین و حجة رب العالمین ین دعای شریف از ادعیه ارزنده ای است که شایسته است در هر زمان به آن مداومت شود به ویژه اوقاتی که به حضرت مهدی (ع) اختصاص بیشتری دارد ، مانند : شب و روز نیمه شعبان و شب و روز جمعه علی بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع آن را در اعمال روز جمعه یاد کرده است . (۱) ۱ . مکلیال المکارم ج ۲ ص ۱۱۱ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

دعای عهد

به فرموده امام صادق (ع) هرکس چهل صبح این عهد را بخواند از یاور آن حضرت مهدی (ع) قرار می گیرد و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون می آورد تا در خدمت آن حضرت باشد و حق تعالی به هر کلمه آن ، هزار حسنه به او کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند . مطلع آن عهد این است : اللهم رب النور العظيم ورب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر المسجور (۱) دعای عهد سید بن طاووس در مصباح الزائر و علامه مجلسی در بحار الانوار (۲) بیان داشته اند که این دعا مستحب است هر روز پس از نماز صبح ، بلکه بعد از هر فریضه خوانده می شود ، و نیز مستحب است این بیعت ، هر روز جمعه تجدید گردد . دعای عهد هم از امام باقر (ع) روایت شده است ، با این مطلع : اللهم يا اله الالهة يا واحد يا احد يا آخر الاخرين (۳) . علما (۴) بیان داشته اند که سزاوار است ، دعای عهدی که از امام باقر (ع) روایت شده ، دست کم برای یک بار در طول عمر خوانده شود . امام باقر (ع) فرمود : هرکس از موالیان و دوستان ما در عمر خود یک مرتبه این دعا را بخواند ، در رق عبودیت نوشته خواهد شد و در دیوان حضرت قائم (ع) بلند خواهد شد و چون قائم ظهور نماید ، اسم خواننده این دعا واسم پدر او را ندا می فرماید . . . (۵) ۱ . مفاتیح الجنان باب سوم . ۲ . بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۰ . ۳ . بحار الانوار ج ۹۵ ص ۴۳۷ . سید بن طاووس در مصباح الزائر و علامه مجلسی در بحار الانوار ج ۱۰۲ ، ص ۱۱۰ . ۵ . بحار الانوار ج ۹۵ ص ۳۳۷ .

دعای غیبت

امام صادق (ع) به زواره فرمود : اگر زمان غیبت را درک کردی این دعا را بخوان : اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک اعرف نبيک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم عرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی (۱) . نیز سید جلیل ابن طاووس در کتاب مهج الدعوات روایت کرده که فرموده اند در عصر غیبت ، چنین دعا کنید : اللهم انت عرفتنی نفسک و عرفتنی رسولک و عرفتنی ملائکتک و عرفتنی ولادۀ ولا- امرک اللهم لاخذ الا- ما اعطیک ولا اقی الا ما وقیت اللهم لا تغیبنی عن منازل اولیائک ولا ترغ قلبی بعد اذهبتنی اللهم اهدنی لولایة من افترضت طاعته (۲) (سید در همان جا فرموده که : کسی در خواب ، دعای غیبت را چنین به من تعلیم داد : یا من فضل ابراهیم و آل اسرائیل علی العالمین باختراره و اظهر فی ملکوت السموات والأرض عزة اقتداره و اودع محمد (ص) و اهل بیته غرائب اسراره صل علی محمد و آلہ واجعلنی من اعوان حجتک علی عبادک و انصاره (۳) دعای غریق و ادعیه دیگری را نیز به عنوان دعای غیبت ذکر کرده اند (۴) ۱ . اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۷ ، ۲ . بحار الانوار ج ۹۵ ص ۳۳۶ . همان . ۴ . نجم الثاقب باب دهم .

دعای غیبت

از جمله دعاهاى رسیده در طلب فرج حضرت مهدی (ع) است که از حضرت امام حسن بن علی عسکری (ع) روایت شده . شیخ طوسی در کتاب های مصباح و مختصر المصباح در باب دعاهاى قنوت نماز وتر آورده ، و سید بن طاووس در کتاب مهج الدعوات در باب قنوت های امامان معصوم (ع) یاد کرده ، و ظاهر بعضی روایات چنین است که به وقت خاصی اختصاص ندارد هر چند که بهتر است در بهترین اوقات و احوال به آن دعا گردد . این دعا در دفع ظلم و یاری جستن برای مظلوم تأثیر تامی دارد ، بلکه می توان از آن استفاده کرد که از جمله فواید دعا برای فرج حضرت صاحب الزمان (ع) و درخواست ظهور و پیروزی آن جناب ، دفع ستمگر و خلاصی از آزار و سلطه او می باشد . دعای قنوت ، طولانی است و مطلع آن چنین است : الحمد لله شکراً لنعمائہ ، و استدعاء لمزیده و استخلاصاً به دون غیره . . . (۱) ۱ . مکمال المکارم ج ۲ ص ۱۳۱ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

عرفات

موقف حاجیان است در روز نهم ذی حجه و یکی از مکان هایی است که دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی (ع) در آن تأکید شده است (۱) در ایام حج، حضور حضرت در سرزمین عرفات حتمی است و تعدادی از مشرف شدگان به محضر حضرت، در آن سرزمین توفیق زیارت یافته اند. ۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۸۴ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

ازدواج حضرت

محوری که (ع) پیرامون زندگی شخصی و کیفیت معیشت امام زمان (ع) مطرح است، مسأله ازدواج و زن و فرزند حضرت است. سه احتمال وجود دارد: ۱. اساساً حضرت ازدواج نکرده است. ازدواج انجام گرفته، ولی اولاد ندارد ازدواج کرده و دارای فرزندان نیز هست. اگر احتمال اول را بپذیریم، لازمه اش این است که امام معصوم (ع) یکی از سنت های مهم اسلامی را ترک کرده باشد و این با شان امام سازگار نیست. اما از طرفی دیگر چون مسأله غیبت، اهم است و ازدواج مهم، ترک ازدواج با توجه به آن امر مهم تر، اشکالی را ایجاد نمی کند. اما احتمال دوم که اصل ازدواج را بپذیریم بدون داشتن اولاد، جمع می کند بین انجام سنت اسلامی وعدم انتشار مکان و موقعیت حضرت اما باز این اشکال باقی است که اگر قرار باشد، آن حضرت شخصی را به عنوان همسر برگزیند، یا باید بگوییم که عمر او نیز مانند عمر حضرت طولانی است که بر این امر دلیلی نداریم، یا این که بگوییم مدتی با حضرت زندگی کرده و از دنیا رفته است که در این صورت، حضرت به سنت حسنه ازدواج عمل کرده و پس از آن، تنها و بدون زن و فرزند زندگی را ادامه می دهد. احتمال سوم آن است که آن حضرت ازدواج کرده و دارای اولاد نیز هست و اولاد آن حضرت (۱) نیز فرزندان دارند. این مسأله، افزون بر آنکه دلیل محکمی ندارد، اشکال اساسی آن این است که این همه اولاد و اعقاب، بالاخره روزی در جست وجوی اصل خویش می افتند و همین کنجکاوی و جست وجو، مسأله را به جایی باریک می کشاند که با فلسفه غیبت حضرت، سازگار ندارد (۲) ما در این جا روایات و ادله ای که وجود همسر و فرزند برای حضرت را اثبات می کند می آوریم، اما صحت و سقم بسیاری از آنها در جای خود بحث شده و در بسیاری موارد، سخن از احتمال است که استدلال با آن، تمام نیست. در رابطه با همسر با همسران حضرت، تنها یک روایت است که سرنخی به دست می دهد و آن روایتی است که مرحوم کفعمی در کتاب شریف مصباح، نقل کرده است. بر اساس آن، همسر حضرت یکی از دخترهای ابی لهب است (۳) و در رابطه با اولاد آن حضرت روایاتی هست که از جمله آن ها روایت انباری است که مرحوم مجلسی در بحارالانوار آن را آورده و روایتی طولانی است. (۴) البته بسیاری از بزرگان از جمله مرحوم آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه در داستان انباری تردید کرده اند. محمد بن مشهدی در کتاب مزار از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: گویا نزول قائم را با اهل و عیالش در مسجد سهله می بینم (۵) مرحوم مجلسی نیز بابتی را به خلفاء و اولاد حضرت مهدی (ع) اختصاص داده است. علاوه بر روایات، برخی دعاها نیز که از ائمه معصومین (ع) صادر شده و یا از ناحیه مقدسه رسیده است، دلالت دارند که برای حضرت، اهل و عیال و فرزندان هست. در این دعاها تعبیر ولد، ذریه اهل بیت و آل بیت به کار رفته است. در آخرین فراز از صلواتی که از ناحیه مقدسه صادر شده چنین می خوانیم: و صل علی ولیک وولات عهده و الائمه من ولد و مدفی اعمارهم و زد فی آجالهم (۵) درود بی پایان خود را بر ولی امرت و اولیای عهدش و پیشوایان از اولادش نازل فرما و بر عمر و اجلشان بیفزا. و در دعای که امام رضا (ع) تعلیم فرموده که در عصر غیبت خوانده شود، چنین آمده است: اللهم اعطه فی نفسه و اهله و ولده و ذریته و امته و جمیع رعیتة ما تقر به عینه و تسر به نفسه... (۶) خدایا به او درباره خودش و اهلش و فرزندان و امتش و همه رعیتش عطا فرما آنچه را که دیده اش روشن و دلش مسرور گردد (۷) بر اساس داستان طولانی و معروف انباری نام فرزندان حضرت: طاهر، قاسم و ابراهیم، عبدالرحمن و هاشم است (۸) ۱. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۶۳. ۲. چشم به راه مهدی، ص ۳۵۲. ۳. نجم الثاقب ص ۲۲۵. ۴. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۲۱۳. ۵. نجم الثاقب ص ۲۲۵. ۶. غیبه طوسی ص ۱۰۷ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲. ۷. بحار

زیارت

زیارت آل یاسین

زیارت در لغت، دیدار کردن با قصد را گویند و در ریشه آن، میل و گرایش نهفته است. در لغت به معنی خانواده، دودمان، فرزندان و اهل بیت است (۱) یاسین، حضرت محمد (ص) است و آل آن حضرت، اهل اویند. زیارت آل یاسین، از مشهورترین زیارت نامه هایی است که در توقیع شریف حضرت ولی عصر (ع) به جناب محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری صادر گردیده. در مقدمه این زیارت چنین آمده است: ... هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند توجه کنید و به ما روی آورید، پس همان گونه که خداوند فرموده است، بگویند: سلام علی آل یاسین... (۱) این زیارت با بیست و سه سلام آغاز شده که اول به آل یاسین یعنی عترت پاک پیامبر (ص) و سلام های بعدی، هر یک با القاب و عناوین خاص حضرت مهدی (ع) می باشد، سپس با اظهار اقرار اصول اعتقادی صحیح و گواه گرفتن امام عصر (ع)، بر آن ها و تجدید عهد وفاداری نسبت به اولیای دین، زیارت به پایان می رسد. پس از زیارت، دعایی است برای نورانیت زائر، به انواع نورهای الهی که ترجمه بخشی از آن چنین است: خداوند از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد، پیامبر رحمت و کلمه نورت، و دلم را به نور یقین و سینه ام را به نور ایمان، و اندیشه ام را به نورانیت های خوب، و تصمیمم را به نور دانش، و نیروی ام را با نور کار، و زبانم را به نور راستگویی و ۱۰۰۰ آکنده سازی آنگاه درخواست درود بر امام عصر (ع) با توجه به صفات حمیده آن بزرگوار، و دعا برای نصرت و حفاظت و تعجیل فرج و قیام آن حضرت، و پر شدن زمین از عدل و داد، و نابودی کفار و منافقین و دشمنان دین می باشد. این زیارت به تصریح بعضی از علماء، جامع و کامل و از بهترین زیارت های آن حضرت است که در همه اوقات و در هر مکان می شود آن را خواند. سندهای این زیارت را صحیح و معتبر دانسته اند و در مجامیع مهم حدیث و دعا نقل گردیده است. (۲) ۱. معجم مقاییس اللغة ج ۳ ص ۳۶. ۲. پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی، ص ۱۳۵.

زیارت امام زمان (ع)

زیارت های متعددی برای امام زمان (ع) در کتب معتبر شیعی آمده است که از جمله آن ها: زیارت آل یاسین، (۱) زیارت حضرت در حرم سامرا (۲) زیارت حضرت در سرداب مقدس، (۳) زیارت حضرت پس از نماز صبح (۴) و زیارت حضرت در روز جمعه (۵) است. ۱. احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۲۱۶ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷. ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲ ص ۱۱۶. ۳. بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۰۱. ۴. بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۰. ۵. بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۲۱۵.

زیارت جامعه

یکی از جالب ترین و جامع ترین زیارت ها است که از امام هادی (ع) روایت شده. همه امامان معصوم (ع) را می توان با آن زیارت کرد. علامه مجلسی آن را صحیح ترین، فصیح ترین و بلیغ ترین زیارت ها تعبیر کرده است. (۱) مرحوم محدث نوری، حکایت سید رشتی را چنین نقل می کند که حضرت مهدی (ع) به سید، دستور خواندن نافله، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می دهد و می فرماید: ... شما چرا جامعه نمی خوانید جامعه، جامعه، جامعه (۲) ۱. بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۴۴. ۲. نجم الثاقب باب هفتم

زیارت عاشورا

زیارت مخصوص امام حسین (ع) است که در دو قسمت از آن، از خونخواهی حسین (ع) در رکاب حضرت مهدی (ع) خبر می دهد: ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد (ص) وان یرزقنی طلب ثاری مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم. (۱) مرحوم محدث نوری حکایت سید رشتی را چنین نقل می کند که حضرت مهدی (ع) به سید دستور خواندن نافله، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می دهد و پس از آن می فرماید: شما چرا نافله نمی خوانید نافله، نافله، نافله، شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا، شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه (۲). ۱. مفاتیح الجنان زیارت عاشورا ۲. نجم الثاقب ص ۶۰ مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه.

زیارت مادر حضرت

نرجس خاتون مادر امام زمان (ع) در سامرا، پشت ضریح امام حسن عسکری (ع) مدفون است. در مفاتیح الجنان، زیارت این ملکه دنیا و آخرت چنین آمده است: السلام علی رسول الله صلی الله علیه وآله الصادق الامین.

زیارت ناحیه مقدسه

السلام علیک یا اول تین من نسل خیر سلیل... زیارت ناحیه مقدسه، خونگریه و سوگنامه حضرت مهدی (ع) و مرثیه بلند آن بزرگوار بر مصائب و رنج های جدش، ابا عبدالله الحسین (ع) در عاشورا است. این زیارت، ترسیم و توصیف لحظه های شهادت ابا عبدالله (ع)، غربت و مظلومیت اهل بیت (ع)، معتبرترین، مستندترین و بلندترین روضه ای است که از زبان معصوم منتقم و خونخواه سید شهیدان به ما رسیده است. این مرثیه از زبان کسی است که صحنه ها و لحظه های عاشورا، هر روز مقابل نگاه اوست و او از پس پرده های اشک، حنجره ای عطش زده در آزمندی خنجر قساوت و خیمه هایی در آستانه آتش و شیون را نظاره می کند. زیارت ناحیه مقدسه، گزارش عاشورا است گزارشی که در آن دقایق و صحنه های جزئی نیز توصیف شده است. این زیارت نامه شامل هشت بخش است: ۱. سلام بر انبیا و اولیاء، ۲. سلام بر امام شهید و صحابه فداکارش، ۳. آرزوی زیارت امام حسین (ع) ۴. طرح اوصاف، ویژگی ها و سیرت امام حسین (ع) و تأثیر شهادت آن حضرت، ۵. طرح نهضت و انقلاب مقدس ابا عبدالله (ع) ۶. توصیف صحنه کربلا، شهادت، رنج ها و مصائب بازماندگان و قافله اسیران، ۷. تحلیل بازتاب حادثه کربلا و غربت اسلام پس از شهادت و سوگواری کائنات و موجودات در شهادت ابا عبدالله (ع) ۸. نیایش، دعا و طرح درخواست های امام زمان (ع) با پروردگار. (۱) این زیارت در کتاب اقبال سید بن طاووس، ص ۵۷۳ و نیز در بحارالانوار ج ۹۸، ص ۲۶۹ نقل شده است. (۲) ۱. سلام موعود دکتر سنگری، ص ۲۵. فرهنگ عاشورا، جواد محدثی ص ۲۲۷.

سلام بر حضرت

سلام دادن به حضرت در هر هفته و هر روز، و هر مکان و زمان که ممکن باشد، به ویژه در ایام و اوقات و مکان هایی که خصوصیت ویژه ای با آن حضرت دارند، مثل روز و شب جمعه، شب های قدر، نیمه شعبان و مکان هایی هم چون مسجد سهله، مسجد کوفه و مسجد جمکران، از وظایف مؤمنان منتظر است. مردی از امام صادق (ع) سؤال کرد که چگونه بر قائم (ع) سلام کنیم؟ فرمود: بگوئید: السلام علیک یا بقیه الله نیز در روایت است: وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور می کند، این آیه را تلاوت می کند: بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین، (۱) آنگاه می فرماید: انا بقیه الله پس سلام نمی کند بر او سلام کننده ای، مگر آنکه می گوید:

السلام عليك يا بقیة الله فی ارضه (۲) سزاوار است که مؤمن ، حضرت مهدی (ع) را هر روز زیارت کند و از آن غفلت نرزد و شایسته است زیارت و سلام به او ، به وسیله زیارات و سلام های وارده از جانب اهل بیت (ع) باشد که در کتب روایی آمده است . مانند زیارت آل یاسین که هر وقت می توان آن را خواند و مطلع آن این است : سلام علی آل یس السلام عليك یا داعی الله و (۳) یا زیارت مخصوصه آن حضرت در روز جمعه که مطلع آن چنین است : اسلامُ عليك یا حُجَّة الله فی ارضه . (۴) امام باقر (ع) فرمود : هر کس از شما قائم (ع) را درک کرد ، هنگامی که او را دید باید بگوید السلامُ عليكم یا اهل بیت الرحمة والنبوة ومعدن العلم وموضع رساله (۵) سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت ، سلام بر شما ای سر چشمه دانش و کانون رسالت . از این روایات استفاده می شود که به مردم اجازه داده نشده است که حضرت مهدی (ع) را به هنگام زیارت و سلام ، به نام مبارک یا کنیه اش ندا دهند و بگویند السلام عليك ايها المهدی و این نشانگر تعظیم و تجلیل بر مقام والای اوست (۶) همانگونه که خداوند در قرآن کریم مسلمانان را نهی فرمود که پیامبر (ص) را به نام صدا بزنند : لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم ، که دعاء بضمک بعضا (۷) . ۱۰ . سوره هود ۲۸۶ . نجم الثاقب ، باب دوم . ۳۰ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۱ مفاتیح الجنان باب سوم ، فصل دهم . ۴۰ . بحار الانوار ، ج ۱۰۲ ص ۲۱۵ مفاتیح الجنان ، قبل از دعای صباح و کمیل . ۵۰ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۱ ، غیبه طوسی ، ص ۲۸۲ . ۶۰ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۶۵۳ . ۷۰ . سوره نور ۶۳

سخنان

آثار حضرت

با توجه به حضور محدود و کوتاه مدت آن حضرت در دوران پدر بزرگوار خود و محدودیت های فراوانی که در دوره غیبت برای آن حضرت وجود داشت ، نباید انتظار داشت که مطالب بسیاری از آن امام همام به دست ما برسد اما با وجود همه این محدودیت ها ، از آن حضرت آثاری چند به یادگار مانده است که گرچه محدود است ، اما برخی از آن ها بسیار مهم و راهگشا می باشد . آثار آن حضرت عبارتند از : ۱- روایات و احتجاج ها : این روایات به ایام کودکی و دوران کوتاه زندگی آن حضرت در زمان حیات پدر بزرگوارشان باز می گردد . ۲- دعاها و نمازها در دعاهایی که از آن حضرت به دست ما رسیده ، مضامین بلند و متعددی مطرح شده است . مضامینی همچون : شناخت خداوند ، مقام شامخ اهل بیت (ع) مقام امام زمان (ع) قیامت ، انتظار فرج ، وظائف مؤمنان در عصر انتظار ، پیروزی حق بر باطل ، صبر در شدائد ، رفع گرفتاری ها از مؤمنین ، دعا در حق پیامبر و امامان معصوم (ع) قضای حوائج ، و بسیاری از مسائل اخلاقی و رفتاری دیگر . افزون بر دعاها ، نمازهای متعددی نیز از آن حضرت نقل شده است . ۳- زیارت نامه ها : زیارت ، امام شناسی و گویای رابطه انسان با امام است . در زیارتنامه های منسوب به آن حضرت ، معارفی بلند از امام شناسی ، شأن و مرتبت آن بزرگواران و وظائف و تکالیف مؤمنان نسبت به آنان و نیز برخی حقایق و مجاهدت ها و تاریخ امامان معصوم (ع) آورده شده است . ۳- توقیعات و بیانات آن حضرت توقیعات نامه های متعددی به برخی از نایبان خاص نواب اربعه یا نایبان عام همچون شیخ مفید و یا بعضی از شیعیان و پیروان خود دارد . بعضی از این نامه ها در جواب برخی پرسش ها و بعضی دیگر ابتدائاً از جانب آن حضرت صادر شده است . محتوای این نامه ها حاوی مسائل متعدد و مختلفی است . مسائلی همچون : پرسش و پاسخ های فقهی ، نقش امام در دوران غیبت ، برخی هشدارها و پیشگویی ها ، تأیید و تکذیب برخی افراد ، وظائف منتظران ، مرجعیت فقها در عصر غیبت و ... افزون بر توقیعات ، از آن حضرت سخنان فراوانی نیز در باب مسائل مختلف به یادگار مانده است . این سخنان از جانب کسانی نقل شده است که به حضور حضرت شرفیاب شده اند . محمد بن عثمان عَمَروى دومین سفیر آن حضرت می گوید : آن حضرت را برای آخرین بار در کنار خانه خدا دیدم که چنین می گفت : اللهم

انجزلی ما وعدتني خدایا آن چه که به من وعده کردی ، انجام ده و دیدم که در مستیجار ، پرده کعبه را گرفته و عرضه می دارد :
 اللهم انتقم لی من اعدائی خدایا انتقام مرا از دشمنانم بگیر (۱) . تاریخ عصر غیبت پور سید آقای ص ۴۴۰ .

توقیع

توقیع در لغت یعنی : نشان گذاشتن ، امضاء کردن نامه ، نوشتن عبارتی در ذیل نامه و کتاب . (۱) واصطلاحاً به دستورها و نامه های خلفا و پادشاهان گفته می شود . در کتب علمای شیعه به نامه ها و فرمان هایی که در زمان غیبت از طرف امام غایب ، به شیعیان رسیده توقیعات می گویند . در کتاب کمال الدین صدوق و غیبت شیخ طوسی و احتجاج طبرسی و بحار الانوار مجلسی ، حدود هشتاد توقیع از ناحیه مقدسه نقل شده است که محتوای آن ها ، برخی خطاب به سفرا و نواب خاصی است و برخی خطاب به علما و فقهاست ، بعضی در پاسخ به سؤالات است و برخی در تکذیب و لعن کسانی است که به دروغ ادعای نیابت از طرف آن حضرت را داشتند (۲) درباره توقیعات ، اولین سؤالی که معمولاً مطرح است ، این است که آیا آن ها به خط مبارک خود حضرت بوده یا آن که به املا- ی حضرت و خط دیگری است بعضی ها معتقدند که کاتب آن توقیعات خود حضرت بوده است و حتی خط مبارکش میان خواص اصحاب و علمای وقت معروف بوده و آن را به خوبی می شناختند . مثلاً محمد بن عثمان عمری می گوید : از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می شناختم (۳) و یا شیخ صدوق می گفت : توقیعی که به خط امام زمان برای پدرم صادر شده بود ، اکنون نزد من موجود است . (۴) لکن در مقابل فرایندی است که توقیعات به خط خود امام نبوده است مثلاً : ابونصر هبه الله روایت کرده که توقیعات صاحب الامر به همان خطی که در زمان امام حسن عسکری (ع) صادر می شد ، به وسیله عثمان بن سعید و محمد بن عثمان برای شیعیان صادر می گشت . (۵) می توان چنین گفت که توقیعات در عین صحت صدور و متن ، به خط امام نبوده است ، بلکه امام حسن عسکری (ع) کاتب مخصوصی داشته که تا زمان عثمان بن سعید و محمد بن عثمان زنده و متصدی نوشتن توقیعات بوده است (۶) به هر حال ممکن است برخی توقیعات با خط مبارک خود امام صادر شده باشد و برخی دیگر با املا ی امام و کتابت دیگری صادر شده باشد و این هیچ خللی از این که توقیعات از طرف حضرت بقیه الله می باشد ، وارد نمی سازد . (۷) از معروف ترین توقیعات حضرت را می توان : توقیع برای شیخ مفید و توقیع برای علی بن محمد سمری نام برد که در آن ، حضرت ، آغاز غیبت کبری را اعلام می کند . نگاهی گذرا به مجموع توقیعاتی که از طرف امام زمان (ع) برای شیعیان آمده ، می رساند که امام غایب چون پیشوای حاضر ، کمال مراقبت و دلسوزی را نسبت به شیعیان و دوستان خود دارد و به هدایت راه جویان و تربیت نفوس و معرفی نواب اربعه و افشاگری مدعیان کاذب نیابت ، علماً و عملاً- قیام می فرماید ، به طوری که درماندگان و گرفتارانی که صمیمانه از او یاری طلبیده اند ، گشایش کار و حل مشکل خود را دیده اند و دانش طلبانی که در معضلات علمی و دینی درمانده اند ، از اشراقات والهامات حضرتش روشن و هدایت شده اند . همه این فیوضات را به صورت پاسخ پرسش ها در توقیعات صادره از ناحیه مقدسه می بینیم . علاوه بر این ها ، نهان بینی و راز گویی و اخبار از غیب ، در بسیاری از توقیعات وجود دارد که نه تنها موجب اطمینان خاطر بیشتر برای مردم آن زمان ، بلکه برای خواننده امروز هم می شود و می فهمد که چگونه امام با دانشی که از گنجینه علم الهی بارور شده است ، بر ضمائر اشراف دارد و قصد و نیت اشخاص را می داند و از پسر یا دختر بودن مولود و روز مرگ افراد با خبر است و پیشاپیش آن را اعلام می فرماید ، و از حلال یا حرام بودن مالی که به حضورش تقدیم شده خبر می دهد و حرام آن را رد می کند و اگر تقدیم کننده نام خود را بر خلاف بنویسد از دانش امام پنهان نمی ماند و حقیقت به او یادآوری می شود . این ها همه ، اندکی از تجلیات مقام ولایت است که از آینه توقیعات نمایان شده است . ۱ . فرهنگ معین ج ۵۱ ص ۱۱۶۹ . سیمای آفتاب ص ۳۲۴۲ . بحار الانوار ، ج ۵۱ ، ص ۳۴۹ . انوار نعمانیه ج ۳ ص ۲۴۵ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۴۶ . گستر جهان ابراهیم امینی ، ص ۳۴ ۷۰۱ . سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ص ۲۴۵ .

یکی از توقیعات با اهمیت، توقیعی است که توسط محمد بن عثمان در پاسخ به مکتوب اسحاق بن یعقوب از ناحیه مقدسه صادر شده است. این توقیع مشتمل بر مطالب قابل توجهی از جمله تعیین وظیفه مردم در غیبت کبری و بیان علت غیبت و معرفی مشخص نمودن هویت بعضی افراد است. اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمد بن عثمان خواهش کردم نامه مرا که مشتمل بر پاره ای از مسائل مشکلی که برایم پیش آمده بود، به ناحیه مقدسه تقدیم دارد. او هم پذیرفت و جواب آن به خط مولایم امام زمان (ع) بدین قرار صادر شد: خداوند تو را هدایت کند و بر اعتقاد حق ثابت و پایدار بدارد. این که سؤال کرده ای بعضی از افراد خاندان ما و عموزادگان ما، منکر وجود من هستند، بدان که میان خداوند و هیچ کس قرابت و خویشی نیست و هر کس منکر وجود من باشد از من نیست و راهی که او می رود، راه پسر نوح است. و راهی که عمویم جعفر کذاب و اولاد او نسبت به من پیش گرفته اند، راه برادران یوسف است. اما فقاغ نوشیدنش حرام است، ولی نوشیدن شلماب (۱) مانعی ندارد. اما اموالی که شما به عنوان هدیه به ما می رسانید، آن را برای پاک شدن شما از گناهان قبول می کنیم، بنابراین هر کس می خواهد به ما برساند، و هر کس نمی خواهد قطع کند آن چه خدا به ما داده است، از آن چه شما می دهید بهتر است. و اما وقت ظهور من وابسته به اراده خداوند متعال است. کسانی که وقت آن را تعیین می کنند، دروغگو هستند. و اما حوادثی که برای شما پدید می آید، پس رجوع کنید به روایان حدیث ها، زیرا آن ها حجت من بر شما هستند، و من هم حجت خدا بر آن ها هستم. و اما محمد بن عثمان عمری که خداوند از وی واز پدرش خشنود باشد، مورد وثوق من و نوشته او نوشته من است. و اما محمد بن علی بن مهزیار اهوازی، به زودی خداوند دل او را اصلاح می کند و شک و تردیدش را برطرف می سازد. و اما مالی را که برای ما فرستاده ای پذیرفته نمی شود، مگر این که از حرام پاک گردد و پول زن آوازه خوان هم، حرام است. و اما محمد بن شاذان بن نعیم، مردی از دوستان ما اهل بیت است. و اما ابوالخطاب محمد بن ابی زینب اجوع (۲) او و پیروانش ملعون هستند، تو با آن ها که عقیده اینان را دارند، رفت و آمد مکن زیرا من از آن ها بیزارم، و پدران من هم از آن ها بیزار بودند. و اما کسانی که اموال ما را نزد خود نگاه می دارند، اگر چیزی از آن را برای خود حلال بدانند و بخورند، مثل این است که آتش خورده اند... اما چگونگی انتفاعی که مردم در غیبت من از من می برند، همچون انتفاع از خورشید است، هنگامی که در پشت ابرها پنهان شود. من امان مردم روی زمین هستم، همان طور که ستارگان امان اهل آسمان ها هستند. بنابراین سؤال هایی که به شما سودی ندارد پرسش نکنید و خود را به خاطر چیزی که نیازی به آن ندارید، به مشقت نیندازید. برای تعجیل در فرج و ظهور من زیاد دعا کنید که رهایی شما از قید و بندها در دعا است. سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب و سلام بر کسانی که راه هدایت را پیش گرفته اند. (۳) ۱ شلماب: نوعی نوشیدنی است که از شلیم یعنی دانه ای شبیه جو درست می شود و در انسان نوعی بیهوشی و خواب آلودگی ایجاد می کند. کمال الدین ج ۲، ص ۴۸۴ به نقل از استاد شعرانی. ۲. یکی از اصحاب امام صادق (ع) بود و بعد از مدتی منحرف شد و برای خود مذهبی تأسیس کرد و امام صادق (ع) او را چند بار لعنت نموده است. معجم رجال الحدیث ج ۱۴ ص ۲۴۴. ۳. کمال الدین، ج ۲ ص ۴۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۱۸۰.

خماهن

سنگی است به غایت سخت و تیره رنگ مایل به سرخی. در یکی از توقیعات حضرت مهدی (ع) که در پاسخ (ع) سؤال از پوشیدن انگشتری که نگینش خماهن باشد در نماز، آمده که نماز گزاردن در آن مکروه است (۱) ۱. بحار الانوار ۵۳ ص ۱۵۴.

حضرت مهدی (ع) در آغاز قیام عادلانه جهانی اش، بر دیوار خانه خدا تکیه می زند و سخنرانی تاریخی و جاودانه خویش را آغاز می کند. فرازی از آن خطبه چنین است: اینک ما از خدای توانا یاری می طلبیم و تمام ایمان آورندگان به خدا و کسانی را که ندای جهانی ما را پاسخ مثبت دهند، همه را برای تحقق اهداف الهی و انسانی خویش به یاری می خوانیم و همه را به حق و عدالت دعوت می کنیم. مردم ما خاندان پیام آور شما محمد هستیم. هان ای مردم هرکس به من در مورد آدم (ع) گفتگو کند، من نزدیکترین مردم به آدم نیای بزرگ بشریت هستم. و هرکس در مورد نوح پیامبر، ابراهیم بت شکن و محمد، پیامبر عدالت و حریت بحث و گفتگو کند، من نزدیک ترین انسان ها به این پیامبران بزرگ خدا و پرچمداران قهرمان هدایت و رسالت هستم (۱) از امام باقر (ع) خطبه و پیام دیگری نیز برای امام مهدی (ع) آورده اند که اندک تفاوتی با نسخه های پیشین دارد. آن حضرت می فرماید: امام مهدی (ع) به هنگام شامگاهی، در حالی که پرچم پیامبر در دست، پیراهن آن گرامی بر تن، سلاح ویژه او و بیان گرم و دیگر ویژگی ها و نشانه های آن حضرت را به همراه دارد، در مکه ظهور می کند. نماز عشا را به جماعت می خواند و آنگاه با صدای دلنوازی جهانیان را مخاطب ساخته و می فرماید: هان ای مردم اینک در پیشگاه پروردگارتان خدای را به یاد شما می آورم خدایی را که حجت های خویش را بر شما تمام و پیام آورانش را ارسال کرد و قرآن را برای هدایت بشر فرو فرستاد. او شما را فرمان می دهد که چیزی را شریک او نسازید و بر اطاعت او و فرمانبرداری از پیامبرش کوشا باشید. آن چه را قرآن در اندیشه زنده ساختن آن است، زنده سازید و بدعت ما و ضد ارزش هایی را که قرآن در محو و نابودی آن ها است، از میان بردارید. در راه حق و هدایت، مددکار من باشید و در راه تقوا و عدالت وزیر و کمک کار من مردم پایان جهان و فرجام آن نزدیک شده و دنیا، جدایی خویش را اعلان نموده است. من شما را به سوی خدای یکتا و پیام آورش محمد (ص) و عمل به کتاب زندگی ساز او و احیاء و رواج ارزش های والای الهی و انسانی و نابودی بدعت های جاهلی و باطل و ضد ارزش ها فرا می خوانم. (۲) و اما سومین خطبه از آن گرامی در یک روایت طولانی، خطبه پر محتوای دیگری برای آن حضرت، از امام صادق (ع) روایت شده است که فرازهایی از آن را می آوریم: هان ای توده های انسانی هرکس می خواهد به "آدم" و شیث "نظاره کند، من آدم و شیث هستم و از آنان نشان دارم. هرکس می خواهد به نوح و فرزندش سام (ع) بنگرد، من نوح و سام هستم. . . . هرکس می خواهد به ابراهیم (ع) و اسماعیل نظاره کند، من از ابراهیم و اسماعیل نسب دارم. هرکس می خواهد به عیسی و "شمعون" نگاه کند، من عیسی و شمعون هستم و از آنان نشان دارم. هر کس می خواهد به محمد (ص) و امیر مومنان (ع) بنگرد، بدانند که من محمد و امیر مومنان هستم. مردم هرکس می خواهد به "حسن و حسین" بنگرد، من حسن و حسین هستم. مردم هر کس می خواهد به امامان معصوم پس از حسین و از فرزندان او بنگرد، من از آنان هستم و از آنان نشان دارم (۳) مرحوم مجلسی در تفسیری بر این روایت طولانی می گوید: در فرازهایی که امام مهدی (ع) می فرماید: من آدم، شیث، عیسی، محمد و امامان معصوم هستم، یعنی در دانش و ارزش های اخلاقی و انسانی آنان که شما آنان را پیروی می کنید، من همان گونه ام و عصاره و چکیده آن ارزش ها. امام باقر (ع) می فرماید: پس از پایان یافتن خطبه امام مهدی (ع)، ۳۱۳ نفر یاران خاص او برگرد خورشید وجودش اجتماع نموده و با او بیعت می کنند (۴) ۱. منتخب الاثر ص ۱۷۲. ۲. عقد الدرر، ص ۱۴۵ معجم ا حدیث الامام المهدی (ع) ج ۳ ص ۲۹۵. ۳. بحار الانوار، ج ۳. ۴. ص ۲۹۵. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی ص ۶۴۷.

عطسه

نسیم خادم می گوید: وقتی امام زمان (ع) ده روزه بود به محضرش شرف یاب شدم و در حضورش عطسه کردم. فرمود: یرحمک الله خدای تو را بیامرزد، دعای مخصوص عطسه کننده که به تسمیه العطاس معروف است بسیار خوشحال شدم که امام در

حق من چنین فرمود . سپس فرمودند : تو را درباره عطسه مزده دهم آن تا سه روز امان از مرگ است (۱) ۱ . غیبه طوسی ، ص ۱۳۹ کشف الغمه ج ۳ ص ۲۹۰ بحار الانوار ج ۵۱ ، ص ۵۰

شخصیت

ویژگی های حضرت

خصایص و ویژگی های حضرت مهدی (ع) مطابق احادیث و روایات عبارتند از : ۱ . از خاندان و ذریه پیامبر (ص) است ۲ . هم نام ، هم کنیه پیامبر (ص) و شبیه ترین مردم به آن حضرت است ۳ . نهمین فرزند از فرزندان امام حسین (ع) است . اسم پدرش حسن (ع) است ۵ . مادرش سیده کنیزان و بهترین ایشان است ۶ . دوازدهمین امام و خاتم الائمه است ۷ . دارای دو غیبت است ۸ . عمر بسیار طولانی دارد ۹ . زمین را پر از عدل و داد می کند ، پس از آن که پر از ظلم و ستم شده باشد ۱۰ . گذشت روزگار او را پیر نمی کند ۱۱ . ولادتش پنهانی است ۱۲ . دشمنان خدا را می کشد و زمین را از شرک و ظلم پاک می کند ۱۳ . دین خدا را آشکار و اسلام را در روی زمین گسترش می دهد و فرمانروای روی زمین می شود ۱۴ . با شمشیر قیام می کند ۱۵ . دارای سنت هایی از انبیا است که از آن جمله غیبت است ۱۶ . روش او سیره پیامبر (ص) است ۱۷ . پس از این که مردم در آزمایش های سخت واقع شوند ، ظاهر می شود ۱۸ . حضرت عیسی (ع) نازل می شود و پشت سرش نماز می خواند ۱۹ . پیش از ظهورش بدعت ها و ظلم و گناه و تجاهر به فسق و فجور رایج می شود ۲۰ . هنگام ظهورش نادای آسمانی به نام او و پدرش ندا می کند که همه ، آن را می شنوند و ظهور آن حضرت را اعلام می کند ۲۱ . پیش از ظهورش نرخ ها بالا می رود ، بیماری ها زیاد می شود ، جنگ های بزرگ بر پا می شود و بسیاری کشته می شوند ۲۲ . پیش از ظهورش نفس زکیه و یمانی کشته می شوند و در بیدا مکانی بین مکه و مدینه خسفی واقع می شود و دجال و سفیانی خروج می کنند و حضرت آن ها را می کشد ۲۳ . پس از ظهورش ، برکات آسمان و زمین ظاهر می شود و زمین آباد می گردد و هیچ کس غیر خدا را پرستش نمی کند ۲۴ . سیصد و سیزده نفر اصحاب او هستند که در یک ساعت به محضرش حاضر می شوند ۲۵ . معجزات بسیاری دارد و بسیاری مشرف به دیدار حضرتش شده اند . (۱) ۱ . منتخب الاثر فصل دوم .

شباهت

در روایات ، شباهت هایی میان حضرت مهدی (ع) و انبیاء و ائمه (ع) آمده است : شباهت به آدم (ع) خداوند ، آدم را خلیفه خود در زمین قرار داد شباهت به هابیل (ع) نزدیک ترین افراد ، هابیل را کشت یعنی برادرش و همچنین نزدیک ترین افراد ، قصد کشتن امام قائم (ع) را نمود عموی او یعنی جعفر کذاب شباهت به شیث (ع) حضرت شیث اجازه نیافت که علم خودش را آشکار کند ، حضرت نیز اجازه نیافته تا روز وقت معین . شباهت به نوح (ع) عمر طولانی شباهت به ادریس (ع) ادریس (ع) به آسمان بالا برده شد ، و حضرت مهدی (ع) را هنگام ولادت ، روح القدس بر بال خود گرفت و به آسمانها برد . ادریس (ع) نیز از قومش غایب شد . شباهت به هود (ع) حضرت نوح ، ظهور حضرت هود را بشارت داده بود و خداوند ، کافران را به وسیله او هلاک کرد . شباهت به صالح (ع) حضرت صالح مدتی از قومش غایب شد و وقتی بازگشت ، عده ای او را انکار کردند . شباهت به ابراهیم (ع) حضرت ابراهیم (ع) دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود و رشد او در یک هفته ، به اندازه یک ماه بود و در یک ماه به اندازه یک سال . حضرت ابراهیم (ع) دو غیبت داشت . شباهت به اسماعیل (ع) خداوند به ولادت اسماعیل (ع) بشارت داد . و چشمه زمزم برای حضرت اسماعیل (ع) از زمین جوشید . شباهت به اسحاق (ع) پس از آنکه ساره از بچه دار شدن مأیوس

شده بود ، خداوند ولادت اسحاق (ع) را بشارت داد . شباهت به لوط (ع) فرشتگان برای یاری اش نازل شدند . شباهت به یعقوب (ع) یعقوب (ع) منتظر فرج بود تا این که خداوند پس از مدتی طولانی ، پریشانی اش را برطرف ساخت . شباهت به یوسف (ع) یوسف (ع) زیباترین اهل زمان خود بود و مدتی غایب و مدتی نیز دچار زندان شد . شباهت به خضر (ع) عمر طولانی و حضور هر سال در مناسک حج . شباهت به الیاس (ع) عمر طولانی و حضور هر سال در حج و غایب شدن از قومش . شباهت به ذو القرنین : پیغمبر نبود ، ولی بر مردم حجت بود و از قومش غایب شد غیبتی طولانی . شباهت به شعیب (ع) عمرش طولانی و استخوان هایش کوفته شد . از نظر قومش غائب شد و دوباره به صورت جوانی به آنها بازگشت . شباهت به موسی (ع) دوران حمل و ولادتش مخفی بود و دو غیبت داشت . از ترس دشمنانش غایب شد و بنی اسرائیل منتظر قیامش بودند . عصایی داشت که معجزه اش بود . شباهت به هارون (ع) خداوند هارون را به آسمان بالا برد . هارون سخن موسی را از راه دور می شنید . شباهت به یوشع (ع) منافقان با او جنگ کردند خورشید برای یوشع (ع) بازگشت شباهت به حزقیل (ع) خداوند برایش مردگانی را زنده کرد . شباهت به داود (ع) خداوند او را خلیفه در زمین قرار داد و آهن را برایش نرم کرد . شباهت به سلیمان (ع) (داود (ع) او را جانشین خود قرار داد ، در حالی که به سن بلوغ نرسیده بود . حکومت سلیمان بر جن و انس و پرندگان بود و مدتی از قومش غایب شد . خورشید برایش بازگشت . شباهت به دانیال (ع) مدتی غایب شد . شباهت به عزیر (ع) وقتی به قومش بازگشت ، تورات را آن طور که بر موسی (ع) بن عمران (ع) نازل شده بود خواند . شباهت به جرجیس (ع) خداوند مردگانی را برایش زنده کرد . شباهت به ایوب (ع) بر بلا صبر کرد . چشمه برایش جوشید . خداوند مردگانی را برایش زنده کرد . شباهت به یونس (ع) پس از غیبت ، به قیافه جوانی به سوی قومش بازگشت . شباهت به زکریا (ع) فرشتگان او را ندا می کردند . و در مصیبت ابا عبدالله الحسین سه روز گریه کرد . شاهی به یحیی (ع) به ولادتش بشارت داده شده بود و در شکم مادر سخن می گفت . شباهت به عیسی (ع) فرزند بهترین زنان زمانش بود و در شکم مادر تکلم می کرد و در گهواره سخن می گفت . خداوند او را به آسمان برد و مردم درباره اش اختلاف کردند . به اذن خداوند مرده را زنده می کرد . شباهت به حضرت محمد (ص) حضرت رسول اکرم (ص) فرمود : مهدی از فرزندان من است ، اسم او اسم من ، کنیه اش کنیه من ، و از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است . شباهت به امام علی (ع) وزهد و شجاعت . شباهت به امام حسن (ع) حلم و بردباری . شباهت به امام حسین (ع) نبودن بیعت طاغوت زمان برایشان ، بالا بردن به آسمان ، آرزوی بودن در رکاب حضرت ، ترس حضرت هنگام حرکت از مدینه ، طلب یاری و شباهت به امام سجاد (ع) عبادت شباهت به امام باقر (ع) شباهت به رسول خدا (ص) . شباهت به امام صادق (ع) کشف علوم و بیان احکام برای مردم . شباهت به امام کاظم (ع) تقیه و شدت ترس از دشمنان . شباهت به امام رضا (ع) تقیه و ترس در زمانش برداشته شد . شباهت به امام محمد تقی (ع) در کودکی به امامت رسید . شباهت به امام علی نقی (ع) هیبت حضرت . شاهی به امام حسن عسکری (ع) هیبت حضرت . (۱) . مکیال المکارم ج ۱ ص ۱۹۶ تا ۲۵۷ .

امامت

نور حضرت

امام (ع) نور است . امام باقر (ع) در تفسیر آیه فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا ، (۱) فرمود : نور ، به خدا قسم ، نور امامان از آل محمد (ع) است تا روز قیامت ، والله نور الهی که نازل شده همان ها هستند؟ والله نور خدا در آسمان ها و زمین آن ها هستند (۲) در زیارت روز جمعه آن حضرت هم آمده سلام بر تو ای نور خداوند که هدایت جویان به وسیله او هدایت می شوند . (۳) شب معراج ، نور حضرت مهدی (ع) برای خاتم الانبیاء (ص) آشکار شد . پیامبر (ص) فرمود : ای محمد دوست

داری آن ها اوصیای خودت را بینی ؟ گفتم : بله ، ای پروردگار فرمود : به سمت راست عرش توجه کن چون متوجه شدم ، ناگاه علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و مهدی را دیدم که در رودی از نور ایستاده ، نماز می گذارند و او مهدی در وسط آن ها مانند ستاره ای درخشان بود . و اما درخشندگی نور حضرت در دنیا هنگام ولادت ، نور آن حضرت به طوری بود که تا آسمان رسید . درخشندگی نور آن حضرت در هر دو زمان حضور و غیبت وجود دارد . اشراق بدون واسطه ، برای جمعی از مؤمنین ، تشرف به دیدار آن حاصل گردیده است و دیگر ، اشراق نور آن حضرت با واسطه است . یعنی که خورشید و ماه از نور آن حضرت آفریده شده است چنان که روایتی بر این معنی دلالت می کند (۴) اخباری که دلالت می کند بر این که بقای عالم و آن چه در آن است به سبب وجود حضرت قائم (ع) است ، بنابراین درخشندگی نور آفتاب و ماه از آثار نور آن حضرت است در غیبت و حضور و اشراق نور حضرت در زمان غیبت بر دو قسم است : الف : اشراق باطنی در دل مؤمنین است که امام خود را با حقایق ایمان مشاهده می کنند . ب : اشراق ظاهری : نور آن حضرت برای بعضی از اخیار اتفاق افتاده که این امر به برخی از خواص و پاکبازان اهل اخلاص اختصاص دارد . قسم دیگر ، اشراق نور آن حضرت در زمان ظهور است که دو گونه است : اشراق باطنی که در دل مؤمنین است و اشراق ظاهری ، این است که امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه ، واشرق الارض بنور ربها ، (۵) فرمود : رب الارض یعنی امام ارض ، و هرگاه ظهور کند مردم از نور آفتاب و ماه بی نیاز می شوند و به نور امام اکتفا می کنند . (۶) و اما نور آن حضرت در آخرت است . امام صادق (ع) فرمود : نور ائمه مؤمنین در روز قیامت ، در پیشاپیش و سمت راست مؤمنین پیش می رود تا این که آن ها را در منازل شان در بهشت فرود آورند . (۷) ۱ . سوره تغابن ۲۰۸ . کافی ج ۱ ص ۱۹۴ . ۳ . بحارالانوار ج ۱۰۲ ص ۲۱۵ . بحارالانوار ج ۱۵ ص ۱۰ . ۵ . سوره زمر ۶۹ . ۶ . تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۵۳ . تفسیر برهان ج ۴ ص ۲۸۹ .

استخلاف

به معنای کسی را جانشین خود کردن و جایگزین نمودن است . در قرآن آمده است که وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ خداوند آن گروه از شما را که خدا باور و درست کردارند وعده داده که در زمین جایگزین کفار و بدکاران سازد ، چنان که پیش از این نیز کسانی بنی اسرائیل را جایگزین جباران ساخت . بعضی گفته اند : این آیه مربوط به مهدی موعود (ع) است که اخبار متواتره از ظهورش خبر داد . و فرموده که زمین را پر از عدل و داد می کند ، همان طور که پر از ظلم و جور شده باشد و مراد به الذين آمنوا وعملوا الصالحات ، رسول خدا (ص) و ائمه است . (۱) ۱ . ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۵ ، ص ۲۱۸ .

معرفت امام

از مهم ترین تکالیف مؤمنان ، پس از معرفت به خدا و رسول او ، معرفت و شناخت ولی امر ، امام زمان (ع) است . از حضرت باقر یا صادق (ع) روایت است که فرمود : بنده خدا مؤمن نخواهد بود ، مگر اینکه خدا و رسول و همه امامان را بشناسد و نیز امام زمانش را بشناسد و در تمام امور خود به او مراجعه کند و تسلیم امر وی باشد (۱) در حدیث صحیح از حارث بن المغیره آمده که گفت : به حضرت ابو عبدالله صادق (ع) گفتم : آیا پیغمبر (ع) فرموده : من مات و لایعرت امام زمانه مات میتة جاهلیة فرمود : آری عرضه داشتم : این کدام جاهلیت است ، آیا جاهلیت مطلق است یا جاهلیت کسی که امامش را نشناخته ؟ فرمود : جاهلیت کفر و نفاق و ضلال . (۲) نیز امام صادق (ع) فرموده : هر کس شبی را صبح کند در حالی که امام زمانش را نشناسد ، به مرگ جاهلیت می میرد . (۳) البته آنچه در معرفت امام واجب است ، دو امر است : یکی شناختن شخص امام به اسم و نسب ، دوم

شناخت شخصیت امام با صفات و خصوصیات او که به وسیله آن ها از دیگران امتیاز می یابد . (۴) امام صادق (ع) می فرمایند : کمترین حد معرفت به امام آن است که امام ، همسنگ و مساوی با پیامبر (ص) است ، مگر در درجه نبوت . (۵) از آن جا که امام صادق (ع) فرمود ، معرفت از ساخته های خداوند است ، (۶) انسان باید حصول آن را از خداوند متعال طلب کند و با دعا ، آن را از خداوند بخواهد . در این زمینه و برای حصول معرفت به آن حضرت ، خواندن این دعا مناسب است : اللهم عرفنی نفسک . . (۷) ۱ . اصول کافی ج ۱ ص ۱۸۰ . ۲ . اصول کافی ج ۲ ص ۳۷۷ . ۳ . غیبه نعمانی ص ۶۲ . ۴ . مکیال المکارم ج ۱ ص ۳۷ . البرهان ، ج ۲ ص ۳۴ . ۶ . کافی ج ۱ ص ۱۶۳ . ۷ . کافی ج ۱ ص ۳۳۷

دانش حضرت

برای درک موقعیت علمی امام و مقام پرج حضرت صاحب الامر (ع) که آخرین حجت خداوند است به احادیث چندی اشاره میکنیم : پیامبر (ص) فرمود : دوازده نفر از اهل بیت من ، خداوند علم وفهم و حکمت مرا به آن ها عطا فرموده ، و آن ها را از خاک و گل من آفریده است . (۱) امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود : علم مرگ و میرها به ما داده شده ، علم تأویل و تنزیل و حل و فصل خصومت ها به ما عطا گردیده ، علم حوادث و وقایع به ما داده شده و هرگز چیزی از ما پوشیده نمی ماند (۲) و در حدیث دیگری می فرماید : آسمان ها و زمین در نزد امام ، همچون کف دست اوست ، ظاهر و باطن آن ها را می فهمد و نیک و بد آن ها را می شناسد (۳) امام باقر (ع) می فرماید : دیدگان امام به خواب می رود ولی قلبش همیشه بیدار است . . . از پشت سر همچون پیش رو می بیند ، و فرشتگان پیوسته با او سخن میگویند تا زمانی که روزگار او به سر آید (۴) و نیز درباره علم و دانش حضرت مهدی (ع) می فرماید : علم به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) در دل مهدی ما ، همچون زراعت می روید ، پس اگر کسی از شما باقی بماند تا زمانی که آن حضرت را درک کند ، باید به هنگام سلام دادن به وی بگوید : السلام علیکم یا اهل بیت الرحمة والنبوة و معدن العلم و موضع الرسالة (۵) . امام صادق (ع) فرمود : همه دنیا همانند یک حبه گردو در برابر امام ، نمایان است و چیزی از آن بر او پوشیده نیست . از هر طرف بخواهد در آن تصرف میکند ، آن چنان که یکی از شما در سفره ای که در برابرتان گسترده است ، از هر طرف بخواهد دست می برد و از آن بهره می گیرد . (۶) و در حدیث دیگری می فرماید : امام هنگامی که در شکم مادر است می شنود . . . و چون به امامت رسید ، خداوند برای او عمودی از نور برمی افرازد که به وسیله آن ، اعمال مردم هر شهری را می بیند . (۷) و درباره علم حضرت مهدی (ع) می فرماید : هنگامی که امور به دست حضرت صاحب الامر (ع) برسد ، خدای تبارک و تعالی ، هر زمین پستی را برای او بالا می برد ، و هر زمین بلندی را پایین می آورد تا این که همه جهان همانند کف دست او ، برایش آشکار (۸) از مجموع این روایات پی به عظمت حضرت مهدی (ع) و علم و دانش او می بریم . ۱۰ . منتخب الاثر ص ۳۲ کشف الغمه ج ۲ ص ۵۰۷ . ۲ . الزام الناصب ج ۲ ، ص ۲۴۶ . ۳ . بحار الانوار ج ۲۵ ، ص ۱۷۳ . ۴ . کافی ، ج ۱ ص ۳۸۸ بحار الانوار ج ۲۵ ، ص ۱۶۵ . ۵ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۶ . ۶ . اختصاص مفید ص ۱۷ بحار الانوار ج ۲۵ ص ۳۶۷ . ۷ . کافی ج ۱ ، ص ۳۸۷ . ۸ . بشارة الاسلام ص ۲۴۳ .

ولی نعمت

آن که برکسی حق نعمت دارد . در عصر حاضر ولی نعمت ما حضرت ولی عصر (ع) است . اگر بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض والسماء (۱) و اگر لولا الحجة ، لساخت الارض بأهلها (۲) پس نعمت رزق و روزی ، آرامش آسمان و زمین را مدیون اوهستیم . امیدواریم که سپاسگزار وجود پر فیض او باشیم . ۱ . مفاتیح الجنان ، دعای عدیله . ۲ . اصول کافی ج ۱۰

اثبات امامت حضرت

امامت در لغت به معنای پیشوایی و در اصطلاح، یعنی ریاست عامه در امور دین و دنیا، به نیابت از پیغمبر (ص). امامت حضرت مهدی (ع) به دو راه نص و معجزه ثابت شده است. اما نص: شیخ صدوق در کتاب کمال الدین به سندی صحیح به نقل از یونس بن عبدالرحمن آورده است که گفت: به محضر امام موسی بن جعفر (ع) مشرف شدم و عرضه داشتم: یا بن رسول الله آیا تو قائم بالحق هستی؟ فرمودند: من هم قائم بالحق هستم و لکن آن قائمی که زمین را از دشمنان خدای عزوجل پاک می کند و آن را پر از عدالت می نماید، همچنان که از جور و ستم پر شده باشد، پنجمین فرزند من است که غیبتی طولانی دارد، زیرا که بر جان خود می ترسد. در این مدت عده ای از حق برگشته وعده ای دیگر ثابت قدم می مانند. سپس فرمود: خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چسبیده و به دوستی ما ثابت مانده و از دشمنان ما بیزار باشند. آنان از ما و ما از آن هائیم. (۱) نمونه های دیگری از نص را می توان در جلد دوم کتاب کمال الدین، صفحات ۳۷۶، ۳۸۱ و ۴۰۹ ملا-حظه کرد. همچنین در کتاب کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر تألیف شیخ علی بن محمد بن علی الخزاز قمی، ۱۷۰ حدیث از طریق شیعه و سنی روایت شده که همه آن ها به امامت حضرت مهدی (ع) تصریح دارد. و اما معجزه: معجزات و کرامات حضرت، دلیلی بر اثبات امامت اوست. از علی بن محمد سمری نقل شده که به محضر مقدس حضرت مهدی (ع) نامه نوشت و درخواست کفن کرد. جواب آمد که در سال هشتاد یا هشتاد و یکم به آن نیازمند خواهی شد. پس در همان وقتی که آن حضرت برایش تعیین کرده بود وفات یافت و یک ماه پیش از فوتش کفن برایش فرستاده شد. (۲) و از جمله معجزات آشکار حضرت، حاجت گرفتن مردم از آن حضرت است که هر از گاهی زبان به زبان می چرخد و مشتاقان را امیدوارتر و مشتاق تر می کند. شفا یافتن بیماران لا علاج در مسجد جمکران از آن جمله است. در کتاب های کمال الدین شیخ صدوق، بحار الانوار علامه مجلسی و نجم الثاقب میرزا حسین نوری از معجزات حضرت بسیار آمده است. ۱. کمال الدین، ج ۲ ص ۲۳۶۱. همان ص ۵۰۱.

مرگ جاهلیت

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است (۲) جاهلیت در اصطلاح تاریخ به روزگار پیش از اسلام، که جهل و بی خردی بر مردم عموماً، و عرب خصوصاً حاکم بوده و بت می پرستیدند و اسیر احساسات و خرافات بودند و خودخواهی و خون ریزی و تجاوز و ستیز، مایه مباهات آن ها بود، اطلاق شده است. و به قول مرحوم طریحی: حالتی که عرب های قبل از اسلام داشتند و آن عبارت بود از: جهل به خدا و پیامبران و شرایع دین، و فخر و مباهات به آباء و انساب. (۳) این کلمه چهار بار در قرآن کریم آمده است و در هر یک از این چهار بار (۴) به نحوی از جاهلیت نکوهش شده و این شیوه مورد استنکار قرار گرفته است. از امام باقر (ع) ذیل آیه ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى (۵) آمده که فرمود: یعنی جاهلیت دیگری در آینده خواهد آمد (۶) احتمالاً منظور از مرگ جاهلیت، این است: آن کس که امام زمانش را نشناسد و بمیرد، بهره ای از دین و اسلام نبرده و در جاهلیت محض به سر برده است. ۱. اصول کافی ج ۲ ص ۳۷۷. ۲. معارف و معاریف ج ۴ ص ۷۰. ۳. سوره آل عمران ۱۵۴ سوره مائده ۵۰ سوره احزاب ۳۳ سوره فتح ۲۶. ۴. سوره احزاب ۳۳. ۵. بحار الانوار ج ۲۲ ص ۱۸۹. ۶. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۸۳.

ختم وصایت

در پشت مبارک رسول خدا (ص) علامتی بود که آن را ختم نبوت گویند. حضرت مهدی (ع) نیز علامتی در پشت دارد، مانند

علامت پشت مبارک رسول خدا (ص)، که برخی از آن به "ختم وصایت" تعبیر کرده اند. (۱) ۱. نجم الثاقب باب سوم.

حق واسطه نعمت

در زیارت جامعه درباره امامان (ع) می خوانیم واولیاء النعم و از امام صادق (ع) آمده که: اگر ما نبودیم، نه نهرها جاری می شد، نه میوه ها می رسید و نه درخت ها سبز می گشت (۱) امام سجاد (ع) نیز به ابو حمزه فرمود: ای ابو حمزه پیش از طلوع آفتاب نخواب، که برایت خوش ندارم. به تحقیق که خداوند در آن وقت، روزی های بندگان را تقسیم می کند و بر دست ما آن ها را جاری می سازد. (۲) ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۱۴۴. ۲. مکمال المکارم ج ۱ ص ۶۲

حق بقا در دنیا

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که: اگر زمین بدون امام زمان باقی بماند، از هم می پاشد (۱) ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۱۷۹.

حق عالم بر متعلم

خداوند در قرآن فرموده است: فاستلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون (۱) ۱. سوره انبیا ۷.

وجود هستی

از توقیعات شریفه آن حضرت است که فرمود: نحن صنایع ربنا و الخلق بعد صنایعنا (۱) و امام زمان و پدران بزرگوارش (ع) واسطه هستند در رساندن فیض های الهی به سایر مخلوقات، و به همین معنی در دعای ندبه اشاره شده که:، این السبب المتصل بین الأرض و السماء ۱. احتیاج طبرسی ج ۲ ص ۲۷۸

حق قرابت و خویشاوندی پیامبر (ص)

که در قرآن کریم آمده است: قل لا اسئلكم علیه اجرا الا، المودة فی القربی (۱)، بگو که من از شما بر تبلیغ رسالت توقع مزدی ندارم، جز این که در مورد خویشاوندانم مودت ورزید. و در حدیث ندای حضرت قائم (ع) هنگام ظهورش آمده، از شما می خواهم شما را به حق خدا و حق رسول خدا و حق خودم بر شما که مرا بر شما حق قرابت و خویشاوندی پیغمبر هست (۲) ۱. سوره شوری، ۲۰۲۳. غیبه نعمانی ص ۱۴۹.

حق پدر بر فرزند

شیعیان از باقی مانده گل خاندان وحی آفریده شده اند، همان طور که فرزند از پدر به وجود می آید. امام رضا (ع) فرمود: امام، همدم و رفیق و پدر مهربان است (۱) از امام باقر (ع) نیز روایت شده است که فرمود: به تحقیق که خداوند ما را از اعلی علین خلق فرموده و دل های شیعیان ما را از مایه خلقت ها و تن شان را از پایین تر از آن آفرید. پس دل های شان در هوای ما است، زیرا از آن چه ما آفریده شدیم، آن ها نیز آفریده شده اند (۲) ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۲۰۲۰. همان، ص ۳۹۰.

حق امام بر رعیت

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: مهم‌ترین چیزی که خداوند آن را از جمله حقوق، فرض کرده، حق‌والی و زمامدار بر رعیت است (۱). این‌ها بخشی از حقوق حضرت بر شیعیان بود. (۲) ۱. روضه کافی ص ۳۵. ۲. مکیال المکارم، ج ۱ ص ۵۶.

شهادت

ما منا الا مقتول

یعنی هیچ‌یک از ما معصومین خاندان نبوت نباشد، جز این‌که به مرگ شهادت از دنیا برویم. این جمله از قول چند تن از حضرات معصومین (ع) نقل شده است (۱) در روایتی آمده است که: ما منا الا مسموم او مقتول (۲). کسانی که معتقدند پایان عمر حضرت، شهادت است و به مرگ طبیعی نمی‌میرد، به این احادیث استناد کرده‌اند. ۱. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۱۴ و ۲۰۹. ۲. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۱۷.

خاک سپاری حضرت

امام صادق (ع) می‌فرماید: ... چون معرفت و ایمان به حضرت در دل‌های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می‌رسد. پس حضرت امام حسین (ع) متولّی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی‌کند (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۳ و ج ۵۱ ص ۵۶ کافی ج ۸ ص ۲۰۶.

هفت تکبیر

با هفت تکبیر بر جنازه حضرت علی (ع) نماز خواندند، و این عمل پس از ایشان، فقط بر جنازه حضرت مهدی (ع) جایز است. امیرالمؤمنین (ع) بر امام حسن (ع) وصیت کرد که: پس از کفن و حنوط و بردن تا موضع قبر شریف، بر من نماز کن و هفت تکبیر بگو. بدان که این عمل برای احدی غیر از من، حلال نیست، مگر بر مردی که در آخرالزمان ظهور می‌کند اسم او قائم مهدی (ع) است که از فرزندان برادر تو، حسین است. (۱) در معجزات حضرت مهدی (ع) آمده است که حضرت جلوی قسطنطنیه فرود می‌آید. در آن روزگار، آن‌دژ، هفت دیوار دارد و حضرت هفت تکبیر می‌گوید و دیوارها فرو می‌ریزد. (۲) ۱. نجم الثاقب باب سوم ۲. عقد الدرر ص ۱۸۰.

مرگ حضرت

این‌که حضرت، به مرگ طبیعی یا شهادت از این جهان خواهد رفت، اختلاف‌هایی در روایات به چشم می‌خورد. برخی از روایات می‌گویند که آن حضرت مدتی حکومت خواهد کرد، سپس وفات می‌کند و مسلمانان بر او نماز می‌گذارند از بعضی روایات استفاده می‌شود که مرگ آن حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران، با مشخصاتی که برای آنان ذکر شده، به شهادت می‌رسد. (۱) امام صادق (ع) می‌فرماید: چون دولت حق مدتش به سر آید، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می‌رسد. او را زنی از بنی تمیم به شهادت می‌رساند که نام او سعیده است و همانند مردان، ریش و سبیل دارد. او به هنگام عبور حضرت، سنگ آسیابی را از پشت بام به سوی او پرتاب می‌کند و حضرت را به شهادت می‌رساند (۲) بررسی و قضاوت در این امر مبتنی بر دو مسأله است: ۱. آیا همه امامان معصوم (ع) شهید می‌شوند یا امکان دارد که به مرگ طبیعی از دنیا بروند؟ ۲. اگر در سایر ائمه (ع) پذیرفتیم که همه به شهادت رسیده‌اند، نسبت به امام زمان (ع) چه خواهد شد؟ اما این‌که آیا همه ائمه به شهادت

رسیده اند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند اختلاف است: شیخ صدوق بر این باور است که همه معصومین به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند... کسی که چنین عقیده نداشته باشد از ما نیست. (۳) شیخ مفید در جواب صدوق می نویسد: آن چه را که شیخ صدوق در رابطه با درگذشت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به ستم و قتل گفته، برخی از آن ها ثابت است و برخی مشکوک. اما شهادت امام علی و امام حسن و امام حسین (ع) حتمی و قطعی است. پس از ایشان، مسمومیت و شهادت موسی بن جعفر (ع) نیز قطعی و مسلم است. درباره امام رضا (ع) نیز قول قوی مسمومیت و شهادت ایشان است، گرچه جای تردید هست. اما در دیگر ائمه (ع) راهی برای اثبات این که آنان به وسیله ستم یا ترور و یا قتل، به شهادت رسیده اند، در دست نیست. (۴) علامه مجلسی پس از آن که روایات را زیر عنوان انهم علیهم السلام لایموتون الا بالشهادة می آورد، نظر شیخ مفید را مورد نقد و بررسی قرار می دهد. امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا شهید می شود (۵) قاتلین به شهادت ائمه، اصل کلی را از این گونه روایات استفاده کرده اند و بر این نظرند که ساختار بدنی پیامبر و امامان (ع) به گونه ای است که زمینه و ظرفیت حیات و عمر طولانی را دارند؟ مگر عارضه و حادثه ای از خارج بر آنان تحمیل شود. (۶) به هر حال اگر نظر شیخ صدوق را بپذیریم و به روایات ما منّا الأمسموم او مقتول (۷) پایبند باشیم و آن ها را از نظر سند بپذیریم، امام زمان (ع) به دست جنایتکاران به شهادت می رسد. ولی اگر قول شیخ مفید را بپذیریم، باید بگوییم که چگونگی مرگ حضرت مهدی (ع) روشن نیست. (۸) امام صادق (ع) فرمود:... چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد حضرت امام حسین (ع) متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی کند. (۹) سلام علیه یوم ولد و یوم یظهر و یوم یموت و یوم یبعث حیا ۱. تاریخ ما بعد الظهور سید محمد صدر ص ۸۸۱. ۲. الزام الناصب ص ۱۰۹ به نقل از روزگار رهایی ج ۲ ص ۳۶۶۲. اعتقادات، صدوق ج ۵، ص ۹۹ کنگره شیخ مفید. ۴. تصحیح الاعتقاد مفید ج ۵ ص ۱۳۱. ۵. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۱۷. ۶. تاریخ الغیبه الصغری، ص ۲۳۰. ۷. بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۱۷. ۸. چشم به راه مهدی ص ۳۶۰. ۹. کافی ج ۸ ص ۲۰۶ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۳

شیعه و مهدی

از نظر شیعه، مسأله مهدویت و نوید ظهور مهدی موعود (ع) یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام به شمار می رود و به اندازه ای اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت، در ردیف وقوع قیامت، و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم (ص) می باشد. از نظر شیعه، مهدویت یک مسأله کهن و ریشه دار است و سابقه آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام و دوران رشد شخص نبی اکرم (ص) برمی گردد. به اعتقاد شیعه، علاوه بر آیات متعددی که در قرآن کریم وارد شده و پیشوایان دینی آن ها را به وجود مقدس مهدی موعود تفسیر کرده اند، صدها حدیث معتبر و متواتر از حضرت رسول اکرم (ص) و جانشینان آن حضرت صادر شده که در آن ها (۱) صفات، خصوصیات و جزئیات زندگی آن منتظر موعود و این که پس از تولد دو بار غیبت خواهد داشت و پس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد و با تشکیل حوادث واحد جهانی، جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود، بیان شده است. شیعیان بر اساس روایات عقیده دارند که مهدی موعود (ع)، سری از اسرار حق و آخرین برگزیده الهی است که پس از تولد از نظرها غایب شده است و پس از مدت زمانی طولانی ظهور می نماید و او حجة الله، خلیفه الله و بقیه الله است. مهدی موعود (ع) از نسل پاک پیامبر خدا (ص) و از علی و زهرا (ع) و نهمین نفر از فرزندان امام حسین و فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) است. شیعیان دوازده امامی عقیده دارند که حضرت مهدی (ع)، همانم وهم کنیه پیامبر (ص) و هم اکنون زنده است و هنگامی که خداوند اجازه ظهورش دهد قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید. شیعیان طبق وعده های انبیای سلف (ع) و نویدهای کتب مذهبی، و وعده های صریح قرآن کریم عقیده دارند که: آن گاه که اخلاق و معنویت از میان بشر

رخت بر بندد و ظلم و ستم فراگیر شود و اسباب ظهور مهیا گردد، حضرت مهدی (ع) به فرمان حق قیام می کند. با آمدنش هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند. مرزهای جغرافیایی میان کشورها برداشته می شود، مظاهر شرک و کفر و بی عدالتی از بین می روند، عدالت اجتماعی تأمین می گردد، هر حقی به صاحب حق می رسد و در سراسر جهان، تنها یک نظام حکومت می کند و آن نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است. (۲) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۵. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۶۸

طول عمر حضرت

طول عمر حضرت

درباره طول عمر حضرت مهدی (ع) سخن های بسیاری گفته اند. مهم ترین مسأله دخیل در طول عمر حضرت، قدرت الهی است. اگر کسی به کتب آسمانی به ویژه قرآن کریم آشنایی داشته باشد، می داند که کارهای خارق العاده بسیاری در عالم واقع شده و معجزات بسیاری صادر گردیده که همگی حاکی از قدرت لا یزال الهی است از قبیل: توفان نوح (۱) سرد شدن آتش برای ابراهیم (ع) (۲) عصای موسی (ع) و تبدیل شدن به اژدها (۳) بی پدر متولد شدن حضرت عیسی (ع) (۴) و سخن گفتن او در گهواره (۵) و امثال این ها. اگر خداوند قادر است این کارهای خارق العاده را انجام دهد، قادر است حجت و ولی خود را نیز سال های متمادی نگه دارد. (۶) و اما طول عمر از نظر ادیان: همه ادیان از عمر طولانی جمعی از افراد بشر خبر داده اند، به عنوان مثال در اصحاح سوره پنجم از سفر تکوین تورات، آیات، ۱۸، ۱۱، ۱۴، ۱۷، ۲۰، ۲۷، ۳۱ در اصحاح نهم، آیه ۲۹ و اصحاح یازده آیه ۱۰ تا ۱۷ و در موارد دیگر، افرادی را از پیامبران و دیگران نام برده و عمرهای طولانی هر یک را که متجاوز از ۴۰۰، ۶۰۰، ۷۰۰، ۸۰۰ و ۹۰۰ سال بوده به صراحت بیان داشته است. ادیان باستانی دیگر مانند زرتشتی، بودایی، برهمایی و... نیز از عمرهای طولانی جمعی از افراد بشر مخصوصاً رهبرانشان خبر داده اند و همه قائل به طول عمر، بلکه بقای حیات اشخاص تا این زمان هستند. (۷) و مسیحی ها عموماً معتقدند که حضرت عیسی (ع) پس از قتل زنده شده و تاکنون زنده است. طول عمر از دیدگاه قرآن: با مراجعه به قرآن کریم معلوم می شود که بعضی ها از عمر طولانی برخوردار بوده و هستند، به عنوان نمونه درباره حضرت نوح (ع) می خوانیم که قبل از توفان، ۹۵۰ سال در میان قوم خود بوده (۸) و پس از توفان نیز زنده بود. در تاریخ تا ۲۵۰۰ سال درباره طول عمر آن حضرت نوشته اند. همچنین درباره حضرت عیسی (ع) (و قتی یهودیان گفتند: ما او را به دار آویخته و کشته ایم، قرآن کریم نظر آنان را مردود دانسته و فرمود: خداوند او را به آسمان برده است. (۹) لذا در روایات داریم که حضرت عیسی (ع) زنده و در آسمان است و پس از ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان نازل شده و پشت سر حضرت نماز می خواند. در مورد زندگی حضرت خضر (ع) گرچه در قرآن ذکر نشده، اما در داستان حضرت موسی (ع) (۱۰) و پیرمراد و معلم او در روایات آمده که آن رجل الهی حضرت خضر بوده و همچنان زنده است. پس طبق آیات قرآن و روایات، داشتن عمر طولانی امری ممکن و قابل تحقق است. طول عمر از منظر تاریخ: در بیشتر کتبی که دانشمندان درباره زندگی و وجود امام زمان (ع) نوشته اند "بابی را به معمرین اختصاص داده و اسامی افرادی را که عمر طولانی داشته اند، ضبط کرده اند که ما اسامی برخی از آنان را در باب معمرین آورده ایم. طول عمر در تحقیقات جهان پزشکی: از نظر علم پزشکی، عمر انسان محدود به هفتاد و هشتاد سال نیست، بلکه تمام اعضای بدن انسان، جداگانه برای یک عمر طولانی ساخته شده است. یکی از دانشمندان در مقام مقایسه عمر انسان با سایر موجودات، مطالعات فراوانی نموده و بالاخره ثابت کرد که بدن آدمی برای آن ساخته شده که هزاران سال عمر کند. (۱۱) یکی از پزشکان می گوید: برای مدت زندگانی انسان، حدی که تجاوز از آن محال باشد، معین نشده است

(۱۲) یکی دیگر از دانشمندان می گوید : اگر می توانستیم نیم پایین روده ها را از تفاله پاک نگهداریم و نگذاریم بدن از آن ناحیه مسموم شود ، مرگ را جواب می گفتیم و بعض دیگر این ادعا را درباره جهازات دیگر کرده اند . (۱۳) چیزی که تاکنون ثابت شده است ، این است که علت اصلی مرگ ، امراض و عوارضی است که به یکی از اعضا عارض شده ، در نتیجه آن عضو را از انجام کار باز می دارد و به واسطه ارتباط و اتصالی که میان اعضا برقرار است ، از مرگ آن عضو ، مرگ سایر اعضا نیز فرا می رسد امروزه بشر در این فکر است که به کرات دور دست آسمانی که احتمالاً صدها و یا هزارها سال وقت می خواهد سفر کند ، و چون عمر کوتاه انسان با این نوع مسافرت های طولانی وفق نمی دهد در این صدد برآمده اند که برای رسیدن به کرات آسمانی ، اول باید عمر انسان را زیادتر کرد . لذا امروز در دانشگاه های مهم دنیا ، کرسی دو علم جدید ژنیاتری و جرونتولوژی به همین منظور مشغول فعالیت است و دانشمندان پیش بینی می کنند که روزی خواهد رسید که بشر ، هم عمر خود را به هزاران سال می رساند و هم به کرات دور دست آسمانی سفر می کند . لذا عمر انسان از نظر علمی حد ثابت و معینی ندارد ، بلکه انسان قابلیت آن را دارد که هزاران سال عمر کند . و اما حضرت آیت الله وحید خراسانی درباره کلمه امام زمان (ع) می گوید : اگر درباره کلمه امام زمان و صاحب الزمان دقت کنید می بینید آن حضرت ، جلوی زمان است و زمان ، پشت سر اوست آن حضرت ، امام و صاحب زمان است و چون مقدم بر زمان است ، بر زمان هم امامت می کند . اگر کسی عمق این مطلب را بفهمد ، خواهد دانست که چرا امام زمان (ع) پیر نمی شود . (۱۴) پس با این همه ، طول عمر هم امکان دارد و هم واقع شده است . ۱ . سوره هود ۳۸ تا ۴۸ . ۲ . سوره انبیاء ص ۶۹ . ۳ . سوره قصص ۳۲ و طه ۲۰ و شعراء ۳۲ . ۴ . سوره انبیاء ۹۱ . ۵ . سوره مریم ۲۷ تا ۳۴ . ۶ . سیمای آفتاب حبیب الله طاهری ص ۷۹۹ . امامت و مهدویت ، ج ۲ ص ۳۷۳ . ۸ . سوره عنکبوت ۱۴ . ۹ . سوره نساء ، ۱۵۸ . ۱۰ . سوره کهف ۶۵ تا ۸۲ . ۱۱ . اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ، ص ۲۲۰ . ۱۲ . مصلح جهانی ، ص ۶۷ . ۱۳ . آخرین امید داود الهامی ص ۳۳۷ . ۱۴ . پیام امام زمان حجازی ، ص ۱۷۳ .

حبابه و البیه

اززنانی است که طبق روایتی از امام صادق (ع) جزو یاران حضرت مهدی (ع) خواهد بود . شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسن (ع) و ابن داود او را از اصحاب امام حسن ، امام حسین ، امام سجاد و امام باقر (ع) می داند . برخی دیگر ایشان را از اصحاب هشت امام معصوم تا امام رضا (ع) شمرده اند . هم چنین گفته شده است که امام رضا (ع) ایشان را در پیراهن شخصی خود کفن کرد . او به هنگام مرگ ، بیش از ۲۴۰ سال داشت . او دوبار به دوران جوانی بازگشت که یک بار با معجزه امام سجاد (ع) و بار دوم با معجزه امام رضا (ع) بود و اوست که هشت امام معصوم بر سنگی که به همراه داشت ، با خاتم خود ، بر آن نقش زدند . (۱) حبابه و البیه می گوید : ... به امیر مؤمنان (ع) عرض کردم : خدا تو را مشمول رحمت خود قرار دهد . دلیل امامت چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود : آن سنگ ریزه را نزد من بیاور . آن را به حضور حضرت آوردم ، علی (ع) با انگشت خود بر آن مهر زد ، به گونه ای که آن مهر بر آن سنگ ، نقش بست و به من فرمود : ای حبابه هر کس که مدعی امامت شد و توانست مانند من این سنگ را مهر کند ، او امامی است که پیروی از او واجب است . امام کسی است که هر چیز را بخواهد می داند . من پی کار خودم رفتم ، تا امیر مؤمنان (ع) از دنیا رفت . آن گاه خدمت امام حسن (ع) آمدم که بر جای علی (ع) نشسته بود و مردم از او سؤال می کردند . چون مرا دید ، فرمود : ای حبابه و البیه عرض کردم : بلی سرور من فرمود : آن چه همراه داری بیاور . من آن سنگ کوچک را به آن حضرت دادم . آن بزرگوار مانند علی (ع) با انگشت خود بر آن مهر زد؛ به گونه ای که جای مهر بر آن نقش بست . سپس به حضور امام حسین (ع) که در مسجد رسول خدا بود آمدم . مرا نزد خود خواند و خوشامد گفت و فرمود : دلیل آن چه تو می خواهی موجود است . آیا نشانه امامت را می خواهی؟ گفتم : آری ، ای آقای من فرمود : آن چه با خود داری

بیاور من آن سنگ کوچک را به او دادم ، انگشترش را بر آن زد و مهرش بر آن نقش بست . پس از امام حسین (ع) خدمت امام سجاد (ع) رسیدم و به قدری پیرشده بودم که ریشه بر اندامم مستولی شده بود و صد و سیزده سال داشتم . آن حضرت در رکوع و سجود بود و به من توجهی نداشت . از دریافت نشانه امامت نا امید شدم . آن حضرت با انگشت سبابه خود به من اشاره کرد و به اشاره او جوانی ام برگشت . گفتم : ای آقای من از دنیا چه اندازه گذشته و چه اندازه مانده است؟ فرمود نسبت به آن چه گذشته است ، آری و آن چه مانده است نه . یعنی ما به گذشته علم داریم؟ اما آینده از غیب است که غیر خدا آن را نمی داند و یا مصلحت نیست بگویم . آن گاه به من فرمود : آن چه با خود داری بیاور . من آن سنگ را به حضرت دادم و حضرت مهر بر آن زد . پس از گذاشت زمانی ، به حضور امام باقر (ع) آمدم ، آن حضرت نیز بر آن سنگ ، مهر زد . بعد از او نزد امام صادق (ع) آمدم و آن جناب نیز آن را مهر کرد . پس از طی شدن سال ها به حضور امام کاظم (ع) شرفیاب شدم ، آن بزرگوار نیز بر آن مهر زد و بعد از او خدمت حضرت رضا (ع) رسیدم ، مهر آن حضرت نیز بر آن نقش بست . حبابه پس از آن ، نه ماه زنده بود . (۲)

۱ . تنقیح المقال ، ج ۲۳ ، ص ۲۰۷۵ . کافی ج ۱ ص ۳۴۶؛ تنقیح المقال ج ۳ ، ص ۷۵ چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طوسی ، ص ۷۴ .

کتاب

الغیبه

الغیبه عنوان دو کتاب است یکی نوشته شیخ طوسی و دیگری تألیف محمد ابراهیم نعمانی . نعمانی از بزرگان قرن چهارم و کتاب الغیبه وی ، شامل ، ۲ فصل است که درباره امامت و ولایت ائمه (ع) ، علائم ظهور ، مدعیان امامت ، زمین بدون حجت نیست ، صبر ، انتظار فرج و ... مطالب ارزشمندی آورده است . و اما شیخ طوسی در الغیبه به همه جوانب مسأله غیبت به گونه دقیق پرداخته و پاسخ اشکالات مخالفان را با استدلال به کتاب ، سنت و عقل داده است . آقا بزرگ تهران در باره این کتاب می نویسد : قوی ترین برهان های عقلی و نقلی بر وجود امام زمان (ع) و غیبت و ظهور آن حضرت را در آخر الزمان در بردارد . خود شیخ در مقدمه کتاب می آورد : شیخ بزرگوار ما ، به من دستور داد کتابی درباره غیبت صاحب الزمان و سبب دوام غیبت و پاسخ شبهات مخالفان بنویسم . (۱) ۱ . چشم به راه مهدی ص ۴۶۶

الفصول العشر فی الغیبه

کتابی است از شیخ مفید که در آغاز آن چنین اشاره می کند : ... در این نوشته به ده پرسش درباره مهدی پاسخ می دهم ... در این اثر ، آن چه تمام خردمندان بدان نیاز دارند ، آورده شده و به گونه ساده ، در دسترس همگان قرار گرفته است . و اما پرسش های دهگانه : ۱ . آیا امام حسن عسکری (ع) ، فرزندی به نام مهدی داشته است؟ آیا این را فقط شیعه باور دارد یا غیر شیعیان نیز بدان اعتراف دارند؟ ۲ . تکذیب وجود فرزند برای امام عسکری (ع) ، از سوی جعفر بن علی عموی امام زمان ۳ . امام عسکری (ع) اگر فرزندی به نام مهدی داشت ، چطور در وصیت خود از او نام نبرده و به مادرش وصیت کرده است؟ ۴ . دلیل بر ولادت مخفیانه و غیبت آن حضرت چیست؟ ۵ . غیبت طولانی خلاف عادت ، پذیرفته نیست . چگونه می تواند فردی که در زمان های دور چشم به جهان گشوده ، تا این زمان زنده باشد؟ ۶ . غیبت طولانی ، با دست نیابیدن و مشخص نبودن محل سکونت وی ، چگونه ممکن است؟ ۷ . بر فرض صحت غیبت ، در صورت اجرا نکردن حدود ، بیان نکردن احکام ، هدایت نکردن گمراهان ، اقامه نکردن امر به معروف و نهی از منکر و ... چه نفعی خواهد داشت؟ ۸ . به هر دلیلی که شیعه امامیه ادعاهای فطحیه ، کیسانیه ،

ناووسیه و اسماعیلیه را در باب غیبت باطل می شمرد ، به همان دلیل ادعای شیعه امامیه نیز ، در غیبت حضرت مهدی باطل است ۹ . شیعه امامیه براین باور است که خداوند غیبت حضرت را لازم دانسته و چیزی را اراده نمی کند ، مگر آن که دارای مصلحت باشد . از سوی دیگر معتقدند که در مشاهده آن حضرت و اخذ معارف دین از وی ، مصلحت کامل بندگان وجود دارد ، و با ظهور آن حضرت ، همه مصالح تحقق می پذیرد . بنابراین چگونه خداوند ، غیبت حضرت را اراده نموده است؟ ۱۰ . اگر امامیه بر غیبت امام عصر (ع) اسرار کند ، باید در هنگام ظهور معتقد به معجزه باشد تا مردم او را بشناسند ، در حالی که داشتن معجزه از ویژگی های پیامبران الهی است . پس از طرح این پرسش ها ، شیخ به یکایک آن به شرح پاسخ می دهد . این اثر با عنوان " المسائل العشره فی الغیبه والاجوبه عن المسائل العشر نیز چاپ شده است . (۱) ۱ . چشم به راه مهدی ص ۴۵۲ .

عَبْقَرِی الحَسَن

کتاب العبقری الحسان فی الاحوال مولینا صاحب الزمان (ع) از تألیفات مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی است . مؤلف در این کتاب به تشرفات ، مکاشفات ، رؤیاها ، توسلات و مسائل دیگر پرداخته است . مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در سال ۱۲۸۰ . هـ ق متولد شد . ایشان از شاگردان ملا لطف الله مازندرانی ، میرزا حبیب الله رشتی ، مرحوم مامقانی ، شریعت اصفهانی و حاجی نوری صاحب مستدرک الوسائل بوده است . این عالم بزرگوار به کثرت تقوی و زهد و ورع معروف بود . وی در مسجد جامع گوهر شاد ، نماز جماعت می خواند . در ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۶۹ هجری قمری رحلت کرد و پائین پای حضرت رضا (ع) مدفون گردید . برخی از تألیفات ایشان از این قرار است . خزینة الجواهر ، گلزار اکبری ، وسائل العیید ، راحة الروح ، جواهر الکلمات ، انوار الواهب ، انهار النوائب ، الفوائد الکوفیه ، رشحة الندی ، طور سینا ، عناوین اللمعات ، لمعات الانوار ، مفرح القلوب ، البیان الرفیع ، الجنة العالیه ، جنتان مدهامتان ، الیاقوت الاحمر (۱) ۱ . گنجینه دانشمندان ج ۱ ص ۲۷۳ و ج ۷ ، ص ۱۸۹ .

فوائد الشمسیه

کتاب زین الدین علی بن فاضل مازندرانی است . در آن کتاب ، بیش از نود مسأله را که از سید شمس الدین در جزیره خضراء آموخته ، گردآورده است . وی این کتاب را از توده مردم مخفی می داشت و فقط به اشخاص مورد اعتماد ارائه می داد (۱) ۱ . جزیره خضراء ناجی النجار ترجمه علی اکبر مهدی پور ص ۱۹۲ .

کتابنامه دعای ندبه

گروهی از دانشمندان درد آشنا و نویسندگان متعهد ، به دفاع از حریم دعای ندبه پرداخته و در پاسخ به اشکال ها و اعتراض های بی اساس ، پیرامون این دعای با صلابت ، آثار ارزشمند را به تحریر در آورده اند که عناوین برخی از آن ها را می آوریم : انوارالولایه آیت اله صافی گلپایگانی به عشق مهدی محمد شائق قمی پاسخ ها به گفته ها سید محمد مهدی مرتضوی لنگرودی تحقیقی درباره دعای ندبه رضا استادی ترجمه دعای ندبه مولی رفیع گیلانی ترجمه وسیله القربه علی بن علیرضا خوئی جمال حضور در آئینه غیبت سید حسین خادیمان درس های از ولایت شیخ محمد باقر صدیقینی دعای ندبه براساس قدیمی ترین نسخه ها دکتر باقر قربانی زرین سخنان نخبه علی عطایی اصفهانی شرح دعای ندبه محمد باقر شریعت پناه شفاء للامه محمد جعفر شاملی فروغ ولایت ودعای ندبه آیه اله لطف اله صافی گلپایگانی کشف الکربه فی شرح دعاء الندبه سید جلال الدین محدث ارموی مدارک دعای شریف ندبه جعفر صبور قمی معالم القربه فی شرح دعاء الندبه سید جمال الدین محدث ارموی النخبه فی شرح دعاء الندبه سید محمود مرعشی (ندبه و نشاط) احمد زمر دیان نصره المؤمنین عبدالرضا ابراهیمی نوید بامداد پیروزی سید مصطفی

طباطبایی، وظایف الشیعه شیخ عباس علی ادیب اصفهانی (هدیه مهدویه) صالحی کرمانی (۱) ۱. با دعای ندبه در پگاه جمعه، علی اکبر مهدی پور، ص ۱۹۳.

کشف الغمه

کشف الغمه فی معرفه الائمه، کتابی است نوشته ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی، اربلی از ادیبان شیعی قرن هفتم هجری است که در شهر اربلا، در شمال عراق به دنیا آمد و در سال ۶۹۳ هجری در بغداد بدرود حیات گفت. صاحب "امل الامل" از وی به عظمت یاد کرده و نوشته است: او دانشمند، فاضل، محدث، ثقه، شاعر، ادیب و نگارنده و مجمع فضائل بود (۱) وی بخش آخر جزء سوم این اثر ارزشمند را به امام زمان (ع) اختصاص داده و به مباحثی چون محل تولد حضرت، زمان تولد، نسب، پدر، مادر، اسم، کنیه و لقب او پرداخته است. (۲) ۱. اهل الامل ج ۲ ص ۲۰۱ ۹۵. چشم به راه مهدی، ص ۴۷۲.

کمال الدین و تمام النعمه

کتابی است نوشته علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق، درباره امام زمان (ع) این کتاب را اکمال الدین و اتمام النعمه هم می گویند. دائرة المعارف روایی است با دسته بندی بسیار جالب در باب موضوعات مربوط به امام عصر (ع) شیخ صدوق در قم دیده به جهان گشود و در نزد فقهای بزرگ و محدثان نامداری دانش فقه و حدیث را فرا گرفت. روح جست و جوگرش آرام نگرفت و برای بهره گیری از محضر عالمان اسلامی به سیر و سیاحت پرداخت و به شهرهای ری، نیشابور، مشهد، کوفه، بغداد، همدان، بلخ، سرخس و مکه مکرمه رفت و از متخصصان فن حدیث، حدیث آموخت. (۱) شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، در مقدمه معانی الاخبار تا ۲۵۲ تن از بزرگان را که شیخ صدوق از آنان استفاده کرده یاد می کند. شیخ صدوق در رشته حدیث به جایی رسید که رئیس المحدثین (نام گرفت. (۲) شیخ صدوق انگیزه خود را از نگاشتن این کتاب چنین اعلام می دارد: ... شبی در خواب دیدم خانه کعبه را طواف می کنم. به حجرالاسود رسیدم و آن را استلام کردم. ناگاه دیدم مولی صاحب الزمان (ع) پهلوی در کعبه ایستاده است. سلام کردم. حضرت جواب دادند. فرمود: چرا کتابی راجع به غیبت نمی نویسی، تا ناراحتی ات برطرف شود؟ عرض کردم: یابن رسول الله... من کتاب ها درباره غیبت شما نوشته ام. حضرت فرمود: نه، آن موضوعات را نمی گویم. کتابی راجع به غیبت من بنویس و غیبت پیامبران را در آن نقل کن. سپس از نظرم غایب شد. من با اضطراب از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر، به گریه و زاری پرداختم. چون صبح شد، به منظور انجام امر ولی الله و حجت خدا، شروع به نوشتن این کتاب کردم (۳) این کتاب در ۵۷ باب تنظیم شده و به غیبت پیامبران (ص)، معمرین، نیاز بشر به امام، سخنان پیشوایان درباره غیبت، مشرف شدگان به محضر حضرت، نشانه های ظهور، توقیعات و... می پردازد قسمتی از کتاب "کمال الدین"، در سال ۱۹۰۱ م. در هایدلبرگ آلمان به وسیله مولر "منتشر شد و رساله "اعتقادات" وی، به انگلیسی ترجمه شده است. (۴) ۱. معانی الاخبار صدوق، ص ۱۸. ۲. وسائل الشیعه ج ۲ ص ۳۶۳. کمال الدین مقدمه، انتشارات اسلامی. ۴. معارف و معاریف ج ۱ ص ۲۴۲.

المحجه فیما نزل فی القائم الحجه

کتابی است نوشته سید هاشم بحرانی موضوع مورد بحث این اثر، آیات قرآنی است که در روایات، به حضرت مهدی (ع) تفسیر و تأویل شده این آیات به یکصد و بیست عدد می رسند که از سوره بقره آغاز، و به سوره عصر پایان می پذیرند. مطالب کتاب نیز به صورت ترتیب سوره های قرآنی تنظیم شده اند (۱) بحرانی، فقیه، مفسر، محدث و صاحب نظر در رجال بوده است (۲) وی

در سال ۱۱۰۷-۱۱۰۸ در قریه "نعیم" درگذشت و در قریه توبلی به خاک سپرده شد. بحرانی از بزرگانی چون سید عباس استرآبادی و شیخ فخرالدین بن طریحی نجفی صاحب مجمع البحرین بهره جسته است. (۳) ۱. چشم به راه مهدی ص ۴۷۷. ۲. ریحانة الادب ج ۱ ص ۲۳۳. ۳. همان.

مصحف فاطمه (س)

وقتی که خداوند، پیامبرش را قبض روح نمود، حضرت فاطمه (س) چنان از وفات پدر اندوهگین شد که کسی جز خداوند اندازه اش را نمی داند. از این رو خداوند، فرشته ای را بر روی زمین فرستاد تا او را دلداری داده و با او سخن بگوید. فاطمه (س) این جریان را به امیرالمؤمنین (ع) گزارش داد. حضرت علی (ع) فرمود: هرگاه آمدن فرشته را احساس کردی و صدایش را شنیدی، سخنان او را بلند بازگو کن که من بشنوم. وی چنین کرد و حضرت هر چه می شنید می نوشت؟ تا آن که از آن سخنان مصحفی ساخته شد. در آن مصحف، چیزی از حلال و حرام نیست، بلکه در آن، علم به مشاهدات آینده است (۱). ابو بصیر به امام صادق (ع) عرض کرد: مصحف فاطمه چیست حضرت فرمود: مصحفی است سه برابر قرآنی که در دست دارید به خدا سوگند حتی یک حرف قرآن در آن نیست (۲) بر طبق روایات، این مصحف شریف، دست به دست از امامی به امام دیگر منتقل گشته است، تا به دست مبارک امام زمان (ع) رسیده است امام رضا (ع) می فرماید: امام نشانه هایی دارد: دانشمندترین مردم است. در داوری، پرهیزکاری، بردباری، شجاعت، عبادت، سخاوت، سرآمد روزگار است... و مصحف فاطمه نیز در دست او است (۳) روایت شده که صحیفه فاطمه به طول هفتاد ذراع و به عرض یک پوست گوسفند بوده است و همه احکامی که بنی آدم به آن نیاز داشته باشد، حتی تاوان خراش در آن نوشته شده است (۴) ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۲۲۴. اصول کافی ج ۱، ص ۲۸۳. ۳. اثبات الداء ج ۷ ص ۳۸۸. ۴. معارف و معاریف ج ۶ ص ۶۵۵

مهدون للمهدی

به معنای زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (ع) است. همچنین عنوان کتابی است از نویسنده ارزشمند، علی کورانی.

نور الابصار

نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار کتابی است نوشته سید مؤمن بن حسن بن مؤمن شبلنجی بخشی از این اثر، اختصاص به حضرت مهدی (ع) دارد که به بحث درباره ولادت، کنیه، القاب، اوصاف و نایبان حضرت، چگونگی غیبت، سال غیبت طول عمر، زمان و مکانی که حضرت غائب شده، حیات وی پس از غیبت، محال نبودن غیبت طولانی و... می پردازد آن گاه دیدگاه کسانی را که بر این باورند مهدی منتظر، محمد بن حنیفه است و باز خواهد گشت، به شدت رد می کند. وی در قریه شبلنج مصر پرورش یافت و در ده سالگی قرآن را حفظ کرد و وارد دانشگاه الازهر مصر شد. در علوم و فنون گوناگون، به ویژه علم حدیث، ادب و تاریخ به درجات عالی نائل آمد و آثار ارزشمندی عرضه کرد (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

اثبات الوصیه

کتابی است از ابی الحسن علی بن الحسین بن علی المسعودی. مسعودی در شهر بابل به دنیا آمد. در بغداد کسب دانش کرد. (۱) به مصر، بصره، فارس، کرمان، هند، چین و عمان رفت تا از دانشمندان آن دیار بهره بگیرد. بالاخره در مصر اقامت گزید و در سال ۳۴۵ یا ۳۶۳ ق در همان جا بدرود حیات گفت. مسعودی را از بزرگان دانش رجال و تراجم، شخصیت برجسته علمی، جلیل

القدر، مورد اطمینان و بزرگوار معرفی کرده اند. (۲) کتاب اثبات الوصیه موضوعات تاریخی، اعتقادی و... را در بردارد. ابتدا به بیان جنود عقل و جهل، خلق جن و انس و سجود ملائکه پرداخته است. آنگاه، جریان های تاریخی را از هبوط آدم، رسالت انبیاء الهی و مردان بزرگ، تا ولادت پیامبر اکرم (ص) به بحث می گذارد. از نظر تاریخی در محدوده تاریخ ائمه (ع) جریان هایی که در عصر هر امامی اتفاق افتاده، شیوه برخورد آنان با حاکمان زمان و عکس العمل های حاکمان را به رشته تحریر در می آورد. در پایان، امامت امام عصر (ع) را از زبان مخبران صادق اثبات می کند و موضوعاتی را به شرح زیر، در باب امامت امام دوازدهم و مسأله غیبت وی، به بوته بررسی می نهد: امام زمان فرزند کیست؟ ویژگی های حضرت، انتظار فرج، نشانه های ظهور، مقابله حضرت به هنگام ظهور با مستمکاران (۳) و... ۱. مروج الذهب ج ۱، ص ۲۷۷. ۲. روضات الجنه خوانساری ج ۴ ص ۲۸۲. ۳. چشم به راه مهدی ص ۴۵۵

اربعینات درباره حضرت

یکی از سنت های پسندیده و خدمت های شایسته ای که از دیرزمان تاکنون در میان محدثان با درایت و عالمان شریعت و سالکان طریقت، به کثرت معمول بوده و مشتاقانه رواج پیدا نموده است اهتمام به تألیف آثاری با عناوینی همچون اربعین، اربعون حدیثاً، اربعون کلمه، الاربعة عن الاربعة من الاربعة و گردآوردن دفاتر معرفت و برگ های زرینی در قالب چهل حدیث با ویژگی های مشترک، یا یکسان، یا درباره یک موضوع و یا موضوعات گوناگون است. چهل حدیث ها با هر نیت و با انگیزه ای که پدید آمده باشد، بخش پر ارج و قابل توجهی از منابع حدیثی مسلمانان را به خود اختصاص داده است. اماگویی سبب اصلی پرداختن به آن، وجود و نمود توصیه به حفظ چهل حدیث از سوی پیامبر اکرم (ص) باشد که فرمود: از امت من هرآنکه چهل حدیث پیرامون آن چه در امر دین بدان ها نیازمند است به حافظه سپارد، خداوند نیز وی را در روز رستخیز در شمار دانشمندان و دین پژوهان برخواهد انگیزخت. در میان بازار گرم و پویای جمع چهل حدیث، دانشوران شیعه و اهل سنت، بسیاری از چهل حدیث های خود را به سخنان، گفته ها، فضائل و مناقب بی شمار امام غائب (ع) اختصاص داده و به عنوان یکی از عمده ترین و بارزترین مسائل دینی مورد نیاز مردم بدان نگریسته اند. آنان به دلیل مقید بودن به عدد چهل تنها به گوشه هایی بسیار محدود از احادیث، سخنان، فضائل، شئون و مقامات امام زمان (ع) اشارت کرده، ولی در عوض با گزیده گویی و ایجاز درخشان، آثار دایره المعارف گونه ای را پدید آورده اند. در این مجال می توان به فهرستی توصیفی از اینگونه اربعینات به ترتیب تاریخی چنین اشاره نمود: ۱. الاربعون حدیثاً فی امر المهدی: ابو نعیم احمد بن عبدالله اصفهانی ۳۳۴-۴۳۰ ق ۲. الاربعون فی ذکر المهدی من آل محمد، حافظ ابوالعلاء حسن بن احمد عطار همدانی مقری ۴۸۸-۵۶۹ ق ۳. اربعون حدیثاً فی المهدی، سراج الدین محدث بغدادی قزوینی قرن ششم ۴. کفایه المهدی فی معرفه المهدی، سید محمد میر لوحی اصفهانی زنده در ۱۰۸۵ ق ترجمه، تفسیر و شرح چهل حدیث از کتاب اثبات الرجعه نوشته فضل بن شاذان متوفای ۲۶۰ ق. ه. کشف الحق الاربعة، میر محمد صادق خاتون آبادی متوفای ۱۲۷۲ ق این کتاب به اربعین خاتون آبادی شهرت داشته و به شرح چهل حدیث در دو بخش قیام و "رجعت" پرداخته و تألیف آن در ۱۲۶۳ ق. به انجام رسیده است. ۶. اربعینات، حسین عندلیب زاده همدانی ۱۲۸۷ ش. ۷. تبیین المحجه الی تعیین الحجة، میرزا محسن بن محمد مجتهد تبریزی متوفای ۱۳۵۲ ق. ۸. چهل خبر در علامات ظهور مهدی منتظر، احمد هروی، یزد، گلبهار، چاپ اول ۱۳۶۸ ق، ۵۴ ص. رقی. متن عربی و ترجمه فارسی چهل حدیث درباره نشانه های آخر الزمان. ۹. الاربعون حدیثاً فی من یملأ الأرض قسطاً و عدلاً، هادی نجفی، قم، نشر الهدایه، چاپ اول محرم ۱۴۱۱ ق، ۹۱ ص، وزیری. ۱۰. چهل حدیث انتظار فرج حضرت مهدی، محمود شریفی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش، ۷۲ ص، پالتویی. ۱۱. یوسف ناپیدای فاطمه زهرا، محمد خادمی شیرازی، تهران، میقات، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش، ۸۴ ص، وزیری. ۱۲۰.

شناخت امام عصر، احمد سیاح، تهران، نشر اسلام، چاپ اول، ۳۷۰ ش، ۲۸ ص، رقی. ۱۳. قریخ حدیث چهل حدیث از حضرت مهدی: گروه نویسندگان، ترجمه از عربی به ترکی به صورت صفحه مقابل، حسین سرخابلی، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، ۳۷۱ ش ۱۴۰. چهل حدیث پیرامون نور یزدان، علی اکبر مهدی پور، قم، حاذق، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ۱۲۰ ص، رقی. ۱۵. چهل حدیث پیرامون یوسف زهرا، علی اکبر مهدی پور، قم، حاذق، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ۱۲۰ ص، رقی. ۱۶. چهل حدیث از غیبت فضل بن شاذان، علی اکبر مهدی پور، قم، حاذق، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ۱۲۰ ص، رقی. ۱۷. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضائل حضرت ولی عصر، گروه نویسندگان، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ۸۳ ص، پالتویی. ۱۸. چهل حدیث در فضائل حضرت ولی عصر، گروه نویسندگان، تهران، خانه کتاب ایران، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ۶۸ ص، پالتویی. ۱۹. چهل حدیث سیره مهدوی، محمود مدنی بجستانی، قم، نشر معروف، ۱۲۷۷ ش، ۸۰ ص، پالتویی. ۲۰. چهل حدیث پیرامون مهدی آل الرسول، علی اکبر مهدی پور، چاپ نشده است. ۲۱. چهل حدیث پیرامون مهدی فاطمه، علی اکبر مهدی پور، چاپ نشده است. احادیث این کتاب شامل چهل حدیث از چهل صحابی پیامبر اکرم (ص) می باشد. (۱) ۱. نشریه موعود، شماره ۳۹ ص ۶۶.

اعلام الوری

اعلام الوری با اعلام الهدی: کتابی است تألیف امین الاسلام طبرسی وی از عالمان، مفسران و مجتهدان مشهور قرن پنجم و ششم هجری است. به احتمال زیاد در سال ۴۶۸ یا ۴۶۹ هجری به دنیا آمده و در رشته های علمی ادبیات عرب، حدیث، فقه، اصول، تفسیر و... اطلاعات گسترده ای اندوخت و صاحب نظر شد. در سال ۵۲۳ هجری قمری به شهر سبزوار رفت و تا پایان عمر، در همان جا زندگی کرد و به نشر فرهنگ اسلامی پرداخت. وی، کتاب اعلام الوری را در چهار رکن اساسی، سامان داده و رکن چهارم آن، درباره امامت ائمه (ع)، به ویژه امامت امام زمان (ع) است. وی در این کتاب به اسم، کنیه، لقب، ولادت، نام مادر حضرت، کسانی که امام را در کوچکی ملاقات کرده اند، اثبات امامت امام عصر (ع)، چگونگی غیبت، دلایل و شواهد بر غیبت، برخی توقیعات، نشانه های قیام، ایام ظهور، سیره عملی حضرت به هنگام قیام، روش حکومت حضرت و... پرداخته است. (۱) ۱. چشم به راه مهدی ص ۴۶۸.

المهدی

کتابی است نوشته "سید صدرالدین صدر"، مشتمل بر هشت فصل که به این موضوعات پرداخته است: بشارت هایی که بر ظهور مهدی (ع) آن در کتاب خدا، سنت پیامبر (ص) و سخنان حضرت علی (ع) و بزرگان، در قالب نظم یا نثر وارد شده، ویژگی های ظاهری و باطنی، ملکات فاضله، دانش، قضاوت، بیعت، حکومت و اصلاحات حضرت، مقام و منزلت حضرت نزد خداوند، ولادت، تعیین اسم، لقب، کنیه، نام پدر مادر، طول عمر، چگونگی غیبت، محل غیبت، علت غیبت، چگونگی بهره مندی مردم از حضرت در زمان غیبت، نشانه های آسمانی و زمینی ظهور، جو عمومی جهان، خروج سفیانی، فضیلت انتظار و... سید صدرالدین، از عمای شیعه است که در سال ۲۹۹ هجری قمری در کاظمین دیده به جهان گشود. در سال ۱۳۲۹ به سفارش پدر، به نجف اشرف هجرت کرد و در آن جا، مدت ها از محضر درس آخوند خراسانی و میرزای نائینی بهره برد. در سال ۱۳۴۹ هجری قمری به مشهد مشرف شد و به تدریس پرداخت. پس از مدتی به درخواست شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم به قم آمد در این حوزه، جایگاه رفیعی یافت. (۱) ۱. چشم به راه مهدی، ص ۴۹۲.

باسک

از کتب آسمانی هندیان به شمار می رود که در آن ، بشارت حضرت مهدی (ع) آمده است (۱) ۱ . ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۱۶ .

باتیکل

از کتب مقدسه هندیان است و صاحب آن از اعظم کفره هند است و به گمان پیروانش ، صاحب کتاب آسمانی است . در آن کتاب بشارت ظهور مبارک حضرت مهدی (ع) آمده است . (۱) ۱ . ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۱۶

تذکره

کتاب التذکره فی احوال الموتی وامور الآخرة تألیف امام الحافظ القرطبی است . قرطبی از مفسران بزرگ اهل سنت و پیرو مذهب مالک است . این کتاب در دو مجلد چاپ شده که بخشی از جلد دوم آن ، درباره حضرت مهدی (ع) است . وی در جلد دوم ، تحت عنوان الخلیفه الکائن فی آخر الزمان المسمی بالمهدی و علامه خروج روایاتی که صحابه از رسول خدا (ص) درباره خلیفه آخر الزمان و نشانه های ظهور او نقل کرده اند ، گرد آورده است . البته در این کتاب ، تناقض هایی دیده می شود . مثلاً آمده : دجال ، در سال سیصد ظهور می کند و مسائل دیگری که نادرستی آن ها آشکار است . وی در این کتاب ، روایات ساختگی و دروغ را که با عقل و فطرت سالم ناسازگارند ، مشخص می کند . (۱) ۱ . چشم به راه مهدی ، ص ۴۷۰

جامعه

نام صحیفه ای است که در میان خانواده پیغمبر اسلام (ص) از کنوز و ذخائر مکنونه به شمار آمده ، و همواره امانت وار در نزد آحاد این خاندان ، دست به دست نگهداری می شده است . (۱) روایات درباره صحیفه بسیار رسیده ، از جمله ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت می کند که فرمود : ای ابا محمد جامعه در نزد ما است . مردم چه می دانند جامعه چیست؟ عرض کردم : فدایت گردم جامعه چه باشد؟ فرمود : صحیفه ای است به طول هفتاد ذراع به ذراع پیغمبر (ص) که به املاء رسول الله (ص) و خط علی (ع) نگارش یافته هر حلال و حرام و هر آن چه که مورد نیاز مردم باشد در آن موجود است ، حتی دیه خراشاندن یکی ، بدن دیگری را (۲) ۱ . معارف و معاریف ، ج ۴ ص ۵۵ . ۲ . بحارالانوار ج ۲۶ ، ص ۲۲ .

دادنگ

از کتب مقدسه برهمنیان هند است که در آن به ظهور مهدی (ع) بشارت داده شده است . (۱) ۱ . ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۱۸ .

ریگ ودا

یکی از کتب مقدسه هند است که بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) در آن آمده است (۱) ۱ . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۲۹۸ .

زند

از کتاب های مذهبی زرتشتیان است که در آن به بشارت منجی اشاره شده است . در این کتاب درباره انقراض اشرار و وراثت صالحان پس از شکستن شوکت جباران ، سخن به میان آمده است . (۱) ۱ . ادیان و مهدویت ، محمد بهشتی ۱۵ .

شرعۃ التسمیه

شرعۃ التسمیه حول حرمة التسمیه کتابی است نوشته سید محمد باقر داماد ، معروف به میر داماد . وی در فقه ، حکمت و فلسفه سرآمد دیگران و استاد فقه های عصر خویش شد از جمله مباحث مربوط به امام عصر (ع) که در چندین روایت آمده و محققان درباره آن ، به بحث و گفت و گو پرداخته اند ، مسأله حرمت ، کراهت یا جواز تصریح به اسم و کنیه اصلی حضرت در زمان غیبت است که میر داماد در این کتاب به آن پرداخته است . (۱) ۱ . چشم به راه مهدی ص ۴۷۶

حسن بن محبوب

یکی از محدثین موثق شیعه حسن بن محبوب زراد است که کتاب مشیخه را که در میان اصول شیعه مشهور است ، صد سال پیش از غیبت امام زمان (ع) تصنیف کرده است . وی قسمتی از اخبار غیبت حضرت قائم (ع) را در آن کتاب ذکر کرده و همان طور که خبر داده نیز واقع شده است . (۱) ۱ . فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بیدگلی ص ۸۱

فرائد السمطین

فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الائمه من ذریتهم (ع) کتابی است از محمد بن المؤید الجوینی وی از بزرگان اهل سنت و حافظان حدیث است و بخش بسیاری از کتاب خود را به بیان چگونگی ظهور و قیام مهدی منتظر (ع) اختصاص داده است . نویسنده ، در بیان اثبات مطالب از منابع روایی بهره می جوید و عناوین روایاتی که گردآوری کرده به شرح زیر است : بشارت ظهور مهدی (ع) مهدی (ع) از ذریه پیامبر (ص) ، قیام برای گسترش قسط و عدل پس از پرشدن دنیا از ظلم و جور ، قیام حضرت مهدی (ع) پس از رستاخیز امری قطعی است ، مهدی دوازدهمین امام شیعیان است و ...

کتاب های غیبت

موضوع غایب شدن حضرت مهدی (ع) مطلب تازه ای نیست ، بلکه از زمان پیامبر اکرم (ص) همواره مورد بحث و گفت گو بوده و آن حضرت به مردم خبر می داد که مهدی از اولاد من است و مدتی از نظر مردم مخفی و غایب می گردد ، سپس ظاهر می شود و جهان را اصلاح می کند . علی بن ابی طالب ، فاطمه زهرا ، امام حسن ، امام حسین و سایر ائمه (ع) و خاندان نبوت نیز هر یک در زمان خودشان راجع به غایب شدن مهدی موعود صحبت می کردند و از آن خبر می دادند قبل از این که امام زمان (ع) به دنیا بیاید ، کتاب هایی در خصوص غیبت ، تألیف می شد . مخصوصاً از زمان موسی بن جعفر (ع) به بعد ، کتاب هایی در غیبت نوشته شد و احادیث غیبت در آن ها ثبت گشت . از آن جمله است : ۱ . علی بن حسن بن محمد طائی طاطری یکی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) است کتابی در غیبت نوشته و مورد وثوقی بوده است . ۲ . علی بن اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) بوده و کتابی در غیبت نوشته است . ۳ . ابراهیم بن صالح انماطی کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) بوده و به واسطه اخبار غیبت بود که کتابی در غیبت تألیف نموده است ۴ . حسن بن علی بن ابی حمزه ، در عصر حضرت امام رضا (ع) زندگی می کرده و کتابی در غیبت تألیف نموده است ۵ . عباس بن هشام ناشری اسدی کتابی در غیبت نوشته است . مرد جلیل

القدر و موثق بوده که در سال دویست و بیست هجری وفات نمود. شیخ طوسی او را از اصحاب حضرت رضا (ع) می‌شمارد. ۶ فضل بن شاذان نیشابوری کتابی در احوال قائم آل محمد (ع) و غیبت او نوشته است. نجاشی او را توثیق نموده و می‌نویسد: از فقها و متکلمین امامیه است و احتیاجی به تعریف ندارد و یک صد و هشتاد کتاب نوشته که از جمله آن ها کتاب غیبت است. ۷ ابراهیم بن اسحاق احمري نهاوندي، نیز کتابی در غیبت نوشته است قاسم بن محمد همدانی در سال دویست و شصت و نه از او حدیث شنیده است. طبرسی می‌نویسد اخبار غیبت ولی عصر قبل از تولد خودش و پدر و جدش صادر شده و محدثین شیعه آن ها را در اصول و کتاب هایی که در عصر امام باقر و امام صادق (ع) تألیف شده ضبط نموده اند. یکی از محدثین موثق، حسن بن محبوب است که در حدود صد سال قبل از زمان غیبت، کتاب مشیخه را تألیف نموده و اخبار غیبت را در آن ثبت کرده است. فرقه دوازده امامی و معتقدین به وجود امام حسن عسکری (ع) در زمان غیبت صغری کاملاً در اقلیت بودند و بیش از حد تقیه و تحفظ می نمودند و بدین جهت، چندان مورد توجه واقع نمی شدند و بحث و انتقاد زیادی در عقیده شان به عمل نمی آمد کتاب الغیبه نعمانی که در آن زمان ها تألیف شده، ایراد و بحث های دامنه دار و مفصل در آن دیده نمی شود و در آن به ذکر روایاتی که دلالت دارند بر اینکه ائمه دوازده نفرند و زمین هرگز از امام خالی نمی شود و روایات غیبت اکتفا شده است. هرچه زمان غیبت طولانی تر می گردید تعداد معتقدان به غیبت ولی عصر (ع) زیادتر می شد و دعوت شان علنی تر می گشت و در اظهار عقیده خودشان بیشتر پافشاری می کردند به همین نسبت، تعداد مخالفان آن عقیده نیز افزایش می یافت و زبان طعن و انتقاد و بحث و رد و ایرادشان بازتر می شد به طوری که وقتی زمان شیخ صدوق فرا رسید دائره مباحث و رد و ایرادها توسعه یافته بود. شیخ صدوق و مساله غیبت: صدوق در اواخر زمان غیبت صغری تولد یافت و در سال ۳۸۱ ق. وفات نمود. و کتاب کمال الدین و تمام النعمه، را در اواخر عمرش تألیف کرده است اما علت تألیف کتاب یاد شده این بود که در آن عصر، از طرف فرقه اسماعیلیه که فرقه قابل توجهی بودند و فرقه زیدیه و طرفداران جعفر کذاب و اهل تسنن که اکثریت داشتند، ایرادات و اشکالاتی به فرقه امامیه وارد می شد و بدین وسیله اذهان مردم را مشوش می کردند از این جهت شیخ صدوق، کتاب کمال الدین، را تألیف نمود. در اول آن کتاب اشکالات مخالفان را نقل می کند و بدانها پاسخ می دهد و به خوبی از عقیده امامیه دفاع می کند و به تفصیل درباره قائم آل محمد (ع) بحث می کند. شیخ مفید و مساله غیبت: وقتی نوبت به شیخ مفید رسید باز هم دایره اشکالات توسعه یافته بود و مساله امامت، یکی از مسائل قابل توجه شده بود مفید در سال ۳۳۶ ق تولد یافت و در سال ۴۱۳ ق. وفات نمود. موقعیت حساس و اهمیت مساله امامت را از کتاب های زیادی که مفید در آن عصر، در آن باره تألیف نموده می توان یافت. نجاشی کتاب های زیر را از جمله کتاب های مفید می شمارد: کتاب الايضاح فی الامامه، کتاب النقص علی ابن عباد فی الامامه، کتاب المسائل العشره فی الغیبه، کتاب مختصر فی الغیبه، کتاب جوابات الفارقین فی الغیبه، کتاب نقض الامامه علی جعفر بن حرب، کتاب النقص علی الطلحی فی الغیبه، کتاب المسأله علی الزیدیه، کتاب نقض الامم فی الامه، النقص علی غلام العجرانی فی الامامه کتاب النقص علی النصیبی فی الامامه، الرد علی لکرایسی فی الامامه، کتاب الجوابات فی خروج المهدی، کتاب الرد علی ابن رشید فی الامامه، کتاب الرد علی فی الاخشید فی الامامه، کتاب العهد فی الامامه. سید مرتضی سید مرتضی در سال ۳۵۵ ق. تولد یافت و در سال ۴۳۶ ق. وفات نمود. سید مرتضی از استادان شیخ طوسی بوده است در آن عصر نیز دائره رد و ایراد باز هم تا حدودی توسعه یافته بود، لذا سید مرتضی قد علم کرد و کتاب بزرگی پیرامون امامت تألیف نمود به نام الشافی، او در این کتاب تمام امامت را مورد بحث و بررسی قرار داد و اشکالات و ایرادات مخالفان را پاسخ داده و درباره امام غایب به تفصیل وارد بحث شده است علاوه بر آن کتابی هم در خصوص غیبت تألیف نموده به نام: المقنع شیخ طوسی و مساله غیبت: سید مرتضی در سال ۴۳۶ ق. درگذشت و منصب زعامت و ریاست امامیه به شیخ طوسی محول شد شیخ نیز در باب غیبت کتاب های متعددی از جمله الغیبه، را نگاشت. پس از شیخ طوسی نیز کتاب های بسیاری در موضوع غیبت نوشته شده است، ولی مندرجات آن ها، عمدتاً همان مطالبی است که شیخ

مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و شیخ صدوق تحقیق کرده اند (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۱۶ ص ۲۸.

کتابنامه رجعت

چون مسئله رجعت یکی از اعتقادات ویژه شیعیان است و همواره مورد انتقاد و تهاجم دشمنان بود، عالمای شیعه، کتاب های فراوانی پیرامون رجعت تألیف کرده اند که با گذشت زمان، و هجوم اشرار به منازل علمای شیعه در طول قرون و اعصار از بین رفته است. اینک اسامی تعدادی از کتاب هائی را که مستقلاً در موضوع رجعت تألیف شده است، می آوریم: ۱. آیات الحجۃ والرجعۃ از شیخ محمد علی حائری همدانی، متوفای ۱۳۷۸ هـ. شامل ۳۱۳ آیه در پیرامون ظهور حضرت بقیه الله و رجعت ائمه اطهار (ع) (۱) ۲. آیات الرجعة از حاج میرزا محسن عماد، مشهور به خوشنویس و متخلص به اردبیلی که به سال ۱۳۵۷ هـ در تهران به چاپ رسیده است. ۳. آیات الظهور فی انتظار الفرج والظهور از علیقلی ناصر دهخوارقانی که با استشهاد به ۱۰۷ آیه، لزوم اعتقاد به رجعت را اثبات کرده است. این کتاب به سال ۱۳۵۰ هـ به چاپ رسیده است. اثبات الرجعة از علامه بزرگوار مولی محمد باقر مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ که شامل چهارده حدیث پیرامون رجعت و علائم ظهور می باشد. شیخ حر عاملی و محدث نوری از آن رساله فی الرجعة تعبیر کرده اند، ولی صاحب "الذریعه" از آن اثبات الرجعة یاد نموده است. مصحح بحارالانوار در شرح حال مرحوم مجلسی می نویسد که این کتاب تاکنون به چاپ نرسیده است، در حالی که این کتاب به سال ۱۲۶۰ هـ در هندوستان به چاپ رسیده است. این کتاب به سال ۱۰۷۸ هـ تألیف شده و به سال ۱۲۶۰ هـ در هند به چاپ رسیده، و اخیراً با تحقیقات آقای ابوذری بیدار در ۱۴۴ صفحه وزیری، تحت عنوان رجعت، در تهران انتشار یافته است. ۵. اثبات الرجعة: از آقا جمال خوانساری، متوفای ۱۲۲۵ هـ. ۶. اثبات الرجعة: از شیخ حسن بن سلیمان بن خالد حلی، از علمای قرن هشتم، که به سال ۷۵۷ هـ از شهید اول اجازه دریافت کرده، و مؤلف "مختصرالبصائر" می باشد. ۷. اثبات الرجعة: از شیخ حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، صاحب "شمع الیقین"، که آن را به فارسی نوشته است. ۸. اثبات الرجعة: از حسن بن یوسف بن مطهر، مشهور به علامه حلی، متوفای ۷۲۶ هـ که نسخه آن در کتابخانه فاضل خان مشهد موجود است. ۹. اثبات الرجعة: از شیخ حیدر، به نقل پسرش اسد حیدر. ۱۰. اثبات الرجعة: از شیخ سلیمان بن احمد قطیفی، متوفای ۱۲۶۶ هـ. که درانوار البدرین از آن یاد کرده است. ۱۱. اثبات الرجعة: از شیخ شرف الدین یحیی بحرانی، شاگرد محقق کرکی و نائب او در یزد و صاحب کتاب "اسامی المشایخ" از منابع صاحب ریاض. ۱۲. اثبات الرجعة: از علی بن حسین عبدالعالی، مشهور به محقق کرکی، و متوفای ۹۴۰ هـ. ۱۳. اثبات الرجعة: از فضل بن شاذان ازدی، که از اصحاب امام رضا (ع) بود و تا سال ۲۶۰ هـ می زیست و ۱۸۰ جلد کتاب پر ارج از خود به یادگار نهاد، که سه جلد آن مربوط به رجعت است. از کتاب اثبات الرجعة ابن شاذان، تنهاگزیده آن به نام "منتخب اثبات الرجعة" موجود است. ۱۴. p>> اثبات الرجعة: از مولی سلطان محمود بن غلامعلی طبسی، از شاگردان علامه مجلسی، و تلخیص کننده شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید. ۱۵. اثبات الرجعة: از شیخ محمد رضا طبسی، متوفای ۱۴۰۵ هـ. که به سال ۱۳۵۴ هـ در نجف اشرف به چاپ رسیده و به عربی و اردو نیز ترجمه شده است. ۱۶. اثبات الرجعة: از مفتی میر محمد عباس بن علی اکبر موسوی تستری، متوفای ۱۳۰۶ هـ به نقل شاگردش در تجلیات. ۱۷. اثبات الرجعة: از حاج میرزا ولی الله اشراقی سرابی، متوفای ۱۳۹۰ هـ که به سال ۱۳۶۳ در تبریز چاپ شده است. ۱۸. اثبات الرجعة: وظهور الحجۃ، از سید محمد مؤمن استرآبادی، که مقیم مکه معظمه بود و به سال ۱۰۸۸ در مکه به شهادت رسید. و نسخه آن در کتابخانه های قم آقای مرعشی و رشت جمعیت نشر رشت موجود است. ۱۹. اثبات الرجعة و وجوبها من التلاوت واسنۃ: که نسخه اش در کتابخانه مرحوم سماوی موجود است، ولی به جهت سقط اول آن مؤلفش شناخته نشد. ۲۰. اثبات وجوب الرجعة و تفریج الکربة: از سید محمود بن فتح الله کاظمی، معاصر شیخ حر عاملی، که نسخه ای به خط مؤلف در کتابخانه مرحوم آخوند در همدان موجود است. و شیخ حر در مقدمه کتابش به آن اشاره نموده است.

۲۱. احادیث الرجعة: از سید حسن صدر، متوفای ۱۳۵۴ هـ. ۲۲. احیاء السنة وامانة البداعة: در اثبات رجعت از سید دلدار علی نصرآبادی نقوی، متوفای ۱۲۳۵ هـ. که در هند به چاپ رسیده است. ۲۳. ارشاد الجهلة المصرین علی انکار الغیبة والرجعة: احتمالا از مولی محمد هاشم خراسانی، از علمای قرن دوازدهم. ۲۴. الامامیة والرجعة: از میرزا عبدالله رزاق همدانی، رد رد بر کتاب "اسلام و رجعت" از فرید تنکابنی، از شاگردان سنگلجی. ۲۵. انیس المحجة فی کیفیة الرجعة: فارسی، از مرحوم میرزا محمد باقر بن شیخ حسینعلی فقیه ایمانی اصفهانی متوفای ۱۳۷۰ هـ. ۲۶. ایفظ الامة من الضجعة فی اثبات الرجعة: از سید مهدی بن محمد موسوی خوانساری کاظمی، که به سال ۱۳۶۶ هـ. در بغداد به چاپ رسیده است. ۲۷. الايقاظ من الجعة: از شیخ حر عاملی، صاحب وسائل الشیعة، و متوفای ۱۱۰۴ هـ. که مکرر به چاپ رسیده و مؤلف بیش از ۶۰۰ حدیث در این کتاب گرد آورده و بیش از ۶۰ آیه در این رابطه یاد کرده است. ۲۸. ایمان و رجعت: از حاج سید احمد زنجان، متوفای ۱۳۹۳ هـ. که به سال ۱۳۵۹ هـ. تألیف کرده و یاوه گویی های فرید تنکابنی را پاسخ گفته است. ۲۹. ایمان و رجعت: از سید جلال الدین محدث ارموی، متوفای ۱۳۹۹ هـ. این کتاب در چهار مجلد تألیف شد. و هنوز به چاپ نرسیده است. نسخه خطی هر چهار مجلد در کتابخانه فرزند برومند مؤلف موجود است. ۳۰. الایمان والرجعة: از شیخ محمد علی بن محمد جواد شاه آبادی، که به سال ۱۳۶۸ هـ. در تهران چاپ شده است. ۳۱. بشارت الرجعة از سید هبة الله بهشتی، که در ۱۷۶ صفحه وزیری، به سال ۱۳۵۴ ش. در تهران به چاپ رسیده است. ۳۲. بشارة الفرج: از مولی محمد بن عاشور کرمانشاهی، مقیم تهران، و معاصر فتحعلی شاه، و صاحب کتاب "اعتذار الفقیر". ۳۳. بیان الفرقان: از شیخ مجتبی قزوینی، متوفای ۱۳۸۷ هـ. که جلد پنجم آن را تحت عنوان "غیبت و رجعت" به مسئله رجعت اختصاص داده، شبهات مخالفان را پاسخ گفته است. ۳۴. تحقیق الرجعة: که به دو زبان اردو و هندوستان به چاپ رسیده است. ۳۵. تفریح الکربة عن المنتقم لهم فی الرجعة: از سید محمود حسینی کاظمی، معاصر شیخ حر عاملی، که مرحوم شیخ حر در مقدمه الايقاظ به این کتاب اشاره می کند. نسخه ای از این کتاب به خط مؤلف، که تاریخ کتابت آن ۲۹ شوال ۱۰۹۷ می باشد، در کتابخانه آخوند همدانی در همدان موجود است. ۳۶. ترجمه اثبات الرجعة: از شیخ محمد رضا طبسی، متوفای ۱۴۰۵ که توسط سید علی بن سید محمد باقر رضوی کشمیری، به زبان اردو ترجمه شده است. ۳۷. ترجمه الايقاظ من الهجة بالبرهان علی الرجعة: از حر عاملی، متوفای ۱۱۰۴ هـ. که توسط احمد جنتی به فارسی منتشر شده است. ۳۸. تلازم بین رجعت و ولایت: از مؤلف ناشناخته، که نسخه ای از آن در کتابخانه آیه اله گلیپاگانی در قم موجود است. ۳۹. تنبیه الامامة فی اثبات الرجعة: از شیخ محمد رضا طبسی نجفی، متوفای ۱۴۰۵ هـ. که به سال ۱۳۵۳ در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ۴۰. تنبیه الامامة فی اثبات الرجعة ترجمه عربی از شیخ محمد رضا طبسی، که به سال ۱۳۵۴ هـ. در نجف اشرف به چاپ رسیده است. ۴۱. الجواهر المنضود فی اثبات الرجعة الموعود از شیخ احمد بیان اصفهانی. ۴۲. حذو النعل بالنعل: از فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ هجری، صاحب اثبات الرجعة، از اصحاب امام هشتم (ع). ۴۳. حذو النعل بالنعل: از شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، متوفای ۳۸۱ هـ. شیخ صدوق و فضل بن شاذان عنوان کتاب را از احادیث معروف رسول اکرم (ص) گرفته اند که به طور متواتر از آن حضرت آمده است: آن چه در امت های پیشین واقع شده در این امت نیز مو به مو روی خواهد داد. ۴۴. حیات الموات بعد الموت: از شیخ احمد بحرانی، متوفای ۱۳۳۱ هـ. که پسرش در لؤلؤة البحرین از آن یاد کرده است. ۴۵. حیات الاموات: از آقا حسین، پسر آقا جمال خوانساری، متوفای ۱۱۳۱ هـ. ۴۶. دحض البدعة: از شیخ محمد علی همدانی، متوفای ۱۳۷۸ هـ. صاحب "خصایص الزهراء" که به سال ۱۳۵۴ هـ. در نجف اشرف به طبع رسیده است. ۴۷. دلائل الرجعة: از مرحوم شیخ علامی، که در رد "اسلام و رجعت" نوشته است و با نام مستعار "غلامعلی عقیقی کرمانشاهی" چاپ کرده است. ۴۸. الرجعة: از محمد بن مسعود عیاشی، از بزرگان شیعه در قرن سوم هجری و صاحب تفسیر معروف عیاشی، که نجاشی با دو واسطه از مؤلف نقل می کند. ۴۹. الرجعة: از احمد بن داود بن سعید فرازی جرجانی، از علمای شیعه در قرن سوم هجری، که برای رد یک حدیث در مورد خلیفه دوم، محمد بن طاهر

خزاعی ، والی خراسان دستور داد که او را هزار ضربه شلاق بزنند و سپس زبان و دست و پایش را قطع کنند و آنگاه به دار آویزند . ۵۰ . الرجعة از حسن بن علی بن ابی حمزه بطنانی ، از سران واقفیه که در عصر امام رضا (ع) می زیست ۵۱ . الرجعة : از شیخ صدق ، متوفای ۳۸۱ هـ . که نجاشی از او نقل کرده است . ۵۲ . الرجعة : از شیخ احمد احسائی ، متوفای ۱۲۴۱ هـ . که به سال ۳۹۲ هـ . در کربلای مقدس به چاپ رسیده است . ۵۳ . رجعت : از سید ابوالحسن رفیعی قزوینی ، متوفای ۱۳۹۵ هـ . که به سال ۱۳۹۷ هـ . در تهران به چاپ رسیده است . ۵۴ . رجعت از دیدگاه عقل قرآن و حدیث : از حسن طارمی ، که به سال ۱۳۶۵ ش . در قم به چاپ رسیده است . ۵۵ . رجعت از نظر شیعه : از نجم الدین طبسی معاصر که در سال هـ ۱۴۰۰ در ۱۴۲ صفحه جیبی در قم به چاپ رسیده است . ۵۶ . الرجعة واحادیثها از فضل بن شاذان متوفای ۲۶۰ هـ . که از شاگردان امام رضا (ع) می باشد و ۱۸۰ جلد کتاب در دفاع از حریم تشیع نوشته است . این کتاب تا قرن یازدهم باقی بود و در دست میر لوحی بود وی چهل حدیث از این کتاب برگزیده و آن را در کفایة المهدی گرد آورده است . ۵۷ . الرجعة واحادیثها المنقولة عن اهل العصمة : از سید احمد بن حسن بن اسماعیل ، که به سال ۱۲۷۷ هـ تألیف شده و نسخه اش در تهران کتابخانه مرحوم محدث ارموی موجود است . ۵۸ . الرجعة والرد علی اهل البدع : از شیخ حسن بن سلیمان بن خالد حلّی ، از علمای قرن هشتم ، که کتابی از ایشان را به نام اثبات الرجعة ، نام بردیم . وی در آن کتاب احادیث سعد بن عبدالله را نیاورده و به کتاب " مختصر البصائر " ارجاع داده است . این کتاب در واقع همان کتاب است با ضمیمه احادیث سعد بن عبدالله . ۵۹ . رجعت یا حکومت اهل بیت رسول (ص) ، که ترجمه کتاب حاضر به زبان اردوست که اخیراً در لاهور پاکستان چاپ شده است . ۶۰ . رساله در بیان وجهت ائمه (ع) از حبیب الله کاشانی ، متوفای ۱۳۴۰ . که به سال ۱۳۶۸ هـ به چاپ رسیده است ۶۱ . رساله فی اثبات الرجعة : از شیخ محمد علی ربانی خوراسکانی ، که به سال ۱۳۸۱ هـ در نجف اشرف به چاپ رسیده است . ۶۲ . رساله فی اثبات الرجعة : از شیخ محمد بن هاشم سرابی تبریزی ، که در سه جزء به چاپ رسیده است . ۶۳ . رساله فی اثبات الرجعة : از سلطان محمود بن غلامعلی طبسی ، از شاگردان علامه مجلسی . ۶۴ . رساله فی علائم الظهور واثبات الرجعة : از شیخ محمد حسین سمیسم ، متوفای ۱۳۷۷ هـ . رهبر گمشدگان : مرحوم فیض الاسلام ، که به سال ۱۳۵۳ هـ در تهران چاپ شده است . ۶۶ . الشیعة والرجعة : از شیخ محمد رضا طبسی نجفی ، متوفای ۱۴۰۵ هـ که جلد اول و دوم آن چندین بار تجدید چاپ شده و جلد سوم آن هنوز به چاپ نرسیده است . ۶۷ . فی قتال اهل القبلة وانکار الرجعة : از عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی ۶۸ . الکرة والرجعة : از سید صادق بن باقر موسوی هندی ، که در نجف اشرف به چاپ رسیده است . ۶۹ . مسئله رجعت و ظهور در آئین زردشت : از صادق هدایت که سه بار چاپ شده است . ۷۰ . النجعة فی اثبات الرجعة : از سید علی نقی لکهنوی ، متوفای ۱۴۰۹ هـ که به سال ۱۳۵۴ هـ در لکهنو هند- چاپ شده است ۷۱ . النجعة فی الرجعة : ترجمه اثبات الرجعة طبسی ، که توسط سید محسن نواب رضوی به عربی ترجمه شده است . ۷۲ . نور الابصار فی رجعة اهل بیت النبی المختار : از محمد بن عیسی بن محمد علی بن حیدر شروکی مجیراوی نجفی ، متوفای ۱۳۳۳ هـ که به سال ۱۳۲۰ هـ تألیف آن پرداخته است ۷۳ . نور الانوار : در آثار ظهور و رجعت ائمه اطهار (ع) از علی اصغر بروجردی ، متوفای حدود ۱۳۰۰ هـ که به سال ۱۳۴۷ هـ در تهران به چاپ رسیده است (۲) ۱ . با دعای ندبه درپگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ، ص ۱۹۳ . ۲ . این کتابنامه از کتاب رجعت محمد خادمی شیرازی برداشت شده است .

کفایة الاثر

کتابی است ، نوشته ابی القاسم علی بن محمد بن علی الخزاز القمی الرازی معروف به قمی رازی . وی از دانشمندان اواسط قرن چهارم هجری و از شاگردان شیخ صدوق است که در قم زاده شده و در ری می زیسته است . (۱) مؤلف در این کتاب ، روایات و احادیثی که به طور صریح بر امامت ائمه (ع) دلالت دارند و اصحاب مشهور پیامبر (ص) از حضرت شنیده و روایت کرده اند ،

آورده است. وی آخرین باب کتابش را به روایاتی که از سوی امام حسن عسکری (ع) درباره حضرت مهدی (ع) و امامت پیشوای دوازدهم شیعیان رسیده، اختصاص داده است. این اثر نفیس، همواره مورد توجه بزرگان دانش حدیث بوده است. (۲)

۱. الذریعه آقا بزرگ تهرانی ج ۱۸ ص ۸۶ تنقیح المقال مامقانی ج ۲ ص ۳۰۷. چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص ۴۵۷.

مجالس المؤمنین

عنوان کتابی است از قاضی نورالله تستری که در سال ۱۰۹۱ قمری شهید شد. این کتاب، قدیمی ترین منبع در مورد حدیث جزیره خضراء است و کسی قبل از او این داستان را نقل نکرده است البته به غیر از احتمالی که راجع به سید شمس الدین محمد بن اسدالله معاصر نورالله تستری داده می شود. (۱) در برخی منابع قاضی نورالله شوشتری شهید ثالث آمده است. ۱. الذریعه ج ۵ ص ۱۰۶

مصحف امیر المؤمنین (ع)

قرآنی است که توسط حضرت علی (ع) به همان نحوه که در مدت بیست و سه سال نازل گردیده، جمع آوری شده است. قرآن فعلی که امروز در دست ماست، جمع آوری عثمان بن عفان است و با مصحف امیر المؤمنین (ع) از لحاظ کلام الهی، کم و کاستی ندارد. حضرت علی (ع) آن مصحف را بر صحابه عرضه کرد، اما آنان نپذیرفتند. پس از آن، حضرت آن را مخفی کرد و تاکنون به حال خود باقی است و زمانی به دست حضرت مهدی (ع) ظاهر خواهد شد امام صادق (ع) در مورد شیوه جدید نظم قرانی می فرماید: چون قائم (ع) قیام کند، کتاب خدای تبارک و تعالی را آن چنان که هست، تلاوت می کند و قرآنی را که امیر مؤمنان (ع) نوشته بیرون می آورد (۱) و درباره مصحف امیر المؤمنین (ع) می فرماید: هنگامی که امیر مؤمنان (ع) از نوشتن قرآن فارغ شد، آن را بر مردم عرضه کرد و فرمود: این کتاب خدای تبارک و تعالی است، آن را از در لوح آن چنان که خدایش بر محمد (ص) فرو فرستاد، گرد آورده ام مردم گفتند: ما مصحفی داریم که همه آیات قرآنی را در بردارد، دیگر نیازی به قرآن شما نداریم. امیر مؤمنان (ع) فرمود: به خدا سوگند، دیگر پس از امروز آن را نخواهید دید من وظیفه داشتم هنگامی که از نوشتن آن فارغ شدم، آن را بر شما عرضه کنم تا شما آن را بخوانید (۲) این مضمون از امام باقر (ع) نیز روایت شده است. این دو روایت و روایات دیگر، مشخص می کنند که قرآن امیر مؤمنان (ع) در محضر حضرت بقیه الله (ع) است و آن بر حسب نزول تنظیم شده و شأن نزول ها را در بردارد، و حضرت مهدی (ع) آن را به هنگام ظهور عرضه می کند و معلمین قرآن در مسجد کوفه آن را آموزش می دهند. ۱. روزگار رهایی ج ۲، ص ۸۳۹. ۲. اصول کافی ج ۲، ص ۶۳۳.

مقنع

المقنع فی الغیبه کتابی است نوشته سید مرتضی علم الهدی، در موضوع غیبت وی از دانشمندان و نوابغ قرن چهارم و پنجم ه. ق است. در سال ۳۵۵ ه. ق در بغداد دیده به جهان گشود و در هشتاد و یک سالگی بدروود حیات گفت. از کودکی به فراگیری دانش پرداخت و در جوانی در بسیاری علوم سرآمد شد. او از شاگردان ممتاز شیخ مفید است. سید مرتضی درباره سبب نگارش آن می نویسد در مجلس وزیر السید، سخن از غیبت امام عصر (ع) به میان آمد و این امر مرا بر آن داشت، در این باب، اثر کوتاهی بنگارم. این اثر به گفته اهل تحقیق به جز در این اواخر که در مجله تراثنا، چاپ شده، تاکنون به صورت مستقل چاپ نشده است. (۱) ۱. چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان مجله حوزه ص ۴۵۹.

نجم الثاقب

کتابی است ارزشمند در موضوع مهدویت واحوال امام زمان (ع) تألیف میرزا حسین طبرسی نوری. این کتاب به زبان فارسی و در دوازده باب تنظیم شده است. نجم الثاقب در اوایل غیبت کبری نوشته شده است.

ینایع الموده

کتابی است از حافظ سلیمان بن ابراهیم بن قندوزی حنفی. وی در سال ۱۲۲۰ هجری قمری دیده به جهان گشود و در سال ۱۲۹۴ در قسطنطنیه دیده از جهان فرو بست. قندوزی در این کتاب، فضایل پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را با استناد به کتاب های مورد اطمینان مانند صحاح ست، در یک مقدمه و صد باب گرد می آورد. از باب هفتاد و یک به بعد، مباحثی در باره غیبت امام زمان (ع)، با استفاده از کتاب های گوناگون مطرح می کند. این اثر نه تنها در مناطق شیعه نشین، که در دیگر شهرهای اسلامی نیز از ارزش و اهمیت شایانی برخوردار است (۱) ۱. چشم به راه مهدی ص ۴۷۹.

اذاعه

الا ذاعه لما کان وما یکون بین یدی الساعه کتابی است نوشته سید محمد صدیق حسن این کتاب، ملاحم و فتن پیش از قیامت را در بر دارد. نویسنده، ابتدا احادیثی که در باب حضرت مهدی (ع) و مسأله غیبت در منابع روایی آمده و از آن ها استفاد. تواتر می شود، گرد می آورد و پس از اثبات تواتر احادیث، به شبهات و خرده گیری هایی که از سوی ابن خلدون و... در مورد احتجاج به احادیث حضرت مهدی (ع) شده می پردازد. مؤلف، در قنوج هند به دنیا آمد و با تلاش و پشتکار، ثروت فراوان به دست آورد و با ملکه بهوپال ازدواج کرد. از وی آثار ارزشمندی در علوم و معارف اسلامی به زبان های عربی، فارسی و هندی به یادگار مانده است. (۱) ۱. چشم به راه مهدی ص ۴۸۴.

ارشاد

الارشاد فی معرفه حجج الله، علی العباد عنوان کتابی است از شیخ مفید شمار زیادی از آثار شیخ، در باب معارف اسلامی وامامت است که از جمله آنها کتاب الارشاد است. در این اثر به زندگانی امامان شیعه پرداخته شده است. جزء اول کتاب به حیات امام علی (ع) و جزه دوم به زندگانی دیگر ائمه (ع) پرداخته و بخش پایانی آن ویژه امام مهدی (ع) است. مطالب اساسی این بخش از کتاب بدین شرح است: ادله عقلی و نقلی بر امامت امام عصر (ع) روایاتی که درباره: حضرت مهدی رسیده است، اشخاصی که به فیض ملاقات و زیارت حضرت نائل آمده اند، برخی کرامات و معجزات حضرت در عصر غیبت، نشانه های ظهور و حوادثی که پیش از ظهور حضرت رخ خواهد داد، سال، روز و محل قیام، چگونگی گرد آوری سپاه و مأموریت آنان، مسیر حرکت، مدت امامت و حکومت، جریاناتی که در آن روزگار رخ می دهد، وضعیت زمین و مردم در آن عصر، ویژگی های جمال، شمایل، شیوه رفتار، سیره اخلاقی و عملی حضرت مهدی (ع) (۱) ۱. چشم به راه مهدی، ص ۴۴۸.

اعیان الشیعه

کتابی است اثر سید محسن امین عاملی مؤلف در این اثر با عظمت که در حقیقت، دایره المعارف پیشوایان دین، رجال علم و ادب و فرهنگ است، درباره حضرت مهدی (ع) سنگ تمام گذاشته و بیش از یکصد و پنجاه صفحه از کتاب را به آن حضرت اختصاص

داده است. درباره حضرت مهدی (ع) این موضوعات را به بحث گذارده: زمان ولادت، ویژگی های شخصی، پوشش، غیبت و سفراء، امامت حضرت، وجود حضرت در شهرها ولی غایب از دیدگان، اخباری که از طریق اهل سنت درباره ظهور حضرت رسیده و... وی در سال ۱۲۸۳ هجری قمری در جبل عامل متولد شد. برای تحصیل به نجف اشرف رفت و از محضر بزرگان آن حوزه بهره برد و به مقام عالی اجتهاد نائل آمد. سپس به دمشق رفت و مرجع شیعیان شد. (۱) ۱. چشم به راه مهدی ص ۹۱

اوپانیساد

از کتب معتبره و از منابع هندوه است که در آن، بشارت ظهور مهدی موعود (ع) آمده است (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۲۷۳.

برهان

رساله البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان (عج) توسط محمد کراچکی طرابلسی تألیف شده است. وی از بزرگان شیعه است که نزد شیخ مفید به فراگیری دانش پرداخته و آثار فراوانی در فقه، اخبار، اصول دین نجوم، هیأت و انساب دارد. از جمله آثار ارزشمند وی کتر الفوائد است. مؤلف در جزء دوم کتر الفوائد، رساله ای تحت عنوان: البرهان علی صحه طول عمر الامام صاحب الزمان عج نگاشته است. (۱) ۱. چشم به راه مهدی، ص ۴۶۳

تادیب

التادیب، عنوان کتابی است که توسط حسین بن روح نائب سوم امام زمان (ع) نوشته شده است وی این کتاب را جهت بررسی و تدقیق نظر به قم مرکز فقها و محدثین شیعه فرستاد و به جمعی از فقهای آن جا نوشت: این کتاب را مطالعه کنید و ببینید آیا چیزی بر خلاف نظر شما در آن هست؟ فقهای قم هم پس از مطالعه کتاب نوشتند: تمام مسائل آن صحیح است و چیزی مخالف رأی ما در آن نیست، جز این که مسأله ای راجع به زکاة فطره در آن است که مقدار فطره یک نفر، نصف صاع از گندم ذکر شده است، در صورتی که نظر ما این است که گندم هم مانند جو، هر کسی باید یک صاع بدهد (۱) آن کتاب، بیانگر دانش و مقام علمی حسین بن روح بود. ۱. غیبه طوسی، ص ۳۹۰ بحار الانوار ج ۵۱، ص ۳۵۸.

جاماسب نامه

کتاب جاماسب است که حوادث گذشته و آینده جهان در آن ثبت شده، واحوال پادشاهان، انبیاء، اوصیاء و اولیاء را بیان می کند ضمن مطالبی که از قول زرتشت راجع به پیامبران بازگو می کند، در مورد پیامبر (ص) و دولت جاودانه حضرت مهدی (ع) و رجعت گروهی از اموات و... نیز سخن می گوید. (۱) جاماسب در ادبیات ایران و عرب به لقب فرزانه و حکیم خوانده شده است. پیشگویی هایی نیز به او نسبت داده اند، و ظاهراً حکیمی ستاره شناس بوده است، و به قول مؤلف کتاب حبیب السیر وی شاگرد لقمان و برادر گشتاسب است، و در علم نجوم مهارت کامل داشته است (۲) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۳۵۲. ۲. همان ص ۳۵۴.

جفر

کتابی است شامل علم منایا و بلایا و مرگ و میرها آن چه در جهان اتفاق افتاده و آن چه در آینده روی خواهد داد، در این کتاب

منعکس گردیده است. این کتاب، هم اکنون در دست مبارک حضرت ولی عصر (ع) می باشد (۱) در حدیث است که پیغمبر جفر و جامعه را به حضرت علی (ع) املا نمود. که در حدیث، تفسیر شده به پوست بزی و پوست قوچی که همه علوم، حتی خون بهای خراش و یک تازیانه و نیم تازیانه در آن است. از محقق شریف در شرح مواقف نقل شده که جفر و جامعه دو کتاب انداز حضرت علی که در آن، به روش علم حروف، همه حوادث تا انقراض عالم ثبت شده و حضرات ائمه معصومین (ع) بدان آگاه بوده و طبق آن حکم می کرده اند. گواه این حدیث امام صادق (ع) است که فرمود: جفر ایض، نزد من است زید بن ابی العلاء راوی حدیث عرض کرد: چه چیزی در آن است؟ فرمود: زبور داود، تورات موسی، انجیل عیسی، صحف ابراهیم (ع) و احکام حلال و حرام و مصحف فاطمه (ع) در آن است. نیز در آن است، آن چه که مردم در آن به ما نیاز دارند و فرمود: جفر احمر نزد ما است و چه می دانند آن چیست؟ در آن سلاح است، و به جهت خون گشوده می شود که صاحب شمشیر حضرت ولی عصر (ع) آن را برای کشتن می گشاید. (۲) رفید می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم آیا حضرت قائم (ع) با اهل عراق به همان روشی که امیرالمؤمنین (ع) با آنها داشت عمل می کند؟ فرمود: خیر، ای رفید علی (ع) با آنها بر طبق جفر ایض عمل می نمود، ولی قائم (ع) با عرب ها طبق جفر احمر عمل خواهد کرد. عرض کردم: فدایت شوم، جفر احمر چیست؟ حضرت به انگشت به گلوی خویش اشاره نمود و فرمود: این چنین، یعنی کشتار. (۳) گروهی از اصحاب امام صادق (ع) به خدمت آن حضرت شرفیاب شدند و آن حضرت رادیدند که روی زمین نشسته و در حالی که به شدت می گریست، فرمود: سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، خاطرم را پریشان ساخته و آرامش دلم را از من سلب کرده است. یکی از یاران عرضه نمود: مولای من خدا دیدگانت را نگیریاند، چه چیزی موجب شده که این چنین سیلاب اشک بر صورت مبارکت جاری شود؟ امام صادق (ع) آهی کشید که قفسه های سینه اش باز شد و لرزه بر اندامش افتاد و فرمود: وای بر شما امروز صبح کتاب جفر را مطالعه می کردم، در زندگی قائم می اندیشیدم که از دیده ها غائب می شود و غیبتش طولانی می گردد و عمرش بسیار طولانی می شود و مؤمنان در آن زمان به سختی آزموده می شوند و از طول غیبتش دچار شک و تردید شده، بیشترشان از دین خود مرتد می شوند... از مطالعه وضع آن ها رشته افکارم گسست و کوه غم و اندوه بر تنم فرو ریخت (۴) ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۲۳۹؛ الزام الناصب ص ۷ و ۹. ۲. کافی، ج ۱ ص ۲۴۰؛ معارف و معاریف ج ۴ ص ۱۶۷. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۳. ۴. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۱۹ غیبه طوسی ص ۱۰۵ منتخب الاثر ص ۲۵۹.

دید

از کتب مقدسه هندیان است که در آن، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) آمده است. (۱) ۱. ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۱۶.

زبور

جمع زبر به معنای نوشته و مکتوب است هر کتابی زبور است، اما بیشتر، کتاب پیغمبر داود (ع) بدین نام خوانده می شود و این کتاب، در شب هیجدهم ماه رمضان نازل شده است. (۱) در قرآن آمده است: ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون (۲) این آیه شریفه به ظهور حضرت مهدی (ع) تفسیر شده است. در باب حقوق اقلیت ها در حکومت حضرت مهدی (ع) آمده است که وقتی حضرت ظهور کرد، بین اهل زبور با زبور قضاوت خواهد کرد. (۳) در کتاب زبور، تحت عنوان مزامیر، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) به بیان های گوناگون داده شده است (۴) ۱. بحار الانوار ج ۱۴ ص ۳۳. ۲. سوره انبیاء، ۱۰۶. ۳. غیبه نعمانی ص ۱۲۵ آخرین امید داود الهامی، ص ۲۹۹. ۴. آخرین امید داود الهامی ص ۱۹۳.

شا کمونی

از کتب مقدسه هندیان است و به اعتقاد کفره هند، پیغمبر صاحب کتاب است و می گویند: وی بر اهل خطا و ختن مبعوث بوده است و در آن کتاب، به ظهور آخرین حجت خدا بشارت داد است (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی ص ۳۰۲.

مادر

مادر حضرت

نرجس خاتون، مادر بزرگوار امام زمان (ع) است. پیشوایان و ائمه (ع) از او به عنوان شایسته ترین کنیزان بهترین زنان و یا سرور زنان یاد کرده اند. محدثین و مورخین، نام های متعددی برای آن بانو ذکر کرده اند. از آن جمله، سوسن، سبیکه، مریم، صیقل، صقیل، حدیثه، حکیمه، ملیکه، ریحانه و خمط است (۱) اما مشهورترین نام او نرجس و معروف ترین کنیه اش ام محمد است. هر کدام از نام های آن بانوی بزرگوار، بعدی از شخصیت والای او را بیان می کند. نرجس نام گلی عطرآگین است. خمط نوعی درخت میوه است که قرآن نیز آن را به کار برده است. (۲) سوسن نوعی گل خوشبو و معطر و پرفایده است که در کتاب های طب نیز آمده است صیقل به مفهوم پدیده نورانی و پر جلوه و نرم است. به هر حال هیچ مانعی ندارد که یک زن با شخصیت، دارای نام های متعددی باشد و هر کدام از آن ها در مورد او به تناسب به کار رود. در مورد نرجس خاتون، چه بسا که این نام های متعدد، بر اساس مصالح سیاسی و اجتماعی بوده که برای ما ناشناخته مانده است. (۳) ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶ کشف الغمه، ج ۳ ص ۲۶۵ منتخب الاثر، ص ۳۲۰. ۲. سوره سبا، ۱۶. ۳. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۷۲

۱

رؤیای نرجس

هنگامی که نرجس در روم بود، خواب های شگفت انگیزی دید. یک بار در خواب، پیامبر اسلام (ص) و عیسی مسیح (ع) را دید که او را به عقد ازدواج امام حسن عسکری (ع) درآوردند. در خواب دیگری، به دعوت حضرت فاطمه زهرا (س) مسلمان شد، اما اسلام خود را از خانواده و اطرافیان پنهان می کرد، تا آن گاه که میان مسلمانان و رومیان جنگ در گرفت و قیصر، خود به همراه لشکر، روانه جبهه های جنگ شد "نرجس" در خواب فرمان یافت که به طور ناشناس، همراه کنیزان و خدمتکاران به دنبال سپاهی که به مرز می روند برود. او چنین کرد و در مرز، برخی از جلوداران سپاه مسلمانان، آنان را اسیر ساختند و بی آن که بدانند او از خانواده قیصر است، او را همراه سایر اسیران، به بغداد بردند. این واقعه در اواخر دوران امامت حضرت هادی (ع) روی داد. اگر "نرجس" در سال ۲۴۸، خود را میان اشراف روم انداخته و اسیر شده باشد، مصادف با شانزده سالگی حضرت امام حسن عسکری (ع) بوده است. کارگزار امام هادی (ع) بشر بن سلیمان نامه ای را که امام به زبان رومی نوشته بود، در بغداد به "نرجس" رساند و او را از برده فروش خریداری کرد و به سامرا، نزد امام هادی (ع) برد. امام، آن چه نرجس در خواب های خود دیده بود به او یاد آوری کرد و بشارت داد که او همسر امام یازدهم و مادر فرزندی است که جهان را از عدل و داد پر می سازد (۱) ۱. پیشوای دوازدهم هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق، ص ۲۶.

سرگذشت نرجس

مرحوم مجلسی در بحارالانوار از کتاب غیبت شیخ طوسی، از بشر بن سلیمان برده فروش که از فرزندان ابو ایوب انصاری ویکی از شیعیان مخلص حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری (ع) در سامرا همسایه حضرت بود، روایت کرده که گفت: روزی کافور غلام امام علی النقی (ع) نزد من آمد و مرا احضار کرد، چون خدمت حضرت رسیدم فرموده ای بشر تو از اولاد انصار هستی، درستی شما نسبت به ما اهل بیت پیوسته میان شما برقرار است به طوری که فرزندان شما آن را به ارث می برند و شما مورد وثوق ما می باشید. می خواهم تو را فضیلتی دهم که در مقام دوستی با ما و این رازی که با تو در میان می گذارم، بر سایر شیعیان پیشی گیری سپس نامه پاکیزه ای به خط وزبان رومی مرقوم فرمود و سیر آن را با خاتم مبارک مهر کرد و کیسه زردی که ۲۲۰ اشرفی در آن بود بیرون آورد و فرمود: این را گرفته به بغداد می روی و صبح فلان روز در سر پل فرات حضور می یابی. چون کشتی حامل اسیران نزدیک شد و اسیران را دیدی، می بینی بیشتر مشتریان فرستادگان اشراف بنی عباس و قلیلی از جوانان عرب می باشند. در این موقع، مواظب شخصی به نام عمر بن زید برده فروش باش که کنیزی را به اوصافی مخصوص که از جمله دو لباس حریر پوشیده و خود را از معرض فروش و دسترسی مشتریان حفظ می کند، به مشتریان عرضه می دارد. در این هنگام، صدای ناله او را به زبان رومی از پس پرده رقیقی می شنوی که بر اسارت و هتک احترام خود می نالد یکی از مشتریان به عمر بن زید خواهد گفت: عفت این کنیز رغبت مرا به وی جلب کرده، او را به سیصد دینار به من بفروش کنیزک به زبان عربی می گوید: اگر تو حضرت سلیمان و دارای حشمت او باشی، من به تو رغبت ندارم، بیهوده مال خود را تلف مکن فروشنده می گوید: پس چاره چیست، من ناگزیرم تو را بفروشم. کنیزک می گوید: چرا شتاب می کنی؟ بگذار خریداری ندا شود که قلب من به او و امانت وی آرام گیرد. در این هنگام نزد فروشنده برو و بگو من حامل نامه لطیفی هستم که یکی از اشراف به خط وزبان رومی نوشته و کرم و وفا و شرافت و امامت خود را در آن شرح داده است. نامه را به کنیزک نشان بده تا درباره نویسنده آن بیاندیشد. اگر به وی مایل گردید و تو نیز راضی شدی، من به و کالت او کنیزک را می خرم. بشر بن سلیمان می گوید: آن چه امام علی النقی (ع) فرمود، امتثال کردم. چون نگاه کنیزک به نامه حضرت افتاد، سخت گریست. سپس رو به عمر بن زید کرد و گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش، و سوگند یاد کرد که اگر از فروش او به صاحب وی امتناع کند، خود را هلاک خواهد کرد. من در تعیین قیمت او با فروشنده گفتگوی بسیار کردم تا به همان مبلغ که امام به من داده بود راضی شد. من هم پول را به وی تسلیم کرده و با کنیزک که خندان و شادان بود به محلی که در بغداد اجاره کرده بودم آمدم. در آن حال، با بی قراری زیاد نامه امام را از جیب بیرون آورده می بوسید و روی دیدگان و مژگان خود می نهاد و بر بدن و صورت می کشید من گفتم: عجباً نامه ای را می بوسی که نویسنده آن را نمی شناسی گفت: ای درمانده کم معرفت گوش فرا ده و دل سوی من بدار. من ملیکه دختر یسوعا پسر قیصر روم هستم؟ مادرم از فرزندان حواریین است و به شمعون وصی عیسی (ع) نسب می رسانم. بگذار داستان عجیب خود را برایت نقل کنم جد من قیصر می خواست مرا که سیزده سال بیشتر نداشتم برای پسر برادرش تزویج کند، سیصد نفر از رهبانان و قسیسین نصاری از دودمان حواریین عیسی بن مریم (ع) و هفتصد نفر از اعیان و اشراف و چهار هزار نفر از امرا و فرماندهان و سران لشکر و بزرگان مملکت را جمع کرد. آنگاه تختی آراسته به انواع جواهرات روی چهل پایه نصب کرد. چون پسر برادرش را روی آن نشانید و صلیب ها را بیرون آورد و اسقف ها پیش روی او قرار گرفتند و سفرهای اناجیل را گشودند، ناگهان صلیب ها از بلندی بر روی زمین فرو ریخت و پایه های تخت در هم شکست. پسر عمویم با حالت بیهوشی از بالای تخت بر روی زمین افتاد و رنگ صورت اسقف ها دگرگون گشت و سخت لرزیدند بزرگ اسقف ها رو به جدم کرد و گفت: پادشاه ما را از مشاهده این اوضاع منحوس که نشانه زوال دین مسیح و مذهب پادشاهی است معاف بدار. جدم نیز اوضاع را به فال بد گرفت. با وجود این، به اسقف ها دستور داد تا پایه های تخت را استوار کنند و صلیب ها را دوباره برافرازند و گفت: پسر بد بخت برادرم را بیاورید تا هر طوری هست این دختر را به وی تزویج کنم، باشد که با این وصلت میمون، نحوست آن برطرف شود. چون دستور او را عملی کردند، آن چه بار نخست روی

داده بود تجدید شد، مردم پراکنده گشتند و جدم با حالت اندوه به حرم سرا رفت و پرده ها افتادند. شب هنگام در خواب دیدم مثل اینکه حضرت عیسی و شمعون وصی او و گروهی از حواریین در قصر جدم قیصر اجتماع کرده اند و در جای تخت، منبری که نور از آن می درخشید قرار دارد چیزی نگذشت که محمد (ص) پیغمبر خاتم و داماد و جانشین او و جمعی از فرزندان وی وارد قصر شدند. حضرت عیسی (ع) به استقبال شتافت و با محمد معانقه کرد و محمد (ص) فرمود: یا روح الله من به خواستگاری دختر وصی شما شمعون برای فرزندم آمدم، در این هنگام اشاره به امام حسن عسکری (ع) کرد. حضرت عیسی نگاهی به شمعون کرد و گفت: شرافت به سوی تو روی آورده، با این وصلت با میمنت موافقت کن. او هم گفت: موافقم پس محمد (ص) بالای منبر رفت و خطبه ای انشا فرمود و مرا برای فرزندش تزویج کرد و حضرت عیسی و فرزندان خود و حواریین را گواه گرفت. چون از خواب برخاستم از بیم جان، خواب خود را برای پدر و جدم نقل نکردم و همواره آن را پوشیده می داشتم بعد از آن شب چنان قلبم از محبت امام حسن عسکری (ع) موج می زد که از خوردن و آشامیدن باز ماندم و کمکم لاغر ورنجور گشتم و سخت بیمار شدم. جدم تمام پزشکان را احضار کرد و از مداوای من استفسار کرد و چون مأیوس شد، گفت: نور دیده هر خواهشی داری بگو تا در انجام آن بکوشم گفتم: پدر جان اگر در به روی اسیران مسلمین بگشایی و آن ها را از قید و بند وزندان آزاد گردانی، امید است که عیسی و مادرش مرا شفا دهند. پدرم تقاضای مرا پذیرفت و من نیز به ظاهر اظهار بهبودی کردم و کمی غذا خوردم. پدرم از این واقعه خشنود گردید و سعی در رعایت حال اسیران مسلمین و احترام آنان کرد. چهارده شب بعد از این ماجرا باز در خواب دیدم که حضرت فاطمه (ع) و مریم (ع) و حوریان بهشتی به عیادت من آمده اند. حضرت مریم روی به من کرد و فرمود: این بانوی بانوان جهان و مادر شوهر تو است. من دامن مبارک او را گرفتم و گریه کردم و از نیامدن امام حسن عسکری (ع) به دیدنم شکایت کردم. فرمود: او به عیادت تو نخواهد آمد، زیرا تو مشرک به خدا و پیرو مذهب نصارا هستی. این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می برد. اگر می خواهی خدا و عیسی (ع) و مریم از تو خشنود باشند و میل داری فرزندم به دیدن بیاید، به یگانگی خداوند و اینکه محمد پدر من، خاتم پیامبران است گواهی بده چون این کلمات را ادا کردم، فاطمه (ع) مرا در آغوش گرفت و بدین گونه حالم بهبود یافت. سپس فرمود: اکنون منتظر فرزندم حسن عسکری باش که او را نزد تو خواهم فرستاد. چون از خواب برخاستم، شوق زیادی برای ملاقات حضرت در خود حس کردم. شب بعد امام را در خواب دیدم، در حالی که از گذشته شکوه می کردم، گفتم: ای محبوب من من که خود را در راه محبت تو تلف کردم فرمود: نیامدن من علتی سوای مذهب سابق تو نداشت و اکنون که اسلام آورده ای، هر شب به دیدن می آیم تا موقعی که فراق ما مبذل به وصال شود از آن شب تاکنون، شبی نیست که وجود نازنینش را به خواب نبینم. بشر بن سلیمان می گوید: پرسیدم چطور شد که به میان اسیران افتادی گفت: در یکی از شب ها در عالم خواب امام حسن عسکری (ع) فرمود: فلان روز جدت قیصر، لشکری به جنگ مسلمانان می فرستد، تو هم به طور ناشناس در لباس خدمتکاران همراه عده ای از کنیزان از فلان راه به آنان ملحق شو سپس پیش قراولان اسلام مطلع شدند و ما را اسیر کردند و کار من بدین گونه که دیدی انجام پذیرفت، ولی تا کنون به کسی نگفتم که نوه پادشاه روم هستم حتی پیر مردی که من در تقسیم غنایم جنگ سهم او شده بودم نامم را پرسید، ولی من اظهار نکردم و گفتم: نرجس "گفت: نام کنیزان بشر می گوید: گفتم عجب است که تو رومی هستی و زبان عربی است؟ گفت: جدم در تربیت من جهدی بلیغ داشت. او زنی را که چندین زبان می دانست معین کرده بود که صبح و شام نزد من آمده، زبان عربی به من بیاموزد، به همین جهت عربی را به خوبی آموختم بشر می گوید: چون او را به سامرا خدمت امام علی النقی (ع) آوردم، حضرت از وی پرسید: عزت اسلام و ذلت نصارا و شرف خاندان پیامبر را چگونه دیدی؟ گفت: درباره چیزی که شما از من دانایتر هستید چه عرض کنم؟ فرمود: می خواهم ده هزار دینار یا مژده مسرت انگیزی به تو بدهم، کدام یک را انتخاب می کنی عرض کرد: مژده فرزندی به من دهید فرمود: تو را مژده به فرزندی می دهم که شرق و غرب عالم را مالک شود و جهان را از عدل و داد پرگرداند،

از آن پس که پر از ظلم و جور شده باشد . عرض کرد : این فرزند از چه شوهری خواهد بود؟ فرمود : از آن کسی که پیغمبر اسلام در فلان شب و فلان ماه و فلان سال رومی توراً برای او خواستگاری کرد در آن شب عیسی بن مریم (ع) ووصی او توراً به چه کسی تزویج کردند؟ گفت : به فرزند دلبد شما فرمود : او را می شناسی عرض کرد : از شبی که به دست حضرت فاطمه (س) اسلام آوردم ، شبی نیست که او به دیدن من نیامده باشد . در این هنگام امام دهم به کافور خادم فرمود : خواهرم حکیمه را بگو نزد من بیاید . هنگامی که آن بانوی محترم آمد ، به او فرمود : خواهر این زن همان است که گفته بودم . حکیمه خاتون آن بانو را مدتی در آغوش گرفت و از دیدارش شادمان شد . آنگاه امام علی النقی (ع) فرمود : عمه او را به خانه خود ببر و فرائض دینی و اعمال مستحب را به او بیاموز که او همسر فرزندانم حسن و مادر قائم آل محمد است . (۱) ۱ . مهدی موعود ص ۱۸۸ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶ کمال الدین ج ۲ ص ۴۱۸ نجم الثاقب ص ۲

شمعون

یکی از دوازده حواری حضرت عیسی (ع) و برگزیده ترین آن ها و وصی آن حضرت به شمار می رفته است . (۱) نرجس خاتون ، از طرف مادر ، از نسل شمعون است . (۲) به او شمعون صفا می گفتند . وی استاد مرقس بوده و انجیل را او تنظیم نموده و به نام شاگردش کرده است . شمعون و یهودا به هم پیوستند و به تبلیغ دین مسیح پرداختند . کاهنان یهود ، مردم را علیه آن دو شوراندند . پس شمعون را با اره دو نیم کردند و یهودا را سر بریدند . (۳) ۱ . معارف و معاریف ، ج ۶ ص ۵۴۷ . پیشوای ، دوازدهم هیات تحریریه مؤسسه در راه حق ، ص ۲۵ . ۳ . معارف و معاریف ج ۶ ، ص ۵۴۸

خمت

از نام های مادر امام زمان (ع) است (۱) هم چنین ، نوعی درخت میوه است که قرآن نیز آن را به کار برده است . (۲) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ، ص ۱۷۲ . ۲ . سوره سباء ، ۱۶ .

سوسن

یکی از نام های مادر امام زمان (ع) (۱) و نام گلی خوشبو و معطر و پرفایده است که در کتاب های طب نیز آمده است . ۱ . پیشوای دوازدهم هیات تحریریه مؤسسه در راه حق ، ص ۲۵

صیقل

یکی از نام هایی است که نرجس خاتون مادر حضرت به آن خوانده می شده . (۱) همچنین صیقل کنیزی بود که وقتی معتمد عباسی دستور داد به جست و جوی خانه امام حسن عسکری (ع) و خانه همسایگان پس از شهادت امام پیردازند ، این کنیز به خاطر حفظ جان امام زمان (ع) ادعای بارداری کرد . لذا او را دستگیر کردند و به مدت دو سال نگاه داشتند ، تا آن که به باردار نبودن وی مطمئن شده و او را رها ساختند برخی منابع " صقیل " ذکر کرده اند و صقیل ، به مفهوم پدیده نورانی و پر جلوه و نرم است (۲) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۱۷۲ . ۲ . کمال الدین ج ۲ ص ۴۷۶ حیات فکری سیاسی امامان شیعه ص ۲۱۵ .

ریحانه

یکی از نام های مادر امام زمان (ع) است (۱) ۱. پیشوای دوازدهم هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق، ص ۲۵

حدیثه

از نامهای مادر امام زمان (ع) است. (۱) ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۱۷۲.

بانوی کنیزان

"سیده الاماء" به معنای بانوی کنیزان، تعبیری است که در روایات از نرجس خاتون مادر حضرت مهدی (ع) شده است. امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: نهمین فرزند برادرم حسین (ع)، پسر بانوی کنیزان است که خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی گرداند. آن گاه با قدرت خود او را به صورت جوان چهل ساله ظاهر می نماید، تا دانسته شود که خداوند به هر چیزی قادر است (۱) ۱. کشف الغمه ج ۳ ص ۳۱۲ بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۷۹ الزام الناصب ص ۶۶

متفرقه

لوح فاطمه

حدیث لوح حضرت فاطمه (ع) را بسیاری از محدثین شیعه از جمله شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ کلینی نقل کرده اند. در این حدیث، نام تمام ائمه (ع) از اول تا آخر و نام حضرت مهدی (ع) آمده است. ابی بصیر از حضرت صادق (ع) نقل کرده که فرمودند: پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من با توکاری دارم، چه موقع برای تو آسان تر است که در خلوت، از آن موضوع سؤال کنم جابر عرض کرد: هر زمان شما دوست داشته باشید. بالاخره یکی از روزها با جابر تنها نشست و به وی فرمود: ای جابر به من گزارش بده از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه (ع) بود. و جابر از لوحی خبر داد که آن را در دست حضرت فاطمه (ع) مشاهده نموده و درخشندگی عجیبی داشته است. در آن لوح، نام های دوازده امام (ع) همراه نام مادرانشان یادآور شده و آخرین نام، قائم آل محمد (ع) بوده است. (۱).

کاسر عینه

به معنای چشم شکسته است عیب بن زراره می گوید: نزد امام صادق (ع) در مورد سفیانی سخن گفته شد. فرمود: او چگونه خروج کند در حالی که کاسر عینه در صنعاء هنوز خروج نکرده است. (۱) ممکن است جند احتمال در تفسیر کاسر عینه وجود داشته باشد که بهترین آن ها می تواند بیان رمزی از ناحیه امام صادق (ع) باشد که معنای آن جز در وقت خود آشکار نمی گردد (۲) ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۴۵. عصر ظهور علی کورانی ص ۱۶۲

کف دست

وقتی حضرت مهدی (ع) قیام می کند، برای هر مرز و بومی از زمین، فرمانروایی تعیین می کند و به او می فرماید: برنامه کار تو در دست تو است، چنان چه در هنگام انجام وظیفه، مشکلی پیش آمد که حکم آن را ندانستی، به کف دست خود نگاه کن و بر طبق آن چه در آن می یابی، رفتار نما. (۱) البته ممکن است فهمیدن حکم مشکلات به وسیله کف دست کنایه از سرعت ارتباط با حکومت مرکزی و کسب تکلیف برای رفع مشکل باشد، یا اشاره به مهارت خیره کننده مسؤولان بر کار داشته باشد که با یک

نگاه می توانند اظهار نظر کنند و شاید به وسیله معجزه ، مشکل حل شود که عقل بشر از فهم آن ناتوان است . (۲) در برخی منابع ، ظاهر شدن کف دست در آسمان ، یا ظاهر شدن صورت و سینه و کف دستی در نزد چشمه خورشید ، از علائم ظهور حضرت نام برده شده است . (۳) در معجزات حضرت مهدی (ع) نقل کرده اند که حضرت به پرنده ای که در هوا در حال پرواز است می نگرد و پرنده به اشاره حضرت بر روی کف دست آن گرامی فرود می آید و به قدرت آفریدگار به امامت مهدی (ع) گواهی می دهد . (۴) ۱ . غیبه نعمانی ، ص ۳۱۹ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۶۵ و ج ۵۳ ، ص ۲۰۹۱ . چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طوسی ، ص ۱۹۴ . ۳ . منتهی الآمال باب ۱۴ فصل ۴ . ۷ . الزام الناصب ، ج ۲ ص ۲۰۵ عقدالدرر ص ۹۷ .

مثلث الهی

تعبیری است که ناجی النجار نسبت به مثلث برمودا دارد . وی می گوید : اکنون که اسرار این منطقه کشف نشده ، و در واقع یکی از آیات و نشانه های اعجاب انگیز الهی است ، چه مانعی دارد که این منطقه را مثلث الهی بنامیم . این نامگذاری ، گذشته از کشش معنوی و جذبه روحی که دارد ، به دور از مفاهیم وحشت انگیز و رعب آوری است که بر زبان ملوان ها رواج یافته است . (۱) ۱ . جزیره خضرافسانه یا واقعیت ابوالفضل طریقه دار ، ص ۵۰ .

محمد و علی و حسن

امام صادق (ع) می فرماید : هنگامی که سه نام مقدس : محمد ، علی و حسن پشت سر هم قرار بگیرد ، چهارمی آن ها قائم خواهد بود . (۱) شبیه همین تعبیر از رسول اکرم (ص) نیز وارد شده است : هنگامی که در ضمن چهار امام از اولاد من ، نام های محمد ، علی و حسن پشت سر هم قرار گرفت ، چهارمی آن ها قائم منتظر است . (۲) و طبق فرموده پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) در سه تن از امامان معصوم : امام محمد تقی ، امام علی النقی و امام حسن عسکری (ع) سه نام مقدس پشت سر هم قرار گرفت و چهارمی آن ها حضرت ولی عصر (ع) می باشد . ۱ . منتخب الاثر ص ۲۴۲ بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۸ و ۱۴۳ اعلام الوری ص ۴۰۳ . ۲ . همان .

مردی از قم

از زمره روایات ظهور ، به پاخاستن مردی از قم و یاران وی است . از امام کاظم (ع) روایت شده است که فرمود : مردی از قم ، مردم را به سوی خدا دعوت می کند ، افرادی گرد او جمع می شوند که قلب های شان همچون پاره های آهن سستبر است که بادهای تند حوادث ، آنان را نمی لغزاند از جنگ خسته نشده و نمی ترسند ، اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است . نکته قابل توجه این است که ، امام (ع) در روایت ، تعبیر به " مردی از قم " نموده و نفرموده است از اهل قم ، می توان این جمله را بر امام خمینی تطبیق داد . چه ایشان اهل خمین و ساکن قم می باشند و او مردم را به سوی خدا دعوت می کند نه فقط اهل قم یا اهل مشرق زمین را . روایت ، زمان رجود این مرد را که به آن بشارت داده شده مشخص نکرده است ، اما در تاریخ قم و ایران چنین شخصیت و یارانی دارای این صفات برجسته قبل از امام خمینی و طرفدارانش بی سابقه بوده است البته احتمال اینکه این روایت ناقص باشد وجود دارد و یا اینکه امام آن را به مناسبتی فرموده اند همین روایت را صاحب بحارالانوار ، از کتاب تاریخ قم نوشته حسن بن محمد بن الحسن قمی که هزار سال پیش آن را تألیف نموده است ، نقل کرده که متأسفانه نسخه آن کتاب یافت نمی شود . گاه گفته می شود : درست است که در تاریخ قم و ایران ظاهر شدن چنین مرد وعده داده شده ای را با یارانی دارای این صفات برجسته ، کسی سراغ نداشته است . . . اما دلیلی هم نداریم که این روایت ، منطبق بر امام خمینی و طرفداران وی باشد شاید

منظور مرد دیگری باشد که در عصر و زمان ما ظاهر خواهند شد و یا اینکه بعد از مدتی طولانی و یا کوتاه خواهند آمد . . . پاسخ : آری ، درست است که روایت ، آن گونه که بیان کردیم زمان این پیشامد روشن نشده است ، اما مجموعه صفاتی که در روایت آمده ، به علاوه آن چه که در روایات متعدد دیگر ، پیرامون قم و ایران وارد شده است ، موجب اطمینان این معنا است که مراد از صفات یاد شده ، امام خمینی و یاران وی اند . . . بنابراین اگر پیامبر (ص) و امامان (ع) به حادثه و پیشامدی خبر دادند که منطبق بر وضع موجود باشد ، معقول نیست که از آن چشم پوشی نموده و آن را بر قضیه و حادثه ای مشابه آن و یا واضح تر ، که وعده پیامبر (ص) و اهل بیت او بر آن منطبق شود ، حمل نماییم . از روایاتی که درباره قم و برتری و آینده آن از اهل بیت (ع) نقل شده است ، به خوبی روشن است که این شهر نزد آن بزرگواران از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار است ، بلکه می توان گفت مؤسس و بنیانگذار این شهر و طرح و ایجاد آن در قلب ایران در سال ۷۳ ق . به دست باکفایت امام باقر (ع) بوده است که بعد از آن نسبت به این شهر عنایت خاصی داشته اند (۱) ۱ . نشریه موعود شماره ۱۴۰ ص ۴۸ .

مقبوله عمر بن حنظله

مقبوله در اصطلاح حدیث ، روایتی است که مورد قبول همگان است ، هر چند سند حدیث ضعیف باشد . مقبوله عمر بن حنظله ، روایتی معروف است که مورد عمل فقهاء بوده و از دیرزمان ، به حسن قبول تلقی شده است . از مقبوله عمر بن حنظله استفاده شده است که مقام نیابت عامه به وسیله خود ائمه (ع) و به ویژه امام عصر (ع) ، به فقیه واجد شرایط تفویض شده است . بنابر این حدیث ، عمر بن حنظله ، از امام صادق (ع) سؤال می کند که اگر در مشکلاتی که مردم برای آن به حاکم یا به قضات منصوب از طرف حاکم مراجعه می کنند ، بین دو نفر شیعه رخ دهد چه کنند آیا می توانند به حاکم وقت یا قضات منصوب از ناحیه آن ها ، مراجعه نمایند یا اینکه مراجعه به آن ها حرام است؟ حضرت فرمود : مراجعه به آن ها حرام است ، زیرا رجوع به آن ها ، رجوع به طاعوت است و خدای سبحان ، مراجعه به طاعوت را نهی فرموده است . دو مرتبه سؤال کرد : پس چه کنند؟ حضرت ، با ذکر معیارهایی ، علمای واجد شرایط را برای آن ها معرفی کرده و سپس فرمود : در میان خودتان از فقهای شیعه ، کسی را انتخاب کنید و مشکل تان را از این طریق حل نمایید ، زیرا آنان منصوب از ناحیه من هستند و من ، آن ها را حاکم بر شما قرار دادم . اگر پس از مراجعه به آنان ، آن ها بر طبق نظر ما برای شان حکم کنند و طرفین دعوا ، حکم آن ها را نپذیرند ، ما را رد کرده اند و حکم خدا را سبک شمرده اند و رد ما رد خداست و چنین شخصی ، مشرک به خداست (۱) . از این حدیث به روشنی استفاده می شود که فقها به عنوان نواب امام ، منصوب شده اند در این نیابت ، نقش مردم صرفاً بیعت و پذیرش این ولایت نیابتی است ، به اعطای مقام نیابت ۱ . اصول کافی ج ۱ ص ۵۴ .

ملاحم

جمع ملحمه ، حوادث عظیمی است که از حیث آشوب و فتنه ، پیچیده و مبهم باشند . اخبار ملاحم ، اخباری است که از فتنه های آینده خبر می دهد . اخبار بدین مضمون در متون حدیثی اسلام ، فراوان آمده است . از آن جمله ، خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه است که در آن امیرالمؤمنین (ع) ، به ظهور حضرت بقیه الله (ع) خبر می دهد . (۱) ۱ . معارف و معاریف ج ۹ ، ص ۵۸۸ .

موالی خاصه

امام صادق (ع) می فرماید : حضرت قائم دو غیبت دارد : یکی کوتاه و دیگری طولانی است . در غیبت نخست ، از مکان حضرت کسی آگاه نیست ، مگر شیعیان خاص و در غیبت دوم ، مکان وی را نمی داند ، مگر موالیان خاص آن حضرت . (۱) علامه

مجلسی در شرح این حدیث می نویسد: منظور از موالی خاصه، خادمان و خاندان و فرزندان وی هستند، یا سی نفری که همواره همراه حضرت اند (۲) ملا صالح مازندرانی می نویسد: منظور از خاصه موالی، حواریون حضرت هستند. (۳) فیض کاشانی در وافی خاصه موالی را به خدمه حضرت تفسیر کرده و تصریح می کند که شیعیان در دوران غیبت، به آن حضرت دسترسی ندارند (۴) (۱). کافی ج ۱ ص ۲۳۴۰. مرآة العقول ج ۴، ص ۳۰۵۲. شرح کافی ج ۶ ص ۴۲۴۵. وافی ج ۲ ص ۴۱۶.

یوفولوژی

رشته ای از علوم است که برای کشف حقیقت بشقاب های پرنده به وجود آمده است. واژه "یوفو" علامت اختصاری سه کلمه اجسام پرنده ناشناخته می باشد (۱) یوفولوژیست نیز به معنای کسی است که متخصص در علم یوفولوژی باشد. پرفسور هانیک، یوفولوژیست معروفی است که او را گالیه یوفولوژی نامیده اند (۲) ۱. یوفولوژی از سه حرف u . f . o . تشکیل شده که حرف u علامت اختصاری UNIDENTID به معنای ناشناخته و مجهول الهویه و F علامت اختصاری FLVHNG به معنای پرواز کننده، و O علامت اختصاری OBJECTS به معنای اشیاء و موجودات است. ۲. جزیره خضراء افسانه، یا واقعیت طریقه دار ص ۸۵.

سرمه در چشم

تعبیری است در روایات، کنایه از قلت چیزی، و درباره یاران سال خورده حضرت آمده است (۱) امام باقر (ع) فرمود: خداوند قائم (ع) را بر می انگیزد برای عموم ستمگران، و در میان گروهی که از نظر مردم کمتر از سرمه در چشم به شمار می آیند. (۲) نمک در طعام ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۳ غیبه نعمانی ص ۳۱۵. ۲. غیبه طوسی ص ۲۷۹ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۷.

شمشیرهای آسمانی

از خصوصیات حضرت مهدی (ع)، آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب خود است. (۱) ۱. نجم الثاقب باب سوم.

صندل

چوب هندی بسیار معطری است که از آن تسبیح درست می کنند. حضرت مهدی (ع) در گهواره، از ابو غانم خادم، تقاضای صندل قرمز فرمود (۱) ۱. کشف الغمه ج ۳ ص ۲۸۹ غیبه طوسی، ص ۱۴۸ ینابیع الموده، ج ۳ ص ۱۲۶.

مقدس مآب

کسانی هستند که به ظاهر، خود را به قداست و تقوی آراسته می کنند و از درون به بیماری خود خواهی و خود پسندی دچارند و عوام الناس آن ها را مقدس می پندارند. طبق روایات بیشترین کار شکنی ها علیه حضرت از طرف کسانی است که ادعای موافقت با امام را دارند و خود را از منتظران حضرت (ع) می دانند. اینان، امام را نه به خاطر پیاده کردن اسلام اصیل، بلکه برای همراه کردن امام با آرزوهای خود می خواهند. اینان چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند، با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند که به فرموده امام صادق (ع): چه بسیار کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور از او رو برمی گردانند (۱) امام باقر (ع) می فرماید: ... حضرت مهدی (ع) به سوی کوفه رهسپار می شود. در آن جا شانزده هزار نفر از بتریه، مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند؟ آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی های شان از عبادت بسیار، پینه بسته، چهره های آن ها بر اثر شب زنده داری زرد شده و نفاق سراپای شان را پوشانده است. آنان یک صدا فریاد بر می آورند، ای

فرزند فاطمه (ع) از همان راه که آمده ای برگرد، زیرا به تو نیازی نداریم. حضرت مهدی (ع) در پشت شهر نجف، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه را می کشد (۲). میزان الحکمه ج ۱، ص ۲۹۲. ۲. غیبه طوسی ص ۲۸۳ اثبات الهداء، ج ۳ ص ۵۱۶ بحارالانوار ج ۲ ص ۵۹۸.

فلان

در روایات مهدوی، از فلان، بنی فلان و لدفلان بسیار یاد شده است. در روایتی داریم: چون اولاد فلانی دچار اختلاف شدند، فرج نزدیک است (۱) در روایات دیگری می خوانیم: در بغداد هشتاد هزار نفر کشته می شوند که هشتاد تن از آن ها از اولاد فلانی است. (۲) و نیز آمده است: این امر واقع نمی شود، مگر هنگامی که شمشیرهای بنی فلانی در میان خود به کار افتد و حلقه تنگتر شود. (۳) البته در شرح پاره ای احادیث، منظور از فلان ذکر شده است. ۱. غیبه نعمانی ص ۱۳۵ بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۳۱. ۲. الزام الناصب ص ۱۸۸. ۳. کشف الغمه ج ۳ ص ۳۱۹ منتخب الاثر، ص ۲۵۲.

کبریت احمر

در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: سوگند به خداوند که مرا به حق برانگیخت، آنان که در عهد غیبت بر ایمان و اعتقاد به او ثابت می مانند از کبریت احمر کمتر خواهند بود. (۱) کبریت احمر، به معنای گوگرد سرخ است و در برخی منابع آمده که منظور از آن معدن طلاست. (۲) گویا کبریت احمر، کنایه از جنس مرغوب و ارزشمند است. ۱. بحارالانوار ج ۵۱، ص ۷۳ اعلام الوری ص ۳۹۹ المحجۃ البیضاء ج ۴، ص ۳۳۷.

گل نرگس

تعبیری است شاعرانه که عاشقان و دوستان مولای، به واسطه نرجس خاتون نسبت به حضرت مهدی (ع) می دهند. از این تشبیه، بیشتر در سرودها و اشعار فارسی استفاده می گردد: بیا تا نغمه شوق از نهاد خاک برخیزد غبار از خاطر؛ آینه افلاک برخیزد به هنگام ظهور تو تو ای خورشید نورانی به پیش پای تو چون خاکیان افلاک برخیزد مگر حرف مرا تکرار سازد ای گل نرگس سخن باکوه می گویم، کرو پژواک برخیزد (۱). جواد جهان آرای.

محاضیر

به معنای اسب های چموش مغرور است. امام صادق (ع) می فرماید: الغبرة علی من اثارها هلك الحاضیر گرد و غبار به ضرر کسی است که آن را برانگیخته است و اسب های چموش و مغرور، هلاک می شوند. عرضه شد: اسب های چموش چه کسانی هستند؟ فرمود: المستعجلون؟ کسانی که شتاب می کنند.... (۱) در این حدیث، شتاب نکردن در رسیدن به دولت حق جهانی، منظور است. عجله کنندگان ۱. فروع کافی ج ۸ ص ۲۷۳ وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۶-۳۷.

مروانی

در حدیثی از امام رضا (ع) آمده است که: پیش از آن که امر ظهور واقع شود، باید سفیانی برخیزد، یمانی برخیزد، مروانی برخیزد، شعیب بن صالح برخیزد. تعبیر مروانی در این حدیث، ممکن است اشاره به مصری و یا مغربی باشد و شاید اشاره به ابقع باشد (۱). روزگار رهایی ج ۲ ص ۹۹۵.

معراج

نور حضرت مهدی (ع) در عرش نسبت به انوار سایر ائمه (ع) ممتاز بود. رسول اکرم (ص) فرمود: وقتی مرا به معراج بردند، به جانب راست عرش نگاه کردم. علی و فاطمه و فرزندان او را دیدم که نماز می خواندند و در میان آنان، مهدی (ع) مانند کوکب تابان می درخشید. گفتم: ای پرورگار من این ها کیستند فرمود: این ها ائمه اند و این قائم است؟ حلال می کند، حلال مرا و حرام می کند، حرام مرا و از دشمنان من انتقام می کشد. ای محمد او را دوست دار و دوست بدار کسی را که او را دوست دارد (۱) درخشندگی نور حضرت مهدی (ع) در معراج و امتیاز او بر سایر ائمه (ع) دلالت بر عظمت آن حضرت دارد. ۱. نجم الثاقب باب سوم.

ملعون ملعون

این عبارت، در کلام حضرت مهدی (ع) تکرار شده است. حضرت در فرازی از توقیع خود می فرماید: ملعون است، ملعون است کسی که در محفلی از محافل مردم نام مرا ببرد (۱) و حضرت به زهری فرمود: ملعون است، ملعون است کسی که نماز عشاء را به قدری تأخیر بیندازد که ستاره ها درهم فرو رود. ملعون است، ملعون است کسی که نماز صبح را به قدری تأخیر بیندازد که ستاره ها کلا ناپدید شود. (۲) ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۳۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۵۱ الزام الناصب ص ۱۱۳

نمک در طعام

تعبیری است در روایات، کنایه از قلت چیزی. امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: یاران اصلی قائم (ع) همگی جوان هستند، و سالخورده در میان آن ها اندک است، به سان سرمه در چشم یا نمک در طعام، باز هم کمتر. (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۳ غیبه نعمانی ص ۳۱۵.

چهل اربعین

در عدد چهل، رازی نهفته است در باب این عدد، روایات بسیاری آمده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم حضرت مهدی (ع) در سن انسان چهل ساله ظهور می نمایند (۱) و چهل روز قبل از قیامت از دنیا خواهد رفت هر کس چهل صبح، دعای عهد را بخواند از یاران حضرت ولی عصر (ع) قرار می گیرد (۲) بسیاری از صالحان، چهل شب جمعه از مسجد کوفه به مسجد سهله رفته و یا چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله بیتوته کرده و تضرع و عبادت می کردند تا به فیض دیدار حضرت نائل شوند (۳) بسیاری نیز برای ملاقات با حضرت نذر می کنند تا چهل شب جمعه به مسجد جمکران بروند. حضرت علی (ع) در پاسخ صعصعه بن صوحان، چهل علامت برای آخر الزمان ذکر کردند (۴) پیامبر گرامی اسلام (ص) در چهل سالگی مبعوث شدند. حضرت موسی (ع) چهل شب با خدا خلوت کردند. معمولاً عرفا برای خودسازی چله می گرفتند و برخی علما، چهل حدیث اربعین نوشته اند. رسول خدا فرمود: هنگامی که عیسی (ع) از آسمان فرود آید و دجال را بکشد... تا چهل سال، زندگی پر بار و آسوده ای خواهید داشت (۵) امام سجاد (ع) فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند، توان و نیروی هر یک از شیعیان ما را، برابر نیروی چهل مرد می گرداند ۱. مفاتیح الجنان، باب سوم. ۲. آخرین امید داود الهامی ص ۳۹۱. ۳. بحار الانوار ج ۱۳ ص ۴۰۶۹۳. ملاحم ابن طاووس ص ۵۰۹۷. غیبه نعمانی ص ۳۱۷ خصال صدوق ج ۵۲ ص ۵۴۱ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

سنت جدید

در پاره ای روایات از احکام جدید، قضاوت های حضرت مهدی (ع) و اصلاحاتی که حضرت انجام می دهد، به سنت جدید تعبیر شده است. (۱) ۱. چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، نجم الدین طوسی، ص ۱۴۹.

شهاب ثاقب

به معنای ستاره درخشان است. تعبیر شهاب ثاقب در سخنان رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در خصوص ولی عصر (ع) بسیار به کار رفته است. این تعبیر در مورد جنگهای آن حضرت نیز به کار رفته است که آن را می توان به شمشیر ثیان ترجمه کرد (۱) ۱. روزگار رهایی ج ۱ ص ۲۷۸ و ۳۱۱.

طاغوت

هر چیزی است که جز خدا، پرستیده شود. در حدیثی از امام باقر (ع) آمده است: هر پرچمی که پیش از قیام قائم (ع) برافراشته گردد، پرچم دار آن طاغوت است (۱) ۱. معارف و معاریف، ج ۷ ص ۴۳.

سوار بر ابر

موضوع سوار شدن حضرت مهدی (ع) بر ابرهای آسمان در روایات ها آمده است. حتی در کتب هندوها (۱) و بشارت های انجیل (۲) از آن سخن رفته است. علامه مجلسی در ضمن حدیثی از پیامبر (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمود: خداوند در شب معراج خطاب به من کرد و فرمود: و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک می سازم، شرق و غرب جهان را به او تملیک می نمایم، بادهای را به تسخیر او درمی آورم ابرهای سخت و نا آرام را برای او رام می گردانم... تا دعوت مرا آشکار سازد. (۳) امام باقر (ع) نیز فرمود: ذو القرنین میان دو ابر مخیر شد: یکی ابر رام و دیگری ابر نا آرام، و او ابر رام را برای خود برگزید و ابر نا آرام را برای صاحب شما نگه داشت. گفته شد: ابر نا آرام چیست؟ فرمود: ابری که با رعد و برق و غرش باشد، که صاحب شما سوار بر آن خواهد شد. آری صاحب شما سوار ابر می شود، همه اسباب ها و ابزارها را زیر پا می گذارد، اسباب های هفت آسمان و هفت زمین را. (۴) مفضل از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود: هنگامی که امر ظهور امضاء شد، ... سیصد و سیزده تن از یارانش چون پاره های ابر پاییزی به دور او گرد می آیند و آمدن آن ما به مکه دو گونه است: ۱. افرادی که شبانه از رختخواب های شان ناپدید می شوند و صبح در مکه هستند. ۲. افرادی که در روز روشن، بر ابر سوار می شوند و با نام، نام پدر، حسب و نسب شان شناخته می شوند مفضل می گوید: عرض کردم: کدام یک ایمان شان قوی تر است؟ حضرت فرمود: آن ها که بر ابر سوار می شوند.... (۵) ۱. در کتاب شاکمونی از کتب مقدسه هندیان ۲. کتاب مقدس، انجیل متی ص ۴۱، باب ۲۴ انجیل لوقا، باب ۱۲، بندهای ۲۵-۲۷. ۳. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۴۰۳۱۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱. ۵. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۶۸ غیبه نعمانی ص ۳۱۳.

معجزات

شاهدین معجزات

و اما تعدادی از افرادی را که در غیبت صغری به مشاهده معجزات آن حضرت نائل شده اند، می آوریم: ابن اعجمی، ابن بادشاله،

ابن قاسم بن موسی ، ابر ثابت ، ابو جعفر رفا ، ابورجا ، ابو عبدالله بن فروخ ، ابو عبدالله جنیدی ، ابو عبدالله کندی ، ابو علی اسدی ، ابوالقاسم بن ابی حابس ، ابوالقاسم بن دبیس ، ابو محمد بن هارون ، ابو محمد بن وجناء ، احمد بن ابی الحسن ، احمد بن اسحاق ، اسحاق کاتب ، بسامی ، بلالی ، جعفر بن حمدان ، جعفری ، حاجز ، حسن بن فضل بن یزید ، حسن بن نصر ، حسن هارون ، حسن به یعقوب ، حصینی ، زیدان ، شمشاطی ، عاصمی ، عطار ، علی بن احمد ، علی بن محمد ، علی بن محمد بن اسحاق ، فضل بن یزید ، قاسم بن علاء ، قاسم بن موسی ، مجروح ، مرداس ، مسرور طباطبائی ، محمد بن ابراهیم مهریار ، محمد بن ابی الحسن ، محمد بن اسحاق ، محمد بن شاذان ، محمد بن شعیب ، محمد بن صالح محمد بن کشمرد ، محمد بن محمد ، محمد بن محمد کلینی ، محمد بن هارون بن عمران ، هارون فزار و ... (۱) ۱ . اعلام الوری ص ۴۲۵ اثبات الهداة ج ۳ ص ۶۶۹ بحارالانوار ، ج ۵۲ ص ۳۱ کمال الدین ص ۴۴۲ .

طی الارض

پیمودن مسافت طولانی در مدت بسیار کوتاه را گویند ، و این یکی از معجزات و کرامات حضرت است . امام رضا (ع) می فرماید : هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، زمین از نور خداوند روشن می شود و زمین زیر پای مهدی به سرعت حرکت می کند . (۱) درباره شیوه آگاهی یاران و سپاهیان حضرت از قیام و گرد هم آمدن آنان در مکه ، روایات به شیوه های گوناگونی اشاره دارد . بعضی شب در بستر خود به خواب رفته اند و صبحگاهان خود را در محضر امام می بینند و برخی با طی الارض به حضرت می پیوندند و گروهی پس از آگاهی از قیام ، به وسیله ابرها نزد حضرت می آیند . (۲) امام باقر (ع) می فرماید : شیعیان و یاران مهدی (ع) از سراسر زمین به سوی او حرکت می کنند زمین زیر پای شان جمع می شود و با طی الارض به امام (ع) می رسند و با او بیعت می کنند (۳) رسول خدا (ص) فرمود : پس از شما اقوامی خواهند آمد که زمین زیر پای شان پیموده می شود و درهای جهان به روی شان باز می گردد زمین در کم تر از یک چشم به هم زدن پیموده می گردد به گونه ای که اگر کسی از آنان بخواهد شرق تا غرب زمین را در ساعتی بپیماید ، این کار را انجام می دهد . (۴) ۱ . کمال الدین ص ۳۷۲ کشف الغمه ج ۳ ، ص ۳۱۴ بحارالانوار ، ج ۵۱ ص ۱۵۷ . ۲ . کمال الدین ، ج ۲ ص ۶۷۲ غیبه نعمانی ص ۳۱۵ بحارالانوار ج ۲ ص ۳۶۸ . ۳ . روضه الواعظین ج ۲ ص ۲۶۳ عقد الدرر ص ۶۵ به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) ، نجم الدین طوسی ، ص ۴۰۱۱۰ . فردوس الاخبار ج ۲ ص ۴۴۹ احقاق الحق ج ۱۳ ، ص ۳۵۱ .

معجزات حضرت مهدی (ع)

پیشوایان معصوم هرچه به دوران غیبت نزدیک می شوند ، معجزات بیشتری از خود نشان می دهند تا شیعیان با عزمی راسخ و ایمانی استوار ، گام در عصر غیبت نهاده و پیروزمندانه دوران غیبت را پشت سر قرار دهند . از این رو شمار معجزاتی که از امام هادی و امام عسکری (ع) صادر شده ، قابل مقایسه با شمار معجزات پیشوایان قبلی نبود . به همین دلیل در دوران غیبت صغری ، هرچه به غیبت کبری نزدیک تر می شویم ، معجزات بیشتری از ناحیه مقدسه صادر می شود و به خصوص به صورت خبرهای غیبی درباره زندگی شخصی افراد ، که در مدتی کوتاه به وقوع پیوسته ، اعجاز آن آفتابی می گردد . معجزاتی که از ناحیه حضرت در غیبت صغری به وقوع پیوسته بسیار است . در برخی روایات ، پاره ای معجزات برای حضرت ذکر شده است . اینک به بخشی از معجزات و کرامات حضرت اشاره می کنیم : ۱ . سبز کردن چوب خشک ۲ . نرم کردن سنگ سخت ۳ . سخن گفتن پرنده به امر حضرت امیرالمؤمنین (ع) می فرماید : حضرت مهدی (ع) در مسیر حرکت خود به یکی از سادات حسنی که دوازده هزار رزمنده به همراه دارد ، برخورد می کند . حسنی در مقام احتجاج برمی آید و خود را سزاوارتر به رهبری می داند . حضرت در پاسخ او می گوید :

من مهدی هستم . حسنی می پرسد : آیا دلیل و نشانه ای داری تا با تو بیعت کنم؟ حضرت به پرنده ای که در آسمان در حال پرواز است ، اشاره می کند و آن پرنده فرود می آید و در دستان حضرت قرار می گیرد ، آنگاه به قدرت خداوند لب به سخن می گشاید و بر امامت حضرت مهدی (ع) گواهی می دهد . برای اطمینان بیشتر سید حسنی ، امام (ع) چوب خشکی را به زمین فرو می برد آن چوب سبز می شود و شاخ و برگ می دهد . بار دیگر ، پاره سنگی را ، از زمین برمی دارد و با یک فشار آن را خرد کرده ، همانند خمیر نرم می کند . سید حسنی با دیدن آن کرامات ، به حضرت ایمان می آورد . خود و همه نیروهایش تسلیم امام می شوند و حضرت او را به عنوان فرمانده نیروی خط مقدم می گمارد . (۱) ۴ . جوشش آب و آذوقه از زمین : امام صادق (ع) می فرماید : هنگامی که حضرت قائم (ع) در شهر مکه ظهور می کند و قصد حرکت به کوفه را دارد ، به نیروهایش اعلام می کند که کسی که آب و غذا و توشه راه با خود بر ندارد . حضرت ، سنگ موسی (ع) را همراه دارد . هر جا توقف می کنند سنگ را به زمین می کوبد و از زمین چشمه های آب می جوشد . هر کس گرسنه باشد با نوشیدن آن سیر می گردد و هر کس تشنه باشد ، سیراب می شود . (۲) ۵ . طی الارض و نداشتن سایه : امام رضا (ع) فرمود : هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، زمین از نور خداوند روشن می شود و زمین زیر پای مهدی به سرعت حرکت می کند او با سرعت ، مسیرها را می پیماید و اوست که سایه نخواهد داشت . (۳) ۶ . کندی حرکت زمان : امام باقر (ع) فرمود : وقتی امام زمان (ع) ظهور کند ، به سوی کوفه حرکت می کند و در آن جا هفت سال حکومت می کند که هر سال آن برابر ده سال از سالیان شماس است (۴) ۷ . قدرت تکبیر : رسول خدا (ص) می فرماید : ... حضرت مهدی (ع) جلوی قسطنطنیه فرود می آید . در آن روزگار ، آن دژ ، هفت دیوار دارد حضرت هفت تکبیر می گوید و دیوارها فرو می ریزد (۵) ۸ . عبور از آب : امام صادق (ع) می فرماید : پدرم فرمود : هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ... سپاهیان را به شهر قسطنطنیه می فرستد . آن گاه که به خلیج برسند ، جمله ای بر روی پاهای خود می نویسند و از روی آب می گذرند . رومیان وقتی این معجزه را می بینند به یک دیگر می گویند : وقتی سپاهیان امام این چنین باشند ، خود حضرت چگونه خواهد بود . از این رو ، درها را به روی آنان می گشایند . (۶) ۹ . ندای ابر امام صادق (ع) فرمود : ... حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان ظهور می کند بر سر آن حضرت ابری در حرکت است و هر جا برود ، آن ابر نیز می رود تا حضرت را از تابش خورشید حفظ کند و با صدای رسا و آشکار ، ندا می دهد ، این مهدی است (۷) برای مطالعه بیشتر در باب معجزات حضرت ، می توانید به کتاب " نجم الثاقب " باب ششم مراجعه نمایید . و اما تعدادی از افرادی را که در غیبت صغری به مشاهده معجزات آن حضرت نائل شده اند ، می آوریم : ابن اعجمی ، ابن بادشاله ، ابن قاسم بن موسی ، ابر ثابت ، ابو جعفر رفا ، ابورجا ، ابو عبدالله بن فروخ ، ابو عبدالله جنیدی ، ابو عبدالله کندی ، ابو علی اسدی ، ابوالقاسم بن ابی حابس ، ابوالقاسم بن دبیس ، ابو محمد بن هارون ، ابو محمد بن وحناء ، احمد بن ابی الحسن ، احمد بن اسحاق ، اسحاق کاتب ، بسامی ، بلالی ، جعفر بن حمدان ، جعفری ، حاجز ، حسن بن فضل بن یزید ، حسن بن نصر ، حسن هارون ، حسن به یعقوب ، حصینی ، زیدان ، شمشاطی ، عاصمی ، عطار ، علی بن احمد ، علی بن محمد ، علی بن محمد بن اسحاق ، فضل بن یزید ، قاسم بن علا " ، قاسم بن موسی ، مجروح ، مرداس ، مسرور طباط ، محمد بن ابراهیم مهریار ، محمد بنابی الحسن ، محمد بن اسحاق ، محمد بن شاذان ، محمد بن شعیب ، محمد بن صالح محمد بن کشمرد ، محمد بن محمد ، محمد بن محمد کلینی ، محمد بن مارون بن عمران ، هارون فزار و . . . (۸) ۱ . عقدالدرر ص ۱۳۹، ۱۳۸، ۹۷، الشیعة والرجعة ج ۱ ص ۱۵۸ به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طوسی ص ۸۸ . ۲ . کافی ج ۱ ، ص ۲۳۱ غیبة نعمانی ص ۲۳۸ بحارالانوار ج ۱۳ ص ۱۸۵ و ج ۵۲ ، ص ۳۲۴ . ۳ . کمال الدین ، ص ۳۷۲ اعلام الوری ، ص ۴۰۸ بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۵۷ . ۴ . ارشاد مفید ، ص ۳۶۵ بحارالانوار ، ج ۵۲ ص ۳۷۷ . ۵ . عقدالدرر ، ص ۱۸۰ . ۶ . غیبة نعمانی ص ۱۵۹ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۶۵ اثبات الهداة ، ج ۳ ، ص ۵۷۳ . ۷ . کشف الغمه ج ۳ ص ۲۶۵ بحارالانوار ، ج ۵۱ ص ۱۲۴۰ ثبات الهداة ، ج ۳ ص ۶۱۵ . ۸ . اعلام الوری ص ۴۲۵ اثبات الهداة ج ۳ ص ۶۶۹ بحارالانوار ، ج ۵۲ ص ۳۱

اِنَا اَنْزَلْنَا

سوره ای است که حضرت مهدی (ع) در رحم مادر آن را تلاوت کرده است. حکیمه خاتون می گوید: هنگام طلوع فجر صادق، وقتی درد زایمان نرجس شروع شد، از درون خانه، امام حسن عسکری (ع) صدا زد: عمه جان سوره انا انزلنا را بر او بخوان حکیمه می گوید: من مشغول خواندن سوره انا انزلنا شدم، طفل داخل رحم نرجس نیز، همان گونه که من می خواندم، می خواند. در حالا- تعجب بودم که امام عسکری (ع) با صدای بلند فرمود: عمه از امر خدا تعجب مکن که خداوند زبان ما را در کودکی، به حکمت باز کرده و در بزرگی، حجت خود در زمین قرار می دهد. (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳.

مهدی و بهشت

سرور اهل بهشت

حضرت مهدی (ع) سرور اهل بهشت است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: ما هفت نفر از اولاد عبد المطلب سروران اهل بهشت هستیم: من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۱، ص ۶۵ غیبه طوسی، ص ۱۳ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳ و ۲۶۷.

شفاعت حضرت

رسول خدا (ص) فرمود: من در حوض کوثر بر شما وارد می شوم. و تو ای علی ساقی هستی، و حسن حمایت کننده، و حسین فرمان دهنده، و علی بن الحسین تقسیم کننده، و محمد بن علی نشر دهنده، و جعفر بن محمد بسیج کننده، و موسی بن جعفر شمارش کننده محبان و مبغضان و باز دارنده منافقان، و علی بن موسی زینت کننده مؤمنین، و محمد بن علی فرود آورنده اهل بهشت به منزلگاه های شان و درجات شان، و علی بن محمد خطیب و سخنور شیعیانش و تزویج کننده آن ها با حور العین، و حسن بن علی چراغ اهل بهشت که از آن روشنی می گیرند، و مهدی شفاعت کننده آن ها است روز قیامت؟ روزی که خداوند اجازه نمی دهد شفاعت را، جز به کسی که راضی باشد به شفاعت او. (۱) طبقه این حدیث با این که تمام امامان (ع) روز قیامت شفیع هستند شفاعت به حضرت حجت (ع) اختصاص داده شده است. البته شفاعت ایشان به منکران حضرت مهدی (ع) نمی رسد، چون انکار حضرت حجت (ع) انکار پیامبر (ص) است زیرا امام صادق (ع) فرمود: هر کس به امامت پدران و فرزندانم اقرار داشته باشد، ولی مهدی از فرزندان مرا انکار نماید، مانند آن است که به همه پیغمبران اقرار و اعتقاد داشته باشد و محمد (ص) را انکار کند (۲) ۱. غایه المرام ص ۶۹۲ به نقل از مکیال المکارم، ج ۱ ص ۱۳۵. کمال الدین ج ۲ ص ۳۳۸

نامها

لوح فاطمه

حدیث لوح حضرت فاطمه (ع) را بسیاری از محدثین شیعه از جمله شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق و شیخ کلینی نقل کرده اند. در این حدیث، نام تمام ائمه (ع) از اول تا آخر و نام حضرت مهدی (ع) آمده است. ابی بصیر از حضرت صادق (ع) نقل کرده که فرمودند: پدرم به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: من با توکاری دارم، چه موقع برای تو آسان تر است که در خلوت، از

آن موضوع سؤال کنم جابر عرض کرد: هر زمان شما دوست داشته باشید. بالاخره یکی از روزها با جابر تنها نشست و به وی فرمود: ای جابر به من گزارش بده از آن لوحی که در دست مادرم فاطمه (ع) بود. و جابر از لوحی خبر داد که آن را در دست حضرت فاطمه (ع) مشاهده نموده و درخشندگی عجیبی داشته است. در آن لوح، نام های دوازده امام (ع) همراه نام مادرانشان یادآور شده و آخرین نام، قائم آل محمد (ع) بوده است. (۱) مصحف فاطمه (ع) ۱. کمال الدین ج ۱، ص ۳۰۵ غیبه طوسی ص ۹۲ غیبه نعمانی ص ۶۲ اختصاص مفید ص ۲۱۰.

کنیه حضرت

کنیه اسمی است که مزین به ابن، اب، أم، اخ یا اخت باشد. در عرب متداول است و به منظور تعظیم و تجلیل از کسی گفته می شود. (۱) کنیه های حضرت مهدی (ع) چنین است: ابو القاسم، ابو عبدالله، ابو جعفر، ابو محمد، ابو ابراهیم، ابو الحسن، ابو بکر، ابو صالح و ابو تراب (۲) پیامبر اسلام (ص) فرمود: مهدی از فرزندان من است و اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است (۳) (۱) معارف و معاریف ج ۸ ص ۵۹۵. ۲. نجم الثاقب باب دوم. ۳. کمال الدین ص ۲۸۶

منصور

اسم آن حضرت است، در کتاب دید براهمه. در تفسیر آیه شریفه... وَمَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ انه كان منصورا (۱) امام باقر (ع) فرمود: خداوند مهدی را منصور نامیده است، چنان چه نامیده شده است احمد، به محمد و محمود و نامیده شده است عیسی، به مسیح (ع) (۲) در یکی از بخش های زیارت عاشورا آمده است: ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد مقصود از منصور، امام زمان (ع) است و علت این که او را منصور نامیده اند، این است که ایشان در طلب خون جدشان یاری می شوند محمد بن مسلم می گوید: شنیدم ابا جعفر فرمود: قائم ما منصور به رعب و موید به نصر است (۳) در دعای ندبه هم می خوانیم: "این المنصور علی من اعتدی علیه" (۴) ۱. سوره اسراء ۳۳. ۲. نجم الثاقب باب دوم بحارالانوار ج ۱۵۱ ص ۲۸. ۳. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۹۱. ۴. مفاتیح الجنان باب سوم

اصل

از اسامی حضرت مهدی (ع) است. در کتب رجالیه آمده که مراد از "اصل" امام است یعنی مقصود اصلی اند از خلقت جمیع عوالم علویه و سفلیه (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم.

پرویز

اسم آن حضرت است در کتاب برزین از رفرس، چنان چه در کتاب ذخیره الالباب ذکر شده است. (۱) ۱. نجم الثاقب، باب دوم.

عبدالله

اسم مبارک حضرت مهدی (ع) است. رسول خدا (ص) فرمود: اسم مهدی، احمد و عبدالله و مهدی (ع) است (۱) ۱. نجم الثاقب باب دوم

غیب

از نام های حضرت مهدی است که در قرآن ذکر شده است . روایت شده است از حضرت صادق (ع) که فرمودند : در آیه شریفه ، هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ (۱) متقین شیعیان علی بن ابی طالب (ع) هستند ، واما غیب ، او غایب است و شاهد بر این ، قول خداوند تبارک و تعالی است که فرمود : می گویند چرا فرو فرستاده نشده برای او آیتی از پروردگارش پس بگو نیست غیب ، مگر خدای را . پس منتظر باشید به درستی که من با شما از منتظرانم (۲) یعنی بر آمدن آن غیب از آیات خداوندی است (۳) در تفسیر آیه شریفه الذين يؤمنون بالغیب ، آمده است که غیب سه روز است : روز رجعت ، روز قیامت و روز قیام قائم (ع) (۴) ۱ . سوره بقره ۲ و ۳ . سوره یونس ۲۰ . ۳ . نجم الثاقب ، باب دوم . ۴ . الزام الناصب ج ۲ ص ۳۴۰ .

حاشی

یکی از نام های حضرت مهدی (ع) است در صحف ابراهیم (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

بهرام

اسم حضرت مهدی (ع) است در کتاب ایستاع چنان چه در " ذخیره الالباب " ذکر شده است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

جعفر

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده است . شیخ صدوق در کمال الدین روایت کرده از حمزه بن الفتح که گفت : مولودی ، برای ابی محمد (ع) زاده شد که امر فرمود به کتمان او . حسن بن منذر از او پرسید که : اسم او چیست ؟ ، گفت : نامیده شده محمد و کنیه گذاشته شد به جعفر . ظاهراً مراد ، کنیه معروفه نباشد ، بلکه مقصود آن است که تصریح به اسم آن جناب نمی کنند ، بلکه تعبیر می کنند از او به کنایه به جعفر ، از ترس عمویش جعفر ، که شیعیان چون با یکدیگر سخن می گویند ، بگویند : دیدیم جعفر را و یا او امام است یا از او توقیع رسید و مانند این ها تا تابعان جعفر نفهمند ، مقصود کیست . در غیبت نعمانی نیز دو خبر از امام محمد باقر (ع) است که در آن جعفر (ع) از القاب حضرت شمرده شده که کنیه گذاشته شد به عمری خود یا از او کنایه کنید به عمویش (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

عصر

از اسامی آن حضرت است و در قرآن هم ذکر شده است (۱) ۱ . سوره عصر ۱ .

برهان الله

اسم حضرت مهدی (ع) در کتاب انکلیون است . (۱) ۱ . نجم الثاقب ، باب دوم .

خجسته

نام حضرت است در کتاب کندر آل فرنگیان . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

خسرو

در کتاب " خسرو مجوس " نام حضرت است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

زند افریس

اسم حضرت است در کتاب ماریاقین احتمال داده اند که اصل اسم افریس باشد و مراد از زند ، همان کتاب منسوب به زردشت یا صحف حضرت ابراهیم (ع) یا فصلی از آن باشد . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم

شماطیل

اسم آن حضرت است در کتاب ارماتش . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

صمصام الاکبر

نام حضرت است در کتاب کندرال (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

کلمه الحق

در ذخیره آمده است که این نام آن حضرت است در صحیفه . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم

لسان الصدق

اسم آن حضرت است در صحیفه (۱) ۱ . نجم الثاقب ، باب دوم .

مهمید آخر

نام امام زمان (ع) است در کتاب " ذخیره " والذکره (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

اسم حضرت

در کتاب نجم الثاقب اسامی حضرت مهدی (ع) چنین آمده است : محمد ، احمد ، مهدی ، اصل ، اوقیدمو در تورات ، ایزدشناس و ایزد نشان در نزد مجوس ، ایستاده در کتاب شاکمونی ، بقیه الله ، بهرام ، بنده یزدان در کتاب ایستاع ، پرویز در کتاب برزین ، برهان الله ، جعفر ، جمعه ، حاشر در صحف ابراهیم (خجسته) در کتاب کندر (خسرو) در کتاب خسرو مجوس (خدا شناس ، راهنما ، زند افریس) در کتاب ماریاقین (سروش ایزد) در کتاب زمزم زردشت (شما طیل) در کتاب ارماتش (صمصام الاکبر) در کتاب کندرال (عصر ، غیب ، فردوس الاکبر ، فیروز) در کتاب فرنگیان (فرخنده) در کتاب اشعیای نبی (فیذمو) در تورات (قاطع ، کلمه الحق ، کیقباد دوم) در نزد مجوس (کوکماً) در کتاب بختا (لنديطارا) در کتاب هزار نامه هند (لسان الصدق ، ماشع) در تورات عبریه (مهمید الاخر) در انجیل (مسیح الزمان) در کتاب فرنگیان (میزان الحق) در کتاب آژی (صالح ، منصور ، عبدالله ، مومل ، منان ، نور آل محمد (ع) ، نجم ، وهوه ل در تورات (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

اسم اصلی حضرت

نام اصلی حضرت " محمد " است . نامی که پیامبر اکرم (ص) برای ایشان گذارده و فرمود : مهدی از فرزندان من است . اسم او

اسم من و کنیه او کنیه من است . (۱) در این که آیا می توان به نام اصلی حضرت ، یعنی " محمد " تصریح کرد یا نه در میان علمای شیعه اختلاف نظر است . و اما یاد کردن نام شریف معهود آن حضرت بر چند گونه متصور است : ۱ . یاد کردن آن در کتاب ها ، که در جایز بودنش تردید نیست ، زیرا دلایل منع ، شامل آن نمی شود و نیز شیوه علمای صالح و عامل از زمان کلینی تاکنون بر این بوده که نام آن حضرت را در کتاب های خود ذکر کرده اند بدون این که کسی بر آنان اعتراض نماید . ۲ . یاد کردن نام آن حضرت با اشاره و کنایه ، مانند این که گفته شود : اسم او ، اسم رسول خدا (ص) است و کنیه اش ، کنیه آن حضرت می باشد این نیز جایز است ، به همان دلایلی که در گونه اول گذشت . به اضافه روایات متعددی از طرق شیعه و سنی از پیامبر اسلام (ص) که در آن ها تصریح فرموده است : مهدی از فرزندان من است . نام او نام من و کنیه اش کنیه من می باشد . (۲) گفتنی است که جایز بودن در این دو مورد مذکور ، به غیر حال ترس اختصاص دارد ، زیرا ترس از جمله عناوین عارضی است که مایه حرام شدن هر جایزی می گردد . ۳ . یاد کردن آن حضرت در دعا و مناجات که ظاهراً در این مورد نیز جایز است . ۴ . یاد کردن آن حضرت در مجامع و غیره به طور سری و به عنوان درد دل ، که در این صورت نیز جایز است ، زیرا دلایل منع از این قسم منصرف است ، پس اصل جواز و دلایل جواز ، بدون معارض باقی می ماند . ضمن این که در روایت نبوی آمده : اوست کسی که نامش به طور آشکارا پیش از قیامش نبرد مگر کافر به او (۳) ۱ . یاد کردن این اسم شریف در مواقع ترس ، مانند : محافل و مجالس دشمنان دین که تقیه با آنان واجب است . در حرمت این نوع هیچ اختلافی وجود ندارد ، چنان که در روایات متعددی بر این حرمت تصریح شده است . ۶ . یاد کردن نام آن حضرت در مجالس و مجامعی که ترس و تقیه ای در آن ها نباشد . این مورد است که معرکه آراء و جای بحث و گفتگو است . بعضی می گویند : اخبار گوناگونی در دست است که دلالت بر حرمت این نوع دارد . از جمله روایات ، این است که امام هادی (ع) فرموده : جانشین بعد از من ، پسر من حسن است ، پس چگونه خواهید بود در جانشین پس از جانشین من راوی می گوید : عرض کردم : خداوند مرا فدای شما گرداند ، چرا؟ فرمود : زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نامش برای شما روا نیست گفتم : پس چگونه او را یاد کنیم فرمود : بگوئید حجت آل محمد (ع) (۴) نیز در توقیع آن حضرت است که : ملعون است ملعون است کسی که در محفلی از مردم ، اسم مرا ببرد . (۵) عده ای می گویند : منظور از حرمت بردن اسم صریح امام ، در مورد تقیه است . زیرا روایاتی داریم که به جهت جایز دانستن ذکر نام آن امام ، در مقابل روایات حرمت قرار دارند ، و تنها راه جمع بین روایات حرمت و جواز همین است ۰ و دلایل دیگری هم می آورند که منطقی می نماید . در این رابطه عالم بزرگ تشیع ، علی بن عیسی اربلی می گوید : فتوای من این است که منع تلفظ به نام مهدی (ع) از روی تقیه بوده است ، ولی اکنون اشکال ندارد . (۶) همانگونه که محدث کبیر شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه اختیار کرده است . پس ذکر نام شریف حضرت مهدی (ع) که عبارت از امام محمد فرزند امام حسن عسکری (ع) می باشد ، در امثال زمان ما که تقیه لازم نیست ، جایز است . (۷) البته با توجه به فتوای علمای بزرگی به حرمت مسأله ، جای احتیاط است و اصولاً از مسائل فقهی و اجتهادی محل اختلاف می باشد ۱ . کمال الدین ج ۲ ص ۲۸۶ . ۲ . همان . ۳ . مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۳۸۰ . ۴ . اصول کافی ج ۱ ، ص ۳۲۸ . ۵ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۸۴ . ۶ . کشف الغمه ج ۲ ، ص ۵۲۰ . ۷ . یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (ع) علی رضا رجالی تهرانی ص ۶۶

اوقیدمو

در کتاب ذخیره الالباب معروف به دوائر العلوم آمده که اسم آن جناب حضرت . مهدی (ع) در تورات به لغت ترکوم " اوقیدمو " است . (۱) ۱- نجم الثاقب باب دوم

اسم آن حضرت است در کتاب ایستاع چنان چه در " ذخیره الالباب " ذکر شده است . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب دوم .

خدا شناس

نام آن حضرت است در کتاب شاکمونی که به اعتقاد کفره هند ، پیغمبری صاحب کتاب بوده است . در آن آمده است : دنیا و حکومت آن به فرزند سید خلاق دو جهان یش (۱) خواهد رسید و او برکوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان دهد و بر ابرها سوار شود و فرشتگان ، کارگزاران وی باشند و پیرزادان و آدمیان در خدمت او در آیند و . . . نام او ایستاده و خدا شناس است . (۲) ۱ . به زبان آنان نام رسول خدا (ص) است . ۲ . نجم باب دوم .

راهنما

از اسامی حضرت است در کتاب " باتیکل " ، که صاحب آن از عظمای کفره است . از آن کتاب ، در بشارت به وجود و ظهور آن حضرت کلماتی نقل کرده اند . (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۳۵ .

سروش ایزد

اسم حضرت است در کتاب زمزم زردشت (۱) ۱ . نجم الثاقب ، باب دوم .

شیلو

یکی از اسامی موعود در کتاب تورات است . در سفر پیدایش آمده است : عصای قدرت و سلطنت از یهود دور نخواهد شد و نه فرمان فرمایی از میان پاهای وی ، تا شیلو بیاید و او را اطاعت امت ها خواهد بود . (۱) ۱ . فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بید گلی ص ۱۴۲

دشمنان

شیطان

از امام صادق (ع) پرسیدند : این که خداوند به شیطان فرمود فانك من المنتظرين الى يوم الوقت المعلوم (۱) به تو مهلت داده خواهد شد تا روز معینی . این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود : آیا پنداشته ای این روز ، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما ، به شیطان مهلت داده است ، وقتی خداوند اوقائم را مبعوث می کند ، حضرت به مسجد کوفه می رود . در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود ، به آن جا می آید و می گوید : ای وای بر من از امروز . حضرت مهدی (ع) پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام ، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد . (۲) در جای دیگری می خوانیم : امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود : ابلیس از خداوند خواست که او را تا روز رستخیز مهلت دهد ، ولی خداوند آن را رد کرد و فرمود : تا روز وقت معلوم ، تو از مهلت داده شده ها هستی ، چون روز وقت معلوم فرا رسد ، ابلیس با تمام پیروانش که از زمان خلقت آدم تا آن روز از او پیروی کرده اند ، ظاهر می شود و آن در آخرین رجعت امیر مؤمنان (ع) اتفاق می افتد . آنگاه امام صادق (ع) توضیح می دهد که چگونه سپاه ابلیس در سرزمین " روحا " در نزدیکی کوفه اجتماع می کنند

واصحاب امیر المؤمنین (ع) برای نبرد با آن ها آماده می شوند و مهم ترین جنگ تاریخی بشری در آن روز واقع می شود و سرانجام سپاهیان ابلیس، شکست می خورند و خود ابلیس پا به فرار می گذارد و رسول اکرم (ص) او را دنبال می کند و از میان شانه هایش یک ضربت کاری وارد می کند و او را به هلاکت می رساند. پس از هلاکت شیطان و پیروانش، دیگر کسی جز خدا را نمی پرستد و هرگز کسی به خداوند شرک نمی ورزد. (۳) ۱. لسان العرب ج ۱ ص ۲۰۴۹۵. عصر ظهور علی کورانی ص ۳۴۱. ۳. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۴۲ تفسیر برهان ج ۲، ص ۳۴۳ الزام الناصب ج ۲ ص ۳۳۲

خزیمه

فرمانده سپاه سفیانی و عنصر پلیدی از امویان است. دوازده هزار نفر از سپاه سفیانی به سوی مکه و مدینه حرکت می کنند که خزیمه پرچمدار آن سپاه است. چشم چپ او کور است و پرده سفیدی روی چشمش را گرفته است. او قساوت پیشه ای است که مردم را مثله می کند و همه جا را می کوبد تا وارد مدینه می گردد. در آن جا مستقر می شود و در جستجوی بزرگ مردی از خاندان پیامبر (ص)، سپاهی گران به سوی مکه گسیل می دارد که پرچمدار آن، مردی از طایفه غطفان است. (۱) ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی ص ۵۴۱.

شیصبانی

در لغت معانی مختلفی برای شیصبان آورده اند از جمله: مورچه نر، لانه مورچگان، از اسامی شیطان و رهبر گروهی از پریان. (۱) مراد از شیصبانی در روایات اهل بیت (ع)، مردی از بنی عباس و یا مردی دشمن اهل بیت است، زیرا امامان معصوم (ع) بنی عباس را به بنی شیصبان تعبیر می کردند و آن، نام مردی بدکردار یا گمنامی است که دشمن خود را به طور کنایه با این کلمه به کار برده اند. پس از آن که قدرت در دست زمینه سازان خراسانی و طرفداران آن هاست، شیصبانی در عراق خروج می کند. (۲) جابر جعفری می گوید: از امام باقر (ع) درباره سفیانی و خروج او پرسیدم، فرمود: پس از خروج او، شیصبانی در کوفه خروج می کند، آن چنان که یک باره لشکر انبوهی به دور او گرد می آیند، بسان آب که از چشمه بجوشد، و هیأت اعزامی شما که به جنگ او روند کشته می شوند، آن گاه منتظر خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی (ع) باشید (۳) گفته می شود که منظور از شیصبانی، طغیان آب فرات از این منطقه است که خانه های کوفه و اطراف آن را می پوشاند، ولی به نظر می رسد که آن، رمز یکی از ستمگران باشد که بر عراق حکومت می کند و دمار از زندگی شیعیان در می آورد. (۴) ۱. لسان العرب، ج ۱ ص ۴۹۵. ۲. عصر ظهور علی کورانی ص ۳۴۱. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۲۵۰. روزگار رهایی ج ۲، ص ۱۱۰۵.

قبیله کلب

سفیانی از طرف مادر از آن قبیله است. حدیثی تصریح می کند: مردی از قریش به وجود می آید که دایی هایش از قبیله کلب است. پس سپاهی را به سوی حضرت مهدی گسیل می دارد که سپاه اسلام بر آن ها پیروز می شود. حسرت و پشیمانی از آن کسی است که از غنایم کلب محروم باشد. (۱) قبیله کلب، ظاهراً از ساکنان اردن می باشند که در عهد اموی، این قبیله در اردن سکونت داشتند. (۲) ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۸ ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۸۷. روزگار رهایی ج ۲، ص ۱۰۸۴

رفتار امام با دشمنان

زراره از امام صادق (ع) پرسید: آیا روش و سیاست حضرت قائم (ع) همانند روش پیامبر (ص) خواهد بود؟ فرمود هرگز،

هرگز ای زرارۀ او سیاست پیامبر را در برخورد با دشمنان پیش نمی گیرد . پیامبر (ص) با ملایمت و مهربانی رفتار می کرد تا دل ها را به دست آورد و مردم با آن حضرت الفت گیرند ، ولی حضرت قائم (ع) سیاست قتل را در پیش می گیرد و طبق دستوری که دارد ، رفتار می کند و توبه کسی را نمی پذیرد . پس وای بر کسی که با او مخالفت کند . (۱) بر طبق روایات حضرت مهدی (ع) در برخورد با دشمنان ، از یک نوع مجازات استفاده نمی کند ، بلکه برخی از آنان را در جنگ نابود می سازد (۲) و حتی فراریان و زخمیان آنان را نیز تعقیب می کند (۳) گروهی را اعدام نموده ، (۴) خانه های شان را ویران می کند و گروهی را تبعید می نماید (۳) و دست برخی را قطع می کند . (۵) البته حضرت با گروه ها و دسته های گوناگونی برخورد خواهد کرد . برخی از آنان قوم و نژاد خاصی هستند ، گروهی پیرو ادیان دیگری غیر از اسلامند و گروهی هر چند به ظاهر مسلمان اند ، ولی منافقانه رفتار می کنند و یا از مقدس نماهای کج فهمی هستند که با حضرت مخالفت می نمایند و یا پیرو فرقه های باطل می باشند . امام با هر یک ستیز خاصی دارد . امام صادق (ع) فرمود : (ع) آن گاه که قائم ماقیام کند ، بین او و عرب و قریش ، راهی جز شمشیر نخواهد بود . (۶) امام کاظم (ع) فرمود : . هنگامی که قائم ما علیه نصارا ، صائبیان ، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند ، اسلام را به آنان پیشنهاد می کند و هر کس مسلمان نشود ، گردنش را می زند . منافقان ، اهل کتاب ، ناصبی ها ، قریش . غیبۀ نعمانی ص ۲۳۱ بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۲۳۵۳۰ . ارشاد مفید ص ۳۶۴ کشف الغمه ج ۳ ص ۲۵۵ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۳۸ . کافی ج ۸ ص ۲۲۷ مرآة العقول ج ۲۶ ، ص ۱۶۰ بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۳۷۵ . ۴ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۷ . ۵ . بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۳۵۵ غیبۀ نعمانی ص ۱۲۲ . ۶ . بحار الانوار ، ج ۵۲ ص ۳۴۰ تفسیر عیاش ج ۱ ص ۸۳ تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۶۷

بغوطه

درختی بلند و پرشاخه است . در روایت است که سفیانی در زیر آن درخت درحیره ، به هلاکت می رسد . (۱) ۱ . اثبات الهداء ج ۷ ص ۱۶۸ .

راحت طلبان

از جمله مخالفان حضرت مهدی (ع) هستند

کاسر عینه

به معنای چشم شکسته است عیب بن زرارۀ می گوید : نزد امام صادق (ع) در مورد سفیانی سخن گفته شد . فرمود : او چگونه خروج کند در حالی که کاسر عینه در صنعاء هنوز خروج نکرده است (۱) ممکن است چند احتمال در تفسیر کاسر عینه وجود داشته باشد که بهترین آن ها می تواند بیان رمزی از ناحیه امام صادق (ع) باشد که معنای آن جز در وقت خود آشکار نمی گردد (۲) ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۲۴۵ . عصر ظهور علی کورانی ص ۱۶۲

منزلت

آس

درختی است که در بهشت کاشته شده . عصای حضرت موسی (ع) از شاخه آن درخت بود و آن را جبرئیل برای او آورد .

حضرت مهدی (ع) هنگام ظهور، عصای موسی (ع) را همراه دارد. (۱) آس، درختی است بلندتر از انار، دارای گل و برگی معطر، و تخمش سیاه است. در مناهی رسول (ص) از خلال کردن با چوب آن نهی شده است. (۲) در حدیثی از پیامبر (ص) آمده: ورائحه ابنتی فاطمه الزهراء، رائحه السفرجل والآس والورد. ۱. نجم الثاقب باب دوم. ۲. معارف و معارف ج ۱، ص ۸۰

ذوالقرنین

جابر بن عبدالله انصاری می گوید: رسول خدا (ص) فرمود: "ذوالقرنین، بنده ای شایسته بود که خداوند او را بر بندگانش حجت قرار داد. وی قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد و به تقوا دستور داد، ولی آنان بر سرش ضربه ای زدند و او مدتی از آنان پنهان شد، به طوری که آنان گمان بردند که مرده است. پس از مدتی نزد قومش بازگشت، ولی باز بر سمت دیگر سرش ضربه ای زدند. در میان شما شخصی است که به سنت رفتار می کند. خدای عزوجل برای ذوالقرنین در زمین اقتداری فراهم آورد و از هر چیز، وسیله ای برای او قرار داد و او را به شرق و غرب جهان رساند. خداوند رفتار و روش او را پیرامون امام غائب جاری می کند و او را به شرق و غرب زمین می رساند و هیچ آبگاه و منزلی در کوه و بیابان باقی نمی ماند که ذوالقرنین بر آن گام نهاده باشد، جز آن که او گام می نهد. خداوند برای او گنج ها و معادن زمین را آشکار می سازد و با ایجاد ترس در دل دشمن، او را یاری می دهد و زمین را به وسیله او پر از عدل و داد می کند، چنان که قبل از قیام پر از جور و ستم شده است (۱) نام او در قرآن کریم آمده است (۲) در حدیثی آمده است که: وی در سن دوازده سالگی به حکومت تمامی روی زمین رسید و سی سال دوران حکومتش بود. وی از مردم روم بود. پیغمبر نبود، ولی بنده ای شایسته بود که خدا را دوست می داشت و خدا نیز او را دوست داشت. خداوند ابر را در اختیارش قرار داد که مرکب او بود و اسباب و وسایل خویش فراهم نمود و نور را برایش منبسط کرد، که شب و روز نزد او یکسان بود (۳) امام باقر (ع) فرمود: ذوالقرنین مخیر گردید که یکی از دو ابر سخت و رام را برگزیند. او ابر رام را برگزید و ابر سخت، برای حضرت صاحب الامر (ع) ذخیره شد (۴) ذوالقرنین با حضرت ابراهیم (ع) همزمان بود و نخستین دو نفری که در روی زمین با هم مصافحه کردند، او و ابراهیم (ع) بودند. شهر اسکندریه را او بنا کرد و مسجدی عظیم در آن ساخت. (۵) ۱. کمال الدین ج ۲ ص ۳۹۴ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۲۳ ارشاد مفید، ص ۳۶۲ اعلام الوری ص ۴۳۰. ۲. سوره کهف، ۳۸۳. معارف و معارف، ج ۵، ص ۵۶۲. ۴. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ اختصاص مفید ص ۵۰۱ ۹۹. معارف و معارف ج ۵ ص ۵۶۳.

خورشید پشت ابر

حضرت مهدی (ع) را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده اند و این مسأله برمی گردد به حدیثی از خود حضرت که می فرمایند: چگونگی استفاده از من در غیبت، مانند استفاده خورشید است هنگامی که ابرها آن را می پوشانند (۱) صاحبان ذوق در وجوه تشابه حضرت با خورشید پشت ابر، چنین گفته اند: ۱. همچنان که مردم انتظار بیرون آمدن خورشید از پشت ابرهای تیره را می کشند تا بیشتر از آن بهره مند گردند، در زمان غیبت نیز شیعیان و محبان حضرت همواره انتظار وجود مبارکش را دارند و هرگز نا امید نمی شوند. ۲. هرکس با این همه آثار و معجزات و آیات و روایات باز هم منکر وجود مبارکش شود، مانند کسی است که منکر وجود خورشید گردد، هنگامی که در پشت ابرها از دیدگان، به ظاهر پنهان است، گرچه آثار وجودش به جهانیان می رسد. ۳. هر چند خورشید در پس ابر برای مدتی پنهان می گردد، اما نور روشنی بخش خود را از جهانیان دریغ نمی کند و باز هم از پس ابر زمین و آسمان را روشن می کند، امام (ع) نیز هر چند که در پس پرده غیبت قرار دارد، اما نور ولایت آن حضرت بر همه عالمیان پرتوافکن است، چه این که اگر نور آن امام نباشد، بنابر روایات معصومین (ع) زمین و اهل آن از بین می روند و اوست که امان اهل زمین است. البته حضرت در توقیع خود به اسحاق بن یعقوب می نویسد: ... و اما چگونگی انتفاعی که مردم در

غیبت از من می برند ، همچون انتفاع از خورشید است هنگامی که در پشت ابرها پنهان شود . . . (۲) ۱ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۸۰ . ۲ . کمال الدین ج ۲ ، ص ۴۸۳ بحار الانوار ج ۵۳ ، ص ۱۸۰

الیاس (ع)

از پیامبران مرسل است که در قرآن کریم دو بار از او یاد شده است . از حضرت الیاس و خضر (ع) به عنوان اوتادی یاد شده است که پیوسته اطراف حضرت مهدی (ع) هستند . درباره حضرت الیاس (ع) بیان کرده اند که او از جمله زندگان است و از کسانی ایست که خداوند به سبب حکمتی که خود می داند ، عمرشان را طولانی نموده است . بر طبق نظر عده ای از مفسران که در تفسیر آیاتی راجع به وی اظهار کرده اند و تعدادی از روایات که درباره او از اهل بیت (ع) رسیده است آن حضرت زنده است و خداوند ، عمر او را همچون خضر طولانی کرده و آن دو بزرگوار ، هر سال در سرزمین عرفات و دیگر جاها با هم حضور پیدا می کنند . (۱)

۱ . عصر ظهور علی کورانی ترجمه عباس جلالی ص ۲۸۹ .

انگشت سلیمان

انگشت سلیمان از موارث انبیاست که نزد حضرت مهدی (ع) است . سلطنت جهانی حضرت سلیمان (ع) و سیطره آن حضرت بر تمام موجودات روی زمین ، تنها یک رمز داشت و آن در همان انگشت نهفته بود . آن انگشت با تمام ویژگی هایی که دارد هم اکنون در دست حضرت صاحب الزمان می باشد . (۱) امام باقر (ع) می فرماید : نخستین کاری که قائم (ع) در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی را انگشت سلیمان در آن است . (۲) و نیز می فرماید : در بیت المقدس ، تابوت سکینه ، انگشت سلیمان را الواحی را که بر موسی نازل شده ، بیرون می آورد . (۳) امام صادق (ع) نیز می فرماید : عصای موسی و انگشت سلیمان در دست او خواهد بود " (۴) در فرهنگ معین آمده است : انگشتی سلیمان (ع) ، همان انگشت و مهر حضرت سلیمان است که گویند اسم اعظم الهی بر آن نقش بسته بود و سلطنت وی بر انس و جن ، وابسته آن بود . دیوی به شکل حضرت سلیمان (ع) ، آن انگشتی را به دست آورد و چندی سلطنت کرد تا بار دیگر ، انگشتی به دست حضرت سلیمان افتاد و سلطنت خود را باز یافت . نام های دیگر آن خاتم جم جمشید " ، انگشتی جم " انگشتی جمشید است . (۵) در روایتی آمده که حضرت سلیمان ، هنگامی که آن انگشت را با خود برمی داشت ، خداوند پرنده و باد و فرشتگان را مسخر او می ساخت . (۶) و در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که امام حسین (ع) وقتی به دنیا باز می گردد ، حضرت مهدی (ع) ، انگشت سلیمان را به همراه زمام امور جامعه به او می سپارد و او کسی است که قائم (ع) را پس از یک زندگی طولانی و پر برکت که از دنیا می رود ، غسل می دهد و به خاک می سپارد . (۷) در پاره ای روایات ، سخن از " منبر سلیمان " هم به میان آمده است که حضرت مهدی (ع) ، آن را هم بیرون می آورد (۸) ۱ . جهان بعد از ظهور ص ۵۵ به نقل از ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان ، هاشمی شهیدی ، ص ۴۲۶ . ۲ . روزگار رهایی ج ۱ ، ص ۴۵۵ . ۳ . همان . ۴ . همان ص ۴۵۷ . ه . فرهنگ فارسی معین ج ۵ ، ص ۱۹۰ . ۶ . بحار الانوار ج ۶۳ ص ۱۹۴ . ۷ . همان ج ۵۳ ، ص ۱۰۳ . ۸ . الزام الناصب ج ۲ ص ۲۹۹ .

نسب

نسب حضرت

درباره نسب حضرت امام زمان (ع) و این که آن حضرت از چه تباری است روایت های بسیاری وارد شده است نسب حضرت از طرف پدر پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری (ع) است. روایات بسیاری مبنی بر این که وی از نسل پیامبر (ص) و از دودمان علی و زهرا (ع) است وارد شده است. نسب حضرت از طرف مادر مادر بزرگوارشان ملیکه رومیه، نرجس خاتون است که سوسن و "صیقل" و "ریحانه" نیز نامیده می شد. نرجس خاتون از طرف پدر، دختر یسوعا، پسر قیصر روم شرقی و از طرف مادر، نسل شمعون از یاران حضرت عیسی مسیح (ع) و وصی او به شمار می رفته است. (۱) پس امام دوازدهم شیعیان، حضرت محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) است که حسینی الألب و حسینی الأم می باشد. از طرف فاطمه دختر امام حسن (ع) یعنی مادر امام باقر (ع) (۲) ۱. سیمای آفتاب حبیب الله طاهری، ص ۵۹. همان.

خطبه امام سجاد (ع)

امام سجاد (ع) در فرازی از خطبه معروف خود در مسجد جامع شام و در حضور یزید بن معاویه، نقش اساسی امام و حجت خدا را بیان فرموده و از حضرت مهدی (ع) یاد کرده است: خدای تبارک و تعالی، به ما علم، حلم، شجاعت، سخاوت و محبت در دل های مؤمنان را عطا فرموده است. پیامبر اکرم (ص) از ماست. وصی او علی المرتضی، حمزه سیدالشهداء، جعفر طیار، دو سبط این امت (حسن و حسین) و مهدی این امت از ماست (۱) ۱. منتخب الاثر ص ۱۷۲.

ولادت

قابله حضرت

قابله به زنی گویند که بچه می زایاند قابله حضرت مهدی (ع) حکیمه خاتون، دختر امام جواد، خواهر امام هادی و عمه امام عسکری (ع) بود که در هنگام ولادت به نرجس خاتون، مادر ارجمند امام مهدی (ع) رسیدگی کرد (۱) وی پس از تولد یافتن حضرت به ولادت ایشان تصریح کرده است (۲) البته عده ای از زنان در کار قابلهگی به وی کمک کردند که از جمله می توان از ماریه ونسیم (۳) خادمه امام عسکری (ع) و نیز کنیز ابوعلی خیزرانی که او را به امام عسکری (ع) هدیه کرد نام برد. همچنین تاریخ می نویسد که امام عسکری (ع) در شب میلاد حجت خدا، یک نفر قابله از زنان صالح غیر شیعه دعوت کرده بود، تا هنگام تولد آن حضرت حضور داشته باشد، مولود را به چشم خود ببیند و در میان افراد مورد اعتماد از غیر شیعه خبر را پخش کند تا در میان اهل سنت هم جای شک و تردید نماند (۴) ۱. کمال الدین ج ۲ ص ۴۲۴. کمال الدین ج ۲، ص ۴۳۳. کمال الدین ج ۲ ص ۴۳۰. روزگار رهایی ج ۱ ص ۱۴۹

ولادت حضرت

حکیمه خاتون می گوید: هرگاه خدمت امام عسکری (ع) می رسیدم، برای او دعا می کردم که خداوند فرزندی به او عطا کند تا آنکه غروب روز پنج شنبه چهاردهم ماه شعبان سال ۲۵۵. ه ق نزد امام عسکری (ع) رفتم و طبق روال گذشته دعا کردم که خدا به تو فرزندی عطا کند. وقتی شب فرا رسید، به کنیزم گفتم جامه ام را بیاور تا به منزل بازگردیم، امام عسکری (ع) فرمودند: عمه جان، امشب نزد ما بمان، زیرا در این شب فرزند مبارکی متولد می شود که زمین مرده را حیات بخشیده زنده می کند. عرض کردم: این فرزند با برکت از کدام کدبانو متولد خواهد شد فرمود: از نرجس و فقط از او متولد می شود. حکیمه می گوید: من به

نزدیک نرجس رفته و به دقت به او نگریستم، ولی هیچ اثری از حمل و داشتن فرزند در او مشاهده نکردم. نزد امام رفتم و ماجرا را به اطلاع امام رساندم. امام لبخندی زدند و فرمودند: عمه جان هنگام سپیده دم صبح اثر بارداری او ظاهر می شود، زیرا نرجس مانند مادر موسی است که نشانی از فرزند داشتن در او دیده نمی شد و تا هنگام تولد موسی هیچ کسی از ولادتش خبر نداشت. فرعون ستمگر که می دانست اگر حضرت موسی متولد شود، با او مبارزه می کند و تخت و تاجش را نابود می سازد، با تمام نیرو می کوشید تا از ولادت موسی (ع) جلوگیری کند، لذا دستور داد تا زنان را از مردان جدا کنند اما وقتی خدا بخواهد موسی به دنیا بیاید، تلاش صدها فرعون هم بی نتیجه خواهد بود. قبل از تولد حضرت موسی (ع) کسی باور نمی کرد که مادرش باردار است، نرجس نیز همچون مادر موسی تا آخرین لحظات ولادت امام زمان (ع) نشانی از بارداری در خود نداشت، زیرا آینده نرجس بسیار حساس و پراهمیت بود. جاسوس ها همه جا را کنترل می کردند و کار آگاهان حکومت هر حرکت مشکوکی را زیر نظر داشته و به شدت مراقب بودند که اگر فرزندی از امام یازدهم متولد شود، نابود می کنند. حکیمه می گوید: شب از نیمه گذشته بود، هنوز نشانه ای از فرزند داشتن در نرجس دیده نمی شد. من زودتر از شب های قبل به نماز شب مشغول شدم. نرجس خاتون نیز از خواب پریده و از اطاق بیرون رفت، وضو گرفت و مشغول نماز شب شد. او آخرین رکعت نمازش را می خواند که من از اطاق بیرون رفتم و به آسمان نگاه کردم، دیدم که طلوع فجر است، اما هنوز اثری از فرزند نیست. همین که در دلم نسبت به وعده امام عسکری (ع) تردید پیدا شد، ناگهان امام صدا زد: عمه جان شک نداشته باش. آن چه گفته ام آشکار می شود و به خواست خدا خواهی دید. در حالی که من از این تردید شرمند بودم به طرف اطاق برگشتم. دیدم نرجس خاتون نمازش را تمام کرده و با حالتی غیر عادی و شتابزده بیرون می آید. به او گفتم پدر و مادرم به فدایت آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: بله. عمه جان چیزی را شدیداً در خود یافته ام. گفتم به خواست خدا جای نگرانی نیست، سپس او را به درون اطاق بردم. هنگام طلوع فجر صادق، درد زایمان نرجس شروع شد. از درون خانه، امام عسکری صدا زد: عمه جان سوره قدر را بر او بخوان حکیمه می گوید مشغول خواندن سوره قدر شدم، در این هنگام طفل داخل رحم نرجس نیز همانگونه که من می خواندم، می خواند. در حال تعجب بودم که امام با صدای بلند فرمود: عمه از امر خدا تعجب مکن که خداوند زبان ما را در کودکی به حکمت باز کرده و در بزرگی حجت خود در زمین قرار می دهد. (۱) هنوز کلام امام تمام نشده بود که نرجس خاتون از نظرم ناپدید شده و گویا بین من و او پرده ای کشیده شد که دیگر او را ندیدم. وحشت زده و نگران، فریادکنان به طرف اطاق امام عسکری (ع) دویدم. در این لحظه امام فرمود: عمه برگرد، که او را در جای خود خواهی دید. با تعجب برگشتم. وقتی وارد اطاق شدم، دیدم نوری از نرجس می درخشد که چشم ها را خیره می کند، سپس دیدم نوزاد، طیب و طاهر، ناف بریده و ختنه کرده در حالی که در بازوی راستش نوشته است: جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهقا، مواضع سجده را به زمین گذاشته، انگشتان سبابه را به طرف آسمان بالا گرفته و می گوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) (۴) شهادت می دهد که معبودی جز خدای یگانه نیست. و بی همتا است و شریکی ندارد، جدم محمد (ص) فرستاده خدا و پدرم علی امیرمؤمنان است. سپس نام یکایک ائمه را برشمرد تا به نام مبارک خود رسید، آنگاه به درگاه الهی عرضه داشت: اللهم انجز لی وعدی و اتمم لی امری و ثبت و طاتی و املا- الارض بی عدلا و قسطا پرور گارا آن چه را به من وعده دادی برآورده ساز و کارم را به اتمام رسان. مخالفانم را نابود و مغلوب کرده، مرا بر دشمنانم پیروز فرما و زمین را به وسیله من سرشار از انصاف و عدالت گردان همچنان فرق تماشای مناجات دلنشین و کلمات معجزه آسای این نوزاد بودم که ناگهان صدای امام عسکری بلند شد که عمه جان، آن فرزند را در آغوش بگیر و به نزد من آر. من جلو رفتم، آن نوزاد را بغل کرده به طرف امام عسکری بردم. وقتی بچه در مقابل پدر قرار گرفت، هنوز روی دست من بود که بر پدرش سلام کرد. آنگاه حضرت فرزندش را از من گرفت و زبانش را در دهان آن طفل نهاد و کودک از زبان علم و عصمت آن حضرت دانش و معرفت و اسرار امامت نوشید. بعد به من فرمود: این کودک را بگیر

و به مادرش بسپار تا او را شیر دهد. وقتی نرجس به او شیر داد، بار دیگر فرزندم را نزد من بیاور. من نوزاد را به مادرش برگرداندم و پس از نوشیدن شیر دو مرتبه نزد حضرت آوردم. حضرت این بار نیز زبان به کام فرزندش فرو برد، سپس فرمود: ای فرزندا بخوان طفل شروع به خواندن کرد، از صحف آدم و زبور داود تا تورات و انجیل را به زبان عبرانی و سریانی خواند، سپس این آیه را تلاوت کرد: ونرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون (۲) (آنگاه بر پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و همه ائمه تا پدرش درود فرستاد. (۳) ازیک سو می دانیم که در دوران غیبت، هیچ یک از احکام اسلام تعطیل نشده و باید تا آمدن امام عصر (ع) به همه آن چه اسلام از ما خواسته است، عمل کنیم و از سوی دیگر می دانیم که امکان دسترسی به امام معصوم (ع) و فراگرفتن مستقیم احکام دین از ایشان برای ما وجود ندارد. در این شرایط آیا دست روی دست بگذاریم و به هیچ یک از احکام اسلام عمل نکنیم، یا به هر آن چه خود احتمال می دهیم درست باشد، عمل کنیم قطعاً هیچ یک از این دو راه ما را به مقصود نمی رساند. اما آیا امامان معصوم (ع) فکری برای شیعیان خود در زمان غیبت کرده اند؟ در پاسخ باید گفت: ائمه (ع)، تکلیف ما را در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم مشخص کرده و به ما امر فرموده اند که به فقهای جامع الشرایط مراجعه کنیم. چنان که امام عصر (ع) در یکی از توقیعات خود در پاسخ اسحاق بن یعقوب می فرماید... و اما در رویدادهایی که پیش می آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آن ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان. (۴) چنان که می دانید در طول ۶۹ سال غیبت صغری، از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هـ. ق چهار تن از بزرگان شیعه به عنوان نائب خاص، واسطه بین امام مهدی (ع) و امت بودند. آن ها پرسش های علما و بزرگان شیعه و حتی برخی از مردم معمولی را با آن حضرت مطرح می کردند و ایشان نیز پاسخ آن ها را می دادند. اما با پایان یافتن دوران غیبت صغری و آغاز غیبت کبری، دیگر کسی به عنوان نائب خاص معرفی نشده و مردم موظف شدند برای یافتن پاسخ پرسش های دینی خود به راویان احادیث اهل بیت (ع) که همان فقهای جامع الشرایط بودند، مراجعه کنند. از آن زمان به بعد، فقها به عنوان نواب عام امام عصر (ع) مطرح شدند و رسالت هدایت شیعه را در عصر غیبت بر عهده گرفتند. بنابراین بر همه منتظران امام عصر (ع) لازم است که بنا به فرموده امامان خود، با پیروی از فقها و مجتهدان واجد الشرایط، اعمال دینی خود را انجام دهند. در زمینه امور اجتماعی و سیاسی نیز وظیفه مردم، اطاعت از فقیهی است که از سوی بزرگان شیعه به عنوان ولی فقیه انتخاب شده است. ۱. بحارالانوار ج ۵۱، ص ۱۳. ۲. قصص آیه ۳. بحارالانوار ج ۵۱، ص ۱۲ کمال الدین دو جلدی، ص ۴۲۴. ۴. کمال الدین ج ۲، ص ۴۸۳.

اسماعیل بن علی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته واز آن خبر داده است (۱) ۱. کمال الدین ج ۲، ص ۱۰۴-۱۱۴. ارشاد مفید، ص ۳۳۰.

پیشگویی ولادت حضرت

پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) نسبت به ولادت حضرت مهدی (ع) پیشگویی کرده بودند. "عبدالرحمن بن سمره" می گوید: به پیامبر اکرم (ص) عرض کردم: ای رسول خدا مرا به طریق نجات هدایت کن. فرمود: هنگامی که اختلاف خواسته ها و تفرقه آرا پیش آمد، بر تو باد رجوع به علی بن ابی طالب که او امام امت من و خلیفه من بر آنان بعد از من است... از اوست دو امام امت من... و نه فرزند حسین، که نهم آنان، قائم امت من است که زمین را از عدل و داد پر می کند، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. (۱) جابر بن عبدالله انصاری در روایتی از صحیفه ای خبر داده است که در دست حضرت فاطمه (ع) مشاهده نموده و در آن نام های دوازده امام (ع) همراه نام مادرانشان یاد آور شده و آخرین نام، قائم آل محمد (ع) بوده است.

(۲) امام حسین (ع) فرمود: قائم این امت، نهمین فرزند از اولاد من است، و او است صاحب غیبت، و کسی که میراثش در حالی که زنده است، تقسیم می شود. (۳) و اما روایاتی که در مورد حضرت مهدی (ع)، غیبت ظهور، علامات ظهور و حوادث پس از ظهور. از طریق دو امام باقر و صادق (ع) نقل شده است به مراتب بیشتر از روایات رسیده از سایر معصومین (ع) است. ویژگی این روایات آن است که علاوه بر بیان اصل مسأله به بیان بعضی از خصوصیات نیز پرداخته اند. جابر جعفری از امام باقر (ع) نقل نموده که فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن زمان امامشان غایب خواهد شد. پس خوشا به حال کسانی که ثابت بر امر ما باشند. (۴) روایت های نیز از حضرت علی امام حسن مجتبی (۵) امام سجاد (۶) و امام صادق (۷) امام کاظم (۸) امام رضا (۹) و امام جواد (۱۰) (ع) در پیشگویی ولادت حضرت مهدی (ع) آمده است. ۱. کمال الدین ج ۱ ص ۲۵۷. غیبت طوسی ص ۹۲، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۵. ۳. کمال الدین ج ۱، ص ۴۰۳۱۵. کمال الدینج ۱، ص ۳۳۰. ۵. همان، ص ۳۰۳. ۶. همان، ص ۳۱۵. ۷. همان، ص ۳۱۹. ۸. همان، ص ۳۳۳. ۹. غیبه نعمانی، ص ۱۰۰. ۱۰. کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۲.

خبر ولادت حضرت

امام حسن عسکری (ع) با تمام قدرت در پخش و نشر خبر ولادت حضرت مهدی (ع) در میان شیعیان در داخل و خارج سامراء تلاش نمود: ۱. جناب حکیمه خاتون را که بانوی با عظمتی بود و در میان بنی هاشم شریف ترین بانو، دختر امام جواد و خواهر امام هادی (ع)، زاهده و عابده و سرآمد بانوان شیعه در عصر خود بود، دعوت می کند که آن شب را در خاندان امامت سپری کند و شاهد عینی ولادت آن مهر تابان باشد. ۲. قباله ای از غیر شیعه دعوت می کند تا گواه ولادت آن حجت خدا باشد، تا حجت بر عده ای از صالحان اهل سنت تمام شود، که همین بانو موجب شیعه شدن برخی از اعضای خانواده اش شده است. ۳. مولود مسعود را در مناسبت های گوناگون به افراد مورد اعتماد و یاران و شیعیان عرضه می نمود تا حجت خدا را با چشم خود ببینند و دیگر سخن دشمنان را در حق او باور نکنند. ۴. حجت خدا را در جمع شیعیان حاضر می کند که در حضور پدر به پرسش های آن ها پاسخ دهد، اموال آن ها را دریافت نماید و در بین آن ها داوری کند. ۵. نامه های بسیاری به شهرستان های دوردستی چون: مدینه، بصره و قم ارسال می کند و در آن ها شیعیان خالص را به ولادت حجت خدا بشارت می دهد. ۶. گوشت و نان فراوان خریداری نموده و به عنوان عقیقه در بین شیعیان سامراء تقسیم می کند. ۷۰. گوسفندانی را به خارج از سامراء می فرستاد تا به عنوان عقیقه فرزندش ذبح کرده، اطعام نمایند. به هر حال دودمان امامت از هیچ فرصتی در پخش و نشر خبر ولادت آن حضرت غفلت نکرد و پیش از رحلت امام حسن عسکری (ع)، خبر ولادت حجت خدا را به گوش شیعیان خالص و افرادی صالح از غیر شیعه رسانید (۱) ۱. روزگار رهایی ج ۱، ص ۱۵۵

عبدالله بن عباس علوی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت، اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) ۱. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰.

علی بن عاصم کوفی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت، اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) ۱. ارشاد مفید، ص ۳۳۰ بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۵.

عمر الاهوازی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (۱) ۱ . بحار الانوار ، ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰ .

نیمه شعبان

در سحر پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا حضرت مهدی (ع) چشم جهان را روشن کرد شب نیمه شعبان ، شب بسیار مبارکی است و امام باقر (ع) فرمودند : آن شب پس از لیلۃ القدر ، بهترین شب ها است . (۱) در شب نیمه شعبان ، خواندن دعایی سفارش شده است که مطلع آن چنین است : اللهم بحق لیتنا هذه و مولودها و حجتک و موعودها التی قرنت الی فضلها فتمت کلمتک صدقا و عدلا (۲) ۱ . مفاتیح الجنان باب دوم . ۲ . نجم الثاقب باب یازدهم .

اسماعیل بن موسی بن جعفر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰ .

حکیمه

حکیمه خاتون ، از بانوان خاندان امامت و رسالت و زنی باکفایت و مؤمنه بود . وی دختر امام جواد (ع) ، خواهر امام هادی (ع) و عمّ امام حسن عسکری (ع) بود . امام هادی (ع) ، نرجس خاتون را به خواهرش حکیمه خاتون سپرد تا احکام و دستورات اسلام را به او بیاموزد . حکیمه خاتون ، شاهد ولادت امام زمان (ع) بود و تاریخ و کیفیت ولادت حضرت مهدی (ع) را همه از حکیمه خاتون نقل کرده اند . حکیمه خاتون می گوید : پس از چهل روز از ولادت حضرت مهدی (ع) ، طبق دعوت امام حسن عسکری (ع) به خانه اش رفتم وقتی وارد اطاق شدم ، ناگهان دیدم همان کودک ، چون آفتاب درخشنده در مقابل پدر راه می رود و به اندازه یک فرزند دو ساله می ماند . تعجب کردم و از امام پرسیدم : ای سرور من این کودک به اندازه دو سال رشد کرده است . حضرت تبسمی کرد و فرمود : فرزندان پیامبران و جانشینان آنان که به مقام پیشوایی و امامت برگزیده می شوند ، ورشدشان همانند سایرین نیست ، بلکه وقتی یک ماه از عمرشان می گذرد ، چنان است که بر دیگران یک سال گذشته باشد (۱) حکیمه خاتون از محضر امام حسن عسکری (ع) درخواست نمود که در حق او دعا کند و از خدا بخواهد که در زمان حیات امام (ع) از دنیا برود و چنین شد (۲) مزار او در سامرا کنار حرم عسکریین است . حکیمه خاتون ، قابله حضرت مهدی (ع) نیز بوده است (۳) (برخی منابع ، یکی از نام های مادر حضرت مهدی (ع) را حکیمه ، ذکر کرده اند (۴) ۱ . بحار الانوار ، ج ۵۱ ص ۱۴۲ . روزگار رهایی ج ۱ ، ص ۱۵۳ . ۳ . روزگارهایی ، ج ۱ ص ۱۲۰۴ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۱۷۲ .

چهل روزگی حضرت

حکیمه خاتون می گوید : من پس از چهل روز از ولادت حضرت مهدی (ع) طبق دعوت امام حسن عسکری (ع) به خانه اش رفتم ، وقتی وارد اطاق حضرت شدم ، ناگهان دیدم همان کودک چون آفتاب درخشنده در مقابل پدر راه می رود و به اندازه یک فرزند دو ساله می ماند . از مشاهده این وضع تعجب کردم و از امام پرسیدم : ای سرور من ! این کودک به اندازه دو سال رشد کرده

است حضرت تبسمی کرد و فرمود: فرزندان پیامبران و جانشینان پیامبران که به مقام پیشوایی و امامت برگزیده می شوند، رشدشان همانند سایرین نیست، بلکه وقتی یک ماه از عمرشان چنان است که بر دیگران، یک سال گذشته باشد و فرزند ما اهل بیت پیامبر (ص) در شکم مادر سخن می گوید، قرآن می خواند، پروردگارش را عبادت می کند و هنگامی که به دوران شیرخوارگی می رسد، فرشتگان در هر بامداد و شامگاه بر او فرود می آیند و فرمائش را اطاعت می کنند. حکیمه می گوید: از آن پس، هر چهل روز یک بار، فرزند ارجمند امام حسن عسکری (ع) را می دیدم تا این که چند روز قبل از شهادت حضرت، وقتی او را دیدم شناختم از امام عسکری (ع) سؤال کردم، فرمود: او پسر نرجس است و من به زودی از دنیا می روم تو مطیع او باش. (۱) ۱. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۴.

غانم

در پشت مبارک رسول خدا (ص) علامتی بود که آن را ختم نبوت گویند. حضرت مهدی (ع) نیز علامتی در پشت دارد، مانند علامت پشت مبارک رسول خدا (ص)، که برخی از آن به "ختم وصایت" تعبیر کرده اند. (۱) می کند (۲) باز ابو غانم از دیدار دیگری سخن می گوید که در آن گروهی از شیعیان افتخار حضور داشته اند، وی می گوید: برای ابو محمد امام حسن عسکری (ع) فرزندی متولد شد که اسم او را محمد گذاشت. روز سوم ولادتش او را بر اصحاب خود نشان داد و فرمود: این مولود امام و سرپرست شما بعد از من است و جانشین من است در میان شما. این همان قائم (ع) است که گردن ها برای انتظار به سوی او کشیده می شود، وقتی که زمین از ظلم و جور پر شده باشد، قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند (۳). ارشاد مفید، ص ۳۲۰ بحارالانوار ج ۵۱ ص ۵. ۲. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۹، غیبه طوسی، ص ۴۸. ۱. ۳. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۵.

ظریف

ابو نصر ظریف از خادمان امام حسن عسکری (ع) بوده و از کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) در برخی کتب ظریف بن خادم آمده است ظریف می گوید: هنگامی که حجت خدا به دنیا آمد، همه خاندان خوشحال شدند و چون بزرگ شد به من دستور داده شد که هر روز همراه گوشت، یک قطعه استخوان مغزدار هم بخرم و گفته می شد که مغز استخوان برای مولای کوچک ماست. (۲) ۱. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰. ۲. ارشاد مفید، ص ۳۳۰. غیبه طوسی، ص ۴۸ کافی ج ۱، ص ۳۳۰.

علی بن مطهر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت، اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) ۱. بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۵۱ ارشاد مفید ص ۳۳۰.

حسن بن حسین عسکری

معروف به ابوالفضل، یکی از گواهان تولد امام عصر (ع) بوده است (۱) وی می گوید: در سامرا به محضر امام حسن عسکری (ع) رسیدم و ولادت صاحب الزمان (ع) را به محضرشان تبریک و تهنیت گفتم (۲) ۱. روزگارهایی ج ۱ ص ۱۶۰. غیبه طوسی، ص ۵۱ منتخب الاثر ص ۳۴۳.

حسین بن الحسن العلوی

از جمله کسانی است که از تولد امام مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۱، ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰.

اسماعیل بن موسی بن جعفر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰.

شعر

شعر مهدوی

قصیده ابن عرندس

علامه امینی می گوید: در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقیه الله (ع) به آن مجلس می شود (۱) این قصیده را مرحوم شیخ طریحی درالمنتخب و علامه سماوی در الطلیعه و یعقوبی در البابلیات و برخی دیگر از بزرگان در کتاب های خود آورده اند. بیت هایی از این قصیده، چنین است: اَيُقْتَلُ ظَمَانَا حَسِينَ بِكَرْبَلَا وَفِي كُلِّ غُضُوٍّ مِنْ اَنَامِلِهِ بَحْرٌ وَوَالِدُهُ الشَّاكِي عَلَى الْحَوْضِ فِي غَدٍ وَفَاطِمَةُ مَاءِ الْفَرَاتِ لَهَا مَهْرٌ فَوَا لَهْفَ نَفْسِي لِلْحَسَنِ وَمَا جَنَى عَلَيْهِ غَدَاةُ الْطُفِّ فِي حَرْبِهِ اَشْمَرُ اَيَا حَسِينَ (ع) باید در کربلا تشنه به شهادت برسد، با آن که در هر انگشت او دریایی یافت می شود؟ و با آن که پدرش علی (ع) در روز رستاخیز، مردم را از حوض کوثر سیراب می کند و آب فرات، مهریه مادرش فاطمه (ع) است جانا دریا بر حسین (ع) و جنایت هایی که شمر در کربلا، نسبت به حضرتش روا داشت. خطیب شیعه مرحوم شیخ عبدالزهرাকেبی می گوید: یک روز بعد از ظهر، وارد صحن امام حسین (ع) شدم. شخصی در مقابل یکی از حجره های صحن شریف، کتاب های مذهبی می فروخت و من با وی سابقه آشنایی داشتم. چون مرادید گفت: کتابی دارم که شاید برای شما نافع باشد و در آن اشعاری وجود دارد که زینده شماست و قیمت آن، این است که یک بار آن را برایم بخوانی. شیخ عبدالزهراء می گوید: آن اشعار، گمشده من بود و مدت ها در جست و جوی آن بودم. آن را گرفتم و در هنگامی که به خواندن آن مشغول بودم، ناگهان دیدم سیدی از بزرگان عرب در برابرم ایستاده و به اشعار گوش می دهد و گریه می کند. چون به این بیت رسیدم اَيُقْتَلُ ظَمَانَا حَسِينَ بِكَرْبَلَا وَفِي كُلِّ غُضُوٍّ مِنْ اَنَامِهِ بَحْرٌ گریه آن بزرگوار شدید شد و رو به ضریح امام حسین (ع) نموده و این بیت را تکرار کرد و هم چون زن جوان مرده می گریست. همین که اشعار را به پایان رساندم، دیگر آن بزرگوار را ندیدم. به یقین دانستم که او حضرت حجت و امام منتظر است. (۴) ابن عرندس حلی از فقها و علما و محدثین و شعرای مشهور شیعه در قرن نهم هجری بود که قصاید وی در مدح و منقبت و سوگ ائمه طاهرین (ع) به ویژه امام حسین (ع) معروف است. (۵) ۱. غیبه نعمانی ص ۲۹۷. ۲. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۵۴. ۳. الغدير ج ۷ ص ۱۴. ۴. شیفتگان حضرت مهدی (ع) ج ۳، ص ۱۷۲. ۵. معارف و معاریف ج ۱ ص ۲۸۴.

کل نرگس

تعبیری است شاعرانه که عاشقان و دوستان مولای، به واسطه نرجس خاتون نسبت به حضرت مهدی (ع) می دهند. از این تشبیه، بیشتر در سرودها و اشعار فارسی استفاده می گردد: بیا تا نغمه شوق از نهاد خاک برخیزد غبار از خاطر؛ آینه افلاک برخیزد به هنگام ظهور تو تو ای خورشید نورانی به پیش پای تو چون خاکیان افلاک برخیزد مگر حرف مرا تکرار سازد ای گل نرگس سخن باکوه می گویم، کزو پژواک برخیزد (۱) ۱. جواد جهان آرای.

شعر مهدوی

بخش چشمگیری از گنجینه شعر فارسی به آثاری اختصاص دارد که هویت معنوی و فرهنگی خود را مدیون مفاهیم ارزشی است. مفاهیمی که ریشه در کلام آسمانی قرآن و معارف اسلامی دارد. قرآن کریم، نهج البلاغه، نجم الفصاحه، صحیفه سجاده، کلمات قصار و ادعیه مأثوره از حضرات معصومین (ع) و روایات و احادیثی که از خاندان وحی در اختیار جامعه اسلامی است، سرشار از مفاهیم ارزشی و والایی است که در همیشه تاریخ، نظر متفکران و فرهیختگان را در حوزه عرفان و حکمت و اخلاق به خود جلب کرده است و نام آوران عرصه شعر و ادب فارسی با استفاده و تأثیرپذیری از این منابع غنی و گران سنگ، به آفرینش آثار ممتاز و ماندگاری، نائل آمده اند که التهاب عطش پویندگان راه معرفت را فرو می نشاند و با زلال جاری خود، جان تازه ای در کالبد راهیان طریق سعادت و کمال می دهد. مسأله مهدویت از دیرباز در شعر فارسی مطرح بوده و شعرای فارسی زبان، گاه به صورت کنایی و غیر مستقیم و گاه به شکل روشن و آشکار از مهدی موعود (ع) یاد کرده اند. در سده های آغازین هجری از نام مقدس مهدی، بیشتر به عنوان یک نماد تاریخی استفاده می شده؟ نمادی که یاد آور صلح و آرامش، قسط و عدل، جهان شمولی اسلامی و نابودی کفر جهانی است. همان گونه که از دجال نیز، به صورت یک نماد، نمادی که مظهر قساوت، فتنه، جنگ و خون ریزی و کفر و شرک است، یاد می کرده اند. از همین پیشینه ادبی می توان به اعتقاد راسخ مسلمانان به ظهور حضرت مهدی (ع) از سده های آغازین هجری تا کنون پی برد. در شعر مهدوی، موضوعات بسیاری مطرح است مهم ترین موضوعاتی که در اشعار مهدوی شاعران فارسی زبان حضور دارد، عبارت است از: ۱. معرفی مهدی موعود (ع) به عنوان تنها مصلح جهانی ۲. به تصویر کشیدن ولایت تکوینی حضرت ولی عصر (ع)، ۳. تبیین رسالت های جهانی امام زمان (ع). مسائلی از قبیل: غیبت، انتظار و ظهور نیز در انواع شعر مهدوی مطرح است. (۱) برای مطالعه بیشتر در این زمینه، کتاب سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی اثر استاد محمدعلی مجاهدی بسیار مفید است. ۱. سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی محمدعلی مجاهدی ص ۱۱۷.

گات ها

کهنه ترین و مقدس ترین قسمت اوستا است که در میان یسنا جای داده شده است. آن ها عبارتند از سرود و نظم و شعر، و هر فرد از اشعار گات ها را "گاس" گویند. کلیه گات ها ۱۷ فصل است و شامل ۲۳۸ قطعه و ۸۹۶ بیت می باشد. (۱) در آن نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) و سیطره جهانی او آمده است. (۲) گات های اوستا شامل پنج قسمت است و به منزله پنج کتاب اسفار تورات است که یهودیان آن ها را از خود موسی دانسته و احترام خاصی برای آنها منظور دارند: "اهنود"، "اشنود"، "سپنتمد"، "وهوخستر"، "وهشتد" است. (۳) ۱. معارف و معاریف ج ۸ ص ۶۲۵. ۲. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۱۸. ۳. معارف و معاریف ج ۸ ص ۶۲۵.

اشخاص و افراد

در عرف علمای رجال، کنیه سه تن از فقهای بزرگ شیعه است: علی بن حسین و دو پسرش ابو عبدالله حسین و ابوجعفر محمد صدوق. بابویه، نام جد اعلای ایشان، کلمه است فارسی، منسوب به بابو یعنی بابا، پدر، پیرو مرشد. محمد، فرزند علی بن حسین بابویه، همان شیخ صدوق، معروف به ابن بابویه ست. علی بن حسین بابویه با دختر عموی خود دختر محمد بن موسی بن بابویه ازدواج کرد، اما از او فرزندی نیافت. نامه ای به حسین بن روح نوشت و به وسیله او از امام زمان (ع) تقاضا کرد که دعا بفرماید تا خدا فرزندان فقیه به او عنایت کند. از ناحیه امام (ع) پاسخ آمد که از همسر فعلی خود فرزندی نخواهی داشت، ولی به زودی کنیزی دیلمی را مالک می شوی و دو پسر فقیه از او نصیب تو خواهد شد. ابن بابویه، سه پسر پیدا کرد محمد، حسین و حسن محمد و حسین، هر دو فقیه شدند و حسن، به عبادت و زهد مشغول شد (۱). ابن بابویه "از علمای بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری و صاحب تألیفات بسیار و ارزشمندی است. مرحوم محدث قمی می نویسد: حدود سیصد تألیف دارد که این تألیفات عمدتاً در ابواب فقه و اصول و تفسیر و سیره پیامبر (ص) ائمه (ع) و احتجاج و اخبار فضائل اهل بیت و اخبار غیبت و علائم ظهور امام غایب (ع) و آداب زیارت مشاهد مشرفه و پاسخ به سؤالات علمای سایر بلاد است. از جمله آن کتاب ها: من لا یحضره الفقیه، توحید صدوقی رساله اعتقادات، خصال، کمال الدین، عیون اخبار الرضا و... است. صدوق به اجماع علمای شیعه در وسعت دانش و قوت حافظه و نظم فکری و کثرت تألیفات و جمع احادیث و صحت اتقان فتاوی در میان سایر علمای شیعه ممتاز است. مرحوم صدوق در سال ۳۸۱ هجری، وفات و در شهر ری در گورستانی که هم اکنون معروف به ابن بابویه است مدفون است. (۲) و مقبره پدرش (علی بن حسین بابویه) در قم است. ۱. غیبه طوسی، ص ۱۸۸. پیشوای، دوازدهم هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق

ابدال

جمع یدل یا بدیل به معنای جانشینان است. این تعبیر را در مورد جمعی از بندگان صالح خدا به کار می برند که در میان اولیاء، دارای مرتبتی مخصوص بوده اند، و می گویند: جهان از وجود آن ها خالی نمی ماند، و چون یکی از آن ها بمیرد، خداوند دیگری را جایگزین وی می سازد ده خدا گفته: ابدال، عده ایی معدود از صلحا و نیکان و بندگان خالص خداوند که شمار آنان هفت یا هفتاد نفر است و گویند: زمین از وجود آن ها خالی نمی شود و جهان بدیشان برپا است و چون یکی از آن ها بمیرد، خدای تعالی دیگری را به جای او برانگیزد، این قوم بدانچه خدای از رازها در حرکات و منازل کواکب نهاده، عارفند در وصف آنان آمده که آنان کسانی اند که دارای نیت های پاک و طبع سخی و خوی نیک اند و همواره به خیرخواهی مسلمانان پردازند، و آنان معدن و منشأ برکات و خیرات زمین اند و چون یکی از آنان برود، دیگری جایگزین او گردد (۱) ابدال در روایات عامه از نظر عدد و نیز از حیث محل و مکان، مختلف آمده که در بعضی احادیث، سی و در برخی چهل و در برخی دیگر شصت ذکر شده، چنان که در بعضی از آن ها آمده که آنان در شام اند و در بعضی عراق و شام و در برخی یمن ذکر شده است (۲) و اما در روایات معتبره شیعه از ابدال ذکر نشده فقط از خالد بن هشام فارسی که از حیث وثاقت مجهول الحال است آمده که وی از حضرت رضا (ع) پرسید: مردم بر این عقیده اند که در زمین، ابدالی وجود دارند، این ها کیانند؟ حضرت فرمود: راست می گویند. ابدال اوصیایند که خداوند چون انبیاء را از زمین برداشت، این ها را بدل آن ها قرار داد. (۳) در مجمع البحرین آمده که ابدال قومی باشند که خداوند، زمین را به وجود آن ها استوار دارد و آن ها هفتاد نفرند. چهل تن آن ها در شام و سی نفر دیگر در جاهای دیگرند چون یکی از آن ها بمیرد، فرد دیگری به جای او بیاید. (۴) در بحار الانوار نیز آمده است که: از یاران حضرت مهدی (

ع) در شام هستند که هنگام ظهور حضرت، خود را به مکه می‌رسانند و با آن حضرت بیعت می‌کنند (۵) ۱. کنزالعمال ج ۱۲ ص ۱۸۸. ۲. همان. ۳. سفینه البحار ماده بدل. ۴. مجمع البحرین ماده بدل. ۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

اوقیدمو

در کتاب ذخیره الالباب معروف به دوائرالعلوم آمده که اسم آن جناب حضرت مهدی (ع) در تورات به لغت ترکوم "اوقیدمو" است. (۱) ۱- نجم الثاقب باب دوم.

انوری

حکیم انوری ابیوردی (متوفای ۵۸۵ ق) از شاعران معروف ادب فارسی، تغییر اوضاع زمانه خود را ناشی از بی مهری مردم زمانه به ممدوح خویش می‌داند و برچیدن بساط سلطنت او و روی کار آمدن سلطان جور را در همین رابطه ارزیابی می‌کند که مردم به غلط دم دجال را شمع مهدی می‌پندارند: مصطفی چون زمکه هجرت کرد مدتی مکه جفت هجران گشت عزت کعبه، عارعی دید حرم کعبه، جای حرمان گشت دم دجال، شمع مهدی شد سد یاجوج، حبس انسان گشت (۱) ۱. سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی، محمد علی مجاهدی ص ۶۶.

ابراهیم ابن محمد همدانی

از وکلای ناحیه مقدسه و از خواص صحابه ائمه اطهار (ع) است. در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم می‌زیست. در موارد متعددی که نام او نقل شده است، همه جا مردی موثق خوانده‌اند. همچنین فرزندان و احفاد و علی بن ابراهیم، محمد بن ابراهیم، محمد بن علی ابن ابراهیم و قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم، همه از خواص اصحاب ائمه (ع) و وکلای ناحیه مقدسه بوده‌اند. نسبت او به شهر همدان در ایران است، نه همدان که نام قبیله‌ای است در یمن و جنوب عربستان. (۱) وی چهل مرتبه به حج مشرت شده است. با امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری (ع) هم عصر بوده و از طرف امام جواد (ع) وکالت داشته و در یکی از نامه‌های امام جواد (ع) به او آمده است: به دوستانم در همدان نامه نوشتم و در آن نامه به آنان دستور دادم که از تو پیروی کنند و به آن‌ها تذکر دادم که جز تو من نماینده‌ای در همدان ندارم. بدون این که از امام عصر (ع) درباره او سؤالی بشود، توقیعی در ۱. معارف و معاریف، ج ۱ ص ۱۹۲. ۲. آخرین امید، داود الهامی ص ۱۲۰.

ابراهیم بن ادريس

از جمله کسانی است که از تولد حضرت، اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) وی فرمود: من پس از رحلت یازدهمین امام نور، فرزند گرانمایه اش حضرت مهدی (ع) را که گویا جوانی بیست ساله بود، زیارت کردم و پیشانی و دست مبارک او را بوسه باران ساختم. ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۴ غیبه طوسی ص ۱۶۳.

ابراهیم بن مهزیار اهوازی

کنیه او "ابو اسحاق" است. ابن طاووس او را از سفرای معروف حضرت ولی عصر (ع) شمرده و گفته که در این امر، نزد شیعه اختلافی نیست. مهزیار، سه پسر داشته، اولی و مشهور آن‌ها علی، دومی ابراهیم و سومی داود است که همگی از فقها و از اصحاب ائمه (ع) بودند. علی که خدمت امام زمان (ع) رسیده، فرزند ابراهیم بن مهزیار بوده است. (۱) ۱. معارف و معاریف

أَبَقَع

در لغت به ابلق یعنی هر شیء سیاه و سفید و به خصوص به کلاغ سیاهی که با سفیدی آمیخته باشد و به هر شخص پلید و به ابرص و شورزا و کسی که لباس وصله دار و رنگارنگ بپوشد، گفته می شود. (۱) از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) روایت شده که خروج ابقع در مصر و به دنبال دیده شدن ستاره دنباله دار و کسوف خورشید و خسوف ماه خواهد بود که همه این ها در نزدیکی ظهور روی خواهد داد. (۲) ۱. لسان العرب به نقل از روزگارهای، ج ۲، ص ۹۹۷. ۲. روزگارهای ج ۲، ص ۹۹۳.

ابن ابی العزاقر

شلمغانی به ابن العزاقر و ابن ابی العزاقر معروف بود. (۱) ۱. غیة طوس ص ۳۰۳.

ابن ابی زینب

همان محمد بن ابراهیم نعمانی مؤلف کتاب الغیبه است. (۱) به ابن زینب نیز معروف است. ۱. آخرین امید داود الهامی ص ۱۶۶.

ابن انباری

کمال الدین احمد بن محمد بن یحیی انباری، در سال ۵۴۳ حدود نهصد سال پیش داستانی را که از بسیاری جهات، مشابه داستان جزیره خضر است نقل کرده است. راوی داستان ابن انباری، مسیحی است و این داستان در کتاب بحار الانوار ج ۵۳، ص ۲۱۳ آمده است. نقاط اشتراکی که در دو داستان علی بن فاضل و ابن انباری وجود دارد این ها است: الف. محل سکونت امام زمان (ع) و فرزندانش در جزایری میان دریاست. ب. امام زمان (ع) اکنون دارای همسر و فرزند است. جزیره ها بسیار باصفا و سرسبز و خرم اند، که در نقاط دیگر نظیر ندارند. مسأله رؤیت و دیدن امام زمان (ع). نظم اجتماعی و رفاه و کیفیت سلوک مردم در آن جزایر بسیار عالی است. راوی اصلی هر دو داستان، مجهول الهویه اند. روایت ابن انباری گویای این مطلب است که امام (ع) در جزایر ناشناخته ای در دریای مدیترانه فرزندی دارد.

ابن جنید

ابو علی محمد بن احمد بن جنید بغدادی مشهور به "ابن جنید" از اعظام فقهای امامیه و اکابر علمای شیعه و از مشایخ شیخ مفید و مشایخ نجاشی و شیخ طوسی بوده است. او نخستین کسی است که باب اجتهاد را مفتوح ساخته و یا این که او در این امر از حسن بن ابی عقیل پیروی نمود. لذا از این دو بزرگوار در السنه فقها به قدیمین تعبیر می کنند. مرحوم نجاشی پس از آن که وی را به وجه فی اصحابنا، ثقه جلیل القدر توصیف کرده گفته است: از بعضی بزرگان شیعه شنیدم می گفت: مبلغی مال و شمشیری از حضرت صاحب (ع) به نزد او بود که در مرض موت، آن ها را به کنیزش سپرد. از مؤلفات وی: الالفه التراقی الی علی المراقی، نثرطوبی، ازاله الران عن قلوب الأخوان، الاحمدی فی الفقه المحمدی، الافهام لأصول الأحكام، احکام الصلاة، استخراج المراد من مختلف الخطاب است. به قولی، وی در سال ۳۸۱ در ری درگذشت. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۱ ص ۲۵۰.

ابن حسام

ابن حسام خوشفی متوفای ۸۷۵ ق شاعر پر آوازه آیینی در سده نهم هجری است. دیوان اشعار او از مناقب آل الله سرشار و معطر است، خصوصاً شیفتگی بسیاری را نسبت به ساحت مقدس حضرت ولی عصر (ع) نشان می دهد (۱) ای صبا افتان و خیزان تا به کی غالیه برخاک ریزان، تا به کی؟ قصه از شاه ولایت گوی و بس داستان پوردستان تا به کی؟ عالم از ظلمت، سواد شب گرفت آخرای خورشید تابان تا به کی؟ مرحبا ای مهدی آخرزمان آشکارا باش پنهان تا به کی؟ ابن حسام سه ترکیب بند مناقبی در ستایش حضرت ولی عصر (ع) دارد که در پیشینه شعر مهدوی در زبان فارسی بی سابقه است (۲) ۱. معارف و معاریف ج ۱ ص ۲۵۰. ۲. سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی، محمدعلی مجاهدی ص ۸۲.

ابن حوشب

ابوالقاسم رستم بن حسین بن فرج بن حوشب بن زاذان نجارکوفی ملقب به منصور الیمن از داعیان اسماعیلی سده سوم هجری بود. وی از مدعیان مهدویت بود و لقب منصور به داعیه او دلالت دارد چون در سرزمین یمن، مهدی را منصور می خوانند. وی اصلاً ایرانی و از اهالی کوفه و نخست، شیعه دوازده امامی بود ولی پس از رحلت امام عسکری (ع) به اسماعیلیه گروید. وی در ۲۷۰ ق از قادسیه به یمن آمد و مانند عباسیان، بی ذکر نامی خاص به الرضا من آل محمد دعوت کرد. نخست دژ استواری در کوه لاهه برآورد و پس از آن که سپاهی بر خود فراز آورد و کارش بالا گرفت، دست به تسخیر شهرهای عمده یمن از جمله صنعاء زد و داعیانی از سوی خود به سراسر نواحی یمن و بحرین و یمنامه سند و هند و مصر و مغرب فرستاد. ابو عبدالله شیعی، داعی فاطمیان در شمال افریقا، پیش از عزیمت به این سرزمین، چند گاهی در یمن، پیش ابن حوشب به سر برد و در مجالس او حاضر شد، دقایق و رموز دعوت را از او بیاموخت. در ۳۰۲ یا ۳۰۳ امام زیدی یمن، دمت ابن حوشب و عمالش را از یمن کوتاه کردند. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۱ ص ۲۵۴.

ابن شاذان

اسم او محمد بن شاذان بن نعیم نعیمی نیشابوری است. (۱) شیخ صدوق او را در ردیف ده نفر دیگر از نواب خاصه هستند- عثمان بن سعید و محمد بن عثمان- ذکر کرده و او را از نائبان منصوب از سوی امام قائم (ع) دانسته است. لکن ابن طاووس او را جزء نائبان با واسطه دانسته و از کسانی محسوب داشته که از معجزات حضرت آگاهی پیدا کرده و آن حضرت را زیارت کرده است (۲) ۱. آخرین امید داود الهامی ص ۲۲۹. ۲. همان داود الهامی، ص ۱۸۱.

ابن متیلی

یکی از وکلای محمد بن عثمان- نائب دوم - در بغداد بود. مرحوم صدوق گزارشی را از دیدار سری محمد بن عثمان با ابن متیل نقل می کند (۱) طبق این گزارش محمد بن عثمان با ابن متیل در یکی از خرابه های عباسیه بغداد دیدار کرد در آن جا نامه ای که امام دوازدهم به او نوشته بود، خواند و سپس آن را از بین برد (۲). این مطلب بیانگر این است که روابط نائب دوم با وکلای خود بسیار دقیق بود تا هیچ رد پایی را به مقامات دولتی نشان ندهد و جان خود و امام و وکلای خود را از خطر محفوظ بدارد. چون جعفر بن احمد بن متیل از دوستان نزدیک محمد بن عثمان بود، برخی گمان می کردند که "محمد بن عثمان" امر وکالت و سفارت حضرت را پس از خود به او خواهد سپرد. چون هنگام وفات محمد بن عثمان فرا رسید، ابن متیل در بالای سر او و حسین

بن روح در پایین پایش نشسته بودند . محمد بن عثمان در آن حال به ابن متیل رو کرد و گفت : من مأمور شدم که حسین بن روح را وصی گردانم و امور را به او واگذارم . وقتی ابن متیل این سخنان را شنید از جای خود بلند شد و دست " حسین بن روح " را گرفت و او را در بالای سر محمد بن عثمان نشانید و خود در پایین پای او نشست . (۳) ۱ . غیبه طوسی ص ۲۰۱ به نقل از آخرین امید ص ۲۹۱ . همان ۳ . خورشید مغرب حکیمی ص ۴۶ .

ابن مغازلی

ابوالحسن علی بن محمد بن طیب واسطی " معروف به ابن مغازلی " فقیه شافعی است . کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان " از تألیفات اوست . وی از علمای اوائل سده چهارم هجری بوده و به چهار واسطه از ابوصلت هروی حدیث نقل می کند (۱) ۱ . معارف و معاریف ج ۱ ، ص ۳۰۳ .

ابن یمین

امیر فخرالدین محمود ابن یمین (فریومدی) متوفای ۷۶۹ قمری شاعر پر آوازه شیعی در سده هشتم هجری ، قصایدی در مدح ذوات مقدس معصومین (ع) دارد از جمله آن هاست : بعد از او ، صاحب زمان کز سال های دیرباز دیده ها در انتظار روی آن فرخ لقاست چون کند نور حضور او جهان را با صفا هرکزی کاندرا جهان باشد شود یک باره راست این بزرگان هر یکی را در جناب ذوالجلال از بزرگی رفعتی فوق سموات العلاست برامید آن که روز حشر ازین شاهان ، یکی گوید : این ابن یمین از بندگان خاص ماست این عنایت بس بود ابن یمین راه بهر آنک هر که باشد بنده شان در این دو دنیا پادشاست (۱) ۱ . سیمای مهدی موعود (ع) در آیین شرفارس ، محمدعلی مجاهدی ، ص ۸۲ .

ابوالادبایان

از کسانی است که بر جنازه امام حسن عسکری (ع) نماز خوانده و در مراسم تشییع جنازه ، حضرت بقیه الله (ع) را دیده است (۱) می گوید : وارد خانه امام حسن عسکری (ع) شدیم و با جنازه آن حضرت مواجه گشتیم . برادر امام حسن عسکری (جعفر کذاب) جلو آمد که بر نعش برادر نماز بخواند . چون دست ها را برای تکبیر بالا برد ، کودکی در صحن خانه ظاهر شد و عبای جعفر را گرفت و کشید ، و در آن حال فرمود : ای عمو برو عقب . برای نماز پدرم من از همه شایسته ترم . جعفر در حالی که رنگش پریده بود ، خود را به عقب کشید و آن کودک بر جنازه پدرش نماز گزارد . آن گاه جنازه امام (ع) در کنار قبر پدر بزرگوارش امام هادی (ع) دفن شد (۲) ۱ . روزگار رهایی ج ۱ ، ص ۱۶۴ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۶۷ منتخب الاثر ص ۳۶۷ الزام الناصب ص ۱۰۸ .

ابوالعبس

ابو العبس محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی مؤلف کتاب صاحب الزمان (ع) است . این کتاب ، نخستین کتابی است که از طرف علمای اهل سنت ، در حق آن حضرت نگارش یافته است . ابو العبس از علمای بزرگ قرن سوم ، و متوفی ۲۷۵ هجری است و احتمالاً تألیف این کتاب ، پیش از ولادت حضرت بقیه الله (ع) ۲۵۵ هـ . باشد (۱) ۱ . روزگار رهایی ج ۱ ، ص ۱۵ .

ابو حامد عمران بن مفلس

وی از دستیاران قاسم بن علاء- کارگزار حسین بن روح در آذربایجان- بود (۱) ۱. تاریخ سیاسی غیبه امام دوازدهم (عج) ص ۱۹۷.

ابوسهل نوبختی

اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت دانشمندی معروف و اهل بحث و مناظره با مخالفان شیعه بود که سی و هفت کتاب و رساله داشت (۱) عده ای از ابوسهل نوبختی سؤال کردند: چطور شد امر نیابه به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح واگذار شد ولی به تو واگذار نشد او پاسخ داد: آنان ائمه (ع) بهتر از هر کس می دانند چه کسی را به این مقام برگزینند (۲). من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با ایشان مناظره می کنم. اگر آن چه را که ابوالقاسم درباره امام می داند می دانستم، شاید در بحث هایم با دشمنان وجدال با آنان، می کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم و در نتیجه، محل اقامت او را آشکار سازم اما اگر ابوالقاسم، امام را در زیر جامه خود پنهان کرده باشد، بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا او را نشان دهد، هرگز چنین نخواهد کرد. (۳) ابوسهل نوبختی از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافت (۴) و بر جنازه پدر حضرت نماز خوانده است. ۱. خاندان نوبختی ص ۱۲۲ و ۱۲۳. ۲. غیبه طوسی ص ۳۹۱. ۳. بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۵ کمال الدین ج ۲، ص ۱۰۴-۱۱۴. ۴. بحارالانوار ج ۲، ص ۶.

ابو عبدالله بزوفری

شیخ طوسی از برخی علویان روایت کرده که می گوید: من در شهر قم بودم، میان شیعیان گفت و گویی درباره شخصی که منکر فرزند خود شده بود، در گرفت و قرار شد از شیخ- نایب دوم یا سوم- سؤال شود، من نزد ایشان بودم که نامه سؤال را به او دادند. وی نامه را نخواند و گفت: این نامه را نزد ابو عبدالله بزوفری ببرید تا پاسخ دهد. نامه را نزد او بردند و من نیز در آن جا حاضر بودم. وی پاسخ داد که این فرزند مال همین شخص است و در فلاں روز و فلاں جا با مادر او همبستر شده است. نامش را محمد بگذارند. نامه رسان به شهر خود رفت و داستان را به آن ها گفت و مسأله روشن شد و پس از مدتی فرزند متولد شد و نام او را محمد گذاشتند. این روایت نشان می دهد که بزوفری معلوماتش را مستقیماً یا به واسطه نواب خاص، از خود آن حضرت فرا می گرفته است. نجاشی در کتاب رجال، و علامه در الخلاصه می گوید: او مردی بزرگوار و مورد اطمینان و شخصیتی جلیل القدر است (۱) ۱. آخرین امید داود الهامی، ص ۱۱۹.

ابو علی حجدر

از دستیاران "قاسم بن علاء" کارگزار حسین بن روح در آذربایجان بود. (۱) ۱. تاریخ سیاسی غیبه امام دوازدهم (عج) ص ۱۹۷.

ابوغالب

احمد بن محمد بن سلیمان بن حسن بن جهم بن بکیر بن اعین بن سنس شیبانی معروف به ابوغالب، یکی از افراد خاندان معروف آل اعین و از غیر نژاد عرب بود. شیخ طوسی در فهرست می گوید: ابوغالب زراری از بکیریون بود و بکیریون زراریان اند و تا زمان ابی محمد (ع) به بکیری معروف بودند تا توقیعی از ابی محمد (ع) صادر شد و در آن، نام او ابوطاهر زراری آمده بود. عبارت توقیع این بود فاما الزراری رعاه الله از این پس این خاندان خود را زراری خواندند. ابوغالب در روزگار خویش، شیخ

اصحاب امامیه و استاد وفقیه آنان بود و او را کتبی است از جمله کتاب التاریخ و ادعیه السفر الافضال و مناسک الحج الکبیر و . . . وی در سال ۶۸ در گذشت و قبر او در نجف اشرف است . ابو غالب ، در زمان غیبه صغری ، با سفراء اختصاص داشته است (۱) ۱ . معارف و معاریف ۶ ج ۵۱ ص ۳۶۵ .

اولین مدعی نیابت

طبق قول شیخ طوسی اولین کسی که به دروغ ، دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان (ع) کرد ، شخصی معروف به شریعی بود . ابو محمد حسن شریعی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بود که بعداً منحرف شد . (۱) گفتنی است ادعای دروغین نیابت وی در دوران نایب دوم - محمد بن عثمان - بوده که محمد بن عثمان نیز وی را رسوا کرده است . ۱ . غیبه طوسی ص ۳۹۷ .

ابو محمد حسین بن ابراهیم

او ابو محمد حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام المکتب المؤدب الرازی است . مکتب یعنی کسی که فن کتابت می آموزد و مؤدب ، یعنی مربی قرآن ، وی در ری به همراه علی بن عبدالله وراق و محمد بن احمد صنانی که مانند وی ، مکتب بود . و به چنین کاری اشتغال داشته است ، از مشایخ شیعه حدیث نقل می کرد . و به کتابت می پرداختند . (۱) کسانی که ابو محمد از آنان حدیث نقل کرده عبارتند از : ابو علی محمد بن همام در بغداد ، محمد بن یعقوب کلینی ابوالحسین محمد بن جعفر الاسدی در ری ، علی بن ابراهیم بن هاشم در قم ، احمد بن یحیی بن زکریا قطان . ابو محمد حسین بن ابراهیم ، در ری از ملازمان ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی ۳۱۲ و از سفرای مورد ستایش بوده است . ابو محمد ، برای پیگیری مسائل و احتمالات دیدار با حضرت حجه (ع) به بغداد سفر می کند و در آن جا نزد یکی از بزرگان شیعه ، به نام : ابوعلی محمد بن همام . ۳۳۶ می رود و درباره دیدار با حضرت ، با او به گفت و گو می پردازد . ابوعلی نیز دعایی را که عمری - از نمایان چهار گانه - به وی آموخته ، برای او ذکر می کند . در آن دعا ، این مضمون آمد " . خدایا از تو می خواهم ولی امرت را به من بنمایی (" ۲) وی ، به دیدار سمی می رود و در یکی از این دیدارها که شش روز پیش از فوت سمی بوده ، توقیع شریف صادر می شود و از آن جا که ابو محمد حسین بن ابراهیم ، استاد خط بود . و علاقمند به جمع آثار خاندان عصمت و طهارت ، آن توقیع را استنساخ می کند و بعدها که به ری باز می گردد ، برای شیخ صدوق باز می گوید . این توقیع ، چون از متن اصلی استنساخ شده ، اعتبار ویژه دارد . تردید در توقیع مذکور به معنای انکار یکی از معجزات حضرت حجت (ع) است زیرا در این توقیع ، خطاب به سمی بیان شد . که : تو تا شش روز دیگر از دنیا می روی و راوی می گوید : روز ششم ، وی از دنیا رفت . از این روی ، شیخ حر عاملی در اثبات الهداء (۳) ، این توقیع را در باب معجزات حضرت می آورد . علاوه بر این ، راوی این توقیع صدوق است که از مشایخ معتمد خود نقل می کند . (۴) ۱ . چشم به راه مهدی ، ص ۷۳-۱۰۴ . ۲ . کمال الدین . ص ۵۱۲ . ۳ . اثبات الهدی ج ۳ ص ۶۹۳ . ۴ . چشم به راه مهدی ص ، ۵۸ .

ابو هاشم جعفری

اسم او ابو هاشم داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب معروف به جعفری است . سید بن طاووس نوشته است که او از جمله نمایندگان و نواب معروفی است که شیعیان قائل به امامت حضرت عسکری (ع) در نیابت آن ها اختلافی ندارند و نیز مؤلف کتاب الزام الناصب نیز او را از نائبان بی واسطه حضرت ولی عصر (ع) دانسته است (۱) شیخ حر عاملی درباره او می گوید وی از اهالی بغداد بوده ، ثقت و جلیل القدر و دارای شخصیتی ارزنده و مورد احترام ائمه (ع) می باشد . امام جواد ، امام هادی و

امام عسکری (ع) را در کرده و در خدمت آن ها بوده است شده که حضرت رضا (ع) را نیز درک کرده است. (۲) در کتاب الفهرست شیخ طوسی آمده است که: او امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری (ع) و وجود مقدس امام زمان (ع) را زیارت کرده و از آن ها روایت نموده است (۳) وی در سال ۲۶۱ از دنیا رفت و ظاهراً در بغداد به خاک سپرده شد (۴). آخرین امید داود الهامی ص ۱۲۱. ۲. و سایل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۹۰. ۳. جامع الرواء، ج ۱، ص ۳۰۷ رجال شیخ طوسی ص ۴۱۴. معارف و معاریف ج ۱ ص ۴۸۷.

ابوالدینا

"علی بن عثمان مغربی"، "مرد افسانه در طول عمر بود. خطیب در تاریخ بغداد آورده که وی در عهد خلافت ابی بکر متولد شد و به همراه پدر رهسپار کوفه گشت که به خدمت امیرالمؤمنین (ع) برسد، ولی پدرش در راه مرد و خود به نزد امیرالمؤمنین (ع) آمد و حضرت، حال پدر را از او پرسید. وی گفت: در بین راه به چاه آبی رسیدیم که تشنه بودیم، من از آن آب نوشیدم، ولی چون نوبت به پدرم رسید، چاه از نظر ما پنهان شد و پدر، از تشنگی مرد. حضرت فرمود: تو عمری دراز خواهی کرد، زیرا هر که از آن چاه بنوشد، عمرش طولانی می شود. او در سال ۳۰۰ به بغداد آمد و شنیدیم که به سال ۳۲۷ از دنیا رفته است (۱) (۱). بحارالانوار ج ۴۱ ص ۳۱۱.

ابوالقاسم حسن بن احمد

وکیل محمد بن عثمان - نائب دوم در سامرا بود که با نائب دوم وهم با امام (ع) تماس مستقیم داشت (۱) (۱). غیبه طوسی ص ۲۰۵ (به نقل از آخرین امید، ص ۹۰).

ابوبکر بغدادی

از مدعیان دروغین نیابت در دوران نیابت محمد بن عثمان بود. اسم او محمد بن احمد بن عثمان است که برادر زاده محمد بن عثمان - نایب دوم - و نوه عثمان بن سعید - نایب اول امام زمان (ع) می باشد. عموی او - محمد بن عثمان - انحراف او را می دانست، ولیکن دیگران از آن خبری نداشتند. (۱) ابوبکر بغدادی در بصره وکیل یزیدی بود. مدتی در آن سمت ماند و اموال بسیاری به چنگ آورد. آن گاه شکایت او را نزد یزیدی بردند، یزیدی هم او را گرفت و اموالش را مصادره کرد و ضرباتی چند، بر سرش کوبید که چشمش آب آورد و با حاله کوری درگذشت. (۲) (۱). بحارالانوار ج ۵۱ ص ۲۶۹. ۲. غیبه طوس، ص ۴۱۴.

ابودلف کاتب

اسم او "محمد بن مظفر" است. به ابوبکر بغدادی ایمان آورده و ابوبکر بغدادی، هنگام مرگش به او وصیت کرد و او را نائب خود دانست. پس از فوت علی بن محمد سمری، ابودلف ادعای نیابت از سوی امام زمان (ع) کرد، با این که از آن حضرت، توقیعی صادر شده بود که دیگر پس از علی بن محمد سمری نائب خاص نخواهد داشت. (۱) یکی از نزدیکان محمد بن عثمان گفت: ابودلف قبلاً - کارش جمع آوری خمس اموال شیعیان بود، زیرا وی در میان شیعیان کرخ تربیت شده و شاگردی آن ها را کرده بود. مردم کرخ هم خمس مال خود را می پرداختند و هیچ یک از شیعیان در این خصوص تردید نداشتند. ابودلف هم این معنی را اعتراف می کرد و به آن افتخار می نمود. او بعدها منحرف شده و می گفت: آقای من شیخ صالح ابوبکر بغدادی (مرا از مذهب ابوجعفر کرخ) محمد بن عثمان به مذهب خود یعنی مذهب ابوبکر بغدادی منتقل نمود. (۲) سپس شیخ طوسی اضافه می

کند: جنون ابودلف و حکایات فساد مذهب وی، بیش از این است که شماره شود ۱. آخرین امید، داود الهامی ص ۱۳۰. ۲. غیبه طوسی ص ۲۵۶ بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۳۷۹.

احبشیه

در کتاب منتخب البصائر از دو زن به نام " احبشیه و " وتیره " نام برده شده است که از اصحاب و یاوران حضرت قائم (ع) شمرده شده اند. (۱) ۱. بیان الائمة ج ۳ ص ۳۳۸ (به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی طبسی ص ۶۹)

احمد الکاتب

احمد الکاتب در اصل یک معاود عراقی به نام عبدالرسول لاری است که از کربلا به ایران آمد و مدتی هم طلبه بود تا اینکه به خاطر ضعف علمی اش سست و منحرف شد و پس از مدتی منکر امامت حضرت مهدی (ع) شد و به لندن رفت و آن ها هم به او پناهندگی دادند و با کنفرانس های مختلف در استانبول و دیگر جاها بزرگش کردند که این متفکر شیعه است و نظریه جدید دارد. او را به سایت های اینترنت هم کشاندند، اما بعداً که ثابت شد پایه فکری ندارد و شخص دروغگویی است و نقل هایش دقیق نیست، خودشان او را کنار گذاشتند (۱) وی در سال ۱۹۹۷ میلادی کتابی را با عنوان تطوّر الفکر السياسي الشيعي من الشورى الى ولاية الفقيه در لندن منتشر کرده است. نویسنده برای حذف دکترین ولایت فقیه از منشور معرفتی و اعتقادی تشیع، می کوشد تا در این کتاب به تخریب پایه ها و زیرساخت های کلامی آن بپردازد. کاتب پس از طرح مدعیات و ارائه شواهد خود، به این نتیجه گیری در عرصه اندیشه سیاسی اسلام می رسد که ولایت داشتن فقیه جامع الشرايط بر جامعه اسلامی بر اسامی انگاره نیابت عام فقها از امام در عصر غیبت مبتنی است پس اگر ثابت شود که اساساً امام عصری و غیبتی در کار نیست، منطقاً مجال برای طرح ولایت فقیه باقی نمی ماند. محقق ارجمند جناب سید ثامر هاشم العمیدی- مسئول مرکز تحقیقات ولی عصر- دو کتاب در نقد نظریه و اثر احمد الکاتب تألیف کرده است: ۱. المهدی المنتظر فی الفكر الاسلامی، ۲. الامامة والمهدی فی تطوّر الفكر السياسي الشيعي من الشورى الى ولاية الفقيه. مؤلف کوشیده است این حقیقت را در کمال وضوح باز نماید که سخنان احمد کاتب در مجال علم الحديث و تاریخ سیاسی- اجتماعی عصر عباسی، اظهار نظرهایی غیر تخصصی است و از منظر کارشناسی فاقد اعتبار و وجاهت علمی است. (۲) لازم به ذکر است که کتاب اول سید ثامر هاشم العمیدی را جناب آقای مهدی عزیزاده با عنوان " در انتظار ققنوس " ترجمه کرده است. ۱. نشریه موعودش ۲۵ ص ۲۰. ۲. در انتظار ققنوس ص ۳۳.

احمد امین مصری

احمد امین مصری محقق و نویسنده ای توانا است، اما در عین حال متعصب. وی کتابی به نام المهدی والمهدویة نوشته و هدف اصلی او در واقع، انکار وجود مهدی (ع) و رد شیعه است. اگر چه آن کتاب سخنان ضد و نقیض بسیاری دارد و می توان از لابه لای کلامش حقانیت شیعه را در ادعا و اصالت مهدویت اثبات کرد، ولی در صفحه ۱۳ و ۱۴ صریحاً می گوید: فکر مهدویت را شیعه در میان ایشان اهل مغرب انتشار داده است. این کلمه را بر زبان مردی ماهر، به نام عبدالله الشیعی نهاده است که وی مردم را به مهدی منتظر خوانده است. (۱) ۱. سیمای آفتاب حبیب الله طاهری ص ۲۳.

احمد بن اسحاق اشعری

اسم او احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک احوص اشعری قمی و کنیه اش ابو علی است. از شخصیت های معتبر و معتمد

و موثق شیعه قم و رابط میان مردم قم و حضرات ائمه (ع) واز امام جواد و امام هادی (ع) حدیث نقل نموده واز خاصان امام عسکری (ع) بوده حضرت ولی عصر (ع) را ملاقات کرده است. او مردی جلیل القدر و عظیم الشأن بوده که توسط حسین بن روح- نایب خاص امام عصر (ع) - جهت رفتن به حج، از حضرت اجازه گرفت و حضرت در اجازه ای که به وی داد از مرگش نیز خبر داد و در بازگشت از حج، در منزل حلوان بدرود حیات گفت. (۱) اشعریان، خاندانی عرب تبار از مردم قم بودند که به تشیع معروف بودند. از میان آن ها رجال و دانشمندان شیعی فراوانی برخاسته اند. این خاندان اصلاً از اعراب قحطانی یمن بودند و چون جد اعلای ایشان به نام ادریه، هنگام زادن، سر پرمو داشت به اشعر یعنی پر مو- شهرت یافت و این نام در فرزندان او ماند. نخستین کسی از اشعریان که به آیین اسلام درآمد، مالک بن عامر بود که در مدینه به حضور پیغمبر (ص) رسید و در اسلام، پایگاهی بلند یافت. از حضرت رسول (ص) روایاتی در مدح نیکان آن ها آمده است از جمله: خداوند، اشعرک را از خرد و کلان بیا مرزد. شمار محدثان اشعری چندان زیاد بوده که تعداد آنان را بیش از صد تن دانسته اند و بسیاری از ایشان، با حضرات ائمه (ع) در تماس بوده و بی واسطه از آن ها حدیث نقل می کردند چنان که دوازده تن از فرزندان سعد بن عبدالله اشعری، در شمار راویان حدیث از امام صادق (ع) بوده اند. (۲) احمد بن اسحاق می گوید: به محضر امام حسن عسکری (ع) مشرف شدم، می خواستم که از ایشان سؤال کنم که جانشین پس از آن امام همام (ع) کیست؟ بدون اینکه سؤال خود را مطرح کنم، حضرت (ع) خود فرمودند: ای احمد بن اسحاق خداوند از زمان خلقت آدم (ع) تاکنون، زمین را از حجت خالی نگذاشته و تا قیامت نیز چنین خواهد بود تا به واسطه او بلا از اهل زمین دور مانده و باران نازل شود و زمین برکات خود را خارج کند. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا امام و خلیفه بعد از شما کیست؟ آنگاه امام حسن عسکری (ع) از جا برخاستند و وارد اطاقی شدند و در حالی که پسر بچه ای را که سه سال بیشتر نداشت در آغوش داشتند، خارج شدند. در حالی که چهره آن طفل چون ماه شب چهارده می درخشید، فرمودند: ای احمد بن اسحاق اگر نبود کرامتی که در نزد خدا و حجج الهی داشتی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم. او همانم و هم کینه رسول الله (ص) است و زمین را آنگاه که از ظلم و جور انباشته شده باشد، پر از عدل و داد می کند. ای احمد بن اسحاق او در این امت مانند حضرت خضر (ع) و ذی القرنین می باشد. خداوند او را از دیده ها غایب می کند و هیچ کس غیر از آن ها که بر عقیده به امامت ثابتند و برای تعجیل در فرجش دعا می کنند، از مهلکه غیبت او رهایی نمی یابند. عرض کردم: مولاجان آیا علامتی هست که قلبم به آن اطمینان پیدا کند؟ در این هنگام آن پسر بچه به زبان عربی فصیح گفت: من بقیه الله در زمین هستم و انتقام گیرنده از دشمنان خدا، پس بعد از اینکه به عینه مشاهده کردی، علامتی را جستجو مکن آن روز خوشحال و شاد از محضر امام (ع) خارج شدم. فردا دوباره به حضور امام (ع) شرفیاب شدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا بسیار از آن چه به من ارزانی فرمودید، مسرور شدم. اما آن سنت جاریه ای که فرمودید از خضر (ع) و ذی القرنین در ایشان موجود است، چیست؟ فرمودند: غیبت طولانی اوست. عرض کردم: مگر غیبت او باید طولانی شود؟ فرمودند: آری، قسم به خدا آن قدر طولانی که اکثر آن هایی که قائل به وجود او خواهند بود، از عقیده خود باز خواهند گشت و جز آن هایی که خداوند از آن ها به ولایت ما پیمان گرفته است و ایمان را در قلب شان تثبیت نموده است و آن ها را به روحی از ناحیه خویش تأیید فرموده، کسی در این اعتقاد باقی نمی ماند. ای احمد بن اسحاق (ع) این امری است از امر خدا و سری است از اسرار خدا و غیبی است از غیب خدا. آن چه را که به تو دادم بگیر و پنهان دار واز شاکرین باش و فردای قیامت در اعلی علین در کنار ما باش (۳) ۱. بحارالانوار، ج ۲ ص ۲۸۶. معارف و معاریف ج ۲، ص ۲۴۷. ۳. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴.

احمد بن عبدالله هاشمی

از زیارت کنندگان حضرت مهدی (ع) و کسانی است که بر جنازه پدر حضرت نماز خوانده است (۱) ۱. روزگار رهایی ج ۱ ص

احمد بن محمد زجورجی

از وکلای محمد بن عثمان نائب دوم حضرت در کوفه بود که خاندان او این سمت را از زمان نائب اول به عهده داشتند و همین مسئولیت را در زمان نائب سوم هم عهده دار بودند . (۱) ۱ . غیبت طوسی ص ۲۲۷ به نقل از آخرین امید ص ۸۹ .

احمد بن هلال

احمد بن هلال عبرتایی کرخی بغدادی از مدعیان دروغین نیابت در دوران نایب دوم بوده است . وی پس از وفات نایب اول ، منکر وکالت محمد بن عثمان شد و خط انحرافی را پیش گرفت . بیشتر کتب رجالی او را ملقب به عبرتائی می دانند . (۱) و شیخ طوسی او را کرخی نامگذاری کرده (۲) و بغدادی نیز درباره او گفته شده است (۳) وی در سال ۱۸۰ هـ . ق در عبرتا که روستایی بزرگ و از نواحی نهر وانی بغداد است متولد شد و در سال ۲۶۷ هـ . ق از دنیا رفت . (۴) او قبل از انحرافش از شخصیت والایی برخوردار بوده و عالمی برجسته و عارفی متقی محسوب می شده است . او از عصر امام رضا (ع) بوده تا هفت سال گذشته از غیبت صغری ، و عبارات بعضی از علمای رجال دلالت بر مقام والای او دارد . نجاشی در رجال خویش می گوید : او صالح الروایه است و دو کتاب برای وی ذکر کرده است ، کتاب یوم وليلة و نوادر (۵) احمد بن هلال پنجاه و چهار بار به حج رفته است و بیست نوبت از آن را با پای پیاده حج نموده است . (۶) در توقیعی از ناحیه مقدسه که به دست حسین بن روح- نایب سوم- صادر شد ، حضرت وی را لعنت کرده و به شیعیان امر کرده بود که از وی دوری جویند . (۷) آیت الله خویی رحمه الله می نویسد : شکی نیست که احمد بن هلال از نظر عقیده فاسد است و قابل اعتماد نیست ، بلکه از زندگی او استفاده می شود که به چیزی پای بند نبوده است لذا گاهی غلو می کرده و گاهی اعمال ناصبی بودن از او ظاهر می شده است . . . ۱ . فهرست ص ۵۰ رجال طوسی ، ص ۴۱۰ . ۲ . غیبت طوسی ص ۳۹۹ . ۳ . رجال طوسی ص ۴۱۰ . ۴ . فهرست ص ۵۰ رجال نجاشی ج ۱ ص ۲۱۸ . ۵ . رجال نجاشی ج ۱ ص ۲۱۸ . ۶ . غیبه طوسی ص ۸۱۶ . ۷ . معجم رجال الحديث ج ۲ ص ۳۴۸ .

احمد بن ابراهیم

معروف به ابوحامد مراقی ، از یاران امام حسن عسکری (ع) به شمار آمده است . شیخ کشی روایتی از وی نقل کرده متضمن نامه ای از حضرت ولی عصر (ع) که در مورد او به ابوجعفر قمی عطار رسیده و آن حضرت درباره وی دعای خیر فرموده است . (۱) ۱ . معارف و معاریف ، ج ۱ ص ۵۹۴ .

اخنس

نویسنده کنز العمال در کتاب برهان ص ۲۰۰ به نقل از تاریخ ابن عساکر از پیامبر (ص) روایت کرده است که فرمود : مردی از قریش به نام اخنس در مصر وجود دارد که به قدرت می رسد . آن گاه بر او پیروز می شوند و یا قدرت از او گرفته می شود و به مردم می گریزد و رومیان را به اسکندریه می آورد و در آن جا با مسلمانان به نبرد می پردازد و این نخستین حادثه است . منظور از حادثه ، حوادث ظهور حضرت مهدی (ع) است . (۱)

اسحاق احمر

اسم ابراهیم بن اسحاق احمری و کنیه او ابو اسحاق نهانندی است. فردی ضعیف الحدیث و در دین خود متهم می باشد و احادیث منقول از وی نیز قابل اعتماد نیست. وی کتاب هایی نوشته که یکی از آن ها درباره " غیبت " است (۱) در کتب رجالی، تصریح به ادعای دروغین نیابت او نیست، اما حدیثی در " بحار الانوار " وجود دارد که در آن حدیث، نیابت دروغین وی و باقطنانی فهمیده می شود. خلاصه آن حدیث این است که: احمد دینوری می گوید: من از اردبیل به قصد حج به دینور آمدم و در آن موقع یکی دو سال از رحلت امام حسن عسکری (ع) می گذشت و مردم در خصوص آن حضرت، متحیر بودند. مردم دینور از آمدن من خوشحال گشتند، شیعیان آن جا نزد من جمع شدند و اموالی را که حدود سیزده هزار دینار نزد آن ها برای امام جمع شده بود، تحویل من دادند تا به سامرا برسانم و رسید و قبض آن را برای آنان بیاورم. حرکت کردم و چون به بغداد رسیدم، درباره نیابت امام تحقیق می کردم. به من گفتند: مردی در این جاست که او را باقطنانی می گویند و مدعی نیابت است و دیگری معروف به " اسحاق احمر " است و سومی معروف به ابو جعفر عمروی منظور عثمان بن سعید عمری است نیز ادعای نیابت دارند من نخست از باقطنانی شروع کردم و سری به وی زدم دیدم پیرمردی مهیب و سرشناس و با شخصیت است. اسبی عربی و غلامان بسیار دارد مردم بسیاری نیز دور او را گرفته و به گفت و گو می پرداختند داخل شده و سلام کردم. او هم به من مرحبا گفت و نزد خود جای داد و از دیدن من مسرور گردید. به قدری نزد وی نشستم که بیشتر مردم بیرون رفتند. باقطنانی از مذهب من جويا شد. گفتم: من مردی از اهل دینور هستم، مقداری اموال آورده ام که تسلیم کنم گفت: آن ها را بیاور. گفتم: می خواهم دلیلی بر اثبات نیابت شما داشته باشم، سپس آن را تسلیم کنم. گفت: فردا نزد من برگرد. چون فردا نزد وی رفتم، هیچ گونه دلیلی برای اثبات ادعای خود نیاورد روز سوم هم نزد وی رفتم و دلیلی نیاورد سپس سری به اسحاق احمر زدم. دیدم جوانی تمیز، وضع او بهتر، اسب ها، لباس ها، نفوذ و غلامانش بیشتر از باقطنانی است. مردمی که دور او بودند نیز از آن ها که در نزد باقطنانی بودند زیاده تر بود. داخل شدم و سلام کردم. او نیز مرحبا گفت و مرا نزدیک خود نشانید من هم قدری صبر کردم که جمعیت کم شد. آن گاه پرسید: آیا حاجتی داری من هم همان جوابی را که به باقطنانی داده بودم به او نیز گفتم و از وی دلیلی بر صدق ادعایش خواستم سه روزی در پی نزد او رفتم، ولی او نتوانست برای اثبات نیابت خود دلیل بیاورد. آن گاه نزد ابو جعفر عمری رفتم و او را نایب حقیقی یافتم (۲) ۱. رجال نجاشی ج ۱ ص ۹۴. ۲. بحار الانوار ج ۱، ص ۳۰.

اسحاق بن اسماعیل

اسحاق بن اسماعیل نیشابوری، طبق گفته شیخ طوسی در رجال، از اصحاب امام حسن عسکری (ع) و ثقة است. او پس از وفات امام عسکری (ع) با سفرای امام دوازدهم (نواب اربعه) مکاتبه داشته است. نامه ای از امام حسن عسکری (ع) خطاب به وی در کتب رجال ثبت است که در آن نامه، حضرت وی را با ابراهیم بن عبده نیشابوری، وکیل خود تعیین کرده و به مردم نیشابور سلام رسانده است. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۲ ص ۱۶۸.

اسحاق بن یعقوب

از چهره های مورد اعتماد شیعه است که در نامه ای، مسائل مشکل خود را نوشته و از طریق محمد بن عثمان - از نایبان خاص حضرت - به دست حضرت مهدی (ع) رسانده است. حضرت در پاسخ وی نکاتی را مرقوم داشته اند. - توقیع اسحاق بن یعقوب اسدی از القاب عثمان بن سعید نائب اول امام زمان (ع) بود.

اسکافی

ابو علی محمد بن همام اسکافی (۲۵۸-۳۳۲ ق) معروف به ابن همام و ابو علی بن همام ، از مشاهیر علمای شیعه است . اجدادش ایرانی و پیرو آیین زرتشت بودند . وی در غیبت صغری می زیست ، اما در زمره علمایی است که مستقیماً از امام (ع) روایت نکرده اند . همه رجال نویسان شیعه ، وی را ثقه می دانند . جعفر بن محمد بن قولویه ، محمد بن ابراهیم نعمانی ، ابو غالب زراری ، شیخ صدوق و تلعهکبری شاگردان وی بودند و از او روایت کرده اند . (۱) ۱ . معارف و معاریف ، ج ۲ ، ص ۱۷۸ .

اسماعیل بن علی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (۱) ۱ . کمال الدین ج ۲ ، ص ۱۰۴-۱۴۰ ارشاد مفید ، ص ۳۳۰ .

اسماعیل بن جعفر الصادق

اسماعیل بن جعفر الصادق بن محمد الباقر از همه فرزندان امام صادق (ع) بزرگتر و نزد پدر ، محبوبیت زیادی داشته و بدین دو سبب جمعی از یاران آن حضرت معتقد بودند که پس از درگذشت حضرت ، مقام امامت به وی منتقل می گردد . او در حیات پدرش مرد و حضرت ، به جهت این که جای شبهه ای برای کسی نماند ، در مرگش تشریفات خاصی قائل شد . از جمله این که بر مرگ او بی تابی فراوان می نمود و پا برهنه جنازه اش را تشییع می کرد و دستور فرمود چند جا ، جنازه را به زمین بگذارند و در هر بار ، کفن از صورت او برمی داشت تا مردم نگاه کنند و ببینند وی مرده است . از این رو ، جمع زیادی از آن ها که بر آن عقیده بودند ، از عقیده خود برگشتند ، ولی گروه اندکی باز هم بر عقیده خود باقی ماندند . آن ها نیز به دو فرقه شدند . فرقه ای گفتند : او زنده است و هم او مهدی موعود است . و فرقه ای گفتند : او مرده ولی امام پس از او ، فرزندش محمد بن اسماعیل است و اکثر فرقه اسماعیلیه بر این عقیده اند . (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۴۷ ، ص ۲۴۲ .

اسماعیل بن موسی بن جعفر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰ .

اشعیا

یکی از پیامبران بنی اسرائیل است که به آمدن عیسی و محمد (ع) بشارت داد شعیا نیز گویند و نسبش به حضرت سلیمان (ع) می رسد . در کتاب اشعای نبی ، بشارت های فراوانی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) آمده است . (۱) ۱ . ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۲۳ .

اصهب

در لغت به معنای شتر سرخ مو شتر سفیدی که با سرخی آمیخته و نام چشمه ای در میان بصره و بحرین و به معنای دشمن است و به رومیان نیز از جهت رنگ چهره و دشمنی با اسلام گفته می شود . (۱) ۱ اصهب و ابقع دو رهبر مخالف سفیانی هستند که سفیانی بر آن ها پیروز شده و بر منطقه تسلط می یابد . روایات بسیاری به صورت متواتر رسیده که حاکی از درگیری بزرگ سفیانی با آنان در قرقسیا ، واقع در مرز سوریه ، عراق و ترکیه می باشد . این نبرد از جنگهای بزرگ است که از پیش وعده داده شده ، و انگیزه

آن درگیری و کشمکش بر سر گنجی است که در مجرای نهر فرات و یا نزدیک آن کشف می شود (۲) در روایات آمده که اصهب کافر قیام نمی کند، جز به هنگام شدت یافتن فتنه ها و کثرت حوادث و فجایع (۳) امام باقر (ع) نیز می فرماید: از شر اصهب ابرص پرهیز کن. پرسیدند: اصهب کیست؟ فرمود: ابرص. پس فرمود: از شر سفیانی نیز پرهیز کن و از شر آن عده از آل محمد که شواذ دارند بر حذر باش. (۴) در این حدیث، اصهب و ابغ یک نفر معرفی شده که براساس احادیث دیگر، دو نفر هستند. در این حدیث به شیعیان امر شده که تحت تأثیر تبلیغات اصهب و ابغ و سفیانی و شواذ آل محمد قرار نگیرند و به سودشان شمشیرزنند. (۵) ۱. لسان العرب به نقل از روزگار رهایی ج ۵۲ ص ۹۹۷. ۲. عصر ظهور، علی کورانی ص ۶۲. ۳. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۹۹۳. ۴. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۰ و ج ۵۲ ص ۲۷۸. ۵. روزگار رهایی ج ۲ ص ۹۹۳.

آل اعین

از بزرگترین خاندان علمی کوفه و از خواص شیعیان اهل بیت (ع) بوده که مدت رهبری این سلسله، از اوائل عصر حضرت سجاد، حدود سال ۶۱ ق تا اواخر غیبت صغری و وفات آخرین سفیر حضرت حجت (ع) در سال ۳۲۹ ق ادامه داشت و در این مدت، بسیاری از علما و فقها و ادبا و مفسرین و راویان حدیث از این دودمان برخاسته اند. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۱ ص ۱۱۵.

ام ایمن

نام وی برکه، مشهور به ام ایمن وام الظباء است، ولی کنیه اش بر اسم وی غلبه دارد. او از زنانی است که به نقل از امام صادق (ع)، همراه حضرت مهدی (ع) خواهد بود. (۱) وی دختر ثعلبه بن عمرو، از اصحاب رسول اکرم (ص) و کنیز حضرت آمنه و یا عبدالله بن عبدالمطلب بود که ارثا به پیغمبر (ص) رسید و دایه رسول اکرم (ص) شد و در کودکی، آن حضرت را پرورش داد. لذا مورد محبت های بسیار پیغمبر بود و پیامبر می فرمود: ام ایمن، بعد از مادرم در حکم مادر من است و نیز می فرمود: او جزو اهل بیت من است. پیامبر (ص) پس از ازدواج با حضرت خدیجه، ام ایمن را آزاد کرد و او با عبید بن حارث خزرجی ازدواج نمود و پسرش ایمن متولد گشت و شهرت او از نام همین پسر است. او زنی شجاع بود و در جنگ حنین، واحد و خیبر شرکت جست. (۲) ام ایمن، شخصیتی است که وقتی در راه مکه و مدینه تشنگی بر او غلبه کرد و نزدیک بود از پای در آید، دلو آبی از آسمان بر او فرود آمد و از آن نوشید و هرگز پس از آن تشنه نشد (۳) وی احادیثی از رسول اکرم (ص) روایت کرده و در هنگام رحلت پیغمبر (ص)، پیش از اندازه می گریست و می گفت که گریه من فقط برای انقطاع وحی الهی از خانه ما است و نیز حضرت زهرا (ع) در حادثه فدک، وی را شاهد خود معرفی فرمود. فرزند وی-ایمن- یکی از ده تنی است که هنگام متفرق شدن لشکر اسلام در جنگ حنین، شجاعانه مقاومت نمود و در رکاب رسول اکرم (ص) به شهادت رسید (۴) ۱. دلائل الامامه ص ۲۵۹ اثبات الهداه ج ۳ ص ۷۵. ۲. معارف و معاریف ج ۲ ص ۴۱۳. مصنف عبد الرزاق ج ۴ ص ۳۰۹. الاصابه ج ۴ ص ۴۳۲.

ام خالد

از زنانی است که طبق روایتی از امام صادق (ع) جزو یاران حضرت مهدی (ع) است. هنگامی که استاندار عراق، یوسف بن عمر، زید بن علی را در شهر کوفه به شهادت رساند، دست ام خالد را نیز به جرم تشیع و تمایل به قیام زید قطع کرد. ابوبصیر می گوید: خدمت امام صادق (ع) بودیم که ام خالد با دست بریده شده آمد. حضرت فرمود: ای ابابصیر آیا میل داری سخن ام خالد را بشنوی؟ عرض کردم: آری و به آن شادمان می گردم. ام خالد به نزد حضرت مشرف شد و سخنانی عرضه داشت. من او

را در کمال فصاحت و بلاغت یافتیم . حضرت نیز در مسأله ولایت و برائت از دشمنان با او سخن گفت (۱) . ۱ . ریاحین الشریعه ج ۳ ، ص ۳۸۱ معجم رجال الحديث ج ۱۴ ، ص ۲۳ - ۱۰۸ - ۱۷۶ .

ام محمد

معروف ترین کنیه نرجس خاتون ، مادر امام زمان (ع) است . (۱) . ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص ۱۷۲ .

اهلی شیرازی

مولانا محمد اهلی شیرازی (متوفای ۹۴۲ ق) در بسیاری از اشعار مناقبی خود ، از مهدی موعود (ع) یاد می کند : ای جان همه جان ها روح القدسی گویا پنهان ز نظر اما در دیده ی جان پیدا هم مهدی وهم حارث بی ثانی و بی ثالث در علم نبی وارث عالم به همه اشیا ای در همه جا معروف از خلق و کرم موصوف مهدی صفتی موقوف از غیب برون فرما اهلی شیرازی در قصیده مناقبی خود ، ضمن ستایش حضرت محمد (ص) ، از عرض ادب به پیشگاه امام عصر (ع) غافل نمی ماند : ما را چراغ دیده خیال محمد است خرم دلی که مست و عمال محمد است جبریل اگر چه طوطی وحی است و عقل کل درمانده در جواب و سوال محمد است اثنی عشر که بحر کمال اند هریکی سرچشمه شان محیط زلال محمد است مهدی که از نهال وجود آخرین براست اونیز میوه ای ز نهال محمد است او در قصیده عاشورایی خود ، وجود نازنین امام عصر (ع) را منتقم خون امام حسین (ع) معرفی می کند : ظلمی که بر حسین در اسلام کرده اند یاورمکن که لشکر کفار کرده است یا مرتضی علی به شهیدان روا مدار ظلمی چنین ، که چرخ ستمکار کرده است اینک ظهور مهدی آخر زمان رسید زین رایت یزید نگون سار کرده است بعد از هزار سال به شمشیر انتقام حق لشکر یزید گرفتار کرده است . (۳) . ۱ . سوره آل عمران ۸۴ . ۲ . نور الثقلین ، ج ۱ ص ۳۶۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۰ اثبات الهداة ج ۳ ، ص ۵۴۹ . ۳ . سیمای مهدی موعود (ع) در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی ص ۹۷ .

اوتاد

جمع و تَد به معنای میخ ها است . در قرآن آمده است : و الجبال اوتادا (۱) ما کوه ها را میخ های زمین قرار دادیم . برخی با توجه به این آیه گفته اند می توان نتیجه گرفت که اوتاد ، مردانی خالص اند که همچون کوه استوار و در خدمت حضرت مهدی (ع) به سر می برند . برخی از اوتاد به سی نفری که همواره در خدمت حضرت مهدی (ع) هستند و هرگاه یکی از آن ها بمیرد ، فرد صالح دیگری جانشین او می شود ، تعبیر کرده اند . (۲) در صفت اوتاد آمده است : آنان قومی هستند که طرفه العینی از پروردگارشان غفلت نمی کنند ، و از دنیا مگر قوت روزانه جمع نمی کنند و از آنان ، لغزش های بکر صادر نمی شود . (۳) برخی گفته اند : اوتاد ، چهار تن از اولیاء هستند که همیشه در عالم برقرارند و اگر یکی از آن ها بمیرد ، دیگری به جای او می آید . (۴) در حدیث قدسی آمده که خداوند عزوجل به پیغمبرش (ص) فرمود : ای احمد آیا می دانی که چرا تو را بر سایر انبیاء برتری دادم ؟ عرض کرد : نه ، فرمود : به یقین ، خوی نیک ، سخاوت طبع و رحمتی که بر خلق داشتی و همچنین اوتاد الارض ، اوتاد نشدند جز بدین صفات (۵) از این حدیث برمی آید : همچنان که کوه ها ، میخ های ظاهری زمین اند (۶) که زمین با آن ها معتدل و متوازن می ماند ، در عالم معنا نیز اولیاء الله ، میخ های نگهدار زمین اند . ۱ . سوره نباء ۷ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۳ . ۳ . نجم الثاقب باب نهم . ۴ . معارف و معاریف ، ج ۲ ص ۵۴۵ . ۵ . بحار الانوار ، ج ۷۷ ص ۲۹ . ۶ . سوره نباء ، ۷۰ .

متوفای ۹۲۵ ق است در قصاید مناقبی خود به پیشگاه حضرت ولی عصر (ع) عرفی ادب می کند: حضرت ختم ولایت، مهدی صاحب زمان آن که زو شد صدر خاور، رشک ایوان جلال از کمال و رحمت و احسان، من در مانده را دستگیری کن که هستم غرقه بحر ضلال سر به زانو مانده ام عمری به فکر نعت تو قامت خم گشته ام اینک بدین معنی است دال و در جای دیگری می سراید: حاشا که علم عالم، جاهل کند قبول ذاتی که بر ترست ز اندیشه عقول حاشا که در غبار حوادث نهان شود آئینه قبول و چراغ دل رسول بهر عروج مه چه رایات مهدوی عیسی فراز طاق زبرجد، کند نزول قاضی القضاة محکمه آخر الزمان دار القضا کند چمن دهر از عدول (۱) ۱. سیمای مهدی موعود (ع) در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی، ص ۹۴.

باقطانی

ابوعبدالله باقطانی در زمان عثمان بن سعید از مدعیان دروغین نیابت بوده، ولی در زمان محمد بن عثمان از ادعای خود دست برداشته و یکی از نزدیکان محمد بن عثمان به شمار می رفت. در کتب رجالی، تصریح به ادعای دروغین نیابت وی نیست. فقط حدیثی در بحار الانوار وجود دارد که از آن حدیث، نیابت دروغین وی واسحاق احمر (ع) فهمیده می شود. (۱) ۱. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۳۰.

بحرالعلوم

سید مهدی بن سید مرتضی بن سید محمد بروجردی طباطبایی، نجفی المسکن، حائری المولد، از اعظام علمای اثنی عشریه واز بزرگان فقهای امامیه است. شخصیتی است که عامه علمای عصر ری به علو مقامش معترف بود تا آن جا که مرحوم شیخ جعفر کبیر- معروف به کاشف الغطاء خاک کفش او راپاک می کرده است. وی از کسانی است که کرامات او و ملاقاتش با حضرت حجت (ع) متواتر است. مرحوم مامقانی در رجال، درجه او را بین وثاقت و عصمت ذکر کرده است. وی در سال ۱۱۵۵ متولد و به سال ۱۲۱۲ در نجف اشرف در گذشته است. تألیفات او عبارت است از: اثنا عشریات در مراثی، اجتماع امر و نهی در اصول، ارجوزة در فقه، اصالة البرائة در اصول و تاریخ مکه و مسجد الحرام (۱) ملا زین العابدین سلماسی فرمود: روزی سید بحرالعلوم وارد حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) در نجف شد و این بیت رازمزه کرد: چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن به رخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن از سبب خواندن آن پرسیدم، فرمود: هنگامی که وارد حرم شدم، حضرت مهدی (ع) را دیدم که بالای سر با صدای بلند، قرآن تلاوت می نمودند، چون صدای آن حضرت را شنیدم، این بیت را خواندم. چون وارد حرم شدم، قرائت قرآن را ترک نمودند و از حرم بیرون رفتند. (۲) درباره علامه بحرالعلوم می گویند: روز عاشورایی بود و موج سوگواران از هر سو، به طرف کربلا- در حرکت بودند، علامه بحرالعلوم نیز به همراه گروهی از طلاب، به استقبال عزاداران حرکت کردند. به محله طویریج رسیدند، که دسته سینه زنی و سبک سینه زنی شان مشهور بود. هنگامی که علامه و همراهانش به آنان رسیدند، ناگهان با آن کهولت سن و موقعیت اجتماعی و علمی، لباس خود رابه کناری نهاد، سینه خویش را گشود و در صف سینه زنان با شوری وصف ناپذیر به سینه زدن پرداخت. علما و طلاب هر چه تلاش کردند تا مانع کار او شوند که مبادا صدمه ای بر او وارد شود، موفق نشدند. پس از پایان سوگواری، یکی از خواص از او پرسید: چه رویدادی پیش آمد که شما چنان دچار احساسات پاک و خالصانه شدید علامه فرمود: حقیقت آن است که با رسیدن به دسته سوگواران، به ناگاه چشمم به محبوب دل ها، امام عصر (ع) افتاد و دیدم آن گرامی با سر و پای برهنه، در میان انبوه سینه زنان، در سوگ پدر و الایش حسین (ع) با

چشماني اشك بار به سر وسينه مي زند به همين جهت آن منظره مراهه حالي انداخت كه قرارم از كف رفت و در برابر كعبه مقصود و قبله موعود به سوگواري پرداختم . (۳) عالم رباني ، آخوند ملا زين العابدين سلماسي نقل نمود : در حرم عسكريين (ع) با جناب سيد بحر العلوم نماز مي خوانديم ، وقتي ايشان خواست بعد از تشهد ركعت دوم برخيزد ، حالي براي پيش آمد كه اندكي توقف كرد و بعد برخاست . همه ما از اين كار تعجب كرده بوديم و علت آن توقف را نمي دانستيم و كسي هم جرأت نمي كرد سؤال كند . بالاخره وقتي در منزل ، سفره غذا را انداختند گفتم : آقايمان مي خواهند سر آن حالت را كه در نماز براي شما پيش آمد ، بدانند . علامه بحر العلوم فرمودند : حضرت بقيه الله (ع) براي سلام كردن به پدر بزرگوارشان داخل حرم مطهر شدند ، لذا از مشاهده جمال نوراني ايشان ، حالي كهديد به من دست داد ، تا آن كه از آن جا خارج شدند . (۴) تشرفات بسياري براي علامه بحر العلوم ذكر كرده اند كه دلالت بر صفاي باطن و مقام و منزلت ايشان دارد . تشرفات ايشان در كتاب عبقرى الحسان نوشته آيه الله شيخ على اكبر نهاوندى آمده است . ۱ . معارف و معاريف ج ۳ ص ۵۹ . ۲ . نجم الثاقب حكابت ۷۹ جنه المأوى حكايت ۵۴ . ۳ . ديدار يارعلى كرمى ج ۲ ، ص ۲۰۰ . ۴ . عبقرى الحسان ، ج ۲ ص ۶۸ .

بُشَرين سلیمان

برده فروش بود و از فرزندان ابو ايوب انصاري . از شيعيان مخلص امام هادي و امام حسن عسكرى (ع) و همسايه ايشان در سامرا بود . امام هادي (ع) به او فرمود : اى بشر تو از اولاد انصار هستي ، درستي شما نسبت به ما اهل بيت ، پيوسته ميان شما برقرار است ، به طوري كه فرزندان شما ، آن را به ارث مي برند و شما مورد وثوق ما هستيد . مي خواهم تو را فضيلتي دهم كه در مقام دوستي با ما و اين رازي كه با تو در ميان مي گذارم ، بر ساير شيعيان پيش بگيري . سپس ، نامه اى به خط وزبان رومي مرقوم فرمود و سر آن را با خاتم مبارك مهر كرد و كيسه زردى كه دويست ويست اشرفي در آن بود بيرون آورد و به بشر داد تا روانه بغداد شود و كنيز رومي - مليكه - را با همان اوصافي كه امام گفته بود خريداري كند و به محضر امام هادي (ع) بياورد . (۱) او چنين كرد و بعدها اين كنيز رومي ، همسر امام حسن عسكرى (ع) و مادر امام زمان (ع) شد . ۱ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶ كمال الدين ج ۲ ص ۴۱۸ .

بكمينابادو

يكي از اصحاب كهف است كه شاهد خروج حضرت مهدى (ع) خواهد بود (۱) ۱ . نجم الثاقب باب سوم .

بنی قنطوره

قنطوره نام كنيزي از حضرت ابراهيم خليل (ع) بوده كه نژاد ترك و چين از آن كنيز مي باشند . اين واژه در اخبار ملاحم اخبار مشتمل بر پيشگويي از حوادث خونين و وحشت زا در آخرالزمان - آمده است . (۱) در آن جا ذكر شده كه بنى قنطوره به عراق ، و به روايتي در بصره فرود مي آيند و مردم عراق را از كشورشان بيرون مي كنند . برخي از اهالي به آن ها مي پيوندند و برخي با آنان نبرد مي كنند و سرانجام بر آن ها پيروز مي گردند . كشته هاي آنان كه با بنى قنطوره بجنگند شهيد هستند . (۲) بر طبق آن چه كه در كتاب هاي لغت آمده است ، بنوقنطوره ، عبارت از ترك ها هستند . برخي گفته اند كه منظور ، سوداني ها هستند و برخي ديگر آن ها را مردم اندلس مي دانند ، ولي صحيح آن است كه قنطوره ، همان كنيز حضرت ابراهيم (ع) است . (۳) در حديث قنطوره آمده است : نزديك است كه سلطنت عرب به دست بنى قنطوره برچيده شود . بنى قنطوره قومي هستند با صورت هاي پهن ، بيني هاي فرورفته و ديدگان كوچك ، صورت هاي شان چون سپر هاي آهنين است . كفش هاي مويي به پا دارند و در محلي در نزديكي سرزمين عرب ، كه از زمين هاي عربي است فرود مي آيند كه به آن جا وادي لون گفته مي شود . (۴) در

حدیثی تصریح شده که بنی قنطوره از مشرق زمین می آیند : بنی قنطوره مسلمانان را دنبال می کنند و اسب های خود را به نخل های خوخوا- در نزدیکی مسجد کوفه- می بندند و از آبشخورهای فرات می نوشند . بنوقنطوره که از خراسان و سجستان می آیند ، مردم عراق را به شدت فراری می دهند . آن ها شیرانی هستند که رحمت از دل های شان گرفته شده است ، در میان حیره و کوفه به هرکس برسند ، می کشند و اسیر می گیرند . (۵) ۱ . معارف و معاریف ، ج ۳ ص ۲۷۷ . ۲ . بحارالانوار ج ۱۸ ص ۱۱۳ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۴۹۵۹ . همان ۵ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۹۶۱ .

بنی هاشم

نسل و نبیره هاشم بن عبد مناف ، جد رسول خدا (ص) است . اینان در میان عرب به نجابت و شرافت مشهور و مورد احترام دیگر قبایل بوده اند . از حضرت رسول (ص) روایت شده که فرمود : دشمنی با علی (ع) کفر و دشمنی با بنی هاشم ، نفاق است . (۱) در حدیثی آمده که هنگام ظهور ، خداوند حجاز را برای ایشان فتح می کند و هرکس از بنی هاشم در زندان باشد را بیرون می آورد و حرکت می کند تا در بیت المقدس فرود می آید (۲) در حدیث دیگر می خوانیم : قائم (ع) خارج نمی شود تا هنگامی که دوازده تن از بنی هاشم خروج کنند که هر یکی به سوی خود فرا می خواند . (۳) و درباره جنبش سفیانی آمده است : سفیانی سپاهی را به سوی مدینه می فرستد و فرمان می دهد که هرکس از بنی هاشم در آن جا باشد ، بکشند . بنی هاشم کشته می شوند و به کوه و صحرا فرار می کنند تا مهدی (ع) ظهور کند . (۴) ۱ . بحارالانوار ۹۶ ص ۲۳۴ . ۲ . روزگار رهایی ج ۱ ص ۵۱۹ . ۳ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۴۰۹۰۰ . همان

تمنّیحا

از اصحاب کهف است که از انصار حضرت مهدی (ع) یکی از شاهدان حضرت هنگام خروج خواهد بود . (۱) ۱ . نجم الثاقب باب سوم .

جبرئیل

کلمه ای عبری به معنای " بنده خدا " است . نام فرشته وحی و از بزرگان ملائکه است که بر همه انبیاء یا اولوالعزم از آن ها ، یا بر بعضی از غیر اولوالعزم نیز نازل می شده و وحی خداوند را به آن ها ابلاغ می نموده است . نقل است که وی پنجاه بار بر حضرت ابراهیم (ع) ، چهار صد بار بر موسی (ع) ، ده بار بر عیسی (ع) و بیست و چهار هزار بار بر حضرت محمد (ص) فرود آمده است (۱) این نام سه بار در قرآن مجید آمده است (۲) از حضرت رسول (ص) آمده است که جبرئیل از همه فرشتگان برتر است (۳) آیه ۱۹ تا ۲۳ سوره مبارکه تکویر ، تصریح است در این که فرشته وحی ، پیکر محترمی است و در نزد خداوند ، مکانی دارد و در میان ملائک مطاع و پیش خدا ، امین است و نیز صریح است در این که حضرت رسول (ص) او را بالعیان دیده است (۴) امام صادق (ع) فرمود : هرگاه جبرئیل به نزد پیامب (ص) می آمد ، مانند بردگان در برابر آن حضرت می نشست و بدون اذن ، بر حضرتش وارد نمی شد (۵) امام صادق (ع) فرمود : نخستین کسی که با قائم (ع) بیعت خواهد نمود ، جبرئیل است . او در چهره پرنده سفیدی از آسمان فرود می آید و با آن حضرت دست بیعت می دهد . آن گاه یک پا بر بیت الله ، و پای دیگر به بیت المقدس می گذارد و با ندای زیبا و رسایی که همگان آن را می شنوند ، می گوید : اتی امر الله فلا تستعجلوه ... (۶) فرمان خدا رسید ، پس آن را به شتاب نخواهید (۷) . مفضل بن عمر از امام صادق (ع) روایت کرده که فرموده اند : آنگاه که خداوند به حضرت قائم (ع) اجازه خروج دهد ... خداوند جبرئیل را می فرستد که نزد او بیاید ، جبرئیل در حجر اسماعیل نزد آن حضرت

می آید و می گوید: به چه چیز مردم را می خوانی؟ حضرت دعوت خود را به او خبر می دهد، جبرئیل می گوید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می کنم، دست خویش را برای بیعت باز کن، پس دست به دست آن حضرت می گذارد (۸) همچنین از روایاتی استفاده می شود که صدای آسمانی که از نشانه های حتمی ظهور است و مردم را دعوت به پیروی از حق می کند، ندا و صدای حضرت جبرئیل است. محمد بن مسلم روایت می کند: گوینده ای از آسمان، قائم را به نام صدا می زند، به طوری که مردم شرق و غرب آن را می شنوند و از وحشت آن، هر کس ایستاده، روی زمین می نشیند و هر کس نشسته بر می خیزد، و آن صدای جبرئیل امین است (۹) امام باقر (ع) نیز فرمود: وقتی مهدی (ع) قیام کند، جبرئیل در سمت راست او حرکت می کند (۱۰) پس از این که حضرت مهدی (ع) متولد شد، امام عسکری (ع)، آن حضرت را به جبرئیل روح القدس که به صورت پرنده ای ظاهر شده بود، داد تا از او مواظبت کند و هر چهل روز یک بار، به نزد آن ها بیاورد (۱۱). ۱. معارف و معاریف ج ۴ ص ۹۴. ۲. سوره بقره ۹۷ و ۹۸- سوره تحریم ۴ سوره شعراء، ۱۹۳. ۳. بحارالانوار، ج ۵۹ ص ۲۵۸. ۴. معارف و معاریف ج ۴ ص ۹۵. ۵. بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۵۶. ۶. سوره نحل، ۱۰. ۷. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۸۵. ۸. مهدی موعود علی دوانی، ص ۱۵۴. ۹. غیبه طوسی ۲۷۴. ۱۰. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۳۴۳. ۱۱. منتهی الامال باب ۴۱ فصل ۱.

جبر بن خابور

در برخی روایات، از وی به عنوان یکی از فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) نام برده شده است. امام صادق (ع) فرمود: جبر بن خابور، گنجینه دار معاویه بود. او مادرپیری داشت که در شهر کوفه زندگی می کرد. روزی جبر بن معاویه گفت: دلم برای مادرم تنگ شده است اجازه بده تا از او دیدار کنم تا کمی از حقوقی که برگردن من دارد، ادا کنم. معاویه گفت: در شهر کوفه چه کار داری در آن جا مرد جادوگری به نام علی بن ابی طالب است و اطمینان ندارم که تو را نفریب. جبر گفت: من با علی کاری ندارم من می خواهم به دیدار مادرم بروم و حق او را به جا آورم. جبر پس از کسب اجازه عازم سفر شد. آن گاه که به شهر کوفه رسید، چون امیرالمؤمنین (ع) پس از جنگ صفین، پیرامون شهر کوفه دیده بان گماشته بود و رفت و آمدها را کنترل می کردند، دیده بانان او را دستگیر کردند و به شهر آوردند. حضرت علی (ع) به او فرمود: تو یکی از گنجینه های خداوندی. معاویه به تو چنین گفته است که من جادوگر هستم. جبر گفت: سوگند به خدا که چنین گفته است. حضرت فرمود: تو مالی همراه داشته ای که مقداری از آن را در منطقه عین التمر به خاک سپرده ای جبر این مطلب را نیز تصدیق کرد سپس امیر مؤمنان (ع) به امام حسن و دستور داد تا از وی پذیرایی کند. روز بعد، علی (ع) به یاران خود فرمود: این شخص در جبل الاهواز به همراه چهار هزار نفر در حالی سلاح ها را از نیام کشیده اند، منتظرند تا قائم اهل بیت ما ظهور کند. آن گاه این شخص، همراه حضرت و در رکابش با دشمنان خواهد جنگید (۱) ۱. بحارالانوار، ج ۴۱ ص ۲۹۶ به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طبعی، پاورقی ص ۹۶

جده

مادر امام حسن عسکری (ع) است که در دوران غیبت صغری، نقش ویژه ای داشت (۱) ۱. نشریه موعود، شماره ۲۷، ص ۷۴.

جعفر کذاب

پسر امام هادی و برادر امام حسن عسکری (ع) است. پس از شهادت امام عسکری (ع) با علم به این که امام حسن عسکری (ع) فرزندی دارد و ایشان جانشین و امام بعد از او می باشد، به دروغ ادعای امامت کرد. وی پس از شهادت حضرت، پیش از آن که

مردم جنازه را از خانه بیرون ببرند، دم در ایستاده و تسلیت را نسبت به شهادت برادر و تبریک را نسبت به امامت خود، از مردم تحویل می گرفت. شیخ طوسی، در ضمن حدیثی که نقل می کند و از شرابخواری و مستی او حکایت می کند، می گوید: کارهای زشت و گفتارهای ناهنجاری که از وی روایت شده، به قدری زیاد است که نمی توان احصاء نمود... جعفر بن علی، چون از طرف دستگاه بنی عباس تقویت می شد و آن عنصر فاسد را عامل خود: دانسته و در مقابل امام حسن عسکری (ع) تقویت می کردند، پس از آن حضرت، او را واداشند که خود را امام دوازدهم شیعه بداند تا بدان وسیله مسأله امام غائب را لوث کنند، جعفر نیز دعوی امامت و جانشینی برادر کرد. امام زمان (ع) نیز طی توقیع هایی او را دروغگو دانست به همین جهت در میان شیعیان به جعفر کذاب مشهور شد (۱) امام هادی (ع) اصحاب خود را از معاشرت و ارتباط با جعفر شدیداً منع کرده و می فرماید: او از تعالیم دین خارج، و زیر بار فرمان من نیست (۲) وقتی که شیعیان دیدند جعفر کذاب ادعای امامت دروغین می کند و منکر وارث شرعی امام حسن عسکری (ع) است و ما ترک امام را تصرف کرد و دولت عباسی هم از آن حمایت می کند، لذا بعضی از آن ها به عثمان بن سعید متوسل شدند تا از طریق اخراج توقیع از طرف امام زمان (ع) جریان جعفر روشن شود و نتواند اذهان عامه مردم را منحرف سازد و از این طریق رسوا گردد. جریان از این قرار است که: جعفرنامه ای می نویسد به یکی از دوستان و شیعیان امام مهدی (ع) و در آن نامه می نویسد که قائم و امام بعد از برادر من هستم و علم حلال و حرام و تمام علوم در نزد من است. وقتی نامه به دست شخص می رسد، ناراحت شده و در مطالب آن مشکوک می شود. لذا نامه را برداشته پیش احمد بن اسحاق اشعری می رود که او از اصحاب خاص امام حسن عسکری (ع) راز مقربین پیش آن حضرت بوده و جریان را به او می گوید: احمد بن اسحاق هم نامه ای نوشته و نامه جعفر را هم در داخل آن می گذارد و به وسیله عثمان بن سعید، به خدمت حضرت مهدی (ع) می فرستد. در پاسخ احمد بن اسحاق نامه ای از طرف امام مهدی (ع) می رسد نامه بسیار تند و با عالی ترین برهان و دلیل و لحن بسیار شدید، امامت جعفر را رد فرموده است (۳) ما قسمتی از آن نامه را از احتجاج نقل می کنیم: ... این مفسد جعفر کذاب که بر خداوند دروغ بسته، و ادعای امامت دارد، نمی دانم به چه چیز خود نظر داشته است... خداوند گواه است که او چهل روز نماز واجبش را ترک کرد، به این منظور که با ترک نماز بتواند شعبده بازی را یاد بگیرد شاید خبر آن به شما هم رسیده باشد. ظرف های شراب او را همه دیده اند. علاوه بر این ها، آثار و علایم نافرمانی وی از امر و نهی الهی، مشهود و نزد همگان محقق است. چنان چه ادعای وی مبتنی بر معجزه است، معجزه خود را بیاورد و نشان دهد و اگر حجتی دارد آن را اقامه نماید، و چنان چه دلیلی دارد ذکر کند (۴) و از این طریق است که عثمان بن سعید، جعفر کذاب را رسوا می کند. امام سجاد (ع) در پاسخ ابو خالد کابلی که از آن حضرت پرسید، چرا ششمین امام ملقب به صادق است، در حالی که همه شما صادق می باشید؟ فرمود: به جهت این که در نسل پنجم او، مردی باشد به نام جعفر که او به دروغ، دعوی امامت کند و او جعفر کذاب است. (۵) جعفر کذاب در سال ۲۷۱ به سن چهل و پنج سالگی در سامرا درگذشت. (۶) ۱. مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۲۴۰. تاریخ سامرا، ج ۲ ص ۲۵۱. ۳. احتجاج طبرسی ج ۲، ص ۴۶۸، تاریخ سامرا، ج ۲، ص ۲۵۳. ۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۸. ۵. بحار الانوار، ج ۵۰ ص ۲۲۷. ۶. معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۶۵.

جویای تبریزی

میرزا داراب بیگ جویا (تبریزی کشمیری) متوفای ۱۱۱۸ق از شاگردان ممتاز صائب تبریزی در سبک اصفهانی است. در اشعار او، لطافت کلامی و غنای محتوایی موج می زند. در قصاید خود از حضرت مهدی (ع) سخن گفته است: تنگ عیشم دارد از بس دور چرخ چنبری چون شمیم غنچه ام در دام بی بال و پری تا به کی جویا غزل خواهی سرودن زان که نیست مطلبی جز منقبت گویی تو را از شاعری به که باشی مدح سنج آن که بر خاک درش جبهه ساید هر سحر که آفتاب خاوری مسند آرای امامت،

مهدی هادی که هست چون شه مردان به ذات او مسلم ، سروری آن که گر سازند در ایام عدل او بجاست از پر شهباز تیر ترکش کبک دری تا ببخشد فیض آبادی بساط خاک را نقش نعلین تو یعنی آفتاب خاوری خاک خاوری باد برسر دشمن دین تو را دوستان را بر اعدای تو باشد سروری (۱) ۱ . سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی محمدعلی مجاهدی ، ص ۱۰۷ .

حاجز بن یزید

یکی از وکلای حضرت در بغداد و معاون اول عثمان بن سعید بود . حسن بن عبدالمجید می گوید : درباره حاجز بن یزید به شک افتادم ، سپس مالی جمع کردم و به سامرا رفتم نامه ای به من رسید که درباره ما و کسی که به امر ما جانشین ما می شود شک روا نیست؛ هر چه همراه داری به حاجز بن یزید تحویل بده (۱) وی ملقب به حاجز و شاء بود و روایات تصریح دارد که حاجز ، از وکلای مورد اعتماد امام زمان (ع) بوده و تا آخر هم در این سمت باقی مانده است (۲) ۱ . اصول کافی ج ۲ ص ۴۶۱ . ۲ . آخرین امید داود الهامی ص ۸۷ و ۵۱۱ .

حارث بن حارث

از قیام کنندگان پیش از قیام حضرت مهدی (ع) است . رسول اکرم (ص) فرمود : مردی از ماوراء النهر قیام خواهد کرد که به او حارث بن حارث گفته می شود . فرمانده سپاه او مردی است که به وی منصور گویند . او حکومت را برای آل محمد (ع) آماده می کند ، هم چنان که قریش برای رسول خدا (ص) زمینه حکومت را فراهم کرد . بر هر فرد مسلمان مؤمن واجب است وی را یاری دهد (۱) ۱ . عقد الدرر ص ۱۳۰ ، به نقل از فرهنگ موعود حسین کریمشاهی ، ص ۷۷ .

حافظ شیرازی

در دیوان لسان الغیب حافظ شیرازی (متوفای ۷۹۱ ق) ، از بسیاری از غزل ها ، عطر مهدوی را می توان استشمام کرد . در این غزل "بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) آشکارا آمده است : بیا که رایت منصور پادشاه رسید نوید فتح و بشارت به مهر و ماه رسید جمال بخت ز روی ظفر ، نقاب انداخت کمال عدل به فریاد دادخواه رسید سپهر دور خوش اکنون کند که ماه آمد جهان به کام دل اکنون رسد که شاه رسید ز قاطعان طریق این زمان شوند ایمن قوافل دل و دانش که مرد راه رسید عزیز مصر به رغم برادران غیور ز قصر چاهبر آمد به اوج ماه رسید کجاست صوفی دخال چشم ملحد شکل ؟ یکو بسوز که مهدی دین پناه رسید ز شوق روی تو شاهها به این اسیر فراق همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید مرو بخواب که حافظ به بارگاه قبول ز ورد نیم شب و درس صبحگاه رسید . (۱) نیز حافظ می گوید : گرچه شیرین دهنان پادشاهانند ولی او سلیمان زمانست که خاتم با اوست در احادیث ، شباهت های فراوانی برای حضرت مهدی (ع) با انبیا ذکر شده است و از آن جمله در شباهت آن حضرت با سلیمان ، (ع) ، آمده است : بادها به اذن خداوند مسخر وی می گردند و سلطنت او بر تمام زمین گسترده خواهد شد و امیر مؤمنان در این رابطه می فرماید : نخستین کاری که قائم در انطاکیه انجام می دهد این است که تورات را از غاری بیرون می آورد که عصای موسی و انگشتر سلیمان در آن است . (۲) و نیز می فرماید : در بیت المقدس ، تابوت سکینه و انگشتر سلیمان و الواحی را که بر موسی نازل شده بیرون می آورد (۳) همچنین امام صادق ، (ع) ، می فرماید : عصای موسی و انگشتر سلیمان در دست او خواهد بود . (۴) پس " او سلیمان زمانست که خاتم " با اوست " . تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار که در برابر چشمی و غایب از نظری امیر مؤمنان در این رابطه می فرماید : هنگامی که امام غایب از دیده ها پنهان شود و مردم از غیبت او از حد شرع بیرون روند ، توده مردم خیال می کنند که حجت خدا از بین رفته و امامت باطل شده است . سوگند به خدای علی در چنین روزی حجت خدا در میان آن هاست .

در کوچه و بازار آن ها گام بر می دارد و بر خانه های آن ها وارد می شود و در شرق و غرب عالم به سیاحت می پردازد و گفتار مردمان را می شنود بر اجتماعات آن ها وارد شده سلام می فرمایند ۵۰۰ (۵) در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود از گوشه ای بیرون آی ای کوکب هدایت روایت زیر با مصرع دوم بیت مذکور مطابق است . امام زین العابدین (ع) ، می فرماید " : فتنه هایی چون امواج تاریک شب بر آن ها مجوم می آورد که کسی از آن ها رهایی نمی یابد ، به جز افرادی که خداوند از آن ها پیمان گرفته است ، آن ها شعله های هدایت و سرچشمه های دانش و فضیلت هستند ، که خداوند آن ها را از هر فتنه تاریک نجات می دهد . (" ۶) حاصل آنکه بیت یاد شده از حافظ ، برگرفته از واقعیاتی است که در متن احادیث نقل است : خواجه شیراز در شرایط نابسامان جامعه در جستجوی کوکب هدایت ، حضرت مهدی موعود (ع) است ، تا از طریق وی به حقایق دست یابد . هوا خواه توأم جانا و می دانم که می دانی که هم نادیده می بینی و هم ننوشته می خوانی پیامبر اکرم ، (ص) می فرماید : نیکان عترت من ، و پاکان بستگان من ، در کودکی حکیم ترین مردمان ، و در بزرگی داناترین آنان هستند . آگاه باشید که ما خاندانی هستیم که از علوم خدا به ما تعلیم شده است و از حکمت خدا به ما عطا شده ، و از صادق مصدق فرا گرفتیم . (" ۷) آری آن حضرت خزانه دار علوم الهی است و اسرار الهی را از صادق مصدق فرا گرفته و به همین علت از اسرار درونی خواهان خود مطلع است . (۸) ۱ . سیمای مهدی موعود ، در آینه شعر فارسی ، محمد علی مجاهدی ص ۸۰ . ۲ . بشاره الاسلام ص ۲۵۳ . ۳ . الزام الناصب " ص ۲۰۲ . ۴ . منتخب الاثر ص ۲۲۱ . ۵ . بشاره الاسلام ص ۳۷ . ۶ . غیبه نعمانی ، ص ۸۴ . ۷ . منتخب الاثر ص ۱۵۱ . ۸ . نشریه موعود ، ص ۲۵ ، ص ۶۹ .

حبابه و البیه

از زنانی است که طبق روایتی از امام صادق (ع) جزو یاران حضرت مهدی (ع) خواهد بود . شیخ طوسی وی را از اصحاب امام حسن (ع) و ابن داود او را از اصحاب امام حسن ، امام حسین ، امام سجاد و امام باقر (ع) می داند . برخی دیگر ایشان را از اصحاب هشت امام معصوم - تا امام رضا (ع) - شمرده اند . هم چنین گفته شده است که امام رضا (ع) ، ایشان را در پیراهن شخصی خود کفن کرد . او به هنگام مرگ ، بیش از ۲۴۰ سال داشت . او دوبار به دوران جوانی بازگشت که یک بار با معجزه امام سجاد (ع) و بار دوم با معجزه امام رضا (ع) بود و اوست که هشت امام معصوم بر سنگی که به همراه داشت ، با خاتم خود ، بر آن نقش زدند . (۱) حبابه و البیه می گوید : ... به امیر مؤمنان (ع) عرض کردم : خدا تو را مشمول رحمت خود قرار علی (ع) با انگشتر خود بر آن مهر زد ، به گونه ای که آن مهر بر آن سنگ ، نقش بست و به من فرمود : ای حبابه هر کس که مدعی امامت شد و توانست مانند من این سنگ را مهر کند ، او امامی است که پیروی از او واجب است . امام کسی است که هر چیز را بخواهد می داند . من پی کار خودم رفتم ، تا امیر مؤمنان (ع) از دنیا رفت . آن گاه خدمت امام حسن (ع) آمدم که بر جای علی (ع) نشسته بود و مردم از او سؤال می کردند . چون مرا دید ، فرمود : ای حبابه و البیه عرض کردم : بلی سرور من فرمود : آن چه همراه داری بیاور . من آن سنگ کوچک را به آن حضرت دادم . آن بزرگوار مانند علی (ع) با انگشتر خود بر آن مهر زد؛ به گونه ای که جای مهر بر آن نقش بست . سپس به حضور امام حسین (ع) که در مسجد رسول خدا بود آمدم . مرا نزد خود خواند و خوشامد گفت و فرمود : دلیل آن چه تو می خواهی موجود است . آیا نشانه امامت را می خواهی؟ گفتم : آری ، ای آقای من فرمود : آن چه با خود داری بیاور من آن سنگ کوچک را به او دادم ، انگشترش را بر آن زد و مهرش بر آن نقش بست . پس از امام حسین (ع) خدمت امام سجاد (ع) رسیدم و به قدری پیر شده بودم که رعشه بر اندامم مستولی شده بود و صد و سیزده سال داشتم . آن حضرت در رکوع و سجود بود و به من توجهی نداشت . از دریافت نشانه امامت نا امید شدم . آن حضرت با انگشت سیاه خود به من اشاره کرد و به اشاره او جوانی ام برگشت . گفتم : ای آقای من از دنیا چه اندازه گذشته و چه اندازه مانده است؟

فرمود نسبت به آن چه گذشته است ، آری و آن چه مانده است نه . یعنی ما به گذشته علم داریم ؟ اما آینده از غیب است که غیر خدا آن را نمی داند و یا مصلحت نیست بگویم . آن گاه به من فرمود : آن چه با خود داری بیاور . من آن سنگ را به حضرت دادم و حضرت مهر بر آن زد . پس از گذاشت زمانی ، به حضور امام باقر (ع) آمدم ، آن حضرت نیز بر آن سنگ ، مهر زد . بعد از او نزد امام صادق (ع) آمدم و آن جناب نیز آن را مهر کرد . پس از طی شدن سال ها به حضور امام کاظم (ع) شرفیاب شدم ، آن بزرگوار نیز بر آن مهر زد و بعد از او خدمت حضرت رضا (ع) رسیدم ، مهر آن حضرت نیز بر آن نقش بست . حبابه پس از آن ، نه ماه زنده بود . (۲) ۱ . تنقیح المقال ، ج ۲۳ ، ص ۷۵ . ۲ . کافی ج ۱ ص ۳۴۶ ؛ تنقیح المقال ج ۳ ، ص ۷۵ چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طوسی ، ص ، ۷۴ .

حجی نبی

از انبیای پیرو تورات است که در کتاب خود ، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) را داده است . (۱) ۱ . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ، ص ۳۳۴ .

حذیفه بن یمان

از صحابه پیامبر (ص) بود که در علم و آگاهی به روایات فتنه ها معروف بود ، زیرا در پرسش نمودن از پیامبر (ص) درباره آشوب ها و حفظ آن روایات اهتمام می ورزید . از این رو بسیاری از روایات مربوط به فتنه ها را در منابعی می بینیم که با ذکر سند و نسبت به حذیفه از پیامبر (ص) و یا از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده ، زیرا حذیفه از یاران خاص آن حضرت نیز بوده است . چنان که از او روایت کرده اند که می گفت : هیچ فتنه جویی نیست که تعدادشان به سیصدتن برسد ، مگر این که اگر بخواهم نام او و پدر و محل سکونتش را تا روز قیامت یاد آور شوم می توانم ، زیرا تمام آن ها را رسول گرامی به من آموخته است و می فرمود : اگر تمام آن چه را که می دانم برای شما بازگو می کردم ، مرا تا شب مهلت نداده و فوری می کشتید . (۱) ۱ . عصر ظهور ، علی کورانی ص ۳۹ .

حزقیال نبی

از انبیای پیرو تورات است که در کتاب خود درباره ظهور حضرت مهدی (ع) ، سرنوشت رژیم اسرائیل ، جهانی شدن آیین توحید ، و اجرای احکام و حدود الهی در عصر حضرت ، خبرهایی آورده است (۱) ۱ . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۳۳۳ .

حزین لاهیجی

شیخ محمد علی حزین لاهیجی (متوفای ۱۱۸۱ ق) قصاید مهدوی پرشوری در سبک اصفهانی دارد که از مضامین بکر و نازک خیالی ها سرشار است : در صبح عارض از خط مشکین نقاب کش این سرمه رابه چشم تر آفتاب کش زال پیشتر که زخم اجل کارگر شود مطرب بیا و زخمه به تار رباب کش ای چرخ دست فتنه بلند است خویش را زیرلوی خسرو عالی جناب کش مهدی بگو و از شرف نامی اش طغرای فخر بر ورق آفتاب کش حزین در قصیده مناقبی دیگری در التجا به ساحت مقدس امام زمان (ع) داد سخن می دهد : تا در چمن این سرو برازنده چمان است چیزی که به دل نگذرد اندوه خزان است چشمش نشد از دولت دیدار تو محروم پیدا است که آینه صاحب نظران است ای پرده نشین دل و جان در ره شوق این مطلع فرخنده مرا ورد زبان

است تا دیده زدل نیم قدم ره به میان است از پرده برا چشم جهانی نگران است ... (۱) ۱. سیمای مهدی موعود (ع)، در آینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی، ص ۱۰۸.

حسن بن حسین عسکری

معروف به ابوالفضل، یکی از گواهان تولد امام عصر (ع) بوده است (۱) وی می گوید: در سامرا به محضر امام حسن عسکری (ع) رسیدم و ولادت صاحب الزمان (ع) را به محضرشان تبریک و تهنیت گفتم (۲) ۱. روزگارهایی، ج ۱ ص ۱۶۰. ۲. غیبه طوسی، ص ۱۵۱ منتخب الاثر ص ۳۴۳.

حسن بن قاسم بن علا

وی از وکلای حضرت مهدی (ع) شمرده شده است (۱) ۱. آخرین امید داود الهامی ص ۱۲۲.

حسن بن مثله

شخصی صالح و عفیف بود که به همت وی، مسجد مقدس جمکران ساخته شده است.

حسن بن محبوب

یکی از محدثین موثق شیعه حسن بن محبوب زراد است که کتاب مشیخه را که در میان اصول شیعه مشهور است، صد سال پیش از غیبت امام زمان (ع) تصنیف کرده است. وی قسمتی از اخبار غیبت حضرت قائم (ع) را در آن کتاب ذکر کرده و همان طور که خبر داده نیز واقع شده است. (۱) ۱. فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بیدگلی ص ۸۱.

حسن خالص

از القاب نا شناخته حضرت عسکری (ع) است. شبراوی شافعی از علمای اهل سنت درباره ولادت حضرت مهدی (ع) در کتاب خویش می نویسد: امام یازدهم، حسن خالص است که به لقب عسکری معروف است و او را شرافت همین بس که امام مهدی (ع) از فرزندان گرانمایه اوست (۱) ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۱۶۸.

حسین بن روح

سومین نائب خاص از نواب اربعه ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است. وی در میان شیعیان بغداد، از اشتهار خاصی برخوردار بود و یکی از افراد مورد اطمینان و اعتماد محمد بن عثمان عمری به شمار می رفت. بعد از ابوسهل اسماعیل بن علی مشهورترین افراد خاندان نوبختی، ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر است و عمده اشتهار او به واسطه مقام دینی بزرگی است که در میان شیعه امامیه دارد و از نواب اربعه حضرت قائم (ع) محسوب می شود. (۱) تاریخ تولد وی در کتب تاریخ و رجال مشخص نشده است و همین مقدار روشن است که در زمان حیات محمد بن عثمان یکی از کارگزاران وی بوده است و در بین سال های ۳۰۵-۳۲۶ هـ ق به عنوان نایب امام زمان (ع)، واسطه میان امام و شیعیان بوده است. برخی گفته اند حسین بن روح قمی بوده است. روایت کشی او را ملقب به قمی ذکر می کند. (۲) در تاریخ الاسلام ذهبی اشاره به قمی بودن او شده است. (۳) وی به زبان آبه از نواحی قم تکلم می کرده است. (۴) با وجود این، بین نوبختی بودن و قمی بودن نایب سوم، به یکی از دو صورت می شود،

ارتباط برقرار کرد و آن ها را جمع کرد : ۱- وی در اصل ، قمی بوده و از طرف مادر ، نوبختی نامیده شده است . وی از شاخه بنو نوبخت قم بوده و در زمان نخستین سفیر ، به بغداد مهاجرت کرده است . (۵) محمد بن عثمان از دویا سه سال قبل از وفات خود ، با ارجاع بعضی از شیعیان به حسین بن روح که اموالی از سهم امام و غیر آن پیش او می بردند ، زمینه را برای نیابت وی از طرف امام زمان (ع) همواره می نمود . نخستین توقیعی که راجع به حسین بن روح از ناحیه مقدسه صدور یافت ، در سال ۳۰۵ هـ ق بود . در آن توقیع آمده است : او کاملاً مورد وثوق و اطمینان ماست و در نزد ما مقام و جایگاهی دارد که او را مسرور می گردانند (۶) با این که محمد بن عثمان غیر از حسین بن روح نه وکیل دیگر در بغداد داشت و همگی زیر نظر وی فعالیت می کردند ، اما حسین بن روح به نیابت امام زمان (ع) انتخاب شد . عفت آن علاوه بر متکلم و فقیه بودن ، بردباری ، هوشیاری و اخلاص او در آن موقعیت خاص سیاسی بود . حسین بن روح با همکاری ده وکیل در بغداد و با وکلای سایر بلاد اسلامی ، کار خویش را در سمت نیابت امام زمان (ع) شروع کرد و توانست با روش معقولانه و منطقی ، در میان دوست و دشمن ، از مقبولیت بالایی برخوردار باشد . بنابر شهادت مورخین قرون اولیه و محدثین متقدم ، او عقل الناس زمان خود بوده است و از داناترین افراد به شمار می رفت . حسین بن روح بیست و یک سال نیابت حضرت را به عهده داشت و در ماه شعبان سال ، ۳۲۶ هـ ق وفات یافت . (۷) قبر او در نوبختیه در جانب غربی بغداد است . (۸) ۱ . خاندان نوبختی اقبال آشتیانی ، ص ۲۱۲ . ۲ . اختیار معرفه الرجال ، ج ۲ ، ص ۳۸۳۱ . تاریخ الاسلام ذهبی ، ص ۱۹۰- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ، ص ۲۱۲ . ۴ . کمال الدین ج ۲ ص ۵۰۳ . ۵ . غیبه طوسی ص ۳۷۱ خاندان نوبختی ، ص ۲۱۴ . ۶ . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ص ۱۹۲ . ۷ . خاندان نوبختی ص ۲۲۱ . ۸ . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) علی غفارزاده ص ۲۷۸ .

حسین بن الحسن العلوی

از جمله کسانی است که از تولد امام مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (۱) ۱ . بحارالانوار ج ۵۱ ، ص ۵ ، ارشاد مفید ص ۳۳۰ .

حکیمه

حکیمه خاتون ، از بانوان خاندان امامت و رسالت و زنی باکفایت و مؤمنه بود . وی دختر امام جواد (ع) ، خواهر امام هادی (ع) و عم امام حسن عسکری (ع) بود . امام هادی (ع) ، نرجس خاتون را به خواهرش حکیمه خاتون سپرد تا احکام و دستورات اسلام را به او بیاموزد . حکیمه خاتون ، شاهد ولادت امام زمان (ع) بود و تاریخ و کیفیت ولادت حضرت مهدی (ع) را همه از حکیمه خاتون نقل کرده اند . حکیمه خاتون می گوید : پس از چهل روز از ولادت حضرت مهدی (ع) ، طبق دعوت امام حسن عسکری (ع) به خانه اش رفته و وقتی وارد اطاق شدم ، ناگهان دیدم همان کودک ، چون آفتاب درخشنده در مقابل پدر راه می رود و به اندازه یک فرزند دو ساله می ماند . تعجب کردم و از امام پرسیدم : ای سرور من این کودک به اندازه دو سال رشد کرده است حضرت تبسمی کرد و فرمود : فرزندان پیامبران و جانشینان آنان که به مقام پیشوایی و امامت برگزیده می شوند ، ورشدشان همانند سایرین نیست ، بلکه وقتی یک ماه از عمرشان می گذرد ، چنان است که بر دیگران یک سال گذشته باشد (۱) حکیمه خاتون از محضر امام حسن عسکری (ع) درخواست نمود که در حق او دعا کند و از خدا بخواهد که در زمان حیات امام (ع) از دنیا برود و چنین شد . (۲) مزار او در سامرا کنار حرم عسکریین است . حکیمه خاتون ، قابله حضرت مهدی (ع) نیز بوده است . (۳) برخی منابع ، یکی از نام های مادر حضرت مهدی (ع) را حکیمه ، ذکر کرده اند . (۴) ۱ . بحارالانوار ، ج ۵۱ ص ۱۴ . ۲ . روزگار رهایی ج ۱ ، ص ۱۵۳ . ۳ . روزگار رهایی ، ج ۱ ص ۱۲ . ۴ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی

حلاج

صوفی معروف و نامش حسین بن منصور حلاج بیضاوی است. او یکی از مدعیان نیابت و وکالت بوده که در آغاز، خود را رسول امام غایب (ع) و وکیل و باب آن حضرت معرفی کرد. از این رو علمای علم رجال او را از مدعیان بابت شمرده اند. (۱) درباره شهر و محل تولد او اختلاف است. خراسان، نیشابور، مرو، طالقان، ری و کوهستان اقوال مختلفی است که به عنوان زادگاهش ذکر شده. ابوریحان بیرونی درباره الحاد و ارتداد او می نویسد: حلاج، ابتدا مردم را به سوی مهدی دعوت می کرد و چنان به مردم القا می کرد که او از طالقان ظهور خواهد کرد. او را گرفتند و به شام بردند و یک ماه حبس کردند، تا این که به حيله خود را آزاد کرد. او مردی شعبه باز و ساحر بود و با هر کسی مجالست می کرد، ابتدا با اعتقاد او همراهی می کرد، پس دعوی حلول و اتحاد نمود و گفت: روح القدس در من حلول کرده خود را به نام خدا معرفی می کرد و می گفت: من خدای شما هستم. در نامه هایی که به اصحاب خود می نوشت، تصریح به خدایی خود می کرد. پیروانش را از ذکر نام خدا باز می داشت و می گفت: گفتن لا-اله الا الله ممنوع است. (۲) فقهای مالکی در بغداد، در روزگار حکومت المقتدر، به اتفاق آراء نتیجه گرفتند وی را به این دلائل، به قتل برسانند: به سبب ادعای الوهیت، به سبب قول به حلول، برای بیان انا الحق و این که قبول توبه او را مشروع ندانستند. بالاخره او به دار آویخته شد و سپس جسد او را سوزاندند و سرش را بر چوبی بالای پل بغداد زدند. بدین ترتیب او در سال ۳۰۹ به جرم ادعای باطل و کفر و الحاد به قتل رسید. وی از نظر شیعه مطرود و ملعون است، هر چند برخی مانند شیخ عطار در تذکره الاولیاء و جامی در نفحات الانس کرامات فراوانی برای او نقل کرده اند، که این مطالب به درد خرقة پوشان می خورد و قهرمان پروری های شاعرانه است. (۳) ۱. آخرین امید داود الهامی ص ۱۴۴. ۲. همان، ص ۱۵۱. ۳. همان، ص ۱۵۴.

حمیری قمی

شیخ ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر بن الحسین بن جامع بن مالک حمیری قمی متوفای بعد از ۲۹۸ ق از محدثان گران قدر و دانشوران نامدار شیعه در اوایل غیبت صغری بوده است. پدرش از اصحاب بزرگوار امام حسن عسکری (ع) و از مؤلفان و محدثان مورد وثوق به شمار آمده و از آثار ارزشمند او، جمیع آوری و تدوین توقیعات بوده است. همچنین احمد، جعفر و حسین- برادران دیگر شیخ ابوجعفر حمیری، از محدثان برومند و نامدار شیعه بوده اند و با حضرت بقیه الله (ع) مکاتبه داشته اند. نسبت حمیری از آن جهت است که این خاندان از نسل قبیله حمیر از قبایل بزرگ یمن بوده اند و عنوان قمی، به اعتبار اقامت در شهر مقدس قم می باشد. شیخ ابوجعفر حمیری، از اساتید شیخ کلینی متوفی ۳۲۹ هـ ق به شمار آمده است. همچنین علی بن حاتم قزوینی کتاب هایش را از وی روایت نموده، و نیز شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ هـ ق به واسطه احمد بن هارون فامی و جعفر بن الحسین از او روایت کرده است. جعفر بن محمد بن قولویه متوفی ۳۶۹ هـ ق هم از حمیری حدیث گرفته است. حمیری آثار ارزشمندی داشته، از جمله: کتاب الحقوق، کتاب الاوائل، کتاب السماء، کتاب الارض، الغیبه والحیره، کتاب المساحه والبلدان، قرب الاسناد، کتاب ابلیس و جنوده، و کتاب الاحتجاج نیز در ابواب مختلف شریعت، مسائلی از حضرت ولی عصر (ع) پرسیده است. سه توقیع از سوی آن حضرت در پاسخ به سؤالات او صادر گردیده است؟ در یکی از این توقیعات پس از جواب سؤالات، امام زمان (ع)، زیارت آل یاسین را مرقوم داشته اند و شیعیان را به آن افتخار بخشیده اند. (۱) ۱. رجال نجاشی ص ۱۵۲ الذریعه، ج ۴ ص ۴۰۱ تنقیح المقال ج ۳ ص ۱۳۹.

حکیم افضل الدین خاقانی شروانی متوفای ۵۹۵ ق از شاعران بزرگ ، معروف به حسان العجم در قصاید مناقبی خود از نام مقدس مهدی در ستایش ممدوحان خود بهره برده است : خسرومهدی نیست مهدی آدم صفت آدم موسی بنان موسی احمد قدم مهدی دجال کش آدم شیطان شکن موسی دریا شکاف احمد جبریل دم نیز در قصیده منطق الطیر در صفت صبح و مدح کعبه و ستایش نبی گرامی اسلام (ص) با ظرافت خاصی از مهدی موعود (ع) نام می برد : زد نفس سربه مهره صبح ملمع نقاب خیمه روحانیان گشت معنبر طناب کرچه همه دلکشند از همه گل نغزتر کوعرق مصطفی است وان دگران خاک و آب و نیز در جای دیگری می گوید : خلوتی کز فقر سازی خیمه مهدی شناس زحمتی کز خلق بینی موکب دجال دان (۱) ۱ . سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی ، محمدعلی مجاهدی ، ص ۷۶ و ۶۷ .

خزیمه

فرمانده سپاه سفیانی و عنصر پلیدی از امویان است . دوازده هزار نفر از سپاه سفیانی به سوی مکه و مدینه حرکت می کنند که خزیمه پرچمدار آن سپاه است . چشم چپ او کور است و پرده سفیدی روی چشمش را گرفته است . او قساوت پیشه ای است که مردم را مثله می کند و همه جا را می کوبد تا وارد مدینه می گردد . در آن جا مستقر می شود و در جست و جوی بزرگ مردی از خاندان پیامبر (ص) ، سپاهی گران به سوی مکه گسیل می دارد که پرچمدار آن ، مردی از طایفه غطفان است (۱) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص ۵۴۱ .

خضر (ع)

از پیامبران مرسل بود که خداوند او را به قومش مبعوث ساخت ، تا آن جان را به یکتاپرستی و اقرار به انبیاء و رسل و کتب آسمانی دعوت نماید . معجزه اش این بود که هرگاه بر چوبی خشک یا زمین بی سبزه ای می نشست ، فوراً چوب ، بر می آورد و زمین سرسبز می شد و از این جهت وی را خضر (ع) گویند . نام اصلی اش تالیا بن ملکان بن عابر بن ارفخشذ بن سام بن نوح است . از امام صادق (ع) آورده اند که . . . اما آن بنده صالح خدا خضر ، خداوند عمر او را نه به خاطر رسالتش طولانی گردانید و نه به خاطر کتابی که بدو نازل کند و نه به خاطر این که به وسیله او و شرت او ، شریعت پیامبران پیش از او را نسخ کند و نه به خاطر امامتی که بندگان بدو اقتدا نمایند و نه به خاطر طاعتی که خدا بر او واجب ساخته بود ، بلکه خدای جهان آفرین ، بدان دلیل که اراده فرموده بود عمر گرامی قائم (ع) را در دوران غیبت او بسیار طولانی سازد و می دانست که بندگان بر طول عمر او ایراد و اشکال خواهند نمود ، به همین جهت عمر این بنده صالح خویش خضر را طولانی ساخت که بدان استدلال شود و عمر قائم (ع) بدان تشبیه گردد و بدین وسیله اشکال و ایراد دشمنان و بداندیشان باطل گردد . (۱) بدون تردید او زنده است و هم اکنون بیش از شش هزار سال از عمر شریفش می گذرد . (۲) زندگی حضرت خضر و رفتنش به بحر ظلمات و خوردنش از آب حیات خود داستان مفصلی است که در کتب تاریخی و حدیثی به تفصیل از آن بحث شده ، علاقمندان به کتب مبسوط حدیثی مراجعه فرمایند . (۳) شرکت حضرت خضر در مراسم عید غدیر در سرزمین غدیر خم و در مراسم سوگواری رسول اکرم (ص) به هنگام رحلت آن حضرت و در سوگ حضرت علی (ع) به هنگام شهادت آن حضرت در کتاب های حدیثی مشروحا آمده است . امام رضا (ع) می فرماید : حضرت خضر (ع) از آب حیات خورد ، او زنده است و تا دمیده شدن صور از دنیا نمی رود ، او پیش ما می آید و بر ما سلام می کند ، ما صدایش را می شنویم و خودش را نمی بینیم ، او در مراسم حج شرکت می کند و همه مناسک را انجام می

دهد، در روز عرفه در سرزمین عرفات می ایستد و برای دعای مؤمنان آمین می گوید. خداوند به وسیله او در زمان غیبت، از قائم ما رفع غربت می کند و به وسیله او وحشتش را تبدیل به انس می کند. (۴) از این حدیث استفاده می شود که حضرت خضر (ع) جزء سی نفری است که همواره در محضر حضرت بقیه الله (ع) هستند و رتق و فتق امور به فرمان آن حضرت در دست آن هاست (۵) ۱. کمال الدین ج ۳، ص ۳۵۷ بحارالانوار ج ۵۱، ص ۲۲۲. ۲. یوم الخلاص ص ۱۵۷. ۳. بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۷۲-۵. ۲۱ وج ۱۳ ص ۲۷۸-۳۲۲. ۴. کمال الدین، ج ۲ ص ۳۹۰ بحارالانوار، ج ۱۳ ص ۲۹۹. ۵. غیبه نعمانی، ص ۹۹ بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۵۸.

خبط

از نام های مادر امام زمان (ع) است. (۱) هم چنین، نوعی درخت میوه است که قرآن نیز آن را به کار برده است. (۲) ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۱۷۲. ۲. سوره سباء، ۱۶.

خنس

از القاب حضرت شمرده شده و به معنی ستاره هایی است که برای آنها محل سیری است مانند زحل، مشتری، مریخ و زهره و عطارد. روایت است از ام هانی که گفت: ملاقات کردم حضرت باقر (ع) را، پس سؤال کردم از آن جناب، از این آیه فلا-أقسم بِالْخَنَسِ، (۱) فرمود: آن امامی است که پنهان می شود در زمان خود (۲) ۱. تکویر، ۱۵. ۲. نجم الثاقب باب دوم.

خواجوی کرمانی

ابوالعطاء کمال الدین محمود خواجوی کرمانی متوفای ۷۵۳ ق از شاعرانی است که در منظومه همای و همایون خود از وجود مقدس مهدی موعود (ع) نام می برد و ممدوحان خود را با او مقایسه می کند: خدیو جهان، آصف جم نشین جهان کرم شمس دنیاودین زحل کمترین هندوی بام او قمر کمترین گوهرجام او سکندر حشم خضر خلت شعار مسیحا نفس مهدی روزگار یکی گنج محمود پرداخته یکی رایت مهدی افراخته یکی دردمش نکهت عیسوی یکی در کفش معجز موسوی در دیوان خواجوی کرمانی، ترکیب بندی وجود دارد در هفده بند، تحت عنوان فی نعت الانبیاء و مناقب الائمة الاثنی عشر (۱) و بند شانزدهم آن اختصاص به مهدی موعود (ع) دارد: به مقدم خلف منتظر امام همام مسیح خضر قدوم و خلیل کعبه مقام شعیب مدین تحقیق حجه القائم عزیز مصر مهدی سپهر غلام به انتظار و وصول طلیعتش، خورشید زند درفش درفشنده، صبحدم ۱. سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی، محمدعلی مجاهدی، ص ۷۹، ۷۱.

دانیال

از انبیای پیرو تورات است که در کتاب خود، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) را آورده است. (۱) دانیال نبی از نسل حضرت داود (ع) است. معاصر عزیر پیغمبر بوده و پس از مرگ بخت النصر، از سوی بهمن پسر اسفندیار، به بیت المقدس بازگردانیده شد و از آن جا به اهواز رفت و در شوش دیده از جهان بر بست. (۲) جابر جعفی می گوید: از امام باقر (ع) درباره دانیال و تعبیر خواب پرسیدم که آیا حقیقت دارد؟ فرمود: آری، او پیغمبر بود و وحی بر او نازل می شد و از جمله اموری که خدا بهره او کرده بود، تعبیر خواب بود (۳) ۱. ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۲۲. ۲. معارف و معاریف، ج ۵ ص ۳۴۹. ۳. بحارالانوار ج ۲۶، ص ۲۸۴.

از نشانه های ظهور، خروج دجال است. دجال از ریشه دجل به معنای دروغگویی حيله گر است. در زبان عربی به معنای آب طلا است و به همین علت، افراد بسیار دروغگو که باطل را حق جلوه می دهند، دجال نامیده می شوند. در روایات دجال ها و دروغگویان فراوانی نام برده شده است. در برخی دوازده و در برخی سی، شصت و هفتاد دجال آمده است. (۱) از میان این دجال ها، فردی که در دروغگویی و حيله گری سرآمد همه دجالان است و فتنه او از همه بزرگتر است، نشانه ظهور مهدی (ع) و یا برپایی قیامت (۲) است. بر این اساس باید گفت دو نوع دجال داریم، یکی دجال حقیقی که پس از همه دجال ها می آید و دیگری گروهی شیاد و دروغگو که به فریب مردم و گمراهی آنان دست می زنند. دجال در روایات اسلامی این چنین توصیف شده است (۳) او دارای قدرت و تأثیر عجیبی است، چشم راست ندارد و چشم دیگرش در وسط پیشانی اوست و مانند ستاره صبح می درخشد. چیزی در چشم اوست که گویی آمیخته به خون است، داخل دریاها می شود و آفتاب با او می گردد. کوهی از طعام و نهري از آب همیشه با اوست. آسمان به دستور وی باران می دهد و زمین گیاه می رویاند. اختیار گنج های زمین با اوست، مرده را زنده می کند. با صدای بلندی که تمام جهانیان صدای او را می شنوند، می گوید: من خدای بزرگ هستم که شما را آفریده و روزی رسان هستم، به سوی من بشتابید (۴) وی از همه جا می گذرد و فقط در مکه و مدینه قدم نمی گذارد. (۵) بیشتر پیروان او از یهود و زنان و عرب های بیابانی است. اصل او را از اصفهان یا بجستان و یا خراسان گفته اند. (۶) اصل داستان دجال در کتاب های مقدس مسیحیان آمده و بارها واژه دجال در انجیل به کار رفته است. درباره دجال، صرف نظر از ویژگی های او، چند احتمال وجود دارد: ۱. دجال، نام شخص معینی نیست. هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس و با توسل به حيله گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس دجال ها خواهند بود و این که در روایات از دجال های فراوان دوازده، سی، شصت و هفتاد سخن به میان آمده، این احتمال را تقویت می کند. فردی معین و مشخص به عنوان دجال در دوره غیبت، با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده، خروج می کند و مردم را به انحراف می کشاند. ۲. این احتمال نیز وجود دارد که مراد از دجال، همان سفیانی باشد که در کتاب های عامه، بیشتر به عنوان دجال و در کتاب های خاصه به عنوان سفیانی آمده است. (۷). دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان است. استکبار، به معنای واقعی، دجال است. استکبار خود را قیم ملت ها می داند و با تکیه بر ثروت انبوه و قدرت عظیمی که در اختیار دارد، در همه جای زمین دخالت می کند و همه را به زیر سلطه خویش می آورد (۸). موضوع دجال، بیش از آن چه در روایات شیعه است، از طریق اهل سنت نقل شده است و قسمت عمده آن را احمد بن حنبل در کتاب مسند ترمذی در صحیح خود و ابن ماجه در سنن، و مسلم در صحیح، و ابن اثیر در نهایه از عبدالله بن عمر و ابو سعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده اند (۹). مرحوم صدوق در این زمینه می گوید: م...O...اهل سنت، این گونه اخبار را تصدیق می کنند و آن را درباره دجال و غیبت وی و زنده بودنش را در این مدت طولانی روایت نموده اند که در آخر الزمان خروج می کند، ولی درباره قائم باور نمی کنند که او مدت طولانی غائب می شود، آنگاه آشکار می گردد و جهان را پر از عدل و داد می کند، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، با این که پیامبر (ص) و امامان (ع) از این موضوع، صریحا سخن گفته اند (۱۰) همچنین موضوع دجال، اختصاص به اسلام ندارد، بلکه ریشه داستان دجال را باید در کتاب مقدس مسیحیان جست و جو کرد در رساله اول یوحنا نوشته است: دروغگو کیست، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند، آن دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید (۱۱) ۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹ کتر العمال، ج ۱۴ ص ۱۹۸. ۲. طبق کتب شیعه. ۳. طبق کتب اهل تسنن. ۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۴۱ به نقل از آخرین امید داود الهامی ص ۳۲۲ (۵). الزام الناصب، ص ۷۴. ۶. آخرین امید داود الهامی ص ۳۲۳. ۷. غیبه طوسی، ص ۴۶۳. ۸. آخرین امید، داود الهامی، ص ۳۲۳. ۹.

. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص ۲۳۹ . ۱۰ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۱۲۰۰ . رساله یوحنا باب ۲ ، آیه ۲۲ .

دعبل خزاعی

دعبل بن علی بن رزین بن عثمان بن عبدالله بن بدیل بن ورقاء خزاعی کوفی معروف به دعبل خزاعی ، شاعری بلیغ ، سخنوری ادیب و دانشمندی والا-مقام بوده که عمر خود را در مدیحه سرایی و ذکر فضایل اهل بیت عصمت و طهارت (ع) سپری کرده است . مرحوم شیخ طوسی و نجاشی او را از یاران حضرت رضا (ع) به شمار آورده اند . این شاعر توانای سده سوم هجری متوفای ۲۴۶ در قصیده ای که در خدمت امام رضا (ع) خواند ، چنین سروده است : فَلَوْلَا الَّذِي أَرْجُوهُ فِي الْيَوْمِ أَوْغَدَ تَقَطُّعَ نَفْسِي أَثَرُهُمْ حَسِرَاتٍ خُرُوجِ إِمَامٍ لِّأُمِّهِ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَيَّ اسْمُ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتُ يَمِيزُ بَيْنَنَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيَجْرِي عَلَيَّ النِّعْمَاءُ وَالنَّقِمَاتُ تَرْجُمُهُ : اگر آن چه را امروز یا فردا امید وقوع آن را دارم نمی بود ، دلم از حسرت و اندوه بر ایشان- اهل بیت (ع) - پاره پاره می شد . - و آن امید به- قیام امامی است که بدون تردید قیام خواهد کرد- که- با نام خدا و همراه با برکات الهی قیام می فرماید . - او- در میان ما حق و باطل را از هم جدا می سازد ، و پاداش و کیفر می دهد . هنگامی که " دعبل " این ابیات را به عرض رساند ، امام رضا (ع) سر برداشت و فرمود : ای خزاعی این اشعار را روح القدس ، بر زبان تو جاری ساخته است . آن گاه فرمود : آیا می دانی آن امام کیست دعبل عرض کرد : نمی دانم ، فقط شنیده ام که امامی از دردمان شما خروج می فرماید و زمین را پر از عدل و داد می سازد . فرمود : ای دعبل امام بعد از من پسر محمد (۱) امام جواد و بعد از او پسرش علی امام هادی و بعد از او پسرش حسن امام عسکری است ، و پس از حسن ، پسرش حجت قائم است که در غیبت او انتظارش را می برند و به هنگام ظهور مطاع خواهد بود ، و اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد ، خدا آن روز را طولانی می سازد تا قائم (ع) خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد سازد ، چنان که از جور پر شده است . (۲) ۱ . الغدير ج ۲ ص ۳۶۰ . ۲ . الفصوله المهمه ص ۲۵۱ پیشوای دوازدهم هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق ص ۱۳ .

ذوالسویقتین

امیر مؤمنان علی (ع) یکی از نشانه های آخرالزمان را ویران کردن کعبه می داند و می فرماید : گویی با چشم خود می بینم که مردی از حبشه ، بسیار نیرومند و شجاع کلنگی به دست گرفته ، خانه کعبه را ویران می کند و سنگ های آن را یکایک دور می اندازد (۱) بر طبق روایات ، این مرد حبشی چابک و چالاک ذوالسویقتین نام دارد (۲) ۱ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۱۸ . ۲ . صحیح مسلم ، ج ۸ ص ۱۸۳ روزگار رهایی ج ۲ ، ص ۱۳۹ .

ذوالقرنین

جابر بن عبدالله انصاری می گوید : رسول خدا (ص) فرمود : ذوالقرنین ، بنده ای شایسته بود که خداوند او را بر بند گانش حجت قرار داد و وی قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد و به تقوا دستور داد ، ولی آنان بر سرش ضربه ای زدند و او مدتی از آنان پنهان شد ، به طوری که آنان گمان بردند که مرده است . پس از مدتی نزد قومش بازگشت ، ولی باز بر سمت دیگر سرش ضربه ای زدند . در میان شما شخصی است که به سنت رفتار می کند . خدای عزوجل برای ذوالقرنین در زمین اقتداری فراهم آورد و از هر چیز ، وسیله ای برای او قرار داد و او را به شرق و غرب جهان رساند . خداوند رفتار و روش او را پیرامون امام غائب جاری می کند و او را به شرق و غرب زمین می رساند و هیچ آبگاه و منزلی در کوه و بیابان باقی نمی ماند که ذوالقرنین بر آن گام نهاده باشد ، جز آن که او گام می نهد . خداوند برای او گنج ها و معادن زمین را آشکار می سازد و با ایجاد ترس در دل دشمن ، او را یاری می

دهد و زمین را به وسیله او پر از عدل و داد می کند ، چنان که قبل از قیام پر از جور و ستم شده است (۱) . نام او در قرآن کریم آمده است (۲) در حدیثی آمده است که : وی در سن دوازده سالگی به حکومت تمامی روی زمین رسید و سی سال دوران حکومتش بود . وی از مردم روم بود . پیغمبر نبود ، ولی بنده ای شایسته بود که خدا را دوست می داشت و خدا نیز او را دوست داشت . خداوند ابر را در اختیارش قرار داد که مرکب او بود و اسباب و وسایل خویش فراهم نمود و نور را برایش منبسط کرد ، که شب و روز نزد او یکسان بود (۳) امام باقر (ع) فرمود : ذوالقرنین مخیر گردید که یکی از دو ابر سخت و رام را برگزیند . او ابر رام را برگزید و ابر سخت ، برای حضرت صاحب الامر (ع) ذخیره شد . (۴) ذوالقرنین با حضرت ابراهیم (ع) همزمان بود و نخستین دو نفری که در روی زمین با هم مصافحه کردند ، او و ابراهیم (ع) بودند . شهر اسکندریه را او بنا کرد و مسجدی عظیم در آن ساخت . (۵) ۱ . کمال الدین ج ۲ ص ۳۹۴ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۲۳ ارشاد مفید ، ص ۳۶۲ اعلام الوری ص ۴۳۰ . ۲ . سور ه کهف ، ۸۳۰ . ۳ . معارف و معاریف ، ج ۵ ، ص ۵۶۲ . ۴ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۳۲ اختصاص مفید ص ۹۹۰ . ۵ . معارف و معاریف ج ۵ ص ۵۶۳ .

رونی

ابوالفرج رونی متوفای ۵۰۸ ق . از قصیده سرایان مطرح در سده های پنجم و ششم هجری است . در قصیده ای که برای ممدوح خود- سیف الدوله محمود- سروده ، آشنایی مردم زمانه خود را با آیت مهدی از رایت او می داند و از میان رفتن فتنه دجال را از هیبت وی می شناسد : فتح و ظفر و نصرت و فیروزی و اقبال با عز خداوند قرین بودند امسال مشهور شد از رایت او آیت مهدی منسوخ شد از هیبت او فتنه دجال (۱) ۱ . سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی محمدعلی مجاهدی ص ۶۴ .

رشیق

یکی از سه نفری است که از اشار خانه زاد " معتضد " بود . معتضد که کشتن واز میان برداشتن حضرت مهدی (ع) را در دستور کار و برنامه استبدادی خود قرار داده بود ، سه تن از اشار خود ، از جمله " رشیق " را فرا خواند و به آنان دستور داد که به طور پراکنده و سری ، چابک و سبکبال به سوی شهر تاریخی سامرا حرکت کنند . در نقطه ای از شهر که برای شان وصف کرد ، به خانه ای خواهند رسید که کنار درب و راهروان ، غلام رنگین پوستی ، برای عادی جلوه دادن اوضاع ورد گم کردن ، بافتنی در دست دارد و به کار بافندگی مشغول است . با یافتن آن خانه ، بی درنگ به آن جا یورش برند و سر هر کسی را که در خانه یافتند از بدنش جدا و به دربار خلافت به ارمغان بیاورند . (۱) جریان این یورش وحشیانه و شکست خورده ، از زبان " رشیق " چنین است : ما برای اجرای دستور ، به سوی سامرا شتافتیم و پس از ورود بدان شهر ، برنامه را همانگونه که برایمان تشریح شده بود ، پیگیری کردیم . خانه مورد نظر را یافتیم و در راهرو خانه ، غلام رنگین پوستی را دیدیم که مشغول بافتن چیزی است . از او در مورد خانه و اینکه چه کسی در خانه است پرسیدیم ، اما او با بی تفاوتی بسیار ، بی آنکه به ما توجهی کند یا بهایی بدهد ، پاسخ داد که : خانه از آن صاحب آن است و همو در آن زندگی می کند . ما طبق دستور ، خانه را مورد یورش قرار دادیم و هنگامی که وارد شدیم با سربازی پاک و پاکیزه و فضایی دل انگیز و آرام بخش روبه رو شدیم . در برابر خویش ، پرده زیبا و بی نظیری که گویی هم اکنون نصب شده و هیچ دستی به آن نرسیده است ، جلب نظر می کرد و وجود کسی در خانه احساس نمی شد . پرده را برای ورود به اتاق ، کنار زدیم که به ناگاه با سالن بزرگی روبه رو شدیم که گویی دریایی عظیم و موج در آن قرار گرفته است و در دورترین کرانه آن ، حصیری پاک و پاکیزه بر روی آب گسترده شده و بزرگ مردی که زیباترین چهره و پرشکوه ترین قامت و هیبت را داشت ، بر روی آن به نماز ایستاده است . او چنان غرق در نیایش و راز و نیاز با خدا بود که گویی نه متوجه آمدن ما شد و نه

اعتنایی به سر و صدای سلاح های ما و بگير و ببند ما داشت . احمد که یکی از ما سه نفر بود ، بی درنگ برای اجرای فرمان سردار خود کامه خویش ، گام به سالن نهاد ، اما در درون آب قرار گرفت و با غرق شدن فاصله چندانی نداشت که من با تلاش بسیار ، او را از آب بیرون کشیدم و بیهوش نقش بر زمین گردید . نفر دوم با خیره سری بیشتری کوشید وارد سالن گردد و دستور ظالمانه خلیفه را به اجرا گذارد ، اما او نیز به مجرد پا نهادن بر روی آب ، به سرنوشت شوم نفر اول گرفتار آمد . من با مشاهده وضعیت آن دو ، در بهت و حیرت قرار گرفتم ، به ناگزیر به آن انسان پرشکوه و وارسته رو آوردم و ضمن پوزش خواهی از یورش به حریم خانه اش گفتم : سرورم از پیشگاه خدا و شما که بنده شایسته او هستی ، پوزش می خواهم . به خدای سوگند من نمی دانم جریان چیست و به سوی خانه چه کسی آمده ام ، اینک به سوی خدا باز می گردم و روی توبه به بارگاه او می آورم اما او همچنان بی اعتنا به گفتار من ، به نماز روح بخش خویش مشغول بود و بدین سان عظمت او و شرایط وصف ناپذیر خانه اش ، ما را دچار وحشت و اضطراب ساخت . شتابان بازگشتیم و بزبون و شکست خورده به سوی بغداد و دربار خلافت شتافتیم . خلیفه در انتظار ما بود و پیش از رسیدن ما به مأموران کاخ دستور داده بود که به مجرد رسیدن ما ، اجازه ورود دهند . سیاهی شب هنوز دامن خود را جمع نکرده بود که رسیدیم و طبق توصیه خلیفه ، ما را نزد او بردند . او از مأموریت ما و چگونگی کار پرسید و ما جربان بهت آوری را که با در چشم خود دیده بودیم به او گفتیم . خلیفه ، سرگردان و وحشت زده گفت : وای بر شما آیا پیش از من با دیگری ملاقات داشته اید و از جریان مأموریت و شکست آن ، چیزی فاش ساخته اید پاسخ دادیم : نه او در حالی که جوهر صدایش تغییر کرده بود باشید ترین سوگندها تاکید کرد که : از فرزندان نیای خود نیست و فرزند نامشروع است که اگر کلمه ای از این خبر محرمانه ، فاش شود ، گردن ما رازنند . و ما تعهد بر رازداری سپردیم و تا او زنده بود جرأت و جسارت بازگویی آن مأموریت خطرناک را در خود ندیدیم . (۲) خلیفه خود کامه عباسی دست به تلاش احمقانه دیگری می زند که " رشیق " از نقشه تجاوز کارانه و تلاش مذبحخانه و شکست خورده اش که برای دستگیری و به شهادت رساندن امام مهدی (ع) به اجرا درمی آید ، این گونه گزارش می دهد . او می گوید : سپس ، سپاه بیشتری به سامرا و به بیت رفیع امامت فرستاده شد . هنگامی که سپاهیان خلیفه ، وارد صحن خانه شدند از داخل سرداب ، نوای دلنواز تلاوت قرآن به گوش شان رسید . همگی در کنار درب خروجی گرد آمدند و راه ها را مسدود ساختند تا حضرت از آن جا خارج نگردد و از حلقه محاصره بیرون نرود . فرمانده سپاه خونخوار عباسی بیشتر از همه ، کنار درب سرداب ایستاده و در انتظار بود تا همه نیروها بدان نقطه برسند که در این هنگام آن گرمی از سرداب بالا آمد و از برابر دیدگان سپاهیان تا دندان مسلح و فرمانده آنان که پیشاپیش آنان بود گذشت هنگامی که رفت و ناپدید شد ، فرمانده سپاه گفت : اینک وارد سرداب شوید و او را دستگیر نمایید . گفتند : مگر او از برابر شما عبور نکرد؟ گفت : هرگز من کسی را ندیدم . . . شما که دیدید چرا او را رها کردید؟ گفتند : ما فکر کردیم شما او را می بینی . . . (۳) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ، سید محمد کاظم قزوینی ص ۳۰۹ . ۲ . غیبه طوسی ص ۱۴۹ بحار الانوار ، ج ۵۲ ص ۵۲ . ۳ . بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۵۲ .

روح القدس

بنا بر عقیده مفسران اسلامی ، درباره روح القدس دو احتمال وجود دارد : ۱ . منظور " جبرئیل " است و منظور قرآن از اینکه خداوند ، عیسی (ع) را با روح القدس تأیید فرمود (" ۱) آن است که خداوند ، جبرئیل را مدد کار عیسی (ع) قرار داد . اما چرا به جبرئیل روح القدس می گویند؟ روح است ، چون جنبه روحانیت در فرشتگان غلبه دارد و اضافه کردن روح به القدس به پاکی و قداست این روح اشاره می کند ۲ . منظور ، همان نیروی غیبی است که عیسی (ع) را تأیید می کرد و با همان نیروی اسرار آمیز ، مردگان را به فرمان خداوند زنده می ساخت . به طور کلی این پدیده ، همان امدادهای الهی است که انسان را در انجام عبادت ها و کارهای مشکل ، یاری می رساند و از گناهان باز می دارد . به همین دلیل ، درباره برخی شاعران اهل بیت گفته شده است که پس

از خواندن اشعارشان ، ائمه به آنان می فرمودند : این شعر را روح القدس بر زبان تو دمید و آن چه گفتی ، به یاری او بود . (۲) در قرآن کریم ، مکرر از این واژه ترکیبی ذکر به میان آمده (۳) که در مورد حضرت عیسی (ع) است . در این که چرا در میان پیامبران ، حضرت عیسی (ع) به این تشریف اختصاص داده شده ، در صورتی که همه انبیاء (ع) به وسیله جبرئیل تأیید شده اند ، گفته شده ، بدین سبب که وی از کودکی تا به آخر عمر ، در آغوش تأیید جبرئیل بوده است ، (۴) روح الامین نیز همان جبرئیل است که در آیه ۱۹۳ سوره مبارکه شعراء آمده است . مرحوم طبرسی گفته : از این جهت جبرئیل به روح الامین توصیف شده که وی در صفت امانت وعدم تغییر در امانت ، دین را زنده می دارد و همچون روح مایه حیات دین است . و یا بدین جهت که فرود آورنده برکات است و ارواح را زنده می دارد و با بدین جهت است که او جسمی روحانی می باشد . (۵) حکیمه خاتون می گوید : وقتی امام حسن عسکری (ع) فرزند دلبدش را - پس از تولد- از من گرفت ، در آن حال مرغانی آسمانی بال های خود را بر سر آن جناب گسترانیدند . پس حضرت ، بزرگ مرغان را آواز داد و فرمود : او را بردار و محافظت کن و هر چهل روز او را به مادرش بازگردان . حکیمه خاتون می گوید ، گفتم : این مرغ چه بود؟ حضرت فرمود : این روح القدس است (۶) ۱ سوره بقره ۸۷ . ۲ . تفسیر نمونه ج ۱ ص ۲۳۷ . ۳ . سوره بقره ، ۸۷ و ۲۵۳ سوره مائده ، ۱۱ . ۴ . معارف و معاریف ج ۵ ص ۷۱۵ . ۵ . مجمع البیان ج ۷ ص ۳۲۰ . ۶ . بحارالانوار ج ۵۱ به نقل از نشریه موعود شماره ۱۷ ص ۱۰ .

زبیده

یکی از زنانی است که طبق روایتی از امام صادق (ع) ، جزو یاران حضرت مهدی (ع) خواهد بود . وی همسر هارون الرشید واز ضعییان بوده است . هنگامی که هارون از عقیده او آگاه شد و سوگند یاد کرد که او را طلاق دهد ، او به انجام کارهای نیک معروف بود . در زمانی که یک مشک آب در شهرمکه یک دینار طلا ارزش داشت ، او حجاج و شاید همه مردم مکه را سیراب کرد . او با کندن کوه ها واحداث تونل ها ، آب را از خارج حرم- از فاصله ده میلی- به حرم آورد . زبیده صد کنیز داشت که همگی حافظ قرآن بودند و هر کدام موظف بودند که یک دهم قرآن را بخوانند به گونه ای که از منزل مسکونی او صدای قرائت قرآن ، همانند زنبورهای عسل بلند بود (۱) ۱ . تنقیح المقال ، ج ۳ ، ص ۷۰ .

زکریا

زکریا ابن برخیا ابن الیعار نسبش به سلیمان بن داود وبالاخره به هارون بن عمران برادر موسی (ع) می خورد . (۱) از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل و از انبیای پیرو تورات است که در کتاب خود ، به ظهور حضرت مهدی (ع) بشارت داده است . (۲) ۱ . معارف و معاریف ج ۶ ص ۳۸ . ۲ . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام ، مذاهب و ملل جهان ، هاشمی شهیدی ص ۳۲۸ .

زندیق

نام شخصی است که قبل از قیام حضرت ، از قزوین خروج می کند . مردم مشرک و مؤمن در اطاعت از او سرعت می گیرند و او کوه ها را پر از خوف می کند . (۱) البته برخی گفته اند : مراد از زندیق در این حدیث ، همان معنی لغوی آن کافر می باشد . ۱ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۱۲ .

زیات

به معنای روغن فروش : یکی از القاب عثمان بن سعید نائب اول امام زمان (ع) بوده است .

کاهن به معنای غیبگو است و "سطیح کاهن" یکی از مشهورترین غیبگویان تاریخ است. وی از مردم یمن بوده و همواره بر زمین افتاده بود و می گویند ۱۵۰ سال عمر کرده است (۱) مرحوم علامه مجلسی در کتاب "بحارالانوار" (۲) از کتاب مشرق الانوار تألیف حافظ رجب برسی، که از علما و محدثان شیعه است، خبری را درباره ظهور امام زمان از سطیح کاهن بدین مضمون نقل نموده است: ذاجدن پادشاه برای استفسار از موضوعی که در آن تردید داشت به دنبال سطیح کامن فرستاد. چون سطیح آمد خواست (۳) او را امتحان کند، لذا یک دینار در کفش خود پنهان کرد و آن گاه به وی اجازه داد که داخل شود. چون وارد شد، شاه گفت: ای سطیح برای تو چه پنهان کرده ام سطیح گفت: در کفش خود یک دینار پنهان کرده ای شاه پرسید: این را از کجا دانستی؟ سطیح گفت: از یک نفر جن که مانند برادر، همه جا با من همراه است. شاه گفت: ای سطیح از آن چه در روزگاران پدید می آید مرا مطلع گردان. سطیح گفت: هنگامی که نیکان از میان بروند و اشرار به جاه و مقام برسند، و مقدرات الهی را تکذیب نمایند، و اموال را به سختی حمل کنند... و اختلاف کلمه پدید آید... ستاره دنباله داری که عرب را پریشان کند، طلوع نماید. در آن هنگام، باران نبارد و رودها خشک شود و اوضاع روزگار دگرگون گردد... آن گاه مردی از اولاد صخر (۴) خروج می کند و پرچم های سیاه را به پرچم های سرخ تبدیل می نماید و محرمات را مباح می گرداند... در آن موقع "مهدی" فرزند پیغمبر ظاهر می شود و این در وقتی است که مظلومی در مدینه و پسر عموی وی در خانه خداکشته شود... او حق را به اهل حق برگرداند و میهمانی را در میان مردم افزون گرانی و با عدالت خوی غبار ضلالت را از میان ببرد (۵) ۱. بحارالانوار ج ۵۱، ص ۶۵ غیبه طوسی، ص ۱۱۳ کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳ و ۲۶۷. ۲. نجم الثاقب، باب دوم. ۳. معارف و معاریف ج ۶ ص ۲۵۰. ۴. صخر: نام ابوسفیان پدر معاویه است و مقصود از او سفیانی مشهور می باشد. ۵. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۶۲.

سفیانی

یکی از نشانه های حتمی ظهور مصلح بزرگ جهانی خروج سفیانی است (۱) سفیانی در روایات این گونه توصیف شده است مردی است به رنگ سرخ و زرد با چشم کبود در ظاهر ذکر خدا می گوید ولی از پلید ترین و کثیف ترین مردم روزگار است و در پلیدی و خبثت چنان است که زن بچه دار خود را از ترس این که مبادا مردم را به مخفیگاه او راهنمایی کند زنده به گور می کند. (۲) در روایتی حضرت علی (ع) فرمود: پسر هند جگر خوار سفیانی از بیابان بیرون می آید. او مردی متوسط القامه، قیافه اش وحشتناک و سرش ضخیم و رویش آبله دارد. اگر او را ببینی خیال می کنی یک چشمی است، او از اولاد ابوسفیان است. وی خروج می کند و به کوفه یا نجف می آید و بر منبر آن می نشیند. گروه کثیری را فریب می دهد و آنان را با خود همدست می نماید و مناطق: شام، دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرين را تصرف می نماید. (۳) وی گروه بسیاری از شیعیان را به قتل می رساند، (۴) سپس از ظهور حضرت مهدی (ع) اطلاع پیدا می کند. لشکری انبوه به سوی او می فرستد اما به خود امام دست نمی یابد و سرانجام در بیابانی بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند. (۵) از امام صادق (ع) آورده اند که فرمود: گویی می نگرم که سفیانی در کوفه و در میدان شهر شما، بساط خویش را گسترده است و جارچی های او جار می زنند که: هر کس سر شیعه ای را بیاورد یک هزار درهم جایزه دارد. (۶) آنگاه است که همسایه بر همسایه می شورد و او را به جرم شیعه بودن سر می برد تا هزار درهم جایزه بگیرد. اصل خروج سفیانی، صرف نظر از ویژگی ها و قضایای جزئی، امری مسلم است، ولی این که سفیانی کیست و چه ویژگی هایی دارد و چگونه شورمی می کند، چندان روشن نیست. در برخی از روایات، از امام علی (ع) در مورد نام سفیانی پرسیده شده و آن حضرت، از بیان آن خودداری کرده اند (۷) حال آنکه اگر نام وی مشخص بود، دلیلی نداشت که

از بردن نام وی، خودداری کند. به نظر می رسد، سفیانی فرد مشخصی نیست، بلکه فردی است با ویژگی های ابوسفیان، که در آستانه ظهور مهدی (ع) به طرفداری از باطل، خروج می کند و مسلمانان را به انحراف می کشاند. امام سجاد (ع) می فرماید: ظهور قائم (ع) از ناحیه خداوند، قطعی و خروج سفیانی نیز، قطعی است. در برابر هر قیام کننده و مصلحی، یک سفیانی وجود دارد. (۸) و یا امام صادق (ع) می فرماید: ما و خاندان ابوسفیان، دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابو سفیان، با پیامبر (ص) مبارزه کرد و معاویه با علی (ع) و یزید با حسین بن علی (ع) به مخالفت برخاستند و سفیانی نیز با قائم (ع) خواهد جنگید (۹) بر اساس این روایات، سفیانی جریان باطل در بسترتاریخ است و رو در رویی بین حق و باطل در این دو خانواده، نمونه بارزی از جریان این دو خط است. پس بر فرض که سفیانی را از نسل ابو سفیان هم بدانیم، آخرین مهره این زنجیره، همان سفیانی است که در آستانه ظهور قائم (ع) خروج می کند. این که همزمان با خروج سفیانی از منطقه شام، یمانی و خراسانی به طرفداری از حق در ناحیه خراسان و یمن، قیام می کنند، نیز موید این نظر می تواند باشد. (۱۰) ابو سفیان، به عنوان سردمدار شرک و بت پرستی و سرمایه داری طاغوتی، هر نوع حرکت و جنبشی را که دم از عدالت، برادری و آزادی می زد، دشمن خود می دانست و با قدرت تمام در برابر آن به مبارزه برمی خاست. سفیانی، فردی است با این ویژگی ها که در برابر انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی (ع) خروج می کند. بر این اساس، در حقیقت سفیانی یک جریان است، نه یک شخص (۱۱) ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۸۲. ۲. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۰۶. ۳. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۰۶. ۴. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۱۵ و ۲۲۲. ۵. همان ص ۲۳۸. ۶. غیبه طوسی ص ۲۷۳. ۷. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۱۵. ۸. همان ص ۲۰۶. ۹. همان ص ۱۸۲. ۱۰. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰ و ۲۱۷. ۱۱. چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان مجله حوزه، ص ۲۷۵.

سلار

ابو علی حمزه بن عبدالعزیز مقلب به سلار دیلمی، از اعظام متقدمین فقهای شیعه و اول کسی است که اقامه جمعه را در عصر غیبت امام (ع) حرام شمرده است. وی شاگرد سید مرتضی و شیخ مفید بوده است (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۶ ص ۲۹۴.

سلمان فارسی

از یاران و همراهان حضرت مهدی (ع) در هنگام ظهور و پس از رجعت است. وی که شایستگی سرپرستی کارها را در روزگار پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) داشته، از مؤلان برجسته حکومتی حضرت صاحب الامر (ع) نیز قرار می گیرد. (۱) پیامبر (ص) فرمود: (۲) سلمان از مشاهیر صحابه پیامبر (ص) بوده است. وی فارسی و روستا زاده ای از ناحیه جی اصفهان یا کازرون یا رامهرمز بود. نام اصلی او ماهو یا "روزبه" است. در کودکی به دین عیسوی گرایید. بعدها اسلام آورد و رسول اکرم (ص) او را از خواجه اش خرید و آزاد کرد و از آن موقع، سلمان، ملازم رسول خدا بود و نزد او منزلتی خاص یافت. کندن خندق در جنگی که در تاریخ اسلام به غزوه خندق معروف است به اشارت سلمان بود. سلمان علاوه بر مقام بزرگی که نزد شیعیان دارد، نزد اهل سنت نیز دارای منزلتی والا است. حسن بصری می گوید: مستمری ماهیانه سلمان در دوران استانداری اش، پنج هزار درهم بود. در آن روزگار بر سی هزار مسلمان حکومت می کرد. دو جامه داشت که هنگام سخنرانی یکی را به زیرپای خود می گسترد و یکی را به درش می افکند. همه مستمری خود را صدقه می داد و غذای خود را از مزد حصیربافی تأمین می نمود. (۳) ۱. ارشاد مفید ص ۳۶۵ کشف الغمه ج ۳ ص ۲۵۶. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۴۶. ۲. معجم رجال الحديث ج ۸ ص ۳۱۴. ۳. معارف و معاریف ج ۶ ص ۳۱۵.

به معنای روغن فروش است. عثمان بن سعید- نائب اول امام زمان (ع) به این لقب در میان شیعیان مشهور بود. روش او چنین بود که شیعیان، اموالی را که برای امام حسن عسکری (ع) می آوردند، به وی تسلیم می کردند. او از ترس دستگاه عباسی، آن اموال را میان ظرف روغن پنهان نموده و بدین گونه به خانه امام (ع) می رسانید (۱) او برای پوشش نهادن به موقعیت حساس خود، در بازار روغن فروشان، برای ارتش روغن و اجناس دیگر حمل می کرد. (۲) ۱. غیبه طوسی ص ۳۵۴. ۲. روزگار رهایی، ج ۱ ص ۲۹۱.

سمری

لقب نایب چهارم امام زمان (ع) - علی بن محمد- سمري به فتح سین وميم (یا سيمري) به فتح سین وسکون یاء وضم یا فتح ميم (ویا سيمري) به فتح صاد وسکون یاء وضم یا وفتح ميم می باشد لیکن مشهور، اولی است. (۱) به نظر می رسد که سيمري به فتح ميم صحیح تر باشد، چون این لقب به "سيمر" که یکی از قراء بصره، که بین بصره و واسط قرار گرفته، منسوب است و شیخ آغا بزرگ تهرانی او را به فتح ميم سيمر ثبت نموده است (۲) در معجم البلدان نیز اشاره ای به این موضوع شده است. (۳) ۱. تاریخ الغیبه الصغری، ص ۴۱۲. ۲. نوابغ الرواء ص ۲۰۰. ۳. معجم البلدان ج ۳ ص ۲۶۴.

سمیه

یکی از زنانی است که طبق روایت امام صادق (ع) جزو یاران حضرت مهدی (ع) خواهد بود. مادر عمار یاسر بود. او هفتمین نفری بود که به اسلام گروید و به همین سبب بدترین شکنجه ها را بر او روا داشتند. گاهی که گذر پیامبر (ص) به عمار و پدر و مادرش می افتاد و می دید که آنان در گرمای سوزان مکه روی زمین های داغ در حال شکنجه هستند، می فرمود: ای خاندان یاسر صبر کنید بدانید که وعده گاه شما بهشت است. سرانجام سمیه با نیزه دژخیمی خونخوار چون ابوجهل، به شهادت رسید و او نخستین زن شهید در اسلام است (۱) ۱. اسدالغابه ج ۵ ص ۴۸۱.

سنایی

حکیم سنایی غزنوی متوفای ۵۴۵ ق شاعر و عارف پر آوازه شیعی، در قصیده ای که در انقلاب حال مردمان و تغییر دور زمان سروده از غیبت حضرت مهدی (ع) با حسرت بسیار یاد می کند و از این که در جهانی پر از دجالان عالم سوز حضور دارد، گلایه مند است: ای مسلمانان خلاق حال دیگر کرده اند از سر بی حرمتی معروف منکر کرده اند شرع را یک سو نهاد ستند اندر خیر و شر قول بطليموس و جالینوس باور کرده اند در مناسک از گدایی، حاجیان حج فروش خیمه های ظالمان را رکن و مشعر کرده اند ای دریغا مهدی کامروز از هر گوشه ای یک جهان دجال عالم سوز سر بر کرده اند ای مسلمانان دگر گشته است حال روزگار زان که اغهل روزگار احوال دیگر کرده اند در جای دیگر می گوید: گر مخالف خواهی ای مهدی دراز آسمان موافق خواهی ای دجال یک ره سر برار یک تپانچه مرگ و زین مردار خواران یک جهان یک صدای صورزین فرعون طبعان صد هزار حکیم سنایی در قصیده دیگری، ضمن سرزنش اصحاب صورت و برشمردن رذایل صفات انسانی، انتظار همیشگی خود را روایت می کند: نظرمی کنم ارچند مختصر نظرم به چشم مختصر اندر نهاد محتصرم ز راز خانه عصمت نشان مجاوز من که حلقه وارمن آن خانه را، برون درم همیشه منتظرم هدیه هدایت را ولیک مهدی در مهد نیست منتظرم (۱) ۱. سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی، محمد علی

سنوسی

محمد بن علی بن محمد سنوسی از مدعیان مهدویت است. وی در الجزایر و حدود سال های ۱۲۱۱ هجری به دنیا آمد. مذهبی دروغین تأسیس کرد و در لیبی سکونت گزید و پسرش نیز پس از او جانشین پدر شد. (۱) ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی ص ۵۷۹.

سید بن طاووس

سید رضی الدین علی بن موسی معروف به ابن طاووس، از علمای ربانی و زاهد مشرب امامیه بود که در عین استادی در فقه، از فرط تقوا- در عمر خود- فتوی نداد و به ادعیه و اوراد و سیر باطن مشغول بود. آورده اند که با امام غائب (ع) ملاقات داشت و به خود وی هم کراماتی نسبت می دهند. وی شخصاً نیز ادعیه و زیاراتی انشاء کرده است. ابن طاووس در دوران زندگی و پس از مرگ، مورد احترام فریقین بود. مدفن او در حله است. نواده او نیز به نام رضی الدین بن طاووس مؤلف زوائد الفوائد مشهور است. ابن طاووس از عالمانی است که عرفای متأخر شیعه، وی را از پیشروان خود شمرده اند. او با سیزده واسطه از طرف پدر با امام حسن مجتبی (ع) پیوند می خورد و از طرف مادر به امام حسین (ع) می رسد. بدین جهت او را ملقب به ذی الحسنین (ع) نیز کرده اند و چون پدر سید بن طاووس، فرزند دختری "شیخ طوسی" نیز بوده، در تألیفاتش از جناب شیخ طوسی، با کلمه جدی یاد می کند. از آثار اوست: الامان عن اخطار الاسفار و الزمان، مهج الدعوات و منهج العبادات، جمال الاسبوع، الملهوف علی قتلی الطفوف، الفتن والملاحم، فتح الابواب بین ذوی الالباب و رب الارباب در استخارات (۱) ۱. معارف و معاریف، ج ۱ ص ۲۷۹.

سید خراسانی

اندکی پیش از ظهور حضرت، در میان ایرانیان، شخصی با عنوان سید خراسانی ظاهر شده که رهبری سیاسی مردم را به عهده می گیرد و شعیب بن صالح نیز رهبری نظامی را و ایرانیان تحت رهبری این دوتن، نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا می کنند. سید خراسانی و شعیب جنگ را در مرزهای ایران، ترکیه و عراق هدایت می کنند و نیروهای مستقر در شام، خود را به پیش رانده و در همان زمان، از دو جناح عراق و شام، آماده پیشروی بزرگ به سوی فلسطین و قدس می شوند. پیرامون شخصیت سید خراسانی، سؤال های بسیاری مطرح است. از مهم ترین آن ها این است که آیا مراد از خراسانی در روایات، فرد معینی است و یا این که تعبیر از رهبر ایران است که در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) وجود خواهد داشت؟ روایات به روشنی دلالت دارد بر این که آن شخصیت از ذریه امام مجتبی (ع) و یا امام حسین (ع) است و از او به عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است و صفات جسمی وی را که دارای صورتی نورانی و خال برگونه راست و یا دست راست دارد، بیان کرده است. اما روایاتی که در منابع حدیث درجه اول شیعه- مانند غیبت نعمانی و طوسی- در خصوص این شخص وارد شده است، احتمال دارد ایشان را به یاور خراسانیان و یا رهبر اهالی خراسان و یا فرمانده لشکر خراسان تفسیر کرد. زیرا این روایات تعبیر به "خراسانی" تنها نموده نه هاشمی خراسانی، اما مجموعه قرائن موجود، پیرامون شخصیت او دلالت دارد که مشخص است وی همزمان با خروج سفیانی و یمینی ظاهر می شود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام می دارد که سپاهیان سفیانی را شکست می دهند. نسبت ایشان به خراسان به این معنا نیست که حتماً اهل استان خراسان فعلی باشد، چون در صدر اسلام، نسبت دادن به خراسان به مشرق زمین اطلاق می شده است که

شامل ایران و سایر مناطق اسلامی متصل به آن که امروز تحت اشغال شوروی است، می شود. بنابراین شخص خراسانی اهل هر منطقه ای که از این محدوده باشد، نسبت او به خراسان صحیح است، چنان که از منابع درجه اول حدیثی شیعه استفاده نمی شود که او سید حسنی و یا حسینی است آن گونه که در منابع روایی برادران اهل سنت به آن تصریح شده است. سید خراسانی، آخرین شخصی است که پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) بر ایران حکومت کرده و یا معاصر با آخرین فردی است که فرمانروای ایران خواهد بود (۱) ۱. عصر ظهور علی کورانی، ترجمه عباس جلالی، ص ۲۷۰.

سید شمس الدین

طبق داستان جزیره خضراء که آن را علی بن فاضل مازندرانی نقل کرده است، سید شمس الدین محمد عالم حاکم آن جزیره است. بحث ادعای تحریف قرآن در داستان جزیره خضراء، از سخنان سید شمس الدین به علی بن فاضل است. سید شمس الدین در داستان جزیره خضراء ادعا می کند که هر صبح جمعه به محل گنبد بر بالای کوه می رود و در آن جا ورقه ای می یابد که همه نیازهای او در قضاوت هایش بین مؤمنین در آن نوشته شده است و به آن چه در ورقه آمده عمل می کند. (۱) همچنین سید شمس الدین در آن جزیره، قرآن، اصول دین، فقه و اقسام علوم عربی تدریس می کرد. سید شمس الدین از نوادگان حضرت حجت (ع) است که با پنج پشت به ایشان می رسد. (۲) ۱. جزیره خضراء افسانه یا واقعیت طریقه دار، ص ۱۴۹. ۲. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۶۸.

سید حسنی

خروج سید حسنی از نشانه هایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) رخ می دهد. خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است. سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم و قزوین خروج می کند و با صدای بلند فریاد می زند که به فریاد قائم آل محمد (ع) برسید که از شما یاری می طلبد. این سید حسنی ظاهر از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) می باشد. او از مکان خود تا کوفه را از لوٹ وجود ظالمان پاک می کند. چون با اصحاب خود وارد کوفه می شود، به او خبر می دهند که حضرت حجت (ع) ظهور کرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است. پس با اصحاب خود، خدمت آن حضرت مشرف می شوند و از آن حضرت مطالبه دلائل امامت و موارث انبیاء را می نمایند. او می داند که مهدی (ع) بر حق است، ولیکن مقصودش این است که حقیقت امام را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نماید. پس آن حضرت دلائل را برای او ظاهر می کند. وقتی سید حسنی یقین به صدق امام ندا می کند، می گوید: الله اکبر دست را بده تا با تو بیعت کنم. با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاهش نیز بیعت می کنند. (۱) ۱. بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۱۱۵ به نقل از فرهنگ موعود حسین کریمشاهی، ص ۱۳۰.

سید هاشمی

پدیدارشدن پرچم "هاشمی" از علایم غیر قطعی برای ظهور امام مهدی (ع) است. در روایات متعددی یاد و نام "سید هاشمی" به میان آمده است و از مجموع آن ها استفاده می شود که: او مردی از بنی هاشم و از نسل پیامبر خدا (ص) است. در اوج جوانی است و در دست راست او خالی است و از خراسان حرکت و جنبش خویش را آغاز می کند. روایات درباره ریشه و نسب سید هاشمی دارای دو پیام است. برخی او را "حسنی" و برخی حسینی معرفی می کنند (۱) از مسائل قطعی این است که او شیعه و پیرو خاندان وحی و رسالت است. به عقیده خود پایبند و استوار و دارای نفوذ گسترده و محبوبیت در دل هاست. (۲) امام باقر (ع)

(ع) فرمودند: در واپسین حرکت تاریخ، جوانی از بنی هاشم که به دست راست او خالی است با پرچم های برافراشته و سیاه رنگ از سوی خراسان می آید. پیشاپیش او شعیب بن صالح است و او با جنبش سفیانی پیکار می کند و آنان را شکست می دهد. (۳) حضرت علی (ع) نیز در خطبه بیان فرمود: مردی از فرزندان حسن (ع) با دوازده هزار سوار مجهز به دانش و ایمان و سلاح به حضرت مهدی (ع) می پیوندد و همه امکانات را تسلیم حضرت می کند و سپاه خویش را تحت پرچم مهدی (ع) و فرماندهی او قرار می دهد. (۴) سید هاشمی اندکی پیش از قتل نفس زکیه در مکه و همزمان با روزگاری که سپاه سفیانی در عراق است، به شهادت می رسد. (۵) ۱. آیت الله سید محمد کاظم قزوینی در کتاب، امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، ص ۵۰۰، می نویسد: به نظر من نسب مرد هاشمی حسنی است و این همان کسی است که برخی روایات از او به "نفس زکیه" تعبیر می کنند. نفس زکیه از تبار بنی هاشم و حسی نسب است. ۲. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی، ص ۵۰۰. ۳. ملاحم ابن طاووس ص ۷۷ معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۳ ص ۲۷۰. ۴. الزام الناصب ج ۲، ص ۲۰۵ عقد الدرر، ص ۹۷. ۵. روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۲۶.

سیما

یکی از رجال خلیفه بود و همواره مترصد فرصتی بود که به حضرت ولی عصر (ع) آسیب برساند. وی می گوید: به خانه امام عسکری (ع) وارد شدم. در خانه را شکستم و یک عدد تبرزین در آن جا یافتم و برداشتم. ناگهان با حضرت مهدی (ع) روبرو شدم که به من فرمود: در خانه من چه می کنی؟ گفتم: جعفر خیال می کند که پدرت فرزندی نداشت. اگر خانه مال تو باشد، من برمی گردم (۱) سیما هرگز شهادت آن را نداشت که این خبر را فاش کند و از ترس و وحشتی که در برابر شکوه و عظمت حضرت بقیه الله (ع) بر او مستولی شده، سخن بگوید. لکن یکی دیگر از سران ارتش که همراه سیما برای تخریب خانه امام آمده بود، رنگ پریده او را دید و تضرع او را شنید، و چون سیما خواست حادثه را از او پوشیده بدارد، او گفت: چیزی بر مردم پوشیده نیست. (۲) البته این داستان از طریق نسیم خادم نیز روایت شده است. (۳) ۱. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۳ غیبه طوسی ص ۱۶۲ اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۲. ۲. ارشاد مفید ص ۳۲۹ منتخب الاثر ص ۳۵۸. ۳. روزگار رهایی ج ۱ ص ۱۶۷.

شروسی

شروسی فردی است که از شهری به نام "اشروسه" از آذربایجان شوروی بین سیحون و سمرقند خروج می کند. (۱) علی بن مهزیار که سعادت تشریف به پیشگاه حضرت مهدی (ع) را پیدا کرده، در ضمن گفت و گوهایش با آن حضرت نقل می کند که فرمود: شروسی از ارمنستان و آذربایجان حرکت کرده، به سوی ری و کوه های سیاه و سرخ چسبیده به سلسله کوه های طالقان حرکت می کند. در میان او و مروزی مردی از مرو (جنگ) مسلحانه سختی درمی گیرد که کودکان را پیر می سازد و بزرگسالان را از پای در می آورد... در آن هنگام منتظر خروج سفیانی از بغداد باشید. (۲) ۱. روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۶۱. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۴۵ کمال الدین ص ۴۶۹ الزام الناصب ص ۲۲.

شریعی

شیخ طوسی درباره ایشان می فرماید: نخستین کسی که به دروغ دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان (ع) کرد، شخصی معروف به شریعی بود. تلعبیری می گفت: گمان دارم نام وی حسن باشد. او از اصحاب امام هادی (ع) و بعد از آن حضرت، از یاران امام حسن عسکری (ع) به شمار می آمد. او اول کسی است که مدعی مقامی شد که خداوند برای او قرار نداده بود و

شایسته آن هم نبود... از این رو شیعیان هم او را ملعون دانسته و از وی دوری جستند و توقیعی از جانب امام زمان (ع) در خصوص لعن و دوری از وی صادر شد. (۱) ۱. غیبه طوسی ص ۳۹۷ بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۶۷.

شعیب بن صالح

شعیب بن صالح جوانی است گندمگون، لاغر، با ریش کم پشت، صاحب بصیرت و یقین از اهالی ری که اندکی پیش از ظهور حضرت در میان ایرانیان، ظاهر شده و نقش رهبر نظامی را در حرکت ظهور آن حضرت، ایفا می کند. او مردی است شکست ناپذیر، اگر کوه در مقابلش بایستد آن را منهدم کرده و عبور می کند. وی به همراه سید خراسانی که رهبری سیاسی ایرانیان را به عهده دارد، پرچم اسلام را به حضرت مهدی (ع) می سپارند و با نیروهای خود در نهضت آن حضرت شرکت می کنند. خراسانی و شعیب در زمره یاران خاص آن حضرت قرار می گیرند، و شعیب بن صالح به فرماندهی کل نیروهای حضرت مهدی (ع) منصوب می گردد. البته احتمال دارد که جهت حفظ وایمنی، نام او مستعار باشد تا وعده الهی محقق شود. هم چنین امکان دارد که نام او و نام پدرش مشابه شعیب و صالح ویا به معنای این دو باشد. برخی روایات وی را اهل سمرقند که هم اکنون در اشغال شوروی است- می داند، اما بیشتر روایات می گوید که او اهل ری است و با قبیله بنی تمیم نسبتی دارد ویا این که از یکی از بخش های بنی تمیم- به نام محروم- می باشد ویا این که وی غلامی از بنی تمیم است. (۱) روایتی که می گوید فاصله میان خروج شعیب و سپردن زمام امور را به مهدی (ع) هفتاد و دو ماه است را می توان حکم به صحت آن نمود که در این صورت، ظاهر شدن خراسانی و شعیب، شش سال قبل از ظهور حضرت مهدی (ع) خواهد بود. (۲) ۱. عصر ظهور علی کورانی ص ۲۴ و ۳۲ و ۲۷۱. ۲. همان.

شلمغانی

اسم او ابو جعفر محمد بن علی "معروف به ابن ابی العزاقری" و ابن ابی العزاقیر، بود. از جمله کسانی بود که به مخالفت با حسین بن روح- نائب سوم- برخاست و از راه حسد دست به تأسیس مذهب جدیدی زد و پیروانش را "عزاقریه" می گویند. او از مردم روستای "شلمغان" از حومه های واسط و یکی از قراء قرآن مجید در آن جا بود. شلمغانی یکی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) و یکی از مؤلفین و علمای شیعه امامیه بود و قبل از انحراف، پیش طائفه امامیه مقامی جلیل داشت و مؤلفات او مورد استفاده امامیه بود، تا آن جا که حسین بن روح، در همان روز که رسماً به مقام نیابت نشست، پس از اجرای مراسم این کار، با جماعتی از وجوه شیعه به خانه شلمغانی رفت، و هنگامی که پنهان شده بود شلمغانی را به نیابت خود منصوب کرد. شلمغانی در این دوره بین او و طایفه امامیه رابط بود و توقیعات حضرت قائم (ع) به توسط حسین بن روح به دست شلمغانی صادر می شد و مردم در رفع حوائج و حل مشکلات خود به او مراجعه می نمودند. البته درست معلوم نیست که حسین بن روح در چه موقع در خفا می زیسته و دوره استتار او چه اندازه طول کشیده است، ولی از قرائن معلوم می شود که دوره اختفاء او مصادف با شروع ایام وزارت حامد بن عباس ۳۶۰ تا ۳۱۱ و پایان آن بوده است. شلمغانی هدایت فعالیت های امامیه را در بغداد و کوفه سال ها به عهده داشت. وی از موقعیتی که حسین بن روح برای او فراهم کرده بود، سوء استفاده کرد و جاه طلبی و شهرت، او را به عقاید انحرافی کشاند (۱) شلمغانی می کوشید تا برخی از وکلای امامیه و خاندان ایشان به ویژه وکلای بسطام را به پذیرش آیین حلولیه و تناسخ ارواح متقاعد سازد. لذا پس از مدتی اعلام داشت که روح پیامبر (ص) در جسم سفیر دوم، و روح علی بن ابی طالب (ع) در جسم سفیر سوم و روح فاطمه زهرا (ع) در جسم ام کلثوم- دختر سفیر دوم- حلول کرده است؟ در همان حال شلمغانی از وکلای فرعی و زیردست خود خواست تا این راز را فاش نسازند، زیرا عقیده حق است. (۲) حسین بن روح پس از کشف عقاید کفرآمیز شلمغانی، وی را از

سمت خود برکنار کرد و ارتداد او را در همه جا منتشر ساخت نخست در میان خاندان نوبخت و آن گاه در میان سایرین (۳) کتاب های شلمغانی به جهت مقام علمی و تقرب او به حسین بن روح پیش از ارتداد، نزد امامیه شیوع داشته و در دست همه ایشان بوده است. پس از آن که ارتداد او مسلم شد و لعن او صادر گردید، عده ای از امامیه از حسین بن روح راجع به کتاب های او سؤال کردند و گفتند: خانه های ما از آن ها پراست، با آن ها چه باید کرد؟ حسین بن روح گفت: جواب من در این خصوص همان جوابی است که امام ابو محمد حسن بن علی عسکری (ع) موقعی که مردم در خصوص کتب بنی فضا از او پرسیدند به ایشان داد و فرمود: آن چه را روایت کرده اند بگیرید و آن چه را که به رأی خود آورده اند، رها کنید. (۲) از سوی امام زمان (ع) توقیعی بر لعن شلمغانی وعده ای دیگر مانند او به دست ابوالقاسم حسین بن روح صادر شد. (۴) پس از آن که لعن شلمغانی به دست حسین بن روح شایع گردید، امامیه بغداد از او دوری جستند و همه حکایت لعن او را در محافل و مجالس نقل می کردند. شلمغانی برای اثبات حقانیت خیالی خود معارضه با حسین بن روح و متقاعد کردن امامیه، کتاب الغیبه خود را در این ایام تألیف کرد و در آن به تعرض حسین بن روح پرداخته و مدعی همکاری و همقدمی با شیخ ابوالقاسم نوبختی در تهیه اسباب کار و کالت و نیابت بوده است. ولی اکثریت امامیه به دعای او گوش فرا ندادند و در لعن او کوشیدند. (۵) شلمغانی و طرفداران او را به امر خلیفه در حضور قضات، فقهاء، کتاب و رؤسای لشگری چند بار محاکمه کردند. سرانجام حکم قتل او به اتفاق آراء، تصویب و صادر گردید. قبل از اجرای این حکم، شلمغانی از قضات سه روز مهلت خواست تا از آسمان یا حکم تبرئه او صادر شود و یا دشمنان او به عذاب دچار گردند، ولی فقهاء، خلیفه را امر به تعجیل در قتل او کردند و خلیفه دستور داد که در روز سه شنبه ۲۹ ذی قعدة سال ۳۲۲ هـ شلمغانی و ابن ابی عون را گردن زدند و سپس جسدشان را به دار آویختند و در آخر کار، نعش آن دو نفر را سوزانده و خاکستر آن را به آب دجله دادند. (۶) ۱. آخرین امید داود الهامی، ص ۱۳۴. ۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۷۲. ۳. غیبه طوسی ص ۲۵۱. ۴. همان، ص ۲۳۹. ۵. احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۲۸۹ به نقل از آخرین امید، ص ۱۴۰. ۶. غیبه طوسی ص ۲۵۵.

شمعون

یکی از دوازده حواری حضرت عیسی (ع) و برگزیده ترین آن ها و وصی آن حضرت به شمار می رفته است. (۱) نرجس خاتون، از طرف مادر، از نسل شمعون است. (۲) به او شمعون صفا می گفتند. وی استاد مرقس بوده و انجیل را او تنظیم نموده و به نام شاگردش کرده است. شمعون و یهودا به هم پیوستند و به تبلیغ دین مسیح پرداختند. کاهنان یهود، مردم را علیه آن دو شوراندند. پس شمعون را با اره دو نیم کردند و یهودا را سر بریدند (۳) ۱. معارف و معاریف، ج ۶ ص ۵۴۷. ۲. پیشوای، دوازدهم هیات تحریریه مؤسسه در راه حق، ص ۲۵. ۳. معارف و معاریف ج ۶، ص ۵۴۸

شیطان

از امام صادق (ع) پرسیدند: این که خداوند به شیطان فرمود فانك من المنتظرین الی یوم الوقت المعلوم به تو مهلت داده خواهد شد تا روز معینی. این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: آیا پنداشته ای این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند او قائم را مبعوث می کند، حضرت به مسجد کوفه می رود. در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود، به آن جا می آید و می گوید: ای وای بر من از امروز. حضرت مهدی (ع) پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد. در جای دیگری می خوانیم: امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرمود: ابلیس از خداوند خواست که او را تا روز رستاخیز مهلت دهد، ولی خداوند آن

را رد کرد و فرمود: تا روز وقت معلوم، تو از مهلت داده شده هستی، چون روز وقت معلوم فرا رسد، ابلیس با تمام پیروانش که از زمان خلقت آدم تا آن روز از او پیروی کرده اند، ظاهر می شود و آن در آخرین رجعتِ امیر مؤمنان (ع) اتفاق می افتد. آنگاه امام صادق (ع) توضیح می دهد که چگونه سپاه ابلیس در سرزمین "روحا" در نزدیکی کوفه اجتماع می کنند و اصحاب امیر المؤمنین (ع) برای نبرد با آن ها آماده می شوند و مهم ترین جنگ تاریخ بشری در آن روز واقع می شود و سرانجام سپاهیان ابلیس، شکست می خورند و خود ابلیس پا به فرار می گذارد و رسول اکرم (ص) او را دنبال می کند و از میان شانه هایش یک ضربت کاری وارد می کند و او را به هلاکت می رساند. پس از هلاکت شیطان و پیروانش، دیگر کسی جز خدا را نمی پرستد و هرگز کسی به خداوند شرک نمی ورزد (۱) ۱. لسان العرب، ج ۱ ص ۴۹۵.

شیصبانی

در لغت معانی مختلفی برای شیصبان آورده اند از جمله: مورچه نر، لانه مورچگان، از اسامی شیطان و رهبر گروهی از پریان. (۱) مراد از شیصبانی در روایات اهل بیت (ع)، مردی از بنی عباس و یا مردی دشمن اهل بیت است، زیرا امامان معصوم (ع) بنی عباس را به بنی شیصبان تعبیر می کردند و آن، نام مردی بدکردار یا گمنامی است که دشمن خود را به طور کنایه با این کلمه به کار برده اند. پس از آن که قدرت در دست زمینه سازان خراسانی و طرفداران آن هاست، شیصبانی در عراق خروج می کند. (۲) جابر جعفی می گوید: از امام باقر (ع) درباره سفیانی و خروج او پرسیدم، فرمود: پس از خروج او، شیصبانی در کوفه خروج می کند، آن چنان که یک باره لشکر انبوهی به دور او گرد می آیند، بسان آب که از چشمه بجوشد، و هیأت اعزامی شما که به جنگ او روند کشته می شوند، آن گاه منتظر خروج سفیانی و ظهور حضرت مهدی (ع) باشید. (۳) گفته می شود که منظور از شیصبانی، طغیان آب فرات از این منطقه است که خانه های کوفه و اطراف آن را می پوشاند، ولی به نظر می رسد که آن، رمز یکی از ستمگران باشد که بر عراق حکومت می کند و دمار از زندگی شیعیان در می آورد. (۴) ۱. لسان العرب، ج ۱ ص ۴۹۵. ۲. عصر ظهور علی کورانی ص ۳۴. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۰. ۴. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۱۰۵.

صَفَیَا

یکی از انبیای پیرو تورات است که در کتاب خود، به ظهور حضرت مهدی (ع) بشارت داده است. (۱) ۱. ادیان و مهدویت محمد بهشتی ص ۲۵.

صباح

یکی از فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) است که سفیانی را دستگیر می کند. سپاه حضرت مهدی (ع) از طریق فلسطین شرقی عارم عراق می شود. در کرانه های دریاچه طبریّه با سپاه سفیانی روبرو می شوند که از عراق برمی گردد. جنگ سختی میان دو سپاه در می گیرد که سفیانی در آن شکست می خورد و همه سپاهیان در آن جا کشته می شوند و فقط خودش می ماند. یکی از یاران امام به نام صباح و یا صباح با گروهی از سپاهیان بر او می تازند و او را دستگیر می کنند و به محضر امام می آورند. هنگامی او را می آورند که امام مشغول نماز عشاء هستند. نمازشان را تخفیف می دهند و به طرف او برمی گردند. سفیانی می گوید: ای پسر عمو مرا اذدکن و برای خودت نگه دار، تا یکی از یاران تو باشم حضرت به اصحاب خود می فرماید: درباره او و سخنانش چه می گوئید؟ همگی می گویند: به خدا سوگند به کمتر از قتل او راضی نمی شویم. او چقدر خون ریخته و چقدر به حریم جان و مال و ناموس مردم تجاوز کرده است و انتظار عفو دارد آن حضرت مهدی (ع) می فرماید: هر چه می خواهید انجام دهید.

گروهی از یاران او را می گیرند و روی سنگی در کرانه دریاچه طبریه می خوابانند و همانند گوسفند او را ذبح می کنند (۱). ۱. روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۱۳۵.

صیانه ماشطه

یکی از زنانی است که امام صادق (ع) در روایت مفضل بن عمر، از آن به عنوان همراه حضرت قائم (ع) نام می برد. در دولت مهدی (ع) سیزده زن برای معالجه زخمیان، زنده گشته، به دنیا باز می گردند که یکی از آنان صیانه است که همسر حزقیل و آرایشگر دختر فرعون بوده است و شوهرش حزقیل، پسر عموی فرعون و گنجینه دار وی بوده است. به گفته او، حزقیل، مؤمن خاندان فرعون است و به پیامبر زمانش - حضرت موسی (ع) - ایمان آورد. (۱) پیامبر (ص) فرمود: در شب معراج در مسیر میان مکه و مسجد الاقصی، ناگهان بوی خوشی به مشامش رسید که هرگز مانند آن را نبویده ام. او جبرئیل پرسیدم که این بوی خوش چیست گفت: ای رسول خدا همسر حزقیل به حضرت موسی بن عمران ایمان آورده بود و ایمان خود را پنهان می کرد. عمل او آرایشگری در حرمسرای فرعون بود. روزی مشغول آرایش دختر فرعون بود که ناگهان شانه از دست او افتاد و بی اختیار گفت: بسم الله دختر فرعون گفت آیا پدر مرا ستایش می کنی گفت: نه؟ بلکه آن کسی را ستایش می کنم که پدر تو را آفریده است و او را از بین خواهد برد. دختر فرعون شتابان نزد پدر رفت و گفت: صیانه به موسی ایمان دارد. فرعون او را احضار کرد و به او گفت: مگر به خدایی من اعتراف نداری؟ صیانه گفت: هرگز، من از خدای حقیقی دست نمی کشم و تو را پرستش نمی کنم. فرعون دستور داد، تنور مسی را برافروختند و چون آن تنور سرخ شد، همه بچه های آن زن را در حضور او در آتش انداختند. زمانی که خواستند بچه شیرخوارش را که در بغل داشت، بگیرند و در آتش بیندازند، صیانه منقلب شد و خواست که با زبان، از دین اظهار براءت کند که ناگاه به امر خدا، آن کودک به سخن آمد و گفت: مادر صبر کن تو راه حق را می پیمایی. فرعونیان آن زن و بچه شیرخوارش را نیز در آتش افکندند و سوزاندند و خاکسترشان را در این زمین ریختند و تا روز قیامت این بوی خوش، از این سرزمین استشمام می شود. (۲) صیانه از زنانی است که زنده می شود و به دنیا باز می گردد و در رکاب حضرت مهدی (ع) انجام وظیفه می کند. ۱. ریاحین الشریعه ج ۵ ص ۱۵۳ خصائص فاطمیه ص ۳۴۳. ۲. منهاج الدموع ص ۹۳.

طالب آملی

متوفای ۱۰۳۶ق ملقب به "ملک الشعراء" در قصیده خود با خطاب قرار دادن حضرت ولی عصر (ع) از نابسامانی هایی که دامنگیر امت اسلامی شده سخن می گوید: طبعم کند در آتش معنی سمندری و آن که فشاند از پروبال آب کوثری از شرم این سیاه دلائل می برم پناه بردر گه امام زمان نقد عسکری مولای دین محمد مهدی که شرع او دارد رواج قاعده دین جعفری دعوای غبن عمر کنند اهل روزگار برروزگار چون تونشینی یه داوری (۱)

طوسی

شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، معروف به شیخ طوسی، از عالمان بزرگ اسلام و صاحب کتاب ارزشمند "الغیة" در باب غیبت امام زمان (ع) است. وی در سال ۳۸۵ هـ. ق در شهر طوس به دنیا آمد و در سال ۴۶۰ به دیدار حق شتافت. وی از شاگردان شیخ مفید و سید مرتضی بود. وقتی سید مرتضی در سال ۴۳۶ ق، درگذشت و منصب زعامت و ریاست امامیه به شیخ طوسی محول شد، در آن عصر فرقه دوازده امامی، کاملاً معروف و سرشناس بودند و مناقشات و مباحثات مذهبی مخصوصاً در مسأله امامت به اوج خود رسیده بود. افکار عالی شیخ مفید و سید مرتضی و سایر دانشمندان در پیرامون امامت، در بلاد اسلامی

مخصوصاً بغداد پخش شده بود و بدین جهت ، حملات ورد و ایرادهای مخالفان ، متوجه محیط علمی بغداد بود . فرقه اسماعیلیه و زیدیه به وسیله زبان و قلم به مبارزه می پرداختند . اکثریت مسلمین یعنی اهل تسنن نیز که تا آن روز کاملاً به خطر توجه نداشتند ، در مقابل امامیه بسیج شدند . اما محیط علمی بغداد ، با تمام این اوضاع خطرناک آماده تبلیغ و مبارزه شده و فداکاری ها و مبارزات علمی شیخ مفید و سید مرتضی و سایر دانشمندان جهان اسلام را متوجه بغداد ساخته بود . در چنین محیط پر انقلاب و غوغایی ، از طرف خلیفه و قتال قائم بالله کرسی کلام رسماً به شیخ طوسی واگذار شد و او در چنین موقعیت حساس و خطرناکی قرار گرفت و به کارهای علمی و دفاع از عقیده تشیع مشغول گشت . در اثر مساعی و فداکاری آن دانشمند مبارز و استادان از خود گذشته اش بود که فرقه دوازده امامی که تا مدتی قبل ، فرقه گمنامی شمرده می شد به یک مذهب علمی ، فعال و مبارز تبدیل شد . تبلیغات شیخ و استادان فداکارش به حدی مؤثر واقع شد که اذان رسمی شهر بغداد بر طبق عقیده شیعه خوانده می شود و بر درب اکثر خانه های شیعیان نوشته بود : محمد و علی بهترین مردم هستند . بسیاری از امراء و بزرگان به مذهب امامیه متمایل شده بودند و از آنان طرفداری می کردند . سنی و شیعه در مجلس درس شیخ حاضر می شدند و از سخنان علمی وی بهره مند می گشتند . کار فداکاری کلامی و تبلیغی شیخ به جایی رسید که مخالفان ، از پاسخ علمی عاجز شدند و کار به دست عوام افتاد و ناگهان به شیعیان حمله نمودند و محیط شهر بغداد را تصرف کردند و شعارهای محمد و علی را که بر درب خانه ها بود محو ساختند و اذان شهر را بر طبق مذاق خودشان در آوردند و کتابخانه بزرگ و نفیس امامیه را که بهترین نسخه های خطی در آن موجود بود آتش زدند و ضربه بسیار سنگین و غیر قابل جبرانی بر پیکر علمی جهان تشیع وارد ساختند . شیخ طوسی کتاب " الشافی " استادش سید مرتضی را در زمان حیات استاد ، تلخیص و تألیف کرد و در جلد اول و چهارم آن کتاب درباره امام زمان (ع) بحث نمود . علاوه بر آن ، کتاب جدا گانه ای در خصوص امام زمان (ع) تألیف نمود و در مقدمه آن کتاب نوشت : شیخ بزرگوار به من دستور داد که کتابی درباره غیبت صاحب الزمان و سبب دوام غیبت و پاسخ شبهات مخالفان بنویسم . من با وجود کمی فرصت و ناراحتی روحی و موانع روزگار ، خواهش او را پذیرفتم و به طور اختصار آن مطلب را تعقیب خواهم کرد . وقتی که شیخ به تألیف کتاب " الغیبه " مشغول بوده ، در حدود ۱۹۲ سال از عمر امام زمان (ع) می گذشته است . زیرا در کتاب مذکور می نویسد : اکنون که سال ۴۷۷ ق ، است من به نوشتن کتاب اشتغال دارم . چنانکه از مقدمه کتاب پیداست تألیف غیبت ، در زمانی صورت گرفته که شیخ از هر جهت تحت فشار و شکنجه روحی قرار داشته و مخالفان ، اسباب اذیت و آزارش را فراهم می ساخته اند . مخالفان چندین مرتبه خانه و کتابخانه اش را مورد تجاوز قرار دادند تا در مرتبه آخر در سال ۴۴۹ یا ۴۴۸ ق . خانه اش را خراب نمودند و کتابخانه اش را آتش زدند و نوشته هایش را غارت کردند و کرسی کلامش را سوزانیدند و خودش ناچار شد از ترس دشمنان فرار کند و به نجف منتقل گردد . مؤلف ، با آن همه گرفتاری و در اوضاع آشفته و خطرناک بغداد ، به تألیف کتاب غیبت اشتغال داشت . ابتدا با ادله و براهین متعدد ، وجود امام دوازدهم یعنی فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) را اثبات می کند؟ سپس به شبهات اسماعیلیه ، زیدیه ، کیسانیه ، ناووسیه ، واقفیه ، فطحیه و سایرین جواب می دهد و عقایدشان را ابطال و در هر مورد روایات مناسبی را از باب نمونه نقل می کند . شیخ طوسی در این کتاب روایات غیبت مهدی موعود را نقل کرده و برای رفع استبعاد از غایب شدن پیغمبر در غار و شعب ابی طالب و غیب شدن خضر و یوسف و موسی و یونس و اصحاب کهف و غیبه های منسوب به بعضی از پادشاهان فرس ، و حکمای روم و هند تمسک می جوید . شیخ طوسی نسبت به موقعیت زمانی و مکانی و فرصت کمی که داشته به خوبی از غیبت حضرت ولی عصر (ع) دفاع نموده و به شهادت و اشکالات مخالفان پاسخ داده است . بعد از شیخ طوسی نیز کتاب های بسیاری پیرامون غیبت ولی عصر (ع) نوشته شده است ، ولی مندرجات آن ها همان مطلبی است که شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ صدوق و شیخ طوسی علیهم الرحمه تحقیق کرده اند ، تغییر صورت پیدا کرده و مطلب تازه در بین آن ها کم است . (۱) ۱ . نشریه موعود ، شماره ۱۶ ، ص ۷۲ .

ظریف

ابو نصر ظریف از خادمان امام حسن عسکری (ع) بوده و از کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) در برخی کتب ظریف بن خادم آمده است. ظریف می گوید: هنگامی که حجت خدا به دنیا آمد، همه خاندان خوشحال شدند و چون بزرگ شد به من دستور داده شد که هر روز همراه گوشت، یک قطعه استخوان مغزدار هم بخرم و گفته می شد که مغز استخوان برای مولای کوچک ماست (۲) ۱. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰. ۲. ارشاد مفید، ص ۳۳۰. غیبه طوسی، ص ۴۸۱ کافی ج ۱، ص ۳۳۰.

عمری

"عمری" لقب مشهور نائب اول امام زمان (ع) عثمان بن سعید است. وجه تسمیه عثمان بن سعید به "عمری" دو منشأ بیشتر نداشته است: یکی این که جد پدری عثمان بن سعید "عمرو بود، و لذا به او عمری گفته شده است و دیگر این که حضرت امام حسن عسکری (ع) راضی نشد، هم اسم عثمان بن عفان و هم لقب او در ایشان جمع شده باشد و لذا دستور داد که کنیه او را بر هم زنند و تبدیل به عمری، کنند. (۱) البته در یک جا لقب عامری نیز درباره ایشان استعمال شده است. (۲) ۱. زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده ص ۱۰۵. ۲. بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۱۷۸.

عاموس نبی

از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود از نزول حضرت عیسی (ع) در هنگام ظهور حضرت مهدی خبر داده است (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۳۲۷.

عبدالله بن صالح

از کسانی است که حضرت مهدی (ع) را دیده است. می گوید: حضرت بقیه الله (ع) را در مقابل حجرالاسود دیدم. مردم به طرف حجرالاسود هجوم می بردند و او می فرمود: به این مأمور نیستند. (۱) ۱. منتخب الاثر ص ۳۷۲ غیبه طوسی ص ۱۶۲.

عبدالله بن عباس علوی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت، اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) ۱. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰.

عبدالله بن شریک

بر طبق برخی روایات، وی یکی از فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) است. طبق فرموده امام صادق (ع)، وی یکی از ده نفری است که جزو یاران اسماعیل فرزند امام صادق (ع) و پرچم دار اوست. (۱) امام باقر (ع) نیز فرمود: گویا عبدالله بن شریک عامری را می بینم که عمامه مشکی بر سر نهاده، دو طرف عمامه اش بین شانه هایش افتاده، با سپاهی چهار هزار نفری، پیش روی قائم ما از دامنه کوه بالا می روند و همواره تکبیر می گویند. (۲) در ضمن روایات رجعت، از امام باقر (ع) آمده است: گویی عبدالله بن شریک عامری را با چشم خود می بینم که دستاری سیاه بر سردارد و تحت الحنک هایش را در میان دو کتفش آویز کرده

، در دامنه کوه در پیشاپیش قائم اهل بیت (ع) با چهار هزار سلحشور از کوه بالا می رود ، تکبیر می گویند و حمله می کنند . (۳)
 ۱ . رجال ابن داوود ص ۲۰۶ به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) ، نجم الدین طوسی ص ۹۵ . ۲ . بحارالانوار ج ۵۳ ص ۶۷ اثبات الهداء ج ۳ ، ص ۵۶۱ . ۳ . بحارالانوار ، ج ۵۳ ، ص ۷۶ .

عثمان بن سعید

ابوعمر و عثمان بن سعید عمری ، نخستین سفیر حضرت مهدی (ع) بود و در سامرا اقامت داشت . وی از سوی امام هادی و امام عسکری (ع) وکیل و نماینده بود . وی مورد اعتماد امام هادی (ع) بود و آن حضرت به یاران خود می فرمود : ابوعمر و مردی ثقه و امین است و هر چه به شما بگوید از جانب من است ، و آن چه به شما می رساند از جانب من می رساند . عثمان بن سعید امام حسن عسکری (ع) را غسل داد و کفن و حنوط کرد و به خاک سپرد . (۱) او توانست سرشناسان امامیه را قانع سازد بر این که امام دوازدهم برای محفوظ ماندن از دست دشمنان در پرده غیبت به سر می برد و آن ها را متقاعد ساخت که خود نماینده راستین آن حضرت باشد . موقعیت ممتاز او در زمان امام دهم و یازدهم (ع) سبب شد که وکلا دعوی وی را بپذیرند ، بدون این که او را مورد سؤال قرار داده و معجزه یا حجتی از وی بخواهند . (۲) عثمان بن سعید از زمان امام حسن عسکری (ع) ، رئیس وکلای امام بود و تمام وجوهاتی که شیعیان توسط وکلا می فرستادند ، همه به وی تحویل داده می شد و او نیز آن را خدمت امام تقدیم می کرد . پس از وفات امام عسکری (ع) نیز به طور مخفیانه سازمان وکالت را اداره می کرد . (۳) پس از وفات عثمان بن سعید ، حضرت مهدی (ع) طی نامه ای به فرزندش تسلیت فرمود . عثمان بن سعید چون درگذشت او را در جانب غربی بغداد در شارع الميدان ، در اول محل ، که معروف به " درب الجبله " است ، در داخل مسجد ، درب راست که داخل می شوند و قبر در خود قبله مسجد قرار دارد . در منابع امامیه به تاریخ وفات او اشاره نشده است و مورخان متاخر کوشیده اند تاریخ تقریبی نشان دهند و نوشته اند رحلت وی باید پس از سال ۲۶۰ هـ تاریخ وفات امام عسکری (ع) - و قبل از سال ۲۶۷ اتفاق افتاده باشد . (۴) برای عثمان بن سعید دو فرزند به نام های محمد بن عثمان - که بعدها دومین نایب امام زمان شد - و احمد بن عثمان ذکر شده است . (۵) وی از یازده سالگی در محضر امام هادی (ع) به خدمتگزاری و کسب فقه و حدیث و تعالیم اسلامی اشتغال داشته است ، و به القابی در میان شیعیان مشهور شده است : ۱ . سمان یا زیات روغن فروش : او را " سمان " یا " زیات " می گفتند زیرا برای پوشش نهادن به مقام والای " وکالت " و نیابت (ع) به تجارت زیتون اشتغال داشت ، تا به این وسیله در آن روزگار که خفقان و اختناق عجیبی بر جهان پهناور اسلامی و به خصوص شیعیان و دوستان اهل بیت حاکم بود ، خود را از شر دستگاه خلافت ، حفظ نماید . روش وی چنین بود که شیعیان ، اموالی را که برای امام حسن عسکری (ع) می آورند به وی تسلیم می کردند و او از ترس دستگاه عباسی ، آن اموال را میان ظرف روغن پنهان نموده و بدین گونه به خانه امام (ع) می رسانید . (۶) او برای پوشش نهادن به موقعیت حساس خود ، در بازار روغن فروشان برای ارتش روغن و اجناس دیگر حمل می کرد . (۷) ۲ . اسدی : چون از قبیله بنی اسد بود لذا به او اسدی می گفتند (۸) ۳ . عسکری : عثمان بن سعید را " عسکری " نیز می گفتند ، زیرا او از محله عسکر سامرا بوده است . (۹) ۴ . عمری : به این لقب شهرت بیشتری دارد . دو علت انتساب وی به عمری بین علمای رجال اختلاف است . شیخ طوسی در الغیبه ، می نویسد : گروهی از شیعیان گفته اند : حضرت امام عسکری (ع) فرمود : اسم " عثمان " وکنیه او " ابو عمرو " در یک شخص جمع نمی شود و دستور دادند که کنیه او را بر هم زنند و از آن وقت عمری خوانده شد . (۱۰) عثمان بن سعید ، وکیل خاص و نماینده سه امام معصوم ، امام هادی ، امام حسن عسکری و امام زمان (ع) بود . وی محرم اسرار امام حسن عسکری (ع) بود . وقتی امام مهدی (ع) متولد شد ، امام حسن عسکری (ع) گفت : پیکری دنبال عثمان بن سعید بفرستید . یک نفر فرستاده شد و عثمان بن سعید آمد . امام حسن عسکری (ع) فرمود : ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت بخر و آن را تقسیم

کن و به خاطر آن مولود، چندین گوسفند عقیقه کن. (۱۱) امام مهدی (ع) به وکالت و نیابت عثمان بن سعید در مقابل جمعیت و هیأت اهالی قم اشاره کرد و آنها را به عثمان بن سعید ارجاع داد (۱۲) عثمان بن سعید حدود پنج سال نیابت حضرت را به عهده داشت و وقتی از دنیا رفت، خاطر شریف امام زمان (ع) نیز محزون گردید و طی نامه شریفی به فرزند بزرگوارش (محمد بن عثمان) تسلیت گفت و او را به جای پدرش منصوب کرد. (۱۳) مرحوم علامه مجلسی در "بحار" زیارتنامه ای را برای عثمان بن سعید نقل کرده است که این گونه شروع می شود: "السلام علیک ایها العبد الصالح، الناصح له و لرسوله و لاولیائه." (۱۴)

۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۴۶. اصول کافی ج ۱ ص ۳۲۹. اختیار معرفه الرجال ص ۵۳۲. ۴. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم ص ۱۵۶. ۵. زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده، ص ۱۰۵. ۶. غیبه طوسی ص ۳۵۴. ۷. روزگار رهایی، ج ۱ ص ۱. ۲۹. ۸. غیبه طوسی ص ۳۵۴. ۹. همان. ۱۰. همان. ۱۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۰. ۱۲. کمال الدین، ج ۲ ص ۴۷۶. ۱۳. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۳۴۷ کمال الدین، ج ۲، باب توقیعات، ص ۵۱۰. ۱۴. بحار الانوار ج ۱۰۲، ص ۲۹۳.

عقید

خادم امام عسکری (ع) بود که بارها به دیدار حضرت مهدی (ع) نائل شده و اوصاف مبارکش را بازگو کرده است. گاهی که امام می خواست فرزند بزرگوارش را به حضور بطلبد به او دستور می داد که داخل خانه شده، آن حضرت را به محضر پدر بزرگوار بیاورد. (۱) (۱). بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۶ به نقل از فرهنگ موعود کریمشاهی بید گلی ص ۱۵۷.

علامه حلی

جمال الدین حسن بن یوسف بن مظفر حلی معروف به علامه حلی، از کسانی است که به دیدار حضرت نائل شده و از وجود ایشان بهره ها برده است. وی از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ هـ. ق از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. در تمام علوم اسلامی مهارت داشت، به طوری که تألیفات او را بیش از پانصد جلد تخمین زده اند. نوشته اند: او سلطان محمد خدابنده - پادشاه مغول - را شیعه کرد و در این مسیر خدمت بزرگی به مذهب جعفری نمود. (۱) (۱). فرهنگ موعود حسین کریمشاهی بید گلی ص ۱۵۹.

علی بن ابراهیم بن مهزیار

همان کسی است که خدمت امام زمان (ع) مشرف شده است. می گوید: نوزده سفر هر سال به مکه مشرف می شدم تا شاید خدمت مولایم حضرت ولی عصر (ع) برسم. ولی در این سفرها هر چه بیشتر تفحص می کردم، کمتر موفق به اثریابی از آن حضرت شدم. سرانجام مأیوس شدم و تصمیم گرفتم دیگر به مکه نروم. شبی در خواب دیدم به من گفته شد: امسال بیا سفر را تعطیل نکن که ان شاء الله به مقصدت خواهی رسید. با امید مهای سفر شدم. در مکه اعمال حج را انجام دادم. در این مدت دائماً در گوشه مسجد الحرام تنها می نشستم و فکر می کردم. یک روز سر در گریبان فرو برده بودم، دیدم دستی بر شانه ام خورد. شخص گندمگونی به من سلام کرد و گفت: اهل کجایی؟ گفتم: اهواز. گفت: ابن خصب را می شناسی؟ گفتم: خدا رحمتش کند از دنیا رفت. گفت: انا لله و انا الیه راجعون. مرد خوبی بود، به مردم احسان بسیاری می کرد، خدا او را بیامرزد. پس گفت: علی بن مهزیار را می شناسی؟ گفتم: بله، خودم هستم. گفت: مرحبا ای پسر مهزیار تو خیلی زحمت کشیده ای برای زیارت مولایم حضرت بقیه الله به تو بشارت می دهم که در این سفر به زیارت آن حضرت موفق خواهی شد. فردا شب در شعب ابی طالب منتظر تو هستم، تا تو را خدمت آقا ببرم. فردا با رفقا خدا حافظی کردم و به شعب رفتم. او و من سوار شتر شدیم و به کوه های

طایف رسیدیم . به من گفت : پیاده شو تا نماز شب بخوانیم . نماز شب را خواندیم و باز سوار شدیم و راه را ادامه دادیم تا طلوع فجر دمید و نماز صبح را خواندیم . هوا قدری روشن شده بود ، به من گفت : بالای آن تپه چه می بینی؟ گفتم : خیمه ای می بینم که تمام این صحرا را روشن کرده است . گفت : بله ، مقصود من همان جا است . با او تا نزدیک خیمه رفتم . وارد خیمه شدم . دیدم آقای بسیار زیبایی که دلاها را می برد ، با کمال ملاطفت و محبت ، احوال مرا پرسید . گفتم : چرا ظهور نمی کنید؟ فرمود : پدرم با من عهد کرده که در شهرها منزل نکنم ، بلکه تا موقعی که خدا بخواهد در کوه ها و صحراها به سر برم ، تا از شر جباران و طاغوت ها در امان باشم و زیر بار فرمان آن ها نروم ، تا وقتی که خدا اجازه فرجم را بدهد . من چند روز میهمان آن حضرت بودم و از انوار و علومش استفاده می کردم تا آن که خواستم به وطن برگردم ، مبلغ پنجاه هزار درهم داشتم . خواستم به عنوان سهم امام تقدیم حضورش کنم ، فرمود : از قبول نکردنش ناراحت مشو این به آن علت است که تو راه دوری در پیش داری و این پول مورد احتیاج تو خواهد بود . خداحافظی کردم و به طرف اهواز حرکت نمودم . همیشه به یاد آن حضرت و محبت های او هستم و آرزو دارم باز هم آن حضرت را ببینم (۱) . ۱ . منتهی الامال ج ۲ ص ۴۳۷ بحارالانوار ج ۱۳ ، ص ۷۳۰ .

علی بن بلال

از شخصیت های بزرگ و مورد اعتماد شیعه است . او گواهی داده است که امام حسن عسکری (ع) ، فرزندش مهدی (ع) را به چهل نفر از شیعیان نشان داده که یکی از آن ها خود او است (۱) . ۱ . ینابیع الموده ، ج ۳ ص ۱۲۳ .

علی بن زیاد

علی بن محمد بن زیاد صیمری از بستگان نایب چهارم امام زمان (ع) بود . وی از کارگزاران امام رضا (ع) و از وکلای امام دهم و یازدهم (ع) به شمار می آمد و کتابی هم موسوم به " الاوصیاء " نوشت ، تا امامت امام دوازدهم را اثبات کند . (۱) وی به امام زمان (ع) نامه نوشت و از او تقاضای کفن کرد . حضرت به او نوشت : تو در سال ۲۸۰ به آن احتیاج پیدا می کنی . سپس او در سال ۲۸۰ وفات نمود و حضرت چند روز پیش از وفاتش ، برای او کفن فرستاد (۲) . ۱ . بحارالانوار ج ۵۰ ص ۳۱۳ . ۲ . کمال الدین ، ج ۲ ص ۵۰۱ بحارالانوار ج ۵۱ ، ص ۳۱۲ .

علی بن عاصم کوفی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت ، اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (۱) ۱ . ارشاد مفید ، ص ۳۳۰ بحارالانوار ، ج ۵۱ ص ۵ .

علی بن فاضل مازندرانی

زین الدین علی بن فاضل مازندرانی شخصی است که حدود هفتصد سال پیش ، طبق ادعای خود به جزیره خضراء سفر کرده است . وی داستان خود را در نیمه شعبان ۶۹۹ ، در سامرا به دو نفر از علمای شیعه بازگو کرد . در شوال همان سال ، مشروح سفر خود را ، در حله و در منزل ام سید فخرالدین مازندرانی به فضل بن یحیی بازگفت . فضل بن یحیی که داستان جزیره خضراء را بدون واسطه از علی بن فاضل شنید ، آن را در کتابی به نام الجزیره الخضراء گرد آورد . (۱) برخی نقل داستان جزیره خضراء در کتب بعضی علماء را ، دلیل بر فضیلت و وثاقت علی بن فاضل دانسته اند . در نجم الثاقب آمده است که وی اهل مازندران و از شهرکی به نام ابریم بود . (۲) و اما شیخ حر عاملی در کتاب امل الامل ، شرح حال فضل بن یحیی را نوشته ولی راجع به علی بن فاضل هیچ اشاره

ای نمی کند. گروهی این موضع گیری حرعاملی را دلیل بر بی اعتبار دانستن او نسبت به علی بن فاضل می دانند. از کلام میرزا عبدالله اصفهانی - که ظاهراً اولین کسی است که برای علی بن فاضل شرح حال نوشته است - استفاده می شود که او در شرح حال علی بن فاضل، تنها بر داستان جزیره خضراء اعتماد کرده است. در صورتی که نقل این روایت، برای اعتماد به علی بن فاضل کافی نیست مخصوصاً با در نظر گرفتن این که مرحوم علامه و ابن داود از معاصران علی بن فاضل بوده و مع الوصف راجع به او هیچ شرحی نوشته اند (۳). ابو الحسن علی بن فرات از خاندان فرات بود. این خاندان از طرفداران شیعه و متنفذین در دستگاه عباسی بودند. چندین بار در دوران خلیفه مقتدر عباسی مقام وزارت به ایشان واگذار شد. وی یکی از زیرک ترین و فصیح ترین وزرای زمان خویش بود و جزء مشاهیر ادباء به شمار می رفت. وزیر ثروت مندی بود و وزیری که به اندازه او مالک پول نقد و دنانیر و زمین و اثاث باشد، شنیده نشده است. حدود پنج هزار نفر از اهل علم و دین و فقراء، تحت پوشش مالی وی بودند. از زمان مقتدر عباسی سه مرتبه به مقام وزارت برگزیده شد ۲۹۶-۲۹۹ هـ ق / ۳۰۴-۳۰۶ هـ ق / ۳۱۱-۳۱۲ هـ ق در وزارت دوم خود که مصادف با نیابت "حسین بن روح" بود، کمک های قابل ملاحظه ای به ایشان می نمود و رهنمودهای "حسین بن روح" توسط ابن فرات به موقع اجرا می گردید. در سال ۳۱۲ هـ ق ابن فرات و پسرش به جرم شیعه بودن دستگیر و کشته می شوند. در همان سال حسین بن روح نیز به همان بهانه وارد زندان می شود (۴). ۱. جزیره خضراء... ناجی النجار علی اکبر مهدی پور ص ۹۱. ۲. نجم الثاقب ص ۲۹۶. ۳. جزیره خضراء افسانه یا واقعیت طریقه دار، ص ۱۲۹. ۴. الکامل ج ۸ ص ۱۴۸ و ۱۴۷.

علی بن محمد سمري

چهارمین و آخرین نایب از نواب خاص امام زمان (ع) ابو الحسن علی بن محمد سمري "است که پس از "حسین بن روح" عهده دار مقام نیابت گردید. موثق بودن و جلالت او مشهورتر از آن است که ذکر شود. نیابت او از طرف امام زمان (ع) به سفارش "حسین بن روح" صورت گرفت. (۱) وی از خاندانی متدین و شیعه بوده است که در خدمتگزاری به سازمان امامیه از شهرت بسیاری برخوردار بودند و همین اصالت خانوادگی او، باعث شد که در سفارت، با مخالفت چندانی مواجه نگردد. (۲) بسیاری از اعضای این خاندان همچون حسن و محمد، فرزندان اسماعیل بن صالح و علی بن زیاد، در بصره املاکی بسیاری داشتند. آنان نیمی از درآمد این املاک را وقف امام یازدهم (ع) کرده بودند که امام، هر ساله درآمد آن را دریافت و با ایشان مکاتبه می کرد. (۳) شیخ طوسی او را جزء اصحاب امام حسن عسکری (ع) به شمار آورده (۴) و حضرت با وی مکاتباتی داشته است. شش روز قبل از رحلت سمري، توقیعی از سوی امام دوازدهم (ع) صادر شد که در آن، صاحب الامر، مرگ نایب چهارم را پیشگویی و زمان مرگ او را نیز تعیین کرده بود. متن توقیع، نمایان گر پایان غیبت صغری و انقطاع نیابت خاصه و آغاز غیبت کبری و نیابت عامه است. متن توقیع چنین است: ای علی بن محمد سمري خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد. تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مرد پس امر حساب و کتاب خود را جمع و جور کن، و درباره نیابت و وکالت، به هیچ کس وصیت مکن تا به جای تو بنشیند، زیرا غیبت کامل فرا رسیده است. دیگر تا آن روزی که خدای تبارک و تعالی بخواهد، ظهوری نخواهد بود و آن، پس از مدت درازی خواهد بود که دل ها را سختی و قساوت فرا گیرد و زمین از ستم و بیداد پرگردد. به زودی از شیعیان من ادعای مشاهده خواهند کرد. بدان هر کس که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه و بانگی از آسمان، ادعای دیدن من را نماید، دروغگو و تهمت زننده است. قدرت و توانایی از آن خداوند بلند پایه بزرگ است و بس (۵) حضار از توقیع شریف، نسخه برداشته و از نزد او بیرون رفتند و چون روز ششم شد، به سوی او بازگشتند و دیدند نزدیک است جان به جان آفرین تسلیم کند. به وی گفتند: جانشین شما کیست؟ فرمود: خدا را مشیتی است که خود انجام خواهد داد. این مطلب را گفت و درگذشت "علی بن محمد سمري" در سال ۳۲۹ هـ ق وفات یافت و قبر او در بغداد، در خیابان معروف به

خلنجی، جنب ربع المحول، نزدیک نهر ابوعتاب می باشد. (۶) او سه سال امر نیابت حضرت را به عهده داشت. ۱. تنقیح المقال ج ۲ ص ۳۰۵. آخرین امید داود الهامی ص ۱۰۹. ۳. همان ص ۱۰۸. ۴. رجال طوسی ص ۴۳۲. ۵. کمال الدین ج ۲، ص ۵۱۶ بحارالانوار ج ۵۱، ص ۳۶۰ اعلام الوری ص ۴۱۷. ۶. غیبه طوسی، ص ۳۹۶.

علی بن مطهر

از جمله کسانی است که از تولد حضرت، اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) ۱. بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰.

علی بن مهزیار

ابوالحسن علی بن مهزیار دورقی اهوازی از برجسته ترین فقها و محدثان نامدار جهان تشیع و رهبران فکری و اجتماعی شیعه در خطه خوزستان در نیمه اول قرن سوم هجری بود. وی افتخار مصاحبت و تلمذ نزد چند امام معصوم از ائمه اهل بیت (ع)، یعنی حضرت علی بن موسی الرضا، محمد بن علی الجواد، علی بن محمد الهادی، و احتمال حسن العسکری (ع)، را داشت. و از سوی حضرت جوادالائمه (ع)، و امام هادی (ع) سمت و کالت و سفارت، و نزد آن امامان همای منزلتی بسیار بزرگ یافت و در مدح و تمجید او توقعات بی نظیری از ائمه (ع) صادر گردید. بدیهی است که وی آن منزلت شایسته را بر اثر خلوص در اعتقاد، ولایت پذیری، دقت در انجام تکالیف الهی و ارائه خدمات علمی و دینی همچون هدایت مردم و تألیف کتب و نشر تفسیر وفقه و حدیث به دست آورده است. بر این اساس عموم علمای رجالی و تراجم، موقعیت ممتاز او را از حیث وثاقت، تفقه، و جاهت و محبوبیت نزد ائمه (ع)، تألیف کتب و دیگر فضائل و کراماتی که از وی مشاهده یا مسموع گردیده ستوده اند، و همگی برانند که کسی کوچک ترین خدشه ای بر شخصیت والای ایشان وارد نکرده است. شیعیان به ویژه مردم اهواز در طول تاریخ غیبت صغری و کبری مقام او را ارج نهاده و مرقدش را به مثابه ملجأ و پناهگاه معنوی برای عموم مؤمنین زیارت می نمایند. آرامگاه علی بن مهزیار در اهواز است. علی بن مهزیار علاوه بر سی کتاب مشابه کتب حسین بن سعید، ده کتاب دیگر به نام های حروف القرآن، کتاب القائم (ع)، کتاب انبیاء، کتاب نوادر کتاب وفات ابوذر کتاب اسلام سلمان فارسی، کتاب خصال، کتاب حدیث الاشعریه، کتاب رسائل علی بن اسباط و کتاب حدیث بدر یعنی مجموعاً چهل کتاب تألیف نموده اند. کتاب های علی بن مهزیار که در عناوین با کتاب های حسین بن سعید مشابه است عبارتند از: وضو، صلاه، زکاة، صوم، حج، طلاق، حدود، دیات، تفسیر فضائل، عتق و تدبیر، تجارات و اجارات، مکاسب، مثالب، دعا، تجمل و مروت، مزار، رد بر غلات و صایا، موارد، خمس، شهادت، فضائل المؤمنین، ملاحم، تقیه، صید و ذبائح، زهد، اشربه، نذور و ایمان و کفارات، بشارات، النکاح. کتاب های فوق از اصلی ترین و عمده ترین کتاب هایی بوده که مورد استناد اصحاب کتب اربعه قرار گرفته است. و اما شبی تشرف علی بن مهزیار به محضر امام زمان (ع): تصور عمومی درباره ایشان در این حد است که بیست بار به قصد ملاقات امام زمان (ع)، به زیارت خانه خدا مشرف شده ولی توفیق زیارت نیافته تا اینکه در عالم خواب به او گفته شده که امسال به سفر حج برو که به ملاقات امام زمان (ع) توفیق پیدا کنی. بالاخره در بیست و یکمین سفر پس از ادای مناسک حج خدمت آن مولا شرفیاب شده است. این مضمون حتی در زیارتنامه ای که برای زیارتگاه تنظیم شده منعکس گردیده است. در حالی که اهل علم و مطالعه می دانند در کتب رجال و تراجم قدیمی، چنین قصه ای برای علی بن مهزیار نیامده و اصولاً تاریخ زندگانی او این قصه را تکذیب می کند. آن کسی که در زمان غیبت امام زمان (ع)، خدمت آن حضرت رسیده شخصی به نام علی بن ابراهیم بن مهزیار برادرزاده علی بن مهزیار بوده است. زیرا مهزیار سه پسر داشته، اولی و مشهور آن ها همان علی، دومی ابراهیم و سومی داود، و همگی از فقها ر از

اصحاب ائمه (ع) بودند و علی که خدمت امام زمان رسیده، فرزند ابراهیم بوده است. کتاب هایی که قصه تشرف علی بن ابراهیم بن مهزیار را نقل نموده عبارتند از: الف: کمال الدین و تمام النعمه تألیف شیخ صدوق م (۳۸۱ ق). ب: کتاب الغیبه شیخ طوسی م (۴۶۰ ق). ج: دلائل الإمامه، تألیف محدث کبیر محمد بن جریر بن رستم طبری صغیر از علمای قرن پنجم هجری. (۱) ۱. نشریه موعود، شماره ۲۱ ص ۲۶.

عمانی

حسن بن علی بن عقیل عمانی نخستین کسی بود که رهبری و مرجعیت دینی در دوران غیبت طولانی امام مهدی (ع) را به دست گرفت. سید محمد مهدی بحرالعلوم درباره شخصیت بزرگ علمی او می نویسد: او نخستین کسی است که فقه را دسته بندی و تهذیب کرد و در راه استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلی آن، دست به تلاش و اجتهاد زد و در آغاز غیبت کبری، راه را برای تحقیق و تفحص از اصول و فروع و گسترش بخشیدن به آن و بنیاد پایه های آن گشود... علما و بزرگان فقه و فقاها، به ویژه دو شخصیت گرانقدر علم و فقه، علامه حلی و محقق حلی و علمای پس از آن دو بزرگوار، به فرمایشات مرحوم عمانی و فتوهای او و ثبت و نقل آن ها سخت بها می دادند. فقیه بزرگوار مرحوم عمانی از نظر علما و فقهای بزرگ، مقام و منزلت بسیار والایی دارد و دانشمندان پیشین، همچون مرحوم مفید و طوسی او را ستوده اند. او در موضوع امامت، کتابی به نام "الکر والفر" نگاشت و در فقه، کتابی تحت عنوان المتمسک بحبل آل الرسول به رشته تحریر در آورد. تاریخ ولادت آن فقیه بزرگ در دست نیست، اما به نظر می رسد، سال هایی پیش از مرحوم مفید زیسته و رحلت کرده است، چرا که او از نظر زمان، پیش از ابن جنید بوده و می دانیم که ابن جنید از اساتید مرحوم مفید بوده است. به هر حال، رهبری فکری و مرجعیت دینی، شکل خاص خویش را گرفت و حلقه های درسی در بغداد تشکیل شد و سال ها سپری شد و ستاره مفید در بغداد درخشیدن آغاز کرد و حوزه علمیه را پی ریخت.

عمر الاهوازی

از جمله کسانی است که از تولد حضرت، اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) ۱. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید ص ۳۳۰.

عمر بن زید

برده فروشی بود که ملیکه نرجس خاتون را به فرستاده امام هادی (ع) بشر بن سلیمان فروخت. (۱) در برخی منابع "عمر بن برید" آمده است. ۱. مهدی موعود، ص ۱۸۸ کمال الدین ج ۲، ص ۴۱۸.

عمری

"عمری" لقب مشهور نائب اول امام زمان (ع) - عثمان بن سعید - است. وجه تسمیه عثمان بن سعید به "عمری" دو منشأ بیشتر نداشته است: یکی این که جد پدری عثمان بن سعید عمرو بود، و لذا به او عمری گفته شده است و دیگر این که حضرت امام حسن عسکری (ع) راضی نشد، هم اسم عثمان بن عفان و هم لقب او در ایشان جمع شده باشد و لذا دستور داد که کنیه او را بر هم زنند و تبدیل به عمری، کنند. (۱) البته در یک جا لقب عامری نیز درباره ایشان استعمال شده است. (۲) ۱. زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده ص ۱۰۵. ۲. بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۱۷۸.

حسین عنصری بلخی متوفی ۴۳۱ ق از قصیده سرایان طراز اول زبان فارسی در سده های چهارم و پنجم هجری است . این قصیده سرا که در دربار سلطان محمود غزنوی از منزلت خاصی برخوردار بوده ، در قصیده مناقبی خود ضمن نکته گیری از غضایری شاعر ، شیوه حکومتی سلطان غزنوی را نسخه ای از حکومت جهان شمول مهدی موعود (ع) معرفی می کند : خدایگان خراسان و آفتاب کمال که وقف کرده بر او ذو الجلال عزو جلال زییم تیغ توه تیره بود دل کافر به نور دین تو روشن یود دل ابدال سیاست توبه گیتی علامت مهدی است کجاسیاست تو نیست فتنه دجال (۱) ۱ . سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی ص ۶۳ .

عوف سلمی

در روایتی از امام زین العابدین (ع) آمده است : پیش از خروج آن حضرت مهدی (ع) مردی به نام عوف سلمی در سرزمین الجزیره خروج می کند ، در تکریت ماوی می گزیند و در مسجد دمشق به قتل می رسد . (۱) عوف سلمی احتمالاً از نسل جعفر طیار باشد که بصره را با خاک یکسان می کند و از عراق عبور کرده ، وارد دمشق می شود و در مسجد شام به قتل می رسد (۲) این خرابی بصره ، غیر از آن خرابی است که در قرن سوم هجری ، توسط صاحب زنج انجام یافته است . ۱ . غیبه طوسی ، ص ۲۷۰ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۰۲ . روزگار رهایی ج ۲ ، ص ۱۰۱۴ .

عیسی (ع)

از حضرت عیسی (ع) در روایات ، با واژه های گوناگون مانند وزیر ، جانشین ، فرمانده و مسؤول در حکومت حضرت مهدی (ع) یاد شده است . حضرت عیسی (ع) به مهدی (ع) می گوید : من به عنوان وزیر فرستاده شده ام نه امیر (۱) حضرت عیسی (ع) وزیر حضرت مهدی (ع) پرده دار و جانشین آن حضرت است (۲) حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان فرود می آید و در قدس پس از اعلام بیعت با حضرت مهدی (ع) پشت سر حضرت نماز می گذارد . پس از فتح غرب توسط حضرت و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان ، حضرت عیسی (ع) رحلت نموده و حضرت مهدی (ع) و دشمن او را می بیند ، به یاد مرگ می افتد چنان که گویی عیسی (ع) قصد جانش را کرده است در برخی از روایات از حضرت عیسی (ع) به عنوان مسؤول دریافت اموال حضرت قائم (ع) یاد شده است (۵) مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند . بر طبق روایات ، امام (ع) مراسم دفن و نماز خواندن بر بدن وی را آشکارا در حضور مردم انجام می دهد ، تا همچون بار اول درباره او سخن ناروا نگویند . سپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم (ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش ، در قدس به خاک می سپارد (۳) در برخی روایات آمده که حضرت عیسی (ع) ، جزو فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) است (۴) در ویژگی حضرت عیسی (ع) آمده است : او چنان ابهتی دارد که چون ۱ . ملاحم ابن طاووس ، ص ۸۳ فتن ابن حماد ، ص ۱۶۰ . ۲ . غایه المرام ، ص ۶۹۷ حلیه الابرار ج ۲ ، ص ۶۲۰ . ۳ . عصر ظهور ، علی کورانی ، ص ۴۲۹ . الشیعه والرجعه ج ۱ ص ۱۶۷ . ۵ . فتن ابن حماد ص ۱۶۱

عیسی بن مهدی جواهری

از کسانی است که به نشگاه قبله موعود شرفیاب شده است (۱) می گوید : آن چنان از شوق دیدار مدهوش شدم ، که پنداشتم

عقل از سرم بریده است. حضرت بقیه الله (ع) فرمود: ای عیسی (ع) اگر تکذیب منکران نبود به تو افتخار دیدار نمی دادیم، که می گویند: کجاست؟ از کی است؟ کجا متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ چه نشانه هایی از او دیده اید؟ چه خبرهایی از او به شما رسیده است؟ چه معجزاتی از او سر زده است؟ ای عیسی آن چه دیدی به دوستان ما بازگو کن. ولی هرگز به دشمنان ما مگو که از این - کرامت ها - محروم گردی (۲) ۱. روزگار رهایی ج ۱ ص ۱۶۳. ۲. منتخب الاثر ص ۶۹۷.

غانم

ابو غانم از خادمان منزل امام حسن عسکری (ع) بوده که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و خبر داده است ابو غانم می گوید (۱) حضرت قائم (ع) در گهواره بود، به محضرش شرفیاب شدم، فرمود: صندل قرمز پیش من بیاور وقتی آوردم، فرمودند: مرا می شناسی؟ گفتم: آری، شما مولای من و فرزند مولای من هستید. فرمود: آن را سؤال نکردم گفتم منظور خود را بیان فرمایید. فرمودند: من خاتم اوصیا هستم، خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دفع می کند (۲) باز ابو غانم از دیدار دیگری سخن می گوید که در آن گروهی از شیعیان افتخار حضور داشته اند، وی می گوید: برای ابو محمد امام حسن عسکری (ع) فرزندی متولد شد که اسم او را محمد گذاشت. روز سوم ولادتش او را بر اصحاب خود نشان داد و فرمود: این مولود امام و سرپرست شما بعد از من است و جانشین من است در میان شما. این همان قائم (ع) است که گردن ها برای انتظار به سوی او کشیده می شود، وقتی که زمین از ظلم و جور پر شده باشد، قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند (۳) ۱. ارشاد مفید، ص ۳۲۰ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵. ۲. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۹، غیبه طوسی، ص ۴۸۱. ۳. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵.

فضل بن یحیی

فضل بن یحیی بن مظفر طیبی، مؤلف کتاب الجزیره الخضراء است. وی داستان جزیره خضره را نخست در کربلا- در ۱۵ شعبان ۶۹۹ از شمس الدین محمد بن بخیح حلی و جلال الدین عبدالله حوام حلی شنیده و آنگاه رهسپار حله شد و داستان را بدون واسطه از علی بن فاضل مازندرانی بشنود و در کتاب خود فراهم آورد. فضل بن یحیی اهل کوفه و مقیم واسط بود و به شغل کتابت اشتغال داشت و جزء دوازده نفری است که کشف الغمه را در حضور مؤلفش فرا گرفتند (۱) علی بن عیسی اربلی متوفی ۶۹۲، کتاب پرارج خود کشف الغمه را در حضور دوازده تن از دانشمندان عصر خود قرائت کرد و آن ها آن را استماع کرده، برای خود استنساخ نمودند. مؤلف به همه آن دوازده نفر اجازه روایت داده است. در تمام جلساتی که کتاب قرائت می شده، کاتب جلسه فضل بن یحیی بوده و همه اجازات به خط او بوده است. کشف الغمه ای که به خط فضل بن یحیی بوده تا قرن یازدهم باقی مانده است. شیخ حر عاملی صاحب وسائل درباره وی می نویسد: فضل بن یحیی، دانشمند جلیل القدری است که در واسط به کار کتابت اشتغال داشت و در سال ۶۹۱ کشف الغمه را در حضور مؤلفش خواند و نسخه اش را با نسخه مؤلف تطبیق کرد (۲) پدرش "یحیی بن مظفر" نیز دانشمند، ادیب و شاعر بود و او نیز جزء دوازده نفری است که کشف الغمه را در حضور مؤلفش فرا گرفته اند (۳) تاریخ وفات فضل بن یحیی در دست نیست، فقط می دانیم که وی تا سال ۶۹۹ زنده بوده است. نکته دیگر این است که احتمال دارد فضل بن یحیی دو نفر باشند: ۱. راوی داستان جزیره خضره ۲. کسی که اربلی به او اجازه حدیث داده است. احتمال دو نفر بودن از بیان میرزا عبدالله اصفهانی معروف به افندی معلوم می شود. او می گوید: حق این است که هر دو یک نفرند (۴) البته وی دلیل خود را بر آن چه آن را حق دانسته، بیان نکرده است (۵) ۱. الذریعه ج ۵، ص ۱۰۶. ۲. امل الامل ج ۲ ص ۲۱۷. ۳. همان ص ۳۴۸. ۴. ریاضی العلماء ج ۴ ص ۳۷۷. ۵. جزیره خضره، افسانه یا واقعیت، طریقه دار ص ۱۲۸.

فضل بن شاذان نیشابوری ، از فقها و متکلمین امامیه است و یکصد و هشتاد کتاب نوشته که از جمله آن ها کتابی در احوال قائم آل محمد (ص) و غیبت است . شیخ طوسی در رجال خود ، او را از جمله اصحات امام هادی و امام عسکری (ع) شمرده است و می نویسد : فضل بن شاذان در سال ۱۶۰ ق وفات کرد . شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه می نویسد : کتاب غیبت فضل بن شاذان ، نزد سید محمد بن محمد میرلوحی که هم عصر مجلسی بوده ، موجود است (۱) ۱ . الذریعه ج ۱۶ رجال نجاشی ص ۲۳۵ رجال طوسی ص ۴۲۰ .

فلان

در روایات مهدوی ، از فلان ، بنی فلان ، ولد فلان بسیار یاد شده است . در روایتی داریم : چون اولاد فلانی دچار اختلاف شدند ، فرج نزدیک است (۱) در روایات دیگری می خوانیم : در بغداد هشتاد هزار نفر کشته می شوند که هشتاد تن از آن ها از اولاد فلانی است . (۲) و نیز آمده است : این امر واقع نمی شود ، مگر هنگامی که شمشیرهای بنی فلانی در میان خود به کار افتد و حلقه تنگتر شود . (۳) البته در شرح پاره ای احادیث ، منظور از فلان ذکر شده است . ۱ . غیبه نعمانی ص ۳۵۱ بحارالانوار ج ۵۲ ، ص ۲۳۱ . ۲ . الزام الناصب . ۳ . کشف الغمه ج ۳ ص ۹۱۳ منتخب الاثر ، ص ۲۵۲ .

فیض کاشانی

ملا- محسن فیض کاشانی متوفای ۱۰۹۱ق از علمای نامدار امامیه در قرن یازدهم هجری معاصر شاه عباس ثانی است که در فقه و حدیث و تفسیر و فلسفه ، صاحب نظر و دارای تالیفات گران بهایی است . در کثرت و تنوع تألیف ، سرآمد دانشمندان به شمار می رود . علوم عقلی را از استاد بزرگ آخوند ملا صدرالدین شیرازی فراگرفت و به دامادی او مفتخر گردید . وی بیش از هشتاد تألیف از خود به جا گذاشته که از جمله آن هاست . کتاب الوافی ، تفسیرالصافی ، علم الیقین ، امالی ، المحجۀ البیضاء فی احیاءالاحیاء و . . . این عالم بزرگوار در عرصه شعر نیز کوشا بوده و دیوان او به همت شاعر فرهیخته مصطفی فیضی ، در سه جلد منتشر شده است . او در قصاید خود ، بسیار از مهدی یاد کرده است : بر عشق هزار آفرین فیض کز دولت اوبه حق رسیدم اومهرنمی و آل اوبود جامی که به کام دل کشیدم از پیروی چهارده نور حق ، براغیار برگزیدم چشمم به ره قدوم مهدی است این سرمه به دیده ز آن کشیدم گرنامه سیاهم از گنه ، شکر کز مهرانم ، روسفیدم فیض کاشانی بسیاری از غزلیات لسان الغیب حافظ شیرازی را استقبال و تضمین کرده و شیفتگی خود را نسبت به ساحت آن مصلح جهانی ابراز داشته است (۱) ۱ . سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی ص ۱۰۲ .

قادیانی

میرزا غلام احمد قادیانی بنیانگذار فرقه احمدیه یا قادیانیها بود . او مردی روحانی ، اهل قصب قادیان از شهرستان گرداس پور پنجاب بود که در پنجاه سالگی با استفاده از توجیه و تفسیر بعض احادیث شیعه - که زمان ظهور مهدی (ع) را در قرن چهاردهم هجری پیش بینی کرده است - دعوی نمود که مهدی موعود و مظهر رجعت ، مسیح است . سپس در روز چهارم مارس ۱۹۸۸م ادعا کرد که وحی بر او نازل شده و پیامبر است چون مردی عالم و زباندار بود ، جمعی از مردم قادیان به او گرویدند که پیروان این مذهب نوپا را قادیانی یا میرزایی یا احمدی نام نهادند . غلام احمد در اثبات ادعای خود کتاب های چندی تألیف کرد که هم آن

ها: قصاید احمدیه المسیح الموعود والمهدی الموعود، مواهب الرحمن، حمامة البشری الی اهل مکة وصلحاء ام القرى است. به علاوه یک مجله ماهیانه، به زبان انگلیسی از سال ۱۹۰۲م در قادیان منتشر نمود که ارگان رسمی قادیان ها است و هنوز هم مرتباً انتشار می یابد. عقاید غلام احمد، کلاً مبتنی بر اصول اسلام و تشیع بود. فقط در سه اصل با سایر مسلمانان اختلاف داشت: جهاد، مسیح و مهدی. او درباره مسیح معتقد است پس از آن که به صلیب کشیده شد نمرد، بلکه او را به هندوستان و ایالت کشمیر بردند و در آن جا به تبلیغ کیش خود مشغول بود تا آن که در صد و بیست سالگی در گذشت و در شهر "سرینگر" مدفون گشت. درباره امام مهدی (ع) می گوید: او مظهر مسیح و محمد (ع) و جلوه ای از کریشنا یکی از الهه های هندوان است و خود او همان مهدی موعود است که ظهور کرده است. پس از فوت غلام احمد، میرزا نورالدین به عنوان خلیفه اول او انتخاب گردید و بعد از او، میرزا بشیرالدین محمد احمد پسر غلام احمد یا سمت خلیفه دوم به پیشوایی فرقه احمدیه برگزیده شد. بعد از مرگ نورالدین، بین فرقه احمدیه انشعاب پیدا شد. گروهی به ریاست مولانا محمد علی عقیده پیدا کردند که غلام احمد نبی یا مهدی و یا مسیح نبوده، بلکه مبشر و مجدد اسلام بوده است. این گروه، انجمنی به نام انجمن اشاعت اسلامی احمدیه تشکیل دادند و به اعضای انجمن لاهور و مجددی، معروف گشتند. لیکن اکثریت قادیانی ها به ریاست میرزا بشیرالدین، بر عقیده نبوت و مهدویت و مسیحیت غلام احمد، باقی ماندند. هر دو گروه، مساجدی در نقاط مختلف بنا کرده، تبلیغات دامنه داری را دنبال می کنند. (۱)

۱. معارف و معاریف، ج ۱، ص ۶۰۷.

قاسم انوار

در دیوان قاسم انوار متوفای ۸۳۷ ق متخلص به قاسمی، غزل بشارت انگیزی وجود دارد که رایحه مهدوی از آن به مشام می رسد: موسی به کوه طور به نورعیان رسید توفیق وصل یار عنان بر عنان رسید شادی اهل عالم و هنگام شادی است کاندلر زمانه مهدی آخر زمان رسید آسوده ایم و ظاهر ماشاد و خرم است چون فیض فضل یار، جهان در جهان رسید (۱) ۱. سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی، محمد علی مجاهدی ص ۹۳.

قاسم بن علاء

از کارگزاران حسین بن روح بود که در آذربایجان فعالیت می کرد. ابوحامد عمران بن مفلس و ابو علی حجدر در دستیار وی بودند. (۱) او از زمان امام هادی (ع) وکیل این ناحیه بود. یکصد و هفده سال عمر کرد و هشتاد سال از سلامتی چشم برخوردار بوده و حضرت هادی و عسکری (ع) را زیارت کرده است (۲) امام زمان (ع) پیش از وفات او، هفت تکه پارچه برای کفن او فرستاد و به او خبر داد که چهل روز پس از رسیدن پارچه های کفن به او، فوت خواهد کرد و او در همان روز از دنیا رفت (۳) وی به هنگام وفاتش وصیت کرد که اگر از وارثان او کسی با تقوا نبود، از آن چه که او برای حضرت وقف کرده است محروم باشد، پس از وفاتش از سوی حضرت، توقیعی برای تسلیت به فرزندش صادر شده و در آن این عبارت آمده است: پدرت را پیشوای تو، و کارهایش را الگوی تو قرار دادیم (۴) ۱. تاریخ سیاست غیبت امام دوازدهم (ع)، ص ۱۹۷. ۲. غیبة طوسی ص ۱۸۸. ۳. غیبة طوسی ص ۱۸۸. ۴. آخرین امید ص ۱۱۸.

قاسم بن علی

وکیل نائب دوم- محمد بن عثمان- در آذربایجان ایران بود و تا زمان نائب سوم در این سمت فعالیت می کرد (۱) ۱. آخرین امید ص ۹۰.

از خلفای دوران غیبت صغری بود. اسم او محمد بن معتضد است. در سال ۳۲۰ هجری به خلافت رسید و در سال ۳۲۲ چشمانش را میل کشیدند و کشتند. اخلاق او ثباتی نداشت و زود رنگ عوض می کرد. نیزه بزرگی داشت که هر وقت در خانه خود راه می رفت آن را به دست می گرفت و به هنگام نشستن جلو روی خود می گذاشت و هرکسی را می خواست بکشد، با آن می زد. وی در کارهایش چندان دقت نمی کرد و رفتار او هول انگیز بود. (۱) ۱. زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) علی غفارزاده، ص ۴۹.

قطران تبریزی

ابو منصور قتران تبریزی ملقب به امام الشعراء متوفای ۴۶۶ قدر قصیده ای که به مناسبت زلزله شهر تبریز سروده، ویرانی های ناشی از این بلای طبیعی را به تصویر می کشد و می گوید که به چشم خود، روز قیامت را مشاهده کرده و پرچم حضرت مهدی (ع) را در اهتزاز و فتنه دجال را فراگیر دیده است. بود محال مرا داشتن امید محال به عالمی که نباشد همیشه بریک حال از آن زمان که جهان بوده حال زین سان بود جهان بگردد، لیکن نگردهش احوال خدا به مردم تبریز، برفکند فنا فلک به نعمت تبریز برگماشت زوال همی به دیده بدیدم چو روز رستاخیز زپیش رایت مهدی و فتنه دجال (۱) ۱. سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارس، محمد علی مجاهدی ص ۶۴.

قنواء

طبق روایت مفضل بن عمر از امام صادق (ع)، وی از زنانی است که جزو یاران حضرت مهدی (ع) خواهد بود. قنواء دختر رشید هجری است و در خصوص شخصیت او در کتب شیعه و سنی، سخنی به میان نیامده است. ابو حیان بجلی می گوید: از قنواء دختر رشید هجری پرسیدم: از پدرت چه حدیث و روایتی شنیده ای گفت: پدرم از امیرالمؤمنین (ع) نقل کرد که آن حضرت فرمود: ای رشید صبر تو چگونه است، هنگامی که پسر خوانده بنی امیه- ابن زیاد- تو را نزد خود بخواند و دو دست و دو پا و زبانت را قطع کند؟ عرض کردم: آیا پایان کارم بهشت است فرمود: ای رشید در دنیا و آخرت به همراه من هستی. قنواء می گوید: به خدا سوگند، پس از مدتی ابن زیاد پدرم را احضار کرد و از او خواست تا از علی (ع) بیزاری بجوید، ولی او هرگز این کار را نکرد. ابن زیاد گفت: علی (ع) کیفیت قتل تو را چگونه توصیف کرده است؟ پدرم پاسخ داد: دوست من علی (ع) مرا چنین آگاه ساخت که تو مرا به بیزاری از علی (ع) می خوانی، ولی من اجابت نمی کنم؟ سپس دو دست و دو پا و زبانت را قطع می کنی. ابن زیاد گفت: به خدا سوگند، خلاف پیشگویی علی را در حق تو اجرا می کنم. آن گاه دستور داد دو دست و دو پا و زبانت را قطع کنند و زبانش را سالم باقی گذارند. قنواء می گوید: من پدرم را به دوش کشیدم و در راه به او گفتم: ای پدر آیا احساس درد می کنی؟ فرمود: خیر، فقط به مقدار فشاری که جمعیت بر من وارد کند، احساس ناراحتی می کنم. چون پدرم را برداشتم و از کاخ ابن زیاد بیرون بردم، مردم به گرد او جمع شدند. پدرم از فرصت استفاده کرد و گفت: قلم و دوات و کاغذ بیاورید تا برای شما حوادثی را بازگو کنم؟ ولی چون این خبر به ابن زیاد رسید، دستور داد زبانش را نیز قطع کنند و پدرم در همان شب به شهادت رسید. (۱) ۱. سفینه البحار، ج ۲ ص ۵۲۲ اعیان الشیعه ج ۳۲، ص ۶ چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) ص ۷۵.

خادم امام هادی (ع) بود که بشر بن سلیمان را - جهت خریداری نرجس خاتون ، ملیکه رومیه - به خدمت حضرت احضار کرد (۱)
 وی خادم امام حسن عسکری (ع) نیز بوده و در نقل حدیث توثیق شده و او همان کسی است که حضرت عسکری (ع) پارچه
 ای به دست او داد که به حلوان برود و احمد بن اسحاق قمی را کفن نماید (۲) . ۱ . مهدی موعود ص ۸۸۱ بحارالانوار ج ۵۱ ص
 ۲۰۶ . معارف و معاریف ج ۸ ص ۴۵۵ .

کافور بن ابراهیم

کافور بن ابراهیم مدنی ، حسب روایت شیخ طوسی در کتاب غیبه ، از جمله کسانی است که حضرت ولی عصر (ع) را در رک
 نموده و معجزات و غرایبی از آن حضرت مشاهده کرده و از پدر بزرگوارش حضرت عسکری (ع) نص بر امامت آن حضرت نقل
 کرده است (۱) (۱) . معارف و معاریف ج ۸ ص ۴۵۵ .

کافی

از سخنرانان مخلصی بود که با تلاش های خالصانه خود به ترویج فرهنگ مهدویت پرداخت . مرحوم حاج شیخ احمد کافی در
 سال ۱۳۱۵ در شهر مشهد در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود پدرش مرحوم میرزا محمد کافی ، فرزند میرزا احمد کافی
 یزدی ، یکی از روحانیان متقی و وارسته بود . مرحوم میرزا احمد کافی ، جد پدری مرحوم کافی در تحصیل مدارج علمی و عملی
 بسیار کوشا و موفق بوده است و مرحوم کافی در دامان جد خویش در کمال دقت نظر تربیت یافت . وی از کودکی علاقه خویش را
 به حضور در مجالس ابا عبدالله الحسین (ع) و ذکر مراثی آن حضرت نشان می داد که بسیار مورد تشویق مردم و به ویژه جد
 خویش واقع شد با بروز این علاقت و استعداد ، جد مرحوم کافی تصمیم به تربیت و آموزش مسائل دینی به وی را می گیرد ، به
 طوری که در سنین هشت یا نه سالگی ، مرحوم حاج شیخ احمد کافی رسماً در حرم مطهر ثامن الحجج (ع) در شب های جمعه
 تشکیل جلسه می دهد . سپس به خواندن دروس حوزوی در مشهد می پردازد و سالیانی بعد راهی نجف اشرف گشته و مدت پنج
 سال در آن جا به تحصیل علوم دینی همت می گمارد . پس از آن رهسپار قم شده و حدود سه سال در قم به ادامه تحصیل و
 در کنار آن به منبر و موعظه برای مردم می پردازد . در ۲۳ سالگی در شهر مقدس مشهد با بیت مرحوم آیت الله سید حسین
 شاهرودی که از زهاد و علماء معروف مشهد بود ، وصلت می نماید و بعد از دو سال به جهت اصرار فوق العاده مردم و متدینین
 شهر تهران و ابراز نیاز تبلیغی شهر تهران در رژیم منحوس پهلوی ، ایشان جهت ادای وظیفه شرعی به تهران کوچ می کند و در
 حقیقت ، مشکلات کار خویش را آغاز می نماید . تا این که احساس نیاز به یک پایگاه مذهبی ، ایشان را وادار به احداث مهدیه
 تهران می نماید که منشأ آثار خیری بوده و هست منابر ایشان در سراسر کشور و بعضی کشورها از قبیل : کویت ، سوریه ، عربستان ،
 پاکستان و ... همچنین خدماتی از قبیل : تأسیس مدارس مساجد ، درمانگاه ها ، مهدیه ها و . . که برخاسته از خلوص نیت و صفای
 باطن آن مرحوم بود ، موجب شهرت و محبوبیت ایشان گردید وی در اوج محبوبیت در روز میلاد معشوقش امام زمان (ع) نیمه
 شعبان - در سال ۱۳۵۷ در ۴۲ سالگی و در مسیر زیارت ثامن الحجج (ع) دارفانی را وداع و به سلف صالح پیوست (۱) هنوز
 نوارهای پر سوز و گداز وی در دست افراد جامعه می چرخد و صدا و سوز خالصانه اش ، عطر نام و یاد مهدی (ع) را می پراکند .
 ۱ . نغمه های از بلبل بوستان حضرت مهدی (عج) ج ۱ ، ص ۱۴ .

کامل بن ابراهیم

کامل بن ابراهیم مدنی از جمله کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است . (۱) گروهی از

مفوضه او را به محضر امام حسن عسکری (ع) فرستادند تا سؤالاتی از محضر امام بپرسد. وی وارد مجلس شد و در کنار دری که پرده ای بر آن آویخته بود، نشست. پیش از آن که سؤالاتش را مطرح کند، بادی وزید و پرده کنار رفت. حضرت مهدی (ع) که در آن جا بودند، پاسخ پرسش های وی را ارائه فرمودند. (۲) کامل بن ابراهیم از برکت وجود حضرت، هدایت شد و از عقیده اش برگشت. وی جزو کسانی است که بر جنازه امام حسن عسکری (ع) نماز خوانده و در مراسم تشییع جنازه، حضرت مهدی (ع) را دیده اند (۳). ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵ ارشاد مفید، ص ۳۳۰. ۲. کشف الغمه، ج ۲ ص ۴۹۹. ۳. روزگار رهایی ج ۱، ص ۱۶۰ و ۱۶۵.

کامل سلیمان

از نویسندگان پرشور جبل عامل لبنان است که آثار پرارگی را به جهان تشیع تقدیم نموده است. از جمله آن هاست: الحسن بن علی (ع)، التریه، سسله تربویه، ادب الائمه شیعتهم، اشرق من قلبی، سیل یا عطشان، یوم الخلاص و... یوم الخلاص از کتاب های سودمندی است که به شیوه ای دلپذیر و اسلوبی نوین، پیرامون غیبت حضرت ولی عصر (ع) به رشته تحریر در آمده است. این کتاب با عنوان روزگار رهایی ترجمه شده است.

کسروی

سید احمد کسروی از نویسندگان و مورخان ایران است که در سال ۱۲۶۹ شمسی در تبریز متولد و در سال ۱۳۲۴. ش در تهران به دست فدائیان اسلام به ضربت خنجر به قتل رسید. (۱) او مردی تندخو و نسبت به روحانیون سخت دشمن بود. او به ساحت مقدس ائمه اطهار (ع) و شخص پیامبر (ص) گستاخی کرد و جسارت ها به مذهب شیعه و اعتقاد به امامت مهدی موعود (ع) و غیبت آن حضرت نمود. در یکی از کتاب هایش می نویسد: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و ابوالحسن سیمری که ادعای نیابت امام نا پیدا کردند، افرادی گمنام بودند و کسی آن ها را نمی شناخت و خواسته اند، از این راه به ریاست برسند. (۲) ۱. فرهنگ معین ج ۶ ص ۱۵۷۷. ۲. مهدی موعود پاورقی ص ۵۱۶.

کلینی

ابو جعفر محمد بن اسحاق کلینی رازی معروف به ثقة الاسلام، شیخ مشایخ شیعه و رئیس محدثین علمای امامیه و اوثق و اعدل ایشان و مروج مذهب شیعه در عصر غیبت امام عصر (ع) است. عامه و خاصه در فتاوی به وی مراجعه کرده اند و بدین جهت به ثقة الاسلام شهرت یافت. وی یکی از صاحبان کتب اربعه و صاحب کافی است که در عقاید حقه اسلامی و استنباط دینی، مرجع اکابر و مورد استفاده فقها و محدثین بزرگ است و به تصدیق شیخ مفید، اجل کتب اسلامی و اعظم مصنفات شیعه و مشتمل بر شانزده هزار و یکصد و نود و نه حدیث است. کلینی از علمای زمان غیبت صغری است و وفات او ۶۹ سال پس از وفات امام عسکری و در ماه شعبان ۳۲۹ هجری اتفاق افتاد و قبرش در بغداد است. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۸ ص ۵۷۶.

کنیز آذری

زنی است که حضرت ولی عصر (ع) مژده آن را به علی بن حسین پدر شیخ صدوق داد و فرمود از آن کنیز، دو پسر فقیه و دانشمند برایت متولد خواهد شد. وقتی علی بن حسین پدر شیخ صدوق فی نامه ای به سوی سفیر خاص امام زمان (ع) از او خواست که از آن حضرت تقاضا کند، تا از خداوند برای او فرزندان فقیه و دانشمندی طلب نماید، حضرت در جواب، مژده کنیز

آذری را به او داد ، که بعدها از آن کنیز ، صاحب دو پسر شیخ صدوق و برادرش حسین شد . در پسری که فقیه و دانشمند شدند و آن قدر از روایات حفظ کردند که در میان دانشمندان برخاسته از قم ، نمونه نداشتند . (۱) ۱ . غیبه طوسی ص ۱۸۸ بحارالانوار ، ج ۵۱ ص ۳۲۴ .

مؤمن آل فرعون

در روایات از مؤمن آل فرعون به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (ع) یاد شده که هنگام ظهور زنده می شود (۱) نام مؤمن آل فرعون ، حزیل است . وی پسر عم و نیز ولیعهد فرعون بوده که پنهانی ، مردم را به یکتا پرستی خداوند و نبوت موسی دعوت می کرد ، تا اینکه سخن چینان این ماجرا را به فرعون گزارش دادند . فرعون گفت : حزیل که عموزاده و ولیعهد من است اگر چنین کاری کند مستوجب عقوبتی شدید خواهد بود . ولی اگر ثابت شد که شما سعایتگران به وی بهتان می زنید شما را به اشد مجازات شکنجه می کنم . حزیل را فرا خواند و آن ها را نیز احضار نمود . بازجویان در حضور فرعون به حزیل گفتند : توئی که منکر خدائی فرعون شده و نعمت های او را کفران نموده ای وی رو به فرعون کرد و گفت : آیا تا کنون دروغی از من شنیده ای فرعون گفت : نه . حزیل گفت : از این جمع بپرس خدای شما کیست؟ چون پرسید ، همه گفتند : فرعون . حزیل گفت : آفریدگارتان گفتند : فرعون . گفت : روزی دهنده شما کیست؟ گفتند : فرعون . حزیل گفت : ای فرعون تو و این جمع حاضر را گواه می گیرم که خدای من و آفریدگار و روزی بخش من همان کسی است که خدا و آفریدگار و روزی بخش این ها است و جز خدای این ها خدای دیگری ندارم و تو و این جماعت را گواه می گیرم که از خدائی جز خدای این ها بیزارم . فرعون رو به سعایتگران کرد و گفت : شما ای فتنه جوین و ای مفسدان می خواستید میان من و عموزاده ام فتنه برانگیرید پس دستور داد همه را به شدیدترین شکنجه اعدام کردند . (۲) امام صادق (ع) در معنی فوقه الله سیئات ما مکروا روایت شده که فرمود : مراد این آیه مؤمن آل فرعون است که می فرماید خداوند او را از مکر فرعونیان نجات داد . به خدا سوگند سرانجام او را قطعه قطعه کردند ، ولی خداوند او را از اینکه دینش را از دستش ببرایند ، نجات داد (۳) ۱ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۴۶ اثبات الهداء ج ۳ ، ص ۵۵۰ . ۲ . معارف و معاریف ج ۴ ص ۴۷۳ . ۳ . بحارالانوار ج ۱۳ ، ص ۱۶۰ .

خروج یاجوج و ماجوج

در برخی روایات ، از نشانه های ظهور دانسته شده (۱) که با دقت در آن ها روشن می شود که ارتباطی با مسأله ظهور ندارند ، بلکه بیشتر آن ها ، ناظر به برپایی قیامت هستند . مواردی هم که در قرآن از خروج یاجوج و ماجوج یاد شده (۲) هیچ دلالتی بر این قضیه ندارد . ۱ . منتخب الاثر ص ۴۶۱ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۳۵۳ کنز العمال ج ۱۴ ص ۳۳۸ . ۲ . سوره کهف ۹۴ ، سوره انبیاء ص ۹۶ .

ماریه

از کنیزان امام حسن عسکری (ع) بود . وی شاهد تولد حضرت مهدی (ع) بوده و می گوید : صاحب الزمان از شکم مادر در حالی متولد شد که دو زانو بوده و دو انگشت سبابه اش را به سمت آسمان بلند کرده بود . سپس عطسه زد و گفت : الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله (۱) . ۱ . مکمال المکارم ، ج ۱ ، ص ۲۴۶ .

مالک اشتر

در برخی روایات از وی به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (ع) یاد شده که پس از ظهور حضرت، زنده می گردد. (۱) ۱. مجمع البیان ج ۲ ص ۴۸۹ ارشاد مفید، ص ۳۶۵.

مجلسی

ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی مجلسی معروف به علامه مجلسی، از بزرگترین و معروف ترین علمای شیعه در عهد صفویه است که در سال ۱۰۳۷ در اصفهان متولد شد و به سال ۱۱۱۱ در همان شهر وفات یافت. وی در اواخر عهد شاه سلیمان صفوی و قسمت عمده از عهد شاه سلطان حسین، رتبه شیخ الاسلامی و امامت جمعه و صاحب اختیار امور دینی کل کشور بود و نیز حائز ریاست علمی و سیاسی گردید. تعداد تألیفات او متجاوز از شصت کتاب است که معروف تر و مهم تر از همه- به زبان عربی- بحارالانوار است که در حقیقت، دائرة المعارف شیعه می باشد. بیشترین تألیفات او به زبان ساده است مانند، حق الیقین، حلیه المتقین، حیوة القلوب، عین الحیوة و جلاء العیون (۱). روایات بسیاری از پیامبر و ائمه معصومین (ع) درباره حضرت مهدی (ع) در کتاب بحارالانوار آمده است. جلد ۵۱، ۵۲، ۵۳ این کتاب را استاد علی دوانی، با عنوان مهدی موعود ترجمه کرده است. ۱. معارف و معاریف ج ۹ ص ۱۲۵.

محمد بن ابراهیم بن مهزیار

سید ابن طاووس، او و پدرش ابراهیم بن مهزیار را از وکلا و نواب معروف دانسته که شیعیان امامیه در نیابت او و پدرش اختلافی ندارند. صدوق نیز او را جزء وکلای منصوب از ناحیه امام زمان (ع) دانسته و در توقیعی که در شأن او وارد شده چنین آمده است. ما تو را به جای پدرت منصوب کردیم، پس خدا را سپاسگزار باش (۱) بنا به روایت کلینی و مفید، وی چند روز بعد، نامه ای مبنی بر جانشینی پدرش در اهواز دریافت کرد (۲) ۱. غیبه طوس ص ۲۲۰. ۲. آخرین امید داود الهامی، ص ۱۶۱.

محمد بن احمد قطان

وی از وکیلان نایب دوم - محمد بن عثمان - در بغداد بود که به ملاقات امام زمان (ع) نایل آمد (۱) ۱. کمال الدین ص ۴۴۲.

محمد بن ادريس

از کسانی است که شاهد تولد حضرت مهدی (ع) بوده است. می گوید: حجت خدا را پس از رحلت امام حسن عسکری (ع) دیدم و بر سر و صورتش بوسه زدم (۱) ۱. ارشاد مفید ص ۳۳۰ غیبه طوسی، ص ۱۶۲ اصول کافی، ج ۱ ص ۳۳۱.

محمد بن ایوب بن نوح

از کسانی است که حضرت مهدی (ع) را ملاقات کرده است. او و معاویه بن حکیم و محمد بن عثمان عمری می گویند: ما چهل نفر از شیعیان در محضر امام حسن عسکری (ع) گرد آمده بودیم که فرزند بزرگوارش حضرت مهدی (ع) را بر ما عرضه کرد و فرمود: این بعد از من، امام شما و جانشین من در میان تان است از او فرمان ببرید و در دین تان اختلاف نکنید که هلاک می شوید. سپس فرمود: شما دیگر او را نخواهید دید (۱) ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۶.

محمد بن بشیر

ازاهالی کوفه ، از موالی بنی اسد و از اصحاب امام کاظم (ع) بود . وی از غلاة و مبتدعین بود و مدعی بود که پس از امام موسی بن جعفر (ع) ، خود امام است و می گفت : امام کاظم (ع) زنده است و او همان امام قائم است . پیروانی داشت و در شعبده و اعمال خارق العاده ، مهارت داشت (۱) ۱ . معارف و معاریف ج ۹ ص ۱۶۱ .

محمد بن جعفر اسدی

ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی یکی از وکلای حضرت در منطقه ری بود . از زمان نواب امام زمان (ع) عده ای از مردم موثق بودند که از طرف نواب توقیعاتی برای آن ها می رسید یکی از آن ها ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی بود (۱) صالح بن ابی صالح می گوید : در سال ۲۹۰ هجری عده ای از من خواستند که چیزی را به عنوان مال امام از آن ها بپذیرم ولی نپذیرفتم نامه ای نوشتم و کسب تکلیف کردم . جوابی برای من آمد که : محمد بن جعفر اسدی در ری است ، مال به او تحویل داده شود که او از موثقین ما است . اسدی در ماه ربیع الثانی سال ۳۱۲ در حالی که مردم او را به عدالت می شناختند ، بدون تغییر عقیده به جهان باقی شتافت (۲) . توقیعی از ناحیه مقدسه به وسیله محمد بن عثمان به دست وی رسیده که مشتمل بر پاسخ های حضرت به سؤالات محمد بن جعفر اسدی است (۳) . توقیع دیگری از ناحیه امام زمان (ع) خطاب به محمد بن جعفر اسدی توسط محمد بن عثمان صادر شده است ، بدون این که از حضرت سؤالی بکنند و نامه ای خدمت حضرت بفرستند ، حضرت خود ش مبادرت بهارسال این توقیع نموده و در آن کسانی که اموال امام زمان (ع) را برای خود حلال دانسته و به ناحق آن را می خورند ملعون می شمارد (۴) ۱ . غیبه طوسی ص ۴۱۵ . ۲ . همان ۳ . کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۰ .

محمد بن حسن صیرفی

وی در بلخ ، رابط بین مردم و حسین بن روح بود (۱) ۱ . تاریخ سیاس غیبت امام دوازدهم (ع) ص ۹۸۱ .

محمد بن شاذان بن نعیم

محمد بن شاذان بن نعیم از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بوده و بعد از وفات حضرت ، وی از وکلای حضرت مهدی (ع) از منطقه نیشابور به شمار می رفت . (۱) به او شاذانی و یا نیشابوری نیز می گویند . امام زمان (ع) در توقیع خود به اسحاق بن یعقوب ، ایشان را مردی از دوستان ما اهل بیت معرفی کرده است (۲) ۱ . کمال الدین ج ۲ ص ۴۴۲ . ۲ . کمال الدین ج ۲ ، ص ۴۸۳ بحارالانوار ج ۵۳ ص ۸۰۱ .

محمد بن عبدالله محض

با گذشت سال ها از انقلاب زید ، فرزند امام سجاد (ع) محمد ، فرزند عبدالله که به محمد بن عبدالله محض معروف گردید ، دیده به جهان گشود او از نواده های حضرت مجتبی (ع) بود . به همین جهت فرصت طلبان و عناصر زورپرست ، با استفاده از فرصت ، او را مهدی موعود لقب دادند و روایت ساختگی المهدی ... واسم ابیه اسم ابی ... را بر او تطبیق کردند . با این که می دیدند این روایت با صدها روایت مسلم و قطعی مخالف است که حضرت مهدی (ع) را ، فرزند حضرت عسکری (ع) دوازدهمین جانشین پیامبر (ص) و نهمین امام از نسل حسین (ع) معرفی می کند . (۱) اما فرصت طلبان با وانهادن همه روایات پیامبر (ص) به این روایت جعلی چنک انداختند و آن را به محمد بن عبدالله محض تطبیق دادند و آن گاه او را نفس زکیه نامیدند و برخی از مردم نیز با او دست بیعت فشرده . پدر او نیز با پسرش به عنوان بیعت با مهدی نجات بخش دست بیعت داد . نیز از کسانی که با او دست

بیعت فشرده منصور دوانیقی بود که پس از تشکیل حکومت عباسی، بیعت خویش را نقض کرد و پایه های مهدویت محمد بن عبدالله نیز فرو ریخت. (۲) ۱. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۱ ص ۱۶۸. ۲. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، سید محمد کاظم قزوینی ص ۵۷۰.

محمد بن عثمان

دومین نائب از نواب اربعه امام زمان (ع) و فرزند نائب اول- عثمان بن سعید- است. در زمان حیات پدرش از طرف امام حسن عسکری (ع) به نیابت امام غائب معرفی شده بود و "عثمان بن سعید" به هنگام مرگ خود، امر نیابت را به دستور امام زمان (ع) به فرزند خود محمد سپرد شیعیان به عدالت، وثاقت و امانت داری او اتفاق نظر داشتند. توقیعات حضرت در امور مهم دینی، در طول زندگانی او با همان خطی که در زمان پدرش عثمان بن سعید صادر می شد، به دست او صادر می گشت و به شیعیان می رسید. شیعیان جز او کسی را به نیابت نمی شناختند و علائم و کراماتی هم از او نقل شده است (۱). او بیشترین مدت نیابت را در میان نواب اربعه به خود اختصاص داد و حدود چهل سال به عنوان نایب و رابط بین امام و شیعیان بود. لذا توفیق یافت مشکلات و مسائل فقهی، کلامی، اجتماعی و بیشتری را از محضر مبارک امام زمان (ع) استفسار نماید و در اختیار عموم مردم قرار دهد. کینه او ابو جعفر است و چندین لقب برای او ذکر شده است: عمری، اسدی و کوفی. امام حسن عسکری (ع) فرمودند: عمری- عثمان بن سعید - و پسرش- محمد بن عثمان- هر دو موثق و مورد اطمینان هستند، هر چه آن ها به تو برسانند از طرف ما می رسانند (۲). پس از وفات نایب اول نخستین کسی که مورد خطاب ولی عصر (ع) قرار می گیرد، محمد بن عثمان، پسر اوست. امام زمان (ع) مرگ پدر را بر او تسلیت می گوید و در آن نامه اشارتی به شخصیت محمد بن عثمان و تصریح به نیابت او شده است. (۳) در زمان نایب دوم حدود ۲۶۵-۳۰۵ کسانی پیدا شدند که از فرصت غیبت امام زمان (ع) سوء استفاده کرده و خود را به عنوان نایب امام (ع) معرفی کنند تا بدین وسیله شهرت و منصبی اجتماعی کسب نموده و اموال سرازیر شده از سوی شیعیان به سوی امام را بدون مجوز شرعی تصرف نمایند. لذا یکی از وظایف محمد بن عثمان، تکذیب مدعیان دروغین و رسوا کردن آنان و اثبات نیابت خود و فراهم آوردن اطمینان و اعتماد شیعیان به سوی خویش بود. یکی از دلیل های مشهود و راه های عملی بر صحت نیابت و وساطت خویش از طرف امام غائب، خبر دادن از امور غیبی و پنهانی با عنایت امام زمان (ع) به وسیله توقیعات و طرق دیگر بود. محمد بن عثمان به جهت طولانی بودن دوره نیابت اش فرصت بیان بعضی از حقایق راجع به امام زمان (ع) از تولد تا غیبت را داشته است. لذا در زمینه های مختلف درباره امام زمان (ع) و درباره موضوعات دیگر، از ایشان روایت نقل شده است. احادیثی که از ایشان نقل شده نشان می دهد که وی مکرراً امام زمان (ع) را حتی از دوران کودکی آن حضرت دیده و در دوران امامتش با او ملاقات هایی داشته است. راوی می گوید: محمد بن عثمان، قبری را برای خود حفر کرد و آن را با چند قطعه تخته آماده ساخت وقتی علت آن را پرسیدم، گفت: برای مردن اسبابی هست بعد از آن نیز از وی پرسیدم، گفت: مأمور شده ام که خود را جمع و جور کنم. سپس دو ماه بعد وفات یافت (۴). ابو جعفر محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ هـ. ق در آخر ماه جمادی الاولی وفات کرده است. قبر او در کنار قبر مادرش، بر سر راه کوفه و در محلی که خانه اش آن جا بود واقع است (۵). این محل در سمت غربی بغداد می باشد (۶). ۱. غیبه طوسی، ص ۳۶۲. ۲. غیبه طوسی، ص ۳۶۰. ۳. غیبه طوسی، ص ۳۶۱ کمال الدین ج ۲، ص ۱۵. ۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱ کمال الدین ج ۲، ص ۵۰۲. ۵. غیبه طوسی ص ۳۶۶ سفینه البحار، ج ۷ ص ۲۱۱. ۶. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ص ۱۸۳.

محمد بن علی بن بلال

از مدعیان دروغین نیابت در عصر نیابت محمد بن عثمان بوده است ابو طاهر محمد بن علی بن بلال، معروف به بلالی، یکی دیگر از مخالفین نیابت محمد بن عثمان بود که اموال امام (ع) را تصرف نموده و از دادن آن به نایب دوم امتناع می کرد و ادعای وکالت از طرف امام زمان (ع) را داشت. (۱) وی قبل از انحرافش، با امام دهم و یازدهم (ع) رابطه نزدیکی داشت و یکی از وکلای مهم به شمار می رفت و لذا علمای رجال، تمجیدهای بسیاری از وی نموده اند که همه اش مربوط به قبل از انحراف او می باشد. امام حسن عسکری (ع) دوبار فرزند خویش، امام زمان (ع) را به او خبر داده است. این حدیث توسط خود ایشان، در اصول کافی چنین آمده است که: محمد بن علی بن بلال می گوید: از جانب امام حسن عسکری (ع) و سال پیش از وفاتش، پیامی به من رسید که از جانشین پس از خود به من خبر داد. بار دیگر سه روز پیش از وفاتش پیامی به من رسید و از جانشین بعد از خود به من خبر داد. (۲) شیخ طوسی می گوید: ماجرای او با محمد بن عثمان، که با ادعای نیابت حضرت، اموالی را ضبط، و از تسلیم آن به وی خودداری نمود و ادعا کرد که از طرف امام زمان (ع) در اخذ آن ها وکالت دارد، و دوری شیعیان از وی و لعن او- که از ناحیه مقدسه توقیع مبنی بر لعنت وی بیرون آمد- معروف است. (۳) طبق روایت شیخ طوسی، محمد بن عثمان ملاقاتی سری میان امام دوازدهم و بلالی ترتیب داده بود تا به وی ثابت شود که او از جانب امام عمل می کند. ابو جعفر محمد بن عثمان او را به منزلی در جای نامعلوم برد و در آن جاگفته می شود، امام را ملاقات کردند. امام به بلالی دستور داد وجوهات را تسلیم ابوجعفر کند (۴) ابوجعفر پس از ترتیب ملاقات بلافاصله به منزل بلالی رفت و در آن جا هواداران بلالی جمع شده بودند. ابو جعفر از بلالی پرسید: ای ابوطاهر از تو می پرسم، تو را به خدا، آیا صاحب الزمان (ع) به تو دستور نداد وجوهات را که نزد توست به من رد کنی؟ بلالی پاسخ داد: آری. سپس ابوجعفر منزل را ترک کرد (۵) ۱. غیبه طوسی، ص ۴۰۰. ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۳۲۸ کمال الدین ص ۴۹۹. ۳. غیبه طوسی، ص ۴۰۰ بحارالانوار ج ۵۱ ص ۲۶۹. ۴. غیبه طوسی ص ۲۴۶. ۵. همان.

محمد بن فضل موصلی

از منکران نیابت حسین بن روح است که در سال ۳۰۷ هـ. ق منکر نیابت ایشان شد، ولی با راهنمایی های حسن بن علی و جناء و مشاهده بعضی امور از حسین بن روح از افکار خویش برگشت. نزد او رفت، در حالی که مرتب گریه می کرد. گفت: سرورم مرا ببخشید. حسین بن روح گفت: ان شاء الله خداوند تو را می بخشد (۱) ۱. غیبه طوسی، ص ۳۱۵ اثبائه الهداه، ج ۳ ص ۶۹۲.

محمد بن نصیر نمیری

در دوران محمد بن عثمان، به دروغ ادعای نیابت کرد. ابو العباس بن نوح می نویسد: ابو نصر هبة الله بن محمد به من خبر داد که محمد بن نصیر نمیری، از اصحاب امام حسن عسکری (ع) بود. چون آن حضرت وفات یافت، مدعی منصب محمد بن عثمان شد و گفت: نایب امام زمان (ع) من هستم، اما خداوند او را رسوا گردانید زیرا الحاد و نادانی وی آشکار گردید. محمد بن عثمان هم او را لعنت کرد و از وی دوری نمود و خود را از او پنهان نگاه داشت. نمیری پس از شریعی به دروغ ادعای نیابت کرد. (۱) وی عقاید کفرآمیز و الحادی داشت و سعی می نمود آن را میان عامه مردم منتشر سازد. سعد بن عبدالله اشعری می گوید: محمد بن نصیر نمیری مدعی بود که پیغمبر است و امام هادی (ع) او را مبعوث کرده است و عقیده به تناسخ داشت. وی معتقد به خدایی امام هادی (ع) بود. ازدواج با محارم را جایز می دانست و عمل لواط را حلال کرده بود. نمیری این را موجب تواضع و فروتنی مفعول و لذت و کامرانی فاعل می دانست و می گفت: خدا هیچ یک از این ها را بر بندگان حرام نکرده است. (۲) فرقه نمیری منسوب به محمد بن نصیر نمیری است. "نمیری" فرقه ای از قائلین به امامت امام هادی (ع) در زمان حیات او بودند و بعدا منحرف شدند و قائل به نبوت محمد بن نصیری نمیری شدند و ادعا کردند که محمد بن نصیر را امام هادی (ع) مبعوث کرده

است. (۳) چون نمیری جزء شیعیان نبود، ادعاهای وی نه موقعیت محمد بن عثمان را تضعیف کرد و نه هیچ یک از پیروانش را به جانب خود کشانید. از این رو نفوذ وی عمدتاً به غلات محدود می شد (۴) ۱. غیبه طوسی ص ۳۹۸. ۲. غیبه طوس ص ۳۹۸. فرق الشیعه ص ۱۰۳. ۳. فرق الشیعه، ص ۱۰۲. ۴. آخرین امید داود الهامی ص ۱۲۵.

محمد بن نفیس

وکیل حسین بن روح - نائب سوم - در اهواز بود. اولین توقیع امام زمان (ع) در دوره حسین بن روح به دست ایشان منتشر شد. حسین بن روح نخستین بخشنامه را به محمد بن نفیس، وکیل اهواز در پنجم شوال ۳۰۵ صادر کرد و در آن او را به سمت خود ابقاء نمود (۱) ۱. آخرین امید داود الهامی ص ۱۲۵.

محمد حنفیه

نخستین کسی است که در اسلام، مهدی موعود نامیده شد. محمد حنفیه فرزند برومند امیر مؤمنان علی (ع) و مورد توجه خاص آن حضرت بود. شهرتش به حنفیه از این جهت است که مادرش خوله از قبیله بنی حنیفه بود. امیر مؤمنان (ع) او را آزاد کرد، سپس به حبالة نکاح (۱) خود در آورد. حضرت علی (ع) به این فرزند ارزشمند علاقه ای وافر داشت و درباره او سخنان تحسین آمیزی فرموده از جمله تعبیر مشهور آن حضرت است که فرمود، محمدها اجازه نمی دهند که به خدا نافرمانی شود. راوی پرسید: محمدها کیانند؟ فرمود: محمد بن جعفر، محمد بن ابی بکر، محمد بن ابی حذیفه و محمد بن امیر المؤمنین (۲) در جنگ جمل محمد حنفیه موقعیت بسیار ممتازی داشت. پرچم پیروزی در دست او بود، با شجاعت و صلابت کم نظیری، دشمن را به عقب راند، صف ها را شکست و امتحان نیکویی داد. در همین جنگ بود که از محمد حنفیه پرسیدند: چگونه است که در شرایط سخت و هولناک، پدرت ترا در کام خطر می اندازد و هرگز برادرانت حسن و حسین را در این مواقع به میدان نمی فرستد محمد حنفیه با تعبیر بسیار ظریفی بیان داشت: حسن و حسین، دیدگان پر فروغ پدر هستند و من بازوی پرزور او می باشم. پدرم با دست خود از دیدگانش محافظت می کند. (۳) روی این بیان، تردید نمی ماند در این که محمد حنفیه دقیقاً بر تمام برادرانش واقف بود و کسی نبود که به ناحق، دعوی امامت کند. پس از شهادت امام حسین (ع) گروهی به امامت او گرویدند و بیش از همه مختار بر محوریت او تکیه می کرد و از مردم به نام او بیعت می گرفت. ولی محمد حنفیه از کار او راضی نبود و هرگز بر این کار صحه نگذاشت. هنگامی که "ابو خالد کابلی" از جناب محمد حنفیه پرسید: آیا امام واجب الطاعة شما هستید؟ به صراحت تمام فرمود: امام بر من، بر تو و بر همه مسلمانان علی بن الحسین است (۴) آن گاه برای این که امر امامت بر همگان روشن شود، با حضرت علی بن الحسین به گفت و گو نشست. حجرالاسود را حکم قرار دادند، حجرالاسود به امامت حضرت سجاد (ع) شهادت داد، او نیز تسلیم شد. (۵) متانت در گفتار، اعتدال در رفتار و سلوک در کردار، به ضمیمه دانش سرشار، عقل پربار و دیگر محاسن اخلاقی، موجب شد که دل ها از محبت او پر شود و همگان حسن اعتقاد به او داشته باشند و همین موجب شد که مختار خود را به او منتسب کند، تا بتواند دلها را به سنوی خود جلب کند. ولی هنگامی که او از دسیسه مختار آگاه شد، از وی تبری جست. جناب محمد حنفیه در محرم سال ۸۱ ق در ۶۵ سالگی و در مدینه طیه دیده از جهان فرو بست و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد. در مورد درگذشت او چند قول است: مدینه، طائف، ایله بین مکه و مدینه و قولی هم می گوید: درگذشت او در رضوی و دفن در بقیع است. فرقه کیسانیه، به امامت او معتقد بودند و او را پس از امیر مؤمنان، امام حسن و امام حسین (ع)، چهارمین امام می پنداشتند. اکثریت قاطع کیسانیه معتقدند که او نمرده است؟ بلکه در کوه رضوی مخفی شده و پس از یک دوران استتار، سرانجام ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد می کند. آن ها معتقدند که محمد حنفیه همان مهدی موعود است و از

مکه ظهور خواهد کرد (۶) ۱ . غیبه طوس ص ۳۹۸ فرق الشیعه ص ۱۰۳ . ۲ . فرق الشیعه ، ص ۱۰۲ . ۳ . وفیات الاعیان ابن خلکان ، ج ۴ ص ۱۷۲ . ۴ . مناقب آل ابی طالب ، ابن شهر آشوب ، ج ۴ ص ۱۲۱ . ۵ . کافی ، ج ۱ ص ۳۸۴ غیبه طوسی ، ص ۱۸ . ۶ . با دعای ندبه در پگاه جمعه ، علی اکبر مهدی پور ص ۸۳ .

خواب مخزومی

مخزومی ، مردی از قبیله مخزوم است . در حدیثی از امام صادق (ع) که از اجتماع یاران حضرت مهدی (ع) سخن می گوید ، آمده است : وقتی حضرت با یارانش در مکه گرد می آیند ، در کوچه های مکه به راه می افتند ، تا برای خود محل اقامتی پیداکنند . مردم مکه افراد ناشناسی را در میان خود می بینند و می گویند : تا به امروز آن ها را در این شهر ندیده ایم به ناگاه مرد مخزومی وارد می شود و می گوید : من خوابی دیده ام که بسیار پریشان و نگران هستم . مردم می گویند : بیا بر نزد فلان ثقیفی برویم . چون به پیش او می روند ، مرد مخزونی چنین می گوید ابری را دیدم که از اعماق آسمان ظاهر شد و به تدریج پایین آمد تا به نزدیکی کعبه رسید و آنگاه دور کعبه طواف نمود . در این ابر ، ملخ های فراوانی با بال های سبز بود که تا مدتی بس دراز ، دور خانه خدا طواف می کردند . آنگاه به چپ و راست پراکنده شدند ، به هیچ آبادی نمی رسیدند جز این که به خاکستر می نشاندند . به هیچ قلعه ای نمی رسیدند جز این که ویران می کردند . سپس از خواب بیدار شدم و چون بید لرزیدم و تاکنون هم در ترس و وحشت هستم . مرد ثقیفی می گوید : امشب لشکری از لشکرهای الهی بر شهر شما وارد شده ، که شما را یاری مقاومت در برابر آنها نیست . مردم مکه از شنیدن این حرف پریشان می شوند و می گویند چیز عجیبی به وجود آمده است . در بامداد چنین شبی بیعت مبارک انجام می پذیرد و مردم مکه نیز بیعت کرده و به سپاه حق ملحق می شوند و خواب مخزومی و تعبیر ثقیفی تحقق می یابد (۱) . ۱۰ . روزگار رهایی ج ۱ ص ۴۳۳ .

مستنصر

فردی است که به همراه مهدی (ع) هنگامی که سفیانی به فرمانده سپاه کوفه می نویسد که به سوی حجاز حرکت کند . از مدینه می گریزند و به سوی مکه عزیمت می کنند و پیش از آن که فرمانده سپاه سفیانی به آن ها برسد ، آن ها وارد حرم امن الهی می شوند (۱) احتمالاً منظور از " مستنصر " نفس زکیه است که در آخرین سخنرانی خود مردم را به یاری آل محمد (ع) فرا می خواند و به همین سبب " مستنصر " نامیده می شود . (۲) ۱ . بشاره الاسلام ص ۳۹ . ۲ . روزگار رهایی ۲ ص ۱۰۷۳ .

مسیح

به معنای زیاروی و " متبرک آفریده " است . لقب حضرت عیسی (ع) است : انما المسيح عیسی کن مریم رسول الله (۱) . سیحا ، نام یا لقب حضرت عیسی (ع) است . الف در زبان فارسی ، علامت تعظیم است چنان که در صدرا . و مسیحی کسی است که بر دین عیسی مسیح باشد . در روایات متعددی آمده است که هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) ، مسیح از آسمان فرود می آید (۲) ۱ . سوره نساء ۱۷۱ . ۲ . يوم الخلاص ص ۳۴۴ .

مفید

" محمد بن نعمان عکبری " معروف به شیخ مفید ، از بزرگان فقههای شیعه در سده های چهارم و پنجم هجری است (۱) در سال ۳۳۶ هـ ق دیده به جهان گشود . در بغداد به کسب دانش پرداخت و پس از مدتی از محضر بزرگانی چون : شیخ صدوق ، محمد

بن جنید اسکافی ، ابو علی صولی ، ابو غالب رازی ، ابن قولویه قمی و ... بهره گرفت . (۲) با استعداد فوق العاده ای که داشت ، خیلی زود به مقام های عالی علمی نائل شد . در کرخ بغداد ، کرسی درس پایه گذاری کرد و شاگردانی چون : سید مرتضی علم الهدی ، سید رضی ، نجاشی ، شیخ طوسی ، ابن حمزه و ... را پرورش داد ، (۳) که بعدها هر کدام ، از ناموران بزرگ جهان اسلام شدند . شیخ مفید در سال ۴۱۳ هـ ق در بغداد دیده از جهان فرو بست و شاگرد برجسته اش سید مرتضی بر او نماز گزارد و در منزلش دفن گردید . از وی آثار ارزشمندی به جای مانده که نجاشی هفتاد و هشت اثر نام می برد . (۴) این دانشمند برجسته ، توفیق نصیبتش شد و حضرت ولی عصر (ع) نامه های متعددی برایش نوشت . به ویژه در سال های آخر زندگی اش ، هر سال نامه ای از حضرت دریافت می کرد . نخستین نامه مبارک را در ماه صفر ۴۱۰ هجری دریافت کرد . حضرت در این نامه ، شیخ مفید را " اخ السدید " خطاب می کند (۵) و از " سداد " ، شایسته کسی است که در گفتار و عملکرد به راه صواب و استواری گام سپرده و خطا نرفته است . (۶) در همین نامه است که حضرت فرموده : ما از رسیدگی به امور شما کوتاهی نکرده و شما را از یاد نبرده ایم . نامه دیگری از حضرت در روز پنجشنبه ۲۳ ذی الحجه سال ۴۱۲ هجری به شیخ مفید رسیده ، که در آغاز ماه شوال نوشته شده است (۷) در فرازهای آخرین این نامه ، حضرت مهدی (ع) به شیخ مفید دستور می دهد که نامه را از همه مردم پنهان کند و آن را جزو اسرار بداند ، تا هیچ کسی بر خط امام و کاتب او - به خاطر اسرار و رموز حکمت هایی - آگاهی نیابد . و نیز دستور می دهد که از آن نامه مبارک ، نسخه ای بردارد و تنها هر آن که شیخ مفید به امانت داری او ، در مورد اسرار شیعیان اعتماد و اطمینان دارد ، بر آن آگاهی یابد . از این رو ، شاید امام (ع) چنین مصلحت دید که این امر از غیر شیعیان و از استبداد حاکم پوشیده بماند . (۸)

(۱) رجال نجاشی ص ۴۰۲ . ۲ . اعیان الشیعه ج ۹ ص ۴۲۱ . ۳ . تنقیح المقال ، ج ۳ ، ص ۱۸ . ۴ . چشم به راه مهدی ، جمعی از نویسندگان مجله حوزه ص ۴۴۹ . ۵ . احتجاج طبرسی ج ۲ ، ص ۴۹۷ بحارالانوار ، ج ۵۳ ص ۱۷۵ . ۶ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۳۶۰ . ۷ . بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۷۶ . ۸ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۴۰۰ .

مقداد

هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ، بیست و هفت نفر را زنده می گرداند که یکی از آنان مقداد است . (۱) مقداد از یاران پیامبر (ص) و علی (ع) است . در بزرگی شان او همین بس که طبق یکی از روایات ، خداوند به سبب هفت نفر - که یکی از آنان مقداد است - به شما رزق و روزی می دهد و به شما یاری می رساند و باران می فرستد . او در موضوع خلافت و امامت امیرالمؤمنین (ع) ، پافشاری داشت و کوشش فراوان کرد . پیامبر (ص) در باره او فرمود : خداوند مرا فرمان داد تا چهار تن را دوست بدارم : علی (ع) ، مقداد ، ابوذر و سلمان . در روایت دیگری آمده است : بهشت ، مشتاق مقداد است . (۲) چشم اندازی به حکومت مهدی عج ، نجم الدین طوسی ص ۱۷۱ . ۲ . معجم رجال الحديث ج ۸ ص ۳۱۴ .

مقدس اردبیلی

احمد بن محمد ، معروف به مقدس اردبیلی از علمای بزرگ و ثقات فقهای شیعه است و شخصیتی است که به زهد و ورع و امانت و دیانت ضرب المثل بوده و مجلسی او را در شمار کسانی که به ملاقات امام عصر (ع) نائل آمده اند ، آورده است . از سید نعمت الله جزایری که از شاگردان او بوده ، نقل شده که مقدس اردبیلی در سال های قحطی ، خوراک خود را میان بینوایان پخش می کرد و برای خود بخشی ، چون آنان می گذاشت . در یکی از سال ها که چنین کرد همسرش بر وی خشم نمود و گفت : فرزندان ما را در چنین سالی فرو می گذاری ، تا دست به سوی مردم دراز نکنند مقدس زن را ترک گفت و به قصد اعتکاف ، به

سوی مسجد کوفه رهسپار شد. روز دوم، مردی بارهای گندم و آردی پاکیزه به خانه آورد و گفت: صاحب خانه که در مسجد معتکف است فرستاده. پس از آن که مقدس اردبیلی به خانه بازگشت، همسرش به وی گفت: آردی که با آن عرب فرستادی، آردی نیکو است. مقدس اردبیلی خدای را شکر کرد و از سر آن امر، بی خبر بود. در حالات او آمده است که هرگاه هنگام زیارت مخصوصه به کربلا می رفت، نماز را جمع می خواند و می گفت: زیارت، سنت است و تحصیل علم، فریضه می ترسم که سنت چون با فریضه مزاحمت کند، مورد نهی باشد و سفر، سفر معصیت از این روتام را هم می خوانم. مقدس اردبیلی، علوم معقول و منقول را نزد بعضی از شاگردان شهید ثانی در نجف اشرف خوانده و مرحوم صاحب مدارک از شاگردان او است. وی در عصر شاه طهماسب و شاه عباس اول صفوی و شیخ بهایی می زیسته و میان او و شاه عباس مکاتباتی بود. او در سال ۹۹۳ در نجف اشرف وفات کرد. (۱) آثار و نوشته هایی که از مقدس اردبیلی به جای ماند. به زبان های عربی و فارسی در رشته های علوم اسلامی همچون کلام، فقه، مناقب اهل بیت و عقاید می باشد. برخی آثار او: استیناس المعنویه، بحر المناقب، حاشیه بر شرح تجرید، حدیقه الشیعه، الخراجیه، زبد البیان فی آیات الاحکام، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، مناسک حج و... است. (۲) تشرفات ایشان در کتاب "عبری الحسان" آمده است. مرحوم علامه مجلسی از گروهی و آنان نیز از سید بزرگوار، جناب میرعلام آورده اند که: شبی در ساعت های آخر شب در صحن مطهر امیرمؤمنان (ع) بودم، دیدم که در خلوت شب، مردی به سوی مرقد منور در حرکت است. به او نزدیک شدم. دیدم عالم پروا پیشه مقدس اردبیلی است. خود را به او نشان ندادم و به طور مخفیانه او را دنبال کردم. او به درب حرم مطهر که بسته بود رسید، اما با رسیدن او به طور شگفت انگیزی درب گشوده شد و وارد حرم گردید. گوش دادم دیدم گوی با کسی به گفتگو پرداخته است و آنگاه از حرم خارج گردید و پس از خروج او درب ها به صورت نخست بسته شد. مقدس اردبیلی به سوی مسجد کوفه حرکت کرد و من نیز به طوری که او مرا نبیند، از پی او روان شدم. او وارد مسجد و به سوی محرابی که شهادتگاه امیرمؤمنان (ع) بود راه افتاد. خود را به محراب رسانید و مدتی در آن جا درنگ کرد. سپس به سوی نجف بازگشت و من نیز به دنبال او سایه به سایه آمدم. در میانه راه به من سرفه دست داد و آن جناب به حضور من توجه یافت و فرمود: میرعلام تو هستی پاسخ دادم آری گفت: این جا چه می کنی؟ پاسخ دادم: من از همان لحظات ورود شما به حرم مطهر امیرمؤمنان (ع) تاکنون با شما بوده ام و اینک شما را به مقام شامخ صاحب آن قبر سوگند می دهم که از آن چه از آغاز تا انجام برایتان پیش آمده است، مرا با خبر سازی. گفت: اگر تعهد کنی تا زنده هستم آن را نزد خویش نگاهداری و به کسی نگوئی حقیقت را به تومی گویم. من تعهد اخلاقی سپردم. گفت: من در برخی مسایل پیچیده علمی و فقهی می اندیشیدم. تصمیم گرفتم کنار مرقد امیر مؤمنان (ع) حاضر گردم و از آن روح بلند و ملکوتی بخواهم مشکل فقهی و علمی مرا پاسخ گوید. هنگامی که به درب حرم رسیدم، درب ها گشوده شد. وارد شدم و با همه وجود، صمیمانه از خدا خواستم که سالارم، امیر مؤمنان (ع) مرا پاسخ دهد. درست در این هنگام بود که ندایی از جانب قبر مطهر شنیدم که فرمود: امشب به مسجد کوفه برو، سؤال خود را از قائم آل محمد (ع) بپرس، چرا که او امام زمان توست. به سرعت به سوی مسجد کوفه شتافتم و نزدیک محراب رفتم و از حضرت مهدی (ع) که در آن جا به نیایش نشسته بود، مسایل خویش را پرسیدم و او پاسخ مرا با کرامت وصف ناپذیری داد و اینک به خانه خویش بازمی گردم. (۳) ۱. معارف و معایف ج ۱ ص ۲۶۰۴. دیدار با ابرار مقدس اردبیلی سید سجاد موسوی، ص ۴۷. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۷۵.

میلخاء

بر طبق روایتی از پیشوای ششم، در آخرین رویارویی سپاه حق با قوم یهود، دابۀ الارض خارج می شود و خداوند اصحاب کهف را همراه سگشان بر می انگیزد. دو تن از اصحاب کهف به نام های میلخاء و حملاها هستند که این دو نفر، در شاهی هستند که

بر حضرت مهدی (ع) شهادت می دهند و سلام می گویند چنانکه خداوند تبارک و تعالی می فرماید: انا لننصر ارسلا والذین امنوا فی الحیوة الدنیا و یوم قوم الاشهاد، (۱) این ها همان گواهان هستند که به حضرت قائم (ع) به اسم، سلام می دهند (۲).
 ۱. سوره مؤمن، ۵۱. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۷۵ الزام الناصب ص ۱۷۷ و ۱۸۰.

ناجی النجار

روحانی ای است اهل کاظمین عراق و از شاگردان شهید آیت الله محمد باقر صدر و از وکلای ناحیه مقدسه مرحوم آیت الله خویی (۱) وی کتابی را با عنوان الجزیره الخضراء وقضیه مثلث برمودا نوشته که آن را آقای علی اکبر مهدی پور، با عنوان جزیره خضراء و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا ترجمه کرده است. ۱. بر اساس بعضی نشانه ها، احتمالاً جزیره خضرائی که علی بن فاضل مازندرانی حدود هفتصد سال پیش به آن سفر کرده است، همان منطقه وحشتناک مثلث برمودا، واقع در اقیانوس اطلس است. که امروزه روزنامه ها و مجله ها از آن سخن می گویند. بشقاب پرنده ها در اختیار ساکنان جزیره خضراء امام زمان (ع) و یاران و فرزندان ایشان است. و اما در جای خود درباره جزیره خضراء، مثلث برمودا و واقعی یا ساختگی بودن این داستان، بحث کرده ایم. ۱. جزیره خضراء، افسانه یا واقعیت طریقه دار پاورقی ص ۹.

نسیم

خادم امام حسن عسکری (ع) بود. وی یکی از کسانی است که از تولد حضرت مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است. (۱) این کنیز تربیت یافته بیت رفیع حضرت عسکری (ع) می گوید: یک شب پس از ولادت حضرت مهدی (ع) بر او وارد شدم و در کنار گاهواره اش، عطسه به من دست داد. آن کودک گرانبه فرمود: یرحمک الله. از این موضوع، سخت شادمان شدم که فرمود: بگویم عطسه دارای چه فوایدی است؟ گفتم: آری، سرورم حضرت فرمودند: عطسه، تا سه روز، نوید بخش سلامتی و امان از مرگ کوتاه مدت است. (۲) ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵ کمال الدین ج ۲ ص ۱۰۴-۱۱۴. ۲. کمال الدین ج ۲ ص ۴۳۰ غیبه طوسی، ص ۳۹ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵.

نظامی گنجوی

حکیم نظامی گنجوی متوفی ۶۱۴ ق از شاعران بزرگ ادب فارسی است. در منظومه خسرو و شیرین خود به هنگام ستایش شاه مظفر قزل ارسلان، او را مهدی زمانه خویش معرفی می کند. شه مشرق که مغرب را پناه است قزل شه کافرش بالای ماه است چو مهدی گرچه شد مغرب و ناقش (۱) گذشت از سر حد مشرق یتاقش (۲) نگینش کر نهد یک نقش برموم خراج از چین ستاند جزیه از روم (۳) ۱. اقامتگاه خانه. ۲. پاسداری نگهبانی. ۳. سیمای مهدی موعود (ع) در آینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی ص ۷۱.

نعمانی

ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی معروف به ابن ابی زینب از مشایخ حدیث امامیه در قرن چهارم هجری و مؤلف کتاب الغیبه مشهور به غیبت نعمانی است. وی از اهالی شهر نعمانیه - یکی از آبادی های واسط - بود البته بعضی او را به نعمان مصر منسوب می دانند. به بغداد هجرت کرد و در آن جا، نقل حدیث را تحت سرپرستی کلینی متوفی ۳۲۹ هجری و ابن عقده متوفی ۳۳۳ هجری فراگرفت و سپس به سوریه رفت و در حدود سال ۲۶۰ در آن جا درگذشت. مدفن او در دمشق است. پس از رحلت

امام یازدهم، وقتی دید جوامع شیعه را هاله ای از حیرت و شگفتی فراگرفته است، کتابی با عنوان الغیبه نوشت و کوشید تا ضرورت غیبت امام دوازدهم را با نقل احادیثی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) که غیبت آن بزرگوار را پیش بینی کرده اند، اثبات کند. ظاهراً نعمانی پس از مسعودی، نخستین کسی بود که تفسیر احادیث منسوب به ائمه را از کلینی گردآوری کرده است. (۱) وی از شیخ کلینی، ابن عقده، مسعودی، ابوعلی بن همام و محمد بن عبدالله حمیری و بعضی دیگر از بزرگان، نقل روایت کرده است. اهل فن از او به نام های نعمانی، ابن ابی زینب و ابن زینب یاد کرده اند. از جمله تألیفات او: تفسیر قرآن مجید، معروف به تفسیر نعمانی، جامع الاخبار الرد علی الاسماعیلیه، کتاب الفرائض، نثر اللئالی (۲) ۱. آخرین امید داود الهامی ۲. معارف و معاریف ج ۱ ص ۲۲۳.

نوستر آداموس

میشل دو نوستر آدام که بیشتر با نام لاتین خود، یعنی نوستر آداموس noster-adamus شناخته شده است، در روز چهاردهم دسامبر سال ۱۵۰۳ م. در ناحیه سن رمی فرانسه متولد شد. خانواده وی از شجره پزشکی یهودی و ایتالیایی الاصل بود. پدر بزرگ وی در شکل گیری و تربیت نوستر آداموس نقش اساسی داشته و آموزه های اشرافی مکتب کابالیست ها را مستقیماً به وی تعلیم داده است. نوستر آداموس در سن ۲۲ سالگی از دانشگاه بسیار معتبر آن روزگار فرانسه، یعنی مون پلیه در رشته پزشکی فارغ التحصیل شد و برای نجات بیماران از بیماری مرگ سیاه یا طاعون، بلافاصله مشغول به کار شد. شاولینی، پیرو و مفسر معروف نوستر آداموس می نویسد که: وی سه سال تمام بر روی نخستین اشعار وحی آمیز خود که از آینده و رویدادهای آن خبر می آورد، کار کرد و در سال ۱۵۵۵م دفتری را- که در برگیرنده بیش از سیصد پیشگویی شعرگونه بود- به پسرش سزار، هدیه کرد. سپس در سال های بعد، مجموعه کاملی از شعرواره های نوستر آداموس در هزار قطعه، یعنی ۱۰ سانتوری که هر سانتوری مشتمل بر صد قطعه بود، منتشر شد. (۱) نوستر آداموس پیشگویی بود که در عبارتی پیچیده و الفاظی نمادین و سمبلیک از آینده سخن می گفت، اما بسیاری از حوادث و اتفاقات همین یکی دو دهه، در کنار بن بست های نظری، دلواپسی درباره آینده و انتظار رهایی بزرگ را مبدل به دغدغه فکری بخش بزرگی از مردم جهان کرد. چنان که امروزه تنها بیش از پنجاه پایگاه اطلاع رسانی در شبکه جهانی اینترنت، وظیفه گفت و گو و تفسیر پیشگویی های نوستر آداموس را عهده دارند و نزدیک به یکصد و بیست پایگاه نیز، آراه عرضه شده درباره گذشته و آینده جهان در میان ساکنان ربع مسکون را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می دهند. این همه، حکایت از واقعه ای شگرف یا جریانی پیوسته و سازمان یافته در لایه های پنهانی سیاست، فرهنگ و اقتصاد جهان استکبار می کند (۲) در واپسین دهه های قرن بیستم بود که رسانه های استکبار جهانی، هجومی علیه ایده ظهور مهدی موعود (ع) برپا کردند. در سال ۱۹۸۲ میلادی، سریالی با نام نوستر آداموس به مدت سه ماه متوالی از شبکه تلویزیونی آمریکا پخش شد. این فیلم سرگذشت میشل نوستر آداموس بود، - که نزدیک به پانصد سال قبل می زیسته است- این سریال پیشگویی های وی را درباره آینده جهان به تصویر کشیده بود که مهم ترین آن ها، پیشگویی وی درباره ظهور نواده پیامبر اسلام (ص) در مکه مکرمه و متحد ساختن مسلمانان و پیروزی بر اروپائیان و ویران کردن شهرهای بزرگ سرزمین جدید- آمریکا- بود. هدف از این مانور تبلیغاتی به تصویر کشیدن چهره ای خشن، بی رحم، ویرانگر و گرفتار جنون قدرت از مهدی موعود نستجیر بالله و تحریک و بسیج عواطف ملل غربی علیه اسلام و منجی موعود آن بود و در کوتاه مدت، بستر سازی روانی برای مقابله با جنبش های اسلامی را در دستور کار خود داشت. (۳) ۱. نشریه موعود، شماره ۳۷ ص ۲۷. ۲. نشریه موعود شماره ۳۷ ص ۴. ۳. درانتظار قنوس ص ۳۱۱.

یوشع نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود درباره بازگشت حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور خبر داده است. (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی، ص ۳۲۷.

واعظ قزوینی

ملا محمد رفیع واعظ (قزوینی) متوفای ۱۱۰۵ ق از غزل پردازان نازک خیال و نامدار سبک اصفهانی در زبان فارسی است او در قصیده شیدایی که در ناپایداری روزگار و بی اعتباری دنیا و منقبت سالار دین، حضرت صاحب الامر (ع) سروده، عظمت وجودی آن حضرت را در نهایت هنرمندی و نازک خیالی به تصویر کشیده است: نیست در اقلیم هستی ای دل محنت قرین آن قدر شادی که کس خندد به وضع آن و این پیش عاقل یک دل پر درد باشد گوی چرخ نزد دانا یک چرخ پر گرد پهنای زمین چون فریدون یا سکندر یا سلیمان گر شوی کو فریدون کو سکندر کو سلیمان کو نگین حجت حق نور مطلق، صاحب الامر آن که او بحر زخار امامت راست موج واپسین هستی نه آسمان، از بهرذات پاک اوست چون وجود حلقه انگشتر از بهر نگین نور پاکش گر فشردی بر بساط روز پای شب فسردی همچو خون مرده در زیر زمین روز آن روز است کان خووشید تابان سرزند دولت آن دولت که او باشد شه تخت زمین دامن عهد ظهورت کو که تا آید برون ناله ها از استخوانم همچو دست از آستین کی شود یا رب پای دولت در رکاب چتر شاهی برسر از بال پرروح الامین یکه تاز ظلم میدان جهان را بسته است هست خالی جای ای لشکر شکن در روی زین

یشوعا

پدر نرجس خاتون- مادر امام زمان (ع) و پسر قیصر روم شرقی است (۱) ۱. پیشوای دوازدهم هیات تحریریه موسسه در راه حق ص ۲۵.

یعقوب بن منقوش

از گواهان ولادت امام عصر (ع) بوده است. می گوید: به محضر امام حسن عسکری (ع) شرفیاب شدم. امام بر فراز سکویی در صحن خانه نشسته بود و در کنار آن حضرت پرده ای آویخته بود عرض کردم: مولای من صاحب این امر - بعد از شما - کیست؟ فرمود: پرده را کنار بزن. پرده را کنار زدم، کودکی بیرون آمد و روی زانوی پدر بزرگوارش نشست. امام خطاب به من فرمود: این - فرزندم - صاحب این امر است. آن گاه خطاب به فرزندش فرمود: تا وقت تعیین شده، داخل خانه شو. حجت خدا وارد خانه شد. آن گاه امام خطاب به من فرمود: ای یعقوب نگاه کن، بین چه کسی در خانه هست؟ وارد خانه شدم و کسی را در آن جا نیافتم (۱) امام حسن عسکری (ع) این گونه شیعیان را به غیبت حضرت بقیه الله تمرین می دهد تا با آن انس بگیرند.

یعقوب بن یوسف

یعقوب بن یوسف ضراب از جمله کسانی است که از تولد امام مهدی (ع) اطلاع یافته و از آن خبر داده است (۱) ۱. ارشاد مفید ص ۳۳۰ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵. ۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۷ منتخب الاثر ص ۳۵۶ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵.

یوشع بن نون

وصی حضرت موسی (ع) بود که در پاره ای از روایات، از وی به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (ع) یاد شده است (۱) ۱

. تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۳۲ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۶.

یوئیل نبی

یکی از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود، بشارت ظهور حضرت مهدی (ع)، نزول حضرت عیسی (ع) و محاکمه اسرائیل در آن روز سرنوشت ساز را آورده است (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۳۲۷.

خروج یمنی

خروج یمنی از نشانه های حتمی ظهور است (۱) درباره انقلاب و قیام یمنی روایات بسیاری وارد شده است. امام صادق (ع) فرمودند: روج این سه تن، خراسانی، سفیانی و یمنی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می افتد و درفش یمنی از همه هدایت کننده تر است، زیرا که دعوت به حق می کند (۲) روایات می گوید: یمنی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود. نیروهای یمنی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند و از روایات چنین ظاهر می شود که نقش نیروهای یمن در نبرد سفیانی نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می شود که طرف درگیر با سفیانی، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی و شعیب هستند، و گویا یمنی ها پس از یاری رساندن به آنان به یمن باز می گردند. اما در منطقه خلیج، علاوه بر حجاز یمنی ها نقش اساسی خواهند داشت، گرچه روایات، آن را خاطر نشان نساخته اند ولی به طور طبیعی با توجه به روند حوادث ظهور و جغرافیای منطقه، بایستی فرمانروایی یمن و حجاز و کشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمن، پیرو حضرت مهدی (ع) قرار گیرد. اخبار مؤید این است که انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (ع) نزدیک تر است تا انقلاب زمینه ساز ایرانیان، حتی اگر فرض کنیم یمنی قبل از سفیانی قیام می کند یا آن که یمنی دیگری زمینه ساز یمنی موعود می باشد. در پاره ای روایات سخن از درفش یمنی به میان آمده که از همه درفش ها هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند. (۳) احتمالات بسیاری درباره هدایت کننده تر بودن درفش یمنی داده اند، اما پسندیده این است که درفش یمنی اگر هدایت گری بیشتری دارد به این دلیل است که مستقیماً از رهنمودهای حضرت مهدی (ع) برخوردار می گردد. همچنین یمنی به دیدار حضرتش نائل می شود و کسب شناخت و رهنمود می کند. مؤید این امر هم روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن، یعنی شخص یمنی را می ستاید و با این عبارات توصیف می نماید: به سوی حق هدایت می کند و شما را به سوی صاحبان می خواند و این که برای هیچ مسلمانی سرپیچی از آن جایز نیست و کسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود، اما انقلاب زمینه ساز ایرانیان، در روایات آن بیش از ستایش رهبران آن، ستایش از عموم گردیده است. (۴) ۱. منتخب الاثر ص ۴۵۲. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰. ۴. عصر ظهور کورانی ص ۱۶۱.

یمانی

شخصی است که در آخر الزمان خروج می کند. در اخبار آخر الزمان و علائم ظهور حضرت مهدی (ع) مکرر از آن نام برده شده است و در روایت منقول از امام باقر (ع) خطاب به شیعه چنین آمده که: سفیانی و خراسانی و یمانی همزمان خروج می کنند و پرچم او در میان پرچم هایی باشد که در آن زمان برافراشته می گردد. وی بیش از همه به راه حق هدایت می کند، زیرا وی به یار شمایقیه الله دعوت می نماید و چون خروج کند، بر هر مسلمانی است که به وی پیوندد و بر کسی جائز نباشد، از فرمان او سر بتابد و هر کس از اطاعت وی سرپیچی کند، اهل دوزخ است چه او مردم را به راه حق و صراط مستقیم می خواند (۱). در بخش نشانه

های ظهور، خروج یمانی از روشن ترین علائم است که بیش از چهارده ماه فاصله با ظهور آن حضرت نخواهد داشت (۲). و در حدیثی آمده است: یمانی از شیعیان امیرالمؤمنین (ع) است (۳). ۱. سفینه البحار به نقل از معارف و معاریف ج ۱۰ ص ۶۱۷. ۲. روزگار رهایی ج ۲. ۳. غیبه نعمانی ص ۶۳۱ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۷۵. ۱. عصر ظهور، علی کورانی، ص ۱۷۱. ۱. کمال الدین ج ۱ ص ۳۰۵ غیبه طوسی ص ۹۲ غیبه نعمانی ص ۶۲ اختصاص مفید ص ۲۱۰.

غیبت

آثار وجودی امام در عصر غیبت

فایده امام غایب

وجود امام، هدف اصلی نظام خلقت و رابطه میان عالم مادی و عالم ربوبی است. امام سجاد (ع) می فرماید: ما امان اهل زمین هستیم، چنان که ستارگان، امان اهل آسمان اند. به واسطه ماست که آسمان به زمین فرود نمی آید. به واسطه ما باران رحمت حق، نازل و برکات زمین خارج می شود. ما اگر روی زمین نبودیم، زمین اهلش را فرو می برد (۱). بدیهی است که حضور و غیبت او در ترتب این آثار تفاوتی ندارد. حضرت در ادامه می فرماید: تا حال هیچ وقت، زمین از حجت خالی نبوده است، ولی آن حجت، گاهی ظاهر و گاهی غایب است راوی می گوید: گفتم: مردم چگونه از امام غایب بهره می برند، فرمود: همان گونه که از خورشید پشت ابر بهره می برند (۲). فایده دیگر این است که امامی که غایب است و قرار است در آینده ظهور کند، انتظار می آفریند، و انتظار مایه امیدواری است. امیدواری به آینده ای روشن، چراغ راه وازبزرگترین اسباب موفقیت و پیشرفت است این ویژگی، مختص شیعه است که به انتظار اعتقاد دارد، ولی در سایر فرقه ها به جهت عدم اعتقاد به چنین امری - احساس پوچی و یأس فراوان است. پس فوائد وجودی امام غایب، پوشیده نیست، بلکه او همانند آفتاب پشت ابر، برای موجودات نافع و مفید است. برای آگاهی بیشتر به فایده وجودی امام، به زیارت جامعه مراجعه کنید فایده حضرت: وجود حضرت مهدی (ع) منافع بسیاری دارد که بر چند گونه است: قسم اول: منافع آن حضرت، چه غائب باشد و چه ظاهر و آن بر دو نوع است: ۱. تمام خلایق در آن شریک هستند مانند: زندگی و بقای در جهان. ۲. افاضات علمی و عنایات ربانی که به مؤمنین اختصاص دارد مانند: واضح نمودن وقت نمازهای یومیه و. قسم دوم: منافع زمان غیبت آن حضرت، آن هم بر دو نوع است: ۱. مخصوص به مؤمنین است و آن بسیار است، مانند: ثواب های بسیاری که بر انتظار زمان ظهور آن جناب مترتب است. ۲. مخصوص کافرین و منافقین است و آن مهلت دادن و تأخیر عذاب آن هاست. قسم سوم: منافع زمان ظهور آن حضرت است و آن دو نوع است: ۱. شامل تمام موجودات می شود. مثل انتشار نور، ظهور عدلش و امنیت راه های بلاد و ظهور برکات زمین و... ۲. مخصوص مؤمنین است که بر دو گونه است: الف: برای زندگان آن ها و آن بهره وری شرف حضور آن حضرت و استفاده از نور آن جناب و فراگرفتن از علوم آن بزرگوار و برطرف شدن بیماری ها و گرفتاری ها و بلاها زیدن های ایشان است. ب: برای مردگان آن ها: از جمله خوشحالی ظهور آن حضرت در قبرهای شان، و از جمله منافع برای اموات مؤمنین، زنده شدن آن ها است. (۳). ۱. نجم الثاقب باب دوم. ۲. بحارالانوار، ج ۵۲ ص ۹۲. ۳. مکیال المکارم، ج ۱ ص ۲۷۱.

غیبت شانیه

با توجه به شؤون و تصرفات گوناگون امام در جهان، به این نتیجه می رسیم که غیبت حجت خدا، غیبت کلی نیست؟ بلکه این غیبت، غیبت جزئی است. یعنی عدم حضور در شأنی از شؤون ولایت و آن شأن، معاشرت با مردم و هدایت مستقیم اجتماع بشری

و تشکیل حکومت حق است. امام زمان (ع) در عصر غیبت، در همین یک شأن از شؤون ولایت و مقامات و تصرفات خویش غایب است و در دیگر شؤون، حاضر، نافذ و فعال است. از این واقعیت، در ابواب معرفت به غیبت شأنیه تعبیر می کنند امام عصر (ع) در عصر غیبت، دارای غیبت شأنیه و حضرت شؤونیه است. آن حضرت در یک شأن غائب و در بقیه حاضر است، زیرا که این شؤون و حضور، در ارتباط مستقیم با بقاء و امتداد تکون کائنات است (۱) ۱. خورشید مغرب ص ۴۸۱ به نقل از فرهنگ موعود کریمشاهی بیدگلی، ص ۶۸۱.

غیبت

بررسی تاریخی دوران غیبت، فرازهایی از حیات پر فراز و نشیب تشیع را آشکار می سازد حیاتی که به ویژه در بعد علمی و فرهنگی از جایگاه و منزلتی خاص در حیطه تاریخ اسلام برخوردار است. دوران غیبت صغری به واسطه شرایط اجتماعی خاص پدید آمده، از موقعیت ویژه ای برخوردار بود و اوضاع فرهنگی جامعه شیعی نیز تحت تأثیر این موقعیت قرار گرفت و بر اساس عناصر تعیین کننده آن، دستخوش تحولاتی شد. تحولاتی بنیادین که اسامی فعالیت های علمی گسترده ای را برنامه ریزی کرد و در کمتر از یک قرن به اوج شکوفایی خود رسید و سیر پیشرفت آن تا به زمان حال با روندی گاه تند و شتابان و گاه کند و آهسته ادامه یافته است و اینک ما از دستاوردهای ارزنده آن بهره مند هستیم. در سال ۲۶۰ هـ امام حسن عسکری (ع) پس از دوران کوتاه شش ساله امامت در سن ۲۷ سالگی رحلت کرد و تنها فرزند او که پنج سال از عمرش می گذشت از جانب خدای متعال و با نص آن حضرت به امامت منصوب گردید اما به دلایلی امام دوازدهم (ع) از همان زمان از دیدگان پنهان شد و دوران غیبت حضرتش پس از پنج سال حضور در ایام حیات پدرش، که تنها عده ای از خواص شیعیان موفق به دیدار وی شدند، آغاز گردید. غیبت صغری که در سال ۲۶۰ ق آغاز شد و پس از ۶۹ سال در سال ۳۲۹ ق با درگذشت چهارمین و آخرین نائب خاص امام (ع) (پایان یافت، در واقع مقدمه و آغازی برای غیبت طولانی بود، تا شرایط پذیرش موقعیت جدید برای مردمان فراهم گردد و شیعیان آمادگی درک دورانی را داشته باشند که در آن از حضور امام معصوم به طور مستقیم بی بهره اند. درک این موقعیت جدید مستلزم عبور از یک مرحله واسط بود که فراهم کننده شرایط و آمادگی مذکور باشد این مرحله میانی که با روندی تدریجی از اوایل قرن سوم هجری و در واقع پس از شهادت امام رضا (ع) آغاز شده بود با حرکتی رو به تزاید به تدریج تا نیمه این قرن ادامه یافت. در واقع این حرکت به طور غیر مستقیم از زمانی آغاز شد که هارون الرشید، خلیفه عباسی شرایط دشواری را بر امام هفتم، موسی بن جعفر (ع) تحمیل کرد و آن حضرت را به شدت تحت مراقبت قرار داد و سال ها در زندان های بغداد محبوس کرد. گرچه پس از آن، در زمان حیات امام رضا (ع) آن سختگیری و فشارها به حداقل خود رسید، ولی در آغاز قرن سوم هجری شرایط به گونه ای دیگر تغییر یافت معتمد خلیفه جانشین مأمون، امام جواد (ع) را شدیداً تحت نظر قرار داد و وی را به بغداد مرکز حکومت احضار کرد و در نهایت در سال ۳۲۰ ق امام را مسموم نموده و به شهادت رسانید. شهر سامرا که در واقع پا دگان نظامی بود و معتمد آن را تأسیس کرد، پس از او محل حبس و تبعیدگاه امام هادی و امام عسکری شد. متوکل خلیفه سفاک عباسی که از وجود امام در مدینه بیمناک بود ایشان را به شهر سامرا آورده و تحت الحفظ نگاه داشت. در طی این دوران روابط مستقیم شیعیان با امامان به حداقل خود رسید. آنان در واقع امکان دسترسی به امام (ع) را نداشتند، مگر به طور مخفیانه و از طریق مکاتبه و یا با کمک خدمتکاران ایشان، یا در قالب فروشندگان دوره گرد یا عابران رهگذر یا... وضعیت مذکور به تدریج و به طور غیر مستقیم، این آمادگی را در مردم پدید می آورد که در زمان عدم حضور و یا عدم دسترسی مستقیم به امام چه باید کرد؟ از طرفی امامان (ع) نیز در چنین شرایطی، ملاکهای راهیابی و مصادر مراجعه شیعیان را مشخص می کردند. نظام و کالت که از دیرباز وجود داشت در این زمان هر چه بیشتر گسترش یافت. ائمه (ع) و کیلانی از جانب خود در شهرها و بلاد مختلف تعیین می کردند که محل رجوع مردم و روابط

آن ها با ایشان بودند . شیعیان در شهرهای دور و نزدیک با این وکیلان ارتباط یافته ، مسایل خود را می پرسیدند ، نیازهای خود را بیان می کردند و وجوهای شرعی را به آن ها می پرداختند تا آن ها را به ائمه (ع) رد کنند . این نظام وکالت در واقع مرحله ابتدایی نظام نیابتی بود که در دوران غیبت صغری شکل گرفت . با این حال با آغاز دوران غیبت صغری ، وضعیت به گونه ای خاص تغییر یافت با وجود این که اولین نائب خاص امام (ع) مدت ها قبل از طرف امام عسکری (ع) به شیعیان معرفی شده بود ، ولی حیرت و سردرگمی فراوانی شیعیان را فراگرفت . راه ارتباط با امام (ع) منحصر به نائب خاص حضرت گردید و حتی وکیلان امام (ع) نیز قادر به دسترسی به امام نبودند اگر چه امکان دیدار با امام به طور کلی منتفی نبود و چه بسا کسانی به دیدار حضرت نایل می شدند . در واقع غیبت صغری برای فراهم شدن شرایط لازم جهت درک دوران غیبت کبری امری ضروری بود چرا که در طی آن مردم می آموختند که مصدر رجوع آن ها در امور دینی ، فقیهان و عالمان دینی هستند که مورد نیاز و مراجعه مردم اند و علمای شیعه نیز به ضرورت این نکته پی بردند که مصادر و مراجع علمی که مورد نیاز و مراجعه مردم هستند ، بایستی به گونه ای متقن و ثابت در دسترس مردم قرار گیرند . مسأله غیبت امری نبود که به تازگی مطرح شده باشد ، بلکه در سخنان معصومین (ع) بارها به آن اشاره شده بود و مردم کمابیش با آن آشنا بودند . در روایاتی که از نبی اکرم (ص) نقل شده بود ، حضرت ضمن بیان خصوصیات امام مهدی (ع) به مسأله غیبت حضرتش نیز اشاره کرده بود . در یکی از این روایات پیامبر (ص) چنین فرمود : مهدی از فرزندان من است نام او نام من و کنیه او کنیه من است و شبیه ترین مردم به من از حیث آفرینش و خلق و خوی است . او غیبت و دوران حیرتی دارد که مردمان در آن به گمراهی می افتند ، سپس همانند شهاب تندرو می آید و زمین را از عدل و داد پر می کند ، همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد . (۱) ائمه (ع) نیز در گفتار خود به مسأله غیبت امام مهدی (ع) و سختی ها و نابسامانی های آن دوران اشاره کرده اند و از تک تک ایشان روایاتی به این مضامین نقل شده است . اساساً مسأله غیبت در گفتار معصومین (ع) به عنوان یک سنت الهی مطرح شده که در میان انبیای پیشین و اوصیای آن ها معمول بوده است . بنا به روایات ، صالح پیامبر در سن پیری از میان قومش غایب شد و غیبت او مدتی به طول انجامید ، به طوری که چون به میان قومش بازگشت وی را نشناختند موسی (ع) نیز مدتی غایب بود و در طی این مدت بنی اسرائیل در حیرت و سرگردانی ورنج بسیار به سر می بردند ، تا بار دیگر موسی به نزد آن ها بازگشت . چنین غیبت هایی درباره حضرت یونس یوسف و برخی دیگر از پیامبران ذکر شده است بنابراین مسأله غیبت به مانند سنت جاریه ای تلقی شده است که درباره امام مهدی (ع) در امت خاتم الانبیاء نیز مصداق پیدا می کند . طرح مسأله غیبت از همان دهه های اول تاریخ اسلام چنان شایع و معمول شده بود که بسیاری از فرقه هایی که از تشیع منشعب می شدند ، به گونه ای به مسأله غیبت معتقد می گردیدند . کیسانیه اولین فرقه ای که از شیعه جدا شدند قائل به امامت محمد حنفیه و معتقد بودند که وی از میان آن ها غایب شده و در کوه رضوی مخفی گردیده و روزی ظهور خواهد کرد . ابومسلمیه همین عقیده را درباره ابومسلم داشتند به طور کلی هر یک از فرقه های شیعی که در امامت یکی از ائمه (ع) توقف کردند و مسیر خود را از تشیع اثنی عشری جدا کردند ، به نوعی غیبت درباره امام خود معتقد شدند . این امر حاکی از آن است که مسأله غیبت امام مهدی (ع) کاملاً در بین مسلمانان و شیعیان شناخته شده و شایع بوده است آن چه این مطلب را تأیید و تاکید می کند تألیف و تصنیف کتاب هایی در موضوع غیبت ، پیش از آغاز غیبت صغری و در زمان حضورائمه است (۲) ۱ . کمال الدین ج ۱ ، ص ۲۸۷ . ۲ . نشریه موعود ، شماره ۲۷ ص ۴۲ .

فترت

در اصطلاح دینی به مدت زمان بین دو پیامبر گفته می شود این کلمه تنها یک بار در قرآن آمده و به فاصله زمانی بین حضرت عیسی (ع) و رسول اکرم (ص) اشاره کرده است . در مباحث مهدوی ، در بیشتر روایات به مدت زمان پنهان زیستی حضرت

مهدی و ، غیبت تعبیر شده اما در پاره ای از آن ، از این دوره به عنوان فترت یاد شده است ابو حمزه می گوید : خدمت امام صادق (ع) رسیدم و عرض کردم : صاحب الامر شما یید ؟ فرمود : نه . گفتم پسر شما است ؟ فرمود : نه گفتم : پسر پسر شما است ؟ فرمود : نه گفتم : پسر پسر پسر شما است ؟ فرمود : نه . گفتم : پس او کیست ؟ فرمود : همان کسی است که زمین را پراز عدالت می کند ؟ چنان که پرازستم و جور شده باشد . او در زمان فترت پیدا نبودن امامان می آید ، چنان که رسول خدا (ص) در زمان فترت پیدا نبودن رسولان مبعوث شد (۲) ۱ . لسان العرب ، ج ۱۰ ص ۱۷۴ . ۲ . کافی ، ج ۲ ص ۱۴۱ .

کتاب های غیبت

موضوع غایب شدن حضرت مهدی (ع) مطلب تازه ای نیست ، بلکه از زمان پیامبر اکرم (ص) همواره مورد بحث و گفت گو بوده و آن حضرت به مردم خبر می داد که مهدی از اولاد من است و مدتی از نظر مردم مخفی و غایب می گردد ، سپس ظاهر می شود و جهان را اصلاح می کند . علی بن ابی طالب ، فاطمه زهرا ، امام حسن ، امام حسین و سایر ائمه (ع) و خاندان نبوت نیز هر یک در زمان خودشان راجع به غایب شدن مهدی موعود صحبت می کردند و از آن خبر می دادند قبل از این که امام زمان (ع) به دنیا بیاید ، کتاب هایی در خصوص غیبت ، تألیف می شد . مخصوصا از زمان موسی بن جعفر (ع) به بعد ، کتاب هایی در غیبت نوشته شد و احادیث غیبت در آن ها ثبت گشت . از آن جمله است : ۱ . علی بن حسن بن محمد طائی طاطری یکی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) است کتابی در غیبت نوشته و مورد وثوقی بوده است . ۲ . علی بن اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) بوده و کتابی در غیبت نوشته است . ۳ . ابراهیم بن صالح انماطی کوفی از اصحاب موسی بن جعفر (ع) بوده و به واسطه اخبار غیبت بود که کتابی در غیبت تألیف نموده است . ۴ . حسن بن علی بن ابی حمزه ، در عصر حضرت امام رضا (ع) زندگی می کرده و کتابی در غیبت تألیف نموده است . ۵ . عباس بن هشام ناشری اسدی کتابی در غیبت نوشته است . مرد جلیل القدر و موثق بوده که در سال دویست و بیست هجری و ات نمود . شیخ طوسی او را از اصحاب حضرت رضا (ع) می شمارد . ۶ . فضل بن شاذان نیشابوری کتابی در احوال قائم آل محمد (ع) و غیبت او نوشته است . نجاشی او را توثیق نموده و می نویسد : از فقها و متکلمین امامیه است و احتیاجی به تعریف ندارد و یک صد و هشتاد کتاب نوشته که از جمله آن ها کتاب غیبت است . ۷ . ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی ، نیز کتابی در غیبت نوشته است قاسم بن محمد همدانی در سال دویست و شصت و نه از او حدیث شنیده است . طبرسی می نویسد اخبار غیبت ولی عصر قبل از تولد خودش و پدر و جدش صادر شده و محدثین شیعه آن ها را در اصول و کتاب هایی که در عصر امام باقر و امام صادق (ع) تألیف شده ضبط نموده اند . یکی از محدثین موثق ، حسن بن محبوب است که در حدود صد سال قبل از زمان غیبت ، کتاب مشیخه را تألیف نموده و اخبار غیبت را در آن ثبت کرده است . فرقه دوازده امامی و معتقدین به وجود امام حسن عسکری (ع) در زمان غیبت صغری کاملاً در اقلیت بودند و بیش از حد تقیه و تحفظ می نمودند و بدین جهت ، چندان مورد توجه واقع نمی شدند و بحث و انتقاد زیادی در عقیده شان به عمل نمی آمد . کتاب الغیة نعمانی که در آن زمان ها تألیف شده ، ایراد و بحث های دامنه دار و مفصل در آن دیده نمی شود و در آن به ذکر روایاتی که دلالت دارند بر اینکه ائمه دوازده نفرند و زمین هرگز از امام خالی نمی شود و روایات غیبت اکتفا شده است . هرچه زمان غیبت طولانی تر می گردید تعداد معتقدان به غیبت ولی عصر (ع) زیادتر می شد و دعوت شان علنی تر می گشت و در اظهار عقیده خودشان بیشتر پافشاری می کردند به همین نسبت ، تعداد مخالفان آن عقیده نیز افزایش می یافت و زبان طعن و انتقاد و بحث و رد و ایرادشان بازتر می شد به طوری که وقتی زمان شیخ صدوق فرا رسید دائره مباحث و رد و ایرادها توسعه یافته بود . شیخ صدوق و مساله غیبت : صدوق در اواخر زمان غیبت صغری تولد یافت و در سال ۳۸۱ ق وفات نمود . او کتاب کمال الدین و تمام النعمه ، را در اواخر عمرش تألیف کرده است اما علت تألیف کتاب یاد شده این بود که در آن عصر ، از طرف فرقه اسماعیلیه که فرقه قابل

توجهی بودند. و فرقه زیدیه و طرفداران جعفر کذاب و اهل تسنن که اکثریت داشتند، ایرادات و اشکالاتی به فرقه امامیه وارد می شد و بدین وسیله اذهان مردم را مشوب می کردند از این جهت شیخ صدوق، کتاب کمال الدین، را تألیف نمود. در اول آن کتاب اشکالات مخالفان را نقل می کند و بدانها پاسخ می دهد و به خوبی از عقیده امامیه دفاع می کند و به تفصیل درباره قائم آل محمد (ع) بحث می کند. شیخ مفید و مساله غیبت: وقتی نوبت به شیخ مفید رسید باز هم دایره اشکالات توسعه یافته بود و مساله امامت، یکی از مسائل قابل توجه شده بود مفید در سال ۳۳۶ ق. تولد یافت و در سال ۴۱۳ ق. وفات نمود. موقعیت حساس و اهمیت مساله امامت را از کتاب های زیادی که مفید در آن عصر، در آن باره تألیف نموده می توان یافت. نجاشی کتاب های زیر را از جمله کتاب های مفید می شمارد: کتاب الايضاح فی الامامة، کتاب النقض علی ابن عباد فی الامامة، کتاب المسائل العشرة فی الغیبة، کتاب مختصر فی الغیبة، کتاب جوابات الفارقین فی الغیبة، کتاب نقض الامامة علی جعفر بن حرب، کتاب النقض علی الطلحی فی الغیبة، کتاب المسألة علی الزیدیه، کتاب نقض الامم فی الامة، النقض علی غلام العجرانی فی الامامة کتاب النقض علی النصیبی فی الامامة، الرد علی لکرایسی فی الامامة، کتاب الجوابات فی خروج المهدي، کتاب الرد علی ابن رشید فی الامامة، کتاب الرد علی فی الاخشید فی الامامة، کتاب العهد فی الامامة. سید مرتضی در سال ۳۵۵ ق. تولد یافت و در سال ۶۴۳ ق. وفات نمود. سید مرتضی از استادان شیخ طوسی بوده است در آن عصر نیز دائره رد و ایراد باز هم تا حدودی توسعه یافته بود، لذا سید مرتضی قد علم کرد و کتاب بزرگی پیرامون امامت تألیف نمود به نام الشافی، او در این کتاب تمام امامت را مورد بحث و بررسی قرار داد و اشکالات و ایرادات مخالفان را پاسخ داده و درباره امام غایب به تفصیل وارد بحث شده است علاوه بر آن کتابی هم در خصوص غیبت تألیف نموده به نام: المقنع. شیخ طوسی و مساله غیبت: سید مرتضی در سال ۴۳۶ ق. درگذشت و منصب زعامت و ریاست امامیه به شیخ طوسی محول شد شیخ نیز در باب غیبت کتاب های متعددی از جمله الغیبة، را نگاشت. پس از شیخ طوسی نیز کتاب های بسیاری در موضوع غیبت نوشته شده است، ولی مندرجات آن ها، عمدتاً همان مطالبی است که شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و شیخ صدوق تحقیق کرده اند. (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۱۶ ص ۲۸.

ادعای ارتباط با حضرت

درباره ارتباط با امام زمان (ع)، کتاب هایی نوشته شده که در این اواخر، رواج فوق العاده ای یافته است. این کتاب ها مشحون از حکایات و داستان ها و مطالبی است که برخی از آن ها به یقین، نادرست و برخاسته از تصورات و خیال بافی های نویسندگان آن هاست و در برخی شمه ای از حقیقت وجود دارد. نقل این داستان ها و حکایت ها، باعث می شود که یک عقیده درست و صحیح، به ناصواب هایی آمیخته گردد و عقائد خرافی و ناصحیح و غیر مستند در میان مردم رواج یابد. وقتی که آقا و خانمی به راحتی و آسانی اهل مکاشفه شوند و آن را در کتاب خود بنویسند، چرا دیگران به چنین مقامی نرسند. زمانی که مدعی مکاشفه، پا را فراتر نهد و در بیداری، حضرت رسول (ص) و برخی از معصومین (ع) را ببیند چرا دیگران از این نعمت محروم باشند رواج این گونه کتاب ها باعث شده که در برخی از مناطق، شاهد اتفاقات عوام فریبانه و خرافی باشیم: کسی در منطقه ای مدعی می شود که قطره ای از خون سر امام حسین (ع) ریخته و سر مبارک حضرت را دیده است. چوپانی مدعی می شود که غلام شاه چراغ است و از وی دستورهایی دریافت کرده است. خانمی که از دست شوهرش فرار کرده، به مسجد روستایی می رود و مدعی می شود که مسجد، نظر کرده است و مریض هایی که به این مسجد بیایند شفا می یابند. در مواردی، دختر یا زنی نظر کرده می شود و حاجت مردم را برآورده می کند. (۱) یا سید مهدی شیخی م ۱۲۷۸ هـ. ق در کتاب بوارق الحقایق که شرح سفرهای اوست ادعا می کند: در طوس، مهدی (ع) را دیده و ایشان آیات و اواردی را در دهان وی، فوت کرده است. در این دیدار، امام زمان، چند کلمه به فارسی، با لهجه افغانی گفته، او مطلب را فهمید، اما زمانی که او چند واژه به فارسی می گوید، حضرت متوجه مقصود وی نمی

شود ، از این روی برای آن حضرت توضیح می دهد (۲) پیامد ناگوار این کتاب ها و عقاید برگرفته از حکایت و خواب ، فضایی را به وجود می آورد که اهل عقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می کند و زمینه انحراف های فکری را فراهم می آورد و در نتیجه ، مخالفان تشیع ، امکان رشد و گسترش می یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام زدگان به نام تشیع ثبت می شود و به دیگران انتقال می یابد و یک عقیده ای که در اصل آن ، تمام فرق اسلامی توافق دارند ، به گونه ای مطرح می شود که فرسنگها با اسلام فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیشه وران اسلامی تنگ می کند . ۱ . چشم به راه مهدی ص ۳۵ . ۲ . همان ، ص ۱۰۲ .

انواع غیبت

دو غیبت

در روایاتی که غیبت حضرت را پیشگوئی کرده ازدو غیبت داشتن ایشان نیز سخن به میان آمده است . امام صادق (ع) می فرماید : برای قائم ما دو غیبت است : یکی از آنها کوتاه و دیگری دراز است . در غیبت کوتاه ، تنها نزدیکان شیعه از جایگاه او مطلع می شوند و در دومی ، به جز خدمتگزاران ملازم او ، کسی از اقامتگاهش آگاه نخواهد بود (۱) از پیامبر اکرم (ص) ، (۲) امام سجاد (ع) (۳) و سایر ائمه (ع) نیز روایت هایی در باب دو غیبت حضرت قائم (ع) آمده است . ۱ . غیبت نعمانی ص ۸۹ منتخب الاثر ص ۲۵۱ اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۳۴۰ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۳۳۸۰ . همان ص ۱۳۴ .

غیبت صغری

معتضد بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود . وی برادرزاده معتمد بود و وقتی عموی او در سال ۲۷۹ هجری قمری درگذشت ، با او بیعت شد و در سال ۲۸۹ درگذشت . مدت خلافتش ، نه سال و نه ماه و دو روز بود . مرگش در سن چهل و هفت سالگی رخ داد . معتضد مردی کم رحم و خونریز بود و علاقه داشت کسانی را که می کشت اعضای آن ها را ببرد . انواع و اقسام شکنجه ها داشت و افراد را به اشکال مختلف می کشت . او سردابه هایی داشت که شکنجه های مختلفی در آن جا انجام می گرفت و افراد خاصی را عهده دار این شکنجه ها گماشته بود . فقط به زن و ساختمان علاقه داشت برای قصر خود که به نام " ثریا " معروف بود ، چهارصد هزار دینار خرج کرد که طول آن چهار فرسخ بود . (۱) ۱ . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) ، علی غفارزاده ، ص ۴۱ .

مقتدر بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود . وی برادر مکتفی و اسم او جعفر بن احمد است . در سال ۲۹۵ هجری قمری و در سیزده سالگی به خلافت رسید و در سال ۳۲۰ هجری قمری در سن سی و هشت سالگی در بغداد کشته شد . چون مقتدر در کودکی به خلافت رسید ، لذا نتوانست از اقتدار و قدرت مستقلاً برخوردار باشد و زنان و غلامان و اطرافیان بر او تسلط کامل داشتند . در زمان خلافت او ، وزرای بسیاری بر سرکار آمدند و عوض شدند . سختگیری و فشار در این دوره نسبت به شیعیان ، وابسته و منوط به انتخاب وزراء بود . اگر وزیری نسبت به شیعیان متمایل بود ، فشار و خفگان کمتری به چشم می خورد . مثلاً در دوران وزارت محمد بن علی بن فرات که متمایل به شیعیان بود ، اوضاع سیاسی نسبت به دوستان اهل بیت مساعد می شد ، ولی وقتی حامد بن عباس به وزارت رسید ، حسین بن روح - نائب سوم امام زمان (ع) - نتوانست به فعالیت خویش ادامه دهد و به صورت مخفیانه

زندگی می کرد . در سال ۳۱۲ هجری قمری پس از کشته شدن محمد بن علی بن فرات و پسرش ، حسین بن روح تا سال ۳۱۷ هجری قمری توسط مقتدر زندانی شد . کشته شدن حلاج در سال ۳۰۹ هجری قمری به دستور مقتدر بود .

مکتفی بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود . اسم او علی بن احمد معتضد است . در همان روز وفات پدرش معتضد با او بیعت شد . وقتی به خلافت رسید ، بیست و اندی سال داشت . در سال ۲۹۵ هجری قمری در سی و سه سالگی از دنیا رفت و مدت خلافت او حدود شش سال به طول انجامید . او مردی معتدل ، خوش رو و دارای ریش انبوه بود .

معتمد بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود . در سال ۲۵۶ هجری قمری در بیست و پنج سالگی به خلافت رسید و در سال ۲۷۹ هجری قمری در سن چهل و هشت سالگی در بغداد از دنیا رفت و مدت خلافت وی بیست و سه سال طول کشید . معتمد ، مردی عیاش و سرگرم خوشگذرانی بود و تدبیر امور به دست برادرش ابو احمد موفق افتاده بود که معتمد را به زندان انداخت و نخستین خلیفه ای بود که زندانی شد . در سال ۲۶۰ هجری قمری در دوران خلافت معتمد ، امام حسن عسکری (ع) در بیست و نه سالگی درگذشت . معتمد در برابر امام (ع) رفتار و واکنشی داشت که از میخ یک از خلفای پیشین مشاهده نشده بود و آن این بود که در برابر امام ، اظهار کوچکی و عجز می کرد و دست به دامان امام (ع) می شد . در اوایل حکومت خویش به خانه حضرت می رفت و از آن حضرت می خواست که برای طولانی شدن حکومت وی دعا کند . (۱) . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) ، علی غفارزاده ، ص ۴۱ .

غیبت صغری

در آغاز غیبت صغری ، میان علما و دانشمندان اختلاف است سه نظر در آن وجود دارد ۱ : گروهی مانند شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از هنگام ولادت حضرت مهدی (ع) به شمار آورده اند (۱) زیرا از همان سال های آغازین ولادت ، آن حضرت غیبت نسبی داشت و شماری اندک از یاران ، وی را مشاهده کردند . بنابر این نظر ، دوره غیبت صغری تقریباً ۷۴ سال می شود ؟ یعنی از آغاز ولادت ، تا پایان سفارت آخرین نائب حضرت . ۲ . برخی برآنند که غیبت صغری ، از سال ۲۶۰ هـ . ق یعنی سال درگذشت امام حسن (ع) آغاز شد و این مدت تا شروع غیبت کبری ، دوران آمادگی شیعیان و انس آنان به جدایی از امام زمان (ع) نام گرفت در این دوران ، ۶۹ ساله ، سفیرانی رابط بین امام و مردم بودند . ۳ . گروهی آغاز غیبت امام (ع) را از زمانی می دانند که مأموران خلیفه به منزل حضرت در سامرا هجوم آوردند ، تا وی را دستگیر کنند و حضرت در آن هنگام ، در سرداب رفت و همان جا از دیده ها پنهان شد . (۲) در منابع شیعی و کتاب های امامیه ، هیچ نامی از سرداب نیست ، و متأسفانه این مسأله دستاویز حمله نا آگاهانه برخی از نویسندگان اهل سنت ، به تشیع شده است . (۳) زمانی که در سال ۲۶۰ ق . امام حسن عسکری (ع) وفات یافت ، فقط عده اندکی از شیعیان خاص و برخی از وکلای حضرت از وجود فرزند ایشان ، امام مهدی (ع) مطلع بودند . خلیفه عباسی احمد المعتمد ۲۵۶-۲۷۹ ق در پی آن بود تا فرزند و وارث امام (ع) را بیابد از این رو مدتی منزل و خانواده امام را تحت مراقبت قرار داد . از طرفی جعفر بن علی برادر امام حسن عسکری (ع) به دنبال آن بود که منزلت و مقام برادر را به دست آورد و حتی در این کار از خلیفه عباسی کمک خواست و لیکن توفیقی نیافت (۳) . امام عسکری (ع) ، پیش از رحلت خود

عثمان بن سعید عموی را که از وکلا و اصحاب خاص بود، در چند مجلس به اصحاب خود معرفی و او را به عنوان نائب امام دوازدهم پس از خود تعیین کرد. عثمان بن سعید مدت ده سال وکیل امام هادی (ع) بود و پس از آن وکالت امام حسن عسکری (ع) را به عهده داشت و پس از رحلت امام به ظاهر مراسم تغسیل و تکفین وی را انجام داد. او پس از چندی به بغداد نقل مکان کرد که از شهرهای شیعه نشین عراق بود. در طی این مدت کوتاه که او نیابت خاص امام دوازدهم را به عهده داشت، شیعیان به وی رجوع می کردند و توقیعات صادره از ناحیه امام به دست وی به دست شیعیان می رسید (۴). عثمان بن سعید پیش از وفاتش مأمور شد تا پسرش محمد را به عنوان نائب امام به شیعیان معرفی کند. دوران نیابت محمد بن عثمان دورانی طولانی و سخت بود. فشار و اختناق اعمال شده از جانب عباسیان، انحرافات دینی و فرقه ای، القاء شبهات گوناگون و حرکت های رو به گسترش اسماعیلیان از مهم ترین مشکلاتی بودند که وی با آنان درگیر بود. محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ ق درگذشت و حسین بن روح نوبختی به نیابت امام منسوب شد. او از مردم قم و مدت ها از دستیاران محمد بن عثمان بود. او با تدبیر و کیاست خود توانست در اوج بحران، اوضاع مساعدی را برای جامعه شیعی فراهم سازد و تا حد ممکن از فشارهایی که از طرف حکومت بر آن ها اعمال می شد، بکاهد. سیاست دینی وی به گونه ای بود که هیچ تنش و عکس العملی را علیه شیعیان پدید نمی آورد. او توانسته بود با اعمال تقیه شدید چنین جوی را به وجود آورد. یک بار در مجلسی در حضور علمای اهل سنت به گونه ای درباره عمر و ابوبکر سخن گفت که همگان را به تعجب واداشت و هر گونه بدبینی و سوءظن سنیان را نسبت به او برطرف ساخت. او در همین راستا یکی از خدمتکارانش را که عادت به ناسزاگویی به معاویه داشت، اخراج کرد (۵). بدین ترتیب دوران طولانی نیابت وی، بهترین ایام غیبت صغری برای شیعیان بوده است. روابط او با دربار عباسیان و نفوذ او در میان وزرا و امرا موجب گردید که سختگیری ها و اعمال فشارها بر شیعیان به حداقل برسد. با درگذشت حسین بن روح نوبختی در سال ۳۲۶ ق، محمد بن علی سمری به نیابت منصوب شد. وی آخرین نائب امام (ع) بود و در سال ۳۲۹ ق درگذشت. آخرین توقیعی که یک هفته پیش از وفاتش به دست او رسید وی را مأمور ساخته بود که شخصی را به عنوان نائب امام بعد از خود معرفی نکند. این توقیع در واقع اعلامی برای آغاز غیبت کبری امام (ع) بود. از مشکلات اساسی که نایبان امام و شیعیان با آن درگیر بودند، ظهور مدعیان نیابت بود. کسانی که به علل مختلف ادعا می کردند نائب امام (ع) هستند. ظهور این افراد غالباً با انحرافات و القاء شبهاتی همراه بود و این بزرگترین خطری بود که در این عصر شیعیان را تهدید می کرد. مشهورترین این افراد محمد بن علی شلمغانی بود که معاصر با حسین بن روح بود و توقیعی از ناحیه امام (ع) مبنی بر برائت از او، لعن بر او و چند تن دیگر صادر شد (۶). جامعه اسلامی در دوران غیبت صغری از وضعیت سیاسی آشفته ای برخوردار بود. دستگاه خلافت عباسیان در نهایت ضعف و سستی خود بود. امرای ترک نژاد که از دوران خلافت معتصم به دربار راه پیدا کرده و دارای مناصبی شده بودند، همچنان نفوذ شدیدی بر خلیفه و درباریان داشتند به طوری که در بسیاری امور، خلیفه را تحت فشار قرار می دادند و گاه عزل و نصب خلیفه نیز به وسیله آن ها انجام می شد. ضعف خلیفه و عدم اراده وی در رسیدگی به امور، گاه موجب دخالت زنان دربار در این امور می شد. به طوری که مادر خلیفه همراه با قضات و اعیان در مجلس مظالم می نشست و حکم صادر می کرد. درگیری های داخلی میان خلیفه و وابستگانش بر سر تصاحب قدرت، اموی عادی بود این امر حتی در میان وزیران نیز شایع بود. عدم کفایت و صلاحیت وزیران موجب شده بود که پیوسته عزل و نصب شوند و هر کس قادر بود با پرداخت اموال بیشتری به دار الخلافه خود را به مقام خلافت برساند. در طی این دوران شش تن از عباسیان به حکومت رسیدند که برخی از آن ها توسط درباریان خلع و برخی به قتل رسیدند. ضعف و سستی دستگاه خلافت که از نیمه اول قرن سوم هجری آغاز شده بود، فرصت خوبی برای مخالفان و امیران محلی بود تا دولت های مستقلی در نواحی مختلف و وسیع اسلامی پدید آورند به طوری که در عصر غیبت صغری نواحی مختلف سرزمین های اسلامی هر یک تحت اختیار دولتی مستقل بود که خلیفه اساساً هیچ نفوذ و سلطه ای بر آن نداشت. سرزمین اندلس که از سال ها

پیش، تقریباً همزمان با روی کار آمدن عباسیان، از نکره خلافت جدا شد. پس از آن ادریسان حسنی در مغرب اقصی-مراکش کنونی- نخستین دولت شیعی را تأسیس کرد. اغلییان بر شمال آفریقا حکومت داشتند و مصر تحت اختیار طولونیان و سپس اخشیدیان بود. طاهریان، صفاریان، علویان، سامانیان و... دولت های خود مختاوی بودند که در طی این دوران، در نواحی ایران امارت داشتند و به همین ترتیب در هر ناحیه دولت و امارتی مستقل برپا بود. با این حال شیعیان در عصر غیبت، از موقعیت سیاسی نسبتاً خوبی برخوردار بودند. نفوذ شیعیان در دربار عباسیان ثمرات خوبی، به خصوص در دوران حساس غیبت به همراه داشت. در دوره ده ساله خلافت معتضد عباسی ۲۷۹-۲۸۹ ق جو اختناق شدیدی علیه شیعه ایجاد شده بود که به تعبیر شیخ طوسی در زمان او از شمشیرها خون می چکید. اما این وضعیت در زمان خلافت مقتدر ۲۹۵-۳۲۰ ق تا حدودی دگرگون شد و در برخی موارد چرخش گردونه سیاست به نفع مسلمین بود و آن ها می توانستند با آزادی بیشتری به فعالیت پردازند. این دگرگونی با نفوذ خاندان بنی فرات که از خاندان های شیعه مذهب و برجسته بغداد بودند، در دستگاه خلافت آغاز شد. افراد این خانواده توانستند پس از نفوذ در دربار، در مناصب بالا و در امور اداری مشغول به کار شوند. حتی چند تن از این افراد به مقام وزارت رسیدند که مشهورترین آن ها ابو الحسن علی بن محمد بن فرات بود. او معروف به ابن فرات اول ۲۴۱-۳۱۲ ق. و در فاصله سال های ۲۹۶ تا ۳۱۳، سه بار به وزارت رسید. در دوران او آزادی نسبی برای شیعیان فراهم شد و آن ها از این فرصت، جهت احیای مذهب تشیع سود می بردند. این امر کمابیش همزمان با نیابت حسین بن روح نوبختی- نائب سوم امام (ع) - بود. او که خود از خاندان نوبختی و از موقعیت سیاسی خوبی برخوردار بود و توانسته بود در دربار عباسیان راه یابد و بنا به قولی که مسئول امور خاص خلیفه بود. فرد دیگری از خاندان نوبختی که به وزارت دست یافت، ابو الفتح فضل بن جعفر ۲۷۹-۳۲۷ ق معروف به ابن فرات دوم بود. او در سال های ۳۲۰ تا ۳۲۴ وزارت دو تن از خلفا را به عهده داشت. دوران وزارت او همزمان با آخرین سال های زندگی حسین بن روح بود. اگر چه نفوذ و قدرت وی همانند ابن فرات اول نبود، با این حال نبایستی تأثیر و موقعیت آن را نادیده گرفت. در همین راستا باید به دولت های شیعه مذهبی که در این عصر تشکیل شده و یا امارت داشتند، اشاره کنیم. ادریسیان، اولین دولت شیعی بود که در سال ۱۷۲ ق تأسیس شد. ادریسیان زیدی مذهب تا اوایل قرن چهارم هجری امارت داشتند و سپس به دست فاطمیان برچیده شدند. آثار فرهنگی و تمدنی باز مانده از آن ها در مغرب قابل توجه است. فاطمیان که از سال ۲۹۶ ق. در تونس به قدرت رسیدند، پس از اندک زمانی بر تمام مغرب استیلا یافتند و پس از استیلا بر مصر پس از نیمه قرن چهارم، تنها قدرت مطرح در سراسر شمال آفریقا بودند. فاطمیان، مذهب اسماعیلی داشتند و مدتی نزدیک به سه قرن حکمفرمایی کردند. نفوذ آن ها در سراسر جهان اسلام سبب تأسیس دولت های اسماعیلی متعددی در نواحی مختلف از جمله در یمن و سند شد. فاطمیان خلافت را حق خود می دانستند و از این رو خود را خلیفه می خواندند. حسن بن زید از نوادگان امام حسن (ع)، مؤسس دولت علویان در طبرستان ۲۵۰-۳۵۵ ق بود. وی که به دعوت مردم طبرستان برای مقابله با ظلم و جور امیران طاهری به این ناحیه آمده بود، پس از تحت فرمان در آوردن طبرستان به نواحی ری و قزوین دست یافت، اما بزودی آن ها را از کف داد. از معروفترین امرای علوی، حسن بن علی معروف به ناصر الحق و ملقب به اطروش ۳۰۱-۳۰۴ ق بود که بار دیگر طبرستان را به طور یکپارچه تحت فرمان درآورد آخرین امیر آن ها "الثائر بالله" بود که در سال ۳۵۵ ق درگذشت (۷) دولت زیدیان یمن نیز از نخستین دولت های مستقل شیعی بود که در عصر غیبت شکل گرفت. شهرهای مکه و مدینه و نواحی یمامه و حجاز نیز مدت ها در اختیار زیدیان بود. حمدانیان، شیعیان دوازده امامی از قبیله بنی تغلب بودند که از اوایل قرن چهارم هجری در نواحی شمال عراق و بخش هایی از شام حکومت می کردند و گرایش های شیعی از دیرباز در میان آن ها وجود داشت. ۱. ارشاد، مفید ج ۲، ص ۳۴۰. ۲. چشم به راه مهدی ص ۳۳۹. ۳. منتخب الاثر ص ۳۷۲. ۴. اعلام الوری، ج ۲، ص ۱۵۰. ۵. غیبت طوسی ص ۲۳۷. ۶. همان. ۷. ابن خلدون، ج ۴ ص ۳۶.

دوران حیرت

برهه ای است که امام زمان (ع) ، سایه پدر را از دست داد و خود عهده دار منصب امامت شد و در حقیقت ، دوران غیبت صغری را دوره حیرت و محنت شیعیان نامیده اند . (۱) در این دوران ، بر دوستداران اهل بیت (ع) بسیار سخت گذشت . از یک سو فرقه ها و نحله های گوناگونی پیدا شدند که در رابطه با امامت ، افکار و اندیشه های متضادی داشتند و مردم را به شبهه و تردید می انداختند و شیعیان ، به دنبال ملجأ و مرجعی می گشتند ، (۲) تا بتوانند در این عرصه خطرناک ، در پناه او بمانند و از افکار و اندیشه خود به دفاع برخیزند . از سوی دیگر ، دشمن احساس کرده بود که امام یازدهم (ع) فرزندی دارد ، از این روی درصدد دستگیری و نابودی وی برآمده بود مجموعه این حوادث ، فضای حیرت و سرگردانی را دو چندان می ساخت و به فرموده امام رضا (ع) بعد از درگذشت سومین فرزندم امام حسن (ع) فتنه فراگیر و طاقت فرسایی فرا می رسد که بسیاری از خوبان و نخبگان در آن فرو می افتند . (۳) در آن دوران ، دشمنان از هیچ تبلیغ ناروا و سختگیری کوتاهی نکردند . مؤمنان بسیاری دچار حیرت شدند و اختلاف به اندازه ای رسید که به نقل شیخ مفید ، چهارده انشعاب در شیعه به وجود آمد که از آن میان ، فقط سه فرقه به وجود مهدی (ع) یقین داشتند . گسترش دامنه شبهات ، مؤمنان و اندیشورانی را که بر اساس تفکر شیعی ، به غیبت مهدی (ع) پایبند مانده بودند ، به نوشتن کتاب هایی در این موضوع واداشت . اخباری مربوط به بیست سال پیش از شروع غیبت کبری در حدود سال ۳۵۲ هـ . ق وجود دارد که نشان می دهد ، حیرت و ناامیدی از بازگشت سریع امام دوازدهم ، ویژگی بارز محافل امامیه بوده است . حملات شدید به غیبت و فلسفه آن از سوی معتزلیانی چون ابوالقاسم بلخی ، (۴) و زیدیه همچون : ابو زید علوی (۵) و صاحب بن عباد ، این حیرت را در میان امامیه ، از نیشابور تا بغداد گسترش داد ، تا آن که شماری عقاید خود را ترک گفتند (۶)

۱ . غیبه نعمانی ، ص ۱۸۵ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۱ ، ص ۱۱ . ۳ . غیبه نعمانی ص ۸۰۱ کمال الدین ص ۳۷۰ سفینه البحار ج ۲ ، ص ۳۰۷ . ۴ . المغنی ج ۲ ص ۱۷۶ . ۵ . کمال الدین ج ۱ ص ۲۲۱ . ۶ . کمال الدین ، ج ۱ ص ۲ و ۳ و ۱۶ .

قاهر بالله

از خلفای دوران غیبت صغری بود . اسم او محمد بن معتضد است ، در سال ۳۲۰ هجری به خلافت رسید و در سال ۳۲۲ چشمانش را میل کشیدند و کشتند . اخلاق او ثباتی نداشت و زود رنگ عوض می کرد . نیزه بزرگی داشت که هر وقت در خانه خود راه می رفت آن را به دست می گرفت و به هنگام نشستن جلو روی خود می گذاشت و هرکسی را می خواست بکشد ، با آن می زد . وی در کارهایش چندان دقت نمی کرد و رفتار او هول انگیز بود (۱) . زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) علی غفارزاده ، ص ۴۹ .

جعفر کذاب

پسر امام هادی و برادر امام حسن عسکری (ع) است . پس از شهادت امام عسکری (ع) با علم به این که امام حسن عسکری (ع) فرزندی دارد و ایشان جانشین و امام بعد از او می باشد ، به دروغ ادعای امامت کرد . وی پس از شهادت حضرت ، پیش از آن که مردم جنازه را از خانه بیرون ببرند ، دم در ایستاده و تسلیت را نسبت به شهادت برادر و تبریک را نسبت به امامت خود ، از مردم تحویل می گرفت . شیخ طوسی ، در ضمن حدیثی که نقل می کند و از شرابخواری و مستی او حکایت می کند ، می گوید : کارهای زشت و گفتارهای ناهنجاری که از وی روایت شده ، به قدری زیاد است که نمی توان احصاء نمود . . . جعفر بن علی ،

چون از طرف دستگاه بنی عباس تقویت می شد و آن عنصر فاسد را عامل خود دانسته و در مقابل امام حسن عسکری (ع) تقویت می کردند، پس از آن حضرت، او را واداشتند که خود را امام دوازدهم شیعه بداند تا بدان وسیله مسأله امام غائب را لوث کنند، جعفر نیز دعوی امامت و جانشینی برادر کرد. امام زمان (ع) نیز طی توقیع هایی او را دروغگو دانست به همین جهت در میان شیعیان به جعفر کذاب مشهور شد (۱) امام هادی (ع) اصحاب خود را از معاشرت و ارتباط با جعفر شدیداً منع کرده و می فرماید: او از تعالیم دین خارج، و زیر بار فرمان من نیست (۲) وقتی که شیعیان دیدند جعفر کذاب ادعای امامت دروغین می کند و منکر وارث شرعی امام حسن عسکری (ع) است و ما ترک امام را تصرف کرد و دولت عباسی هم از آن حمایت می کند، لذا بعضی از آن ها به عثمان بن سعید متوسل شدند تا از طریق اخراج توقیع از طرف امام زمان (ع) جریان جعفر روشن شود و نتواند اذهان عامه مردم را منحرف سازد و از این طریق رسوا گردد. جریان از این قرار است که: جعفرنامه ای می نویسد به یکی از دوستان و شیعیان امام مهدی (ع) و در آن نامه می نویسد که قائم و امام بعد از برادر من هستم و علم حلال و حرام و تمام علوم در نزد من است وقتی نامه به دست شخص می رسد، ناراحت شده و در مطالب آن مشکوک می شود. لذا نامه را برداشته پیش احمد بن اسحاق اشعری می رود که او از اصحاب خاص امام حسن عسکری (ع) و از مقرین پیش آن حضرت بوده و جریان را به او می گوید: احمد بن اسحاق هم نامه ای نوشته و نامه جعفر را هم در داخل آن می گذارد و به وسیله عثمان بن سعید، به خدمت حضرت مهدی (ع) می فرستد در پاسخ احمد بن اسحاق نامه ای از طرف امام مهدی (ع) می رسد نامه بسیار تند و با عالی ترین برهان و دلیل و لحن بسیار شدید، امامت جعفر را رد فرموده است. ما قسمتی از آن نامه را از احتجاج نقل می کنیم... این مفسد جعفر کذاب که بر خداوند دروغ بسته، و ادعای امامت دارد، نمی دانم به چه چیز خود نظر داشته است؟ خداوند گواه است که او چهل روز نماز واجبش را ترک کرد، به این منظور که با ترک نماز بتواند شعبده بازی را یاد بگیرد شاید خبر آن به شما هم رسیده باشد. ظرف های شراب او را همه دیده اند. علاوه بر این ها، آثار و علایم نافرمانی وی از امر و نهی الهی، مشهود و نزد همگان محقق است. چنان چه ادعای وی مبتنی بر معجزه است، معجزه خود را بیاورد و نشان دهد و اگر حجتی دارد آن را اقامه نماید، و چنان چه دلیلی دارد ذکر کند (۳) و از این طریق است که عثمان بن سعید، جعفر کذاب را رسوا می کند. امام سجاد (ع) در پاسخ ابو خالد کابلی که از آن حضرت پرسید، چرا ششمین امام ملقب به صادق است، در حالی که همه شما صادق می باشید؟ فرمود: به جهت این که در نسل پنجم او، مردی باشد به نام جعفر که او به دروغ، دعوی امامت کند و او جعفر کذاب است (۴) جعفر کذاب در سال ۲۷۱ به سن چهل و پنج سالگی در سامرا درگذشت (۵) ۱. مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۴۰. ۲. تاریخ سامرا، ج ۲، ص ۲۵۱. ۳. احتجاج طبرسی ج ۲، ص ۴۶۸، تاریخ سامرا، ج ۲، ص ۲۵۳. ۴. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۲۷. ۵. معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۶۵.

زنان در غیبت صغری

در دوران سخت غیبت صغری، در روزهایی که شیعیان پس از دویست و شصت سال با یک آزمایش بزرگ روبه رو بودند و می بایست با غیبت امام خو کنند، یک زن به عنوان مفزع و پناه معرفی می شود و آن مادر بزرگوار امام حسن عسکری (ع) است. در این دوره، اگر چه امام هادی و امام حسن عسکری (ع)، زمینه غیبت را از پیش فراهم کرده بودند و شخصیت های مورد اعتمادی همانند عثمان بن سعید عمری و پسرش محمد بن عثمان را به عنوان وکیل معرفی کرده بودند، به دلایلی از موقعیت مادر امام حسن عسکری (ع)، معروف به "جده" استفاده شد و وی پناه شیعه معروف گردید. از گفت و گوی احمد بن ابراهیم با "حکیمه" دختر امام جواد (ع) برمی آید که پس از گذشت دو سال از رحلت امام حسن عسکری (ع)، همچنان بسیاری از کارها به دست مادر بزرگوار امام حسن عسکری (ع) انجام می شده است، ولی در حقیقت از طرف حضرت حجه بن الحسن (ع) و به فرمان آن حضرت صورت گرفته است. شیخ صدوق (ره)، از احمد بن ابراهیم نقل کرده است که در سال ۲۶۲ ق. بر حکیمه دختر امام

جواد (ع) وارد شدم و از پس پرده با وی سخن گفتم و از او درباره اعتقادش به امامان پرسیدم. او همه آن ها را یکایک شمرد و آنگاه حجة بن الحسن بن علی را نیز نام برد... از او پرسیدم: این فرزند کجاست؟ گفت: در پس پرده غیب است. گفتم پس شیعه به چه کسی پناه ببرد؟ گفت: به جده، مادر امام حسن عسکری (ع). سپس افزود: این دستور از سوی امام حسن عسکری (ع) و به پیروی از امام حسین (ع) صورت گرفته است. زیرا امام حسین (ع) در ظاهر برای حفظ جان فرزندش امام سجاد (ع) به خواهرم زینب کبری (ع) وصیت کرد و در نتیجه تا مدتی هرآن چه از امام زین العابدین (ع) صادر می شد به حضرت زینب (ع) نسبت داده می شد تا امر پنهان باشد و حساسیت ها نسبت به امام سجاد (ع) کمتر شود. این امتیاز برای جده باقی بود تا آنکه کسانی مانند "عثمان بن سعید" و دیگر سفرا و نمایان خاص امام زمان (ع) در بین شیعیان شناخته شدند و منزلت یافتند. پس از شهادت امام عسکری (ع) یک بانو نظر دستگاه خلافت بنی عباس را نسبت به تعقیب امام زمان تغییر داد. نوشته اند پس از گزارش جعفر کذاب، که در خانه امام حسن عسکری (ع)، فرزند خردسالی از آن حضرت باقی مانده است، آن ها به خانه امام هجوم بردند و پس از دستگیری صیقل یکی از کنیزان امام فرزند خردسال را از او مطالبه کردند. او نخست انکار کرد و آنگاه برای اینکه موضوع برای آن ها پوشیده ماند، گفت: من حامله هستم. از این رو آن کنیز را به دست اُبی الشوارب قاضی وقت، سپردند تا از او مراقبت کند. در مدتی که صیقل زیر نظر قاضی نگهداری می شد، دستگاه خلافت با مرگ عید بن خاقانی و شورش صاحب الزنج روبه رو شد و صیقل از وضعیت آشفته سود جست و فرار کرد. (۱) ۱. نشریه موعود، شماره ۲۷ ص ۷۴.

خلفای دوران غیبت صغری

دوران غیبت صغری، مقارن با خلافت شش تن از خلفای عباسی بود. که عبارتند از: معتمد بالله ۲۵۶ تا ۲۷۹ هـ. ق (متعاضد بالله) ۲۷۹ تا ۲۸۹ هـ. ق، مکفی بالله ۲۸۹ تا ۲۹۵ هـ. ق (مقتدر بالله) ۲۹۵ تا ۳۲۰ هـ. ق، قاهر بالله ۳۲۰ تا ۳۲۲ هـ. ق و راضی بالله ۳۲۲ تا ۳۲۹ هـ. ق.

خلفای عباسی

دوران غیبت صغری که نواب خاص امام زمان (ع) در آن دوره، مسئولیت نیابت را به عهده داشتند و نزدیک به هفتاد سال از تاریخ را به خود اختصاص دادند، مصادف و مقارن با خلافت شش تن از خلفای عباسی بوده است. هنر عباسی ها آن بود که خودشان را جزء آل محمد به قلم آوردند تا جنبش و نهضت را به نفع خود اداره کنند. سرانجام بنی عباس به نام اهل بیت (ع) خلافت را، پس از سرنگونی بنی امیه به دست گرفتند، و در ابتدای کار، روزی چند به مردم و علویین روی خوش نشان دادند. حتی به نام انتقام شهدای علویین، بنی امیه را قتل عام کردند و قبور خلفاء بنی امیه را شکافتند و هر چه یافتند، آتش زدند. اما دیری نگذشت که شیوه ظالمانه و خصمانه بنی امیه را پیش گرفتند و در بیدادگری و بی بندوباری، هیچ گونه فروگذار نکردند و علویین را دسته دسته گردن زدند و یا زنده زنده دفن کردند. یکی از ویژگی های خلفای عباسی که در همه آن ها مشترک می باشد، مشغول بودن و پرداختن به لهو و لعب، خوشگذرانی، شراب خواری، شب نشینی ها و عدم کوچک ترین توجه به شؤون زندگی مردم است. از دیگر ویژگی خلفای عباسی، دشمنی با خاندان رسالت، ایجاد نفرت نسبت به علویین، تبعید، زندانی کردن، کشتن و فشار بر آنان بود. در این فکر میان خلیفه سران قوم، ارتش و وزراء فرقی نبود و همه، هم عقیده بودند. این تفکر در سراسر تاریخ خلافت عباسی به چشم می خورد، لیکن بر حسب اختلاف اشخاص و روحیه ها در ادوار مختلف شدت وضع پیدا می کرد. متوکل در دشمنی با خاندان رسالت، در میان خلفای عباسی نظیر نداشت. در سال ۲۳۶ هجری قمری امر کرد قبه ضریح

امام حسین (ع) را در کربلا و همچنین خانه های بسیاری که در اطرافش ساخته بودند ، خراب و با زمین یکسان نمودند و دستور داد آب به حرم امام (ع) بستند و زمین قبر مطهر را شخم و زراعت کنند تا به کلی اسم و رسم مزار فراموش شود . (۱) ۱ . مروج الذهب ، ج ۴ ص ۵ شیعه در اسلام ، علامه طباطبای ، ص ۲۶ .

نیابت

در هیچ یک از دو غیبت صغری و کبری ، پیوند امام دوازدهم حضرت مهدی (ع) با مردمان ، به طور کلی گسسته نبوده است . زیرا در هر دو غیبت ، امرای نیابت وجود داشته است و دارد و از طریق نمایان ، ارتباط امام با مردم برقرار بوده است . همان طور که غیبت حضرت به در مرحله تقسیم گشت ، به تبع آن ، نیابت نیز همین گونه است ، یعنی دارای در مرحله است : نیابت خاصه در غیبت صغری ، و نیابت عامه در غیبت کبری (۱) ۱ . خورشید مغرب محمد رضا حکیمی ص ۴۴ .

وکالت

منصبی است که به شخص مورد اعتماد واگذار می شود و ائمه (ع) و نمایان آنان ، گاهی افرادی را به عنوان وکیلان خود انتخاب می کردند . هدف اصلی وکالت در اوایل ، جمع آوری خمس ، زکات و انواع دیگر خیرات و میراث برای امامان از ناحیه شیعیان بود گر چه امکان دارد اهداف دیگری در آن زمان در برداشته باشد ، لیکن ماخذ به ندرت آن ما را ثبت کرده اند . امام صادق (ع) آن چنان هوشیارانه فعالیت های سازمان وکالت را هدایت می کرد که عباسیان به هیچ عنوان قادر نبودند از وجود آن آگاهی یابند . آن حضرت از روی تقیه ، از پیروانش می خواست تا وظایفی را نسبت به سازمان انجام دهند ، بی آن که بدانند در واقع کارگزاران او هستند (۱) شیخ طوسی روایت می کند : نصر بن قابوس لخمی ، بیست سال وظیفه وکالت او را انجام داد ، بدون آن که بداند واقعا به عنوان وکیل حضرت منصوب است . (۲) خلفای عباسی از سال ۱۹۷ . ه ق به بعد ، از زمان مأمون سیاست و روش جدیدی را برای کنترل و مراقبت بیشتر و دقیق تر امامان اتخاذ نمودند و آن عبارت از اقامت اجباری آن ها در پایتخت بود . این سیاست بر امام رضا ، امام جواد ، امام هادی و امام حسن عسکری (ع) تحمیل شد . لذا آن ها جهت ارتباط با پیروان خود مجبور شدند به گسترش سازمان وکالت بپردازند ، تا در هر شرایطی بتوانند اهداف الهی خود را که هدایت و راهنمایی مردم باشد ، پی گیری کنند . به مرور زمان ائمه (ع) به علت عدم امکان تماس مستقیم با پیروانشان ، مسئولیت های بیشتری را به وکلا واگذار می کردند . و اما در دوران غیبت صغری ، غیر از چهار نائب خاص ، افراد دیگری نیز از سوی حضرت ولی عصر (ع) سمت وکالت داشته اند . این افراد در گوشه و کنار در میان شیعیان بوده و با ارتباط یا آن حضرت ، مشکلات مردم و شیعیان را حل می کرده اند . تفاوت عمده این وکلا با چهار نائب خاص در این بوده که : نائب با خود حضرت روبه رو می شد ، نامه ها و اموال را تسلیم می کرد و خواسته های آنان را به عرض آن حضرت می رساند و پاسخ های لازم را دریافت می کرد ، ولی نمایندگان مستقیما با امام در ارتباط نبودند ، بلکه با واسطه نائب بوده است . مسئولیت نائب در نگهداری مردم و حفظ دین در غیاب امام ، مخصوص منطقه ای خاص نبود ، ولی وکیل و نماینده فقط در یک ناحیه و شهر مسئولیت داشت ، لذا نائب در هر زمان بیش از یک نفر نبود ، ولی تعداد نمایندگان بیشتر بوده اند . و اما اسامی تعدادی از وکلای حضرت : حاجز بن یزید ملقب به شاه ، محمد بن جعفر اسدی ، ابن مهزیار ، احمد بن اسحاق اشعری ، قاسم بن علاء ، محمد بن شاذان ، ابو عبدالله بزوفری ، احمد بن الیسع ، ابراهیم بن محمد همدانی ابو هاشم جعفری ، حسن بن قاسم بن علاء ، العطار ، العاصمی ، ایوب بن نوح ، احمد بن اسحاق رازی ، محمد بن احمد ابو جعفر ابراهیم بن محمد ، حسن بن محبوب زراد ، عمرو اهوازی ، ابو محمد رجنتانی عبدالله بن جعفر حمیری ،

اسحاق بن محمد ، قاسم بن محمد همدانی ، بسطام علی ، حسن بن هارون بن عمران همدانی ، حسن بن عیسی عریضی ، یحیی بن محمد عریضی ، محمد بن احمد بن جعفر قطن . این وکلا زیر نظر نواب اربعه به سرپرستی امام زمان (ع) توانستند سازمان سفارت و نیابت را در مقطع حساس به طور شایسته اداره نمایند و مذهب شیعه را از گزند حوادث مصون دارند (۳) در برخی منابع از وکلا به نمایندگان حضرت مهدی (ع) و یا نمایندگان نواب حضرت تعبیر شده است . ۱ . تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم ص ۱۳۵ . ۲ . غیبه طوسی ، ص ۳۴۷ . ۳ . آخرین امید داود الهامی ، ص ۱۲۲ .

وظایف نواب خاص

نایبان خاص حضرت ، تلاش ها و کوشش های صادقانه و دلسوزانه ای در جنبه های مختلف اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، علمی و ... داشتند ، اما عمده وظایف و فعالیت های اساسی که مشترک بین همه آن هاست ، عبارت است از : ۱ . پنهان نگه داشتن نام ، مکان و رفع شک و تردید درباره آن حضرت . از یک طرف نام و محل زندگی امام را نه تنها از دشمنان ، بلکه از شیعیان مخفی نگه می داشتند و به وکلای خود آموزش می دادند که مبدا اسمی از حضرت به میان آید ، و لذا توانستند شیعیان را از خطر عباسیان مصون دارند ، از سوی دیگر بر آن ها لازم بود که وجود مبارک امام (ع) را برای هواداران مورد اعتماد به اثبات برسانند ، تا خط انحراف نتواند شک و تردید در میان آن ها ایجاد کند . ۲ . جلوگیری از فرقه گرایی و انشعابات شیعیان . ۳ . پاسخ گویی به سؤالات فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی نواب خاص ، سؤالات فقهی و شرعی شیعیان را به خدمت امام (ع) می رساندند و پاسخ آن ها را می گرفتند و به مردم ابلاغ می کردند . ۴ . مبارزه با مدعیان دروغین نیابت . ۵ . اخذ و توزیع اموال متعلق به امام . ۶ . سازماندهی و کلاء بنابه ضرورت در هر منطقه ای و کیلی تعیین شده و گاه چند وکیل در مناطق کوچک تر تحت سرپرستی و کیلی قرار داشتند که امام و بعد نواب برای آن ها تعیین می کردند . این وکلاء اموالی را که بابت وجوهات می گرفتند به شیوه های گوناگونی به بغداد ، نزد نواب می فرستادند و آن ها نیز طبق دستور امام (ع) در مواردی که لازم بود ، به کار می گرفتند (۱) . زندگانی نواب خاص امام زمان علی غفارزاده ص ۸۵ .

نیابت عامه

مقامی است که به وسیله ائمه (ع) به ویژه امام زمان (ع) به فقیه واجد شرایط تفویض شده است . امام (ع) ضابطه ای کلی و صفات و مشخصاتی را معرفی و بیان می کند . در هر عصری آن صفات و ویژگی های معین در هر فردی از افراد وجود داشته باشد ، نایب عام امام (ع) شناخته می شود . امام زمان (ع) در توقیع اسحاق بن یعقوب که به دست نایب دوم - محمد بن عثمان - صادر گشت ، فرمود : و اما رویدادها و پیشامدهایی که در آینده روی خواهد داد ، درباره آن ها به راویان حدیث ما رجوع کنید زیرا آن ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا می باشم . (۱) و امام صادق (ع) فرمودند : هر کس از فقهاء ، نفس خود را از معاصی و محرّمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و مطیع مولای خود باشد ، پس عوام باید از او تقلید کنند (۲) . همچنین از مقبوله عمر بن حنظله ، استفاده می شود که مقام نیابت عامه ، به وسیله خود ائمه (ع) به ویژه حضرت ولی عصر (ع) به فقیه واجد شرایط تفویض شده است (۳) از این رو ، در عصر غیبت کبری ، ولی فقیه نیابت عامه را به عهده دارد . - مقبوله عمر بن حنظله ، ولایت فقیه ۱ . کمال الدین ج ۲ ص ۴۸۳ . ۲ . بحار الانوار ج ۲ ص ۸۸ . ۳ . اصول کافی ج ۱ ص ۵۴ .

اهداف نیابت

نماینده گی و نیابت امام زمان در هدف اساسی داشت : ۱. آماده کردن اذهان عمومی برای غیبت کبری وعادت دادن تدریجی مردم به پنهان زیستی امام (ع) وجلوگیری از غافلگیر شدن در موضوع غیبت اگر امام (ع) به طور ناگهانی غیبت می کرد ، چه بسا موجب انکار مطلق وجود مهدی (ع) وانحراف افکار عمومی می شد . لذا نمایندگان خاص حضرت در دوران غیبت صغری ، افکار عمومی را برای غیبت کبری آماده کردند و لزومی به امتداد غیبت صغری نبود . ۲. رهبری دوستان امام زمان (ع) و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان یعنی نمایندگان ، خلاء و کمبودی که از ناحیه عدم حضور امام (ع) در اجتماع شیعیان پیدا شده بود را پر کردند و امام زمان (ع) توانست به وسیله آنان ، رهبری خویش را در جامعه اعمال کند و شیعیان نیز منحرف نشوند . (۱) ۱ . تاریخ الغیبه الصغری ، سید محمد صدر ، ص ۴۲۶ .

راه اثبات نیابت

یکی از راه های اثبات نیابت نواب خاص از طرف امام زمان (ع) نشان دادن معجزه و کرامت از طریق نواب بوده است . بسیاری از امامیه پس از غیبت امام زمان (ع) در حیرت بودند و از طرفی ، از ناحیه حکومت و برخی فرصت طلبان تبلیغات فراوانی شده بود که حضرت امام حسن عسکری (ع) جانشینی باقی نگذاشته است ، لذا آنان از پرداخت خمس به عثمان بن سعید واطمینان به ایشان ، بدون آن که کرامت و دلیل قانع کننده ای نشان دهد که حقیقتاً از جانب امام دوازدهم منصوب شده ، سرباز می زدند . از این رو عثمان بن سعید در بعضی موارد با اظهار کرامات از طریق امام (ع) ، نیابت خود را برای عامه امامیه تثبیت کرد . شیخ صدوق در کمال الدین می نویسد : محمد بن علی اسود- رضی الله عنه- گفت : سالی از سال ها ، زنی پارچه ای به من داد و گفت آن را به عثمان بن سعید برسان ، من آن را با پارچه های بسیاری دیگر همراه خود آوردم . چون به بغداد رسیدم ، عثمان بن سعید دستور داد که همه آن را به محمد بن عباس قمی بدهم . من هم تمام آن ها را غیر از پارچه آن زن به وی سپردم . پس از آن ، عثمان بن سعید پیغام فرستاد که پارچه پیرزن را نیز به وی تسلیم کن . در آن موقع به یاد آوردم که زنی هم پارچه ای از مال امام ، به من داده است . آن را جست وجو کردم ، ولی پیدا نکردم . عثمان بن سعید به من فرمود : غمگین مباش ، که به زودی آن را خواهی یافت . سپس آن را پیدا کردم ، در حالی که صورت حساب آن چه با من بود ، نزد عثمان بن سعید نبود . (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۳۵ .

ابو دلف کاتب

اسم او "محمد بن مظفر" است . به ابوبکر بغدادی ایمان آورده و ابوبکر بغدادی ، هنگام مرگش به او وصیت کرد و او را نائب خود دانست . پس از فوت علی بن محمد سمري ، ابودلف ادعای نیابت از سوی امام زمان (ع) کرد ، با این که از آن حضرت ، توقیعی صادر شده بود که دیگر پس از علی بن محمد سمري نائب خاص نخواهد داشت . (۱) یکی از نزدیکان محمد بن عثمان گفت : ابودلف قبلاً- کارش جمع آوری خمس اموال شیعیان بود ، زیرا وی در میان شیعیان کرخ تربیت شده و شاگردی آن ها را کرده بود . مردم کرخ هم خمس مال خود را می پرداختند و هیچ یک از شیعیان در این خصوص تردید نداشتند . ابودلف هم این معنی را اعتراف می کرد و به آن افتخار می نمود . او بعدها منحرف شده و می گفت : آقای من شیخ صالح ابوبکر بغدادی (مرا از مذهب ابوجعفر کرخی) محمد بن عثمان به مذهب خود یعنی مذهب ابوبکر بغدادی منتقل نمود (۲) سپس شیخ طوسی اضافه می کند : جنون ابودلف و حکایات فساد مذهب وی ، بیش از این است که شماره شود ۱ . آخرین امید ، داود الهامی ص ۱۳۰ . ۲ . غیبه طوسی ص ۲۵۶ بحار الانوار ، ج ۵۱ ص ۳۷۹ .

احمد بن هلال عبرتایی کرخی بغدادی از مدعیان دروغین نیابت در دوران نایب دوم بوده است. وی پس از وفات نایب اول، منکر وکالت محمد بن عثمان شد و خط انحرافی را پیش گرفت. بیشتر کتب رجالی او را ملقب به عبرتائی می دانند (۱) و شیخ طوسی او را کرخی نامگذاری کرده (۲) و بغدادی نیز درباره او گفته شده است. (۳) وی در سال ۱۸۰ هـ. ق در "عبرتا" که روستایی بزرگ و از نواحی نهروان بغداد است متولد شد و در سال ۲۶۷ هـ. ق از دنیا رفت. (۴) او قبل از انحرافش از شخصیت والایی برخوردار بوده و عالمی برجسته و عارفی متقی محسوب می شده است. او از عصر امام رضا (ع) بوده تا هفت سال گذشته از غیبت صغری، و عبارات بعضی از علمای رجال دلالت بر مقام والای او دارد. نجاشی در رجال خویش می گوید: او صالح الروایه (ع) است و دو کتاب برای وی ذکر کرده است، کتاب یوم و لیل و نوادر. (۵) احمد بن هلال پنجاه و چهار بار به حج رفته است و بیست نوبت از آن را با پای پیاده حج نموده است. (۶) در توقیعی از ناحیه مقدسه که به دست حسین بن روح - نایب سوم - صادر شد، حضرت وی را لعنت کرده و به شیعیان امر کرده بود که از وی دوری جویند. (۷) آیت الله خویی رحمه الله می نویسد: شکی نیست که احمد بن هلال از نظر عقیده فاسد است و قابل اعتماد نیست، بلکه از زندگی او استفاده می شود که به چیزی پای بند نبوده است لذا گاهی غلو می کرده و گاهی اعمال ناصبی بودن از او ظاهر می شده است... (۸) ۱. فهرست ص ۵۰ رجال طوسی، ص ۴۱۰. ۲. غیبت طوسی ص ۳۹۹. ۳. رجال طوسی ص ۴۴۱۰. فهرست ص ۵۰ رجال نجاشی ج ۱ ص ۲۱۸. ۵. رجال نجاشی ج ۱ ص ۲۱۸. ۶. اختیار معرفة الرجال ج ۲ ص ۷۸۱۶. غیبه طوسی ص ۳۹۹. ۸. معجم رجال الحديث ج ۲ ص ۳۴۸.

اولین مدعی نیابت

طبق قول شیخ طوسی اولین کسی که به دروغ، دعوی نیابت خاص از جانب امام زمان (ع) کرد، شخصی معروف به شریعی بود. ابو محمد حسن شریعی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بود که بعداً منحرف شد. (۱) گفتنی است ادعای دروغین نیابت وی در دوران نایب دوم - محمد بن عثمان - بوده که محمد بن عثمان نیز وی را رسوا کرده است. ۱. غیبه طوسی ص ۳۹۷.

باقطانی

ابوعبدالله باقطنانی در زمان عثمان بن سعید از مدعیان دروغین نیابت بوده، ولی در زمان محمد بن عثمان از ادعای خود دست برداشته و یکی از نزدیکان محمد بن عثمان به شمار می رفت. در کتب رجالی، تصریح به ادعای دروغین نیابت وی نیست. فقط حدیثی در بحار الانوار وجود دارد که از آن حدیث، نیابت دروغین وی و اسحاق احمر (ع) فهمیده می شود. (۱) ۱. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۳۰.

محمد بن علی بن بلال

از مدعیان دروغین نیابت در عصر نیابت محمد بن عثمان بوده است ابو طاهر محمد بن علی بن بلال، معروف به بلالی، یکی دیگر از مخالفین نیابت محمد بن عثمان بود که اموال امام (ع) را تصرف نموده و از دادن آن به نایب دوم امتناع می کرد و ادعای وکالت از طرف امام زمان (ع) را داشت (۱) وی قبل از انحرافش، با امام دهم و یازدهم (ع) رابطه نزدیکی داشت و یکی از وکلای مهم به شمار می رفت و لذا علمای رجال، تمجیدهای بسیاری از وی نموده اند که همه اش مربوط به قبل از انحراف او

می باشد. خود به من خبر داد. (۲) شیخ طوسی می گوید: ماجرای او با محمد بن عثمان، که با ادعای نیابت حضرت، اموالی را ضبط، و از تسلیم آن به وی خودداری نمود و ادعا کرد که از طرف امام زمان (ع) در اخذ آن ها وکالت دارد، و دوری شیعیان از وی و لعن او- که از ناحیه مقدسه توقیع مبنی بر لعنت وی بیرن آمد- معروف است. (۳) طبق روایت شیخ طوسی، محمد بن عثمان ملاقاتی سری میان امام دوازدهم و بلالی ترتیب داده بود تا به وی ثابت شود که او از جانب امام عمل می کند. ابو جعفر محمد بن عثمان او را به منزلی در جای نامعلوم برد و در آن جاگفته می شود، امام را ملاقات کردند. امام به بلالی دستور داد وجوهات را تسلیم ابو جعفر کند. (۴۲) ابو جعفر پس از ترتیب ملاقات بلافاصله به منزل بلالی رفت و در آن جا هواداران بلالی جمع شده بودند. ابو جعفر از بلالی پرسید: ای ابوطاهر از تو می پرسم، تو را به خدا، آیا صاحب الزمان (ع) به تو دستور نداد وجوهات را که نزد توست به من رد کنی بلالی پاسخ داد: آری. سپس ابو جعفر منزل را ترک کرد (۵) ۱. غیبه طوسی، ص ۴۰۰. ۲. اصول کافی ج ۱ ص ۳۲۸ کمال الدین ص ۴۹۹. ۳. غیبه طوسی، ص ۴۰۰ بحارالانوار ج ۵۱ ص ۲۶۹. ۴. غیبه طوسی ص ۲۴۶. همان

شلمغانی

اسم او ابو جعفر محمد بن علی معروف به ابن ابی العزاقری و ابن ابی العزاقیر، بود. از جمله کسانی بود که به مخالفت با حسین بن روح- نائب سوم- برخاست و از راه حسد دست به تأسیس مذهب جدیدی زد و پیروانش را "عزاقریه" می گویند. او از مردم روستای "شلمغان" از حومه های واسط و یکی از قراء قرآن مجید در آن جا بود. شلمغانی یکی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) و یکی از مؤلفین و علمای شیعه امامیه بود و قبل از انحراف، پیش طائفه امامیه مقامی جلیل داشت و مؤلفات او مورد استفاده امامیه بود، تا آن جا که حسین بن روح، در همان روز که رسماً به مقام نیابت نشست، پس از اجرای مراسم این کار، با جماعتی از وجوه شیعه به خانه شلمغانی رفت، و هنگامی که پنهان شده بود شلمغانی را به نیابت خود منصوب کرد. شلمغانی در این دوره بین او و طایفه امامیه رابط بود و توقیعات حضرت قائم (ع) به توسط حسین بن روح به دست شلمغانی صادر می شد و مردم در رفع حوائج و حل مشکلات خود به او مراجعه می نمودند. البته درست معلوم نیست که حسین بن روح در چه موقع در خفا می زیسته و دوره استتار او چه اندازه طول کشیده است، ولی از قرائن معلوم می شود که دوره اختفاء او مصادف با شروع ایام وزارت حامد بن عباس، ۳۶۰ تا ۳۱۱ و پایان آن بوده است. شلمغانی هدایت فعالیت های امامیه را در بغداد و کوفه سال ها به عهده داشت. وی از موقعیتی که حسین بن روح برای او فراهم کرده بود، سوء استفاده کرد و جاه طلبی و شهرت، او را به عقاید انحرافی کشاند (۱) شلمغانی می کوشید تا برخی از وکلای امامیه و خاندان ایشان به ویژه وکلای بسطام را به حسین بن روح پس از کشف عقاید کفرآمیز شلمغانی، وی را از سمت خود برکنار کرد و ارتداد او را در همه جا منتشر ساخت؟ نخست در میان خاندان نوبخت و آن گاه در میان سایرین (۳) کتاب های شلمغانی به جهت مقام علمی و تقرب او به حسین بن روح پیش از ارتداد، نزد امامیه شیوع داشته و در دست همه ایشان بوده است. پس از آن که ارتداد او مسلم شد و لعن او صادر گردید، عده ای از امامیه از حسین بن روح راجع به کتاب های او سؤال کردند و گفتند: خانه های ما از آن ها پر است، با آن ها چه باید کرد؟ حسین بن روح گفت: جواب من در این خصوص همان جوابی است که امام ابو محمد حسن بن علی عسکری (ع) موقعی که مردم در خصوص کتب بنی فضاال از او پرسیدند به ایشان داد و فرمود: آن چه را روایت کرده اند بگیری و آن چه را که به رأی خود آورده اند، رها کنید. از سوی امام زمان (ع) توقیعی بر لعن شلمغانی وعده ای دیگر مانند او به دست ابوالقاسم حسین بن روح صادر شد. (۴) پس از آن که لعن شلمغانی به دست حسین بن روح شایع گردید، امامیه بغداد از او دوری جستند و همه حکایت لعن او را در محافل و مجالس نقل می کردند. شلمغانی برای اثبات حقانیت خیالی خود معارضه با حسین بن روح و متقاعد کردن امامیه، کتاب الغیبه خود را در این ایام

تألیف کرد و در آن به تعرض حسین بن روح پرداخته و مدعی همکاری و همقدمی با شیخ ابوالقاسم نوبختی در تهیه اسباب کار وکالت و نیابت بوده است. ولی اکثریت امامیه به دعاوی او گوش فرا ندادند و در لعن او کوشیدند (۵) شلمغانی و طرفداران او را به امر خلیفه در حضور قضات، فقهاء، کتاب و رؤسای لشگری چند بار محاکمه کردند. سرانجام حکم قتل او به اتفاق آراء، تصویب و صادر گردید. قبل از اجرای این حکم، شلمغانی از قضات سه روز مهلت خواست تا از آسمان یا حکم تبرئه او صادر شود و یا دشمنان او به عذاب دچار گردند، ولی فقها، خلیفه را امر به تعجیل در قتل او کردند و خلیفه دستور داد که در روز سه شنبه ۲۹ ذی قعدة سال ۳۲۲ هـ شلمغانی و ابن ابی عون را گردن زدند و سپس جسدشان را به دار آویختند و در آخر کار، نعش آن دو نفر را سوزانده و خاکستر آن را به آب دجله دادند (۶) ۱. آخرین امید داود الهامی، ص ۱۳۴. ۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۷۲. ۳. غیبه طوسی ص ۴۰۲۵. همان، ص ۲۳۹. ۵. احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۲۸۹ به نقل از آخرین امید، ص ۱۴۰. ۶. غیبه طوسی ص ۲۵۵.

باب

باب در تاریخ ائمه معصومین (ع) فرد مورد اعتماد و رابط خاص میان امام و پیروان او را می گویند. بابت سمتی بوده در حضور حضرات معصومین که در تاریخ، حالات آن مشخص که چه کسی از اصحاب فلان امام، حائز این منصب بوده است. از جمله: رشید هجری، باب امام مجتبی (ع) یحیی ابن ام طویل، باب امام سجاد (ع)، جابر بن یزید جعفری، باب امام باقر (ع) بوده اند. در عصر غیبت صغری، باب، لقب نواب اربعه آن حضرت بوده که آن چهار تن ابواب آن حضرت بوده و شیعیان در آن عصر، به وسیله آن ها به امام خود راه می یافتند و مشکلات خود را به حضرتش عرضه می کردند، امام در همان عصر، شیادانی بودند که از این لقب (باب) و (بابت) سوء استفاده کرده، خود را بدان مشهور ساخته و به فریب عوام الناس می پرداختند و با توجه به این که آنان از پیش به این بیت رفیع مرتبط بوده و یا دم از تشیع می زدند، مورد پذیرش عوام واقع می شوند. کسانی که به دروغ دعوی بابت و نیابت حضرت می زدند، مورد پذیرش عوام واقع می شوند. کسانی که به دروغ دعوی بابت و نیابت حضرت مهدی (ع) در آن عصر را داشته اند، بر حسب نقل شیخ طوسی علیه الرحمه عبارت بودند از: شریعی، محمد بن نصیر نمیری یا فهری، احمد بن هلال کرخی، حسین بن منصور حلاج، ابوالعز اقر شلمغانی، ابو دلف کاتب البته برخی از آنها در عهد امامت حضرت عسکری (ع) دعوی نیابت و بابت از آن حضرت داشتند از جمله فهری یا نمیری و حسن بن محمد بن بابا قمی که حضرت مکرر آنها را لعن و نفرین می نمود. (۱) ۱. بحارالانوار ج ۲۹ ص ۳۱۷.

توقیع

توقیع در لغت یعنی: نشان گذاشتن، امضاء کردن نامه، نوشتن عبارتی در ذیل نامه و کتاب. (۱) و اصطلاحاً به دستورها و نامه های خلفا و پادشاهان گفته می شود. در کتب علمای شیعه به نامه ها و فرمان هایی که در زمان غیبت از طرف امام غایب، به شیعیان رسیده توقیعات می گویند. در کتاب کمال الدین صدوق و غیبت شیخ طوسی و احتجاج طبرسی و بحارالانوار مجلسی، حدود هشتاد توقیع از ناحیه مقدسه نقل شده است که محتوای آن ها، برخی خطاب به سفرا و نواب خاصی است و برخی خطاب به علما و فقهاست، بعضی در پاسخ به سؤالات است و برخی در تکذیب و لعن کسانی است که به دروغ ادعای نیابت از طرف آن حضرت را داشتند. (۲) درباره توقیعات، اولین سؤالی که معمولاً مطرح است، این است که آیا آن ها به خط مبارک خود حضرت بوده یا آن که به املا-ی حضرت و خط دیگری است بعضی ها معتقدند که کاتب آن توقیعات خود حضرت بوده است و حتی خط مبارکش میان

خواص اصحاب و علمای وقت معروف بوده و آن را به خوبی می شناختند . مثلاً محمد بن عثمان عمری می گوید : از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می شناختم . (۳) و یا شیخ صدوق می گفت : توقیعی که به خط امام زمان برای پدرم صادر شده بود ، اکنون نزد من موجود است . (۴) لکن در مقابل قرآینی است که توقیعات به خط خود امام نبوده است مثلاً : ابونصر هبه الله روایت کرده که توقیعات صاحب الامر به همان خطی که در زمان امام حسن عسکری (ع) صادر می شد ، به وسیله عثمان بن سعید و محمد بن عثمان برای شیعیان صادر می گشت . (۵) می توان چنین گفت که توقیعات در عین صحت صدور و متن ، به خط امام نبوده است ، بلکه امام حسن عسکری (ع) کاتب مخصوصی داشته که تا زمان عثمان بن سعید و محمد بن عثمان زنده و متصدی نوشتن توقیعات بوده است . (۶) به هر حال ممکن است برخی توقیعات با خط مبارک خود امام صادر شده باشد و برخی دیگر با املائی امام و کتابت دیگری صادر شده باشد و این هیچ خللی از این که توقیعات از طرف حضرت بقیه الله می باشد ، وارد نمی سازد . (۷) از معروف ترین توقیعات حضرت را می توان : توقیع برای شیخ مفید و توقیع برای علی بن محمد سمری نام برد که در آن ، حضرت ، آغاز غیبت کبری را اعلام می کند . نگاهی گذرا به مجموع توقیعاتی که از طرف امام زمان (ع) برای شیعیان آمده ، می رساند که امام غایب چون پیشوای حاضر ، کمال مراقبت و دلسوزی را نسبت به شیعیان و دوستان خود دارد و به هدایت راه جویان و تربیت نفوس و معرفی نواب اربعه و افشاگری مدعیان کاذب نیابت ، علماً و عملاً قیام می فرماید ، به طوری که درماندگان و گرفتارانی که صمیمانه از او یاری طلبیده اند ، گشایش کار و حل مشکل خود را دیده اند و دانش طلبانی که در معضلات علمی و دینی درمانده اند ، از اشراقات و الهامات حضرتش روشن و هدایت شده اند . همه این فیوضات را به صورت پاسخ پرسش ها در توقیعات صادره از ناحیه مقدسه می بینیم . علاوه بر این ها ، نهان بینی و رازگویی و اخبار از غیب ، در بسیاری از توقیعات وجود دارد که نه تنها موجب اطمینان خاطر بیشتر برای مردم آن زمان ، بلکه برای خواننده امروز هم می شود و می فهمد که چگونه امام با دانشی که از گنجینه علم الهی بارور شده است ، بر ضمائر اشراق دارد و قصد و نیت اشخاص را می داند و از پسر یا دختر بودن مولود و روز مرگ افراد با خبر است و پیشاپیش آن را اعلام می فرماید ، و از حلال یا حرام بودن مالی که به حضورش تقدیم شده خبر می دهد و حرام آن را رد می کند و اگر تقدیم کننده نام خود را بر خلاف بنویسد از دانش امام پنهان نمی ماند و حقیقت به او یادآوری می شود این ها همه ، اندکی از تجلیات مقام ولایت است که از آینه توقیعات نمایان شده است . ۱ . فرهنگ معین ج ۵۱ ص ۱۱۶۹ . ۲ . سیمای آفتاب ص ۲۴۲ . بحار الانوار ، ج ۵۱ ، ص ۳۴۹ . ۴ . انوار نعمانیه ج ۳ ص ۲۴ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۴۶ . ۶ . گستر جهان ابراهیم امینی ، ص ۱۳۴ . ۷ . سیمای آفتاب ، حبیب الله طاهری ص ۲۴۵ .

توقیعی ابتدایی

توقیع ابتدایی یعنی بدون این که از حضرت سؤالی بکنند و نامه ای خدمت حضرت بفرستند ، حضرت خودش مبادرت به ارسال آن توقیع نماید . مانند توقیعی که از ناحیه امام زمان (ع) خطاب به محمد بن جعفر اسدی توسط محمد بن عثمان عمری صادر شد و در آن ، حضرت کسانی که اموال امام زمان (ع) را برای خود حلال دانسته و به ناحق آن را می خورند ، ملعون می شمارد . (۱) ۱ . کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۵۲۲ بحار الانوار ، ج ۵۳ ص ۱۸۳ .

حمیری قمی

شیخ ابو جعفر محمد بن عبدالله بن جعفر بن الحسین بن جامع بن مالک حمیری قمی متوفای بعد از ۲۹۸ ق از محدثان گران قدر و دانشوران نامدار شیعه در اوایل غیبت صغری بوده است . پدرش از اصحاب بزرگوار امام حسن عسکری (ع) و از مؤلفان و

محدثان مورد وثوق به شمار آمده و از آثار ارزشمند او، جمیع آوری و تدوین توقیعات بوده است. همچنین احمد، جعفر و حسین - برادران دیگر شیخ ابوجعفر حمیری، از محدثان برومند و نامدار شیعه بوده اند و با حضرت بقیه الله (ع) مکاتبه داشته اند. نسبت حمیری از آن جهت است که این خاندان از نسل قبیله "حمیر" از قبایل بزرگ یمن بوده اند و. عنوان قمی، به اعتبار اقامت در شهر مقدس قم می باشد. شیخ ابوجعفر حمیری، از اساتید شیخ کلینی متوفی ۳۲۹ هـ ق به شمار آمده است. همچنین علی بن حاتم قزوینی کتاب هایش را از وی روایت نموده، و نیز شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ هـ ق به واسطه احمد بن هارون فامی و جعفر بن الحسین از او روایت کرده است. جعفر بن محمد بن قولویه متوفی ۳۶۹ هـ ق هم از حمیری حدیث گرفته است. حمیری آثار ارزشمندی داشته، از جمله: کتاب الحقوق، کتاب الاوائل، کتاب السماء، کتاب الارض، الغیبه والحیره، کتاب المساحه والبلدان، قرب الاسناد، کتاب ابلیس و جنوده، و کتاب الاحتجاج نیز در ابواب مختلف شریعت، مسائلی از حضرت ولی عصر (ع) پرسیده است. سه توقیع از سوی آن حضرت در پاسخ به سؤالات او صادر گردیده است؟ در یکی از این توقیعات پس از جواب سؤالات، امام زمان (ع)، زیارت یاسین را مرقوم داشته اند و شیعیان را به آن افتخار بخشیده اند. (۱) ۱. رجال نجاشی ص ۱۵۲ الذریعه، ج ۴ ص ۴۰۱ تنقیح المقال ج ۳ ص ۱۳۹.

نواب اربعه

سفیران چهارگانه امام زمان (ع) در غیبت صغری بودند. در تمام مدت غیبت صغری، این چهار نفر میان امام زمان (ع) و مردم واسطه بودند و آنان نامه ها و عرایض شیعیان را به امام غایب می رساندند و به دستور حضرت، به آنان پاسخ می دادند. این پاسخ ها به صورت توقیع از ناحیه مقدسه صادر می گردید. مرحوم مجلسی همه این توقیعات را در بحارالانوار آورده است. آن چهار نفر عبارتند از: ۱. ابو عمرو عثمان بن سعید عمری ۲. ابو جعفر محمد بن عثمان عمری ۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی ۴. ابوالحسن علی بن محمد سمری به نواب اربعه، نواب خاص هم اطلاق می شود وظایف و فعالیت های اساسی نواب اربعه را می توان چنین برشمرد. ۱. مخفی داشتن نام و جایگاه امام ۲. اخذ و توزیع اموال متعلق به امام ۳. پاسخ گویی به سؤالات فقهی و مشکلات عقیدتی مردم ۴. مبارزه با مدعیان دروغین نیابت ۱. زندگانی نواب خاص امام زمان (عج)، علی غفارزاد ص ۲۷۷. ۲. سوره صف ۸. ۳. سوره زمر ۶۹.

ناثر نجوم

به معنای فرو ریختن ستاره و کنایه از کثرت درگذشت علما و محدثان است. سال ۳۲۹ هـ ق را سال تناثر نجوم نامگذاری کرده اند (۱) همان سالی که علی بن محمد سمری نائب چهارم امام زمان (ع) رحلت کرد. مرحوم کلینی صاحب کافی، و علی بن بابویه قمی نیز از جمله کسانی هستند که در این سال وفات یافتند. (۲) ۱. تتمه المنتهی ص ۳۰۳، سفینه البحار، ج ۶، ص ۴۳۲. ۲. بحارالانوار ج ۵۸ ص ۲۳۳.

حسین بن روح

سومین نائب خاص از نواب اربعه ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است. وی در میان شیعیان بغداد، از اشتهار خاصی برخوردار بود و یکی از افراد مورد اطمینان و اعتماد محمد بن عثمان عمری به شمار می رفت. بعد از ابوسهل اسماعیل بن علی مشهورترین افراد خاندان نوبختی، ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر است و عمده اشتهار او به واسطه مقام دینی بزرگی است که در میان

شیعه امامیه دارد و از نواب اربعه حضرت قائم (ع) محسوب می شود. (۱) تاریخ تولد وی در کتب تاریخ و رجال مشخص نشده است و همین مقدار روشن است که در زمان حیات محمد بن عثمان یکی از کارگزاران وی بوده است و در بین سال های ۳۰۵-۳۲۶ هـ ق به عنوان نایب امام زمان (ع)، واسطه میان امام و شیعیان بوده است. برخی گفته اند حسین بن روح قمی بوده است. روایت کشی او را ملقب به قمی ذکر می کند. (۲) در تاریخ الاسلام ذهبی اشاره به قمی بودن او شده است. (۳) وی به زبان آبه از نواحی قم تکلم می کرده است. (۴) با وجود این، بین نوبختی بودن و قمی بودن نایب سوم، به یکی از دو صورت می شود، ارتباط برقرار کرد و آن ها را جمع کرد: ۱- وی در اصل، قمی بوده و از طرف مادر، نوبختی نامیده شده است. (۵) ۲- وی از شاخه "بنو نوبخت" قم بوده و در زمان نخستین سفیر، به بغداد مهاجرت کرده است. (۶) "محمد بن عثمان" از دویا سه سال قبل از وفات خود، با ارجاع بعضی از شیعیان به حسین بن روح "که اموالی از سهم امام و غیر آن پیش او می بردند، زمینه را برای نیابت وی از طرف امام زمان (ع) همواره می نمود. نخستین توقیعی که راجع به حسین بن روح "از ناحیه مقدسه صدور یافت، در سال ۳۰۵ هـ ق بود. در آن توقیع آمده است: "او کاملاً مورد وثوق و اطمینان ماست و در نزد ما مقام و جایگاهی دارد که او را مسرور می گرداند. با این که محمد بن عثمان غیر از حسین بن روح نه وکیل دیگر در بغداد داشت و همگی زیر نظر وی فعالیت می کردند، اما حسین بن روح به نیابت امام زمان (ع) انتخاب شد. عفت آن علاوه بر متکلم و فقیه بودن، بردباری، هوشیاری و اخلاص او در آن موقعیت خاص سیاسی بود. "حسین بن روح" با همکاری ده وکیل در بغداد و با وکلای سایر بلاد اسلامی، کار خویش را در سمت نیابت امام زمان (ع) شروع کرد و توانست با روش معقولانه و منطقی، در میان دوست و دشمن، از مقبولیت بالایی برخوردار باشد. بنابر شهادت مورخین قرون اولیه و محدثین متقدم، او عقل الناس زمان خود بوده است و از داناترین افراد به شمار می رفت. "حسین بن روح" بیست و یک سال نیابت حضرت را به عهده داشت و در ماه شعبان سال ۳۲۶ هـ ق وفات یافت. (۷) قبر او در نوبختیه در جانب غربی بغداد است. (۸) ۱. خاندان نوبختی اقبال آشتیانی، ص ۲۱۲. ۲. اختیار معرفه الرجال، ج ۲، ص ۸۳۱. ۳. تاریخ الاسلام ذهبی، ص ۱۹۰- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج، ص ۲۱۲. ۴. کمال الدین ج ۲ ص ۵۰۳. ۵. غیبه طوسی ص ۳۷۱ خاندان نوبختی، ص ۲۱۴. ۶. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم عج ص ۱۹۲. ۷. خاندان نوبختی ص ۲۲۱. ۸. زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) علی غفارزاده ص ۲۷۸.

علی بن محمد سمري

چهارمین و آخرین نایب از نواب خاص امام زمان (ع)، ابو الحسن علی بن محمد سمري است که پس از "حسین بن روح" عهده دار مقام نیابت گردید. موثق بودن و جلالت او مشهورتر از آن است که ذکر شود. نیابت او از طرف امام زمان (ع) به سفارش "حسین بن روح" صورت گرفت (۱) وی از خاندانی متدین و شیعه بوده است که در خدمتگزاری به سازمان امامیه از شهرت بسیاری برخوردار بودند و همین اصالت خانوادگی او، باعث شد که در سفارت، با مخالفت چندانی مواجه نگردد. (۲) بسیاری از اعضای این خاندان همچون حسن و محمد، فرزندان اسماعیل بن صالح و علی بن زیاد، در بصره املاکی بسیاری داشتند. آنان نیمی از درآمد این املاک را وقف امام یازدهم (ع) کرده بودند که امام، هر ساله درآمد آن را دریافت و با ایشان مکاتبه می کرد. (۳) شیخ طوسی او را جزء اصحاب امام حسن عسکری (ع) به شمار آورده (۴) و حضرت با وی مکاتباتی داشته است. شش روز قبل از رحلت سمري، توقیعی از سوی امام دوازدهم (ع) صادر شد که در آن، صاحب الامر، مرگ نایب چهارم را پیشگویی و زمان مرگ او را نیز تعیین کرده بود. متن توقیع، نمایان گر پایان غیبت صغری و انقطاع نیابت خاصه و آغاز غیبت کبری و نیابت عامه است. متن توقیع چنین است: ای علی بن محمد سمري خداوند پاداش برادران دینی تو را در مصیبت مرگ تو بزرگ دارد. تو از اکنون تا شش روز دیگر خواهی مرد پس امر حساب و کتاب خود را جمع و جور کن، و درباره نیابت و وکالت،

به هیچ کس وصیت مکن تا به جای تو بنشیند ، زیرا غیبت کامل فرا رسیده است . دیگر تا آن روزی که خدای تبارک و تعالی بخواهد ، ظهوری نخواهد بود و آن ، پس از مدت درازی خواهد بود که دل ها را سختی و قساوت فراگیرد و زمین از ستم و بیداد پرگردد . به زودی از شیعیان من ادعای مشاهده خواهند کرد . بدان هرکس که پیش از خروج سفیانی و برآمدن صیحه و بانگی از آسمان ، ادعای دیدن من را نماید ، دروغگو و تهمت زننده است . قدرت و توانایی از آن خداوند بلند پایه بزرگ است و بس . (۵)
(حضار از توقیع شریف ، نسخه برداشته و از نزد او بیرون رفتند و چون روز ششم شد ، به سوی او بازگشتند و دیدند نزدیک است جان به جان آفرین تسلیم کند . به وی گفتند : جانشین شما کیست ؟ فرمود : خدا را مشیتی است که خود انجام خواهد داد . این مطلب را گفت و درگذشت " . علی بن محمد سمری " در سال ۳۲۹ هـ . ق وفات یافت و قبر او در بغداد ، در خیابان معروف به خلنجی ، جنب ربع المحول ، نزدیک نهر ابو عتاب می باشد . (۶) او سه سال امر نیابت حضرت را به عهده داشت . ۱ . تنقیح المقال ج ۲ ص ۳۰۵ . آخرین امید داود الهامی ص ۱۰۹ . ۳ . همان ص ۱۰۸ . رجال طوسی ص ۴۳۲ . ۵ . کمال الدین ج ۲ ، ص ۵۱۶ بحا الانوار ج ۵۱ ، ص ۳۶۰ اعلام الوری ص ۴۱۷ . ۶ . غیبه طوسی ، ص ۳۹۶ .

عثمان بن سعید

ابوعمر و عثمان بن سعید عمری ، نخستین سفیر حضرت مهدی (ع) بود و در سامرا اقامت داشت . وی از سوی امام هادی و امام عسکری (ع) وکیل و نماینده بود . وی مورد اعتماد امام هادی (ع) بود و آن حضرت به یاران خود می فرمود : ابوعمر و مردی ثقه و امین است و هرچه به شما بگوید از جانب من است ، و آن چه به شما می رساند از جانب من می رساند . عثمان بن سعید امام حسن عسکری (ع) را غسل داد و کفن و حنوط کرد و به خاک سپرد . (۱) او توانست سرشناسان امامیه را قانع سازد بر این که امام دوازدهم برای محفوظ ماندن از دست دشمنان در پرده غیبت به سر می برد و آن ها را متقاعد ساخت که خود نماینده راستین آن حضرت باشد . موقعیت ممتاز او در زمان امام دهم و یازدهم (ع) سبب شد که وکلا دعوی وی را بپذیرند ، بدون این که او را مورد سؤال قرار داده و معجزه یا حجتی از وی بخواهند (۲) عثمان بن سعید از زمان امام حسن عسکری (ع) ، رئیس وکلای امام بود و تمام وجوهاتی که شیعیان توسط وکلا می فرستادند ، همه به وی تحویل داده می شد و او نیز آن را خدمت امام تقدیم می کرد . پس از وفات امام عسکری (ع) نیز به طور مخفیانه سازمان وکالت را اداره می کرد . (۳) پس از وفات عثمان بن سعید ، حضرت مهدی (ع) طی نامه ای به فرزندش تسلیت فرمود . عثمان بن سعید چون درگذشت او را در جانب غربی بغداد در شارع الميدان ، در اول محل ، که معروف به " درب الجبله " است ، در داخل مسجد ، درب راست که داخل می شوند و قبر در خود قبله مسجد قرار دارد . در منابع امامیه به تاریخ وفات او اشاره نشده است و مورخان متاخر کوشیده اند تاریخ تقریبی نشان دهند و نوشته اند رحلت وی باید پس از سال ۲۶۰ هـ تاریخ وفات امام عسکری (ع) - و قبل از سال ۲۶۷ اتفاق افتاده باشد . (۴) برای عثمان بن سعید دو فرزند به نام های محمد بن عثمان - که بعدها دومین نایب امام زمان شد - و احمد بن عثمان ذکر شده است (۵) وی از یازده سالگی در محضر امام هادی (ع) به خدمتگزاری و کسب فقه و حدیث و تعالیم اسلامی اشتغال داشته است ، و به القابی در میان شیعیان مشهور شده است : ۱ . سمان یا زیات روغن فروش : او را سمان یا زیات می گفتند زیرا برای پوشش نهادن به مقام والای " وکالت " و نیابت (ع) به تجارت زیتون اشتغال داشت ، تا به این وسیله در آن روزگار که خفقان و اختناق عجیبی بر جهان پهنای اسلامی و به خصوص شیعیان و دوستان اهل بیت حاکم بود ، خود را از شر دستگاه خلافت ، حفظ نماید . روش وی چنین بود که شیعیان ، اموالی را که برای امام حسن عسکری (ع) می آوردند به وی تسلیم می کردند و او از ترس دستگاه عباسی ، آن اموال را میان ظرف روغن پنهان نموده و بدین گونه به خانه امام (ع) می رسانید . (۶) او برای پوشش نهادن به موقعیت حساس خود ، در بازار روغن فروشان برای ارتش روغن و اجناس دیگر حمل می کرد (۷) ۲ . اسدی : چون از قبیله بنی اسد بود

لذا به او اسدی می گفتند ۳. عسکری: عثمان بن سعید را "عسکری" نیز می گفتند، زیرا او از محله عسکر سامرا بوده است. (۸)

(۴. عمری: به این لقب شهرت بیشتری دارد. دو علت انتساب وی به عمری بین علمای رجال اختلاف است. شیخ طوسی در الغیبه، می نویسد: گروهی از شیعیان گفته اند: حضرت امام عسکری (ع) فرمود: اسم "عثمان" و کنیه او "ابو عمرو" در یک شخص جمع نمی شود و دستور دادند که کنیه او را بر هم زنند و از آن وقت عمری خوانده شد. عثمان بن سعید، وکیل خاص و نماینده سه امام معصوم، امام هادی، امام حسن عسکری و امام زمان (ع) بود. وی محرم اسرار امام حسن عسکری (ع) بود. وقتی امام مهدی (ع) متولد شد، امام حسن عسکری (ع) گفت: پیکری دنبال عثمان بن سعید بفرستید. یک نفر فرستاده شد و عثمان بن سعید آمد. امام حسن عسکری (ع) فرمود: ده هزار رطل نان و ده هزار رطل گوشت بخر و آن را تقسیم کن و به خاطر آن مولود، چندین گوسفند عقیقه کن. (۹) امام مهدی (ع) به وکالت و نیابت عثمان بن سعید در مقابل جمعیت و هیأت اهالی قم اشاره کرد و آنها را به عثمان بن سعید ارجاع داد (۱۰) عثمان بن سعید حدود پنج سال نیابت حضرت را به عهده داشت و وقتی از دنیا رفت، خاطر شریف امام زمان (ع) نیز محزون گردید و طی نامه شریفی به فرزند بزرگوارش محمد بن عثمان تسلیت گفت و او را به جای پدرش منصوب کرد. (۱۱) مرحوم علامه مجلسی در "بحار" زیارتنامه ای را برای عثمان بن سعید نقل کرده است که اینگونه شروع می شود: السلام علیک ایها العبد الصالح، الناصح له و لرسوله و لاو لیائه. (۱۲) ۱. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۲۳۴۶. اصول کافی ج ۱ ص ۳۲۹. اختیار معرفه الرجال ص ۵۳۲. ۴. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم ص ۱۵۶. ۵. زندگانی نواب خاص امام زمان (ع) غفارزاده، ص ۱۰۵. ۶. غیبه طوسی ص ۳۵۴. ۷. روزگار رهایی، ج ۱ ص ۲۹۱. ۸. غیبه طوسی ص ۳۵۴. ۹. همان. ۱۰. کمال الدین، ج ۲ ص ۴۷۶. ۱۱. بحارالانوار، ج ۵۱ ص ۳۴۷ کمال الدین، ج ۲ باب توقیعات، ص ۱۲۵۱۰. بحارالانوار ج ۱۰۲، ص ۲۹۳.

ابو ها شم جعفری

اشاره

اسم او ابو هاشم داود بن قاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب معروف به جعفری است. سید بن طاووس نوشته است که او از جمله نمایندگان و نواب معروفی است که شیعیان قائل به امامت حضرت عسکری (ع) در نیابت آن ها اختلافی ندارند و نیز مؤلف کتاب الزام الناصب نیز او را از نایبان بی واسطه حضرت ولی عصر (ع) دانسته است. (۱) شیخ حر عاملی درباره او می گوید وی از اهالی بغداد بوده، ثقت و جلیل القدر و دارای شخصیتی ارزنده و مورد احترام ائمه (ع) می باشد. امام جواد، امام هادی و امام عسکری (ع) را در کرده و در خدمت آن ها بوده است که حضرت رضا (ع) را نیز درک کرده است. (۲) در کتاب الفهرست شیخ طوسی آمده است که: او امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عسکری (ع) و وجود مقدس امام زمان (ع) را زیارت کرده و از آن ها روایت نموده است. (۳) وی در سال ۲۶۱ از دنیا رفت و ظاهراً در بغداد به خاک سپرده شد. (۴) ۱. آخرین امید داود الهامی ص ۱۲۱. ۲. وسایل الشیعه ج ۲۰ ص ۱۹۰. ۳. جامع الرواة، ج ۱، ص ۳۰۷ رجال شیخ طوسی ص ۴۴۱۴. معارف و معاریف ج ۱ ص ۴۸۷.

محمد بن جعفر اسدی

ابوالحسن محمد بن جعفر اسدی یکی از وکلای حضرت در منطقه ری بود. از زمان نواب امام زمان (ع) عده ای از مردم موثق بودند که از طرف نواب توقیعاتی برای آن ها می رسید یکی از آن ها ابوالحسن محمد بن جعفر اسدی بود (۱) صالح بن ابی

صالح می گوید: در سال ۲۹۰ هجری عده ای از من خواستند که چیزی را به عنوان مال امام از آن ها بپذیرم ولی نپذیرفتم نامه ای نوشتم و کسب تکلیف کردم. جوابی برای من آمد که: محمد بن جعفر اسدی در ری است، مال به او تحویل داده شود که او از موثقین ما است. اسدی در ماه ربیع الثانی سال ۳۱۲ در حالی که مردم او را به عدالت می شناختند، بدون تغییر عقیده به جهان باقی شتافت (۲) توقیعی از ناحیه مقدسه به وسیله محمد بن عثمان به دست وی رسیده که مشتمل بر پاسخ های حضرت به سؤالات محمد بن جعفر اسدی است (۳) توقیع دیگری از ناحیه امام زمان (ع) خطاب به محمد بن جعفر اسدی توسط محمد بن عثمان صادر شده است، بدون این که از حضرت سؤالی بکنند و نامه ای خدمت حضرت بفرستند، حضرت خود ش مبادرت به ارسال این توقیع نموده و در آن کسانی که اموال امام زمان (ع) را برای خود حلال دانسته و به ناحق آن را می خورند ملعون می شمارد (۴) ۱. غیبه طوسی ص ۴۱۵. ۲. همان ۳. کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۰. ۴. کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۲.

حسن بن قاسم بن علا

وی از وکلای حضرت مهدی (ع) شمرده شده است (۱) ۱. آخرین امید، داود الهامی ص ۱۲۲.

محمد بن احمد قطان

وی از وکیلان نایب دوم - محمد بن عثمان - در بغداد بود که به ملاقات امام زمان (ع) نایل آمد (۱) ۱. کمال الدین ص ۴۴۲.

محمد بن ابراهیم بن مهزیار

سید ابن طاووس، او و پدرش ابراهیم بن مهزیار را از وکلا و نواب معروف دانسته که شیعیان امامیه در نیابت او و پدرش اختلافی ندارند. صدوق نیز او را جزء وکلای منصوب از ناحیه امام زمان (ع) دانسته و در توقیعی که در شأن او وارد شده چنین آمده است. ما تو را به جای پدرت منصوب کردیم، پس خدا را سپاسگزار باش (۱) بنا به روایت کلینی و مفید، وی چند روز بعد، نامه ای مبنی بر جانشینی پدرش در اهواز دریافت کرد (۲) ۱. غیبه طوس ص ۲۲۰. ۲. آخرین امید داود الهامی، ص ۱۶۱.

غیبت کبری

فقیهان

عالمان و فقیهان، حافظان دین خدا در روی زمین اند و راهنمایی و ارشاد مردم در دست آنان است. آنان با تحمل زحمات، مسائل دینی را از منابع شرعی استخراج کرده، در دسترس مردم قرار می دهند، ولی در آخر الزمان وضع دگرگون می شود و عالمان روزگار بدترین عالمان خواهند بود رسول خدا (ص) در این باره می فرماید: فقیهان آن روزگار، بدترین فقیهانی اند که در زیر آسمان به سر می برند. فتنه و آشوب، از آنان آغاز می شود و به آنان نیز باز می گردد. (۱) ۱. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۹۰ ثواب الاعمال ص ۱۳۰.

مردان آخر الزمان

در روایات برای مردانی که در آخر الزمان دچار آسیب شده اند، نشانه هایی ذکر شده است. معمولاً اسلام توقعش از مرد این است

که حس غیرت دینی و مهابت الهی داشته باشد. روایات حاکی است که در سیمای مبارک خود امام زمان (ع) هم مهابت الهی وجود دارد. یعنی در چهره مبارک امام زمان (ع) در عین ملاحه و شیرینی، نوعی مهابت و ترس الهی هم وجود دارد و ترکیبی از ملاحه و مهابت در آن دیده می‌شود. اما در آخرالزمان بنابر آن چه از روایات به دست می‌آید، اگر شما در بین بیست مرد کمتر یا بیشتر، چهره‌هایی را مورد ارزیابی و شناسایی قرار دهید، نمی‌توانید کسی را پیدا کنید که در چهره اش هیبت و مهابت الهی و آثار ترس از خداوند وجود داشته باشد. اهل معصیت خیلی راحت در برابرشان مرتکب معصیت می‌شوند و آن‌ها هم هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند. روایت دوم درباره نشانه‌ها و خصلت‌های منفی مردان آخرالزمان می‌فرماید بطیع الرجل زوجته و بعضی والدیه مردان دوره آخرالزمان از اطاعت و احترام والدین دوری می‌کنند، در عین حال یک گرایش و اطاعت و پیروی صد درصد از همسران خود در رفتارشان دیده می‌شود. باز روایت دیگر می‌فرماید: یکون الرجل همه بطنه و قبلته زوجته و دینه دراهم مردانی وجود دارند که تمام همت و عزم‌شان برای پرکردن شکم‌های‌شان است و اصلاً به فکر معیشت دیگران نیستند. همسران‌شان قبله آن‌ها می‌باشند قبلته زوجته گویا این زن‌ها خدای مردان خود شده‌اند و برای آن‌ها اطاعت از همسر، اطاعت از خدا به حساب می‌آید و دین آن‌ها هم پولشان می‌گردد یعنی برای آن‌ها مقدس‌ترین و مهم‌ترین مسئله پول و ثروت است. روایت دیگری از این حکایت می‌کند که مردان از مرد بودن خودشان خسته می‌شوند: لعن الله المخنثین من الرجال تعبیر روایت این است که این‌ها از صفات مردانه خود خسته شده و سعی می‌کنند که گرایش‌ها، تمایلات و حالت‌های زنانه را در خودشان نمایان کنند. این گرایش‌ها ممکن است در حرف زدن، آرایش و آراستگی، طرز پوشش و یا تفکر باشد. در نقطه مقابل هم حتی روایتی داریم که والمترجلات من النساء زنانی هم پیدا می‌شوند که این‌ها می‌خواهند خصوصیات مردان را در خودشان ایجاد کنند و مثل مردان شوند. روایت دیگری می‌فرماید: يتسمن الرجال للرجال والنساء للنساء و یا یا يتمشط الرجل كما يتمشط المرأة لزوجها اما یکی از آفت‌هایی که در دوره آخرالزمان برای مردان به وجود می‌آید این است که به جای آراستگی دست به آرایش می‌زنند. آراستگی با آرایش امر بسیار متفاوتی است. یا در روایت دیگر می‌فرماید که: بعضی از مردها در دوره آخرالزمان خود را برای دیگران آرایش می‌کنند، همانند نوعروسی که برای داماد آرایش می‌کند. آفت خطرناک‌تر، این که در آخرالزمان يتنافس فی الرجل يغار علیه من الرجال یعنی در آخرالزمان باندهایی به وجود می‌آیند که طرفدار همجنس بازی هستند و در این راستا مردان، هوسرانی‌های خودشان را به یکدیگر اختصاص می‌دهند. روایت می‌فرماید که يتنافس فی الرجل یعنی ممکن است با هم رقابت داشته باشند و بعد می‌فرماید يغار علیه من الرجال یعنی ممکن است دو مرد بر سر مرد دیگری یا فرد دیگری، با هم غیرت و حسادت داشته باشند و هر یک رقیب دیگری برای رسیدن آن فرد باشد (۱). نشریه موعود شماره ۳۲ ص ۳۱.

حکومت اسلامی در غیبت کبری

بیشتر فقهای شیعه، تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت ضروری می‌دانند و بر این باورند که فقهای عادل، باید به این مهم اقدام کنند و اگر یکی از آنان تشکیل حکومت داد، بر دیگران واجب است که از او پیروی کنند. در مقابل، شماری برآنند که اقامه حکومت از شؤون امام معصوم (ع) است، بنابراین در عصر غیبت تشکیل حکومت جایز نیست. این تفکر، که نخست به صورت یک اختلاف نظر فقهی کلامی مطرح بود، در این اواخر رنگ سیاسی به خود گرفت. این تفکر، چون تضادی با خود کامگی حکام نداشت، بلکه غیر مستقیم، توجیه گر اعمال آنان نیز بود، از سوی آنان حمایت و ترویج شد، تا جایی که پیش از انقلاب اسلامی، هواداران این اندیشه به صورت تشکیلاتی منسجم درآمدند. با نگاهی به گفته‌ها و نوشته‌های طرفداران این نظریه و دلایلی که بدان استناد کرده‌اند، می‌توان گفت که این باور از سه راه سرچشمه گرفته است: ۱. برداشت از روایاتی که

گسترش ستم و فساد را از نشانه های ظهور امام زمان (ع) معرفی می کند . ۲ . استناد به روایاتی که از هرگونه قیامی در عصر غیبت ، نهی و به سکوت و سکون و صبر در بلاها دعوت کرده است . ۳ . تفسیر از امامت و رهبری و تصور این که تشکیل حکومت در عصر غیبت ، دخالت در قلمرو کار امام معصوم (ع) است . و اما تلاش مردم ، به ویژه فقها برای حاکمیت قسط و عدل و ایجاد حکومت اسلامی جایز بلکه واجب است . آیا می توان گفت که در طول مدت غیبت صغری ، که بیش از هزار سال از آن می گذرد و ممکن است هزارها سال دیگر ادامه داشته باشد ، اجرای احکام اسلام لازم نیست بدون تردید ، پاسخ منفی است چرا که لازمه سخن فوق ، این است که احکام اسلام ، محدود به صدر اسلام و زمان حضور معصوم باشد و این بر خلاف ضروریات اعتقادی اسلام است و به گفته حضرت امام خمینی (رحمه الله) : اعتقاد به چنین مطالبی ، یا اظهار آن ها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است . . . هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد ، منکر ضرورت اجرای احکام اسلام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است . (۱) بر همین اساس ، بعضی از فقهای شیعه ، از جمله امام خمینی ، در دوره غیبت ، تشکیل حکومت اسلامی را واجب می دانند و بر این باورند که اگر یکی از فقها تشکیل حکومت داد ، بر دیگران واجب است از او پیروی کنند و اگر تشکیل حکومت اسلامی به جز از راه قیام و اقدام دسته جمعی امکان پذیر نباشد ، همگان باید بدین مهم اقدام کنند و در صورتی که تشکیل حکومت ممکن نباشد ، باز هم تکلیف ساقط نیست و باید به اندازه توان ، احکام اسلامی را اجرا کنند . (۲) پس انتظار فرج و حکومت جهانی مهدی (ع) به هیچ روی ، ناسازگاری با قیام های پیش از ظهور ندارد ، بلکه برخی از قیام ها و حکومت ها ، زمینه ساز قیام و حکومت جهانی حضرت خواهند بود . (۳) ۱ . ولایت فقیه امام خمینی ص ۲۷ انتشارات آزادی قم . ۲ . کتاب البیع امام خمینی ج ۲ ص ۴۶۵ اسماعیلیان قم ۳ . چشم به راه مهدی ص ۱۰۸ و ۱۵۰ .

سهم امام

در اصطلاح فقه شیعه ، نیمی از خمس آل محمد (ع) است که به امام معصوم اختصاص دارد و در عصر غیبت ، به نواب عام امام می سپارند که در موارد رضای ائمه مانند ترویج دین مصرف کنند .

قَتَاد

در روایتی ، دین داری در زمان غیبت امام زمان (ع) از جهت دشواری به تراشیدن درخت قتاد با دست ، تشبیه شده است . (۱) قتاد ، درختی است که خار بسیار دارد و خارهایش مثل سوزن است . جمله درخت قتاد را با دست تراشیدن در عرب ، مثلی است برای انجام کارهای دشوار ۱ . اصول کافی ج ۲ باب فی الغیبه .

اقامتگاه حضرت

از مسائلی که درباره امام زمان (ع) مطرح است ، مکان و محل زندگی ایشان است . روایاتی که در این زمینه وجود دارد سه دسته اند : ۱ . برخی از آن ها محل خاصی را تعیین نمی کنند و جایگاه حضرت را در بیابان ها و کوه ها معرفی می کنند . از آن جمله ، حضرت مهدی (ع) به پسر مهزیار می فرماید : فرزند مهزیار پدرم امام حسن (ع) از من پیمان گرفت . . . و فرمان داد که برای سکونت ، کوه های سخت و سرزمین های خشک و دور دست را برگزینم . (۱) این بخش از روایات گویای آن است که حضرت از حوزه دسترسی مردم به دوراست و به سختی و دشواری زندگی می کند و کسی از محل زندگی وی آگاه نیست . ۲ . برخی روایات

، منطقه خاصی را به عنوان محل سکونت آن حضرت نام می برند و محدوده آن را نیز تعیین می کنند : الف : مدینه و پیرامون آن : ابی بصیر می گوید از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود : صاحب الزمان را عزلت و غیبتی است که در آن ، نیرومنداست به سی نفری که با حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند ؟ و خوب جایگاهی است مدینه . (۲) روایت دیگری است که مکان حضرت را کوه رضوی ، در اطراف مدینه نام می برد . راوی می گوید : با امام صادق (ع) از مدینه خارج شدیم ، به رحاء اطراف مدینه که رسیدیم ، حضرت نگاهش را به کوهی دوخت و مدت زمانی ادامه داد . . . و فرمود : این کوه رضوی نام دارد . خوب پناهگاهی است برای خائف امام زمان (ع) و غیبت صغری و کبری . (۳) ب : مکه و پیرامون آن : برخی روایات استفاده می شود که آن حضرت در مکانی به نام ذی طوی پیرامون مکه زندگی می کند و از همان جا نیز همراه یارانش قیام خواهد کرد . امام باقر (ع) فرمود : امام زمان (ع) را غیبتی است در بعضی از دره ها و اشاره کرد به منطقه ذی طوی (۴) در ادامه این روایت و روایات دیگر ، محل ظهور و خروج آن حضرت و مرکز تجمع یاران و دوستان وی نیز ، همین منطقه یاد شده است . (۵) ۳ . دسته سوم اخباری ایست که مانند دسته اول ، جایگاهی خاص را نام نمی برد ، ولی از وی به عنوان فردی که با مردم حشر و نشر دارد و به گونه ناشناس زندگی می کند ، نام برده است امام صادق (ع) می فرماید : صاحب الامر (ع) در میان مردم رفت و آمد می کند ، در بازار قدم می زند ، لکن او را نمی شناسند تا زمانی که خداوند به ویاذن دهد تا خود را معرفی کند . . . (۶) بین این سه دسته از روایات ، تضاد و تنافی نیست نام بردن مکانی خاص ، با زندگی به شکل ناشناس قابل جمع است انتخاب کوه ها و مکانهای دست نیافتنی در حال ضرورت و نیاز نیز امری است طبیعی و موافق با اصل تقیه . (۷) ۱ . غیبه طوسی ص ۲۶۶ . ۲ . بحار الانوار ، ج ۵۲ ص ۱۵۳ اصول کافی ، ج ۱ ، ص ۳۴۰ . ۳ . غیبه طوسی ، ص ۱۶۲ . ۴ . غیبت نعمانی ص ۱۸۲ . ۵ . همان ص ۳۱۵ . ۶ . همان ص ۱۶۴ . ۷ . چشم به راه مهدی ، ص ۳۵۱ .

حج و مهدی

از مراکزی که در غیبت صغری ، امام عصر (ع) مشاهده شده ، مراسم حج است . گروهی که حضرت را دیده اند ، به این مطلب تصریح کرده اند . اما در غیبت کبری برابر روایات ، حضرت در مراسم حج شرکت می کند ، مردم را می بیند ، اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند . امام صادق (ع) می فرماید : امام قائم دو غیبت دارد : در یکی از آن دو ، (۱) در مراسم حج شرکت می کند ، مردم را می بیند ، اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند (۲) محمد بن عثمان عمری - نائب حضرت - می گوید : به خدا سوگند که صاحب الامر هر سال ، ایام حج شرکت می کند و مردم را می بیند و می شناسد ، اما مردم او را نمی بینند و نمی شناسند (۳) حمیری از وی سؤال می کند : آیا حضرت را دیده ای ؟ پاسخ می دهد : آخرین دیدار من با حضرت در کنار خانه خدا بود که می فرمود : اللهم انجزلی ما وعدتني (۴) این سخن دلیل بر آن است که حضرت در مراسم حج شرکت می کند ، منتهی در غیبت صغری کسانی که حضرت را می شناختند ، به وجود مبارک ایشان می بردند ، اما دیگران چنین سعادت نداشتند . در زمان غیبت کبری ، تمام افراد از این افتخار محروم هستند ، زیرا کسی حضرت را نمی شناسد . علی بن ابراهیم از دی می گوید : طواف هفتم بودم که در کنار حلقه ای در طرف راست خانه خدا ، جوان زیبا رو ، خوش بو ، با وقار و با شکوهی را دیدم که گروهی از مردمان دور او را گرفته اند . هرگز احدی را خوش بیان تر و نیکو گفتارتر از او ندیده بودم ، که با منطقی بسیار شیرین و روشی بسیار نیکو با مردم سخن می گفت . نزدیک شدم که با او سخن بگویم . مردم انبوهی که گرداگرد وجودش را گرفته بودند ، مانع شدند . پرسیدم : این جوان کیست ؟ گفتند : او فرزند پیامبر (ص) است ، همه ساله در موسم شرکت کرده ، یک روز برای خواص شیعیانش ظاهر می شود و با آن ها سخن می گوید . گفته می شود که دیدار ابراهیم بن مهزیار با حضرت ، در موسم حج اتفاق افتاده است . امام صادق (ع) فرمود : نخستین چیزی که از عدالت قائم (ع) ظاهر می شود ، این است که منادی اعلام می کند ،

آنان که طواف مستحبی می کنند ، مطاف و حجرالاسود را برای کسانی که طواف واجب می کنند ، خالی کنند . (۵) ۱ . علامه مجلسی در مرآة العقول ج ۴ ص ۴۷ می گوید مراد غیبت کبری است . ۲ . کافی ج ۱ ص ۳۳۹ . ۳ . کمال الدین ص ۴۴۰ . ۴ . همان ، بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱ اعلام الوری ۴۲۱ . ۵ . بحارالانوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۷۴ الزام الناصب ص ۲۲۳ .

عمانی

حسن بن علی بن عقیل عمانی نخستین کسی بود که رهبری و مرجعیت دینی در دوران غیبت طولانی امام مهدی (ع) را به دست گرفت . سید محمد مهدی بحر العلوم درباره شخصیت بزرگ علمی او می نویسد : او نخستین کسی است که فقه را دسته بندی و تهذیب کرد و در راه استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلی آن ، دست به تلاش و اجتهاد زد و در آغاز غیبت کبری ، راه را برای تحقیق و تفحص از اصول و فروع و گسترش بخشیدن به آن و بنیاد پایه های آن گشود . . . علما و بزرگان فقه و فقاقت ، به ویژه دو شخصیت گرانقدر علم و فقه ، علامه حلی و محقق حلی و علمای پس از آن دو بزرگوار ، به فرمایشات مرحوم عمانی و فتوهای او و ثبت و نقل آن ها سخت بها می دادند (۱) فقیه بزرگوار مرحوم عمانی از نظر علما و فقهای بزرگ ، مقام و منزلت بسیار والایی دارد و دانشمندان پیشین ، همچون مرحوم مفید و طوسی او را ستوده اند . او در موضوع امامت ، کتابی به نام الکر والفر نگاشت و در فقه ، کتابی تحت عنوان المتمسک بحبل آل الرسول به رشته تحریر در آورد (۲) تاریخ ولادت آن فقیه بزرگ در دست نیست ، اما به نظر می رسد ، سال هایی پیش از مرحوم مفید زیسته و رحلت کرده است ، چرا که او از نظر زمان ، پیش از ابن جنید بوده و می دانیم که ابن جنید از اساتید مرحوم مفید بوده است (۳) به هر حال ، رهبری فکری و مرجعیت دینی ، شکل خاص خویش را گرفت و حلقه های درسی در بغداد تشکیل شد و سال ها سپری شد و ستاره مفید در بغداد درخشیدن آغاز کرد و حوزه علمیه راپی ریخت (۴) ۱ . فوائد الرجالیه معروف به رجال بحر العلوم ج ۱ ص ۲۲۰ . ۲ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص ۳۵۳ . ۳ . رجال بحر العلوم ج ۲ ، ص ۲۲۰ . ۴ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ، ص ۳۵۴ .

بابیه

بنیانگذار فرقه بابیه سید علی محمد شیرازی است . از آن جا که او در ابتدای دعوتش مدعی بابت امام دوازدهم شیعه بود و خود را طریق ارتباط با امام زمان می دانست ، ملقب به باب گردید و پیروانش بابیه نامیده شدند . سید علی محمد در سال ۱۲۳۵ق، در شیراز به دنیا آمد . در کودکی به مکتب شیخ عابد رفت و خواندن و نوشتن آموخت . شیخ عابد از شاگردان شیخ احمد احسائی بنیانگذار شیخیه و شاگردش سید کاظم رشتی بود ولذا سید علی محمد از همان دوران با شیخیه آشنا شد ، به طوری که چون سید علی محمد در سن حدود نوزده سالگی به کربلا رفت در درس سید کاظم رشتی حاضر شد . در همین درس بود که با مسائل عرفانی و تفسیر و تأویل آیات و احادیث و مسائل فقهی به روش شیخیه آشنا گردید . قبل از رفتن به کربلا ، مدتی در بوشهر اقامت کرد و در آنجا به ریاضت کشی پرداخت . نقل شده است که در هوای گرم بوشهر بر بام خانه رو به خورشید اورادی می خواند . پس از درگذشت سید کاظم رشتی تا مریدان و شاگردان وی جانشینی برای او می جستند که مصداق شیعه کامل یا رکن رابع شیخیه باشد میان چند تن از شاگردان رقابت افتاد و سید علی محمد نیز در این رقابت شرکت کرد ، بلکه پای از جانشینی سید رشتی فراتر نهاد و خود را باب امام دوازدهم شیعیان یا ذکر او ، یعنی واسطه میان امام و مردم شمرد . هجده تن از شاگردان سید کاظم رشتی که همگی شیخی مذهب بودند از او پیروی کردند . علی محمد در آغاز امر بخش هایی از قرآن را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود تأویل

کرد و تصریح کرد که از سوی امام زمان (ع)، مأمور به ارشاد مردم است. سپس مسافرت هایی به مکه و بوشهر کرد و دعوت خود را آشکارا تبلیغ نمود. یارانش نیز در نقاط دیگر به تبلیغ ادعاهای علی محمد پرداختند. پس از مدتی که گروه هایی به او گرویدند، ادعای خود را تغییر داد و از مهدویت سخن گفت و خود را مهدی موعود معرفی کرد و پس از آن ادعای نبوت و رسالت خویش را مطرح کرد و مدعی شد که دین اسلام فسخ شده و خداوند دین جدیدی همراه با کتاب آسمانی تازه به نام بیان بر او نازل کرده است. علی محمد در کتاب "بیان"، خود را برتر از همه پیامبران دانسته و خود را مظهر نفس پروردگار پنداشته است. در زمانی که علی محمد هنوز از ادعای بابت امام زمان (ع) فراتر نرفته بود، به دستور والی فارس در سال ۱۲۶۱ق. دستگیر و به شیراز فرستاده شد و پس از آنکه در مناظره با علمای شیعه شکست خورد، اظهار ندامت کرد و در حضور مردم گفت: لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند. لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند پس از این واقعه شش ماه در خانه پدری خود تحت نظر بود و از آنجا به اصفهان و سپس به قلعه ماکو تبعید شد. در همین قلعه با مریدانش مکاتبه داشت و از اینکه می شنید آنان در کار تبلیغ دعاوی او می کوشند به شوق افتاد و کتاب "بیان" را در همان قلعه نوشت. دولت محمد شاه قاجار برای آنکه پیوند او را با مریدانش قطع کند در سال ۱۲۶۴ق، وی را از قلعه ماکو به قلعه چهریق در نزدیکی ارومیه منتقل کرد. پس از چندی او را به تبریز بردند و در حضور چند تن از علما محاکمه شد. علی محمد در آن مجلس آشکارا از مهدویت خود سخن گفت و "بابت امام زمان" را که پیش از آن ادعا کرده بود به بابت علم خداوند تأویل کرد. علی محمد در مجالس علما نتوانست ادعای خود را اثبات کند و چون از او درباره برخی مسائل دینی پرسیدند، از پاسخ فرو ماند و جملات ساده عربی را غلط خواند. در نتیجه وی را چوب زده تنبیه نمودند و او از دعاوی خویش تبری جست و توبه نامه نوشت. اما این توبه نیز مانند توبه قبلی او واقعی نبود، از این رو پس از مدتی ادعای پیامبری کرد. ۱۰ پس از مرگ محمد شاه قاجار در سال ۱۲۶۴ق. مریدان علی محمد، آشوب هایی در کشور پدید آوردند و در مناطقی به قتل و غارت مردم پرداختند. در این زمان میرزا تقی خان امیرکبیر صدر اعظم ناصرالدین شاه تصمیم به قتل علی محمد و فرو نشانیدن فتنه بایه گرفت. برای این کار از علما فتوا خواست. برخی علما به دلیل دعاوی مختلف و متضاد او و رفتار جنون آمیزش شبهه خط دماغ را مطرح و از صدور حکم اعدام او خودداری کردند. اما برخی دیگر علی محمد را مردی دروغگو و ریاست طلب می شمردند و از این رو حکم به قتل او دادند. علی محمد همراه یکی از سرانش در ۲۷ شعبان ۱۲۶۶ در تبریز تیرباران شد. همان طور که گذشت، سید علی محمد آراء و عقاید متناقضی ابراز داشته است. از کتاب "بیان" که آن را کتاب آسمانی خویش می دانست، برمی آید که خود را برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار می دانسته و عقیده داشت که با ظهور آیین اسلام منسوخ و قیامت موعود در قرآن، به پا شده است. علی محمد خود را مبشر ظهور بعدی شمرده و او را من یظهره الله کسی که خدا او را آشکار می کند خوانده است و در ایمان پیروانش بدو تاکید فراوان کرد. از نسبت به کسانی که آیین او را نپذیرفتند خشونت بسیاری را سفارش کرده است. وی از جمله وظایف فرمانروای بابی را این می داند که نباید جز بابی ها کسی را بر روی زمین باقی بگذارد. باز دستور می دهد غیر از کتاب های با بیان، همه کتاب های دیگر باید محو و نابود شوند و پیروانش نباید جز کتاب بیان و کتاب های دیگر با بیان، کتاب دیگری را بیاموزند. (۱) ۱. نشریه موعود، ش ۲۲، ص ۸۰.

حلاج

صوفی معروف و نامش "حسین بن منصور حلاج بیضاوی" است. او یکی از مدعیان نیابت و وکالت بوده که در آغاز، خود را رسول امام غایب (ع) و وکیل و باب آن حضرت معرفی کرد. از این رو علمای علم رجال او را از مدعیان بابت شمرده اند. (۱) درباره شهر و محل تولد او اختلاف است. خراسان، نیشابور، مرو، طالقان، ری و کوهستان اقوال مختلفی است که به عنوان زادگاهش ذکر شده. ابوریحان بیرونی درباره الحاد و ارتداد او می نویسد: حلاج، ابتدا مردم را به سوی مهدی دعوت می کرد و

چنان به مردم القا می کرد که او از طالقان ظهور خواهد کرد. او را گرفتند و به شام بردند و یک ماه حبس کردند، تا این که به حيله خود را آزاد کرد. او مردی شعبه باز و ساحر بود و با هرکسی مجالست می کرد، ابتدا با اعتقاد او همراهی می کرد، پس دعوی حلول و اتحاد نمود و گفت: روح القدس در من حلول کرده خود را به نام خدا معرفی می کرد و می گفت: من خدای شما هستم. در نامه هایی که به اصحاب خود می نوشت، تصریح به خدایی خود می کرد. پیروانش را از ذکر نام خدا باز می داشت و می گفت: گفتن لا اله الا الله ممنوع است. (۲) فقهای مالکی در بغداد، در روزگار حکومت المقتدر، به اتفاق آراء نتیجه گرفتند وی را به این دلائل، به قتل برسانند: به سبب ادعای الوهیت، به سبب قول به حلول، برای بیان انا الحق و این که قبول توبه او را مشروع ندانستند. بالاخره او به دار آویخته شد و سپس جسد او را سوزاندند و سرش را بر چوبی بالای پل بغداد زدند. بدین ترتیب او در سال ۳۰۹ به جرم ادعای باطل و کفر و الحاد به قتل رسید. وی از نظر شیعه مطرود و ملعون است، هر چند برخی مانند شیخ عطار در تذکره الاولیاء و جامی در نفحات الانس کرامات فراوانی برای او نقل کرده اند، که این مطالب به درد خرقة پوشان می خورد و قهرمان پروری های شاعرانه است. (۳) ۱. آخرین امید داود الهامی ص ۱۴۴. ۲. همان، ص ۱۵۱. ۳. همان، ص ۱۵۴.

پیشگویی غیبت

نخستین کسی که به غیبت امام زمان (ع) اشاره کرده، رسول گرامی اسلام، سپس امیر المؤمنین و سایر ائمه (ع) بودند. آنان غیبت او را پیش بینی کرده و سر زبان ها انداخته اند. (۱) پیامبر (ص) فرمود: سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهدهی که به او می رسد، غایب می شود. هر کس زمان غیبت را درک کرد، باید دینش را نگهداری کند و شیطان را از طریق شک به خود راه ندهد. (۲) امیر المؤمنین (ع) فرمود: آگاه باشید که آن جناب به طوری غایب می شود که شخص نادان خواهد گفت: خدا به آل محمد احتیاجی ندارد. (۳) مسلمانان به دلیل همین احادیث، غیبت را برای امام مهدی (ع) ضروری و از جمله خصایص آن حضرت می دانستند. لذا بعضی ها که از مهدویت سوء استفاده کرده و خود را مهدی موعود معرفی می کردند، مقید بودند که تا حدی ویژگی غیبت را نیز برای خود ثابت کنند سید حمیری می گوید: من درباره محمد حنفیه غلو کرده و عقیده داشتم که غایب است. تا مدتی به این عقیده غلط بودم تا این که خداوند بر من منت نهاد و به وسیله امام صادق (ع) هدایت شدم، و از این عقیده برگشته و توبه کردم. به هر حال، مسأله غیبت آن چنان بین شیعیان شایع بود که مؤلفان بسیاری درباره آن کتاب ها نوشته اند. و اما کسانی که قبل از ولادت امام زمان (ع) درباره غیبت کتاب هایی نوشته اند عبارتند از: فضل بن شاذان نیشابوری کتاب اثبات الغیبه ابو الحسن طائی جرمی الغیبه، حسن بن علی بن ابو حمزه بطائی الغیبه، ابو الحسن علی بن عمر اعرج لغیبه، ابوعلی حسن بن محمد بن سماعة الغیب، ابو الفضل عباس بن هاشم ناشری الغیبه، ابو الحسن علی بن محمد بن علی سواق الغیبه، ابو اسحاق ابراهیم بن صالح انماطی الغیبه، عبدالله بن جعفر حمیری الغیبه والحیره والغیبه ومسائله، الفترة والغیبه، علی بن حسن بن علی بن فضال، الغیبه والملاحم، حافظ نعیم بن مادلتن والملاحم، ابراهیم بن اسحاق احمری، الغیبه و (۴) بنابراین، موضوع غیبت حضرت مهدی (ع) امر جدید و ناشناخته ای نبوده است تا برخی شیعیان از قبیل عثمان بن سعید برای حفظ موقعیت خویش آن را اختراع کرده باشند اما ویژگی ها و ممیزات دو غیبت: زمان غیبت صغری محدود بود هفتاد سال به خلاف غیبت کبری که غیر از خدا کسی از مدت آن اطلاع ندارد. در دوران غیبت صغری، استتار و احتجاب امام (ع) همه جانبه و عمومی نبود، بلکه کسانی مانند نواب خاص و برخی از وکلای دیگر، می توانستند با امام در تماس باشند و سؤالات و نامه های مردم را خدمت امام ببرند و پاسخ امام را به مردم برسانند، ولی در غیبت کبری، امام از انتظار مردم پنهان است و باب مکاتبات و مراسلات بسته است. البته این معنایش این نیست که امکان ندارد دیده شود، بلکه ممکن است حضرت را بعضی از

افراد- کما این که با سندهای معتبر هم نقل شده ببینند. در غیبت صغری، حضرت چهار نماینده داشت که آنان اقامتگاه حضرت را می دانستند، ولی در غیبت کبری چنین نیست. در غیبت صغری ممکن بود کسی او را ببیند و بشناسد ولی در غیبت کبری کسی او را نمی بیند، و اگر هم ببیند او را نمی شناسد. باید توجه داشت که پیشوایان دین، با بیان روایات درباره غیبت، نظرشان این بود که هرگونه شک و تردید را از دل شیعیان برطرف سازند و آنان را برای غیبت طولانی امام خود آماده نمایند تا با غیبت امام انس بگیرند و با وظایف خود در دوران غیبت آشنا شوند و از روی دلایل قطعی، به وجود غیبت امام خود ایمان راسخ و استوار پیدا کنند.

۱. سیمای آفتاب، ص ۸۴. ۲. ثبات الهدی ج ۶، ص ۳۸۶. ۳. همان ص ۳۹۳. ۴. در انتظار ققنوس مقدمه ص ۱۷.

حکمت غیبت

فایده غیبت

از فواید غیبت امام زمان (ع) می توان به این موارد اشاره کرد: ۱. غیبت او، انتظار می آفریند، و انتظار مایه امیدواری به آینده است. ۲. غیبت او، سبب آمادگی پیروانش می شود تا حضرت ظهور کند. ۳. غیبت او، سبب گفت و گو درباره حضرت می شود و طرح این مباحث در طول زمان، موجب پرورش نفوس و آمادگی برای حکومت جهانی حضرت و زمینه سازی برای ظهور حضرتش می گردد. ۴. طولانی شدن غیبت امام، موجب فساد در جامعه می شود و این فساد، سبب خستگی و نارضایتی مردم شده و در متن این نارضایتی، جرقه های انقلاب بروز می کند و مردم، تشنه عدالت می شوند و ظهور حضرت را طلب می کنند. ۵. غیبت، امتحانی است برای شیعیان حقیقی تا معلوم شود، چه کسی ثابت قدم در اعتقاد به امامت امام دوازدهم است (۱). ۶. غیبت، دلائلی دارد که به امامان اجازه افشای آن داده نشده است (۲). ۱. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۲۲۲ منتخب الاثر ص ۲۶۱. ۲. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۹۱ الزام الناصب، ص ۶۱۲.

آزمون غیبت

آزمایش های دینی برای ایمان آورندگان در همه زمان ها، قانون الهی است: أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ اما این قانون، در روزگار غیبت به دو جهت مورد تأکید است: آن که امام از نظرها پنهان است و منتظران، منتظر ظهور اویند و چون این امر به درازا می کشد، افکار و دعوت های باطل، در میان مسلمانان پدید می آید و گروهی گمراه می شوند... در این دوران، شرایطی به وجود می آید و اوضاعی بر جوامع حاکم می شود که نگاهداشتن دین، بسیار دشوار می شود. بیشتر مردمان، به انگیزه های گوناگون، ایمان دینی خویش را در زندگی از دست می دهند و دینداری را کنار می نهند (۱) امام رضا (ع) درباره آزمایش در دوران غیبت می فرماید: آن چه کردن های خود را به جانبش دراز کرده اید تشکیل حکومت آل محمد اتفاق نمی افتد، تا این که مشخص شوید و امتحان گردید و باقی نمی ماند از شما مگر اندکی. (۲) نعمانی، باب دوازدهم از کتاب الغیبة خویش را به امتحان شیعیان در عصر غیبت اختصاص داده و احادیث گوناگونی در این زمینه آورده است. اما مهمترین انگیزه ای که سبب می گردد در دوران غیبت، دینداران با آزمایش اعتقادی و عملی بسیار رو به رو گردند، عبارتند از: گسترش زمینه های ناباوری، افزایش انگیزه های انحراف و گریز از دین، ستیزه جویی ها با دینداری. پس قانون آزمایش و قربال شدن مؤمنان، در ظرف زمانی غیبت که گمراهی ها و ستم ها هجوم می آورند، در شکوفا شدن حق جویی و خلاصی دینی دینداران و شایستگی برای حضور در جهادی فراگیر و سخت در رکاب حضرت مهدی (ع) نقشی اساسی و زیربنایی دارد به فرموده پیامبر (ص) چشم به راه فرج داشتن، همراه با صبر و استقامت، عبادت است (۳). ۱. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۱۸. ۲. ۳.

همان ج ۵۲ ص ۲۵۹. ۳. ارشاد مفید ج ۲ ص ۳۷۵

دین داری در عصر غیبت**شاخص های دینداری**

دینداری در دوران غیبت، نیازمند بینشی است که انسان دیندار در پرتو آن بتواند در برابر تحریف ها و تردیدها، رویکرد دینی خود را حفظ کند. اما شاخص های دینداری که در روایات اسلامی بر آن تاکید شده است عبارتند از: انتظار فرج: پیامبر (ص) می فرماید انتظار فرج داشتن، برترین عمل امت من است (۱) نگهداشت ایمان دینی حضرت علی (ع) می فرماید به سبب غیبت مهدی (ع) سردرگمی به وجود می آید که گروهی گمراه می شوند و گروهی دیگر بر هدایت می مانند (۲) ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۸۰۱. ۲. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۸۱

دین داری در عصر غیبت

انسان دیندار، در صدر اسلام عقاید و باورهای دینی را از پیامبر (ص) می گیرد و تعالیم خالص دین را با دریافت مستقیم از مفسر واقعی وحی دریافت می کند. رسول خدا (ص) را می بیند و از روش و منش و سیره او الهام می گیرد و پایه باورهای خود را استوار می سازد و این امور در آسان کردن پذیرش حق، نقش به سزایی دارند. اما انسان دیندار در این عصر، از تمامی این دریافت های حسی به دور است و تنها براساس درک عقلی و تاریخی، پیامبر و امامان (ع) را می شناسد و به رسالت و امامت ایشان ایمان می آورد پیامبر (ص) می فرماید: برادران من کسانی هستند که پس از شما اصحاب زندگی می کنند. به من ایمان می آورن. در حالی که مرا ندیده اند (۱) بی گمان دیندار بودن در روزگار غیبت، ایمان افزون تری را می طلبد، چرا که ایمان به وجود پیامبر (ص) امامان معصوم (ع) و غیبت مهدی (ع) به نوبه خود، ایمان به غیب است. (۲) دینداری در روزگار غیبت، نیازمند بینشی است که انسان دیندار در پرتو آن، بتواند در برابر تحریف ها، مسخ ها، شبهه ها، تردیدها، تزلزل ها و سرکوفت ها از درون و بیرون حوزه دین، همچنان رویکرد دینی خود را نگاه دارد و با هیچ یک از این عوامل، خلوص دینی و دینداری را در فکر و عمل از دست ندهد پیامبر (ص) فرمود: به زودی پس از شما، کسانی می آیند که یک نفر از آنان پادشاه پنجاه نفر از شما را دارد گفتند: ای رسول خدا ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما جهاد کرده ایم و درباره ما آیه قرآن نازل شده است حضرت فرمود: زیرا اگر آن چه از آزارها و رنج ها که بر آنان می رسد بر شما آید، به سان آنان، شکیبایی نخواهید داشت (۳) (پایداری بر دین در روزگار غیبت، به پذیرش سختی ها و بیم ها و محرومیت ها و تنگناهای مادی خلاصه نمی شود، بلکه تحت فشارهای سخت روحی و معنوی نیز، بر آنها افزوده می گردد و چنان چه دینداری با صبر و شکیبایی آگاهانه توأم نباشد، به تدریج، ناامیدی ها روی می آورد و باور را از روح و فکر می ستاند امام صادق (ع) می فرماید: به تحقیق برای صاحب الامر غیبتی است، کسی که در آن زمان دینش را نگهدارد، هم چون کسی است که درخت خار قنار را با دست بتراند کدام از شما قدرت دارد که خار آن درخت را به دستش نگهدارد (۴) حضرت در حدیث دیگری می فرماید... سوگند به خدا شکسته می شوید مانند شکسته شدن سفال به درستی که سفال هرگز به صورت نخست بر نمی گردد، به خدا سوگند حتماً شما امتحان خواهید شد، به خدا سوگند قطعاً شما غربال خواهید شد، چنان که دانه تلخ از میان گندم جدا شود. (۵) سوگندهای پی در پی حضرت، دلالت بر اصل امتحان و دشواری دینداری در عصر غیبت دارد. ۱. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۳۲. ۲. در بعضی روایت ها، الذین یومنون بالغیب سوره بقره آیه ۲ به غیبت مهدی (ع) منطبق شده است بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۴۰۱. ۳. بحارالانوار ج ۲۵ ص ۱۳۰. ۴. غیبه

طوسی ص ۷۵ . ۵ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۰۱ .

زمینه سازی غیبت

یکی از مهم ترین ابعاد فعالیت های امام یازدهم (ع) آماده سازی جامعه شیعه برای غیبت آخرین حجت حق ، حضرت بقیه الله الاعظم (ع) است . این جهت ، از زمان امام هادی (ع) به طور عملی شروع گردید . زیرا قسمت زیادی از عمر امام هادی وعسکری (ع) در زندان وتحت مراقبت می گذشت وارتباط وملاقات مسلمین وشعیان با آن بزرگواران میسر نبود . واین خود شاید لطفی باطنی از جانب حق بود که شیعیان ومسلمانان به تدریج با غیبت حجت خدا وندیدن او انس بگیرند ویک باره در اثر غیبت کلی امام وحشت نکنند ودین خود را حفظ نمایند . علاوه بر این امام عسکری (ع) تنها به عده ای خاص وقلیل از شیعیان ویا عده ای کم از دیگران به منظور اتمام حجت ، فرزند خود امام مهدی (ع) را نشان می دادند . قسمت مهمی از این امر را امام (ع) با احادیث وفرمایش ها و نامه های خود محقق می فرمود . از آن جا که بیان تفصیلی این مطلب مجال وسیعی می خواهد در این جا به ذکر یک نامه از حضرت عسکری (ع) در این زمینه اکتفا می کنیم . این نامه را حضرت به ابوالحسن علی بن الحسین بن بابویه قمی مرقوم فرمودند : بر تو باد به صبر وانتظار فرج ، چرا که پیامبر خدا (ص) فرمود : برترین اعمال امت من انتظار فرج است . پیوسته شیعیان ما در غم و اندوه خواهند بود تا فرزندم (مهدی) ظاهر شود . همو که پیامبر خدا وعده فرموده که زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد ، همانگونه که پر از ظلم وجور شده باشد . ای شیخ بزرگوار من خود صبرکن وتمام شیعیان مرا نیز امر به صبر در برابر سختی ها ، مبارزات ، شهادت ها وسایر مشکلات در راه خدا بنما چرا که زمین از آن خداست وحکومت آن را به بندگان که خود بخواهد ، خواهد داد وعاقبت از آن تقوی پیشگان است . سلام بر تو وهمه شیعیان باد . . . (۱) این پیام امام یازدهم حضرت عسکری (ع) به همه ماست : صبر وانتظار فرج صبر در مقابل ناملایمات وسختی های دوران غیبت وانتظار فرج امام عصر (ع) (۲) ۱ . مناقب ابن شهر آشوب ، ج ۴ ، ص ۴۲۵ . ۲ . نشریه موعود ، شماره ۲۰ ص ۱۴ .

علت غیبت

فلسفه غیبت

امام صادق (ع) فرمود : موضوع غیبت سری است از اسرار خداوند وغیبی است از غیوب الهی ، چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنم که کارهایش از روی حکمت صادر می شود گرچه تفصیلش برای ما مجهول باشد . (۱) از این حدیث به خوبی آشکار می شود که علت وفلسفه اصلی غیبت ، جزء اسرار الهی است و جز ائمه اطهار (ع) کسی نمی داند آن ها هم مأذون به بازگودن آن نبودند . ولی در پاره ای روایات (۲) بعضی از حکمت های آن بیان شده که به آن ها اشاره می کنیم : آزمایش وامتحان : امام موسی بن جعفر (ع) می فرماید : برای صاحب الامر ناچار غیبتی خواهد بود ، به طوری که گروهی از مؤمنین از عقیده برمی گردند . خدا به وسیله غیبت ، بندگان را امتحان می کند . (۳) ۲ . بیعت نکردن با ستمکاران : علی بن موسی الرضا (ع) فرمود : گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (۴) امام عسکری (ع) در جست وجوی امام خود همه جا را می گردند ، اما او را نمی یابند . عرض کردم برای چه ؟ فرمود : برای این که امامشان غایب می شود . عرض کردم چرا غایب می شود فرمود : برای این که وقتی با شمشیر قیام کرد ، بیعت احدی در گردنش نباشد . (۵) ۳ . نجات از قتل : زراره از امام باقر (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمود : قائم باید غایب شود ، عرض کردم چرا ؟ فرمود : از کشته شدن می ترسد . . . (۶) ۴ . آمادگی پذیرش : کیما برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان ، علاوه بر وجود رهبری شایسته ، آمادگی عمومی نیز

لازم است ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۹۱. بحارالانوار ج ۵۲ باب علّه الغیبه ۳. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۱۳. ۴. بحارالانوار ج ۵۱ ص ۵۲. ۵. همان ۶. مهدی انفلاهی بزرگ آیت الله مکارم شیرازی، ص ۲۴۰.

علت غیبت

در نامه مبارک حضرت ولی عصر (ع) به شیخ مفید، علت غیبت و طولانی شدن آن چنین آمده است: فما يحسبنا عَنْهُمْ الا، ما يتصل بنا مما نكرهه ولا نوثره منهم (۱) باید بدانند که جز برخی رفتارهای ناشایسته آنان که ناخوشایند ما است و ما آن عملکرد را زینده شیعیان نمی دانیم، عامل دیگری ما را از آنان دور نمی دارد. حقیقت این است که انبوهی از روایات به صراحت، بیان گر این است که تمام اعمال ما، در عصر هر امام و پیشوایی از پیشوایان معصوم در هفته دوبار، در روزهای دوشنبه و پنجشنبه به امام راستین جامعه ارائه می شود از این رو طبیعی است که امام نمی پسندد که شیعه او به راه انحراف و اشتباه و گناه آلوده شود و همین آلودگی به گناه است که توفیق تشریف را از آنان سلب و آنان را از افتخار دیدار محروم می سازد. در همان نامه حضرت به شیخ مفید آمده است که اگر پیروان و شیعیان ما- که خدا آنان را در فرمانبرداری خویش توفیق ارزانی شان دارد- به راستی در راه وفای به عهد و پیمانی که بر دوش دارند، همدل و یک صدا بودند، هرگز سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد. به راستی او غیبت نکرده است، ما ففلت کرده ایم. هر چه هست از ماست و باید علت غیبت را در خویش و رفتارمان جست و جو کنیم ۱. بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۷۶.

ترس حضرت

در روایات مختلفی، سخن از خوف و بیم حضرت مهدی (ع) آمده است. زراره گفت: شنیدم امام ابو عبدالله صادق (ع) فرمود: قائم را پیش از قیام، غیبتی است. عرضه داشتم: چرا؟ فرمود: او می ترسد، و اشاره به شکم خود کرد، یعنی از کشته شدن می ترسد. (۱) از امام سجاد (ع) نیز آمده که فرمود: در حضرت قائم (ع) از هفت پیامبر شیوه و روش است... و اما از موسی ترس و غیبت است (۲) از امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه... ولید لهنم من بعده خوفهم آما (۳) آمده که فرمود: یعنی قائم و اصحاب او. (۴) غیبت از ترس سرچشمه می گیرد، اما منظور از ترس، ترس شخصی و فرار از قتل نیست، بلکه ترس حضرت مهدی (ع) که خدارند او را برای ریشه کن ساختن ظلم و ستم و اجرای عدالت در پهنه گیتی ذخیره نموده است، از این است که نقصی در پیاده کردن برنامه پیش آید (۵). ۱. کافی ج ۱ ص ۲۳۳۷. کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۲۲. سوره نور ۴۵۵. المحجّه ص ۵۷۴۲. روزگار رهایی ج ۱ ص ۲۰۵.

انتظار

فلسفه انتظار

فلسفه انتظار، دمیدن روح امیدواری و پایداری است. انتظار و عقیده به ظهور مصلح، شیعه را در جریان زمان، برای مقاومت پرورش داد و جامعه شیعه را از زوال نگاه داشت و تا امروز، این عقیده، عامل بقای شیعه و پایداری اوست. شیعیانی که با وضعیت اسفبار حکومت بنی امیه و بنی عباس، روبه رو شده بودند، اگر منتظر و آینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت نداشتند، هرگز برای شان حال مقاومت باقی نمی ماند و از دگرگون شدن اوضاع نا امید می شدند و ریشه هر حرکت و پایداری در آن ها خشک می شد. اما قرآن کریم بشارت داده و پیامبر اکرم (ص)؟ و حضرت علی (ع) نیز وعده داده اند که این دین، پایدار می

ماند و همیشه ، حق پیروز است . پس از رحلت رسول خدا (ص) تا به امروز ، ریشه همه حرکت ها و نهضت های شیعه علیه باطل ، همین فلسفه انتظار و عقیده به ادامه مبارزه حق و باطل بوده است . این همان فلسفه ای است که در ادیان گذشته نیز مایه امیدواری پیروان آن ها و مشوق آنان به پایداری بوده است پس فلسفه انتظار ، مانند یک عامل و ماده حیاتی مهم ، در تمام ادیان آسمانی وجود داشته و رمز بقا و موجودیت آنان بوده است و اکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمانان است (۱) . ۱ . امامت و مهدویت ج ۱ ص ۳۹۴ .

آسیب شناسی انتظار

ادعای ارتباط با حضرت

درباره ارتباط با امام زمان (ع) ، کتاب هایی نوشته شده که در این اواخر ، رواج فوق العاده ای یافته است . این کتاب ها مشحون از حکایات و داستان ها و مطالبی است که برخی از آن ها به یقین ، نادرست و برخاسته از تصوّرات و خیال بافی های نویسندگان آن هاست و در برخی " شمه ای از حقیقت وجود دارد . نقل این داستان ها و حکایت ها ، باعث می شود که یک عقیده درست و صحیح ، به ناصواب هایی آمیخته گردد و عقائد خرافی و ناصحیح و غیر مستند در میان مردم رواج یابد . وقتی که آقا و خانی به راحتی و آسانی اهل مکاشفه شوند و آن را در کتاب خود بنویسند ، چرا دیگران به چنین مقامی نرسند . زمانی که مدعی مکاشفه ، پا را فراتر نهد و در بیداری ، حضرت رسول (ص) و برخی از معصومین (ع) را ببیند " چرا دیگران از این نعمت محروم باشند رواج این گونه کتاب ها باعث شده که در برخی از مناطق ، شاهد اتفاقات عوام فریبانه و خرافی باشیم : کسی در منطقه ای مدعی می شود که قطره ای از خون سر امام حسین (ع) ریخته و سر مبارک حضرت را دیده است . چوپانی مدعی می شود که غلام شاه چراغ است و از وی دستورهایی دریافت کرده است . خانمی که از دست شوهرش فرار کرده ، به مسجد روستایی می رود و مدعی می شود که مسجد ، نظر کرده است و مریض هایی که به این مسجد بیایند شفا می یابند . در مواردی ، دختر یا زنی نظر کرده می شود و حاجت مردم را برآورده می کند (۱) یا سید مهدی شیوخی (م ۱۲۷۸ هـ . ق در کتاب بوارق الحقایق که شرح سفرهای اوست ادعا می کند : در طوس ، مهدی (ع) را دیده و ایشان آیات و اورادی را در دهان وی ، فوت کرده است . در این دیدار ، امام زمان ، چند کلمه به فارسی ، با لهجه افغانی گفته ، او مطلب را فهمید ، اما زمانی که او چند واژه به فارسی می گوید ، حضرت متوجه مقصود وی نمی شود ، از این روی برای آن حضرت توضیح می دهد (۲) پیامد ناگوار این کتاب ها و عقاید برگرفته از حکایت و خواب ، فضایی را به وجود می آورد که اهل تعقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می کند و زمینه انحراف های فکری را فراهم می آورد و در نتیجه ، مخالفان تشیع ، امکان رشد و گسترش می یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام زدگان به نام تشیع ثبت می شود و به دیگران انتقال می یابد و یک عقیده ای که در اصل آن ، تمام فرق اسلامی توافق دارند ، به گونه ای مطرح می شود که فرسنگها با اسلام فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیشه وران اسلامی تنگ می کند . ۱ . چشم به راه مهدی ص ۳۵ . ۲ . همان ، ص ۱۰۲ .

نا امیدی از ظهور

نا امیدی از ظهور حضرت بر چند گونه متصور است : ۱ یأس و نا امیدی از اصل ظهور حضرت قائم (ع) (به طور کلی و بدون شبهه ، همگی در حرام بودن آن اتفاق نظر دارند ، زیرا که ظهور و قیام حضرت قائم (ع) از ضروریات مذهب امامیه است ، بلکه احتمال می رود که از ضروریات دین اسلام باشد ؟ چون احادیث در این باره از حضرت رسول اکرم (ص) در حد تواتر از طرق شیعه و

سنی رسیده است ۲ نا امیدی از ظهور حضرت قائم (ع) در مدت معینی بر حسب پندارها و حدس ها ؟ به این که مثلاً گفته شود : حضرت تا پنجاه سال دیگر ظهور نخواهد کرد . لازمه این پندار آن است که در آن مدت ، منتظر نباشد ، و حال آن که از بررسی احادیثی که امر می کند در هر صبح و شام منتظر باشیم ، ظاهر می شود که این گونه نا امیدی هم حرام باشد . ۳ . نا امید بودن از نزدیکی زمان فرج و ظهور آن حضرت ؟ یعنی این که احتمال نزدیک بودن آن را نفی نماید ظاهر از دلایل ، حرام بودن این گونه نا امیدی نیز می باشد ، زیرا که از اخبار روایت شده از امامان (ع) چنین استفاده می شود که بدین جهت وقت ظهور بر مؤمنان مخفی مانده ، تا در تمامی زمان ها منتظرش باشند ؟ هر چند که حکمت های دیگری نیز برای آن هست (۱) . ۱ . مکلیال المکارم ، ج ۴ ص ۲۴۳ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی .

شواذال محمد

در حدیثی از امام باقر (ع) آمده که از شر سفیانی پرهیز کن و از شر آن عده از آل محمد که شذوذ دارند بر حذر باش . (۱) منظور از شواذ آل محمد (ع) افراد تکرو ، کجرو و فرصت طلبی هستند که از جهت نسبت به اهل بیت منسوب اند ، ولی برای به دست آوردن حکومت به ادعاهای دروغین متوسل می شوند تا بدین وسیله افراد مذهبی و با حرارت را به طرف خود جذب کنند (۲) . ۱ . بحارالانوار ، ج ۵۲ ص ۲۰۲۷۸ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۹۹۳ .

انتظار فرج

آثار انتظار

انتظار و بهداشت روان

در قلّه هرم اعتقادی شیعه ، عقیده به مهدویت و انتظار برای ظهور و حکومت جهانی حضرت است . بنابراین رابطه انتظار و بهداشت روان ، در حقیقت مبتنی بر رابطه دین و باورهای دینی با بهداشت روان است . باورهای دینی از طریق تغذیه روحی ، معنابخشی به زندگی ، اتصال به منابع قدرت ، تخلیه هیجانی زمینه های آرامش و بهداشت روانی را فراهم می کند . انتظار علاوه بر این که از ابتلا به بیماری های روانی . جلوگیری می کند ، زمینه رشد و ارتقاء توانمندی های فرد را در ایفای نقش های اجتماعی ، روانی و جسمی فراهم می سازد . وقتی حالت انتظار در انسان پدید می آید ، می شود امید " و " آمادگی " و اشتیاق " را در خود تجربه کرد . انتظار نور و عدالت ، بارقه امید را در دل انسان زنده می کند . آمادگی برای انتظار نیز به این معناست که توانایی بردباری بر تأخیرها و مشکلات ناشی از غیبت را داشته باشیم . و گواه صادق بر انتظار ، شور و اشتیاق است که از یک سو در غم فراق است و از دیگر سو در شوق وصال . به طور کلی ، امید ، آمادگی و اشتیاق ، شرایط روانی خاصی ایجاد می کند که در جلوگیری از بیماری ها و ارتقاء توانمندی ها در مقابله با اضطراب ها نقش موثری دارد .

آثار انتظار

کسی که انتظار قیام مصلح جهانی را دارد در واقع ، انتظار انقلاب و تحولی را دارد که وسیع ترین و اساسی ترین انقلاب های انسانی در طول تاریخ بشر است ؟ انقلابی که همه شؤون زندگی انسان ها را شامل می شود . انتظار ، همیشه از دو عنصر نفی و اثبات تشکیل می شود ، یعنی ناراحتی از وضع موجود ، و عشق و علاقه به وضعیت بهتر . پس کسانی که در انتظارند ، اگر در ادعای خود

صادق باشند، باید این آثار در آن ها آشکار شود: ۱. خود سازی فردی: منتظر، همیشه باید خود ساخته و آماده باشد. برای تحقق بخشیدن به چنین انقلاب عظیمی، مردانی بزرگ مصمم، نیرومند، خود ساخته، شکست ناپذیر و دارای بینش عمیق لازم است. خود سازی برای چنین هدفی، مستلزم به کار بستن برنامه های اجتماعی، فکری و اخلاقی است. ۲. خود سازی اجتماعی منتظر، علاوه بر خود سازی خویش، باید مراقب حال دیگران نیز باشد و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران و جامعه خود نیز بکوشد. در میدان مبارزه، هیچ فردی نمی تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را که در هر کجا می بیند، اصلاح کند و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید. ۳. حل نشدن در فساد محیط: یکی از آثار انتظار، عدم تسلیم در برابر آلودگی های جامعه است. هنگامی که فساد فراگیر می شود و بیشتر مردم را به آلودگی می کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن بست روانی قرار می گیرند، و از اصلاحات، مأیوس می شوند و فکر می کنند کار از کار گذشته است و دیگر امیدی برای اصلاح نیست، این نومیدی ممکن است آنان را به صورت تدریجی به فساد و همرنگی با محیط بکشاند. تنها چیزی که می تواند در آن ها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند، امید به اصلاح نهایی و ظهور مصلح جهانی است. ۴. پایداری در برابر رهبری های فاسد و مبارزه با فساد: هر کس سرگذشت دستگاه های جبار بنی امیه، بنی عباس، امویین اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی را که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و حاکم مسلمان، در هند، ماوراء النهر، ایران، مصر شام و نقاط دیگر آسیا، آفریقا و اروپا مسلط شدند بخواند، می فهمد که چه وضع نا امید کننده ای پیش آمد که هدف های واقعی و اصولی اسلام، بیشتر از رسمیت افتاد و اصلاً مطرح نبود. تنها چیزی که مسلمانان را در برابر این وضعیت نگاه داشت و آن ها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه های اسلامی دلیر می کرد، وعده های قرآن و پیامبر (ص) بود که: این دین از بین نمی رود و آینده برای اسلام است. این وعده ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مانند تسلط بنی امیه، جنگ های صلیبی، هجوم چنگیز و سرانجام، استعمار قرن اخیر، پایدار نگه داشت و مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت. بنابراین مسلمان، تسلیم ظلم و فساد نمی شود و با ستمگران و مفسدان همراه و هم صدا نخواهد شد. (۱) البته آثار انتظار، منحصر به این چهار اثر نیست. برای مطالعه بیشتر می توانید به کتب دیگر مانند انقلاب جهانی مهدی اثر آیت الله مکارم شیرازی، مبحث انتظار مراجعه نمایید. ۱. سیمای آفتاب ه حبيب الله طاهري ص ۲۱۱.

انتظار

"انتظار" در لغت به معنای چشم داشت و چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است. نیجه ای که از معنای لغوی انتظار "به دست می آید این است که کسی که عمل زشت و ناهنجاری انجام داده، منتظر کیفر آن است، و کسی که بذری را در زمین پاشیده منتظر است که محصولش از زمین سربر آورد و سرسبز شود و کسی که کار خیر و شایسته ای انجام داده، منتظر است تا روزی فرا رسد و او پاداش کار خیرش را دریافت کند. و اما انتظار در اسلام- به ویژه مذهب تشیع- عبارت از ایمان استوار بر امامت و ولایت حضرت ولی عصر (ع) و امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت الهی، و آغاز حکومت صالحان است. انتظار فرج در اسلام، در واقع نوعی آمادگی است آمادگی برای پاک شدن، پاک زیستن. آمادگی برای حرکتی مستمر و دائم، توأم با خود سازی و دگر سازی و زمینه سازی. و سرانجام آمادگی برای تهیه قوا برای شرکت در نهضت عظیم حضرت مهدی (ع) که آغاز آن، ظهور حضرت و پایان آن، شکست تاریکی ها و ظلم ها و نتیجه آن، برپایی حکومت عدل الهی و نهضت سبز مهدوی است. مسلمانان بر اساس وعده های صریحی که قرآن کریم بدان ها داده است، عقیده دارند که طبق قانون خلقت و سنت آفرینش، تاریخ بر مبنای سنت های الهی و وعده های خدایی به پیش می رود، و اگر چند روزی دنیا به نفع ستمگران تمام شده، ولی سرانجام حکومت مطلق جهان به دست صالحان و حق پرستان خواهد افتاد و عدالت و امنیت بر اساس قانون خدا در سرتاسر جهان

برقرار خواهد شد. از آیات متعدد قرآن توبه، ۳۲ و ۳۳- نور، ۵۵- غافر، ۵۱- انبیاء، ۱۰۵ و ۱۰۶- قصص، ۴- سجده، ۲۸ و ۲۹- صافات، ۱۷۱ و ۱۷۳- حج، ۴۱ به خوبی استفاده می شود که جهان روزی را در پیش دارد که حکومت مطلق دنیا به دست پاکان و صالحان خواهد افتاد و روزی را که مسلمانان انتظار می کشند، همان روز قیام حضرت مهدی (ع) است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی مایه می گیرد، و آن، اصل حرمت یأس و نوبدی از لطف و رحمت خداوند است. آن چه از روایات به دست می آید، انتظار فرج، نوعی عبادت است، ایمان به غیب است، اقرار به یگانگی جدا و رسالت پیامبر (ص) و پیشوایی امامان معصوم است، تلاش و سازندگی است، عامل مقاومت و پایداری است، نوعی فریاد و خروشی از درون، و عدم پذیرش سلطه ها و اعتراض به زمامداران خودسر و خودپرست است. دلیل این انتظار، همان نویدهای صریح قرآن کریم و روایات معتبری است که مسأله ظهور حضرت مهدی (ع) و امید به آینده را به عنوان وعده تخلف ناپذیر الهی مطرح کرده اند. انتظار دارای دو بعد فکری یا اعتقادی، و بعد عملی یا اجتماعی است و معرفت و انتظار فرج است که منتظر را در خیمه گاه امام عصر (ع) آماده به خدمت حفظ می کند. (۱) و اما انتظار اعتقادی معرفت امام، شرط صحت انتظار است. فضیل بن یسار از امام صادق (ع) درباره آیه "یوم ندعوا کل اناس بامامهم، (۲) روزی که هر مردمی را با امامشان می خوانیم، پرسید. حضرت چنین فرمود: ای فضیل امام خود را بشناس، زیرا اگر معرفت امام خود را داشته باشی، جلو افتادن یا به تأخیر افتادن این امر زبانی به تو نمی رساند. (۳) انتظار اجتماعی: همان انتظار در مقام عمل است. محصول انتظار اعتقادی انتظار عملی است. برخورداری از رحمت الهی، شامل حال منتظرانی است که در جهت اجرای اوامر الهی از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند و همواره تلاش می کنند وظایف اعتقادی خود را بشناسند و با تمام توان شان در جهت تحقق آن ها کوشش نمایند و اما از جمله وظایف عملکردی منتظران، دعا برای تعجیل فرج، حفظ تقوی، تسلیم محض به امام و زمینه سازی برای برقراری عدل الهی است. ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۶. ۲. سوره اسراء ۷۱. ۳. کافی ج ۱ ص ۲۷۱.

انتظار و ادیان

انتظار در مسیحیت

حضرت عیسی (ع) از میان مردم رفت. گروهی از یاران وی گفتند: درست است که او در گذشت و به خاک سپرده شد، ولی در روز سوم از قبر خود برخاسته و به آسمان رفته است و دوباره برای پادشاهی بر روی زمین برخاسته است. همچنین گفتند: حضرت عیسی برای این کشته شد که فدای گناهان مردم شود و مدعی شدند که پیامبران پیشین درد ورنج و تصلیب وی را پیشگویی کرده بودند. از نظر مسیحیان، حضرت عیسی (ع) شهید نشد، بلکه قربانی گناهان مردم گردید. تا جایی که تاریخ نشان می دهد، این باور زیربنای مسیحیت بوده است و مسیحیان در تبلیغات خود این مسأله را بسیار مطرح می کنند. پس از صعود حضرت عیسی (ع) مسیحیان یقین داشتند که او به زودی می آید، زیرا از حضرت عیسی (ع) نقل می شد که درباره خود گفته است: پسر انسان خواهد آمد در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خود، و در آن وقت هر کس را موافق اعمالش جزا خواهد داد. شوق ظهور عیسی مسیح (ع) مردم بر اثر علاقه شدید به بازگشت حضرت عیسی (ع) دچار توهمات شدند و تاریخ هایی را برای این رویداد پیشگویی کردند. این پیشگویی ها، مانند پیشگویی های مشابه آن در ادیان دیگر، غلط از آب درآمد و در نتیجه، رهبران دینی مردم را از این کار بر حذر داشتند. فرقه های منتظر ظهور متعددی پدید آمد که پایه آن ما را بر این توهمات گذاشته بودند. مثلاً فردی به نام ویلیام میلر اعلام کرد حضرت عیسی (ع) در سال ۱۸۴۳ تا ۱۸۴۴ م باز خواهد گشت. پیشگویی وی تحقق نیافت و خود او متعهد شد که دیگر پیشگویی نکند. فرقه "ادونیست های روز هفتم" که بر اثر پیشگویی های این شخص پدید آمد، تا عصر ما

باقی است. گروهی از آناباپتیست ها در قرن شانزدهم، برای آماده کردن زمینه سلطنت هزار ساله حضرت عیسی (ع) برخاستند و برخی از شهرها را برای مدتی در اختیار گرفتند، ولی شورش آنان بی رحمانه سرکوب شد. ایروینگیان برای سرعت بخشیدن به ظهور آن حضرت، دوازده خواری تعیین کردند، ولی از این ابتکار طرفی نیستند. گروهی از آنان به نام "نویروینگیان" (برای آن خواریون جانشینانی تعیین کردند و به این حرکت ادامه دادند. گواهان یهوه برای پذیرایی از حضرت عیسی (ع) و انبیای پیشین در امریکا آپارتمان تهیه کردند. مومون ها، کریستادلفین ها و برخی از فرقه های عجیب و غریب دیگر مسیحیت، برای شتاب دادن به ظهور حضرت عیسی (ع) به کارهایی از این قبیل دست زدند. (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۱۱ ص ۱۸.

انتظار و صهیونیسم

در عصر ماکه یهودیان صهیونیست خود بر پای خاسته و با اشغال فلسطین درصدد برآمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است و یهودیان در انتظار مسیحا لحظه شماری می کنند. حدود صد سال پیش متفکران یهود گفتند قوم ما این همه سال در انتظار مسیحا خواری ها را بر خود هموار کرد، ولی از وی خبری نیامد. دیگر انتظارمان به سر آمد و کاسه صبرمان لبریز شد. جا دارد که خود برای پایان دادن به وضع موجود برخیزیم. آنان مکتب صهیونیسم را تأسیس کردند و گفتند باید خودمان فلسطین را بگیریم. عموم یهودیان می گفتند این کار درست نیست، زیرا طبق باورهای دینی، تنها مسیحا می تواند به چنین کاری اقدام کند. صهیونیست ها گفتند ما برای قیام مسیحا پایگاهی در فلسطین درست می کنیم. قانع نمودن قومی که قرن ها در خیالات واهی به سر برده بود، کاری مشکل بود. اما آنان با صبر و حوصله فراوان، برای این کار تبلیغ کردند و مهاجرانی را به فلسطین بردند و پنجاه سال پیش دولت غاصب اسرائیل را در اراضی اشغالی بنیاد نهادند. البته هنوز هم اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحای می دانند و پیوسته با آن مخالفت کرده، می گویند باید به سنت انتظار ادامه داد. سرانجام، سواد اعظم یهودیت صهیونیسم را از جان و دل پذیرفتند و آن را رهگشای عصر مسیحا دانستند. از این رو، صهیونیست های غاصب فلسطین، علاوه بر دعاها و مسیحایی موسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم غاصب پنجم ماه ایار عبر پس از دمیدن در شیور عبادت، این گونه دعا می کنند: اراده خداوند ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا، گوش ما را نوازش دهد. (۱) ۱. نشریه موعود، شماره ۱۱.

حقیقت انتظار

انتظار مثبت: انتظار مثبت نقطه مقابل انتظار منفی است. این گروه معتقدند: ظهور حضرت مهدی (ع) حلقه ای است از حلقه های مبارزه اهل حق و باطل که به انت پیروزی اهل حق منتهی می شود. سهم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. در روایت آمده است: "یملاء الله به الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً؟" خداوند، زمین را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد. در این حدیث، تکیه بر روی ظلم شده و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است و می رساند که قیام مهدی (ع) برای حمایت مظلومانی است که استحقاق حمایت دارند. شیخ صدوق روایتی از امام صادق (ع) نقل می کند مبنی بر این که، این امر تحقق نمی پذیرد، مگر این که هر یک از شقی و سعید به نهایت کار خود برسد. پس سخن در این است که گروه سعدا و اشقیا هر کدام به نهایت کار خود برسند، سخن در این نیست که سعیدی در کار نباشد و فقط اشقیا به انتها درجه شقاوت برسند که در انتظار منفی آمده است از نظر روایات اسلامی در مقدمه قیام و ظهور امام (ع)، یک سلسله قیام های دیگر از طرف اهل حق صورت می گیرد. آن چه به نام قیام

یمانی قبل از ظهور بیان شده است ، نمونه ای از این سلسله قیام هاست . (۱) پس " انتظار مثبت ، انتظاری است که در آن ، هر فرد نسبت به خود و جامعه مسؤول است . این انتظار ، تعهد آفرین و تحرک بخش است ونوعی عبادت شمرده می شود . ۱ . سیمای آفتاب حبیب الله طاهری ص ۲۰۸ .

افضل الاعمال

در روایات مربوط به انتظار ، عبارات افضل الاعمال وافضل العبادۀ " بسیار به کار رفته است . پیامبر اکرم (ص) فرمود : افضل العبادۀ انتظار الفرج (۱) و در حدیث دیگری می فرماید : افضل اعمال امتی انتظار فرج من الله (۲) این مضمون در احادیث بسیاری وارد شده است : امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید : افضل العبادۀ الصمت و انتظار الفرج (۳) برترین عبادت ، سکوت از بیهوده گویی و انتظار فرج است . امام سجاد (ع) نیز فرمود : انتظار فرج از برترین اعمال است . و امام جواد (ع) فرمود : برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۲ .

زمینه سازان ظهور

انقلاب حضرت مهدی (ع) هم چون دیگر انقلاب ها ، بدون مقدمه و زمینه سازی به وجود نمی آید ، بلکه در آستانه ظهور ، حرکت هایی پا می گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می آورد . بخش عمده ای از روایاتی که درباره رویدادهای پیش از ظهور و یاران حضرت مهدی (ع) آمده است ، درباره ایران و ایرانیان است که با تعبیرات گوناگونی مانند : اهل فارس ، عجم ، اهل خراسان ، اهل قم ، اهل طالقان ، اهل ری و . . . بیان شده است . با بررسی مجموع این روایات به این نتیجه می رسیم که در کشور ایران ، پیش از ظهور ، نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین (ع) و برپا می گردد که مورد نظر امام زمان (ع) است و نیز مردم ایران ، نقش عمده ای در قیام آن حضرت دارند . (۱) رسول خدا (ص) می فرماید : مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی (ع) فراهم می سازند . (۲) نیز می فرماید : پرچم های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمد که دل های آنان همانند پاره های آهن است ؟ پس هر کس از حرکت آنان آگاهی یافت ، به سوی آنان برود و با آنان بیعت کند ؟ هر چند لازم باشد که بر روی یخ حرکت کند . (۳) امام باقر (ع) می فرماید : " گویا قومی را می بینم که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند ، ولی حق را به آنان نمی دهند . بار دیگر طلب می کنند ولی باز به آنان واگذار نمی کنند . در این حالت ، شمشیرها را از نیام کشیده ، بر شانه می گذارند که در این هنگام ، دشمن خواسته آنان را می پذیرد ، ولی آنان نمی پذیرند و قیام می کنند و حق را واگذار نمی کنند ، مگر به صاحب امر . کشتگان آنان شهیدند و اگر من آنان را درک می کردم ، خودم را برای صاحب این امر آماده می کردم . (۴) در این روایات ، به روشنی از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) خبر داده شده است . همه روایات بر این نکته اتفاق دارند که پیش از ظهور مهدی (ع) حکومتی به رهبری یکی از صالحان ، که گمان می رود از فرزندان پیامبر (ص) هم باشد ، در ناحیه مشرق تشکیل می گردد و زمینه ظهور را مهیا می سازد و این حکومت ، تا ظاهر شدن حضرت مهدی (ع) و تسلیم آن به حضرت ایشان ادامه می یابد . بر همین اساس ، برخی تشکیل دولت شیعی مذهبی صفویه را که پس از قرن ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب ، روی کار آمد ، همان دولتی دانسته اند که در روایات ، از جمله زمینه سازان حکومت مهدی (ع) به شمار آمده است . (۵) در زمان ما نیز ، برخی با استناد به ویژگی هایی که در روایات آمده ، انقلاب اسلامی ایران را که در سال ۱۳۵۷ هـ . ش به رهبری امام خمینی ره به پیروزی رسید ، همان دولتی دانسته اند که زمینه را برای ظهور و قیام مهدی (ع) آماده می کند . در هر صورت ، گرچه قرائن فراوانی این احتمال را قوت می بخشد ، ولی دلیل قطعی که ثابت کند منظور از حکومت زمینه ساز ، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی ره است ، در دست

نیست (۶) ۱. چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طوسی ، ص ۵۸ . ۲. بحار الانوار ج ۱ ص ۵۱ ثبات الهداء ج ۳ ، ص ۵۹۹ کشف الغمه ، ج ۳ ص ۲۶۸ . ۳. عقد الدرر ، ص ۱۲۹ ینابیع الموده ، ص ۱۴۹ بحار الانوار ج ۵۱ ، ص ۸۴ . ۴. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۴۳ غبه نعمانی ص ۳۷۳ . ۵. بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۲۴۳ . ۶. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص ۲۴۸ .

منتظران

منتظر

یکی از لقب های معروف حضرت مهدی (ع) است (۱) به کسی گویند که عده ای در انتظار او باشند . بر این اساس امام عصر (ع) را از آن جهت منتظر می نامند که شیعیان در انتظار او به سر می برند ، تا پس از اذن ظهور پیدا کردن آن حضرت از طرف خداوند متعال ، به یاری او بشتابند و او را در فراهم ساختن زمینه تشکیل حکومت عدل الهی ، برچیدن بساط ظلم و نابسامانی از سر تا سر عالم ، برقراری صلح و امنیت واقعی که آرزوی همیشگی انسان در طول تاریخ بوده است ، یاری کنند . آنگاه در بستری که به برکت حاکمیت عدالت و صلح و صفا فراهم شده است ، به کسب فضایل اخلاقی و کمالات انسانی که سعادت ایدی او در گرو آراستگی به آن هاست ، بپردازند . درباره علت منتظر نامیده شدن امام مهدی (ع) روایاتی از طرف ائمه اطهار (ع) نقل شده است . از جمله نقل می کنند : روزی شخصی از امام باقر (ع) سؤال کرد : ای فرزند رسول خدا به چه دلیل مهدی آل محمد (ع) را منتظر نامیده اند ؟ آن حضرت در جواب می فرمایند : به این دلیل او را منتظر می گوی ند که آن حضرت دوره غیبت بسیار طولانی خواهد داشت . پیروان مخلص او در طول این دوره با وجود سختی های زیادی که دارد ، در انتظار ظهور او به سر خواهند برد . این در حالی است که بسیاری از افراد تردید کننده ، قیام و ظهور او را منکر خواهند شد (۲) علاوه بر روایات ، در مجموعه زیارت و ادعیه نیز از آن حضرت با لقب منتظر یاد شده است . به عنوان نمونه در بخشی از دعای ندبه می خوانیم : این المنتظر لاقامه الامت مالعوج کجاست آن امامی که مردم به منظور برطرف ساختن اساس کثی و انحراف ها در انتظار او به سر می برند یا در زیارت صاحب الامر (ع) آمده است : السلام علی المنتظر والعدل المشتھر . درود بر آن قیام کننده ای که جهانیان در انتظار اویند و سلام بر آن امام عادلی که عدالتش سر تا سرعالم را فرا خواهد گرفت (۳)

انبیاء وائمه منتظر بودند

تکریم ائمه از حضرت

وجود مقدس حضرت صاحب الزمان ، دارای خصوصیتی است و برنامه آن بزرگوار ویژگی هایی دارد که چشم امید همه ، حتی پیامبر و ائمه (ع) به او دوخته شده و اهمیت کارش به قدری است که پیوسته دودمان امامت و ولایت در گفتار و رفتارشان ، از آن حضرت به بزرگی یاد کرده و همگان را به عظمت او توجه داده اند . آن چه از ادعیه و زیارات و روایات برمی آید این است که کار تمام انبیاء و مرسلین یک طرف است و کار حضرت مهدی (ع) ، یک طرف . یعنی تمام آن ها مطلب را رسانده اند تا جایی که بذر را آماده کرده و حضرت حجت (ع) می آید و به مرحله انتاج می رساند . امام حسین (ع) فرمودند : اگر جز یک روز از عمر دنیا باقی نمانده باشد ، خداوند آن روز را چندان بلند گرداند ، تا مردی از اولاد من قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید ، چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد ، این طور از پیغمبر شنیدم . (۱) امام سجاد (ع) فرمودند : خداوند امامت را در نسل حسین (ع) تا روز قیامت برقرار داشته است . قائم ما دو غیبت دارد که یکی از دیگری طولانی تر است . (۲) امام باقر (ع) فرمودند : دوازدهمی آن

ها کسی است که عیسی بن مریم (ع) پشت سر او نماز می گذارد ۰۰۰ (۳) امام صادق (ع) فرمودند: هنگامی که سه اسم متوالی در میان ما ائمه ندا شود: محمد و علی و حسن، چهارمی آن ها قائم است (۴) یا این که فرمودند: اگر من او را می دیدم، در مدت عمر خدمتگزارش می گشتم (۵) امام کاظم (ع) فرمودند: خوشا به حال آن دسته از شیعیان ماکه در غیبت قائم ما چنگ به دوستی ما زده، و بر محبت ما ثابت می مانند و از دشمنان ما بیزاری می جویند ۰۰۰ (۶) امام رضا (ع) فرمودند: امام بعد از من پسر من محمد است و بعد از او علی پسر او و بعد از پسرش حسن می باشد و بعد از حسن پسرش، حجت قائم امام است که اهل ایمان در زمان غیبتش انتظار او را می کشند و بعد از ظهورش از وی فرمان می برند (۷) امام جواد (ع) فرمودند: بهترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج امام زمان است. (۸) امام حسن عسکری (ع) فرمودند: امام زمان را غیبتی است که در آن نادانان حیران گردند و اهل باطل به هلاکت افتند و کسانی که وقت ظهور را معین کنند دروغگو باشند (۹) ۱. چشم به راه مهدی ص ۱۷۸ و ۲. همان ص ۱۸۴. ۳. همان ص ۱۹۰. ۴. همان ص ۱۹۶. ۵. همان ص ۲۰۰. ۶. همان ص ۲۰۳. ۷. همان ص ۲۰۶. ۸. همان ص ۲۱۲.

تکریم پیامبر از حضرت

پیامبر اسلام (ص) در احادیث فراوانی به آمدن مهدی (ع) بشارت داده و از حضرت تکریم کرده است. ابوذر غفاری می گوید از پیغمبر خدا شنیدم که فرمود: هر کس مرا و اهل بیت مرا دوست دارد آن گاه اشاره به علی و حسنین (ع) کرد. و گفت این برادر من و بهترین اوصیاست و سبطین من بهترین اسباط، و به زودی خارج می فرماید خدای تعالی از صلب حسین، ائمه دین را و از ماست مهدی این امت. گفتم: ای پیغمبر خدا چند نفر ائمه پس از شما خواهند بود. فرمود: به عدد نقباء بنی اسرائیل. نیز پیامبر (ص) فرمود: خروج می کند مردی از اهل بیت من که عمل می کند به سنت من و خدا برکت خود را به سبب او از آسمان نازل می فرماید و برکات زمین را به سبب او ظاهر می نماید و زمین را پر از عدل می نماید بعد از آن که پر شده باشد از ظلم و جور. نیز فرموده: امامان پس از من دوازده تن خواهند بود ۰ یا علی تو اول ایشانی و آخر آن ها امام قائمی است ملقب به مهدی که خدای عالم در دوره آخر به دست او فتح می فرماید مشرق و مغرب زمین را (۱) ۱. ادیان و مهدویت ص ۳۶ و ۳۷.

عرض اعمال

یکی از ایام هفته است. در حدیثی آمده است که در روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال این امت بر پیامبر (ص) عرضه می شود و پس از آن حضرت، بر حضرات ائمه (ع) و حضرت ولی عصر (ع) عرضه می گردد. (۱) از حضرت رسول (ص) آمده که دانش را در روز دوشنبه فرا گیرید که آن را بر پژوهنده اش آسان می سازد. (۲) عرضه اعمال به حضرت ۱. نجم الثاقب باب یا زدهم. ۲. کنز العمال حدیث ۲۹۳۴۰.

منتظران حقیقی

در روایات، استقامت در دین، پارسایی و تخلق به مکارم اخلاق از ویژگی های منتظران حقیقی شمرده شده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) در تجلیل از مقام شامخ منتظران حقیقی خطاب به صحابه فرمود: شما اصحاب من هستید، لیکن برادران من مردمی هستید که در آخر الزمان می آیند. آن گاه در مقام توصیف اوج مجاهدت و تدین ایشان می فرماید: هر یک از ایشان، بیش از کسی که بر زجر پوست کندن درخت خار با دست خالی در شب تاریک یا نگهداری آتش سوزان چوب درخت تاغ در کف دست صبر می کند، در دینداری خود استقامت می ورزد. به راستی که آنان چراغ های هدایت در شب های ظلمانی هستند. (۱) امام جعفر صادق (ع) نیز فرمود: هر کس بخواهد در شمار منتظران حقیقی آن عدل منتظر باشد، باید پارسایی پیشه کند و متخلق به

جعفر صادق (ع) نیز فرمود: هر کس بخواهد در شمار منتظران حقیقی آن عدل منتظر باشد، باید پارسایی پیشه کند و متخلق به مکارم اخلاق گردد (۲) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۴. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۴

دشواری انتظار

از پیامبر گرامی اسلام (ص) دو روایت معروف نقل شده است که با مقایسه آن می توان به دشواری انتظار پی برد؟ افضل لاعمال حمزها (۱) و افضل اعمال امتی انتظار الفرج (۲) علل دشواری وظیفه منتظران را می توان در چهار محور خلاصه کرد: ۱. آراستگی به عدالت و تقوا ۲. آراستگی به بردباری و پایداری ۳. بهره مندی از دین شناسی بنیادین ۴. لزوم اصلاح طلبی و ظلم ستیزی. رسیدن به این مراحل کاری است بس دشوار اما شدنی و هر کس دشواری انتظار را هموار کرد در زمره منتظران حقیقی مولا- قرار می گیرد که امام صادق (ع) فرمود: "هر کس می خواهد در شمار منتظران حقیقی باشد باید پارسایی پیشه کند و متخفق به مکارم اخلاق گردد (۳) ۱. مجمع البحرین ص ۲۹۷ به نقل از در انتظار ققنوس ص ۲۷۸. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۴. ۳. همان

منزلت منتظران

کبریت احمر

در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: "سوگند به خداوند که مرا به حق برانگیخت، آنان که در عهد غیبت بر ایمان و اعتقاد به او ثابت می مانند از کبریت احمر کمتر خواهند بود" (۱) ۰ کبریت احمر، به معنای گوگرد سرخ است و در برخی منابع آمده که منظور از آن معدن طلاست. (۲) گویا کبریت احمر، کنایه از جنس مرغوب و ارزشمند است. ۱. بحار الانوار ج ۵۱، ص ۷۳ اعلام الوری ص ۳۹۹ المحجة البيضاء ج ۴، ص ۳۳۷. ۲. معارف و معاریف ج ۸ ص ۴۶۳

فضیلت انتظار

در روایات، ارزش و فضیلت بسیاری برای انتظار "شمرده شده است که برخی از آن ها را می آوریم پیامبر گرامی اسلام (ص) برترین عبادت را انتظار فرج می داند (۱). و در جای دیگری می فرماید: برترین جهاد امت من انتظار فرج است (۲) حضرت علی (ع) نیز فرمود: منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند نا امید نشوید. به درستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند، انتظار فرج است (۳) امام صادق (ع) نیز فرمود: منتظر امر ما، به سان آن است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد (۴) در روایتی مرحوم مجلسی از امام صادق (ع) نقل می کند: هر کس که بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد، همانند کسی است که با حضرت قائم (ع) در خیمه اش بوده باشد. پس حضرت چند لحظه ای درنگ کرده، آنگاه فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت شمشیر بزند. سپس فرمود: نه، به خدا همچون کسی است که در پیشگاه رسول خدا (ص) شهید شده باشد (۵) و نیز در روایت دیگری می فرماید: بدانید کسی که منتظر ظهور حضرت مهدی (ع) باشد، پاداش کسی را دارد که شب ها را برای انجام عبادت بیدار، و روزها روزه دار باشد (۶) و در ضمن حدیث مفصلی آمده است که آن حضرت فرمود: هر کس منتظر امر ما باشد و برترس و آزاری که از دشمنان ما می بیند صبر کند، فردای قیامت با ما خواهد بود (۷) پس انتظار، آدمی را متعهد می سازد که برای تحقق هدف های اسلامی و آرمان های انسانی، بدون هیچ گونه ضعف و یأس، تلاش کند و به سوی مقاصد متعالی اسلام گام بردارد و پیوسته مقاوم و استوار، به وظایف دینی و اسلامی خود عمل نماید. از همین جهت است که انتظار "در روایات، عبادت شمرده شده و از بهترین و با ارزش ترین اعمال به شمار آمده است. ۱. کمال الدین ج ۱ ص

۲۰۲۸۷. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۳. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۳. ۴. کمال الدین، ج ۲ ص ۶۴۵. ۵. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۶. ۶. کافی ج ۲، ص ۲۲۲. ۷. کافی ج ۱ ص ۳۷۲

متشخص

یعنی کشته ای که در خون خود بغلتد (۱) امیرالمؤمنین (ع) فرمود: "آن که منتظر امر ما باشد، مانند کسی است که در راه خداوند در خون خود بغلتد (۲). ۱. معارف و معاریف ج ۹ ص ۲۸۰. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۳

مجالس حضرت

حضور یافتن و نشستن در مجالس که فضایل و مناقب حضرت مهدی (ع) و آن چه مربوط به او است در آن ها یاد می شود، از تکالیف بندگان در عصر غیبت است. پیامبر (ص) فرمود: "در باغ های بهشت بگردید. عرضه داشتند: ای رسول خدا باغ های بهشت چیست؟ فرمود: "مجالس ذکر... (۱). از امام رضا (ع) نیز روایت شده که "هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می گردد، دلش نخواهد مرد، روزی که دل ها می میرند (۲) نیز برپا نمودن مجالسی که مولایمان صاحب الزمان (ع) در آن ها یاد شود و فضائل آن حضرت در آن ها ترویج و منتشر گردد و در آن مجالس برای آن جناب دعا شود، از تکالیف عصر غیبت است که این کار، در حقیقت ترویج دین خدا و نصرت ولی الله است (۳). ۱. مکیال المکارم ج ۲ ص ۲۳۸. ۲. بحار الانوار ج ۴۴، ص ۲۷۸. ۳. مکیال المکارم ج ۲ ص ۲۴۱ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

ویژگیها و تکالیف

شکر امام

امام شناس، باید همه مراحل شکر را در مقابل ولی نعمت خویش به جا آورد. در مرحله اول، شکر قلبی نعمت امام (ع) یاری ایشان به قلب است. انسان شاکر باید بررسی کند که چگونه می تواند قلب امام خود را یاری کند. مسلماً در این مرحله، ابتدا معرفت صحیح ایشان به اسم و وصف و سپس محبت قلبی مطرح می شود که خود مرتبه والایی از یاری امام است. در این مرحله تهذیب نفس از رذائل اعتقادی و اخلاقی، جایگاه ویژه و منحصر به فرد دارد. هر چه قلب انسان از آلودگی گناهان پاک تر شود، معرفتش به آن امام عزیز بالاتر می رود. در مرحله دوم، شکر زبانی این نعمت که برخاسته از معرفت و محبت قلبی است، می تواند به وسیله یاری زبانی حضرت صورت پذیرد. یاد کردن ایشان به زبان، تبلیغ دین و معرفی امام به زبان، از مصادیق یاری زبانی این نعمت است. در مرحله سوم، شکر عملی نعمت مطرح می شود. بهره برداری صحیح از نعمت امام وقتی صورت می پذیرد که انسان با عمل خویش، در مسیر بندگی پروردگار قرار گرفته و دیگران را نیز به این مسیر هدایت کند و بدین وسیله به یاری امام عصر (ع) بشتابد. پاک نگه داشتن همة اعضا و جوارح از گناهان خاص خود، نقش اساسی در این مرحله از شکر نعمت امام دارد. اگر انسان در هر سه مرحله قلبی، زبانی و عملی امامش را یاری کند، می تواند امیدوار باشد که از منتظران حقیقی مولا است. (۱) ۱. آفتاب، و غربت سید محمد بنی هاشمی ص ۳۲۹.

مجالس حضرت

حضور یافتن و نشستن در مجالس که فضایل و مناقب حضرت مهدی (ع) و آن چه مربوط به او است در آن ها یاد می شود ، از تکالیف بندگان در عصر غیبت است . پیامبر (ص) فرمود : " در باغ های بهشت بگردید . عرضه داشتند : ای رسول خدا باغ های بهشت چیست ؟ فرمود : " مجالس ذکر ... (۱) . از امام رضا (ع) نیز روایت شده که " هر کس در مجلسی بنشیند که امر ما در آن زنده می گردد ، دلش نخواهد مرد ، روزی که دل ها می میرند (۲) نیز برپا نمودن مجالسی که مولایمان صاحب الزمان (ع) در آن ها یاد شود و فضائل آن حضرت در آن ها ترویج و منتشر گردد و در آن مجالس برای آن جناب دعا شود ، از تکالیف عصر غیبت است که این کار ، در حقیقت ترویج دین خدا و نصرت ولی الله است (۳) . ۱ . مکیال المکارم ج ۲ ص ۲۳۸ . ۲ . بحار الانوار ج ۴۴ ، ص ۲۷۸ . ۳ . مکیال المکارم ج ۲ ص ۲۴۱ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

محبت حضرت

محبت امام زمان (ع) ، که همان محبت خدا می باشد مَنْ آحبکم فقد احب الله (۱) هم جنبه موضوعیت دارد ، هم جنبه طریقت . محبت و عشق به آن بزرگوار موضوعیت دارد ، یعنی نفس و ذات این محبت و اظهار عشق و نیاز به آن محبوب ، مطلوب و ممدوح حضرت حق است . چنانکه در احادیث و روایات ائمه معصومین (ع) ، از طریق عامه و خاصه بر آن تاکید شده است . زَمَحْشَری در تفسیر آیه : قُلْ لَا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۲) این حدیث را نقل می کند : رسول خدا (ص) فرمود : هر که با دوستی آل محمد بمیرد ، شهید مرده است ؟ بخشوده از عذاب مرده است . هر که با دوستی آل محمد بمیرد ، فرشته مرگ او را بشارت می دهد و سپس منکر و نکیر نیز او را به بهشت بشارت می دهند . هر که با دوستی آل محمد بمیرد او را معزز و محبوب به سوی بهشت می برند . آنگونه که عروس را معزز و محبوب به خانه داماد می برند . هر که با دوستی آل محمد بمیرد ، خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می دهد . هر که با دشمنی آل محمد بمیرد ، روز قیامت در حالی وارد می شود که بر پیشانی او نوشته است : مأیوس از رحمت خدا هر که با دشمنی آل محمد بمیرد ، کافر مرده است . هر که با دشمنی آل محمد بمیرد ، بوی بهشت را استشمام نمی کند . (۳) از روایت فوق و ده ها روایت دیگر چنین برداشت می شود که نفس محبت اهل بیت (ع) ، دارای ارزش و اعتبار فوق العاده می باشد . تا آن جا که در برخی از روایات آمده است که از همه عبادت ها بالاتر است . چنانکه در روایتی از امام صادق (ع) می خوانیم : بالاتر از هر عبادتی ، عبادتی است ، و محبت اهل بیت (ع) برترین عبادت هاست . (۴) و اما محبت امام زمان طریقت دارد ؟ وقتی فردی محب یک انسان کامل مانند حضرت ولی عصر (ع) می شود ، طبیعی است که لازمه اش تبعیت محب " از محبوب و نتیجتاً متصف گشتن محب به صفات " محبوب " است . چنانکه اهل معرفت می گویند : تأثیر نیروی " محبت " در پیراستن جان از رذائل ، و آراستن آن به فضایل ، از قبیل تأثیر مواد شیمیایی بر روی فلزات است که همچون اکسیری دفعتاً فلزی را مبدل به فلز دیگر می سازد . و یا مانند سیم برقی که از وجود محبوب " به " محب " اتصال می یابد و یک جا و با سرعت ، تمام صفات " محبوب " را به محب " انتقال می دهد . بنابراین اگر دیدیم مدعی محبت به کسی ، عاری از صفات محبوب ، بلکه متصف به صفات ضد صفات اوست ، طبیعی است که در صدق ادعای وی دچار تردید شویم و احیاناً تکذیبش کنیم . چنانکه در روایتی که شیخ کلینی ، به اسناد خود از امام صادق (ع) ، نقل می کند ، آمده است : ما اساس هر خوبی و خیری هستیم و هر چه نیکی است از فروغ ماست ... و دشمنان ما ، ریشه و اصل هر شر و بدی هستند . و هر چه پلیدی و زشتی است از شاخه های شجره خبیثه آن هاست . بنابراین دروغ گفته است کسی که پنداشته است که با ماست ، در حالی که او به گواهی اعمال زشتش وابسته به فروع غیر ماست از پیوند خوردگان به درخت نپاک دشمنان ماست (۵) این حدیث شریف ، هشداری به دوستان و منتظران حضرت ولی عصر (ع) می دهد که در اعمال خود بیاندیشند و بنگرند که رفتار و گفتارشان مشابهت با محصول کدامیک از آن دو درخت خبیث " و طیب " دارد . (۶) . ۱ . سوره شوری ، ۲۰۲۳ . قسمتی از زیارت جامعه کبیره ۳ .

بحار الانوار ج ۲۷ ص ۱۱۱ . ۴ . بحار الانوار ج ۲۷ ص ۵۰۹ . کافی ج ۸ ص ۲۴۳ . ۶ . نشریه موعود شماره ۱۱ و ۱۰ ص ۴۶

محبوب کردن حضرت

از تکالیف بندگان در عصر غیبت ، محبوب کردن حضرت مهدی (ع) در میان مردم است . به دلالت عقل ، هر کس محبتش واجب و نیکو است ، سزاوار است او را محبوب کنیم (۱) در روایتی آمده است : خداوند رحمت کند بنده ای که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشمنی و کینه توزی آنان قرار ندهد (۲) از امام صادق (ع) روایت شده که : خداوند رحمت کند بنده ای را که مودت مردم را به سوی ما می کشاند (۳) ۱ . مکلیال المکارم ج ۲ ص ۲۰۵ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی . ۲ . کافی ، ج ۸ ص ۳۰۲۲۹ . مجالس صدوق ص ۶۱ .

مربطه

مربطه این است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و نفوذ مشرکان و کافران ، در مرزهای کشور اسلامی و یا هر موضعی که از آن احتمال بروز حمله ای علیه مسلمانان می رود ، به حال آماده باش و در کمین به سر برد (۱) به تعبیری ، مرزداری است . این عمل در زمان غیبت امام معصوم (ع) مستحب بوده و فضیلت های بسیاری برای آن شمرده شده است . راوی می گوید : امام باقر (ع) به من فرمودند : منتهای زمان مرتبطه نزد شما چند روز است عرضه داشتم : چهل روز . حضرت فرمودند : ولی مرتبطه ما مرتبطه ای است که همیشه هست (۲) علامه مجلسی در شرح این فرمایش امام می فرماید : بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام برحق و انتظار فرج او ، ملتزم سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند . (۳) شیخ محمد حسن نجفی در کتاب جواهر الکلام در شرح این روایت می نویسد : مرتبطه در این روایت به معنای انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است ؟ هم چنان که در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است ، نه مرتبطه مصطلح در فقه . (۴) مرتبطه سه قسم دارد : ۱ نگهداشتن سلاح و اسب و مانند این ها ، در انتظار ظهور امام زمان (ع) و به امید یاری دادن ایشان در زمان ظهور است . این عمل از مستحبات دینی است . ۲ . همان مرتبطه مصطلح در کتاب جهاد است که تعریف آن در آغاز بحث آمده است . کمترین زمان این مرتبطه سه روز و بیشترین آن چهل روز است . این مرتبطه نیز چه در زمان ظهور و چه غیبت ، مستحب است . ۳ این است که مؤمن با امام زمان خود مرتبطه داشته باشد ، یعنی خود را به رشته ولایت او ببندد و مرتبط سازد . امام صادق (ع) فرمودند : بر معصیت ها صبر کنید و در شکیبایی و استقامت در انجام واجبات بر یکدیگر پیشی بگیرید و با امامان خود مرتبطه داشته باشید (۵) رمز این که شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد ، شاید این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر زمان که اراده خداوند تعلق بگیرد ، ممکن است ظهور واقع شود . ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۹۰ . ۲ . غیبه طوسی ص ۲۴۰ ذیل آیه ۵۵ سوره نور ۳ . مراة العقول ، ج ۲۶ ص ۵۸۲ جواهر الکلام ج ۲۱ ص ۵۳ . بحار الانوار ج ۲۴ ص ۲۲۰ .

مراقبه

مراقبه به این معنا است که مؤمن در تمام اعمال و در هر سخن خود ، مراقب باشد و بداند که حضرت مهدی (ع) همه جا با اوست و هیچگاه او را فراموش نمی نماید زیرا حضرت فرموده است " : همانا بر احوال و اخبار شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده نیست (۱) و نیز فرموده " : ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را فراموش نکردیم (۲) مراقبه ، یکی از وظایف انسان منتظر در دوران غیبت است . براساس روایات ، اعمال شیعه بر امام زمان (ع) عرف می شود ، به ویژه در

روزهای دوشنبه، پنج‌شنبه (۳) در این صورت بر شیعه لازم است، مراقب باشد و عملی را مرتکب نشود که حین عرضه اعمال، باعث شرمندگی او نزد امام (ع) شده و آن وجود نازنین را برنجاند ۱. احتجاج ص ۴۹۷ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۴ ۲. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۴ ۳. نجم الثاقب باب یازدهم بصائر الدرجات ص ۴۲۶

منتظر

امت اسلامی در برخی روایات به عنوان امت "منتظر" نامیده شده است؟ چون همیشه آن‌ها در انتظار مهدی موعود (ع) به سر می‌برند. امام صادق (ع) به ابو بصیر در ضمن روایتی در این باره می‌فرماید: ای ابوبصیر خوشا به حال شیعیان و پیروان قائم ما اهل بیت؟ چون آن‌ها در زمان غیبت او منتظر ظهور او هستند و وقتی آن حضرت ظهور نمایند، در زمان ظهورش مطیع و فرمانبردار او خواهند بود. آنان اولیای خدایند و هیچ ترس و اندوهی بر آن‌ها وجود ندارد (۱) در بسیاری دیگر از روایات و تعبیر دعاها، از خود امام زمان (ع) با لقب "منتظر" یاد شده است. (۲) به عنوان مثال در دعای روز عید فطر عبارتی به این صورت به چشم می‌خورد: اللهم، صل علی ولیک المنتظر امرک المنتظر لفرج اولیائک ۰۰۰ بار خدایا بر ولی خودت درود فرست؟ آن ولی که منتظر فرمان توست و همواره در آرزوی گشایش کار دوستان تو در حال انتظار به سر می‌برد. (۳) بر این اساسی چون امام منتظر مانند مردم، خود نیز در انتظار صدور اذن الهی به سر می‌برد تا قیام نموده و جهان گرفتار در بند و جور ستم‌مگران و ظالمان را از وضع نابسامانی که دارد رهایی بخشد و اهداف بلند انبیای الهی را، که همانا هدایت و کمال پیدا کردن مردم جهان است، محقق سازد، لذا به این جهت او را هم منتظر می‌نامند ۰ او انتظار می‌کشد تا لحظه ظهور فرا رسد و به این ترتیب دوران رنج و اندوه بشر پایان یابد و حاکمیت ارزش‌های الهی و فضیلت اخلاقی در سرتاسر عالم تحقق پیدا کند و از این رهگذر زمینه تعالی معنوی و رشد کمالات واقعی انسان فراهم شود. آن حضرت در برخی از دعاها عارفانه ای که از ایشان به یادگار مانده است، آرزوها و اهداف خود را بیان کرده و شوق و اشتیاق غیر قابل وصف خود را برای تحقق یافتن ظهور به نمایش گذاشته‌اند. در یک مورد آن حضرت می‌فرماید: پروردگارا بر محمد و آل محمد درود فرست و دوستان را با تحقق بخشیدن به وعده‌هایی که به آنان داده‌ای گرمی بدار و آنان را به آرزوهایی که داشته‌اند برسان؟ زیرا که مهلت حاکمیت ستمگران در نظر ما به پایان رسیده است و ما از آن چه که خشمگین هستی، خشمگینیم و همواره در یاری حق کوشاییم. ما به صدور فرمان تو مشتاقیم و چشم به راه تحقق وعده‌هایی که داده‌ای هستیم. ۰۰۰ خداوند به این قیام اذن صادرکن و راه‌های آن را هموار ساز و تحقق شایسته آن را آسان گردان. برنامه آن را به ما بیاموز و سپاهیان و یاوران این قیام را تأیید کن ۰ قدرت و توانایی‌ات را به ستمگران و زورگویان هر چه زودتر آشکار ساز و شمشیر انتقامت را به سر دشمنان کینه توز فرد آور. (۴) باز در جای دیگر می‌فرماید: ای نور روشنایی‌ها و ای تدبرکننده کارها... برای من و پیروانم در سختی‌ها گشایشی قرار بده و از غم‌ها و اندوه‌ها راه نجاتی فراهم ساز. ۰۰۰ خداوند وعده‌هایی که به من داده‌ای تحقق بخش. ۰ و فرج مرا زودتر برسان و به قدرت و نصرتت فتح بزرگ را نصیب گردان. (۵) نتیجه آنکه: از دید روایات در جامعه اسلامی عصر غیبت، هم امام و هم امت، هردو منتظرند. امت در انتظار امام خود است و می‌خواهد هر چه زودتر او از پس پرده غیب به در آید و راه نجات از نابسامانی‌ها را به انسان بیاموزد و امام نیز در حال انتظار به سر می‌برد، تا اجازه ظهورش فرا رسد، تا انقلاب حیات بخش خود را آغاز کند و به آرمان‌های انبیا و اولیاء که ستمگران مانع تحقق آن‌ها در طول تاریخ بشریت شده‌اند، جامعه عمل پوشانند. (۶) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۰ ۲. نجم الثاقب باب دوم ۳. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۸۱. بحار الانوار ج ۸۵ ص ۲۳۳. ۵. همان ۶. نشریه موعود شماره ۳۲، ص ۶۵.

در توسل به حضرت رسول (ص) و ائمه معصومین (ع)، به وسیله نماز و هدیه کردن نماز خود به آنان، ایام هفته را به هر امامی تقسیم کرده اند. برای روز جمعه، هشت رکعت ذکر کرده اند؟ چهار رکعت برای رسول خدا (ص) و چهار رکعت برای حضرت حجت (ع). در روایتی آمده است: کسی که ثواب نماز خود را چه فریضه، چه نافله برای رسول خدا و امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او هدیه کند، خداوند ثواب نمازش را دو برابر می کند و هنگام جدایی روح از بدنش، او را به خاطر چنین هدیه ای بشارت می دهند. بهتر آن است که در این نمازها، تسبیح رکوع و سجود را سه مرتبه بگوید و پس از آن بگوید: "و صلی الله علی محمد و آله الطین الطاهرین و بعد از هر دو رکعت بگوید: "اللهم انت السلام و منک السلام و الیک يعود السلام حینا ربنا منک بالسلام اللهم ان هذه الركعات هدیة منی الی فلان کن فلان و نام آن حجت را ببرد که هدیه برای اوست صل علی محمد و آل محمد و بلغه ایاها واعطنی افضل املی و رجائی فیک و فی رسولک صلواتک علیه و آله و فیه. آن گاه دعا کند، هر چه را که خواست. (۱) ۱. نجم الثاقب باب هفتم.

وظایف منتظران

در باره وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت، سخن های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی کتاب ها از جمله کتاب "مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم تا هشتاد وظیفه برای منتظران حضرت مهدی (ع) برشمرده شده است. (۱) ما در این جا به تعدادی از مهم ترین این وظایف اشاره می کنیم: ۱. شناخت حجت خدا و امام عصر (ع) نخستین وظیفه منتظران، کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع تا بدان درجه از اهمیت است که در روایات بسیاری که به طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده آمده است: هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است (۲) توجه به مفاد دعاهایی که خواندن آن ها در عصر غیبت تاکید شده است، نیز ما را به اهمیت موضوع شناخت حجت خدا رهنمون می سازد: "خدایا خودت را به من بشناسان، که اگر خودت را به من نشناسانی، پیغمبرت را نخواهم شناخت، بار الها پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت خدایا حجت خود را به من بشناسان که اگر حجت را به من نشناسانی، از دینم گمراه می گردم (۳) ۲. پیراستگی از بدیها و آراستگی به خوبی ها: امام صادق (ع) می فرماید: "هر کس دوست دارد از یاران قائم (ع) باشد، باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید (۴) امام زمان (ع) نیز می فرماید: "هر یک از شما باید آن چه را که موجب دوستی ما می شود، پیشه خود سازد و از هر آن چه موجب خشم ما می گردد، دوری گزیند (۵) در توقیعی که از ناحیه مقدسه به مرحوم شیخ مفید صادر گردیده اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان حضرت سر می زند، یکی از اسباب و یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از دیدار آن حضرت شمرده شده است. (۶) ۳. پیوند با مقام ولایت: حفظ و تقویت پیوند قلبی با حضرت و تجدید دائمی عهد و پیمان با آن حضرت در روایتی از امام باقر (ع) می خوانیم: ۱. بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنان پایداری کنید و- پیوند خود را با امام منتظران مستحکم نمایید (۷) اگر شیعه منتظر، در آغاز هر روز با حضور و توجه، عهد و پیمانی را با مقتدای خود تجدید نماید، هرگز به رکود، ذلت، ظلم و بی عدالتی تن نخواهد داد. در همان توقیع حضرت به شیخ مفید آمده است، اگر شیعیان ما... در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شد، یک دل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی افتد ۴. کسب آمادگی برای ظهور: از امام صادق (ع) روایت است که فرمودند: هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم (ع) سلاحی مهیا کند؟ هر چند یک تیر باشد. خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک نماید... ۶ در روایت دیگری از امام موسی کاظم (ع) نقل شده که: هر کس

اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزی اش را فراخ می گرداند (۸) رمز این که شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد، این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست البته نحوه آمادگی بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی روایات سخن آماده کردن اسب "تیر و شمشیر به میان آمده، ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آمادگی برای یاری آن حضرت است ۵۰. ارتباط با فقها و مراجع تقلید : ائمه (ع) تکلیف ما را در زمان غیبت امام و عدم دسترسی به امام معصوم (ع) مشخص کرده و به ما امر فرموده اند که به فقهای جامع الشرایط مراجعه کنیم. (۹) امام عصر (ع) نیز در یکی از توقیعات خود در پاسخ "اسحاق بن یعقوب" می فرماید: "و اما رویدادهای که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آن ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان (۱۰) ۶. دعا برای تعجیل فرج: امام عصر (ع) فرمود: "برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید که فرج شما همان است (۱۱) ۷. بزرگداشت نام و یاد مهدی (ع) (۱۲) ۱. مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۰۴. ۲. بحارالانوار ج ۸ ص ۳۶۸ ینابیع الموده ج ۲ ص ۳۷۲. ۳. کمال الدین ج ۲ ص ۵۱۲. ۴. غیبه نعمانی، ص ۲۰۰. ۵. بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۱۷۶. ۶. بحارالانوار، ج ۵۳ ص ۱۷۸. ۷. غیبه نعمانی ص ۱۹۹. ۸. غیبه نعمانی، ص ۳۲۱. ۹. وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۹۵. ۱۰. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۳. ۱۱. غیبه طوسی، ص ۱۷۶. ۱۲. برترین های فرهنگ مهدویت، و مطبوعات ص ۸۴.

یادکرد حضرت

از وظائف مؤمن منتظر، یادکردن امام عصر (ع)، در همه زمان ها و مکان ها- در حد مقدور- است؟ به ویژه در روزها و ساعات مخصوص آن حضرت مانند: روز جمعه، نیمه شعبان، شب های قدر و پس از نمازهای یومیه. بهترین صورت یاد حضرت، آن صورتی است که دل و روح مؤمن در تسخیر یاد آن حضرت باشد. یاد و ذکر آن حضرت در هر حال و در هر صورتی، ذکر و یاد خداوند متعال است (۱) زمان هایی که نسبت به یاد حضرت مهدی (ع) در آن ها تاکید بیشتری شده است: شب و روز نیمه شعبان، شب های قدر، شب و روز عاشورا، شب و روز جمعه، روز نوروز، عصرهای روز دوشنبه و پنجشنبه، هنگام خواب، ثلث آخر شب که آن حضرت مشغول تهجد است، هنگام طلوع فجر، پس از نماز صبح، اول ظهر، پس از نماز ظهر، پس از نماز عصر، هنگام غروب آفتاب، روز عرفه، روزهای عید، میلاد معصومین (ع) و ایام شهادت آنان می باشد. و اما مکان های ویژه یاد آن حضرت عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد سهله، مسجد کوفه، مسجد جمکران، سرداب مقدس، مسجد زید، مسجد صمصعه، صحرای عرفات، مشاهد مشرفه معصومین (ع) (به ویژه کربلا. یاد و ذکر امام) (ع) با زیارت او، تقدیم سلام و درود بر او، دعا در حق ایشان، اهدای اعمال صالحه مثل صدقه دادن و نماز خواندن و هم چنین انجام نیابت از طرف ایشان در اعمال و عبادات به ویژه حج، تحقق می یابد (۲). البته نامگذاری فرزندان به اسامی و القاب حضرت و مادر بزرگوارشان، انتشار کتاب و نشریات مهدوی، برگزاری نمایشگاه ها و گفتمان ها، شب های شعر و مسابقات فرهنگی، تولید برنامه های تلویزیونی و رادیویی و گامی مثبت در یادکرد حضرت و اقدامی مهم در جهت گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در جامعه است ۱. کافی ج ۲، ص ۴۹۳. ۲. راه وصال، حسینی مطلق ص ۱۲۰.

یاری کردن حضرت

از وظایف مؤمنان، نصرت و یاری کردن آن حضرت می باشد که نصرت خداوند متعال است. یاری کردن امام عصر (ع)، این است که مؤمن نسبت به آن چه خواست آن حضرت است، اقدام نماید. نصرت در زمان غیبت به آن است که مؤمن خودسازی

کند و در حق آن حضرت و شیعیان او دعا نموده، مناقب و فضایل آن حضرت را بیان نماید. اما نصرت در زمان ظهور، با جهاد کردن در کنار امام (ع) و صبر بر سختی ها و بذل مال و جان به دست می آید (۱). دفاع از امام (ع) و صیانت از دین او و سنت رسول اکرم (ص) نوعی یاری کردن آن حضرت است. در وجود ولی عصر (ع) اموری جمع شده که هر کدام از آن ها موجب اهتمام ورزیدن در نصرت و یاری آن جناب است، زیرا که یاری نمودن او، یاری کردن مظلوم، و نصرت غریب " و یاری عالم، و کمک به ذی القربی، و نصرت ولی نعمت، و یاری نبودن واسطه نعمت و نصرت کسی است که خداوند او را یاری می کند، و نصرت کریم، شریف، طرید، خونخواه و مهجور است (۲). ۱. را وصال، حسینی مطلق ص ۱۲۵. ۲. مکیال المکارم ج ۲، ص ۳۱۹ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی.

استغاثه به حضرت مهدی

استغاثه به معنای فریادخواهی و فریادرسی خواستن است. استغاثه به حضرت صاحب الزمان (ع) این است که انسان، دو رکعت نماز یا حمد و هر سوره که می خواهد بگذارد، پس از آن رو به قبله زیر آسمان بایستد و بگوید: سلام الله الکامل التام الشامل العام و صلوات الدائمۃ و برکاته... سپس بخواند، هر چه را که می خواهد برآورده شود. بهتر آن است که در رکعت اول نماز استغاثه، بعد از حمد سوره " انا فتحنا " بخواند و در رکعت دوم " اذا جاء نصر الله (۱) در استغاثه، استغاثه کننده، ولی خدا را به درگاه خداوند وسیله قرار می دهد و می گوید: خدایا به جاه و منزلت ولایت، گره از کار من بگشا. این نوع استغاثه در حقیقت استغاثه به خداوند است نه به شخص دیگری. صورت دیگری از استغاثه آن است که استغاثه به خداوند است و به همراه آن، استغاثه به ولی خدا است که او را در برآمدن حاجت مورد نظر، دعا کند. هر دو نوع استغاثه، بدون اشکال و مورد تأیید همگان است. (۲) ۱. مفاتیح الجنان باب اول فصل هفتم. ۲. معارف و معاریف، ج ۲، ص ۱۵۱

فرزندان مهدوی

پیشنهادهای و راهکارهایی که برای پرورش فرزندان شایسته، شیفته و منتظر و خدمتگزار فراهم است: ۱. رعایت آداب شرعی درازدواج، انعقاد نطفه فرزند، تغذیه سالم و حلال و شرعی و آداب دوران جنین؟ ۲. خواندن اذان و دعا به هنگام تولد در گوش فرزند، و نصب ادعیه مناسب نزد کودک و تخت وی و انتخاب نام مناسب و اسلامی؟ ۳. ایجاد محیطی مذهبی و در شأن و حد و اندازه سن کودک در محیط منزل تا قبل از رفتن به مدرسه؟ ۴. شروع آموزش های مذهبی از زمانی که سخن می گوید، کلاً " م ها و جملات را درک می کند و مارا به عنوان پدر و مادر و معلم خویش می داند؟ ۵. همراه کردن و مهیا کردن او برای ادای فریضه نماز تهیه چادر نماز و سجاده کو دکان حتی اگر کلمات و جمله ها در اول کار غلط و نامفهوم باشد؟ ۶. همراه بردن به مساجد و اماکن مذهبی برای آشنایی با نماز جماعت، جمعه و... شناخت دعاهای مذهبی؟ ۷. آموزش دعاها با ترجمه و خصوصاً شأن و جایگاه دعاها و فلسفه خواندن آن ها؟ ۸. تهیه پاسخ های مناسب برای سؤالات متعدد کودک کان قبل از اینکه کودک با سؤالات بدون پاسخ بزرگ شود؟ ۹. سعی در تکمیل آگاهی و خواسته های مادی و معنوی وی براساس تعالیم مبانی اسلامی قبل از اینکه پاسخ های ناصحیحی از دیگران دریافت کند، ۱۰. همراه کردن وی در اعمال ماه محرم، بیان فلسفه قیام امام حسین (ع)، چگونگی شهادت وی و خاندانش، دلیل نیاز به زنده نگهداشتن فلسفه محرم و تبیین دلیل ریختن اشک در ماتم کربلا و کربلا " بیان ۱۱. همراه کردن کودک در اعمال ماه مبارک رمضان، و آشنایی با امام علی (ع) و فلسفه اعمال این ماه؟ ۱۲. آشنا نمودن با زندگی پیامبران الهی و خصوصاً اینکه چرا آخرین پیامبر، کاملترین و برترین آنان است؟ ۱۳. آشنا نمودن با زندگی

امامان و معصومین دین اسلام و آموزش زندگی نامه و فلسفه مبارزات هر کدام از آنان ۱۴. آموزش عمل به احکام اسلامی در کلیه شئون زندگی خویش در محیط منزل، مدرسه و جامعه؟ از جمله حجاب، رفتار و اخلاق اسلامی؟ ۱۵. تشویق، ایجاد انگیزه، آموزش و افزایش آگاهی های مذهبی با شرکت در مسابقه های مذهبی در خانواده، مدرسه و مراکز مذهبی؟ ۱۶. شرکت کردن در اعیاد و جشن های شادی مسلمین به عنوان الگوهای مناسب برگزاری جشن های سالم؟ ۱۷. مهم ترین آموزش زندگی وی باید آشنایی با نام حضرت مهدی (ع) باشد؟ ۱۸. نام مهدی (ع) به عنوان آخرین امام، پیشوا و کامل کننده دین خدا و تنها امید باقیمانده مسلمین پس از خداوند آموزش داده شود، ۱۹. به او آموزش دهیم چگونه شیفته حضور امامش باشد، فلسفه انتظار چیست و تا ظهور ایشان چه باید کرد؟ ۲۰. امیدواریم با آماده ساختن فرزندانمان برای حضور آقای خویش، بتوانند از جمله خادمین مولای خویش باشند و بتوانند گوشه ای از این برکت را به وجود ما پدران و مادران تسری بخشند و بتوانند همچنان که ما و پیشینیان ما تلاش و همت کردند در تولد و پرورش کودکان صالح و منتظر تلاش نمایند (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۳۲ ص ۵۱

عجله کنندگان

عجله نکردن و تسلیم بودن از تکالیف عصر غیبت است. راوی به امام صادق (ع) عرضه داشت: مرا از این امری که منتظرش هستم خبر ده که کی خواهد بود حضرت فرمود: "وقت گذاران دروغ می گویند و عجله کنندگان هلاک می گردند و تسلیم شدگان نجات می یابند (۱) امام صادق (ع) درباره آیه اتی امر الله فلا تستعجلوا فرمود: آن امر ماست. خدای عز و جل امر فرموده که در آن تعجیل نشود) تا اینکه سه لشکر آن را تایید کنند: فرشتگان، مؤمنان و رعب (۲) در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است که: "درباره امری پیش از رسیدن وقتش شتاب مکنید که پشیمان خواهید شد و مدت را طولانی بشمارید که دل هایتان را قساوت می گیرد". گاهی عجله کردن در این امر، و از دست دادن صبر و تحمل سبب می شود که شخص از افراد گمراه کننده و ملحدی پیروی کند، که ادعای ظهور می نمایند. و چه بسا می شود که شتاب کردن در امری، سبب مایوس شدن از وقوع آن می گردد که نتیجه چنین عجله ای، تکذیب کردن پیغمبر و امامان (ع) خواهد بود که اخبار متواتر و روایات بسیاری از آنان رسیده، مبنی بر اینکه آن حکومت الهی واقع خواهد شد. احياناً شتابزدگی در این امر، مایه انکار کردن حضرت صاحب الزمان (ع) شده و یا حداقل آدمی را به شک و تردید می اندازد. حاصل این که عجله ای که از آن مذمت شده، ضد صبر و تسلیم است. شتابزدگی به معنای رها کردن تسلیم و زود خواستن چیزی، پیش از رسیدن وقتش است که این مایه پشیمانی است، ولی درخواست تعجیل فرج از خداوند، اقرار به بندگی و اعتراف به قدرت و اراده الهی و باور به عجز و ناتوانی خود و نداشتن چاره است (۳) - ۱. اصول کافی ج ۱، ص ۳۶۸. ۲. غیبه نعمانی ص ۱۰۴. ۳. مکلیال المکارم، ج ۲ ص ۲۷۲ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

تقیه

تقیه به معنای خطرپرهیزی و مخفی کردن عقیده و باور خود برای حفظ جان، مال، ناموس یا دین است. برخی از روایات، به طور عموم و بعضی دیگر در دوره غیبت، شیعیان را به تقیه دعوت می کنند. امام رضا (ع) می فرماید: "کسی که از گناهان پرهیز ندارد، دین ندارد. همچنین کسی که از تقیه استفاده نمی کند، ایمان ندارد. گرامی ترین شما در نزد خداوند، داناترین شما به تقیه است. گفته شد: ای پسر رسول خدا (ص) تقیه تا چه زمانی لازم است؟ فرمود: تا قیام قائم. هر آن که پیش از خروج قائم، تقیه را ترک کند، از ما نیست (۱). روایت دیگری نیز مفضل از امام صادق (ع) نقل کرده است و در آن روایت نیز امام، رفع تقیه را بستگی به قیام قائم (ع) می داند. (۲) برخی با استناد به این روایات، گفته اند که دخالت در سیاست و مخالفت با

حکومت های ستم پیشه ، خلاف تقیه است . در این که در مبارزه با دشمن لازم است از تقیه و اصول مخفی کاری استفاده کرد ، تردیدی نیست و اما به نام تقیه ، مسؤولیت های اجتماعی را کنار گذاشتن و تا ظهور امام زمان (ع) در سنگر تقیه ماندن ، چیزی نیست که اسلام آن را تاکید کند . اسلام ، اجازه داده در جایی که جان ، مال و یا ناموس انسان در خطر است و اظهار حق ، هیچ گونه نتیجه ای ندارد ، از آن تا آماده شدن شرایط خودداری کند و وظیفه خود را پنهانی انجام دهد . بنابراین تقیه ، گاه لازم است زیرا باعث حفظ جان و یا حفظ دین است و اما گاهی تقیه و سکوت ، باعث نابودی دین و انحراف جامعه اسلامی است . پس روایات تقیه ، درصدد بازداشتن از جهاد ، یا امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با ستم نیستند ، بلکه به انسان مسلمان گوشزد می کنند : در حالی که به وظایف خود عمل می کند ، در صورت امکان ، جان و مال خود و دیگران مسلمانان را حفظ کند . امام صادق (ع) خطاب به ابو حمزه ثمالی ، در رابطه با معنای تحریف شده تقیه " که چیزی جز فرار از مسؤولیت و رفاه طلبی نیست ، می فرماید : " به خدا سوگند ، اگر ما شما را به یاری خود علیه حکومت های ستم فرا خوانیم ، رد می کنید و به تقیه ، تمسک می جوئید . تقیه در نزد شما ، از پدران و مادرانتان دوست داشتنی تر است . اگر قائم قیام کند ، نیاز به پرسش از شما ندارد و درباره بسیاری از شما که نفاق پیشه کرده اید ، حد الهی را جاری خواهد کرد . (۳) امام (ع) هشدار می دهد که این گونه از تقیه برداشت کردن ، نشانه نفاق است و هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور کند ، با این که این عده ادعای شیعه بودن را دارند ، به عنوان منافق با آنان برخورد خواهد کرد . افزون بر این ما ، روایاتی نیز نقل شده که در آن ، بسیاری از قیام های علویان و غیر آنان مورد تأیید ائمه (ع) قرار گرفته است ، مانند : قیام زید ، قیام حسین بن علی شهید فخر ، قیام مختار ، قیام توایین و (۴) ۱ . وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۴۶۶ . همان ص ۴۶۷ . ۳ . وسائل الشیعه ج ۱۱ ، ص ۴۸۳ . ۴ . چشم به راه مهدی ص ۱۳۶ .

تکریم اماکن منسوب به حضرت

در روایات ، بزرگداشت و تکریم اماکنی که به قدوم آن حضرت زینت یافته اند ، از تکالیف عصر غیبت یاد شده است . مانند : مسجد سهله ، مسجد اعظم کوفه ، سرداب ، مسجد جمکران . و نیز مواضعی که بعضی از صلحا ، حضرت را در آن مکان ها دیده اند ، یا در روایات آمده که آن جناب در آن جا توقف دارند مانند : مسجد الحرام . (۹) ۱ . مکیال المکارم ج ۲ ص ۴۵۴ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

دست بر سر گذاشتن

از جا برخاستن و دست بر سر گذاشتن ، هنگام شنیدن نام حضرت مهدی (ع) مخصوصاً لقب " قائم " ، برای احترام به امام زمان (ع) است . چنان که امام رضا (ع) وقتی که در مجلسی در محضر او نام حضرت قائم (ع) بردند ، حضرت به احترام امام مهدی (ع) دست بر سر گذاشته و از جا برخاست . (۱) این امر ریشه مذهبی دارد و فعل امام معصوم سندی است بر این وظیفه . البته این کار واجب نیست و صرفاً اظهار ادب به پیشگاه حضرت است . ۱ . الزام الناصب ، ج ۱ ص ۲۷۱ .

توسل به حضرت

برای توسل به حضرت مهدی (ع) روایات بسیاری آمده است . در روایتی آمده است : هرگاه شمشیر به محل ذبح تو رسید ، چنین استغاثه کن که او فریادرس است و تو را درمی یابد " : یا مولای یا صاحب الزمان (انا مستغیث بک . " و به روایت دیگری آمده است که بگو " : یا صاحب الزمان غثی یا صاحب الزمان ادرکنی . " در روایتی ، دعای توسل به امام زمان (ع) چنین آمده است :

"اللهم انی اسئلك بحق ولیك و حجتك صاحب الزمان الا- اعتنی به علی جمیع اموری و کفینی به موءنه کل مود و طاغ و باغ و اعتنی به فقد بلغ مجهودی و کفیتنی کل عدو و هم و غم و دین و ولدی و جمیع اهلی و اخوانی و من یعیننی امره و خلاصتی امین رب العالمین" (۱) امام صادق (ع) در توسل به امام زمان (ع) فرمود: هرگاه در راه گم شدی، چنین ندا کن، "یا ابا صالح ارشدنا الی الطریق رحمکم الله (۲) ۱۰. بحار الانوار ج ۹۴، ص ۳۵. ۲. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۷۶.

حج کردن به نیابت حضرت

یکی از اعمال شایسته، حج کردن و حجه دادن به نیابت امام عصر (ع) است که این کار در میان شیعیان قدیم مرسوم بوده. قطب راوندی در کتاب خراج "روایت کرده، ابو محمد دعلجی، دو پسر داشت که یکی از آنان اهل فسق بود. فردی به ابو محمد، مالی داد تا به نیابت حضرت مهدی (ع) حج کند. وی مقداری از آن مال را به پسر فاسقش بخشید و او را با خود برد تا برای حضرت حج نماید. وقتی از حج برگشت نقل کرد که: در عرفات، جوان گندم گون و نیکو سیرتی را دیدم که مشغول تضرع و دعا بود. وقتی به او نزدیک شدم به من فرمود: "ای شیخ آیا حیا نمی کنی گفتم" ای سید من از چه چیز؟ فرمود: به تو حجه می دهند و تو آن را به فاسقی می دهی که خمر می آشامد. به زودی این چشم تو کور می شود (۱). پس از بازگشتن، چهل روز نگذشت که از همان چشم که به او اشاره شده بود، جراحتی بیرون آمد و کور شد (۲) البته طواف بیت الله الحرام به نیابت از امام (ع) و فرستادن نایب تا از طرف آن حضرت طواف نماید نیز مستحب است. همچنین زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه معصومین (ع) به نیابت از حضرت صاحب الزمان (ع) وارد شده است (۳) ۱. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۵۸ و ۵۹. ۲. نجم الثاقب باب دهم. ۳. مکیال المکارم، ج ۲ ص ۳۰۳ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی

خدمت به حضرت

از وظایف مؤمنان، خدمت به امام زمان (ع) است. ملائکه و انبیاء خدمت به آن حضرت را افتخار خود می دانند و پیامبر بزرگی همچون خضر (ع) در خدمت ایشان هستند. امام صادق (ع) نیز می فرمایند: اگر او را درک می کردم، در تمام دوران زندگی ام به او خدمت می نمودم. (۱) خدمت به حضرت مهدی (ع) از راه خدمت به دوستان، پیروان و شیعیان او به دست می آید. رفع حوائج و دفع مشکلات و حل و فصل امور آن ها در حقیقت خدمت به آن حضرت است. هم چنین برپایی محافل و مجالس ذکر، تألیف یا نشر کتب مهدوی، بنای حوزه های علمی و... خدمت به آن بزرگوار به حساب می آید. مصادیق خدمت به امام (ع) بسیارند که باید با قصد و نیت خدمت به آن حضرت انجام گیرند. ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۸.

دعا برای فرج

دعا برای فرج امام زمان (ع) نه تنها منافاتی با حکمت های غیبت ندارد بلکه خود می تواند از زمره همین حکمت ها به شمار آید دعا برای فرج امام زمان (ع) به عنوان یک وظیفه و تکلیف در عصر غیبت، در روایات بسیاری مورد تاکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) و برخی از امامان بزرگوار (ع) به چنین دعاکردنی امر فرموده اند و حضرت ولی عصر (ع) نیز نه تنها شیعیان خود را به دعاکردن برای تعجیل فرج فرمان داده اند، بلکه کثرت دعا را از آنان خواسته اند. (۱) به راستی وقتی امام زمان (ع) می فرماید: برای نزدیک شدن فرج بسیار دعا کنید. "آیا می توان آن را بی خاصیت خواند در تعبیر زیبایی از ناحیه امام زمان (ع) که در ذیل فرمان برای تعجیل فرج وارد شده، کثرت دعا به خودی خود فرج و گشایش شیعیان به شمار آمده است: اکثر و الدعاء

الفرج فان ذلک فرجکم . (۲) این فرمان نشان می دهد که خواسته های شیعه چشم انتظار فرج ، دسایه دعا برای فرج " قابل دسترسی است آن چه را که او در پی ظهور امام زمان (ع) می تواند بیابد ، توسط دعا های خویش نیز می تواند به دست آورد به عبارت دیگر امنیت ایمان ، رشد اندیشه ، آرامش روحی ، کمالات معنوی و بهره های بی پایان دوران پس از ظهور را به عنایت الهی می تواند در همین دوره غیبت با اتکا به " دعا برای ظهور " کسب نماید و این امر با توجه به قدرت و مشیت خداوند قابل انکار نیست ، زیرا او خود فرمود : قل ما یعبا بکم ربی لو دعاوکم ، (۳) ؟ بگو اگر دعای شما نباشد ، پروردگار من به شما عنایتی نمی فرماید . با توجه به دلالت همین آیه شریفه است که می توان گفت : عنایت و رحمت و فضل خداوند که نامحدود و بی انتها نیز می تواند باشد ، به مدد دعا و خواستن از او دست یافتنی است اگر چه دوران غیبت حضرت مهدی (ع) باشد در برخی روایات ، دعا برای فرج وسیله ای برای نجات از هلاکت به شمار آمده است ، چنانکه حضرت امام حسن عسکری (ع) می فرماید : به خدا فرزندم مهدی را غیبتی است که در آن هیچ کس از هلاکت نجات نمی یابد ، مگر کسی که خدای عزوجل او را بر اعتقاد نسبت به امامتش ثابت قدم بدارد " و او را نسبت به دعا برای تعجیل فرجش توفیق عنایت فرماید . (۴) بی تردید شرایط سخت دروان غیبت به گونه ای است که جز با اعتقاد محکم نسبت به امامت حضرت مهدی (ع) نمی توان بر اطاعت و تبعیت او باقی ماند و جز با دعا برای نزدیکی فرج نمی توان روح امید را در دل زنده نگه داشت و در برابر دشواری های غیبت مقاومت نمود . از دیدگاه قرآن و روایات دعا ، پشتمانه ای برای زندگی و عاملی برای حرکت و پویایی در مسیر خواسته های الهی ، و وسیله ای برای هم جهت ساختن نیازها و خواسته های بشری با اراده و مشیت خداوند است . با چنین نگرشی ، دعا برای فرج ، خود نوعی تلاش در راستای موانع ظهور به شمار می رود و دعا کننده منتظر با شناختی که از حکمت های غیبت دارد ، به نوعی خودش را در مسیر از بین بردن عوامل طولانی شدن آن ، به تکاپو و می دارد . دعا کننده برای فرج چون می داند که یکی از عوامل غیبت آماده نبودن شرایط برای حکومت جهانی آن بزرگوار است ، می کوشد تا در حد توان خویش در ایجاد چنین زمینه ای مؤثر باشد و زمانی که تحقق آن را از عهده خویش و امثال خویش خارج می یابد ، به رحمت و وسعۀ خداوند امیدوار می ماند . و چنین است عکس العمل او در برابر خوف امام زمان (ع) ، از کشته شدن که به عنوان عملی دیگر در پیدایش و استمرار غیبت به شمار می آید . دعا کننده برای فرج تا آن جا که می تواند با شناساندن امام زمان (ع) ، و ایجاد محبویت نسبت به او و برانگیزاندن شوق نسبت به قیام و جلوه های ظهور آن بزرگوار در بین مردم ، می کوشد تا به میزان توانایی خود این عامل را کم تأثیر سازد ، چنانکه نسبت به هر عامل دیگر نیز چنین جهت گیری و تلاشی در مورد او صادق است و این خود والا-ترین و تعیین کننده ترین خاصیت برای دعا فرج است . تأثیر دعا در تغییر دادن تقدیرات و قضای الهی غیر قابل انکار است ، چنانکه در روایات پیامبر اکرم (ص) آمده است : زیاد دعا کن ، زیرا دعا قضای الهی را باز می گرداند . (۵) دعا بلا " ی الهی را برمی گرداند . (۶) تقدیر الهی را چیزی جز دعا تغییر نمی دهد . (۷) با توجه به چنین روایاتی ، شیعه منتظر درعین تسلیم به خواست خدا ، با دعای خویش نسبت به تعجیل فرج ، از آفریدگار خویش می خواهد که در تقدیر و قضای خویش نسبت به ظهور آن عدالت موعود تغییری ایجاد فرماید و به لطف و عنایت خود بلای غیبت امام زمان (ع) را مرتفع گرداند . (۸) کثرت دعا برای فرج امام عصر (ع) ، حداقل این آثار را دارد : الف زدودن غفلت و بی توجهی نسبت به ظهور امام (ع) ب دور ماندن از آثار و عواقب این بی توجهی و غفلت ج انس با مسأله ظهور و فرج امام عصر (ع) انس و عادت نسبت به ذکر و باد خود آن حضرت و برخورداری از آثار و برکات آن (۵) آمادگی روحی برای درک ظهور و زیاد شدن علاقه و محبت انسان به مولا و امام زمانش ؟ آمادگی برای گام برداشتن عملی در راه بندگی حضرت حق و تقرب به سوی او و ولی اعظم او . ۱ . کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۸۵ . همان . ۳ . سوره فرقان ۴۷۷ . کمال الدین ج ۲ ، ص ۵۰۳۸۴ . نهج الفصاحه ص ۸۴ حدیث ۴۴۶ . ۶ . همان ص ۳۳۲ حدیث ۱۵۹۰ . ۷ . همان ، ص ۱۲۴ حدیث ۶۲۴

دعا برای سلامتی حضرت

یکی از وظایف منتظران، دعا کردن برای سلامتی حضرت مهدی (ع) است. دعا کردن برای سلامتی حضرت آثار و برکات فراوانی دارد که عبارتند از: ۱. دعا نشانگر علاقه و محبت مسلمانان به ایشان است اگر چه دوستی تمام ائمه معصومین (ع) بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است، در عین حال دعا کردن در حق امام زمان (ع) موجب ازدیاد محبت آن حضرت در دل و در نتیجه موجب تقویت ایمان می گردد. ۲. دعا اظهار تجدید عهد و پیمان با آن حضرت است و محتوای پیمان با آن حضرت را دین داری، شریعت محوری و تصمیم قلبی بر اطاعت امر امام (ع) و یاری رساندن او با نثار جان و مال تشکیل می دهد. تجدید بیعت با آن حضرت (ع) کاری است که بعد از هر نماز از نمازهای پنجگانه یا در هر روز و یا در هر جمعه انجام آن مستحب است. هر روز بعد از نماز صبح، دعاهایی که مربوط به وجود مبارک امام عصر (ع) است خوانده شود، بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. دعای شریف اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جميع المؤمنين... و نیز "دعای عهد" شاهی برای این سخن است. ۳. دعا سبب زنده نگه داشتن یاد امام غایب در دل منتظران می گردد. یاد امام زمان (ع) توجه به ارزش های دین و اصول اخلاقی را در دل ها زنده می کند و غفلت از یاد امام، یکی از دلایل عمده پژمردگی و سستی ارزش های الهی و انسانی در جوامع اسلامی است. ۴. کسی که سلامتی امام زمانش برایش مهم است، مسلماً آرزو آن حضرت برایش سخت است؟ در نتیجه دعا برای سلامتی آن حضرت، انسان را به انجام کارهایی وامی دارد که موجب خشنودی آن حضرت و در نتیجه سبب رسیدن به مقام رضوان الهی می گردد. ۵۰ دعا بسیار مؤثر است و موجب فرج آن حضرت و نیز فرج و گشایش در زندگی مؤمنان می شود. ۶. دعا موجب قرب الهی است. امام مهدی (ع) (در خصوص زیارت آل یس می فرمایند: "هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند و به ما توجه کنید، این زیارت را که از جانب خداوند انشا شده است، بخوانید. این زیارت که از جهات مختلف محتوایی عمیق دارد، بسیار مورد تکیه و سفارش قرار گرفته است. این زیارت از ابتدا تا انتها، دعا برای سلامتی، تندرستی و بهروزی امام زمان (ع) است. ۰ در دعای بعد از این زیارت نیز معانی بلندی نهفته است؟ مانند: خدایا او (امام زمان) ع (را از شر هر متجاوز و سرکشی و از شر همه خلق خود پناه ده و او را از حوادث یومیه، از پیش رو و از پشت سر و از طرف چپ، حفظ و نگه داری کن و از این که آسیب و گزند به او برسد، جلوگیری کن و در خصوص او، رسولت و خاندان رسولت را حفظ نما و به دست مبارکش عدل و داد را پدیدار نما" اللهم اعذه من شر کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقک و احفظه من بین یدیه و من خلقه و عن یمینه و عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء و احفظ فیہ رسولک و آل رسولک و اظهر به العدل... نیز دعا کردن برای سلامتی و فرج آن حضرت، اطاعت از امر خداوند و نیز اهل بیت پیامبر اکرم (ص) است؟ و هر که خدا و رسولش را اطاعت کند و خدا ترس و پرهیزکار باشد، چنین کسی به فوز و سعادت خواهد رسید. ("۱) آخرین نکته این است که هر چند طبق وعده الهی حضرت زنده و باقی هستند، تا زمانی که پرچم توحید و عدل را در همه جهان به اهتزاز در آورند، ولی بالاخره بشر هستند و در معرض آفات جسمانی و بلاهای طبیعی و ممکن است مریض شوند و دچار کسالت گردند و از این نظر دعای ما برای سلامتی حضرت و حفظ ایشان از این آفات و حوادث، بدون شک در سلامتی وجود آن عزیز عالم وجود و آخرین در صدف امامت و ولایت، مؤثر و مفید است و بهترین ادعیه برای سلامتی حضرت، دعای معروف "اللهم کن لولیک الفرج" ... است. ۱. نور ۵۲.

رقعه حاجت

رقعه به معنای مکتوب، نوشته و نامه است و رقعہ حاجت عریضه ای است که حاجتمند برای درخواست حاجت خود می نویسد.

سلام بر حضرت

سلام دادن به حضرت در هر هفته و هر روز، و هر مکان و زمان که ممکن باشد، به ویژه در ایام و اوقات و مکان هایی که خصوصیت ویژه ای با آن حضرت دارند، مثل روز و شب جمعه، شب های قدر، نیمه شعبان و مکان هایی هم چون مسجد سهله، مسجد کوفه و مسجد جمکران، از وظایف مؤمنان منتظر است. * مردی از امام صادق (ع) سؤال کرد که چگونه بر قائم (ع) سلام کنیم؟ فرمود: بگوئید: السلامُ علیک یا بقیة الله. " نیز در روایت است: وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور می کند، این آیه را تلاوت می کند: بقیة الله خیر لکم ان کنتم مومنین، (۱)، آنگاه می فرماید: "أنا بقیة الله * پس سلام نمی کند بر او سلام کننده ای، مگر آنکه می گوید: السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه (۲) سزاوار است که مؤمن، حضرت مهدی (ع) را هر روز زیارت کند و از آن غفلت نورزد و شایسته است زیارت و سلام به او، به وسیله زیارات و سلام های وارده از جانب اهل بیت (ع) باشد که در کتب روایی آمده است. * مانند زیارت آل یاسین که هر وقت می توان آن را خواند و مطلع آن این است: "سلام علی آل یس * السلام علیک یا داعی الله و... (۳) یا زیارت مخصوصه آن حضرت در روز جمعه که مطلع آن چنین است: "اسلامُ علیک یا حُجَّة الله فی ارضه. (۴) امام باقر (ع) فرمود: هر کس از شما قائم (ع) را درک کرد، هنگامی که او را دید باید بگوید السلامُ علیکم یا اهل بیت الرحمة والنبوة و معدن العلم و موضع رساله (۵) سلام بر شما ای خاندان رحمت و نبوت، سلام بر شما ای سرچشمه دانش و کانون رسالت. از این روایات استفاده می شود که به مردم اجازه داده نشده است که حضرت مهدی (ع) را به هنگام زیارت و سلام، به نام مبارک یا کنیه اش ندا دهند و بگویند "السلام علیک ایها المهدی" و این نشانگر تعظیم و تجلیل بر مقام والای اوست؟ (۶) همانگونه که خداوند در قرآن کریم "مسلمانان را نهی فرمود که پیامبرص) را به نام صدا بزنند: لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم، که دعاء بضمکم بعضا (۷) ۱. سوره هود ۲۸۶. نجم الثاقب، باب دوم. ۳. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۱؟ مفاتیح الجنان باب سوم، فصل دهم. ۴. بحار الانوار، ج ۱۰۲ ص ۲۱۵؟ مفاتیح الجنان، قبل از دعای صباح و کمیل. ۵. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۱، غیبه طوسی، ص ۲۸۲. ۶. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۶۵۳. ۷. سوره نور ۶۳

شکر امام

امام شناس، باید همه مراحل شکر را در مقابل ولی نعمت خویش به جا آورد. در مرحله اول، شکر قلبی نعمت امام (ع) یاری ایشان به قلب است. انسان شاکر باید بررسی کند که چگونه می تواند قلب امام خود را یاری کند * مسلماً در این مرحله، ابتدا معرفت صحیح ایشان به اسم و وصف و سپس محبت قلبی مطرح می شود که خود مرتبه والایی از یاری امام است. در این مرحله تهذیب نفس از رذائل اعتقادی و اخلاقی، جایگاه ویژه و منحصر به فرد دارد. هر چه قلب انسان از آلودگی گناهان پاک تر شود، معرفتش به آن امام عزیز بالاتر می رود. در مرحله دوم، شکر زبانی این نعمت که برخاسته از معرفت و محبت قلبی است، می تواند به وسیله یاری زبانی حضرت صورت پذیرد. یاد کردن ایشان به زبان، تبلیغ دین و معرفی امام به زبان، از مصادیق یاری زبانی این نعمت است. * در مرحله سوم، شکر عملی نعمت مطرح می شود. بهره برداری صحیح از نعمت امام وقتی صورت می پذیرد که انسان با عمل خویش، در مسیر بندگی پروردگار قرار گرفته و دیگران را نیز به این مسیر هدایت کند و بدین وسیله به یاری امام عصر (ع) بشتابد. پاک نگه داشتن همة اعضا و جوارح از گناهان خاص خود، نقش اساسی در این مرحله از شکر نعمت امام دارد. اگر انسان در هر سه مرحله قلبی، زبانی و عملی امامش را یاری کند، می تواند امیدوار باشد که از منتظران حقیقی مولا است. (۱) ۱. آفتاب، و غربت سید محمد بنی هاشمی ص ۳۲۹.

شوق دیدار

اظهار شوق و میل به دیدار آن حضرت و دعا برای دیدار او، وظیفه هر مؤمن منتظر است. در دعای ندبه می خوانیم: "بر من گران است که همه را بینم و تو را نبینم و از تو ندایی به گوشم نرسد. (۱) در دعای عهد که از امام صادق (ع) روایت شده است، می خوانیم: بار خدایا آن طلعت رشیده و آن چهره نازنین را به من نشان بده و دیده ام را به سرمه یک نگاه به او، روشن ساز. (۲) امام صادق (ع) نیز فرمود: (ع) هرگاه یکی از شما آرزوی دیدار قائم (ع) را داشته باشد، باید آرزو کند او را در عافیت دیدار نماید که همانا خداوند، محمد (ص) را به عنوان رحمت مبعوث کرد و قائم (ع) را برای عقوبت مبعوث می کند (۳) و نیز فرمود: هرکس پس از هر نماز واجب خود، این دعا را بخواند، همانا امام (م ح م د) فرزند حسن عسکری (ع) را در بیداری یا خواب خواهد دید. (۴) مطلع آن دعا این است: (۵) اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان اینما کان و حیثما کان. نیز در مکارم الاخلاق در فضیلت خواندن دعای اللهم ان رسولک الصادق المصدق "آمده است: هرکس این دعا را پس از هر نماز واجب بخواند و بر آن مواظبت نماید، به دیدار حضرت صاحب الامر (ع) مشرف خواهد شد. از این روایات استفاده می شود که درخواست تشرف به لقای آن حضرت امری پسندیده است، لذا شیوه صالحین از علماء و غیر علماء بر این بوده و هست که تشرف به دیدار آن حضرت را از قدیم الایام درخواست می کرده اند، به طوری که بعضی از آنان چهل شب جمعه در مسجد کوفه و یا چهل چهارشنبه در مسجد سهله بیتوته کرده و عبادت می نمودند تا به این فیض بزرگ نائل شوند. در نقطه مقابل شوق دیدار، مؤمن باید به جهت فراق و عدم دیدار آن حضرت "محزون باشد. فرازهایی از دعای ندبه، بر حزن و غم مؤمن در فراق آن حضرت گواهی می دهند: ۰هل من معین فاطیل معه العویل والبکاء؟، آیا یآوری هست آیا من هم ناله شود تا با او ناله و گریه را طولانی نمایم دعای ندبه در حقیقت، ندبه وزاری از جدایی و فراق حضرت مهدی (ع) است. ۱. مفاتیح الجنان دعای ندبه. ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۲ ص ۱۱۱. ۳. کافی ج ۸ ص ۲۳۳. ۴. بحار الانوار، ج ۸۶ ص ۶۱. ۵. مکارم الاخلاق، ص ۲۸۴.

صبر بر غیبت

خداوند، بندگان خود را در زمان غیبت ولی اش، با انواع محنت ها و بلاها امتحان می کند تا بد از خوب جدا شود و این سنت خداوند، در گذشتگان و آیندگان است؟ هم چنان که خدای تعالی فرموده: احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا وهم لا یفتنون (۱) آیا مردم چنین می پندارند به صرف این که گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و هیچ امتحان نمی گردند. صبر کردن در زمان غیبت امام زمان (ع) بر چند گونه است: ۱. صبر بر طول غیبت، به این که از شتابزدگانی که به سبب طولانی شدن غیبت دل های شان قساوت می گیرد نباشد، که شتابزدگان در مورد امام (ع) به تردید می افتند. ۲. صبر کردن مؤمن بر آن چه از آزار و استهزاء و تکذیب و مانند آن ها از مخالفین خود می بیند. ۳. صبر بر اقسام بلاها و محنت هایی که بر او وارد می شود، که بعضی از آن ها در آیه شریفه یاد گردیده که خدای تعالی می فرماید: ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و ۴. صبر بر آن چه از گرفتاری مؤمنین به دست معاندین و آزار مخالفین نسبت به ایشان می بیند، در صورتی که نتواند آن ها را خلاص کند و از ایشان دفاع نماید، که در این حال وظیفه او صبر و دعا کردن است. (۲) ۱. سوره عنکبوت ۲. ۲. مکیال المکارم ج ۲ ص ۴۱۹ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی *

صدقہ

آن چه در راه خدا با نیت دستیابی به ثواب و رضایت پروردگار داده می شود را گویند . صدقه به معنی وسیع آن شامل هر نوع کمک به مستحق و محتاج است ، اعم از مادی و معنوی . یکی از وظایف مؤمنان منتظر ، صدقه دادن برای سلامتی و حفظ وجود حضرت مهدی (ع) است . مقدار صدقه راندازه و کیفیت آن چندان مهم نیست ؟ آن چه مهم است ، خلوص نیت و دادن صدقه به اندازه توان مؤمن است . یکی از اعمالی که سید بن طاووس رحمه الله علیه ، به آن بسیار اهمیت می داده ، صدقه برای حفظ وجود مقدس امام زمان (ع) بوده است ، چون یکی از تکالیف زمان غیبت صدقه دادن است به آن چه میسر است برای حفظ وجود مبارک امام زمان (ع) . به طور کلی صدقه آثاری دارد . یکی این که صدقه نمایشگر صداقت ایمان مؤمن است که با انجام آن نشان می دهد تا چه حد در وادی ایمان و خداپرستی صادق است و از این طریق نیازمندی های مؤمنان رفع می گردد و رفاه عمومی به وجود می آید و همچنین صدقه یکی از عوامل سازندگی انسان نیز هست ؟ چنانکه قرآن می فرماید : خذ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرْ هُمْ وَتُرْكِهَمْ بَهَا إِي رَسُولَ مَا تَوْ از مؤمنان صدقات را دریافت کن تا بدان صدقات نفس آن ها را پاک و پاکیزه سازی (۱) . مؤمن صدقه را باید خود یا برای فایده و فرضی که در نظر دارد بدهد و یا برای حفظ نفس خود و یا محبوب و عزیزی که بسیار نزد او گرامی است . و چه محبوبی بالاتر از امام زمان (ع) که اصلاح بسیاری از امور دینی و آخرت مان بستگی به وجود و سلامتی آن حضرت دارد و این مطلب به دلیل عقل و نقل ثابت است که هیچ شخصی عزیزتر و گرامی تر نیست و نباید باشد از وجود مقدس امام زمان ارواحنا فداه ؟ بلکه حضرتش باید محبوب تر از نفس خودمان باشد و اگر چنین اعتقادی نداشته باشیم در ایمان و معرفت مان نسبت به آن حضرت ضعف و خللی وجود دارد . سید بن طاووس ، به فرزند خود سفارش می فرماید که : ابتدا کن به صدقه دادن برای آن حضرت قبل از اینکه برای خود و عزیزانت صدقه بدهی . باید توجه داشت که آن حضرت هیچ احتیاجی به صدقه و دعای ما ندارد ، بلکه از شؤن بندگی و ادای بعضی از حقوق بزرگ آن حضرت است و خود یک نوع اظهار محبت و دوستی به آن جناب است ، و این عمل راه وسببی است برای جلب رضای پروردگار و حصول قرب به خداوند در قضای حوائج و دفع بلا " . لذا آثار صدقه به انفاق کنندگان آن می رسد ، مخصوصاً اگر انفاق برای اظهار محبت و دعا برای وجود مقدس امام (ع) باشد . همچنین سید بن طاووس ، در کتاب " امان الاخطار در ضمن دعایی که برای صدقه دادن در وقت سفر ذکر می کند می نویسد : خدایا این صدقه از آن تو و برای توست و صدقه ای برای سلامتی مولایمان م ح م د عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد و بر او درود بفرست آن هنگام که در سفر است و در تمام حرکت ها و استراحت هایش " در تمامی اوقات شب و روزش و صدقه ای است برای هر چه که متعلق به اوست . (۲) ۱ . سوره توبه ، ۲۰۳ . نشریه موعود شماره ۱۳ ص ۶۸

صله با حضرت

از وظایف مؤمن منتظر ، صله با آن حضرت به وسیله مال و دارایی دنیا است . منظور از صله در این جا ، عطا و بخششی است که فرد ، برای جلب توجهات معنوی امام (ع) تقدیم می کند و همان هدیه ای است که صرفاً جهت خشنودی و سرور امام (ع) اهدا می شود . هر کس به اندازه توانایی و امکانات خود ، مقداری از مال و دارایی خود را به آن حضرت اختصاص می دهد و به او اهدا می کند . در زمان ظهور آن حضرت ، این مال به خود حضرت تقدیم می گردد ، اما در عصر غیبت ، صله امام (ع) باید در اموری که مرضی آن حضرت است به کار گرفته شود . البته به قصد و نیت صله آن حضرت (مثلاً آن مال صرف چاپ کتب ارزنده یا صرف مجالس) و محافل ذکر و یاد آن حضرت گردد . امام صادق (ع) می فرماید : " یک درهم که با آن ، با امام (ع) صله می شود ، بهتر است از دو میلیون درهم که در سایر کارهای نیک ، جز صله امام صرف می شود (۱) و امام کاظم (ع) می فرماید : " هر کس نمی تواند با ما صله نماید ، پس با دوستان صالح ما صله کند که ثواب صله برای او نوشته می شود . (۲) ۱ . کافی ، ج ۱ ص ۲۰۵۳۸ . کامل الزیارات ص ۳۱۹

صلوات

درود فرستادن بر رسول گرامی اسلام و خاندان پاک اوست، که خداوند در قرآن کریم درباره آن تاکید کرده است: ان الله و ملائکه يصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما... (۱) خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستد، ای مؤمنان شما نیز بر او درود فرستید و کاملاً در برابر او تسلیم باشید. یکی از وظایف مؤمن منتظر، صلوات فرستادن بر حضرت مهدی (ع) است. مثلاً- در حق آن حضرت بگوید: "اللهم صل علی مولانا صاحب الزمان" در کتب ادعیه (۲) صلوات های چندی برای امام عصر (ع) و دیگر معصومین (ع) وجود دارد که باید تنها آن ها مورد استفاده قرار گیرند، زیرا بهتر است صلوات بر آن حضرت، طبق آن چه از اهل بیت (ع) روایت شده است، انجام گیرد. امام صادق (ع) فرمود: "هر کس پس از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر جمعه بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم، نمی میرد تا حضرت قائم (ع) را درک کند." (۳) در روایت دیگری آمده است که هر کس بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم، خداوند شصت حاجت او را بر آورده می سازد، سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت از حوائج آخرت. (۴) درود و صلوات فرستادن بر حضرت مهدی (ع) نوعی دعا است؟ آن هم دعایی جامع که دربر گیرنده خواسته ها و دعاها ی بسیاری است. در این درخواست مؤمن، تمنای حفظ آن حضرت و حفظ یاران و دوستان او و برطرف شدن هر گونه هم و غم از قلب مقدس آن حضرت و تعجیل در ظهور او و پیروزی آن بزرگوار وجود دارد، چرا که صلوات بر آن حضرت، یعنی طلب رحمت برای او. ۱. سوره احزاب ۵۶. ۲. مانند صلواتی که در مفاتیح الجنان باب زیارات بعد از زیارت جامعه، تحت عنوان صلوات حجج طاهره آمده است ۳۰. مصباح المتجهد طوسی، ص ۳۲۸ مفاتیح الجنان، اعمال روز جمعه ۴۰. معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۴، ص ۱۱۳.

عرض حاجت به حضرت

دادخواهی و توجه نمودن و عرضه کردن حاجت بر آن حضرت (ع) از تکالیف عصر غیبت بر شمرده شده است. حضرت مهدی (ع) فریادرس است و در زیارتی که از حضرتش روایت شده است آمده که: دادرسی کسی است که از او دادخواهی کنند در زیارت جامعه نیز آمده است که: فاز من تمسک بکم و امن من لجا الیکم (۱)؟ هر کس به شما تمسک جست رستگار شد و هر کس به شما پناه آورد، ایمن گشت. استغاثه و عرض حاجت به آن حضرت به زبان خاص و چگونگی معین و وقت مخصوصی مقید نیست. بلکه آن چه در این باب مهم است، اصلاح دل، توجه کامل، توبه از گناهان، یقین ثابت و اعتقاد راسخ است. برای استغاثه و عرضه کردن حاجت، دعاها و رقعهای وارد شده که شایسته است به انضمام آن چه یاد کردیم، به کار گرفته شوند تا در تقرب به آن حضرت و محبوب شدن نزد او موثرتر گردد (۲) ۱. بحار الانوار ج ۱۰۲، ص ۱۳۰. ۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۸۷ ترجمه سید مهدی حائری قزوینی.

عریضه نویسی

بیشتر لغت شناسان، عریضه را به عرض حال و درخواست نامه معنی می کنند (۱) و برای عرض "معانی مختلفی بیان می کنند که یکی از آن ها، بیان مطلبی از طرف فرد کوچک تر به بزرگتر است. (۲) در اصطلاح، عریضه نویسی یکی از شیوه های خاص توسل است که در طول تاریخ، در فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه بوده است. گاهی افراد جامعه با یک سلسله نیاز و گرفتاری ها مواجه می شوند که بر حسب ظاهر، امکان برطرف نمودن آن ها از طریق اسباب عادی میسر نیست، یا حداقل بسیار مشکل است

در چنین مواردی به جای نا امید شدن، از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) توصیه شده است که از اموری نظیر دعا و توسل کمک گرفته شود. آن گاه برای توسل، شیوه های مختلفی بیان شده است که از جمله آن ها نوشتن عریضه است. عریضه، گاهی خطاب به خداوند متعال نوشته می شود و در آن، فرد نیازمند ضمن اشاره به مشکل و حاجت مورد نظر خود، به مقام و منزلت یکی از معصومین (ع) یا همه آن ها در پیشگاه خداوند متوسل می شود، و یا این که عریضه، مستقیماً به معصوم و نوشته می شود تا او به واسطه قرب و منزلتی که نزد خداوند متعال دارد، برآورده شدن حاجت یا برطرف گشتن مشکل را درخواست نماید، یا خود معصوم (ع) به واسطه ولایت و قدرتی که از ناحیه پروردگار به او اعطا شده است، به اذن خداوند، این نیاز و گرفتاری را برطرف سازد. عریضه نویسی شرایطی دارد: الف: شرایط نویسنده عریضه: پس از معرفت به خداوند و ایمان به منزلت اهل بیت (ع) که واسطه های فیض الهی اند، ضرورت دارد که نویسنده این شرایط را در خود احراز کند: توبه از گناهان، هماهنگی خواسته با دل، اطمینان به قبولی درخواست (۳) ب: شرایط حاجت: حاجت او، مخالف سنت های جاریه الهی و اراده تکوینی خداوند نباشد، درخواست او باید امر حلالی باشد یعنی خارج از اراده تشریعی خداوند نباشد. (۴) ۱. الرائد ج ۲، ص ۱۱۸۳ به نقل از عریضه نویسی، سید نژاد، ص ۲۱۵. فرهنگ معین ج ۲ ص ۲۸۸. ۳. امام صادق (ع) می فرمایند: وقتی دعا می کنی و از خداوند حاجتی را درخواست می نمای باید چنان گمان کنی که حاجت تو در پشت در است و منتظر دعای توسل، همین که دعای تو تمام شد آن را به تو اعطا می کنند. اصول کافی ج ۳، باب اقبال الدعاء ۴۰. عریضه نویسی سید صادق سید نژاد، ص ۷۹.

عریضه نویسی

بیشتر لغت شناسان، عریضه را به عرض حال و درخواست نامه معنی می کنند (۱) و برای عرض "معانی مختلفی بیان می کنند که یکی از آن ها، بیان مطلبی از طرف فرد کوچک تر به بزرگتر است. (۲) در اصطلاح، عریضه نویسی یکی از شیوه های خاص توسل است که در طول تاریخ، در فرهنگ اسلامی همواره مورد توجه بوده است. گاهی افراد جامعه با یک سلسله نیاز و گرفتاری ها مواجه می شوند که بر حسب ظاهر، امکان برطرف نمودن آن ها از طریق اسباب عادی میسر نیست، یا حداقل بسیار مشکل است. در چنین مواردی به جای نا امید شدن، از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) توصیه شده است که از اموری نظیر دعا و توسل کمک گرفته شود. آن گاه برای توسل، شیوه های مختلفی بیان شده است که از جمله آن ها نوشتن عریضه است. عریضه، گاهی خطاب به خداوند متعال نوشته می شود و در آن، فرد نیازمند ضمن اشاره به مشکل و حاجت مورد نظر خود، به مقام و منزلت یکی از معصومین (ع) یا همه آن ها در پیشگاه خداوند متوسل می شود، و یا این که عریضه، مستقیماً به معصوم و نوشته می شود تا او به واسطه قرب و منزلتی که نزد خداوند متعال دارد، برآورده شدن حاجت یا برطرف گشتن مشکل را درخواست نماید، یا خود معصوم (ع) به واسطه ولایت و قدرتی که از ناحیه پروردگار به او اعطا شده است، به اذن خداوند، این نیاز و گرفتاری را برطرف سازد. عریضه نویسی شرایطی دارد: الف: شرایط نویسنده عریضه: پس از معرفت به خداوند و ایمان به منزلت اهل بیت (ع) که واسطه های فیض الهی اند، ضرورت دارد که نویسنده این شرایط را در خود احراز کند: توبه از گناهان، هماهنگی خواسته با دل، اطمینان به قبولی درخواست (۳) ب: شرایط حاجت: حاجت او، مخالف سنت های جاریه الهی و اراده تکوینی خداوند نباشد، درخواست او باید امر حلالی باشد یعنی خارج از اراده تشریعی خداوند نباشد. (۴) ۱. الرائد ج ۲، ص ۱۱۸۳ به نقل از عریضه نویسی، سید نژاد، ص ۲۱۵. فرهنگ معین ج ۲ ص ۲۸۸. ۳. امام صادق (ع) می فرمایند: وقتی دعا می کنی و از خداوند حاجتی را درخواست می نمای باید چنان گمان کنی که حاجت تو در پشت در است و منتظر دعای توسل، همین که دعای تو تمام شد آن را به تو اعطا می کنند. اصول کافی ج ۳، باب اقبال الدعاء ۴۰. عریضه نویسی سید صادق سید نژاد

، ص ۷۹.

ظهور

تقویم زمان ظهور

ذی حجه

دوازدهمین ماه سال عرب و از ماه های حرام است پیامبر (ص) در ذکر نشانه های ظهور فرمود: صیحه ای در ماه رمضان شنیده می شود... قبیله ها در ماه ذی حجه به جنگ برمی خیزند و نشانه آن این است که حجاج را غارت می کنند و فاجعه بزرگی در منی روی می دهد که افراد بی شماری کشته می شوند و خون ها ریخته می شود و بر جمرات می ریزد. (۱) نفس زکیه را روز ۲۵ ذی حجه در میان رکن و مقام مظلومانه می کشند (۲) همچنین یکی از نامه هایی که از ناحیه مقدسه به افتخار شیخ مفید صادر شده، تاریخ وصول آن ۲۳ ذی حجه سال ۴۱۲ هجری می باشد (۳) در دهم ذی حجه آخرین سال غیبت، سفیانی، کشتارگاه کوفه را به راه می اندازد و علاوه بر مردم، هفتاد عالم دینی را شهید می کند. در دهم و یازدهم ذی حجه، در مکه و منی آشوب می شود. و در این ماه در مدینه منوره، مرد هاشمی به شهادت می رسد (۴) ۱. روزگار رهایی، ج ۲، ص ۸۶۵ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۱. ۲. روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۶۷ الزام الناصب ص ۱۹۰. ۳. احتجاج طبرسی ج ۲، ص ۴۹۵ و ۴۹۹. ۴. شش ماه پایانی مجتبی السادة ترجمه مطهری نیا ص ۲۰۳.

ربیع

به معنای بهار است. ربیع الاول و ربیع الثانی، ماه های سوم و چهارم سال قمری هستند. شب هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰۰ هجری وفات حضرت عسکری (ع) واقع شده است (۱) به نقل شیخ مفید در روز دهم ماه ربیع الثانی سال ۲۳۲ ولادت حضرت عسکری (ع) بوده است. (۲) از امام صادق (ع) درباره امام مهدی (ع) پرسیدند که آیا به هنگام ولادت دیده می شود؟ فرمود: آری، به خدا قسم، از روز تولد تا روز وفات پدرش دیده می شود، آن گاه از آخرین ساعات روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰۰ غایب می گردد. (۳) و آخرین دیدار عمومی حضرت بقیه الله با شیعیان، روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰۰ بود، که در مراسم تشییع جنازه پدرش ظاهر گردید و بر جنازه پدر بزرگوارش نماز خواند و سپس غائب شد. (۴) در احادیثی که در باب آشوب های جهانی آمده است، می خوانیم که جنگهای قبیله ای در ماه ربیع روی می دهد. ۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۳ محجة البیضاء، ج ۴، ص ۳۳۵. ۲. معارف و معاریف، ج ۵ ص ۶۲۴ و ۶۲۶. ۳. بحار الانوار، ج ۳ ص ۵۳ و ۶ بشاره الاسلام ص ۲۶۷. ۴. روزگار رهایی، ج ۱، ص ۲۸۷. ۵. منتخب الاثر ص ۴۵۱ روزگار رهایی ج ۲ ص ۹۰۴.

رمضان

ماه نهم از ماه های قمری است و به قولی، یکی از اسماء خداوند است. بیست و یکم این ماه، حضرت عیسی (ع) به آسمان رفته است. از حضرت مهدی (ع) در پاسخ نامه حمیری آمده که وداع ماه رمضان در شب آخر آن است و اگر احتمال دهی که ماه ناقص باشد، در دو شب، آن را وداع کن (۱) امام صادق (ع) فرمود: آن صیحه آسمانی که در ماه رمضان، پیش از ظهور طنین می افکند، در شب جمعه، شب ۲۳ ماه رمضان خواهد بود (۲) در روایات آمده که وقتی سفیانی خروج می کند، سی هزار نفر از قبیله کلب با او در ماه رمضان بیعت می کنند. (۳) امام صادق (ع) فرمود: نشانه پدیده های ماه رمضان، علامتی است در آسمان

که به دنبال آن اختلافی شدید در میان مردمان پدید می آید . (۴) در روایات ، خسوف ماه در شب اول ماه رمضان و کسوف خورشید در پانزدهم آن از نشانه های ظهور حضرت مهدی (ع) یاد شده است (۵) و در برخی ، کسوف خورشید در پانزدهم رمضان و خسوف ماه در آخر آن ذکر شده است (۶) امیر مؤمنان علی (ع) فرمود : از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید : اختلاف شامیان ، پرچم های سیاه از خراسان ، وصیحه آسمانی در ماه رمضان . (۷) ۱ . معارف و معاریف ج ۵ ص ۷۰۱ . ۲ . غیبه طوسی ص ۲۷۴ کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۰ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۴ . ۳ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۸۳ . همان ص ۸۳۹ . ۵ . ارشاد مفید ص ۳۳۸ اعلام الوری ص ۴۲۸ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۸۴۳ . غیبه نعمانی ص ۱۳۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۹ منتخب الاثر ص ۲۲۰

رمضان

ماه نهم از ماه های قمری است و به قولی ، یکی از اسماء خداوند است . بیست و یکم این ماه ، حضرت عیسی (ع) به آسمان رفته است . از حضرت مهدی (ع) در پاسخ نامه حمیری آمده که وداع ماه رمضان در شب آخر آن است و اگر احتمال دهی که ماه ناقص باشد ، در دو شب ، آن را وداع کن (۱) امام صادق (ع) فرمود : آن صیحه آسمانی که در ماه رمضان ، پیش از ظهور طنین می افکند ، در شب جمعه ، شب ۲۳ ماه رمضان خواهد بود (۲) در روایات آمده که وقتی سفیانی خروج می کند ، سی هزار نفر از قبیله کلب با او در ماه رمضان بیعت می کنند . (۳) امام صادق (ع) فرمود : نشانه پدیده های ماه رمضان ، علامتی است در آسمان که به دنبال آن اختلافی شدید در میان مردمان پدید می آید . (۴) در روایات ، خسوف ماه در شب اول ماه رمضان و کسوف خورشید در پانزدهم آن از نشانه های ظهور حضرت مهدی (ع) یاد شده است (۵) و در برخی ، کسوف خورشید در پانزدهم رمضان و خسوف ماه در آخر آن ذکر شده است (۶) امیر مؤمنان علی (ع) فرمود : از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید : اختلاف شامیان ، پرچم های سیاه از خراسان ، وصیحه آسمانی در ماه رمضان . (۷) ۱ . معارف و معاریف ج ۵ ص ۷۰۱ . ۲ . غیبه طوسی ص ۲۷۴ کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۶۵۰ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۴ . ۳ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۸۳ . همان ص ۸۳۹ . ۵ . ارشاد مفید ص ۳۳۸ اعلام الوری ص ۴۲۸ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۸۴۳ . غیبه نعمانی ص ۱۳۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۹ منتخب الاثر ص ۲۲۰

ذی قعدة

یازدهمین ماه از سال قمری و از ماه های حرام است ابوریحان در آثار الباقیه آورده که روز پنجم آن کعبه نازل شد و ابراهیم و اسماعیل (ع) به تجدید بنای کعبه پرداختند . (۱) در نشانه های سال ظهور حضرت مهدی (ع) آمده است که جنگ و جدال در ماه ذی قعدة روی می دهد . (۲) نیز آمده است که در ذی قعدة ، هرج و مرجی پدید می آید (۳) بیست و یکم و دوم ذی قعدة آخرین سال غیبت حضرت ، سفیانی در بغداد ، کشتار گاهی برپا کرده و هشتاد هزار نفر را می کشد (۴) ۱ . معارف و معاریف ج ۵ ص ۵۷۸ . کشف الغمه ج ۳ ص ۲۶۰ و ۲۷۷ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۸۱ . منتخب الاثر ص ۴۴۵۱ . شش ماه پایانی مجتبی السادة ترجمه مطهری نیا ص ۲۰۳

رجب

ماه هفتم از سال قمری و از ماه های حرام است . بر طبق روایات ، اتفاقات گوناگونی در آن می افتد . امام رضا (ع) فرمود : در ماه رجب ، سه ندا از آسمان طنین می افکند : یکی می گوید : به هوش باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد ، دومی می گوید : هان

ای مؤمنان رستاخیز، نزدیک است. و سومی می گوید: خداوند آن گرامی را فرمان ظهور داده است، پس سخنان او را بشنوید و فرمان او را گردن نهید (۱) در سلسله روایاتی که در باب آشوب های جهانی وارد شده، از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: همه شگفتی ها در میان جمادی و رجب است. یکی از مستمعان پرسید: ای امیر مؤمنان این چه حادثه شگفت انگیزی است که این همه موجب تعجب شما شده است؟ فرمود: رای بر تو، چه چیزی شگفت انگیزتر از این که مردگان برخیزند و گردن زنده ها را بزنند. (۲) در روایت دیگری می خوانیم: "خروج سفیانی، یمانی و خراسانی، در یک روز و یک ماه و یک سال خواهد بود. هر سه در یک روز از ماه رجب یک سال، خروج خواهند کرد. (۳) نیز در سالی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند، بیست و چهار باران رحمت می بارد که به وسیله آن ها زمین مرده را زنده می سازد، یکی از آن ها در ماه جمادی الثانیه می بارد و دیگری در ماه رجب که ده روز تمام طول می کشد و اثر آن در همه جا دیده می شود و برکت آن در همه جا ظاهر می گردد. (۴) همچنین آمده است: سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می شود، نشانه ای پیش از آن، در ماه رجب دیده می شود. گفته شد: آن نشانه چیست؟ امام صادق (ع) فرمود: سیمایی در قرص ماه دیده می شود. (۵) ۱. غیبه طوسی ص ۲۶۸ بحار الانوار ج ۲ ص ۲۸۹. ۲. بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۳۸۱. روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۱۰۱. الزام الناصب ص ۱۸۵ روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۲۸. ۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳ ارشاد مفید، ص ۳۳۷.

شعبان

ماه هشتم از ماه های عرب است. در جاهلیت آن را عاذل می گفتند ولادت حضرت مهدی (ع) در آن واقع شده است. در این ماه روحیه آمادگی آمیخته به ترس و هراسی در جهان اسلام نمایان می شود که ناشی از بروز آن دسته از جریانات سیاسی است که در یک عرصه با هم به تاخت و تاز مشغولند که از ماه رجب به مرور رو در روی هم قرار گرفته اند. به طور کلی دو جریان در این ایام در حال شکل گرفتن است. جریان یاوران حضرت مهدی (ع) یمانی از یمن و سید خراسانی از ایران و جریان سفیانی که بر رقبای خویش اصهب و ابقع فایق آمده و پس از این پیروزی با رومیان و یهودیان غرب هم پیمان گشته است. در ماه شعبان جریانات از هم جدا شده و مردم هم از کنار یکدیگر پراکنده می شوند و به همین علت است که در احادیث نشانه ها و حوادث دوران ظهور، خاورمیانه همانند میدان مبارزه و جنگهای متعدد و باکشته های بسیار ترسیم شده است. ساکنان این منطقه هم که مسلمانان هستند در شرایط گرفتاری و سختی و ناراحتی به سر می برند که نتیجه عدم ثبات سیاسی کشورهای منطقه است و به زودی هم آتش جنگ جهانی بزرگی برافروخته خواهد شد. ابو بصیر نقل می کند که از امام صادق (ع) درباره ماه رجب پرسیدم حضرت فرمودند: پیش از اسلام دوران جاهلیت آن را یعنی ماه رجب را بزرگ می شمردند و در آن جنگ نمی کردند نام آن را ماه خالی از ندای جنگ نهاده بودند ابو بصیر می گوید: پرسیدم شعبان؟ فرمود: امور در آن از هم جدا می شود؟ گفتم: ماه رمضان چطور فرمود: ماه خداوند تبارک و تعالی است که در آن به نام صاحب شما، حضرت مهدی (ع) و پدرش ندا در دهند. پرسیدم: جمادی الاول و الثانی فرمود: از ابتدا تا انتهایش فتح و پیروزی است (۱) ابو حمزه ثمالی از قول امام باقر (ع) نقل کرده که فرمودند: وقتی شنیدید که مردم شام دچار اختلاف شده اند، از آن جا فرار کنید که فتنه و کشتار به جان شما افتاده است. گفتم به کجا فرار کنیم؟ فرمودند: مکه بهترین جایی است که مردم بدانجا بگریزند (۲) در روایتی که در روضه الکافی آمده و این رویدادها را توصیف کرده و مردم را متوجه وظایفشان در آن زمان و شرایط می کند آمده است: وقتی ماه رجب شد با نام خداوند متعال روی کنید و اگر دوست داشتید که تا شعبان به تأخیر بیندازید، ضرر نمی بینید و اگر دوست داشتید که در میان اقوام و خویشانان پناه بگیرید روزه بگیرید شاید برای شما بهتر محکم تر باشد. سفیانی هم به عنوان یک نشانه برای شما کافی است (۳) در این حدیث اجازه داده شده است که شتاب کردن در مسافرت تا پایان ماه رمضان به تأخیر انداخته شود. ۱. بحار الانوار ج ۱۹، ص ۶۳ مستدرک ج ۲،

ص ۲۶۵ . ۲ . بحار الأنوار ، ج ۵۲ ص ۲۷۱ . ۳ . همان ص ۳۰۲ .

صَفَر

از ماه های قمری است . در آخر الزمان در ماه صفر ، نشانه بسیار روشنی از آسمان ظاهر می شود و نشانه دیگری نیز در زمین آشکار می گردد و در مشرق زمین ، حادثه هولناکی واقع می شود که موجب وحشت و اضطراب می گردد . نشانه روشن آسمانی در آن روز ، ظاهر شدن کف دستی است در قرص خورشید که در روایات آمده است . (۱) ۱ . روزگار رهایی ج ۲ ، ص ۱۰۹۸ .

آثار ظهور

آثار ظهور

آثاری که در روایات برای قیام موعود آخر الزمان برشمرده شده است (۱) ۱ . ثروتها به صورت مساوی تقسیم میشود هنگامی که به واسطه ظهور امام زمان (ع) دنیا پر از عدالت شود ، ثروت های جهان به طور مساوی تقسیم خواهند شد چنان چه امام محمد باقر (ع) فرمودند : وقتی قائم ما اهل بیت قیام کند ، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند ۲ . عدالت را در میان مردم پیاده می نماید . (۲) ۳ . رضایت و خشنودی همگانی است . رسول اکرم (ص) می فرمایند : ساکنان آسمان ، مردم زمین ، پرندگان هوا ، درندگان صحراها و ماهیان دریاها همه و همه - از او خشنود خواهند شد . (۳) ۴ . فقر و بینوایی ریشه کن خواهد شد در پرتو عدالت حضرت بقیه الله (ع) ، عموم مردم بی نیاز خواهند شد . چنان چه در حدیث آمده است : زمانی برای مردم پیش می آید که انسان صدقات از طلا را با خود برمی دارد تا ؛ آن ها را در راه خدا انفاق کند ، ولی نیازمندی را پیدا نمی کند که این صدقه را قبول نماید . ۵ . همه مردم در امنیت به سر خواهند برد چنان چه امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند : دشمنی از دل ها زدوده می شود درندگان و چهارپایان با یکدیگر سازش می کنند ، یک زن طبقی بر سر گذارده از عراق تا شام (از شرق تا غرب) تنها سفر می کند ، همه جا قدم بر سرزمین سبز و خرم می گذارد . در حالی که درندگان های او را نمی آزارد و دچار ترس و وحشت نمی شود . (۴) ۶ . برکات آسمانی نازل میشود چنان چه در حدیث آمده است : زمین چیزی از بذره های خود را نگه نمی دارد ، جز اینکه آن را بیرون می فرستد و آسمان چیزی از باران رحمتش را نگه نمی دارد جز اینکه سیل آسا بر بندگان خود فرو می ریزد (۵) ۷ . همگی در رفاه به سر می برند رسول خدا (ص) فرمودند : امت من در زمان حضرت مهدی (ع) آن چنان متنعم می شوند که هرگز چنین بهره مند نشده اند . (۶) ۸ . زمین گنجهای پنهان خود را آشکار می کند پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می فرماید : در آن زمان چهارپایان در امان هستند و درندگان با هم سازش می کنند . زمین پاره های جگرش گنج های پنهان و با ارزش خود را بیرون می ریزد . . . پاره های جگر زمین ستون هایی از طلا- و نقره است . (۷) ۹ . دام ها و چهارپایان زیاد میشوند و چنان که در روایتی از پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است : مهدی (ع) خارج می شود ، خداوند باران رحمتش را می فرستد ، زمین گیاهش را می رویند ، و دام در جهان زیاد می شود . او ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند و امت اسلام بزرگ و شکوهمند می گردد . (۸) ۱۰ . رفع مزاحمت ها و ایجاد آسایش برای عموم مردم است چنان چه امام محمد باقر (ع) می فرمایند : مهدی (ع) راه های اصلی را توسعه می دهد ، بالکن هایی را که به خارج جاده ها آمده و از دیگران سلب آزادی کرده است و ناودان هایی را که به کوچه ها می ریزد ، از بین می برد . (۹) ۱۱ . پرده های ظلمت کنار میرود امام صادق (ع) در این باره می فرمایند : وقتی قائم ما قیام کند ، زمین به نور پروردگارش نورانی می شود ، و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند و شب و روز یکی می شوند و تاریکی از بین می رود . ۱۲ . ایجاد برابری و مساوات بین انسانها چنان چه امام محمد باقر (ع) می فرمایند : هنگامی که قائم ما قیام کند ، دوران

برابری و برادری فرا می رسد. در آن زمان یک مسلمان آن چه نیاز داشته باشد، از جیب برادر مسلمانش برمی دارد و او مانع نمی شود. ۱. برگرفته از نشریه موعود شماره ۱۲، ص ۷۸. عقد الدرر ص ۴۰ الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۸۲ صحیح البخاری جلد ۲ ص ۱۳۶. ۲. بشاره الاسلام ص ۲۳۶. ۳. المستدرک علی الصحیحین، ج ۴ ص ۵۱۴. ۴. إعلام الوری، ص ۴۳۳. ۵. المستدرک علی الصحیحین ج ۴ ص ۵۱۴. ۶. تاریخ مابعد الظهور ص ۷۷۴. ۷. ارشاد مفید، ص ۳۶۵. ۸. المحجّه فیما نزل فی القائم الحجّه، ص ۱۸۵. ۹. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۲.

شادمانی جهان از ظهور

از روایات فهمیده می شود که قیام حضرت مهدی (ع) موجب خرسندی اهل زمین و آسمان و حتی مردگان می شود رسول خدا (ص) می فرماید: همه اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات درنده و ماهیان دریا، از ظهور حضرت مهدی (ع) شاد و خرسند می شوند (۱) حضرت علی (ع) می فرماید: هنگامی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند، نام مبارکش بر سر زبان ها خواهد بود و وجود مردم سرشار از عشق به مهدی است، به گونه ای که جز نام او، هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با درستی او روح خود را سیراب می کنند (۲) حضرت رضا (۳) درباره گشایش پس از ظهور می فرماید: در آن هنگام گشایشی بر مردم می رسد، به طوری که مردگان آرزوی زندگی دوباره می کنند. (۳) امام صادق (ع) نیز درباره پس از ظهور حضرت می فرماید: هیچ مؤمنی در قبر نمی ماند، مگر آنکه آن شادی و سرور در قبرش وارد می شود به گونه ای که مردگان به دیدار یکدیگر می روند و ظهور حضرتش را به همدیگر تبریک می گویند (۴) ۱. عقد الدرر ص ۸۴ البیان ص ۱۱۸. ۲. الحاوی للفتاوی، ج ۲ ص ۱۶۸ حقایق الحق، ج ۱۳ ص ۳۲۴. ۳. غیبه طوسی ص ۲۶۸. ۴. اثبات الهداء ج ۳ ص ۵۳۰

زمینه سازان ظهور

ممهّدون للمهدی

به معنای زمینه سازان ظهور حضرت مهدی (ع) است. همچنین عنوان کتابی است از نویسنده ارزشمند، علی کورانی.

زمینه سازان ظهور

انقلاب حضرت مهدی (ع) هم چون دیگر انقلاب ها، بدون مقدمه و زمینه سازی به وجود نمی آید، بلکه در آستانه ظهور، حرکت هایی پا می گیرد و زمینه را برای ظهور آن حضرت فراهم می آورد. بخش عمده ای از روایاتی که درباره رویدادهای پیش از ظهور و یاران حضرت مهدی (ع) آمده است، درباره ایران و ایرانیان است که با تعبیرات گوناگونی مانند: اهل فارس، عجم، اهل خراسان، اهل قم، اهل طالقان، اهل ری و... بیان شده است. با بررسی مجموع این روایات به این نتیجه می رسیم که در کشور ایران، پیش از ظهور، نظامی الهی و مدافع ائمه معصومین (ع) و برپا می گردد که مورد نظر امام زمان (ع) است و نیز مردم ایران، نقش عمده ای در قیام آن حضرت دارند (۱) رسول خدا (ص) می فرماید: مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی (ع) فراهم می سازند. (۲) نیز می فرماید: پرچم های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمد که دل های آنان همانند پاره های آهن است پس هر کس از حرکت آنان آگاهی یافت، به سوی آنان برود و با آنان بیعت کند هر چند لازم باشد که بر روی یخ حرکت کند (۳) امام باقر (ع) می فرماید: گویا قومی را می بینم که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند، ولی حق را به آنان نمی دهند. بار دیگر طلب می کنند ولی باز به آنان واگذار نمی کنند. در این حالت، شمشیرها را

از نیام کشیده، بر شانه می گذارند که در این هنگام، دشمن خواسته آنان را می پذیرد، ولی آنان نمی پذیرند و قیام می کنند و حق را واگذار نمی کنند، مگر به صاحب امر. کشتگان آنان شهیدند و اگر من آنان را درک می کردم، خودم را برای صاحب این امر آماده می کردم. (۴) در این روایات، به روشنی از برپایی قیام ها و انقلاب هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) خبر داده شده است. همه روایات بر این نکته اتفاق دارند که پیش از ظهور مهدی (ع) حکومتی به رهبری یکی از صالحان، که گمان می رود از فرزندان پیامبر (ص) هم باشد، در ناحیه مشرق تشکیل می گردد و زمینه ظهور را مهیا می سازد و این حکومت، تا ظاهر شدن حضرت مهدی (ع) و تسلیم آن به حضرت ایشان ادامه می یابد. بر همین اساس، برخی تشکیل دولت شیعی مذهب صفویه را که پس از قرن ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب، روی کار آمد، همان دولتی دانسته اند که در روایات، از جمله زمینه سازان حکومت مهدی (ع) به شمار آمده است. (۵) در زمان ما نیز، برخی با استناد به ویژگی هایی که در روایات آمده، انقلاب اسلامی ایران را که در سال ۱۳۵۷ هـ. ش به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید، همان دولتی دانسته اند که زمینه را برای ظهور و قیام مهدی (ع) آماده می کند. در هر صورت، گرچه قرائن فراوانی این احتمال را قوت می بخشد، ولی دلیل قطعی که ثابت کند منظور از حکومت زمینه ساز، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) است، در دست نیست. (۶) چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طوسی، ص ۵۸. ۲. بحار الانوار ج ۱ ص ۱۸۷ ثبات الهداء ج ۳، ص ۵۹۹ کشف الغمه، ج ۳ ص ۲۶۸. ۳. عقد الدرر، ص ۲۹ ۱. ینایع الموده، ص ۴۹ ۱ بحار الانوار ج ۵۱، ص ۸۴. ۴. بحار الانوار ج ۲ ص ۴۳ غیبه نعمانی ص ۳۷۳. ۵. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۴۳. ۶. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات، ص ۲۴۸.

ظهور نزد ادیان و مذاهب

زرتشت و بشارت موعود

در منابع زرتشتیان تصریحات بسیاری به ظهور حضرت مهدی (ع) شده است که قسمتی از آن ها را در این جا می آوریم: در کتاب زند که از کتب مقدسه زرتشتیان است، درباره انقراض اشرار و وراثت صلحا می گوید: لشکر اهریمنان با ایزدان، دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد، اما نه به طوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند، چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد. آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست (۱) در بخش "گات ها" که یکی از بخش های چهارگانه "اوستا" است، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) و سیطره جهانی آن حضرت آمده است: ... و هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد، پس آنگاه ای "مزدا" کشورت را "بهمن" در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دست های راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند. ... کی ای مزدا بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد، با آموزش های افزایش بخش پر خرد رهانندگان، کیانند آنانی که بهمن به یاری شان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیدم ای اهورا بهمن را نماینده توانایی و منش نیک و راستی و پارسایی دادار اهور مزدا، تفسیر کرده اند (۲) جاماسب در کتاب معروف خود "جاماسب نامه" می گوید: پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه های مکه پیدا شود، و شتر سوار شود و قوم او شتر سواران خواهند بود، و با بندگان خود چیز خورد، و به روش بندگان نشیند، و او را سایه نباشد و از پشت سر، مثل پیش رو بیند. دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل گرداند همه کتاب ها را. ... و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام

دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان، که جانشین آخر آن پیغمبر باشد در میان دنیا که مکه باشد و دولت اوتا به قیامت متصل باشد و بعد از پادشاهی او، دنیا تمام شود... همه جهان را یک دین کند و دین گبری و زرتشتی نماند، و پیغمبران خدا و حکیمان و پری زادن و دیوان و مرغان و همه اصناف جانوران و ابرها و بادهای و مردان سفیدرویان در خدمت او باشند... (۳) در زند و هومن یسن از ظهور شخصیت فوق العاده ای بنام سوشیانس، نجات دهنده بزرگ خبر داده و درباره نشانه های ظهور وی چنین می گوید. نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند، و به همه دنیا پیام می فرستند... سوشیانس دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و همکردار گرداند. (۴) لازم به یاد آوری است که اعتقاد به ظهور سوشیانس در میان ملت ایران باستان به اندازه ای رایج بوده است که حتی در موقع شکست های جنگی و فراز و نشیب های زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و ناامیدی نجات می دادند. (۵) ۱. بشارت عهدین ص ۲۳۷. بشارت عهدین استدراکات، پس از مقدمه چاپ دوم ص ۱۰ و ۱۱. ۳. لمعات النور، ج ۱ ص ۲۳-۲۵. ۴. او خواهد آمد علی اکبر مهدی پور، ص ۱۰۸ و ۱۲۱ و ۱۲۲. ۵. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی ص ۳۵۵.

عاموس نبی

از پیامبران پیرو تورات است که در کتاب خود از نزول حضرت عیسی (ع) در هنگام ظهور حضرت مهدی خبر داده است (۱) ۱. ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۳۲۷.

تورات و بشارت موعود

در کتاب تورات که از کتب آسمانی به شمار می رود و هم اکنون در دست اهل کتاب و مورد قبول آن ها است، بشارت زیادی از آمدن مهدی موعود و ظهور مصلحی جهانی در آخرالزمان آمده است. در زبور حضرت داود (ع) که تحت عنوان مزامیر در لابلای کتب "عهد عتیق" آمده نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (ع) به بیان های گوناگون داده شده است و در ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه، اشاره ای به ظهور مبارک آن حضرت و نویدی از پیروزی صالحان بر شریران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آیین جاوید، موجود است. (۱) و جالب این که مطالبی که قرآن کریم درباره ظهور حضرت مهدی (ع) از زبور نقل کرده است، عیناً در زبور فعلی موجود و از دستبرد تحریف و تفسیر مصون مانده است. قرآن کریم چنین می فرماید: ولقد کتبنا فی الزبور من بعده الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون (۲) ما علاوه بر ذکر تورات در زبور نوشتیم که در آینده بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد. مقصود از ذکر در آیه شریفه، تورات موسی (ع) است که زبور داود (ع) پیرو شریعت تورات بوده است. در زبور آمده است:... زیرا که شریران منقطع می شوند. اما متوکلاّن به خداوند وارث زمین خواهند شد (۳) اسم او ابداً بماند، اسمش مثل آفتاب باقی بماند، در او مردمان برکت خواهند یافت و تمامی قبایل او را خجسته خواهند گفت، بلکه اسم ذوالجلال او ابداً مبارک باد و تمامی زمین از جلالش پر شود، دعای داوود پسر یسی تمام شد. (۴) در کتاب اشعای نبی که یکی از پیامبران پیرو تورات است، بشارت فراوانی درباره ظهور حضرت آمده است: و نهالی از تنه یسی (۵) بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شگفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان رابه عدالت دآوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، به راستی حکم خواهد نمود... کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت... (۶) منظور از نهالی که از تنه یسی خواهد روید ممکن است یکی از چهار نفر: حضرات داود،

سلیمان، عیسی و مهدی (ع) و باشند ولی دقت و بررسی کامل آیات مذکور نشان می دهد که منظور از این نهال، هیچ یک از آن پیامبران نیستند، بلکه همه آن بشارت ها ویژه قائم آل محمد (ع) است، زیرا حضرت داود و سلیمان فرزندان پسر یسی، و حضرت عیسی (ع) نواده دختری وی، و مهدی (ع) نیز از جانب مادرش، جناب نرجس خاتون که دختر یسوعا، پسر قیصر، پادشاه روم و از نسل حضرت داود، و مادرش از اولاد حواریون حضرت عیسی (ع) بوده، و نسب شریفش به (ع) شمعون صفا، وصی حضرت عیسی (ع) می رسد نواده دختری یسی می باشد. (۷) در کتاب یوئیل نبی که از پیامبران پیرو تورات است، چنین آمده است: آن گاه جمیع امت ها را جمع کرده، به وادی یهو شافا (۹) فرود خواهم آورد و در آن جا با ایشان درباره قوم خود و میراث خویش، اسرائیل را محاکمه خواهم نمود. زیرا که ایشان را در میان امت ها پراکنده ساخته و زمین مرا تقسیم نموده اند و بر قوم من قرعه انداخته و پسر یسی در عوض فاحشه داده و دختری به شراب فروخته اند تا بنوشند (۱۰) در کتاب عاموس نبی (۱۱) و هوشع نبی (۱۲) نیز از نزول حضرت عیسی (ع) و داوری آن حضرت سخن به میان آمده است. در کتاب زکریای نبی بشارت ظهور مهدی (ع) چنین آمده است: اینک روز خداوند می آید و غنیمت تو در میانت تقسیم خواهد شد. و جمیع امت ها را به ضد اورشلیم برای جنگ فراهم خواهد کرد و شهر را خواهند گرفت و خانه ها را تاراج خواهند نمود... و خداوند بیرون آمده با آن قوم ها مقاتله خواهد کرد چنان که در روز جنگ مقاتله نمود... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود... و یهوه خدای تمامی زمین پادشاه خواهد بود... (۱۳) لازم به یاد آوری است که در کتب عهدین تورات و انجیل کلمه خداوند بیشتر در مورد حضرت عیسی (ع) به کار می رود. در کتاب حزقیال نبی نیز در مورد حضرت مهدی (ع) و سرنوشت اسرائیل و جهانی شدن آیین توحید خبرهایی آمده است: و اما تو ای پسر انسان خداوند یهوه چنین می فرماید: که به هر جنس مرغان و به همه حیوانات صحرا بگو: جمع شوید و بیایید و نزد قربانی من که آن را برای شما ذبح می نمایم فراهم آید. قربانی عظیمی که بر کوه های اسرائیل، تا گوشت بخورید و خون بنوشید. و خداوند یهوه می گوید: که بر سفره من از اسبان و سواران و جباران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد. و من جلال خود را در میان امت ها قرار خواهم داد و جمیع امت ها داوری مرا که آن را اجرا خواهم داشت و دست مرا که بر ایشان فرود خواهم آورد، مشاهده خواهند نمود... (۱۴) باید توجه داشت که منظور از پسر انسان مانند کلمه مسیح، حضرت عیسی (ع) نیست؟ بلکه مراد از آن، حضرت مهدی (ع) است، زیرا در انجیل بیش از هشتاد بار کلمه پسر انسان آمده است که تنها در سی مورد آن حضرت مسیح (ع) اراده شده است. در کتاب حجی نبی نیز بشارت ظهور آمده است: یهوه صباوت چنین می گوید: یک دفعه دیگر آسمان ها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت و تمامی امت ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت ها خواهد آمد... این خانه را از جلال خود پر خواهم ساخت... (۱۵) که در آن به تشکیل حکومت واحد جهانی اشاره شده است. در کتاب "صفینای نبی" همچنین آمده است...: خداوند می گوید: برای من منتظر باشید، تا روزی که به جهت غارت برخیزم، زیرا که قصد من این است که امت ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم تا غضب خود و تمامی حدت خشم خویش را بر ایشان بریزم، زیرا که تمامی جهان به آتش غیرت من سوخته خواهد شد... (۱۶) نیز در کتاب دانیال نبی آمده که:... امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده قائم است، خواهد برخاست... بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده اند بیدار خواهند شد... (۱۷) ۱. آخرین امید، داود الهامی ص ۲۰۱۹۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵. ۳. عهد عتیق، کتاب مزامیر مزور ۳۷. ۴. همان، مزور ۷۲. ۵. یسی به معنای قوی، پدر حضرت داود و نوه "راعوت" است، و به طوری مشهور بود که داود را پسر "یسی" می نامیدند در صورتی که خود داود شهرت و شخصیت عظیمی داشته و از پیامبران بزرگ بنی اسرائیل بوده است. قاموس کتاب مقدس. ۶. تورات، کتاب اشعای نبی، باب ۱۱. ۷. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی، ص ۳۱۲. ۸. نام صحرای است در نزدیکی بیت المقدس که اکنون وادی "قدرون" نامیده می شود. لغت نامه دهخدا ص ۱۷۷. ۹. تورات، کتاب یوئیل نبی، ص ۳۲۷. ۱۰. تورات، کتاب

عاموس نبی، ص ۱۳۳۳ باب ۴ بندمای ۱۲ و ۱۳. ۱۱. تورات، کتاب هوشع نبی ص ۱۳۱۴ باب ۵، بندهای ۱۴ و ۱۵. ۱۲. تورات کتاب زکریای نبی ص ۱۳۸۲ باب ۱۴، بندهای ۱-۱۰. ۱۳. تورات کتاب حزقیال نبی ص ۱۲۶۵ باب ۳۹، بند ۱۷-۲۳. ۱۴. قاموس کتاب مقدس، ماده "پسر خواهر" ص ۱۵۰۲۱۹. کتاب مقدس کتاب حجی نبی ص ۱۳۶۷ باب ۲ بندهای ۶-۹. ۱۶. کتاب مقدس کتاب صفیای نبی ص ۱۳۶۳ باب ۳، بندهای ۵-۹. ۱۷. کتاب مقدس کتاب دانیال نبی ص ۱۳۰۹، باب ۱۲ بندهای ۱-۱۲.

ظهور

کلمه ظهور نوعاً به معنای ظهور شخص امام زما (ع) مطرح می شود و مثلاً به همین معنی عجل علی ظهورک گفته می شود و البته این مسأله ای قطعی و غیر قابل انکار است لکن احتمال قوی و جدی دیگری هم وجود دارد که ظهور به معنای ظهور امر باشد، نه ظهور شخص. البته ظهور کامل وقائم امر، مستلزم ظهور شخص است یعنی تا شخص ظاهر نشود، امر امت به صورت تمام و کامل ظاهر نمی شود، ولی درعین حال میان این دو تفاوت هایی وجود دارد. اصل این تفکر و اندیشه از این جا سرچشمه می گیرد که ظهور حداقل می تواند دو معنا داشته باشد: یک بار به معنای طلوع و آشکار شدن و پیدایش بعد از استتار: بدینگونه که ظهور را نقطه مقابل خفا بگیریم که نظارت مطلب بیشتر به ظهور شخص می باشد، و البته این قابل انکار نیست، و یار دیگر ظهور را از ماده و ریشه ظهور معنا کنیم که عبارت از تقویت و پشتوانه یافتن چیزی باشد که ما از آن تعبیر به پیروزی و حاکمیت مقتدرانه می نماییم و در این برداشت و نظر، مطالب دیگری به ذهن می رسد و نتایج دیگری به دست می آید در این بحث، توجه به مشتقات لفظی لغت ظهور، مفید مطالب ارزشمندی است که می توان از آن کمک گرفت. اگر ظهور را صفت شخص بگیریم تمام آیات و روایات و ادعیه و زیارات و مناجات هایی که در آن ها واژه ظهور به کار رفته و استعمال شده است تحقق نیافته و معنی پیدا نمی کند، مگر با ظهور شخص امام زمان (ع) زیرا ظهور به معنای پیدایش بعد از استتار و خفا استعمال شده است. اما اگر ظهور را به معنای پیروزی و سلطه اسلام تعبیر نماییم حتی ممکن است این پیروزی البته تا حدودی قبل از ظهور امام زمان (ع) نیز حاصل شود لکن نه به گونه ای که مستغنی از ظهور آن حضرت باشیم (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۱۱ و ۱۰ ص ۴۹

یاران

یاوران حضرت

امدادهای الهی گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت داده است و با انجام کراماتی، حضرت مشکلات را از سر راه خود بر می دارد و یا به وسیله رعب و ترسی است که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند (۱) و یا این که خداوند، ملائکه را به یاری حضرت می فرستد (۲). در برخی از روایات سخن از نیروهایی است که دارای خصوصیات فرشتگان هستند و منتظر ظهور حضرت هستند تا او را یاری کنند (۳) از تابوت و اشیایی که در آن است نیز، به عنوان وسیله ای دیگر برای یاری حضرت مهدی (ع) نام برده شده است (۴) امام صادق (ع) می فرماید: خداوند، حضرت قائم (ع) را با سه لشکر یاری می دهد: فرشتگان، مؤمنان و رعب ترس انداختن به دل دشمن امام باقر (ع) نیز می فرماید گویا هم اکنون حضرت قائم (ع) و یارانش را می بینم. (۵)..... فرشته جبرئیل در سمت راست حضرت مهدی و میکائیل در سمت چپ آن حضرت حرکت می کنند و ترس و وحشت، پیشاپیش سپاهیان و پشت سر آن ها به فاصله یک ماه در حرکت است و خداوند او را با پنج هزار فرشته آسمانی یاری می رساند (۶) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۶. ۲. کمال الدین ج ۲، ص ۶۷۲ غیبه نعمانی ص ۳۰۹. ۳. بحار الانوار، ج ۲۷ ص ۱۴۱ ثبات الهداء ج ۳ ص ۵۲۳. ۴. الشیعه والرجعه ج ۱، ص ۱۳۶ ملاحم ابن طاووس ص ۶۶ اثبات الهداء ج ۳، ص ۴۸۹. ۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص

۳۵۶. ۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ۳۴۳ نورالثقلین ج ۱ ص ۳۸۸.

جن

از یاری کنندگان حضرت مهدی (ع) هنگام ظهور، ملائکه وجنیان هستند. امام صادق (ع) فرمود: چهل و شش هزار ملائکه و شش هزار جن، حضرت مهدی (ع) را یاری می کنند. (۱) ۱. نجم الثاقب باب سوم.

آزمون یاران حضرت

همه انبیاء و مصلحان الهی، هسته های اصلی نهضت خویش را با آزمایش برگزیده اند، چراکه راه دشوار است و آمیخته با رنج ها، وبدون داشتن یارانی آبدیده، سرد و گرم چشیده، فداکار و وفادار، نمی توان خطر کرد. طالوت، که در روایات، یاران مهدی به یاران او تشبیه شده اند، (۱) در نبرد با جالوت، لشکریانش را با تشنگی آزمود. تن پروران و ناشکیبایان نظم را بر هم زدند، حریصانه به آب افتادند، ولی صبور مردان از آن، لب تر نکردند. از این راه، روشن شد که گروه نخست، ارزش و توان همراهی با طالوت را ندارند و سرانجام، در رویارویی با سپاه دشمن، وحشت آنان را فرا گرفت و از جنگیدن، باز ماندند ولی گروه دوم که ایمان فکری و بصیرت واقعی داشتند، همه پیروزی را در اختیار خدا دیدند و صبورانه مقاومت ورزیدند. یاران مهدی (ع) نیز برای رسیدن به درجه شایستگی همراهی، از قبال های گوناگون گذر داده می شوند و پس از پیمودن مراحل دشوار، به قله رفیع نصرت بالا- می روند. پاره ای آزمایش ها پیش از قیام صورت می گیرد و پاره ای پس از آن طولانی شدن غیبت، فتنه ها، فریبندگی ها، افکار باطل، جاه و مقام، جلوه فروشان، محراب داران، دین به دنیا فروشان، عالم نمایان و... بسیاری از منتظران را از راه باز می دارند. به میزان درجات ایمان و گذر از آزمون ها، منتظران متمایز می شوند و به میزان مایه های ایمانی، در یاری امام بر یکدیگر پیشی می جویند. به فرموده امام صادق (ع) در وقت ظهور، برخی یاران، شب در بستر ناپدید می شوند و فردای آن در مکه اند و گروهی روز در آسمان راه می سپارند. گفتم: فدایت شوم کدام یک ایمانشان بیشتر است فرمود: آن که در آسمان حرکت می کند. (۲) پس از کرد آمدن نیروها، آزمون ها سخت تر می شود. امام با آزمون های جسمی و روانی، باورها را به آزمایش می گذارد. از جمله، همانند طالوت که سپاهیان را با تشنگی آزمود، یاران امام نیز با تشنگی امتحان خواهند شد. (۳) فراتر از آن، امام بی پروا به باورهای خرافی و عوامانه حمله می برد و معارف به دور از دسترس و پوشانده شده در غبار فراموشی را آشکار می سازد. در این تکان های فکری، صاحبان بصیرت و معرفت، تزلزلی به خود راه نداده و استوار بر جای می مانند، ولی آنان که در باورهای خود ناخالصی دارند و اندیشه را از سرچشمه نگرفته اند و در حقانیت امام تردید کرده اند، از پیرامون حضرت پراکنده می شوند. (۴) هنگام سخنرانی امام در مسجد کوفه و تخریب دیوار مسجد پیامبر، تفاوت های فکری و بینش همراهان به بوته آزمایش در می آید و درجه و رتبه یاران در پیروی فرامین امام ارزیابی می شود. (۵) ۱. غیبه نعمانی ص ۳۱۶. ۲. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۳۳۵۶. غیبه نعمانی ص ۳۱۶. ۴. چشم به راه مهدی ص ۵۳۷۱. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۳۸۶.

اصحاب کهف

در روایات آمده است که اصحاب کهف هنگام ظهور، برای یاری حضرت مهدی (ع) خواهند آمد. (۱) مفضل بن عمر می گوید: امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که قائم آل محمد (ع) ظهور کند، تعدادی از پشت کعبه بیرون می آیند که هفت نفر از اصحاب کهف، از جمله آنان هستند. (۲) حلی می گوید: اصحاب کهف همگی از نژاد عرب اند و جز به عربی سخن نمی گویند و آنان وزیران مهدی هستند. (۳) پیشوای ششم در مورد آخرین رودرویی سپاه حق با قوم یهود می فرماید... وقتی دابه

الارض خارج می شود ، خداوند اصحاب کهف را همراه با نشان برمی انگیزد ، یکی از آن ها میلخاء نام دارد و دیگری حملاها از امام باقر (ع) روایت شده که : قائم (ع) ۳۰۹ سال حکومت می کند ، به تعداد سال هایی که اصحاب کهف در کهف درنگ کردند اصحاب کهف ، افراد مؤمنی بودند که ایمان خود را از حاکم زمان خود ، پنهان می کردند و آنان به غاری پناه برده و سال ها در آن جا به خواب رفتند . بعد از گذشت سال های طولانی بیدار شدند و اندکی پس از آن وفات کردند که داستان آنان در سوره کهف آمده است . ۱ . ارشاد القلوب ص ۲۸۶ حلیه الابراج ۲ ، ص ۶۰۱ . ۲ . چشم اندازی به حکومت مهدی (عج) نجم الدین طوسی ، ص ۱۰۱ . ۳ . منتخب الاثر ص ۴۸۵ .

انصار حضرت

انصار حضرت مهدی (ع) را مردم پاکباخته و با ایمان و شایسته کرداری تشکیل می دهند که با قیام حضرت از مکه ، به تدریج به لشکر او می پیوندند و با همه وجود در خدمت اجرای برنامه و گام های بلند اصلاحی آن حضرت قرار می گیرند و با دشمنان حق و عدالت ، تا محو بیداد و سرشار ساختن زمین و زمان از عدل و داد ، پیکار همه جانبه می نمایند . حضرت ، هنگام حرکت از مکه با ده هزار نیرو که انصار او هستند ، حرکت اصلاحی را آغاز می کند و تازه اینان بخشی از یاران او هستند و در عراق ، سید هاشمی با دوازده هزار نفر به او می پیوندند . علاوه بر انبوه انسان های شایسته انبوه فرشتگان نیز یاران او خواهند بود که برای تحقق اهداف بزرگ و اجرای دستوراتش حاضر می گردند (۱) در زیارت آل یاسین می خوانیم : . . . واجعلنی اللهم من أنصاره وأعوانه وأتباعه وشيعته . . . (۲) بار خدایا ما را از یاران و مددکاران پیروان و شیعیان او قرار ده . در زیارت عاشورا می خوانیم : از خدای نیکوکار می خواهم که دوستی شما را روزی ام سازد و مرا برای خون خواهی شما به همراه امام منتظر و هدایت کننده به راه حق و عدالت از خاندان محمد (ص) توفیق ارزانی دارد . (۳) نیز در زیارتی که از حضرت باقر (ع) رسیده است می خوانیم : از خدا می خواهم که خونخواهی شما را به همراه امام هدایت و گویای به حق از شما خاندان وحی و رسالت که آشکار خواهد شد ، روزی ام سازد . (۴) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۶۰۲ . بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۸۳ . مفاتیح الجنان زیارت آل یاسین ۳ . مفاتیح الجنان زیارت عاشورا غیر معروفه ۴ . بحار الانوار ج ۱۰۱ ، ص ۲۹۲ .

پیروان ادیان

نیروهای حضرت مهدی (ع) از ملیت های گوناگونی تشکیل می شوند . در برخی روایات گاهی سخن از قوم خاصی مانند توبه کنندگان بنی اسرائیل ، مؤمنان مسیحی و انسان های وارسته رجعت یافته است که به یاری حضرت می آیند . مفضل بن عمر می گوید : امام صادق (ع) فرمود : هنگامی که قائم آل محمد (ع) ظهور کند ، تعدادی از پشت کعبه بیرون می آیند که عبارتند از : بیست و هفت نفر از قوم موسی ، هفت نفر از اصحاب کهف ، یوشع وصی موسی ، مؤمن آل فرعون ، سلمان فارسی ، ابادجانه انصاری (۱) و مالک اشتر . (۲) ابن عباس می گوید : در تفسیر آیه مبارکه و قلنا من بعده لبني اسرائيل اسكنوا الارض فاذا جاء وعد الاخره جئنا بكم لفيفا ، (۲) پس از آن به بنی اسرائیل فرمان دادیم که در آن سرزمین ساکن شوید تا از آن پس که وعده آخرت فرا رسد ، همه شما را باز مبعوث گردانیم . گفته اند که مراد از وعده اخری ، ظهور حضرت عیسی (ع) است که بنی اسرائیل همراه آن حضرت قیام می کنند ، ولی اصحاب ما روایت کرده اند که آنان به همراه حضرت قائم آل محمد (ع) قیام می کنند . (۳) در روایات آمده است که وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور می کند ، برای اتمام حجت با پیروان همه ادیان ، با کتاب های آسمانی خودشان بحث می کند و نویدهای موجود در کتاب های هر آیینی را که از آمدن آن مصلح جهانی خبر داده اند به آن ها یاد آوری می کند . هر کسی ایمان بیاورد از او می گذرد و هر کس پس از شناخت حق و اثبات حقیقت بر کفر خود اصرار بورزد

، به سزای خود می رسی (۴) ۱ . تنقیح المقال ، ج ۲ ص ۶۸ . ۲ . روضه الواعظین ج ۲ ، ص ۲۶۶ . ۳ . سوره اسراء ۱۰۴ . ۴ . بحار الانوار ، ج ۵۴ ص ۱۶۳ .

اسراء

"اسری" به معنای به شب راه رفتن است . هفدهمین سوره قرآن و مکی است . از امام صادق (ع) روایت شده هرکس این سوره را در هر شب جمعه تلاوت نماید ، نمی میرد تا این که حضرت حجت (ع) را درک کند و از جمله یاران آن حضرت باشد . (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۸۱ .

امت امت

به معنای بمیران بمیران است . خداوند حضرت مهدی (ع) را با سپاهی میان دوازده الی پانزده هزار نفر می فرستد که رمزشان به هنگام حمله امت امت است . آن گاه پیروزمی شوند و انس و الفت و نعمت و رفاه مسلمین به آن ها باز می گردد (۱) شعار یاران حضرت نیز آمده است (۲) . ۱ . روزگارهایی ج ۱ ، ص ۴۵۳ . ۲ . منتخب الاثر ، ص ۴۸۶ .

شیعه در عصر ظهور

شیعیان در عصر ظهور حضرت مهدی (ع) در طلعه یاران او هستند و در عصر ظهور به اوج اقتدار و شکوه خواهند رسید . امام صادق (ع) فرمود : شیعیان ما در حکومت قائم (ع) سروران و زمامداران زمین ، و فرمانروایان آن هستند و به هر کدام ، قدرت و نیروی چهل قهرمان داده می شود (۱) و نیز فرمود : خداوند خوف و ترس را از قلب شیعیان ما برکنده و آن را در قلب دشمنان ما جای می دهد . از این رو هر کدام از آنان برنده تر از نیزه و پرشهامت تر از شیرند . دشمنان را با سرنیزه خویش زخم کاری می زنند و به وسیله شمشیر از پای درمی آورند و پایمال می سازند . (۲) در روایات است : هنگامی که قائم (ع) قیام کند ، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما ، گسترده گی و کشش ویژه ای می بخشد تا میان آنان و مهدی ما ، واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد (۳) یا این که فرموده اند : مؤمن در عصر قائم (ع) در حالی که در مشرق است ، برادر خویش را که در مغرب است می بیند و همان گونه که در مغرب است ، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند . (۳) امام باقر (ع) فرمود : مردم ، مالیات اموال و امکانات خویش را خود به دلخواه و افتخار به سوی دولت مهدی می برند و خداوند بر شیعیان ، چنان وسعت و برکت و رفاه و امکاناتی ارزانی می دارد که اگر حقیقت سعادت و نیکبختی را نمی فهمیدند و به ارزش های اخلاقی آراسته نبودند ، مست امکانات می شدند و به طغیان و تجاوز سربرمی داشتند ، اما آنان به دلیل رشد فکری و تکامل عقلی ، خدای را سپاس می گذارند و به وظایف خویش در نهایت جدیت عمل می کنند . (۴) این روایت نشانگر اوج رشد فکری و تکامل عقلی شیعیان در عصر ظهور است . ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۲ معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۴ ص ۶۲ . بحار الانوار ، ج ۵۲ ص ۳۳۲ اختصاص مفید ص ۳۸ . کافی ، ج ۸ ص ۲۴۰ . ۴ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۵ .

یوشع بن نون

وصی حضرت موسی (ع) بود که در پاره ای از روایات ، از وی به عنوان یکی از یاران حضرت مهدی (ع) یاد شده است (۱) ۱ . تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۳۲ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۶ .

الیاس (ع)

از پیامبران مرسل است که در قرآن کریم دو بار از او یاد شده است. از حضرت الیاس و خضر (ع) به عنوان اوتادی یاد شده است که پیوسته اطراف حضرت مهدی (ع) هستند. درباره حضرت الیاس (ع) بیان کرده اند که او از جمله زندگان است و از کسانی است که خداوند به سبب حکمتی که خود می داند، عمرشان را طولانی نموده است. بر طبق نظر عده ای از مفسران که در تفسیر آیاتی راجع به وی اظهار کرده اند و تعدادی از روایات که درباره او از اهل بیت (ع) رسیده است آن حضرت زنده است و خداوند، عمر او را همچون خضر طولانی کرده و آن دو بزرگوار، هر سال در سرزمین عرفات و دیگر جاها با هم حضور پیدا می کنند. (۱)

(۱). عصر ظهور علی کورانی ترجمه عباس جلالی ص ۲۸۹.

اوتاد

جمع و تَد به معنای میخ ها است. در قرآن آمده است: و الجبال اوتادا (۱) ما کوه ها را میخ های زمین قرار دادیم. برخی با توجه به این آیه گفته اند می توان نتیجه گرفت که اوتاد، مردانی خالص اند که همچون کوه استوار و در خدمت حضرت مهدی (ع) به سر می برند. برخی از اوتاد به سی نفری که همواره در خدمت حضرت مهدی (ع) هستند و هرگاه یکی از آن ها بمیرد، فرد صالح دیگری جانشین او می شود، تعبیر کرده اند (۲) در صفت اوتاد آمده است: آنان قومی هستند که طرفه العینی از پروردگارشان غفلت نمی کنند، و از دنیا مگر قوت روزانه جمع نمی کنند و از آنان، لغزش های بکر صادر نمی شود. (۳) برخی گفته اند: اوتاد، چهار تن از اولیاء هستند که همیشه در عالم برقرارند و اگر یکی از آن ها بمیرد، دیگری به جای او می آید. (۴) در حدیث قدسی آمده که خداوند عزوجل به پیغمبرش (ص) فرمود: ای احمد آیا می دانی که چرا تو را بر سایر انبیاء برتری دادم؟ عرض کرد: نه، فرمود: به یقین، خوی نیک، سخاوت طبع و رحمتی که بر خلق داشتی و همچنین اوتاد الارض، اوتاد نشدند جز بدین صفات (۵) از این حدیث برمی آید: همچنان که کوه ها، میخ های ظاهری زمین اند (۶) که زمین با آن ها معتدل و متوازن می ماند، در عالم معنا نیز اولیاء الله، میخ های نگهدار زمین اند. ۱. سوره نباء ۷. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۳. ۳. نجم الثاقب باب نهم. ۴. معارف و معاریف، ج ۲ ص ۵۴۵. ۵. بحار الانوار، ج ۷۷ ص ۲۹. ۶. سوره نباء، ۷.

جوانان

در روایات مهدوی، از جوانان بسیار سخن رفته است. در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است که یاران اصلی قائم (ع) همگی جوان هستند و سالخورده در میان آنان اندک است به سان سرمه در چشم یا نمک در طعام، باز هم کمتر (۱). در حدیث آمده است: سید هاشمی که از فرزندان امام حسن (ع) است و با دوازده هزار سوار به حضرت مهدی (ع) می پیوندد جوان است. (۲) در احوال اهل آخر الزمان آمده است که جوانان، غنا و مشروبات را حلال می شمارند (۳)، به فسق و فجور گرایش پیدا می کنند (۴) و در بی عفتی غوطه ورنند. (۵) در روایتی آمده است: دشمنی سخت برای مردم شام صف آرایی می کند که همه ملت اسلامی برای مقابله با آن ها گرد می آیند، گفته شد: مراد شما رومیان یهود است، فرمود: آری، سپس فرمود: در آن هنگام جنگی در می گیرد و بیشتر جوانان، از اسلام برمی گردند. (۶) در حدیثی امام صادق (ع) می فرماید: در حالی که جوانان شیعه، بر پشت بام ها خوابیده اند، ناگهان آن ها را گروه گروه در یک شب و بدون وعده قبلی نزد حضرت می آورند. آن گاه همگی صبحگاه نزد حضرت گرد می آیند. (۷) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۳ غیبه نعمانی ص ۳۱۵. ۲. ملا حم ابن طاووس ص ۷۷ عقد الدرر، ص ۱۲۸ معجم احادیث الإمام المهدی (ع) ج ۳، ص ۲۷۰. ۳. الزام الناصب، ص ۱۹۵ روزگار رهایی ج ۲ ص

۷۱۹. ۴. منتخب الاثر ص ۴۲۶ تحف العقول ، ص ۴۱. ۵. روزگار رهایی ، ج ۲ ص ۷۷۸. ۶. الزام الناصب ص ۱۷۸ روزگار رهایی ، ج ۲ ص ۹۵۵. ۷. غیبه نعمانی ، ص ۳۱۶ بحارالانوار ج ۵ ص ۱۹۸ بشاره الاسلام ، ص ۱۹۸.

سلاح یاران حضرت

طبق روایتی ، سلاح یاران و سربازان حضرت از آهن است ، ولی چنان است که اگر بر کوه فرود آید ، آنرا به دو نیم می کند . امام صادق (ع) می فرماید : یاران مهدی (ع) شمشیرهایی از آهن دارند ، ولی جنس آن غیر از آهن است . اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوهی ضربه بزند ، آن را دو نیم می کند . (۱) وسایل دفاعی نیروهای حضرت به گونه ای است که اسلحه دشمن بر آنان کارگر نیست . امام صادق (ع) در این باره می فرماید : یاران مهدی (ع) اگر با سپاهیانی که بین شرق و غرب را فرا گرفته اند درگیر شوند ، آنان را در لحظه ای نابود می کنند و هرگز سلاح دشمن در آنان تأثیر نمی کند . (۲) . بحارالانوار ج ۲۷ ص ۴۱ اثبات الهداة ج ۳ ، ص ۵۲۳. ۲. بحارالانوار ، ج ۵۴ ص ۵۴.

شهادت در رکاب حضرت

چون هدف از جنگها در زمان حضرت مهدی (ع) نابودی ستمگران و تشکیل حکومت اسلامی است ، شرکت در جنگ در رکاب حضرت نیز از پاداشی چند برابر برخوردار است . امام باقر (ع) به شیعیان می فرماید : اگر شما چنان باشید که ما سفارش کرده ایم و از امر ما سرپیچی نکنید ، اگر در آن حال کسی از شما پیش از ظهور قائم ما بمیرد ، شهید خواهد بود و اگر حضرت را درک کند و در رکاب او به شهادت برسد ، پاداش دو شهید را دارد و اگر یکی از دشمنان ما را بکشد ، پاداش بیست شهید را خواهد داشت . (۱) در روایت دیگری می خوانیم : رزمنده امام ، اگر دشمن ما را بکشد ، پاداش بیست شهید را دارد و کسی که همراه قائم ما به شهادت برسد ، پاداش بیست و پنج شهید برای اوست . (۲) امیرالمؤمنین (ع) درباره شیوه رفتار امام زمان (ع) با شهیدان و خانواده آنان می فرماید : حضرت قائم (ع) پس از عملیات روانه کوفه می شود و در آن جا اقامت می گیرند . . . و هیچ شهیدی نمی ماند مگر آن که حضرت بدهی او را می پردازد و برای خانواده اش حقوق و مستمری قرار می دهد . (۳) و امّا دو آرزو در روایات ما مطلوب است : یکی ، بودن در کربلا و شهادت در رکاب حسین (ع) یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما (۴) و دیگری ، فیض جهاد و شهادت در رکاب حضرت مهدی (ع) اللهم انی أجددُ له فی صبیحة یومی هذا . . . واجعلنی من انصاره والمستشهدین بین یدیه . . . فَاُخْرِجْنی من قبری مؤتراً کفنی ، شاهرا سیفی (۵) . ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ، ص ۱۲۳ و ۳۱۷ امالی طوسی ج ۱ ص ۲۳۶. ۲. کافی ج ۲ ، ص ۲۲۲. ۳. بحارالانوار ج ۵۲ ، ص ۲۲۴. ۴. مفاتیح الجنان زیارت مطلقه امام حسین (ع) . ۵. همان دعای عهد .

اصحاب حضرت

همان ۳۱۳ نفری هستند که امیر مؤمنان و امام صادق (ع) آنان را پرچمدار یاوران آن گرامی تعبیر کرده اند و این بیانگر این واقعیت است که آنان دارای توانایی ها ، کارآیی ها ، آگاهی ها ، کفایت ها ، مدیریت ها و صلاحیت های لازم و بالایی برای فرماندهی و سازمان بخشیدن به نیروهای طرفدار حق اند . که امام صادق (ع) از آنان تعبیر به حکام الله فی ارضه (۱) می کند (۲) . ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ، ص ۳۲۶. ۲. امام مهدی (ع) از ولادت تاجپور سید محمد کاظم قزوینی ، ص ۶۰۱.

محل ظهور حضرت

در روایات متعددی آمده که مکه، محل ظهور حضرت مهدی (ع) می باشد. (۱) غیبه نعمانی، ص ۳۱۳ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۶۸.

اشخاص

جبرئیل

کلمه ای عبری به معنای "بنده خدا" است. نام فرشته وحی و از بزرگان ملائکه است که بر همه انبیاء یا اولوالعزم از آن ها، یا بر بعضی از غیر اولوالعزم نیز نازل می شده و وحی خداوند را به آن ها ابلاغ می نموده است. نقل است که وی پنجاه بار بر حضرت ابراهیم (ع) چهار صد بار بر موسی (ع)، ده بار بر عیسی (ع) و بیست و چهار هزار بار بر حضرت محمد (ص) فرود آمده است. (۱) این نام سه بار در قرآن مجید آمده است (۲) از حضرت رسول (ص) آمده است که جبرئیل از همه فرشتگان برتر است. (۳) آیه ۱۹ تا ۲۳ سوره مبارکه تکویر، تصریح است در این که فرشته وحی، پیک محترمی است و در نزد خداوند، مکانت دارد و در میان ملائک مطاع و پیش خدا، امین است و نیز صریح است در این که حضرت رسول (ص) او را بالعیان دیده است امام صادق (ع) فرمود: هرگاه جبرئیل به نزد پیامبر (ص) می آمد، مانند بردگان در برابر آن حضرت می نشست و بدون اذن، بر حضرتش وارد نمی شد. (۱) امام صادق (ع) فرمود: نخستین کسی که با قائم (ع) بیعت خواهد نمود، جبرئیل است. او در چهره پرنده سفیدی از آسمان فرود می آید و با آن حضرت دست بیعت می دهد. آن گاه یک پا بر بیت الله، و پای دیگر به بیت المقدس میگذارد و با ندای زیبا و رسایی که همگان آن را می شنوند، میگوید: اتی امر الله فلا تستعجلوه (۲) فرمان خدا رسید، پس آن را به شتاب نخواهید. (۳) مفضل بن عمر از امام صادق (ع) روایت کرده که فرموده اند: آنگاه که خداوند به حضرت قائم (ع) اجازه خروج دهد... خداوند جبرئیل را می فرستد که نزد او بیاید، جبرئیل در حجر اسماعیل نزد آن حضرت می آید و میگوید: به چه چیز مردم را می خوانی؟ حضرت دعوت خود را به او خبر می دهد. جبرئیل میگوید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت میکنم، دست خویش را برای بیعت بازکن، پس دست به دست آن حضرت میگذارد (۴) همچنین از روایاتی استفاده می شود که صدای آسمانی که از نشانه های حتمی ظهور است و مردم را دعوت به پیروی از حق میکند، ندا و صدای حضرت جبرئیل است. محمد بن مسلم روایت میکند: گوینده ای از آسمان، قائم را به نام صدا می زند، به طوری که مردم شرق و غرب آن را می شنوند و از وحشت آن، هر کس ایستاده، روی زمین می نشیند و هر کس نشسته بر می خیزد، و آن صدای جبرئیل امین است (۵) امام باقر (ع) نیز فرمود: وقتی مهدی (ع) قیام کند، جبرئیل در سمت راست او حرکت می کند (۶) پس از این که حضرت مهدی (ع) متولد شد، امام عسکری (ع) آن حضرت را به جبرئیل روح القدس که به صورت پرنده ای ظاهر شده بود، داد تا از او مواظبت کند و هر چهل روز یک بار، به نزد آن ها بیاورد (۷) ۱. معارف و معاریف ج ۴ ص ۹۴. ۲. سوره بقره ۹۷ و ۹۸ سوره تحریم ۴ سوره شعراء، ۳۰۱۹۳. بحار الانوار ج ۵۹ ص ۴۰۲۵۸. معارف و معاریف ج ۴، ص ۵۰۹۵. غیبه طوسی ۲۷۴. ۶. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۴۳. ۷. منتهی الامال باب ۱۴ فصل ۱.

سفیانی

یکی از نشانه های حتمی ظهور مصلح بزرگ جهانی خروج سفیانی است (۱) سفیانی در روایات این گونه توصیف شده است مردی است به رنگ سرخ و زرد با چشم کبود در ظاهر ذکر خدا می گوید ولی از پلید ترین و کثیف ترین مردم روزگار است و در پلیدی و خیانت جنان است که زن بچه دار خود را از ترس این که مبادا مردم را به مخفیگاه او راهنمایی کند زنده به گور می کند.

(۲) در روایتی حضرت علی (ع) فرمود: پسر هند جگر خوار سفیانی از بیابان بیرون می‌آید. او مردی متوسط القامه، قیافه اش وحشتناک و سرش ضخیم و رویش آبله دارد. اگر او را بینی خیال می‌کنی یک چشمی است، او از اولاد ابو سفیان است وی خروج می‌کند و به کوفه یا نجف می‌آید و بر منبر آن می‌نشیند. گروه کثیری را فریب می‌دهد و آنان را با خود همدست می‌نماید و مناطق: شام، دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرين را تصرف می‌نماید. (۳) وی گروه بسیاری از شیعیان را به قتل می‌رساند، (۴) سپس از ظهور حضرت مهدی (ع) اطلاع پیدا می‌کند. لشکری انبوه به سوی او می‌فرستد اما به خود امام دست نمی‌یابد و سرانجام در بیابانی بین مکه و مدینه به زمین فرو می‌روند. (۵) از امام صادق (ع) آورده اند که فرمود: گویی می‌نگرم که سفیانی در کوفه و در میدان شهر شما، بساط خویش را گسترده است و جارچی های او جار می‌زنند که: هر کس سر شیعه ای را بیاورد یک هزار درهم جایزه دارد. (۶) آنگاه است که همسایه بر همسایه می‌شورد و او را به جرم شیعه بودن سر می‌برد تا هزار درهم جایزه بگیرد. اصل خروج سفیانی، صرف نظر از ویژگی ها و قضایای جزئی، امری مسلم است، ولی این که سفیانی کیست و چه ویژگی هایی دارد و چگونه شورمی می‌کند، چندان روشن نیست. در برخی از روایات، از امام علی (ع) در مورد نام سفیانی پرسیده شده و آن حضرت، از بیان آن خودداری کرده اند (۷) حال آنکه اگر نام وی مشخص بود، دلیلی نداشت که از بردن نام وی، خودداری کند. به نظر می‌رسد، سفیانی فرد مشخصی نیست، بلکه فردی است با ویژگی های ابوسفیان، که در آستانه ظهور مهدی (ع) به طرفداری از باطل، خروج می‌کند و مسلمانان را به انحراف می‌کشاند. امام سجاد (ع) می‌فرماید: ظهور قائم (ع) از ناحیه خداوند، قطعی و خروج سفیانی نیز، قطعی است. در برابر هر قیام کننده و مصلحی، یک سفیانی وجود دارد. (۸) و یا امام صادق (ع) می‌فرماید: ما و خاندان ابوسفیان، دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابو سفیان، با پیامبر (ص) مبارزه کرد و معاویه با علی (ع) و یزید با حسین بن علی (ع) به مخالفت برخاستند و سفیانی نیز با قائم (ع) خواهد جنگید. (۹) بر اساس این روایات، سفیانی جریان باطل در بسترتاریخ است و رو در رویی بین حق و باطل در این دو خانواده، نمونه بارزی از جریان این دو خط است. پس بر فرض که سفیانی را از نسل ابو سفیان هم بدانیم، آخرین مهره این زنجیره، همان سفیانی است که در آستانه ظهور قائم (ع) خروج می‌کند. این که همزمان با خروج سفیانی از منطقه شام، یمانی و خراسانی به طرفداری از حق در ناحیه خراسان و یمن، قیام می‌کنند، نیز موید این نظر می‌تواند باشد. (۱۰) ابو سفیان، به عنوان سردمدار شرک و بت پرستی و سرمایه داری طاغوتی، هر نوع حرکت و جنبشی را که دم از عدالت، برادری و آزادی می‌زد، دشمن خود می‌دانست و با قدرت تمام در برابر آن به مبارزه برمی‌خاست. سفیانی، فردی است با این ویژگی ها که در برابر انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی (ع) خروج می‌کند. بر این اساس، در حقیقت سفیانی یک جریان است، نه یک شخص (۱۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۸۲. ۲. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۰۶. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۶ منتخب الاثر ص ۴۴۵۸. ۴. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۱۵ و ۲۲۲. ۵. همان ص ۲۳۸. ۶. غیبه طوسی ص ۲۷۳. ۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۵. ۸. همان، ص ۲۰۶. ۹. همان ۱۰. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰ و ۲۱۷. ۱۱. چشم به راه مهدی جمعی از نویسندگان مجله حوزه ص ۲۷۵.

خضر (ع)

از پیامبران مرسل بود که خداوند او را به قومش مبعوث ساخت، تا آن جان را به یکتاپرستی و اقرار به انبیاء و رسل و کتب آسمانی دعوت نماید. معجزه اش این بود که هر گاه بر چوبی خشک یا زمین بی سبزه ای می‌نشست، فوراً چوب، بر می‌آورد و زمین سرسبز می‌شد و از این جهت وی را خضر (ع) گویند. نام اصلی اش تالیا بن ملکان بن عابر بن ارفخشذ بن سام بن نوح است. از امام صادق (ع) آورده اند که... اما آن بنده صالح خدا خضر، خداوند عمر او را نه به خاطر رسالتش طولانی گردانید و نه به

خاطر کتابی که بدو نازل کند و نه به خاطر این که به وسیله او و شرت او، شریعت پیامبران پیش از او را نسخ کند و نه به خاطر امامتی که بندگان بدو اقتدا نمایند و نه به خاطر طاعتی که خدا بر او واجب ساخته بود، بلکه خدای جهان آفرین، بدان دلیل که اراده فرموده بود عمر گرامی قائم (ع) را در دوران غیبت او بسیار طولانی سازد و می دانست که بندگان بر طول عمر او ایراد و اشکال خواهند نمود، به همین جهت عمر این بنده صالح خویش خضر را طولانی ساخت که بدان استدلال شود و عمر قائم (ع) بدان تشبیه گردد و بدین وسیله اشکال و ایراد دشمنان و بداندیشان باطل گردد. (۱) بدون تردید او زنده است و هم اکنون بیش از شش هزار سال از عمر شریفش می گذرد. (۲) زندگی حضرت خضر و رفتنش به بحر ظلمات و خوردنش از آب حیات خود داستان مفصلی است که در کتب تاریخی و حدیثی به تفصیل از آن بحث شده، علاقمندان به کتب مبسوط حدیثی مراجعه فرمایند. (۳) شرکت حضرت خضر در مراسم عید غدیر در سرزمین غدیر خم و در مراسم سوگواری رسول اکرم (ص) به هنگام رحلت آن حضرت و در سوگ حضرت علی (ع) به هنگام شهادت آن حضرت در کتاب های حدیثی مشروحا آمده است. امام رضا (ع) می فرماید: حضرت خضر (ع) از آب حیات خورد، او زنده است و تا دمیده شدن صور از دنیا نمی رود، او پیش ما می آید و بر ما سلام می کند، ما صدایش را می شنویم و خودش را نمی بینیم، او در مراسم حج شرکت می کند و همه مناسک را انجام می دهد، در روز عرفه در سرزمین عرفات می ایستد و برای دعای مؤمنان آمین می گوید. خداوند به وسیله او در زمان غیبت، از قائم ما رفع غربت می کند و به وسیله او وحشتش را تبدیل به انس می کند. (۴) از این حدیث استفاده می شود که حضرت خضر (ع) جزء سی نفری است که همواره در محضر حضرت بقیه الله (ع) هستند و رتق و فتق امور به فرمان آن حضرت در دست آن هاست. (۵) ۱. کمال الدین ج ۳، ص ۳۵۷ بحار الانوار ج ۵۱، ص ۲۲۲. ۲. یوم الخلاص ص ۱۵۷. ۳. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۱۷۲-۱۷۱. ۴. کمال الدین، ج ۲ ص ۳۹۰ بحار الانوار، ج ۱۳ ص ۲۹۹. ۵. غیبه نعمانی، ص ۹۹ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۵۸.

جبر بن خابور

در برخی روایات، از وی به عنوان یکی از فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) نام برده شده است. امام صادق (ع) فرمود: جبر بن خابور، گنجینه دار معاویه بود. او مادرپیری داشت که در شهر کوفه زندگی می کرد روزی جبر به معاویه گفت: دلم برای مادرم تنگ شده است اجازه بده تا از او دیدار کنم تا کمی از حقوقی که برگردن من دارد، ادا کنم. معاویه گفت: در شهر کوفه چه کار داری در آن جا مرد جادوگری به نام علی بن ابی طالب است و اطمینان ندارم که تو را نفریبد. جبر گفت: من با علی کاری ندارم من می خواهم به دیدار مادرم بروم و حق او را به جا آورم. جبر پس از کسب اجازه عازم سفر شد. آن گاه که به شهر کوفه رسید، چون امیرالمؤمنین (ع) پس از جنگ صفین، پیرامون شهر کوفه دیده بان گماشته بود و رفت و آمدها را کنترل میکردند، دیده بانان او را دستگیر کردند و به شهر آوردند. حضرت علی (ع) به او فرمود: تو یکی از گنجینه های خداوندی. معاویه به تو چنین گفته است که من جادوگر هستم. جبر گفت: سوگند به خدا که چنین گفته است. حضرت فرمود: تو مالی همراه داشته ای که مقداری از آن را در منطقه عین التمر به خاک سپرده ای جبر این مطلب را نیز تصدیق کرد سپس امیر مؤمنان (ع) به امام حسن دستور داد تا از وی پذیرایی کند روز بعد، علی (ع) به یاران خود فرمود: این شخص در جبل الاهواز به همراه چهار هزار نفر در حالی که سلاح ها را از نیام کشیده اند، منتظرند تا قائم اهل بیت ما ظهور کند آن گاه این شخص، همراه حضرت و در رکابش با دشمنان خواهد جنگید (۱) ۱. بحار الانوار، ج ۴۱ ص ۲۹۶ به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طبری، پاورقی ص ۹۶.

از حضرت عیسی (ع) در روایات، با واژه های گوناگون مانند وزیر، جانشین، فرمانده و مسؤول در حکومت حضرت مهدی (ع) یاد شده است. حضرت عیسی (ع) به مهدی (ع) می گوید: من به عنوان وزیر فرستاده شده ام نه امیر (۱) حضرت عیسی (ع) وزیر حضرت مهدی (ع) پرده دار و جانشین آن حضرت است (۲) حضرت عیسی (ع) هنگام ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان فرود می آید و در قدس پس از اعلام بیعت با حضرت مهدی (ع) پشت سر حضرت نماز می گذارد. پس از فتح غرب توسط حضرت و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان، حضرت عیسی (ع) رحلت نموده و حضرت مهدی (ع) و مسلمانان بر پیکر او نماز می گذارند. بر طبق روایات، امام (ع) مراسم دفن و نماز خواندن بر بدن وی را آشکارا در حضور مردم انجام می دهد، تا همچون بار اول درباره او سخن ناروا نگویند. سپس پیکر پاک او را با پارچه ای که دست بافت مادرش مریم (ع) است کفن نموده و در جوار مزار شریف مادرش، در قدس به خاک می سپارد (۳) در برخی روایات آمده که حضرت عیسی (ع)، جزو فرماندهان سپاه حضرت مهدی (ع) است (۴) در ویژگی حضرت عیسی (ع) آمده است: او چنان ابهتی دارد که چون دشمن او را می بیند، به یاد مرگ می افتد؟ چنان که گویی عیسی (ع) قصد جانش را کرده است (۵) در برخی از روایات از حضرت عیسی (ع) به عنوان مسؤول دریافت اموال حضرت قائم (ع) یاد شده است فرود آمدن حضرت عیسی (ع) ۱. ملا-حم ابن طاووس، ص ۸۳ فتن ابن حماد، ص ۱۶۰. غایه المرام ص ۶۹۷ حلیه الابراج ۲، ص ۶۲۰. عصر ظهور علی کورانی، ص ۴۲۹. الشیعة والرجعه ج ۱ ص ۱۶۷. ۵. فتن ابن حماد ص ۱۶۱

پیشگویی ها

منجم یهودی

هنگام تولد حضرت ولی عصر (ع) منجمی یهودی در قم اقامت می کرد که در آن سامان شهرت بسزایی داشت. احمد بن اسحاق که از شخصیت های معروف قم و وکیل امام حسن عسکری (ع) در قم بود، پیش منجم یهودی رفت و گفت: برای ما در فلان روز مولودی به دنیا آمده است، فالی او را برای ما ببین. یهودی گفت: آن چه من از محاسبه های خود به دست می آورم، این است که او یا پیامبر خواهد بود و یا وصی پیامبر. او شرق و غرب جهان را تحت حکومت و سیطره خود در خواهد آورد. من چنین در می یابم که احدی روی زمین نمی ماند، جز این که در برابر او تسلیم می شود (۱) ۱. روزگار رهایی ج ۱، ص ۱۴۱.

پیشگویی های نوستر آداموس

برسی پیشگویی های نوستر آداموس درباره جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران: شاهزاده عرب، مریخ، خورشید، ناهید، شیر، حکومت کلیسا را از طریق دریا از پای در خواهد آورد، از جانب ایران پرشیا بیش از یک میلیون پرهیزگار به بیزانس و مصر، به سوی شمال هجوم خواهند آورد (۱) از کشور عربی خوشبخت در منطقه غنی و ثروتمند اعراب شخصی قدرتمند و مسلط بر شریعت حضرت محمد (ص) زاده خواهد شد، اسپانیا را به درد سر انداخته و بر گرانادا غرناطه مستولی می شود. از طریق دریا بر مردم نیکوزیا ظفر خواهد یافت. (۲) مرد مشرقی از محل استقرار خویش خارج خواهد شد، برای دیدار فرانسه از کوه آپونین خواهد گذشت، از فراز آسمان، از برف ها، دریاها و کوه ها گذر خواهد کرد و همگان را با عصایش مضروب خواهد کرد (۳) ادبیات رمز آلود، واژه ای است که به بهترین نحو می تواند عمق معانی شعرواره های نوستر آداموس را بیان کند چرا که طبق نظر اغلب مفسران معروف نوستر آداموس یعنی اریکاچیتهم، گی بوچک رژان شارل، دو فن برون، حداقل وقایع ذیل را می توان بدون هیچ شک و تردیدی از میان شعرواره های رمز آلود نوستر آداموس برشمرد: آتش سوزی بزرگ لندن در سال ۱۶۶۶ م اعدام

چارلز اول ، روی کار آمدن حکومت مذهبی کرامول در انگلستان ، وقوع انقلاب فرانسه ، انقلاب روسیه ، رویارویی استالین و تروتسکی پس از مرگ لنین ، اضمحلال رژیم شوروی ، اعدام لویی شانزدهم و ماری آنتوانت ، به قدرت رسیدن ناپلئون و انتخاب لقب امپراتور توسط وی ، به قدرت رسیدن هیتلر و رژیم نازی ، به قدرت رسیدن موسولینی در ایتالیا و ژنرال فرانکو در اسپانیا ، ترور کندی ، سقوط شاه ایران و وقوع انقلاب اسلامی در ایران ، رهبری امام خمینی ره از فرانسه او دقیقاً عنوان می کند که رهبر ایران از فرانسه باعث سقوط شاه ایران می شود- وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و آتشی که در برج های دوقلوی شهر جدید نیویورک ایجاد می شود و بسیاری از حوادث تاریخی دیگر از سال های ۱۵۵۵ میلادی به بعد که حدود ۴۵۰ سال را در بر می گیرد . دو محاصره ، در گرمایی سوزان ، انجام می گیرد . آن مرد ، از فشار تشنگی ، به خاطر دوفنجان مملو از آب ، کشته می شود . دژ نظامی ، مملو می شود ، و یک آرمانگرای کهنسال امام خمینی ره ، نشانه های نیرا سرزمین ایران ، را به اهالی ژنو سازمان ملل متحد نشان خواهد داد . (۴) رهبر پاریس ، اسپانیای بزرگ را اشغال می کند ، کشتی های جنگی در برابر مسلمانان محمدی ها که از پارتیا ناحیه ای در ایران و مدیا ناحیه ای در ایران برخاسته اند ، می ایستند آن مرد ، سیکلادا روپا را تاراج می کند ، و آنگاه انتظاری بزرگ در بندر یونان حکلمفرما می شود . در مجموع نوستر آداموس به این موضوع به صراحت اشاره می کند که ایران پارت ، نیرا ، پرشیا ، مدیا با کمک مسلمانان سراسر جهان ، از جمله کشورهای عربی و مخصوصاً سوریه ، عربستان سعودی و لیبی حکومت مقتدری را تشکیل می دهند و پس از جنگی مذهبی که هسته آن از لبنان شروع می شود و عمدتاً بر علیه اسرائیل است ، جهان را به تسخیر خود در می آورند و سپس جنگی جهانی و عظیم رخ خواهد داد و جهان نابود خواهد شد (۵) در هنگامه دمیدن خورشید ، آتش بزرگ ، دیده خواهد شد صدا و روشنای ، در امتداد شمال ، ادامه خواهد یافت . در میانه کره خاک ، مرگ و آوای مرگ ، کشیده خواهد شد مرگ از درون سلاح ها ، آتش و خشکسالی آنان را به انتظار خواهند نشاند . در خاتمه ، این سرزمین به واسطه جنگ جهانی سوم نابود و نامسکون خواهد شد . (۶) سرزمین مسکونی ، از سکنه خالی خواهد شد برای به دست آوردن سرزمین ها ، جدال و اختلاف شدیدی در می گیرد ، قلمرو ما به مردانی سپرده خواهد شد که از غرور و سربلندی تهی خواهند بود . سپس ، برای برادران بزرگ ، نفاق و مرگ پیش خواهد آمد . و چنین بر می آید که ایران ، جهان را ابتدا از طریق حمله به ترکیه و مقدونیه به تصرف خود در خواهد آورد : شب در آسمان ، مشعلی رو به خاموشی ، دیده خواهد شد . در مرکز رن ، جنگ و خشکسالی به بار می آید ، کمک خیلی دیر می رسد . پرشیا ایران حمله آورده و ماگدونیا و در جای دیگر می گوید : مقدونیه را به محاصره در می آورد . (۷) توای فرانسه اگر از آب های لیگوریا گذر کنی خود را ، در میانه دریا و جزایر در محاصره خواهی یافت . و پیروان محمد ، در برابر تو خواهند ایستاد . و همچنین تو ای دریای آدریاتیک استخوان خزان و اسبان را خواهی جوید (۸) و باز می گوید : آن مرد ، با سلاح ها و آتش درختان ، در نزدیکی دریای سیاه از پرشیا برای تسخیر ترا بوزان خواهد آمد . فاروس و میتیلن به لرزه در خواهد آمد خورشید ، دریای آدریاتیک را که مملو از اجساد اعراب است روشن خواهد کرد . (۹) و سپس نوستر آداموس ، عواقب جنگ اتمی و نابودی تدریجی جهان به واسطه جنگ جهانی سوم را شرح می دهد : کسوفی در پیش خواهد بود که از زمان آفرینش گیتی تا زمان مرگ و مصائب حضرت مسیح واز آن زمان تا به امروز مرکز رخ نداده است و جهان چنین ظلمتی به خود ندیده است . . . (۱۰) که در این مورد آیات مربوط به قیامت در سوره قیامت به ذهن انسان تداعی می شود : فاذا برق البصر و خسف القمر و جمع الشمس والقمر يقول الانسان يومئذ اين المفر . هنگامی که بینایی خیره می گردد ، و ماه فرو می رود ، و خورشید و ماه گرد هم آیند ، آن روز انسان می گوید : به کجا فرار کنیم مرد والامقامی از تبار عرب به زودی پیش خواهد تاخت . از سوی اهالی بیزانس به او خیانت خواهد شد . از شهر قدیمی رودس به پیشواز او خواهند آمد ، از جانب هانگری مجارستان متحمل آزار بسیار خواهد شد . (۱۱) در حوالی دریای آدریاتیک بر اثر توفانی عظیم ، کشتی غرق می شود و زمین به لرزه در آید و به سوی آسمان پرتاب می شود و دوباره فرومی افتد در مصر جنبش پیروان محمد افزایش می یابد و پیکی به آن سوی مرزها ، فرستاده می

شود تا خبر را اعلان کند شهرها آلوده و کثیف گشته ، باعث اعتراض و شرمساری زیادی خواهد شد ، و تاریکی و جهل فقط با درخشش نور از بین می رود و با تغییراتی حکومت جهل و ظلمت پا یان خواهد یافت . . . رهبری اصلی مشرق زمین با شورش های زیادی روبرو خواهد شد ، که اکثرا از طرف شمالی ها و غربی ها مغلوب شده است ، که عده ای کشته و برخی مورد آزار قرار گرفته اند و بقیه در حال گریزند و فرزندانشان که از زنان متعددی هستند ، زندانی شده اند . (۱۲) م . پ . ادوارد در کتاب خود در باب پیشگویی های نوستر آداموس نقل می کند که سانتوری هشتم ، قطعه ۶ مربوط به وقوع جنگ جهانی سوم است . . . : " جنگ و خونریزی برای مرتبه سوم حتمی است آتش به حدی است که دریاها به جوش می آید و از دولت ما فقط دو دولت و از جهان فقط نیمی باقی می ماند . . . (۱۳) شاهزاده لیبیای که نماینده حکومت ایران است در غرب به قدرت خواهد رسید ، یک فرانسوی از اعراب به شدت مکدر خواهد شد ، دانشمند ادیب ، ادبا خود را با اوضاع وفق خواهند داد ، زبان عرب بر فرانسه پیش می گیرد . . . (۱۴) در نزدیکی سوربن جهت حمله به مجارستان ، قهرمانی از اهالی برودها سیاه پوستان به آنان هشدار خواهد داد . رهبر بیزانس ، سالون از اسلاوینا ، آنان را به شریعت محمد در خواهد آورد . همچنین نوستر آداموس چنین می سراید که : امپراتوری مقدس به آلمان خواهد آمد پیروان اسماعیل جایگاه بی مانع خواهند یافت . آدم های نادان همچنان خواستار کارمانی شریعت کهنه هستند . تمامی حمایت کنندگان محمد سراسر گیتی را خواهند پوشاند (۱۵) بنابراین ، نوستر آداموس در اغلب سانتوری ها از جمله سانتوری ۵ نسبت به فتح جهان به وسیله شریعت حضرت محمد (ص) به غرب و تمدن غربی هشدار می دهد و به جهانیان اعلام می کند که روزی مسلمانان به رهبری ایران و تمدن ایرانی بر جهان مسلط خواهند شد که این بی شک در پیوند با گسترش و جهانی شدن انقلاب اسلامی ایران است . (۱۶) ۱ . سانتوری قطعه ۵/۵۵ . ۲ . قطعه ۲۹/۲ . ۳ . سانتوری ۴ قطعه ۵۹ . ۴ . سانتوری ۴ ص ۶۳/۳ . ۵ . سانتوری ۲ قطعه ۹۱ . ۶ . سانتوری ۲ قطعه ۹۵ . ۷ . سانتوری ۲ قطعه ۹۶ . ۸ . سانتوری ۳ قطعه ۲۳ . ۹ . قطعه ۲۷/۵ . ۱۰ . سانتوری ۵ قطعه ۴۷ . ۱۱ . سانتوری ۲ قطعه ۸۶ . ۱۲ . نوستر آداموس نامه به فرزند ص ۲۷۴ . ۱۳ . سانتوری ۳ قطعه ۲۷ . ۱۴ . سانتوری ۱۰ قطعه ۶۲ . ۱۵ . سانتوری ۱۰ قطعه ۳۱ . ۱۶ . نشریه موعود ، شماره ۳۷ ص ۲۷

سطیح کاهن

کاهن به معنای غیبگو است و " سطیح کاهن " یکی از مشهورترین غیبگویان تاریخ است . وی از مردم یمن بوده و همواره بر زمین افتاده بود و میگویند ۵۰ سال عمر کرده است . (۱) مرحوم علامه مجلسی در کتاب " بحار الانوار " از کتاب مشارق الانوار تألیف حافظ رجب برسی ، که از علما و محدثان شیعه است ، خبری را درباره ظهور امام زمان (ع) از سطیح کاهن بدین مضمون نقل نموده است : ذاجدن پادشاه برای استفسار از موضوعی که در آن تردید داشت به دنبال سطیح کامن فرستاد . چون سطیح آمد خواست او را امتحان کند ، لذا یک دینار در کفش خود پنهان کرد و آن گاه به وی اجازه داد که داخل شود . چون وارد شد ، شاه گفت : ای سطیح برای تو چه پنهان کرده ام سطیح گفت : در کفش خود یک دینار پنهان کرده ای شاه پرسید : این را از کجا دانستی؟ سطیح گفت : از یک نفر جن که مانند برادر ، همه جا با من همراه است . شاه گفت : ای سطیح از آن چه در روزگاران پدید می آید مرا مطلع گردان سطیح گفت : هنگامی که نیکان از میان بروند و اشرار به جاه و مقام برسند ، و مقدرات الهی را تکذیب نمایند ، و اموال را به سختی حمل کنند . . . و اختلاف کلمه پدید آید . . . ستاره دنباله داری که عرب را پریشان کند ، طلوع نماید . در آن هنگام ، باران نبارد و رودها خشک شود و اوضاع روزگار دگرگون گردد . . . آن گاه مردی از اولاد صخر (۲) خروج میکند و پرچم های سیاه را به پرچم های سرخ تبدیل می نماید و محرمات را مباح میگرداند . . . در آن موقع مهدی فرزند پیغمبر ظاهر می شود و این در وقتی است که مظلومی در مدینه و پسر عموی وی در خانه خدا کشته شود . . . او حق را به اهل حقبر گرداند و میهمانی را در میان مردم افزون گرداد و با عدالت خوی غبار ضلالت را از میان ببرد (۳) ۱ . بحار الانوار ج ۵۱ ، ص

۶۵ غیبیه طوسی ، ص ۱۳ کشف الغمه ، ج ۳ ، ص ۲۶۳ و ۲۶۷ . ۲ . صیخر : نام ابوسفیان پدر معاویه است و مقصود از او سفیانی مشهور می باشد . ۳ . بحارالانوار ج ۵۱ ص ۱۶۲

پیشگویی های واقع شده

برخی از حوادثی که احادیث ، پیشاپیش از رخ دادن آن ها پیش از ظهور خبر داده اند و وقوعشان در کتب تاریخی پس از گذشت سال ها به ثبت رسیده . پیشگویی های مطابق واقع ایشان از این قرار است : پیشگویی اول و دوم : انحراف و فساد بنی عباس ، پیامبر (ص) و ائمه (ع) درباره ویژگی های حکومت بنی عباس از جهت منحرف شدن آن ها به سمت فساد و خروج شان از مسیر حق خبر داده اند . به خوبی می دانیم که دولت بنی عباس چه بر سر ائمه (ع) و دیگر فرزندان رسول اکرم (ص) در طول تاریخ آوردند و چه آوارگی ها ، تعقیب ها و دستگیر شدن ها و ستم هایی را از آن ها چشیدند که مشهورتر از آن است که این روزما بخواهیم آن را به نگارش درآوریم . امام باقر (ع) طی حدیثی می فرماید : ... سپس بنی عباس به سلطنت می رسند و همواره در عیش و نشاط حکومت و وفور خوشی ها خواهند بود ، تا اینکه در میان آن ها اختلاف می افتد و پس از آن که دچار اختلاف شدند حکومت را از کف می دهند . (۱) لازم است به یاد داشته باشیم امام باقر (ع) پس از زوال سلسله بنی امیه به شهادت رسیدند و ۱۸ سال بعد حکومت عباسیان بر مسلمانان مسلط شدند . (۲) پیشگویی سوم : اختلاف اهل مشرق و مغرب (۳) در ادامه حدیثی که از امام باقر (ع) نقل کردیم حضرت فرمودند : و اهل مشرق و مغرب دچار اختلاف می شوند . (۴) که نمونه های بسیاری برای این اختلاف در طول تاریخ می توان یافت : مانند اختلاف اهل مشرق و مغرب برای تعیین مرزهای کشورهای اسلامی که این مسأله سابقه طولانی در میان مسلمانان دارد به طوری که بر مشرق عباسیان حکومت می کردند . و بر مغرب یا همه اندلس اسلامی حکمرانان اموی . یا اینکه در شمال آفریقا غرب دولت فاطمیان را تأسیس کردند . در هر دو حالت غرب از خلافت مشرق که در دست عباسیان بود ، جدا شده بودند . شاید هم منظور چیزی است که در عصر کنونی از زمان جنگ جهانی دوم تا الان- شاهدش هستیم که دو دولت بزرگ وجود داشته اند به طوری که یکی مدعای زعامت جمهوری ها در مشرق است و دیگری خود را فرمانروای غرب می شمرد . به هر حال اختلاف را به هر کدام از این معانی یا معانی دیگر بگیریم این اختلاف میان شرق و غرب از جمله نشانه های ظهور است و همواره شاهدش بوده ایم . این سه پیشگویی اتفاق افتاده در تاریخ آن هم پس از بیان آن حضرت (ع) و نقل محدثین در منابع شان ، خود بهترین دلیل بر صدق صدور آن از معصوم (ع) است . پیشگویی چهارم : انحراف جامعه اسلامی پیامبر اکرم (ص) بارها از انحراف در رهبری اسلامی جامعه پس از خویش خبر داده اند که از آن جمله این روایت است که ابن عباس نقل کرده که حضرت ضمن صحبت های شان از معراج ، این مطالب را از جمله علایم ظهور برشمرده اند : کافران ، فرمانروای مردم می شوند و فاجران ستمکاران سرپرست ، و ظالمان هم آنان را یاری می کنند و فاسقان هم مشاوران آن ها می شوند . در چنین زمانی سه خسف فرو رفتن پیش می آید : در مشرق ، مغرب و جزیره العرب ، بصره را هم یکی از نوادگان تو که زنگی ها از او پیروی می کنند خراب می کند . (۵) و در حدیث دیگری چنین می فرمایند : ... و پس از من ، رهبرانی خواهند آمد که به هدایت من هدایت نگرند از طریق من که هدایت است پیروی نمی کنند و به سنت من هم رفتار نمی کنند ، از میان آن ها مردانی قیام خواهند کرد که قلب های شان قلب شیطان است در کالبد انسان . این همان مسأله ای است که پس از رسول اکرم اسلام (ص) رخ داد و حکومت بر اساس مصلحت ها و یا به طور موروثی دست به دست شد . پیشگویی پنجم : شورش صاحب زنج ، جریان صاحب الزنج و قومش در تاریخ از این قرار ثبت شده است که وی شخصی بود که در سال ۲۵۵ ق مصادف با میلاد حضرت مهدی (ع) قیام کرد . نامش علی بن محمد بود و علی رقم اینکه از حیث عقاید و تفکرات با اهل بیت (ع) اختلاف داشت ، گمان می کرد که از علویان است . طی مدت ۱۵ سال در جامعه چنان فساد به راه انداخته بود که نهایتاً در سال ۲۷۰ ق دستش را به قتل عام

مردم آلوده کرد. علاوه بر انتساب خویش به علویان عمده مطلبی که در شورش خود روی آن تکیه می کرد این بود به طور اساسی به کارگران و طبقه زحمتکش جامعه، خصوصاً بندگان و غلامان تحت سرپرستی دیگران نظر داشت و از این جهت بود که به وی صاحب الزنج یا سرور بندگان لقب داده بودند. فساد زیادی در جامعه به پا کرد و دولت عباسی را به شدت به زحمت انداخت و ساکنان بصره و بسیاری دیگر از شهرها را با قتل و غارت و سرگردانی مردم تحت فشار قرار داد. این واقعه تاریخی هم خود دلیل بزرگی برای صدق حدیث و گوینده آن می باشد. پیشگویی ششم: ظهور علم در شهر قم و از جمله این احادیث، این مورد است که از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: کوفه از حضور مؤمنین خالی خواهد شد و علم از آن رخت برمی بندد، همانند ماری که به سوراخ لانه خویش خزیده باشد. سپس در شهری که به آن قم می گویند نمایان می شود و آن جا معدن علم و فضل می گردد، به طوری که هیچ مستضعفی از لحاظ دینی روی زمین باقی نمی ماند حتی عروسان حجله نشین که این جریان نزدیک ظهور قائم (ع) می باشد. (۶) این موضوع در دهه گذشته پیش آمده است و عظمت امامان (ع) را زمانی متوجه می شویم که بدانیم امام از ظهور علم دینی در قم در حالتی خبر می دهند که حتی موقعیت مکانی این شهر در زمان ایشان هنوز ناشناخته بود و ساکنان آن هم بت پرست و آتش پرست بودند و پس از گذشت قریب ۱۲۰۰ سال مرکز مطالعات و شهر علم شیعه گشت. ۱. غیبه نعمانی ص ۱۷۵. ۲. همان. ۳. همان. ۴. بشاره الاسلام ص ۵۵. تاریخ الغیبه الکبری ص ۵۹. ۶. منتخب الاثر ص ۴۴۳. یوم الخلاص ص ۴۸۰

سیمای دوران ظهور

سیمای روایات از اوضاع جهان در زمان ظهور ترسیم می کنند به ویژه از منطقه ظهور آن حضرت مانند: یمن، حجاز، ایران، عراق، شام، فلسطین، مصر و مغرب... سیمایی است کامل که بسیاری از حوادث بزرگ و کوچک و نام های اشخاص و اماکن را دربر می گیرد. روایات حاکی از این است که انقلاب و حرکت ظهور حضرت، بعد از فراهم شدن مقدمات و آمادگی های منطقه ای و جهانی، از مکه آغاز می شود و طبق بیان روایات، در سطح جهانی نبردی سخت میان رومیان- غربی ها- و ترکان و یهوداداران آن ها- که ظاهراً روس ها باشند- به وجود می آید، تا جایی که به جنگ جهانی منجر می گردد. اما در سطح منطقه در حکومت هوادار حضرت مهدی (ع) در ایران و یمن تشکیل خواهد شد... که یاران ایرانی آن حضرت، مدتی قبل از ظهور، حکومت خویش را تأسیس نموده و درگیر جنگی طولانی می شوند که سرانجام در آن پیروز می گردند. اندک زمانی پیش از ظهور آن بزرگوار در میان ایرانیان دو شخصیت، با عنوان سید خراسانی، رهبر سیاسی، و شعیب بن صالح، رهبر نظامی ظاهر شده و ایرانیان تحت رهبری این دو تن، نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفاء خواهند نمود. اما یاران یمنی وی، قیام و انقلاب آنان چند ماه پیش از ظهور حضرت بوده و ظاهراً ایشان در سامان بخشیدن به خلافت سیاسی که در حجاز به وجود می آید همکاری می نمایند. علت به وجود آمدن این خلافت سیاسی حجاز، این است که شاه نابخردی از خاندان فلان!- که آخرین پادشاه حجاز می باشد- کشته شده و بر سر جانشینی او اختلاف به وجود می آید، به گونه ای که این اختلاف تا ظهور مهدی (ع) ادامه خواهد یافت. در این هنگام نشانه های ظهور حضرت آشکار شده و شاید بزرگترین نشانه آن، ندای آسمانی است که به نام او در بیست و سوم ماه رمضان شنیده می شود. طبق روایات پس از این ندای آسمانی حضرت به طور سری برخی از یاران و هواداران خود ارتباط برقرار می نماید. درباره حضرت، در سراسر جهان سخن بسیار به میان آمده و نام وی زبانزد همگان گشته، و محبتش در دل ها جای می گیرد. دشمنان وی از ظهور آن حضرت سخت بیمناک شده و از این رو برای دست یافتن به او تلاش می کنند... در میان مردم شایع می شود که آن حضرت در مدینه منوره اقامت گزیده، و حکومت حجاز یا نیروهای خارجی، جهت کنترل اوضاع داخلی حجاز، و پایان دادن به کشمکش قبائل با حکومت وقت، لشکریان سفیانی را از سوریه به یاری می طلبند. این سپاه وارد

مدینه شده و به هر مرد هاشمی که دست یابند او را دستگیر می کنند . بسیاری از آنان و شیعیان آن ها را کشته و بقیه را به زندان می افکنند . سپس آن حضرت در شهر مکه با بعضی از یاران خود تماس می گیرد تا این که قیام و حرکت مقدس خویش را در شب دهم محرم بعد از نماز عشاء از حرم شریف همگی آغاز می کند . آن گاه نخستین سخنرانی خود را برای مردم مکه ایراد می فرماید که دشمنان وی سعی در ترور آن حضرت دارند ، اما یاران آن حضرت با در میان گرفتن آن بزرگوار ، دشمنان را متفرق ساخته ، و نخست بر مسجد الحرام و سپس بر مکه تسلط می یابند . در صبح روز دهم محرم ، حضرت مهدی (ع) پیام خود را به زبان های مختلف به تمام جهان ابلاغ می کند و ملل دنیا را به یاری خویش دعوت کرده ، اعلام می دارد که در مکه خواهد ماند ، تا معجزه ای که جد گرامی اش حضرت مصطفی (ص) وعده فرموده ، و آن فرو رفتن لشکریان سفیانی به زمین است - که برای در هم شکستن حرکت آن حضرت راهی مکه می شوند - به وقوع پیوندد . پس از اندک زمانی ، معجزه وعده داده شده در مورد سپاه سفیانی - که در مسیر مکه به حرکت در آمده اتفاق می افتد . آن حضرت پس از این معجزه ، با سپاه خود که بیش از ده هزار نفر است از مکه رهسپار مدینه می شود و پس از نبرد با نیروهای دشمن ، مدینه را آزاد ساخته و با آزادسازی دو حرم مکه و مدینه ، فتح حجاز و تسلط بر منطقه خاتمه می یابد . در برخی از روایات آمده است که آن حضرت ، پس از پیروزی بر حجاز راهی جنوب ایران می شود و در آن جا با سپاه ایران و توده های مردم آن سامان به رهبری خراسانی و شعیب بن صالح برمی خورد . آنان با وی بیعت کرده و با قوای دشمن در بصره به پیکار می پردازند که سرانجام به پیروزی آشکاری دست می یابند . سپس امام وارد عراق گردیده و اوضاع داخلی آن جا را پاکسازی می کند و با درگیری با بقایای نیروهای سفیانی آن ها را شکست داده و به قتل می رساند . آن گاه عراق را مرکز حکومت و کوفه را پایتخت خود قرار می دهد و بدین سان یمن ، حجاز ، ایران و عراق یکپارچه تحت فرمانروایی آن حضرت درمی آید . از روایات برمی آید : نخستین جنگی که حضرت پس از فتح عراق به آن اقدام می کند جنگ با ترکان است که آن ها را شکست می دهد . امام پس از تجهیز ، سپاه بزرگش را راهی قدس می گرداند ، در این هنگام با سپاه سفیانی درگیر نبردی سخت می شوند ، نبردی که محورهای ساحلی آن از عکا در فلسطین گرفته تا انطاکیه در ترکیه و در داخل از طبریه شهر و دریاچه ای است در فلسطین تا دمشق و قدس را فرا می گیرد در این هنگام خشم الهی بر نیروهای سفیانی و یهودی و رومی فرود آمده و به دست مسلمانان کشته می شوند و مسلمانان پیروزمندانه وارد قدس می گردند . غریبان مسیحی وقتی مواجه با شکست یهودیان به دست باکفایت حضرت می شوند ، خشمگین شده و علیه حضرت اعلان جنگ می کنند؟ ولی ناگاه حضرت مسیح (ع) از آسمان و قدس فرود آمده و با سخنان خویش جهانیان و به ویژه مسیحیان را مورد خطاب قرار می دهد . فرود آمدن حضرت مسیح (ع) برای جهان نشانه ای است که موجب شادی مسلمانان و ملت های مسیحی خواهد گردید . بسیاری از غربی ها به آیین اسلام گرویده و حضرت مهدی (ع) را مورد حمایت و تأیید خویش قرار می دهند . اما رومیان به جهت اینکه حضرت مسیح (ع) موج همبستگی مردمی در میان ملت ها ایجاد کرده ، وحشت زده شده و در یک هجوم ناگهانی با نزدیک به یک میلیون سرباز به سرزمین شام و فلسطین یورش می آورند . در این یورش ، نیروهای اسلام رویاروی آن ها قرار گرفته و حضرت مسیح (ع) موضع خود را با حضرت مهدی (ع) هماهنگ اعلام کرده و پشت سروی در قدس نماز می گذارد . نبرد با رومیان روی می دهد و شکستی سخت متوجه رومیان می گردد . پس از این ، دروازه های پیروزی جهت فتح کردن اروپا و غرب مسیحیت ، به روی آن حضرت گشوده می شود . پس از فتح غرب توسط حضرت و در آمدن آن تحت فرمانروایی آن حضرت و اسلام آوردن بیشتر مردم آن سامان ، حضرت مسیح (ع) رحلت نموده و حضرت مهدی (ع) و مسلمانان بر پیکر او نماز گزارده و او را در جوار مزار شریف مادرش در قدس به خاک می سپارد . پس از فتح جهان توسط آن حضرت و یکپارچگی تمام دولت های جهان به صورت یک حکومت اسلامی ، حضرت برای تعالی بخشیدن و شکوفایی زندگی مادی و رفاه همگان قیام نموده و جهت گسترش فرهنگ و دانش مردم می کوشد . در زمان حضرت ، پای ساکنان زمین به سوی ساکنان کرات گشوده می شود . بعد از آن شماری از پیامبران

وامامان (ع) به زمین باز خواهند گشت و تا هر زمان که اراده حق تعالی باشد، فرمانروایی خواهند نمود و این امر از نشانه های رستاخیز و مقدمات آن است. به نظر می رسد که جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او یک حرکت انحرافی و بهره گیری از پیشرفت علوم باشد که در زمان حضرت، جامعه بشری به آن دست می یابد. دجال از روش های پیشرفته، برای فریب جوانان پسر و دختر و زنان که بیشتر پیروان او را تشکیل می دهند استفاده می کند. از این رو موجی از فتنه و آشوب به وجود می آورد که مردم فریبکاری های او را باور می کنند، اما حضرت مهدی (ع) (نیرنگ) های وی را آشکار ساخته و به زندگی او و هوادارانش خاتمه می دهد. این دورنمایی کلی از حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) بود. (۱) ۱. عصر ظهور علی کورانی ص ۲۳.

قیام

هدف قیام

در بین روایات مربوط به ابعاد مسأله مهدویت، روایاتی عهده دار تبیین هدف قیام امام عصر (ع) می باشند که به طور کلی شاید بتوان این روایات را به دو دسته تقسیم کرد: الف: روایاتی که هدف ظهور آن حضرت را پرکردن جهان از عدل و داد یملاً الأرض قسطاً و عدلاً و امور مربوط به آن معرفی می کنند که برخی ۱۲۳ روایت و برخی دیگر ۱۳۲ روایت از مراجع شیعه و سنی در این باره شمرده اند. ب: روایاتی که هدف ظهور آن حضرت را انتقام خون ابا عبدالله (ع) یا انتقام پیامبران و... شمرده و آن حضرت را الطالب بدم المقتول کربلا و امثال آن معرفی می نماید. امام صادق (ع) در ذیل حدیثی طولانی در وصف یاران آن حضرت آورده است: و شعار آنان این است ای خونخواهان حسین (ع) یالثرات الحسین (ع). اکنون این سؤال مطرح است که هدف قیام آن عصاره هستی و یگانه عصر، کدام امر است؟ یکی از این دو، یا هر دو؟ مدعا این است که آن یگانه عصر در هدف هم یگانه است؟ هدف او یک چیز بیشتر نیست، آن هم انتقام خون امام حسین (ع) که خود عین برقراری قسط و عدل جهانی است برقراری قسط و عدل جهانی، همان انتقام خون حسین (ع) است و بالعکس. آن چه در روایات درباره انتقام امام عصر (ع) از قاتلین ابا عبدالله (ع) آمده است مراد از انتقام، کشتن جانیان کربلا نیست آنها را مختار ثقفی و امثال او کشتند و از آنها چیزی امروز باقی نمانده است تا کشته شوند. همانا انتقام او واژگونی مخروط امارت جور است که تا عصر ظهور به شکل عظیمی تنومند شده و عالم را گرفته است و نشانه آن هم پر شدن دنیا از ظلم و جور و فساد و تباهی است که از نشانه های حتمی ظهور آن حضرت است. از این رو خصوصیت اصلی دولت کریمه امام عصر (ع) تعزبها الاسلام و اهله و تذلل بها النفاق و اهله است. یعنی با قرار گرفتن امام عادل در رأس مخروط امامت جهانی عدل جامع زیر مجموعه های این امام همام هم، عادل خواهند بود و آن ها اهل واقعی اسلام اند و با این مخروط امامت است که با جریان عدل اخلاقی در پیکره آن و درک صحیح قانون الهی عدل جامع قرآن و عمل به آن، کار دنیا به سوی عدل و قسط ره خواهد پیمود و این نقطه جمع انتقام خون حسین (ع) و اقامه قسط و عدل توسط امام عصر (ع) می باشد. (۱) ۱. نشریه موعود شمار ۱۹۰ ص ۶۵

ایام الله

در آیه پنجم سوره مبارکه ابراهیم آمده است: ... و ذکرهم بایام الله از امام محمد باقر (ع) روایت است که ایام الله سه روز است: روز قیام قائم (ع)، روز رجعت و روز قیامت. (۱) این حدیث به همین تعبیر از امام صادق (ع) نیز روایت شده است. (۲) و در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز آمده که "ایام الله" سه روز است: روز قیام قائم (ع)، روز مرگ و روز رستاخیز (۳) ۱. ینابیع الموده ج ۳ ص ۲۴۲. المحجّه ص ۲۲۵. خصال صدوق ص ۱۰۸ تفسیر صافی ج ۴ ص

حارث بن حارث

از قیام کنندگان پیش از قیام حضرت مهدی (ع) است رسول اکرم (ص) فرمود: مردی از ماوراء النهر قیام خواهد کرد که به او "حارث بن حارث" گفته می شود. فرمانده سپاه او مردی است که به وی منصور گویند. او حکومت را برای آل محم (ع) آماده می کند، هم چنان که قریش برای رسول خدا (ص) زمینه حکومت را فراهم کرد بر هر فرد مسلمان مؤمن واجب است وی را یاری دهد. (۱) ۱. عقد الدرر ص ۱۳۰، به نقل از فرهنگ موعود حسین کریمشاهی ص ۷۷.

سیف

به معنای شمشیر است و بر اساس روایات، قیام حضرت با شمشیر است. امام سجاد (ع) در حدیثی فرمود: در قائم ما نشانه هایی از هفت پیامبر وجود دارد... و اما نشانه اش از حضرت محمد (ص) خروج او با شمشیر است. (۱) امام صادق (ع) نیز فرمود:.. فاذا كان وقت خروجه يكون له سيف مغمود ناداه السيف قم يا ولي الله فاقتل اعداء الله (۲) چون زمان ظهور او فرا رسد، شمشیرش که در غلاف است او را صدا می زند: ای ولی خدا برخیز و دشمنان خدا را طعمه شمشیر کن.. امام باقر (ع) می فرماید: لیس شانه الا السيف (۳) او فقط شمشیر را می شناسد. و نیز امام صادق (ع) می فرماید: یکفون سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل (۴) یاران قائم شمشیرهای خویش را بر زمین نمی نهند تا این که خداوند راضی شود. در دعای عهد نیز از خداوند می خواهیم ما را از یاران حضرتش قرار دهد و اگر پیش از زمان او مردیم، ما را از قبر بیرون آورد در حالی که شمشیر را از غلاف بیرون آورده ایم: واجعلنی من انصاره فاخرجنی من قبری مؤتراً کفنی، شاهراً سیفی (۵) در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که: یاران حضرت مهدی (ع) شمشیرهایی دارند که بر هر شمشیری، کلمه ای و از هر کلمه، هزار کلمه مفتوح می شود (۶) در پاره ای روایات، از حضرت به صاحب السیف تعبیر شده است. (۷) ۱. کمال الدین ج ۱ ص ۴۳۸ بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۷۲. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴. ۳. غیة نعمانی ص ۲۳۳ کمال الدین ج ۱، ص ۳۳۱. ۴. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۷. ۵. مفاتیح الجنان، دعای عهد. ۶. نجم الثاقب باب سوم. ۷. اصول کافی ج ۱ ص ۵۳۶

اولین دادگاه پس از ظهور

بر طبق برخی روایات، نخستین دادگاهی که در دولت حقه حضرت مهدی (ع) تشکیل می شود، برای بررسی خون به ناحق ریخته شده محسن حضرت فاطمه (ع) است. (۱) ۱. روزگار رهایی، ج ۲ ص ۱۰۷۰.

پرچم پیش از قیام

در پاره ای روایات آمده است که هر پرچمی پیش از قیام قائم برافراشته شود، پرچمدار آن طاغوت است. (۱) برخی افراد از این روایات، برای مشروع نبودن تشکیل حکومت در عصر غیبت کبری استفاده کرده اند. حتی برخی، از روایت امام سجاد (ع) که می فرماید: به خدا سوگند، هیچ یک از ما، پیش از قیام خروج نمی کند، مگر این که مثل او، مانند جوجه ای است که پیش از محکم شدن بال هایش، از آشیانه پرواز کرده باشد. در نتیجه کودکان، او را گرفته و با او به بازی می پردازند (۲)، نتیجه گرفته اند که قیام برای تشکیل حکومت اسلامی، نه تنها بی نتیجه است که گرفتاری و ناراحتی اهل بیت (ع) را نیز پی دارد. در جای خود پاسخ داده شده است که این روایت اولاً: اصل جواز قیام را رد نمی کند، بلکه پیروزی را نفی می کند، زیرا اگر نفی جواز کنند، قیام امام حسین (ع) و قیام زید بن علی و حسین بن علی شهید فخر و... را محکوم کرده اند، با این که بدون تردید

این قیام ها مورد تأیید ائمه (ع) بوده است . ثانیاً : عدم پیروزی قیام ، دلیل بر نفی تکلیف به قیام نیست . مشروع بودن یا نبودن تشکیل حکومت در عصر غیبت ، همراه با موافقان و مخالفان و ادله آن ها ، در جای خود بحث شده است . ۱ . وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۷ ، مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ص ۳۴ . ۲ . وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۶ ، مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۳۷ .

روز قیام

روایات گوناگونی درباره روز قیام حضرت مهدی (ع) وجود دارد . در برخی از " نوروز " به عنوان روز آغاز قیام یاد شده است . برخی احادیث روز عاشورا " را روز قیام ذکر کرده و تعدادی از روایات روز شنبه و در تعدادی دیگر ، جمعه روز قیام تعیین شده است در هر زمانی نوروز با عاشورا اشکالی به نظر نمی رسد و یکی شدن این دو روز ممکن است و هر زمانی این در روز با جمعه یا شنبه نیز ممکن است . اما آن چه مشکل است ذکر دو روز هفته جمعه و شنبه به عنوان روز قیام است . اگر سند این روایات صحیح باشد ، در این صورت احادیثی که جمعه را روز ظهور حضرت تعیین کرده است ، بر روز قیام و ظهور حمل می شود و روایاتی که شنبه را روز قیام می داند بر استقرار و تثبیت نظام الهی و نابودی مخالفان تفسیر می شود . اما روایاتی که شنبه را روز قیام می داند از نظر سند مورد تأمل است . (۱) ۱ . چشم اندازی به حکومت مهدی (عج) نجم الدین طوسی ص ۶۳ .

شعار پرچم قیام

هر حکومتی دارای پرچمی است که به وسیله آن شناخته می شود و قیام ها و انقلاب ها نیز از پرچم مخصوصی برخوردارند که آرمان تا حدودی نمایانگر اهداف رهبرانش می باشد . انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) نیز پرچم مخصوصی دارد و بر آن شعاری نقش بسته است . هر چند درباره شعار پرچم آن حضرت اختلاف است ، ولی نکته ای در همه اقوال مشترک است و آن این که مردم را به فرمانبری از حضرتش دعوت می کند . در روایتی آمده است : بر روی پرچم حضرت مهدی (ع) نوشته شده است : گوش شنوا داشته باشید و از حضرتش اطاعت کنید . (۱) در جای دیگری می خوانیم : شعار پرچم مهدی (ع) ، البیعه لله بیعت مخصوص خدا است می باشد (۲) ۱ . بحار و الانوار ج ۵۲ ، ص ۳۰۵ اثبات الهداء ج ۳ ص ۵۸۲ . ۲ . فتن ابن حماد ص ۹۸ الشیعه والرجعه ، ج ۱ ص ۲۱۰ .

نشانه های ظهور

نشانه ها در طبیعت

گرسنگی

از نشانه های پیش از ظهور حضرت ، گرسنگی ذکر شده است . محمد بن مسلم می گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود : " پیش از ظهور حضرت قائم (ع) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه هایی است " گفتم : خدا مرا فدای تو گرداند ، آن نشانه ها کدام است؟ فرمود : آن ها همان گفته خداوند است که فرمود : و لبونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والافس والثمرات وبشر الصابرين (۱) و شما مؤمنان را به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی ها و جان ها و میوه ها می آزماییم ، پس صابران را مژده ده . آنگاه فرمود : " خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت شان می آزمايد و مراد از گرسنگی ، گرانی قیمت هاست ۱ . سوره بقره ۱۵۵ .

ابر سخت

به ابرهایی گویند که در آن رعد و برق و آذرخش و صاعقه باشد. امام باقر (ع) فرمود: ابر سخت، برای حضرت صاحب (ع) ذخیره شده است. هرگاه ابری چنین بود، صاحب شما بر آن سوار است. بی شک او سوار بر ابر می شود و با آن به سوی آسمان بالا می رود و آسمان ها و زمین های هفتگانه را می پیماید. (۱) امام صادق (ع) فرمود: خداوند ذوالقرنین را در انتخاب بین دو ابر سخت و رام مخیر کرد. او ابر رام را برگزید. و اگر ابر سخت را بر می گزید، اجازه استفاده از آن را نداشت، زیرا خداوند، ابر سخت را برای حضرت قائم (ع) ذخیره کرده است. (۲) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ بصائر الدرجات ص ۴۰۹ اختصاص مفید ص ۱۹۹. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۲ اختصاص مفید ص ۳۲۶ غایه المرام ص ۷۷.

باران های فراوان

از نشانه های ظهور ذکر شده است. در سال ظهور، باران های پیاپی زمین را آباد و سبز می کند و وضع مردم بهتر می شود. امامان (ع) در تبیین نشانه های ظهور و خبر دادن از رخدادهای آن روزگار، از این واقعه نیز یاد کرده اند. امام صادق (ع) می فرماید: در آستانه قیام مهدی (ع) سالی پر باران خواهد بود که در اثر آن، خرما بر روی نخل می پوسد. پس در این تردیدی به خود راه ندهید. (" ۱) و نیز می فرماید: و چون هنگام ظهور مهدی (ع) نزدیک شود، در تمام ماه جمادی الاخر و ده روز نخست ماه رجب، بارانی بر مردم ببارد که تا آن هنگام، مانند آن را ندیده باشند. . . . (۲) این نشانه را بزرگانی مانند شیخ مفید، شیخ طوسی و طبرسی در ردیف نشانه های ظهور آورده اند، ولی باید توجه داشت که روایت طبرسی و مفید مرسله است و روایت شیخ طوسی نیز ضعیف است. (۳) و اما درباره عصر ظهور حضرت مهدی (ع) آورده اند که: خداوند، برای مهدی (ع) برکت را از آسمان فرو می فرستد. (۴) آسمان، بارانی می بارد که زمین، محصول خود را آشکار می سازد و مردم در حکومت آن حضرت از نعمتی برخوردار می شوند که هرگز مانند آن را ندیده اند. (۵) در دولت او، آب ها فراوان می شود و رودخانه ها بالا می آید، (۶) چشمه ها می جوشد، و زمین چند برابر محصول می دهد. (۷) ۱. غیبه طوس ص ۴۴۹. ۲. اعلام الوری ص ۲۹۰ و ۴۳۲ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷. ۳. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۲۵۰. ۴. ملاحم ابن طاووس ص ۷۱ و ۱۴۱ عقد الدرر ص ۱۶۹. ۵. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۵ اثبات الهداء ج ۳ ص ۵۲۴ احقاق الحق ج ۱۹ ص ۶۵۵. ۶. عقد الدرر ص ۷۸۴ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴ اختصاص مفید ص ۲۰۸.

صورتی در خورشید

از نشانه های آخرالزمان، ظاهر شدن صورتی در قرص خورشید ذکر شده است. مردم سیمای مردی را در قرص خورشید خواهند دید که نام و نشان او را خواهند شناخت. این نشانه پرشکوه در عهد سفیانی خواهد بود و در آن هنگام سپاه سفیانی و خود سفیانی هلاک خواهند شد. (۱) صاحب کتاب روزگار رهایی می نویسد: منظور از سیمای مردی که در قرص خورشید ظاهر خواهد شد، سیمای حضرت مسیح (ع) است که در خورشید ظاهر می شود و از آسمان فرود می آید و با حسب و نسبش شناخته می شود و دیگر کسی در حق او دچار تردید، (۲) نمی شود. در حدیث دیگری آمده است: صورت و سینه ای در قرص خورشید برای مردمان ظاهر می شود. (۳) در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: سه بانگ آسمانی در ماه رجب شنیده می شد: ۱. آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمگران باد، ۲. ای گروه مؤمنان رستاخیز نزدیک است، ۳. بدن انسانی به وضوح در قرص خورشید دیده می شود که با صدای رسا بانگ بر می آورد: هان ای مردم خداوند فلانی، پسر فلانی. . . . سلسله نسب حضرت قائم (ع) را تا

حضرت علی (ع) می رساند را برانگیخت . (۴) ۱ . ارشاد مفید ص ۳۳۸ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۰ اعلام الوری ص ۴۲۸ .
روزگار رهایی ج ۲ ص ۳۸۴۵ . همان ص ۸۴۶ . ۴ . غیبه طوسی ص ۲۶۸ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۹ منتخب الاثر ص ۴۲۲ .

ملخ سرخ

از نشانه های پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) ظاهر شدن ملخ هایی سرخ فام در فصل خود و در خارج از فصل خود است که بر زراعت و غلات هجوم می برند و موجب کمی محصول می گردند (۱) در روایتی آمده است : یمن با هجوم ملخ و ستم زمامداران خراب می شود . (۲) و در روایت دیگری خرابی چین ، از ملخ ذکر شده است . ۱ . غیبه نعمانی ص ۱۴۸ الزام اناصب ص ۱۸۵ . ۲ . بشاره الاسلام ص ۴۳

سرخی آسمان

پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق آسمان ، از نشانه های ظهور مهدی (ع) یاد شده است . (۱) این رخداد ممکن است انعکاس پرتو خورشید در افق یا فضا باشد و این از آثار و نشانه های خشم خدا بر زمینیان است که نظیر آن در عاشورا پس از شهادت امام حسین (ع) پدیدار شده است . ابوالعلاء در این مورد می گوید : بر افق آسمان دو شاهد از خون مقدس علی (ع) و فرزندش موجود است (۲) در روایتی آمده است : قائم قیام نمی کند ، جز هنگامی که چشم دنیا در آورده شود و سرخی آسمان پدید آید که آن ها اشک های خونبار حاملان عرش است که برای مردم زمین از چشم آسمان می بارد (۳) ۱ . ارشاد مفید ص ۳۵۶ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۰ . ۲ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۴۹۵ . ۳ . غیبه نعمانی ص ۷۴ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۶ الزام الناصب ص ۱۷۹ .

صورتی در ماه

در روایت است : سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می شود نشانه ای پیش از آن در ماه رجب دیده می شود . گفته شد : آن نشانه چیست فرمود : سیمایی در قرص ماه دیده می شود ، دست و کف دست روشنی در فضا ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند و ندایی از آسمان بلند می شود و همه مردم روی زمین آن را می شنوند . (۱) ۱ . غیبه نعمانی ص ۱۳۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۳ ارشاد مفید ص ۳۳۷ .

مکانها

ارمنیه

ارمنیه در آسیای صغیر و محدود به کوه های آرارات ، قفقاز ، ایران ، ترکیه و رود فرات می باشد و روزگاری حکومتی مستقل داشت و پس از انقراض امپراتوری بیزانس ، این سرزمین بین ایران ، روس و عثمانی ها تقسیم شد امیر المومنین (ع) درباره گشودن ارمنیه به دست حضرت مهدی (ع) می فرماید : ... حضرت مهدی (ع) به حرکت خود ادامه می دهد تا به ارمنیه می رسد . چون مردم آن سرزمین او را می بینند ، یکی از راهبان دانشمند را برای مذاکره ، خدمت حضرت می فرستند . راهب به امام می گوید : آیا مهدی تو هستی؟ حضرت می فرماید : آری ، منم آنکه نامم در انجیل آمده است و بشارت داده شده که در آخر الزمان

ظهور می کنم . او پرسش هایی را مطرح می کند و امام پاسخ می دهد . راهب مسیحی ، اسلام می آورد ، ولی ساکنان ارمنیه ، تمرد می کنند . پس از آن ، سپاهیان حضرت وارد شهر می شوند و پانصد هزار نفر از نیروهای مسیحی را نابود می سازند . . . پادشاه ارمنیه از ترس می کریزد و به اطرافیانش نیز دستور می دهد به پناهگاهی بروند . در بین راه ، شیری راه را بر آنان می بندد و آنان هراسان ، سلاح ها و اموالی را که به همراه دارند ، می اندازند . . . (۱) ۱ . الشیعة والرجعة ج ۱ ص ۱۶۲ به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی عج طوسی ص ۱۲۶

اوضاع اجتماعی

فقیهان

عالمان و فقیهان ، حافظان دین خدا در روی زمین اند و راهنمایی و ارشاد مردم در دست آنان است . آنان با تحمل زحمات ، مسائل دینی را از منابع شرعی استخراج کرده ، در دسترس مردم قرار می دهند ، ولی در آخر الزمان وضع دگرگون می شود و عالمان روزگار بدترین عالمان خواهند بود رسول خدا (ص) در این باره می فرماید : فقیهان آن روزگار ، بدترین فقیهانی اند که در زیر آسمان به سر می برند . فتنه و آشوب ، از آنان آغاز می شود و به آنان نیز باز می گردد . (۱) ۱ . بحارالانوار ج ۵۲ ، ص ۱۹۰ ثواب الاعمال ص ۳۰۱ .

کساد

از ویژگی های پیش از ظهور ذکر شده است . در حدیثی امام صادق (ع) پس از قرائت آیه ۱۵۵ ام سوره مبارکه بقره و نبلونکم بشیء من الخوف والجوع . . . فرمود : خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت شان می آزماید و مراد از گرسنگی ، گرانی قیمت هاست و منظور از کمی دارایی ها ، کساد تجارت و کمبود درآمد است . (۱) ۱ . کمال الدین ج ۲ ۶۵۰ غیبه نعمانی ص ۲۵۰ .

مفاسد آخرالزمان

مفاسدی که در آستانه انقلاب حضرت مهدی (ع) فراگیر می شود ، بسیار است . امام صادق (ع) در روایتی ، نوع مفاسدی که در آخر الزمان رایج می شود و بعضی از آن ها جنبه اجتماعی و سیاسی ، و بعضی جنبه اخلاقی دارد را پیش بینی کرده است . حضرت می فرماید : ۱ . آنگاه که دیدی حق مرده و اهل حق از میان رفتند . ۲ . ستم همه جا را فراگرفته است . ۳ . قرآن فرسوده شده ، و بدعت هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن آمده است . ۴ . دین بی محتوا شده ، همانند ظرفی که آن را واژگون می سازند . ۵ . اهل باطل بر اهل حق بزرگی می جویند . ۶ . دیدی که شر آشکار است و از آن نهی نمی شود ، و هر که کار زشت انجام دهد ، معذورش می دارند . ۷ . فسق آشکار گردیده و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند . ۸ . شخص مؤمن ، سکوت اختیار کرده و سخنش را نمی پذیرند . ۹ . شخص فاسق دروغ می گوید ، و کسی دروغ و افترایش را بر او باز نمی گرداند . ۱۰ . بچه کوچک ، مرد بزرگ را خوار می شمارد . ۱۱ . پیوند خویشاوندی بریده می شود . ۱۲ . هر که را به کار بد بستانند ، خوشحال می گردد . ۱۳ . پسر بچه همان می کند که زن می کند . ۱۴ . زنان با زنان تزویج می نمایند . ۱۵ . مداحی و چاپلوسی فراوان شده است . ۱۶ . مرد ، مال خود را در غیر راه طاعت خدا خرج می کند و کسی از او جلوگیری نکند . ۱۷ . چون شخص مؤمنی را ببیند

از کوشش و تلاش او به خدا پناه برد . ۱۸ . همسایه ، همسایه خود را اذیت می کند و مانعی برای او در این کار نباشد . ۱۹ . کافر خوشحال است ، از آن چه در مؤمن می بیند و شاد است از این که در روی زمین فساد و تباهی بیند . ۲۰ . آشکارا شراب بنوشند ، و برای نوشیدنش گرد هم آیند ، کسانی که از خدای عزوجل نمی ترسند . ۲۱ . امر به معروف کننده خوار است . ۲۲ . فاسق در آن چه خدا دوست ندارد ، نیرومند و ستوده است . ۲۳ . اهل قرآن و هر که آنان را دوست دارد ، خوار است . ۲۴ . راه خیر بسته شده و راه شر مورد توجه قرار گرفته است . ۲۵ . خانه کعبه تعطیل شده و دستور به ترک آن داده می شود . ۲۶ . مرد به زبان می گوید ، آن چه را که عمل به آن نمی کند . ۲۷ . مردان خود را برای استفاده مردان فربه می کنند و زنان برای زنان . ۲۸ . زندگی مرد از پس او اداره می گردد و زندگی زن از فرج او . ۲۹ . زنان مانند مردان برای خود انجمن ها ترتیب می دهند . ۳۰ . در میان فرزندان عباس کارهای زنانگی آشکار گشته و خود را مانند زنان زینت می کنند ، همان طور که زن برای جلب نظر شوهرش خود را آرایش می کند . ۳۱ . به مردها پول می دهند که با آن ها یا زنانشان عمل نامشروع انجام دهند . ۳۲ . شخص متمول از شخص با ایمان عزیزتر است . ۳۳ . رباخواری آشکار است و رباخوار مورد ملامت قرار نمی گیرد . ۳۴ . زنها به عمل زنا افتخار می کنند . ۳۵ . زن برای نکاح مردان با شوهر خود همکاری می کند . ۳۶ . بیشتر مردم و بهترین خانه ها آن باشد که به زنان در هرزگی شان کمک می کنند . ۳۷ . مؤمن به خاطر ایمانش غمناک و پست و خوار می گردد . ۳۸ . بدعت و زنا آشکار می گردد . ۳۹ . مردم به شهادت ناحق اعتماد می کنند . ۴۰ . دستورات دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر می گردد . ۴۱ . حلال تحریم شود و حرام مجاز . ۴۲ . مردم چنان در ارتکاب گناه جری شده اند که منتظر رسیدن شب نیستند . ۴۳ . مؤمن نمی تواند کار بد را نکوهش کند ، جز با قلب . ۴۴ . مال کلان در راه غضب الهی خرج می شود . ۴۵ . زمامداران به کافران نزدیک می شوند و از نیکان دوری می گزینند . ۴۶ . والیان در داوری رشوه می گیرند . ۴۷ . پست های حساس دولتی به مزایده گذارده می شود . ۴۸ . مردم با محارم خود نزدیکی می کنند . ۴۹ . به تهمت و سوء ظن مرد به قتل می رسد . ۵۰ . مرد به مرد پیشنهاد عمل زشت می کند و خود و اموالش را در اختیار او می گذارد . ۵۱ . مرد به خاطر آمیزش با زنان مورد سرزنش قرار می گیرد که چرا با مردان آمیزش نمی کند . ۵۲ . مرد از کسب زنش از هرزگی نان می خورد و آن را می داند و به آن تن می دهد . ۵۳ . زن بر مرد خود مسلط می شود ، و کاری را که مرد نمی خواهد انجام می دهد ، و به شوهر خود خرجی می دهد . ۵۴ . مرد ، زن و کنیزش را برای زنا کرایه می دهد و به خوراک و نوشیدنی پستی تن در می دهد . ۵۵ . سوگندهای به ناحق به نام خدا بسیار می گردد . ۵۶ . قمار آشکار می گردد . ۵۷ . شراب را بدون مانع علناً می فروشند . ۵۸ . زنان مسلمان خود را در اختیار کافران می گذارند . ۵۹ . لهو و لعب آشکار می گردد و کسی که از کنار آن عبور می کند از آن جلوگیری نمی کند و کسی جرأت جلوگیری را ندارد . ۶۰ . مردم شریف را خوار می کند ، کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند . ۶۱ . نزدیک ترین مردم به فرمانروایان کسی است که به دشنامگویی ما خانواده ستایش شود . ۶۲ . هر کس ما را دوست دارد ، دروغگویش می دانند و شهادت او را نمی پذیرند . ۶۳ . برگفتن حرف زور و ناحق مردم با همدیگر رقابت می کنند . ۶۴ . شنیدن قرآن بر مردم سنگین و گران می آید و در عوض ، شنیدن سخنان باطل بر مردم آسان است . ۶۵ . همسایه ، همسایه را گرمی می دارد از ترس زبانش . ۶۶ . حدود خدا تعطیل شده و در آن طبق دلخواه خود عمل می کنند . ۶۷ . مساجد طلاکاری می شود . ۶۸ . راستگوترین مردم پیش آن ها ، مفتریان دروغگو می باشند . ۶۹ . شر و سخن چینی آشکار می گردد . ۷۰ . ستمکاری شیوع یافته . ۷۱ . غیبت را سخن نمکین می شمارند و مردم همدیگر را بدان مژده می دهند . ۷۲ . برای غیر خدا به حج و جهاد می روند . ۷۳ . سلطان به خاطر کافر ، مؤمن را خوار می کند . ۷۴ . خرابی و ویرانی بیش از عمرانی و آبادی است . ۷۵ . زندگی مرد از کم فروشی اداره می شود . ۷۶ . خونریزی را آسان می شمارند . ۷۷ . مرد برای غرض دنیایی ریاست می طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذار کنند . ۷۸ . نماز را سبک می شمارند . ۷۹ . مرد مال بسیار دارد ، ولی از وقتی که آن را پیدا کرده زکات آن را نپرداخته است . ۸۰ . قبر مرده ها را می شکافند و آن ها را می

آزارند و کفن های شان را می فروشند . ۸۱ . آشوب بسیار می شود . ۸۲ . مرد روز خود را به نشئه شراب به شب می برد و شب را به مستی صبح می کند . ۸۳ . با حیوانات عمل زشت انجام می دهند . ۸۴ . حیوانات همدیگر را می درند . ۸۵ . مرد به مصلی می رود ، ولی چون بر می گردد جامه در تن ندارد . ۸۶ . دل مردم سخت و چشمان شان خشک شده و یاد خدا بر آنان سنگین می آید . ۸۷ . کسب های حرام شیوع یافت و بر سر آن رقابت می کنند . ۸۸ . نماز خوان برای ریا و خود نمایی نماز می خواند . ۸۹ . فقیه برای غیر دین فقه می آموزد و دنیا و ریاست طلب می کند . ۹۰ . مردم دور کسی را گرفته اند که قدرت دارد . ۹۱ . هر کس روزی حلال می جوید ، مورد سرزنش قرار می گیرد و جوینده حرام ، مورد ستایش و تعظیم است . ۹۲ . در مکه و مدینه کارهایی می کنند که خداوند دوست ندارد و کسی هم نیست که مانع شود و هیچ کسی آن ها را از این اعمال زشت باز نمی دارد . ۹۳ . آلات لهو و لعب حتی در مکه و مدینه آشکار می گردد . ۹۴ . مرد سخن حق می گوید و امر به معروف و نهی از منکر می کند دیگران او را نصیحت می کنند و می گویند : این کار بر تو لازم نیست . ۹۵ . مردم به همدیگر نگاه می کنند و به مردم بدکار اقتداء می نمایند . ۹۶ . راه خیر به کلی خالی است و کسی از آن راه نمی رود . ۹۷ . مرده را به مسخره می گیرند و کسی برای مرگ او غمگین نمی شود . ۹۸ . هر سال بدعت و شرارت بیشتر می شود . ۹۹ . مردم و انجمن ها پیروی نمی کنند مگر از توانگران . ۱۰۰ . به فقیر چیزی می دهند ، در حالی که به او می خندند و برای غیر خدا به او ترحم می نمایند . ۱۰۱ . نشانه های آسمانی پدید می آید ، ولی کسی از آن هراس ندارد . ۱۰۲ . مردم در حضور جمع ، همانند بهائم مرتکب اعمال جنسی می شوند و میچکس از ترس ، کار زشت را انکار نمی کند . ۱۰۳ . مرد در غیر اطاعت خدا زیاد خرج می کند ، ولی در مورد اطاعت خدا از کم هم دریغ می ورزد . ۱۰۴ . آزار به پدر و مادر آشکار می گردد و مقام آن ها را سبک می شمارند و حال آن ها در پیش فرزند از همه بدتر باشد ، و از اینکه به آن ها افترا زده شود ، خوشحال می شوند . ۱۰۵ . زنها بر حکومت غالب گشته و پست های حساس را قبضه می کنند ، و کاری پیش نمی رود ، جز آن چه طبق دلخواه آنان باشد . ۱۰۶ . پسر به پدر خود افتراء می زند و به پدر و مادر خود نفرین می کند و از مرگشان خوشحال می شود . ۱۰۷ . اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناهی بزرگ مرتکب نشده باشد ، مانند هرزگی یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا میخوارگی ، آن روز غمگین است و خیال می کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز بی خود تلف شده است . ۱۰۸ . سلطان مواد غذایی را احتکار می کند . ۱۰۹ . حق خویشاوندان پیامبر خمس به ناحق تقسیم می شود و بدان قمار بازی می کنند و میخوارگی می نمایند . ۱۱۰ . با شراب مداوا می کنند و بدان بهبودی می جویند . ۱۱۱ . مردم در مورد ترک امر به معروف و نهی از منکر و بی عقیدگی یکسان می شوند . ۱۱۲ . منافقان و اهل نفاق سر و صدایی دارند و اهل حق بی سر و صدا و خاموشند . ۱۱۳ . برای اذان گفتن و نماز خواندن مزد می گیرند . ۱۱۴ . مسجدها پر است از کسانی که ترس از خدا ندارند و برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق به مسجد می آیند و در مساجد ، از شراب مست کننده توصیف می کنند . ۱۱۵ . شخص مست که از خرد تهی گشته بر مردم پیشنمازی می کند و به مستی او ایراد نمی گیرند و چون مست گردد ، گرامیش می دارند . ۱۱۶ . هر که مال یتیمان را بخورد ، شایستگی او را می ستایند . ۱۱۷ . قضات به خلاف دستور خدا داوری می کنند . ۱۱۸ . زمامداران از روی طمع خیانتکاران را امین خود می سازند . ۱۱۹ . میراث یتیمان را فرمانروایان به دست افراد بدکار و بی باک نسبت به خدا داده اند ، از آن ها حق و حساب می گیرند و جلوی آن ها را رها می سازند تا هر چه می خواهند انجام دهند . ۱۲۰ . بر فراز منبرها مردم را به پرهیزکاری دستور می دهند ، ولی خود گوینده به آن دستور عمل نمی کند . ۱۲۱ . وقت نمازها را سبک می شمارند . ۱۲۲ . صدقه به وساطت دیگران به اهل آن می دهند و به خاطر رضای خدا نمی دهند ، بلکه از روی درخواست مردم و اصرار آن ها می پردازند . ۱۲۳ . تمام هم و غم مردم شکم و عورت شان است . باکی ندارند که چه بخورند و با چه آمیزش کنند . ۱۲۴ . دنیا به آن ها روی آورده است . ۱۲۵ . نشانه های حق مندرس گشته است . امام صادق (ع) پس از پیش بینی این حوادث خطاب به راوی فرمود : در چنین موقعی مواظب خود باش . نجات خود را از خداوند بخواه فرج نزدیک است و بدان که مردم با این

نافرمانی‌ها مستحق عذابند. اگر عذاب بر آن‌ها فرود آمد و تو در میان آن‌ها بودی، باید به سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفری که آن‌ها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می‌بینند، بیرون بیایی. بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند و ان‌رحمة الله قریب من المحسنین. (۱) ۱. روضه کافی حدیث ۷، ص ۳۶ و ۴۲ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۴-۲۶۰

آتش و دود

در نشانه‌های آخر الزمان آمده است: آتش و دودی در خاور زمین برمی‌خیزد که تا چهل شب مشتعل می‌شود (۱) قیامت برپا نمی‌شود تا در یکی از وادی‌های حجاز، آتش روان گردد. (۲) رَسَیْلان و روان در مورد آتش محل تأمل است زیرا آتش هنگامی می‌تواند روان گردد که جسم شعله‌ور، یک جسم سیال و مایع باشد و آن چیزی جز نفت نیست برخی از این آتش، تعبیر به منفجر شدن چاه‌های نفت کرده‌اند. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: پیش از قیام قائم (ع) مردم با یک سلسله از نشانه‌های آسمانی بیم داده می‌شوند: آتشی که در آسمان پدید آید... (۳) در حدیث دیگری آمده است: عمودی از آتش در طرف مشرق در آسمان پدید می‌آید که همه مردم روی زمین آن را می‌بینند. هرکس آن زمان را درک کند، برای خانواده اش مواد گذایی یک ساله را تامین کند (۴) ۱. روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۳۳. ۲. همان ص ۸۳۴. ۳. ارشاد مفید، ص ۳۴۰ اعلام الوری، ص ۴۲۹ الزام الناصب، ص ۱۸۴. ۴. روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۳۹.

امر به منکر

در احوال اهل آخر الزمان آمده است که: به جای امر به معروف، امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند. معروف را منکر خیال کرده، منکر را معروف می‌پندارند. (۱) کسی که امر به معروف کند، خوار می‌شود و کسی که مرتکب گناه شود مورد ستایش قرار می‌گیرد. (۲) مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی شده‌اند و اعراض از دین فراگیر شده و بی‌تقوایی میان عالم و جاهل مشترک شده است. (۳) ۱. منتخب الاثر ص ۴۲۶ الزم الناصب ص ۱۸۰ تحف العقول، ص ۴۱. ۲. منتخب الاثر ص ۲۹۳ بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۵۶ و ۲۶۴. ۳. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵۹.

تردید در حضرت

روایات مختلفی درباره تردید کنندگان در وجود حضرت آمده است. امام صادق (ع) فرمود: او امامی است که در ولادتش شک و تردید می‌کنند. برخی می‌گویند: به دنیا نیامده، برخی می‌گویند: دیده به جهان گشوده، برخی می‌گویند: چند سال پیش از وفات پدرش، چشم به جهان گشوده، جز این که خدا می‌خواهد بندگان خود را بیازماید، که گروه باطل در آن زمان به شک و تردید می‌گیرند. (۱) امام حسن عسکری (ع) نیز فرمود: برای فرزندانم غیبتی است که مردم در آن دچار شک و تردید می‌شوند، به جز کسی که خدا او را از لغزش و انحراف باز دارد. (۲) و امام صادق (ع) فرمود: هرگز در حق او تردید به خود راه ندهید، از صفحه دل هرگونه شک و تردید را بزدایید. (۳) ۱. اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۷. ۲. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۶۰ اعلام الوری ص ۴۱۵ منتخب الاثر ص ۲۲۷. ۳. روزگار رهایی ج ۱ ص ۵۰۱.

حج در آخر الزمان

در حدیث مفصلی از حضرت رسول اکرم (ص) درباره پیشگویی از اوضاع آخر الزمان نقل شده و مورد خطاب حضرت در آن جا

، جناب سلمان فارسی است ، آمده که : ای مسلمان در آن زمان ، توانگران اتم به هدف تفریح و خوش گذرانی ، و طبقه متوسط به منظور تجارت ، و فقرا برای خودنمایی حج می کنند . (۱) ۱ . بحارالانوار ج ۳ ص ۳۰۵

دین فروشی

یکی از علائم آخر الزمان این است که مردم از دین خارج می شوند . روزی امام حسین (ع) نزد امیر مؤمنان (ع) آمد . گروهی در گرداگرد حضرت (ع) نشسته بودند ۱۰ ایشان به آنان فرمود : حسین پیشوای شماسست رسول خدا او را سید و سرور نامیده است . از نسل او مردی ظهور خواهد کرد که در اخلاق و چهره ، شبیه من است . او دنیا را پر از عدل و داد می کند ، چنان که پر از ستم و جور شده است . سؤال شد : این قیام در چه زمانی خواهد بود؟ فرمود : افسوس هنگامی که از دین خارج شوید (۱) همچنین پیامبر گرامی اسلامی درباره اهمیت دین داری در آخر الزمان فرموده است : ... گروهی دین خود را به بهای ناچیز و متاع اندک می فروشند . کسی که در آن روز به دین خود چنگ زده و پای بند است ، همانند کسی است که گلوله ای از آتش را در دست گرفته یا بوته ای از خار را در دست می فشرد (۲) ۱ . ملاحم ابن طاووس ص ۱۴۴ . مسند احمد ج ۲ ص ۳۹۰

رشوه

مالی که شخص در مقابل عملی می گیرد که از وظایف او است ، یا برای ابطال حقی یا احقاق حقی آن را می گیرد . رشوه از محرمات شرع اسلام است و در نکوهش آن ، آثار و اخبار بیش از حد و حصر آمده است . پیامبر (ص) فرموده است : خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه بین این دو را (۱) . پیامبر (ص) فرمود : در آخر الزمان ، معامله و داد و ستد با رشوه انجام می شود و دین را نادیده می گیرند و دنیا را ارج می نهند . (۲) و در اخبار آخر الزمان آمده است : در آن زمان ربا شایع می شود و کارها با رشوه انجام می یابد (۳) و رشوه را به نام هدیه حلال می پندارند (۴) ۱ . بحارالانوار ، ج ۲ ص ۲۶۲ . بحارالانوار ج ۶ ص ۳۰۵ . ۳ . بشاره الا سلام ص ۴۰۲۶ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۰۷ .

زنان آخر الزمان

در روایات ، ویژگی های مختلفی برای زنان آخر الزمان ذکر شده است ، از جمله این که : زنانی هستند که در نوع پوشش ، گرایش به پوشش های مردانه پیدا می کنند و این مسلماً ناشی از یک حالت روانی است که اگر زنی بخواهد اطوار و حالت های مردانه داشته باشد ، یکی از تجلیاتش در نوع پوشش و لباسی است که استفاده می کند . به عبارت بهتر در آخر الزمان مرزهایی که جدا کننده زن و مرد است عمدتاً برداشته شده و نوعی اختلاط فرهنگی و دیگر ابعاد از جمله در پوشش بین زن و مرد مشاهده می گردد . خصوصیت دومی که برای این زنان ترسیم شده این است که این ها علاوه بر پوشش ظاهری ، در همه مسایل و در همه حالت ها زنانی هستند که می خواهند ژست مردانه بگیرند لذا در روایت داریم که پیامبر اکرم (ص) فرمودند : لعن الله المترجلا من النساء خدا لعنت کند آن گروه زنانی را که سعی می کنند ، حالت های مردانه به خود بگیرند . مشخصه ای دیگری که برای زنان آخر الزمان ذکر شده این است که همانند مردان در بین آن ها نوعی خود مشغولی پیش می آید و عمدتاً یکی از آسیب های جدی زنان آخر الزمان این است که تلاش می کنند که نظر زنان دیگر را به خودشان جلب کنند . در روایات داریم که يتسمن النساء للنساء یعنی زنان به جای اینکه برای شوهر مشروع خود آرایش کنند و آراستگی خاص برای او داشته باشند ، همت شان این است که هم جنسان خود را به سمت خویش جذب و جلب کنند . مطلب بعدی این است که نوع فریبایی خاصی در این طایفه و حالت های آن

ها دیده خواهد شد به قدری که قبله مردان می شوند. اینکه قبله شدن زنان به چه معنا است، شاید معانی گوناگونی داشته باشد. یکی از احتمالات این است که قبله شدن زن برای مرد به این معنا است که مرد در برابر زن کرنش و محل فروتنی و تواضع مرد قرار گیرد. یا اینکه شاید به این معنا باشد که تمام همت مردان، زنان می شود. به عبارت دیگر در اسلام داریم که سعی کنید اعمال تان را رو به قبله انجام دهید، ممکن است در آخر الزمان برای مردان چنین اتفاق افتاده و تمام همت شان، زنان و رسیدن به تمنیات و خواسته های زنان شان باشد. در روایت دیگری آمده است که گاهی زنان به مسایل سوء، گرفتار می شوند و شرایط طوری می شود که اگر مردی بخواهد حفاظت و غیرتمندی برای حفظ ناموس خودش بروز بدهد، مورد سرزنش قرار می گیرد. معمولاً- مردها دعوت به گسیختگی، بی غیرتی و بی حفاظتی در مورد ناموس خودشان می شوند و از آن ها می خواهند در این جهت حساسیت های خودشان را تماماً از دست بدهند. (۱) ۱. نشریه موعود شماره ۳۲ ص ۱۵

قطعی رحم

به معنای بریدن پیوند خویشاوندی است. این امر در روایات، بسیار مورد نکوهش قرار گرفته و مذمت شده است. در روایتی آمده است که حضرت مهدی (ع) پس از ظهور، خطاب به مردم می گوید: بیایید به سوی آن چه که برای آن قطع رحم کردید، خون ها ریختید و مرتکب گناه شدید. آن گاه آن چنان عطایای کلان به آن ها می دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است (۱). پیامبر (ص) قطع رحم را از نشانه های اهل آخر الزمان معرفی می کند و می فرماید: ... هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کنند، ثروت ها در دست اشرار قرار می گیرد (۲) ۱. منتخب الأثر ص ۴۳۰. ۲. تحف العقول ص ۴۳

معنویت پیش از ظهور

سست شدن بنیان خانواده، خویشاوندی، دوستی و سردی عواطف انسانی و بی مهری از ویژگی های بارز آخر الزمان است. رسول گرامی اسلام (ص) وضعیت آن روزگار را از نظر عاطفی چنین بیان می دارد: در آن روزگار، بزرگتران به زیردستان و کوچکتران رحم نمی کنند و قوی بر ضعیف ترحم نمی نماید. در آن هنگام خداوند به او اذن قیام می دهد. (۱) نیز آن حضرت می فرماید: قیامت برپا نمی شود تا آن که زمانی فرا رسد که مردی از شدت فقر به اقوام و بستگان خود مراجعه کند و آن آنرا به خویشاوندی سوگند دهد تا بلکه به او کمک کنند، ولی چیزی به او نمی دهند. همسایه از همسایه خود کمک می طلبد و او را به حق همسایگی سوگند می دهد، ولی همسایه کمکش نمی کند. (۲) در آن روزگار فساد و بی بند و باری اخلاقی به طور گسترده ای گسترش می یابد. محمد بن مسلم می گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا قائم شما چه وقت ظهور خواهد کرد؟ امام فرمود: هنگامی که مردها خود را شبیه زنان کنند و زنان شبیه مردان شوند. آنگاه که مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان. (۳) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۰. ۲. امالی ج ۲، ص ۲۷۱. ۳. کمال الدین ج ۱ ص ۳۳۱.

فراگیر شدن ظلم

فراگیر شدن ظلم و ستم، از نشانه های معروف ظهور حضرت مهدی (ع) به شمار آمده است. این نشانه در روایات بسیاری به چشم می خورد. در روایتی آمده است: خداوند به وسیله ظهور مهدی (ع) زمین را پراز عدل و داد می سازد، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد (۱) یا از حضرت مهدی (ع) نقل شده: "نشانه آشکار شدن من، زیاد شدن هرج و مرج و فتنه ها و آشوب هاست. (۲) گاهی نیز زیاد شدن گناهان و مفسد اخلاقی و اجتماعی در میان مسلمانان، به عنوان نشانه های نزدیک شدن

ظهور پیش گویی شده است. علامه مجلسی ره در باب نشانه های ظهور، روایتی را از امام صادق (ع) آورده که در آن بیش از یکصد نوع گناه و انحراف اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی که در دوران غیبت، دامن گیر جوامع اسلامی می شود، پیش گویی شده است از جمله: رشوه خواری، قمار بازی، شراب خواری، زیادشدن زنا، لواط، قطع صله رحم، سنگ دل شدن مردمان، اهتمام مردم تنها به شهوت و شکم، از میان رفتن شرم، نپرداختن زکات و خمس، کم فروشی، بی اعتنائی به اوقات نماز، آراستن مساجد به زیورآلات، گزاردن حج به انگیزه های مادی و برای غیر خدا، رعایت نکردن احترام بزرگترها، پیروی از ثروتمندان، صرف کردن سرمایه های عظیم در فساد و ابتذال و بی دینی، چاپلوسی و تملق گوی، نا امنی راه ها، به اسارت رفتن مسلمانان، افزایش مرگهای ناگهانی، نداشتن دادرس و پناه، ناامیدی جهانیان از نجات و ۰۰۰ زیاد شدن این فسادها و آلودگی ها در میان مردم، در واقع نوعی از فراگیر شدن ظلم و جور روی زمین است. فراگیر شدن یعنی به گونه ای که بدی ها بر خوبی ها و ضد ارزش ها بر ارزش ها غلبه می یابد و شعله آتش فتنه، دامن همه را می گیرد و جامعه انسانی در باتلاق فساد فرو می رود. البته گسترش حاکمیت استکبار در روی زمین و در استضعاف و محرومیت قرار گرفتن پیروان حق، که براساس پیشگویی امامان (ع) در آستانه ظهور پیش خواهد آمد، نمود دیگری از بی عدالتی و زیاد شدن ظلم و جور است. شهید مرتضی مطهری ره روایتی را از شیخ صدوق ره می آورد مبنی بر اینکه منظور از فراگیر شدن ظلم، آن است که هر یک از شقی و سعید، گروه حق و باطل، به نهایت کار خود می رسند. ستمکاران و بدکاران، به نهایت درجه بدی و نابکاری می رسند و لهیب آتش آنان همه را فرا می گیرد. در این هنگام که صالحان در مظلومیت و استضعاف به سر می برند و همه راه های چاره بر آنان بسته می شود، مهدی (ع) ظهور می کند و دنیا را پراز عدل و داد می نماید (۳) ۱. بحار الانوار ج ۵۱، ص ۳۲۰. ۲. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵۶. ۳. قیام و انقلاب مهدی، ص ۶۶.

انکار حضرت

روایات فراوانی دلالت می کند بر آن که قبل از ظهور حضرت، بیشتر مردم مسلمان از دین حق بر می گردند بیشتر قائلین به حضرت و معتقدین به امامت و عصمت آن بزرگوار، اعتقاد خود را از دست داده و وجود آن حضرت را انکار می کنند. امام جواد (ع) فرمودند: ... او دارای غیبتی است که روزهای زیاد و مدتی دراز به طول می انجامد. پس مخلصان در انتظار ظهورش به سر می برند و اهل تردید انکارش می کنند و منکران، یاد او را به استهزاء می گیرند. (۱) امام صادق (ع) نیز فرمودند: و اما در غیبت عیسی (ع) به درستی که یهودیان و مسیحیان هم داستان شدند بر این که او کشته شده، ولی خداوند عزوجل آنان را تکذیب نمود و فرمود: و او را نکشتند و به دار نیاویختند ولی مطلب بر آنان مشتبه شد. غیبت حضرت قائم (ع) نیز همین گونه است که سرانجام، این امت آن را انکار می ورزند در اثر طولانی شدن آن، بعضی از هدایت نیافتگان قائل می شوند که آن حضرت اصلاً متولد نشده و برخی دیگر خواهند گفت که او متولد شد و از دنیا رفت و گروهی کافر می شوند، به خاطر این که می گویند یازدهمین نفر از ما، بدون فرزند بوده و کسانی دیگر سرکش خواهند شد به خاطر این اعتقاد که امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت دهند و بعضی هم خداوند عزوجل را عصیان و نافرمانی می کنند، به اینکه می گویند روح امام قائم (ع) در پیکر شخص دیگری وارد شده و سخن می گوید. (۲) در بخشی از روایات نیز آمده که مردمانی، حضرت را پس از ظهور انکار می کنند، زیرا او به صورت جوان باز می گردد، در حالی که آن ها او را پیر خیال می کردند. (۳) و در روایتی آمده است که مردم می گویند: چگونه ممکن است این او باشد، او باید قرن ها پیش، استخوان هایش پوسیده باشد. (۴) در روایات، از کسی که حضرت مهدی (ع) را انکار کند، به کافر تعبیر شده است. در حدیثی از امام کاظم (ع) آمده است هر کس یکی از امامان زنده را انکار کند، امامان قبلی را نیز انکار نموده است، (۵) و نیز آمده است که: هر کس به همه امامان اعتراف کند، ولی حضرت مهدی

(ع) را انکار کند، مانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف کند، ولی حضرت محمد (ص) را انکار نماید. (۶) امام حسن عسکری (ع) نیز فرمود: اطاعت آخر ما، اطاعت اول ما، وانکار آخر ما، چون انکار اول ماست. (۷) با وجود این روایات، انکار حضرت مهدی (ع) انکار همه امامان و تکذیب رسول اکرم (ص) است. (۱) کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۸. ۲. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۲۰. ۳. ینابیع الموده ج ۳، ص ۱۶۷ منتخب الاثر ص ۲۸۵. ۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸ و ۲۲۵ غیبه طوس، ص ۲۶ منتخب الاثر ص ۲۷۶. ۵. منتخب الاثر ص ۱۴۹ الزام الناصب ص ۵۹ ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۰۸ و ۱۶۲. ۶. غیبه النعمانی ص ۶۳ اصول کافی ج ۱ ص ۳۱۳. ۷. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۳ کشف الغمه ج ۳ ص ۳۱۳

ترس

پیش از ظهور حضرت، ستمگران بر جهان فرمانروایی می کنند و بیم و ترس غالباً از حکومت آنان سرچشمه می گیرد. رسول خدا (ص) می فرمایند: زمین از ستم و بیداد پر می شود، تا جایی که در هر خانه ای ترس و جنگ وارد می گردد. (۱) امام باقر (ع) نیز می فرمایند: حضرت قائم قیام نمی کند مگر در دورانی پر از بیم و هراس. (۲) و اما امدادهای الهی گاهی در قدرتی است که خداوند به حضرت داده است و با انجام کراماتی، حضرت مشکلات را از سر راه برمی دارد و یا به وسیله رعب و ترسی است که خداوند در دل دشمن ایجاد می کند. در روایات، ترس به عنوان یکی از سه لشکری که حضرت را یاری می رساند ذکر شده است. امام صادق (ع) می فرمایند: خداوند، حضرت قائم را با سه لشکر یاری می دهد، فرشتگان، مؤمنان و ترس. (۳) امام باقر (ع) نیز می فرمایند: ترس و رعب در پیشاپیش حضرت مهدی (ع) به فاصله یک ماه واز پشت سر نیز به فاصله یک ماه واز سمت راست به فاصله یک ماه واز سمت چپ نیز به فاصله یک ماه در حرکت است. (۴) از این روایات استفاده می شود که وقتی حضرت جایی را قصد کند، دشمن پیشاپیش دچار ترس و وحشت شده، توان رویارویی در برابر سپاهیان حضرت را از دست می دهد. ۱. کنز العمال ج ۱۴، ص ۵۸۴. ۲. امالی ج ۲ ص ۱۵۶، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۶. همان ص ۳۶۱

ربا

در اخبار آخرالزمان آمده است: در آن زمان ربا شایع می شود. (۱) زمانی پیش می آید که احدی یافت نمی شود جز این که به ربا آلوده می گردد، اگر مستقیماً هم ربا نخورد، گرد ربا به او می رسد. (۲) هیچ قومی نیست که ربا در میان آن ها شایع شود، جز این که دچار غفلت و بی خبری می شوند. (۳) در آن زمان ربا را به نام داد و ستد، حلال می پندارند. (۴) ۱. بشاره الا سلام ص ۲۰۲۶. نهج الفصاحه ج ۲ ص ۵۰۰. ۳. نهج الفصاحه ج ۲ ص ۵۷۷ الزام الناصب ص ۴۱۸۲. روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۰۷.

زاممداران آخر الزمان

در وصف زمامداران آخرالزمان، نکات قابل تأملی در روایات آمده است. رسول خدا (ص) می فرماید: دو صنف از امت من هستند که اگر آن ها اصلاح شوند مردمان اصلاح می شوند، و اگر آن ها فاسد باشند مردمان فاسد می شوند: آن ها دانشمندان و زمامداران هستند. (۱) عباراتی که در روایات درباره زمامداران آخرالزمان آمده، چنین است: بلای سختی از ناحیه زمامداران بر امت من وارد می شود (۲) زمامداران شما، بدترین شما هستند (۳) زمامداران شما، ستم پیشه اند (۴) زمامداران برای

آزمندی خویش، خائن را بر سر کار می آورند. (۵) در باب زمامداری در آخرالزمان نیز آمده که: زمامداری چند ساله از بین می رود و زمامداری چند ماهه و چند روزه معمول می گردد. (۶) ۱. غیبه طوسی ص ۲۷۷. ۲. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۲۰ الزام الناصب، ص ۱۸۵. ۳. کشف الغمه ج ۳، ص ۲۷۳. ۴. نهج الفصاحه ج ۲ ص ۳۹۳ تحف العقول ص ۴۲. ۵. بشاره الاسلام ص ۲۸ و ۳۱. ۶. غیبه طوسی، ص ۲۷۱ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۱۰

عاق والدین

از جمله گرفتاری های مردم آخرالزمان، عاق والدین شدن است. فرزندان به سبب بی حرمتی بر پدر و مادر و سبک شمردن حق آنان، دچار نفرین پدر و مادر می شوند (۱) و روایات، عاق والدین را به سبب همکاری مردم در کارهای ناشایست، دوری جستن از احکام مذهبی، دوست داشتن همدیگر به جهت دروغ و قهر کردن از یکدیگر به جهت راستگویی می دانند (۲) امام صادق (ع) در اوضاع اهل آخرالزمان می فرماید... عاق والدین شدن علنی شده، پدر و مادر در پیش فرزندان خوار شمرده می شوند و از دیدگاه فرزند، پست تر از هر فرد دیگر به شمار می آیند... و چنین زمانی از خشم خدا بترس و از خدای تبارک و تعالی نجات بطلب. (۳) ۱. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵۹ منتخب الاثر ص ۴۳۱. ۲. منتخب الاثر ص ۴۳۷ الزام الناصب ص ۱۸۲ نهج الفصاحه ج ۲ ص ۵۱۹. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۶ و ۳۰۰ الزام الناصب ص ۱۸۳ منتخب الاثر ص ۴۲۵.

هرج و مرج

فتنه و آشوب و گسختگ؟ اجتماع را گویند. در روایات، از آن به یکی از آفت های دوران آخرالزمان یاد شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: در آینده، روزگاری به شما روی می آورد که جهل و نادانی در آن فرو می آید و علم و دانش از آن رخت بر می بندد و هرج و مرج در آن فراوان می گردد. عرض شد: یا رسول الله چگونه هرج و مرج پدید می آید؟ فرمود: کشتار (۱) در حدیث دیگری از آن حضرت آمده که: زمانی پیش از قیامت، هرج و مرج پیش خواهد آمد. عرض شد: چگونه هرج و مرجی؟ فرمود: کشتار، نه کشتار کفار، بلکه همین امت به جان یکدیگر می افتند تا جائی که برادر، برادر خود را بکشد. عقول مردم در آن زمان گرفته می شود (۲). ۱. کنز العمال حدیث ۳۰۸۵۰. ۲. کنز العمال حدیث ۳۱۱۹۵.

زمانی بیاید

یأتی زمان، سیأتی زمان. عنوانی معروف در کتب حدیث است که روایات بسیاری تحت این عنوان مبنی بر پیشگویی از وقایع و حوادث و یا ملاحم و فتن ذکر شده است. اینک شماری از آن ها را می آوریم. رسول خدا (ص) فرمود: زمانی بیاید که چهره های مردم چهره آدمیان و دل هاشان دل های شیاطین باشد، بسان گرگ درنده خونخوار باشند، از منکرات اجتناب نکنند. اگر در جمع آن ها باشی بدنامت کنند و چون با آن ها سخن گویی به تو دروغ گویند و چون از آن ها جدا شوی غیبت کنند. سنت در میان آن ها بدعت و بدعت به نزدشان سنت بود، محترمان نزد آن ها موهون، و موهونان محترم باشند. مؤمن نزد آن ها خوار و فاسق ارجمند بود. کودکان شان گستاخ و بی ادب و زنان شان بی شرم و پیرانشان امر به معروف و نهی از منکر نکنند. پناه بردن به آن ها خواری و اعتماد به آن ها ذلت و درخواست مال از آن ها بیچارگی و ننگ باشد. در آن هنگام خداوند باران به موقع به آن ها نبارد و در غیر موسم خود بیارد و بدانشان را بر آنان چیره سازد که به بدترین وجهی آن ها را آزار دهند، پسرانشان را بکشند و زنانشان را زنده دارند، در آن حال هر چه نیکان دعا کنند به اجابت نرسد. زمانی بر مردم بیاید که شکم هاشان خدای شان بود هر

چه خواهد از حلال و حرام به آن بدهند و زنانشان قبله شان باشد که تمام توجه شان به آن ها بود (و پولشان دینشان) که آن را در حد پرستش دوست دارند و شرف و عزت خویش را در تجملات و امتعه دنیا دانند ، از ایمان جز نامی و از اسلام جز آثاری و از قرآن جز درسی بیش نماند . مساجدشان از حیث ساختمان آباد و دل هاشان از هدایت تهی و ویران ، علماشان بدترین خلق خدا در روی زمین باشند . در آن هنگام خداوند آن ها را به سه بلیه دچار سازد : جور سلطان و خشکسالی و ظلم و ستم حکام و زمامداران . اصحاب از سخنان حضرت به شگفت آمده عرض کردند : مگر آن ها بت می پرستند فرمود : آری ، پول نزد آن ها چون بت مورد پرستش باشد . زمانی بیاید که دینداری به نگهداری آتش در کف دست بماند . زمانی بر اتم بیاید که زمامدارانشان به شیوه جباران و ستمگران عمل کنند و علمای شان طمعکار و کم پرهیز ، و پارسایان شان متظاهر ، و بازرگانان رباخوار و فریبکار ، و زنان شان خود را برای نامحرمان بیارایند . در آن هنگام اشارشان بر آن ها چیره گردند و هر چه دعا کنند به اجابت نرسد . زمانی بر مردم بیاید که اخلاق انسانی از آنان رخت بر بندد چنانکه اگر نام یکی را بشنوی ، به از آن بود که وی را بینی و یا او را بینی به از آن باشد که او را بیازمایی و چون او را بیازمایی حالاتی زشت و ناروا در او مشاهده کنی . دین شان پول ، و هم و غمشان شکم و قبله شان زنان شان باشد . برای رسیدن به گرده نانی کرنش کنند و برای درهمی به خاک افتند . پریشان و سرگردان باشند ، نه خود را در پناه اسلام دانند و نه به کیش نصاری زندگی کنند (۱) امیرالمؤمنین (ع) فرمود : زمانی بر مردم فرا رسد که مقرب نباشد جز سخن چین ، و جالب شمرده نشود جز فاجر ، و تحقیر نگردد جز افراد با انصاف . در آن زمان دستگیری مستمندان زیان بشمار آید ، و صله رحم لطف و بزرگواری محسوب شود ، و عیادت بیمار ، و سیله برتری جویی بر مردم باشد . در آن زمان حکومت به مشورت با زنان و فرمانروایی کودکان و تدبیر خواجه سرایان برگزار شود . (۲) ۱ . بحار الانوار ج ۱۰۳ ص ۸۲ و ۲۲ و ۷۴ . ۲ . نهج البلاغه حکمت ۱۰۲ .

نشانه ها

ذوالسویقتین

امیرمؤمنان علی (ع) یکی از نشانه های آخر الزمان را ویران کردن کعبه می داند و می فرماید : گویی با چشم خود می بینم که مردی از حبشه ، بسیار نیرومند و شجاع کلنگی به دست گرفته ، خانه کعبه را ویران می کند و سنگ های آن را یکایک دور می اندازد (۱) بر طبق روایات ، این مرد حبشی چابک و چالاک ذوالسویقتین نام دارد (۲) ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۸ . ۲ . صحیح مسلم ، ج ۸ ص ۱۸۳ روزگار رهایی ج ۲ ، ص ۹۱۳ .

خسف

از نشانه های آخر الزمان و به معنای فرو رفتن در زمین و زیر آوار ماندن به وسیله زلزله ، سیل ، طوفان ، موشک ، بمباران و جز آن ها است (۱) در روایتی آمده است که سه خسف روی می دهد : یکی در مشرق ، دیگری در مغرب و سومی در جزیره العرب (۲) (و نیز می خوانیم : خسفی در حله و بصره واقع می شود و مردمان بسیاری کشته می شوند . (۳) ۱ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۲۸۵۴ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۰ الزام الناصب ، ص ۶۴ . ۳ . محجة البیضا ج ۴ ص ۳۴۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۰ .

جا موسی

به معنای هر شیء جامد است. امیر مؤمنان علی (ع) در خبرهای مربوط به آخر الزمان می فرماید: هنگامی که ناقوس به صدا در آید، سایه شوم کایوس بر همه جا سنگینی کند و جاموس سخن بگوید، در چنین زمانی شگفتی ما پدید خواهد آمد (۱) ناقوس به معنای زنگ خطر و بیدار باش است و در این جا منظور، بانگ جبرئیل امین است. کابوس به معنای رؤیای وحشت انگیز و فاجعه های رعب آور است و در این جا خسف سرزمین بیداء و هلاکت سپاه سفیانی در آن سرزمین منظور شده است و اما تکلم جاموس در عصر ما تحقق یافته و نمونه های فراوانی چون رادیو، تلویزیون، تلفن و ضبط صوت و امثال این ها از مصادیق آن است (۲). ۱. الزام الناصب ص ۲۱۳. ۲. روزگار رهایی، ج ۲ ص ۶۹۱.

یک سوم

در روایات ظهور، سخن از باقی ماندن یک سوم مردم جهان است. امیرالمؤمنین (ع) فرمود: حضرت مهدی (ع) ظهور نمی کند مگر آنکه یک سوم مردم کشته می شوند و یک سوم می میرند و یک سوم باقی می ماند (۱) محمد بن مسلم می گوید: امام صادق (ع) فرمود: امام زمان ظهور نمی کند، مگر این که دو سوم مردم جهان از بین بروند. عرض شد: اگر دو سوم کشته شوند، پس چه مقدار می ماند؟ فرمود: آیا راضی نیستید و دوست ندارید از یک سوم باقی مانده باشید (۲) ۱. احقاق الحق ج ۱۳ ص ۲۹. ۲. کمال الدین ج ۲ ص ۶۵۵ اثبات الهداء ج ۳، ص ۵۱۰ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۰۷.

ملاحم

جمع ملحمه، حوادث عظیمی است که از حیث آشوب و فتنه، پیچیده و مبهم باشند. اخبار ملاحم، اخباری است که از فتنه های آینده خبر می دهد. اخبار بدین مضمون در متون حدیثی اسلام، فراوان آمده است. از آن جمله، خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه است که در آن امیرالمؤمنین (ع) به ظهور حضرت بقیه الله (ع) خبر می دهد. (۱) ۱. معارف و معاریف ج ۹، ص ۵۸۸.

کشف هیکل

بر طبق روایتی از امیر مؤمنان علی (ع) کشف هیکل یکی از نشانه های آخر الزمان است (۱) منظور از هیکل، هیکل حضرت سلیمان (ع) است که در عصر آن حضرت، معبد بسیار باشکوهی بود و در شهر بیت المقدس قرار داشت و پایه های آن بر روی ۳۶۰ ستون از مرمر گران بها و کمیاب استوار بود و در آن ده ها سنگ قیمتی، الواح و نوشته های شگفت انگیز وجود داشت که هر بیننده ای را مبهوت می ساخت. زمین آن از بلور شفاف مفروش بود و آب ها از زیر آن روان بود که بلقیس آن را دریاچه پنداشت و دامنش را بالا زد که از روی آب عبور کند و به بارگاه حضرت سلیمان باریابد، پرده داران به او تذکر دادند که آب ها از زیر یک پوشش بلورین روان است (۲) ۱. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۷۳ الزام الناصب ص ۱۷۶ بشاره الاسلام ص ۵۸. ۲. روزگار رهایی ج ۲ ص ۶۹۲.

ستاره دنباله دار

طلوع ستاره دنباله دار از نشانه های ظهور است (۱) در روایات آمده است: مهدی (ع) پس از غیبتی طولانی، همزمان با طلوع ستاره ای سرخ و ویرانی ری و خسف زوراء ظهور می کند. (۲) ستاره ای از مشرق طلوع می کند که دنباله درخشانی دارد (۳) طلوع ستاره ای دنباله دار، ملت عرب را به وحشت می اندازد و آن ستاره ای است که در طرف مشرق ظاهر می شود و همانند ماه

می درخشد . سپس دنباله اش برمی گردد و نزدیک می شود که در سرش به یکدیگر برسد (۴) پر واضح است که ترس و وحشت عرب از ستاره نیست ، بلکه از حوادث جانکاهی است که همزمان با طلوع ستاره روی می دهد . رسول اکرم (ص) می فرماید : هنگامی که پل در بغداد زده شد و ستاره های دنباله دار از مشرق طلوع کرد ، در کنار آن پل گروه گروه کشته می شوند . (۵) در کتاب روزگار رهایی آمده است : احتمال می رود که پیامبر (ص) با تعبیر ستاره دنباله دار ، هواپیماهای جنگی را اراده کند که به دنبال خود دود غلیظی به جای می گذارند و شاید منظور همان ستاره دنباله دار باشد که در احادیث فراوانی از آن بحث شده است و خود ، نشانه نزدیک شدن ظهور حضرت بقیه الله (ع) است . (۶) ۱ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۷۴ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۶ الزام الناصب ، ص ۱۸۸ . ۳ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۴۷ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۰ محجة البیضاء ج ۴ ص ۳۴۳ . ۵ . محجة البیضاء ج ۴ ص ۳۴۳ بشاره الاسلام ص ۶۶۰ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۸۴۲

جذام

نوعی بیماری پوستی است . فراوانی این بیماری از نشانه های آخر الزمان است . (۱) حمیری ضمن نامه ای از حضرت حجت (ع) پرسید : آیا پیس و جذامی و فلج ، شهادتشان در محاکم قبول است . حضرت مرقوم داشت : اگر این بیماری ها در این ها حادث و عارضی و نو پدید باشد ، شهادتشان مقبول ، و اگر مادرزادی باشد ، خیر (۲) ۱ . ارشاد مفید ص ۳۳۸ اعلام الوری ، ۴۲۸ . ۲ . بحار الانوار ج ۱۰۴ ، ص ۳۱۵

بواسیر

نوعی بیماری است که در مقعد یا بینی پدید می آید (۱) فزونی این بیماری از نشانه های قیامت است (۲) درباره نشانه های آخر الزمان نیز آمده است که بواسیر ، مرگ ناگهانی و جذام فراوان می شود . (۳) ۱ . معارف و معاریف ج ۳ ص ۲۸۱ . بحار الانوار ج ۶۲ ص ۳۶۶ . ارشاد مفید ص ۳۳۸ اعلام الوری ص ۴۲۸

نشانه های نزدیک ظهور

برابر روایات ، تعدادی از نشانه های ظهور متصل به ظهور خواهند بود به گونه ای که میان آن ها و ظهور فاصله زیادی نیست از پدیدار شدن نخستین نشانه متصل ، تا ظهور مهدی (ع) نشانه ها همچون حلقه های زنجیر ، بدون فاصله پی در پی می آیند ، چنان که در روایتی ، محمد بن صامت از امام صادق (ع) پس از آن که برخی نشانه ها را امام بیان کرده بودند ، پرسید : فدایت شوم ، می ترسم این امر تحقق نشانه های ظهور مهدی (ع) به طول انجامد امام (ع) فرمود : نه ، محققاً هم چون مهره های تسبیح ، یکی پس از دیگری می آید (۱) حتی درباره برخی از نشانه های متصل به ظهور ، مقدار فاصله آن با ظهور نیز بیان شده است امام باقر (ع) درباره قتل نفس زکیه ، فرمود " : فاصله میان کشته شدن نفس زکیه و قیام قائم ، بیش از پانزده شب نیست (۲) خروج سفیانی و یمانی نیز ، برابر آن چه از روایات استفاده می شود ، در یک محدوده زمانی در آستانه ظهور صورت می گیرد و فاصله آن تا قیام قائم (ع) از پانزده ماه ، بیشتر نخواهد بود (۳) بر این اساس ، تردیدی نیست که شماری از نشانه های ظهور ، که بیشتر نشانه های حتمی نیز هستند ، نزدیک ظهور و متصل به آن واقع می شوند در مقابل ، نشانه های فراوانی وجود دارند که پیدایش آن ها در عصر غیبت خبر داده شده ، ولی پیوستگی به ظهور معلوم نیست و چه بسا با فاصله زیاد از ظهور مهدی (ع) واقع شوند ، چنان که شماری از نشانه ها بر فرض نشانه بودن آن ها سال ها ، بلکه قرن ها از وقوع آن می گذرد . مانند : از هم گسستن بنی امیه و بنی

عباس، خروج ابو مسلم خراسانی، اشغال منطقه جزیره توسط ترک ها و بسته شدن پل بر روی دجله و (۴) مرحوم شیخ مفید می فرماید: روایات رسیده از پیامبر (ص) و خاندان وحی و رسالت بیانگر نشانه ها و رخدادهایی است که پیش از قیام حضرت مهدی (ع) پدیدار می گردند که اهم آن ها عبارتند از: جنبش ارتجاعی سفیانی، قتل سید حسنی، جنگ قدرت بنی عباس، گرفتن خورشید در نیمروز ماه رمضان، گرفتن ماه در آخر ماه رمضان، بر خلاف عادت، شکافته شدن زمین و فرو بردن تجاوزکاران، فرو رفتن زمین در مشرق، فرو رفتن زمین در مغرب، توقف خورشید به هنگام نیم روز در وسط آسمان، طلوع خورشید از مغرب، قتل "نفس زکیه" پشت دروازه کوفه در زمره هفتاد نفر از شایستگان، بریده شدن سر مردی از بنی هاشم میان رکن و مقام، ویران شدن دیوار مسجد کوفه، آمدن پرچم های سیاه از طرف خراسان، قیام و جنبش یمنی، آشکار شدن مرد مغربی و تصرف شام بوسیله سپاه او، فرود آمدن ترک ها در جریره، فرود آمدن رومیان در "رمله" طلوع ستاره ای درخشان و نورانی به سان ماه و آنگاه انعطاف خاص آن...، پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق آسمان، پیدایش ستون آتشی در مشرق به مدت سه تا هفت روز، قیام امت عرب و برکنار شدن زمامداران آن عرب به وسیله ملت های خویش و به دست گرفتن زمام امور کشورها به وسیله مردم، خروج جهان عرب از سیطره عجم، کشته شدن رهبر مصر به دست مردم، انهدام شام و اختلاف سه جریان سیاسی در آن، ورود پرچم های قیس و عرب به مصر، و پرچم های کنده، به خراسان، ورود سپاهی از سوی مغرب و رسیدن آن ها به دروازه شهر "حیره"، آمدن پرچم های سیاه از سوی مشرق، شکستن دیوار فرات و جریان یافتن آب در کوچه های کوفه، خروج ۶۰ پیامبر دروغین، خروج دوازده امام دروغین، و به آتش کشیده شدن مرد گرانقدری از بنی عباس بین جلولا و خانقین، ایجاد پل ارتباط میان کرخ و بغداد، وزش بادی سیاه در آغاز روز، زلزله ای که انبوهی را به زمین فرمی برد، ترس و نا امنی فراگیری که همه عراق و بغداد را فرا می گیرد، مرگ سریع و دردناک و نقص و زیان در اموال و جان و ثمرات، آفت ملخ نابهنگام و به هنگام کشاورزی، برداشت کم محصولات زراعی، جنگ قدرت میان عجم و خونریزی بسیار در میان آنان، شورش بردگان بر ضد برده داران و کشتن آنان، مسخ شدن گروهی از بدعتگذاران و به صورت میمون و خوک درآمدن آنان، تسلط کشورهای عقب مانده به کشورهای زورمند و ثروتمند، طنین افکن شدن ندایی از آسمان و رسیدن آن به گوش جهانیان به زبان های گوناگون، پدیدار شدن چهره و سینه ای در کره خورشید، زنده شدن گروهی از مردگان و بازگشت آنان به دنیا، به گونه ای که مردم آنان را شناخته با آنان دیدار می کنند. (۵) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۵. غیبه طوسی ص ۴۴۵. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۲۴۸. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۲۱۴. ۵. ارشاد مفید ص ۳۵۶ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۲۰.

گرسنگی

از نشانه های پیش از ظهور حضرت، گرسنگی ذکر شده است. محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: پیش از ظهور حضرت قائم (ع) از سوی خداوند برای مؤمنان نشانه هایی است گفتم: خدا مرا فدای تو گرداند، آن نشانه ها کدام است؟ فرمود: آن ها همان گفته خداوند است که فرمود: و لبونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرين (۱) و شما مؤمنان را به چیزی از ترس و گرسنگی و کمی دارایی ها و جان ها و میوه ها می آزمایم، پس صابران را مژده ده آنگاه فرمود: خداوند مؤمنان را به سبب ترس از پادشاهان بنی فلان در دوران پایانی حکومت شان می آزماید و مراد از گرسنگی، گرانی قیمت ها است ۱. سوره بقره ۱۵۵.

قذف

از نشانه های آخرالزمان و به معنای پرتاب چیزی از مکانی به مکانی است مانند: بمباران، سنگباران، موشک های زمین به زمین و امثال آن ها (۱) در روایتی از رسول خدا (ص) می خوانیم: در آخرالزمان خسف، قذف و مسخ واقع خواهد شد. (۲) نیز آمده است: در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه ای روی نداده است، جز این که در میان امت من نیز نظیر آن روی خواهد داد، حتی خسف، قذف و مسخ (۳) ۱. روزگار رهایی ج ۲ ص ۲۸۵۴. نهج الفصاحه ج ۲، ص ۲۷۲ ینابیع الموده ج ۳ ص ۱۴۶. بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۳۱.

علائم غیر حتمی

صیحه آسمانی

منظور از صیحه آسمانی، ظاهراً صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان شنیده می شود (۱) و همه مردم آن را می شنوند. در روایات، تعبیرهای نداء و "فرعۀ" و "صوت" نیز به کار رفته که ظاهر آن ها نشان می دهد که هر یک از آن ها نشانه جداگانه ای است که پیش از ظهور واقع می شود (۲) لکن به نظر می رسد که این ها تعبیرهایی گوناگون از یک حادثه و یا دست کم، اشکال گوناگون یک حادثه باشند. مراد از همه آن ها، بلند شدن صدایی در آسمان است. ولی به اعتبار این که صدای عظیم، بیدار باشی است که همه را متوجه خود می کند و نیز موجب وحشت عمومی و ایجاد دلهره و اضطراب می گردد، به آن صیحه، فرعۀ، صوت و نداء که هر یک بیانگر ویژگی از آن حادثه اند، اطلاق شده است. این احتمال هم وجود دارد که آن ما سه حادثه جدای از هم باشد که در یک زمان رخ نمی دهند، بلکه ابتدا صدایی عظیم همه را متوجه خود می کند صیحه به دنبال آن صدایی هولناک، مردم را به وحشت می اندازد فرعوهو آن گاه صدایی از آسمان شنیده می شود که مردم را به سوی مهدی (ع) فرا می خواند نداء. امام باقر (ع) می فرماید: "نداکنده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند، پس هر کس در شرق و غرب است، آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیدار، ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند. رحمت خدا بر کسی که از این صدا عبرت بگیرد و ندای وی را اجابت کند؟ زیرا صدای نخست، صدای جبرئیل روح الامین است. آن گاه می فرماید: این صدا در شب جمعه ۲۳ ماه رمضان خواهد بود. در این هیچ شک نکنید و بشنوید و فرمان برید. در آخر روز، شیطان فریاد می زند که فلانی مظلومانه کشته شد" تا مردم را بفریبد و به شک اندارد (۳) البته روایات دیگری نیز به همین مضمون وجود دارد. از مجموع روایات می توان استفاده کرد: ۱. صیحه از نشانه های حتمی ظهور است، ۲. این صدا از آسمان شنیده می شود، به گونه ای که همه مردم زمین از شرق و غرب آن را می شنوند، ۳. محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق حمایت و بیعت با مهدی (ع) است، ۴. هم زمان با آن یا کمی پس از آن، در روی زمین نیز صدایی شنیده می شود. ندا دهنده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند، جبرئیل، مردم را به حق فرا می خواند. (۴) مطلب دیگر این که در برخی روایات، سخن از "نداء" در کنار کعبه به میان آمده است. امام صادق (ع) می فرماید: "گویا می بینیم که حضرت قائم (ع) در روز شنبه "عاشورا، هنگام ظهر، بین رکن و مقام، در کنار کعبه ایستاده است و در پیش او، جبرئیل صدا می زند: بیعت برای خداست ۰۰. (۵) گویا این ندا غیر از ندای آسمانی و صیحه است که به عنوان نشانه ظهور بیان شده، زیرا این ندا در زمین و پس از ظهور است و ندا در آسمان و در آغاز روز صورت می گیرد. ولی احتمال هم دارد که همان صدای آسمانی، توسط سخنگوی حق، جبرئیل، ارکنار کعبه بلند شود و در تمام جهان شنیده شود. (۶) ار امام صادق (ع) درباره ندای آسمانی پرسیدند، فرمود: "هر جامعه و مردمی به زبان و فرهنگ (ع) خود، آن ندای آسمانی را می شنود (۷) ۱. منهاج الدعوات ص ۹۳. ۲. وافی ج ۲ ص ۴۴۳. ۳. همان ص، ۲۵۴. ۴. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۲۳۰. ۵. غیبه طوسی، ص ۴۵۳ منتخب

الاثراص ۴۶۴. ۶. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۲۳۳. ۷. غیبه طوسی، ص ۲۶۶ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۸۸

صورتی در خورشید

از نشانه های آخرالزمان، ظاهر شدن صورتی در قرص خورشید ذکر شده است. مردم سیمای مردی را در قرص خورشید خواهند دید که نام و نشان او را خواهند شناخت. این نشانه پرشکوه در عهد سفیانی خواهد بود و در آن هنگام سپاه سفیانی و خود سفیانی هلاک خواهند شد. (۱) صاحب کتاب روزگار رهایی می نویسد: منظور از سیمای مردی که در قرص خورشید ظاهر خواهد شد، سیمای حضرت مسیح (ع) است که در خورشید ظاهر می شود و از آسمان فرود می آید و با حسب و نسبش شناخته می شود و دیگر کسی در حق او دچار تردید (۲) نمی شود. در حدیث دیگری آمده است: صورت و سینه ای در قرص خورشید برای مردمان ظاهر می شود. (۳) در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: سه بانگ آسمانی در ماه رجب شنیده می شد: ۱. آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمگران باد، ۲. ای گروه مؤمنان رستاخیز نزدیک است، ۳. بدن انسانی به وضوح در قرص خورشید دیده می شود که با صدای رسا بانگ بر می آورد: هان ای مردم خداوند فلانی، پسر فلانی... سلسله نسب حضرت قائم (ع) را تا حضرت علی (ع) می رساند را برانگیخت. (۴) ۱. ارشاد مفید ص ۳۳۸ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۰ اعلام الوری ص ۴۲۸. ۲. روزگار رهایی ج ۲ ص ۳۸۴۵. همان ص ۸۴۶. ۴. غیبه طوسی ص ۲۶۸ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۸۹ منتخب الاثرص ۴۲۲.

سید حسنی

خروج سید حسنی از نشانه هایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) رخ می دهد. خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است. سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم و قزوین خروج می کند و با صدای بلند فریاد می زند که به فریاد قائم آل محمد (ع) برسید که از شما یاری می طلبد. این سید حسنی ظاهر از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) می باشد. او از مکان خود تا کوفه را از لوٹ وجود ظالمان پاک می کند. چون با اصحاب خود وارد کوفه می شود، به او خبر می دهند که حضرت حجت (ع) ظهور کرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است. پس با اصحاب خود، خدمت آن حضرت مشرف می شوند و از آن حضرت مطالبه دلائل امامت و موارث انبیاء را می نمایند. او می داند که مهدی (ع) بر حق است، ولیکن مقصودش این است که حقیقت امام را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نماید. پس آن حضرت دلائل را برای او ظاهر می کند. وقتی سید حسنی یقین به صدق امام ندا می کند، می گوید: الله اکبر دست را بده تا با تو بیعت کنم. با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاهش نیز بیعت می کنند. (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۱۵ به نقل از فرهنگ موعود حسین کریمشاهی، ص ۱۳۰

خسف بیداء

خسف به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است (۱) و "بیداء" نام سرزمینی است میان مکه و مدینه. ظاهراً منظور از خسف بیداء آن است که سفیانی، با لشکری عظیم به قصد جنگ با مهدی (ع) عازم مکه می شود، در میان مکه و مدینه و در محلی که به سرزمین "بیداء" معروف است، به گونه معجزه به امر خداوند در دل زمین فرو می روند (۲) این حادثه از نشانه های حتمی ظهور بیان شده است. حضرت علی (ع) می فرمایند: مردی از خاندان من، در سرزمین حرم قیام می کند، چون خبر ظهور وی به سفیانی می رسد، وی سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ به سوی او می فرستد، ولی سپاه مهدی آنان را شکست می دهد، آن گاه خود سفیانی با لشکریان همراه، به جنگ وی می روند و چون از سرزمین بیداء می گذرند، در زمین فرو می روند و جز یک نفر،

که خبر آنان را می آورد، همگی می شوند. (۳) گر چه حادثه خسف در منطقه بیداء و در مورد لشکر سفیانی واقع می شود، ولی در برخی روایات، غیر از خسف در بیداء، از خسف در مشرق و خسف در مغرب نیز یاد شده است، (۴) و این نشان آن است که در سایر نقاط زمین نیز چنین حوادثی رخ می دهد و به امر خداوند، دشمنان مهدی (ع) بدین وسیله نابود می گردند. (۵) ۱. محجة البیضا ج ۴، ص ۳۴۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۰. ۲. لسان العرب، ج ۹، ص ۳۶۷. غیة نعمانی ص ۲۵۲. ۴. وافی ج ۲ ص ۴۴۳ منتخب الاثر ص ۴۴۲. ۵. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات، ص ۲۲۴.

خروج یاجوج و ماجوج

در برخی روایات، از نشانه های ظهور دانسته شده (۱) که با دقت در آن ها روشن می شود که ارتباطی با مسأله ظهور ندارند، بلکه بیشتر آن ها، ناظر به برپایی قیامت هستند. مواردی هم که در قرآن از خروج یاجوج و ماجوج یاد شده (۲) هیچ دلالتی بر این قضیه ندارد. ۱. منتخب الاثر ص ۴۶۱ سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۵۳ کنز العمال ج ۱۴ ص ۳۳۸. ۲. سوره کهف ۹۴، سوره انبیاء ص ۶. ۹.

خروج دجال

این نشانه، در کتاب های اهل سنت از نشانه برپایی قیامت دانسته شده است (۱) ولی در منابع روایی شیعه، از نشانه های ظهور. (۲) البته هیچ اشکالی ندارد که رخدادهایی چون خروج دجال، هم نشانه ظهور باشند و هم نشانه قیامت دجال فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام مهدی (ع) خروج می کند و با انجام کارهای شگفت انگیز جمع بسیاری از مردم را می فریبد و سرانجام به دست عیسی مسیح (ع) در کنار دروازه "لد" در منطقه شام، به هلاکت می رسد. از "نزال بن سبره" آورده اند که می گوید: امیر مؤمنان (ع) برای ما سخن می گفت که: نخست سپاس خدا را به جا آورد و او را ستود و بر پیامبر و خاندانش (ع) درود فرستاد، آن گاه سه بار فرمود: سلونی ایها الناس قبل أن تفقدونی..... یعنی: مردم تا مرا از دست ندادید، هر آن چه می خواهید برسید. صعصعة بن صوحان بپا خاست و گفت: چه زمانی دجال خواهد آمد؟ علی (ع) فرمود: بنشین خدا سخن تو را شنید و منظورت را دانست... برای خروج "دجال" نشانه ها و علایمی است که دسته دسته هر کدام پس از دیگری روی خواهد داد اگر می خواهی تو را از آن ها آگاه سازم، صعصعة پاسخ داد: آری ای امیر مؤمنان فرمود: پس به خاطر بسپار و حفظ کن که این ها علایم و نشانه های آن است: هنگامی که مردم راه و رسم و فرهنگ و معنویت نماز را نابود ساختند و به پوسته آن قناعت کردند و ویژگی امانت و امانتداری را ضایع ساختند و دروغ پردازی را روا شمردند و رباخواری و ربا را مباح دانستند و رشوه دادند و گرفتند و دین به دنیا فروختند و سفیهان و کم خردان را به اداره امور جامعه گماشتند و قطع رحم کردند و هواهای دل را پیروی کردند و ریختن خون ها را آسان ساختند. هنگامی که بردباری، ناتوانی شمرده شد و بیدادگری، باعث افتخار گردید و زمامداران فاجر و بدکار و زیران، ستمکار شدند و مأموران و مجریان عدالت، خیانت پیشه ساختند و گویندگان و قاریان قرآن، به فسق و گناه روی آوردند و شهادت های دروغین در جامعه پدیدار شد و کارهای ناپسند و تهمت تراشی ها و گناهکاری و تجاوزگری علنی گردید، آنگاه که قرآن به صورت زیبایی چاپ و جلد و تزئین گردید و مسجدها آراسته شد و مناره ها سر به آسمان سایید و اشرار مورد تجلیل قرار گرفتند و صف های جماعت فشرده و دل ها از هم دور شد و عهد ها و پیمان ها گسسته و آن وعده بزرگ نزدیک گردید و زنان به خاطر حرص به دنیا، در کسب و کار همسران خود شرکت کردند و به بازارها و مغازه ها و کارخانه ها سرازیر گشتند. صدای آواز فاسقان، همه جا پخش و به گوشها رسید و هر چه گفتند و خواندند از آنان پذیرفته شد. رهبری جامعه ها به دست

اراذل وا گذاشته شد وبا فاجر به خاطر ترس از شرارتش ، مدارا گردید و دروغ ساز و دروغ پرداز ، تصدیق و تأیید شد و خیانتکار ، امین شمرده شد . هنگامی که کنیزان آوازه خوان و رقاصه ها و آلات لهو و موسیقی ، به کار گرفته شد و نسل های آخرین به نسل های پیشین نفرین کردند و زنان بر زینها سوار شدند وتلاش کردند خود را شبیه مردان سازند ومردان نیز خود را در ظاهر و اخلاق بسان زنان ساختند ، وشاهد بی آن که از او شهادت بخواهند به دادگاه رفت و شهادت داد ، و دیگری بر خلاف حق وعدالت وبدون آگاهی ، به خاطر رفاقت با کسی ، به نفع اوبه دروغ گواهی کرد آری در این شرایط منحط ووخامت بار و گناه آلود جامعه ها وتمدن های اسلامی وجهانی است که دجال ظاهر می گردد ودر آمدن شتاب می کند . (۳) ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۳ کمال الدین ص ۵۲۵ . ۲ . برترین های فرهنگ مهدویت ، در مطبوعات ص ۲۳۳ . ۳ . کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۵ و ۵۲۶ .

صورتی در ماه

در روایت است : سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می شود ، نشانه ای پیش از آن در ماه رجب دیده می شود . گفته شد : آن نشانه چیست فرمود : سیمایی در قرص ماه دیده می شود ، دست و کف دست روشنی در فضا ظاهر می شود و به سوی او اشاره می کند و ندایی از آسمان بلند می شود و همه مردم روی زمین آن را می شنوند . (۱) ۱ . غیبه نعمانی ص ۳۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۳ ارشاد مفید ص ۳۳۷ .

صدای زمینی

در روایات از دعوت به باطل تعبیر به " صدای زمینی " واز دعوت به حق ، تعبیر به " صدای آسمانی " شده است . امام صادق (ع) (درباره صیحه آسمانی که از نشانه های حتمی ظهور است می فرماید : در ابتدای روز ، گوینده ای در آسمان ندا می دهد : آگاه باشید که حق با علی و شیعیان اوست . پس از آن در پایان روز ، شیطان که لعنت خدا بر او باد از روی زمین فریاد می کند که حق با عثمان و پیروان اوست . پس در این هنگام ، باطل گرایان به شک می افتند . (۱) هم زمان با شنیده شدن صدای آسمانی ویا کمی پس از آن ، در روی زمین نیز صدایی شنیده می شود . ندا دهنده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند و می کوشد با ایجاد تردید در مردم ، آن ها را از حمایت مهدی (ع) واجابت دعوت آسمانی باز دارد . (۲) ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۲۸۸ . ۲ . برترین های فرهنگ مهدویت و مطبوعات ص ۲۳۲ .

سید خراسانی

اندکی پیش از ظهور حضرت ، در میان ایرانیان ، شخصی با عنوان سید خراسانی ظاهر شده که رهبری سیاسی مردم را به عهده می گیرد وشعیب بن صالح نیز رهبری نظامی را وایرانیان تحت رهبری این دوتن ، نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا می کنند . سید خراسانی وشعیب جنگ را در مرزهای ایران ، ترکیه وعراق هدایت می کنند ونیروهای مستقر در شام ، خود را به پیش رانده ودر همان زمان ، از دو جناح عراق وشام ، آماده پیشروی بزرگ به سوی فلسطین وققدس می شوند . پیرامون شخصیت سید خراسانی ، سؤال های بسیاری مطرح است . از مهم ترین آن ها این است که آیا مراد از خراسانی در روایات ، فرد معینی است ویا این که تعبیر از رهبر ایران است که در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) وجود خواهد داشت؟ روایات به روشنی دلالت دارد بر این که آن شخصیت از ذریه امام مجتبی (ع) ویا امام حسین (ع) است وازاو به عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است وصفات جسمی وی را که دارای صورتی نورانی وخال برگونه راست ویا دست را ست دارد ، بیان کرده است . اما روایاتی که در منابع حدیث درجه

اول شیعه مانند غیبت نعمانی و طوسی در خصوص این شخص وارد شده است، احتمال دارد ایشان را به یاور خراسانیان و یا رهبر اهالی خراسان و یا فرمانده لشکر خراسان تفسیر کرد. زیرا این روایات تعبیر به "خراسانی" تنها نموده نه هاشمی خراسانی، اما مجموعه قرائن موجود، پیرامون شخصیت اودلالیت دارد که مشخص است وی همزمان با خروج سفیانی ویمنی ظاهر می شود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام می دارد که سپاهیان سفیانی را شکست می دهند. نسبت ایشان به خراسان به این معنا نیست که حتماً اهل استان خراسان فعلی باشد، چون در صدر اسلام، نسبت دادن به خراسان به مشرق زمین اطلاق می شده است که شامل ایران و سایر مناطق اسلامی متصل به آن که امروز تحت اشغال شورری است، می شود. بنابراین شخص خراسانی اهل هر منطقه ای که از این محدوده باشد، نسبت او به خراسان صحیح است، چنان که از منابع درجه اول حدیثی شیعه استفاده نمی شود که او سید حسنی و یا حسینی است؟ آن گونه که در منابع روایی برادران اهل سنت به آن تصریح شده است. سید خراسانی، آخرین شخصی است که پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) بر ایران حکومت کرده و یا معاصر با آخرین فردی است که فرمانروای ایران خواهد بود (۱) ۱. عصر ظهور علی کورانی ترجمه عباس جلالی ص ۲۷۰.

خروج یمنی

خروج یمنی از نشانه های حتمی ظهور است (۱) درباره انقلاب و قیام یمنی روایات بسیاری وارد شده است. امام صادق (ع) فرمودند: خروج این سه تن، خراسانی، سفیانی ویمنی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می افتد و درفش یمنی از همه هدایت کننده تر است، زیرا که دعوت به حق می کند (۲) روایات می گوید: یمنی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود. نیروهای یمنی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند و از روایات چنین ظاهر می شود که نقش نیروهای یمن در نبرد سفیانی نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می شود که طرف درگیر با سفیانی، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی و شعیب هستند، و گویا یمنی ها پس از یاری رساندن به آنان به یمن باز می گردند. اما در منطقه خلیج، علاوه بر حجاز "یمنی ها نقش اساسی خواهند داشت، گر چه روایات، آن را خاطر نشان ن ساخته اند ولی به طور طبیعی با توجه به روند حوادث ظهور و جغرافیای منطقه، بایستی فرمانروایی یمن و حجاز و کشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمن، پیرو حضرت مهدی (ع) قرار گیرد. اخبار مؤید این است که انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (ع) نزدیک تر است تا انقلاب زمینه ساز ایرانیان، حتی اگر فرض کنیم یمنی قبل از سفیانی قیام می کند یا آن که یمنی دیگری زمینه ساز یمنی موعود می باشد. در پاره ای روایات سخن از درفش یمنی به میان آمده که از همه درفش ها هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند (۳) احتمالات بسیاری درباره هدایت کننده تر بودن درفش یمنی داده اند، اما پسندیده این است که درفش یمنی اگر هدایت گری بیشتری دارد به این دلیل است که مستقیماً از رهنمودهای حضرت مهدی (ع) برخوردار می گردد. همچنین یمنی به دیدار حضرتش نائل می شود و کسب شناخت و رهنمود می کند. مؤید این امر هم روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن، یعنی شخص یمنی را می ستاید و با این عبارات توصیف می نماید: به سوی حق هدایت می کند "و شما را به سوی صاحبان می خواند" و این که "برای هیچ مسلمانی سربیزی از آن جایز نیست و کسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود، اما انقلاب زمینه ساز ایرانیان، در روایات آن بیش از ستایش رهبران آن، ستایش از عموم گردیده است (۴) ۱. منتخب الاثر ص ۴۵۲. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۲۱۰. عصر ظهور کورانی ص ۱۶۱.

خروج سفیانی

یکی از نشانه های قطعی ظهور است . سفیانی ، عنصر بی بند و بار ، آلوده و پرده در اموی نسب و اموی نژاد است که در سوریه انقلاب می کند و انقلابش نیز ، پس از غلبه بر دو گروه مخالف خویش ، به ظاهر پیروز می گردد و آن ده خط مخالف را که رهبری یکی را مردی سرخ رو و دیگری را مردی " ابرص " به عهده دارد ، در هم می کوبد . فضای سیاسی و اجتماعی برای او آماده می شود و او بر منطقه وسیعی که شامل : دمشق ، حمص ، حلب ، اردن ، فلسطین و اسرائیل کنونی است ، مسلط می گردد و یهودیان و عناصر تبهکار و حق ستیز ، کودکان پرورشگاهی و کنار خیابانی از او پیروی می کنند و همه این تحولات ظرف شش ماه صورت می پذیرد . پس از استقرار قدرت و سیطره سفیانی در سوریه و منطقه وسیعی که نام برده شد ، سپاه گرانی مرکب از ۱۴۲ هزار نفر سازماندهی می کند و بخشی از آن را به منظور فتح عراق و بخشی دیگر را به سوی حجاز و مدینه منوره ، گسیل می دارد . سپاه ۱۲ هزار نفری او به سوی مدینه می رود تا حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر بزرگ جهانی را که خبر ظهورش پخش گردیده ، دستگیر نماید . آنان سه روز در مدینه توقف می کنند و در آن جا دست به چپاول و جنایت می زنند و پس از آن ، بخش مهم آن ۱۲ هزار نفر ، مدینه را به منظور دستیابی به امام مهدی (ع) به قصد مکه ترک می کنند ، چرا که اطلاع می یابند که آن اصلاحگر بزرگ ، از مدینه به مکه رفته است . این سپاه تجاوزکار در راه مکه ، به بیابانی می رسند و در آن جا ، زمین به امر خدا همه آنان را می بلعد و جز دو نفر باقی نمی ماند ، یکی از آن دو به سوی حضرت مهدی (ع) می رود تا بشارت نابودی دشمنان حق و عدالت را بدهد و دیگری به سوی سفیانی می رود تا سرنوشت شوم ستونی از سپاه تجاوزکار او را گزارش کند . اما سپاه تجاوزکاری که از سوی سفیانی به عراق گسیل می گردد ، در منطقه ای از اطراف نجف که روحاء نام دارد پیاده می شود و ده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف و کوفه حرکت می کنند . روز عیدی از اعیاد اسلامی ، تجاوز خویش را به این دو شهر آغاز می کنند و سر راه خود با ستونی از مدافعان که از بغداد می رسد در گیر می شوند و میان این ده ها هزار مدافع عراقی و سپاه سفیانی ، جنگ وحشتناکی جریان می یابد که البته سپاه سفیانی پیروز می شود و کوفه را به اشغال خود در می آورد و در آن جا سخت به کشتار وسیع غیر نظامیان ، جاری ساختن سیلاب خون از بیگناهان ، برپا ساختن چوبه های بی شمار دار و به اسارت بردن زنان و دختران ، دست می زند . مردی برای دفاع از کوفه و حقوق مردم آن پیاپی می خیزد و انقلابی به راه می اندازد ، اما کشته می شود . سرانجام این بخش از سپاه سفیانی به سوی شام برمی گردد ، اما گروهی از کوفه و گروهی به فرماندهی سید هاشمی و گروهی به فرماندهی قهرمان پروا پیشه " یمنی " سپاه ۱۰۰ هزار نفری سفیانی را تعقیب می کنند و طی جنگ خونین میان راه عراق و شام همه را درهم می کوبند و انبوهی اسیر و غنائیم جنگی ، بدست می آورند . اما سرانجام شوم سفیانی و جنبش ارتجاعی او ، بدین گونه پایان می پذیرد که : حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر زمین و زمان پس از ظهور خویش ، از مکه به تدریج به کوفه می رسد و پس از استقرار عدالت در حجاز و عراق و دمشق ، قلمرو سیطره ظالمانه سفیانی را هدف قرار می دهد . در حرکت اصلاحی امام به سوی شام ، انبوهی از حق طلبان به او می پیوندند و سفیانی نیز در رمله ، شمال شرقی فلسطین و قدس برای شرارت آماده می شود . لحظات رویارویی دو سپاه حق و باطل و عدل و بیداد ، فرا می رسد ، گروه هایی از سپاه سفیانی ، قرارگاه خویش را رها کرده و به لشکر حق می پیوندند و گروهی نیز به سپاه سفیانی ملحق می شوند . شرایط برای یک پیکار بزرگ و سرنوشت ساز آماده می شود . سفیانی با دریافت گزارش رسیدن نیروی حق و آمدن اصلاحگر بزرگ امام مهدی (ع) از عراق به شام و فلسطین ، خود را با همه قدرت و امکانات آماده رویا رویی و دیدار می کند و بنا به روایتی از امام باقر (ع) می گوید : " اخرجوا الی ابن عمی " یعنی : عموزاده ام را نزد من بیاورید . (۱) پس از آنکه رویارویی هم قرار می گیرند و امام مهدی (ع) سفیانی را برای گفتگو به حضور می پذیرد و آن گفتگو به بیعت سفیانی با حضرت مهدی و با ایمان به او و حرکت عظیم و عمیق و آسمانی او می انجامد ، سفیانی از قرارگاه حضرت مهدی (ع) به سوی سپاه خویش باز می گردد که سران سپاهش می پرسند : چه کردی ؟ پاسخ می دهد : من در برابر منطق پولادین و موضع بحق حضرت مهدی (ع) اسلام او را پذیرفتم و به راه و رسم او گردن نهادم و با او دست بیعت دادم

واز گذشته سیاه خویش ، ندامت کردم سران سپاه او می گویند : زشت باد رأی تو در شرایطی که خلیفه ای بلا مانع و پراقتدار به سوی امام مهدی (ع) رفتی ، اینک بر خط اطاعت او گردن نهاده ، بازگشته ای ؟" سفیانی از پیمان خویش دست کشیده و بیعت خویش با حجت خدا و خلیفه راستین او را می شکند و به تشویق سران سپاه تجاوز کار خود ، برای پیکار با حق و عدالت آماده می شود . سحرگاه یکی از روزها ، پیکار نهایی حق و باطل آغاز می گردد و خداوند پس از نبردی خونبار میان دو سپاه عدل و ظلم ، حجت خدا و یاران حق گرای او را پیروزی کامل می بخشد و آنان ، سپاه حق ستیز سفیانی را به طور کامل نابود می سازند . (۲) طبق روایت دیگری ، سفیانی از سرنوشت شوم و تکان دهنده سپاه خویش که در راه مکه به زمین فرو می رود و زمین به فرمان خدا آن ها را می بلعد درس عبرت گرفته و می کوشد تا فرمان امام مهدی (ع) را گردن نهد . به همین جهت بیعت می کند ، اما پس از اندک زمانی بیعت خویش را می شکند و سرکشی می کند و پس از نبردی خونین به اسارت درمی آید و نابود می گردد . (۳) به روایت دیگری ، پس از دستگیری به دستور حضرت مهدی (ع) در دروازه بیت المقدس کشته می شود . (۴) . به اعتبار اینکه از نسل بنو امیه است و آنان خود را پسرعموهای بنی هاشم می پندارند .

دابة الارض

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده و خروج آن از علائم آخر الزمان است . امیر المومنین (ع) فرمود : آگاه باشید! قسم به خداوند که دابة الارض ، انسان است (۱) این واژه ، متخذ از آیه و اذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض (۲) می باشد . این آیه و سه آیه بعد از آن ، از واقعه هولناکی که در آینده به وقوع می پیوندد خبر می دهند . معنی ظاهر آیه این است : هنگامی که مردم مستوجب عذاب شدند و دوران مهلت پایان پذیرفت (جانوری) جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم که با آن ها سخن می گوید که مردم به آیات ما یقین نمی آورند مشهور میان شراح حدیث و اغلب مفسران ، این است که دابة الارض از علامات قیامت است ، یا نخستین علامت است که کوه صفا منشق می شود در اخبار شیعه ، مکرر آمده که دابة الارض از نشانه های قیامت است و امیر المومنین علی (ع) است در بیشتر کتب حدیث اهل سنت آمده که دابة الارض ، همان صاحب عصا و میسم آلت نشانگذار است . منظور از عصا ، عصای حضرت موسی (ع) است که در دست آن حضرت خواهد بود ، و میسم به معنای چیزی است که به وسیله آن بر پیشانی چارپایان داغ می زنند و نشان دار می کنند ، چنان که در آخرت ، امیر مؤمنان قسیم الجنة و النار هستند ، در رجعت نیز دوست و دشمن را از یکدیگر جدا می کنند و بر روی بینی دشمنان مهر باطله می زنند . (۳) در حدیثی آمده که در روز سوم ورود حضرت مهدی (ع) به بیت المقدس ، دابة الارض خارج می شود (۴) > p از نظر روایات اهل بیت عصمت و طهارت هیچ تردیدی نیست که منظور از دابة الارض رجعت وجود مقدس حضرت علی بن ابی طالب (ع) می باشد که احادیث فراوانی در این زمینه به دست ما رسیده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم : امام باقر (ع) ز حضرت علی نقل می کنند که فرمود : من تقسیم کننده بهشت و دوزخم ، کسی وارد آن ها نمی شود جز بر اساس تقسیم من . من فاروق اکبر . من پیشوای آیندگانم . من گزارشگر گذشتگانم . جز رسول اکرم (ص) کسی بر من پیشی نمی گیرد او و من در یک صراط مستقیم ، جز اینکه این صراط به نام اوست . به من شش فضیلت داده شد : ۱ . علم منایا و بلایا و وصایا به من داده شد ۲ . سخن فصل جدا کننده حق و باطل به من عطا شد . . من صاحب رجعت ها هستم . فرمانروائی کل به من عطا شده ۵ . من صاحب عصا و میسم هستم ۶ . من دابة الارض هستم که با مردم سخن خواهم گفت (۵) امام صادق (ع) می فرماید : روزی رسول اکرم (ع) وارد مسجد شدند و مشاهده کردند که امیر مؤمنان (ع) شن های مسجد را زیر سرش بالش کرده و خوابیده است . با پای مبارک شان او را حرکت دادند و فرمودند : ای دابة الارض برخیز . یکی از اصحاب گفت : ای رسول گرامی آیا ما همدیگر را با این نام بخوانیم فرمود : نه ، به خدا سوگند که این نام به او اختصاص دارد . او همان دابة الارض است که خدای تبارک و تعالی در کتابش فرموده :

چون سخن بر آن ها فرود آید جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم و برای مردم سخن می گوید که مردم به آیات ما باور نمی کردند . سپس خطاب به علی (ع) فرمود ای علی چون آخر الزمان فرا رسد خداوند تو را در زیباترین صورتی ظاهر می سازد و در دست تو میسمی آهنی هست که دشمنان را با آن علامت می گذاری (۶) رسول اکرم (ص) در وصف دابۀ الارض فرمود : تیز پائی به او نمی رسد ، فرارکننده ای از او فوت نمی شود . مؤمن را نشان مؤمن ، و کافر را نشان کافر می زند . عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان با اوست (۷) امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که در شب معراج گفته شد : ای محمد علی اول است ، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است علی آخر است ، زیرا او آخرین امامی است که روحش را قبض می کنم . او همان دابۀ است که با مردم سخن می گوید (۸) رسول اکرم (ص) در ضمن حدیث مفصلی می فرماید که دابۀ الارض سه بار ظاهر می شود و هر سه را بیان می فرماید . (۹) از محضر امیر مؤمنان در مورد " دابۀ الارض " پرسیدند ، فرمود به خدا سوگند ، آن جنبنده ای نیست که دم داشته باشد ، بلکه جنبنده ای است که ریش دارد (۱۰) امیر مؤمنان در ضمن خطبه مفصلی که در مورد " دجال " ایراد فرموده است ، بعد از شرح کشته شدن دجال می فرماید پس از آن طامه کبری است اصحاب پرسیدند : " طامه کبری چیست؟ فرمود خروج دابۀ الارض است که در نزدیکی صفا ظاهر می شود انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست . . . هنگامی که سرش را بلند می کند همه کسانی که در میان مشرق و مغرب هستند به قدرت الهی او را می بینند . و آن پس از طلوع خورشید از مغرب است که در آن هنگام در توبه بسته می شود (۱۱) از بررسی روایات اهل سنت استفاده می شود که از نظر آن ها نیز ، روایات بسیار مشابه روایات شیعه است ، جز این که به رجعت و به نام مقدس حضرت علی (ع) تصریح نکرده اند ، ولی غالب نشانه ها یکی است . اینک فهرست نشانه ها یکی که در احادیث اهل سنت در مورد " دابۀ الارض " آمده است : . برای دابۀ الارض سه خروج است اولین نشانه ، طلوع خورشید از مغرب است و خروج دابۀ الارض خروج دابۀ الارض از مسجد الحرام است (۱۲) . خروج دابۀ الارض از نزدیکی صفا است . . انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست . سه بار بانگ برمی آورد و همه مردم مشرق و مغرب آن را می شنوند . چون دابۀ الارض خارج شد در توبه بسته می شود (۱۳) . دابۀ الارض مؤمن و کافر را نشان می گذارد که برای همه شناخته می شوند . (۱۴) طلوع خورشید از مغرب ملازم خروج دابۀ الارض است ، هر کدام از آن دو جلوتر واقع شود ، آن دیگری به دنبال آن واقع می شود خروج دابۀ الارض یکی از اشراط ساعۀ دهگانه ای است که بیش از قیامت بدون تردید تحقق خواهند یافت . از بررسی احادیث ، به این نتیجه می رسیم که روایات اهل سنت در مورد دابۀ الارض (ع) دقیقاً با روایات شیعه منطبق است جز این که تصریح نکرده اند که منظور از آن مولای متقیان امیر مؤمنان (ع) می باشد . (۱۵) ۱. نجم الثاقب باب دوم . ۲. سوره نمل ۸۲ . ۳. معارف و معاریف ج ۵ ص ۳۱۵ . ۴. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۲۷ . ۵. تفسیر برهان ج ۳ ص ۲۰۹ نور الثقلین ج ۴ ص ۹۷ تفسیر صافی ج ۴ ص ۷۵ . ۶. بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۴۳ تفسیر قمی ص ۴۷۹ تفسیر صافی ج ۴ ص ۶۷۴ نور الثقلین ، ج ۴ ص ۹۸ ، تفسیر برهان ج ۳ ص ۲۰۹ . ۷. بحار الانوار ج ۶ ص ۳۰۰ مجمع البیان ج ۷ ص ۲۳۴ نور الثقلین ج ۴ ص ۹۸ تفسیر صافی ج ۴ ، ص ۷۵ . ۸. بحار الانوار ج ۴۰ ص ۳۸ و بصائر الدرجات ، ص ۱۵۰ . ۹. نور الثقلین ، ج ۴ ، ص ۹۹ مجمع البیان ، ج ۷ ، ص ۲۳۴ و بحار الانوار ج ۶ ص ۳۰۰ . ۱۰. تفسیر بیان ، ج ۸ ص ۱۱۹ و نور الثقلین ، ج ۴ ص ۹۸ . ۱۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۴ تفسیر صافی ج ۴ ص ۷۵ و کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۷ . ۱۲. تفسیر کشاف ج ۳ ص ۳۷۴ عقد الدرر ۳۱۳ و تفسیر الدرر المنثور ج ۵ ص ۱۱۶ . ۱۳. عقد الدرر ص ۳۱۳ و سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۵۳ . ۱۴. مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۴ عقد الدرر ص ۳۱۴ و کشاف ج ۳ ص ۳۸۴ . ۱۵. رجعت محمد خادمی شیرازی ص ۶۵ .

در هر عصری، عالمان دینی مسؤولیت زدودن جهل و نادانی از اندیشه های مردم را به عهده دارند و از روایات فهمیده می شود که عالمان در آخرالزمان نیز این نقش را به خوبی ایفا می کنند. امام هادی (ع) می فرمایند: اگر در دوران غیبت قائم آل محمد (ع) عالمان نبودند که مردم را به سوی او هدایت کنند و با حجت های الهی از دین دفاع نمایند و شیعیان ضعیف را از دام های شیطان و پیر وانش رهایی و از شر ناصبی ها نجات بخشند، کسی در دین خدا پا بر جا نمی ماند و همه مرتد می شدند. ولی آنان رهبری دل های شیعیان ضعیف را با قدرت در دست می گیرند و حفظ می کنند، چنان که ناخدای کشتی، سکان و فرمان کشتی را نگاه می دارد؟ پس آنان نزد خداوند والاترین انسان ها هستند. (۱) رسول خدا (ص) نیز درباره زنده کننده دین در هر قرن می فرماید: خداوند بزرگ برای امت اسلام در آغاز هر قرن، شخصی را برمی انگیزاند تا دین را زنده نماید. (۲) احادیث دیگری نیز در مذمت برخی دانشمندان اهل آخرالزمان آمده است. رسول خدا (ص) فرمود: علمای آن ها خائن و فاسق هستند. آن ها و پیروان شان و آنان که به سوی آن ها می آیند و از آن ها کسب نور می کنند، آنان که آن ها را دوست دارند، بدترین مخلوقات روی زمین هستند (۳) و در روایتی می خوانیم: فقهای آن زمان، طبق هوای نفس خود فتوا می دهند. (۴) ۱. بحار الانوار ج ۲، ص ۶ احتجاج طبرسی، ج ۲ ص ۲۰۲۶۰. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۹۳ سنن ابی داود ج ۴، ص ۱۰۹. ۳. الزام الناصب، ص ۱۸۵. ۴. بشارة الاسلام، ص ۷۷ الزام الناصب ۱۹۵.

اشخاص

ابقع

در لغت به ابلق یعنی هر شیء سیاه و سفید و به خصوص به کلاغ سیاهی که با سفیدی آمیخته باشد و به هر شخص پلید و به ابرص و شورزا و کسی که لباس وصله دار و رنگارنگ بپوشد، گفته می شود. (۱) از رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) روایت شده که خروج ابقع در مصر و به دنبال دیده شدن ستاره دنباله دار و کسوف خورشید و خسوف ماه خواهد بود که همه این ها در نزدیکی ظهور روی خواهد داد. (۲) ۱. لسان العرب به نقل از روزگارهایی ج ۲، ص ۲۹۹۷. روزگار رهایی ج ۲ ص ۹۹۳.

سید خراسانی

اندکی پیش از ظهور حضرت، در میان ایرانیان، شخصی با عنوان سید خراسانی ظاهر شده که رهبری سیاسی مردم را به عهده می گیرد و شعیب بن صالح نیز رهبری نظامی را و ایرانیان تحت رهبری این دوتن، نقش مهمی را در حرکت ظهور آن حضرت ایفا می کنند. سید خراسانی و شعیب جنگ را در مرزهای ایران، ترکیه و عراق هدایت می کنند و نیروهای مستقر در شام، خود را به پیش رانده و در همان زمان، از دو جناح عراق و شام، آماده پیشروی بزرگ به سوی فلسطین و قدس می شوند. پیرامون شخصیت سید خراسانی، سؤال های بسیاری مطرح است. از مهم ترین آن ها این است که آیا مراد از خراسانی در روایات، فرد معینی است و یا این که تعبیر از رهبر ایران است که در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) وجود خواهد داشت؟ روایات به روشنی دلالت دارد بر این که آن شخصیت از ذریه امام مجتبی (ع) و یا امام حسین (ع) است و از او به عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است و صفات جسمی وی را که دارای صورتی نورانی و خال برگونه راست و یا دست را ست دارد، بیان کرده است. اما روایاتی که در منابع حدیث درجه اول شیعه مانند غیبت نعمانی و طوسی در خصوص این شخص وارد شده است، احتمال دارد ایشان را به یاور خراسانیان و یا رهبر اهالی خراسان و یا فرمانده لشکر خراسان تفسیر کرد. زیرا این روایات تعبیر به "خراسانی" تنها نموده نه هاشمی خراسانی، اما مجموعه قرائن موجود، پیرامون شخصیت او دلالت دارد که مشخص است وی همزمان با خروج سفیانی و یمنی ظاهر می شود

ونیروهای خود را به سوی عراق اعزام می دارد که سپاهیان سفیانی را شکست می دهند. نسبت ایشان به خراسان به این معنا نیست که حتماً اهل استان خراسان فعلی باشد، چون در صدر اسلام، نسبت دادن به خراسان به مشرق زمین اطلاق می شده است که شامل ایران و سایر مناطق اسلامی متصل به آن که امروز تحت اشغال شورری است، می شود. بنابراین شخص خراسانی اهل هر منطقه ای که از این محدوده باشد، نسبت او به خراسان صحیح است، چنان که از منابع درجه اول حدیثی شیعه استفاده نمی شود که او سید حسنی و یا حسینی است آن گونه که در منابع روایی برادران اهل سنت به آن تصریح شده است. سید خراسانی، آخرین شخصی است که پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) بر ایران حکومت کرده و یا معاصر با آخرین فردی است که فرمانروای ایران خواهد بود. (۱) ۱. عصر ظهور علی کورانی ترجمه عباس جلالی ص ۲۷۰.

دجال

از نشانه های ظهور، خروج دجال است. "دجال" از ریشه "دجل" به معنای دروغگویی حيله گر است. در زبان عربی به معنای آب طلا است و به همین علت، افراد بسیار دروغگو که باطل را حق جلوه می دهند، دجال نامیده می شوند. در روایات "دجال" ها و دروغگویان فراوانی نام برده شده است. در برخی دوازده و در برخی سی، شصت و هفتاد دجال آمده است. (۱) از میان این دجال ها، فردی که در دروغگویی و حيله گری سرآمد همه دجالان است و فتنه او از همه بزرگتر است، نشانه ظهور مهدی (ع) (۱) و یا برپایی قیامت (۲) است. بر این اساس باید گفت دو نوع دجال داریم، یکی دجال حقیقی که پس از همه دجال ها می آید و دیگری گروهی شیاد و دروغگو که به فریب مردم و گمراهی آنان دست می زنند. دجال در روایات اسلامی این چنین توصیف شده است: او دارای قدرت و تأثیر عجیبی است، چشم راست ندارد و چشم دیگرش در وسط پیشانی اوست و مانند ستاره صبح می درخشد. چیزی در چشم اوست که گویی آمیخته به خون است. داخل دریاها می شود و آفتاب با او می گردد. کوهی از طعام و نهري از آب همیشه با اوست. آسمان به دستور وی باران می دهد و زمین گیاه می رویند. اختیار گنج های زمین با اوست. مرده را زنده می کند. با صدای بلندی که تمام جهانیان صدای او را می شنوند، می گوید: من خدای بزرگ هستم که شما را آفریده و روزی رسان هستم، به سوی من بشتابید (۳) وی از همه جا می گذرد و فقط در مکه و مدینه قدم نمی گذارد. (۴) بیشتر پیروان او از یهود و زنان و عرب های بیابانی است. اصل او را از اصفهان یا بجستان و یا خراسان گفته اند. (۵) اصل داستان دجال در کتاب های مقدس مسیحیان آمده و بارها واژه دجال در انجیل به کار رفته است. درباره دجال، صرف نظر از ویژگی های او، چند احتمال وجود دارد: ۱. دجال، نام شخص معینی نیست. هرکسی که با ادعاهای پوچ و بی اساس وبا توسل به حيله گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. بر این اساس دجال ها خواهند بود و این که در روایات از دجال های فراوان دوازده، سی، شصت و هفتاد سخن به میان آمده، این احتمال را تقویت می کند. فردی معین و مشخص به عنوان دجال "در دوره غیبت، با همان ویژگی هایی که برای وی بیان شده، خروج می کند و مردم را به انحراف می کشاند. این احتمال نیز وجود دارد که مراد از "دجال"، همان سفیانی باشد که در کتاب های عامه، بیشتر به عنوان دجال و در کتاب های خاصه به عنوان سفیانی آمده است. (۶) دجال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر همه جهان است. استکبار، به معنای واقعی، دجال است. استکبار خود را قیم ملت ها می داند و با تکیه بر ثروت انبوه و قدرت عظیمی که در اختیار دارد، در همه جای زمین دخالت می کند و همه را به زیر سلطه خویش می آورد. (۷) موضوع دجال، بیش از آن چه در روایات شیعه است، از طریق اهل سنت نقل شده است و قسمت عمده آن را احمد بن حنبل در کتاب مسند "ترمذی" در صحیح خود و "ابن ماجه در سنن، و مسلم در صحیح"، و ابن اثیر در نهاییه از عبدالله بن عمر و ابو سعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده اند. (۸) مرحوم صدوق در این زمینه می گوید: متعصین اهل سنت، این گونه اخبار را تصدیق می کنند و آن را درباره دجال و غیبت وی وزنده بودنش را در این

مدت طولانی روایت نموده اند که در آخر الزمان خروج می کند ، ولی درباره قائم باور نمی کنند که او مدت طولانی غائب می شود ، آنگاه آشکار می گردد و جهان را پر از عدل و داد می کند ، چنان که از ظلم و جور پر شده باشد ، با این که پیامبر (ص) و امامان (ع) از این موضوع ، صریحا سخن گفته اند (۹) همچنین موضوع دجال ، اختصاص به اسلام ندارد ، بلکه ریشه داستان دجال را باید در کتاب مقدس مسیحیان جست و جو کرد در رساله اول یوحنا نوشته است : دروغگو کیست ، جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند ، ان دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید . (۱۰) ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۲۰۹ کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۱۹۸ . طبق کتب شیعه ۳ . طبق کتب اهل تسنن ۴ . بحار الانوار ج ۵۲ ، ص ۱۹۴ به نقل از آخرین امید داود الهامی ص ۵۰۳۲۲ . الزام الناصب ، ص ۰۷۴ . غیبه طوسی ص ۴۶۳ . ۷ . آخرین امید داود الهامی ص ۳۲۳ . ۸ . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص ۲۳۹ . ۹ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۰ . رساله یوحنا باب ۲ آیه ۰۲۲

خروج دجال

این نشانه ، در کتاب های اهل سنت از نشانه برپایی قیامت دانسته شده است (۱) ولی در منابع روایی شیعه ، از نشانه های ظهور . (۲) البته هیچ اشکالی ندارد که رخدادهایی چون خروج دجال ، هم نشانه ظهور باشند و هم نشانه قیامت . دجال فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام مهدی (ع) خروج می کند و با انجام کارهای شگفت انگیز جمع بسیاری از مردم را می فریبد و سرانجام به دست عیسی مسیح (ع) در کنار دروازه " لد " در منطقه شام ، به هلاکت می رسد . از " نزال بن سبره " آورده اند که می گوید : امیر مؤمنان (ع) برای ما سخن می گفت که : نخست سپاس خدا را به جا آورد و او را ستود و بر پیامبر و خاندانش (ع) درود فرستاد ، آن گاه سه بار فرمود : سلونی ایها الناس قبل أن تفقدونی یعنی : مردم تا مرا از دست نداده اید ، هر آن چه می خواهید برسید . صعصعه بن صوحان بپا خاست و گفت : چه زمانی دجال خواهد آمد؟ علی (ع) فرمود : بنشین خدا سخن تو را شنید و منظورت را دانست . . . برای خروج " دجال " نشانه ها و علایمی است که دسته دسته هر کدام پس از دیگری روی خواهد داد اگر می خواهی تو را از آن ها آگاه سازم ، صعصعه پاسخ داد : آری ای امیر مؤمنان فرمود : پس به خاطر بسپار و حفظ کن که این ها علایم و نشانه های آن است : هنگامی که مردم راه و رسم و فرهنگ و معنویت نماز را نابود ساختند و به پوسته آن قناعت کردند و ویژگی امانت و امانتداری را ضایع ساختند و دروغ پردازی را روا شمردند و رباخواری و ربا را مباح دانستند و رشوه دادند و گرفتند و دین به دنیا فروختند و سفیهان و کم خردان را به اداره امور جامعه گماشتند و قطع رحم کردند و هواهای دل را پیروی کردند و ریختن خون ها را آسان ساختند . هنگامی که بردباری ، ناتوانی شمرده شد و بیدادگری ، باعث افتخار گردید و زمامداران فاجر و بدکار و زیران ، ستمکار شدند و مأموران و مجریان عدالت ، خیانت پیشه ساختند و گویندگان و قاریان قرآن ، به فسق و گناه روی آوردند و شهادت های دروغین در جامعه پدیدار شد و کارهای ناپسند و تهمت تراشی ها و گناهکاری و تجاوزگری علنی گردید ، آنگاه که قرآن به صورت زیبایی چاپ و جلد و تزئین گردید و مسجدها آراسته شد و مناره ها سر به آسمان سایید و اشرار مورد تجلیل قرار گرفتند و صف های جماعت فشرده و دل ها از هم دور شد و عهد ها و پیمان ها گسسته و آن وعده بزرگ نزدیک گردید و زنان به خاطر حرص به دنیا ، در کسب و کار همسران خود شرکت کردند و به بازارها و مغازه ها و کارخانه ها سرازیر گشتند . صدای آواز فاسقان ، همه جا پخش و به گوشها رسید و هر چه گفتند و خواندند از آنان پذیرفته شد . رهبری جامعه ها به دست اراذل و اگذاشته شد و با فاجر به خاطر ترس از شرارتش ، مدارا گردید و دروغ ساز و دروغ پرداز ، تصدیق و تأیید شد و خیانتکار ، امین شمرده شد . هنگامی که کنیزان آوازه خوان و رقاصه ها و آلات لهو و موسیقی ، به کار گرفته شد و نسل های آخرین به نسل های پیشین نفرین کردند و زنان بر زینها سوار شدند و تلاش کردند خود را شبیه مردان سازند و مردان نیز خود را در ظاهر و اخلاق بسان زنان ساختند ، و شاهد بی آن که از او شهادت بخواهند به دادگاه رفت و شهادت داد ، و دیگری بر خلاف حق و عدالت

و بدون آگاهی، به خاطر رفاقت با کسی، به نفع او به دروغ گواهی کرد.... آری در این شرایط منحط و وخامت بار و گناه آلود جامعه ها و تمدن های اسلامی و جهانی است که دجال ظاهر می گردد و در آمدن شتاب می کند.... (۳) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۳ کمال الدین ص ۵۲۵. ۲. برترین های فرهنگ مهدویت، در مطبوعات ص ۲۳۳. ۳. کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۵ و ۵۲۶.

اصهب

در لغت به معنای شتر سرخ مو شتر سفیدی که با سرخی آمیخته و نام چشمه ای در میان بصره و بحرین و به معنای دشمن است و به رومیان نیز از جهت رنگ چهره و دشمنی با اسلام گفته می شود. (۱) اصهب و "ابقع" دو رهبر مخالف سفیانی هستند که سفیانی بر آن ها پیروز شده و بر منطقه تسلط می یابد. روایات بسیاری به صورت متواتر رسیده که حاکی از درگیری بزرگ سفیانی با آنان در قرقسیا، واقع در مرز سوریه، عراق و ترکیه می باشد. این نبرد از جنگهای بزرگ است که از پیش وعده داده شده، و انگیزه آن درگیری و کشمکش بر سر گنجی است که در مجرای نهر فرات و یا نزدیک آن کشف می شود. (۲) در روایات آمده که اصهب کافر قیام نمی کند، جز به هنگام شدت یافتن فتنه ها و کثرت حوادث و فجایع. (۳) امام باقر (ع) نیز می فرماید: از شر اصهب ابرص پرهیز کن. پرسیدند: اصهب کیست؟ فرمود: ابرص. پس فرمود: از شر سفیانی نیز پرهیز کن و از شر آن عده از آل محمد که شذوذ دارند بر حذر باش. (۴) در این حدیث، اصهب و ابقع یک نفر معرفی شده که براساس احادیث دیگر، دو نفر هستند. در این حدیث به شیعیان امر شده که تحت تأثیر تبلیغات اصهب و ابقع و سفیانی و شواذ آل محمد قرار نگیرند و به سودشان شمشیر زنند. (۵) ۱. لسان العرب به نقل از روزگار رهایی ج ۵۲ ص ۹۹۷. ۲. عصر ظهور علی کورانی ص ۳۶۲. روزگار رها؟ ج ۲، ص ۹۹۳. ۴. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۰ و ج ۵۲ ص ۲۷۸. ۵. روزگار رهایی ج ۲ ص ۹۹۳.

اخنس

نویسنده کنزالعمال در کتاب برهان ص ۲۰۰ به نقل از تاریخ ابن عساکر از پیامبر (ص) روایت کرده است که فرمود: مردی از قریش به نام اخنس در مصر وجود دارد که به قدرت می رسد. آن گاه بر او پیروز می شوند و یا قدرت از او گرفته می شود و به مردم می گریزد و رومیان را به اسکندریه می آورد و در آن جا با مسلمانان به نبرد می پردازد و این نخستین حادثه است. منظور از حادثه، حوادث ظهور حضرت مهدی (ع) است. (۱) ۱. عصر ظهور علی کورانی ص ۱۷۱.

خروج یمنی

خروج یمنی از نشانه های حتمی ظهور است (۱) درباره انقلاب و قیام یمنی روایات بسیاری وارد شده است. امام صادق (ع) فرمودند: خروج این سه تن، خراسانی، سفیانی و یمنی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می افتد و درفش یمنی از همه هدایت کننده تر است، زیرا که دعوت به حق می کند. (۲) روایات می گوید: یمنی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود. نیروهای یمنی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند و از روایات چنین ظاهر می شود که نقش نیروهای یمن در نبرد سفیانی نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می شود که طرف درگیر با سفیانی، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی و شعیب هستند، و گویا یمنی ها پس از یاری رساندن به آنان به یمن باز می گردند. اما در منطقه خلیج، علاوه بر حجاز "یمنی ها نقش اساسی خواهند داشت، گرچه روایات، آن را خاطر نشان نساخته اند ولی به طور طبیعی با توجه به روند حوادث ظهور و جغرافیای منطقه، بایستی فرمانروایی یمن و حجاز و کشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمن،

پیرو حضرت مهدی (ع) قرار گیرد. اخبار مؤید این است که انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (ع) نزدیک تر است تا انقلاب زمینه ساز ایرانیان، حتی اگر فرض کنیم یمنی قبل از سفیانی قیام می کند یا آن که یمنی دیگری زمینه ساز یمنی موعود می باشد. در پاره ای روایات سخن از درفش یمنی به میان آمده که از همه درفش ها هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند. (۳) احتمالات بسیاری درباره هدایت کننده تر بودن درفش یمنی داده اند، اما پسندیده این است که درفش یمنی اگر هدایت گری بیشتری دارد به این دلیل است که مستقیماً از رهنمودهای حضرت مهدی (ع) برخوردار می گردد. همچنین یمنی به دیدار حضرتش نائل می شود و کسب شناخت و رهنمود می کند. مؤید این امر هم روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن، یعنی شخص یمنی را می ستاید و با این عبارات توصیف می نماید: به سوی حق هدایت می کند " و شما را به سوی صاحبان می خواند " و این که " برای هیچ مسلمانی سربچی از آن جایز نیست و کسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود، اما انقلاب زمینه ساز ایرانیان، در روایات آن بیش از ستایش رهبران آن، ستایش از عموم گردیده است. (۴) ۱. منتخب الاثر ص ۴۵۲. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۲۱۰. عصر ظهور کورانی ص ۱۶۱.

سید حسنی

خروج سید حسنی از نشانه هایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) رخ می دهد. خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آن حضرت است " سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم و قزوین خروج می کند و با صدای بلند فریاد می زند که به فریاد قائم آل محمد (ع) برسید که از شما یاری می طلبد این سید حسنی ظاهر از فرزندان امام حسن مجتبی (ع) می باشد. او از مکان خود تا کوفه را از لوٹ وجود ظالمان پاک می کند. چون با اصحاب خود وارد کوفه می شود، به او خبر می دهند که حضرت حجت (ع) ظهور کرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است. پس با اصحاب خود، خدمت آن حضرت مشرف می شوند و از آن حضرت مطالبه دلائل امامت و موارث انبیاء را می نماید. او می داند که مهدی (ع) بر حق است، ولیکن مقصودش این است که حقیقت امام را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نماید. پس آن حضرت دلائل را برای او ظاهر می کند. وقتی سید حسنی یقین به صدق امام ندا می کند، می گوید: الله اکبر دست را بده تا با تو بیعت کنم. با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاهش نیز بیعت می کنند. (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۱۵ به نقل از فرهنگ موعود حسین کریمشاهی ص ۱۳۰.

خروج سفیانی

یکی از نشانه های قطعی ظهور است. سفیانی، عنصر بی بند و بار، آلوده و پرده در اموی نسب و اموی نژاد است که در سوریه انقلاب می کند و انقلابش نیز، پس از غلبه بر دو گروه مخالف خویش، به ظاهر پیروز می گردد و آن ده خط مخالف را که رهبری یکی را مردی سرخ رو و دیگری را مردی " ابرص " به عهده دارد، در هم می کوبد. فضای سیاسی و اجتماعی برای او آماده می شود و او بر منطقه وسیعی که شامل: دمشق، حمص، حلب، اردن، فلسطین و اسرائیل کنونی است، مسلط می گردد و یهودیان و عناصر تبهکار و حق ستیز، کودکان پرورشگاهی و کنار خیابانی از او پیروی می کنند و همه این تحولات ظرف شش ماه صورت می پذیرد. پس از استقرار قدرت و سیطره سفیانی در سوریه و منطقه وسیعی که نام برده شد، سپاه گرانی مرکب از ۱۴۲ هزار نفر سازماندهی می کند و بخشی از آن را به منظور فتح عراق و بخشی دیگر را به سوی حجاز و مدینه منوره، گسیل می دارد. سپاه ۱۲ هزار نفری او به سوی مدینه می رود تا حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر بزرگ جهانی را که خبر ظهورش پخش گردیده، دستگیر نماید. آنان سه روز در مدینه توقف می کنند و در آن جا دست به چپاول و جنایت می زنند و پس از آن، بخش مهم آن ۱۲

هزار نفر، مدینه را به منظور دستیابی به امام مهدی (ع) به قصد مکه ترک می کنند، چرا که اطلاع می یابند که آن اصلاحگر بزرگ، از مدینه به مکه رفته است. این سپاه تجاوزکار در راه مکه، به بیابانی می رسند و در آن جا، زمین به امر خدا همه آنان را می بلعد و جز دو نفر باقی نمی ماند، یکی از آن دو به سوی حضرت مهدی (ع) می رود تا بشارت نابودی دشمنان حق و عدالت را بدهد و دیگری به سوی سفیانی می رود تا سرنوشت شوم ستونی از سپاه تجاوزکار او را گزارش کند. اما سپاه تجاوزکاری که از سوی سفیانی به عراق گسیل می گردد، در منطقه ای از اطراف نجف که روحاء نام دارد پیاده می شود و ده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف و کوفه حرکت می کنند. روز عیدی از اعیاد اسلامی، تجاوز خویش را به این دو شهر آغاز می کنند و سر راه خود با ستونی از مدافعان که از بغداد می رسد درگیر می شوند و میان این ده ها هزار مدافع عراقی و سپاه سفیانی، جنگ وحشتناکی جریان می یابد که البته سپاه سفیانی پیروز می شود و کوفه را به اشغال خود در می آورد و در آن جا سخت به کشتار وسیع غیر نظامیان، جاری ساختن سیلاب خون از بیگناهان، برپا ساختن چوبه های بی شمار دار و به اسارت بردن زنان و دختران، دست می زند. مردی برای دفاع از کوفه و حقوق مردم آن پیاپی می خیزد و انقلابی به راه می اندازد، اما کشته می شود. سرانجام این بخش از سپاه سفیانی به سوی شام برمی گردد، اما گروهی از کوفه و گروهی به فرماندهی سید هاشمی و گروهی به فرماندهی قهرمان پرواپیشه "یمنی"، "سپاه ۱۰۰ هزار نفری سفیانی را تعقیب می کنند و طی جنگ خونین میان راه عراق و شام همه را درهم می کوبند و انبوهی اسیر و غنایم جنگی، بدست می آورند. اما سرانجام شوم سفیانی و جنبش ارتجاعی او، بدین گونه پایان می پذیرد که: حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر زمین و زمان پس از ظهور خویش، از مکه به تدریج به کوفه می رسد و پس از استقرار عدالت در حجاز و عراق و دمشق، قلمرو سیطره ظالمانه سفیانی را هدف قرار می دهد. در حرکت اصلاحی امام به سوی شام، انبوهی از حق طلبان به او می پیوندند و سفیانی نیز در رمله، "شمال شرقی فلسطین و قدس برای شرارت آماده می شود. لحظات رویارویی دو سپاه حق و باطل و عدل و بیداد، فرا می رسد، گروه هایی از سپاه سفیانی، قرارگاه خویش را رها کرده و به لشکر حق می پیوندند و گروهی نیز به سپاه سفیانی ملحق می شوند. شرایط برای یک پیکار بزرگ و سرنوشت ساز آماده می شود. سفیانی با دریافت گزارش رسیدن نیروی حق و آمدن اصلاحگر بزرگ امام مهدی (ع) از عراق به شام و فلسطین، خود را با همه قدرت و امکانات آماده رویا رویی و دیدار می کند و بنا به روایتی از امام باقر (ع) می گوید: "اخرجوا الی ابن عمی" یعنی: عموزاده ام را نزد من بیاورید. (۱) پس از آنکه رویاروی هم قرار می گیرند و امام مهدی (ع) سفیانی را برای گفتگو به حضور می پذیرد و آن گفتگو به بیعت سفیانی با حضرت مهدی و با ایمان به او و حرکت عظیم و عمیق و آسمانی او می انجامد، سفیانی از قرارگاه حضرت مهدی (ع) به سوی سپاه خویش باز می گردد که سران سپاهش می پرسند: چه کردی؟ پاسخ می دهد: "من در برابر منطق پولادین و موضع بحق حضرت مهدی (ع)، اسلام او را پذیرفتم و به راه و رسم او گردن نهادم و با او دست بیعت دادم و از گذشته سیاه خویش، ندامت کردم سران سپاه او می گویند: "زشت باد رأی تو در شرایطی که خلیفه ای بلا" مانع و پراقتدار به سوی امام مهدی (ع) رفتی، اینک بر خط اطاعت او گردن نهاده، بازگشته ای؟" سفیانی از پیمان خویشدست کشیده و بیعت خویش با حجت خدا و خلیفه راستین او را می شکند و به تشویق سران سپاه تجاوزکار خود، برای پیکار با حق و عدالت آماده می شود. سحرگاه یکی از روزها، پیکار نهایی حق و باطل آغاز می گردد و خداوند پس از نبردی خونبار میان دو سپاه عدل و ظلم، حجت خدا و یاران حق گرای او را پیروزی کامل می بخشد و آنان، سپاه حق ستیز سفیانی را به طور کامل نابود می سازند. (۲) طبق روایت دیگری، سفیانی از سرنوشت شوم و تکان دهنده سپاه خویش که در راه مکه به زمین فرو می رود و زمین به فرمان خدا آن ها را می بلعد درس عبرت گرفته و می کوشد تا فرمان امام مهدی (ع) را گردن نهد. به همین جهت بیعت می کند، اما پس از اندک زمانی بیعت خویش را می شکند و سرکشی می کند و پس از نبردی خونین به اسارت درمی آید و نابود می گردد. (۳) به روایت دیگری، پس از دستگیری به دستور حضرت مهدی (ع) در دروازه بیت المقدس کشته می شود. (۴) به اعتبار اینکه

از نسل بنو امیه است و آنان خود را پسرعموهای بنی هاشم می پندارند . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۸؟ معجم الحایث الامام المهدی (ع) ، ج ۳ ص ۳۱۶ . عقد الدورص ۱۳۳ معجم احادیث ، الامام المهدی (ع) ج ۱ ص ۵۰۵ . ۴ . عقد الدور ص ۸۵ معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۳ ص ۳۱۳ .

علائم حتمی

خسف بیداء

خسف به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است (۱) و " بیداء " نام سرزمینی است میان مکه و مدینه . ظاهراً منظور از خسف بیداء آن است که سفیانی ، با لشکری عظیم به قصد جنگ با مهدی (ع) عازم مکه می شود ، در میان مکه و مدینه و در محلی که به سرزمین " بیداء " معروف است ، به گونه معجزه به امر خداوند در دل زمین فرو می روند (۲) این حادثه از نشانه های حتمی ظهور بیان شده است . حضرت علی (ع) می فرمایند : مردی از خاندان من ، در سرزمین حرم قیام می کند ، چون خبر ظهور وی به سفیانی می رسد ، وی سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ به سوی او می فرستد ، ولی سپاه مهدی آنان را شکست می دهد ، آن گاه خود سفیانی با لشکریان همراه ، به جنگ وی می روند و چون از سرزمین بیداء می گذرند ، در زمین فرو می روند و جز یک نفر ، که خبر آنان را می آورد ، همگی می شوند . (۳) گر چه حادثه خسف در منطقه بیداء و در مورد لشکر سفیانی واقع می شود ، ولی در برخی روایات ، غیر از خسف در بیداء ، از خسف در مشرق و خسف در مغرب نیز یاد شده است ، (۴) و این نشان آن است که در سایر نقاط زمین نیز چنین حوادثی رخ می دهد و به امر خداوند ، دشمنان مهدی (ع) بدین وسیله نابود می گردند . (۵) ۱ . لسان العرب ، ج ۹ ، ص ۲۶۷ . غیبه نعمانی ص ۲۵۲ . ۳ . تاریخ غ؟ بت کبری ، ص ۵۲۱ . ۴ . وافی ، ج ۲ ص ۴۴۳ منتخب الاثرص ۴۴۲ . ۵ . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ، ص ۲۲۴ .

خروج یمنی

خروج یمنی از نشانه های حتمی ظهور است . (۱) درباره انقلاب و قیام یمنی روایات بسیاری وارد شده است . امام صادق (ع) فرمودند : خروج این سه تن ، خراسانی ، سفیانی و یمنی در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می افتد و درفش یمنی از همه هدایت کننده تر است ، زیرا که دعوت به حق می کند . (۲) روایات می گوید : یمنی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود . نیروهای یمنی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند و از روایات چنین ظاهر می شود که نقش نیروهای یمن در نبرد سفیانی نقش پشتیبانی از نیروهای ایرانی است ، زیرا از لحن اخبار چنین فهمیده می شود که طرف درگیر با سفیانی ، مردم مشرق زمین یعنی یاران خراسانی و شعیب هستند ، و گویا یمنی ها پس از یاری رساندن به آنان به یمن باز می گردند . اما در منطقه خلیج ، علاوه بر حجاز یمنی ها نقش اساسی خواهند داشت ، گر چه روایات ، آن را خاطر نشان نساخته اند ولی به طور طبیعی با توجه به روند حوادث ظهور و جغرافیای منطقه ، بایستی فرمانروایی یمن و حجاز و کشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمن ، پیرو حضرت مهدی (ع) قرار گیرد . اخبار مؤید این است که انقلاب یمنی به نهضت ظهور امام (ع) نزدیک تر است تا انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، حتی اگر فرض کنیم یمنی قبل از سفیانی قیام می کند یا آن که یمنی دیگری زمینه ساز یمنی موعود می باشد . در پاره ای روایات سخن از درفش یمنی به میان آمده که از همه درفش ها هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند . (۳) احتمالات بسیاری درباره هدایت کننده تر بودن درفش یمنی داده اند ، اما پسندیده این است که درفش یمنی اگر هدایت گری بیشتری دارد به این دلیل است که مستقیماً از رهنمودهای حضرت مهدی (ع) برخوردار می گردد . همچنین یمنی به دیدار

حضرتش نائل می شود و کسب شناخت و رهنمود می کند . مؤید این امر هم روایات مربوط به انقلاب یمنی هاست که رهبر انقلاب یمن ، یعنی شخص یمنی را می ستاید و با این عبارات توصیف می نماید : به سوی حق هدایت می کند و شما را به سوی صاحبان می خواند و این که برای هیچ مسلمانی سرپیچی از آن جایز نیست و کسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود ، اما انقلاب زمینه ساز ایرانیان ، در روایات آن بیش از ستایش رهبران آن ، ستایش از عموم گردیده است . (۴) ۱ . منتخب الاثر ص ۴۵۲ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰ . ۳ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۲۱۰ . عصر ظهور کورانی ص ۱۶۱ .

یمانی

شخصی است که در آخر الزمان خروج می کند . در اخبار آخر الزمان و علائم ظهور حضرت مهدی (ع) مکرر از آن نام برده شده است و در روایت منقول از امام باقر (ع) خطاب به شیعه چنین آمده که : سفیانی و خراسانی و یمانی همزمان خروج می کنند و پرچم او در میان پرچم هایی باشد که در آن زمان برافراشته می گردد . وی بیش از همه به راه حق هدایت می کند ، زیرا وی به یار شما (بقیه الله) دعوت می نماید و چون خروج کند ، بر هر مسلمانی است که به وی پیوندد و بر کسی جائز نباشد ، از فرمان او سر بتابد و هر کس از اطاعت وی سرپیچی کند ، اهل دوزخ است ؟ چه او مردم را به راه حق و صراط مستقیم می خواند (۱) در بخش نشانه های ظهور ، خروج یمانی از روشن ترین علائم است که بیش از چهارده ماه فاصله با ظهور آن حضرت نخواهد داشت (۲) و در حدیثی آمده است : یمانی از شیعیان امیرالمؤمنین (ع) است (۳) ۱ . سفینه البحار به نقل از معارف و معاریف ج ۱۰ ص ۶۱۷ . ۲ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۲۳ . غیبه نعمانی ص ۶۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۷۵ .

صیحه آسمانی

منظور از صیحه آسمانی ، ظاهراً صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) از آسمان شنیده می شود (۱) و همه مردم آن را می شنوند . در روایات ، تعبیرهای نداء و " فرعه " و " صوت " نیز به کار رفته که ظاهر آن ها نشان می دهد که هر یک از آن ها نشانه جداگانه ای است که پیش از ظهور واقع می شود (۲) لکن به نظر می رسد که این ها تعبیرهایی گوناگون از یک حادثه و یا دست کم ، اشکال گوناگون یک حادثه باشند . مراد از همه آن ها ، بلند شدن صدایی در آسمان است . ولی به اعتبار این که صدای عظیم ، بیدار باشی است که همه را متوجه خود می کند و نیز موجب وحشت عمومی و ایجاد دلهره و اضطراب می گردد ، به آن صیحه ، فرعه ، صوت و نداء که هر یک بیانگر ویژگی از آن حادثه اند ، اطلاق شده است . این احتمال هم وجود دارد که آن ما سه حادثه جدای از هم باشد که در یک زمان رخ نمی دهند ، بلکه ابتدا صدایی عظیم همه را متوجه خود می کند صیحه به دنبال آن صدایی هولناک ، مردم را به وحشت می اندازد فرعه و آن گاه صدایی از آسمان شنیده می شود که مردم را به سوی مهدی (ع) فرا می خواند نداء (۳) امام باقر (ع) می فرماید : نداکننده ای از آسمان نام قائم را ندا می کند ، پس هر کس در شرق و غرب است ، آن را می شنود . از وحشت این صدا ، خوابیده ها بیدار ، استادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند . رحمت خدا بر کسی که از این صدا عبرت بگیرد و ندای وی را اجابت کند ؟ زیرا صدای نخست ، صدای جبرئیل روح الامین است . آن گاه می فرماید : این صدا در شب جمعه ۲۳ ماه رمضان خواهد بود . در این هیچ شک نکنید و بشنوید و فرمان برید . در آخر روز ، شیطان فریاد می زند که فلانی مظلومانه کشته شد تا مردم را بفریاد و به شک اندازد . (۴) البته روایات دیگری نیز به همین مضمون وجود دارد . از مجموع روایات می توان استفاده کرد : ۱۰ صیحه از نشانه های حتمی ظهور است ، ۲ . این صدا از آسمان شنیده می شود ، به گونه ای که همه مردم زمین از شرق و غرب آن را می شنوند ، ۳ . محتوای این پیام آسمانی ، دعوت

به حق رحامت و بیعت با مهدی (ع) است هم زمان با آن یا کمی پس از آن ، در روی زمین نیز صدایی شنیده می شود . ندا دهنده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند . جبرئیل ، مردم را به حق فرا می خواند . (۵) مطلب دیگر این که در برخی روایات ، سخن از " نداء " در کنار کعبه به میان آمده است . امام صادق (ع) می فرماید : گویا می بینیم که حضرت قائم (ع) در روز شنبه عاشورا ، هنگام ظهر ، بین رکن و مقام ، در کنار کعبه ایستاده است و در پیش او ، جبرئیل صدا می زند : بیعت برای خداست . . . (۶) گویا این ندا غیر از ندای آسمانی و صیحه است که به عنوان نشانه ظهور بیان شده ، زیرا این ندا در زمین و پس از ظهور است و ندا در آسمان و در آغاز روز صورت می گیرد . ولی احتمال هم دارد که همان صدای آسمانی ، توسط سخنگوی حق ، جبرئیل ، ارکنار کعبه بلند شود و در تمام جهان شنیده شود . (۷) از امام صادق (ع) درباره ندای آسمانی پرسیدند ، فرمود : هر جامعه و مردمی به زبان و فرهنگ خود ، آن ندای آسمانی را می شنود . (۸) ۱ . منهاج الدموع ص ۹۳ . ۲ . وافى ج ۲ ص ۴۴۳ . ۳ . غیبه نعمانی ص ۲۵۷ . ۴ . همان ص ، ۲۵۴ . ۵ . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۲۳۰ . ۶ . غیبه طوسی ، ص ۴۵۳ منتخب الاثر ص ۴۶۴ . ۷ . برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۲۳۳ . ۸ . غیبه طوسی ص ۲۶۶ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۸

نشانه های حتمی ظهور

نشانه هایی که در آستانه ظهور حضرت مهدی (ع) تحقق خواهد یافت ، پنج نشانه است که به آن ها علائم حتمی می گویند . زیرا در مورد آن ها احتمال بداء نیست و به طور یقین و جزم واقع شدنی است . این علائم پنج گانه حتمی در روایات و اخبار از زبان حضرات ائمه معصومین (ع) به ویژه امام علی ، امام صادق و امام باقر (ع) مطرح شده است . امام صادق (ع) می فرماید : پنج نشانه قبل از ظهور قائم می باشد : ۱ . صیحه آسمانی ۲ . خروج یمانی ۳ . خسف در سرزمین بیداء ۴ . خروج سفیانی ۵ . قتل نفس زکیه (۱) ۱ . منتخب الاثر ص ۴۵۲ .

خروج سفیانی

یکی از نشانه های قطعی ظهور است . سفیانی ، عنصر بی بند و بار ، آلوده و پرده در اموی نسب و اموی نژاد است که در سوریه انقلاب می کند و انقلابش نیز ، پس از غلبه بر دو گروه مخالف خویش ، به ظاهر پیروز می گردد و آن ده خط مخالف را که رهبری یکی را مردی سرخ رو و دیگری را مردی " ابرص " به عهده دارد ، در هم می کوبد . فضای سیاسی و اجتماعی برای او آماده می شود و او بر منطقه وسیعی که شامل : دمشق ، حمص ، حلب ، اردن ، فلسطین و اسرائیل کنونی است ، مسلط می گردد و یهودیان و عناصر تبهکار و حق ستیز ، کودکان پرورشگاهی و کنار خیابانی از او پیروی می کنند و همه این تحولات ظرف شش ماه صورت می پذیرد . پس از استقرار قدرت و سیطره سفیانی در سوریه و منطقه وسیعی که نام برده شد ، سپاه گرانی مرکب از ۱۴۲ هزار نفر سازماندهی می کند و بخشی از آن را به منظور فتح عراق و بخشی دیگر را به سوی حجاز و مدینه منوره ، گسیل می دارد . سپاه ۱۲ هزار نفری او به سوی مدینه می رود تا حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر بزرگ جهانی را که خبر ظهورش پخش گردیده ، دستگیر نماید . آنان سه روز در مدینه توقف می کنند و در آن جا دست به چپاول و جنایت می زنند و پس از آن ، بخش مهم آن ۱۲ هزار نفر ، مدینه را به منظور دستیابی به امام مهدی (ع) به قصد مکه ترک می کنند ، چرا که اطلاع می یابند که آن اصلاحگر بزرگ ، از مدینه به مکه رفته است . این سپاه تجاوزکار در راه مکه ، به بیابانی می رسند و در آن جا ، زمین به امر خدا همه آنان را می بلعد و جز دو نفر باقی نمی ماند ، یکی از آن دو به سوی حضرت مهدی (ع) می رود تا بشارت نابودی دشمنان حق و عدالت را بدهد و دیگری به سوی سفیانی می رود تا سرنوشت شوم ستونی از سپاه تجاوزکار او را گزارش کند . اما سپاه تجاوزکاری که از

سوی سفیانی به عراق گسیل می گردد ، در منطقه ای از اطراف نجف که روحاء نام دارد پیاده می شود و ده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف و کوفه حرکت می کنند . روز عیدی از اعیاد اسلامی ، تجاوز خویش را به این دو شهر آغاز می کنند و سر راه خود با ستونی از مدافعان که از بغداد می رسد در گیر می شوند و میان این ده ها هزار مدافع عراقی و سپاه سفیانی ، جنگ وحشتناکی جریان می یابد که البته سپاه سفیانی پیروز می شود و کوفه را به اشغال خود در می آورد و در آن جا سخت به کشتار وسیع غیر نظامیان ، جاری ساختن سیلاب خون از بیگناهان ، برپا ساختن چوبه های بی شمار دار و به اسارت بردن زنان و دختران ، دست می زند . مردی برای دفاع از کوفه و حقوق مردم آن پیا می خیزد و انقلابی به راه می اندازد ، اما کشته می شود . سرانجام این بخش از سپاه سفیانی به سوی شام برمی گردد ، اما گروهی از کوفه و گروهی به فرماندهی سید هاشمی و گروهی به فرماندهی قهرمان پروا پیشه " یمنی " ، " سپاه ۱۰۰ هزار نفری سفیانی را تعقیب می کنند و طی جنگ خونین میان راه عراق و شام همه را درهم می کوبند و انبوهی اسیر و غنائم جنگی ، بدست می آورند . اما سرانجام شوم سفیانی و جنبش ارتجاعی او ، بدین گونه پایان می پذیرد که : حضرت مهدی (ع) آن اصلاحگر زمین و زمان پس از ظهور خویش ، از مکه به تدریج به کوفه می رسد و پس از استقرار عدالت در حجاز و عراق و دمشق ، قلمرو سیطره ظالمانه سفیانی را هدف قرار می دهد . در حرکت اصلاحی امام به سوی شام ، انبوهی از حق طلبان به او می پیوندند و سفیانی نیز در رمله ، شمال شرقی فلسطین و قدس برای شرارت آماده می شود . لحظات رویارویی دو سپاه حق و باطل و عدل و بیداد ، فرا می رسد ، گروه هایی از سپاه سفیانی ، قرارگاه خویش را رها کرده و به لشکر حق می پیوندند و گروهی نیز به سپاه سفیانی ملحق می شوند . شرایط برای یک پیکار بزرگ و سرنوشت ساز آماده می شود . سفیانی با دریافت گزارش رسیدن نیروی حق و آمدن اصلاحگر بزرگ امام مهدی (ع) از عراق به شام و فلسطین ، خود را با همه قدرت و امکانات آماده رویا رویی و دیدار می کند و بنا به روایتی از امام باقر (ع) می گوید " : اخرجوا الی ابن عمی یعنی : عموزاده ام را نزد من بیاورید . (۱) پس از آنکه رویاروی هم قرار می گیرند و امام مهدی (ع) سفیانی را برای گفتگو به حضور می پذیرد و آن گفتگو به بیعت سفیانی با حضرت مهدی و با ایمان به او و حرکت عظیم و عمیق و آسمانی او می انجامد ، سفیانی از قرارگاه حضرت مهدی (ع) به سوی سپاه خویش باز می گردد که سران سپاهش می پرسند : چه کردی ؟ پاسخ می دهد " : من در برابر منطق پولادین و موضع بحق حضرت مهدی (ع) ، اسلام او را پذیرفتم و به راه و رسم او گردن نهادم و با او دست بیعت دادم و از گذشته سیاه خویش ، ندامت کردم سران سپاه او می گویند : زشت باد رأی تو در شرایطی که خلیفه ای بلا مانع و پراقتدار به سوی امام مهدی (ع) رفتی ، اینک بر خط اطاعت او گردن نهاده ، بازگشته ای ؟ سفیانی از پیمان خویش دست کشیده و بیعت خویش با حجت خدا و خلیفه راستین او را می شکند و به تشویق سران سپاه تجاوزکار خود ، برای پیکار با حق و عدالت آماده می شود . سحرگاه یکی از روزها ، پیکار نهایی حق و باطل آغاز می گردد و خداوند پس از نبردی خونبار میان دو سپاه عدل و ظلم ، حجت خدا و یاران حق گرای او را پیروزی کامل می بخشد و آنان ، سپاه حق ستیز سفیانی را به طور کامل نابود می سازند . (۲) طبق روایت دیگری ، سفیانی از سرنوشت شوم و تکان دهنده سپاه خویش که در راه مکه به زمین فرو می رود و زمین به فرمان خدا آن ها را می بلعد درس عبرت گرفته و می کوشد تا فرمان امام مهدی (ع) را گردن نهد . به همین جهت بیعت می کند ، اما پس از اندک زمانی بیعت خویش را می شکند و سرکشی می کند و پس از نبردی خونین به اسارت درمی آید و نابود می گردد . (۳) به روایت دیگری ، پس از دستگیری به دستور حضرت مهدی (ع) در دروازه بیت المقدس کشته می شود . (۴) . به اعتبار اینکه از نسل بنو امیه است و آنان خود را پسرعموهای بنی هاشم می پندارند . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۸ معجم احایث الامام المهدی (ع) ج ۳ ص ۳۱۶ . عقد الدرر ص ۱۳۳ معجم احادیث ، الامام المهدی (ع) ج ۱ ص ۵۰۵ . عقد الدور ص ۸۵ معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۳ ص ۳۱۳ .

بداء

در لغت به معنای ظهور و روشن شدن پس از مخفی بودن چیزی است واصطلاحاً به روشن شدن چیزی پس از مخفی بودن از مردم است بدین معنا که خداوند متعال بنا بر مصلحتی مسأله ای را از زبان پیامبر یا ولی ای از اولیای خویش به گونه ای تبیین می کند و سپس در مقام عمل ظهور و بروز، غیر آن را به مردم نشان می دهد. در قرآن آمده است: **يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْبِتُ مَا يَشَاءُ** (الکتاب، ۱) خداوند هر چه را بخواهد محو یا ثبت می کند در حالی که ام الکتاب نزد اوست او خود می داند عاقبت هر چیزی چیست. و در آیه ای دیگر: **وَبَدَّلَهُمْ سَيِّئَاتِ مَا كَسَبُوا**، (۲) بدی هایی را خود کسب کرده بودند و برای آن ها مخفی بود، برای شان نمایان شد. و یا: **ثُمَّ بَدَّلَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَاُوا الْآيَاتِ** (۳) پس از آن که نشانه ها را دیدند حقیقت امر بر آن ها روشن شد. این ظهور پس از خفا تنها برای انسان رخ می دهد و در مورد خداوند متعال ابداً صدق نمی کند و گرنه لازمه اش این است که خداوند نسبت به آن موضوع، جهل داشته باشد که این امر محالی است. خداوند، چنانکه قرآن کریم می فرماید به همه چیز آگاه و داناست: **إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا** (۴)، و نسبت به همه چیز در همه زمان ها و مکان ها چه حاضر باشند و چه غایب، چه موجود باشند و چه فانی و چه در آینده به وجود بیایند علم حضوری دارد. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ** (۵) هیچ چیزی در آسمان و زمین از انظر خداوند متعال مخفی نمی شود. از همین روست که مسئله بداء و ظاهر کردن آن امر مخفی، به خداوند نسبت داده می شود: **وَبَدَّلَهُمْ مِنْ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ** خداوند آن چه را گمان نمی کردند، برای آن ها ظاهر کرد. بر اساس آیه: **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْيِرُ مَا بَقِومَ يَغْيِرُوا مَا بَانْفُسِهِمْ** (۶) خداوند چیزی را که از آن مردمی است دگرگون نکند تا آن مردم خود دگرگون شوند و با استفاده از دیگر آیات و روایات می توان چنین برداشت کرد که برخی اعمال حسنه، نظیر: صدقه، احسان به دیگران، صله رحم، نیکی به پدر و مادر، استغفار و توبه، شکر نعمت و ادای حق آن و... سرنوشت شخص را تغییر داده و رزق و عمر و برکت زندگی اش را افزایش می دهد. همان طور که اعمال بد و ناشایست، اثر عکس آن را بر زندگی شخص می گذارد. پیش از شرح این عبارت که بداء در حقیقت ظاهر شدن چیزهایی است که از ناحیه خداوند متعال برای مردم مخفی و برای خودش مشخص بود، لازم است یاد آور شویم که خداوند متعال بنا بر آیات قرآن دو لوح دارد: ۱. لوح محفوظ: لوحی که آن چه در آن نوشته می شود پاک نشده و مقدرات آن تغییر نمی یابد چرا که مطابق با علم الهی است: **بَلْ هُوَ قُرْآنٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ** بلکه آن قرآن مجیدی است که در لوح محفوظ ثبت گردیده است. ۲. لوح محو و اثبات: بنابر شرایط و سنتی از سنت های الهی، سرنوشت شخص یا جریانی به شکلی خاص می شود، با از بین رفتن آن سنت ها و یا مطرح شدن سنت های جدید، سرنوشت آن شخص و یا آن جریان تحت الشعاع سنت های جدید قرار می گیرد. به عنوان مثال بناست که شخص در سن ۲۰ سالگی فوت کند، اما به واسطه صله رحم یا صدقه ای که می دهد، ۳۰ سال به عمرش اضافه می شود و تا ۵۰ سالگی زنده می ماند و یا به عکس، آن شخص بناست ۵۰ سال عمر کند به واسطه گناه کبیره ای خاص ۳۰ سال از عمرش کاسته می شود و در ۲۰ سالگی می میرد. البته خداوند متعال از اولمی دانست که بناست اولی ۵۰ سال و دومی ۲۰ سال عمر کند، ولی برای روشن شدن این سنت های الهی مطلب به این شکل از زبان پیامبران یا اولیای الهی (ع) بیان می شود. در قرآن کریم هم آمده است: **يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْبِتُ مَا يَشَاءُ** (۷) و یا این آیه: **ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى** (۸) با توجه به این دو لوح و مطالبی که تا به حال به آن ها پرداختیم، این سؤال به ذهن می رسد که: آیا ظهور حضرت مهدی (ع) و نشانه هایی که برای آن بیان شده است، در لوح محفوظ اند یا محو و اثبات به عبارت دیگر آیا ممکن است اصلاً مسئله ای به نام ظهور ایشان تا آخر عمر بشریت وهستی اتفاق نیفتد و یا ظهور بدون تحقق نشانه ها رخ دهد یا همه نشانه ها باید رخ دهند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت: جز نشانه هایی که صراحتاً در احادیث به حتمی بودن آن ها اشاره شده است، بقیه نشانه های ظهور همگی از امور موقوفه به شمار

می روند ، چنان که بزرگانی مانند شیخ مفید ، شیخ صدوق و شیخ طوسی بدان تصریح کرده اند . بدین معنا که به جز نشانه های حتمی ظهور بقیه آن ها بنا بر مشیت و اراده الهی و ممکن است دچار تغییر و تبدیل ، تقدم و یا تأخر شوند . به عبارت دیگر آن ها از جمله امور لوح محو و اثبات به حساب می آیند و ممکن است با تغییر و تبدیل در شرایط آن ها عوض شدن علل رخ دادن آن ها به گونه دیگری پدید آیند و یا اصلاً رخ ندهند . البته بسیاری از رویدادهایی که در احادیث ما به آن ها اشاره شده است تاکنون اتفاق افتاده اند و دچار بداء در اصل تحقق خویش نشده اند . مثلاً اگر در حدیث به نزول بلایی مشروط اشاره شده باشد به واسطه توسل و استغفار مؤمنان و مسلمانان ممکن است در نزول آن تأخیر رخ دهد و یا اصلاً چنین بلایی به جهت عظمت عمل صالح ایشان نازل نشود و یا اینکه با برخی اعمال صالح و یا ناصالح ، ظهور حضرت را دچار تعجیل یا تأخیر کنند . شاید بتوان علت بیان چنین اخباری را این دانست که اگر مسأله به این شکل تبیین نمی شد ، مؤمنان هم از احتمال حدوث آن حادثه باخبر نمی شدند و بدان مبتلا می گشتند ، اما پس از صدور حدیث از ناحیه معصوم (ع) و آگاه شدن مؤمنان و مسلمانان از آن ، با دعا و توسل و استغفار از پدید آمدن چنان حادثه ناگواری ممانعت به عمل آورند و یا سبب حدوث اتفاقی خوشایند شوند . البته فراموش نکنیم که عکس این مطلب هم کاملاً صادق است ، به این معنا که شخص معصوم (ع) با اعلام نزول بلا و علت آن ، حجت را بر مردم تمام می کنند که شما با وجود آنکه می توانستید ، آن بلا را از خویش دفع نکردید ، یا فلان خیر را به سوی خویش جلب نمودید و از همین روست که روایت شده است : خداوند متعال ، به چیزی مثل بداء عبادت نشده است (۹) ظهور حضرت حجت (ع) از اموری است که در اسلام نسبت به آنها به شدت تأکید شده و در حتمیت آن ذره ای شک و شبهه وجود ندارد . در آیاتی نظیر آیه ۵۵ سوره نور خداوند متعال به مؤمنان وعده داده است که فرمانروایان زمین گردند و بر آن سیطره یابند که چنین واقعه ای در تمام طول تاریخ تا کنون اتفاق نیفتاده است و از آن جا که ان الله لا یُخْلِفُ المِیْعَاد ، (۱۰) و خداوند در وعده خویش تخلف نمی کند ، در آینده ای دور یا نزدیک حتماً چنین اتفاقی خواهد افتاد ان شاء الله (۱۱) علاوه بر اینکه در موارد بسیاری رسول اکرم اسلام (ص) و معصومین (ع) شدیداً تأکید نموده اند که : حتی اگر از عمر هستی بیش از یک روز باقی نمانده باشد ، خداوند آن قدر این روز را طولانی می کند که حضرت مهدی (ع) ظهور کرده و جهان را مملو از قسط و عدالت گرداند . (۱۲) ۱ . سوره رعد ۳۹ . ۲ . سوره زمر ۴۸ . ۳ . سوره یوسف ۴۳۵ . ۴ . سوره نساء ۳۵ . ۵ . سوره آل عمران ۵۵ . ۶ . سوره زمر ۴۷ . ۷ . سوره رعد ۳۹ . ۸ . سوره انعام ۲ . ۹ . کافی ج ۱ باب بداء ۱۰ . سوره آل عمران ۹ . ۱۱ . نشریه موعود شماره ۳۷ ص ۱۲۶۰ . ارشاد مفید ، ج ۲ ص ۳۴۰ اعلام الوری ص ۱۴۰ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۳ .

جمعه

به سکون میم به معنی هفته و به ضم میم ، نام یکی از روزهای هفته است . (۱) روز جمعه از چند جهت اختصاص به امام زمان دارد . یکی آن که ولادت حضرت در آن روز بوده است . دیگر آن که ظهور آن جناب در روز جمعه خواهد بود (۲) انتظار فرج در آن روز بیشتر از روزهای دیگر است ، بلکه عید بودن روز جمعه و شمردن آن را به عنوان یکی از اعیاد چهارگانه ، به جهت آن است که در روز زمین را از لوث شرک و کفر و از وجود ملدین و کافرین پاک می فرماید (۳) راوی می گوید خدمت امام علی النقی (ع) رسیدم و گفتم : ای سید من حدیثی از رسول خدا (ص) روایت شده که معنای آن را نمی فهمم . فرمود : چیست گفتم لا- تعادوا الایام فتعادیکم یعنی با روزها دشمنی نکنید که آن ها با شما دشمنی خواهند کرد حضرت فرمود مراد از ایام ما هستیم مادامی که آسمان ها و زمین بپاست شنبه اسم رسول خدا (ص) است و یکشنبه امیر المؤمنین (ع) و دوشنبه حسن و حسین (ع) و سه شنبه علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد (ع) و چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی (ع) و منم و پنجشنبه فرزندان حسن (ع) و جمعه فرزندان فرزندم است و به سوی او اهل حق جمع می شوند سفیانی نیز در روز جمعه

خروج می کند (۴) در فضیلت روز جمعه پیامبر (ص) فرمودند روز جمعه بهترین روزهاست و نزد خداوند از روز عید قربان و عید فطر ارجمندتر است (۵) همچنین امام باقر (ع) فرمودند خوبی و بدی در روز جمعه دو چندان می شود امام صادق (ع) نیز در روز جمعه ، عملی را برتر از صلوات بر محمد و آل محمد نمی داند . (۶) پیامبر (ص) فرمود : خداوند در روز جمعه ، ششصد هزار نفر را از آتش آزاد می سازد که همه مستحق دوزخ بوده اند (۷) اولین کسی که جمعه را جمعه نامید کعب ابن لوی بن غالب یکی از اجداد پیامبر (ص) بود . پیش از آن این روز را عروبه می گفتند . (۸) ۱ . معارف و معاریف ج ۴ ص ۹۲ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۷۹ . ۳ . مفاتیح الجنان اعمال روز جمعه ۴ . مفاتیح باب اول فصل پنجم ۵ . بشاره الاسلام ص ۱۹۲ . ۶ . بحار الانوار ج ۸۹ ص ۳۶۷ . ۷ . ثواب الاعمال ص ۱۷۲ . ۸ . خصال ص ۳۹۴ . ۹ . بحار الانوار ج ۸۹ ص ۲۶۸ و ج ۵۹ ص ۳۶

عاشورا

در پاره ای روایات ، از عاشورا به روز ظهور حضرت مهدی (ع) تعبیر شده است . امام باقر (ع) می فرماید : حضرت قائم (ع) روز شنبه که روز عاشورا است قیام می کند روزی که امام حسین (ع) شهید شد (۱) و نیز می فرماید : آیا می دانید که این روز عاشورا چه روزی است ؟ همان روزی است که خداوند توبه آدم و حوا را پذیرفت روزی است که خداوند دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و فرعون و پیروانش را غرق کرد و موسی (ع) بر فرعون پیروز شد . روزی است که ابراهیم (ع) متولد شد . روزی است که خداوند توبه قوم یونس (ع) را پذیرفت روز تولد حضرت عیسی (ع) و روزی است که حضرت قائم (ع) در آن روز قیام می کند (۲) امام باقر (ع) می فرماید : یکدیگر را در روز عاشورا ، این گونه تعزیت دهید : اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین وجعلنا وایاکم من الطالبین بشاره مع اولیه الامام المهدی من آل محمد (ع) (۳) خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و ما و شما را از کسانی قرار دهد که به همراه ولی اش ، امام مهدی از آل محمد (ع) ، طلب خون آن حضرت کرده ، به خون خواهی او برخیریم . خود حضرت مهدی (ع) نیز در زنده نگهداشتن یاد عاشورا می کوشد گواه آن داستان علامه بحر العلوم است که با آن کهولت سن و موقعیت علمی و اجتماعی ، در صف سینه زنان امام حسین (ع) با وضعیتی خاص ظاهر می شود . و وقتی از او می پرسند چرا چنین عزاداری می کنید؟ می فرماید : بارسیدن به دسته سوگواران ، چشمم به محبوب دل ها ، امام عصر (ع) افتاد و دیدم آن حضرت ، با سرو لای برهنه در میان انبوه عزاداران ، درسوگ پدرش حسین (ع) با چشمانی اشک بار به سروسینه می زند به همین جهت ، قرار از کفم رفت و چنین به سوگواری پرداختم . (۴) ۱ . کمال الدین ج ۲ ، ص ۶۵۳ غیبه طوسی ص ۲۷۴ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۸۵ . ۳ . مصباح المتجهد مفاتیح الجنان ۴ . عاشورا و انتظار پورسید آقایی ص ۲۷ .

توقیت

به معنای وقت قرار دادن است . در روایات از معین کردن وقت ، برای ظهور حضرت مهدی (ع) نهی شده است . امام صادق (ع) می فرماید : کسی که برای مهدی ما وقت تعیین کند ، خود را در علم خدا شریک پنداشته است و ادعا کرده است که بر اسرار خدا واقف است . (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳ ، الزام الناصب ، ص ۳۰ .

سال فرد

در روایات است که حضرت مهدی (ع) در یکی از سال های فرد ظهور می کند سال هایی چون یک ، سه ، پنج ، هفت یا نه (۱) ۱ . کشف الغمه ج ۳ ص ۵۳۴ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۵ .

الر

از امام باقر (ع) آمده که حضرت فرمود: در حروف مقطعه قرآن علم بسیاری است خدای تعالی نازل فرمود: الم ذلک الکتاب . . پس حضرت محمد (ص) قیام کرد تا اینکه نورش ظاهر گشت و سخنش در دل ها نشست، و آن حضرت متولد شد در هنگامی که از هزاره هفتم، صد و سه سال گذشته بود، سپس فرمود: بیان این مطلب در کتاب خداوند در حروف مقطعه است، هرگاه آن ها را بدون تکرار بشماری، از حروف مقطعه هیچ حرفی نمی گذرد، جز این که با گذشت آن یکی از بنی هاشم قیام کند. سپس فرمود، الف یک، لام سی، میم چهل، و صاد نود است که مجموع آن ها صد و شصت و یک می باشد. و آغاز قیام امام حسین (ع) (الم) بود. و چون به آخر مدتش رسید، قائم فرزندان عباس درالمص قیام کند، و چون آن بگذرد، قائم ما درالر بپا خیزد. پس این را بفهم و به خاطر بسپار و از نااهل آن را کتمان کن. (۱) ۱. بحارالانوار ج ۲ ص ۱۰۶ به نقل از مکیال المکارم، ج ۲ ص ۴۸۴.

امر ناگهانی

در بسیاری از روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) نقل شده، این نکته مورد تاکید قرار گرفته که ظهور نیز مانند قیامت، ناگهانی و غیر منتظره فرا می رسد و زمان آن را هیچ کس جز خداوند نمی داند. از جمله در روایتی که امام رضا (ع) به واسطه پدران بزرگوارش از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند، چنین آمده است: به پیامبر (ص) عرض شد: ای رسول خدا آن قائم که از نسل شماست چه وقت ظهور می کند آن حضرت فرمود: ظهور او مانند قیامت است (۱) امام باقر (ع) نیز در تفسیر آیه شریفه (هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة وهم لا يشعرون) (۲) می فرماید: مراد از ساعت، ساعت قیام قائم (ع) است که ناگهان بر ایشان می آید. حضرت مهدی (ع) نیز در نامه خود به شیخ مفید می نویسد: . . فإن امرنا بغتة فجأة (۳) فرمان ما به طور ناگهانی فرا می رسد. دو واژه بغتة و فجأة هر دو، به یک معناست که عبارت از ناگهانی رسیدن امر است و ظاهر سخن این است که منظور از امر در نامه مبارک، همان ظهور حضرت ولی عصر (ع) است. و اما نشانه های قطعی ای که پیش از ظهور رخ می دهد، روز ظهور را مشخص نمی سازد و ظهور آن حضرت برای مردم، به ویژه برای کسانی که به خاطر بها ندادن به مسأله یا ضعف عقیده به حضرت مهدی (ع) پیرامون وجود گرانبایه او و ظهورش نمی اندیشند، ناگهانی تر و غافلگیر کننده تر خواهد بود. (۴) ۱. کمال الدین ج ۲ ص ۳۷۲. سوره زخرف ۶۶. ۳. بحارالانوار ج ۲ ص ۱۶۴. ۴. احتجاج طبرسی ج ۲، ص ۴۹۷ بحارالانوار ج ۵۳، ۱۷۵.

ذی حجه

دوازدهمین ماه سال عرب و از ماه های حرام است پیامبر (ص) در ذکر نشانه های ظهور فرمود: صبیحه ای در ماه رمضان شنیده می شود . . . قبیله ها در ماه ذی حجه به جنگ برمی خیزند و نشانه آن این است که حجاج را غارت می کنند و فاجعه بزرگی در منی روی می دهد که افراد بی شماری کشته می شوند و خون ها ریخته می شود و بر جمرات می ریزد (۱) نفس زکیه را روز ۲۵ ذی حجه در میان رکن و مقام مظلومانه می کشند. (۲) همچنین یکی از نامه هایی که از ناحیه مقدسه به افتخار شیخ مفید صادر شده، تاریخ وصول آن ۲۳ ذی حجه سال ۴۱۲ هجری می باشد (۳) در دهم ذی حجه آخرین سال غیبت، سفیانی، کشتارگاه کوفه را به راه می اندازد و علاوه بر مردم، هفتاد عالم دینی را شهید می کند. در دهم و یازدهم ذی حجه، در مکه و منی آشوب می شود. و در این ماه در مدینه منوره، مرد هاشمی به شهادت می رسد. (۴) ۱. روزگار رهایی ج ۲، ص ۸۶۵ بحارالانوار ج

۵۱ ص ۸۱ . ۲ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۶۷ الزام الناصب ص ۱۹۰ . ۳ . احتجاج طبرسی ج ۲ ، ص ۴۹۵ و ۴۹۹ . ۴ . شش ماه پایانی مجتبی السادة ترجمه مطهری نیا ص ۲۰۳ .

ربیع

ربیع الاول و ربیع الثانی ، ماه های سوم و چهارم سال قمری هستند . شب هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری وفات حضرت عسکری (ع) واقع شده است (۱) به نقل شیخ مفید در روز دهم ماه ربیع الثانی سال ۲۳۲ ولادت حضرت عسکری (ع) بوده است . (۲) از امام صادق (ع) درباره امام مهدی (ع) پرسیدند که آیا به هنگام ولادت دیده می شود؟ فرمود : آری ، به خدا قسم ، از روز تولد تا روز وفات پدرش دیده می شود ، آن گاه از آخرین ساعات روز جمعه هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ غایب می گردد . (۳) و آخرین دیدار عمومی حضرت بقیة الله با شیعیان ، روز هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ بود ، که در مراسم تشییع جنازه پدرش ظاهر گردید و بر جنازه پدر بزرگوارش نماز خواند و سپس غائب شد (۴) در احادیثی که در باب آشوب های جهانی آمده است ، می خوانیم که جنگهای قبیله ای در ماه ربیع روی می دهد (۵) ۱ . بحارالانوار ج ۵۱ ، ص ۲۳ محجة البیضاء ج ۴ ، ص ۳۳۵ . معارف و معاریف ، ج ۵ ص ۶۲۴ و ۳۶۲۶ . بحارالانوار ج ۵۳ ص ۶ بشارة الاسلام ص ۲۶۷ . ۴ . روزگار رهایی ج ۱ ص ۲۸۷ . منتخب الاثر ص ۴۵۱ روزگار رهایی ج ۲ ص ۹۰۴ .

رمضان

ماه نهم از ماه های قمری است و به قولی ، یکی از اسماء خداوند است . بیست و یکم این ماه ، حضرت عیسی (ع) به آسمان رفته است . از حضرت مهدی (ع) در پاسخ نامه حمیری آمده که وداع ماه رمضان در شب آخر آن است و اگر احتمال دهی که ماه ناقص باشد ، در دو شب ، آن را وداع کن (۱) امام صادق (ع) فرمود : آن صیحه آسمانی که در ماه رمضان ، پیش از ظهور طنین می افکند ، در شب جمعه ، شب ۲۳ ماه رمضان خواهد بود (۲) در روایات آمده که وقتی سفیانی خروج می کند ، سی هزار نفر از قبیله کلب با او در ماه رمضان بیعت می کنند . (۳) امام صادق (ع) فرمود : نشانه پدیده های ماه رمضان ، علامتی است در آسمان که به دنبال آن اختلافی شدید در میان مردمان پدید می آید . (۴) در روایات ، خسوف ماه در شب اول ماه رمضان و خسوف خورشید در پانزدهم آن از نشانه های ظهور حضرت مهدی (ع) یاد شده است (۵) و در برخی ، خسوف خورشید در پانزدهم رمضان و خسوف ماه در آخر آن ذکر شده است (۶) امیر مؤمنان علی (ع) فرمود : از مشاهده سه نشانه منتظر فرج باشید : اختلاف شامیان ، پرچم های سیاه از خراسان ، و صیحه آسمانی در ماه رمضان . (۷) ۱ . معارف و معاریف ج ۵ ص ۷۰۱ . ۲ . غیبه طوسی ص ۲۷۴ کمال الدین ج ۲ ، ص ۶۵۰ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۰۴ . ۳ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۸۳ . همان ص ۸۳۹ . ۵ . ارشاد مفید ص ۳۳۸ اعلام الوری ص ۴۲۸ . ۶ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۷۸۴۳ . غیبه نعمانی ص ۱۳۳ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۲۹ . منتخب الاثر ص ۲۲۰

شوال

در شوال آخرین سال غیبت ، در نزدیکی مدینه دیر الزور سوریه معرکه قرقیسیا روی می دهد که صد هزار نفر از ستمگران کشته می شوند و سفیانی پیروز می گردد . (۱) ۱ . شش ماه پایانی ، مجتبی السادة ترجمه مطهری نیا ، ص ۲۰۳ .

در آخر الزمان در ماه صفر، نشانه بسیار روشنی از آسمان ظاهر می شود و نشانه دیگری نیز در زمین آشکار می گردد و در مشرق زمین، حادثه هولناکی واقع می شود که موجب وحشت و اضطراب می گردد. نشانه روشن آسمانی در آن روز، ظاهر شدن کف دستی است در قرص خورشید که در روایات آمده است. (۱) ۱. روزگارهایی ج ۲، ص ۱۰۹۸.

شعبان

ماه هشتم از ماه های عرب است. در جاهلیت آن را عاذل می گفتند ولادت حضرت مهدی (ع) در آن واقع شده است. در این ماه روحیه آمادگی آمیخته به ترس و هراسی در جهان اسلام نمایان می شود که ناشی از بروز آن دسته از جریانات سیاسی است که در یک عرصه با هم به تاخت و تاز مشغولند که از ماه رجب به مرور رو در روی هم قرار گرفته اند. به طور کلی دو جریان در این ایام در حال شکل گرفتن است. جریان یاوران حضرت مهدی (ع) یمانی از یمن و سید خراسانی از ایران و جریان سفیانی که بر رقبای خویش اصرار و باقی فایق آمده و پس از این پیروزی با رومیان و یهودیان غرب هم پیمان گشته است. در ماه شعبان جریانات از هم جدا شده و مردم هم از کنار یکدیگر پراکنده می شوند و به همین علت است که در احادیث نشانه ها و حوادث دوران ظهور، خاورمیانه همانند میدان مبارزه و جنگهای متعدد و با کشته های بسیار ترسیم شده است. ساکنان این منطقه هم که مسلمانان هستند در شرایط گرفتاری و سختی و ناراحتی به سر می برند که نتیجه عدم ثبات سیاسی کشورهای منطقه است و به زودی هم آتش جنگ جهانی بزرگی برافروخته خواهد شد. ابو بصیر نقل می کند که از امام صادق (ع) درباره ماه رجب پرسیدم حضرت فرمودند: پیش از اسلام دوران جاهلیت آن را یعنی ماه رجب را بزرگ می شمردند و در آن جنگ نمی کردند نام آن را ماه خالی از ندای جنگ نهاده بودند. ابو بصیر می گوید: پرسیدم شعبان؟ فرمود: امور در آن از هم جدا می شود؟ گفتم ماه رمضان چطور فرمود: ماه خداوند تبارک و تعالی است که در آن به نام صاحب شما، حضرت مهدی (ع) و پدرش ندا در دهند. . . . پرسیدم: جمادی الاول و الثانی؟ فرمود: از ابتدا تا انتهایش فتح و پیروزی است (۱) ابو حمزه ثمالی از قول امام باقر (ع) نقل کرده که فرمودند: وقتی شنیدید که مردم شام دچار اختلاف شده اند، از آن جا فرار کنید که فتنه و کشتار به جان شما افتاده است. گفتم به کجا فرار کنیم؟ فرمودند: مکه بهترین جایی است که مردم بدانجا بگریزند (۲) در روایتی که در روضه الکافی آمده و این رویدادها را توصیف کرده و مردم را متوجه وظایفشان در آن زمان و شرایط می کند آمده است: وقتی ماه رجب شد با نام خداوند متعال روی کنید و اگر دوست داشتید که تا شعبان به تأخیر بیندازید، ضرر نمی بینید و اگر دوست داشتید که در میان اقوام و خویشانتان پناه بگیرید روزه بگیرید شاید برای شما بهتر محکم تر باشد. سفیانی هم به عنوان یک نشانه برای شما کافی است (۳) در این حدیث اجازه داده شده است که شتاب کردن در مسافرت تا پایان ماه رمضان به تأخیر انداخته شود. ۱. بحار الانوار ج ۱۹، ص ۶۳ مستدرک ج ۲، ص ۲۶۵. ۲. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۷۱. ۳. همان ص ۳۰۲.

رجب

ماه هفتم از سال قمری و از ماه های حرام است. بر طبق روایات، اتفاقات گوناگونی در آن می افتد. امام رضا (ع) فرمود: در ماه رجب، سه ندا از آسمان طنین می افکند: یکی می گوید: به هوش باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد دومی می گوید: هان ای مؤمنان رستاخیز، نزدیک است. و سومی می گوید: خداوند آن گرامی را فرمان ظهور داده است، پس سخنان او را بشنوید و فرمان او را گردن نهید (۱) در سلسله روایاتی که در باب آشوب های جهانی وارد شده، از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: همه شگفتی ها در میان جمادی و رجب است. یکی از مستمعان پرسید: ای امیر مؤمنان این چه حادثه شگفت انگیزی است که این همه موجب تعجب شما شده است؟ فرمود: رای بر تو، چه چیزی شگفت انگیزتر از این که مردگان برخیزند و گردن زنده ها را بزنند. (۲)

(۲) در روایت دیگری می خوانیم: خروج سفیانی، یمانی و خراسانی، در یک روز و یک ماه و یک سال خواهد بود. هر سه در یک روز از ماه رجب یک سال، خروج خواهند کرد. (۳) نیز در سالی که حضرت مهدی (ع) ظهور می کند، بیست و چهار باران رحمت می بارد که به وسیله آن ها زمین مرده را زنده می سازد، یکی از آن ها در ماه جمادی الثانیه می بارد و دیگری در ماه رجب که ده روز تمام طول می کشد و اثر آن در همه جا دیده می شود و برکت آن در همه جا ظاهر می گردد. (۴) همچنین آمده است: سالی که صیحه آسمانی در آن شنیده می شود، نشانه ای پیش از آن، در ماه رجب دیده می شود. گفته شد: آن نشانه چیست؟ امام صادق (ع) فرمود: سیمایی در قرص ماه دیده می شود. . . . (۵) ۱. غیبه طوسی ص ۲۶۸ بحار الانوار ج ۲ ص ۵۲۸۹. ۲. بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۳۸۱. روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۱۰۱. الزام الناصب ص ۱۸۵ روزگار رهایی ج ۲ ص ۵۸۲۸. ۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳ ارشاد مفید، ص ۳۳۷.

ذی قعدة

یازدهمین ماه از سال قمری و از ماه های حرام است ابوریحان در آثار الباقیه آورده که روز پنجم آن کعبه نازل شد و ابراهیم و اسماعیل (ع) به تجدید بنای کعبه پرداختند (۱) در نشانه های سال ظهور حضرت مهدی (ع) آمده است که جنگ و جدال در ماه ذی قعدة روی می دهد (۲) نیز آمده است که در ذی قعدة، هرج و مرجی پدید می آید (۳) بیست و یکم و بیست و دوم ذی قعدة آخرین سال غیبت حضرت، سفیانی در بغداد، کشتار گاهی برپا کرده و هشتاد هزار نفر را می کشد (۴) ۱. معارف و معاریف ج ۵ ص ۵۷۸. ۲. کشف الغمه ج ۳ ص ۲۶۰ و ۲۷۷ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۸۱. منتخب الاثر ص ۴۴۱. شش ماه پایانی مجتبی السادة ترجمه مطهری نیا ص ۲۰۳

بعد از ظهور

کمالات در عصر ظهور

کمالات در عصر ظهور

پیامبر گرامی اسلام (ص) در وصف حضرت قائم (ع) فرمود: او ظاهر و باطن امامان است. (۱) یعنی آن حضرت آشکارکننده علوم ظاهر و باطن است که خداوند متعال به پیامبر و امامان (ع) عطا فرموده و مظهر تمام کمالات و شؤون آنان است. امیر المؤمنین (ع) فرمود: ای کمیل هیچ علمی نیست مگر این که من افتتاح کننده آنم و هیچ چیزی نیست، مگر این که قائم آن را به پایان می رساند (۲) با این ویژگی ها که برای حضرت در روایات آمده، تغییرات و تحولات در دوران ظهور، بی نظیر است. در روایتی است وقتی حضرت ظهور می کند، خداوند در گوش ها و چشم های شیعیان، به اندازه چهار فرسخ قوت می دهد و به کمال می رساند و آنان با حضرت تکلم می کنند و سخنان یکدیگر را می شنوند. (۳) علاوه بر این در روایت دیگری است که در زمان قائم (ع) مؤمن در مشرق، برادر خود را در مغرب می بیند و بالعکس (۴) بحث کامل شدن عقول بندگان و ظهور تمام علم و دانش در دوران ظهور نیز در روایات است. (۵) ۱. کمال الدین ج ۱ ص ۲۲۸۱. مکمال المکارم ج ۱ ص ۱۱۷. ۳. نجم الثاقب باب سوم ۴. همان ۵. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۶.

مدینه فاضله مهدی

تا آن جاکه در حافظه تاریخ به یاد مانده است، هیچ گاه انسان از اندیشه و رویای بهتر زیستن فارغ نبوده و همیشه، نگاه او برای

یافتن آینده ای بهتر و سامان یافته تر، دور دست ها را نظاره کرده است. این رؤیا، در زندگانی انسان به گونه های مختلفی تبلور یافته است و بارزترین نمونه از آن را در اندیشه مدینه فاضله می یابیم. و اما مهم ترین و برجسته ترین خصوصیات مدینه فاضله اسلامی که تحقق آن را پس از ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی به ما وعده داده اند عبارتند از: ۱. مدینه عدل در خصوصیات قیام و حکومت امام زمان هیچ ویژگی به اندازه عدالت و قسط روشنی ندارد. در زیارت صاحب الامر می خوانیم: السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر... (۱) در مدینه فاضله اسلامی و در بستر ظهور آن منجی نیز، همه سخن از عدالت است. دامنه عدالت او، تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده است، حتی عدالت و دادگری همچون گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ می کند و مأمّن و مسکن وجود آنان را سامان می بخشد. (۲) در سایه این عدالت، هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند. (۳) ۲. مدینه رفاه مدینه فاضله اسلامی، مدینه رفاه و آسایش همگانی است. رفاه و تنعم بدان سان که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه یافت نمی توان کرد. یک دلیل مهم بر این امر، توزیع عادلانه ثروت ها و منابع است. در روایات، سخن از کثرت مال، وفور نعمت ها، باران های پی در پی، سبکباری از بارهای سنگین زندگی، ادای قرض مقروضین و سخن از بذل و بخشش امام (ع) بر همگان است، به طوری که از طلب مال و بخشش دیگران بی نیاز گردند. (۴) ۳. مدینه امن که در روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا، می فرماید: نزلت فی القائم واصحابه (۵) یعنی وعده خداوند، مبنی بر اینکه وحشت و خوف مؤمنان را به امنیت و سلام تبدیل می کند، در زمان ظهور آن حضرت، معنی و مصداق می یابد. ۴. مدینه تربیت: تربیت و پرورش روح انسان ها و توجه به اخلاق و فضائل روحی، از اساسی ترین برنامه های ظهور است. انسان ها در کنار غنای مالی، از فنای قلبی و روحی نیز بهره مند می گردند (۶) و در کنار تمام نعمت و وفور ثروت، به کمال اخلاق و فضیلت های انسانی راه می یابند. (۷) ۵. مدینه علم: علم دوره ظهور، دوران گسترش علم و دانایی است و مدینه فاضله اسلامی، مدینه العلم است. او می آید و دانایی و فرزاندگی، جانشین جهل و نادانی می گردد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می شود. (۸) ۶. مدینه مستضعفان: آنان که پیش از ظهور، بار سنگین فقر و بیچارگی و نامردمی را تحمل کرده اند، اکنون در راستای اجرای عدالت باید به حق مسلم خویش در وراثت و پیشوایی زمین دست یابند (۹) و بدین سان، بهشت زمینی در عالم خارج، واقعیت می یابد (۱۰) ۱. مفاتیح الجنان زیارت صاحب الامر ۲. بحارالانوار ج ۶ ص ۵۲ ص ۳۶۲. ۳. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۲۴. ۴. بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۹۰. ۵. غیبه طوسی ص ۲۴۰ ذیل آیه ۵۵ سوره نور. ۶. بحارالانوار ج ۸۴ ص ۱۰۵. ۷. بحارالانوار ج ۸۴ ص ۲۳. ۸. بحارالانوار ج ۷۵ ص ۵۱. ۹. سوره قصص ۱۰۵. چشم به راه مهدی ص ۱۹۸.

مرگ حضرت

ما منا الا مقتول

یعنی هیچ یک از ما معصومین خاندان نبوت نباشد، جز این که به مرگ شهادت از دنیا برویم. این جمله از قول چند تن از حضرات معصومین (ع) نقل شده است (۱) در روایتی آمده است که: ما منا الا مسموم او مقتول (۲). کسانی که معتقدند پایان عمر حضرت، شهادت است و به مرگ طبیعی نمی میرد، به این احادیث استناد کرده اند. ۱. بحارالانوار ج ۲۷ ص ۲۱۴ و ۲۰۹. ۲. بحارالانوار ج ۲۷ ص ۲۱۷.

هفت تکبیر

با هفت تکبیر بر جنازه حضرت علی (ع) نماز خواندند، و این عمل پس از ایشان، فقط بر جنازه حضرت مهدی (ع) جایز است. امیر المؤمنین (ع) بر امام حسن (ع) وصیت کرد که: پس از کفن و حنوط و بردن تا موضع قبر شریف، بر من نماز کن و هفت تکبیر بگو. بدان که این عمل برای احدی غیر از من، حلال نیست، مگر بر مردی که در آخرالزمان ظهور می کند اسم او قائم مهدی (ع) است که از فرزندان برادر تو، حسین است (۱) در معجزات حضرت مهدی (ع) آمده است که حضرت جلوی قسطنطنیه فرود می آید. در آن روزگار، آن دژ، هفت دیوار دارد و حضرت هفت تکبیر می گوید و دیوارها فرو می ریزد. (۲)

۱. نجم الثاقب باب سوم ۲. عقد الدرر ص ۱۸۰.

مرگ حضرت

این که حضرت، به مرگ طبیعی یا شهادت از این جهان خواهد رفت، اختلاف هایی در روایات به چشم می خورد. برخی از روایات می گویند که آن حضرت مدتی حکومت خواهد کرد، سپس وفات می کند و مسلمانان بر او نماز می گذارند ۵ از بعضی روایات استفاده می شود که مرگ آن حضرت طبیعی نخواهد بود و به دست جنایتکاران، با مشخصاتی که برای آنان ذکر شده، به شهادت می رسد. (۱) امام صادق (ع) می فرماید: چون دولت حقه مدتش به سر آید، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد. او را زنی از بنی تمیم به شهادت می رساند که نام او سعیده است و همانند مردان، ریش و سیل دارد. او به هنگام عبور حضرت، سنگ آسیابی را از پشت بام به سوی او پرتاب می کند و حضرت را به شهادت می رساند (۲) بررسی و قضاوت در این امر مبتنی بر دو مسأله است: ۱. آیا همه امامان معصوم (ع) شهید می شوند یا امکان دارد که به مرگ طبیعی از دنیا بروند؟ ۲. اگر در سایر ائمه (ع) پذیرفتیم که همه به شهادت رسیده اند، نسبت به امام زمان (ع) چه خواهد شد؟ اجل طبیعی یا شهادت؟ اما این که آیا همه ائمه به شهادت رسیده اند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته اند اختلاف است: شیخ صدوق بر این باور است که همه معصومین به اجل غیر طبیعی از دنیا رفته اند... کسی که چنین عقیده نداشته باشد از ما نیست. (۳) شیخ مفید در جواب صدوق می نویسد: آن چه را که شیخ صدوق در رابطه با درگذشت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) به ستم و قتل گفته، برخی از آن ها ثابت است و برخی مشکوک. اما شهادت امام علی و امام حسن و امام حسین (ع) حتمی و قطعی است. پس از ایشان، مسمومیت و شهادت موسی بن جعفر (ع) نیز قطعی و مسلم است. درباره امام رضا (ع) نیز قول قوی مسمومیت و شهادت ایشان است، گرچه جای تردید هست. اما در دیگر ائمه (ع) راهی برای اثبات این که آنان به وسیله ستم یا ترور و یا قتل، به شهادت رسیده اند، در دست نیست. (۴) علامه مجلسی پس از آن که روایات را زیر عنوان انهم علیهم السلام لایموتون الا بالشهادة می آورد، نظر شیخ مفید را مورد نقد و بررسی قرار می دهد. امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا شهید می شود (۵) قاتلین به شهادت ائمه، اصل کلی را از این گونه روایات استفاده کرده اند و بر این نظرنند که ساختار بدنی پیامبر و امامان (ع) به گونه ای است که زمینه و ظرفیت حیات و عمر طولانی را دارند مگر عارضه و حادثه ای از خارج بر آنان تحمیل شود. (۶) به هر حال اگر نظر شیخ صدوق را بپذیریم و به روایات ما منّا الأمسموم او مقتول (۷) پایبند باشیم و آن ها را از نظر سند بپذیریم، امام زمان (ع) به دست جنایتکاران به شهادت می رسد. ولی اگر قول شیخ مفید را بپذیریم، باید بگوییم که چگونگی مرگ حضرت مهدی (ع) روشن نیست. (۸) امام صادق (ع) فرمود:... چون معرفت و ایمان به حضرتش در دل های مردم استقرار یافت، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد. حضرت امام حسین (ع) متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی کند. (۹) سلام علیه یوم ولد و یوم یظهر و یوم یموت و یوم یبعث حیا. ۱. تاریخ ما بعد الظهور سید محمد صدر ص ۸۸۱. ۲. الزام الناصب ص ۱۰۹ به نقل از روزگار رهایی ج ۲ ص ۶۶۲. ۳. اعتقادات صدوق ج ۵ ص ۹۹ کنگره شیخ مفید. ۴. تصحیح الاعتقاد مفید، ج ۵ ص ۱۳۱. ۵. بحار الانوار

ج ۲۷ ص ۲۱۷ . ۶ . تاریخ الغیبه الصغری ، ص ۲۳۰ . ۷ . بحار الانوار ج ۲۷ ص ۸۲۱۷ . چشم به راه مهدی ص ۹۳۶۰ . کافی ج ۸ ص ۲۰۶ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۳

خاک سپاری حضرت

امام صادق (ع) می فرماید : چون معرفت و ایمان به حضرت در دل های مردم استقرار یافت ، مرگ حضرت حجت (ع) فرا می رسد . پس حضرت امام حسین (ع) متولی غسل و کفن و حنوط و دفن ایشان خواهد شد و هرگز غیر از وصی ، وصی را تجهیز و آماده خاک سپاری نمی کند (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۳ و ج ۵۱ ص ۵۶ کافی ج ۸ ص ۲۰۶

اعلام ظهور

ظهور حضرت مهدی (ع) ، ابتدا به وسیله منادی آسمانی اعلام می گردد ، آن گاه حضرت در حالی که پشت به کعبه داده است ، با دعوت به حق ، ظهور خود را اعلام می کند . امیرالمؤمنین (ع) می فرماید : هنگامی که منادی از آسمان ندا می دهد ، حق از آن آل محمد (ع) است شما اگر طالب هدایت و سعادت هستید ، به دامن آل محمد (ع) چنگ زنید ، حضرت مهدی ظهور می کند . (۱) ۱ . احقاق الحق ج ۱۳ ص ۳۲۴ .

اولین دادگاه پس از ظهور

موتور

به معنای کسی است که یکی از نزدیکانش کشته شده و انتقام او را نگرفته باشد (۱) و از القاب حضرت مهدی (ع) است . در روایات متعددی ، حضرت به لقب " موتور " ذکر شده است موتور " به والد ، منظور کسی است که پدرش کشته شده و خونخواهی او نشده است علامه مجلسی فرموده که مراد به والد ، یا حضرت عسکری (ع) یا امام حسین (ع) و یا جنس والد که شامل همه ائمه (ع) می شود است . امام صادق (ع) نیز فرمود : قائم موتور و دشمنانک خروج می کند ؟ در حالی که پیراهن خونین رسول خدا (ص) که در جنگ احد بر تن داشت ، بر بدن آن حضرت است (۲) در برخی روایات موتور بایه دارد . در زیارت عاشورا می خوانیم : السلام علیک یا ثار الله ابن ثاره والوتر الموتور (۳ < ۱) . الرائد ج ۲ ص ۱۶۸۸ . نجم الثاقب باب دوم ۳ . مفاتیح الجنان باب سوم

اولین دادگاه پس از ظهور

بر طبق برخی روایات ، نخستین دادگاهی که در دولت حقه حضرت مهدی (ع) تشکیل می شود ، برای بررسی خون به ناحق ریخته شده محسن حضرت فاطمه (ع) است . (۱) ۱ . روزگار رهایی ج ۲ ص ۱۰۷۰ .

منتقم

در بعضی از روایات و دعاها از حضرت بقیه الله (ع) با لقب منتقم یاد شده است . انتقام در لغت به معنی مجازات کردن به کار می رود . در قرآن کریم در مواردی این صفت به خدا هم نسبت داده شده است . به عنوان مثال در آیه ۳۷ سوره زمر می خوانیم : ایس الله بعزیز ذی انتقام . و اما حضرت مهدی (ع) پس از تمام شدن حجت بر مردم و از بین رفتن بهانه ها و عذر هاست که مجبور به

استفاده از قدرت و شمشیر خواهد شد. به عبارت دیگر در شرایطی که هیچ چیز به جز قدرت نظامی کارایی ندارد، امام (ع) به آن متوسل خواهد شد و گرنه در آغاز قیام باز همانند انبیاء و اوصیای الهی توده های مردم را موعظه می کنند و در حد لازم به روشنگری و از بین بردن شبهات آن ها می پردازند. منتهی چون بسیاری از افراد پیروی از اوامر و رهنمودهای آن حضرت را به زیان حکومت و موقعیت ظالمانه خود خواهند دید، در نتیجه علی رغم درک حقانیت آن حضرت به خاطر زرق و برق و مطامع دنیوی به روی امام (ع) شمشیر خواهند کشید. در این شرایط است که آن حضرت هم مجبور به استفاده از قوای نظامی و قدرت شمشیر خواهند شد. به علاوه از توجه به مضمون و مفاد روایات و ادعیه ای که امام عصر (عج) را با لقب منتقم یاد کرده اند، به خوبی این حقیقت روشن می شود که انتقام گیری آن حضرت از ستمگران و متعديان به حقوق انسان ها و مستکبران خواهد بود یعنی آن هایی که بندگان خدا را به بردگی برای خود وا می دارند و حاضر نیستند که بگذارند آن ها آزادانه برای خود یک زندگی و خط مشی مستقلی انتخاب کنند و به خاطر منافع خود همه هستی و سرمایه های مادی و معنوی آنان را نابود می کنند. وقتی امام مهدی (ع) ظهور کنند از قدرت های استکباری، انتقام توده های مستضعفی را که سال ها تحت سیطره آن ها واقع شده اند خواهد گرفت. در مقابل، آن حضرت با توده های مردم جز به شیوه عفو و رحمت و بخشندگی رفتار نخواهند کرد. همان گونه که مفاد روایات و دعاها بر این موضوع دلالت دارند؟ به عنوان مثال: پیامبر اکرم (ص) در خطبه معروف خود در روز عید غدیر وقتی به توصیف امام مهدی (ع) می پردازند می فرمایند: .. الا أنه المنتقم من الظالمين الا عنه مدرک کل صار اولياء الله عزوجل .. آگاه باشید که او خاتم الاوصیاء مهدی موعود (ع) انتقام گیرنده از ستمگران است او خونخواه خون به ناحق ریخته همه بندگان صالح خداست. (۱). احمد بن اسحاق می گوید: روزی در حضور امام عسکری (ع) بودیم که توفیق زیارت فرزند بزرگوارشان امام مهدی (ع) نصیب من شد. شنیدم که آن جانشین بر حق حضرت عسکری (ع) فرمودند: انا بقیة الله فی بارضه و المنتقم من اعدائه .. من بقیة الله در روی زمین خدا هستم که از دشمنان خدا انتقام خواهم گرفت (۲). در قسمتی از دعای ندبه در اشاره به این مسئولیت امام زمان (ع) می خوانیم این الطالب SNI□SĠ لانبیاء و این الطالب بدم المقتول بکربلا ... کجاست آن منتقمی که خون به ناحق ریخته و پایمال شده پیامبران و فرزندان آن ها را طلب خواهد کرد کجاست آنکه از خون شهید کربلا انتقام خواهد کشید (۳) نقل شده است که وقتی در روز عاشورا امام حسین (ع) و اصحابش به دست شقی ترین انسان ها به ناجوانمردانه ترین صورت به شهادت رسیدند، ملائکه الهی از این پیشامد بسیار ناراحت شدند و شکایت به درگاه الهی بردند. خداوند متعال در پاسخ به آن ها ضمن نشان دادن نور وجود حضرت مهدی قائم آل محمد (ع) فرمودند: یدلک القائم انتقم منهم به توسط این قائم از قاتلان امام حسین و یارانش انتقام خواهم گرفت (۴) در حدیث معراج پیامبر اکرم (ص) باز در این باره می خوانیم وقتی در عرش الهی چشم رسول گرامی اسلام به نورهای ائمه اطهار (ع) افتاد و دید یکی از آن ها با سایر نورها فرق می کند، از جانب خداوند متعال ندا رسید که: او همان قائم ماست او همان کسی است که حلال ما را حلال و حرام ما را حرام خواهد کرد ... من به توسط او از دشمنان انتقام خواهم گرفت (۵) همانگونه که از تک تک این روایت ها و نظایر آن ها برمی آید، مهدی موعود (ع) آن دست انتقام خداوندی است که همه حقوق پایمال شده انسان های صالح و مظلوم در طول تاریخ را از دشمنان باز خواهد ستاند و هر کجا خونی به ناحق ریخته شده است انتقام آن را از عاملان آن خواهد گرفت و این کار نه تنها موجب نگرانی و دلهره مردم نمی شود، بلکه دل های توده مردم را در طول تاریخ شادابی می بخشد و به آن ها نشان می دهد که اگر در نتیجه طغیان و تعدی عده ای ستمگر برخی از حقوق آن ها پایمال شد، بالاخره روزی ستمگران به سزای اعمال خود رسیدند. (۶). بحار الانوار ج ۳۷ ص ۲۱۱ و ۲۱۳. الزام الناصب ج ۱ ص ۲۵۳. ۳. مفاتیح الجنان دعای ندبه. ۴. بحار الانوار ج ۷۳ ص ۲۹۴. ۵. کمال الدین ج ۲ ص ۲۵۲. ۶. نشریه موعود ش ۳۴ ص ۳۴

هنگامی که حضرت مهدی (ع) قیام کند، همه ناصبیان و دشمنان اهل بیت را بر آن حضرت عرضه می کنند. اگر به اسلام اقرار کردند، آنان را رها می کند و گرنه به قتل می رسند، یا آنان را به پرداخت جریمه هم چنان که اهل ذمه می پردازند ملزم می کند. (۱) مرحوم مجلسی می گوید: شاید این حکم، مربوط به آغاز قیام باشد زیرا ظاهر روایات این است که از آنان جز ایمان پذیرفته نمی شود و اگر نپذیرند، کشته می شوند (۲) ابو بصیر می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: رفتار امام مهدی (ع) با ناصبی ها و کسانی که با شما دشمنی دارند، چگونه خواهد بود؟ فرمود: ابا محمد در دولت و حکومت ما، مخالفان بهره ای نخواهند داشت. خداوند برای ما خون های شان را در آن هنگام حلال خواهد کرد، ولی امروز خون شان بر ما و شما حرام است (۳) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۲. ۲. مرآة العقول ج ۲۶ ص ۱۶۰. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۷ به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) طبسی ص ۱۴۷.

حکومت

تخریب مساجد

هنگامی که قائم (ع) قیام می کند، چهار مسجد را در کوفه ویران می سازد و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، مگر این که کنگره و اشرف آن را ویران می کند و با حالت سادگی و بدون اشرف، آن را برجای می گذارد و هر مسجدی را که در مسیر جاده قرار بگیرد، ویران می سازد. (۱) شاید مراد، چهار مسجدی باشد که سران لشکر یزید، پس از شهادت امام حسین (ع) به شکرانه کشتن آن حضرت، در کوفه ساختند و بعدها به مساجد ملعونه معروف شدند. هر چند این مساجد اکنون موجود نیست، ولی ممکن است بعدها گروهی از روی دشمنی با اهل بیت، آن ها را دوباره بسازند. (۲) امام باقر (ع) نیز درباره این مساجد می فرماید: در کوفه به دلیل شادی از کشتن حسین (ع) چهار مسجد ساخته شد که عبارتند از: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سماک و مسجد شبت بن ربیع (۳). حضرت علی (ع) فرمود: بی گمان هنگامی که قائم ما قیام کند، مسجد کوفه را ویران کرده، قبله آن را تعدیل می کند. (۴) ابوهاشم جعفری می گوید: خدمت امام حسن عسکری (ع) بودم که ایشان فرمود: هنگامی که حضرت قائم قیام کند، دستور می دهد مناره ها و مقصوره هایی (۵) که در مساجد است، ویران شود. با خود گفتم: چرا حضرت چنین می کند؟ امام رو به من کرد و فرمود: چون این ها بدعت هایی است که پیامبر و امامی آن را نساخته است. (۶) در روایات دیگر سخن از تخریب سقف مساجد (۷) و تخریب مسجد الحرام و مسجد النبی و بازگرداندن آن ها به اندازه اصلی شان است. (۸) ۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۵۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۳. ۲. مهدی موعود ص ۱۰۹۴. ۳. بحار الانوار ج ۴۵ ص ۱۸۹. ۴. غیبه نعمانی ص ۳۱۷ بحار الانوار ج ۲ ص ۵۰۳۶۴. ۵. محلی از مسجد که برای خلیفه یا امام جماعت می ساختند تا در حال نماز در آن جا بایستد فرهنگ عمید ۶. غیبه طوسی ص ۱۲۳ کشف الغمه ج ۳ ص ۲۰۸ بحار الانوار ج ۵۰ ص ۷۰۲۱۵. ۷. وسائل الشیعه ج ۳ ص ۴۸۸ من لا یحضره الغیبه ج ۱ ص ۵۳. ۸. ارشاد مفید ص ۳۶۴ غیبه طوسی ص ۲۹۷ بحار الانوار ج ۶۰۲ ص ۳۳۲.

عدالت مهدی (ع)

در زیارت صاحب الامر می خوانیم: السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر. (۱) در خصوصیات قیام و حکومت امام زمان (ع) هیچ ویژگی به اندازه عدالت و "قسط" روشنی ندارد. آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت گستره آن حضرت تاکید شده، بر سایر مسائل چنین ابرامی نرفته است و این نشان از برجستگی این مهم در دوران ظهور دارد. ده ها و بلکه صدها روایت در کتاب

های مختلف روایی، به ویژه در کتاب منتخب الاثر "کمال الدین"، "در مورد عدالت گستری آن حضرت وارد شده است. در بسیاری از این روایات، از آن امام به عنوان مظهر و تجلی کامل عدالت یاد شده است. دامنه عدالت حضرت تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده است حتی عدالت و دادگری همچون گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ می کند. (۲) خداوند چنان بر این مهم تاکید دارد که اگر حتی یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، از آن را چنان طولانی خواهد کرد (۳) تا رؤیای موعود مردمان از راه برسد. در سایه این عدالت، هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند. (۴) حقوق به یغما رفته انسان ها به آن ما باز می گردد. (۵) بندهای پیدا و ناپیدای بندگی از سر و گردن انسان ها باز می گردد و زمینه استثمار انسان از انسان به کلی برچیده می شود. (۶) کارگزاران ظلم و بیداد، مورد بازخواست قرار می گیرند. قاضیان و حاکمان کج رفتار، از مسئولیت خویش عزل می شوند و زمین، از هر نوع خیانت و نادرستی پاک می گردد. (۷) عدالت چنان می شود که مردم آرزو می کنند، ای کاش مردگان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره مند می شدند. (۸) بر طبق برخی روایات، نخستین چیزی که از عدالت حضرت قائم (ع) آشکار می شود، این است که اعلام می کند، کسانی که حج یا مناسک مستحب به جا می آورند و حجر الاسود را استلام می کنند و طواف مستحبی انجام می دهند، آن را به کسانی که حج واجب دارند، واگذار کنند. (۹) ۱. مفاتیح الجنان زیارت صاحب الامر. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۲. ۳. کمال الدین ص ۳۱۸. ۴. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۴. ۵. همان ج ۵۲ ص ۲۲۵. ۶. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵۷. ۷. همان ص ۱۲۰. ۸. مجمع الزوائد ج ۷ ص ۳۱۵. ۹. کافی ج ۴ ص ۴۲۷ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۴

شیوه حکومت حضرت

امام صادق (ع) می فرمایند: قائم بر طبق شیوه پیامبر اکرم (ص) رفتار می کند و آن چه از نشانه های جاهلیت باقی باشد را از میان برمی دارد و پس از ریشه کن ساختن بدعت ها، اسلام را از نو پیاده می کند. (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۲ منتخب الاثر ص ۳۰۵

بازرگانی در عصر ظهور

رشد و گسترش بازرگانی در کشور و جامعه، نشانه شکوفایی اقتصادی و ثروتمند بودن آن جامعه است هم چنان که تعطیل شدن بازارها و کساد بازرگانی، نشانه فقر جامعه است. از آن جا که در حکومت امام عصر (ع) مردم در وضعیت اقتصادی خوبی به سر می برند، بازرگانی رونق می گیرد و بازارها فعال می شوند. رسول خدا (ص) در این باره می فرماید: از نشانه های قیامت ظهور مهدی (ع) این است که مال و ثروت همانند سیل در میان مردم به جریان می افتد، علم و دانش ظاهر می شود و بازرگانی گسترش یافته، شکوفا می گردد. (۱) عبدالله بن سلام می گوید: مردم پس از خروفی دجال، چهل سال زندگی می کنند و نخل ها می نشانند و بازارها بر پا می گردد (۲) ۱. عیون الاخبار این قتیبه ج ۱ ص ۱۲. ۲. درالمنثور ج ۵ ص ۳۵۴ به نقل از چشم اندازی به حکومت مهدی عج طوسی ص ۲۰۸

بی نیازی در عصر ظهور

امام صادق (ع) بی نیازی همگانی را در عصر حضرت مهدی (ع) چنین توصیف می کند: به منادی دستور می دهد که در میان مردم اعلام کند، هر کس نیازی به مال دنیا دارد برخیزد. از میان همه مردم فقط یک نفر برمی خیزد و می گوید: من حضرت قائم (ع) به او می فرمایند: برو پیش کلیددار و بگو مهدی به تو دستور می دهد که مالی به من بدهی. کلیددار می گوید: جامه ات را

بیاور . جامه اش را پهن می کند و وسط آن را پر می کند . هنگامی که آن را بر دوش می گیرد پشیمان می شود که چرا در میان امت محمدی (ص) من از همه آزمندتر باشم چرا آن عفت نفس عمومی را من دارا نباشم آن گاه مال را به کلیددار پس می دهد و پذیرفته نمی شود و حضرت مهدی (ع) می فرماید : ما آن چه عطا کردیم هرگز بازپس نمی گیریم . در حدیث دیگری امام صادق (ع) می فرمایند : به همه شیعیان ما اجازه داده شده از آن چه در دست دارند به شیوه ای نیکو انفاق کنند ، ولی هنگامی که قائم ما (ع) قیام کند بر همه ثروت اندوزان ثروت اندوزی را حرام می کند ، بر صاحبان گنج هاست که گنج های خود را پیش او بیاورند تا در راه بی نیازی عمومی خرج شود علی بن عقبه نقل می کند : در آن روزگار ، کسی جایی را برای دادن صدقات و صرف پول در راه نیک نمی یابد ، زیرا بی نیازی ، همه مؤمنان را فرا گرفته است . از این گونه روایات دو نکته دانسته می شود : ۱ . مردم در حکومت حضرت ، چنان از نظر فکری رشد می کنند که بدون زور و فشار ، به وظایف خود در همه ابعاد عمل می کنند . یکی از آن وظایف ، پرداخت مالیات درآمد به دولت اسلامی است . اگر همه مسلمانان ، خمس درآمد و زکات اموال خود را به حکومت اسلامی پرداخت کنند ، رقم بزرگی را پدید می آورد و دولت بر هر گونه اقدام اصلاحی و خدمات همگانی قادر می شود . ۲ . هر چند بخشش آن حضرت در آن روزگار بی حساب است و مردم به شیوه های گوناگونی درآمدهایی دارند که آنان را بی نیاز می کند ، ولی آن چه بیش تر نظر را جلب می کند بلند طبعی و روح بی نیازی در آنان است . مردم در عصر امام زمان (ع) از فنای روحی برخوردارند و این همان دگرگونی معنوی است که در آن عصر پدید می آید . (۱) ۱ . چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طوسی ص ۲۰۰

دام پروری در عصر ظهور

از جمله ویژگی های دوران حکومت حضرت مهدی (ع) گسترش دام پروری است . علاوه بر فراوان شدن آب و رونق کشاورزی ، دام و گوسفند نیز فراوان می گردد (۱) رسول خدا (ص) می فرماید : در آن عصر ، گله های دام فراوان وجود دارند و به زندگی ادامه می دهند (۲) در سخن پیامبر (ص) نکته ای وجود دارد و آن این که گویا پیش از آن ، در اثر کمبود آب و علوفه و گسترش بیماری ها ، دام ها نمی توانستند به زندگانی ادامه بدهند . نیز آن حضرت می فرماید پس از کشته شدن دجال ، خداوند به گله ها برکت می دهد به گونه ای که بچه شتری ، گروهی از مردم را سیر میکند و گوساله ای ، غذای قبیله ای را فراهم می سازد و بزغاله ای ، برای سیر کردن گروهی کافی است (۳) ۱ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۱ کشف الغمه ج ۳ ص ۲۶۰ عقدالدرر ص ۱۴۴ . ۲ . احقاق الحق ج ۱۳ ص ۲۱۵ ج ۱۹ ص ۶۸۱ . فتن ابن حماد ص ۱۴۸ .

رفاه در عصر ظهور

یکی از برنامه های الهی حضرت مهدی (ع) رفاه همگانی و آباد ساختن جهان انسانی است . او خواهد آمد تا به برکت وجودش ، همه جمعیت روی زمین از رفاه و آبادانی برخوردار شوند . در این زمینه روایات بسیاری از وجود مقدس رسول خدا (ص) و سایر پیشوایان معصوم (ع) رسیده است که ما در این جا به ذکر چند حدیث بسنده می کنیم . پیامبر (ص) می فرماید : امت من در زمان حضرت مهدی (ع) آن چنان از نعمت الهی بهره مند می شوند که هرگز نظیر آن دیده نشده است . آسمان باران رحمتش را سیل آسا بر آن ها فرو می ریزد ، زمین چیزی از گیاهانش را باقی نمی گذارد ، جز این که آن را می رویاند ، در آن روز ثروت بر روی هم انباشته می شود ، هر کسی که بیاید و بگوید : ای مهدی به من عطا کن ، می فرماید : بگیر (۱) و حضرتش در ضمن حدیث دیگری می فرماید : ساکنان آسمان و زمین از او راضی و خشنود می شوند ، مال را به طور مساوی بین آن ها تقسیم می کند ، قلوب امت محمد (ص) را پر از بی نیازی می نماید و عدالتش همگان را فرا می گیرد . (۲) امام باقر (ع) می فرماید : راه

های اصلی را توسعه می دهد ، بالکن هایی که به داخل راه ها آمده از بین می برد . ناودان هایی را که به کوچه ها می ریزد برمی دارد ، هیچ بدعتی نمی ماند مگر این که آن را از بین می برد ، و هیچ سنت نیکی نمی ماند جز این که آن را برپا می دارد (۳) امام صادق (ع) نیز فرمود : صله رحم به جای آورید وبا همدیگر نیکی و مهربانی کنید . سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید ، روزی خواهد رسید که یک نفر از شما نتواند محلی را پیدا کند که دینار یا درهمی از مال خودش را در آن جا به مصرف برساند . (۴) و در حدیث دیگری آمده است که فرمود : هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ، به عدالت رفتار خواهد نمود . . . و به حکم حضرت داود و محمد (ص) در میان مردم داوری خواهد کرد و در آن هنگام زمین گنجینه های خود را آشکار خواهد ساخت و برکات خود را بیرون خواهد فرستاد . در آن زمان ، انسان برای صدقات و میراث خود ، جایی پیدا نمی کند ، زیرا بی نیازی همه مؤمنان را فرا می گیرد . (۵) در روایات سخن از کثرت مال ، وفور نعمت ها ، باران های پیاپی ، سبکباری و رهایی از بارهای سنگین زندگی (۶) آسودگی از رنج طلب کردن و نیافتن ، ادای قرض تمام مقروضین و ادای دین تمام صاحبان دین و (۷) آبادی همه خرابی ها است (۸) از مجموع این احادیث استفاده می شود که در روزگار شکوهمند حضرت مهدی (ع) همگان از نعمت های الهی برخوردار می شوند ، و حق هر صاحب حقی به او می رسد و سرانجام امنیت و آرامش در تمام جهان گسترده می شود و همگان در رفاه و آسایش کامل زندگی می کنند و حتی درندگان نیز به همدیگر اذیت و آزار نخواهند رسانید . (۹) بحث رفاه عمومی در هنگام ظهور حضرت در کتاب هندوها (۱۰) و تورات (۱۱) و انجیل (۱۲) نیز آمده است . ۱ . فتن ابن حماد ص ۲۵۳ عقد الدرر ص ۱۹۵ . ۲ . کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۱ مسند احمد ج ۳ ص ۴۲۷ . ۳ . ارشاد مفید ص ۳۶۵ بشاره الاسلام ص ۲۵۸ غیبه طوسی ص ۲۸۳ . ۴ . غیبه نعمانی ص ۱۵۰ . ۵ . ارشاد مفید ج ۲ ص ۳۸۴ اعلام الوری ج ۲ ص ۲۹۰ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۸ . ۶ . همان ص ۱۲۳ . ۷ . همان ج ۵۲ ص ۳۹۰ . ۸ . کمال الدین ص ۳۳۱ . ۹ . ظهور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام مذاهب و ملل جهان هاشمی شهیدی ص ۳۲۶ . ۱۰ . بشارات عهدین ص ۲۷۲ . ۱۱ . کتاب مقدس اشعیاوی نبی ص ۱۰۴۶ . ۱۲ . کتاب مقدس انجیل متی ص ۴۴ .

برکت در عصر ظهور

از ویژگی های دوران حکومت حضرت مهدی (ع) رواج برکت است . علاوه بر آنکه خداوند ، برکت را از آسمان فرو می فرستد (۱) چشمه سارها می جوشد و زمین ، چند برابر محصول می دهد (۲) درباره برکت محصولات روایات مختلفی آمده است : یک دانه انار ، چندین نفر را سیر می کند (۳) و یک خوشه انگور را چندین نفر می خورند (۴) و سیر می گردند . یک کشاورز از هر مین گندم ، صد من محصول به دست می آورد (۵) همان گونه که خداوند فرمود : در هر سنبل صد دانه به عمل می آید و خداوند برای هر کس که اراده نماید ، زیادتیر . (۶) درختان بار می گیرند و برکت ها فراوان می گردد (۷) و اما درباره برکت در عمرو نیروی انسان ها نیز روایات مختلفی آمده است ، از جمله این که : مردم در سایه فرمان روایی او ، عمری دراز خواهند داشت ، به گونه ای که برای هر شخص ، هزار فرزند متولد می شود . (۸) توان و نیروی هر یک از شیعیان حضرت ، برابر با نیروی چهل مرد می گردد (۹) و مؤمنان ، مانند پاره های آهن می گردند . (۱۰) ۱ . ملاحم ابن طاووس ص ۷۱ و ۱۴۱ . عقد الدرر ص ۱۶۹ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۳۰۴ . ملاحم ابن طاووس ص ۱۵۲ . ۴ . همان . ۵ . الشیعه و الرجعه ج ۱ ص ۱۶۷ . ۶ . سوره بقره ۲۶۱ . ۷ . ملاحم ابن طاووس ص ۱۲۵ . ۸ . ارشاد مفید ص ۳۶۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷ وافی ج ۲ ص ۹۰۱۱۳ . غیبه نعمانی ص ۳۱۷ خصال صدوق ج ۲ ص ۵۴۱ . ۱۰ . خصال صدوق ص ۵۰۷

کارگزاران حکومت مهدی (ع)

در حکومتی که امام مهدی (ع) رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران و مسئولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. روایات، ترکیب دولت امام مهدی (ع) را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوا پیشگان و صالحان روزگار و امت های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر (ص) بیان می کند که نام برخی از آنان بدین گونه است: حضرت عیسی (ع) هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی (ع) مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابود جانه انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۶ عقد الدرر ص ۹۷ مجمع البیان ج ۲ ص ۴۸۹.

مرکز حکومت حضرت

کوفه، پس از ظهور حضرت مهدی (ع) موقعیت ویژه ای می یابد، چون طبق روایات رسیده از امامان معصوم (ع) آن جا مرکز حکومت عادلانه و جهانی اسلام و پایتخت دولت او خواهد شد. امیرمؤمنان (ع) ضمن بیانی پیرامون ظهور حضرت مهدی (ع) فرمود: سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه و منزل اوست. (۱) مفضل به امام صادق (ع) گفت، سرورم آیا همه مؤمنان راستین در عصر ظهور قائم (ع) در کوفه خواهند زیست حضرت فرمود: (ع) آری . . . همه در کوفه یا پیرامون آن خواهند بود و کوفه ارزشی خواهد یافت که هر متر از زمین آن، از مرز دو هزار درهم خواهد گذشت. و مردم با ایمان هنگامی که قائم (ع) وارد شهر کوفه شد و آن جا مرکز حکومت عادلانه جهانی او گردید، دوست می دارند در آن جا باشند و همواره دل های ایمان آورندگان در آن جا است (۲) امام مجتبی (ع) در این مورد فرمود: جای یک قدم زمین در کوفه، برای من دوست داشتنی تر از خانه ای در مدینه است (۳) امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که قائم (ع) قیام کند، کوفه را پایگاه عدالت خود قرار می دهد و آن جا چنان گسترش می یابد که خانه های کوفه به شهر کربلا می رسد. (۴) و نیز فرمود: پایتخت آن حضرت، کوفه خواهد بود و مرکز قضاوت او مسجد جامع کوفه، و مرکز اصلی بیت المال، مسجد سهله در نزدیکی کوفه. (۵) ۱. تفسیر عیاش ج ۱ ص ۶۶ معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۵ ص ۲۲. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۵. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۵ و ج ۱۰۰ ص ۳۸۵. ۴. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶ ارشاد مفید ص ۳۶۲. ۵. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۱.

عقل

قوه ای است در نفس انسان که به وسیله آن، حسن و قبح و کمال و نقصان و خیر و شر را تمیز می دهد. در روایات است که به برکت ظهور حضرت مهدی (ع) عقل ما کامل می شود. امام باقر (ع) فرمود: وقتی قائم ظهور کند بر سر بندگان دست می کشد و به سبب آن، عقل آن ها کامل می گردد. (۱) ۱. نجم الثاقب باب سوم.

کشاورزی در عصر ظهور

از جمله ویژگی های دوران حکومت حضرت مهدی (ع) گسترش و رونق کشاورزی است. از آسمان بارانی می بارد که زمین محصول خود را آشکار می سازد و مردم از نعمتی برخوردار می شوند که هرگز مانند آن را ندیده اند. (۱) در عصر حضرت، رودخانه ها پر آب می شود چشمه سارها جوشش می کند و زمین، چند بار محصول می دهد. (۲) رسول خدا (ص) فرمود: خوشا به زندگی، پس از آن دوران که مسیح (ع) دجال را می کشد، زیرا به آسمان اذن بارش و به زمین اجازه رویش داده می شود. اگر دانه ای بر روی کوه صفا گذارده شود، حتماً خواهد (۳). روید. و نیز می فرماید: آسمان، بارانش را پی می فرستد و زمین نیز چیزی از گیاهان را در خود نگه نمی دارد، بلکه آن را بیرون می فرستد. (۴) بر طبق روایات، در عصر حضرت زمین همانند نقره ای که پس از جوشش آرام می گیرد، آماده کشت می شود و گیاهانش را می رویاند، هم چنان که در زمان

حضرت آدم (ع) بود. (۵) زمین گیاهانش را می رویاند، به گونه ای که یک زن از عراق، پیاده به شام می رود و در سراسر راه جز بر سبزی و بوته گام نمی گذارد (۶) میان مکه و مدینه را درخت های خرما به هم متصل. (۷) می کند نعمت و برکت، از مین و آسمان می روید و می بارد. ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۵ اثبات الهداء ج ۳ ص ۵۲۴. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۴. ۳. فردوس الاخبار ج ۳ ص ۲۴. ۴. غیبت طوسی ص ۱۵ اثبات الهداء ج ۳، ص ۵۰۴. ه. ملاحم ابن طاووس ص ۱۵۲ فتن ابن حماد ص ۱۶۲. ۶. تحف العقول ص ۱۵ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۱۶ و ۳۴۵. ۷. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۴۹ تفسیر قمی ج ۲ ص ۳۴۶.

زنان در دوران ظهور

زنان در حکومت قائم آل محمد (ع) چه می کنند؟ چه کسانی هستند؟ چند نفرند از کجا می آیند و چه مسؤولیتی بر عهده دارند؟ بر اساس برخی از روایات، حضور و نقش این زنان از نظر زمان و موقعیت، چهار گونه است: الف: حضور پنجاه زن در بین یاران امام: اولین گروه از زنانی که به محضر امام زمان می شتابند، آن هائند که در آن ایام می زیسته اند و همانند دیگر یاران امام (ع) به هنگام ظهور، در حرم امن الهی به خدمت امام (ع) می رسند. در این باره دو روایت وجود دارد: روایت اول: ام سلمه ضمن حدیثی درباره علایم ظهور، از پیامبر روایت کرده است که فرمود: در آن هنگام پناهنده ای به حرم امن الهی پناه می آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می برند، به سوی او جمع می شوند تا اینکه در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد می آیند که برخی از آنان زن می باشند که بر هر جبار و جبارزاده ای پیروز می شود. (۱) روایت دوم: جابر بن یزید جعفی، ضمن حدیث مفصلی از امام باقر (ع) در بیان برخی نشانه های ظهور نقل کرده که: به خدا سوگند، سیصد و سیزده نفر می آیند که پنجاه نفر از این عده زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد. این است معنای آیه شریفه: هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر می کند. زیرا او بر هر کاری توانا است. (۲) نکته شگفت در این دو روایت این است که می فرماید: سیصد و سیزده مرد گرد آیند که پنجاه نفر ایشان زن هستند دوم آنکه: در روایتی که نام یاران برشمرده شده است نام هیچ زنی وجود ندارد. (۳) در پاسخ این شبهه می توان گفت: این چند نفر در زمره همان سیصد و سیزده نفر هستند. زیرا اولاً امام (ع) می فرماید: (ع) فیهم؟ یعنی در این عده پنجاه زن می باشد. دوم: شاید تعبیر مردان بدین سبب باشد که بیشتر این افراد مرد هستند و این کلمه از باب فزونی عدد مردان، چنین ذکر شده است. سوم: اگر مقصود همراهی خارج از این عده بود که امام می فرمود: (ع) معهم... نه اینکه بفرماید فیهم، زیرا این سیصد و سیزده نفر مانند عدد اصحاب بدر برشمرده شده اند و همه یاران و فرماندهان عالی رتبه و از نظر مقام و قدرت در حد بسیار بالایی هستند که برخی با ابر جابه جا می شوند و این ها بدون شک با بقیه مردم آن زمان فرق بسیار دارند. بنابراین اگر بگوییم آن ها جزو همان سیصد و سیزده نفر هستند برای آن ها رتبه و موقعیت ویژه قائل شده ایم و اگر بگوییم در زمره یاران دیگر حضرت باشند از امتیاز کمتری برخوردارند. ب) زنان آسمانی: دسته دوم چهارصد بانوی برگزیده هستند که خداوند برای حکومت جهانی حضرت ولی عصر (ع) در آسمان ذخیره کرده است و با ظهور آن حضرت به همراه حضرت عیسی (ع) به زمین می آیند. ابوهیره از پیامبر (ص) روایت کرده که: عیسی بن مریم (ع) به همراه هشتصد مرد و چهارصد زن از بهترین و شایسته ترین افراد روی زمین فرود خواهد آمد. آیا این زنان از امت های پیشین هستند یا امت اسلامی زمان پیامبر (ص) و معصومین (ع) یا از دوران های مختلف؟ آن ها از چه زمان و به چه علت به آسمان برده شده اند و برای عهده داری منصبی در حکومت حضرت می آیند یا برای مسایل دیگر؟ این ها پرسش هایی است که این حدیث از آن ها چیزی نمی گوید. ج) رجعت زنان: سومین گروه از یاوران حضرت بقیه الله (ع) زنانی هستند که خداوند به برکت ظهور امام زمان آن ها را زنده خواهد کرد و بار دیگر به دنیا رجعت خواهند نمود. این گروه دو دسته اند: برخی با نام

ونشان از زنده شدن شان خبر داده شده و برخی دیگر فقط از آمدن شان سخن به میان آمده است. در منابع معتبر اسلامی نام سیزده زن یاد می شود که به هنگام ظهور قائم آل محمد (ع) زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت. طبری در دلائل الامامة، از مفضل بن عمر نقل کرده که امام صادق (ع) فرمود: همراه قائم آل محمد (ع) سیزده زن خواهند بود. گفتم آن ها را برای چه کاری می خواهد؟ فرمود: به مداوای مجروحان پرداخته، سرپرستی بیماران را به عهده خواهند گرفت. عرض کردم: نام آن ها را بفرمایید. فرمود: قنواء دختر رشید هجری، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه مادر عمار یاسر زبیده ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه، ام خالد جهنیه. (۴) این گروه سیزده نفری رجعت خواهند کرد و خداوند برای قدردانی از آن ها، به برکت امام زمان آن ها را زنده خواهد کرد. در این روایت امام صادق (ع) از سیزده زن فقط نام نه نفر را یاد می کند. در کتاب خصایص فاطمیه به نام نسبی، دختر کعبه مازینه، و در کتاب منتخب البصائر به نام وتیره و "احشیه" اشاره شده است. (د) بانوان منتظر: چهارمین گروه یاوران امام زمان (ع) بانوان پرهیزکاری هستند که پیش از ظهور حضرت بقیه الله (ع) رحلت کرده اند. به ایشان گفته می شود: امام تو ظاهر گشته است، اگر مایلی می توانی حضور داشته باشی. آنان نیز به اراده پروردگار زنده خواهند شد. رجعت زنان مربوط به گروه خاصی نیست و هر بانویی خود را با خواسته ها و شرایط زندگی در حکومت مهدی آل محمد (ع) تطبیق دهد، ممکن است در آینده از رحمت خداوندی بهره مند گشته، برای یاری امام زنده شود. یکی از آن شرایط خواندن دعای عهد است که در فرد، نوعی آمادگی برای پذیرش حکومت آخرین ذخیره الهی ایجاد می کند. (۵) ۱. معجم احادیث الامام المهدی ج ۱ ص ۲۵۰۰. همان ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۲۳. ۴. دلائل الکافی الامامة ص ۳۱۴. ۵. نشریه موعود شماره ۲۷ ص ۷۵.

مرکز بیت المال در عصر ظهور

در روایات، محل زندگی، مرکز بیت المال و محل تقسیم غنائم جنگی در زمان حضرت مهدی (ع)، مسجد سهله ذکر شده است (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۱.

مرکز قضاوت حضرت

در روایات، مرکز قضاوت حضرت مهدی (ع)، مسجد اعظم کوفه ذکر شده است (۱) ۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۱ الزام الناصب ص ۲۱۷ ینا بیع الموده ج ۳ ص ۶۶

جزیه

ابوبصیر از امام صادق (ع) پرسید: امام زمان (ع) با اهل ذمه چه خواهد کرد؟ فرمود: مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان پیمان می بندد، آنان هم با کمال خضوع، با دست خودشان جریه می پردازند. (۱) جزیه، مالیاتی است که از اهل ذمه یهود، نصاری و مجوس با در نظر گرفتن توانا و ناتوان بودن آن ها، گرفته می شود و در مقابل، از حمایت قانون برخوردار می شوند و مانند یک فرد مسلمان در پناه اسلام، آزاد زندگی می کنند، و آن مثل زکات و خراج و مالیات و غیره است که از مسلمانان گرفته می شود در این حکم، اجحاف و ظلمی نیست و هر دولت برای اداره مملکت، از وصول مالیات ناگزیر است در اسلام، آن چه از اهل کتاب دریافت می شود به نام جزیه و آن چه از مسلمین اخذ می گردد به نام زکات و غیره خوانده شده است. پس از فتح مکه و در آمدن مردم فوج فوج به دین اسلام و سیطره مسلمانان به نحو کامل بر جزیره العرب، خداوند پیغمبرش را به نبرد با اهل کتاب از یهود و نصاری امر فرمود: قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله من الذین اتوا الکتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون (۲) با اهل

کتاب که به ایمان به خدا و روز واپسین تن نداده و آن چه را که خدا و رسول حرام کرده ، حرام ندانند و به دین حق نگرایند ، بجنگید تا گامی که به دست خود ، به حالت خواری و ذلت جزیه پردازند . ابن کثیر گفته : این آیه در سال نهم هجرت ، نازل گردید و تا آن روز پیغمبر (ص) از اهل کتاب جزیه نگرفته بود . و چون این آیه فرود آمد ، آن حضرت از نصاری نجران و مجوس هجر و سپس از اهل ایله و اذرح و مردم اذرعات و جز آن ها از قبایل نصاری که در اطراف جزیره العرب سکونت داشتند ، جزیه گرفت . (۳) ۱ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶ و ۳۸۱ . ۲ . سوره توبه ، ۲۹ . ۳ . معارف و معاریف ج ۴ ص ۱۴۳ .

مرکز قضاوت حضرت

در روایات ، مرکز قضاوت حضرت مهدی (ع) مسجد اعظم کوفه ذکر شده است (۱) ۱ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۱ الزام الناصب ص ۲۱۷ ینا بیع الموده ج ۳ ص ۶۶

داوری حضرت

داوری ائمه معصومین (ع) در میان کلیمیان با توراتشان ، و در میان مسیحیان با انجیلشان است و این به معنای به رسمیت شناختن یهودیت و مسیحیت پس از آمدن اسلام نیست ، بلکه از نظر اسلام ، دین انحصار به اسلام دارد و هر کس با آیینی جز اسلام به خداوند تقرب کند از او پذیرفته نخواهد شد ، لکن حضرت مهدی (ع) برای اتمام حجت و رفع عذر ، با پیروان همه ادیان ، با کتاب های آسمانی خودشان بحث و محاجه می کند و نویدهای موجود در کتاب های هر آیینی را که از آمدن آن مصلح جهانی خبر داده اند به آن ها یاد آوری می کند . هر کس ایمان بیارد از او می گذرد و هر کس پس از شناخت حق و اثبات حقیقت بر کفر والحاد خود اصرار بورزد ، به سزای خود می رسد . امام باقر (ع) می فرمایند : چون قائم ما قیام کند در میان اهل تورات با تورات ، در میان اهل انجیل با انجیل ، در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن داوری می کند . ثروت های روی زمین و گنج های درون آن از تمام نقاط جهان به سوی او گرد می آید . (۱) امام صادق (ع) می فرمایند : چون قائم آل محمد (ع) فرمانروا شود ، در میان مردم به حکم حضرت داود (ع) داوری می کند و نیازی به شاهد و گواه نخواهد داشت . در هر موردی ، خداوند حکم واقعی را به او الهام می کند و او بر اساس علم خود قضاوت می نماید . (۲) حکم داودی این گونه است که داور به علم خود داری کند و مطالبه شاهد نکند و هنگامی که به داور از طرف خداوند چنین علم قطعی داده شود و مصونیت او از لغزش ، از طرف خداوند بیمه شود ، هیچ مانعی ندارد و جای شگفت نیست زیرا امام باقر (ع) فرمایند : خدای تبارک و تعالی برتر والایتر از آن است که اطاعت بنده ای را بر همگان واجب کند ، ولی چیزی از دانش های زمین و آسمان ها را از او پوشیده بدارد . (۳) امام باقر (ع) فرمود : حضرت قائم (ع) احکام و قضاوت هایی دارد که حتی برخی از یاران و کسانی که در رکابش شمشیرها زده اند ، به آن احکام اعتراض می کنند و آن قضاوت حضرت آدم است و حضرت نیز گردن معترضان را می زند . سپس به روش دیگری قضاوت می کند که قضاوت حضرت داود (ع) است ، ولی گروه دیگری از یارانش اعتراض می کنند و حضرت گردن آنان را نیز می زند . برای بار سوم ، حضرت به شیوه حضرت ابراهیم (ع) قضاوت می کند و باز هم گروهی از یارانش که در رکابش شمشیر زده اند اعتراض می کنند و حضرت آنان را نیز اعدام می کند . آن گاه حضرت به روش محمد (ص) رفتار می کند و دیگر کسی بر حضرت اعتراض نمی کند . (۴) ۱ . بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۹ غیبه نعمانی ص ۱۲۴ . ۲ . ارشاد مفید ص ۳۴۴ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۹ و ۳۳۹ . ۳ . اصول کافی ج ۱ ص ۲۶۲ . ۴ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۹ اثبات الهداء ج ۳ ، ص ۵۸۵ .

مدت حکومت حضرت

در این که مدت حکومت حضرت مهدی چند سال است، دقیقاً روشن نیست. آن چه مسلم است، مدت حکومت و حاکمیت مهدی باید به اندازه ای باشد که پایه های ظلم و ستمگری ویران گردد و بر جای آن، بنیاد عدل و داد استوار گردد. بدون تردید، این مسأله اساسی، زمان می طلبد و فرصت می خواهد. و بنا نیست که همه امور را آن حضرت بر اساس معجزه و روش غیر عادی به پیش ببرد. بنابراین عقل و شواهد دیگری اقتضا می کند که آن حضرت مدتی طولانی حیات داشته باشد تا بتواند در این دنیای گسترده، تحوّل میانه جانیه و فراگیر ایجاد کند. (۱) روایات وارده در مدت حکومت حضرت، گوناگون است: پنج، بیست، سی و چهل سال، در منابع اهل سنت. (۲) نوزده، بیست، سیصد و نه سال، در منابع شیعی. (۳) امام باقر فرمود: قائم، مدت ۳۰۹ سال حکومت می کند، به تعداد سال هایی که اصحاب کهف در کهف درنگ کردند. (۴) امام صادق نیز می فرماید: هفت سال بدین منوال می گذرد، ولی شب ها و روزهای طولانی می شود و هر سال آن با ده سال از سال های شما برابری می کند و بدین گونه مدت حکومت او با هفتاد سال از سال های شما برابر می باشد و آن گاه خداوند هر چه اراده کند، انجام میدهد. (۵) و در برخی روایات استشهاد شده به روزهای طولانی رستاخیز که در قرآن کریم، هر روز آن معادل پنجاه هزار سال از سال های دنیا شمرده شده است. ۱. سنن ابی داوود ج ۴ ص ۱۱۶. ۲. بحار الانوار ج ۵۴ ص ۲۸۰ اعلام الوری ص ۴۳۴ غیبه طوس ص ۴۷۱. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۹۱ غیبه نعمانی ص ۴۰۱۸۱. ۴. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۳ ارشاد ص ۳۴۲ المحجّة البيضاء ج ۴ ص ۳۳۷.

پایان حکومت حضرت

امام صادق (ع) می فرماید: دولت او آخرین و بهترین دولت هاست، پس از پایان همه دولت ها می آید. هیچ خاندانی نیست که حکومتی برای آن تصور باشد، جز این که پیش از او به حکومت می رسد، تا هنگامی که ما به قدرت رسیدیم کسی نگوید که اگر ما نیز به قدرت رسیدیم، این چنین رفتار می کردیم و این است معنای کلام خدا که فرمود: و العاقبة للمتقين (۱) در حدیث دیگری از حضرتش آمده است: میان وفات قائم و آغاز رستاخیز چهل روز فاصله است. (۲) در مورد روزهای پس از شهادت حضرت مهدی (ع) امام صادق (ع) آورده است: در توبه بسته می شود و به کسی که پیش از آن ایمان نیاورده باشد و در ایمانش خیری کسب نکرده باشد، دیگر ایمان آوردن سودی نمی بخشد. آن ها بدترین مردمان هستند. (۳) همچنین حضرتش می فرماید: پایان یافتن سلطنت او از نشانه های رستاخیز است، چنان که قرآن کریم می فرماید: وانه لعلم للساعة (۴) یعنی او هشدار و نشانه رستاخیز است. (۵) ۱. ارشاد مفید ص ۳۴۴ المحجّة البيضاء ج ۴ ص ۳۳۶. ۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۴۵ ارشاد مفید ص ۳۳۴. ۳. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۴۷. ۴. سوره زخرف ۵۶۱. ۵. ینابيع الموده ج ۳ ص ۱۳۶.

کتاب جدید

در تعدادی از روایات از احکام جدید، قضاوت های حضرت مهدی (ع) و اصطلاحاتی که حضرت انجام می دهد، به کتاب جدید، تعبیر شده است (۱) آیین جدید کتاب حضرت در حدیثی از امام جواد (ع) آمده است که: کتاب مهر کرده ای با حضرت است که تعداد یارانش با نام، شهر، نوع نژاد، مشخصات و کنیه آنان در آن نوشته شده است. (۲) از امام صادق (ع) نیز روایت شده که فرمود: هر یک از ما امامان صحیفه ای داریم که شرح وظائف مان تا آخر عمر در آن نوشته است. (۳) امام باقر (ع) می فرماید: رسول اکرم (ص) در میان امتش به نرمش و ملاطفت مأمور بود. . . . ولی قائم با منطق شمشیر سخن می گوید و از آن ها مطالبه توبه نمی کند. . . . او در کتابی که نزد اوست، به چنین شیوه ای مأمور است. (۴) ۱. چشم اندازی به حکومت مهدی عجل نجم الدین طوسی ص ۲۰۱۴۹. ۲. عیون اخبار الرضا ج ۱ ص ۵۹ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۰. ۳. معارف و معاریف

ج ۶ ص ۶۵۶ . غیبیه نعمانی ص ۲۱ منتخب الاثر ص ۳۰۲ .

جهانی سازی حضرت

تمام پیامبران الهی ، به دنبال محقق کردن هدف واحدی بودند ، همان هدفی که همه دسته ها و گروه ها و جمعیت های بشری را یکجا زیر پرچم پرافتخار مهدی منتظر (ع) جمع می کند . خداوند تعالی در قرآن کریم می فرماید : ، هُوَ الَّذِي ارْسَل رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَوَدَّيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۱) او همان کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق ارسال کرد ، تا علی رغم میل مشرکان آن را بر تمام ادیان حاکم گرداند . امام هفتم (ع) ذیل این آیه فرمودند : هنگام قیام مهدی (ع) است که اسلام را بر تمامی ادیان حاکم می گرداند . (۲) اولین گام برای تحقق دهکده جهانی و جامعه احد بشری ، ایمان آوردن تمام ادیان و پیران آن ها به حضرت مهدی (ع) و جمع شدن آن ها زیر پرچمش است چرا که دعوت به اتحاد جهان وجهانیان امری تازه نیست و در تمام ادیان آسمانی و قدیمی می توان مسأله ای مرتبط با آن را یافت و ریشه تفکر اتحاد بشریت را باید در دین ادیان جستجو کرد . و در ثانی حقیقت همه ادیان ، دعوت جوامع و ملت های بشری به همبستگی و اتحاد زیر پرچم ایمان به خدایی واحد بوده است ، آفریننده ای بی همتا و ارزش ها و باورها و مسلمات مشترکی که رفتار و منش انسانی را در تمام جهان مستحکم کند . به همین جهت است که تمام ادیان ، توقع و انتظار ظهور مهدی (ع) را دارند ، و آن زمان که ظهور کند با علائم و نشانه هایی که به راحتی شک را از آن ها برطرف می کند به شخص او ایمان می آورند . آری ، به همراه او عیسی بن مریم (ع) ، خروج می کند و پشت سر حضرتش نماز می خواند . از امام باقر (ع) نقل شده است : وقتی حضرت مهدی (ع) قیام کند ، پرچم رسول خدا ، انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی را ظاهر می کند . (۳) باز از ایشان نقل کرده اند که : وقتی که ده هزار نفر نزد او جمع می شوند ، هیچ یهودی و مسیحی و هر که غیر خدا را می پرستد باقی نمی ماند ، جز آنکه به او ایمان می آورد و تصدیقش می کند و یگانه امت ، امت اسلامی می شود (۴) و همچنین : مهدی (ع) را به این دلیل ، مهدی نامیده اند که به امری مخفی هدایت می کند و تورات و انجیل را از زمینی که به آن انطاکیه گویند ، در می آورد . (۵) حضرت مهدی (ع) در خلال ارتباطات جهانی و توانایی و قدرتش بر یکی کردن روش ها و منش ها در تمام نقاط جهان ، جهانی کردن خویش را به ظهور می رساند . حضرت صادق (ع) در مورد ندای آسمانی فرمودند : هر قومی به زبان خویش آن صدا و ندا را می شنود (۶) و این در حالی است که زبان ، یکی از مشکل ترین و جدی ترین موانع و سدها در مسیر ارتباطات بشری است که از گفت و گوها و ایجاد ارتباطات متقابل ممانعت به عمل آورده و آن ها را به جدایی و تفرقه و گوشه نشینی سوق می دهد . جهان بشری که از بحران ها ضربه های فراوان خورده است در مسیر جهانی شدن به سمت مخالف تحقق سعادت بشری سیر می کند ، حال آن که بشریت آرزویش عدالت است که از درد فراقش همواره به خود پیچیده است . درخت صبر و تحمل بشریت در این راستا آن زمان که آن امام منتظر ، پرچم عدالتش را بر سر ظلم و ستم می کوبد به گل خواهد نشست . امام باقر (ع) فرمودند : هرگاه قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان خدای کشد و با آن عقل های شان را کامل می کند . (۷) پس از تحقق عدالت ، امنیت گسترش می یابد ، جرم و خلاف کاری ها پنهان و ناپیدا می گردد . امام باقر (ع) درباره امنیت و امان در زمان حضرت مهدی (ع) می فرماید : پیرزنی ضعیف و ناتوان از شرق به سمت غرب جهان می رود و احدی او را اذیت و آزار نمی کند . (۸) با از بین بردن مرزها و حدود جغرافیایی ، حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) تکامل می یابد و موانعی که به دست خود بشر ساخته شده برداشته می شود و او به منتهای آرزو و خواسته اش که آزادی در عمل و تحریک زندگی و حیاتش می باشد ، می رسد . زمین است که وطن هر انسان در عصر حضرت مهدی (ع) می شود . امام صادق (ع) فرمودند : مؤمن در زمان قائم ، چنان می شود که شخصی که در شرق است برادرش را در غرب می بیند و او هم همین طور . (۹) جامعه بشری به وحدت واقعی که جنگ ها ، نابسامانی ها ، بحران ها

و مشکلات را ریشه کن سازد، دست نخواهد یافت مگر این که به مسائل اساسی و عوامل واقعی که جمعیت بشری را می تواند جمع کند، نظر بیفکند. و شکی نیست که مسائل مادی جز عاملی برای ایجاد اختلاف و جنگ و بهره کشی از همدیگر نیست. در حالی که عقل و فطرت عاملی هستند که بشریت را به اصل خویش هدایت می کنند و رسیدن به حقیقت وجودی جز با یک رهبری واقعی همانند تکامل عقلی و بازگشت به فطرت و تبری جستن از موانع کشنده ناشی از خودپرستی ممکن نیست که آن هم عصر عدالت، آزادی، امنیت و سعادت یعنی عصر امام منتظر حضرت مهدی (ع) است. (۱۰) ۱. سوره توبه ۳۳. ۲. منتخب الاثر ج ۲ ص ۳۵. ۳. غیبه نعمانی ص ۲۳۸. ۴. نور الابصار باب ۲ ص ۱۵۵ به نقل از: امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ترجمه دکتر فریدونی ۵۸۷. ۵. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ترجمه دکتر فریدونی ص ۵۸۸ به نقل از عقد الدرر. ۶. همان ص ۴۴۱ به نقل از: بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۵. ۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶. ۸. منابع الموده ص ۴۲۳. ۹. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور ص ۵۳. ۶ به نقل از: حق الیقین. ۱۰. نشریه موعود شماره ۳۳ ص ۴۹

بهداشت در عصر ظهور

شکوفایی دانش، به ویژه علم بهداشت و درمان در عصر حکومت حضرت مهدی و بهره گیری از آن برای گسترش بهداشت در جامعه و پیدایش آرامش روانی و تأمین بهداشت روحی و نیز گسترش کشاورزی و دامداری و تأمین تغذیه مطلوب، از جمله عواملی است که بهداشت را در عصر حضرت، به حد ایده ال می رساند و چنان می شود که وضعیت جسمی مردم دگرگون می گردد و عمر آنان طولانی می شود. رسول خدا فرمود: هنگامی که عیسی از آسمان فرود آمد و دخال را کشت... تا چهل سال زندگی برابر و آسوده ای خواهید داشت و در این مدت، نه کسی می میرد و نه بیمار می شود. (۱) شاید منظور از این سخن، آن باشد که مرگ ها و بیماری هایی که پیش از ظهور حضرت گسترش یافته، در دوران حضرت به اندازه ای اندک و ناچیز است که می توان آن را در حکم عدم دانست، و شاید معنای ظاهری آن مراد باشد. امام حسین (ع) درباره حکومت حضرت مهدی (ع) می فرماید: هیچ نابینا، زمین گیر و دردمندی بر روی زمین نمی ماند، مگر آن که خداوند درد او را برطرف می سازد (۲) و امام صادق (ع) نیز فرمود: هنگامی که قائم قیام کند، خداوند بیماری ها را از مؤمنان دور می سازد و تندرستی را به آنان باز می گرداند. (۳) نیز امام باقر (ع) درباره بهداشت محیط زیست در حکومت حضرت مهدی (ع) می فرماید: هنگامی که قائم ماقیام کند... چاه های فاضلاب و ناودان هایی را که در مسیر راه هاست، از بین می برد (۴) ۱. ملاحم ابن طاووس ص ۹۷. ۲. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۶۲. ۳. غیبه نعمانی ص ۳۱۷ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۴ اثبات الهداه ج ۳ ص ۴۹۳. ارشاد مفید ص ۳۶۵ غیبه طوسی ص ۲۸۳ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۳.

امنیت پس از ظهور

در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی (ع) شرایط نا امنی بر جهان چیره است، یکی از بنیادی ترین کارهای حضرت، بازگرداندن امنیت به جامعه است. در حکومت حضرت مهدی (ع) با برنامه ریزی دقیقی که انجام می شود، در مدت کوتاهی امنیت در همه زمینه ها به جامعه باز می گردد و مردم در محیطی پر از امنیت به زندگی خود ادامه می دهند امنیتی که بشر در هیچ روزگاری مانند آن را ندیده است. راه ها به گونه ای امن می شود که زنان جوان از جایی به جای دیگر، بدون همراه داشتن محرمی، سفر می کنند و از هر گونه تعرض و سوء نظر در امان هستند (۱) مردم در امنیت کامل قضایی به سر می برند، به گونه ای که دیگر کسی از این که ممکن است حش پامال شود، کوچک ترین بیمی ندارد. (۲) برنامه ها و قوانین به گونه ای طرح ریزی و اجرا می شود که مردم، خود را در امنیت کامل مالی و جانی می بینند. دزدی از جامعه رخت برمی بندد و امنیت مالی تا

جایی فراگیر می شود که اگر کسی دست در جیب دیگری ببرد ، هرگز احتمال دزدی داده نمی شود و کار او توجیه می گردد . چنان نا امنی ، جایش را به امنیت می دهد که حیوانات و جانداران را نیز در بر می گیرد به گونه ای که گوسفند و گرگ در کنار هم زندگی می کنند (۳) و کودکان با عقرب و گزندگان هم بازی می شوند ، بدون این که آسیبی ببینند . (۴) امیرالمؤمنین (ع) فرمود : ... در آن زمان ، گرگ و گوسفند در یک مکان می چرخند . کودکان با مارها و عقرب ها بازی می کنند و آسیبی نمی بینند ، شر و بدی از میان می رود و خیر و خوبی می ماند ... مردم به اطاعت و عبادت رو می آورند . دین و آیین رونق می یابد . امانت ها رعایت می شود ، درختان پرثمر می شود و برکت ها بسیار می گردد ، اشرار به هلاکت می رسند . نیکان می مانند و از دشمنان اهل بیت کسی باقی نمی ماند . (۵) ۱ . ملا-حم ابن طاووس ص ۶۹ عقد الدرر ص ۱۵۱ فتن ابن حماد ص ۹۸ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۲۲۴ . ملا حم ابن طاووس ص ۱۵۲ . ۴ . همان . ۵ . عقد الدرر ص ۲۱۱ .

تالیف قلوب

به معنای جمع کردن دل ها و متحد ساختن قلب هاست بیشتر مردم یکی از دو حال را دارند ، یا صلاح واقعی خود را تشخیص نمی دهند ، لذا به اموری که به ضرر آن ها است تن می دهند و یا اینکه مصلحت را تشخیص می دهند ، ولی به خاطر منافع دنیوی به آن رضایت ندارند . یگانه کسی که بین آیین دو حالت را جمع می کند و اتحاد می بخشد ، امام عصر (ع) است لذا در دعای ندبه می خوانیم : این مؤلف این مؤلف شامل الصلاح و الرض کجاست آن که میان پراکندگی ، صلاح و رضا را جمع کند و در دعای امیر المومنین (ع) در باره آن حضرت آمده : و پراکندگی امت را با او جمع فرما و در حدیثی آمده : به وسیله او میان دل های مختلف و پراکنده ، الفت و اتحاد داده می شود (۱) و از امام صادق (ع) روایت شده که : خداوند به وسیله آن حضرت بین دل های پراکنده و مخالف یکدیگر ، ائتلاف می بخشد ، ۱ . مکیال المکارم ج ۱ ص ۸۱ .

اقلیت ها در حکومت حضرت

در حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) حقوق تمام اقلیت ها به طور کامل مراعات خواهد شد . اهل کتاب و کسانی که شبهه کتاب دارند ، خواهند توانست با انعقاد پیمان ذمه و کسب تابعیت ، در قلمرو حکومت اسلامی ازادانه زندگی کنند و از حقوق انسانی خود بهره مند گردند . ابوبصیر طی سؤالات گوناگونی از امام صادق (ع) پرسید : امام زمان (ع) با اهل ذمه چه خواهد کرد ؟ فرمود : مانند پیامبر اکرم (ص) با آنان ییمان می بندد . آنان هم با کمال خضوع ، با دست خودشان جزیه می پردازند (۱) امام باقر (ع) فرمود : وقتی که قائم اهل بیت قیام کرد ، تورات و سایر کتاب های آسمانی را از غاری که در انطاکیه واقع شده ، استخراج می نماید . بین اهل تورات با تورات ، بین اهل انجیل با انجیل ، بین اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن قضاوت خواهد کرد . (۲) بدین ترتیب اهل ذمه در دولت مهدی از نظر قضایی کاملاً آزاد خواهند بود و در منازعات و اختلافات مخصوص خود ، خواهند توانست به دادگاه های خود مراجعه کنند و اگر خودشان دادگاه ویژه نداشته باشند و یا با افراد مسلمان اختلاف و نزاعی پیدا کردند ، با کمال اطمینان به حاکم مسلمین مراجعه نمایند . همین خوش رفتاری و مسالمت مسلمانان با اقلیت های مذهبی در دولت مهدی ، سبب خواهد شد که اقلیت های مذهبی ، به خصوص یهود و نصاری تا پایان در جهان خواهند ماند . ظاهر آیاتی از قرآن و مِنَ الَّذِينَ قالوا اِنَّا نَصَارَى ... (۳) و قالت اليهودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُوهٌ . ، (۴) دلالت دارند که آیین یهود و نصاری تا قیامت و در عصر دولت مهدی (ع) نیز باقی خواهد ماند ، ولیکن در مقابل این آیات و روایات ، احادیث دیگری هم وجود دارد که دلالت می کنند که در دولت مهدی (ع) غیر از مسلمانان ، احدی روی زمین باقی نخواهد ماند . آن حضرت دین اسلام را بر اهل کتاب ، عرضه می دارد و اگر نپذیرفتند ، کشته می شوند . (۵) و چون این روایات ، علاوه بر ضعف سند ، مخالف قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) و اصول مسلم

اسلام است، از درجه اعتبار ساقط می باشد. (۶) پس اقلیت های مذهبی در عصر حضرت مهدی (ع) باقی خواهند ماند و شرائط ذمه را خواهند پذیرفت و تحت الحمايه حکومت اسلامی، آزادانه زندگی خواهند کرد. دولت های باطل همه سقوط می کنند و همه قدرت و حکومت جهان، به دست مسلمانان می افتد و دین اسلام، بر تمام ادیان غالب می گردد و بانگ توحید از همه جا بلند می شود (۷) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶ و ۳۸۱. ۲. غیبه نعمانی ص ۱۲۵ به نقل از آخرین امید ص ۲۹۹. ۳. سوره مائده ۴۱۴. سوره مائده ۶۴. بحار الانوار ج ۲ ص ۳۴۰ و ۳۹۰. ۶. آخرین امید داود الهامی ص ۳۰۰. ۷. همان

دانش در عصر ظهور

روایات، جهان را در روزگار امام عصر (ع)، جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می کند. فرق اساسی پیشرفت در روزگار حضرت مهدی (ع) با جهان کنونی در این است که در آن زمان، بشر در عین این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می رسد، به همان اندازه به تعالی اخلاق و کمال انسانی نزدیک می گردد. دانش و علمی که امام عصر (ع) بر روی مردم می گشاید، قابل سنجش با پیشرفتی ائمه بشر از نظر علمی داشته است، نیست و مردم نیز استقبال بیشتری به فراگیری دانش نشان خواهند داد تا جایی که حتی زنان جوان که هنوز سنی از آنان نگذشته است آن چنان به کتاب خدا و مبانی مذهب آشنا می شوند که به؛ آسانی، حکم خدا را از قرآن کریم استخراج می کنند (۱) روایاتی که درباره پیشرفت صنعت در عصر ظهور آمده است، نمایانگر دگرگونی شگرفی در این زمینه است مانند روایاتی که می گوید: شخصی در مشرق برادرش را در مغرب می بیند (۲) حضرت را به هنگام سخنرانی، همه جهانیان می بینند (۳) یاران حضرت از فاصله دور با هم سخن می گویند و سخن یکدیگر را می شنوند (۴) چوب تعلیمی و بند کفش با انسان سخن می گویند (۵) اشیای درون خانه و دیوارهای خانه به انسان گزارش می دهند (۶) برای مسافرت، در یک چشم به هم زدن به مقصد خود می رسند (۷) و نمونه های بسیاری که هر چند برخی از آن ها شاید اشاره به اعجاز داشته باشد، ولی با توجه به همه روایات، آن دگرگونی را می توان دریافت. حکومت آن حضرت باعث رشد و تکامل خردها و اخلاق است. در نظام الهی مهدی (ع)، بشریت به نهایت بلوغ خود می رسد و اخلاق، اندیشه، آرزو و... رنگ کمال به خود می گیرد. امام صادق (ع) فرمود: علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه آن چه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف، آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ماقیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده، آن را میان مردم نشر و گسترش می دهد. (۸) از این روایت استفاده می شود که بشر هر چه از نظر علم و دانش پیشرفت کند، در روزگار حضرت مهدی (ع) به یک باره، بیش از دوازده برابر رشد و گسترش می یابد. (۹) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۳۵۲. همان ص ۱۳۹. ۳. کافی ج ۸ ص ۲۴۰ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۴۳۳۶. همان. ۵. مسند احمد، ج ۳، ص ۸۹ فردوس الاخبار ج ۵ ص ۹۸. ۶. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۶۵ غیبه نعمانی ص ۳۱۹. ۷. احقاق الحق ج ۱۳ ص ۳۵۱ فردوس الاخبار ج ۲ ص ۴۴۹. ۸. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۳۲۶ خرائج ج ۲ ص ۸۴۱. ۹. چشم اندازی به حکومت مهدی (ع) نجم الدین طوسی، ص ۱۷۸.

شیعه در عصر ظهور

شیعیان در عصر ظهور حضرت مهدی (ع) در طلیعه یاران او هستند و در عصر ظهور به اوج اقتدار و شکوه خواهند رسید. امام صادق (ع) فرمود: شیعیان ما در حکومت قائم (ع) سروران و زمامداران زمین، و فرمانروایان آن هستند و به هر کدام، قدرت و نیروی چهل قهرمان داده می شود. (۱) و نیز فرمود: خداوند خوف و ترس را از قلب شیعیان ما برکنده و آن را در قلب دشمنان ما جای می دهد. از این رو هر کدام از آنان برنده تر از نیزه و پرشهامت تر از شیرند. دشمنان را با سرنیزه خویش زخم کاری می زنند

و به وسیله شمشیر از پای درمی آورند و پایمال می سازند . (۲) در روایات است : هنگامی که قائم (ع) قیام کند ، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما ، گسترده گی و کشش ویژه ای می بخشد تا میان آنان و مهدی ما ، واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد . (۳) یا این که فرموده اند : مؤمن در عصر قائم (ع) در حالی که در مشرق است ، برادر خویش را که در مغرب است می بیند و همان گونه که در مغرب است ، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند . (۴) امام باقر (ع) فرمود : مردم ، مالیات اموال و امکانات خویش را خود به دلخواه و افتخار به سوی دولت مهدی می برند و خداوند بر شیعیان ، چنان وسعت و برکت و رفاه و امکاناتی ارزانی می دارد که اگر حقیقت سعادت و نیکبختی را نمی فهمیدند و به آرزش های اخلاقی آراسته نبودند ، مست امکانات می شدند و به طغیان و تجاوز سر بر می داشتند ، اما آنان به دلیل رشد فکری و تکامل عقلی ، خدای را سپاس می گذارند و به وظایف خویش در نهایت جدیت عمل می کنند . (۵) این روایت نشانگر اوج رشد فکری و تکامل عقلی شیعیان در عصر ظهور است . ۱ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۷۲ معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۴ ص ۲۶ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۳۲ اختصاص مفید ص ۳۸ . کافی ج ۸ ص ۲۴۰ . ۴ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۹۱ معجم احادیث الامام المهدی (ع) ج ۴ ص ۵۰۵۶ . بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۴۵ .

قیامت

ایام الله

در آیه پنجم سوره مبارکه ابراهیم آمده است : ... و ذ کرم بایام الله از امام محمد باقر (ع) روایت است که ایام الله سه روز است : روز قیام قائم (ع) ، روز رجعت و روز قیامت . (۱) این حدیث به همین تعبیر از امام صادق (ع) نیز روایت شده است . (۲) و در تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز آمده که " ایام الله " سه روز است : روز قیام قائم (ع) ، روز مرگ و روز رستاخیز (۳) . ۱ . ینابیع الموده ج ۳ ص ۲۴۲ . المحجّه ص ۲۲۵ . خصال صدوق ص ۱۰۸ تفسیر صافی ج ۴ ص ۲۲۵

چهل روز قبل از قیامت

بیشتر روایات دلالت دارند بر این که حضرت مهدی (ع) ، چهل روز قبل از قیامت از دنیا خواهند رفت و در این چهل روز ، حالت نابسامانی و نشانه های خروج مردگان از قبور و برپایی قیامت برای رسیدگی به حساب خلائق خواهد بود (۱) روایاتی هم داریم به ابن مضمون که زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود ، مگر چهل روز قبل از قیامت (۲) . ۱ . ارشاد مفید ص ۳۶۶ ؛ بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۴۵ . ۲ . کمال الدین ج ۱ ص ۲۲۹ محاسن برقی ص ۲۳۶ .

بوا سیر

نوعی بیماری است که در مقعد یا بینی پدید می آید . (۱) فزونی این بیماری از نشانه های قیامت است . (۲) درباره نشانه های آخر الزمان نیز آمده است که بواسیر ، مرگ ناگهانی و جذام فراوان می شود . (۳) . ۱ . معارف و معاریف ج ۳ ص ۲۲۸۱ . بحارالانوار ج ۶۲ ص ۳۶۶ . ارشاد مفید ص ۳۳۸ اعلام الوری ص ۴۲۸

اشراط الساعه

به معنای (ع) نشانه های برپایی قیامت (ع) است . در منابع روایی ، از برخی نشانه های ظهور ، به عنوان نشانه های برپایی قیامت یاد شده است . مانند : خروج دجال ، آشکار شدن خورشید در ناحیه مغرب ، نزول عیسی (ع) از آسمان و ... پیامبر (ص) می

فرمایند: ده چیز، پیش از برپایی قیامت، ناگزیر رخ خواهد داد: خروج سفیانی و دجال، پیدا شدن دود و چهارپا، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب و فرود آمدن عیسی (ع) از آسمان، فرو رفتن در زمین در ناحیه مشرق و فرو رفتن در منطقه جزیره العرب، آتشی که از انتهای عدن برمی خیزد و مردمان را به سوی صحرای محشر می کشاند (۱) برابر این حدیث، خروج سفیانی و دجال، طلوع خورشید از مغرب و... از نشانه های قیامت است و حال آن که در روایات دیگر، آن ها به روشنی از نشانه های ظهور معرفی شده اند. البته همه این رخدادها که از وقوع آن ها خبر داده شده، چه به عنوان نشانه های ظهور و چه به عنوان نشانه های قیامت، پیش از برپایی قیامت هر چند با فاصله زیاد واقع خواهند شد. با این حساب، آن چه در طول دوره غیبت کبری واقع شود، به طور طبیعی بیش از برپایی قیامت واقع شده و در نتیجه از نشانه های قیامت است (۲) بر این اساس، همه نشانه های ظهور، به گونه ای نشانه های قیامت هم هستند، ولی همه نشانه های قیامت، نشانه های ظهور نمی توانند باشند، زیرا ممکن است برخی از آن ها پس از ظهور حضرت مهدی (ع) واقع شوند. (۳) البته یکی از نشانه های حتمی قیامت، ظهور حضرت مهدی (ع) است. و اما اشراط ساعت در احادیث اهل سنت ده چیز است: خروج دابة الارض، طلوع خورشید از مغرب، نزول حضرت عیسی (ع)، خروج دجال، فتح یاجوج و مأجوج، آتشی که از قعر عدن خارج می شود، دخان، طوفان یا گردباد، خسفی در مشرق، خسفی در مغرب و خسفی در جریره العرب. (۴) در قرآن کریم، تعبیر "اشراط الساعة" فقط یک بار آمده است: فهل ينظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة فقد جاء اشراطها فانی لهم اذا جاءتهم ذكراهم (۵) ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۰۹. ۲. تاریخ الغیبة الکبری ج ۲ ص ۲۴۸. ۳. برترین های فرهنگ مهدویت در مطبوعات ص ۱۹۸. ۴. عقد الدرر ص ۳۲۷ صحیح مسلم ج ۴، ص ۲۲۲۶. ۵. سوره محمد ۱۸.

دابة الارض

از القاب حضرت مهدی (ع) شمرده شده و خروج آن از علائم آخر الزمان است. امیر المومنین (ع) فرمود: آگاه باشید! قسم به خداوند که دابة الارض، انسان است (۱) این واژه، متخذ از آیه و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة من الارض (۲) می باشد. این آیه و سه آیه بعد از آن، از واقعه هولناکی که در آینده به وقوع می پیوندد خبر می دهند. معنی ظاهر آیه این است: هنگامی که مردم مستوجب عذاب شدند و دوران مهلت پایان پذیرفت (جانوری) جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم که با آن ها سخن می گوید که مردم به آیات ما یقین نمی آورند مشهور میان شراح حدیث و اغلب مفسران، این است که دابة الارض از علامات قیامت است، یا نخستین علامت است که کوه صفا منشق می شود در اخبار شیعه، مکرر آمده که دابة الارض از نشانه های قیامت است و امیر المومنین علی (ع) است در بیشتر کتب حدیث اهل سنت آمده که دابة الارض، همان صاحب عصا و میسم آلت نشانگذار است. منظور از عصا، عصای حضرت موسی (ع) است که در دست آن حضرت خواهد بود، و میسم به معنای چیزی است که به وسیله آن بر پیشانی چارپایان داغ می زنند و نشان دار می کنند، چنان که در آخرت، امیر مؤمنان قسیم الجنة و النار هستند، در رجعت نیز دوست و دشمن را از یکدیگر جدا می کنند و بر روی بینی دشمنان مهر باطله می زنند. (۴) در حدیثی آمده که در روز سوم ورود حضرت مهدی (ع) به بیت المقدس، دابة الارض خارج می شود. (۵) از نظر روایات اهلیت عصمت و طهارت هیچ تردیدی نیست که منظور از دابة الارض رجعت وجود مقدس حضرت علی بن ابی طالب (ع) می باشد که احادیث فراوانی در این زمینه به دست ما رسیده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم: امام باقر (ع) از حضرت علی نقل می کنند که فرمود: من تقسیم کننده بهشت و دوزخم، کسی وارد آن ها نمی شود جز بر اساس تقسیم من. من فاروق اکبر. من پیشوای آیندگانم. من گزارشگر گذشتگانم. جز رسول اکرم (ص) کسی بر من پیشی نمی گیرد. او و من در یک صراط مستقیم، جز اینکه این صراط به نام اوست. به من شش فضیلت داده شد: ۱. علم منایا و بلایا و وصایا به من داده شد ۲. سخن فصل جدا

کننده حق و باطل به من عطا شد . ۳ . من صاحب رجعت ها هستم . ۴ . فرمانروائی کل به من عطا شده . ۵ . من صاحب عصا و میسم هستم . ۶ . من دابۀ الارض هستم که با مردم سخن خواهم گفت (۶) امام صادق (ع) می فرماید : روزی رسول اکرم (ص) وارد مسجد شدند و مشاهده کردند که امیر مؤمنان (ع) شن های مسجد را زیر سرش بالش کرده و خوابیده است . با پای مبارک شان او را حرکت دادند و فرمودند : ای دابۀ الارض برخیز . یکی از اصحاب گفت : ای رسول گرامی آیا ما همدیگر را با این نام بخوانیم فرمود : نه ، به خدا سوگند که این نام به او اختصاص دارد . او همان دابۀ الارض است که خدای تبارک و تعالی در کتابش فرموده : چون سخن بر آن ها فرود آید جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم و برای مردم سخن می گوید که مردم به آیات ما باور نمی کردند . سپس خطاب به علی (ع) فرمود ای علی چون آخر الزمان فرا رسد خداوند تو را در زیباترین صورتی ظاهر می سازد و در دست تو میسمی آهنی هست که دشمنانت را با آن علامت می گذاری (۷) رسول اکرم (ص) در وصف دابۀ الارض فرمود : تیز پائی به او نمی رسد ، فرار کننده ای از او فوت نمی شود . مؤمن را نشان مؤمن ، و کافر را نشان کافر می زند . عصای حضرت موسی و انگشتر حضرت سلیمان با اوست . (۸) امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل می کند که در شب معراج گفته شد : ای محمد! علی اول است ، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است علی آخر است ، زیرا او آخرین امامی است که روحش را قبض می کنم . او همان دابۀ است که با مردم سخن می گوید (۹) رسول اکرم (ص) در ضمن حدیث مفصلی می فرماید که دابۀ الارض سه بار ظاهر می شود و هر سه را بیان می فرماید از محضر امیر مؤمنان در مورد " دابۀ الارض " پرسیدند ، فرمود به خدا سوگند ، آن جنبنده ای نیست که دم داشته باشد ، بلکه جنبنده ای است که ریش دارد (۱۰) امیر مؤمنان در ضمن خطبه مفصلی که در مورد " دجال " ایراد فرموده است ، بعد از شرح کشته شدن دجال می فرماید پس از آن طامه کبری است اصحاب پرسیدند : " طامه کبری " چیست ؟ فرمود " خروج دابۀ الارض است که در نزدیکی صفا ظاهر می شود انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست . . . هنگامی که سرمی را بلند می کند همه کسانی که در میان مشرق و مغرب هستند به قدرت الهی او را می بینند . و آن پس از طلوع خورشید از مغرب است که در آن هنگام در توبه بسته می شود (۱۱) از بررسی روایات اهل سنت استفاده می شود که از نظر آن ها نیز ، روایات بسیار مشابه روایات شیعه است ، جز این که به رجعت و به نام مقدس حضرت علی (ع) تصریح نکرده اند ، ولی غالب نشانه ها یکی است . اینک فهرست نشانه ها یکی که در احادیث اهل سنت در مورد " دابۀ الارض " آمده است : ۱ . برای دابۀ الارض سه خروج است (۱۲) اولین نشانه ، طلوع خورشید از مغرب است و خروج دابۀ الارض (۱۳) خروج دابۀ الارض از مسجد الحرام است . (۱۴) . خروج دابۀ الارض از نزدیکی صفا است . (۱۵) . انگشتر حضرت سلیمان و عصای حضرت موسی در دست اوست (۱۶) . سه بار بانگ برمی آورد و همه مردم مشرق و مغرب آن را می شنوند (۱۷) . چون دابۀ الارض خارج شد در توبه بسته می شود . (۱۸) . دابۀ الارض مؤمن و کافر را نشان می گذارد که برای همه شناخته می شوند . (۱۹) . طلوع خورشید از مغرب ملازم خروج دابۀ الارض است ، هر کدام از آن دو جلوتر واقع شود ، آن دیگری به دنبال آن واقع می شود خروج دابۀ الارض یکی از اشراط ساعۀ دهگانه ای است که بیش از قیامت بدون تردید تحقق خواهند یافت . از بررسی احادیث ، به این نتیجه می رسیم که روایات اهل سنت در مورد دابۀ الارض (ع) دقیقاً با روایات شیعه منطبق است جز این که تصریح نکرده اند که منظور از آن مولای متقیان امیر مؤمنان (ع) می باشد (۲۰) . ۱ . نجم الثاقب باب دوم . ۲ . سوره نمل ۸۲ . ۳ . معارف و معاریف ج ۵ ص ۳۱۵ . ۴ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۲۷ . ۵ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۷۵ ؛ الزام الناصب ص ۱۷۷ و ۱۸۰ . ۶ . تفسیر برهان ج ۳ ، ص ۲۰۹ نور الثقلین ج ۴ ص ۹۷ تفسیر صافی ج ۴ ص ۷۵ . ۷ . بحار الانوار ج ۳۹ ص ۲۴۳ تفسیر قمی ص ۴۷۹ تفسیر صافی ج ۴ ص ۶۷۴ نور الثقلین ج ۴ ص ۹۸ ، تفسیر برهان ج ۳ ص ۲۰۹ . ۸ . بحار الانوار ج ۶ ص ۳۰ . ۹ . جمع البیان ، ج ۷ ص ۲۳۴ نور الثقلین ج ۴ ص ۹۸ تفسیر صافی ج ۴ ص ۷۵ . ۹ . بحار الانوار ج ۴۰ ص ۳۸ و بصائر الدرجات ص ۱۵۰ . ۱۰ . نور الثقلین ج ۴ ص ۹۹ مجمع البیان ج ۷ ص ۲۳۴ و بحار الانوار ج ۶ ص ۳۰۰ . ۱۱ . تفسیر تبیان ج ۸ ص ۱۱۹ و نور

الثقلین ج ۴ ص ۹۸ . ۱۲ . بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۴ ؛ تفسیر صافی ج ۴ ص ۷۵ و کمال الدین ج ۲ ص ۵۲۷ . ۱۳ . تفسیر کشاف ج ۳ ص ۳۷۴ عقد الدرر ۳۱۳ و تفسیر الدرر المنثور ج ۵ ص ۱۱۶ . ۱۴ . عقد الدرر ص ۳۱۳ و سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۵۳ . ۱۵ . مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۴ عقد الدرر ص ۳۱۴ و کشاف ج ۳ ص ۳۸۴ . ۱۶ . الدر المنثور ج ۵ ص ۱۱۵ عقد الدرر ص ۳۱۵ و کشاف ج ۳ ص ۳۸۴ . ۱۷ . کشاف ج ۵ ص ۳۸۴ ؛ الدر المنثور ج ۵ ص ۱۱۶ عقد الدرر ص ۳۱۶ و سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۴۰ . ۱۸ . عقد الدرر ص ۳۱۵ و الدر المنثور ج ۵ ص ۱۱۷ . ۱۹ . عقد الدرر ص ۳۱۸ ؛ تفسیر کشاف ج ۳ ص ۳۸۴ و الدرر المنثور ج ۵ ص ۱۱۶ . ۲۰ . رجعت محمد خادمی شیرازی ص ۶۵ .

مخالفان حضرت

مقدس مآب

کسانی هستند که به ظاهر ، خود را به قداست و تقوی آراسته می کنند و از درون به بیماری خود خواهی و خود پسندی دچارند و عوام الناس آن ها را مقدس می پندارند . طبق روایات بیشترین کار شکنی ها علیه حضرت از طرف کسانی است که ادعای موافقت با امام را دارند و خود را از منتظران حضرت (ع) می دانند . اینان ، امام را نه به خاطر پیاده کردن اسلام اصیل ، بلکه برای همراه کردن امام با آرزوهای خود می خواهند . اینان چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند ، با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند که به فرموده امام صادق (ع) : چه بسیار کسانی که ادعای پیروی او را دارند ، ولی پس از ظهور از او رو برمی گردانند (۱) امام باقر (ع) می فرماید : ... حضرت مهدی (ع) به سوی کوفه رهسپار می شود . در آن جا شانزده هزار نفر از بتریه ، مجهز به سلاح در برابر حضرت می ایستند آنان قاریان قرآن و دانشمندان دینی هستند که پیشانی های شان از عبادت بسیار ، پینه بسته ، چهره های آن ها بر اثر شب زنده داری زرد شده و نفاق سراپای شان را پوشانده است . آنان یک صدا فریاد بر می آورند ، ای فرزند فاطمه (ع) از همان راه که آمده ای برگرد ، زیرا به تو نیازی نداریم . حضرت مهدی (ع) در پشت شهر نجف ، از ظهر روز دوشنبه تا شامگاه بر آنان شمشیر می کشد و همه را می کشد (۲) ۱ . میزان الحکمه ج ۱ ص ۲۹۲ . ۲ . غیبه طوسی ص ۲۸۳ اثبات الهداة ج ۳ ص ۵۱۶ بحار الانوار ج ۲ ص ۵۹۸ .

منافقان

از جمله مخالفان حضرت مهدی (ع) هستند . امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۲۵ سوره مبارکه فتح ، لو تزیلوا فرمود : خداوند ، در صلب کافران و منافقان ، امانت هایی از مؤمنان دارد . حضرت قائم ما ظهور نمی کند ، مگر آن که آن امانت ها را خداوند از صلب آنان بیرون می آورد و آن مؤمنان متولد می شوند پس از آن ، حضرت کافران و منافقان را به قتل می رساند و فرمود : هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند ، نیازی ندارد که از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری از شما منافقان ، حد خدا را جاری می کند . (۱) امام حسین (ع) به فرزندش امام سجاد (ع) فرمود : سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی ایستد تا این که خداوند ، مهدی (ع) را برانگیزد . آن حضرت به انتقام خون من ، از منافقان فاسق و کافر ، هفتاد هزار نفر را می کشد . (۲) امام باقر (ع) نیز فرمود : چون قائم قیام کند . . . به کوفه می آید و در آن جا همه منافقان را به قتل می رساند و کاخ های آنان را ویران می کند و با جنگجویان آنان می جنگد و آن قدر از آنان می کشد تا خداوند خشنود گردد (۳) ۱ . غیبه نعمانی ص ۳۴ ۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۳۰ . ۲ . کمال الدین ج ۲ ص ۲۶۱ المحججه ص ۲۰۶ احقاق الحق ج ۱۳ ص ۳۵۷ . ۳ . التهذیب ج ۶ ص ۱۷۲ وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۸۲ .

کندوکاو درباره مخالفان، نشان می دهد سواى مستکبران که در سر لوحه قهر سپاه مهدی (ع) قرار دارند، بیشترین کارشکنی ها از جانب کسانی است که ادعای موافقت با امام دارند و خود را از منتظران حضرت (ع) می دانند. اینان، امام را نه به خاطر پیاده کردن اسلام اصیل، بلکه برای همراه کردن امام با آرزوها و هوس های خود می خواهند. پس از پیوستن به امام، چون کارها را بر وفق مراد خود نمی بینند و ناچارند از منافع نامشروع خود درگذرند، به توجیه اهداف خود روی می آورند و با سلاح دین و مذهب به جنگ امام می روند که به فرموده امام صادق (ع) چه بسیار از کسانی که ادعای پیروی او را دارند، ولی پس از ظهور حضرت، از او روی می گردانند. (۱) این جا به برخی از این افراد یا گروه ها اشاره می کنیم: ۱. راحت طلبان: راحت طلبی ریشه در خودپرستی دارد و خودخواهی منشأ همه مفسد است. جمعی از مسلمانان مکه، پیش از هجرت به مدینه، خدمت پیامبر (ص) رسیده ابراز می داشتند: مورد آزار دشمنانیم، اگر اجازه دهی با دشمنان می جنگیم. پیامبر (ص) فرمود: اکنون مأمور به مبارزه نیستیم. دست نگه دارید. نماز بخوانید و زکات بدهید. پس از هجرت به مدینه و ایجاد آرامش نسبی در آن شهر، پس از آن که دستور جهاد نازل گشت، زبان به اعتراض گشودند که خدایا، چرا فرمان نبرد دادی و آن را مدتی به تأخیر نینداختی. قرآن، ریشه ترس و وحشت آنان را راحت طلبی می شمرد و مردم را نسبت به فرجام آن هشدار می دهد. (۲) امام خمینی (ره) در طرز تفکر راحت طلبان می گوید: می گویند: اگر حضرت صاحب، خودشان مقتضی می دانند، برای جهاد و مبارزه تشریف بیاورند، من که دلم برای اسلام بیشتر از آن حضرت نسوخته است و حضرت هم که این ها را می بیند، خودشان بیایند، چرا من این کار را بکنم. . . . (۳) امام صادق (ع) می فرمایند اگر شما برای یاری ما دعوت شدید، خواهید گفت: ما در تقیه هستیم و نمی توانیم شما را یاری دهیم. . . . (۴) ۲. جمود اندیشان: همیشه ظاهرگرایان از مهم ترین موانع احیای دین و تحولات اجتماعی بوده اند. کسانی که به باطن و روح دین توجه نکرده و افق درک شان فراتر از پوست و قالب را نمی نگرند، لذا موجب می شود که در زمان های حساس، تکلیف را نشناسند و به رویارویی پیامبر و امامان (ع) کشانده شوند. در جریان نزول آیه روزه و نماز مسافر، پیامبر (ص) در سفر، دستور افطار دادند و خود روزه گشودند، ولی گروهی که به خیال مقدس مأبانه خود، هر سختی ثواب دارد، به روزه ادامه دادند. پیامبر با آنان برخورد کرد و به ایشان لقب گناهکار داد (۵) امام صادق (ع) می فرماید: آزردهای که مهدی ما از روی نادانان روزگار خود متحمل می شود، بیش از زحماتی است که به پیامبر از جاهلان زمان خود وارد شده. گفتم: چگونه؟ فرمود: پیامبر در زمانی برانگیخته شد که مردم، سنگ و درخت و چوب می پرستیدند. قائم، آن گاه که قیام کند، مردم علیه او قرآن را تاویل می کنند (۶) ۳ کافران و منافقان: دو چهرگان که آینده خود را در خطر می بینند، با پخش شایعه و همکاری با گروه های معارض، دشمنی خود را آشکار می کنند. در مناطق مرزی، با دشمنان خارجی همدست می شوند و در مرکز خلافت کوفه آشکارا با امام می جنگند. حضرت پس از درهم شکستن مقاومت مخالفان، پیروزمندانه وارد کوفه می شود و منافقان را در ردیف سایر فرقه های منحرف نافرمان از میان بر می دارد. (۷) ۱. میزان الحکمه ری شهری ج ۱ ص ۲۹۲. ۲. تفسیر قمی علی بن ابراهیم قمی ج ۱ ص ۴۴ ذیل آیه ۷۱ سوره نساء ۳. امام و روحانیت، مجموعه دیدگاه ها و سخنان امام درباره روحانیت ص ۲۰۶. ۴. وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۸۳. ۵. تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۶۰۱۶۵. ۶. غیبه نعمانی ص ۷۰۳۲۲. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۸۸

نام روز ظهور

یوم الفتح

تعبیری است از امام صادق (ع) درباره روزی که دنیا به دست حضرت مهدی (ع) فتح می شود

یوم الخلاص

پیامبر گرامی اسلام (ص) روز ظهور حضرت مهدی (ع) را یوم الخلاص نامیده اند. (۱) و بیش از او مسیح (ع) در انجیل از آن روز مسعود به عنوان "یوم الخلاص" تعبیر کرده است. بعد از او، امام جعفر صادق (ع) نیز آن روز خجسته را یوم الخلاص نام نهاده است (۲) کامل سلیمان نیز به عنوان تبرک و تیمن، و به انگیزه پیروی از پیشوایان معصوم (ع) کتاب خود را یوم الخلاص نامیده است (۳) این کتاب ارزشمند را جناب آقای علی اکبر مهدی پور در دو جلد با عنوان "روزگار رهایی" ترجمه کرده است. ۱. بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۱ منتخب الاثر ص ۲۰۴۶۱. روزگار رهایی ج ۱ ص ۵۶۷. همان.

اولین برنامه حضرت

بر طبق پاره ای روایات، نخستین برنامه ای که حضرت آغاز می کند، این است که دست بنی شیشه را قطع می کند و بالای کعبه می آویزد و جارچی آن حضرت ندا می کند: این ها دزدان اموال خدا هستند. (۱) در حدیث دیگری از امام صادق (ع) نخستین برنامه حضرت این گونه آمده است که: در سراسر جهان اعلام می کند: توجه کنید برای هر کس نزد احدی از شیعیان ما قرضی هست تذکر دهد، تا اینکه حتی یک دانه سیر و خردل کوچک را ادا کنند تا چه رسد به طلاها و نقره ها و املاک. (۲) اولین هایی که در اینگونه روایات آمده است یا اول نسبی است نه حقیقی یعنی کارهایی که همان اوائل ظهور انجام می دهد، نسبت به کارهای بعدی و یا مراد از اول، اولیت در بعد خاصی است. مثلاً اولین کار در بعد اجتماعی، دست دزدان را قطع کردن و در بعد اقتصادی مثلاً پرداخت دیون شیعه می باشد. ۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۱. ۲. همان ج ۵۳ ص ۳۴.

پایان تاریخ

انسان با توجه به طبع جستجوگرش، همواره به سرانجام دنیا می اندیشیده است. همه ادیان الهی و بیشتر مکاتب بشری درباره پایان تاریخ اظهار نظر کرده اند. در همه پیشگویی های مربوط به آخرالزمان، خبرهای نگران کننده ای وجود دارد، ولی اغلب بر این امر اتفاق دارند که پایان کار بشر، روشن و امیدوارکننده است. در متون زرتشتی به صراحت از دوره طلایی بشر در پایان جهان یاد شده که به آشوب ها و بلاهای بسیار مسبوق می گردد و با ظهور سوشیانس واپسین منجی محقق می شود. در ادیان ابراهیمی، بیش از آیین ها و مکاتب دیگر بر دوره طلایی بشر در پایان تاریخ، تاکید شده است. در عهد عتیق، برقراری سعادت و عدالت در سراسر جهان پیش بینی شده که به وسیله "ماشیح" محقق می شود. در عهد جدید نیز به این مطلب پرداخته شده است. در مکاشفه یوحنا نیز به برقراری صلح و آرامش جهان در پایان آن اشاره شده است. دیدگاه قرآن نیز درباره سرانجام بشر، خوش بینانه است و در آن، پایان دنیا روشن و سعادت آمیز دانسته شده است.

رجعت

اولین رجعت کننده

نخستین کسی که در جریان رجعت به دنیا باز می گردد، امام حسین (ع) است با ۷۵ هزار تن (۱) امام صادق (ع) فرمود: اولین کسی که به دنیا باز می گردد، امام حسین (ع) و اصحاب با وفای ایشان اند آن گاه یزید و یارانش نیز برمی گردند. امام حسین (ع)

(ع) همه آن‌ها را می‌کشد، دقیقاً برای هر ضربتی یک ضربت می‌زند. (۲) امام صادق (ع) در تفسیر یوم ترجف الراجفه تبعها الراجفه (۳) فرمود: منظور از راجفه امام حسین (ع) و منظور از "رادفه" حضرت علی (ع) است (۴). بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳۹ و ۶۳ و ۱۰۶. تفسیر برهان ج ۴ ص ۱۰۱. ۲. تفسیر صافی ج ۳ ص ۱۷۹ تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۸۲ نور الثقلین ج ۳ ص ۱۴۰. ۳. سوره نازعات ۴. ۶. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۶ تفسیر برهان ج ۴ ص ۴۲۴.

رجعت

در لغت به معنای بازگشت و بازگشتن به دنیا پس از انتقال به جهان دیگر است. و در اصطلاح بدین مفهوم است که امامان خاندان وحی و رسالت (ع) و انبوهی از کسانی که جهان را بدرود گفته‌اند، بار دیگر پس از حضرت مهدی (ع) و پیش از شهادت او به خواست خداوند واراده حکیمانه او، بدین جهان باز می‌گردند. نخستین رجعت کننده، امام حسین (ع) است و پس از ایشان، همه امامان اهل بیت (ع) یکی پس از دیگری رجعت می‌کنند (۱) رجعت، از عقاید مسلم شیعه است و آیات و روایات در این باره، بیش از حد شهرت و تواتر است. در یادداشت‌های مرحوم دهخدا از ظهور حضرت بقیه الله (ع) و از نزول حضرت مسیح (ع) نیز "رجعت" تعبیر شده است (۲) که از نظر معنای لغوی درست است ولی از نظر اصطلاح، صحیح نیست زیرا رجعت در اصطلاح کلامی شیعه، عبارت از بازگشت پس از مرگ است، در حالی که وجود اقدس حضرت صاحب الزمان (ع) در پشت پرده غیبت است و از پرده بیرون می‌آید، و وجود مقدسی حضرت عیسی (ع) در آسمان هاست که پس از ظهور ولی عصر (ع) او نیز نازل می‌شود و در پیاده کردن عدالت اجتماعی، یار و مددکار آن مهر تابان می‌شود. از این رهگذر در مورد امام زمان (ع) ظهور تعبیر می‌شود و درباره حضرت عیسی (ع) "نزول"، و تعبیر رجعت اصطلاحی در حق آن‌ها صحیح نیست. و اما فرمان رجعت، همانند فرمان ظهور، از طرف خداوند متعال صادر می‌شود و جمعی از بندگان خالص خداوند که سال‌ها و احیاناً قرن‌ها پیش از آن، دیده از جهان فرو بسته‌اند، باز می‌گردند و تجلی قدرت خداوند را در دولت کریمه حضرت مهدی (ع) می‌بینند. (۳) سؤال مهم این است که آیا رجعت اختیاری است یا ناگفته پیداست افرادی که برای انتقام و تنبیه رجعت می‌کنند، هرگز به میل و اراده خود برنمی‌گردند، بلکه به مصداق کافر به جهنم نمی‌رود، کسان کشان می‌برند آن‌ها نیز ناگزیر تن به رجعت نمی‌دهند، که رجعت برای آن‌ها بسیار ذلت بار و سخت است. ولی در مورد مؤمنین به نظر می‌رسد که اختیاری خواهد بود نه اجباری. مفضل بن عمر می‌گوید: در خدمت امام صادق (ع) صحبت از حضرت ولی عصر (ع) شد و از افرادی که عاشقانه انتظار ظهور او را می‌کشند و پیش از نیل به چنین سعادت‌ی از دنیا می‌روند گفت و گو شد، فرمود: هنگامی که حضرت ولی عصر (ع) قیام کند، مأمورین الهی در قبر با اشخاص مؤمن تماس می‌گیرند و به آن‌ها می‌گویند: ای بنده خدا مولایت ظهور کرده است، اگر می‌خواهی به او پیوندی آزاد هستی، و اگر بخواهی در نعمت‌های الهی متنعّم بمانی باز هم آزاد هستی (۴) از این حدیث استفاده می‌شود که رجعت در مورد مؤمنان، اختیاری است. ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۷۹۲. ۲. لغتنامه دهخدا حرف راء، ص ۲۹۵. رجعت محمد خادمی شیرازی ص ۱۶. ۴. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۹۲.

رجعت پیامبران

طبق روایاتی که در تفسیر آیه ۸۱ سوره آل عمران از معصومین (ع) رسیده است، همه پیامبران در رجعت برمی‌گردند. اینک به چند روایت اشاره می‌کنیم: به خدا سوگند از زمان حضرت آدم تا رسول اکرم (ص)، پیامبری مبعوث نشد، جز این که خداوند آن‌ها را باز می‌گرداند، تا در برابر علی بن ابیطالب شمشیر بزنند. (۱) خداوند همه پیامبران و مؤمنان را برای یاری امیر مؤمنان (ع) گرد می‌آورد. در آن روز علی بن ابیطالب (ع)، پرچم رسول اکرم (ص) را در دست می‌گیرد و امیر همه

مخلوقات می شود . همه مخلوقات در زیر پرچم او قرار می گیرند و او بر همه فرمانروایی می کند . (۲) و اما در مورد رجعت برخی از پیامبران به خصوص روایاتی هست : رجعت حضرت اسماعیل (ع) ، رجعت حضرت رسول اکرم (ص) ، (۳) رجعت حضرت خضر و رجعت حضرت عیسی (ع) . از نظر این که حضرت عیسی (ع) به نص قرآن به آسمان ها رفته است ، بازگشت او از آسمان ها به روی زمین یک نوع رجعت است ، ولی رجعت اصطلاحی نیست . ولی مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب ایقاظ ، از نزول حضرت عیسی (ع) به رجعت تعبیر نموده است . (۴) ۱ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۴۱ تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۸۱ تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۹۵ . ۲ . تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۹۵ نور الثقلین ج ۱ ص ۳۰۳۵۹ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۴۶ تفسیر برهان ج ۳ ص ۲۳۹ . ۴ . ایقاظ ص ۳۲۴ بحار الانوار ج ۴ ص ۳۳۶

رجعت امامان

رجعت امامان (ع) در قرآن کریم و روایات و زیارت ها آمده است . در قرآن آمده است : ان الذی فرض علیک القرآن لرادک الی معاد (۱) آن کسی که قرآن را بر تو فرو فرستاد به یقین ، تو را به وعده گاهت باز می گرداند . امام سجاد (ع) در تأویل این آیه شریفه فرمود : پیامبر شما و امیر مؤمنان و امامان اهل بیت ، در عصر ظهور به دنیا باز می گردند . (۲) در روایتی امام صادق (ع) می فرماید : نخستین کسی که در جریان رجعت به دنیا باز می گردد ، امام حسین (ع) است . (۳) و فرمود : حسین (ع) به اراده حکیمانه خداوند به دنیا باز می گردد و حضرت مهدی (ع) انگشتر سلیمان را به همراه زمام امور جامعه به او می سپارد ، و او کسی است که قائم (ع) را پس از یک زندگی طولانی و شکوهمبار که از دنیا می رود ، غسل می دهد و به خاک می سپارد . (۴) نیز در تأویل آیه شریفه قرآن ثم ردنا لکم الکرة علیهم (۵) می فرماید : حسین (ع) با حدود هفتاد نفر از یاران خویش به خواست خدا به دنیا باز می گردد در همان حال ، حضرت مهدی (ع) نیز در میان یاران حسین (ع) و مردم است . آن گاه هنگامی که عرفان و ایمان مردم نسبت به رجعت حضرت حسین (ع) استوار گردید ، پایان زندگی امام مهدی (ع) فرا می رسد . امام حسین (ع) امور مربوط به غسل و نماز و به خاک سپاری پیکر پاکش را به عهده می گیرد ، چرا که پیکر مطهر امام معصوم (ع) را تنها همانند او باید غسل و کفن کند و پیکر او نماز بگذارد و او را به خاک سپارد . (۶) در زیارت نامه های رسیده از جانب امامان راستین نیز ، مسأله رجعت به طور صریح بیان شده است . امام صادق (ع) از رجعت حضرت علی (ع) سخن می گوید و توضیح می دهد که برای آن حضرت چندین بار رجعت است (۷) خود حضرت امیر (ع) نیز در ضمن خطبه مفصلی فرمودند : برای من بازگشت پس از بازگشت و رجعت پس از رجعت است ، من صاحب رجعت ها هستم ، من صاحب صولت ها و شوکت ها هستم ، من صاحب دولت ها و قدرت ها هستم (۸) از نظر روایات ، تردیدی نیست که منظور از دابة الارض در آیه ۸۲ سوره نمل ، رجعت حضرت علی (ع) می باشد . امام باقر (ع) از حضرت علی (ع) نقل می کنند که فرمود : به من شش فضیلت داده شده : ۱ . علم منیا و بلایا و وصایا به من داده شده ۲ . سخن فصل جداکننده حق و باطل به من عطا شده ۳ . من صاحب رجعت ها هستم ۴ . فرمانروایی کل به من داده شده ۵ . من صاحب عصا و میسم هستم ۶ . من دابة الارض هستم که با مردم سخن خواهم گفت . (۹) ۱ . سوره قصص ۲۸۵ . ۲ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳۲ تفسیر برهان ج ۳ ص ۲۳۹ . ۳ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۴۰۶۳ . همان ص ۱۰۳ . ۵ . سوره اسراء ۶۰۶ . ۶ . کافی ج ۸ ص ۲۰۶ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۵۶ تفسیر برهان ج ۲ ص ۷۴۰۶ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۷۵ . ۸ . همان ص ۴۶ تفسیر صافی ج ۱ ص ۳۲۶ تفسیر برهان ج ۳ ص ۹۰۱۴۹ . تفسیر برهان ج ۳ ص ۲۰۹ نور الثقلین ج ۴ ص ۹۷ تفسیر صافی ج ۴ ص ۷۵ .

رجعت در ادعیه و زیارات

یکی از عالی ترین منابع عقیدتی و والاترین معارف مذهبی شیعه ، دعاها و زیارت های وارده از ائمه معصومین (ع) می باشد . در مورد رجعت ، مطالب فراوانی در دعاها و زیارت های مأثوره یافت می شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم : ۱ . زیارت جامعه : معترف بکم مومن بایابکم مصدق یرجعتکم منتظر لامرکم مرتقب لدولتکم (۱) به شما ایمان دارم ، بازگشت شما را باور دارم ، رجعت شما را تصدیق می کنم ، امیر شما را انتظار می کشم و دولت شما را چشم به راهم . ۲ . زیارت رسول اکرم (ص) : اِنِّی لِمِنْ الْقَائِلِیْنَ بِفَضْلِکُمْ مَقْرَبِیْ بِرَجْعَتِکُمْ (۲) من به مقام والای شما معتقدم ، به رجعت شما باور دارم . ۳ . زیارت امام حسین (ع) : فقلبی لکم مسلم انی من المومنین برجعتکم (۳) قلب من تسلیم فرمان شماست . . . من به رجعت شما باور دارم . ۴ . زیارت وارث : انی بکم مؤمن و بایابکم موقن (۴) من به شما ایمان دارم و بازگشت شما را یقین دارم . ۵ . زیارت اربعین : واشهد انی بکم مومن وبایکم موقن . ۶ . زیارت حضرت ابوالفضل (ع) : انی بکم وبایابکم من المومنین (۵) ۷ . زیارت حضرت بقیه الله (ع) در فرازی از زیارت آن حضرت در روز نیمه شعبان آمده است : فان ادرکنی الموت قبل ظهورک فانی اتوسل بک وباباتک الطاهرین الی الله تعالی واسئله ان یصلی علی محمد و آل محمد وان یجعل لی کره فی ظهورک و رجعه فی ایامک لا بلغ من طاعتک مرادی و لشفعی من اعدائک فوادی (۶) اگر پیش از ظهور تو ، مرگ مرا دریابد ، به وسیله تو و پدران بزرگوارت به خدای تبارک و تعالی متوسل می شوم و از او می خواهم که به محمد و آل محمد صلوات بفرستد و برای من بازگشتی در ظهور تو و رجعتی در روزگار تو قرار دهد ، تا به مقصود خود در زمینه اطاعت تو نائل شوم و دلم از دشمنان تو خنک شود . ۸ . زیارت آل یاسین : وان رجعتکم حق لا ریب فیها (۷) . زیارت رجبیه : حتی العود الی حضرتکم والفوز فی کرتکم (۸) ۱۰ . دعای عهد : اللهم ان حال بینی و بینة الموت الذی جعلته علی عبادک حتما مقیضا فاخرجنی من قبری (۹) خدایا اگر مرگی که بر همه بندگان قطع و مسلم کرده ای ، میان من و ظهور مولایم جدایی بیندازد ، مرا از قبر بیرون بیاور . ۱ . بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۱۸۹ . ۲ . بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۱۶۹ و ج ۵۳ ص ۹۸ . ۳ . بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۲۰۰ . ۴ . همان ص ۳۳۲ . ۵ . همان ص ۲۷۷ و ۲۱۸ . ۶ . بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۸ . ۷ . الزام الناصب ج ۲ ص ۳۵۸ . ۸ . بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۸۲ و ۹۴ . ۹ . بحار الانوار ج ۱۰۲ ص ۱۱۱ و ج ۵۳ ص ۹۶ .

رجعت در روایات

روایاتی که بیانگر زنده شدن مردگان ، پیش از فرا رسیدن رستاخیز باشد ، بسیار است و بر سه بخش قابل تقسیم می باشند : ۱ . انبوه روایاتی که از زنده شدن مردگان به دست پیامبران گذشته سخن می گوید و این دسته بسیار است . ۲ . روایاتی که تصریح می کند که به دعای خالصانه پیامبر (ص) و به دست او مردگانی زنده شدند . ۳ . روایاتی که نشانگر آن است که بر اثر دعای برخی از امامان معصوم (ع) برخی مردگان زنده شدند . این سه دسته روایات ، هر کدام دلیل بر امکان رجعت و زنده شدن برخی از مردگان ، پیش از روز رستاخیز است و اما روایاتی که از رجعت سخن می گوید ، بسیار است و بر دو بخش قابل تقسیم ۱ . روایاتی که به صراحت از رجعت سخن می گوید ، ۳ . زیارت هایی که به وسیله آنان ، امامان راستین را زیارت می کنیم ، و نیز دعا هایی که در مناسبت های گوناگون خوانده می شود که از هر دو دسته می توان بر مسأله رجعت استدلال کرد . روایات که دلالت شان روشن است اما زیارت ها و دعاها نیز بدان دلیل که از ائمه معصومین (ع) رسیده است ، مانند روایات ، دارای پیام است . (۱) مأمون خلیفه عباسی از حضرت رضا (ع) پرسید : در مورد رجعت چه می فرماید امام فرمود : رجعت درست است و در میان امت های پیشین بوده است و قرآن از آن سخن گفته و پیامبر (ص) فرمود : در این امت ، درست همه آن چه در امت های پیشین رخ داده است ، بی کم و کاست ، همان گونه رخ خواهد داد . (۲) امام صادق (ع) نیز فرمود : ایام الله سه روز است : روز قیام قائم ، روز رجعت و روز رستاخیز (۳) هر پژوهشگر با انصافی که روایات اهل بیت (ع) را درباره رجعت مورد پژوهش قرار دهد ، بدون تردید به متواتر بودن این احادیث معتقد می شود . علامه مجلسی در این رابطه می فرماید : اگر احادیث رجعت متواتر نباشد ، دیگر

در هیچ مورد نمی توان ادعای تواتر کرد. (۴) شیخ حر عاملی در کتاب ایقاظ، ۵۲۰ حدیث پیرامون رجعت نقل کرده است (۵) واز محدث جزایری در شرح تهذیب نقل شده که ۶۲۰ حدیث در پیرامون رجعت دیده است. ۱. امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور سید محمد کاظم قزوینی ص ۸۰۰. ۲. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۵۹۹ عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۲۰۱. ۳. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۴۰۶۳. بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۲۲ و ۱۲۳. ۵. ایقاظ ص ۴۳۰.

رجعت در قرآن

در قرآن کریم آیات متعددی است که امامان اهل بیت (ع) آن ها را به مسأله رجعت تفسیر کرده اند. روشن است که ائمه معصومین (ع) مترجمان و مفسران حقیقی وحی الهی هستند و قرآن در خانه آنان فرود آمده و صاحبان خانه، از آن چه در خانه است، از همگان آگاه تر و داناترند. برخی از دانشمندان معاصر، ۶۷ آیه از آیات قرآن را تأویل به رجعت کرده اند. در قرآن کریم آمده است: و یوم نَحْشُرُ من کل أمتة فوجا (۱) و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را دروغ انگاشتند، محشور گردانیم. از امام صادق (ع) روایات متعددی در تأویل این آیه شریفه در مورد رجعت رسیده است. از جمله این روایت است که: مردی به امام صادق (ع) گفت: اهل سنت می پندارند که این آیه شریفه درباره روز قیامت است. حضرت فرمود: آیا خداوند در روز رستاخیز از هر امتی گروهی را محشور می سازد و بقیه آنان را و می گذارد؟ هرگز این آیه در مورد رجعت است که برخی را زنده می سازد. این آیه شریفه در مورد قیامت است که می فرماید: و حَشَرْنَا هُمُفَلَم نَعَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا (۲) و همه آنان را گرد خواهیم آورد و هیچ یک را فروگذار نخواهیم کرد. و نیز درباره آیه شریفه و یوم نَحْشُرُ من کل أمة فوجا، فرمود: همه انسان های با ایمانی که به ناحق کشته شده باشند، رجعت می کنند و پس از آن از دنیا می روند. رجعت برای مؤمنان خالص و نیز کافران محض است. (۳) درباره آیه شریفه: ربنا امتنا اثین واحییتنا اثنتین (۴) پروردگارا ما را دو بار میراندی و دو بار زنده ساختی، امام باقر (ع) فرمود: این آیه مخصوص گروه هایی است که پس از مرگ بار دیگر به همین دنیا رجعت می کنند. (۵) و امام رضا (ع) فرمود: این آیه شریفه در مورد رجعت است (۶) درباره آیه شریفه انا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الاَشهاد (۷) ما پیام آوران خویش و ایمان آورندگان را در زندگی دنیا و در روز قیامت که شاهدان برای شهادت به پای می خیزند، یاری می کنیم؟ امام صادق (ع) فرمود: به خدا سوگند که این یاری رسانی، در رجعت خواهد بود، آیا نمی دانی که بیشتر پیامبران خدا در دنیا به پیروزی ظاهری نرسیده و به شهادت نائل آمدند، همین گونه امامان راستین با این بیان، این وعده پیروزی در هنگام رجعت خواهد بود. (۸) پس در پرتو آیات وحی ثابت گردید که رجعت، یک واقعیت تردید ناپذیر است. ۱. سوره نمل ۲۰۸۳. سوره کهف ۴۷. ۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۶ تفسیر برهان ج ۳ ص ۳۱۰. ۴. سوره مؤمن ۱۱. ۵. تفسیر برهان ج ۴ ص ۹۳. ۶. همان. ۷. سوره مؤمن ۵۱. ۸. بحار الانوار ج ۵۳.

رجعت و اندیشمندان

علامه مجلسی پس از این که دیدگاه اندیشمندان و علمای شیعه را درباره مسأله رجعت توضیح می دهد، می نویسد: چگونه یک انسان با ایمان می تواند به درستی دیدگاه امامان اهل بیت (ع) در مورد واقعیتی که در حدود دویست روایت صحیح، به صورت متواتر، آن هم به وسیله چهل نفر از شخصیت های بزرگ و علمای نامدار و مورد اعتماد که در فراتر از پنجاه کتاب ارزشمند خویش آن را آورده اند، تردید روا دارد چهره های سایسته ای چون: کلینی، صدوق، طوسی، سید مرتضی، نجاشی، کَشی، عیاشی، علی بن ابراهیم، سلیم هلالی، مفید، کراجکی، نعمانی، سعد بن عبدالله، صفار، ابن قولویه، علی بن عبد الحمید، ابن طاووس، مؤلف کتاب التزیل والتحریف، طبرسی، ابراهیم بن محمد ثقفی، محمد بن عباس، برقی، ابن شهر آشوب، حسن بن

سلیمان ، قطب راوندی ، علامه حلی ، سید بهاء الدین علی بن عبدالکریم ، احمد بن داوود ، حسن بن علی ، علی بن حمزه ، فضل بن شاذان ، شهید محمد بن مکی ، حسین بن حمدان ، حسن بن محمد ، حسن بن محبوب ، جعفر بن محمد ، طهر بن عبدالله ، شاذان بن جبرئیل ، صاحب کتاب الفضائل ، مؤلف کتاب العتیق ، مؤلف کتاب الخطب و دیگر نویسندگان و راویان بزرگ و مورد اعتمادی که کتاب های آنان نزد ما موجود است و آنان را به طور مشخص نمی شناسیم . (۱) شیخ حر عاملی در کتاب پراج ایقاظ ۵۲۰ حدیث در پیرامون رجعت نقل کرده است . (۲) از محدث جزایری در شرح تهذیب نقل شده که ۲۰ ، حدیث در پیرامون رجعت دیده است . (۳) ۱ . امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور رسید محمد کاظم قزوینی ص ۲۸۱ . ایقاظ ص ۳۰۴۳۰ . بیان الفرقان ج ۵ ص ۲۸۸

رجعت در امت های پیشین

در ده ها حدیث از رسول اکرم (ص) از طریق شیعه و سنی نقل شده که آن چه در امت های پیشین واقع شده در این امت نیز واقع خواهد شد . ما در این جا برخی آیات مربوط به وقوع رجعت در میان پیشینیان را می آوریم ۱ . ثم بعثنا کم من بعد موتکم لعلکم تشکرون آنگاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید سپاسگزار باشید . (۱) این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم حضرت موسی (ع) است که حضرت موسی (ع) آنها را از میان قوم خود برگزید و با خود به طور سینا برد تا بر جریان مکالمه اش با خدا و گرفتن الواح از جانب خدا شاهد باشند ، و در نتیجه بنی اسرائیل صدور الواح را از جانب خدا تکذیب نکنند . چون به طور رسیدند و مکالمه حضرت موسی را با خدا مشاهده کردند ، گفتند : ای موسی ما به تو ایمان نمی آوریم مگر این که خداوند را آشکارا به ما بنمایانی ، هر چه حضرت موسی آنها را از این خواسته جاهلانه منع کرد ، آن ها بر خواهش خود اصرار ورزیدند تا سرانجام صاعقه آمد و همه آنها را نابود کرد . حضرت موسی (ع) عرضه داشت بار پروردگارا اگر این هفتاد نفر زنده نشوند ، من چگونه به سوی قوم بروم ؟ آن ها مرا به قتل متهم خواهند کرد . خداوند بر او منت نهاد و آنها را زنده کرد و همراه حضرت موسی به سوی خانه و کاشانه خود بازگشتند . در مورد سرگذشت این هفتاد نفر هیچ اختلافی نیست و صریح قرآن است که آنها در اثر صاعقه جان سپردند و به درخواست حضرت موسی (ع) از نو زنده شدند که معنای " رجعت " چیزی جز زنده شدن پس از مرگ! نیست . در این آیه ، قرآن کریم تعبیر مرگ را به کار برده تا تصور نشود که آنها مثلا به خواب رفته بودند و یا غش کرده بودند ، بلکه صریحاً می فرماید : شما را پس از مرگتان برانگیختیم . عبدالله بن ابی بکر یشکری به خ...R...امیر مؤمنان (ع) عرض کرد : گرومی از اصحاب شما خیال می کنند که پس از مرگ یک بار دیگر زنده شده به این جهان باز می گردند . امیر مؤمنان به استناد آیاتی از قرآن کریم ، در مورد رجعت استدلال نمودند و در پایان فرمودند : این هفتاد نفر برگزیدگان حضرت موسی پس از مرگ زنده شدند و به خانه های خود بازگشتند ، آنگاه مدتی زندگی کردند غذا خوردند ، ازدواج کردند صاحب اولاد شدند و پس از فرا رسیدن اجلشان از دنیا رفتند . (۲) آیه شریفه به خوبی امکان رجعت را اثبات می کند ، به خصوص که امیر مؤمنان در حدیث فوق با این آیه به امکان رجعت استدلال نموده است . (۳) ۲ . واد قتلتم نفسا فاداراتم والله مخرج ما کنتم تکنمون فقلنا اضربوه ببعضا کذلک یحیی الله الموتی و یریکم لعلکم تعقلون به یاد آورید هنگامی را که فردی را به قتل رساندید . سپس درباره قاتل او به نزاع پرداختید و خداوند آنچه را که مخفی می کردید آشکار می سازد . پس گفتیم که قسمتی از گاو را به مقتول بزنید تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد ، شاید عقل خود را به کار ببرید . این آیات در پیرامون حادثه قبلی است که در بنی اسرائیل روی داد و به امر خدا گاوی ذبح گردید و قسمتی از بدن گاو به مقتول زده شد و مقتول زنده شد و قاتل خود را معرفی کرد . داستان از این قرار است : در میان بنی اسرائیل پیرمردی بود که ثروتی سرشار و نعمتی بی شمار و پسری یگانه داشت که پس از مرگ پدر همه آن ثروت به او منتقل می شد ، ولی عموزاده گانش که

تهی دست بودند بر او حسد کردند و او را به قتل رسانیدند و جسدش را در محله قومی دیگر انداختند و تهمت قتل را به آنها بستند و به خونخواهی برخاستند. اختلاف شدیدی پدید آمد و کار پیکار به محضر حضرت موسی (ع) کشیده شد تا در میان آنها داوری کند. حضرت موسی (ع) به وحی خدا فرمود تا ماده گاوی ذبح کنند و زبان آن گاو را بر تن مقتول بزنند تا زنده گردد و قاتل خود را معرفی کند. هر گاو ماده ای را که ذبح می کردند کفایت می کرد، ولی با پرسش های بیجا کار خود را دشوار ساختند و در هر بار نشانه هائی گفته شد که آن نشانه فقط با یک گاو تطبیق نمود که از آن کودکی یتیم بود. به ناگهیرانرا به قیمت بسیار گزافی خریدند و سر بریدند و قسمتی از بدن گاو را به بدن مقتول زدند، او با قدرت الهی زنده شد و گفت: ای پیامبر خدا مرا پسر عمومیم به قتل رسانید. است، نه آن ها که به قتل متهم شده اند. حضرت موسی (ع) امر فرمود پسر عمومیش را قصاص کردند. (۴) از امام حسن عسکری (ع) روایت شده که شخص مقتول ۶۰ سال داشت. هنگامی که به اذن خدا زنده شد، خدای تبارک و تعالی ۷۰ سال دیگر به او عمر داد و ۱۳۰ سال عمر کرد و تا پایان عمر از نشاط و تندرستی و سلامتی حواس برخوردار بود (۵) در این آیه تصریح شد که آن مقتول پس از کشته شدن یک بار دیگر زنده شد و طبق اخبار ۷۰ سال دیگر زندگی کرد و "رجعت" چیزی جز این نیست. این آیه دلیل روشنی بر امکان رجعت و امکان آفرینش مجدد انسان در رجعت و قیامت است. ۳. الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الیوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم ان الله لذو فضل علی الناس و لكن اکثر الناس لا یشركون. آیا ندیدی آنان را که از بیم مرگ از خانه های خود بیرون رفتند و آن ها هزاران تن بودند، پس خداوند به آنها گفت: بمیرید. سپس آنان را زنده کرد، بی گمان خدا بر مردم صاحب فضل است و لكن بسیاری از مردم سپاسگزاری نمی کنند (۶) این آیه در مورد قومی است که از ترس طاعون از وطن خود گریختند و خداوند آن ها را مدتی طولانی بمیراند و به سبب دعای یکی از پیامبران به نام حزقیل همه آنها را زنده کرد و روزگاری زندگی کردند و به اجل طبیعی از دنیا رفتند (۷) آیه ۲۵۹ سوره بقره در مورد "عزیر" است که روزی در مسیر خود به دهکده ویرانی رسید که دیوارهای خراب و سقف های واژگون و استخوان های پوسیده و بدن های از هم گسیخته سکوت مرگباری را به وجود آورده بود. عزیر از الاغ پیاده شد و زنبیل های انجیر و انگور را پهلوی خود گذاشت و افسار الاغ را بست و به دیوار باغ تکیه داد و دوباره آن مردگان به اندیشه پرداخت، که این مردگان چگونه زنده می شوند و این پیکرهای پراکنده شده چگونه گرد می آیند و به صورت پیشین برمی گردند. خداوند در این حال او را قبض روح کرد و صد سال تمام در آن جا بود و بعد از صد سال خداوند او را زنده کرد. چون عزیر زنده شد تصور کرد که از خوابی گران برخاسته است. پس به جست و جوی الاغ و زنبیل ها و کوزه آب پرداخت. فرشته ای به سوی او آمد و پرسید: ای عزیر چه مدت در این جا درنگ کرده ای؟ گفت: یک روز و یا قسمتی از یک روز. فرشته گفت: بلکه تو صد سال در این جا درنگ کرده ای. در این صد سال طعام و نوشابه ات تغییر نکرده است، ولی الاغت را ببین که چگونه استخوان هایش از هم پاشیده است. اکنون بنگر که خداوند چگونه آن را زنده می سازد. عزیر تماشا می کرد و می دید که استخوان های الاغ به یکدیگر متصل شد و گوشت آن ها را پوشانید و به حالت اولیه برگشت. هنگامی که عزیر به شهر باز آمد و به کسان خود گفت من عزیر هستم باور نکردند، پس تورات را از حفظ خواند. آن گاه باور کردند، زیرا کسی جز او تورات را از حفظ نداشت. (۸) از امیر مؤمنان (ع) روایت شده که هنگامی که عزیر از خانه بیرون رفت همسرش حامله بود و عزیر ۵۰ ساله بود، چون به خانه اش بازگشت او با همان طراوت ۵۰ سالگی بود و پسرش ۱۰۰ ساله بود. (۹) داستان عزیر یکی از روشن ترین ادله رجعت است که معصومین (ع) به آن استدلال نموده اند و دانشمندان شیعه در طول چهارده قرن در کتاب های تفسیری و عقیدتی به آن استناد نموده اند که از آن جمله است شیخ طوسی در تبیان، شیخ مفید در اجوبه مسائل عکبری، شیخ صدوق در اعتقادات، شیخ طبرسی در احتجاج و شیخ حر عاملی در ایقاظ و... (۱۰) نظیر این داستان در مورد "ارمیا" یکی از پیامبران بنی اسرائیل نیز نقل شده که داستانش بسیار شیرین و مفضل است که برای اختصار از نقل آن صرف نظر می کنیم. علاقمندان به منابع یاد شده در پاورقی مراجعه فرمایند (۱۱) روایات وارده از معصومین (ع) در مورد

ارمیا و "عزیر" به قدری فراوان است که برای خواننده اطمینان می آورد که این داستان دو بار اتفاق افتاده ، یک بار برای ارمیا و یک بار دیگر برای عزیر از این رهگذر مرحوم فیض کاشانی نیز پس از نقل روایات وارده می فرماید : این احادیث را می توانیم چنین جمع کنیم که این داستان دو بار روی داده است ، یک بار برای ارمیا هنگامی که کشته های بخت نصر را دید و در مورد زنده شدن آن ها در اندیشه فرو رفت و یک بار دیگر برای عزیر هنگامی که جنازه های اصحابش را روی هم انباشته دید و در مورد برانگیخته شدن آن ها به فکر فرو رفت (۱۲) داستان مردی که صد سال مرد و سپس به زندگی بازگشت ، عزیر ، ارمیا و یا هر دو برای اثبات امکان رجعت به قدری روشن و صریح است که به هیچ توضیحی نیاز ندارند (۱۳) مواردی از رجعت در عهد امامان معصوم (ع) اتفاق افتاده که هفتاد مورد آن را محدث بزرگوار مرحوم شیخ حرّ عاملی گردآورده است . (۱۴) فضل بن شاذان از اصحاب امام رضا (ع) بیش از ده مورد از موارد رجعت در امت اسلامی را از طریق اهل سنت در کتاب ایضاح خود نقل کرده است . (۱۵) ده ها روایت از طریق شیعه سنی به ما رسیده است که هر چه در اقوام گذشته روی داده بدون کم و زیاد در این امت نیز روی خواهد داد . رسول اکرم (ص) می فرماید : آن چه در امت های پیشین واقع شده ، مو به مو در این امت نیز واقع خواهد شد . از آن چه آوردیم ، نتیجه می گیریم : ۱ . رجعت در امت های پیشین واقع شده است . ۲ . آن چه در امت های پیشین واقع شود ، در امت اسلامی نیز واقع خواهد شد . ۳ . ده ها آیه از قرآن کریم از وقوع رجعت در امت اسلامی خبر داده است چند مورد در امت اسلامی واقع شده و هزاران مورد دیگر پس از قیام قائم (عج) واقع خواهد شد . روی این بیان هر کس به قرآن و آورنده آن ایمان داشته باشد راهی ندارد جز اینکه رجعت را نیز باور کند . ۱ . سوره بقره ۲۵۶ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۷۳ و ۱۲۹ تفسیر برهان ج ۱ ص ۱۰۱ و تفسیر صافی ج ۴ ص ۷۷ . ۳ . تفسیر صافی ج ۱ ص ۱۱۹ . ۴ . تفسیر برهان ج ۱ ص ۱۰۸ - ۱۱۲ نور الثقلین ج ۱ ص ۸۷ - ۸۹ تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۴ - ۱۳۰ المیزان ج ۱ ص ۲۰۴ . ۵ . تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۹ تفسیر برهان ج ۱ ص ۱۱۰ . ۶ . سوره بقره ۲۴۳ . ۷ . المیزان ج ۲ ص ۲۸۳ تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۳۴ و روضه کافی ج ۱ ص ۲۸۲ . ۸ . تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۶۹ مجمع البیان ج ۱ ص ۳۷۰ و تفسیر کشاف ج ۱ ص ۳۰۷ . ۹ . مجمع البیان ج ۱ ص ۳۷۰ تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۶۹ . نور الثقلین ج ۱ ص ۲۶۹ تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۴۹ . ۱۰ . بحار الانوار ج ۵۳ ص ۲۸ - ۱۳۱ و الا - یقاز ص ۷۹ . ۱۱ . تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۴۶ - ۲۴۹ تفسیر صافی ج ۱ ص ۲۶۴ - ۲۶۹ تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۴۰ نور الثقلین ج ۵۱ ص ۲۶۸ - ۲۷۵ و بحار الانوار ج ۱۴ ص ۱۲۰۳۶۰ . رجعت محمد خادمی شیرازی ص ۱۱۲ . ۱۳ . الا یقاز ص ۱۸۸ - ۱۴۰۲۳۱ . الا یضاح ص ۱۸۹ - ۱۹۶ . ۱۵ . الا یقاز ص ۴۱ و ۹۹ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۵۹ و ۱۲۹ و ۴۰ .